انتشارات دانشگاه تهران
۱۶۹

فهرست

کتابخانهٔ اهدائی آقای سید محمد مشکوة

به

کتابخانهٔ دانشگاه تهران

جلد سوم

بخش یکم

کتابهای فلسفی، عرفانی و کلامی

نگارش
محمدتقی دانش پژوه

۱۳۳۲
چاپخانهٔ دانشگاه

فهرست گفتار های این دفتر

سرآغاز

وانزل الله عليك الكتاب والحكمة وعلمك
مالم تكن تعلم
(قرآن—سورة نساء – آية۱۱۳)

این دفتر بخشی است از فهرست کتابهای کتابخانه ایکه فرزانه ارجمند واستاد دانشمند دانشگاه تهران جناب آقای سیدمحمد مشکوة بیرجندی بدانشگاه تهران اهدا کردند و ازاینراه کتابخانهٔ مرکزی دانشگاه تهران‌را بنیاد گذاردند. بیگمان ازاین کار پسندیده و بسیار نیکوی ایشان همهٔ ایرانیان وهر کس که جویای دانش وهنراست خرسند وسپاسگزار میباشد. این کتابخانه درسالیان دراز گردآوری شده است وهمهٔ کتابهای آن دارای برتری ومزیتی است که گواه بردانائی وآگاهی گردآورندهٔ دانشمند آن تواند بود ومیتوان مزایای کتابها را چنین شمرد :

۱– نسخه‌های شاهانه باآرایشهای دلپسند ۲– متنهای نادر فلسفی و کلامی ۳– متن‌هائی که در روزگار مؤلف نوشته شده است ٤– نسخه هائیکه دارای خط دانشمندان یا بلاغ واجازهٔ آنهاست ٥ – متنهای اخبار که دانشمندان تصحیح نمودند ٦– متنهای چاپ نشده ۷ – متنهای فقهی بخط مؤلفان ۸– ترجمهٔ پارسی متنهای فلسفی وادبی وفقهی و اخبار .

این بخش ازفهرست مربوط بکتابهای فلسفی وعرفانی واخلاقی و کلامی است و از چگونگی ۷٦٥ کتاب در ۹۲۰ نسخه در آن سخن رفته است .

بر کتیبهٔ یکی از کاخهای اوزیمندیاس، فرعون خاندان شانزدهم نزدیک بدو هزار پیش از مسیح، که گنجینهٔ کتابهای مقدس بوده نوشته بودند:

«داروی جانها»

(ترجمهٔ دیباچهٔ کون و فساد ارسطو از لطفی سید ص ۶۷)

دیباچه

یادآوری

شماره‌ایکه در آغاز سطر و برابر نام کتاب میان‌دو کمانه دیده میشود شماره کتابی است که در این فهرست آمده و پس از شناساندن کتاب شماره نسخه‌ها میآید که درمیان سطر نوشته‌شده و نسخه ها پس از آن شناسانده میشود درهمین‌جا در گوشه‌راست شماره‌ای درشت تر وسیاه تر هست که نمایندهٔ شمارهٔ ثبت نسخه در این کتابخانه میباشد و بااین شماره باید کتاب خواسته شود. این شماره دفتری‌را میرساند که کتاب و نسخه مورد بحث شاید همه آنرا گرفته باشد یااینکه یکی از رساله‌های مندرج در آن دفتر و جنگ ومجموعه بشمار آید که درهنگام شناساندن نسخه شمارهٔ رساله وشماره برگ آن درهمین دفتر نیز گفته شد.

پیش‌ازاینکه بفهرست کتابها بپردازم ناگزیرم سخنانی چنددرباره فهرست‌نگاری بیاورم :

درباره فهرست چنین گفته‌اند : «تفصیلی باشد در ابتدای کتاب کـه درآن اظهار آنچه ازباب وفصل درآن کتاب‌شده بیان کنند» و«نوشتهٔ را گویند که‌درآن‌اسامی کتابها باشد» (برهان قاطع) نیز «الفهرست‌الکتاب‌الذی تجمع فیه‌الکتب» ابن‌منظورافریقی درلسان‌العرب وفیروزآبادی درقاموس هردو این تعریف‌را از«لیث» آورده و گفته‌اند که این واژه از«فهرست» فارسی گرفته شده است .

واژهٔ«فهرست» برابراست با«پیناکس=Pinax» یونانی که ازآن لوح‌نوشتنی وسیاهه وفهرست خواسته‌میشود. ابن‌ندیم (س۲۳چاپ۱۳٤۸) گوید: «وقدذکره‌جالینوس فی (فینکس) کتبه ومعنی هذه‌اللفظة ثبت‌الکتب» خزرجی درعیون‌الانباء (ج۱ص۸٤-۸٤ و ۹۰و۱۰۳) درسرگذشت جالینوس از«فینکس کتبه» و« کتاب بینکس وهوالفهرست» و «فهرست کتبه‌المسمی بینکس» یادمیکند(۱) وازآن، دوفهرستی‌رامیخواهد که این‌پزشك درباره نگارشهای خویش نوشت .

فهرست دوگونه است یکی کتاب شناسی‌یا «بیبلیوگرافیا» که درزبانهای اروپائی آنرا Bibliographie یـا Bucherverzeichnis یا Bibliography یا Book Writingمیخوانند .

آنراچنین‌شناسانده‌اند:«The systematic description and history of books ، their authorship printing ، publication ، edition etc» شناساندن‌بقاعده وسرگذشت کتابها وصحت استنادآن بنگارنده‌وچاپ ونشرآن وجز اینها .

این فهرست یا(Bibliographie) هم دوگونه‌است : یکی شمارش ورده‌بندی دفترها (Bib.Méthodique=فهرست روشی)دیگری سنجیدن ویافتن سرگذشت آنها (Bib.Crittque=فهرست سنجشی).

فهرست سنجشی‌را چنین‌شناسانده‌اند : رده‌بندی‌نوشته‌ها هرگونه که باشد روی‌یك پایه‌وبنیادراهنما (Cbassifieation des livres de toute espèce selon

۱ ــ درفرهنگ دوزی ومحیط‌المحیط دارد : «فنکش‌الامتعة» (درکالاها جستجو کرد تاچیزیرا بیابد) .

. (un principe directeur

و نیز چنین : سیاهه نگارشهای یك نگارنده یایك چاپ کننده و نشر دهندهٔ آن یا یك کشور یا سیاهه نوشته‌ها و نگارشهائیکه از یك چیز باز شناخته‌ای در آن گفتگو میشود

La liste des livres d'un auteur ‚d' un éditeur ou d'un) pays donnés ‚ ou celle des ouvrages traitant d'un sujet . (Particulier

با گرد آمدن ایندو تعریف چنین میشود گفت: سیاهه دفترها (هر گونه نوشته خطی وچاپی و کنده کاری وجز آن)روی یك پایه‌و بنیادراهنمای همیشگی (Liste de livres . (établie suivant un priuipe directeur constaut

پس آنچه برای کتابخانه‌ها نوشته شده سیاهه Catalogue است نه فهرست اگر چه آنهم یك فهرست کوچکی خواهد بود .

(بنگرید بآغاز Les débuts de la bibliographie méthodique از Th.Besterman چاپ ۱۹۵۰ پاریس) .

دوم نسخه‌شناسی خواه خطی یا چاپی که آنرا Catalogue (گرفتهٔ از Kata سراسر و Lego سیاهه کردن دریونانی)میخوانند ودر آن نوشته‌های یك کتابخانه شمرده وشناسانده میشود و گاهی آنرا Hand list یا liste میخوانند .

اینگونه فهرست یا سیاهه شایسته است که برروی یك پایهٔ عملی و قاعدهٔ یکنواخت منطقی بوده وهرچه شماره کتابها بیشتراست گسترده‌تر وروشن‌تر باشد .

این گونه سیاهه‌را دربرگه‌ها یافیش ازروی نام‌نگارنده کتاب وهمکاراو ونویسنده نسخه وحاشیه نگار وترجمان‌ودیباچه نویس ومطلبهای کتاب(تحلیلی) وشماره ثبت کتابخانه ورديف درجایگاه کتابهامینویسند ودر کتاب بیشترازروی‌نام کتابها مینگارند وبافهرست نامهای کسان وجایها که درپایان هرفهرست بایدباشد آنچه را که میباید نشان میدهند .

درنگارش فهرست دفترها ونسخه‌های خطی که گاهی بی‌آغاز وانجام و نابسامان و بی‌نام و از گمنام میباشد و بساخت گوناگونی هم در میآید و نویسندگان نیز در آن دست می‌برند باید آنها را دید وبچندین نسخه نگریست و بموضوع کتاب آشنا بود از اینروی در بارهٔ نام کتاب بـاید همهٔ آنرا خواند و دید که شاید در دیباچه یا میانه یاپایان‌آن نام کتاب‌آمده باشد و گرنه باید بسر گذشت نگارنده وفهرستها نگریست وصفحه عنوان‌خود نسخه‌را هم دید و بنام کتاب برخورد اگر این جستجوها بجائی نرسید بهتر است با خواندن کتاب نامی بزبان فهرست نگار تا بدانند از اوست بدان داد یا بزبان خود کتاب . در بارهٔ نام نگارنده بهترین راهنما خود کتاب است و اگر نشانی از او در نسخه ها نباشد باید بسرگذشت ها و فهرستها نگریست و با سنجیدن

آغاز وانجام یافصلها یا موضوع کتاب باآنچه دراینها آمده بجائی راه برد. آغازوانجام کتاب و نسخهٔ خطی ناگزیراست که درفهرست بیاید مگردر کتابهای چاپ شده که دسترس همه است و باید نشان داد که آغاز وانجام نسخه باچاپ شده چه جدائی دارد .

باید نوشت که در کتاب سر آغاز ودیباچه وجدولی هست و بخشهای آن چگونه است و کی ودر کجا و برای که و برای چه نگاشته شده وچند گزارش دارد و گزینی از آن شده وخرده گیری از آن کردند و ترجمه نمودند یا نه تا تاریخ کتاب بدست آید ودرشناساندن نسخه باید شهروتاریخ و نویسنده واملا کننده ومقابله کننده وخواننده وشنونده ازمؤلف یااستاد وبلاغی که هست ودارنده ونگرنده و کسی که برای او نوشته شده وسجلها ونشانه ها و مهرها (Ex libris) که در آن هست وچاپی که ازروی آن شده باید یاد گردد اگر نشانه های تاریخی وعلمی ونام دانشمندانیکه در کتاب و نسخه آمده درفهرست بیاید هم برای تاریخ کتاب وسر گذشت علمی نگارندهٔ آن وهم برای شناساندن آن گاهیکه بی نام و گمنام و ناقص باشد بسیار سودمند است و کتابخانه های دیگر با خواندن چنین فهرست میتوانند نسخه کامل یا ناقص خودرا با نسخه ناقص یا کامل این کتابخانه سنجیده بشناسند درهمه اینها ناگزیر بایستی در کتاب و نسخه درست نگریست و نسخه ها را با هم سنجید وچاپهای گوناگون را دیده وفهرستهای کتابخانه ها راخواند تا بجائی راه برد. گذشته ازاینها نوع خط وحاشیه وجای آن راو کاغذ وشمارهٔ برگها وستونها ونگارو رنگ آمیزی وجدول وسرلوح ونشانه های نسخه وجلد ونشانه وآرایش آن واندازه وسطر نیز باید یاد گردد .

چنانکه گفته شد درشناساندن نسخه خطی باید کاغذ وخط و آرایش وجلد واندازه آنرا شناساند. اینك اندکی درباره تاریخ کاغذ وانواع آن گفتگو میشود :

سر گذشت کاغذ

پیشینیان دربرگ خرما وپوست درخت ولوحهای آغشته بموم وانگم وروی وسرب وپارچه و کاغذ ساختهٔ ازپوست نی کرانه های نیل بنام پاپیروس (بردی = دوخ) که واژه Papier و Papar از آن گرفته شده مینوشتند . نوشته های بابلیان روی آجر بوده و چینیان روی کاغذ ساخته ازگیاه (حشیش و کلا) می نوشتند و کاغذ سازی نخستین از آنها است. بگفتهٔ سالشماران چینی پیش ازدوهزار سال آنها ازتوت ونارون وپنبه وبیشتر از بامبو یاخیزران کاغذ میساختند و کاغذ چینی برای گراور بهتراز کاغذ های دیگر است . گویند که در۱۲۳م تسائی لون Tsaï-Lun وزیر کشاورزی دستور ساختن کاغذراداد.

دیری بود که درتبت از پوست درختی که اندرونش مانند کتان و کنف Etoupe میبود کاغذ میساختند. ژاپونیها ازخیلی پیش بساختن کاغذ ازپوست درخت توت آشنا بودند.

مگزیکیان باستان ازبرگ صبرزرد یاعود (aloès) وپوست درخت خرما که از پیش آماده اش میکردند در کاغذسازی بکارمیبردند .

هندیها روی مس وسنك و پرنیان سفید وطومار مصری مینوشتند . اینگونه پرنیان

که مردم دیگر نیز بکار میبردند گاهی با انگم آلوده شده و پس از زدودن و روشن ساختن آن برای نوشتن بکار میرفت(۱) .

هندیها در گذشته برای نوشتن برگه های نازك و سفید پوست درخت سندر (غان) بنام«bhoy-patr» که بفراوانی در کوهستان پر برف هیمالیا میروئیده نیز بکار میبردند چنانکه بومیان امریکا نیز روی چنین پوستی نگار میکردند. نویسندگان هند پیش از سده چهارم پیش از مسیح روی پارچه پنبه‌ای نیز مینوشتند و گویا روی آن را از خمیری ساختهٔ از تخم تمرهندی (Imli) پوشانده و با ذغال چوب سیاه کرده و با رنك سفیدی مینگاشتند. تاریخ نگار رومی کوئینتوس کورتیوس Quintus Curtius از پوست درخت نوشتنی در روزگار یورش اسکندر بهند یاد میکند که درهند بکار میرفت . اکنون هم آن پوست برای طلسم و پیپ تنباکو بکار میرود. هندوها و بودائیان شمال بدان نام«لخان» که نوشته را میرساند و بنویسنده و دفتردار«لخاك» و بخامه«لخانی» میداده‌اند. آنها روی آن پوست را روغن مالیده و روشن میساختند مگر اینکه این پوست در گرما خشك میشد و میشکافت و رویش کنده میشد و با نم کشیدن هم‌دانه‌ها و قارچهائی روی آن میروئید که پاك نمیگشت . این بود که دانشمندان و بازرگانان کشمیر بزودی کاغذ را بکار بردند .

در هند و برمه و سرندیب روی برگ درختان نیز مینوشتند چنانکه درمدرس و جنوب هند امروزه نیز برای کتابهای خطی همان برگ بکار میرود .

درآسام برگ‌داربو(agar) و درسرندیب روی برگ خرمای هندی(bal-tar) و سرندیبی (tali) نیز مینوشتند بدینگونه که باخامهٔ فلزی روی برگها خراشیده و شکافته و با انباشتن شکافها با یك رنك سیاه روغنی نوشته رامی نمودند آنگاه برگها را دوسوراخ کرده و نخ میکشیدند و بساخت کتابی درمیآمد . همینکه مرزهای کشمیر بروی بیگانگان بازشده و ایرانیان بدانجاراه یافتند ساختن کاغذ را که ازچینیان فراگرفته بودند نخستین بار بدانجا برده و زین‌العابدین فرمانروای کشمیر نزدیك ۸۵٤ (١٤٥٠) در بـاغ شاهانه نوشر Nowsher کارخانه‌ای بنیاد نهاد(۲) .

مصریها پاپیروس یا بردی بکارمیبردند و همین نوع کاغذ بود که بیونان رفت. درسده ۷ پیش از مسیح بگـواهی هرودتس و توکودیدس و کسینوفانس و افلاطون وارسطو در

---

۱ ـ بنگرید : فهرست ابن ندیم ـ خطط‌الشام کرد علی ج ٦ ص ۱۸۵ ـ فرهنگ تاریخ Dictionnairdes dates از M.A.-L.D'Harwonville چاپ پاریس در دوجلد بسال ۱۸٤٥ درواژه «Papier» .

۲ـ بنگرید بدیباچهٔ: Papermaking by hand in India.byDard Hunter چاپ نیویورك بسال ۱۹۳۹ .

یونان وایران بآسانی روی آن می نوشتند ویونانیان پوست بز و گوسفند نیز بکار میبردند وازدیرباز آنها بکتاب «دفتر» و «پوست» میگفتند و نام «بیلبیا» هم که بکتاب داده‌اند گرفته از نام «بردی» مصراست که از آن بادبان وبوریا وپارچهٔ پوشیدنی وپرده وموزه و ریسمان و کاغذ میساختند. کتاب در آنروزگار باندازه ای فراوان بود که پیزیستراتس فرمانروای آتن درسده ۶ وپلیکراتس فرمانروای ساموس کتابخانه‌ای بنیاد کردند.

درروزگار سقراط هم کتاب فراوان بوده وارسطو ازاندازه‌های گوناگون کتابها واینکه چرا خواندن برخی‌را بخواب میبرد ودسته‌ای اگر بخواهند بیدار بمانند بکتاب‌می نگرند یاد میکند.

کاغذهای یونان هم از بردی بوده‌وآن درآبگیرها ودررودخانهٔ نیل آنجاهائیکه آب میایستاد میروئید وگودی آن ازدو ارش بیشتر نبود و کلفتی ریشهٔ خمیدهٔ آن نزدیك بیك ارش میرسید وتنهٔ آن سه پهلو وازپائین ببالا نازك‌تر و گاهی آنهم خیلی کم ، ازده ارش بیشتر میگردید. ریشه آنراهیزم‌میکردندو گاهی هم آوند ازآن میساختند. ازتنه‌چوبین آن کشتی کوچك واز پوست آن بادبان و بوریـا وپوشاك وپرده وریسمان میساختند . بردی مصر ازبردی سوریا و کنار فرات نزدیك بابل درساختن کاغذ بهتر بود. بردی را بچندین نوار بسیارنازك وپهن بخش میکردند وبهترین نوارها ازمیانهٔ آن بود وبهمینگونه تا برسد بکنارآن. نوارهای درونی برای کاغذ کتابهای دینی بکار میرفت که پهنایش بیش از ۱۱ انگشت نبوده است پس ازآن نوارهای دیگر که کاغذهای پست‌تری درست میشدتامیرسید بنوارهائیکه برای کاغذ بازرگانی برای آوند وپیچیدن کالا بکار میرفت سرانجام میرسید بپوست بردی که‌مانندخیزران برای ریسمان بکارمیرفت ودرآب فرسوده نمیشد.

ازهمه این نوارها بدینگونه کاغذ میساختند که آنهارا روی خوانی خیس شده باآب نیل دارای لای(طمی) میگستردند تا بهم بچسبد ودنباله‌های آنهارا می بریدند که دردرازا یکسان شوند سپس نوارهای دیگری بپهناروی آنها میگذاردند تـا بمانند داربست شود آنگاه آنهارازیر منگنه میگذاشتند کاغذیکه بدست میآمد درآفتاب گذارده خشك میشد سپس رویهم میگذاشتند تابندهای آن که هریك بیست برگ بیشتر نبود بدست آید بهترین کاغذها آن بود که بپهنای۱۳انگشت باشد کاغذبنازکی وسختی‌وسفیدی وروشنی‌وزدودگی آن سنجیده میشد. امپراتورکلودیوس درنیکو ساختن کاغذ اوگوستوس کـه نازکترین و روشنترین پاپیروس بوده‌است. کوشید بدینگونه که تارآن‌را ازدرجـه دوم وپودش را از درجه یکم کرد و بدینروش پهنای آن در«فرخ» بزرك بیك ارش‌میرسید. کاغذکلودیوس را در کتاب واوگوستوس‌را درنامه بهترمی پسندیدند .

کاغذرا باپاره عاج یاگوش ماهی نرمی مهره کشیده روشن میساختند آنهم‌تااندازه

اینکه حبریا مرکب روی آن نلغزد و نوشته‌شود وحرفها زودپاك نشوند. آب نیل گلنا کـ (حمثی) اگر درریختن آن روی کاغذ در آغاز کاردقت نمیشد بوئی در آن میگذارد که شناخته میگردید و پیسه ولك در آن میماند که ناگزیر بایستی جای آنرا شکافت تا لك برود وطوری دوخت که خریدار درنیابد مگر پس ازبکار بردن که مرکب درجاهای دوخته خورد شده و نوشته درست خوانده نمیشد . اینگونه کاغذ اگر خوب درست میشد دیری میماند چنانکه درتابوت نوماپومپلیوس نوشته‌ای ازهمین کاغذ پس از ٥٣٥ سال یافته‌اند وپیداستکه‌در آن روزگار رومیها آن‌را بکار میبردند(۱)

رومیها ازپیش روی‌پوست درخت می‌نوشتند و مردم پرگامس نخستین‌بار رق یـا پوست جانوران رابکار بردند وتا پیدائی کاغذ دادستدآن رایج بوده است .

ایرانیها روی پوست برآمده گاومیش وگوسفند وجانوران بیابانی وسنگهای‌سفید نازك (لخاف) وشاخ خرما (عسیب) وشانه شترو گوسفند مینوشتند .

از٦٥٢م کاغذ ابریشمی نیزبکار میبردند. اسکندر گاهیکه پارس را بگشود نوشته هائی روی‌سنك وچوب یافت وآنچه‌را میخواست بگرفت وبازمانده را سوزاند .

تازیان که نزدیك بآنان بودند نیزازآنها پیروی نموده روی اینها می‌نوشتندچنانکه پیامبر نامه‌های خویش‌را روی پوست وچرم(ادم) می‌نوشت ویاران اوقرآنرا روی‌پوست نازك شده (رق) وعسیب ولخاف می‌نوشتند تااینکه معاویه پسرابی سفیان درديوان‌انشاء کاغذ (ورق) بکار بردتا دیوان خلافت ازدیگر دیوانها جداباشد. هارون‌رشیدچون‌دید که کاغذ (ورق) فراوان شده وکارخانه‌های آن بسیار گشت دستور داد جزدرکاغذ ننویسندچه پوست سائیده میشود و میتوان درش دوباره نوشت ونیرنك بکار برد وکاغذ باسائیدن و پاك کردن نوشته آن رخنه میپذیرد واگر کنده (کشط) شودآشکار خواهد بود و نوشته بجاهای دیگر پراکنده میگردد .

میگویند که تازیان همینکه در٧٠٤(٨٥) بخارا راگرفتند ساختن کاغـذ پنبه‌ای را ازمردم آنجاآموختند. درهمین زمان کارخانه کاغـذسازی بزرگی درسمرقند بود. در٧٠٦ (٨٨) یوسف عمرو درمکه کارخانه‌ای برای کاغـذ پنبه‌ای بنیادگذارد ودر٧٩٤ (١٧٨) کارخانه کاغذسازی دربغدادسپس‌دردمشق براه افتاد. تازیان درسده١١مسیحی کارخانه‌هائی درسبته (Cevta،Septa) امروزی) افریقا وسپس دربلنسیه (Valence) و طلیطله (Tolede) براه انداختند درJativa بسال ١١٥٤(٥٤٩)کارخانه‌ای بود. کاغذ تازیان

۱ــ تاریخ طبیعی پلینوس‌ك۱۳ب۲۱ چنانکه دردیباچه کون وفساد ترجمه لطفی سید ص٥٣ــ٧٧ آمده است .

بیشتر از کتان بوده‌است اینگونه کاغذ ازافریقا واسپانیا بایتالیا وفرانسه‌رفته وماشین آنرا در ۱۷۹۲ ساختند .

اروپائیان بگفتهٔ پلینیوس کاغذ پاپیروس رادرزمان‌همیروس‌میشناختندوهمینکه‌اسکندر بزرگ در۳۳۳ پیش ازمسیح اسکندریه‌را ساخت بکاربردن آن روائی یافت. فرانسویها وآلمانیها پیش ازسده ۵ آنرا میشناختند ودرسده ۵و٦ تنها همان‌را بکار میبردند و پس ازیورش تازیان تاسده۷و۸ ناگزیر شدندکه روی پارشمن بنویسند تااینکه درسده۱۱و ۱۲ بپاپیروس بازگشتند ودرسده ۱۲توانستند ازشیفن (پارچه و کهنه)کاغذ بسازند . این کاغذ درنیمهٔ سدهٔ۱۳ دردسترس همه‌بود و کارخانهٔ‌آن درفرانسه در ۱۳۵۰م‌کار میکرد . سازندگان نخستین اینگونه‌کاغذرا آلمانیهایا ایتالیائیها یایونانیان پناهندهٔ بیال‌میدانند.

اروپائیان ازسده نهم روی‌کاغذ پنبه‌ای هم‌می‌نوشتند وبکاغذ کتانی نیـزدر ۱۴۱۵ آشنا بودند نخستین‌کارخانهٔ ساخت‌کاغذ ازشیفن درآلمان در۱۳۱۲ ودرسوئد در ۱۳۲۳ ودر پادو در۱۳٦۰ ودرانگلستان در۱۳۸۸ ودربال در۱۴۷۰ بنیادگرفت . کاغذ پوست گوساله **Vélin** راشاهان پرگامس ساختند وانگلیسیها هم آنـرا میساخته ودر ۱۷۵۷ **Virgile** رارویآن چاپ کردند .(بنگرید بهمان فرهنگ تاریخ)

ابن‌ندیم ازنوشتنی‌ها گل وچوب وسنك ومس وبرك وتوز (درختی‌است) و پوست پیراسته و پرنیان (حریر) سفیدوقرطاس مصری که‌ازنی بردی یادوخ‌ساخته میشده وطومارمصری وفلجان(پوست گوره‌خر)یادمیکند ومیگوید که‌ایرانیها درپوست گاومیش وگاوو گوسفند وتازیان درشانه شتر وسنك سفید نازك(لخاف) وشاخه خرما (عسیب) مینوشتند و چینیان روی‌کاغذ چینی ساخته ازگیاه خشك(حشیش) وهندوان روی‌سنك ومس وپرنیان‌سفید.باز می گوید که ورق‌خراسانی از کتان است که چینیان بمانند ورق چینی درخـراسان ساختند (چنانکه‌گفته‌اند زندانیان چینی در۷۵۱م که بسمرقندآمدند این‌هنررا درآنجا آوردند)و دیری دربغداد روی‌طرس می‌نوشتند ودرآنجا دیوانهارا روی‌پوست نوشته‌آنگاه پاکش کرده دوباره بکارمیبردند (طرس درفرهنگها همین بازنوشته‌ها است)کتابها در پوست پیراسته بانوره نوشته میشد وآن سخت بودتا اینکه درکوفه بپیراستن‌آن با خرما (تمر) بپرداختند (ص۳۱) .

ابن خلدون در فصل ۳۱ باب۵ کتاب۱ص۳ـ۴۲۱ ازصناعت وراقت گفتگو نموده و میگوید که درروزگار پیشین بنسخ وتجلید وتصحیح (ازروایت وضبط) دیوانهای علمی و سجلها می‌پرداختند وروی گسترش تمدن درعراق واندلس هنروراقت (انتساخ وتصحیح و تجلید) روائی یافت نخست روی رق(پوست)مینوشتند سپس بدستورفضل پسریحیی کارخانه کاغذسازی بنیاد یافت ودانشمندان هم کتابهارا ازروی روایت بنگارندگان نسبت‌میدادند

تا اینکه هنرخط درمغرب ومصر کاهش گرفت وهنر روایت درمشرق بجاماند و ایرانیانند که بخوشنویسی آشنا میباشند .

نام کاغذ بتازی چنین است : قرطاس، لوح، رق (پوست نازك شده) ، صحیفه، کاغذ (از بردی مصر) ، ورق،طرس، مهرق (مهر کرد) که پارچه‌هائی بود که بامهره(خزر)روی آن سائیده وهموار وروشنش میساختند (جمهره ابن‌درید چاپ دکن ج۳ص ٤٩٩) بگفتهٔ قلقشندی بهترین کاغذ آنستکه سخت‌سفید وپیراسته وزدوده وروشن وازهمه سوی هموارو ویکنواخت ونفرسودنی باشد وبهتر آن بغدادی است که نرم و کلفت و کناره‌های آن‌نازك بوده ویکنواخت میباشد وبیشتردرآن قرآن می نویسند و گاهی هم‌نامه‌های خانها(قانات) سپس شامی آنگاه حموی درقطع شامی پس‌ازاینهاورق‌مصری‌درقطع‌منصوری که بزرك‌تر و گاهی‌درهردوروی‌زدوده وروشن‌میباشدودرقطع‌عادی که آنهم گاهی‌درهردوروی‌زدوده ومهر کرده‌میباشدووراقان‌آنرا«مصلوح»میگویند وجز مصلوح آنهم دوگونه‌است :عالی ووسط. قطع کوچك مصری کلفت‌و درشت‌و کم‌پیراسته‌است که برای شیرینیهاو بوهای‌خوش بکارمیرود. ازهمه‌پست‌تر کاغذ باختریان وفرنگیها است که‌زودفرسوده‌می‌شود. (قلقشندی)

اندازهٔ کاغذ بنوشتهٔ قلقشندی

الف ــ اندازهٔ برگهای کاغذ دردیوانخانه های مصر:

۱ ــ قطع بغدادی کامل (عرض درج یك ذراع قماش مصری وطول وصل هر درج یك ونیم همان ذراع) برای پیمانها وبیعت‌نامه‌های خلفا و نامه‌های شاهان . در روزگار ملك مؤیدورق مصری‌بپهنای یك وتیم‌ذراع ساخته‌اند. دربغدادی کامل بقلم مختصرطومار می نویسند .

۲ ــ قطع بغدادی ناقص (باندازهٔچهارانگشت پیوسته درپهنای‌درج کم دارد)برای نامه‌های پادشاهان دستهٔ دوم .

۳ ــ دوثلث ورق مصری‌یا دوثلث طومـارکامل منصوری (دوسوم ذراع در پهنای درج) برای فرمانروایان ووزیران وداوران بقلم ثلث ثقیل .

٤ــ نیمهٔ طومارمنصوری (نیم‌ذراع درپهنای درج)برای دیوانیان پائین‌تر بقلم‌خفیف

٥ــ یك‌سوم قطع‌منصوری (یك‌سوم ذراع درپهنای درج) برای‌دستهٔ چهارم‌شاهان وفرمانروایان بقلم‌توقیعات.

٦ــ قطع‌منصوری (یک‌چهارم ذراع درپهنا) برای‌فرمانهای دیوانی .

۷ــ قطع کوچک وعادی (یك‌ششم‌ذراع) برای‌کارهای کوچک دیوانی ونامه‌های مردم بقلم رقاع .

۸ـ قطع شامی کامل (بدرازا و پهنای طومارشامی) کـه درديوان کم بکار میرفت و نزديك بثلث بلدی بودو بقلم توقيع درآن می نوشتند .
۹ـ قطع کوچك (بپهنای سه انگشت پيوسته) از «ورق طير» واين يك گونه از کاغذ شامی بودهو بسيار نازك که نامه‌های ريزو لطيف و «بطائق حمام» يا «نوشتهٔ خرد که بکبوتر می بستند» درآن نوشته میشد .

ب ـ ورق شامی:
۱ـ قطع شامی کامل (بپهناودرازای طومار شامی کامل) برای گرانمايگان .
۲ـ قطع نصف حموی (بپهنای نيم طومـار حموی ودرازای خود آن) برای دسته دوم و بقلم رقاع .
۳ـ قطع عادی شامی (بدرازای يك طومار يا کمتر و بپهنای يك ششم ذراع قماش مصری) برای دسته سوم نيز بقلم رقاع و گاهی هم سرخ رنك آن بكار ميرفت .
٤ـ «ورق طير» برای «ملطفات و بطائق» بقلم جناح وغبار.
(درخاور نيزهمين گونه بود. درباختر وسودان وفرنگستان در طوماری مينوشتند که درازای آن اندکی ازپهنای آن بيشتر بود کوچك يا بزرك) .

ج ـ کاغذهای قطع عادی و بلدی در مصر و شام .
اندازه‌ايکه‌در بالای کاغذ سفيد ميگذاردند چنين بود: درقطع بغدادی ٦ وصل ودردو سوم ٥ ودر نيم ٤ ودريك سوم و نيزدرشامی کامل ۳ ودرمنصوری وعـادی ونيم حموی وشامی عادی ۳ يا ۲ وصل ـ در کنار کاغذ بدلخواه نويسنده بوده و گاهی دويا سه ياچهار انگشت وجز آن. درروزگار قلقشندی در هروصل قطع عـادی ومنصوری سه‌سطر ودرجز آن دوسطر می نوشتند .

طومار يك ورق کامل را گويند وآنرا درروزگار قلقشندی «فرخه» ميگفته‌اندو گويا ازآن طومار بغداد خواسته ميشد که تختگاه بودنه شامی آن . خلفا پس از معـاويه هميشه قرطاس بكارميبردند واندازهٔ آن برای خودآنها دوسوم طومار و برای اميران نيمهٔ طومار و برای کار کنان و نويسندگان يك سوم و برای بازرگانان ومانند آنهـا يکچهارم و برای حسابداران ومهندسان يك ششم طومار بوده است(۱) .

در «سر گذشت» ابن‌سينا بگفتهٔ خود اووجوزجانی از «جزء أمقدار الثمن» و «الربع الفرعونی» ودرقابوسنامه نوشتهٔ سال ٤۷٥ درفصل دبيری از «قطع منصوری» و درعيون الانباء (ج۱ص۱۹۷) از «تقطيع مثل ثلث البغدادی» ودرسعدالسعود از «قالب نصف الورقه

۱ـ بنگريد به : صبح الاعشی ج۲ص۷ـ٤۷۲ وج۳ ص٥۳ـ۱۳۲ و۱٥ ـ ۱۸ وج٦ص ۹٦ـ۱۸۹ وضوء الصبح المسفر ص٤ـ۱۸۳ و۷ـ٤۱۲ هردو ازقلقشندی .

وثلث وربع وثمن» و«قالب الطالبی» (ص۵-٦٤-١٢١-٢٣١-٢٤٧-٢٥٣) یادشده است.
این بود اندازه کاغذ درخاور که کتابها هم درهمانها نوشته میشد . کتاب درآغاز بساخت طومار بوده که آنرا میپیچیدند و گاهی هم میله‌ای میان آن بود. رومیان که دریگرویه پارشمن (پوستهای پیراسته و نازك و سفید شده شهر پر کامس) مینوشتند هر بند انرا بساخت طورمای پیچیده در صندوقچه یالوله‌ای (Scrinium) میگذاشتند از اینجا واژهٔ طومار یا Volumen (Volume) پیداشد که پس از این «جلد» از آن خواسته شد. سپس بندهای یك اندازهٔ پارشمن رادورو نوشته و ازچندتای آن دفتری میساختند و دوسوی آنرا چوبی میگذاردند. پس از این که چندی گذشت ته‌دفترها را میدوختند ازاین‌جا تاریخ جلدسازی آغازمیگردد .
تا نیمهٔ سده ۱۵ اندازهٔ کتابها یکنواخت نبود و پس از پیداشدن چاپ اندازه‌ها یکسان گردید. گرچه دراروپـا هم اندازه کاغذ گوناگون میباشد مگر اینکه درتاه کردن وچاپ روی‌آن قاعده‌ای درکاراست و برروی‌آن قاعده اندازهٔ کتاب بدست میآید(۱)
کاغذ قطع بزرك اروپا Colombier نام دارد و اندازهٔ معمولی آن ٦٣×۹۰ میباشد . پائین‌تر از آن Jesus است که‌در کنار آن نشان J.H.S دارد و اختصار نام‌عیسای پیامبر میباشدو اندازه ٥٦×٧٢ آن‌در پاریس بوده و اندازهٔ DoubleJesus ١١٢×٧٦ می باشد. پائین‌تر از آن Raisin میباشد که نشانه خوشه‌دارد و باندازهٔ ۵۰×٦٥ میباشد. پائین‌تر Carré میباشد باندازهٔ ٤٥×٥٦

اندازه کتاب – Format

اندازه کتابها بیشتر از اندازه چهار نوع کاغذ یادشده بدست میآمد. کاغذیکه زیرچاپ میرفت و بساخت یك برگ درمیآمد آنرا in – plano مینامیدند ازهر کدام کاغذ چهار-گانه که بود. اگر آن‌را تاه میکردند ودارای ٤ صفحه میشد in – folio اگر هشت صفحه میداشت in – quarto و ١٦ صفحه‌ای‌را in – octavo و ٣٢ صفحه‌را in-16 میگفتند اندازهٔ همه‌اینها درچهار گونه کاغذ یکنواخت نبود درجدول آینده اندازهٔ کتاب جلدشده‌در هریک ازاین کاغذها بدست میآید .

---

۱ – بنگرید بـه : Manuel pratique de l'ouvrier relieur از Ch.Chanat چاپ گارنیه درپاریس ص۱۹ .

	In—plano		ni—folio		in—4		in—8		in—16		in—18		in—32	
Colombier	84	6I	6I	42	42	30 1/2	30 1/2	2I	«	»	»	»	»	»
Jésus	70	54	54	35	35	27	27	I7 1/2	17 1/2	I3 1/2	I8 1/2	I1 1/2	I3 1/2	8 1/2
Raisin	64	49	49	32	32	24 1/2	24 1/2	I6	I6	I2 1/2	I6 1/2	I0 1/2	12 1/2	8
Carré........	56	44	44	28	28	22	22	I4	14	11	I4 1/2	9	II	7

اینست نام قطع کتاب درفارسی ولاتین ونشانهٔ آن

شماره عددی یاحرفی فرم درص ۳			
۳	الف ـ دو برگی	رحلی بزرگ	A=in–plano
= ۵	الف ـ یک برگی		A=in-folio
= ۹	ب ـ رحلی		B=in–4∘
= ۱۷	ج ـ وزیری		C=in–8∘
= ۱۷	د ـ خشتی		D=in–8∘
= ۳۳	هـ ـ ربعی یارقعی		E=in–16
= ۳۳	و ـ بغلی		F=in–I6

قطع(بیاضی (Format oblong ou à l' italienne نیز در کتابها هست که ازعرض نوشته‌شده وازعرض هم‌صحافی میشود .

در کتابها اندازهٔ in-12 وin-18 وin–24 هم هست که شمارهٔ فرم درص ۲۵ و ۳۷ و۴۹ نوشته میشود . دراندازه in-18 گاهی یک برك را به ۲۴ وبرك دیگررا بـه ۱۲ بخش میکنند ولی نشانهٔ سوم روی ص ۳۷ میافتد. در کتابخانه‌ها برای آسانی کار اندازه ها را بدینگونه نشان میدهند: A=in–folio و B=in-4∘ و C،D=in-8∘ و in-I6∘ = E،F (۱).

این هم گفته شود که دراروپا کاغذی بودبنام Tellier باندازهٔ ۴۴ × ۳۴ میلیمتر که Le Tellier (۱۶۰۳ــ۱۶۸۵) مهردار ووزیر دربار هانری ۴ دستورداده بودآن را بسازند وبرای کارهای رسمی بکاربرند آنرا papier ministre میخواندند گویا قطع وزیری ایران هم‌ازاینجا باشد (بنگرید به: لاروس سده ۲۰ درهمین واژه) .

اندازهٔ کتاب برحسب اصول صحافی که اکنون روی آن کار میکنند چنین‌است :

قطع	اندازه
یک برگی =	۳۵ × ۴۵ سانت
نیم برگی =	= ۳۵ × ۲۲/۵
ربعی =	= ۲۲/۵ × ۱۸/۵
یک هشتم =	= ۱۷/۵ × ۱۱/۲۵
یک شانزدهم =	= ۱۱/۲۵ × ۸/۷۵

۱ ـ بنگرید به : کتاب‌یادشده شانا و کتاب کرزه ص ۱۱۷ واصول فن کتابداری استاد محترم آقای دکتر صبا ــ درلاروس‌سده ۲۰ در کلمه Papier اندازه کاغذهای گوناگون اروپا دیده میشود .

قطع کتاب و اندازهٔ تقریبی آن

بازوبندی .	نزدیک	۳۰ × ۲۰ میلیمتر
بغلی .	»	۶۰ × ۴۰ »
جانمازی	»	۱۲۰ × ۸۰ »
حمایلی دارای قطر بیشتر ازجانمازی و باندازهٔ همان		
نیم ربعی :	»	۱۸۰ × ۱۰۰ »
ربعی	»	۱۹۰ × ۱۲۰ »
وزیری کوچک	»	۲۰۰ × ۱۳۰ »
وزیری	»	۲۲۰ × ۱۴۰ »
وزیری بزرگ	»	۲۶۰ × ۲۰۰ »
خشتی	»	۲۱۰ × ۱۷۰ »
خشتی باریک .	»	۲۱۰ × ۱۴۰ »
سلطانی پاشاهانه روزگار مغول و تیموری	»	۴۰۰ × ۳۰۰ »
رحلی کوچک	»	۲۷۰ × ۱۶۰ »
رحلی	»	۳۷۰ × ۲۲۰ »
رحلی بزرگ	»	۵۸۰ × ۳۴۰ »

نام کاغذ در ایران : خانبالغ ـ سمرقندی ـ خطائی ـ بخارائی ـ سپاهـانی ـ دولت آبادی ـ بغدادی ـ ترکی ـ مصری ـ کشمیری ـ ترمه ـ فستقی ـ فرنگی قدیم وجدید. شناختن اینگونه کاغذها درفهرست نسخه‌ها بسیارسودمند میباشد .

پس از یاد کردن کاغذهای گوناگون اندکی از خط چنانکه در کتابها دیده شده سخن بمیان میآید. قلمهای گوناگون چنین است : قلم طومار یا فرخه که درزمان عمر عبدالعزیز یا معاویه بوده و باندازه ۲۴ موی ستور (برذون) میباشد. قلم مختصر طومار میان ۱۶ و ۲۴ موی. ثلث ثقیل باندازهٔ ۸ موی . ثلث خفیف کمی نازکتر. توقیع یاقلم ریاسی ساختهٔ یوسف برادر ابراهیم شجری ونازکتر از «جلیل» که ذوالریاستین از آن خوشش میآمد ومانند ثلث است وگرد مانند . رقاع که دررقعه‌ها وبرگهای کوچک نوشته میشد وگردتر ونازکتر است. غبار که ازرقاع ونسخ آمده ونازك است. اصول این قلمها ثلث ورقاع و توقیع و نسخ و

---

۱ ـ بنگرید بسخنرانیهای آقای دکتر مهدی بیانی در باره فهرست کتابهای خطی در کلاس کتابداری و همچنین بفهرست مجلس و مدرسه سپهسالار و کتابخانه معارف که در اینها درباره نسخه‌ها هم نام قطع وهم اندازه آنها دیده میشود .

مخفف میباشدوفروع آنها غباراست ومشعر ومنثور وحواشی وجزآن . این‌قلمها درآغاز روزگار عباسیان وپایان‌کار امویان ازقلم کوفی درآمده وآنهم بچند قلم‌است وهمه آنها برمیگردد بدوریشه «مقوروولین» یانرم و(مبسوط ویابس) یا خشک (قلقشندی) .

نام خطوطرا بدینگونه نیز یاد کرده‌اند کوفی : نسخ - ثلث - محقق - ریحانی - تعلیق - رقاع - توقیع - نسخ جدید - نستعلیق .

درخط نیزچند قلم یاد کرده‌اند : قلم شش، چهار، سه، دو، نیم‌دانگ - قلم کتابت، عالی،جلی، ممتاز، خفی، خفی‌عالی، خفی ممتاز، خوش- قلمزر، لاجورد، شنگرف(۱).

رنگها و آرایش در کاغذ

کاغذ : متن وحاشیه(که‌میانه آن نوشته میشده و کناره آن جداگانه وبدان می - چسباندند)ورنگارنگ وزراندود وزرافشان ودارای جدول یا کمندزرین‌یاحاشیهٔزرافشان یاابری‌وتشعیرسازی‌شده ومعرق‌ومرصع ومذهب‌ومنقش باجدول، سرلوح، ترنج‌وطلاکاری شده در میان سطر ها

رنگهای آن : مشکی، آبی، سبز، نگارشده باسفیدآب، کبود، سرخ .

جلدها بدینگونه است : ساغری (کیمخت) که ازپوست اسب یاخر میساختند و دانه دانه است - تیماج که از پوست گوسفند است و درشت وگاهی نازك میباشد - چرمی که گاهی کلفت میباشد - میشن که پوستی است نرم - سختیان یا پوست بز - مقوائی از کاغذ - پارچه‌ای. جلدآراسته‌روغنی-ضربی - سوخت میباشد و همچنین ممتاز و عالی و مرغشی وزرین ، منقش، معرق، مشکی ،سرخ، زراندود ، منگنهٔ منقش یا مذهب ، باترنج ونیم ترنج، ولچکی ، حاشیه‌بند رومی و اندرون سوخت وقابسازی شده(۲) .

---

۱ - درباره خط طاشکبری زاده م۹۶۲ درمفتاح‌السعاده ومصباح‌السیاده‌چاپ‌دکن در۳جلد بسال۵۶ - ۱۳۲۸ گفتگو نمود : ادوات خط - تحسین حروف - تولد خطوط از اصول‌وترتیب‌حروف‌تهجی- املاءخط عربی- خط عروض ومصحف - تصحیف-رسم کتابت قرآن‌درمصاحف - آداب کتابت مصحف‌ص۷۶و۷۹و۸۰و۸۴ ازج۱ وص۲۲۷ و۲۲۹و۴- ۳۲۱ج۲ همچنین کرد علی درخططالشام جلدج۶ص۶ - ۱۹۵ نیز آملی درنفائس‌الفنون.

۲ - مقدسی دراحسن التقاسیم میگوید که مراوراق و مجلد میخوانده‌اند و صحافی میکرده‌ام ومزد میگرفتم (ص۴-۴۳ چاپ‌دوم) امیرعدن مصحفی برایم فرستاد تاجلدبرای آن سازم ومن‌سریش (اشراس) خواسته‌ام وپیدا نشد. عدنیهارا ازتجلید زیباخوش‌میآمدو مزد فراوان میدادند ومن گاهی برای مصحف دودینارمیگرفتم. دریمن کاغذها (دروج) را با نشاسته میچسبانند و باهمان برای دفترها (دفاتر)آستر میسازند (بطانه) (ص۱۰۰) .

مرکب

قلقشندی دربار مرکب چنین میگوید که دوده را از مواد چرب میگیرفتند مانند تخم ترب و کتان بدینگونه که روغن اینهارا درچراغهائی میسوزاندند ودوده آن را که در طاس روی چراغ گرد میآمد میگرفتند و باآب موردمیآمیختند تا کمی سبزرنك هم باشد و صمغ عربی درآن میریختندتا پراکنده نشود. گاهی دوده دیکهائیکه درآن نخود ومانند آن بومیدادند باریختن آب درآن می گرفتند و باب مورد و انگبین وکافور وصمغ عربی و نمك میآمیختند.

اودربارهٔ ساختن «مداد» که خوشنویسان پیشین باآن می نوشتند میگوید:

سه رطل ازدوده (سخام) نفترا بیخته وپاکیزه ساخته درباتیلی (طنجیر) میگذارند وسه برابر آب ویك رطل انگبین و۱۵درهم نمك و۲۵ درهم صمغ کوبیده وده درهم مازو درآن میریزند وروی آتش کمی گذارده باکوبه آن اندازه میزنندتا مانند گل سخت گردد سپس درجائی نهاده بکارمیبرند. کافورهم درآن میریزندتا خوشبوشود وصبرهم تامگس روی آن ننشیند.

سپس میگوید که «حبر» دوگونه است:

۱ــ حبر برای کاغذ که از دوده میسازند بدینگونه که یك رطل مازوی شامی را نیم کوب میکنند وباکمی مورد (آس) درشش رطل آب میخیسانند تایکهفته آنگاه آنراروی آتش میجوشانند تابنیمه یاسه یك رسد سپس درلنگی شیره آنرا میکشند وسه روزش می گذارند ودوباره شیره میکشند آنگاه درهررطلی ازچنین آب مازوچند اوقیه (۷مثقال یا ۴۰درهم) ازانگم تازی وزاج قبرسی باندازهٔ آن میریزند سپس آن اندازه ازدوده برآن میافزایند که سیاه کننده شود. صبرهم باید درآن ریخت که مگس ازآن بگریزد وانگبین نیزتا دیری بپاید. درهریك رطل ازحبر سه اوقیه دوده بایدریخت آنهم پس ازاینکه دوده را باکف دست باشکر نبات وزعفران شعر وزنگار بسایند نه اینکه درهاون ریخته با دستهٔ آن بکوبند که تباه میگردد.

۲ــ حبر برای رق یا پوست نازك که آنرا «حبرالراس» گویند ودوده درآن نمیریزند ازاینرو استکه درخشندگی دارد وخیره کننده است وچشم را زیان میرساند.

(صبح الاعشی ج۲ ص۶ــ۴۶۴)

این بود نمونه ای ازآنچه که دربارهٔ نسخه شناسی ازهنرورواقت وصحافت بایددانست ودانشمندان جسته گریخته ازاین دوهنر گفتگو کردندازآنهاست ابن الحاج ابوعبدالله محمد بن محمدبن محمدعبدری فاسی عارف مالکی(م. درقاهره بسال ۷۳۷درهشتاد واندسالگی) در «مدخل الشرع الشریف علی المذاهب» که در۷۳۲ بپایانش رسانده.او ازبسیاری ازهنرها

وپیشه‌ها ازرهگذر فقه واخلاق گفتگو نمود ازآنها است وراقت وصحافت (ص۱۲۶-۱۳۷ ج۳چاپ دوم چاپخانه وطنیه اسکندریه در۳ جلد بسال۱۲۹۳) .

شماره گذاری کتابها

ملویل‌دیوئی Melvil Dewey امریکائی (۱۸۵۱- ۱۹۳۱) بنیادگذارد ودبیر انجمن کتابداران در ۹۰-۱۸۷۶ و کتابدار کالج کلمبیا ومدیر کتابخانه‌دولتی نیویورک که‌در ۶-۱۸۷۴ روش دهدهی راآورد ودر کتاب کلان خویش :- Decimal classifica-tion and relative index (چاپ۱ در ۱۸۷۱ و ۱٤ در دو جلد بسال۱۹٤۲)

دانشها وهنرهارا بده ده‌بخش کرد از۰تا۹ وشماره اصلی آنهارا به۱۰۰۰رساند و شماره هر کتابی‌را ازروی موضوع آن نوشت و کتابدار میتواندبا خواندن آن شماره هر کتاب‌را بیابدودرآن‌بگذارد. این‌روش گرچه ازیك‌سوی دشواراست ولی ازرهگذر برگه نویسی که فروشندگان وناشران کتابها ومجله‌ها و کتابخانه‌ها برگه‌های فهرستی دهدهی با شماره بچاپ‌میرسانند بسیارآسان‌است و کتابخانه‌ها دیگر نیازی بنوشتن برگه‌های‌تازه ندارند.مگراینکه‌شماره کتاب گاهی رقم‌بسیاری‌دارامیشود. این‌بود که بسیاری‌از کتابخانه ها آنرا پذیرفتند وهمینکه نهادن کتاب روی‌اندازه Format در کتابخانه گسترش‌یافت ازآن بر گشتند مانند کنگرس امریکا وبنگاه جهانی کشاورزی رم. دربرخی جاهـا آنرا کوتـاه ساختند وعلمها را بهمان ۱۰۰۰ بخش کردند وکاررقم شماره راآسان ساختند و نمونهٔ آن‌درص۱۶وپایان کتاب Y.Oddon ازpetit guide du biliothécaire چاپ پاریس ۱۹٤۸ دیده میشود .

ل.کرزه L.Crozet درص۷۹و۱٤۹و۷۸و۸۱ Mnuel du Bibliothécaire چاپ پاریس بسال۱۹۳۷ میگوید که این روش دهدهی نادرست است چه

۱-دانشهاوهنرهاده‌ده بخش نمیشودومانند کم‌منفصل‌جداازهم‌نبوده‌وپیوستگی‌دارند

۲ - اینگونه بخشبندی با گسترش دانشها نمیسازد .

۳ - گاهی‌هم موضوع کتاب‌آمیختگی دارد وبسادگی نتوان آنرا ازیکی ازآن بخشها دانست .

٤ - پیداکردن‌شماره کتاب برای کتابدار وخواننده‌فرهنگی که دیوئی برای‌شماره ها نوشت دشوار ودیری باید درپی‌آن بیهوده گشت .

۵ - شماره کتاب هم‌گاهی باندازه‌ای دراز میشود که نمیتوان بیاد سپرد وبآسانی نوشت .

۶ - اگرهم بخواهند این روش‌را درهمه‌جاروا بدارند ناگزیر بایستی دستورآنرا

دیگرگون ساخت. پس شایسته است کتابها راروی اندازه درجایشان گذارد تاهم جائی در گنجینه تهی نماند وهم چشم انداز زیبائی داشته باشد. پس از گرد کردن کتابهای یك اندازه شایسته است کتابهای یك موضوع و مانند هم را پهلوی هم گذاشت آنگاه شماره گذارد تا اگر کتابی سرجایش نباشد بدانند.

در کتابخانه علمی میتوان کتابها را به نه بخش نمود: A تا I بترتیب کمتر از ۱٦ و ۱۴ و ۱۹ و ۲۳ و ۲۹ و ۴۰ و ۵٦ و ۸۰ و بیشتر از ۸۰ سانتی متر درددرازا ودر کتابخانه خواندنی و همگانی به شش بخش از A تا F (کمتر از ۲۰ و ۲۵ و ۳۰ و ۴۰ و ٦۰ و بیشتر از ٦۰ س م) در کتابهای خطی چنین است اندازه درازا برای چیدن در گنجینه: از A تا D (کمتر از ۱۵ و ۳۰ و ۵۰ و بالاتر از ۵۰).

چیدن کتابها در روزگار پیش

از «سرگذشت» شیخ رئیس پیداستکه کتابخانهٔ نوح منصور سامانی (۳٦٦-۳۸۷) در بخارا درخانه‌ای بوددارای اطاقها ودرهریك صندوقهائی رویهم گذارده دریک اطاق نگارشهای ادبی دردیگری فقه وهمچنین دراطاقهای دیگر ازعلمهای دیگر وفهرستی داشت که شیخ بدان نگریست و کتابهائیرا که نیازداشت خواست.

بنوشته مقریزی (۷٦۴-۸۴۵) درخطط (چاپ ۱۲۷۰ مصر ج۱ ص۴۰۹ و ۴۵۸) از روزگارعزیز (۳۴۱-۳٦۵) تا ۴٦۱ دانشگاه فاطمیان درقاهره بنام (دارالعلم - دارالحکمه) درکاخ شاهی بوده ودارای چهل گنجینه که یکی از آنها دارای هیژده هزار جلد کتاب ازعلوم قدیم داشت. گنجینه چندین رف داشت ودریک تالاربزرك وهررفی دری داشت که بسته می شد وبرهردری برگی میچسبانیدند و روی آن نوشته میشد که چه کتابهائی درآنجاهست شماره کتابهای ادبی ودینی وفلسفی آنجا باجلد وبی جلد (مجرد) به پیش از دویست هزار رسیده بود وگاهیکه صلاح الدین کرد آنجارا گرفت به ۱٦۰۰۰ هزارمیرسید که بفروش رفت. حاکم خود درروزشنبه ۱۰ ج۲ سال ۳۹۵ دانشگاه را بگشود ودستورداد که کتابهای کاخ را بدانجا برند.

ابن جماعه بدرالدین محمد کنانی حموی شافعی (٦۳۹ - ۷۳۳) در تذکرة السامع والمتکلم فی ادب السامع والمتعلم (چاپ ۱۳۵۳ دکن ص۵-۱۷۰) بسال ٦۷۲ وشهیدثانی زین الدین شامی عاملی شیعی (۹۱۱-۹٦٦) درمنیة المرید فی ادب المفید والمستفید (چاپ ایران ۱۳۰۷ ص۷۰) بسال ۹۵۴ مینویسند که کتابها را رویهم که میگذارند درروی تختی بچینند یازیرآن جوبی باشد یادررفی بنهند نه اینکه روی زمین باشد ونم بکشد وفرسوده گردد. میان کتابها وچوب یاتخت ودیوارهم باید چیزدیگری باشد وهمچنین روی آنها تاجلدآنها خورد نشود و کتابهارا بدینگونه: نخست قران که بهتراست بدیوار بیاویزند سپس حدیث

وتفسیر وشرح حدیث واصول‌دین واصول فقه‌وفقه وادب رویهم بچینند واندازهٔ کوچك باید درروی باشد. تا کتابها نریزند ونام کتاب‌را باید زیرهرصفحه نوشت وآغاز کتاب باید در روی باشد اگر کتاب چندجلد است باید درپایان هریك نوشت که این‌جلد انجام گرفت و پس ازآن‌جلد دیگری هست (چنانکه دربسیاری از کتابها دیده میشود ودرپایان‌جلدآخر مینویسند که بااین جلد کتاب بپایان رسید).

کتابهای گنجینه‌ای

کرزه (ص۸۵) کتابهای گنجینه‌ای راچنین میشمارد :

۱ ـ دارای جلد **maroqiun armorié** یاپوست بز پیراسته ودارای نشانه که همان سختیان باشد وگوزگانی هم گویند چون ازاین شهر بدست میآمد (ترجمه قاموس وبرهان قاطع).

۲ ـ کتابهای دارای پیکره وتصویر پیش از ۱۸۰۰م.

۳ ـ مصوربسیارزیبای پس‌ازاین تاریخ .

۴ ـ چاپهای نخستین **éditions princeps** .

۵ ـ دارای حاشیه‌های سودمند خطی .

۶ ـ چاپهائی که کمتر ازدویست نسخه بچاپ‌رسیده باشد .

۷ ـ چاپهای شهرستانها پیش‌از ۱۸۰۰ (بجزپاریس) .

۸ ـ کتابهای‌دارای **Ex-libris** یامهر ونشانه ـ در کتابهای خطی‌خاوری‌نسخه های اصل‌یا دارای خط‌نگارنده یااجازهٔ اویابلاغ بخط اویاشاگردش‌یادارای خطواجازه وبلاغ وحاشیه ازیك دانشمند وهمچنین نسخه‌های یگانه یابسیارکهن یادارای خطخوش‌و آرایش وجلدزیبارا باید درگنجینه گذارد. نیز کرزه میگوید که کتاب نادرو بیمانندیا زیبا ودارای‌آرایش خواه درخط یادرجلدرا برای اینکه گم نشود ونذزدند وفرسوده نگرددو آسیبی بدان نرسد در گنجینه میگذارند وآن بایدصندوق‌یا اشکافی باشد شبکه‌دار که با کلید بسته شود ونباید اینگونه کتابهارا در کشوی بسته وبی‌سوراخ گذاشت که اگرهوای آن تازه نشود خواهدگندید. کلید بایدهمیشه نزدیکی چنین گنجه باشد تـا درآتش‌سوزی بتوانند زود بازش کنند . کتابها راروی کهنگی وزیبائی درقفسه‌های گنجینه بایدچید .

اندکی از تاریخ فهرست نگاری

ازفهرست های کهن یکی فهرست نگارشهای افلاطون است که دانشمندان بـدان می پرداختند . خود او گویا میخواست نوشته‌های خودرا بچهارتائی بخش کند وازآنها تئایتتوس وسوفسطائی وسیاسی وفیلسوف‌را یادمیکند بـا اینکه «فیلسوف»را ننوشت و همچنین میخواست برجمهوری وتیمائوس وکریتیاس گفتگوی دیگری بیافزاید که اینراهم

نوشته بود این بود که اریستوفانس بوزنتیائی ادیب اسکندریه (سده۲ پیش ازم) پاره‌ای از آنهارا پنج بخش سه‌تائی کرده و بازمانده رایك یك برشمرد. درکولیداس Derkylidas (Dercylidès) فیلسوف یونانی سده۱ ونگارندهٔ دفترهائی دربارهٔ فلسفهٔ افلاطون که پاره‌هائی ازآنها برجای ماندرروزگار قیصرروم(۱۰۱-۴٤ پیش ازم) وهمچنین ثراسولس Thrasylle رودسی ستاره‌شناس نامور یونانی (م۳٦۰) که تیبریوس(۱٤-۳۷)اورا برم آورده بودآنهارا بچهارتائی (رابوع) بخش کردند.

ثراسولس آنهارا به نه‌چهارتائی بخش نمود که ۳۵ گفتگوونامه‌ها باشد.دیوگنوس لائرسیوس آنها را ازروی روش‌وسبك رده‌بندی کرد. نسخه‌های سده‌های میانین ازروی رده‌بندی ثراسولس ودیوگنوس میباشد وبهمین روش هم آنها رابچاپ رساندند. ابن‌ندیم وقفطی ازگفته ثاون (ازمیری ریاضی‌دان یونانی سده ۲ گزارنده نگارشهای افلاطون که آنهارا باندیشه نوپوتاگورسی بیامیخت ونویسندهٔ کتابی درستاره‌شناسی) مینویسندکه افلاطون نگارشهای خودرا چهاربچهار (رابوع) بخش‌میکرد تابهمان روش بخوانند.ایندو آنهارا بروش همان ثاون فهرست‌داده‌اند. خزرجی میگوید که نگارشهای فیلسوف ٥٦ دفتراست وهرچهارچهارآنها بنام «رابوع» دارای یك‌غرض میباشند. او ٤٥ نگارش‌ازاو میشمارد ،نزدیك است بفهرست ثراسولس.

دررده‌بندی سه‌یاچهارتائی گفتارهائی که‌مانندهم نیستند پهلوی‌هم گذارده‌میشودونمی رساند که‌فیلسوف‌درزندگی‌خویش چگونه میاندیشید وکدام‌دفتر رادر چه‌هنگامی نوشت این بود که پلاتونیان باستانی میکوشیدند که در خواندن آنها ترتیبی گذارند مگر اینکه آنها روی‌سلیقه وغرضی که‌داشتندکار کردند ومیخواستند آنهارا گذشته ازترتیب رسمی نسخه‌هادرجه‌بندی کنند. این‌هم تحول واقعی‌اندیشهٔ‌فیلسوف‌رانمی‌رساندوآنهاکاری‌بتاریخ فکر اونداشتند گواهیهائی‌هم که گذشتگان‌درباره ایندفترها داده‌اند پنداری وبی ارزش است. ازاینروی‌هوشمندان اروپا درباره آنها بچندرسته‌شده برخی ازروی پیوستگی آنها با یکدیگرونشانه‌های‌ساخت وسبك عبارتهاوتطور اندیشه فیلسوف واشاره‌هائیکه‌بحادثه های تاریخی درآنها شده است‌آنها را از روی یقین یا حدس بچند دسته وگروه بخش کردند (۱).

۱- بجز ۳۵ گفتگوو۱۳ نامه که برخی مشکوك‌است شش گفتگوی کوچك(دادگری برتری- دمودکوس Demodcos . - سیسوفس Sisuphos واریکسیاس Erixias وآکسیوخوس Axiochos)وتعریفهائی‌هم ازفیلسوف دانستند که‌نگارش او نیست گذشته ازهمهٔ اینها شش گفتگوی مرتبی هم‌هست : (الکیبیادس دوم - هیپارخوس - همچشمان -

بقیه حاشیه در صفحه بعد

برای نگارشهای ارسطوهم سه فهرست هست : ازدیوگنوس لائرسیوس وهسوخیوس ملیتوسی وبطلیموس رومی کــه قفطی وخزرجی ازاو گرفته‌اند چنانکه درص ٦٤١ همین فهرست یاد گردید .

این‌هم گفته شود که سرگذشت نویسان یونانی مانند همان دیوگنوس وفرفوریوس ودیگران نگارشهای‌فیلسوفان ودانشمندان باختری‌را فهرست‌داده‌اند. حنین‌اسحاق وابو سلیمان سگزی وابن‌ندیم وبیهقی وقفطی وخزرجی‌ازآنها پیروی نمودند . بجزدفترهائی که گاهی برای‌شمارش کتابهای یك‌فیلسوف یابرای چگونگی آموختن‌یك اندیشهٔ فلسفی مینوشتند چنانکه همان حنین‌دفتری‌دارد بنام « کتاب‌فیمایقرء قبل کتب افلاطون» ودفتری دربارهٔ نگارشهای ترجمه شده ونشدهٔ جالینوس و نیز دربارهٔ نگارشهای‌همین جالینوس که درفهرست‌خود یاد ننمود . (خزرجی ج١ص ٢٠٠و١٩٨)

جالینوس نیز برای نگارشهای خویش دوفهرست نوشت‌یکی دردوگفتار و در ٢٧ فصل(یکی کتابهای پزشکی دومی کتابهای فلسفی وادبی) بنام «پری‌تن ایدیون‌بیبلیون= De libris propriis» یا «نگارشهای خوداو» که ابن‌ندیم‌وخزرجی انرافینکس‌و بینکس‌خوانده‌اند. اودرآن‌روشن کرد که‌این کتابهارا چگونه‌وچرا و برای چه‌نوشته است ودردیباچه‌آن کتابهائیکه‌باو بسته‌اند برشمرد. دیگری دریك گفتاربنام «پری‌تس تاکسئوس تن ایدیون‌بیبلیون= De ordine librorum suorum»یا«رده‌بندی‌نگارشهای خود او» که آنـرا خزرجی ج١ص٧٦و٩٠ « کتاب فی مراتب قراءة کتب جالینوس » خوانده است ودرآن روشن گردید که کتابهای اورا چگونه باید بخوانند. جالینوس‌برای نگارشها ابقراط نیزفهرست‌نوشت وروشن کرد که کدام ازخوداواست و کدام‌را باوبستند بنام « کتاب فی کتب ابقراط‌الصحیحه وغیرالصحیحه» دریك گفتار (خزرجی ج١ص٩٩) و همین راحنین اسحاق (١٩٤-٢٦٤) بنام «جوامع کتاب جالینوس‌فی کتب ابقراط الصحیحه وغیرالصحیحه» درآورد (خزرجی ج١ص٩٩ و١٩٩وابن‌ندیم ص٤٠٥) .

بقیه حاشیه ازصفحه قبل

ثاگس -کلیتوفون - مینوس) که مشکوك میباشد. اپی‌نمیس که دنبالهٔ نوامیس بایـد باشد گویا نگارش Philippe d'Opunt دوست ورازدار افلاطون باشد. درنامه‌هــا هم بندهائی بی‌ارزش بابندهای دیگرآمیخته شده ازاین‌روی درآنها هم‌شك کرده‌اند .

بنگرید به: لاروس سده٢٠ - ابن‌ندیم ص٣٤٣ - قفطی ص١٤- خزرجی ج١ص٥٠و ٥٣- دیباچه‌های E.Chambry(چاپ گارینه) و M.Croiset (چاپ‌بوده) برج١دوره نگارشهای افلاطون .

همین حنین میگوید که نویسندگان گاهی از روی نادانی یا برای اینکه بگویند ما بسیاری از نگارشهای جالینوس راداریم دفترهائی از آن او نشان میدهند که دیگران پیش ازاو بپرداختند یا کسی از نوشته‌های او گزین نمود یادرجنگی‌دارای چندین گفتار که نخستین آنها ازاو بوده‌است دیده‌شده و آنان نتوانستندآنها رااز‌هم بازشناشند. هموکتابهائی را که بسبك وشیوائی جالینوس نیست فهرست کرد و نیزآنچه را که ترجمه شده وپاره‌ای که نشده برای علی‌بن یحیی ستاره شناس سیاهه‌داد و گفتاری دارد که درآن کتابهائیکه در « فهرست نگارشهای » جالینوس نیامده نشان داده است و خزرجی از روی همهٔ اینها فهرست کتابهای جالینوس رانوشت (ج۱ص۱۰۱و۱۰۲و۱۹۸)،

متن فهرست نخستین جالینوس وپـارهٔ باز ماندهٔ از دومین فهرست نخستین‌بار در ونتکیا بسال۱۵۲۵ جزء دورهٔ نگارشهای اوبچاپ رسید.

فهرستی که حنین اسحاق (Johannitius ۸۰۹-۸۷۳) نوشته بنام«ترجمه‌های سریانی‌وتازی‌نگارشهای‌جالینوس»ازروی‌دو نسخه‌استانبول‌باترجمهٔG.Bergstrasser در Abhanlungen für die Kunde de Morgenlandes ج ۱۷ و ۱۹ بسال‌های ۱۹۲۵-۳۲ چاپشد. درآن آگاهیهائی ازنگارشهای ابقراط هم‌هست.

فهرست دیگری از نگارشهای جالینوس در ۱۴۸۳ بنـام بخش ورده‌بندی وشماره نگارشهای جالینوس بچاپ رسید که از کهن‌ترین فهرستهای چاپ‌شده میباشد.

(بنگرید به Les débuts de la bibliographie méthodique ترجمهTh.Besterman ازانگلیسی چاپ باریس بسال ۱۹۵۰ ص۱۴).

پیش ازپیدا شدن چاپ دراروپا درسده۹ فهرست یا سیاهه‌ای از سرگذشت نامـهٔ قدیسان وپاکان نوشته ودردیرSaint Gall گذاردند. کهن‌ترین فهرست چاپ شده دو فهرستی است از Saint Jerom وde Gennad که در ۱۴۶۷ بچاپ رسید (همـان کتاب Besterman ص۱۶).

کهن‌ترین فهرستی که دراسلام یادشده همان فهرست کتابخانهٔ مأمون عباسی است که مشکویهٔ رازی درداستان«جاویدان خرد» نامبرده است(ص۲۱) ابن‌ندیم ازدفتر کهنی یاد میکند که مانا از گنجینهٔ مأمون بوده ودرآن کتابهای‌آسمانی راشمرده‌اند(ص۳۲).

یکی‌هم‌فهرست کتابخانه (بیت‌الکتب)صاحب اسماعیل‌بن عبادطالقانی(۳۲۶-۳۸۵) است درری که کتابهای‌آن باندازهٔ چهارصدیاهفتصد بارشترمیشده است و۱۱۷هزارنسخهٔ گرانبها درآنجابود. محمودسبکتکین ترك(۳۸۸-۴۲۱) هنگامی که بری رسید بدو گفته اند که درآنجا نگارشهای رافضیان وبدعت‌گذاران هست اوهم هرچه دفترهای کلامی‌در آنجا بود بیرون‌آورد ودستور دادبسوزانند (نزدیك ۴۲۰).

ابوالحسن علی بن‌زید بیهقی (م۵۶۵) میگوید که من آنجارا پس از سوزاندن محمود دیدم فهرست آن بده‌جلد میرسید. (معجم‌الادباء چاپ اروپا ج۲ص۳۱۵).

دیگر فهرست کتابخانهٔ فناخسرو بویه‌ای (۳۳۸-۳۷۲) درشیراز که مقدسی (زنده در۳۷۵) دراحسن‌التقاسیم (ص۴۴۹) میگوید: این کتابخانه حجرهٔ جداگانه‌ایست و گماشته و گنجور و بازرس از نکوکاران شهر درآنجایند و کتابی نوشته نشده تااین هنگام که در آن نباشد. این‌حجره دالان درازی است دریك صفهٔ بزرگ. درآن ازهرسوی گنجینه هائی (خزائن) است وبهمهٔ دیوار های دالان و گنجینه‌ها خانه‌ها یا اشکافهائی از چوب آراسته ونگارین بدرازای یك‌قامت وبپهنای سه ارش چسبانده‌اند که هریك‌را دری‌است که ازبالا بپائین میآید ودفترها (دفاتر) روی‌رفها چیده و گذارده‌شده‌است وبرای‌هرگونه ازآن دفترها خانه‌هائی است وفهرست‌هائی که نام‌کتابها درآن‌آمده. (نیز: خزائن - الکتب‌القدیمه ص۱۲۶).

دقت دانشمند دربارهٔ استناد کتابها

دانشمندان‌اسلامی دردرستی‌استناد کتاب‌بنگارندهٔ آن‌بسیارموشکاف‌بوده‌اند کتاب‌را مانندحدیث‌نمیپذیرفتند مگراینکه‌ازآورنده وراوی‌آن بشنوندیا ازگفته‌او بنویسند (سماع واملاء) یااینکه‌شیخ وپیرآنرا نوشته بدست خویش بآنهادهد (مناوله) یادر کتاب واصل‌خوداو یادفتریکه براو خوانده شده واودرستی آنرا برروی‌آن نوشته‌باشدیا شاگردانش آن‌را درست بدانند بیابند اینگونه شروط را در دفترهـای درایةالحدیث می‌بینیم و همچنین در کتابهائیکه درباره سرگذشت بزرگان و رهبران مانـنـد شافعی واحمد حنبل واشعری و دیگران نوشته‌اند رشتهٔ روایت وسماع درباره کتابها دیده میشود ودرنسخه های کهن هم مانند «الرساله» شافعی‌نام کسانیکه آنرا ازاستاد شنیده‌اند نوشته شده است.

همچنین درسرگذشتها وطبقات کـه برای دانشمندان نوشته‌اند فهرست نگارشهای آنها هست وبرخی مانند سبکی از کتابها عبارتی آورده‌اند.

برخی ازدانشمندان مانـنـد اشعری در «العمدفی‌الرؤیة» (ص۵۴۸ همین‌فهرست) و ابوالحسن محمدبن‌یوسف عامری نیشابوری م۳۸۱در «الامدعلی‌الابد» (ص۳۴۷جاویدان خرد) نگارشهای‌خود رافهرست میدادند. یااینکه شاگرد نوشته‌های استاد را برمیشمرد مانند جوزجانی در «سرگذشت» شیخ رئیس.

اینك نمونه‌ای ازفهرستها که نوشته‌اند:

۱- الفهرست ازابوالفرج محمدبن اسحاق وراق بغدادی ابن‌ابی یعقوب‌ندیم (م۲۰ شعبان ۳۸۵) نزدیك بشعبان سال ۳۷۷ که در آن بجز تاریخ علم، فهرست نگارشهای دانشمندان یونانی وایرانی واسلامی نیزهست فلوگل‌آنرا درلیدن بسال۲-۱۸۷۱ دردو

جلد بزرگ با بررسیهائی بآلمانی بچاپ‌رساند ودرمصر نیز چاپ شد .

بارون روزن‌خاورشناس روسی سر گذشت ابن‌ندیم‌را نوشت (گاهنامه سید جلال تهرانی سال ۱۳۱۰ ص۹۹) درمجلهٔ Die Kundes Morgenlandes بسال۱۸۸۹ نیز پاره‌هائی ازهمان فهرست بچاپ رسید که آن درپایان چاپ۱۳۴۸مصرهم‌دیده‌میشود .

۲ـ الفهرست شیخ‌طوسی (۳۸۵ـ۴۶۰) که در دیباچهٔ آن میگوید : «پیش ازمن فهرست نگارشهای‌یاران‌مارا نوشته‌اند مگر اینکه همهٔ کم‌وکاستی داشت مگر نوشتهٔ ابوالحسن احمدبن الحسین غضائری که دوفهرست نگاشت یکی دربارهٔ مصنفات دیگری دراصول و کسی آنهارا رونویس‌نکرد واو بمرد وآن‌نوشته‌ها ازمیان برفت» چاپ‌نجف‌بسال ۱۳۵۶

۳ ـ رجال ابوالعباس احمد بن عباس نجاشی (۳۷۲ ـ مطیرآباد ۴۵۰) که در سر گذشت دانشمندان شیعی نگارش های آنان را یاد نمود و آن در بمبئی بسال ۱۳۱۷ بچاپ رسید .

۴ـ سعدالسعود ازعلی‌بن طاوس حلی(۵۸۹ـ۶۶۴) نگارش یکشنبه ذی‌قعدهٔ ۶۵۱ که کتابهائی راکه خریده وبرفرزندانش وقف کرده بود برشمرد وعبارتهائی ازآن‌ها با نشاندادن شماره برگ وکراسه وجزء درآن‌آورد تااگر ازمیان برود نشانی از آن‌ها بماند واگر دستبردی شده ونشانهٔ وقف‌آنها بریده شده بتوانندآنهـا را بشناسند واگر کسی هم‌نخواند یانتواند آنهازا ببیند همین گلچینی هاکه او کرده است برایش سودمند خواهد بود. اواین کتاب‌را دردنبال «الابانة فی اسماء کتب‌الخزانة» خود که رازکتابهارا درآن شناسانده بود وبمانندآن نگاشته‌است. اواین کتابها رادرآن شناسانده «قران — تورات ـ انجیل ـ تفسیرهای تبیان وجوامع‌الجامع وتفسیرهای علی‌بن ابراهیم وحجام‌وابن عقده و امام محمد باقر ع ـ قصص‌الانبیاء راوندی وفقه او ـ کشاف ـ تفسیرهای جبائی و عبدالجبارهمدانی وابوالقاسم‌بلخی و کلبی‌وسلمی (حقائق‌التفسیر) وابن‌جریح وابن بحر سپاهانی واخفش وفراء وازهری ورمانی وجراح»چاپ نجف$\frac{۱۳۶۹}{۱۹۵۰}$ـ اونگارش‌دیگردارد بنام فرج‌المهموم فی‌تاریخ علماءالنجوم بسال۶۵۰ که نگارش‌های ستاره‌شناسان رادرآن برشمرد وآن درص۹۸ همین‌فهرست شناسانده شده است .

۵ـ معالم‌العلماء ازابن شهرآشوب ساروی (۴۸۹ـ۵۸۸) نوشتهٔ پیش از ۵۸۱ که سر گذشت وفهرست هردواست . چاپ‌تهران در۱۳۳۵خ .

۶ـ فهرست شیخ منتجب‌الدین ابی‌الحسن علی‌بن ... بابویه قمی(۵۰۴ ـ ۵۸۵) که دنبالهٔ فهرست طوسی است ودرجلد ۲۵(اجازات) بحارمجلسی آمده است .

۷ـ خلاصة‌الاقوال فی‌معرفة‌الرجال ازعلامه حلی(۶۴۸ـ۷۲۶) که گذشته ازفهرست

نگارش‌های دیگران آنچه خودهم تاتاریخ ع۲سال ۶۹۳ نوشته بود برشمرد (ص۴-۴۳) چاپ تهران در ۱۳۱۰- اودر اجازه‌خود بمهنا بن سنان‌در بارهٔ روایت‌نگارش‌های‌خویش‌در محرم(۷۲۰) ۵۴ کتاب‌ازخودروی‌بخشهای علمهایادنمود واین اجازه دردفترشماره۱۰۲۲ گ۶۸الف-۷۰ب بخط سیدحیدر آملی بسال۷۶۲ دیده میشود ودرص۲۵ج۲۵ بحارهم‌بچاپ رسید.

۸- امل‌الامل ازشیخ حرعاملی م۱۱۰۴ که در۱ج ۲سال ۱۰۹۷ بپایانش رسانده و سرگذشت نامه وفهرست‌هردو است ودردنبال منهج‌المقال‌میرزا محمد درچاپخانه کربلائی محمد حسین تهرانی بسال۱۳۰۷ بچاپ سنگی رسید.

عاملی درآغاز «تفصیل وسائل‌الشیعة الی‌تحصیل مسائل‌الشریعة» که درپایان‌جمادی دوم سال۱۰۸۲ بانجامش رساند هم کتابهائی راکه ازآنها بهره برد برشمرد ودر پایان جلدسوم آن از بسیاری از کتاب‌های دانشمندان شیعی بررسی نمود (چاپ امیربهادر در تهران درسه جلد بسال۴-۱۳۲۳).

۹-لؤلؤتی‌البحرین ازشیخ‌یوسف‌بحرانی م۱۱۸۶ که‌رشتهٔ سندروایت‌واجازه‌خویش رابآورده وسر گذشت دانشمندان ونگارش‌های‌آنهارا یادنمود(۱۱ع۱سال۱۱۸۲). چاپ سنگی ابوالقاسم خوانساری در۱۲۶۹.

۱۰- بحارالانوار مجلسی (۱۰۳۷-۱۱۱۰) که در آغاز آن ازکتابهائی که بهره برد یاد نمود ودرآن ازبرخی بررسی نمودودرجلد۲۵ اجازه‌های دانشمندان شیعی‌راآورد که بهترین سنداست برای فهرست کتاب‌ها.

۱۱- مستدرك‌الوسائل ازحاج میرزا حسین‌بن محمد تقی‌نوری (یااو۱۲۵۴ - نجف ۱۳۲۰) که در۹-۱۳۱۸ آنرا بپایان رسانده ودرجلد سوم‌آن درباره بسیاری از کتاب‌ها کاوش و گفتگو نمود. چاپ تهران۲۱-۱۳۱۸ درسه جلدرحلی.

ناگفته نماند که درکتاب‌های رجال هم‌فهرست کتاب‌ها آمده و بهترین و گسترده ترین‌آن‌ها تنقیح‌المقال فی‌احوال‌الرجال شیخ‌عبدالله مامقانی است که دربارهٔ صحت‌استناد کتاب‌ها هم کاوش کرده است (چاپ نجف درسه جلدسال۵۲-۱۳۴۹).

او درمقیاس‌الهدایه فی‌علم‌الدرایة پیوست جلدسوم همین‌تنقیح ص۱۱۶-۱۲۳. رجال شناسان شیعی را برشمرد و کتابهای رجال را فهرست داد.

این هم‌گفته شود که دربرخی ازکتابهای اصول فقه نیزدرباره صحت استناد برخی از کتاب‌ها گفتگو شده ازآنها است فصول شیخ‌محمد حسن سپاهانی (م نزدیك ۱۲۵۴ یا ۱۲۶۱) چاپ سنگی ایران ازخوانساری که‌درپایان مبحث‌خبردرمقاله دوم از«فقه‌الرضا» گفتگو نمود وازرهگذر تاریخ نشروسبك‌ومندرجات آن‌کاوش کرد وروشن‌ساخت که‌آن ازامام نباید باشد.

درچاپخانهٔ دائرةالمعارف دکن بسال ۱۳۲۸ جنگی چاپ شده دارای اینها :

۱ــ الامم لایقاظ الهمم از برهان الدین ابراهیم بن حسن بن شهاب کردی کورانی شهرزوری مدنی شافعی صوفی (۱۰۲۵ــ۱۱۰۲) درباره اسناد دوصحیح وچهارسنن وچند کتاب حدیث و کلام و تصوف و تفسیر بسال ۱۰۸٦ .

۲ــ بغیة الطالبین شیخ احمد بن محمد نخلی مکی دربارهٔ مشایخ اجازه درحدیث وعلم بسال ۱۱۱٤ .

۳ــ الامداد بمعرفة علو الاسناد از شیخ جمال الدین عبدالله بن سالم بصری مکی عارف شیعی (۱۰٤۹ــ۱۱٤۳) که پسرش شیخ سالم گردآورده دراجازه‌های اودرباره کتاب‌های حدیث و کلام و تفسیر و تصوف و نحو بسال ۱۱۲۲ .

٤ــ قطف الثمر فی رفع اسانید المصنفات فی الفنون والاثر از شیخ صالح بن محمد بن نوح عمری فلانی مسوفیٔ مغربی ۱۲۱۸م .

۵ــ اتحاف الاکابر باسناد الدفاتر از قاضی ابی علی محمد بن علی شوکانی زنده در ۱۱۷۲ و ۱۲۵۵م نگارندهٔ نیل الاوطار روی حروف تهجی نام کتاب بسال ۱۲۱٤ .

نکته‌هائی از ابن طاوس

درسعدالسعود بنام‌هائی برخورد میشود که در کتابشناسی سودمنداست. کتاب های کتابخانهٔ او برخی چند «مجلد» هریك چند «جزء» هریك چند «کراس» بوده و مجلد او برابراست با Volume وجزء همان Tome میباشد و کراس نزدیك است به Forme یا Fascicule یا Brochure که گویا نزد او بیش ازده برگ نبوده‌است چنانکه زمخشری دراساس البلاغه میگوید: فی هذه الکراسة عشرورقات. عدة کراریس. قرأ کراسة من کتاب سیبویه (ص۱۷۱ ج۲ چاپ ۱۳۲۷ مصر) ونسخه کهنه ش ۳۵۰ اینکتابخانه (تحریر شرح لمع) همدررویهٔ برگ‌های یازدهم شماره دارد(ص۵۵۹ اینفهرست). درسرگذشت شیخ رئیس دارد: «خمسة اجزاء کل واحد عشرة اوراق» واین «جزء» بایدهمان باشد که کراس میخوانند. گرچه درمحیط المحیط وفرهنك دوزی آمده که کراس جزئی است از کتاب و بیشتر هشت برگ است. این واژه درشعر کمیت هم آمده : «حتی کان عراص الدار اردیة — من التجاویز او کراس اسفار» کردعلی درخطط الشام (ج٦ ص۱۹۷)میگوید: «آنچه پیشینیان جزء ومجلد ومجلده میگفتند پیش ازچند کراسهٔ ما نبود و کراسه هم گاهی بیشتر ازهشت صفحه نمی‌شد پس هزارمجلد روزگار پیش بیشتر ازپنجاه یاهفتاد جلدکنونی نمیشده وبرگ های یک مجلدآنها کم بودچه ورق یا رق آنها کلفت بوده واگربرگ‌های یکجلد بدویست تا پانصد میرسید سنگین میشد و برداشتن وباخود داشتن آن دشوارمیگشت» .

ابن طاوس بازدرنشان دادن جائیکه مطلبی ازآنجا میآورد واژه‌های قائمه (برگ

یا Folio) ووجهه اوله (رویه‌یا Recto) ووجهه ثانیه (پشت‌یا Verso) وصفحه‌وسطر بکارمیبرد. پیداست که صفحه‌ها و برگ‌ها درآن هنگام شماره نداشت و با شمردن قائمه‌ها وسطرها وشماره دادن کراسهای‌ده برگی وجزء ومجلدپیدا کردن هرجائی از کتاب آسان بوده است. او گاهی نیزاز «ورقة کبیرة ـ ربع‌الورقه ـ نصف‌الورقه ـ قالب‌ثمن» و«معظم ـ لطیف‌صالح‌للتقلید» یادمیکند ومیرساند که گاهی نصف‌الورقه وربع‌الورقه را یکجاجلد میکردند (ص ٦٤).

فهرست عمومی یا Catalogue Collectif

١ ـ کشف‌الظنون عن‌اسامی‌الکتب والفنون ازحاجی خلیفه مصطفی بن عبدالله کاتب چلبی قسطنطینی (١٠٠٤ ذی‌حجهٔ ١٠٦٧) که از کتابها آنچه خودگرد آورده و آنچه‌در کتابفروشی‌های حلب ودر کتابخانه‌های عمومی استانبول دیده و یا در کتابهای طبقات و تراجم خوانده بودیاد نمود.

فلوگل آنرا باترجمه لاتینی در ٧ جزء بزرگ در لایپتسیك ولیدن در٥٨ ـ ١٨٣٥ چاپ کرد.

چلبی کشف‌الظنون‌را تا کلمه «دروس» پاکنویس نمود وخود درگذشت وبازمانده درمسوده‌ماند وشش تن آنرا پاکنویس کردند. سپس سیدحسین‌عباسی نبهانی حلبی(م پس از١٠٩٥ درحلب)آنرا گزین و کوتاه نمود ونامهای بسیاری هم برآن افزود ونسخهٔ آن بنام «التذکارالجامع‌للاثار» هست. محمدعزتی افندی عریف‌وشنه زاده م١٠٩٢ ذیلی برای کشف‌الظنون‌نوشت که درمسوده‌ماند. احمد طاهر افندی حنیفزاده م١٢١٧هم ذیلی برآن افزود که بیش از پنجهزار کتاب درآن یادشد و بنـام آثارنومیباشد. شیخ‌الاسلام عارف حکمت بك م١٢٧٥ تاحرف«ج» نیزذیلی نوشت وبهترین ذیل‌آن «ایضاح المکنون» اسمعیل پاشای بغدادی م١٣٣٩ است که نزدیك بسی سال درش کار کرد و نـام ١٩٠٠٠ کتاب‌برش‌افزود.او«هدیة‌العارفین فی‌اسماء المؤلفین وآثارالمصنفین»هم‌دارد دردوجلد که میخواهد درآن نگارندگان ونگارشهای آغاز اسلام تاروزگار خویش رادرش نام برد. اسماعیل صائب سنجر مدیر کتابخانه عمومی استانه ومدرس جامع بایزید دوم نیزذیلی بر کشف‌الظنون داد. ذیل‌اسماعیل پاشا باخود کتاب در٤جلد بزرك دراسلامبول بسال٦ ـ ١٣٦٠(٧-١٩٤١) بچاپ‌رسید ـ Petisdfla Croix معلم عربی مدرسه پاریس کشف الظنون‌را بفرانسه‌ترجمه کرد.

ترجمه فارسی کشف‌الظنون‌در بنگال هست (فهرست‌فارسیهای انجمن آسیائی بنگال ازایوانف بانگلیسی ج٢ص٤٤٦ش٦٦٣) وترجمان‌آن دیباچه‌ای ازخود در آن نگذارده واز ترجمهٔ خطبه: « بهترین نطق که ظاهر میشود انوارالطاف ... » آغاز نمود وپایان

آن برابراست باص۱۰ ج۵چاپ فلوگل وخاتمه‌ای Colophon هم برای آن نوشت و شناخته نشد که کیست . در پایان نسخه بنگال مهری هست بتـاریخ ۱۲۵۳ـ شیخی ابراهیم افندی بن علی عربه‌چی باشایا (عربه‌جیلر شیخی) م۱۱۸۹ این کتابرا تصحیح و پاکیزه نمود و پاره‌ای از تاریخ درگذشتهای دانشمندان که چلبی نیاورده بود روشن نمود وافزوده‌های عربه چی درچاپ فلوگل میان دو کمانه گذارده شده ولی دردوچاپ بولاق دردوجزء بسال ۱۲۷٤ وآستانه آنهم دوجزء بسال ۱۱-۱۳۱۰ درجزء متن آمده است درپایان چاپ فلوگل فهرست های کتابخانه‌های ازهر قاهره ومدرسه ابی الذهب محمدبك مصرومکتبه ردوس وسلطان سلیم درآستانه وقلیج باشادرتوپخانه قسطنطنیه وتصحیح وشرح شش جزء پیشین وفهرست افزوده عربه‌چی باشی وحنیف‌زاده وفهرست لاتینی نویسندگان آمده ودر پایان جزء ششم آن چاپ «آثـارنو = Nova Opera» احمد طاهرحنیف‌زاده درفهرست نگارش‌های تازی وپارسی وترکی که در کشف الظنون نیامده است ونیز برنامه کتاب‌های متداول در مغرب وفهرست نگارش‌های جلال‌الدین سیوطی دیده میشود .

۲ـ کشف‌الحجب والاستار عن‌اسماءالکتب والاسفار از اعجـاز حسین نیشابوری کنتوری برای کتاب‌های شیعی چاپ Baptist Mission Press بسال ۱۳۳۰(1935) در ۵+۶۰۷+۱۱۸ص

۳ـ الذریعه الی تصانیف‌الشیعه ازدانشمند حاج شیخ آقا بزرگ محمدمحسن تهرانی برای کتابهای شیعی وایرانی که ازسال $\frac{۱۳۵۵}{۱۹۳۶}$ تاکنون هشت جلـد در نجف وتهران بچاپ رسید، دراین کتاب اجازه‌های دانشمندان ودفترهائیکه درآنهـا اجازه ها راگرد آوردند فهرست‌شده ودربیشتر این‌اجازه‌ها نام کتاب‌ها هم‌هست .

٤ـ تذکرةالنوادر من‌المخطوطات‌العربیه ازسید هاشم‌ندوی (رفیق دائرةالمعارف) چاپ دکن در ۲۲٤ بسال ۱۳۵۰ .

۵ ـ مؤلفات ابن‌سینا ازابجورج شحاته قنواتی چاپ دارالمعارف قاهره در ۱۹۵۰ در ۳۱+٤۳۵+۲۰ص

فهرست کتابخانه‌های ایران

۱ـ فهرست کتاب‌های کتابخانه آستانه‌طوس (قدس‌رضوی) درپایان جلددوم‌مطلع الشمس ازمحمد حسنخان صنیع‌الدوله چاپ ۱۳۰۲ ص ٤۶۹-۵۰۰ که سیاههٔ کتاب‌ها است و روی علمها بخش‌شده وفرمانها واسناد وتصویرها هم‌درآن یادگردید .

۲ـ فهرست هما نجادرپایان‌فردوس‌التواریخ نوروزعلی‌پسرحاجی محمدباقر بسطامی چاپ کارخانهٔ آقا اسدالله درتبریز ذی‌قعده ۱۳۱۵؛ که کتاب‌های موجود درآنجا درتـاریخ

۱۲۹۷ نامبرده شده .

۳ـ فهرست چاپی وخطی همانجا بنام «فهرست کتب کتابخانه مبارکه آستان‌قدس رضوی» که پنج جلدآن تا کنون بچاپ رسیده وچهارم وپنجم آن‌بهتر کتابها رامیشناسانند جلد یکم آن دارای ٤ فصل است (فلسفه و کلام در ۹۵+۲۳ص ـ منطق ٤٦ص ـ تفسیر ۷٤+۱۲ص ـ اخبار ۱۰۸+۳۲ص)

دوم آن ازفصل ۵ تا ۱۱ است (فقه ـ اصول ـ تجوید ـ ادعیه اخلاق ومواعظ ـ رجال وانساب ـ لغت) در ۳۹۲ ص

سوم آن ازفصل ۱۲ است تا ۱۷ (صرف ونحو ـ معانی و بیان ـ تاریخ وافسانه ـ ادبیات طب ـ ریاضی) در ۳۷۰ص هرسه جلد چاپ‌دارالطباعه طوس ازمیرمرتضی الموسوی مشهد مقدس در $\frac{\text{تیر } ۱۳۰۵}{\text{محرم } ۱٤٤۵}$

چهارم در حکمت و کلام و فلسفه ـ منطق ـ تفسیر و ٥٤٤ ص چاپ مشهد چاپخانه طوس (روئین تن) $\frac{۱۳۲۵}{۱۳٦٦}$

پنجم دراخبار وفقه و٦٨٤ص چاپ همانجا بسال ۱۳۲۹خ وهمهٔ ۵جلد باندازهٔ رحلی .

٤ـ فهرست کتب کتابخانهٔ مدرسهٔ فاضلیه در ۱٤ فصل ازآقای او کتائی چاپ شهریور ۱۳۰۹ در مطبعهٔ خراسان .

۵ـ فهرست کتابخانه مجلس شورای ملی ازیوسف اعتصام‌الملك دردوجلد. نخستین سیاههٔ کتابهای خطی وچاپی آنجا است وبسال $\frac{۱۳٤٤}{۱۳۰۵}$ در ۳٦٤ص ودومی فهرست کتابهای خطی آنجا در ۲٦ بخش و۵۳۹ ص بسال ۱۳۱۱خ. جلدسوم فهرست آنجا از آقای ابن یوسف شیرازی‌است درباره کتاب‌های خطی ادبی بسال ۲۱ـ۱۳۱۸ و ۸۱٤ ص هرسه جلد چاپ‌مجلس میباشد

٦ـ فهرست کتب خطی کتابخانه عمومی معارف ازآقای عبدالعزیزجواهر کلام در دوجلد وزیری چاپخانه مهرتهران (۲٤۱ص بسال ۱۳۱۳ و۲٤۸ص بسال ۱۳۱٤خ)

۷ ـ فهرست کتابخانه مدرسه عـالی سپهسالار ازآقای ابن‌یوسف شیرازی دوجلد نخستین درقرآن و دعا وتفسیر وتجوید وحدیث وفقه و۷۰۰ص بسال ۵ ـ ۱۳۱۳خ دوم‌در ادب پارسی وتازی وترکی و۷۹۱ص بسال ۸ـ۱۳۱٦ هردو درچاپخانه مجلس بچاپ‌رسید وباندازهٔ وزیری بزرگ .

۸ ـ فهرست کتاب‌های فارسی وتازی واروپائی چاپی کتابخانه ملی‌ایران که روی بخشهای نوین علمها نگاشته شده .

۹ـ فهرست نمایشگاه خطوط نستعلیق کتابخانه ملی ازآقای دکتربیانی چاپ‌تابان تهران نوروز ۱۳۲۸خ وزیری ۷۸ص کتابهائیکه درباره خط وخوشنویسان نگاشته شده دردیباچه آن یادگردید .

۱۰ـ راهنمای گنجینهٔ قرآن درموزه ایران باستان درباره گردآمدن قرآن و نوشتن آن وفهرست قرآنها از دکترمهدی بهرامی ودکتر بیانی تهران فروردین ۱۳۲۸خ .

۱۱ـ فهرست نمونه خطوط خوش کتابخانه شاهنشاهی ایران از آقای دکترمهدی بیانی چاپ تابان تهران ۱۳۲۹خ که کتاب‌های راجع بخط وخوشنویسان در پایان نامبرده شده (وزیری ۳۵۹ص) .

این بود فهرستهائیکه از پارهٔ از آن‌ها دراینفتر بهره برده‌شد ونام آنها درآن دیده میشود .

نگارنده وگردآورنده فهرست: محمدتقی دانش‌پژوه
تهران ـ اردی‌بهشت ۱۳۳۲

خواهشمنداست پیش ازخواندن این فهرست غلطهای زیررا درست نمائید که شمارهٔ نسخه درکتابخانه ودرفهرست است .

صفحه	سطر	غلط	صحیح
٤٤	٢٩	١٠٥٣	١٠٣٥
١١٢	شمارهٔ[٥٨] بایدمیان دوسطر ١٨و١٩ گذارده شود		
١٦٧	١٦	١٠٣٨	١٠٣٧
٢٠٧	شمارهٔ[١٧٠]سطر٦میان دوسطر٣و٤ گذارده‌شود		
٢٢٣	٢٦	٧٨٠	٨٧٠
٢٤٧	١٣	٩٢٩	٩٢٦
٢٦٥	٢	٣٧٣	٣٧٤
٤٨٨	١٦و٢٠	٧٦٧	٨٦٧
٦٦١	٢٠	٨٦٢	٨٦٣
»	٢٦	١٣٠٨	١٠٣٨
٦٧٢	٢٤	١٣٠٨	١٠٣٨

گفتار نخستین

منطق

یکی از فروع علم منطق آداب مناظره و بحث است واین فن پس ازرواج منطق و گسترش علم کلام وفقه میان دانشمندان خاوری آشکار گردید، چه‌متکلمان وفقیهان ناگزیر بودند هنگام اثبات آراء خود استدلال کنند و در اینجا از منطق ارسطو بهره برده از رموز فنی این علم آداب بحث و مناظره را استخراج کردند ومرحلهٔ عملی آنرا علم خلاف نام نهادند.

در فن بحث ومناظره یا جدل کتابهای بسیاری نوشته شده و از آنها است همین رساله که قاضی عضدالدین عبدالرحمن ایجی (م ۷۵٦) متکلم نامور ایرانی نگاشته است. این رساله بسیار کوتاه ولی جامع است ودانشمندانی چندمانند میرسیدشریف گرگانی (م ۸۱٦) و محمد حنفی تبریزی (م ۹۰۰) ومحیی الدین محمدبن محمد بردعی (م ۹۲۷) وعصام الدین محمد بن ابراهیم اسفرائینی (م ۹٤۳) و مولانا احمد جندی ومولانا عبدالعلی بیرجندی بر آن شرح نوشتند.

آغاز: بسمه لك الحمد والمنة... اذاقلت بكلام ان كنت ناقلا فيطلب الصحة،

انجام: وانما جعل الكلام على الفؤاد دليلا، تمت الرسالة العضديه.

[۱]

۸۸۳

این نسخه بخط نسخ وشماره دوم این دفتراست وازبرک ۹ (الف) تابرک ۱۰ (الف) ونویسندهٔ آن محمدعلی است که درمدرسهٔ سپهسالار محمد خان میزیسته است وهمهٔ این دفتر که دارای شش رساله میباشد نوشته او است وبسال ۱۳۰۰ و ۱۳۰۱ آنرا نوشته است. در این نسخه حواشی هست بخط نستعلیق که برمز (س سره) پایان میپابد.

(همه این دفتر ۸۴ برك) — کاغذ فرنگی — جلد تیماج سرخ ضربی

اندازه: ۵/۸×۲۲ و ۴×۱٦ س ۱۷

[٢] آداب بحث و مناظره [فارسی]

این رساله بفارسی است و نگارنده آن چنانکه در دیباچه میگوید بدرخواست یکی ازدوستان بارتجال نوشته است.

آغاز : بسمله الحمد لمن لامانع لحکمه ولاناقض لقضائه . . ، بدان. . که بحث از روی لغت تفتیش وجستجو کردن است ودراصطلاح علما آنست که اثبات حکم ثبوتی یاسلبی کند بدلیل.

انجام : اولی مقترن نیست بلکه بوضع ثانی مقترن است، تمت الرساله.

نسخه‌ای ازاین درکتابخانه آستانه طوس (شماره ۸ صفحه ۳ بخش منطق جلد۱ فهرست) هست ونوشته استکه شاید ازابن کمال پاشا شمس الدین احمد بن سلیمان (م۹٤۰) باشد این رساله در سالنامهٔ پارس سال ۱۳۲۳ از ص ۲۷ ـ ۳۱ بچاپ رسید.

[٢]

۳۳۹ این نسخه شمارهٔ سوم این دفتر است که دارای ۳۱رساله میباشد وبخط شکسته و نستعلیق ودرتاریخ ۱۰۷٦ نوشته شده‌است واین تاریخ درپایان شماره ۲و۲۹ و ۳۰ دیده میشود ونویسنده آن نصیرالدین‌حسین‌الحرالحسینی میباشد واین‌رساله ازبرک ۵۷ (الف) است تابرک ۵۸ (الف).

(همهٔدفتر ۱۳٦ برك) - کاغذ ترمهٔ سمرقندی — جلد تیماج ساده متوالی

اندازه : ۱۳×۳۰ و ۱۰×۱۸ س ۲۱ تا ۲۸

[۳] آداب مناظره [عربی]

درجلد۱ ذریعه ص ۱۳ از آداب البحث علامهٔ حلی یاد میکنند وگوید که نسخه‌ای از آن‌در کتابخانهٔمولی‌محمدعلی‌خوانساری نجفی‌هست ولی درفهرست

کتابهای علامه دیده نشده است.[۱] و این رساله چون در نسخهٔ این کتابخانه دنبال شرح حکمة‌العین علامه و هردو بیك خط هستند شاید ازعلامهٔ‌حلی باشد. افسوس که این نسخه پایان ندارد تاشك ازمیان برود.

آغاز: بسمله الحمد لله الذی انقذنا من الحیرة والضلال و هدانا الی مناهج النظر والاستدلال . . . وبعد فهذه مقدمة فی معرفة الجدال مجموعة لتشحیذ الاذهان وتوجیه المقال مرتبة علی فصول مختتمة بخاتمة .

[۳]

۴۲۳ این نسخه شماره‌دوم دفتری استکه نخستین آن شرح حکمة‌العین علامهٔ‌حلی میباشد و بخط نسخ و بهمان خطی است که شرح حلی با آن نوشته شده واین رساله دربرگ ۱۳۷(ب) این دفتر است وبپایان نمیرسد واز انجام آنچه هست اینست : « والسئوال کلام یستدعی الجواب عن الغیر والجواب کلام » و چنانکه ازدیباچهٔ رساله پیداست باید چندین فصل و یك خاتمه دراین رساله باشد واین عبارت ازبحث یکم فصل یکم است، پس بحثها وفصلهائی را ندارد .

نشانه های نسخه دردنبال « شرح حکمة‌العین » بنام «ایضاح‌المقاصد فی شرح حکمة عین‌القواعد» خواهد آمد .

[٤] آداب مناظره [عربی]

این رساله از میرزا فخرالدین محمد بن حسین حسینی استرابادی زنده در ۹٤۱ و ۹٦٥ و شاگرد غیاث الدین منصور دشتکی (م۹٤۷) میباشد ودرذریعه ج۱

---

۱ دیده شود : فهرست کتب علامه حلی در خلاصة الاقوال فی معرفة الرجال همو چاپ تهران بسال ۱۳۱۰ ص۲۳-۲۵ که ازنگارشهای خود آنچه‌را که تاتاریخ ع۲ سال ۶۹۳ نگاشته است در آن آورد واجازه او بفخر الدین مهنا بن سنان بتاریخ محرم ۷۲۰ که نگارشهای‌خودرا روی موضوع بخش نموده فهرست‌داد ونسخه‌ای ازآن‌بخط سیدحیدرآملی بتاریخ ۷٦۲ در دفتر شماره ۱۰۲۲ برگ ٦۸-۷۰ همین کتابخانه هست و این اجازه در جلد ۲٥ «اجازات» بحار مجلسی ص ٥۲ نیز آمده است . نیز لؤلؤتی‌البحرین شیخ یوسف بحرانی (چاپ سنگی) و روضات الجنات ص ۱۷۲-۱۷٥ و ریحانة الادب ج۳ ش ۱۹۰ ص ۱۰٦-۱۱٤

ص ۳۱ ش ۱۵۵ از آن یادگردید .

آغاز. بسمله و به نستعین الحمد لله الحکیم الوهاب . . . . فهذه خلاصة مالابد منه فی مسائل المناظرة لمن خاض فی شئی من العلوم .

انجـام : اعرضت عن التمثیل المفضی الی التطویل والله الهادی الی سواء السبیل وهو حسبی ونعم الوکیل .

[٤]

این نسخه شماره یکم این دفتر است که دارای شش رساله میباشد ودر برگهای ۳(الف) تا ۸(ب) آن نوشته شده است و نویسنده همهٔ دفتر که محمدعلی نام دارد درپایان این رساله مینویسد که آنرا درماه رمضان سال ۱۳۰۰ بپایان رساندم واین نسخه بخط نسخ است وحاشیه هائی بخط شکسته نستعلیق دارد که درپایان آنها عبارت «منه مد ظله العالی» دیده میشود وپیداستکه حواشی نگارنده خود رساله دراینجا آورده شده وبی واسطه یا باواسطه ازروی نسخهٔ زمان نگارنده رساله نوشته شده است.

۸۸۳

(همه دفتر ۸۴ برك) ـ کاغذ فرنگی ـ جلد تیماج ضربی حنائی
اندازه : ۸/۵×۲۲ و ۴×۱۶ س ۱۷

[٥] اصطلاحات جدل وخلاف [عربی]

چنانکه در آغاز «آداب البحث» گفته شد هنر جدل وخلاف ازشاخه های منطق وعلمی استکه فقیهان ازمنطق ارسطو برگرفته‌اند و در آن روشی را که در بحث و گفتگوی فقهی باید بکار برد آشکار ساختند و این هنر همان جدل ارغنون ارسطو است که تنها مثال وشاهد آن ازفقه میباشد ودراین باره فارابی ومحمدزکریای رازی را باید از پیشروان این هنر دانست که برهـان و استدلال منطقی را ریخت علم کلام دادند و بجای مثالهای یونانی ارسطو امثلهٔ فقهی و کلامی بکار بردند و گویند نخستین کسی که در هنر جدل و خلاف نگارشی دارد ابوبکر محمد قفال چاچی شافعی (م٣٦٥) است. سپس ابی جعفر محمد نخشبی حنفی (م٤١٤) وابوزید عبدالله دبوسی سمرقندی حنفی (م٤٣٠) و ابی بکر احمد بیهقی (م٤٥٨) که در این هنر

کتاب نگاشتند .

فقیهان درجدل دو گروه شدند: یکی تنها دلیل شرعی را میپذیرند و رهبر آنها ابوالحسن علی بزدوی (م۴۸۲) میباشد. دستهٔ دیگر که پیرو ابی حامد محمد عمیدی سمرقندی (م۵۱۵) هستند هر گونه دلیلی را می‌پسندند . ازاین پس تاسده ۵ هشتم دانشمندان خاوری کتاب ها در این هنر ساختندکه در فهرست ها نام برده شده است .

این رساله در بیـان اصطلاحاتی است که در جدل واستدلال فقیهان‌را بکار میرود وتعریف‌هریك‌را میآورد ونگارنده آن شیخ تقی‌الدین ابوالعزمقترح‌میباشد.

آغاز: بسمله... قال الفقیه الامام الشیخ تقی الدین ابوالعز المقترح .. الحمدلله الکریم ۱۰ الوهاب هادی ذوی الالباب الی سبیل الصواب . . . فقد سألنی بعض الطلبة ان اوجز اهم کلمات یستعین بها علی مصطلحات فهم الفقها .

انجـام : فهو من قبیل المؤاخذات فلیستدل بهذه النبذة علی امثالهـا والله الموفق للصواب .

[ه]

۱۵ ۹۰۲ این نسخه شماره ٤ دفتری است که دارای شش رساله میباشد :

۱ـ ازهارالریاض (جلد٤) که کشکول مانند است (۱ ب ـ ٤۲الف) بخط نسخ وازهارالریاض از شیخ سلیمان ماحوزی (۱۰۷۵-۱۱۲۱) میباشد.

۲ـ النقایه درموضوعهای ادب واصول وفقه (٤۲ب ـ ٦٥ الف) بخط نسخ

۳ـ درةالبحرین فی مرثیةالحسین (٦٥ب ـ ۲۷۳الف) بخط نسخ

۲۰ ٤ـ همین رساله ازبرگ۱٥۲ (الف) تابرگ۱٥٥(ب)

٥ـ رسالهٔ حدود (خواهد آمد)

٦ـ رسالهٔ‌اسطرلاب (خواهد آمد)

بجزاین شش‌رساله دراین دفتردر برگهای ۷۲ (الف) تا۱٥۲ (ب) موضوعهای گوناگون ادبی وفلسفی وتاریخی وخبر دیده میشود که فراهم‌آورنده دفتر نوشته‌است ۱٥ ودرچندجا ازخود بنام «جامع کتاب» یاد میکند .

نیز در برگهای (۱۵۷ الف تا۲۱۷ الف) باز موضوعات گوناگون است . نویسندهٔ دفتر در برگ ۱۲۸ (الف) از سال ۱۱۱۷ یاد میکند و در برگ۱۴۸(ب) ازشیخ سلیمان علامه بمانند زنده یاد میکند و دربرگ ۱۴۷ (الف) از او بمانند مرده نام میبرد ومینویسد: «وله‌قدس‌الله‌نفسه ورمسه» . سپس اشعاری بعربی از او میآورد و در ۱۴۸ الف اجازه ای را میآورد که شیخ بهائی بسید عبدالمختار حسینی موسوی در میانهٔ شوال سال ۱۰۱۱ داده باینکه میتواند کتاب الحبل المتین و دیگر مرویات اورا روایت کند واین اجازه را نوح بن هابیل بن احمد بحرانی نویسنده نسخه از روی خط شیخ بهائی نوشته است .

دربرگ ۱۴۶ از سخنان شیخ سلیمان بن عبدالله ماحوزی آورده و در باره او میگوید «قدس‌الله سره» ودر برگ ۱۶۵ الف بازازاو بمانند زنده نام‌میبرد ومانا نویسنده نسخه شاگرداو بوده وقصیده‌ای ازوی میآورد ودربرگ ۱۶۵ب مینویسد که شیخ‌ابوالحسن سلیمان بن عبدالله بن علی بن احمد بن یوسف بن عمار بحرانی ماحوزی نگارشهای بسیاری دارد ودر۱۱۰۱در گذشت ودرهمین‌جا از«معراج‌الکمال الی معرفة الرجال» او عبارتی میآورد که در آن از اخوان صفا نکوهش کرده و آنانرا اسمعیلی ملحد باطنی دانست . باز می نویسد : شیخ سلیمان بن صالح بن عصفور بحرانی درازی در ۱۱۸۵ بمرد وشیخ‌سلیمان‌بن علی بن سلیمان‌بحرانی ماحوزی شیخ شیخنا السلیمان ابوعبداله‌ماحوزی‌در۱۱۰۱ بمرد وشیخ‌علی بن سلیمان‌بن‌حسن بن‌سلیمان بن‌درویش بن‌حاتم بحرانی‌در۱۱۶۴ بمرد ومینویسد که‌عم‌من‌شیخ‌ابراهیم‌بن‌احمد بن‌صالح‌در۱۱۲۵در گذشت.

دربرگ ۲۲۶ الف باز از همان شیخ سلیمان ماحوزی شعر هائی میآورد و تا برگ ۲۲۶ ب ازتفسیر سید هاشم بن سید اسمعیل توابلی بحرانی نقل میکند و این سیدهاشم نگارنده تفسیربرهان است ودر۱۱۰۷ درگذشت. ۱

این‌رساله‌بخط نستعلیق‌ریزاز نوح‌بن‌هابیل‌بن احمد‌بن‌صالح بن‌عصفور بحرانی‌درازی است که‌همه این‌دفتر بخط اوست‌وبرخی رابه‌نسخ وبرخی‌را به‌نستعلیق نوشته‌است.

(همه دفتر ۲۲۶ برگ) ــ کاغذ ترمه سمرقندی ـ جلد تیماج سرخ ضربی حاشیه‌دار مقوائی اندازه . ۱۴×۲۱ و ۸×۱۰ س۲۵

---

۱ ــ برای‌شرح‌حال این دانشمندان دیده شود: لؤلؤتی‌البحرین‌نگارش شیخ‌یوسف بحرانی و امل الامل شیخ حر عاملی‌وپیداستکه‌تاریخ زادومرگ شیخ‌سلیمان بحرانی‌ماحوزی چنانکه در این نسخه آمده درست نیست و درست آن همان است که در لؤلؤتی البحرین آمده و در بالا یاد شده است .

[٦] امتناع الحكم على المعنى الحرفى (رسالة فى...) [فارسى]

در دستور زبان تازی یانحو وصرف ، کلمه را بسه گونه بخش میکنند : اسم وفعل وحرف . این سه بخش نخستین بار در ارغنون ارسطو آشکارا دیده میشود وپیداستکه دستور نویسان زبان تازی پایه و بنیاد این علمرا ازمنطق گرفته‌اند .

ارسطو درفصل ۱ مقولات وفصلهای ۲و۳ عبارات وفصل ۲۰ شعر ازاسم وکلمه (فعل) و ادات (حرف) گفتگو نموده‌است[۱] . ازدانشمندان خاوری فارابی دراوسط ودیگر کتب منطقی خود وهمچنین ابوعلی بن زرعه در آغاز (باری‌ارمنیاس) وشیخ رئیس درفصلهای ۲و۳و۴ مقاله ۱ فن‌عبارت وفصل ۷ فن‌شعرشفاازاینها کاوش نمودند. ۵

مسئله جدائی این سه بخش از یکدیگر و ابراز فرقهای آنها نزد ادیبان و اصولیان‌نیزدشوار آمده‌و آنهاهرچه میتوانستنددرآن‌دقت کردندتابجائی که‌هنوزدر کتابهای‌اصول کنونی‌مسئله‌وضع‌حروف‌وچگونگی مفهوم آنهاموزد گفتگومی‌باشد . ۱۰

این مسئله که آیا حرف استقلال مفهومی دارد یاندارد وبر آن حکم میشود کرد یانه گرچه در نگارشهای پیشینیان روشن است ولی مایه گیر و دار ابواسحق شبانکارهٔ و محقق دوانی‌شده است ، قاضی ابواسحق بن‌عبدالله نیریزی شبانکاره‌ای رسالهٔ دراین باره نگاشته وثابت نمود که معنای حرف محکوم علیه میشود .

وی در آن ازرساله حرفیه افضل‌المتأخرین نام میبرد وگویا از آن رساله حروف پورسینا را میخواهد و باز از شریف گرگانی یاد میکند . ۱۵

نیز مینویسد : ارسطو در تعلیم اول نامی ازحروف نبرد و ادات را از اسم دانست ولی شارحان که پور سینا برتر ازهمه آنها است حرف‌را بجز اسم‌دانستند پیداست که شبانکارهٔ ازارغنون چندان آگاه نبوده است .

آغاز: بسمله تیمنا بذکره بمقتضى فرمان واجب‌الاذعان صاحب‌کمال .... چند حرفی در تحقیق محکوم علیه بودن حرف مرقوم میگردد . ۲۰

۱ــ دیده‌شود: ترجمهٔ فرانسوی ارغنون از Tricot ص۲و۷۹ تا۸۲|ج۱| و جلد منطق ارسطوچاپ بدوی ص۳ و ص ۶۰ تا۶۲ وترجمهٔ فرانسوی شعر از Hardy ص۶۰ و ترجمه فارسی آن ازسهیل افنان ص ۱۳۰–۱۳۱

انجام : وحرف کافی باشد والله اعلم قال ذلك وكتبه. . . ابواسحق بن عبدالله النیریزی شبانکاره بالتفویض السلطانی بالخلق السبحانی .

[٦]

این نسخه رساله ۱۵ دفتری استکه ۱٦ رساله ازمحقق دوانی وجز او در آن است وعلی بن مسافر قاضی بخط نستعلیق آنهارا نوشته و رساله ۳ از آنها در تبریز در ۱٤ جمادی۲ سال ۹۳۹ (نزدیك بسی سال پس ازمرك دوانی) نوشته شده است این رساله در برگ ۱۱۷ الف تا برگ ۱۲۰ ب این دفتر نوشته شده است .

۱۰۲۱

نشانه نسخه در ص ٤٢ و ٤٥ و ٥٢ و ٥٧ و ٧٥ بخش نخستین این فهرست آمده است .

[۷] امکان الحکم علی المعنی الحرفی (رسالة فی ...) [فارسی]

این رساله ازمحقق جلال الدین محمد دوانی (مرده نزدیك ۹۰۷) میباشد که در آن شبانکاره‌ای را رد نمود و ثابت کرد که حرف نمیتواند محکوم علیه گردد. دوانی این رساله را بفرمان سلطان ابوالفتح سلطان خلیل بهادرخان پسر امیرحسن بیك از پادشاهان خاندان آق قوینلو که ششماه بسال ۸۸۲ و ۸۸۳ شاهی نموده است نگاشت . دوانی دراین رساله ازفارابی یاد میکند و عبارتی ازاو میآورد و نیز از شیخ رئیس وشارح مفتاح نام میبرد . ۱۵

آغاز: بسمله اللهم ارنا الحق و ارزقنا اتباعه و ارنا الباطل باطلا وارزقنا اجتنابه . الهی غشاوت غفلت وعلی ابصارهم غشاوة ازبصر بصیرت‌ما بگشا ... نموده میشود که چون جمعی ازافاضل درمحکوم علیه بودن حرف برحرف بودند وکلماتی چند پریشان چون زلف دلبران جمع نموده .... از صوب صواب ... منحرف گشته ... بخاطر رسید که ... دفع این یاوه فاسد نموده ۲۰

انجام : زیراکه ازاجل جلیاتست انکه هیچ حرف در هیچ سئوال کافی نیست والله اعلم تمت وآلاء ربنا عمت . محرره علی بن مسافر القاضی م

[۷]

این نسخه رساله ۱٦ دفتری است که ۱٦ رساله درتفسیر وفلسفه ازدوانی
وسمرقندی و شبانکاره‌ای در آن آمده است و این رساله در برك ۱۲۰
ب تا برك ۱۲۷ ب این دفتر بخط تعلیق علی بن مسافرقاضی نوشته شده‌وی
همه‌این۱٦ رساله رانوشت وتاریخ آن۹۳۹ میباشد ونشانه نسخه دربخش۱ این‌فهرست ۵
یاد گردید .

[۸] الاوسط [عربی]

این کتاب یکی‌ازنگارشهای منطقی فیلسوف بزرگوارایرانی ابونصرمحمدبن
محمدبن‌اوزلغ بن‌طرخان فارابی میباشد وی ازمردم فاراب خراسان است که اترار
مینامیدند وشهری‌بود بالای رود چاچ نزدیك بلاساغون. فارابی در۲۵۹ در وسیج ۱۰
که دژی‌است‌درشهرستان‌فاراب‌زاده‌شد و در۳۳۹در دمشق ازاینجهان‌رخت بربست.
این دانشمند نحو را از ابی‌بکربن‌السراج فراگرفت و دربرابر باومنطق آموخت.
فارابی از یوحنابن حیلان بخش خواندنی منطق راکه تا پایان اشکال وجودی
میباشد فراگرفته و بخش دیگرآنراکه کلیساناروا میدانست تا پایان برهان پس از
این خوانده است. وی دربغداد ازشاگردان متی‌بن‌یونس قنائی‌نیز بوده وبانجمن او ۱۵
میرفته است وسپس بحران رفته از یوحنابن حیلان نصرانی منطق آموخت.فارابی
بجزترکی که زبان مادریش بود وعربی که بدان نگارشها دارد، چنانکه از (کتاب
الحروف) او برمیآید بیونانی و سغدی نیز آشنا بوده است ویونانی دانستن او از
دیباچهٔ (الاوسط) هم برمیآید . این دانشمند ایرانی که در زیرکی و هوشمندی و
روان وشیوانویسی یگانه روزگارخود بود، گذشته‌ازبخشهای طبیعی و ریاضی‌والهی ۲۰
فلسفه،درمنطق سرآمد بوده تا بجائی که آنچه راکندی بغدادی و دیگران ازهنر
تحلیل و روشهای تعلیم فراموش کرده بودند آورده و پنج ماده منطق و سودهای
آنهارا آشکار نموده و راه بکار بردن آنها را شناساند و در احصاءالعلوم بخشهای
منطق وغرض‌آنها را بخوبی روشن ساخت و در (ماینبغی ان‌یقدم قبل‌تعلم‌الفلسفه)
آنچه‌راکه درآموختن فلسفه میبایست آشکارا آورد . ۲۵

از نگارشهای منطقی او پیداست که وی در این دانش بسیار آگاه بود و تاریخ پیدایش آراء منطقی را بخوبی میدانست و در اینکه منطق را که آورد ، و کتابهای ارغنون کدامیك از ارسطو هست ، و در اینکه آرائی که وی دارد و کاوشهائی که کرده است، در برابر کدامیك از آراء فیلسوفان پیشین است، در (الاوسط) و نیز در (شرح عبارت و قیاس ارغنون) او بنکاتی برمیخوریم که هوشمندان اروپائی مانند **Hamelin** و **W.D.Ross** و دیگران از نگارشهای یونانی و لاتینی گرفته و نوشتند. مانافارابی از ترجمه‌های نخستین و کتابهای پیشینیان نسخه‌هائی را داشته بود که اکنون بجانمانده است. تنها کتابی که در دست است منطق ابن زرعه است که از این نکته‌ها اندکی دارد. آنهم دو نسخه از آن سراغ داده‌اند که یکی در آستانه طوس و یکی دیگر در هنداست

١٠ باری فارابی درهمه بخشهای منطق نگارش دارد و بسیاری از بخشهای ارغنون را شرح نمود که درفهرستها یاد گردید . اینك از نگارشهای منطقی او آنچه در کتابخانه‌ها هست در اینجا یاد میشود :

١ شرح ایساغوجی فرفوریوس نسخه از آن دراسکوریال بشماره ٦١٢ هست و ابن باجه (محمد بن الصائغ م ٥٣٣) تعلیقی بر آن نوشت که ترجمهٔ عبری آن هست و از

١٥ روی آن بلاتینی ترجمه شده و نسخه لاتینی درمونیخ بشماره 36bi–21oa هست

٢ شرح المقولات لارسطو علی جهة التعلیق : نسخه شماره ٦١٢ اسکوریال ــ ترجمه عبری آن درمونیخ بشماره ٣٠٧ هست .

٣ شرح المواضع المستغلقة من کتاب قاطیغوریاس لارسطالیس که ابن ابی اصیعه گوید این شرح معروف به (تعلیقات الحواشی) بوده است : ترجمه عبری شماره ٣٠٧

٢٠ مونیخ که مقاله ٤ (این) را ندارد ــ نیز نسخه پاریس

٤ شرح باری ارمنیاس علی جهة التعلیق : نسخه شماره ٦١٢ اسکوریال ابراهیم بن ابجدور یهودی میگوید که فارابی برخی از آراء ارسطو را که در کتاب قیاس دیده میشود در این شرح آورده است و ابن میمون فیلسوف یهودی (٥٢٩ــ٦٠١) از آراء فارابی که در این بخش آمده است گــرفته و درفصل ١٣ کتاب « المجوع

٢٥ فی المنطق» یاد نمود . ابن رشد فیلسوف اندلسی (٥٢٠ ــ ٥٩٤) سخن فارابی را که

در کتاب عبارت او آمده در تعلیق خود که در مجموعه عبری کتابخانه مونیخ شماره ٤٦ هست آورد.

٥ کتاب‌المقائیس : ترجمه عبری آن در مونیخ بشماره ٦٣٠ و بودلیان اکسفورد بشماره ٤٠٢ و وین بشماره ۱۳۰ وپاریس بشماره ۳۳۳ هست.

٦ تعلیق‌علی کتاب‌القیاس یا تعلیقات انالوطیقاالاولی لارسطو : نسخه شماره ٦١٢ اسکوریال — ابن باجه شرحی بنام «ارتیاض فی‌التحلیل» برآن نوشته‌است. ٥

۷ شرائط‌القیاس: متن عربی‌بخط عبری نسخه شماره ۷۰۳ پاریس و ترجمه عبری نسخه شماره ٦٢٥ اسکوریال

۸ القول فی‌شرائط‌الیقین : متن عربی‌بخط عبری و با ترجمه عبری نسخه شماره ۳۰۳ پاریس ۱۰

۹ کتاب‌الجدل : ترجمه عبری نسخه شماره ۳ وین

۱۰ کتاب‌المغالطین : ترجمه عبری نسخه شماره ۱۱۰ مونیخ

۱۱ کتاب مختصر فی‌السفسطه: عمادالدین‌مراکشی آنراشرح کردوترجمه عبری آن در اسکوریال‌بشماره(56 ،S36) و در کتابخانه Parma،De Rossi بشماره (90²:S.56) و در وین بشماره (CXD S.30,50) و در مونیخ بشماره (S.94,56)هست. ۱٥

۱۲ صدرلکتاب الخطابه :ترجمه‌لاتینی‌در بودلیان‌بشماره ۱٥هست_ابن‌رشد از این کتاب مانند دیگر نوشته‌های فارابی بسیاربهره برد

۱۳ التوطئه‌فی‌المنطق: دوترجمه عبری‌دارد یکی‌در Cod Bislechis No 77 بنام(رساله ابونصرفارابی در دیباچه نوشته‌های‌منطقی)دیگری درمونیخ‌بشماره ۳۰۷ بنام رسالهٔ فارابی ازتوطئه درعلم منطق ۲۰

۱٤ فصول‌یحتاج‌الیها فی‌صناعة المنطق: متن‌عربی بخط‌عبری‌درپاریس بشماره ۳۰۳ هست (نسخه شماره ۲٤۰ دانشگاه تهران) این کتاب سه ترجمه عبری دارد ۱ — از موسی‌بن‌لادخیس یهودی ۲ - ازصموئیل‌بن طبون ۳ — ازشالوم‌بن‌ایوب

۱٥ المختصر الصغیر فی‌المنطق علی‌طریقه المتکلمین : نسخه‌شماره (۲٤۰) ۲٥

دانشگاه ابن ابی‌اصیبعه درعیون‌الانباء (ج ۲ ص ۱۳٤ س ۱۹) از این کتاب یاد نموده است

١٦ کتاب فی‌الاشیاء التی‌یحتاج ان‌تعلم قبل‌الفلسفه یامایتبغی ان‌یقدم قبل تعلم الفلسفه: دتیریسی در (الثمرة) درلیدن بسال۱۸۹٥ بنام (کتاب ماینبغی ان یقدم قبل تعلم‌الفلسفه) چاپ کرد و چاپخانه سلفیه مصر آنرا بسال $\frac{1910}{1328}$ چاپ نمود.

١٧ کلام فی‌معنی اسم‌الفلسفه و سبب ظهورها و اسماء المبرزین فیها وعلی من‌قرء منهم: ابن‌ابی‌اصیبعه آنرا درعیون‌الانباء‌جلد ۲ص ۱۳٤ - ۱۳٥ آورده و باز در همین جلد دردوجا (ص ۱۳۹ س ۹ و ص۱۳۹ س ۱۲ -۱۳) از آن یاد کرد.

١٨ الاوسط‌الکبیرفی‌المنطق: نسخه شماره ٥۹٥ کتابخانه مجلس شورای‌ملی‌در تهران‌ونسخه ۲٤۰ دانشگاه-درفهرستها ازاین کتاب بدین‌نام یاد نشده جز اینکه‌در عیون‌الانباء (ج۲ ص۱۳۸ س۱۹ - ۲۰) بنام «المختصرالکبیرفی‌المنطق»و «المختصر الاوسط فی‌القیاس» و در قفطی (ص ۱۸۳) بنام «الکتاب‌الاوسط» و «کتاب‌المختصر الکبیر» و دربیهقی (ص۱۷) بنام «المختصرالاوسط فی‌المنطق» برمیخوریم ولی از خود کتاب‌دردو نسخه که‌درتهران دیده‌شد پیداستکه ازفارابی است وریخت‌نگارش فارابی رادرروانی وشیوائی دارد این کتاب چنانکه از آغازدیباچه نسخه‌ها برمیآید باید نه بخش منطق را دارا باشد.

١٩ مقالةفی‌قوانین‌صناعةالشعراء: نسخه‌ازاین‌درمجموعه تاریخ٦۷۷ کتابخانه‌استاد دانشمند آقای‌شیخ‌الاسلام‌زنجانی‌هست‌ودرمجله Rivista d. studi orientali جلد ۱۷ ص ۲٦٦ بچاپ‌رسید.

درایران‌نسخه ازشرح‌کتاب عبارت ارغنون ارسطو در کتابخانه مجلس شورای ملی هست که متن ارسطو نیزدرآن‌آمده وهمان متنی است که درمصر درجزء ۱ منطق ارسطوبسال۱۹٤۸ بچاپ رسید دیگر بخشی از شرح قیاس ارغنون‌که تنها دارای مبحث خلف و تقابل ومصادره میباشد و متنی‌که درآن آمده برابراست با آنچه که در جزء ۱ منطق ارسطو در همان چاپ از ص ۲٦٤ س ۲ تا ص ۲۸٤ س ۱۱ (فصل ۱۱ تا ۱۸ مقاله ۲) آمده است و هردو در دفتری است بشماره ۹٤۹ از

کتابهائی که آقای طباطبائی بخشیده است و عبارت از برگ اب تا برگ ۱۷۲ و قیاس از برگ ۱۷۳ تا برگ ۳۲۲ میباشد چنانکه گفته شد یك نسخه از (الاوسط) نیز درهمان کتابخانه بشماره ۵۹۵/۲۱ هست که دارای یك دیباچه در مبحث الفاظ و کلیات وانحاء تعالیم میباشد ودر آنجا بکتاب دیگری که پیش از آن‌است اشاره میشود ودر پایان آن از تاریخ پیدایش منطق گفتگو میکند ومیگوید گرچه همیروس در شعر وپروتاگوراس در مغالطه و ثراسوماخوس درخطابه اثری گذاشتند ولی قانون این هنرها تنها از ارسطو بیادگارماند وارخوطس فیثاغورسی که درمقولات کتاب نوشت پس ازارسطو بوده است واین دیباچه درنسخه این کتابخانه نیست سپس ایساغوجی و قاطیغوریاس و باریرمینیاس و آنالوطیقای یکم و دوم و همه اینها درنسخه‌ماهست هنرمغالطه نیز دراین نسخه میان قیاس وبرهان هست که درنسخه مانیست وفارابی درچهارجای برهان‌بدان بازگشت میدهد. پس این بخش‌هم از (الاوسط) میباشد. درنسخه این کتابخانه که دارای (فصول‌یضطر الیها عندالشروع‌فی‌المنطق)و(المختصر الصغیرفی‌المنطق علی طریقةالمتکلمین) نیزمیباشد پس ازاین دو دیباچه‌ای دارد در تعریف و تقسیم منطق و اندکی از ایساغوجی ومبحث تعریف که در نسخه مجلس نیست و پس از برهان هنرجدل‌درنسخه ما هست ودر آنجا نیست و این‌بخش‌تحقیق کلی است که فارابی میکند و بمبحث مواضع نمی‌پردارد. درنسخهٔ ماهنرجدل نیمه کاره گذارده شده ، و نویسنده نسخه همه را ننوشت یا اینکه فارابی آنرا بپایان نرساند.(۱)

بخشهای الاوسط

الف ـ دیباچه نسخه‌ماو نسخه مجلس که بخش‌بندی‌نشده مگراینکه‌دیباچه‌نسخه مجلس‌چهارمطلب‌دارد :

۱ مبحث الفاظ و معانی‌حروف که میرساند فارابی‌به نحو یونانی و تازی بخوبی

---

۱ ـ دیده شود (الفارابی) عباس محمود چاپ‌مصر که فهرستی‌از کتابهای موجودفارابی در اروپارا آورد.

آگاه بود .

۲ـ مبحث کلیات ۳ ـ انحاء تعالیم و رؤس ثمانیه ٤ ـ تاریخ منطق . و دیباچه نسخه‌ما دومطلب دارد یکی تعریف و تقسیم منطق دیگری کلیات و تعریف باجمال

ب ـ ایساغوجی دارای : (کلی و جزئی ـ جنس و نوع ـ فصل ـ خاصه ـ عرض
٥ کلیات مرکب یا حد و رسم)

ج ـ مقولات: تعریف جوهر و عرض ـ ده مقوله ـ حمل طبیعی و جز آن ـ ذاتی وعرضی ـ تقابل ـ تلازم ـ تقدم و تأخر ـ معیت

د ـ عبارت که بخشهای جدائی ندارد ولی همه مباحث ارسطو را داراست

هـ ـ قیاس دارا ١٨ فصل است

١٠ و ـ مغالطه که مغالطات معنوی و لفظی را دارد و مثالهای بسیاری از فیلسوفان پیشین میآورد و از آنها نام میبرد

ز ـ برهان پنج بخش است : (دیباچه ـ اقسام برهان ـ اقسام حدود ـ برهان و حد درصناعات نظری ـ اصناف مخاطبات برهانی

ح ـ جدل که تعریف جدل و فوائد و اقسام آنرا دارد و چند بار بفلسفه رواقی
١٥ اشاره میکند .

از دیباچه این کتابخانه که بنام (مقاله صدربها الفارابی کتابه فی المنطق) است پیدا است که (الاوسط) باید دارای نه بخش منطق باشد .

اینك آغاز و انجام بخشهای (الاوسط) دراینجا آورده میشود .

۱ـ دیباچه نسخه مجلس شورای ملی ـ **آغاز** : قال ابو نصر الفارابی ان الالفاظ الدالة
٢٠ منها ماهو اسم، منه ماهو کلم .

انجام: ویبتدی بالنظر فی الکتاب الذی یشتمل علی اول اجزاء هذه الصناعة وهو کتاب المقولات

۲ ـ دیباچه نسخه اینکتابخانه ـ **آغاز** : مقاله صدر الفارابی بها کتابه فی المنطق... وهو کتاب الاوسط الکبیر .... قال ابو نصر قصد ناالنظر فی صناعة المنطق

٢٥ **انجام** : و کذلك قدیکون لهخواص کثیره تمت المقدمة التی قبل الفصول

۳ — ایساغوجی یا مدخل ـ **آغاز** : قال ابونصر ان قصدنا فی‌هذا الکتاب‌هو احصاءالاشیاء التی عنها یأتلف‌القضایاء

انجام : ومالم‌یوجدله اسم استعمل حده‌اورسمه مکان‌اسمه. آخرالکتاب... ویتلوهذاالکتاب کتاب قاطیغوریاس من‌الاوسط‌الکبیر.

۴ — قاطیغوریاس یا مقولات ـ **آغاز** : کتاب قاطیغوریاس لابی نصرالفارابی وهو کتاب‌المقولات ـ الکلیات ضربان .

انجام : الجنس‌الذی عنه انقسمت رتبة واحدة بعینها.تم‌کتاب قاطیغوریاس وهوالمقولات.

۵ — باریرمینیاس یا عبارت — **آغاز** : کتاب‌بادیرمینیاس ومعناه‌العبارةالالفاظ الدالة منها مفردة یدل علی‌معانی مفردة .

انجام : غیران‌الممکن‌الحقیقی هوالمعنی الرابع من‌معانیه ... تم‌کتاب باری ارمینیاس .

۶ — آنولوطیقای یکم یاقیاس — **آغاز** : کتاب انولوطیقا الاول و هوالقیاس قال ابونصرقصدنا ان‌نحصی‌الاقاویل

انجام : والاستقراء ابلغ عنه.تم‌کتاب‌انولوطیقا.

۷ — مغالطه (نسخه مجلس) — **آغاز** : الامکنة التی فیها یغلط الناظرفی کل مسئلة و اذقلنا فی‌القیاس ماهو

انجام : لم‌یقع علیناغلط اذاتاملنا ولامغالطة اذا خوطبنا. تم‌الکتاب

۸ — کتاب برهان — **آغاز** : کتاب‌البرهان خمسة فصول .... فی‌صدرالکتاب واذقلنا فی‌الاشیاءالتی

انجام : فالزمان اذن‌هو کرة العالم و اشباه هذه الاقاویل. تم کتاب‌البرهان تألیف .... الفارابی

۹ — جدل (آنچه که درنسخه ماهست) — **آغاز** : قال ابونصر . . . الفارابی صناعةالجدل هی‌الصناعة التی

انجام : ویبطل‌الاراءالتی تصادقتهاالفلاسفة فیها بینهم‌اوصارالجمهورفیها

[۸]

این نسخه در دفتری استکه دارای چندین نگارش فلسفی و منطقی فارابی است وبخشهای (الاوسط) بدینگونه در آن آمده است

۱ ـ دیباچه از برگ ۱۲۳ ب تا برگ ۱۲۵ الف

۲ ـ مدخل از برگ ۱۲۵ ب تا برگ ۱۲۹ الف ۵

۳ ـ مقولات از برگ ۱۲۹ ب تا برگ ۱٤۱ ب

٤ ـ عبارت از برگ ۱٤۱ ب تا برگ ۱٤۹ ب

۵ ـ قیاس از برگ ۱۵۰ ب تا برگ ۱۵۹ ب

٦ ـ برهان ازبرگ ۱٦۰ ب تا برگ ۱۸٤ الف

۷ ـ جدل از برگ ۱۸۵ ب تا ۲۰۱ ب ۱۰

نسخه بخط نسخ خوش‌وروشن و گاهی‌مغلوط که از نادانی نویسنده آنست.در برخی جاها حواشی دارد بخط تعلیق وعنوانهای مطالب و نسخه بدلها گاهی درهامش دیده‌میشود (همه‌دفتر۲۰۱ برگ) ـ کاغذ ترمه سمرقندی ـ جلد تیماج زرد حاشیه‌دار مقوائی اندازه : ۱۳٫۵×۲۲٫۵ و و ۸×۱۵ س ۲۱

[۹] البضاعة المزجیة فی اثبات وجود الکلی الطبیعی (عربی)

افلاطون فیلسوف یونانی فلسفه خویش را برپایه کلی طبیعی موجود کـه آنرا مثال نامیده است نهاده و شاگرد وی ارسطاطالیس وجود کلی را انکار نموده افراد جزئی را موجود دانست و مسئله وجود کلی و مثال افلاطونی میان پیروان ایندو فرزانه هماره مورد بحث و گفتگو بوده است. یکی ازدانشمندان باختری بنام ۲۰ فرفوریوس (۲۳۲ یا ۲۳۳ — ۳۰٤ م) در دیباچه‌ای که برای منطق ارسطو بنام ایساغوجی (ایساگوگه) یا مدخل نگاشته است در آغاز آن چنین گفت : « درباره اینکه جنس و نوع موجود واقعی مادی محسوس یا مجرد هستند یا جز مفهومی ذهنی بیش نیستند گفتگو نخواهیم کرد زیرا این مسئله‌ای است بسیار ژرف کـه بررسی دیگر و کاوش دامنه‌داری میخواهد[۱] » همین گفته فرفوریوس مایه این شد ۲۵ که از روزگار بوئسیوس فیلسوف و سیاسی روم و شارح کتابهای منطقی ارسطو (٤۸۰ ـ ۵۲٤) تا زمان تجدد (Renaissance) مسئله وجودکلی مورد اختلاف گردد و دانشمندان باختری بسه دسته بخش شوند :

---

۱ ـ دیده‌شود ترجمه فرانسوی ایساغوجی از تریکو J.Tricot چاپ پاریس سال ۱۹٤۷ ص ۱۱ ـ ۱۲

۱ ـ واقعیان پیرو افلاطون ۲ـ اسمی‌های پیرو آنتیستنس ۳ تصوری‌های پیرو ارسطو.
این عبارت فرفوریوس بدانشمندان خاوری نیز رسیده و آنها نیز بچنین بحثی پرداختند
چنانکه ابوعلی بن زرعهٔ نصرانی (۳۳۱ ـ ۳۹۸) در کتاب «اغراض ارسطو طالیس
المنطقیه» در آغاز «معانی ایساغوجی» میگوید: «والمطالب الصنعیة فی هذه الخمسة بان
ینظر فیها اهل هی موجودة ام لیست بموجودة. فان قوماقالوا الاوجود فی الامور الکلیة. فان
کانت موجودة فاما ان یکون اجساماً أو غیر اجسام، و ان کانت غیر اجسام فهل هی
مفارقة اصلاللمادة فی الوجود والوهم کالباری تبارك وتعالی، او لها تعلق بالمادة ضرباً
من التعلق. وفرفوریوس یتجنب هذه باسرها، و یتسلم تسلیما ان الصور فی النفس موجودة...
وذلك انه لیس لصانع من الصناع ان یتکلم فی موضوع صناعته. یتسلمها تسلیما من غیر
ان یبحث عنه.» پیداستکه ابوعلی در اینجا بگفتار فدفوریوس مینگرد وازاختلافی که ۱۰
در این مسئله میان دانشمندان هست بیگانه نیست.

خواجه ابوعلی سینای بلخی بخاری ایرانی درفصل ۱۲ مقاله ۱ـ فن ۱ـ منطق
شفا ودیگر نگارشهای خویش ازاین مطلب سخن راند ودر کتب حکما ومتکلمان نیز
درباره وجود کلی بحث شده و اشراقیان و صوفیان هم در برابر مشائیان باعیان ثابت
و ارباب انواع ومثل معلق قائل شدند. ۱۵

صدرالدین محمد شیرازی فیلسوف بزرگ در کتابهای خود بویژه در اسفار
(جلد ۱ آغاز مرحله ٤) از وجود کلی ومثل گفتگو نمود. چنانکه امام رازی درمباحث
مشرقی در فصل ۲ باب سوم کتاب ۱ در این باره سخن راند. درست میتوان گفت
بهترین کتابیکه در این زمینه نوشته شده همین البضاعة المزجیة است که دانشمند
ابوالحسن بن محمدهادی حسینی تنکابنی درشب ۱۵ ماه ربیع دوم سال ۱۲۵۵ آنرا ۲۰
پرداخته و در روزچهارشنبه ٥ ماه جمادی یکم سال ۱۲۵۵ بخط خود نوشته است
این کتاب دارای یك مقدمه دره کلمه و دوباب است:

۱ ـ ابطال سخن مانعان در ۲۰ دلیل ودردلیل یکم گوید که «کلی موجود،
فرد خارجی نیست، تا ناگزیر شود که درچندجاباشد وصفتهای گوناگون و ناساز گار
پذیرد و درواحد نوعی هم چنین چیزی محال نیست» ودراین جا باعتراضی می‌نگرد ۲۵

که شیخ درفصل ۱ مقاله ۵ الهی شفا (ص ٤٨٦ـ٤٨٧ چاپی) و دررسالهٔ که درباره گفتار دانشمند همدانی نوشته است آورده و آنرا رد میکند.

باب ۲ اثبات وجودکلی طبیعی در ٤٠ قاعده که دراین چهل قاعده بسیاری ازمطالب مهم منطق و فلسفه را میآورد و آنها را دلیل وجود کلی میگیرد مانند: بداهت، ایجاب وسلب، تضایف، سبر بروتقسیم، وجود، معرفت، صدق، انتاج، تکرراوسط، ترکیب ماهیت، غیر معلل بودن ذاتی وجزاینها و در پایان این باب بدلایلی کـه دانشمندان آوردهاند اشاره میکند.

بی‌هیچ گفتگو این نگارش را میتوان ازشاهکارهای دانشمندان ایران بشمار آورد

آغاز ـ بسمله لك الحمد یاذاالمن والجود والعلا.. فیقول.. ابن محمد هادی الحسینی ابوالحسن التنکابنی انه لما اشتهر فی الالسن ان الحق عندالمحققین هووجود الکلی الطبیعی

انجام: فتدبرحتی تعلم ان ذات الجزء قدیتقدم. هذا آخرما اردنا ایراده مع قلة البضاعة. وکان اکثره مماتفردت به وعلیك النظر بعین الانصاف. لا بعین الاعتساف وقد وقع الفراغ من التألیف فی لیلة الخمیس والخامس عشر من شهر ربیع الثانی فی سنة خمس وخمسین بعدالمأتین والالف فی العتبات العالیات. ووقع الفراغ من الاستنساخ فی یوم الاربعا فی خامسة شهر جمادی الاولی بید مؤلفه ابی الحسن بن هادی الحسینی فی ١٢٥٥.

از گفته تنکابنی پیداستکه وی این کتاب را درنزدیك به بیست روز پاکنویس نموده و بیشتر آن اندیشه خود او است

[۹]

۸۹۲ این نسخه بخط نگارنده کتاب و بنسخ و خط خوردگی‌ها دارد و نسخه اصل است و شماره ۱ دفتری است که دوم آن معیارالعقول درجر ثقیل است و از برگ۱ الف تا برك ۲۹ ب میباشد برك ۱ وصالی شده واندکی از عبارات رفته است عنوانها شنگرف وشماره مطالب درهامش نوشته شده

(برگهای همه‌دفتر ۷۰)ـ کاغذ فرنگی- جلد مقوای پارچه‌ای وگوشه‌ها و ته آن نیماج
اندازه ۱۰×۳۱ و ۵ر۹×۵ر۱۵ س ۲۲

[۱۰] پاسخ پورسینا بپرسش میهنه‌ای (عربی)

ارسطو در فصل ۳ و ٥ عبارت ارغنون گفته‌که هرچه برمحمول روا باشد برموضوع هم روا خواهد بود و درفصل ۲۱ کتاب ۲ قیاس وفصل ۱ کتاب ۱ برهان باز گفته‌استکه‌شایسته است وصفی برکلی حمل شود اگرچه ندانیم‌که برجزئی آن حمل‌میشود یانه ودراینجا اختلاف باجمال و تفصیل یاتغایر وصفی را بسنده دانست ۵
و سخن این فیلسوف بشکی می‌نگرد که منن کرده و افلاطون آنرا در رساله منن (بند ۸۱) آورده است ولی در اینجا ازپیش شکی راکه سکستوس امپریکوس (Sextus Empiricus) فیلسوف پزشك ستاره شناس یونانی سده دوم و سوم کرده است پاسخ داد . سکستوس میگوید کبری جز باستقراء افراد اوسط ثابت نمیشود زیرا شاید یك فرد محکوم بحکم کلی نباشد پس قضیه کلیه کبری دروغ ۱۰
خواهدبود پس شکل نخستین نتیجه نخواهد داد مگر اینکه‌مصادره برمطلوب ودور معیب لازم آید این شك را ستوارت میل انگلیسی(۱۸۰٦ ـ ۱۸۷۳) دوباره‌ازسر گرفت و پنداشت که با آن بنیاد منطق ارسطو را ویران میسازد .

اصلی که ارسطو شکل نخستین را بر روی آن نهاده است قاعدهٔ اندراج یا انسحاب نامیده‌میشود و بلاتینی چنین درمیاید:(Dictum de omni et nullo) ۱۵
که هرچه برکلی رواست یا از آن برداشته میشود برجزئی نیز روا میباشد یاازآن برداشته است دانشمندان خاوری نیز درنگارشهای خود باین‌قاعده وپاسخ‌این‌شك اشاره میکردند چنانکه در اوسط فارابی و منطق ابن زرعه و منطق شفا (قیاس مقاله ۹ فصل ۱۹ و برهان مقاله ۱ فصل ۳ و ٦) والمعتبر ابی‌البرکات بغدادی(فصل ۱۷ مقاله ۳ قیاس، ج۱ ص ۸ـ۱۹۷) واساس الاقتباس خواجه طوسی (فصل ۱۰ فن ۲۰
۲ مقاله ٤ درقیاس و فصل ۱ فن ۲ مقاله ٥ دربرهان) این قاعده و این شك وپاسخ آنرا باجمال می‌بینیم ابن تیمیه حرانی در(الردعلی المنطقیین) درمقام ٤ و٥و٦ (ص ۳ـ۳٦۲ چاپ بمبئی) سخنی‌میآورد که مانند گفتار میل است و سیوطی در اختصار خود براین کتاب نیز گفته‌ابن‌تیمیه راآورده‌است (چاپ‌مصر بسال۱۹٤۷ ص۲۹۱و۲۲۲)

پیش از ابن تیمیه که دشمن منطق و عقل است ابوسعیدبن ابی الخیر میهنه‌ای (م ٤٤٠) عارف بزرگوار برشکل نخستین همان شك سکستوس را وارد کرده است مگر این که نمیدانیم آیا این عارف که خود را آسمان بین مینامید و چیزها را بگمان خویش میدید نه اینکه میدانست این شك را از کتابهای فیلسوفان بدست آورد یا اینکه خود بدان آگاه شده و به‌شیخ‌رئیس بنمود و پاسخ خواست؟

باری میهنه‌ای میگوید: شکل ۱ پایه دوشکل دیگراست و کبرای آن تا نتیجه را ندانیم کلی نخواهد بود و این خود محال است و ناروا چه نتیجه باید پیرو کبری باشد نه پایه آن

شیخ‌رئیس در پاسخ‌دو راه حل باو مینماید یکی اینکه حکم کلی نیازی ندارد که ازجزئی گرفته شود دیگر اینکه تنها دراستقراء است که چنین است و در قیاس حکم کلی پیش از جزئی دانسته میشود.

این شك را شارح مطالع درمبحث شکل ۱ بعنوان لزوم دور فاسد طرح کرده و باختلاف اوصاف پاسخ داده است و فرزانه سبزواری در منظومه منطق (ص ۷۸ چاپ ناصری) بازهمان گفتار رازی را آورد. در نسخه شماره ۱۰۳۵ همین کتابخانه درص ۲۰۷ و ٤۱۷ دوبار این عبارت راکه گزیده‌ای است از پاسخ و پرسش میهنه‌ای و بوعلی می‌بینیم: «کتب الشیخ ابوسعید ابی‌الخیر الی‌الشیخ‌ابی علی‌بن سینا: ایاك ان‌تعتمد علی‌العقل (العلوم‌الرسمیه) فان اول (اجلی) البدیهیات الشکل الاول وفیه دورلان ثبوت النتیجة یتوقف علی کلیة کبراه (الکبری) و لایصیر کبراه کلیة حتی‌یکون‌الاکبر صادقا علی‌الاصغر لان‌الاصغرمن‌جملة افراده. واجاب الشیخ ابوعلی: بان کلیة کبراه (الکبری) موقوفة علی‌اندراج الاصغراجمالافی‌الاکبر والمقصود من‌النتیجه ثبوته تفصیلا فلادور»[1]

باز ازکسانیکه ازاین پرسش و پاسخ یادکرده‌اند شیخ عبدالرحیم ومیرزا محمدعلی فرزند احمد قراچه‌داغی تبریزی (م۱۳۱۰) میباشند که هر دو درحاشیه

---

۱ — آنچه میان دو کمانه گذادره شده نسخه بدل است ودرهر دوجا غلط نحوی نیز هست که بقیاس درست شد

خود برحاشیه ملاعبدالله یزدی شهابادی (م ۹۸۱) بر تهذیب‌المنطق تفتازانی این شك را آوردند و عبدالرحیم آنرا از برخی صوفیان دانسته و گفت که شیخ رئیس بعلم اجمالی و حدسی کبری وعلم تفصیلی‌نتیجه این شك را حل نمود و محمدعلی از میهنه‌ای و شیخ‌رئیس نام برده و گفت که شیخ‌باجمال‌وتفصیل پاسخ داد و باتغایر وصفی هم دوری نخواهد بود . ۵

گفتار ایند و درهامش حاشیه یزدی چاپ عبدالرحیم بسال ۱۳۰٦ در ص ۱۲۵ بچاپ رسید

دیگر فرزانه دانشمند میرزامحمد طاهر تنکابنی است که در حاشیه خود بر الجوهرالنضید فی‌شرح منطق‌التجرید از علامه حلی (چاپ تهران ۱۱ ـ ۱۳۱۰) همین اشکال دور راآورده و بتغایراجمال وتفصیل پاسخ داد ۱۰

قنواتی در فهرست خود ازاین پاسخ و پرسش بنام قیاس (سؤال ابی‌سعید ابی‌الخیر وجواب الشیخ الیه) بشماره ۳۵ درص ۱۰۷ یاد کرده و سه نسخه از آن نشان داد که در آستانه هست [۱]

آغاز : کتب‌الشیخ سلطان‌العارفین خاتم المشایخ ابوسعیدبن ابی‌الخیر الی الشیخ‌الرئیس ... اتوقع الجواب من حضرة‌الشیخ‌الرئیس ... اذاکان‌الغرض من‌القیاس ۱۵ الوصول الی‌العلم ... فاجاب‌الشیخ الرئیس عن‌هذا بجوابین وقال قدفهمت الرقعه‌اطال بقاه

انجام : وکك فی‌المثال‌الثالث ولعل هذاالبیان یکفی فی‌هذه‌الشبهة هواعلم

[۱۰]

۳۳۹ این نسخه‌شماره چهارم دفتری است که دارای۲۸رساله و گفتار وده‌پاسخ وپرسش از ایندو دانشمند است و بشکسته وتعلیق در تاریخهای ۱۰۷٦ ۲۰ و ۱۰۸٦ نوشتهٔ شده و این نسخه ازبرك ۵۸ ب تا برك ۵۹ ب میباشد (همه دفتر۱۳٦ برك) ـ کاغذ ترمهٔ سمرقندی ـ جلد تیماج سرخ ساده مقوائی اندازه ۱۳×۲۰ و ۱۰×۱۸ س ۲۱ تا ۲۸

[۱۱] پاسخ بدبیران قزوینی (عربی)

نجم‌الدین عمر کاتبی دبیران قزوینی دراینکه نقیض عام باید اخص از نقیض ۲۵

---

۱ ـ برای شك سکستوس و شبهه میل دیده شود : تاریخ مسائل و نحل فلسفی Paul Janet ص ٦ ـ ٦٤۵ و تاریخ فلسفه Albert Rivaut ج ۱ ص ۲۵۱

خاص باشد شکی کرده وخواجه طوسی از آن پاسخ گفته است. شارح مطالع در مبحث چهار نسبت همین شك دبیران را آورده و رد نمود.

آغاز: هذا شك اورده الحکیم الامام نجم الدین المعروف بدبیران علی قولهم ان نقیض العام مطلقا ...... فان نقیض العام لایجب ان یکون اخص من نقیض الخاص مطلقاً . . . اجاب عنه نصیر الملة والدین محمد بن محمد الطوسی . . . الممکن العام ینقسم الی قسمین هما مانعة الخلو دون الجمع

انجام: ومع الداخل فی طرفی النقیض ای الواجب ذاته والممتنع لذاته ولا یراد بکونه اعم الاهو والله أعلم وحکم

[۱۱]

۱۰۳۵ این نسخه شماره بیستم دفتری استکه دارای ٥۱ رساله است و بخط تعلیق شکسته مورب و در ص ۱۸٦ نوشته شده است ـ نشانه نسخه در بخش ۱ این فهرست یاد گردید

[۱۲] تحریر القواعد المنطقیة (عربی)

نجم الدین عمر کاتبی دبیران قزوینی (م ٦۷٥) شمسیه خود را که متنی است کوتاه و گزیده‌ای از منطق بروش متاخران برای خواجه شمس الدین محمد جوینی (کشته در ٦۸۳) نگاشته است و چندشرح بر آن نوشتند یکی از آنهاشرح علامه حلی (٦٤۸ ـ ۷۲٦) است بنام (القواعد الجلیه) که برای شاگردان خود نوشت و درفهرست نگارشهای خود که درخلاصه (تاریخ ع۲ سال ٦۹۳) ودراجازه بمهنا بن سنان (تاریخ محرم ۷۲۰) آورده است از آن یاد نمود ونسخه‌ای از آن که در روزگار علامه در ع ۲ سال ٦۷۹ نوشته شده در کتابخانهٔ آستانهٔ طوس هست (دیده شود فهرست آنجا ج ۱ بخش منطق ص ٤۳ شماره ۱٥۱) وپیداستکه حلی این شرح را نزدیك بسی سالگی خود نگاشته است.

دیگر شرحی است از فرزانه فیلسوف ایرانی قطب الدین محمد بن محمد ورامینی رازی بویه‌ای (م۷۷٦) شاگرد قاضی عضد ایجی (م ۷٥٦) وعلامه حلی که در ۷۱۳ ازاو اجازه گرفت.

قطب رازی این شرح را که (تحریر القواعدالمنطقیه) نام دارد برای صاحب غیاث‌الدین محمد در آغاز ج ۲ سال ۷۲۹ نگاشته است[۱]
این غیاث‌الدین فرزند خواجه رشیدالدین فضل‌الله است که وزیر خدابنده بوده و در ٦٤٥ زاده و در ۱۷ ج۱سال۷۱۸ویرا بکشتند و خود غیاث‌الدین در ۷۲۸وزیر ابوسعید بهادر خان (۷۱٦ — ۱۳ع۲ سال ۷۳٦) شده و در ۲۱ رمضان ۷۳٦ کشته گردید.

قطب رازی چندین رساله و کتاب درمنطق دارد:

۱ — رساله تحقیق دلالت

۲ — رساله تحقیق تصور وتصدیق

۳ — رساله تحقیق کلیات که بچاپ رسیده و نسخه‌ای از آن بشماره ۲۷۷ دراین کتابخانهٔ هست که درتاریخ پایان ع ۲ سال ۷٦٤ مقابله گردید.

٤ — رساله تحقیق محصورات و نسخه از این چهار رسالهٔ در آستانه طوس بشماره‌های ۹۷_۹٦_۹٥_۹٤ هست (ج ۱ فهرست آنجا، بخش منطق،ص۲۸_۲۹)

قطب رازی برمنطق (مطالع الانوار) ابوالثنا یا محمودبن ابی‌بکر ارموی آذربایگانی (٥۹٤ — ٦۸۲) هم شرحی بنام (لوامع الاسرار) برای همین وزیر در تاریخ سه‌شنبه ۱۰ ج ۱ سال ۷۲۸ در مدرسه غازانیه شنب تبریز نگاشته است[۲].
شرح مطالع رازی دوبار درایران بچاپ رسید یکی چاپ عبدالرحیم بسال ۱۲۹٤، دیگری چاپ تهران درکارخانه آقاسید اسدالله بسال ۱۳۱٥ و یکبار درآستانه در دوجزء بسال ۱۳۰۳چاپ گردید.

رازی درمبحث محصورات شرح مطالعه برساله (تحقیق محصورات) خود بازگشت میدهد و درآغاز آن‌ازرساله (تصوروتصدیق) یاد میکند و میرسیدشریف

---

۱ — درپایان نسخه شماره ۱۱۹ کتابخانه طوس (ج ۱ فهرست، بخش منطق، ص ۳٤) دارد: (وقد فرغ من تحریره العبد الراجی الی رحمة ربه الهادی قطب الرازی فی اوائل جمادی الاخرة سنة تسع وعشرین وسبعمائة

۲ — دیده شود، پایان شرح مطالع نسخه چاپ تهران بسال ۱۳۱٥ وفهرست طوس ج ۱ س ۳۷ شماره ۱۲۸

گویا آنرا ندیده ودرحاشیه میگوید که این رساله در دست کسی بوده واو بجائی میرفته و این رساله را با خود میبرد و آن ازمیان رفته است .

ولی چنانکه گفته شد نسخهٔ از آن در آستانه طوس هست و نسخه دیگر هم در مدرسه سپهسالارتهران بشماره ۳۸۷۸ هست و دوبار نیز بچاپ رسیدیکی درتونس

۵ بسال ۱۲۸۱ دیگری درکانپورهند بسال ۱۲۱۷

رازی درمبحث وجود کلی طبیعی و درمبحث فصل از (تحقیق کلیات) یاد میکند .

پس دانسته شد که رازی این سه رساله را پیش‌ازشرح مطالع نگاشته و شرح شمسیه را نزدیك بیك‌سال‌ونیم پس‌ازآن بپایان رساند .

شرح شمسیه رازی دوبار درایران (یکی بسال ۱۲۸۲ دیگردرتهران‌بسال

۱۰ ۱۳۱٤) و چهار بار درهند و دوبار در مصر و سه بار در آستانه بچاپ رسید

پس‌ازرازی سعدتفتازانی (م۷۹۲) شمسیه را شرح کرد وازرازی خرده گیری‌هانمود و این شرح چندی میان‌دانشجویان رواج بود تااینکه‌میرسیدشریف گرگانی حاشیه‌ای برشرح رازی نوشت و ازآنها پاسخ گفت وبشرح تفتازانی دیگر نمی‌پرداختند

۱۵

[۱۲]

۳۳۰ این نسخه بخط تعلیق مجدول بطلا و لاژورد با عنوانهای شنگرف است و جدولهای منطقی آن نیزشنگرف ولی چیزی نوشته نیست و محمدشریف‌بن عبدالحق سبزواری درتاریخ ۱۰۰۸ آنرا نوشته است

(۱٥٦ برك) - كاغذ ترمهٔ سمرقندی — جلد تیماج ساده مشگی

۲۵ **اندازه : ۱۹×۸ و ۱۳×۴ س ۱٦**

[۱۳]

٤۰۸ این نسخه اندکی ازآغاز کتاب را ندارد و آغازآنچه هست اینست « سبب ایراد رسم‌العلم فی‌مفتح‌الکلام » و علی‌نقی اردکانی در ۱۹۳ (؟!) آنرا بخط تعلیق نوشت

(۸۸ برك) — كاغذ فرنگی — جلد تیماج زرد

اندازه : ۲۰×۱۳/۵ و ۱٤×۷ س ۱٦

[۱۳] تعلیق درمبادی قیاسات [فارسی]

منطقیان درمبحث موادقیاس، مبادی آنرا برحسب هنرهای پنجگانهٔ منطق (برهان ـ جدل ـ مغالطه ـ خطابه وشعر) بچندگونه بخش نمودند و شماره آنها در کتابها باختلاف دیده شده و این اختلاف ازاینروستکه درارغنون ارسطو مبادی قیاس جسته گریخته و پراکنده دیده میشود و دانشمندان هم هریك برأیخود آنها را بخش نمودند. دراین رساله مبادی را پانزده گونه دانست و نگارنده این تعلیق گویا قوام‌الدین رازی شاگرد مولی رجبعلی تبریزی سپاهانی میباشد که در سال ۱۰۸۵ زنده بود.

آغاز: تعلیق مبادی قیاسات پانزده صنف است

انجام: و مشهورات مطلق و محدود ومسلمات مبادی قیاس جدلی‌بود

[۱۴]

۳۷۴ این نسخه شماره پنجم دفتریاستکه دارای ۷ رساله از خواجه طوسی و قاضی‌محمد سعید قمی ومولی رجبعلی تبریزی و قوام‌الدین رازی میباشد نویسنده آن ازشاگردان قوام‌الدین رازی است و دردنبال رساله ششم این دفتر می‌نویسد: «هذه تعلیقات لاستادنا ... قوام‌الملة والدین طاب‌ثراه ... » و در دنبال این رساله مینویسد: «من‌استادنا ادام‌ظله واله اعلم» وچنانکه در پایان رساله شماره یکم این دفتر نوشته شده‌در ذی‌حجه سال ۱۰۸۵ هنگامی که‌قاضی سعید قمی میزیسته است آنرا نویسنده‌آن نوشت ولی این رساله در روزگارقوام‌الدین رازی و رساله ششم که بازتعلیق‌فلسفی است ازهمان رازی پس ازمرگ اونوشته‌شده است پس میتوان گفت که رازی نزدیك بسال ۱۰۸۵ درگذشت مگراینکه نویسنده این رساله‌ها یکی نباشد این رساله‌دربرگ ۶۲ب‌تابرگ ۶۳ب این دفتراست وبخط تعلیق شکسته میباشد:

(همه دفتر ۹۴ برك) - کاغذ سمرقندی - جلد تیماج ساده
اندازه: ۱۱×۱۹ و ۱۴×۱۹ س ۱۶

[۱۴] تلخیص [عربی]

قاضی‌ابوالولیدمحمدبن‌احمدبن محمدبن‌احمدبن احمدبن رشد درقرطبه‌از

خاندانی که بکارداوری میپرداختندو بسیارمشهور بودند، بسال ۵۲۰زاده و درمراکش درماه ربیع یکم بسال ۵۹۵ در گذشت. این دانشمند از فیلسوفان و پزشکان اندلس است و کتابها در فلسفه وپزشکی ازخود بیادگار گذارد و شرحها بر کتب ارسطو نوشته و درآنها ازفارابی و پورسینا و متکلمان خرده گیری نمود و درتهافت‌التهافت ازاعتراضهای غزالی پاسخ‌داد. شرحهای این فیلسوف، درسده‌های میانین فرزانگان اروپا را تنها منبعی بود که با آنها بآراء ارسطو آشنا میشدند. تا اندازه‌ای کـه میگفتند: «جهان را ارسطو شناسانده و نگارشهای ارسطو را ابن رشد روشن ساخته است»

این‌فیلسوف شیفته‌نگارشهای‌ارسطو بوده است و با اینکه‌یونانی‌نمیدانست و ترجمه عربی نادرستی از آنها دردست داشت، روی‌هوش و زیرکی خویش و با کمك ترجمه شروح مشائیان همه‌کتب ارسطو را شرح کرده است. ویرا پادشاه روزگارش امیریعقوب منصورموحدی (۵۸۰ ـ ۵۹۵) و فقها تکفیرنمودند وناگزیر شدکه درسال ۵۹۱ بشهر الیسانه(Lucena) که یهودیان می‌نشستند گوشه گزیند و شاه فرمودند که کتابهای این دانشمند را آنچه فلسفی است بسوزانند. فرمان تحریم فلسفه نیز ازهمین شاه درهمین هنگام صادر شده است.

دانشمندان ترسای اروپا نیز پس از این، شرحهای فلسفی او را بسال ۱۲۰۹ م تحریم کردند و درسال ۱۲۶۹ م در انجمن پاریس روی همان آرائی که دانشمندان اسلام کفر میپنداشتند ابن‌رشد را تکفیرنمودند.

نسخی از کتابهای ابن‌رشد راکه نزدیك به ۸۰۰۰۰ هزار میرسد، کزیمنز (Ximenez) دستور دادکه در میدان غرناطه بسوزانند. این بودکه نسخه آنها بسیارکم شد و بیشتر ترجمه لاتینی و عبری، آنهم فراوان، بجا مانده است

ابن‌رشدکتابهای ارسطو را سه‌گونه شرح کرد

۱ ــ شرح کوچك‌یا جوامع که در آن گزیده‌ای‌ازمباحث ارسطورامیآورد بی‌آنکه ازآراء پیشینیان یادکند و بجای آنها عقاید خویش و فیلسوفان خاوری‌را آورده و گویا میخواهد روش مشائیان رابااجمال بگذراند و این گونه‌شرح‌نگارش

خوداوست و بترتیبی که خودمی‌پسندد، نه‌بترتیب‌متن کتاب. بااینکه آراء مندرج‌در کتب ارسطو را تحلیل و گزین میکند باز از آن میکاهد و بر آن میافزاید و از کتابهای دیگرارسطو آورده آنراکامل‌میسازد. این شرحها همان‌نام کتابهای ارسطو را دارند.

۵ ۲ ـ شرح میانین یا تلخیص که هر بندی بکلمه (قال) آغاز میشود ولی‌شرح و متن با هم آمیخته است وازهم نتوان جدا نمود. مگر اینکـه پیش چشم باشد. آنگاه دیده میشود که ابن رشد مانند ابن‌سینا درشفا، گاهی‌متن رابا عبارت دیگر که‌خود می‌پسندد میآورد.دراین شرح‌بندبه‌بندمطالب ارسطوودر آغازهربنداندکی ازسخن ارسطو با عبارت دیگری دیده میشود و ابن‌رشد از ترتیب ارسطو در این

۱۰ شرح بیرون نمیرود و دراین شرح بیشترمطلب را روشن میسازد. نشر دهندگان ترجمه لاتینی این‌شرحها، چون ترجمه لاتینی ترجمه عربی متن یونانی ارسطو را دردست‌داشتند، درهربندی‌متن کامل‌را میآوردند. دراین ترجمه‌های‌لاتینی دوشرح میانین و بزرگ را بدشواری میتوان ازهم جدا نمود.

۳ ـ شرح بزرگ یا تفسیرکه نخست متن آغاز وسپس شرح میآید و پس

۱۵ ازهربندی ازمتن باز پاره‌های آنرا آورده تفسیرمیکند و آراء دیگران را نیز یاد کرده گاهی از آنها انتقاد می‌نماید و گاهی نیز ازتفسیر مشائیان یونانی که دردست داشت‌میآورد. دراین شرح متن کامل ارسطو دیده میشود و هرکتابی بچند بخش وفصل و بند تقسیم میگردد و این بخش‌بندی را در مدارس مشائی ایتالیا پذیرفته بودند.

۲۰ ارنست رنان میگویدکه جوامع ابن رشد روی هم یکجلد و باندازه ۱۵۰ صفحه ولی تفسیرها باندازه چهارجلد میگردد و این را ازعبدالواحد مراکشی‌نقل میکند (ص۶۳ حاشیه۲) بازمیگویدکه پیش از ابن‌رشد دانشمندان،مانند فارابی وپورسینا،همان جوامع‌مینوشتند. چنانکه‌آلبرتوس‌ماگنوس (۱۱۹۳ـ۱۲۸۰) همین کار راکـرد وآنها متن و شرح را ازهم جدا نمیساختند. در باره شفای ابن سینا

۲۵ بخصوص درمنطق اواین را شاید بتوان پذیرفت وآنرا جوامع بلکه تلخیص نام‌داد

ولی دربارهٔ همهٔ نگارشهای فارابی این سخن درست نیست زیرا الاوسط او خود کتاب جداگانه‌ایست و نمیتوان آنرا ازجوامع یا تلخیص بشمار آورد وشرح‌عبارت و قیاس او که در کتابخانه مجلس هست درست شرح بزرگ یا تفسیراست ومیتوان گفت که ابن‌رشد اینگونه شرح را ازفارابی آموخته ومانند اوهمه متن رامیآورد ۵ و سپس شرح میدهد و اینگونه شرح‌میان دانشمندان خاوری متداول‌بوده وقرآن را بهمین روش تفسیرمیکردند و سخن خدا را با سخن خویش نمی‌آمیختند.

این سه گونه شرح درمدارس اسلامی متداول بوده کوچك‌را نخستین بار، سپس‌میانین، آنگاه شرح بزرگ را فرامیگرفتند.

شرحهای بزرگ‌را ابن‌رشد درپایان زندگی خود نوشته و درشرح‌بزرگ ۱۰ طبیعی گوید که درجوانی شرحی کوتاه نگاشته‌ام ودرشرحهای میانین نوید میدهد که شرح بزرگتری‌خواهد نوشت. این بود که درسده‌های میانین تا روزگار تجدد میگفته‌اند که ابن‌رشد در جوانی جوامع نوشته و درسن‌کمال تلخیص کرده و در پیری شرح بزرگ نگاشته است

چنانکه گفته شد البرتوس ماگنوس بشرح بزرگ نپرداخته است ولی ۱۵ شاگردش تماس آکوئینی از ابن‌رشد پیروی نموده‌شرح و تفسیر کرد.

ابن‌رشد را درسده‌های میانین و روزگارتجدد تا آغازسده ۲۰ بنام‌شارح می‌شناختند و از این کلمه همورا میخواستند و دانتی در کمدی خدائی (سرود ٤ بیت ۱٤۲ Inferno) از وی بنام شارح‌نام میبرد. وی درمیان دانشمندان بزرگ باو پایگاهی بلند داده و از او بنام ابن‌رشد شارح یاد کرده‌است. ابن‌رشد در منطق ۲۰ بجزشروح، کتابهای‌دیگری هم دارد که درفهرست مندرج درعیون‌الانباء (ج ۲ ص ۷۵–۷۸) و متنهای عربی که ارنست‌رنان در پایان کتاب خویش آورده است آمده وبرخی از آنهاکه هست اینها است:

۱ – مختصر المنطق بزبان عربی وخط عبری

۲ – رساله درمنطق بپوست بدوشرح خطابه وشعربزبان وخط عربی

۲۵ ۳ – مقدمات فلسفه‌که بعربی و در اسکوریال بشماره ٦۲۹ هست و ۱۲

رساله میباشد (۱ — موضوع ومحمول ۲ — تعریفات ۳ — قیاس و برهان ٤ ـ قضایا ٥ — قضیه صادق و کاذب ٦ — قضیه ممکن و ضروری ۷ — استدلال ۸ — نتیجه صحیح ۹ ـ رای فارابی درباره قیاس ۱۰ — صفات ذهن ۱۱ — حس واستماع ۱۲ — چهار صفت

٤ — مسائلی درباره بخشهای گوناگون ارغنون کـه پس از شروح آنها را میآورند و دو نسخهٔ عبری آن هست. ابن رشد مسائل منطقی را هنگامی که مطرود شده بود (۱۱۵۹ م) نگاشته است ٥

٥ — موجز منطق که بعبری در Riva di trento بسال ۱٥٦۰ بچاپ رسید و نسخهٔ از آن بعربی وخط عبری درپاریس هست

چنانکه گفته شد ابن رشد همه بخشهای ارغنون ارسطو را سه گونه شرح کرد و متن عربی وترجمه عبری یالاتینی برخی از آنها در کتابخانههای خاور و باختر هست بدینگونه : ۱۰

۱ — ایساغوجی فرفوریوس دوشرح کوچك و میانین آن هست

۲ — مقولات ، شرح کوچك و میانین آن هست

۳ — عبارت ، دوشرح کوچك و میانین آن هست ۱٥

٤ — قیاس ، دوشرح کوچك و میانین آن هست

٥ — برهان ، هرسه شرح آن هست. وی شرح میانین برهان را در اشبیلیه بسال ۱۱۷۱ م نگاشته است

٦ ـ جدل. دوشرح کوچك و میانین آن هست وشرح میانین را در ۱۹ رجب ٥٦۳ نگاشته است . ۲۰

۷ ـ مغالطه ، دوشرح کوچك و میانین آن هست

۸ — خطابه ، دو شرح کوچك و میانین آن هست و در پایان شرح میانین مینویسد که آنرا در ٥ محرم سال ٥۷۰ با اینکه درمانده و بیمار بودم بپایان رساندم

۹ — شعر ، دوشرح کوچك و میانین آن هست ۲٥

نسخه‌ای از تلخیص در فلورانس و دانشگاه لید هست که همه بخشهای ارغنون را دارد و نسخهٔ هم درقاهره هست که مانند نسخه این کتابخانه میباشد

ترجمه عبری نگارشهای منطقی ابن رشد

۱ — ربی شمشون آنتولی در ناپل بسال ۱۲۳۲ م برای فریدریك دوم شرح ارغنون ابن رشد را بعبری ترجمه نمود و نیز همو موجز منطق اورا بعبری کرد

۲ـ کالونیموس فرزند کالونیموس فرزند مایر Maestro Calo (۱۲۸۰ـ ۱۳۲۸) که در آرلس زاده‌شده، در ۱۳۱٤ م شرح جدل ومغالطه و برهان را بعبری ترجمه کرد

۳ — تدرس تدرسی (تئودوروس فرزند تئودوروس) آرلسی در ۱۳۳۷ م درشهرك ترینکتای شرح جدل ومغالطه وخطابه وشعر را بعبری در آورد و همین شرح است که گلدنتهال آنرا نشر نمود

٤ — یعقوب بن شمتوب قیاس را ترجمه بعبری نمود

۵ — یعقوب فرزند اباماری آناتولی نابلسی زنده در ۱۲٦۵ و ۱۱۹٤ م پنج کتاب نخستین ارغنون را ترجمه بعبری نمود و در کتابخانه ملی پاریس و فلورانس نسخه آن هست

٦ — لاوی بن جرسن (۱۲۸۸ — ۱۳٤٤) همین متن عبری را شرح نمود که نسخهٔ از آن درپاریس هست و ترجمه لاتینی این شرح در سده ۱٦ بچاپ رسید

ترجمهٔ لاتینی نگارشهای منطقی ابن رشد

۱ — هرمانوس المانوس تعلیقات فارابی برخطابه و موجز ابن رشد را در طلیطله در ۷ مارس ۱۲۵٦ بلاتینی ترجمه نمود وی میگوید :

درترجمه شعر برای اختلافی که در وزن شعر یونانی وعربی هست دچار اشکال شدم و نزدیك بود نومید شوم. ناگزیر ازاین شعر آنچه دریافتم ترجمه کردم و آنچه رامیتوانستم بلاتینی درآوردم . ترجمه هرمانوس از تلخیص ابن رشد دشوار

نیست و میتوان آنرا دریافت .

۲ ـ ابراهام بالمس که تلخیص را از عبری بلاتینی کرد و ترجمه او با متن مخالف است و درترجمه عبری هم مثلهای تازی بمثالهای عبری تبدیل شده‌است

از نگارشهای منطقی ابن رشد آنچه بچاپ رسید

۱ — متن تلخیص قاطیغوریاس که در بیروت بسال ۱۹۳۲ موریس بوئیژ آنرا چاپ نمود ۵

۲ — متن تلخیص خطابه و شعر که فاوستولاسی‌نیو (Fausto lasinio) آندو را از ۱۸۷۲ تا ۱۸۷۵ در فیرنتس (Firenze) با ترجمه‌عبری و ایتالیائی شعربچاپ رسانده ولی خطابه آن ناتمام ماند

۳ — همین دو تلخیص را لویس شیخویسوعی در (کتاب علم‌الادب مقالات لمشاهیرالعرب) درجلد دوم دربیروت بسال ۱۹۲٤ بچاپ نمود . ۱۰

٤ — ترجمه عبری موجزمنطق ابن‌رشد در (Riva di Trento) بسال ۱۵٦۰ بچاپ رسید

٥ — ترجمه عبری شرح خطابه درلایبتسیك در ۱۹٤۲ چاپ شده است

٦ — ملخص شعر با تعالیق فارابی برخطابه بلاتینی در ونتسیا بسال ۱٤۸۱ بچاپ رسید ۱۵

دوره کتب ابن‌رشد بلاتینی در لیون بسال ۱۵٤۲ بچاپ رسیده و ترجمه لاتینی ارغنون بوئسیوس نیزبا آن هست و تلخیص ابن‌رشد هم‌جزء آن میباشد

آثـار ابن‌رشد بلاتینی در ونتسیا و پادو و دیگرشهرها از۱٤۷۲ تا ۱۸٤۲ چندین بارچاپ شده است و ترجمه‌ای که یعقوب مانتینوطرطوسی (م ۱۵٤۹) از ترجمه عبری تلخیص بلاتینی کرده است بسال ۲ـ۱۵۵۰ و سال ۱۵٦۲ و سال ۱۵۷۳ بچاپ رسید و در چاپ ۲ — ۱۵۵۰ ترجمه لاتینی شرح لاوی بن جرسن نیز با آن هست[۱] ۲۰

۱ ـ برای نگارشهای منطقی ابن‌رشد دیده شود : عیون‌الابناء ابن ابی‌اصیبعه ج ۲ بقیه پاورقی درحاشیه صفحه بعد

آغاز و انجام بخشهای تلخیص

مقولات ـ آغاز : الغرض فی هذا القول تلخیص المعانی التی تضمنها کتب ارسطو فی صناعة المنطق

انجام : وهی بحسب هذه الجهة مستوفاة انقضی تلخیص کتاب المقولات ٥ والحمد لوهب العقل یتلوه... تلخیص کتاب بار ارمنیاس ای العباره

عبارات ـ آغاز : الفصل الاول قال وینبغی ان نقول ماهو الاسم وماهی الکلمه

انجام : اذا کان لایتعری الموضوع منها وهنا انقضی تلخیص المعانی التی تضمنها هذا الکتاب بانقضاء المعانی التی تضمنها هذا الکتاب تیلوه کتاب انالوطیقی وهو کتاب القیاس

١٠ قیاس ـ آغاز : المقاله الاولی ینبغی ان نبتدی اولا فنخبر ماهو الشی الذی عنه الفحص فی هذا الکتاب

انجام: لم یکن عظیم الاطراف علامة خاصة بالشجاعة وهنا انقضی تلخیص معانی هذا الکتاب وهو القیاس

برهان آغاز : المقالة الاولی من البرهان قال کل تعلیم و کل تعلم فکری ١٥ فانما یکون بمعرفة متقدمه للمتعلم

انجام : اعنی قوة العلم للمعلوم و قوة العقل للمبادی تم تلخیص المقالة الثانیة من معانی کتاب البرهان لارسطوطالیس

[١٥]

٣٧٥ این نسخه بخط نسخ بسیار پاکیزه . عنوانها و نشانه‌ها و رقمها بشنگرف میباشد مقولات از برگ ١ تا برگ ١٧ وعبارات از برگ ١٨ تا برگ ٣٦ وقیاس از برگ ٣٧ تا برگ ١٢٤ وبرهان از برگ ١٢٥ تا برگ ١٦٧

(برگهای همه دفتر ٧٠)ـ کاغذ ترمه سپاهانی جلد تیماج متوالی تازه

اندازه ١٥×٥ر٢٢ و ١٢×٥ر١٨ س ٢١

ص ٨٥ــ٧٨، پیوست تاریخ ادبیات برو کلمن ح ١ ص ٣٧١ وابن رشد ارنست رنان چاپ باریس بسال ١٩٤٩ (جلد ٣ از نگارشهای رنان) وابن رشد لئون گوتیه Leon Gauthier چاپ باریس بسال ١٩٤٨ و اندیشندگان اسلام کارادوو (B.Carra de vaux) جلد ٤ ص ٧ ـ ٦٦ چاپ ١٩٢٣ باریس وفهرست کتابهای چاپی کتابخانه ملی باریس ج ٥ ص ٧٨١ شماره‌های ١١ و ٢٣ تا ٢٨ و دیباچه موریس بوئیژ بر تلخیص مقولات ابن رشد چاپ بیروت ١٩٣٢

[۱۵] حاشیه بیتکاری (عربی)

شمس‌الدین محمدبن حمزه فناری (م ۷۳٤) بر ایساغوجی ابهری شرحی نوشت‌واحمدبر آن حاشیه کرد و بیتکاری براین حاشیه، حاشیه نگاشت که همین رساله باشد

آغاز: الحمدلله‌العلی‌الکریم . . . فلما‌نظرت وتاملت فی حاشیه‌الفناریة ۵

انجام: هذا لیکن‌هذاآخرماکنافیه

[۱٦]

۹٤۳ این‌نسخه‌شماره چهارم‌دفتری‌استکه دارای‌شش‌رساله میباشد ودردنبال‌حاشیه عبدالرحیم‌برشرح فناری نشانه‌های‌آن یاد میگرددااین‌رساله ازبرك ۲۵ب‌تا ۳۹ الف است و بخط تعلیق با عنوانهای شنگرف و حاشیه (منه) دارد و ۱۰ اسماعیل‌بن‌علی‌بن عثمان‌درمدرسه فیضیه ارز روم بسال ۱۱۲۲ آنرانوشت .

[۱٦] حاشیه برتهذیب‌المنطق [عربی]

سعدالدین مسعودبن عمربن عبدالله تفتازانی ادیب متکلم ایرانی (م ۷۹۲) شاگرد قطب رازی و قاضی عضدایجی کتابی درمنطق بنام تهذیب‌المنطق‌بسال ۷۸۹ نوشته که میان دانشجویان آن روزگار تاکنون متداول گشت . ۱۵

دانشمندان برآن حاشیه‌ها نوشتند ازآنها است محقق دوانی وحاشیه او تا مبحث جهات (مطلقه عامه) میباشد و در لکناهور بسال ۱۲۹۳ و درتهران درکنار حاشیه ملاعبدالله بسال ۱۲۸۰ بچاپ رسید .

آغاز: تهذیب‌المنطق‌والکلام‌توشیحه‌بذکرالمفضل‌والمنعام‌فهذه‌عجالة‌وغلالة رایعة تروی غلیل‌طالبی صناعةالمیزان ۲۰

انجام: فی‌ملتقی‌الخطین‌الخارجین بین‌کلیها تسهیلا للضبط علی‌المبتدی

[۱۷]

۲٦۷ این نسخه شماره یکم این دفتر است و دوم آن حاشیه‌ای است برهمین دوانی و بخط نستعلیق ومجدول بطلا وشنگرف ولاجورد وعنوانها وبرخی حواشی شنگرف است وازبرگ ۱ ب تابرگ ٤۰ ب تاریخ نوشتن ۱۰۵۷ ۲۵

(همه دفتر ۸٦ برگ) ــ کاغذ ترمه سمرقندی ــ جلد تیماج ضربی زرکوب
اندازه : ۱۵×۲٤ و و ۷×۱۴ س ۱۷

[۱۸]

۸۸۳ این نسخه شماره ششم دفتری است که دارای شش رساله میباشد ونشانه‌های آن دردنبال (آداب مناظره) استرابادی و (آداب‌البحث) ایجی یاد گردید وبخط نسخ محمدعلی وبتاریخ ۱۳۰۱ که درمدسه سپهسالارمحمدخان آنرا نوشت وازبرگ ۳۸ الف است تا برگ ۸۳ الف

[۱۷] حاشیه بر حاشیه تهذیب المنطق [عربی]

این حاشیه ازمولانا سید آقاحسین حسینی خلخالی سنی اشعری شاگرد
۱۰ میرزاجان حبیب‌الله باغنوی شیرازی‌میباشد که برحاشیه دوانی نوشته‌است‌وچنانکه
در ذریعه (ج ٦ ص ٤١) آمده خلخالی این حاشیه را در ۱۰۲٤ برای پسر خود
نگاشته است . ازکتابهای وی پیداستکه او سنی‌اشعری میباشد درآغاز این حاشیه
پس ازیادکردن نام دوانی ونام خود میگوید : این حاشیه را برای‌تأیید گفتاردوانی
وبرای‌پسرم برهان‌الدین نگاشته‌ام . این‌حاشیه‌تا بمبحث دائم ومشروط میرسد .
۱۵ **آغاز** : بسمله‌تحمدله یامن‌نورقلوب‌العارفین‌بانوارالمعارف‌الالهیه ... فهذه
تنبیهات علی‌التحقیقات‌المختفیة فی‌صفحات حاشیة التهذیب
انجام : سائرالجداول الطولیه والعرضیه علی هذه‌الهیئة . در نسخه این
کتابخانه درپایان این حاشیه نوشته شده (تمت‌الرساله فی‌تاریخ‌سنة‌ثلث عشروالف)
پس گفتار نگارنده دریعه‌خواه این تاریخ ۱۰۱۳ تاریخ‌نگارش‌خلخالی باشد یاتاریخ
۲۰ نوشتن نسخه درست درنمی‌آید نسخهٔ‌ازاین حاشیه درکتابخانه استانه‌طوس هست
که درهامش حاشیه دوانی بسال ۱۰۷۷ نوشته شده است .

[۱۹]

۳۱۲ این نسخه شماره‌یکم دفتری است که‌بجز‌این‌رساله‌دورساله‌دیگر نیزداردیکی حاشیه‌برشرح دوانی برعقایدایجی‌ودیگری‌اثبات‌واجب وهردوازهمین‌خلخالی میباشد وهمه‌بخط تعلیق‌شکسته با عنوانهای‌شنگرف است و درتاریخ۱۰۱۳ در روزگار خلخالی نوشته شده است این رساله از برگ ۱ ب تا برگ ۷۸ الف میباشد .

(همه دفتر ۱۷۹ برك) ــ کاغذ ترمه سمرقندی ــ جلد تیماج سرخ ساده
اندازه . ٥ر۱۱×۱۹ و ٦×۱۳ س‌م ۲۱

[۱۸] حاشیه بر حاشیه تهذیب المنطق (عربی)

حاشیه‌ای است برحاشیه دوانی بر تهذیب‌المنطق تفتازانی و نگارنده آن پیدا نیست که کیست ٥

آغاز : قال و حیدزمانه تغمده‌الله بغفرانه (یقال مدحت اللؤلؤ علی صفائها)

انجام . واما الی امکان‌الحمل دون‌الفعل . تم‌الکتاب بعون‌الله سبحانه القوی فی‌تاریخ سنة ۱۰۵۷

[۲۰]

۱۰ این نسخه شماره دوم دفتری که نخستین آن حاشیه دوانی است و بهمان خط
۲٦۷ وحواشی نیز دارد وازبرگ ٤۱ ب تا برگ ۸٦ ب میباشد.
نشانه نسخه دردنبال (حاشیه دوانی) یادگردید

[۱۹] حاشیه بر حاشیه تهذیب المنطق (عربی)

این حاشیه‌ای است که سیدمیرزا ابوالفتح بن محمدعلی مشهور بمیرمخدوم بن سید ۱٥ شمس‌الدین محمد بن سیدشریف گرگانی برحاشیه دوانی نگاشته‌است وی باب حادیعشر علامه‌حلی را یکبار بتازی بنام مفتاح‌اللباب یامفتاح‌الباب و باره دیگر بپارسی و پس از آن و درمراغه درلشکرگاه شاه بسال ۹۵۷ شرح کرد و در ۹۷٦ یا ۹۷۷ در گذشت . این حاشیه را برای سلطان ابی‌الغازی احمد بهادرحسینی نگاشته‌است و نسخهٔ ازاین در آستانه طوس هست که درع ۱ سال ۹۷۲ پاکنویس گردید

۲۰ ازنشانه‌هائی که در ذریعه (ج ٦ ص ٥۹) و درفهرست آستانه طوس (ج ۱ بخش منطق ص ۱۲) یادگردید پیداستکه نسخه این کتابخانه اندکی از خطبه را ندارد . ابوالفتح درمیانه این رساله میگوید پس ازپایان یافتن حاشیهٔ دوانی جاهائی که ازمتن تهذیب دشوار است شرح میدهیم وهمین نشانه درفهرست آستانه هم یاد شد و ازتطبیق با حاشیه دوانی پیداستکه این رساله حاشیه‌ای است بر آن .

نام محشی درفهرست آستانه میرابوالفتح سیدمحمدبن ابی‌سعید حسینی معروف بتاج سعیدی (م ۹۵۰) شاگرد موسی‌بن محمدقاضی‌زاد رومی یادشده‌است و درست نیست

آغاز : الحمدلله علی تهذیب المنطق والکلام عن غیاهب الشکوک والاوهام ... هذه‌تعلیقات بل‌تحقیقات‌علی‌قسم‌المنطق من‌التهذیب‌وحاشیته‌المشهورین عندکل لبیب (ذریعه وفهرست آستانه)

آغاز در نسخه این کتابخانه : الحمدلله‌علی‌تهذیب‌المنطق‌والکلام والصلوة والسلام علی اعرف المعرفین بطریق الاسلام واله الحجج الموصلین الی‌کل مرام قوله هوالوصف بالجمیل آه الباء اماصلةللوصف (مانا نویسنده اندکی‌ازخطبه راکاست)

انجام : والیه‌الرجعی و حسن مآب (در نسخه آستانه این عبارات را میافزاید) انتقل من‌السواد الی‌البیاض‌فی‌شهر ربیع‌الاول سنةاثنتین‌وسبعین‌وتسعمأته. پس تاریخ نگارش میرابوالفتح سال ۹۷۲ میباشد.

[۲۱]

۳۰۶ این نسخه بخط نستعلیق با عنوانهای شنگرف است و روی بسیاری‌ازسطور خط کشیده شده و گاهی هم بی‌نقطه است

(۱۳۴ برگ) ـ کاغذفرنگی ـ جلد مقوا

اندازه ۱۳۰×۲۰۵ و ۷×۱۳٫۵ س ۱۹

[۲۰] حاشیه برحاشیه برشرح مطالع‌الانوار [عربی]

حاشیه‌ایست ازقاضی‌زاده رومی موسی پسرقاضی ملامحمود دانشمندسده نهم برحاشیه میرسید شریف گرگانی (م ۸۱۶) بر دیباچه شرح قطب‌الدین رازی (م ۷۷۶) برمطالع‌الانوار سراج‌الدین محمود ارموی (م ۶۸۹)

آغاز : قوله‌الفیاض‌الوهاب مشیر الی انه شبه اولا موهبته

انجام : عماهوصا درعنه والفرق بین . هذا غایةالتحقیق فی‌هذا المقام ونهایةالتدقیق فی‌حل‌المرام‌والله الهادی‌الی‌سبیل‌الرشاد وملهم‌الصواب

[۲۲]

۱۰۳۳ این نسخه شماره نهم دفتری‌استکه چهارده رساله ازطوسی و حکیم محمد باقر و رازی پزشك و سلمی و کاشی ودیگران درآن‌آمده واین‌رساله بخط شکسته ریزدر برگهای۲٦ الف تا ۲۷ الف این دفترنوشته شده است درپایان این رساله نوشته است : لقاضی‌زاده رومی حشره‌الله مع‌من‌تیولاه ۵

(همه‌دفتر۹۹برك) ـ کاغذ ارمه سپاهانی ـ جلدتیماج حنائی ضربی یك‌لا

اندازه‌ه‌ر۱۰×۱۹ و ۷×ه‌ر۱۴ س‌۱۵

[۲۱] حاشیه برشرح شمسیه [عربی]

این حاشیه‌تنها مربوط بآغازشرح قطب‌رازی برشمسیه دبیران قزوینی است و خرده گیریهاکه برآن شده و پاسخهاکه داده‌اند فراهم آورده است تا بآسانی ۱۰ دریابند ونگارنده آن پیدا نشدکه کیست

آغاز : الحمدلله الملهم بالتحقیق والمعلم‌بالصدق ... فانی اردت اجمع ما ... علی شرح الشمسیه‌المنسوب الی‌القطبیة من‌الایرادات والاجوبة حتی یکون تسهیلا للاستحضار

انجام : فلایردشئی من‌الاشکالات ۱۵

[۲۳]

۸۸۳ این نسخه شماره پنجم و دربرگهای ۲۷ الف تا ۳۵ دفتری است که دارای شش رساله میباشد و نشانه‌های در دنبال (آداب مناظره) استرابادی یاد گردید این رساله بخط نسخ است از محمدعلی که روز سه‌شنبه ۱۰ج ۲سال ۱۳۰۱ آنرا نوشت

[۲۲] حاشیه برشرح فناری (عربی)

این حاشیه ازعبدالرحیم است که برشرح فناری (محمدبن حمزه م ۸۳٤) نگاشته است،برمبحث جهت‌وحدت نه‌برهمه آن.

آغاز : بسمله . حمدلمنه . هوواجب الوجود و مفیض الخیروالجود

انجام : فی کل من‌التصوروالتصدیق فتأمل والله اعلم بالصواب ۲۵

[٢٤]

٩٤٣ این نسخه دردفتری نوشته شده که دارای شش رساله است و نخستین علم قوافی است از ابن جنی و دوم شرح ابیات الضوء وسوم این رساله وچهارم حاشیه بیتکاری و پنجم شرح ربع المجیب وششم شرح اشکال التاسیس . این رساله
٥ در برگهای ١٥ ب تا ٢٣ ب نوشته شده است خط دورساله نخستین تعلیق ونسخ است که در ١١٢٠ اسمعیل بن علی بن عثمان در ارز روم آنها را نوشت و این رساله بخط تعلیق با عنوانهای شنکرف میباشد و چهارمی را همین نویسنده در مدرسه فیضیه ارزروم درتاریخ ١١٢٢ نوشت و پنجمی را در رمضان ١١١٧ باز درهمانجا وششمی را نیز درهمانجابسال ١١٢٢ نوشته است و این رساله‌هم باید درهمین‌تاریخها نوشته
١٠ شده باشد

(همه دفتر ٨٩ برك) -کاغذفرنگی - جلد مقوا کناره آن تیماج
اندازه . ١٦×٢١ و ٦×١٦٫٥ ١٥ تا ٢٣ ظ

[٢٣] حاشیه شرح مطالع (عربی)

این حاشیه ازمیرسیدشریف‌گرگانی (م ٨١٦) متکلم و ادیب و فیلسوف
١٥ و عارف ایرانی است برشرح قطب رازی برمطالع الانوارقاضی سراج‌الدین محمود ارموی (م٦٨٩) و از آغاز کتاب است تا پایان فصل ششم درتعریف از باب دوم در کلی وجزئی ازبخش نخستین درمنطق ومیر آنرا هنگامیکه نزد مبارکشاه‌منطقی درس میخواند نوشته است این حاشیه درکنارشرح مطالع از ص١تا ص ٧١ در تهران چاپخانه آقاسیداسدالله بسال ١٣١٥ بچاپ رسید
٢٠ **آغاز** : قال وحیدزمانه تغمده‌الله بغفرانه: الحمدلله‌الفیاض‌ذوارف‌المعارف، الفیاض‌الوهاب من‌فاض‌الماء فیضا و فیضوضة اذاکثرحتی سال عن جانب‌الوادی
انجام : وهذا جار فی‌الذاتیات والعرضیات اذا کان افرادها محسوسة لامعقولة

[٢٥]

٨٥٨ این نسخه بخط تعلیق بی‌نقطه است وبنابرعبارتی که درپایان نسخه دارد : (وقدتم‌الکتاب فی ثانی‌عشرشهر رمضان سنة٩٨٧ سبع‌وثمانین وتسعمائه) بسال ٩٨٧ نوشته شده است .

(همه دفتر ۱۰۵ برگ) ـ کاغذ ترمه سپاهانی ـ جلد تیماج سرخ‌ضربی مقوائی فرسوده
اندازه : ۱۲×۵ر۲۰ و ۵ر۸×۱۴ س ۱۷

[٢٤] الحدود (رسالة فی...) (فارسی)

ارسطو دردفتر پنجم تامتافوسیکا یا ماوراءالطبیعه که‌بنام دلتا یا دال میباشد
٤١ مفهوم منطقی وفلسفی را تعریف کرد و آنها عبارت میباشند از : «مبدء ـ علت ۵
عنصر — طبیعت — ضرورت — واحد — وجود — گوهر — عین‌وغیرومخالف‌ومشابه ـ
مناقض و مضادومخالف‌درنوع ـ مقدم ومؤخر — قوه و سزاوار وعدم‌قوه وناسزاوار ـ
کمیت — کیفیت — مضاف — کامل — حد — ازچه‌وبرای چه وچرا — وضع — حالت
انفعال — فقدان — داشتن — پیدایش ـ جزء ـ کل ـ ناقص ـ جنس ـ خطا — عرض»[1]
وی دراین دفترشالوده علم الهی را ریخته است و آن بمانند دیباچه‌ای است برای ۱۰
این‌علم و درنگارشهای دیگرخود مانند دفترهای ششم‌وهفتم ونهم و دهم الهی‌ونیز
کتاب طبیعی وکون و فساد بدان بازگشت داده است و دیوگنوس‌لائرسیوس از این
دفتریاد نمود بنام «معینهای گوناگون» و قفطی درتاریخ حکما شش کتاب درتحدید
و حدود از ارسطونام میبرد

این رساله بپارسی است که بارسطو نسبت داده شد و در آن ۱۱۵ پرسش ۱۵
اسکندر ازاوکرده و پاسخ گرفت . مانا این پرسش وپاسخها را ازکتابهای ارسطو
گرفته ویکجا گرد آورده از آندوتن استاد وشاگرد دانستند . این پرشها از علم
طبیعی والهی است

آغاز: بدانکه این چند فصل است اندر صد و پانزده مسئله که اسکندر از
استاد خویش پرسیده . . . میگوید که پرسیدم از استاد خود که جوهرچیست گفت ۲۰
آنچه بذات خود قائم است

انجام : گفتم : یکی را اندرعیان نشانی هست ؟ گفت ؛ دائره . گفتم : در
او نشان هست ؟ گفت : نقطه و پرگار از دائره .

---

۱ ـ دیده شود الهی ارسطو ترجمه فرانسوی Tricot کتاب دلتا و نیز تفسیر
مابعدالطبیعه ابن‌رشد چاپ بیروت سال ۱۹٤۲ کتاب دال ۲۵

[٢٦]

٤٣٣ این نسخه شماره سوم دفتری‌استکه دارای رساله (اضحویه) نیز هست‌و بخط تعلیق وبسال ۱۳۱۵ نوشته شده است و ۱۲ صفحه میباشد -- این مجموعه با شماره ٤٣٤ یکجا تجلید گردید

(همه دفتر۴۶+۳۸ برك) — کاغذ فرنگی ـ جلد تیماج ساده تازه زرد

اندازه : ۱٦×۲۱٫۵ و ۱۲×۱٦ س ۹

[٢٥] الحدود (رسالة فی ...) [عربی]

شیخ‌رئیس پورسینا دانشمند بزرگوار ایرانی در مقاله چهارم فن برهان و مقاله پنجم فن جدل‌منطق و فصل ۷ تا ۹ مقاله پنجم الهی شفا از حد و تعریف گفتگو نمود و در کتاب نجات و ارجوزه منطق و اشارات ومنطق‌مشرقی نیز ازآن کاوش کرد مگراینکه درشفا ازارسطو پیروی نموده گفته‌ها و پژوهیده‌های او را آورد ولی درنگارشهای دیگر شالوده‌ای ریخت که متاخران مبحث قول شارح را روی آن نهاده‌اند دراین کتاب (حدود) از دشواری تعریف یادکرد وعلل آنرا بطوبیقا بازگشت داد و یکبار دیگرنیز درتعریف (حد) ازطوبیقای ارسطو نام برده است و در دیباچه میگوید که یاران از من درخواستند که چیزهائی راکه میخواهند بآنان بشناسانم و برای آنها تعریف کنم چون میدانستم که این کاردشواراست ولغزش‌پذیر سرباز زدم آنها نپذیرفتند و این کمك را از من خواستند که من لغزشگاه تحدید را برای آنان آشکاربدارم . شیخ پس ازدیباچه که درباره دشواری ولغزش‌تعریف آورد ۷۲ اصطلاح فلسفی و منطقی را آورده وتعریف کرد[1]

این رساله در(تسع رسائل)درمصر بسال ۱۹۰۸(۱۳۲٦) بچاپ رسید و آ.م. گواشن A.M. Goichon خاورشناس‌فرانسوی آنرا بفرانسه ترجمه کرده ودرپاریس بسال ۱۹۳۳ بچاپ رسید

---

۱ -- درباره تعریف نزد پورسینا گواشن گفتاری دارد که در مجله قاهره La Revue du Caire شماره۱٤۱ جلد۲۷ سال ۱۹۵۱ ص۹٤-۱۰٦ بچاپ‌رسیده‌است

[٢٧]

٣٩٨ این نسخه شماره ۱ دفتری است که شرح خبر (العلم نقطه کثرها الجاهلون) از خواجه طوسی نیز در آن هست و در برك ۱ ب تا برك ۱۲ الف نوشته شده و بخط نسخ با عنوانهای شنگرف میباشد و تاریخ آن ۲۵ ج ۱ سال ۱۰۰٦ میباشد ۵

(۲۸ برك) - کاغذ ترمهٔ سمرقندی — جلد تیماج مشگی

اندازه : ۱۳×۱۷٫۵ و ۷×۱۲ س ۱۸

[٢٨]

۱۰۲۲ این نسخه در دفتری‌استکه دارای ۱٤ رساله و گفتارمیباشد یکی مسائل مدنیات که مهنا بن‌سنان بن‌عبدالوهاب حسینی ازعلامه حلی پرسیده‌و پاسخ ۱۰ گرفته است و بخط سیدحیدر عارف آملی مورخ ۱۰ ع ۲ سال ۷٦۱ میباشد و فخرالمحققین پسرعلامه چندجا بخط خودتصدیق کرده است واجازه‌ای که علامه حلی بمهنا داده درباره روایت کتابهای خود و ٥٤ کتاب خود را درآن برحسب تقسیم موضوعی آورده است بخط سید حیدرآملی مورخ ۱ ذی‌قعده ۷٦۲ درآن دیده میشود و آملی خودراچنین‌نام‌میبرد: حیدر بن علی بن حیدرعلوی حسینی آملی . این‌اجازه درجلد ۱۵ ۲۵ بحارمجلسی ص۵۲ بچاپ رسید

۲ – پرسش سید حیدرآملی ازفخرالمحققین درحله سیفیه بتاریخ پایان رجب ۷۵۹ درمسائل کلامی‌وفقهی. پرسش بخط آملی و پاسخها بخط فخرالمحققین است

۳ـ رساله‌حج‌متمتع فخر المحققین بخط سیدحیدر که درحله‌درمدرسه صاحب‌الزمان نوشت ۲۰

٤ – اجازه فخرالمحققین بآملی درپایان ربیع۱ سال۷٦۱ که بخط فخرالمحققین است و صحت انتساب (مسائل مدنیات) را درآن تصدیق نموده است (برگ ٦ الف)

۵ ـ معراج‌السلامه و منهاج الکرامه جمال‌الدین علی‌بن سلیمان بحرانی که در فلسفه خواهد آمد

٦ ـ التنبیه علی بعض‌الاسرار المودعة فی بعض سور القرآن ازفخر رازی (٥٥٤ - ۲۵ ٦۰٦) که درص ٦۷ـ۷۰ بخش ۱ این فهرست یاد گردید

• رازی در فصل ۳ (معاد) این رباعی را از خیام میآورد : (دارنده چوتر کیب چنین خوب آراست ـ باز ازچه‌سبب فکندش اندر کم‌وکاست ـ گرخوب نیامد این بنا عیب کراست ـ و رخوب آمد خرابی از بهر چراست) و میگوید بیشتر خردمندان چنین خرده‌گیری‌را میکنند وجزدینداران نتوانندآنرا پاسخ گویند . درهمین‌جا (برگ۱۰۱) ۳۰

درهامش این رباعی خیام دیده میشود : «ترکیب پیاله کی درمی پیوست ـ بشکستن این روا نمیدارد مست ـ چندین سروپای نازنین و برو دست ـ ازبهر کی پیوست و زبهر کی شکست »

این یادآوری که یك متکلم ومفسر از یك فرزانه روشن‌اندیش آزاد میکند بسیار گرانبهاست و پس از کتابهای الزاجر للصغار عن معارضة الکبار دانشمند خوارزم زمخشری (٤٦٥-٥٣٨) وتتمه صوان الحکمه بیهقی (م٥٦٥) که پس‌از٥٤٨ نگاشته‌شده و چهارمقاله نظامی عروضی که میان ٥٥٠و٥٥١ نوشته شده باید آنرایکی‌ازسندهای سرگذشت خیام شمرد و پس ازهمه این‌ها استکه نجم‌الدین دایه رازی (م ٦٤٥) در مرصادالعباد (نوشته ٦٢٠) همان رباعی که امام فخرالدین رازی آورده است نقل نمود و پیداستکه این رباعی بسیارمشهورشده و اثرانتقادی آن شدید بوده است

٧ ـ عیون‌الحکمه فخررازی که خواهد آمد

٨ ـ پرسش وپاسخ گیلی وطوسی

٩ ـ رساله عقیده طوسی

١٠ ـ پرسش وپاسخ بحرانی وطوسی

١١ ـ پرسش وپاسخ قونوی وطوسی

١٢ ـ قضاء وقدرحسن بصری

١٣ ـ الرحمة فی‌اختلاف‌الامه گرگانی

همه این رساله‌ها بخط آملی است وبنسخ ریزبا عنوانهای شنگرف‌جزرساله حدود پورسینا که مانا بخط دیگری است و بنسخ درشت‌تر و روشن‌تر مگر اینکه در فهرست آغازمجموعه بخط همین آملی نام(اصطلاحات‌الحکماء) ابوعلی‌برده شده‌است. درچندجا نوشته شده که آملی مقابله نموده است این مجموعه در ١٢٩٤ از آن کاظم حسینی عاملی بوده است و در ١٣٦٦ واقف محترم کتابخانه آنرا که از کتابهای آقا ضیاءالدین نوری بوده است خرید

رساله حدود دربرگ ١٨٨ الف تابرك ١٩٥ ب این دفتراست وآغازوانجام را ندارد وآنچه هست برابر است با س ٧ ص ٧٥ تا س ٥ ص ص ١٠٨ نسخه‌چاپ‌مصر نشانه نسخه دربخش ١ این فهرست یادگردید

[٢٩]

١٠٥٣

این نسخه شماره ٤٣ دفتری‌است که دارای ٥١رساله است وازص ٣٨٦ تا ص ٣٨٦ تا ص ٣٩٣ میباشد وبخط تعلیق درشت وگویا همان شهاب‌الدین‌حسینی که در دیه فیض آباد خبیص در پنجشنبه ١٧ شعبان ١١٠٤ رساله شماره ٤١

(رساله عرفانی جامی) را نوشته همین را نوشته باشد وخط ایندویکی استواین مجموعه بخط او ومحمد ناصرالدین میباشد و از ۱۰۹۷ تا ۱۱۰۹ گرد آورده شده است در بخش ۱ این فهرست نشانه های آن یاد گردید

[۳۰]

۱۰۷۹ این نسخه شماره ۲۵ دفتریست که دارای ۳۵ رساله میباشد و رساله ۳٤ (اثبات واجب) بخط تعلیق است از مراد تفرشی که در ۱۰٤۷ برای مولی محمد صالح کرامی نوشته است واین نسخه نیز بخط تعلیق و از ص ۱٤٥ تا ص ۱٦۰ میباشد

(همه دفتر ۲۸۳) ـ کاغذ سپاهانی زرد — جلد تیماج سرخ ضربی مقوائی
اندازه : ۱۵×۳٦ و ۹×۱٦ س ۳۳

[۲٦] الحدود (رسالة فی...) (عربی)

نگارنده این رساله پنج کلی و ده مقوله را تعریف میکند و شاید این رساله از همان کسی باشد که رساله (اصطلاحات جدل و خلاف) را نگاشته است و پیش از این یاد گردید

آغاز: فائدة : العلم حصول صورة الشئی فی الذهن

انجام : ان ينفعل هو كون الشئی متاثرا عن غيره . . . فهذه المقولات شاملة لجميع الموجودات الخمسة

[۳۱]

۹۰۲ این نسخه رسالهٔ ٥ دفتری استکه دارای شش رساله میباشد و در دنبال رساله (اصطلاحات جدل وخلاف) نشانه‌های آن گفته شده است این نسخه از برك ۱۵۵ ب تا ۱۵٦ ب میباشد و بخط تعلیق ریز است .

[۲۷] حيرة الفضلاء فی حل شبهة جذر الاصم (عربی)

ارسطو درفصل ۹ کتاب عبارت ارغنون در مبحث تناقض قضایاء ممکن استقبالی و درفصل ۳ دفتر ۱۱ الهی درمبحث امکان و استعداد باگروه مگارا مانند

او بولیدس و دیودروس کـرونوس و فیلون مخالفت نموده است و این اوبولیدس در زمان افلاطون و ارسطو میزیسته و میان آنها پیوسته جنگ وستیز بوده و گاهی کار بدشنام میکشیدو فیلون دیالکتیکی شاگرداو بوده است و فیلون هم از بزرگان جدلیان گروه مگارا بشمار میآید و چند مغالطه ازاینها بیادگار مانده است مانند : (پوشیده ٥ شاخدار — نهفته — کچل — ارزن — پیدایش — دروغگو) مغالطه اخیر چنین است : کسی دروغ میگوید وسپس میگوید دروغ میگویم آیا راست گفته است یا دروغ چنانکه اپیمنیدس کریتسی گفته است : همه مردم کریتس دروغگویند آیا خود راست گفته یا دروغ ؟

این مغالطه بدانشمندان خاوری رسید و بدان شبهه جذر اصم نام دادند ١٠ و کتابها درحل آن نوشتند چنانکه افضل الدین محمد ترکه درطوس برای شاگردان خود رسالهٔ بنام انموذج العلوم درحل مسائل دشوار نوشته و در آن از این شبهه که بشکل (کل کلامی کاذب) درآمده پاسخ گفته و فهرست نگار آنرا دیده است و صدرالدین دشتکی و دوانی هردو رساله در رد یکدیگر درباره گشودن این مشکل نوشته‌اند و در آستانه طوس بشماره ٢١٨ و ٧١٩ (ج ٤ ص ٣٧٩ وص ٣٨٠ فهرست ١٥ آنجا) هست وسیدداماد در الافق المبین نیز بحل آن پرداخت و در الذریعه بنام بسیاری از رساله‌ها که دراین باره نوشته شده برمیخوریم

محقق خفری شمس الدین محمد بن احمد شاگرد صدرالدین محمد دشتکی شیرازی و زنده در ٩٣٢ که ازفیلسوفان ومتکلمان بوده است دورساله در این باره دارد یکی عبرة الفضلا که خواهد آمد و دیگری حیرة الفضلاء یا حل مالاینحل که ٢٠ در دومقصد است دریکی راه حلهائی که آورده‌اند یاد کرده و از آنها خرده گیری نمود و در دومی که نیم این رساله است حلی کـه خود کرده است آورده وی از تفتازانی وسیدالمدققین وصاحب قسطاس و کاتبی یاد میکند و تاریخچه حل این مسئله ازاین رساله بخوبی بدست میآید

آغاز: بسمله الحمدلله رب العالمین . . فیقول الفقیر . . . محمدالخفری هذه ٢٥ رسالة فی بیان حل المغلطه المشهورة التی اعیت علماء الامصار

انجام :ولایخفی علیك الاجراء فی باقی التقریرات فلنختم الرسالة المسماة بحیرة الفضلاء بالحمد والصلوة فالحمدلله علی افضاله والصلوة علی محمدواله

[۳۲]

٨٦٨ این نسخه دردفتری است که دارای ۳ رساله است: انموذج العلوم دوانی دوم همین رساله که از ص ٨٦ است تا ص ۱۱۳ وبخط تعلیق باعنوانهای شنگرف وسومی تلخیص المفتاح جمشید کاشی است همه این رساله‌ها بیك خط ونخستین درتاریخ ۱۰۲۱ درسپاهان نوشته شده وسومی در روز سه‌شنبه ۲۸ ج ۱ سال ۱۰۲۱ نوشته شده است ٥

= (همه دفتر ١٦٨ ص) کاغذ ترمه سمرقندی — جلد مقوای

اندازه : ٩×٥ر١٦ و ٥ر۴×۱۳ س ١٦ ١٠

[۲۸] رسالة بعض الافاضل الی علماء مدینة السلام (عربی)

درفهرست نگارشهای شیخ رئیس که ابن ابی اصیبعه در عیون الانباء فی طبقات الاطباء آورده است در ج ۲ ص ۲۰ س ٤—٦ دو رساله از شیخ بدین دو نام : « رسالة الی علماء بغداد یسألهم الانصاف بینه وبین رجل همدانی یدعی الحکمة » و« رسالة الی صدیق یسأله الانصاف بینه وبین الهمدانی الذی یدی یدعی الحکمة» آمده ١٥ است و در نامه دانشوران ج۱ ص۸۲—۸۲ درسر گذشت شیخ الرئیس این رساله یاد گردید: « جواب مسائل علماء بغداد که سؤال کرده بودند از کسی که در همدان مدعی حکمت بود» پس پیدا شد که پورسینا چنین نگارشی دارد گرچه در نسخه این کتابخانه این رساله چنین نامیده شده : « رسالة بعض الافاضل الی علماء مدینة السلام فی مقولات الشیخ» وگویا شیخ نخواسته است نشان دهد که این نگارش از اوست ٢٠ و ازخود بنام (مردی ازبخارا) دردیباچه یادکرده است ودرنامه دانشوران مینویسد که این رساله را شیخ درسپاهان نوشت . رساله دیگری هم درتاریخ حکماء قفطی (ص۲۷۲) وبیهقی (ص ۱۸۸) و ابن ابی اصیبعه (ج۲ص۱۹س۳۰) ازشیخ دانسته شده بدین نام : «رسالة فی ان علم زید غیرعلم عمر» و دراین نسخه‌ما هم این عبارت آمده است : «انسانیة کانت فی خیال زید واخری کانت فی خیال عمر» ولی بسیاردور است ٢٥

که ایندو رساله یکی باشند زیرا مسئله علم خود در فلسفه و کلام طرح میشده و بر سر آن گفتگوها بوده است گرچه دو مبحث وجود و علم در مورد کلی طبیعی بایکدیگر بستگی دارند

باری در دیباچه این رساله میگوید : « درود بر خواجگان دانشمند بغداد بدانید که مردی بخاری دانش را دوست داشته و آنچه میتوانست در اندوختن آن کوشید تا اینکه گذارش باین شهرها افتاد و به پیروان شما برخورد و آنان وی را از دانشمندان بشمار آوردند و او از آنها چیزهائی میشنید که بگفته‌های استادانش مانند بود تا اینکه بشهر همدان رسید خواجه‌ای بزرگوار و نیکمرد و فرزانه و دانای همه دانشهای فلسفی و دینی در آنجا بدید که دانسته‌های وی با دانش پیشینان همانند نبود و میگفت که آنرا از شما فرا گرفته است و من گفتار او و سخن خودم را در خرده گیریها که از او کرده‌ام برای شما فرستادم وی میگوید که در جهان هستی یك (مردمی) جداگانه‌ای هست که گاهی به یخت این و گاهی بساخت آن درمیآید وخودبخود پایدار است و تنها ریختها و ساختهای آن دیگر گون میگردد ».

میدانیم که در این دفتر سخن از وجود کلی طبیعی میرود و خواجه همدانی مانا برأی افلاطون رفته است و شیخ که مشائی پیرو ارسطو است میخواهد آنرا نپذیرد و همدانی را نزد بغدادیان شرمنده سازد . اکنون ببینیم که خواجه همدانی کیست؟ میدانیم که شیخ در فصل ۱۲ مقاله ۱ فن ۱ منطق و فصل ۱ مقاله ٥ الهی شفا از بود کلی گفتگو کرده و در الهی شفا این شبهه و شك را بدستهٔ از فیلسوف منشان بسته است و از آنها چنین تعبیر نمود: «طائفة ممن یتشحط فی التفلسف» ولی کسی را نام نبرده مگر اینکه دانشمند احمد بن زین العابدین عاملی شاگرد و داماد میرداماد (م میان ١٠٥٤ و ١٠٦٠) در حاشیه خود بر شفا در همین جا میگوید . « وفیه کنایة الی ابی القاسم الکرمانی » . از سرگذشت کرمانی جز آنچه که در قفطی و ابن ابی‌اصیبعه آمده است این راهم در بیهقی ص۳۲ مینگریم که مردی دانشمند بوده و میان او و شیخ رئیس گفتگوئی شده و کار بستیزه و دشنام کشید و شیخ اورا گفت که بمنطق کم می‌پردازی و او بشیخ گفت

توهم فریب میخوری وهم فریب میدهی و این گفتگو را شیخ بوزیر امین ابی‌سعد همدانی نوشته است و روزی کرمانی بشیخ گفته استکه حق روشن است و انصاف از میان نرفت چرا سخنان دیگران را خوار میداری تا گفته‌های خود را ثابت سازی.

باز درمباحثات شیخ می‌بینیم که یکی ازپرسندگان همین کرمانی استو بازمیبینیم ده پرسش است که همین کرمانی از شیخ کرده و پاسخ گرفت و در مجموعهٔ آثار کیوان قزوینی در تهران بسال ۱۳۰۸ خورشیدی ص۱٦۲ — ۱۷۱ بچاپ رسید. نیز میدانیم که خرده گیریها که دانشمندان شیراز از «المختصر الاصغر فی المنطق» یا منطق نجات کرده‌اند نزد کرمانی فرستاده‌اند تا بشیخ برساند و پاسخ گیرد ودراینجا ابن ابی‌اصیبعه از گفته ابوعبید می‌نویسد که وی یار ابراهیم‌بن بابای دیلمی بوده و بعلم تناظر (یا بگفته قفطی. علم باطن) می‌پرداخت پس چنین بدست آمد که کرمانی با شیخ گفتگوها داشت وخرده گیریها از وی میکرد واگرسخن عاملی درست‌باشد همو است که این رای را داشته و سخنان او در نزد شیخ شگفت انگیز میآمد و شیخ دانشمندان‌بغداد را از گفته‌های وی که با آراء دانشمندان ناسازگار بوده‌است آگاه ساخت

آیا میشود که این مرد شیخ‌ابوالفرج باشد؟ فهرست‌نگاران و سرگذشت نویسان از دودانشمند یادمیکنند که درروزگارشیخ‌رئیس میزیستند وبنام‌ابوالفرج بوده اند یکی ابوالفرج‌بن ابی‌سعید یمامی که نزد شیخ میآمد و ازگفته‌های وی بهره‌مند میشد وشیخ بپرسشهای وی پاسخ میگفت و از پرسشها و پاسخهای ایندو بنام (تعلیقات) یادکرده‌اند و این ابوالفرج فرزند ابی‌سعید فضل پسر عیسی یمامی پزشکی‌دانشمند وفیلسوف‌بوده ومیان اوو‌شیخ رئیس‌درپزشکی وجز آن گفتگوها شده است. درباره او کسی نگفت که چنین رای را داشت. دیگرابوالفرج‌عبدالله‌بن الطیب ترسای بغدادی (م٤۳٥) که باشیخ گفتگوها داشت واورا آزارهاکرد. وی در ٤۰٦ پزشك بیمارستان عضدی‌بوده و ازوی پزشکی میآموختند وبر کتب‌ارسطو شرحها نوشت

ابوالفرج گفتاری درباره نیروهای طبیعی دارد که شیخ‌رئیس در برابر آن رسالهٔ بنام (ابطال حجج رسالة ابی‌الفرج بن‌الطیب) نوشته و درباره او گفته است، «انه قدکان‌یقع علینا کتب یعملها ابوالفرج بن الطیب ادام الله عزه فی‌الطب و نجدها صحیحة مرضیة خلاف تصانیفه التی فی‌المنطق والطبیعیات ومایجری‌معها». شیخ پزشکی اورا می‌پسندد ولی از نگارشهای منطقی و طبیعی او نکوهش میکند. باز شیخ درباره نگارشهای او در (مباحث) میگوید که سزاواراست آنها را بفروشنده آنها بر گرداند.[1] رساله‌اقوای‌طبیعی ابوالفرج و رد شیخ هردو در همین کتابخانه دردفترشماره ١٠٧٤ هست. ابوالفرج رسالهٔ درعقل دارد که در دفتر شماره ٢٥٣ این کتابخانه هست واین عبارت در آن دیده میشود: «فاذا وصلت‌الیه (العقل) الحواس صورالاشخاص من‌خارج بتوسط القوة‌المتخیلة یسمی عقلا بالفعل منطبع بالاشخاص فاذا فصل‌العقل تلك‌الصور و استخرج الکلی‌فیها تسمی قوة ممیزة» و پیداستکه وی درست رای مشائیان دارد و کلی‌را گرفته ازصورتهای‌محسوس‌میداند نه موجود جداگانه درخارج، پس نمیتوان گفت که شیخ دراین نامه ابوالفرج‌بن الطیب را میخواهد رد کند.

این نکته را نیز باید گفت که شیخ دراین نامه که بدانشمندان‌بغدادنوشت نمیگوید که آن دانشمند همدانی بوده وهمین اندازه میگوید که او را در همدان دیده است پس از این رهگذر اشکالی نیست که آن دانشمند کرمانی یا بغدادی باشد ولی باید جستجوی بیشتری کرد دید که چه کسی در آن روزگار چنین رای شگفت‌انگیز را داشته بود. گرچه عاملی دراینکه او را ابوالقاسم‌کرمانی دانست سندی نشان نداد ولی تا مدرك دیگری بدست نیاید سخن اوارزشی خواهدداشت

اکنون باید دید که‌جنگ وستیز ایندو برسرچیست؟ ازاین‌رساله‌پیداستکه همه‌گفتگوهای شیخ ومرد همدانی دربارهٔ بودکلی طبیعی برروی این نکته‌استکه

١ـ دیده‌شود بیهقی ص٢٧ـ٢٨ـ١٨٩ وابن ابی‌اصیبعه‌ج١ ص ٢٣٩-٢٤٠ وج٢ ص٢٠ و شهر زوری درتاریخ حکمانسخه شماره ٨٥٦ این کتابخانه برك ١٢٥ الف‌وترجمه آن بشماره ٤٢٧ برك ١٧٢ الف و قنواتی شماره ١٤٥ و طریحی ص ١٠٧ و ١١٦ و غنی ص ٨٣

آیا میشود یك چیز درچندجا باشد و بچندگونه درآید شیخ میگوید چنین چیزی نمیشود و پس‌ازشیخ هم‌حاشیه‌نگاران و شارحان و دانشمندان دودسته‌شدند برخی مانند محقق خوانساری درحاشیه الهی شفا درهمین مسئله میگوید: «آنچه راکه بتوان شمرد ویکی دانست درچندجانخواهد بود وبچندگونه درنخواهدآمد ولی چیزی‌که مانند (مردمی) شمردنی نباشد و درمعنی یکی‌باشد میتواند در چند فرد پیدا شود» بازمیگوید: «شیخ نتوانست اشکال را پاسخ‌گوید وگـره مطلب را بگشاید وی نتوانست درباره‌کلی طبیعی بررسی‌کند وسخنانش پیوستگی ندارد وخود درشك است» و پیرزاده محمدرفیع شاگرد مولانا رجبعلی در (المعارف ـ الالهیه) میگوید: «کلی درجزئیات هست وطبیعت متکثر میتواند درچندجای‌باشد و چندین صفت ناسازگارپذیرد»

دانشمند ابوالحسن تنکابنی در(البضاعةالمزجیة) گوید: «کلی‌موجودواحد نوعی است ومیتواند درچندجا باشد وچندصفت پذیرد».

دسته دوم‌کسانی هستندکه‌کلی راموجود خارجی نمیدانند و روا نمیدارند که یکچیز دردوجا باشد یا دوصفت‌ناسازگارپذیرد وازآنها است ابن‌رشد اندلسی که درکتاب (مابعدالطبیعه) چاپ دکن بسال ۱۳۶۵ ص ۵۵ ـ ۶۰ و در (تفسیر مابعدالطبیعه) چاپ بیروت بسال ۱۹۴۲ جلد۲ ص ۹۷۶ ـ ۹۸۲ دراین‌باره گفتگو نمود.

بازمحقق سبزواری و دیگرانند‌که بود یك‌چیز را درچندجا ودرآمدن آن بچند صفت را محال میدانند. خود شیخ در دانشنامه چنین میگوید. «تا قومی پنداشته‌اندکه یکی نفس است، که وی بعینه اندر زید واندرعمرو است... و اما نشایدکه بیرون‌نفس ووهم‌واندیشه یکی‌مردمی بعینه بود یایکی سیاهی بعینه‌ووی اندرهرچیزی ازمردمان و ازسیاهان موجود بود»

باز درنجات این عبارت دیده میشود: «انسانیه‌فی‌الوجود وهی‌بعینهامحمولة علی‌کل واحد .... فهذا غیرموجود ....»

بهمنیار آذربایگانی درتحصیل میگوید: «کلی در ذهن است و بس وگرنه

می‌باید یك فرد هم دانا وهم نادان باشد».

سبزواری درحاشیه‌الهی‌شفا به‌پیروی ازشیخ‌این‌امررا محال میداندوسخنان خوانساری را رد میکند و درچندجا باین نامه شیخ و مخالف او اشاره میکند و میگوید «ومذهب‌الشیخ انه لیست انسانیة واحدة موجودة یعرض له خصوصیات ـ ٥ الاشخاص ویزول مع بقائها بحالها کماهورای بعض معاصریه وقد ذکرذلك‌فی‌مواضع وفصله فی‌رسالة انفدها الی دار السلام»ـ «هذا رد علی من‌زعم‌ان‌انسانیة‌زیدوانسانیة عمرومعنی واحد . ... کماهورای جماعة کبعض معاصریه وغیرهم» ـ « و نقل‌الشیخ عن بعض معاصریه ان فی‌الوجود انسانیة واحدة ...» دراین‌جا اندکی‌ازعبارت‌همین نامه را میآورد وپیداستکه سبزواری نامه‌شیخ‌را دردست داشت ولی‌هیچ‌نمیگوید ١٠ که آن مرد کیست

در رساله (وجود واجب) شماره ٨٤٩ همین کتابخانه (برگ ٦—٧) عبارتی ازخواجه‌طوسی دیده میشود که‌در پاسخ قونوی گفته است ودرپرسش‌وپاسخ آندوکه درهمین کتابخانه هست (شماره ١٠٢٢ برگ ١٦٦ الف، پاسخ‌وپرسش ٣) آنرا می‌بینیم وخلاصه آن اینست : « معین برچندتاگفته نمیشود زیرا اگر درهمه ١٥ باشد پس یکی‌نیست بلکه چند تا است ... بلکه اشتراك کلی بحمل است و آنهم عقلی‌است» باز درهمانجا ازشرح مفتاح‌الغیب شمس‌الدین فناری سخنی میآورد که خواجه را رد میکند ومیگوید : «یك چیزمیتواند چندصفت‌پذیرد. کلی رابا جزئی و دیده را با نادیده نباید سنجید و حقیقتهای همانند می‌توانند یک هستی داشته باشند» مانند این عبارت درشرح مفتاح‌الغیب چاپ تهران بسال ١٣٢٣ ص ١٨٤ ٢٠ دیده میشود

فیلسوف شیرازی درحاشیه شفا چنین می‌نگارد : « کمازعمه بعض‌معاصریه ان‌المهیة من‌حیث هی‌واحدة فی‌الخارج قدعرض لها جمیع‌التشخصات الخارجیة ... حتی‌انسانیة زیدبعینها انسانیة عمرو» باز از پیشینیان ابوالعباس لوکری فیلسوف خراسان‌دربیان‌الحق‌بضمان‌الصدق همان گفته‌های شیخ وبهمنیار رامیاوردو پذیرفتن ٢٥ یك‌چیزچندین عرض را محال میداند از دانشمندان اخیرفرزانه سبزواری است که

که درمنطق شرح منظومه چنین می‌نویسد :

« وقدصادف‌الشیخ فی‌مدینة همدان رجلا من‌العلماکبیرالسن غریزالمحاسن یقول ان‌الطبیعی موجودبوجود واحدعددی فی‌ضمن افراده » [۱]

نگارنده (المثل‌العقلیة‌الافلاطونیة) که پس‌ازمرگ عبدالرزاق کاشی م ۷۳٦ وگویا پیش‌از ۷٤۰ نگارش یافته باشد در راه سوم برای اثبات مثل گفتار ابن‌سینارا درمقاله ۵ فصل الهی شفا (ص۷ — ٤۸٦) میآورد و در برابر گفتهٔ او، « قدوقع منه‌الشبهة فی‌زماننا هذاالطائفة ممن‌یتشحط فی‌التفلسف »چنین‌میگوید: «وهذاالوجه لبعض‌معاصری‌الشیخ اورد علی‌سبیل‌القدح فی‌الحکمة لاعلی انه مثبت‌لوجود المثل وهودال علی‌وجودها» میگوید که‌این‌مردازطرفداران مثل‌افلاطونی نیست ولی‌سخن اوآنرااثابت میکند. گویا نگارنده این کتاب نامه شیخ‌را ندیده‌وهمین اندازه‌استکه وی دردلیل دوم برای‌نبودن مثل بمبنای سخنان شیخ و مرد همدانی اشاره میکند ومیگوید : «ان‌الشئی‌الواحد وحدة عقلیه یجوزان یکون موصوفا بالصفات‌المتقابله معا » [۲]

ازآنچه تاکنون گفته شد آشکارمیگردد که این نامه‌چنانکه‌محقق‌سبزواری وحکیم سبزواری نشان‌داده‌اند ازپورسیناست واوهم بسیاربدین‌مطلب ارج می‌نهاد چنانکه درفصل ۱ مقاله ۵ و فصل ۲ مقاله ۷ الهی شفا بدان پرداخته‌استومیرساند که‌سخن مردهمدانی در گروهی‌اثر کرده بودوشیخ‌میخواسته بطلان آنراهویداسازد

---

۱ — دیده شود الهی‌شفا چاپ تهران مقاله ۵فصل۱ ص ۷—٤۸٦ ونجات الهی‌مقاله ۱ فصل تحقیق کلی و تحصیل بهمنیار کتاب ۲ مقاله ۳ فصل کلی وجزئی و بیان‌الحق لوکری شماره ۲۵۰ این کتابخانه برك ۱۸٦تا۱۸۸ (فصل ۲۵ مابعدالطبیعه) و دانشنامهٔ علائی‌آغاز علم برین دانستن کلی وجزئی و حاشیه شیرازی چاپ‌تهران ض ۱۸۸ حاشیه خوانساری‌شماره ۲٦٤ برك ۱۲٤ ب و۱۱۸ و۱۱۹ و حاشیه سبزواری شماره ۲٤۳ برگهای ۱۱۳ تا ۱۲٤ و شرح منظومه چاپ تهران ۱۲۹۸ ص ۲۲ والمعارف‌الالهیه شماره ۲۹۰ برك۹٦—۱۰۲ و شرح وترجمه فارسی سپاهانی برشفا مقاله ۵ فصل ۱ شماره ۲۵۱ برك ۱۸۲ ب از این کتابخانه

1 — دیده شود : المثل‌العقلیه‌الافلاطونیة چاپ بدوی در مصر بسال۱۹٤۷؛ ص ٤۳ دیباچه وص۲۹و۵۰

و بدانشمندان بغداد می‌نویسد . که این مرد این رای شگفت‌انگیز را از شما میداند
و در این نامه و همچنین در شفا و در دیگر کتابها دلائل او را میآورد و رد میکند
این هم گفته شود که پایه سخنان شیخ و ابن‌رشد در این زمینه از خود ارسطو
است و این فیلسوف در دفتر ۷ (Z) الهی فصل ۱۳ و ۱٤ از کلی و مثال گفتگو نمود
و در بند ۱۰۳۹ ب فصل ۱٤ گفته است :   ٥

«اگر ذات حیوان در دوپا و چند پا باشد محال خواهد بود زیرا که صفتهای
متضاد در یك زمان و در یك جوهر و در یك شخص فراهم خواهند آمد[۱]

اینك آغاز و انجام رساله را میآوریم

آغاز: سلام الله علی مشائخ العلم و الحکمة بمدینة السلام مد الله فی اعمارکم
و زاد فی الخیرات لدیکم... ان رجلا من اهل بخارا احب الفلسفة ... حتی بلغ مدینة   ۱۰
همدان فصادف بها شیخا کبیرا غریزا بمحاسن وافر العلوم

انجام : فهذه صورة المسئلة التی جرت (بینی) و بین هذا الشیخ فی مذهب
نفسه . مقالة انفذت الی مدینة السلام فی یوم الجمعه . و الحمد لواهب العقل و الحیوة

[۳۲]

۳٦۷ این نسخه شماره سومی دفتری است که دارای ٤ رساله میباشد و از روی   ۱٥
دو نسخه‌ای که در دو مجموعه شماره ۱۲۱٦ (برگ ۱۱۲ الف تا برگ ۱۱٤ ب)
و شماره ۲۹۱۲ (برگ ۲٦۸ تا برگ ۲٦۹) مدرسه عالی سپهسالار تهران
هست رونویس شده و باهر دو برابر گردید و بجز این دو نسخه در تهران کسی نسخه دیگر
نشان نداده و قنواتی در فهرست خود هم نامی از این نبرد

این نسخه بخط نسخ تازه و ۲٦ صفحه میباشد   ۲۰
(همه دفتر ۱۱۷ ص) ــ کاغذ فرنگی ــ جلد مقوا
اندازه ص ۱۰×۱۷ و ۹×۱۲ س ۷

[۲۹] رساله فی تحقیق الکلیات (عربی)

از قطب رازی فیلسوف و منطقی نامور ایرانی که در این دفتر از قواعد مربوط
بکلیات پنجگانه منطق گفتگو میکند و در پنج فصل است و در هر فصلی یك قاعده   ۲٥

۱ــ دیده شود ترجمه فرانسوی الهی ارسطو از تریکو ج ۱ ص ۲۹٦ و تفسیر ما بعد الطبعه
ابن رشد ج ۲ ص ۹۸۸ ترجمه عربی در اینجا مانند دیگر جاها بسیار نارسا میباشد و آمیختگی دارد

میباشد و پس از این فصلها یك خاتمه دارد در رد سه شبهه آنگاه یك وصیت است و رساله بپایان میرسد و این رساله درهامش شرح مطالع رازی در ایران درچاپخانه سیداسدالله بوسیله محمدرحیم بن حاج محمدباقرخوانساری در ۱۳۱۵ بچاپ رسیده و آغاز وانجام چاپی ونسخه خطی ما نزدیك بهم است و درنسخه ما عنوان فصل ندارد وتنها همان (القاعدةالاولی ... والثانیه ...) آورده شده است ۵

[۳٤]

۲۷۷ این نسخه بخط نسخ ازهمان عبدالواحد سیواسی نویسنده نسخه محاکمات قطب رازی است ومحاکمات شماره یکم واین رساله شماره دوم این مجموعه میباشد و ازبرك ۲۲٦ الف تا برك ۱۲۸ ب است وبرك آخرین آن از بالا وصالی شده وچندسطری خوانده نمیشود ومحمدبن سدیدالدین اسنوی دمشقی درپایان مینویسد که این رساله استاد (ادام‌الله ایامه) را هم درپایان ع۲ سال ۷٦٤ مقابله نمودم ۱۰

نشانه‌های نسخه درزیرعنوان محاکمات خواهدآمد

[۳۵]

۸۵٤ این نسخه شماره دوم دفتری است که شرح منازل‌السائرین نیز درآن هست وازبرك ٤۲ تا برك ٤٦ ب این دفتر که بخط تعلیق ریزدرمدرسه سلطانیه سمرقند درپنجشنبه ۲۰ شوال ۸۱۳ نوشته شده است ۱۵

(۳۰۳ برك) ــ کاغذ ترمهٔ سمرقندی جلد تیماج زرد مقوائی

اندازه ۱۳×۱۷ و ۱۰×۱۳ س ۲۱

[۳۰] رسالة فی حل شبهة جذر الاصم (عربی)

پیش از این درشرح (حیرة‌الفضلاء) خفری گفته‌ایم که شبهه‌هائی درمیان دانشمندان مگارا رواج داشته و ارسطو بگشودن برخی از آنها پرداخته‌است. در کتاب مغالطه ارغنون و درفن مغالطه شفا که گزیده از آن است پاسخ برخی از آنها و نیز شبهه‌های پارمنیدس و زنون و پروتاگوراس را می‌نگریم فارابی در (اوسط) بویژه در(مغالطه) بسیاری از اینهارا آورده و گره‌گشائی کرد. درباره شبهه(دروغگو) ۲۵ که ازمگارا آمده است فارابی درشرح فن قیاس ارغنون ارسطو از این شبهه یاد

میکند و بدین‌عبارت آنرا میآورد : (کل ماتکلم به فهو باطل) 1

این رساله نیز درگشودن این شبهه است و ازمحمدسراب پسرعبدالفتاح تنکابنی است . وی ازفیلسوفان بوده و درسالهای ۱۰۸۸ و ۱۱۰۶ میزیسته و این رساله را در میانه ماه جمادی یکم سال ۱۰۹۷ نوشته است . وی دراین رساله از ٥ نقدالتنزیل خواجه‌طوسی میآورد که در آنجا گفته :

دراین قضیه (کل کلامی کاذب . هرچه میگویم دروغ است) خبر با مخبر عنه دوتا نیستند تا احتمال راست ودروغ در آن برود . باز مینویسد که ابن کمونه دراینجا گفته است که : احتمال حکم براست یا دروغ بودن با این ناسازگار نیست که قضیه خودبخود نه راست باشد نه دروغ و خود تنکابنی درگشودن این شبهه ١٠ چنین میگوید کـه خبرهای متداول یـا راست است یا دروغ و این قضیه و خبر استثنائی است

آغاز: الحمدلله رب‌العالمین . شبهة مشهودة بشبهة جذرالاصم تقریرها ان‌یقال اجتماع‌النقیضین واقع

انجام . قد عرفت ماقیه من ان‌مانع‌الاتصاف مانع‌الامکان ایضا هذاماتیسر ١٥ للعبد ... محمدبن‌عبدالفتاح‌التنکابنی فی‌حل هذه‌الشبهه حرره فی‌اواسط‌شهرجمادی الاولی من شهورسنة۱۰۶۷سبع وتسعین بعدالالف من حجرة خیرالبریةعلی‌هاجرها الف الف‌السلام‌والتحیه

[۳٦]

۸۸۸ این نسخه شماره ششم دفتری‌استکه دارای ۹ رساله است : اسطرلاب طوسی و آملی وهفت رساله ازهمین تنکابنی درفقه واصول وطبیعی والهی‌ومنطق . این رساله از برك ۹٦ ب تا ۹۹ الف میباشد و محمدبن حبیب گیلانی در ۱ ذی‌حجه۱۱۰۵درروز گارتنکابنی‌بخط‌تعلیق نوشته‌است وحاشیه (منه‌مدظله‌العالی)دارد. (همه دفتر ۱۸۷ برك) کاغذ فرنگی . جلد تیماج سرخ ضربی رک لا

٢٥ اندازه : ۱۴×۲۲ و ٦٫٥×۱۴٫٥ . س ۱۸ ٢٠ سط

۱ـدیده‌شود! نسخه شمارهٔ ۹٤۹ کتابخانه مجلس‌شورای‌ملی‌در تهران(بخشیده‌آقای طباطبائی) که‌شرح‌فن‌عبارت(برگ‌۱تا برگ‌۱۷۲)وشرح‌قیاس(برگ‌۱۷۳تا برگ۳۲۲)درآن هستو این شبهه در برگ ۲٤٦ آن آمده است

[۳۱] رساله وضعیه (عربی)

مسئله وضع الفاظ از روزگار باستان تاکنون مایه گفتگو و گیرودار فیلسوفان و ادیبان میباشد. نخستین بارد مکریتس یونانی گفته که لفظهارا مردم وضع میکنند وشاگردش هرموگنس وضع الفاظ را اختیاری دانست ولی کراتولس وضع آنها را ذاتی و توقیفی پنداشت. افلاطون کتابی درمسئله الفاظ بنام کراتولس نوشته ودر آن رأی آندو را نپذیرفت و ارسطوهم بوضع بشری قائل شده و در آغاز عبارت ازآن یادنمود و پیروان او نیز بدین رای بوده‌اند. این مسئله میان همه دانشمندان یونانی و اروپائی گفتگومیشده تااینکه امروزه در روانشناسی جائی برای خود باز نمود و کتابها در آن نوشته‌شد. دانشمندان خاوری ازفیلسوفان و ادیبان و اصولیان این بحث را از کتابهای افلاطون و ارسطو گرفته‌اند و برخی بپیروی از شاگـردان هراکلیتوس که میگفته‌اند خدایان لفظها را بمردم داده‌اند وضع الفاظ را خدائی دانستند و دستهٔ وضع را ذاتی پنداشته‌اند و بیشتر آنها وضع تخصیصی یا تخصصی گفته‌اند وسیوطی در(المزهر) از وضع حکائی **Onomatapé** نیزیاد نمود کـه امروزه زبان‌شناسان اروپامیگویند وبنابرآن الفاظ مردم در آغاز گرفته‌از آوازهای طبیعی و نمایش آنهاست. مسئله وضع درکتب اصولی امروز نیز دیده میشود و بهترین رسالهٔ که درباره وضع اسم وحرف و تقسیم الفاظ موضوع نوشته شده رساله ایست کوتاه ازقاضی عضدالدین ایجی که بسیارمعروف میباشد.

آغاز: هذه رسالة افادتهاالمولی الاعظم عضدالملة والدین ... حیث قال هذه فائدة مشتملة علی مقدمة و تنبیه وتقسیم. المقدمه: اللفظ قدیوضع لشخص بعینه

انجام. بعضهامکان بعض اذاالمعتبرالوضع

[۳۷]

۸۸۳ این نسخه رساله چهارم دفتری است که دارای شش رساله میباشد وبخط نسخ محمدعلی است که در ۱۳۰۰ این رساله را نوشت و از برك ۲۰ ب است تا برك ۲۶ ب وحواشی دارد بتعلیق شکسته و درپایان آنها رمز (س سره) نوشته شده وگویا از میرسید شریف باشد که حاشیه براین رساله نگاشت نشانه نسخه دنبال (آداب‌البحث) ایجی یاد گردید

[۳۲] شرح آداب‌البحث (عربی)

این شرح ازقاضی میرحسین‌بن‌معین‌الدین میبدی یزدی (م ۹۱۰) است که بر (آداب‌البحث) سمرقندی نگاشته است و دراین شرح ازبهشتی یاد میکند(برك ٤ الف) سمرقندی رساله خود را برای نجم‌الدین عبدالرحمن سمرقندی ساخت و ۵ چندتن بر آن شرح نوشتند.

۱ — قطب‌الدین گیلانی زنده در ۸۳۰ که‌شرح آمیخته‌وی درتاشکند بسال ۱۸۹٤ بچاپ رسید

۲ — کمال‌الدین مسعود شیروانی رومی‌شاگرد شاه فتح‌الله زنده در سده نهم که آنهم شرحی آمیخته نوشته است

۱۰ ۳ ـ فاضل علاءالدین ابی‌العلا محمدبن‌احمد بهشتی فخرخراسان‌شرحی به (قال واقول) بنام (مآرب) نوشته است

٤ ـ ابی‌حامد که شرح مبسوطی دارد

۵ ـ علامه شاسی که شرح آمیخته‌ای دارد

٦ ـ عبداللطیف‌بن‌المومن‌بن اسحاق‌بنام (کشف‌الابکار)

۱۵ ۷ ـ برهان‌الدین ابراهیم‌بن یوسف بلناری که شرحی به (قال و اقول) دارد [۱]

آغاز متن : المنةلواهب‌العقل

آغاز شرح : الحمدلله‌الذی جعلنا باحثین عن ذاته ناظرین فی‌صفاته.... یقول... حسین‌بن‌معین‌المیبدی ...ان‌اشرح‌الرسالةالمشهوره فی آداب‌البحث‌للمولی... ۲۰ شمس‌الدین‌السمرقندی

انجام متن : وان‌یکن‌یلزم‌العلیةوبهایحصل‌المقصودکمامر

انجام‌شرح : فی‌الشق‌الاول‌من‌الترديد و هذامثال ثالث لماذکرنافی‌التنبیه الاول‌ولله‌الحمداولا و آخرا وباطنا وظاهرا

۱ـ دیده‌شود کشف الظنون ـ معجم‌المطبوعات

[٣٨]

این نسخه بخط تعلیق و متن بشنگرف است و عبداله بن شمس الدین بن
نجم الدین درمحرم ۹٤٦ آنرا نوشته و درپایان چنین مینویسد : (منمع عن
نقلها سائلامعلل نقضه ملازمه سندا للازمه الیقین و معارضه مناقض الدین
عبداله بن شمس الدین بن نجم الدین اواسط محرم ۹٤٦) وزیرمهریکه زده شده عبارتی از
نویسنده هست که میرساندوی شیعی است و درست خوانده نمیشود

(۳۰ برك)کاغذ ترمه سمرقندی — جلد تیماج مشکی ساده
اندازه ۱۳×۱۹ و۷٫۵×۱۱ س ۱۷

[٣٣] شرح آداب البحث (عربی)

یکی ازنگارشهای معروف در (آداب بحث) رسالهای است از شمس الدین
محمدبن اشرف سمرقندی (م نزدیك ٦٠٠) نگارنده (قسطاس المیزان) و(صحائف)
که درسه فصل است

۱ ـ تعریفات ۲ـ ترتیب بحث ۳ـ مسائلی که خود در آن آورده
است . این رساله را شرحها است یکی همین است که گویا از کمال الدین مسعود
شیروانی رومی (سده ۹) باشد و شرحی است آمیخته با متن .

آغاز: الحمدلله رب العالمین ... قال ... شمس الملة والدین محمدالسمرقندی
المنة علینا من عدلواهب افضل النعم

انجام . کمافی الشق الاول من الترديدالمذكور والله اعلم بالصواب

[٣٩]

این نسخه شمارهٔ سوم دفتری استکه دارای هفت رساله است و از برك
۱٦ب است تا برك ۳٦ ب وبخط نسخ و درشهرامامیه درمدرسه چله خانه
در ۱۰۹۱ نوشته شده و روی متن خط کشیده است وحواشی دارد

(همه دفتر۱۱۳ برك)ـ کاغذ فرنگی ـ جلد تیماج مشکی ضربی
اندازه ۱۵٫۵×۲۱٫۵ و ۵٫۵×۱۴ س ۱۵

[٣٤] شرح آداب البحث (عربی)

قاضی عضدالدین عبدالرحمن ایجی (م ۷٥٦) متکلم نامور ایرانی در آداب

بحث رسالهٔ نگاشته که در شماره ۸۸۳ (۲) یاد گردید و مولانا محمد حنفی تبریزی مرده در بخارا نزدیك ۹۰۰ آنرا شرح نموده و در آن بحواشی میرسید شریف نگریسته است واین شرح آمیخته بامتن میباشد

آغاز: الحمدلله العظیم حمدا یلیق بذاته . الحمدلك جعل الله مخاطبا تنبیها علی القرب ٥

انجام: وبالجمله الفرق لیس علی ماینبغی ولنختم الکلام علی هذا القدر لئلا ینجر الی الملال اعلم ان الحواشی المنسوبة الی المحقق الشریف..لهذه الرسالة لما لاحظتها فی نسخ متعددة وجدت بعضها سقیما ولم یبق اعتماد علیها لم التزم نقلها بل قررت الکلام علی وجه لاحظته ووقع تقریرا تهاما وافقا لتقریره... وبعضها غیر موافق له، .... فان وجدته حقا فاتبعه والا فاصلحه فان الله لا یضیع اجر المحسنین ١٠

[٤٠]

۸۸۳ این نسخه شماره سوم دفتریست که دارای ٦ رساله میباشد و در برگهای ۱۰ الف تا ۲۰ ب و بخط نسخ محمدعلی است که در رمضان ۱۳۰۰ آنرا نوشت و حواشی دارد بخط تعلیق شکسته

نشانه نسخه دردنبال (آداب البحث) استرابادی و ایجی یادگردید

[۳۵] شرح آداب البحث (عربی)

این کتاب شرحی است بررساله (آداب البحث) و (حسینیه) نام دارد و نگارنده شرح و متن دانسته نشد . این شرح بامتن آمیخته است

آغاز: یامن وفقنا لوظائف البحث وکلمه یامشترکة بین الاحوال الثلث

٢٠ **انجام** : مع ان هذا اشنع وجوه الالزام وعلی الله التوکل والاعتصام

[٤١]

۸۸٥ این نسخه شماره چهارم دفتری است دارای هفت رساله و از برك ۳۹ب تا برك ۵۸ ب میباشد و بنسخ نوشته شده و مجدول بشنگرف است و روی متن خط سرخ کشیده وحواشی دارد . در پایان این نسخه نوشته شده : (تمت الحسینیه

فی‌سنهٔ احدی وستین و مأته والف فی‌رجب ۲۰) پس این نسخه در ۲۰ رجب ۱۱۶۱ نوشته شد

نشانه همه دفتر در دنبال شرح (آداب‌البحث) سمرقندی نوشته شد

[۳٦] شرح تهذیب‌المنطق (فارسی)

این شرحی است بر تهذیب المنطق تفتازانی (م ۷۹۲) که ملا عبدالرزاق‌بن ۵ علی‌بن حسین گیلانی لاهیجی (م۱۰۷۲) متکلم فیلسوف شیعی بفارسی نوشته است

آغاز: الحمدلله الملهم‌الصواب...فیقول ... عبدالرزاق‌بن علی‌بن‌الحسین اللاهیجی ... که این‌کلمه چنداست در شرح تهذیب‌المنطق

انجام . یعنی ذکرش مقاصد مناسبتی است از ذکرش درمقدمه . هذا آخر ما اردناایراده فی‌شرح هذاالمختصر والحمدلله الذی وفقنا للا تمام ... . برحمتک ۱۰ یا ارحم‌الراحمین

[٤٢]

۳۶۹ این نسخه بخط نسخ و روی متن خط سرخ کشیده شده و در ۱۰۹۹ عبدالواحدبن حاجی محمدامین شیرازی آنرا نوشت

(۸۷برك)- کاغذ ترمه سمرقندی — جلدتیماج سرخ ساده ۱۵
اندازه ۹×۱۹ و ٦×۱۲ س ۱۷

[۳۷] شرح تهذیب‌المنطق (فارسی)

شرحی است که مولوی عنایت‌الله هندی بر تهذیب‌المنطق سعدالدین مسعود هروی‌تفتازانی خراسانی (م ۷۹۲) نوشته است

آغاز: بك نقتی...الحمد، حمد درلغت وصفی است‌بجمیل اختیاری برجهت ۲۰ تعظیم و تبجیل نه بطرین سخریه و استهزاء

انجام . وهذا بالمقاصد اشبه یعنی آنچه مذکورشد درثامن از رؤس ثمانیه بمقاصد اشبه است واین ظاهرشد ازبیان مذکوره

[٤٣]

۳٦٥ این نسخه بخط تعلیق ومتن بشنگرف ودر نیمه روزیکشنبه بسال ۱۲۰۸ نوشته شده است وشرح از برك ۱ ب است تا برك ۷۷ پ و در برك ۱ الف چنین نوشته شده ، «شرح تهذیب المنطق مولوی میا عنایت اله هندی من متملکاتی

۵ واناالعبدالاقل بن مرحوم مبرور نجم الملة والدین القندرهای عبداله الشهیر بحاجی آخند» در برك ۷۷ ب دارد : «مالکه هبةالدین محمد اسمعیل ابن محمد عابد» در برك ۸۰ الـف عبارتی بی نقطه دارد که درست خوانده نشده و برخی از آن چنین است : «شرح تهذیب میا عنایت اله ازیاران ... محمدشفیع مدرس که در مسجد محموری درس ... حواشی ملا عبدالغفور...»

۱۰ دربرك ۷۹ ب از (مختصر کتاب النفس) منسوب بارسطو چندسطری نوشته شده و دراین کتابخانه چندین نسخه کامل ازآن هست

(۸۰ برك) — کاغذ ترمه سمرقندی — جلد مقوای آبی با حاشیه تیماج
اندازه ۱۳×۱۹٫۵ و ۷٫۵×۱۲٫۵ س۱۸

[۳۸] شرح شمسیه (عربی)

۱۵ سعدالدین تفتازانی (م ۷۹۲) بدرخواست دوستان شمسیه دبیران قزوینی را شرح نمود و درآن بشرح قطب رازی نگریسته آنچه را که می پنداشت رازی نگفته است آورد وی این شرح را در روزگار رازی نگاشته است

شرح تفتازانی درآستانه بسال ۱۳۱۲ چاپ سنگی شده (معجم المطبوعات ص ٦۳۷)

۲۰ [٤٤]

۲٦۱ مقاله ۱ این نسخه بنسخ وبا عنوانهای شنگرف است و عبداللطیف بن ابی عبداله محمدالقاضی آنرا نوشت ومقاله ۲ آن بخط تعلیق وحیدربن اسمعیل بن احمدالمختارالحسینی الحوروقی در روز چهارشنبه ششم رمضان سال ۹۲۷ آنرا نوشته است

۲۵ (۱۲۰ برك) — کاغذ ترمه سمرقندی ـ جلد تیماج سبز ساده
اندازه ۱۳×۱۸ و مقاله ۱ (۷٫۵×۱۲٫۵ س۱۹) ومقاله ۲ (۸×۱۲ س۱۷)

[۳۹] شرح کبری (فارسی)

میرسید شریف علی بن محمد گرگانی حنفی متکلم و فیلسوف عارف ادیب

ایرانی (م۸۱٦) که شاگرد قطب رازی و استاد دوانی بوده است کتابی بفارسی بنام کبری در منطق دارد که بارها درایران بچاپ رسید وطلاب مدارس قدیم در آغاز کار آنرا میخوانده ومیخوانند

عصام الدین[۱] ابراهیم بن محمد بن عربشاه اسفرائینی م ۹٤۳ دانشمند ادیب منطقی اشعری حنفی و شاگرد جامی شرحی بر کبرای گرگانی نوشته است ٥

آغاز: . . . شریعت او متحیرند و به متابعت او مستظهرند چنین گوید خادم کمین اهل دانش و یقین ابراهیم بن محمد بن عربشاه الاسفرائینی معروف بعصام الدین که این فوائدی است ... برفارسی منطق ... سید شریف

انجام: و گفته‌اند که این قسم مجرد احتمال عقلی است ومعلوم نیست که در اقیسه یافت شود والله تعالی اعلم والحمدلله رب العالمین علی الاتمام والوصول الی المرام ۱۰

[٤٥]

٤١٤ این نسخه بخط تعلیق شکسته و اندکی از آغاز را ندارد وشرحی است آمیخته با متن که روی آن خط سرخ کشیده شده ٥

(۹۸ برگ) ـ کاغذ فرنگی — جلد تیماج ساده متوالی

اندازه ۱۰×۱۵٫٥ و ٥×۱۱٫٥ س ۱۴

[٤٠] عبرة الفضلا فی حل شبهة جذر الاصم (عربی)

محقق خفری این رساله را در حل شبهه (دروغگو) که از نحله مگارا بدانشمندان خاوری رسید و بشبهه جذراصم مشهور گردید نوشت و بدان نام عبرة الفضلا داده است و دراین رساله بحل دوانی اشاره میکند ۲۰

آغاز: قداجاب الحضرة الجلالیة المحمدیة حلت افادته عن هذه الشبهة بان قول القائل کل کلامی فی هذا الساعة کاذب

انجام: فان صار هذا الجواب مقبولا عند العلماء صار حقیقا بان یسمی عبرة الفضلاء

[٤٦]

این رسالهٔ شماره ۱۱ دفتری استکه دارای ۵۱ رساله است و بخط شکسته
۱۰۳۵ تعلیق ریز میباشد و با عنوانهای شنگرف و از ص ۱۱۰ تا ص۱۱۱ نشانه‌های
نسخه در (بخش ۱ این فهرست) یادگردید

[٤١] فصول یضطر الیها عند الشروع فی المنطق (عربی)

این رساله را فارابی در ۵ فصل نگاشته و اندکی از مطالب منطقی که پیش
ازپرداختن بآن هنرشایسته است بدانند در آن آورد درفصل ۱ میگوید درهر هنری
باید بزبان همان هنر گفتگو نمود و در ۲ مبادی قیاس را برشمرد و در ۳ آشکار
ساخت که دوچیز بچند گونه میشود با هم بپیوندند و در ٤ اقسام تقدم را آورد و
۱۰ در ۵ که از همه فصلها درازتر است لفظ مفرد و مرکب و اسم و کلمه وادات را
شناساند

متن عربی این رساله بخط عبری در پاریس بشماره ۳۰۳ هست و سه
ترجمه عبری دارد ۱ـ ازموسی بن لاذخیس یهودی ۲ـ ازصموئیل بن طبون ۳ـ از
شالوم بن ایوب

آغاز. فصول یشتمل علی جمیع مایضطر الی معرفته من اراد الشروع فی صناعة
۱۵ المنطق من کلام المعلم الثانی ... الفارابی . قال هذه المقالة یشتمل علی خمسة فصول
انجام . فالقول الاول هو حد الحائط والثانی رسمه و کذلك الامر فی سائر
الاشیاء

[٤٧]

این نسخه دردفتری است که چندین نگارش فلسفی و منطقی فارابی در آن
۲٤۰ نوشته شده واز برك ۱۰۷ ب تا برك ۱۱۰ الف و بخط نسخ خوش میباشد .
نشانه‌های نسخه دردنبال (الاوسط) یادگردید

[٤٢] الفوائد الفناریة (شرح ایساغوجی) (عربی)

فرفوریوس صوری (۲۳۲ یا ۲۳۳ـ۳۰٤ م) رساله‌ای بنام ایساغوجی که

که دیباچه‌ای است بر ارغنون ارسطو نوشته و در آن از پنج کلی گفتگو نموده دانشمندان خاوری آنرا یکی از دفترهای ارغنون بشمار آورده و در آغاز کتابهای منطقی آنها مباحث فرفوریوس دیده میشود و ابی العباس احمد بن محمد بن مروان سرخسی کشته در ۲۸٦ و موفق الدین عبداللطیف بن یوسف بغدادی کتاب ایساغوجی نوشتند اثیر الدین ابهری رومی (م ٦٦٠) شاگرد فخر رازی که در روزگار زین الدین کشی و قطب الدین مصری خراسانی و افضل الدین خونجی مصری و شمس الدین خسروشاهی دمشقی میزیسته است و از فیلسوفان ایران بشمار است رساله دارد در منطق بروش متاخران که همهٔ بابهای این علم را در آن آورده و بدان نام (ایساغوجی) داده است و این رساله را دانشمندانی چند شرح کرده‌اند:

۱ — حسام الدین حسن کاتی (م ۷٦۰) به (قال و اقول) که نسخهٔ از آن در کتابخانه مجلس بشماره ۱۲۰۷ (ج ۲ فهرست ص ٦٦٦) و در کتابخانه آستانه طوس بشماره ۱۳۳ (ج ۱ فهرست فصل ۲ در منطق ص ۳۸) هست

۲ — شریف نورالدین علی بن ابراهیم شیرازی شاگرد میرسید شریف گرگانی (م ۸٦۲)

۳ — شیخ زکریا بن محمد انصاری قاهری م ۹۱۰

٤ — حکیم شاه محمد بن مبارك قزوینی م ۹٦٦

٥ — مصلح الدین مصطفی بن شعبان سروری م ۹٦۹

٦ — فاضل عبداللطیف عجمی که برای علاءالدین کیقباد نوشته است

۷ — شیخ شهاب الدین ابی العباس احمد بن محمد آمدی (شرحی است آمیخته و مبسوط)

۸ — خیرالدین تبلیسی به (قال و اقول)

۹ — عمادالدین یحیی بن علی فارسی که نسخهٔ از شرح وی بشماره ۱۳۸ در کتابخانه آستانه طوس (ج ۱ فهرست فصل منطق ص ۳۹) هست

۱۰ — خیرالدین خضر بن عمر عطوفی

۱۱ — محمد بن ابراهیم حنبلی حلبی

نورالدین علی‌بن‌محمد اشمونی م ۹۰۰ ایساغوجی ابهری را بنظم در آورد و عبدالرحمن بن سیدی محمد و شیخ ابراهیم شبستری م ۹۲۰ نیز آنرا بنظم در آورده، سپس آنرا شرح کردند[۱]

شمس‌الدین محمدبن حمزه فناری (۷۵۱ ـ ۸۳٤) حکیم عارف و دانای علوم نقلی و از نزدیکان و شناختگان سلطان بایزید و نویسنده مصباح‌القدس در شرح مفتاح‌الانس قونوی نیز شرحی بر ایساغوجی ابهری نوشت و آن شرحی است دقیق که در یکروز آنرا بپایان رساند. نسخهٔ ازاین شرح در آستانه طوس بشماره ۱۳۷ ج ۱ فهرست فصل منطق ص ۳۹) هست این شرح را در کشور عثمانی میخواندند و حاشیه‌ها و شرحها بر آن نوشتند و در آستانه بسال ۱۲٦۸ و ۱۳۰۹ بچاپ رسید و متن ابهری در رم با ترجمه لاتینی بسال ١٦٢٥ م و در هند بسال ۱۲٦۸ و در مصر هفت بار از ۱۲۷۳ تا ۱۳۲۳ بچاپ رسید وخود ابهری هم براین کتاب شرحی نوشته به (قال و اقول) که در کانپور بسال ۱۲۹۳ و در لکناو بسال ۱۸٤۰ م و چندبار دیگر در هند چاپ شده است

[٤٨]

۳۰۳ این نسخه از شرح فناری شماره ۱ دفتری استکه دارای ٤ رساله استو از برگ ۱ ب تا برگ ۲۱ الف و بخط تعلیق و در ۱۰۲۵ ادهم بن قاضی بیك هرآبادی خلخالی آنرا نوشت

(همه دفتر ۹۱ برك) ـ کاغذ ترمه سپاهانی ـ جلد تیماج ضربی دِر یک‌روی

اندازه : ۱۱×۵ر۱۹ و ۵×۵ر۱۳ س ۱۹ [illegible] تعمیر شده است

[٤٣] المختصر الصغیر فی المنطق علی طریقة المتکلمین (عربی)

ابن ابی‌اصیبعه درعیون‌الانباء (ج ص ۱۳٤ س ۱۹) درفهرست نگارشهای فارابی ازاین (مختصر) یاد میکند. فارابی این رساله را برای اینکه برساند منطق با دین سازگار است نوشت و در دیباچه میگوید: ناگزیر نیستیم برای دریافتن سخنان ارسطو بمثالهای یونانی که او در نگارشهای خود آورد بنگریم بلکه قواعدی را که او آورده است با مثالهای فقیهان و متکلمان میتوان فراگرفت. پیش از فارابی محمد

۱ ـــ دیده شود: کشف‌الظنون

زکریای رازی فیلسوف پزشك ایرانی (٢٥١-٣١٣) همین کار را کرده و رساله‌ای بنام (فی المنطق بالفاظ المتکلمین) نوشته است و این کار را فلاسفه از ترس دشمنان فلسفه میکرده‌اند. چنانکه فارابی رساله دیگری بنام (کلام جمعه من اقاویل النبی یشیر الی صناعة المنطق) نوشته است این رساله فارابی در ده گفتار است : ١—قضایا ٢—تقابل قضایا ٣—مبادی ٤—قیاس جزمی ٥ـ قیاس شرطی ٦—خلف ٧ـ قیاس مرکب ٨ـ استقراء ٩ـ تمثیل ١٠ـ قیاس فقهی ـ فارابی در پایان گفتار ٥ از (الاوسط) خود یاد میکند و در آغاز گفتار ١٠ از فصل ٢٣ کتاب ٢ قیاس ارغنون ارسطو عبارتی میآورد ٥

آغاز : الف ـ القول الاول فی القضایا علی الاطلاق ... کتاب... الفارابی الذی خرج فیه ادلة المتکلمین و عبارات الفقهاء الی القیاسات المنطقیه علی مذاهب القدماء قال ابو نصر نبین اولا کیف القیاس ١٠

انجام : فقد ظهر کیف یرجع... المقائیس الفقهیة الی مقائیس الاشکال الجزمیه فهذا منتهی غرضنا ... ولیکن هذا الموضع آخر کتابنا

[٤٩]

٢٤٥ این نسخه در دفتری استکه چندین نگارش فلسفی و منطقی فارابی در آن هست و بخط نسخ وار برگ ١١٠ ب تا برگ ١٢٢ الف میباشد. نشانه آن دردنبال (الاوسط) یادگردید

(٤٤) مقولات عشر (فارسی)

ازخواجه طوسی است و همان نه فصل مقاله دوم اساس الاقتباس میباشد که درتهران بسال ١٣٢٦ خورشیدی بچاپ رسید (ص٣٤—٥٩) ٢٠

[٥٠]

١٠٨٨ این نسخه شماره (١) دفتری استکه دارای ١٥ رساله و چندین گفتار میباشد و از برك ٦٣ب تا برك ٧٥ الف و بخط تعلیق وعنوانها نسخ است ومحمدعلی بن محمدیوسف آنرا نوشت و نام وی در پایان رساله شماره ٣ یادگردید ٢٥

(همه دفتر ٩٥ برك) - کاغذ فرنگی - جلد تیماج سبز یك‌لا
اندازه . ٥ر١١×٥ر١٦ و ٨×٥ر١٣ س١٥

گفتار دوم

فلسفهٔ الهی و طبیعی

[٤٥] الابانة عن وحدانية الله (عربی)

این رساله ازابویوسف یعقوب بن اسحق کندی بغدادی (۱۸۸ـ۲۵۸ھ=۸۳۷م)[۱] است این فیلسوف خاوری را تازی پنداشتند و فیلسوف عرب نامیدند ولی باینگونه نسب‌ها درسدهای نخستین اسلام چندان وثوقی نیست زیراخوی برخی از فرمانروایان تازی این بود که مردم را برده میگرفتند و نام خاندان خود را بنام نسب و لائی به بردگان خویش میدادند و در کتب رجال شیعی و سنی اینگونه نسب ولائی بسیار دیده میشود بویژه آنکه برخی کندی را یهودی و برخی نصرانی نومسلمان خواندند[۱] . آنچه درست میدانیم اینستکه وی در بصره بزرگ گشته و در بغداد پرورده شد وازفرهنك ایران ویونانی آن دوشهر بر گرفت وی با دربارمأمون (۱۹۸ـ۲۱۸)ومعتصم (۲۱۸ـ۲۲۷) واحمدبن معتصم ومتوکل (۲۳۲ـ۲۴۷)شد آمد داشت ومیان او و ابی‌معشر بلخی (م۲۷۲) دشمنی بود و محمدبن موسی بن شاکر خوارزمی ستاره‌شناسی نیز باوی دشمنی داشت. این فیلسوف خاوری نگـارشهای بسیاری داردکه برخی ازآنها یافت میشود و چندتائی بچاپ رسید از آنها است همین رساله که محمد هادی ابوریده با سیزده رساله دیگر او درمصر بسال ۱۹۵۰ بچاپ رساند و سر گذشت اورا هم در دیباچه آورد واین رساله درص۲۰۱ تاص ۲۰۷ این چاپ دیده میشود . درآغاز این رساله درنسخه چاپی ازعلی‌بن جهم یاد شده است وی همان علی‌بن جهم‌بن بدربن جهم خراسانی شاعر دربارمتوکل۲۳۲ـ۲۴۷) است که‌در۲۴۹ بمرد و دوست ابوتمام بوده است ولی درنسخه مامحمدبن جهم یاد شد . کندی در این رساله بدلیل تطبیق تناهی جسم را ثابت میکند، سپس

۱ــ چنانکه جاحظ را نیز تازی پنداشتند ولی سید مرتضی علم‌الهدی (۳۵۵ـ ٤۳٦) در امالی (ج۱ ص ۱۳۸ چاپ $\frac{۱۹۰۷}{۱۳۲۵}$ مصر) از وی چنین نام میبرد :

«جاحظ ابوعثمان عمرو بن بحربن محبوب مولی لابی‌القلمس عمرو بن قلع‌الکنانی ثم‌الفقیمی» واز گفته اسفرائینی(م۴۷۱) درالتبصیر فی‌الدین (ص ۵۰ چاپ مصر $\frac{۱۹٤۰}{۱۳۵۹}$ پیداست که کعبی معتزلی بلخی (م ۳۱۷) او را از نژاد تازی پنداشت و از دودمان کنانه ولی خود اسفرائینی این رانمی‌پذیرد . نام نیای وی «محبوب» هم مانند کلمات «سهل» و«سعید» وجزاینها از نامهائی است که ببردگان میسازد

زمان را متناهی نشان میدهد و ازحدوث جهانی پی بآفریننده میبرد وی این رساله را برای پسر جهم نوشت. نسخه ما با نسخه چاپ شده اندکی فرق دارد. اینک آغاز وانجام رساله چنانکه درنسخه ما هست:

آغاز: رساله یعقوب بن اسحق الکندی الی محمد بن الجهم فی الابانة عن وحدانية الله جل ثناؤه و عن تناهی جرم الکل وانه لایمکن ان یکون شئی بالفعل لانهایة له... فهمت ماسئلت من وضع ماکنت سمعتنی اوضحه بالقول من وحدانیة الله

انجام: واقتنها لحیوة نفسك الزکیة واصبر نفسك علی اقتفاء آثارها الخفیة تقض بك الی سعة اقطار المعرفة والله اعلم

[۵۱]

۴۳۲ این نسخه رساله دوم دفتری استکه دارای چهار رساله میباشد و بخط تعلیق و نونویس است واین رساله ۸ صفحه میباشد

(همه دفتر ۹۲ برك) وبا شماره ۴۳۴ یکجا تازه جلد شده — کاغذ فرنگی — جلد تیماج زرد ساده متوالی

اندازه: ۱۷×۲۱٫۵ و ۱۲×۱٦ س ۹

[٤٦] **ابطال تسلسل** (عربی)

این رساله ازنگارنده «قصص العلماء» ملامحمد تنکابنی (م۱۳۰۲) است و در آن ازشبهه «دروغگو» که بنام جذراصم» مشهورشده است پاسخ میگوید و ازروی تعریف خبر باحتمال صدق وکذب تسلسل عالم و قدم آنرا باطل میسازد و حدوث آنرا ثابت میکند

آغاز: الحمدلله ... قال بعض الفضلا اعلم ان امتیاز الخبر عن نظائره من الکلام انما هو باحتمال الصدق والکذب

درهامش داردکه این فاضل اقارضی قزوینی است

انجام: وقد عرفت مافیه وظهر بماذکرته مافی قوله فظهر بما قررنا الخ

[۵۲]

۱۳٦ این نسخه شماره سوم دفتری استکه دارای سه رساله میباشد:

۱ ـ معارج دراصول فقه ازمحقق حلی (۱ ب ـ۵۲ الف)

۲ ـ تخلف ازسپاهیان اسامه (۵۳ـ۱۰۱ ب)

۳ ـ این رساله که از برگ ۱۰۲ الف تا برگ ۱۰۵ الف میباشد و بخط تعلیق است وهمه رسالهها بیك خط میباشند و در برك ۱ الف نوشته شده که این دفتر را محمدابراهیم بن محمدمعصوم حسینی برای خود نویساند وبسفارش سید مهدبن سیدابراهیم حسینی قزوینی بردانشجویان دینی در ج ۲ سال ۱۱۶۳ وقف گردید باین شرط که ازآن شهر بیرون نبرند

(همه دفتر ۱۰۸ برگ) ـ کاغذ ترمه سمرقندی ـ جلد تیماج سرخ ساده یك لا
اندازه : ۱۲٫۵×۱۹ و ۷٫۵×۱۴ س ۱۷

[۴۷] ابطال حجج ابن الطیب (رساله...) (عربی)

ابی الفرج عبدالله بن الطیب الجاثلیق پزشك فرزانه ترسای بغداد گفتاری درباره نیروهای طبیعی دارد در برابر شیخ رئیس ابوعلی سینا این گفتار را درخرده گیری ازسخنان او نگاشته و در آغاز میگوید: «از نگارشهای ابوالفرج بن الطیب که خدای شکوهش را پاینده دارد آنچه که درپزشکی پرداخته است درست واستوار و بدلخواه ماست مگراینکه نگارشهای منطقی و طبیعی وی ومانند آن چنین نیست[۱] سخنانی از وی درباره نیروهای طبیعی بما رسیده که نه آنچه خواست در آن ثابت کند درخور پزشکان است و نه دلیلهائی که بر آن آورد درست میباشد ماانا این سخنان را پیش ازاینکه پزشکی فرا بگیرد فراهم آورده است» آنگاه شیخ رئیس برد گفتههای ابوالفرج میپردازد و دراین گفتار ازشفای خود یادمیکند» . ابوالفرج گفتارخویش را برای شیخ نگاشته و اوهم این رد را درپاسخ وی نگاشته است شیخ میگوید: «ما دلیلهای اورا سست نشان دادهایم گویا وی پزشکی نخوانده بو اینها را گفت یا اینکه اینهاازسخنان زشت پزشکی اواست وهیچ کاوش و بررسی در آنها نکرده وی دراین گفتاربا اصول علمی ناسازگاری نمود .

---

۱ ـ ابن ابیاصیبعه درج۱ ص ۲۳۹ عیون الانباء تا اینجا را آورد و بیهقی درتتمه ص ۷۷ مینویسد : ابوعلی وی را بدمیگفت و نگارشهایش را نکوهش می نمود ودر «مباحث» میگوید که نگارشهایش را شایسته است بهمانکه فروخته است بر گرداند . نیز دیده شود تاریخ حکماء شهرزوری نسخه شماره ۸۵ برك ۱۳۵ الف و ترجمه آن بشماره ۴۲۷ برك ۱۲۷ الف ازهمین کتابخانه

آغاز: ابطال حجج رسالة ابن الطيب ابی الفرج، المقدمة للشيخ الرئيس . انه کان قدیقع علینا کتب یعملها ابوالفرج بن الطیب ، ادام‌الله عزه ، فی الطب ، و نجدها صحیحة مرضیة ، خلاف تصانیفه التی فی المنطق والطبیعیات ومایجری معها ثم قدوقع الینا کلام له فی القوی الطبیعیه،مشتملة علی دعوی وعلی حجج

۵ **انجام**: کانه لایعرف ان الحاربسوء مزاج حارة . . . فلنذکر هذاالقدر هذا یسترح (؟!) والحمدلله رب العالمین و صلـی‌الله علی سیدنـا محمـد و آله الطاهرین

[۵۳]

این نسخه رساله نهم این دفتر و پس از رساله ابوالفرج در قوای طبیعی و در برگ

۱۰ ۱۰۷۴ ۱۳٤ الف تا ۱۳۸ الف نوشته شده و بخط نستعلیق ریز میباشد . در این دفتر رویهم ۱۸ رساله فلسفی و پزشکی است

(همه دفتر ۲۳۳ برك) ــ کاغذ فرنگی ــ جلد تیماج سرخ ضربی

اندازه . ۱۰در۲۰ و ۵در۱۴ س ۱۸

[٤۸] **ابطال الزمان الموهوم** (عربی)

۵ افلاطون در کتاب تیمـائوس بند ۲۸ میگوید : «زمان با آسمان هردو با هم آفریده شدند تا اینکه باهم از میان بروند، اگر نابود شدن آندو ناگزیر باشد.وزمان از روی نمونه طبیعت پایدارساخته شده تاهراندازه‌ای که میتواند مانند آن باشد، زیرا آن نمونه (خدا یاهستی زنده) همیشه پایدارهست ولی آسمان بوده‌است وتا زمان هست خواهدبود» [۱]

۲۰ ۱ ــ دیده شود ترجمه فرانسوی از Emile chambry ص ٤٦۹ ج ۵ از دوره کتب افلاطون چاپ پاریس بسال ۱۹۳۹ ــ درباره زمان نگاه کنید بهٔ ترجمه سماع طبیعی ارسطو بفرانسه از Henri Cateron ج ۲ ص ٤-۱۰۳ چاپ پاریس ۱۹۳۱ و ترجمه انگلیسی آن از Hardie و Gaye جلد دوم دوره کتب ارسطو چاپ اکسفورد بسال ۱۹۳۰ ص ۲۵۱ : درباره زمان همه کس بجز یکی ، گویا میگویند که نیافریدنی است و دمکریتس گوید ناروا است

۲۵ همه آفریدنی باشند مگر اینکه زمان نیافریدنی است تنها پلاتون است که زمان را آفریده پنداشت وی زمان را باآسمان آفریده پنداشت و آسمان نزد او آفریده شده میباشد. و نیز شفای شیخ رئیس فصل ۱۰ تا ۱۳ مقاله ۲ فن ۱ طبیعی ص ٦۸ تا ۸۱ چاپ تهران والزمان الوجودی از عبدالرحمن بدوی چاپ مصر ۱۹٤۸ ص ٤۸ وپس از آن و دو کتاب افلاطون (ص۲-۱۹۱ چاپ مصر ۱۹٤٤) وارسطو (ص۲۱۷ ــ ۲۲۱ چاپ مصر ۱۹٤٤) ازهمو ومعتبر بغدادی چاپ دکن ج ۲

۳۰ (طبیعی) بسال ۱۳۵۷ ص ٦۹-۹۰

ارسطو در کتاب‌سماع‌طبیعی (مقاله۸ بند ب‌ص ۲۵۱ س۱۷ـ۲۰)ازاین گفتار چنین دریافت که زمان نزد افلاطون آفریده است ولی خود او در بند ۳۷ تیمائوس بازمیگوید که: «آفریننده، جهان جنبنده زنده را مانند خودکرده وکوشید که آنرا تا اندازه‌ای که میشاید همیشگی و پایدار سازد ... وی اندیشید که پیکرجنبنده‌ای ازابدیت بیافریند وهمینکه آسمان را سامانی داد ازابدیت پایدار در وحدت این پیکرهمیشگی‌راکه از روی شمارپیش میرود ، بیافرید وهمین‌است که‌ما آن‌رازمان می‌نامیم»[1]

از این سخنان افلاطون پیداستکه وی زمان را نمونه‌ای از همیشگی و پاینده‌گی آفریننده می‌پندارد شاید ازاینجا باشد که متکلمان معتزلی و اشعری زمان موهومی پنداشتند و ابی‌البرکات زمان را اندازه هستی دانست[2]

سید داماد استرابادی سپاهانی فیلسوف روزگارصفویان درمسئله حدوث جهان رای تازه‌ای آورد و گفت که میان گیتی و آفریننده اونیستی‌بود که‌ازهرگونه کشش بیگانگی داشت نه‌اینکه کشش و امتداد موهومی پیش‌ازپیدایش گیتی بوده است چنانکه متکلمان پاینده سنت پنداشته‌اند . داماد در صراط مستقیم و افق مبین وقبسات‌ازهمین‌مسئله گفتگونموده وبدان عنوان حدوث دهری داده است . وی در رساله «مذهب ارسطاطالیس» برخلاف فارابی در رساله جمع بین رایین میگوید سخنان ارسطو دراین باره‌با هم‌ساز گارنیست وگشودن‌رازاین مطلب‌را از آن خود میداند . مانادامادفلسفه خود را روی همین حدوث دهری که بسیار بجستن آن مینازد نهاده وباید هم گفت که وی داد سخن را در این زمینه داده است .

پس از وی شاگردش فیلسوف شیرازی صدرالدین محمدچندان بحدوث دهری‌ارجی ننهاد وخودهمه هستیهای مادی را جنبنده‌دانست وگفت که‌چون گوهر همه چیزها در جنبش بوده و زمانی میباشد پس سراسرجهان حادث زمانی خواهد

---

۱ – دیده شود ص ٤٦۸ همان ترجمه

۲ – دیده شود قبسات سیدداماد ص ۸ و۲۲–۲۳چاپ تهران۱۳۱۵و داماد این سخن بغدادی‌راازمطارحات سهروردی‌میآورد

بود بجزجهان عقل مجرد که پرتوی است ازخدای وچندان جدائی ازجهان خدائی ندارد و نتوان گفت که حادث میباشد . این هم ناگفته نماند که بیشتر فلاسفه پیروی از ارسطو نموده برای زمان آغازی نپنداشتندو شیخ رئیس درشفا و دررساله«الحکومة فی حجج المثبتین للماضی مبدأ زمانیا» ازاین مطلب کاوش نموده و دراین رساله دلائل فیلسوفان مشائی رابساخت قیاسهای منطقی درآورد . شیخ رئیس دلیلهای متکلمان را نمی پذیرد وازآنها خرده میگیرد بازشیخ در « المبد والمعاد» هم بگشودن این مشکل میپردازد. از متاخران شیخ حسین بن ابراهیم تنکابنی بسال ۱۲۱۹ رساله کوتاهی در اثبات حدوث واقعی جهان نگاشته و در آن گفته که نارواست زمان موهومی ازهمیشگی و پایداری خداوند انتزاع نمود و جهان را برپایه آن حادث زمانی دانست . این رساله درهامش مشاعر رعرشیه ملاصدرا درتهران بسال ۱۳۱۵ بچاپ رسید .

دانشمند جمال الدین خوانساری (م۱۱۲۵) درحاشیه‌ای که برحاشیه خفری برالهیات تجرید نگاشته (نسخه شماره ۱ر۳۰۸ همین کتابخانه) عبارتی از قبسات سیدداماد که درص ۳ — ۲۲ چاپ تهران دیده میشود آورد . وازآن خرده گرفت و درپایان گفته استکه حدوث جهان باین چیزها درست نمیشود وباید دیدکه شرع دراین باره چه میگوید ؟ اگر باآنچه ازبرخی اخبار برمیآید پایبندباشیم بایدچیزی دراین باره نگفت تا خدای گشایشی دهد.[1] خوانسای در این رساله تنها میخواهد دلائل داماد را بی پایه نشان دهد .

مولی محمد اسمعیل بن محمد حسین بن محمد رضابن علاءالدین محمد مازندرانی سپاهانی خواجوئی که در کوی خواجوی سپاهان می‌نشست و در ۱۱ شعبان ۱۱۷۳ از اینجهان درگذشت . بسخنان خوانساری برخورد و خواست از خرده گیریها که وی ازداماد کرده است پاسخ گویدواین رساله «ابطال الزمان الموهوم» را نوشت وی در آغاز ازخود بنام «محمداسمعیل بن حسین مازندرانی» یاد میکند ومیگوید : چون دیدم دلیلی که دامادبرای ابطال زمان موهوم آورد درست میباشد،

۱ — دیده شود برگهای ۲۵ الف تا ۲۹ الف رساله یکم شماره ۳۰۸ این کتابخانه

مگر اینکه برخی از آن خرده گیریها کرده اند، خواستم راه درست و استوار را بنمایانم و در آشکارساختن آن خود راه بیداد نپویم آنگاه سخنان دامادو خوانساری را بندبیند میآورد سپس خود بررسی و کاوش میکند و تا پایان بهمین روش پیش میرود. وی میگوید که آقا حسین خوانساری پدرجمال الدین خوانساری گفت:

٥ اشعریان بنداشتند که پیش از پیدایش جهان زمان موهومی بوده است و لی متکلمان دانشمند و از میان آنها خواجه طوسی چنین زمان موهوم را نپسندیدند. (برگ ١١٥ ب این نسخه)

درباره یکی از خرده گیریهای جمال الدین مینگارد کـه وی این را از «بهجة الدارین» نگارش «مولی محمدطاهر بن محمد حسین قمی» گرفته است و او

١٠ میگفت که پیش از جهان امتدادی بود نامتناهی (برگ ١٢٠ الف). این دانشمند شیرازی و شیخ الاسلام قم بود و در ١٠٩٨ مرد. دانشمند مازندرانی این رساله را پس از مرگ جمال الدین نگاشته است.

این راهم باید گفت که یکی از شاگردان آقاحسین خوانساری بنام شیخعلی فراهانی کمره‌ای که به «آقاشیخ» نامبردار بوده و در کاشان میزیسته و در همانجا

١٥ در هزار وصد واندی درگذشت رساله در حدوث زمانی جهان نگاشته و هشتصد حدیث در آن گـواه آورد [١].

آغاز: بعد حمدالله المتفرد بالقدم والازلية ... يقول... محمدبن الحسين المدعو باسماعيل المازندرانی

انجام: وارشدنا الى مافيه صلاحنا فی البداية والنهاية ... والحمدلله اولا

٢٠ و آخرا

[٥٤]

٣٠٨ این نسخه شماره دوم دفتری است که شماره یکم آن حاشیه نامبرده جمال الدین خوانساری است و از برك ١٠١ (ب) تا برك ١٢٧ (الف) میباشد و بخط نسخ روشن نوشته شده ودرپایان آن دارد · (قدتمت هذه الرسالة الجليلة من تصنيفات...

---

١ ــ دیده شود ذریعه ج ٣ ص ١٦٢ و ج ١ ص ٦٨-٦٩ و ٨٨ - ٨٩ . این رساله ما رد برمیرداماد نیست چنانکه در ذریعه آمده بلکه تایید اواست و رد برجمال الدین

مولانا محمد اسمعیل المازندرانی بعون‌اله تعالی‌سنة ۱۱۹۷) پس این نسخه‌درسال ۱۱۹۷
۲٤ سال پس‌ازمرك نگارنده نوشته شده

(همه دفتر ۱۳۷ برك) ـ کاغذفرنگی ـ جلد تیماج سرخ‌ضربی
اندازه: ۱۴×۲۱ و ۷×۱۴٫۵ س ۱۷

[٤٩] اتصاف الماهیة بالوجود (رسالة فی...) (عربی)

یکی از مباحث مهم فلسفی مبحث هستی است و ریشه آنرا در سخنان فرزانگان باستانی مانند میلیسوس وافلاطون وارسطاطالیس ومانند آنهابایدجست فارابی در «رسالةالحروف» و شیخ‌رئیس در شفا وتعلیقات ازهستی و وجود گفتگو کردند پس‌ازایندو ابی‌البرکات بغدادی در «المعتبر» و شیخ اشراقی سهروردی در نگارشهای خود از بود و نبود هستی سخن راندند . سهروردی ماهیت را اصیل ۱۰ پنداشته هستی‌را اعتباری دانست . سیدداماد به‌پیروی ازاودر«افق مبین»و«قبسات» هستی را موجود ندانست پس‌ازوی شاگردش صدرالدین محمدبن ابراهیم‌بن‌یحیی شیرازی قوامی م ۱۰۵۰ بپیروی ازمشائیان وعارفان مانند قونوی و دیگران هستی را اصیل دانست. وی‌چنانکه در آغاز«مشاعر» مینگارد گشایش بسیاری‌ازمسئله‌های دشوارفلسفی‌را برپایه اصالت وجود میگذارد . فرزانه شیرازی چنانکه درمشعر ٦ ۱۵ فاتحه کتاب«مشاعر»مینویسددرآغازکارماهیت‌را اصیل‌میدانست‌سپس‌ازآن‌بر گشت وهستی رااصیل پنداشت (ص٤٥چاپ‌تهران‌بسال۱۳۱۵)وی‌درهمین«مشاعر»و«شواهد ربوبی»و«اسفار»دراین‌زمینه‌دادسخن‌داده‌وهرچه‌میبایست گفت‌تابجائیکه فیلسوفان پس‌ازاوهمه‌دراین‌مسئله‌ازوی‌پیروی کردند.فرزانه‌شیرازی این‌رساله «اتصاف المهیته بالوجود»رادرباره پیوستگی‌هستی‌وچیستی‌یاوجودوماهیت‌نگاشته‌است‌ومیخواهد ۲۲۰ بمشکلی که‌درباره‌حمل‌هستی‌برچیستی‌پیش‌میآیدپاسخ گویدوآن‌اینست که‌میگوئیم: (سنك هست) وثبوت چیزی برای جیزدیگرآنگاه رواست‌که خود آن چیز باشد وماهیت هستی دیگری ندارد بجزهمین هستی‌که برآن حمل میگردد پس بایدیا این قاعده روشن عقلی رانپذیریم ویااینکه نگوئیم‌چیزی هست.دراینجا دانشمندان مانند دوانی و دیگران راههائی برای گشایش این دشواری پیشنهاد کرده‌اند . ۲۵ شیرازی همه را یاد میکند ونمی‌پسندد وخود از سه راهی‌که نشان میدهد سومین

را بهتر ازهمه می‌پندارد که اگر درست بنگریم چیستی برهستی، و ماهیت بروجود حمل میشود نه اینکه وجود برماهیت بازگردد واین راه برپایه اصیل بودن‌هستی میباشدشیرازی دراین رساله از «اسفار» خود یاد میکند وبدان بازگشت میدهد

این رساله نخستین بار درایران درکارخانه آقامیرزا عباس، بسال ۱۳۰۲ ۵ باهشت‌رساله‌دیگرشیرازی(ازص۱۱۰تا ۱۱۹) بچاپ‌رسید وباردیگردر کناررساله «تصور وتصدیق» همودنبال «الجوهرالنضید» علامه حلی در تهران بسال ۱۳۱۱ چاپ شد

[۵۵]

این نسخه شماره سوم دفتری است که دارای پنج‌رساله درتفسیروعرفان وفلسفه ۸۷۰ میباشد وچهارم‌آن «رسالةفی‌فهم‌متشابهات‌القرآن» فیلسوف شیرازی است که در ص ۱۹٤ بخش ۱ این فهرست شناسانده شد. این رساله بخط تعلیق و ازبرگ ٤۳ (الف) تا برگ ۵۰ (ب) این دفتر میباشد نشانه دفتر در بخش ۱ ص ۱۹٤ این فهرست یادگردید و این رساله بخط همان محمد علی کرمانشاهی است که رساله یکم این دفتر را نوشت

[۵۰] اثبات‌العقول (عربی)

این رساله‌ازشیخ‌رئیس‌است که‌در آن‌نخست‌خدارا‌اثبات‌میکندوسپس‌برای گشایش مسئله دشوارپیدایش چندین آفریده ازخدای یگانه خردها و عقول را میانجی میسازد تا اینکـه بعقل فعال میرسد و رشته آفرینش را بمردمی میرساند آنگاه از روی نیازمردم‌بآئین و دادگستری بودپیامبردارای اعجازرا ناگزیرمیداند ۲۰ و ستایش ونیایش خدا و پرده‌پوشی زنان را ازکارهائی بشمار میآورد که پیامبران دستورمیدهند. بازمیگوید که پیامبران قانونهای کلی میآورند وامورجزئی‌باندیشه و دانش مجتهدان برگذار شده است و پاداش و کیفرتن از روی تخیل و پیوستن بجرمهای آسمانی نیست بلکه جان‌های نیکوکاران همین‌که بآن جرمها بپیوندند روی تخیل وپندار مستقلی که دارند چیزهائی را درمی‌یابند که هیچ چشمی ندیده ۲۵ وهیچ گوشی نشنیده است. این سخنان را شیخ درپایان الهی شفا نیزآورد ودلیلی

که برای ناگزیر بودن از پیامبران یاد کرده همان است که پس از شیخ فرزانگـان خاوری یاد نموده‌اند و پایه و ریشهٔ آن سخن ارسطو است که گفته است مردمان بطبع اجتماعی و شهرنشین میباشند وهمین دلیل را ابن‌خلدون درمقدمه خویش در کتاب ۱ باب ۱ مقدمه۱ (ص ۴۳ـ۴۴ چاپ معرب مصر) ناتمام دانست و گفت که اجتماع بشری بابودپیامبر بستگی نداشته و ندارد و ناگزیر بودن از پیروی آنهاسمعی است نه عقلی چنانکه پیشینیان گفته‌اند . درباره خردها وعقول که شیخ آنهارامیان آفریننده و آفریدگان میانجی میسازد باید گفت که ازنگارشهای ارسطو بویژه‌فصل هشتم دفتر لاندا (لام) از الهی گرفته است و ارسطو دراین فصل که ثامسطیوس و شیخ‌رئیس و ابن‌رشد آنراشرح کردند[۱] ازعقول آسمانها گفتگو کرده و آنهارامیان نخستین‌جنباننده وجنبندگان نهاده‌است .

درباره اثبات نبوت از روی مدنیت طبیعی انسان چنانکه گفته شد شیخ در پایان الهی‌شفا (فصل ۲ مقاله ۱۱) باین گونه استدلال پرداخت و گفت کـه مردم ناگزیرند گرد هم آیند و شهرنشینند ویکدیگررایارباشند واین‌همکاری‌وپیوستگی خواهان آئین وداد است و آئین گذارهم ازسوی خدای باید باشد که همان پیامبر خواهد بودپیداست که‌شیخ‌دراینجا از(آراء مدینه‌فاضله) و(سیاست) و(شرح‌رساله زنیون) فارابی گرفته است و ریشه سخنان اوهم گفتارافلاطون و ارسطومیباشد چه افلاطون درجمهوری آئین گذار را چنان‌نشان‌میدهد که درست با پیامبر و پیشوای دینی یکی میگردد و ارسطو در اخلاق نیقوماخوس و سیاست و جدل و ارغنون روشن میسازد که مردمی ناگزیر است که باهمکاری و شهرنشینی زیست کند این سخن را ارسطوسه بار در اخلاق (ک۱ف ۷ بند ۶، 11، 1097 b ـ ک۸ ف ۱۲ بند ۷ ، 1162 a 17 ـ ک ۹ ف ۹ بند ۳ ، 18 1169 b) و دو بار در سیاست

---

۱ ــ دیده شود : تفسیرمابعدالطبیعه ابن‌رشد (مقاله‌لام) و ارسطوعندالعرب‌عبدالرحمن بدوی که ترجمه تازی بخشهائی ازدفترلاندا وشرح ثامسطیوس برآن و نیز شرح شیخ رئیس برمقاله لام که پاره‌ای از کتاب انصاف او است درآن آمده است نیز ترجمه الهی ارسطواز تریکو بفرانسه

(ك ۱ف۲، 30 – 2 1253 a – ك۳ف٦ ، 20 1278 b) و دوبار درجدل (ك ٥ ف۱ ، 17 128 b-كدف۳ – 8 132 a)[1] گفته است

این استدلال شیخ رئیس را غزالی درپایان بخش طبیعی (مقاصدالفلاسفه) باختصار آورد و ابن خلدون چنانکه یاد شد از آن انتقاد نمود با اینکه وی در مقدمه ششم باب نخستین کتاب نخستین مقدمه خویش وحی و نبوت را روی مبانی فلسفی تفسیر نموده است

آغاز : الحمد لواهب العقل بلانهاية . كل شئى فى عالم الكون والفساد ممالم يكن فكان كان قبل الوجود ممكن الوجود لذاته

انجام : جل جناب الحق عن ان يكون شريعة لكل وارد او يطلع عليه الاواحد بعد واحد . فمن سمع واشمأز فليتهم نفسه فلعلها لايناسبه . وكل ميسر لماخلق له . والحمدلله رب العالمين والصلوة على محمد واله اجمعين . للشيخ الرئيس قدس سره

[٥٦]

۳۳۹

این نسخه شماره ۱۹ دفتری است که دارای ۳۱ رساله میباشدو بخط شکسته نستعلیق از برك ۸۳ الف تا برك ۸٤ الف نوشته شده است . در این دفتر تاریخهای ۱۰۷٦ و ۱۰۸٦ دیده میشود و نام نویسنده رساله ۲۹ این دفتر «نصیرالدین حسین الحر الحسینی» میباشد

(همه دفتر ۱۳٦ برك) — كاغذ ترمه سمرقندی — جلد تیماج سرخ مقوائی ساده

اندازه : ۱۳×۲۰ و ۱۰×۱۸ س ۲۱ تا ۲۸

---

[1] دیده شود : اخلاق نیقوماخوس ترجمهٔ فرانسوی J. Volquin چاپ پاریس بسال ۱۹٤۰ و ترجمهٔ تازی آن از لطفی سید (ك۱ب٤ف٦ — ك۸ب۱۲ف۷ — ك۹ب۹ ف۲) — سیاست ترجمه انگلیسی E-Barker چاپ آکسفرد بسال ۱۹٤۸ و ترجمهٔ فرانسوی Thurot چاپ گارنیهٔ فرر درپاریس و نیز ترجمهٔ تازی لطفی سید (ك ۱ب۱ف ۹تا۱۳ — ك۳ ب٤ ف۲) — ترجمه تازی جدل درجلد دوم منطق ارسطو چاپ عبدالرحمن بدوی و ترجمه فرانسوی تریکو چاپ پاریس جلد ۲ بسال ۱۹۳۹ . درترجمه عربی جدل (حیوان آنس بالطبع) آمدهٔ و تریکو آنرا به (Animal naturellment doux) ترجمه کرد

[۵۱] **اثبات المفارقات** (عربی)

دکتر عثمان امین در تعلیق خود بر احصاء العلوم فارابی ص۱۱۹ مینویسد که از این فیلسوف چهل رساله بجای مانده سی و یکی از آن بتازی و شش رساله بترجمه عبری ودو رساله بترجمه لاتینی میباشد و این را بفهرست بروکلمن (ج ۱ ص۲۱۳ — ۲۱۰) باز گشت میدهد ولی در این فهرست (ج ۱ همانجا و ج ۱ پیوست ص ۳۷۵-۷) ۶۵ نگارش ازفارابی یادمی‌شود که ۱۱ کتاب درمنطق و ۸ کتاب در اخلاق وسیاست و ۱۷ کتاب درستاره شناسی وستاره شماری و کیمیا وموسیقی و ۲۳ کتاب درمسائل فلسفی و چهار کتاب در باره فلسفه مشائی ارسطو و ۲ کتاب در فلسفه افلاطون میباشد. لطفی جمعه در تاریخ فلاسفة الاسلام در سر گذشت فارابی میگوید که از فارابی نه کتاب در ریاضی و کیمیا وموسیقی در کتابخانه های اروپا و آستانه درمتن عربی یا ترجمه عبری و لاتینی هست و ۱۴ کتاب درمنطق دراروپا بویژه دراسکوریال بعربی یاعبری ولاتینی هست و برخی از ترجمه‌های لاتینی در بند قیه (ونتسیا) و دیگر جاها بچاپ رسید و ۲۱ کتاب دیگر درفلسفه وسیاست وادب است که از آنها هم برخی بچاپ رسیده و ازبرخی نسخه خطی در کتابخانه ها هست باز وی نگارش های فارابی را می‌شمارد و میگوید که از آنها ۱۷ شرح و ۶۰ کتاب و ۲۵ رساله میباشد که رویهم ۱۰۲ کتاب میشود ولی درفهرست نگارش های فارابی که درعیون الانباء و تاریخ الحکماء قفطی دیده میشود نزدیك به ۱۲۴ کتاب یاد گردید.

خاور شناس آلمانی شتینشنیدر Steinschneider کتابی کلان در باره نگارشهای فارابی نوشته و در یادگـار های فرهنگستـان امپراتوری علوم سنت پترسبورك (VIIe s, t. XIII, No. 4) بسال۱۸۶۹ بچاپ رسید. اکنون از کتابهای فلسفی فارابی یاد کرده نخست از چاپهائیکه چندین نگارش را در بر دارد گفتگومیکنیم.

۱ــ دیتریسی استاد دانشگاه برلین (۱۸۲۱-۱۸۸۸) رساله هائی از فارابی را ازروی نسخه های لیدن ولندن و برلین بسال ۱۸۶۰ درلیدن بچاپ رساند.

۲ ـ ا. شمولدرس Schmoelders دو رسـاله (ماینبغی ان یقدم قبل

تعلم الفلسفه) و (عيون المسائل) را باترجمه لاتینی در بن (Bonnae) بسال ۱۸۳۶ چاپ نمود .

۳ ـ همان دیتریسی بازاین دو رساله را بار ساله های دیگر فراهم آورده و بسال ۱۸۹۵ و ۱۹۲۵ بچاپ رسیده است .

۴ ـ نیز دتیریسی رساله های (جمع بین رایین ـ فی اغـراض الحکیم فی کل مقالة من الکتاب الموسوم بالحروف ـ مقالة فی معانی العقل ـ فیما ینبغی ان یقدم قبل تعلم الفلسفة ـ عیون المسائل در ۲۲ بند ـ فصوص الحکم ـ جواب مسائل سئل عنها ـ فیما یصح و مالایصح من احکام النجوم) را از روی نسخه‌ای که از سپاهان بدست آمد بنام « الثمرة المرضیة فی بعض الرسالات الفارابیه » فراهم آورده و در لیدن بسال ۱۸۸۹ ـ ۱۸۹۰ با دیباچه‌ای بآلمانی بچاپ رسیده‌است .

۵ ـ همین رساله‌های « الثمره » درمصر بسال ۱۳۲۵/۱۹۰۷ بانصوص الکلم علی فصوص الحکم و نیز دو بار دیگر در همین تاریخ و درهمان‌شهر و باز یکبار دیگر بسال ۱۳۲۷/۱۹۰۹ بچاپ رسید .

۶ ـ دورساله از فارابی (ما ینبغی ان یقدم قبل تعلم الفلسفة ـ عیون المسائل در ۲۲ بند) در چاپخانه سلفیه مصر بسال ۱۳۲۸/۱۹۱۰ بچاپ رسید و چاپخانه مؤید در مصر نیز این دورا بنام « مبادی الفلسفة القدیمه » درهمین سال چاپ کرد .

۷ ـ سه رساله فارابی (نکت فیمـا یصح من احکام النجوم در ۳۰ بند و بنام مختصر الفصول الفلسفیة ـ عیون المسائل در ۲۴ بند ـ فصوص الحکم در ۶۱ بند) نیز بچاپ رسید و ناشر ندانسته ۱۲ بند از (نکت) را دوبار در آن آورد اکنون از یکایک کتابهای فلسفی فارابی گفتگو کنیم :

۱ ـ اراء المدینةالفاضله :

این کتاب را دتیریسی فراهم آورده و در لیدن بسال ۱۸۹۵ چاپ گردید و در چاپخانه نیل بسالهای ۱۳۲۳ و ۱۳۲۵ و در چاپخانه سعادت بسال ۱۳۲۴ در مصر

بچاپ رسید .

۲ ـ ابطال احکام النجوم :

نسخه از این در دفتری نوشتهٔ محمود تبریزی شاگرد صدرالدین دشتکی میان سالهای ۹۰۳ و ۹۱۹ در کتابخانه حاج سید نصرالله تقوی در تهران هست (ذریعه ج ۱ ص ٦٦ ش۳۲٦)

۳ ـ اثبات‌المفارقات که دردکن بسال ۱۳٤۵ در۸ صفحه بچاپ رسیدو بحث در آن خواهدآمد .

٤ ـ احصاء العلوم : این کتاب را نخستین بار عارف‌الزین از روی نسخه‌ای که محمدرضا شبیبی در نجف جسته است‌درمجله‌العرفان درجلدچهارم بسال۱۹۳۱ بچاپ رساند سپس دکترعثمان امین آنرا با دیباچه وتعلیقات درقاهره بسال ۱۹۳۱ چاپ کرد آنگاه آنگل گونسالس پالنسیا Angel Gonzalez Palencia درجزء انتشارات دانشکدهٔ فلسفه و ادبیات دانشکده مادرید درجلد یازدهم بسال ۱۹۳۲ بادوترجمه‌لاتینی‌ژراردکر مونا Gerard de Cromona و دمینیکوس گوندیسالینوس Domnicus Gundissalinus وباترجمه اسپانیائی خوددر مادرید بچـاپ رساند .

سرانجام بازدکترعثمان امین از روی نسخه‌های چاپ شده وخطی وترجمه لاتینی آنرا بسال ۹ـ۱۹٤۸ در قاهره چاپ کرد .

احصاءالعلوم سه ترجمه لاتینی دارد :

۱ـ ازدمینیکوس گندیسالینوس که در نیمه نخستین سده ۱۲ مسیحی زنده بود و از مترجمـان بزرگ تازی بلاتینی است وی در کتـاب خویش کـه بنـام De Division Philosophiae میباشد نزدیك بدو سوم از بخشهای احصاء العلوم را آورد و پاره‌ای‌مانند (فصل‌مربوط بعلم کلام) راانداخت ودرجاهائی‌هم بکوتاهی پرداخت .

این‌ترجمه را گیلیموس کامراریوس Guiliemus Camerarius استاد

الهی دانشگاه پاریس درآنجا بسال ۱۸۳۸ بچاپ رساند .

۲ ـ از ژرارد کرمونا که در کرمونا از استان لمبارد یا نزدیك ۱۱۱٤ زاده و در طلیطله بسال ۱۱۸۷ درگذشت و ازمترجمان بزرك تازی بلاتینی بشمار میآمد و ۷۱ کتاب عربی دردانشهای گوناگون را بلاتینی ترجمه کرد وی احصاء العلوم را نیز بلاتینی درآورد ونسخهٔ ازآن‌بنام De Scientiis بشماره ۹۳۳۵در کتابخانه ملی پاریس هست وپالنسیاآنرا درمادرید بامتن تازی چاپ کرد .

۳ ـ از یحیی‌بن داود اشبیلی طلیطلی مرده نزدیك ۱۱۵۷ که آنرا بلاتینی کرده و نسخه‌ای از آن در موزه بریتانیا هست و کامراریوس آنرا در ۱۸۳۸ بچاپ رساند .

احصاءالعلوم فارابی را دوبار بعبری ترجمه کردند :

۱ ـ ازکالونیموس پسر کالونیموس (م ۱۳۲۸) که گزیده از آنرا بعبری ترجمه کرد ونسخهٔ ازآن در کتابخانه De Rossi دربارما بشماره ٤۵۸ و ۷۷٦ هست وموسی‌بن عزرا (م ۱۱٤۰) ازاین کتاب بهره برده است .

۲ ـ ترجمه عبری دیگری از احصاء العلوم که آنرا میش روزنشتاین Mich Rosonstein در بروسلاو بسال۱۸۵۸ بچاپ رساند .

احصاء العلوم چنانکه از نام آن برمیآید بخش بندی و شمارش دانشها است و دانشمندانی چند در این زمینه کار کردند خواه تنها بشناساندن دانشها پرداخته باشند یا دریك دفتر چندین دانش راآورده باشند . مانند :

۱ ـ فیلسوف کندی بغدادی کتابی بنام (کمیة کتب ارسطو و مایحتاج الیه فی تعلیم الفلسفه) دارد که در مصر در رسائل فلسفی او بسال ۱۹۵۰ بچاپ رسید ودرآن علوم مشائی وغرض آنها راروشن ساخت .

۲ ـ اخوان صفا وخلان وفا با اینکه دررسائل و رساله جامعه از بیشتر دانشهای روزگار خویش سخن‌راندنددر رساله‌هفتم‌بخش‌ریاضی‌ازدانشهای گوناگون گفتگو نموده هر یك را شناساندند .

۳ ـ خوارزمی (م ۳۸۷) در مفاتیح‌العلوم گزیده ای از بسیاری ازدانشهای روزگارخویش را باندازه که یك نویسنده رامی‌باید آورد .

٤ ـ ابن‌حزم اندلسی (م ٤٥٦) در(مراتب‌العلوم و کیفیة طلبها) ازبخشهای دانشها سخن راند .

۵ ـ ابوعلی مشکویه رازی (م ٤٢١) در (ترتیب السعادات) که در کنار (تهذیب الاخلاق او درتهران بسال ۱۳۱٤ بچاپ رسید ازنگارشهای علمی ارسطو ودانشهای مشائی گفتگو نمود .

٦ـ ابوعلی‌محمدبن‌هیثم‌بصری‌مصری (م نزدیك٤٣٠) در (مقالة‌فیماصنع‌و صنف من علوم الاوائل) که ابن ابی‌اصیبعه در عیون الانباء (ج ۲ ص ٦ — ۹۱) آنرا آورده است ازغرض‌کتابهای ارسطو یادکرده ونوشته‌های خود راکه تا پایان سال ٤١٧ بپایان رسانده بود نشان داد .

۷ ـ خواجه رئیس ابوعلی سینا گذشته ازاینکه در شفا و دانشنامه علائی و نجات چندین دانش راآورده دررساله (اقسام‌العلوم العقلیه) که در تسع رسائل درمصر بسال ۱۹۰۸ بچاپ‌رسید بمانندکارفارابی‌پرداخت وی‌درآغازحکمت‌مشرقی نیز ازاینگونه سخنان دارد .

۸ ـ شمس‌الدین محمد سنجاری (م ٧٤٧) نیز (ارشاد القاصد الی‌اسنی المقاصد) نگاشته ودرآن ازبخشهای دانشها یاد نمود واین کتاب دربیروت ۱۳۲۲ چاپ شد .

۹ ـ خواجه طوسی رساله کوتاهی بنام (اقسام‌الحکمه) داردکه‌نسخهٔ‌ازآن بشماره ۱ر۱۰۳۳ دراینکتابخانه هست .

۱۰ ـ قطب شیرازی (٦٤٤ ـ ۷۱۰) در(درةالتاج لغرةالدباج) ازچندین دانش فلسفی وعرفانی سخن راند و دو بخش آن در تهران بسالهای ۱۷ — ۱۳۲۰ و ۱۳۲٤ بچاپ رسید وی در دیباچه آن دانشها را بخش نموده و در خودکتاب منطق وطبیعی والهی وریاضی و کلام وفقه واخلاق وسیاست و تدبیر منزل وعرفان

وتصوف آورده است

۱۱ـ شهاب‌الدین احمد مصری قلقشندی در (صبح‌الاعشی فی صناعة الانشاء) بسیاری ازدانشهائی راکه نویسنده را بکار میرود آورده است واین کتاب در مصر بسال ۱۳۳۸ تا ۱۳٤۰ در ۱٤ جلد بچاپ رسید و خود او آنرا بنام ضوءالصبح ٥ المسفروجنی الدوح المثمر گزین وجلد ۱ آن درمصر بسال ۱۳۲٤ بچاپ رسید .

۱۲ ـ ابن خلدون اندلسی (م ۷۸٤) در مقدمه خویش بسیاری از دانشهای ادبی و فلسفی وعرفانی را شناسانده وسرگذشت کوتاهی از آنها راآورد .

۱۳ ـ مولی محمد آملی در نفائس الفنون از ۱٦۰ علم ۸٥ از علوم اواخر و ۷٥ ازعلوم اوائل سخن راند .

۱۰ ۱٤ ـ طاشکبری زاده (م ۹٦۸) در (مفتاح‌السعاده) خود در باره دانشهای گوناگون وشناساندن آنها دادسخن‌داده است واینکتاب دردکن بسال ۱۳۲۸ بچاپ رسید .

۱٥ ـ میرفندرسکی استرابادی (۱۰٥۰) دررساله صناعیه ازبخشهای گوناگون دانشها یاد نمود واینکتاب دربمبئی با اخلاق ناصری بسال ۱۲٦۷ ودرتهران بسال ۱٥ ۱۳۱۷ خورشیدی بچاپ رسید

۱٦ ـ حاجی خلیفه (م ۱۰٦۸) درکشف الظنون که بارها بچاپ رسید گذشته ازیاد کردن نام کتابها از بخشهای دانش نیزسخن راند .

۱۷ ـ صدیق حسن خان فرمانروای بهوپال هند (م ۱۳۰۷) در (ابجدالعلوم) که در چاپخانه صدیقیه در بهوپال هند بسال ۱۸۹٦ بچاپ‌رسیدنیز بچنین کاری ۲۰ پرداخت .

۱۸ ـ مولوی تهانوی هندی کشاف اصطلاحات الفنون نوشته و در آن دانش های را بخش نموده وهریك را شناسند و این کتاب در کلکته بسال ۱۸٦۲ در دو جلد بچاپ رسید .

۱۹ـ دانشمند شیخ آقابزرك تهرانی درالذریعه الی تصانیف الشیعه که نگارش‌های

دانشمندان شیعی و ایرانی را در آن فهرست میکنند نیز بچنین کاری پرداختند.

۲۰ ـ شهاب الدین احمد نویری (م نزدیك ۷۳۳) نهایة الارب فی فنون الادب خویش را در ٥ فن در علوم طبیعی (آثـار علوی و آسمان و جهـان و جغرافیـای ریاضی و طبیعی) و انسانی (ادب و اخلاق و سیاست) و حیوانی و ونباتی و تاریخی در ۳۰ جلد نوشت و ١٤ جلد آن تا باب ۲ قسم ٤ فن ٥ در مصر از ١٣٤٢ تا ١٣٦٢ بچاپ رسید و بـاب ۳ تا ٥ قسم ٤ و ۱۲ باب قسم ٥ فن ٥ مانده است .

در باره بخش بندی دانشها در اروپـا فرنسیس بیکون فیلسوف انگلیسی (١٦٢٦ — ١٥٦١) رای تازه‌ای آورده و علوم رااز روی نیروها حفظ و تخیل و تعقل بتاریخ مدنی و طبیعی ، شعر منظوم و منثور ، فلسفه الهی و طبیعی [1] و انسانی و اجتماعی بخش نموده است وی در کتاب ارجمندی و فزونی دانش در این زمینه سخن راند .

سپس اگوست کنت فیلسوف ریاضی فرانسوی آورنده فلسفه تحققی (١٨٥٧ ١٧٩٨) دراین باره رای دیگری آورده و در کتاب Cours de philosophie positive که از شاهکارهای سده ۱۹ میباشد دانشها را از روی کلیت و سادگی یا پیچیدگی آنها بخش نمود آنگاه هربرت سپنسر H. Spencer (۱۹۰۳ — ۱۸۲۰) فیلسوف انگلیسی بنیادگذار فلسفه تطور دراین زمینه کتابی نگاشته که ترجمه فرانسوی، آن بنام Classification des sciences در پاریس بسال ۱۹۳۰ بچاپ رسید وی دانشها را روی تجرد و عینیت رده بندی نموده است

امروزه در روش شناسی نوین از بخشهای دانشهای بشری کاوش میگردد چنانکه درمنطق صوری ارسطو نیز درفن برهان دراین زمینه گفتگو میشده است ودرهمه کتابهای منطقی که بروش پیشینیان نوشته شده این سخن رامیبینیم .

ابن ندیم درفهرست (ص ٣٦٨) از این کتاب فارابی بنام (مراتب العلوم)

یاد نمود .

قاضی صاعد اندلسی در طبقـات الامم (ص ۸٤ چاپ مصر) از احصاء العلوم بسیار ستایش نموده و گفت هیچ دانشجوئی از آن بی‌نیاز نخواهد بود .

قفطی (ص ۱۸۲) از آن بنام احصاء العلوم یاد کرده و عبارت صاعد را آورده است وبازدر (ص۱۸۳) در فهرست نگارشهای او از (احصاءالعلوم) یاد کرد .

ابن ابی‌اصیبعه (ج۲ص۱۳٦) نیز همان عبارت‌صاعد را آورد .باز در(ص۱۳۸) از آن بنام (احصاءالعلوم و ترتیبها) یاد نمود .

٥ - اغراض مابعدالطبیعه :

این کتاب را دیتریسی درالثمره بچاپ رساند و در المجموع للمعلم الثانی بسال ۱۳۲٥ و درهند بسال ۱۳٤۳ نیز بچاپ رسیدوابن ابی‌اصیبعه در فهرست نگارش‌های فارابی از آن یادنموده است .

فارابی در این دفتر مانند کندی و دیگران بدانشهای گوناگون روزگار خود اشارتی نموده غرض ارسطو را دردوازده مقاله کتاب الهی نشان داده است .

این کتـاب بعبری ترجمه شده و نسخه آن در اکسفورد و لایبتسیک و لیدن هست .

٦ ـ الالفاظ الافلاطونیه وتکوین‌السیاسةالملوکیة والاخلاق :

این کتاب در کتابخانه ایاصوفیا بشماره ۲۸۲۰ هست .

۷ ـ بغیةالامال فی‌صناعة الرمل و تقویم الاشکال یا الحیل الروحانیه و الاطیار الطبیعیه فی‌دقائق‌الاشکال الهندسیه : ازاین کتاب نسخه‌ای در اوپسالا بشماره ۳۱۷ و در بادلیان(I.956) هست و از فارابی دانسته شد ولی در صحت انتساب آن شك کردندزیرا فارابی در «نکت» ستاره شماری واحکام نجوم را نکوهش نموده وبی پایه‌اش دانست وی میگوید :

« میتوانیم در برابر حوادث جهان و سرگذشتهای مردم که بد و نیك وزشت وزیبا و ستوده ونکوهیده و سودمند و زیانبخش در آنها هست بچیزهائی مانند جنبشها ورفتارهای جانوران و آوازهای پرندگان یاسخنانی که بنگارش در آید یاتیرهائیکه پرا کنند یا نامهائی که یادکنند یا جنبش و گردش ستارگان و مانند اینها بنگریم آنگاه می‌بینیم که اینها با آنها گاهی یکنواخت وساز گاردرمیآیند و گاهی دراینها بنامهائی برمیخوریم که مایه شگفتی است مگر اینکه اینگونه هماهنگی همیشگی نیست وخردمند نبایدبدان بنگرد ودرستش بداند و کودکان وفرومایگان و آنانکه روی برخی از رنجها و بیماریهای روانی مانند کامپرستی و خشم و اندوه و ترس وسرخوشی ومانند اینها ازخرد وهوش آنها کاسته شد بدینها میگرایند » پس بسیار دور است که کتاب یادشده از آن فارابی باشد

۸ـ پیدایش دانش (de ortu scientiarum) : بروکلمن میگوید که بلاتینی است ونسخه آن درپاریس بشماره ۶۲۹۸ و بادلیان بشماره ۲۹ر۵۶۲۳ هست . وی باز رساله دیگری درفهرست خویش (ج ۱ ص ۲۳۵ شماره D ۹) از فارابی بنام Alfarabi de tempore نشان میدهد

۹ـ تحصیل السعاده :

این کتاب دردکن بسال ۱۳۴۵ بچاپ رسید ودر کتابخانه مصر بشماره ۱۲۰ (حکمت) بنام (رسالة فی السعادة الموجودة) هست وبعبری نیز در آمده است .

۱۰ـ التعلیقات :

این رساله در دکن بسال ۱۹۴۶ بچاپ رسید و با تعلیقات خواجه رئیس ابوعلی سینا بی رابطه نیست و گویند که شاید آنرا از کتابهای گوناگون فارابی فراهم آورده باشند .

۱۱ـ تفسیر اسماء الحکماء : بروکلمن (ج ۱ پیوست ص ۳۷۷ شماره D ۱۶) از آن یاد میکند .

۱۲ـ تلخیص نوامیس افلاطون :

این کتاب درلیدن بشماره ۱۴۲۹ هست .

۱۳ ـ التنبیه علی اسباب السعاده : این رساله بعبری ترجمه شده و نسخه از آن بشماره ۷۷ درموزه بریتانیا هست .

۱٤ـ التنبیه علی سبیل السعاده یا رساله السعاده :

این کتاب دردکن بسال ۱۳٤٦ چاپ شده و ترجمه عبری دارد که درموزه بریتانیا بشماره ٤۲۵ هست .

۱۵ـ الجمع بین الرایین :

این کتاب چندین بار بچاپ رسیده است :۱ـ درالثمره دیتریسی بسال ۱۸۹۰ .

۲ـ درالمجموع للمعلم الثانی بسال ۱۹۰۷ درمصر و نیز چندبار دیگر درهمانجا

۳ـ درهاش شرح حکمت الاشراق چاپ تهران بسال ۱۳۱۵ ص۵۳۷ تاپایان کتاب .

فارابی درین کتاب کوشید که میان رایهای افلاطون وارسطو سازش دهد . آنرا بنام (کتاب فی اتفاق آراء ارسطوطالیس وافلاطون) نیزخوانده‌اند و از نگارشهای فارابی (کتاب الفلسفتین) نیز نام برده‌اند که شاید همین کتاب باشد. فارابی دوست نداشت که میان دانشمندان ناسازگاری باشد چنانکه دو کتاب دیگر مانند اینها درفهرست نگارشهای او یاد کرده‌اند : (کتاب فی اتفاق آراء بقراط وافلاطون) و (کتاب التوسط بین ارسطو وجالینوس) ـ فارابی ارسطورا بسیار بزرك میداشت این بود که از جالینوس ویحی نحوی خرده گرفته ودو کتاب (الردعلی جالینوس فیما تاوله من کلام ارسطوعلی غیرمعناه) و (الرد علی یحیی النحوی فیما رد به علی ارسطوطالیس) نوشته است .

فیلسوف سید داماد استرابادی نیز از فارابی پیروی کرده (رسالة فی مذهب ارسطاطالیس) را نگاشته و در آن گفته که افلاطون جهان را حادث دانسته ولی سخن ارسطو روشن نیست ولی فارابی دراین رساله هردورا همرای پنداشت .

۱٦ـ جوامع السیرالمرضیه فی اقتفاء الفضائل الانسانیة :

ازاین کتاب یك نسخه درلیدن بشماره ۱۹۳۲ هست وشاید همان (السیرةالفاضلة) باشد که درفهرستها یاد کردند زیرا مورخان نامی ازاین کتاب نبرده‌اند .

۱۷ـ جوامع کتب‌النوامیس لافلاطون :

نوامیس افلاطون را حنین و یحیی بن عدی ترجمه کردند و فارابی مانند جالینوس که بر برخی از نگارشهای افلاطون جوامع نوشته و تنها ترجمه تازی آنها درجهان هست ، ازاین کتاب گزین کرده است و نسخه آن درلیدن بشماره ۱۴۲۹ هست . ۵

۱۸ـ الحیل‌الروحانیه والاسرارالطبیعیة فی دقائق‌الاشکال‌الهندسیة :

نسخه آن در اوپسالا بشماره ۳۲۴ هست :

۱۹ـ الدعاوی‌القلبیه المنسوبة الی ارسطو مجردة عن‌الحجج :

این رساله دردکن بسال۱۳۴۵بچاپ رسید فارابی دراین کتاب بیشترمسائل الهی و طبیعی نحله مشائی و نوپلاتونی را فهرست وار یاد میکند و دلائل آنها را نمیآوردوبخوبی میرساند که مسائل فلسفی که بدانشمندان خاوری رسیده کدامند . ۱۰

۲۰ـ رساله فی‌الاخلاق .

۲۱ـ رسالة افلاطون فی‌ردمن قال بتلاشی‌الانسان .

۲۲ـ رسالة فی‌التصوف .

۲۳ـ رسالة فی تعریف الفلسفة : بروکلمن (ج ۱ ص ۲۳۲ شماره‌های ۱۸و ۱۵ ۱۹و۲۰ D وص ۲۳۶ شماره ۲ F) نسخه‌هائی ازاین چهار رساله را نشان میدهد که هست .

۲۴ـ رسالة فی تفسیر کتاب‌المدخل فی صناعة المنطق : بروکلمن دو نسخه با نشانه (As ۴۸۵۴/۵ و As ۴۸۳۹) نشان میدهد .

۲۵ـ رسالة فی تقسیم‌الواحد . ۲۰

۲۶ـ رسالة فی حدوث‌العالم : نیز وی ازاین دو رساله یاد نموده وگفته که دومی دررامپور بنشانه (I,303،1575) هست .

۲۷ـ رسالة‌الحروف .

ابن‌ندیم درفهرست درسر گذشت فارابی ص ۳۶۸ نامی‌ازاین کتاب نبرد ولی قفطی درتاریخ الحکماء ص ۱۸۴ نام (تعلیق کتاب‌الحروف) را برده است . ابن ابی ۲۵

اصیبعه (ج۲ص۱۳۹س۲و۲۲۶و۳۰) ازسه کتاب فارابی یاد میکند : ۱ـ (الالفاظ والحروف) ۲ـ (کتاب فی اغراض ارسطوطالیس فی کل واحد من کتبه) ۳ـ (مقالة فی اغراض ارسطوطالیس فی کل مقالة من کتابه الموسوم بالحروف وهو تحقیق غرضه فی کتاب مابعدالطبیعه) . دوم وسوم این کتابها همان است که درلیدن ومصر و هند بچاپ رسیده است و نخستین آن همان است که برو کلمن (پیوست ج۱ص۷ــ۳۷٦) درباره آن بکتاب المزهر سیوطی [۱] بازگشت داد و گویانسخه ای از آن در کتابخانه ها نباشد بجز همین (رسالة الحروف) این کتابخانه واز آنچه که سیوطی در المزهر (چاپ عیسی البابی الحلبی درمصر جزء ۱ ص ۲ ــ ۲۱۱) از این کتاب میاورد پیدا است که نسخه (رسالة الحروف) ما همان (الالفاظ والحروف) فارابی میباشد .

سیوطی مینویسد که ابونصرفارابی در (الالفاظ والحروف) میگوید : قریش شیواترین مردم عربستان هستند وزبان تازی تنها ازدودمانهای قریش وقیس وتمیم واسدوهذیل و کنانه و طی گرفته شده نه از شهرنشینان و بیابان گردانی مانند خاندانهای لخم وجذام همسایه مصریان و قبطیان واز قضاعه وغسان و ایاد همسایه شامیان که بیشتر ترساو عبری خوانند ونه ازتغلب ویمن که درجزیره زیست میکنند وهمسایه یونان هستند ونه از بکرهمسایه قبطیان وپارسیان ونه ازعبدالقیس وازد عمان که دربحرین بوده وبا هندیها و پارسیان آمیزش دارند ونه از یمنیان آمیخته با هندیان وحبشیان ونه از بنی حنیفه و یمامیان و ثقیف و طایفیان که با بازرگانان یمن آمیزش میکنند و نه از شهرنشینان حجاز زیرا زبان اینها را آورندگان زبان تازی آمیخته بازبانهای بیگانگان وتباه شده یافتند . آنانکه زبان تازی را آوردند و نگارشها درآن دارند و آنرا هنر و دانشی ساختند تنها همان بصریان وکوفیان میباشند .

این سخن را دراین رسالة الحروف فارابی (نسخه اینکتابخانه برك ۲٤) می بینیم این فیلسوف نخست قاعده کلی بدست میدهد ومیگوید : زبان پاك وسره را بایدازبیابان گردان وخانه بدوشان که با بیگانگان نمیامیزند گرفت نه ازدهگانان

---

(۱) برو کلمن بدین نشانه (728 و 2I) بآنکتاب بازگشت داده است

و شهرنشینان چنانکه درباره زبان تازی همین‌کار راکردند و بصریان و کوفیان از
سال ۹۰ تاسال ۲۰۰ زبان تازی شیوا و رسا را ازبیابان گردان میان خاك عربستان
که بیشترمردم گریز ودرشتخوی بودند وکمترفرمان می‌بردند واز دیگران پیروی
نمیکردند گرفتند وایشها دودمانهای قیس وتمیم واسدوطی وهذیل هستند ودیگران
که با بیگانگان ازحبش وهندی وپارسی و سریانی و شامی و مصری رفت و آمد ۵
داشتند زبان آنها آمیخته است وسره نیست .

از برابر کردن سخن فارابی و گفتار سیوطی پیداست که وی گفته فارابی را
گسترده ومشروح آورده است نه اینکه همان گفته اورا درالمزهر گنجانده باشد.
فهرست نگار گفتاری بنام (متافیزیك ارسطوورسالةالحروف فارابی) درمجله جلوه
سال۱شماره۲ تاریخ مرداد ماه سال۱۳۲۴خورشیدی ص۷۶ـ۸۲ نگاشته واندکی ۱۰
آنرا شناساند . این کتاب گرانبها گذشته ازمطلبهای دقیق فلسفی وتاریخی که دارد
ازچندین اصطلاح فلسفی گفتگومیکند و با شرح آنها دشواریهای الهی ارسطو را
برمیدارد وگویاهمین کتاب باشدکه خواجه ابوعلی‌سینا درسر گذشت خویش ازآن
نام برده وگفته که آنرا خریده وخوانده و دریافت سخنان ارسطو برای او آسان
گردید اگرچه درسر گذشت شیخ که خود برای جوزجانی املا نموده است چنین ۱۵
آمده است :(کتاب‌ابی‌نصر الفارابی‌فی‌اغراض‌مابعدالطبیعه) ونامی ازرسالةالحروف
برده نشد .

شاید چون بکتاب الهی ارسطو (کتاب‌الحروف) میگفته‌اند این رساله هم
که تعلیقی است برآن چنین نامیده شده باشد .

چنانکه یادشد این کتاب شامل تعریف وبررسی پاره‌ای‌ازاصطلاحات فلسفی ۲۰
است وگفتگو درباره‌اصطلاحات فلسفی وشناساندن‌آنها را نخستین‌باردر(تعاریفی)
می‌بینیم که بافلاطون نسبت داده‌اند گرچه بسیاری‌ازآنهاازنحله‌های مشائی ورواقی
والثائی‌میباشد ولی‌چندین تعریف را از کتابهای افلاطون گرفته وباسخنان دیگران
یکجافراهم آورده‌اند وبسیاری ازآنهارادیو گنوس لائرسیوس بافلاطون نسبت داده

است . ترجمه فرانسوی این (تعریفات) درجلد ۸ دوره کتابهای افلاطون درمجموعه
Budé بسال ۱۹۳۰ با متن یونانی بچاپ رسید و مترجم آن J. Souilhé میباشد
و بازهم E.Chambry آنرا ترجمه کرده درجلد ۸ دوره کتب او بسال ۱۹۳۹ چاپ شد
این دومترجم دردیباچه و حاشیه تعریفات تاریخ و منشأ آنرا نشان داده‌اند پس از
٥ افلاطون چنانکه پیش گفته‌ایم ارسطو دردفتر دلتا (دال) ازالهی از الفاظ فلسفی
کاوش نموده است ومانا پایه کارفارابی همین کتاب باشد .
درمیانه دانشمندان خاوری کندی بغدادی کتابی درحدودنوشته که درجزء ۱ رسائل
او بسال ۱۹۵۰ چاپ شد باز اخوان صفا در رساله دهم قسم ۳ (نفسانیات عقلیات)
اصطلاحاتی را تعریف کردند پس‌ازاینهاشیخ رئیس‌دررساله حدود الفاظی راتعریف
١٠ نمود که پیش یاد گردید .

میر سید شریف گرگانی نیز کتابی بنام تعریفات دارد که درقاهره بسال
۱۲۸۳ بچاپ رسید .

مندرجات رساله حروف فارابی بجای خود گزارش داده خواهد شد .
اکنون ببینیم دانشمندان پیشین چه آگاهی ازاین کتاب داشته‌اند : ابن‌رشداندلسی
١٥ گویا همین رساله را دردست داشته که درتهافت‌التهافت درمسئله هفتم (چاپ بوئیژ
در بیروت بسال ۱۹۳۰ ص ۳۷۱) میگوید : فارابی در کتاب‌الحروف روشن نمود که
مراد از « موجود » معنی اشتقاقی آن نیست بلکه مترجمان از آن معنی « ذات »
و« شیء » میخواهند نه معنی عرضی وچون درزبان تازی لفظ دیگری نیافتند کلمه
« موجود » مشتق را دراین معنی بکار بردند . برخی برای رساندن این معنی کلمه
٢٠ « هویت » را از « هو » ساختند ولی این تکلفی بیش نیست .

این مطلب دربحث از وجود و موجود برك ١٥و١٦ کتاب‌الحروف نسخه
این کتابخانه یافت میشود و فارابی دراینجا میگوید در زبان تازی لفظی نیست که
بجای « هست » فارسی و « استین » یونانی و « استی » سغدی آورده شود ناگزیر
برخی بجای آن «هو» را بکاربرده و از آن « هویت » درست کردند وبرخی دیگر
٢٥ بجای آن « موجود » مشتق را بکار بردند ازاینجا است که می‌پندارند « موجود »

فلسفی مشتق وعرضی است . بازمیگوید من روامیدارم هم « هو » وهم « موجود » بکار برند ولی باید « هو » را ادات دانست نه اسم . فارابی در اینجا داد سخن را میدهد و آنچه بایست میگوید و پیداست که ابن‌رشد آنچه گفته است از وی گرفت بازابن‌رشد در تفسیر مابعدالطبیعه دفتر دال (ج ۲ ص ۸ـ۵۵۷ چاپ بوئیژ) ودرجامع مابعدالطبیعه مبحث موجود و هویت (چاپ دکن ۱۳٦۵ ص ۱۰ — ۲۱) همین سخنان را آورد .

فارابی در (فصول یشتمل علی جمیع مایضطر الی معرفته من اراد الشروع فی صناعة المنطق) بازبهمین آوردن « هو » بجای « است » اشاره‌ای نمود و گفت : « یقوم مقام الکلمة الوجودیة فی الحاضر هذه اللفظة » .

پس ازابن‌رشد سعد تفتازانی درشرح شمسیه خود سخن فارابی را دررابطه بودن « هو » درقضیه حملیه عربی آورد(۱) وی درتهذیب المنطق خویش در آغاز مقصددوم هم میگوید : «قداستعیر لهاهو» وشهابادی درحاشیه خودبراین کتاب آشکارا این مطلب را بفارابی نسبت میدهد مانا همین کتاب حروف را دردست داشته بود . قطب رازی درشرح مطالع سخن رئیس (درشفا فصل ٦ مقاله ۱ یك فن عبارت منطق) را دراینکه «هو» رابطه قضیه حملیه درزبان تازی است میآورد ومیگوید که این لفظ ضمیراست وربطی رانمی‌رساند ورابطه درزبان تازی همان اعراب میباشد واگر قضیه‌ای ازدولفظ مبنی ساخته شود ثنائی و گرنه ثلاثی خواهد بود . رازی دراینجا اشاره‌ای بگفتار فارابی ندارد(۲) . سخن رازی درست نیست زیرا همین اعراب در زبانهای دیگر مانند یونانی وجز آن هست ورابطه غیرزمانی درقضیه حملیه هم دارند .

۲۸ـ رسالة فی الحکمة : برو کلمن ازاین رساله یادنمود .

۲۹ـ رسالة فی السیاسه :

---

۱ - بنقل عبدالرحیم در حاشیه برحاشیه شهابادی چاپ تهران سال ۱۲۸۰ در هامش همین حاشیه .— نیزدیده شود شرح شمسیه تفتازانی برك ٤٦ نسخه شماره ۲۹۱ دانشگاه تهران ولی نامی ازفارابی نمیبرد. تفتازانی پس‌ازآوردن این سخن از آن خرده گیری کردواعراب را رابطه دانست و از قطب رازی که درشرح شمسیه گفته که درزبان پارسی رابطه همیشه هست نیزخرده گرفت و گفت رابطه درقضیه‌ای که محمول آن فعل باشد لازم نیست

۲. دیده شود . شرح مطالع فصل ۲ باب ۱ قسم ۲ (اکتساب تصدیقات)

ازاین رساله نسخه‌ای درواتیکان رم هست که ا ب شیخو ازروی آن بچاپ رسانده‌است‌ودر کتابخانه‌دانشگاه مصر نیز نسخه‌از آن‌هست. ازاین (رسالة‌السیاسة) پاره در سال ۱۲ مجله (الطبیب) و همه آن در مجله (المشرق) بسال ۱۹۰۱ چاپ شد.

۳۰ـ رسالة فی‌العقل :

ابن‌ابی‌اصیبعه(۶۰۰=۱۲۰۳م — ۶۶۸=۱۲۷۰م)(ج۲ص۱۳۹س۹) ازدو کتاب یاد میکند (کتاب فی‌العقل کبیرو کتاب فی‌العقل صغیر) ولی دردیگرفهرستها یکی یاد گردید ودرنسخه های چاپی وخطی بجز نسخه فاتح که بوئیژ بچاپ رساند درپایان، مبحث‌بود عقل فعال وعقول فلکی را ندارد و گویا چون باعقیده متکلمان نمیساخت ازنسخه‌ها برداشتند ولی بایستی جزء نسخه باشد و اگر نه مطلب ناقص میماند این افزوده تنها در ترجمه های لاتینی وعبری سده‌های‌میانین دیده میشود این رساله را یك ترجمه لاتینی است‌کامل که مترجم آن شناخته‌نشد و گویا ازسده ۱۳و۱۴ باشد و نسخه‌ای از آن در برسلو هست و دو ترجمه عبری یکی تلخیص یداعیاپنینی Jedaja Pennini فیلسوف یهودی (۱۲۷۰ ـ ۱۳۴۰) نسخه پاریس ۹۸۴ عبری . دومی ترجمه کالونیموس بن‌کالونیموس در۲۷ آوریل سال ۱۳۱۴م که نسخه از آن درلایپتسیك بشماره ۳۹ هست ونیز درمونیخ بشماره ۱۲۵ عبری. ترجمه لاتینی که درسده ۱۳و۱۴ شده در۱۴۹۵ودر۱۵۰۰ویکباردیگردرمجموعه ازفلاسفه ابن‌سینا ونیز در۱۶۳۸ بچاپ رسید .

از فلاسفه یهودی هلال بن صموئیل واسحق لطیف‌درسده ۱۳ و لاوی بن جرشون در سده ۱۴ و ابراهام بیاجو و یوسف بن سنتوب درپایان سده ۱۵ براین رساله تعلیق نوشتند .

چنانکه گفته‌شداین رساله بلاتینی ترجمه شده‌است‌وماسینیون آنرابامتن تازی برابرساخته سپس بفرانسه ترجمه کرده و در جلد ٤ Archive d'histoire doctrinal et litteraraire du Moyen Age با تعلیق ژیلسون بچاپ رسید .

ربانی جوان میکائیل روشن شتاین Mich Rosostein ترجمه عبری و لاتینی

این رساله را در برسلاو بسال ۱۸۵۸ بچاپ رساند و ترجمه عبری دیگری از آن که شاید از سموئیل بن تیبون (۱۲۳۰ ـ ۱۱۵۰) باشد در پاریس هست (بشماره ۱۸۵ عبری) این رساله در (الثمره) دیتریسی و درمصر بسال ۱۹۰۷ سه بار و نیز یکبار در۱۳۲۷ چاپ شد و نسخه کامل آنرا موریس بوئیژ از روی نسخه کتابخانه فاتح دراسلامبول مورخ ۵۹۰ درچاپخانه کاتولیکی بیروت بسال ۱۹۳۸ بچاپ رساند وازاین بخش که برپایان رساله افزوده است و باندازه شش صفحه میباشد دردلالة الحائرین موسی بن میمون فیلسوف یهودی (۵۲۹=۱۱۳۵-۶۰۱=۱۲۰۴) آمده است (بخش ۲ فصل ۱۸ چاپ مونك درپاریس ۱۸۶۱ ج ۲ برك ۳۷ ب س ۱۰-۱۳ متن وص ۱۳۹ ترجمه) .

۳۱ـ رسالة فی العلم الالهی درکتابخانه تیمور (۱۷حکمت) هست

۳۲ـ رسالة فی علم الفلسفه : بروکلمن ازاین رساله یاد میکند .

۳۳ـ رسالة فی علم الفراسة :

نسخه‌ای از آن در کتابخانه مجلس بشماره ۶۳٤/۶ (ج۲ فهرست ص ۳۹۶ هست .

۳٤ـ رسالة فی ماهیة الروح : لطفی مینویسد (ص۱۸) که نسخه‌ازآن هست .

۳۵ـ۳۶ـ رساله فی ماهیة النفس : ازاین رساله نسخه‌ای دربودلیان بشماره (1،980) هست و بعبری نیز ترجمه شده است و نیز رساله‌ای بنام (شرح رسالة النفس لارسطوطالیس) دررامپورهست .

۳۷ ـ رسالة الماهیة والهویة : نسخه‌ای از آن در کتابخانه مجلس بشماره ۶۳٤/٤ (ج ۲ فهرست ص ۳۹۵) هست که همان فصوص الحکم میباشد .

۳۸ـ السیاسات المدنیة یا مبادیء الاجسام یا مبادیء الموجودات .

این کتاب در بیروت بسال ۱۹۰۲ ودردکن بسال ۱۳٤۶ بچاپ رسید و بعبری نیز ترجمه شده و گویا موسی بن طبون آنرا ترجمه کرده و نزدیك بسال ۱۲٤۸ م بپایان رسانده باشد . موسی بن میمون فیلسوف بزرك یهود (۵۲۹ ـ ۶۰۱) در «دلالة الحائرین» از آن یاد کرد وبشاگردخود ابن طبون سپرد که درفلسفه جز آنرا

نخواند و ترجمه عبری آن در کتابخانه پادشاهی در سه نسخه گوناگون هست و M. PHilippowski آنرا درمجموعه‌ای که بدان Sepher ha AsiPh نام داده بسال ۱۸٤۹ در لایپتسیك بچاپ رساند (دائرةالمعارف اسلامی) ومتن عبری با آنچه را که قاضی صاعد اندلسی (٤۲۰ ـ ٤٦۲) در طبقات الامم (چاپ مطبعه سعادت مصر بی‌تاریخ ص ۸۵) درباره السیاسة المدنیه گفته است ساز کار میباشد .

فارابی در این کتاب نخست از شش مبدء (سبب نخستین ـ سببهای دوم ـ عقل فعال ـ نفس ـ صورت ـ ماده) یاد میکند و رشته سخن را از جهانشناسی بشناخت مردمی میکشاند تا اینکه باخلاق و سیاست میرسد و مانند (اراءالمدینة الفاضله) ازمدینه فاضله واضداد آن گفتگومیکند وپیداست که ازجمهوری افلاطون بسیارمتأثر است .

۳۹ـ شرح رسالةالملاالاعلی لزینون یا شرح رسالة فی‌العلم‌الاعلی لزینون الکبیرالیونانی :

این کتاب دردکن بسال ۱۳٤۹ بچاپ رسیده ودرآغاز آن فارابی میگوید از زینون بزرگ شاگرد ارسطو واز شیخ یونانی (پلوتینوس) نگارشهائی دیدم که ترسایان شرحها بر آن نوشتند مگر اینکه چیزهائی از آنها کاستند وچیزهائی بر آنها افزودند و من چنانکه بر یك شارحی می باید بر آنها شرح نوشتم و نخستین آنها رساله زینون بزرك یونانی است آنگاه سخنان زینون راکه از شش چیز کاوش میکند : (خدا شناسی ـ شناخت صفات او ـ بستگی آفریدگان باو ـ درباره پیامبری ـ درباره دین و آیین ـ درباره روز رستاخیز) گزین کرده گزارش میدهد این کتاب بروش مشائیان اسکندرانی نوشته شده است .

درتاریخ الحکماء شهرزوری (برك ۹۳ـ۹۵ شماره ۸۵٦ و ترجمه پارسی آن بشماره ٤۲۷ برك ۱۱٦ ب تا برك ۱۱۹ ب وترجمه آن ازدری بخش۱ص ٤ـ ۱۸۰ و ترجمه گزیده آن بشماره ۲۸۳ برك ۳۳ ب ۳٤ ب) و در محبوب‌القلوب قطب‌الدین محمدبن شیخعلی شریف دیلمی لاهیجی (چاپ ایران بسال ۱۳۱۷ ص ۸ ـ ۱۳٤) سرگذشت زینون آمده و پیداست که ازآن زنون‌الثانی را میخواهند

زیرا در تاریخ فلسفه از سه تن فیلسوف بنام زنون یاد کرده‌اند :

۱ـ زنون Zenon الئائی که در الئامیان ٤٨٥ و ٤٩٠ پیش از مسیح زاده و از آزاریکه جبار شهروی درباره او رواداشت در گذشت وی شبهاتی دارد که فارابی در کتاب مغالطه «الاوسط» برخی از آنها را آورده است .

۲ـ زنون رواقی که در سیتیوم Citium قبرس نزدیك بسال ٣٦٢ پیش از مسیح زاده و در آتن نزدیك بسال ٢٦٠ در گذشت . وی یکی از فلاسفه رواقی میباشد .

۳ـ زنون سیدونی کـه در نزدیك بسال ١٠٠ پیش از مسیح رهبری دسته اپیکوریان را داشته واستاد سیسرون وفیلودمس بوده است .

فارابی در اینکتاب که درست از فلسفه نوپلاتونی که رنك اسلام گرفته است گفتگو میکند گویا از زنون همان دانشمند رواقی را میخواهد مگر اینکه برخی از مسائل مانند نبوت از کلام یهودی ومسیحی واسلامی بر آن افزوده شده است .

لاهیجی دو فصل اخیر این شرح فارابی را در محبوب القلوب آورده و از سخنانیکه شهرزوری ازوی دانسته بر آن افزوده .

٤٠ـ شرح المجسطی .

درموزه بریتانیا بشماره (٧٣٦٨ خاوری) هست .

٤١ـ شرح المستغلق من مصادرة المقالة الاولی والخامسة من اوقلیدس :

این کتاب را موسی بن طبون نزدیك بسال ١٢٧٠م بعبری درآورد و نسخه‌ای از آن در کتابخانه مونیخ بشماره ٢٩٠و٣٦ هست .

٤٢ـ شرح مقالة الاسکندر الافرودیسی فی النفس علی جهة التعلیق :

نسخه‌ای از این در کتابخانه بادلیان اکسفورد بشماره ٨٩٠ ودر برلین بشماره ٤١٧٨ هست .

٤٣ـ عیون المسائل علی رای ارسطوطالیس .

ابن ابی اصیبعه (ج ۲ ص ١٤٠) میگوید که این کتاب دارای ١٦٠ مسئله ارسطاطالیسی است این کتاب در لیدن در الثمره دیتریسی بسال ١٨٩٠م ودر مطبعه السعاده مصر بسال ١٣٢٥ ودر المجوع ودرمکتبه سلفیه مصر بسال ١٣٢٨ چاپ شد و نسخه

چاپی مصر دارای ۲۲ مسئله میباشد و دیتریسی و المجموع نیز آنرا در ۲۲ بند گذارده اند و یك بار دیگر نیز درمصر با دو رساله‌دیگر بچاپ رسید و در۲٤ بند گذارده شده است و از چاپهای دیگر درجدا کردن‌مسائل بهتراست .

٤٤ـ الفصوص .

ابن‌ندیم (۲۹۷ ـ ۳۸۵) درفهرست و قاضی صاعد اندلسی (م ٤٦۲) در طبقات‌الامم و بیهقی (م ٥٦٥) درتتمه صوان‌الحکمه وقفطی (٥٦۸ـ٦٤٦) درتاریخ الحکماء (وترجمه آن‌بشماره٤۲٤برگهای۱۲۲و۱۲۳) وشهرزوری درنزهةالارواح و روضةالافراح (نسخه شماره ۸٥٦ برك ۱۳۱ـ۱۳۲ و ترجمه پارسی آن بشماره ٤۲۷ برك ۱٦۹ تا برك ۱۷۱ دراین کتابخانه وهمچنین ترجمه دری ازآن ص۳٦ـ ٤۰بخش۲) وابن‌ابی‌اصیبعه (٦۰۰ـ٦٦۸) درعیون‌الانباءوابن‌خلکان (٦۰۸ـ٦۸۱) دروفیات الاعیان ازکتاب فصوص‌الحکمه یاد نکرده‌اند و خوانساری (م ۱۳۱۳) درروضات‌الجنات نیزازآن یادننمود تنهاحاجی خلیفه کاتب چلبی (۱۰۱۰ـ۱۰٦۸) درکشف‌الظنون ازفصوص فارابی وشرح آن یادکرده است .

شهاب‌الدین یحیی‌بن‌حبش سهروردی تعلیقی برفصوص دارد بنام عجائب النصوص فی‌تهذیب‌الفصوص. فصوص‌الحکم‌را امیر سید اسمعیل حسینی شام غازانی تبریزی (م ۱۸ محرم ۹۱۹ در ٦۹ سالگی) شاگرد دوانی بنام سلطان یعقوب بهادرخان بایندری آق‌قوینلو (۸۸۳ـ۱۱صفر ۸۹٦) شرح کرده ودرنیمه روزآدینه ۲٥ ربیع دوم سال ۸۹٦ آنرا بپایان رساند . این شرح درتهران بسال ۱۳۱۸بچاپ رسید و نیزدرچاپخانه العامردر ۱۲۹۱ بچاپ رسیده است وهمان است که هورتن Horten برآن تعلیقی‌نوشته وبسال ۱۹۰٦چاپ نمود .

ابوجعفرمحمدتقی‌استرابادی (م۱۰٥۸) نیزفصوص‌الحکمه را شرح نموده ودر۱۰٥٦آغازکرده ولی آنرابپایان نرساندونسخه‌ازآن بشماره ۸۳٥ درکتابخانه آستانه طوس‌هست وشرح دیگری هم‌بشماره ۸۳٦درآن کتابخانه هست‌که آغاز وانجام نداردو گمنام است (فهرست طوس ج ٤ ص۱۸۷ـ۱۸۹) درالمجموع للمعلم الثانی . . . الفارابی چاپ چاپخانه سعادت درمصر بسال ۱۳۲٥/۱۹۰۷ در ص ۱۱٥ ـ ۱۷٦

گزیده‌ای ازشرح تبریزی بچاپ رسیده‌است که سید محمد بدرالدین حلبی عبارات تبریزی را جسته جسته گرفته و گرد هم آورده بدان نام (نصوص الکلم علی کتاب فصوص‌الحکم) داده است وی از شرح تبریزی بسیاریرا انداخت و درآغاز و انجام گزیده خود میرساند که این شرح از وی نیست و او تنها گزین نموده است وازبرابر کردن دو نسخه چاپ ایران ومصراین امر آشکارخواهد بود ـ شرحی قطب شیرازی برفصوص نوشته که دررامپورهست (برو کلمن ج ۱ص ۲۳۵ شماره D۷) شگفت این است که بند ۳۰ تا بند ۵۰ فصوص (درشماره گذاری دیتریسی) درست همان رساله (القوی‌النفسانیة وادراکاتها) است که بخواجه‌ابوعلی‌سینانسبت داده‌اند و در تسع رسائل در مصر بسال ۱۰۹۸ و در مجموع رسائل در مصر بسال ۱۳۲۸ بچاپ رسید .

ازدانشمندان سید داماد (م ۱۰۴۱) است که درقبسات (قبس ۱۰) صفحه ۲۹۹ چاپ ۱۳۱۵ ایران بند ۱۱ از فصوص فارابی (فص انفذالی الاحدیة تدهش الی‌الابدیة . . . . جری‌القلم علی‌اللوح بالخلق) را میاورد و نیز در قبس یکم (ص ۱۴) بند ۳ آنرا آورده است : «المهیة‌المعلولة لها عن ذاتها ان لیست ولها عن غیر ان توجد . . . . فهی‌محدثة لابزمان تقدم» .[۱]

پس‌ازوی صدرالدین شیرازی درمبدء ومعاد درمقاله ۱ فن ۱ (ص ۲۹ چاپ تهران بسال ۱۳۱۴) پاره‌ای از بند ۲۲ فصوص فارابی : (ان لك منك غطاء افضلا عن لباسك من بدنك) را آورد ولی درمقاله ۲ آن (ص ۵۳) عبارت (وجود کله وجوب کله علم کله قدرة کله حیوة کله . . . را میآوردو بفارابی‌نسبت میدهد و نامی ازفصوص‌نمیبرد مگراینکه این عبارت در نسخه‌های چاپی‌فصوص دیده‌نشده اگرچه بسیارشبیه بسبك فصوص میباشد .[۲]

۴۵ـعلوم‌المسائل ونتایج‌العلوم:

برو کلمن (ج ۱ ص ۲۳۵ شماره D ۲۳) ازآن یاد کرد .

۱ـ دیده شود ، فصوص چاپ دیتریسی ص ۶۷ـ۶۹ و درالمجموع ص۱۲۸-۱۳۵

۲ـ دیده شود فصوص چاپ مصر ص۱۴۳ وچاپ براین ص۷۱

۴۶ـ الفصول : در بودلیان (I،102) نسخه‌ای از آن هست و بعبری نیز ترجمه گردید.

۴۷ـ فی مسائل متفرقه :

ابن ابی‌اصیبعه (ج ۲ ص ۱۴۰) از آن بنام (جوابات امسائل سئل عنها) یاد میکند و میگوید که دارای ۲۳ مسئله میباشد و دیتریسی آنرا در الثمره بسال ۱۸۹۰ در ۴۰ بند بچاپ رساند و در دکن بسال ۱۳۴۴ در ۳۱ پرسش و پاسخ و ۵ فصل و چندین بند دیگر که درست جدا نشده است چاپ گردید و نیز درمصر بسال ۱۹۱۷ بچاپ رسید.

۴۸ ـ کتاب فی علم المزاج :

بروکلمن از آن با نشانه (Landberg Brill 1484) یادمیکند.

۴۹ـ کتاب الملة الفاضله : نسخه ازاین در کتابخانه تیمور پاشا بشماره ۲۹۰ اخلاق هست.

۵۰ـ کلام فی العلم الالهی : نسخه خطی آن در کتابخانه تیمور پاشا بشماره ۱۱۷ حکمت هست.

۵۱ـ ماینبغی ان یقدم قبل تعلم الفلسفه : این کتاب بارها بچاپ رسیده و ترجمه عبری نیزدارد.

۵۲ـ المقالات الرفیعه فی اصول علم الطبیعه : بروکلمن (ج ۱ ص۲۳۴ شماره ۵ C) نسخه‌ای ازاین رساله را نشان میدهد که هست.

۵۳ـ مقالة الاسکندر الافرودیسی : بروکلمن (ج ۱ ص۲۳۵ شماره ۲۲ D) مینویسد که در پاتنا هست و در شمار نگارشهای فارابی میاورد.

۵۴ـ مقالة فی وجوب صناعة الکیمیاو الردعلی مبطلیها: نسخه ازاین در لیدن بشماره ۱۲۷۰ و در برلین بشماره ۴۱۷۸ هست.

۵۵ـ الملتقطات لافلاطون : نسخه ازاین در رامپور II، 841 هست.

۵۶ـ منتخبات من المدخل فی الحساب : در رامپور بشماره 68 ،418 ،1 نسخه ازاین هست.

۵۷ـ الموسیقی :

ابن‌ابی‌اصیبعه (ج ۲ ص ۱۳۹) گوید که فارابی (الموسیقی‌الکبیر) را برای وزیر ابی جعفر محمد بن القاسم الکرخی نگاشته است .

این کتاب در لیدن بشماره ۱۴۲۳ هست و بارون ردلف در لانژه Baron Rodelphe d'Erlanger موسیقی‌بزرگ فارابی‌وموسیقی‌شفای‌خواجه‌رئیس و موسیقی ارموی را بفرانسه ترجمه کرده و درسه جلد بنام La Musique Arbe بسالهای ۱۹۳۰ و ۱۹۳۵ و۱۹۳۸ در پاریس بچاپ رساند[۱] .

از کتاب موسیقی کبیر فارابی پیداست که وی از بزرگترین موسیقی‌دانهای سده‌های‌میانین‌است . بازابن‌ابی‌اصیبعه‌ازکتاب دیگرفارابی‌بنام (کلام فی‌الموسیقی) یاد میکند .

پنج کتاب موسیقی درفهرستها نشان داده وازفارابی دانستند :

۱ـ (کتاب علم‌الموسیقی) که دراسکوریال بشماره S40 هست .

۲ـ (کتاب‌المدخل فی تعلیم الموسیقی) که درکتابخانه رامپور (366 ,1) وکتابخانه راغب پاشا در استانبول بشماره ۸۷٦ و کتابخانه کوپرولی بشماره ۹۵۳ هست واین کتاب را درزبان عبری می‌شناختند .

۳ـ (صناعة علم‌الموسیقی) که نسخه‌ای از آن درکتابخانه کوپرولی بشماره ۹۵۳ و درکتابخانه مصر نسخه عکسی از آن بشماره ۵۱۲ (هنرهای زیبا) هست .

٤ـ (کتاب فی‌الموسیقی) که درکتابخانه تیمور نسخه‌ای از آن هست ولی درص ۲۰۹ آن از ابن سینا یاد میشود پس‌ازفارابی نخواهد بود .

۵ـ (اسطقسات علم‌الموسیقی) که بگفته بروکلمن ازفارابی‌است ونسخه‌ای

1— La Musique Arabe, traduction par . . . .

T. I Alfarabi, Grand traité de la musique paris 1930.

T. II Kitab al-Shifá, Mathematique ch. XII Paris 1935.

T. III. Safiyu-D.Diu Al-Urmawi Paris 1928.

(دراین جلد شرفیه وادوار ارموی هردوترجمه شد)

ازآن درمادرید بشماره ٦۰۲ هست .

لاند Lande خاورشناس هلندی پاره‌ای‌ازرساله موسیقی‌فارابی را درنامه ششمین انجمن خاوری درلیدن بسال ۱۹۰۳ بچاپ رساند .

دانش وهنرموسیقی را دانشمندان خاوری ازایران ویونان گرفته‌اند واز آغاز موسیقی‌دانهـای ایرانی بدربارهای فرمانروایان تازی راه یافته در این هنر سرامد بوده‌اند . نگارشهای موسیقی یونانی بزبان تازی درآمده بود . ساختمان‌و روش این‌فن ازریاضی یونان واصطلاحات این هنربیشتر پارسی میباشد و نشانه‌های ایرانی دراین هنرآشکاراست .

نخستین بارنگارشهای‌اقلیدس (کتاب‌النغم‌معروف بموسیقی) ونیقوماخوس (الموسیقی‌الکبیر) بزبان تازی درآمده آنگاه دانشمندانی چند دراین دانش‌کار کرده‌اندکه بیشترآنها ایرانی هستند :

۱ـ اسحق ارجانی موصلی (۱۵۰ـ۱۳۵) که مادرش شاهك رازی و پدر وی ابراهیم پسر ماهان پسربهمن پسرنساك بوده‌است . این‌هنرمند چندین‌نگارش در موسیقی و سرود دارد و ازآنها است : اغانی کبیر ـ مجموعه اغانی ـ اغانی معبد ـ الاختیارمن‌الاغانی للواثق. یحیی‌بن علی درنگارشی که بنام موصلی ساخته از (کتاب‌النغم) او گرفته است .

۲ـ فیلسوف کندی بغدادی (۱۸۸ـ۲۵۸) که ابن‌ندیم (ص ۳۵۹) هفت نگارش موسیقی از وی یاد میکند یکی از نگارشهای موسیقی اورالاخمان وحفنی بچاپ رساندند .

۳ـ ثابت بن قره حرانی (۲۲۱ـ ۲۸۸) که قفطی (۸۲) دو کتاب موسیقی از او یاد میکند .

٤ـ قسطابن لوقا ترسای بعلبکی شامی رومی (مرده درارمنستان نزدیك ۳۱۰) که ابن‌ندیم میگوید وی درموسیقی‌آگاه بوده است .

۵ـ ابی‌طالب مفضل‌بن سلمه نحوی لغوی (م ۱۹۰ = ۹۰۱) که (الملاهی نوشته است .

۶ـ پسر خرداذبه (م نزدیك ۳۰۰) نویسنده (اللهو والملاهی).

۷ـ فارابی (۲۵۹ـ۳۳۹) که چند کتاب موسیقی دارد.

۸ـ خوارزمی (م ۳۸۷) که‌درمفاتیح‌العلوم (باب۷مقاله۲ص۱۲۶ـ۱۴۱چاپ منیریه مصر) ازموسیقی سخن راند.

۹ـ اخوان‌صفا (سده ٤) که در رساله ٥ بخش ریاضی‌رسائل ورساله٤بخش ریاضی‌الرساله‌الجامعه این هنررا آورده‌اند. ۵

۱۰ـ خواجه رئیس ابوعلی سینا (۳۷۰ـ٤۲۸) که درفن چهارم ریاضی‌شفا و رساله موسیقی این هنررا آورد. این دومی را استاد محمود حفنی‌ازروی نسخه اکسفورد در برلین‌بسال۱۹۳۱چاپ کرد ودرمجموعه هفت رساله دردکن‌بسال ۱۳۵۴/۱۹۳۴ نیز بچاپ رسید. ۱۰

۱۱ـ ابوعبید جوزجانی‌شاگرد شیخ رئیس که برنجات ودانشنامه اورساله موسیقی افزود.

۱۲ـ ابی‌منصورحسین‌بن‌محمدبن‌عمربن‌زیله(م٤٤۰) که‌الکافی‌فی‌الموسیقی‌را درسه فصل (نغم ـ ایقاع ـ تألیف اللحون) نوشته و نسخه از آن درموزه بریتانیا و رامپورهست. ۱۵

۱۳ـ ابی‌الصلت امیه اندلسی (م۵۲۹) پزشك شاعرموسیقی‌دان که عودخوب میزد و (رسالة فی‌الموسیقی) دارد.

۱٤ـ ابن باجه ابوبکرمحمدبن‌الصائغ‌اندلسی (م۵۳۳) پزشك موسیقی دان که عود خوب میزده است.

۱۵ـ امام فخرالدین تبرستانی رازی (م ٦۰٦) که درجامع‌العلوم یاستینی پارسی درشماره ٤۷ ازموسیقی سخن راند. ۲۰

۱٦ـ ابوالمعالی‌بدرالدین محمدعلی‌خطیب‌شافعی‌فرزند احمد اربلی موصلی (زاده ٦۸٦) سراینده (ارجوزةالانغام) بسال ۷۲۹ که عزاوی دربغداد بسال ۱۳۷۰/۱۹۵۱ چاپ کرد ونیز درمجله مشرق (ج ۱٦ ص ۸۹۵) بنام جواهرالنظام فی‌معرفةالانعام ازروی نسخه۸۷۷چاپ شد وشرح آن بنام برءالاسقام فی‌شرح قصیدةالانعام دربرلین ۲۵

بشماره ۵۵۱۵ هست.

۱۷ـ صفی الـدین ابوالمفاخر عبدالمؤمن بن یوسف بن فاخر ارموی آذربایگانی که قطب شیرازی درموسیقی درةالتاج (چاپ تهران ص۵) درباره آن (افضل ایران) گفته است وی نزدیك بسال ٦۱۳ زاده و در ۸یا۲۰ صفر سال ٦۹۳ درزندان بگناه تهی دستی وبدهکاری درگذشت. این دانشمند ازمردم بلخ بوده و باادب وتاریخ وخلاف آشنائی داشت وشعر میسرود وخوش می‌نوشت ودرموسیقی سرآمد بوده است. وی درتبریز و بغداد میزیست و کار کتابداری نیز کرده است، این موسیقی دان ایرانی با آمیختن قانون و رباب و نزهه ساز مغنی را ساخت و چندین نگارش درشعر وموسیقی دارد:

الفـ العروض والقوافی والبدیع که نسخه‌ای از آن در (بودلی) هست.

بـ الکافی من‌الشافی که در (کتابخانه عمومی دمشق) هست

جـ ایقاع در مـوسیقی پارسی که شکرالله احمد اوغلو آنرا بترکی در آورده بخشی از کتاب بزرك خویش ساخت ودرمجله ترکی (شهبال) در استانبول چاپ شد واحمد بن‌عبدالرحمن موصلی آنر بعربی درآورد.

د ـ الرسالة الشرفیه فی‌النسب التألیفیه یاکتاب الموسیقی که برای شرف الدین هارون پسر شمس‌الدین محمد جوینی نوشت و نسخه‌هائی از آن درآستانه ومصر و برلین (مورخ ٦۷٦) و مجلس شورای ملی و کتابخانه ملی ملك در تهران هست وترجمه فارسی آن درکتابخانه حاجی محتشم السلطنه بوده است و کارادوو خاور شناس فرانسوی گزیده آنرا بفرانسه در آورده ودرمجله آسیائی بچاپ‌رسید

هـ ـ الادوار که ارموی آنرا پیش از گشودن بغداد نگاشته ودر۱۵ فصل میباشد و نسخه مـورخ ٦۳۳ آن در نـور عثمانیه بشماره ۳٦۵۳ و نسخه نوشته عبدالکریم بن‌السهروردی درتاریخ۷۲۷ درمصر بشماره ۳٤۹ (هنر های زیبا)هست این کتاب راچندین بار بپارسی ترجمه وشرح کردند:

I ـ ترجمه پارسی نسخه ملی ملك که گویا ازخود صفی الدین است

II ـ شرح شهاب الدین صیرفی.

III شرح یحیی بن احمد کاشی موسیقی دان که بدستور شاه شیخ ابواسحق اینجو (۷۲۱-۷۵۸) نگاشته و نسخه‌ای از آن درمجلس تهران هست و در آن گاهی ترجمه و گاهی تفسیر نمود .

IV شرح نصرالله قاینی .

V شرح خواجه عبدالقادر غیبی مراغی آذربایگانی (۷۵٤ - ۸۳۸) بنام زبدةالادوار. وی رساله زوایدالفواید خویش را پس از آن نوشته و بر آن افزود واینده با رساله موسیقی بترکی در سپهسالار تهران هست . مراغی دیباچه‌ای بر این شرح نوشته وبنام شاهرخ ساخته است وعزاوی نسخه آنرا دید .

VI شرح لطف‌الله سمرقندی .

VII ترجمه محمداسماعیل سپاهانی که برای میرزا آقاخان نوری صدراعظم ناصرالدین شاه نگاشت و نسخه آن درمجلس ومسجدسپهسالار هست .

الادوار چندین شرح وترجمه بعربی وترکی دارد :

I شرح عربی مولانا مبارکشاه که برای جلال‌الدین ابوالفوارس شاه شجاع مظفری (۷٦۰-۷۸٦) نگاشته و نسخه آن درموزه بریتانیا هست .

II شرح عربی فخرالدین محمدبن محمدبن ابی نصرخجندی (موزه بریتانیا)

III شرح عربی گمنام (موزه بریتانیا) .

VI ترجمه ترکی شکرالله احمداوغلواماسیه‌ای در آغازسده نهم که ۲۱ فصل بر آن افزود . این ترجمه درجلد آخر مجله ترکی شهبال بچاپ رسید و دوره‌ای از آن را مخبرالسلطنه بکتابخانه آموزشگاه عالی موسیقی بخشیده است .

۱۸- قطب شیرازی (٦۳٤ - ۷۱۰) که در درةالتاج (بخش ۲ چاپ تهران بسال ۱۳۲٤ در ۱٤۹ صفحه) درفن ٤ جمله ٤ (علم اوسط) ازموسیقی سخن راند وی در آغاز ازخرده گیریهای ارموی برفارابی وابن سینا پاسخ گفته و باز درجاهای دیگر ازفارابی وارموی یاد نموده است .

۱۹- شهاب‌الدین عبدالله صیرفی خنیاگرخوشنویس (م۷٤۲) که خلاصةالافکار فی معرفة الادواررا برای سلطان اویس (۷۵۷ - ۷۷٦) نوشت (نسخه آقای همائی

که در تاریخ ادبیات ایران خود ج ۱ ص ۲۱۴ و ج ۲ ص ۸۸ از آن یاد کرد) .

۲۰ـ شمس‌الدین محمد آملی (م ۷۵۰) که درمدرسه غازانیه تبریز درس میگفت وسپس درروزگار شیخ ابی‌اسحق بشیرازرفت شیرازی درشدالازار (چاپ تهران بسال ۱۳۲۸ ص ۱ـ ۴۵۰) مینویسد که او را دیدم و با او آمیزش داشتم واو دوستدارخاندان پیامبربوده است ودرشیرازدرگذشت . آملی درنفایس‌الفنون (چاپ تهران بسال ۱۳۰۹ وسال ۷ ـ ۱۳۱٦) درفن ٤ مقاله ۳ قسم ۲ از موسیقی سخن راند و در آغاز این فن در دو جا از فارابی و ابن سینا یاد کرد وی در آنجا بخرده گیریهای صفی‌الدین ارموی درشرفیه ازفارابی همان پاسخهائیکه قطب شیرازی دردرةالتاج داده است میدهد .

۲۱ـ صفدی نگارنده الوافی بالوفیات (م ۷٦٤) که «الکتاب الجامع فی‌الموسیقی» نگاشته ونسخه‌ای از آن دربرلین بشماره ۵۵۲۵ (ج ۵) هست .

۲۲ ـ خواجه کمال‌الدین ابوالفضائل عبدالقادر بن غیبی حافظ مراغی آذربایگانی (۷۵٤ـ۸۳۸) که این نگارشها ازاواست :

الف ـ جامع‌الالحان بفارسی که کتابی است بزرك و در یك مقدمه و ۱۲ باب ویك خاتمه وهمه مسائل را دارد وبرای شاهرخ نگاشته‌است نسخه‌هائی‌ازآن درنورعثمانیه هست دردانشمندان آذربایجان ص ۲٦۲ گوید وی این کتاب را برای پسرخود نورالدین عبدالرحمن بسال ۸۱٦ نگاشته است .

ب ـ کتاب‌الموسیقی که نسخه‌ای از آن درنورعثمانیه هست .

ج ـ مقاصدالالحان که برای سلطان محمدبن سلطان مرادنگاشته ونسخه‌ای مورخ ٤ ج ۲ سال ۸۳۸ در طوپقپو بشماره ۱۷۲٦ هست نگارنده دانشمندان آذربایجان (ص ۲٦۱) از نسخه‌ای بخط خود او و مورخ ۸۸۱ که برای شاهرخ میرزا نوشته بود یاد میکند .

د ـ زبدةالادوار که نسخه‌ای ازآن را منیف بیك مستشار پیشین سفارت عثمانی درتهران در آنجا جسته و باستاد رؤف بیك موسیقی‌دان ترك ارمغان داد .

هـ ـشرح ادوارارموی که‌عزاوی‌نسخهٔ‌ازآن رادیده وآنراجزءزبدةالادوارمیداند .

و ـ کنز الالحان فی علم الادوار .

۲۳ـ محمدبن عبدالحمید لاذقی (م نزدیك ۹۰۰) که زین‌الالحان فی علمی التألیف والاوزان را در ۸۸۸ نگاشته و نسخه‌ای از آن بشماره ۳٦٥٥ در نورعثمانیه هست . وی الفتحیه فی‌الموسیقی را برای سلطان بایزید پسرسلطان محمد نگاشته و نسخه‌ای از آن در کتابخانه عمومی اوقاف بغداد در گنجینه خالدیه بشماره ۲۱۲۹ هست و در آستانه طوس هم نسخه‌ای بتاریخ ۹٥۷ (فهرست انجاج ۳ ص ۳٤٤) بشمارهٔ ۱٤۲ هست [1] .

۱ـ دیده شود: مجله موسیقی سال۱ شماره ٤ و ٥ تاریخ ۱۳۱۸ ص۱۱–۱۸ و سال۳ تاریخ ۱۳۲۰ شماره ۸و۹ ص۳۱ وشماره ۱۰و۱۱ همین سال ص۱۲ – ۲۳ که در اینجا ازرساله‌موسیقی گمنامی یاد میکنند که‌در نزدیك بسال ۹۱۰ نوشته‌شده‌است وص۲٦-۲۷ همین شماره .

نیز مجلة‌المجمع العلمی العراقی جزء ۱ سال ۱ چاپ بغداد بسال ۱۹٥۰-۱۳٦۹ که کتاب النغم ابواحمد یحی بن علی بن‌یحیی بن (ابی منصور مجوسی ستاره شناس پارسی) درص ۱۱٤– ۱۲٤ این مجله چاپ شده است. ابـواحمد (۲٤۱–۳۰۰) ادیب شاعر متکلم معتزلی بوده است . جواد علی در دیباچه‌ای که براین کتاب النغم نوشته است ص ۱۰٤ – ۱۱۲ ازمجموعه‌ای درموسیقی یادمیکند که درموزه بریتانیا بشماره ۸۲۳ هست ومینویسد که درآن چندین رساله است :

۱رساله‌ای بفارسی ازمحمد بن خلال رضوی مورخ ۱۰۲۸ درباره اراء فقیهان و صوفیان درباره موسیقی ۲ـ رساله جواز سماع از عبدالجلیل بن عبدالرحمن که برای نواب مسیح الزمان نگاشته‌است ۳ـ الادوار ارموی ٤ـ شرح ادوار ٥ـ شرح ادوارمبارکشاه ٦ـ شرح ادوار خجندی ۷ـ موسیقی دانشنامه یاحکمت علائی ۸ـ رسالة فی خبر تالیف الالحان ازکندی که گویا همان باشد که لاخمان (Lachman) ومحمود حفنی بهمین نام در لایبتسیك بسال ۱۹۳۱ شرح وچاپ کردند و از آن رساله نسخه عکسی درقاهره هست ۹ـ رساله گمنام درموسیقی که ازشفا وادوار وشرفیه ارموی ومقاصد الالحان مراغی یادمیکند وبرای سلطان محمود بن سلطان مراد عثمانی (۸٤۷–۸٤۹) نگاشته شد ۱۰ ـ الکافی فی‌الموسیقی ابن‌زیله ۱۱ـ رساله یحی ندیم که ازخاندان دانش بوده وازاسحق بن ابراهیم موصلی پیروی میکرده است این‌رساله بچاپ رسید . ندیم چند رساله دیگر درتاریخ شعرا وخنیاگران دارد ۱۲ بخشی از (المدخل فی‌الموسیقی) فارابی ۱۳ـ کشف الاوتار ازقاسم فرزند دوستعلی بخاری که بپارسی است و برای امپراتور جلال الدین اکبر نگاشته است ۱٤ کنزالتحف درموسیقی که بپارسی است ودریك مقدمه و ٤ مقاله است و بیت هائی در

بقیه حاشیه درصفحه بعد

۵۸ـ نکت فیمایصح ومالایصح من احکام‌النجوم .

این رساله درالثمره دیتریسی و درالمجموع بنام (نکت ابی‌نصر فیمایصح و مالایصح من احکام‌النجوم) بچاپ رسید و در ۳۰ بند شماره گذاری شده است . درچاپ دیگرمصر که سه رساله فارابی با دعوةالاطباء ابن بطلان در آن است بدان (مختصر الفصول الفلسفیه) نام داده شده و عنوانهای فصل دارد و در ۳۰ فصل است این رساله دردکن بنام (رسالة فی‌فضیلة العلوم والصناعات) بسال ۱۳٤۰ بچاپ رسید آنهم عنوانهای فصل دارد .

در مدرسه سپهسالار تهران دو نسخه بشماره های ۱۲۱٦ و ۲۹۱۲ هست و دومی رسالة الفصوص‌الصغیر نامیده وسر هربندی (فص) دارد ودردیگری رسالة (النکت لابی نصرالفارابی) نامیده شده و بیك واسطه از خط فارابی نقل گردید ودیباچه ازابواسحق ابراهیم‌بن عبدالله بغدادی دارد که درچاپ دیتریسی‌والمجموع دیده میشود ولی درچاپ دیگرمصر ودرچاپ هند نیست .

درنسخه این کتابخانه (شماره ۳۳۹)که بدوواسطه از روی خط فارابی نوشته‌شده عنوان فصل دارد و ۳۰فصل میباشد واین‌دیباچه را هم دارد ودرپایان‌هم

مانده حاشیه صفحه پیش

آن هست که برای سید غیاث الدوله والدین حسینی سروده شد شد این کتاب در۷٤٦ بنگارش درآمد .

نیز: الموسیقی العراقی فی‌عهد المغول والترکمان ازمحامی عباس عزاوی که‌پس ازدیباچه‌ای درتاریخ موسیقی عراق(که‌درآن همه موسیقی دانهای‌ایرانی‌را ازعراق‌دانست!!) سه‌رساله ملاهی‌ابن‌سلمه ولهوو‌ملاهی پسرخرداذ به‌ازروی مروج الذهب مسعودی وارجوزة الانغام اربلی رادربغداد بسال ۱۳۷۰—۱۹۵۱ بچاپ رسانده .

ملاهی ابن‌سلمه راجیمس روبس بانگلیسی ترجمه کرده و در مجله انجمن همایونی آسیائی باعکس نسخه خط یاقوت مستعصمی بسال ۱۹۳۸ چاپ نمود وچاپ عزاوی ازروی آن‌است و نسخه‌اصل درسرای طوپقیودراستانبول‌میباشد. عزاوی دردیباچه ازالعودوالملاهی یحی بن‌ابی منصورموصلی، وقصیدةفی آلات‌الطرب از نویسنده گمنام (فهرست مصرج۳ص۲۸۷) یاد میکند وی‌باز میگوید که عبدالعزیز نوادهٔ خواجه عبدالقادر مراغی برای سلطان‌سلیمان نقاوة الادوار نگاشته ونسخی ازآن درآستانه هست .

با دو نسخه سپهسالار و چاپ مصر و هند نزدیك است دردو نسخه چاپی دیتریسی والمجموع نکته‌ای که بایستی ازهمان دیباچه نگار باشد نیست (۱) .

اکنون از اثبات المفارقات گفتگو کنیم : فارابی دراین کتاب میگوید که مفارقات چهارند (خدا ـ عقلهای فعال ـ نیروهای آسمانی ـ روان مردمان) آنگاه خدا را با برهان نیازمندی رشته ممکنات بهستی بی سبب از روی دلیل « وسط وطرف » که متأخران آنرا یکی ازدلایل امتناع تسلسل دانستند اثبات میکند وبرای اثبات عقلها شش دلیل میاورد که یکی از آنها برهان (آفریننده یگانه و یکتا را آفریده‌ای یگانه و یکتا خواهد بود) میباشد و درهمین دلایل نیروهای آسمانی و روان را مجرد نشان میدهد و در پایان دلیلهای دیگری برای تجرد روان میاورد که یکی از آنهاهمان دلیل حضور ذاتی‌است که شیخ رئیس درمباحثات با بهمنیا را آورده است . امام رازی در مباحث مشرقی و صدرالدین شیرازی در مبدء و معاد واسفاراین گفتگوی استاد وشاگرد آورده ترتیبی بدانها دادند ودانشمند سبزواری درمنظومه بدان‌اشاره‌نمود . فارابی درانجام این کتاب بعقل هیولائی وبفعل ومستفاد اشاره میکند .

[٥٧]

٥٤٢ این نسخه شماره سوم دفتری است که دارای چندین رساله ازفارابی میباشد و از برك ٨ ب تا ١٠ ب بخط نسخ نوشته شده است . نشانه نسخه دردنبال «الاوسط» یادگردید .

۱ــ دیده شود :

۱ــ متن فرانسوی دائره‌المعارف اسلامی در کلمه فارابی .

۲ــ دیباچه وخاتمه احصاءالعلوم چاپ مصر بسال ۱۹٤۹ ازدکتر عثمان امین .

۳ــ الفارابی عباس محمود چاپ مصر بی‌تاریخ

٤ــ تاریخ فلاسفه الاسلام لطفی جمعه چاپ مصر بسال ۱۳٤٥/۱۹۲۷ درشرح حال فارابی .

٥ــ دیباچه موریس بوئیژ بررساله‌فی‌العقل فارابی چاپ بیروت بسال ۱۹۳۸ بفرانسه .

٦ــ شرح حال فارابی در دنباله نکت فارابی که با دو رساله دیگر اویکجا چاپ گردید ص ٦٤ .

۷ــ معجم‌المطبوعات

[۵۲] اثبات النبوة (عربی)

خواجه رئیس ابوعلی سینا دراین رساله که در (تسع رسائل) چاپ قاهره بسال ۱۹۰۸ ص ۱۲۰–۱۳۲ آمده است پیامبری را ثابت میکند و پرده ازروی راز ورمز پیامبران برمیدارد وفرشته آسمانی را نیروی عقلی می‌پندارد و مسئله دشوار وحی را با روش فلسفی میگشاید آنگاه پیامبری پیامبر اسلام را روی سنجش با پیامبران دیگر اثبات میکند وی دراینجا میگوید که پلاتون در نوامیس می‌نویسد: «هر که راز پیامبران را درنیابد بجهان خدائی نخواهد رسید» بازمیگوید که پیامبران یونانی همه رمز بکار می‌برده‌اند ازاین روی بود که پیامبر توانست تازیان نادان را دانا سازد. شیخ دراینجا آیه نور را تفسیر فلسفی میکند چنانکه دربند ۱۱ نمط ۳ اشارات همین کار را کرده و آیه را بچهارعقل تأویل نمود آنگاه میگوید که اسکندر افرودیسی دراینکه عقل کلی را همان خدای ارسطو پنداشت نادرست گفته است. سپس برعرش بودن خدا وفرشته بودن آسمانها و پاداش و کیفر وصراط وهفت در دوزخ و هشت در بهشت را تأویل فلسفی میکند روش شیخ دراینجا مانند باطنیان اسمعیلی میباشد و تأویلهای ناصرخسرو را بیاد میآورد. شیخ میگوید که فیلسوفان بزرگ یونان همه برمز می‌نوشتند جز ارسطو که افلاطون اورا دراین باره نکوهش کرده و او گفت اگرچه من دانش را دردسترس همه گذارده‌ام ولی درنگارشهایم شکافهائی است که همه بدان راه نمی‌یابند قنواتی (ش ۲۴۵) مینویسد که ترجمه پارسی این رساله درنورعثمانیه بشماره ۴۸۹۴ هست.

۱۰۷۹ این نسخه شماره بیست ششم دفتری است که دارای ۳۵ رساله میباشد و بخط تعلیق از ص ۱۶۰ تا ص ۱۶۷ است ودرپایان نسخه نام (عبدالرحمن بن محمود بن عبدالکریم الحاری الطبیب) نوشته شده که گویا دارنده نسخه بوده‌است. نشانه نسخه دردنبال رساله (حدود) شیخ یادگردید.

[۵۳] اثبات واجب (عربی)

این رساله همان رساله اثبات العقول شیخ رئیس (شماره ۳۳۹/۱۹) است که درآن بروش مشائیان رفته خدا رااثابت میکند ورشتهٔ آفریدگان را چنانکه آنان

گفته‌اند گزارش میدهد و از پیامبری وروز رستاخیز نیز یاد میکند .

آغاز : «بسمله الحمدلله رب العالمین والصلوة والسلام علی محمدواله اجمعین کل شیء فی عالم الکون والفساد مما لم یکن فکان قبل الکون ممکن الوجود » .

انجام : جل جناب الحق عن یکون شریعة لکل وارد اویطلع علیه الاواحدا بعد واحد فمن سمع و اشمأز فلیتهم نفسه فلعلها لا یناسبه و کل میسر لما خلق له ۵
عبارتی که درپایان رساله دیده میشود همانست که شیخ رئیس دراشاره ۲۸ نمط ۹ اشارات آورد .

[۵۹]

این نسخه شماره چهل و ششم دفتری است که دارای ۵۱ رساله میباشد ودرص
۱۰۳۵ ۲ـ۱ـ۴۰۱ این دفتر که بخط نسخ وتعلیق شکسته باجدول بزرولاژورد میباشد و ۱۰
صفحه شماری دارد وسه تن آنرا فراهم آوردند یکی ناصرالدین حسین بن نورالدین محمد کرمانی بسال ۱۰۹۷ (ص۷۷ـ۱۵۲ـ۱۶۷ـ۱۷۲) وسال ۱۰۹۹ (ص ۴۵ـ۷۲) وسال ۱۱۰۱ (ص ۴۶) وسال ۱۱۰۲ (ص ۴۰۲) . دیگر سالک الدین یزدی (۲۹۹) .
دیگر شهاب الدین علی حسنی حسینی دیباجی درشعبان ۱۰۹۸ (ص ۶ ـ ۲۸۵)
ودررباط کرمان بسال ۱۰۹۹ (ص۲۱۹و۳۰۰) ودرشعبان سال ۱۱۰۰ (ص۴۵۰و۴۵۵) ۱۵
و شب ۱۸ ج ۱ سال ۱۱۰۴ (ص۴۵۰) ودردیه فیض آباد خبیص درپنجشنبه ۱۷ شعبان همین سال (ص۳۵۱) و بسال ۱۱۰۹ (ص ۴۲۵) . بازنام همین شهاب الدین درص۴۱۳ دیده میشود درص ۲۹۹ نوشته است که سالک الدین یزدی اصل نسخه را نوشت .

درص۴۵ دارد : « کتبه ابن نورالدین محمد ناصرالدین شنبه ۲۴ رجب ۱۰۹۹»
ودرص ۴۶ : «حرره الاخ الاعز ناصرالدین محمد فی شهرشوال ۱۱۰۱» ودرص۷۲ : ۲۰
«ابن نورالدین محمد ناصرالدین حسین کرمانی درفیضاباد خبیص کرمان بفرموده مخدوم شها با علیا سه شنبه ۲۵ ج ۲ ـ۱۰۹۹» ودرص ۷۷و۱۵۲و۱۷۲ سال ۱۰۹۷و درص ۱۶۷ نیزشعبان همین سال خوانده میشود و درص ۴۰۰ دارد : « ابن نورالدین محمد ناصرالدین » باز درص ۴۰۲ همین نام یاد شده ودارد : « بدستور سیادت شها با علیا درسه شنبه ۲۴ رجب ۱۱۰۲» ـ بازتاریخ ۱۱۰۱ درص ۴۱۴ دیده میشود . ۲۵

درص ۴۱۶ دارد : «نقلتها من مجموعة . . . مولانا عبدالحسین البافقی سلمه فی قصبه بافق ۱۱۴۲ پس این دفتر را این سه تن از سال ۱۰۹۷ تا ۱۱۴۲ بنگارش درآوردند و در کرمان نوشته شده و پیداست که ناصرالدین آنچه را نوشت بدستور همان شهاب الدین بوده است .

درص ۱۸۵ این دفتر پاره‌ای ازسخنان ابن‌الطیب درباره عشق دیده میشود که از رهگذر روانشناسی و پزشکی ازآن گفتگومیکند وچنین آغاز میشود : «فصل من کلام ابی‌العباس احمدبن‌الطیب فی‌العشق ذکرفی کتابه فی‌تثبیت امرالنجوم واجزاء الحکمه و اسرارالنفس » باز در همین جا سخنی آورده شده از دیگری در همین مسئله عشق .

درص ۲۱۹ محمد قاسم حسینی دوبخش ازسخنان شرف‌الدین علی یزدی را میآوردبدینگونه : «من حلل مطرزفی‌تعریف کمال‌اسمی کل عدد ، من مصنفات مولانا شرف‌الدین علی یزدی . . . » آنگاه خود ازاین مسئله ریاضی‌کاوش میکند .

درص ۲۲۰ نیز گفتارهائی است درریاضی ودرص ۲۲٤سخنانی است ازشیخ اقرائی ودیگران درباره نشانه‌های آبستنی وسترونی . ودرص ۲۳۲ چند بیتی بتازی از ابن‌سینا . درص ۲٤٦ خرده‌گیری که دبیران قزوینی از سخن خواجه رئیس درشفا درباره شناساندن فصل «الذی یمیزالماهیة عما یشارکها فی‌الجنس» کرده است آمده و نیزتعریف امکان خاص وواجب است وممتنع .

درص ۲٦۳ : سخن حلاج دردم مرگ و گفتگوی او با شبلی و نمازخواندن وخندیدن اوهنگام دیدن چوبه دار ومیخهای‌آن چنانکه ابراهیم فرزند فاتك میآورد.

درص ۲٦۷ : بیتهائی از طواط و شیخ رئیس و مغاربه و ابوسعید رستمی وخبزرزی .

درص ۲٦۸ : گفتگوی اوحدالدین ابی‌حامد کرمانی با مستنصر بالله دررباط مرزبانیه .

در ص ۲۷۱ : راز و نیـاز شیخ رئیس با ستاره عطـارد هنگامیکه میخواست مسئله دشواری برای وی‌آسان‌گردد درسه بیت .

در ص ۳۱٤ : سه نامه پارسی که کلمات همانند و بی‌نقطه (جناس خطی) درآنها بسیار آمده نخستین از قاسم نوربخش است بپادشاه غیاثاشاه عبدالعلیا دومی برسشی است که از امیرعلی شیر کرده‌اند وپاسخ او سومی نامهٔ دیگری است .

ص ۳۱٦ : از باب دوم «مفیدالمستفید» درشناختن تن و جان بپارسی که از محمد غزالی دانسته شد ولی از باباافضل‌کاشی است .

ص ۳۳٦ : ازنگارشهای میرزا سعید وزیرملك حمزه خان .

ص ۳۷۷ـ۳۸۵ : گفتار یزدی درعرفان و علم حروف بفارسی شیوا و چنین آغازمیشود : « من حلل مطرز من مصنفات مولانا شرف‌الدین علی یزدی » .

ص ٤۱۳ : سخنی از پلاتون . ص ٤۱٤ : سخنی از خواجه طوسی درآغاز

وانجام جهان بروش عرفانی وباطنی وبفارسی‌ازبرخی رساله‌های اووآغازوانجام آن چنین‌است : «درصفت راه‌آخرت وذکرسالکانش واسباب اعراض مردم‌ازآن - وتمسك بکلمات تامات اووتمت کلمه ربك صدقا وعدلا . . . وهادیا ونصیراً .

ص ٦-٤١٥ : پاسخ شیخ بهائی بشاه عباس دربرخی مسئله‌های فقهی وتاریخی بفارسی که درآن از پیدایش‌آبله فرنکی (آتشك) یاد شد . ۵

ص ٤١٧ : پاسخ شیخ زین‌الدین عاملی بکسی که میپرسد چرا صوفیان کرامتها دارند ودانشمندان ندارند . وی میگوید : صوفیان مانند بندگان همدم شاهند وازراز او آگاهند و دانشمندان مانند نمایندگان شاهند درکشورداری ودورند از وی مگر اینکه از بندگان برترند .

۱۰ ص ٤١٨ : پاسخ خواجه طوسی بکسی درباره جدا ساختن وحدت و توحید و اتحاد بپارسی .

ص ٤-٤٣٣ : گفتار از مایشگران و پزشکان درباره درجه‌های نطفه دررحم .

ص ٤٣٥ : سخن دوانی‌درباره توحید (من افادات محقق‌الدوانی‌فی کلمة‌التوحید اعلم ان محصل‌التوحید اثبات وجود فرد واحد للواجب).

۱۵ ص ٧-٤٣٦ : ازرساله اثبات واجب جدید دوانی درباره توحید بپارسی .

ص ٤٤١ : درباره معنی وجود بپارسی که درآن از حاشیه شرح حدید میرسید شریف‌الدین علی گرگانی که درشیرازدرگذشت‌آورده شده وترجمه گفتار او بپارسی .

ص ٤٥١ : نامه قاضی میرحسین میبدی بمولانا جامی بپارسی .

ص ٤٦٠ : ازعجائب‌المخلوقات قزوینی دراعداد وفق ومربعات بپارسی .

۲۰ ص ٤٨٨ : پندهای لقمان بپارسی - ص ٤٩٦ : نامه سالك محمد بملازین‌الدین طبیب بپارسی با اصطلاحات پزشکی وتاریخ نوشتن آن ۲۲ شوال ۱۱۰۳ میباشد .

ص٤٩٩-٥٠٣ : گزیده‌ای ازقرابادین شفا . ص٥٤٢ ترجمه پندهای شیخ رئیس بنظم پارسی .

نشانه نسخه در بخش یکم یادگردید ودرص ۲٤و٥٤و٦٤ این بخش نیز ازآن یاد شد . ۲۵

[٥٤] اثبات واجب (عربی)

خواجه رئیس ابوعلی‌سینا این رساله را درسه فصل (اثبات آفریننده - علتها ومعلولها- دانائی خدا) نوشته ودر آن ازخدا وصفتهای اووآفرینش‌او گفتگونمود. این رساله همانست که قنوانی درفهرست خود بنام « الفصول‌الثلثة » بشماره

۱۸۷ یاد نمود وجزرساله‌ایست که پیش شناسانده شد.

آغاز: قال‌الشیخ‌الرئیس - بسمله الحمدلله رب‌العالمین .... الفصل‌الأول فی اثبات الصانع و ایراد البرهان القاطع علیه کل جملة من علل و معلولات فلا بد وان ینتهی الی طرف هو علة لیس بمعلول.

۵ **انجام**: انت‌المرجوع الیه والمعول علیه فی‌تفسیر هذا‌الامر‌العظیم والانزال فی هذا المنزل المبارك الکریم .... والمشتاقین منهم الی مرتبه‌العشق. انك انت الرحیم والحمدلله رب‌العالمین.

[٦۰]

۸۷٦ این نسخه شماره چهارم دفتری است دارای ۱٦ رساله وبخط شکسته تعلیق از از برگ ٤۳ ب تا برگ ٤۷ ب میباشد.

(همه دفتر ۲۰۵ برگ) ـ کاغذ فرنگی ـ جلد مقوا گوشه‌ها وته‌آن میشن
اندازه: ۱۱×۱۸ و ۹×۱۵ س ۱۸

[٥٥] **اثبات الواجب** (عربی)

دانشمند بزرگوار ابوجعفر محمد فرزند علی طوسی که در ۷٥ سالگی ۱٥ در نجف بسال ٤٦۰ در گذشت از رهبران نامور شیعی بشمار میآید وبشیخ یا شیخ‌الطایفه یا شیخ الامامیه یا الشیخ الطوسی نامبردار میباشد. وی شاگرد شیخ مفید و سید مرتضی وابن‌الغضائری وابن عبدون بود وبیشتراز ۳۰۰ شاگرد سنی وشیعی داشت فرمانروایان عباسی او را مانند دیگر رهبران مذهبها کرسی تدریس داده بودند و آزادانه درس میگفت. طوسی درحدیث ورجال وادب وتفسیر وکلام واصول وفقه ۲۰ سرآمد روزگارخویش بوده ونزدیك به ۳۷ نگارش دارد وی در کلام «اصول‌العقاید» که در آن ازتوحید وعدل گفتگو نمودونیز « مایعلل ومالایعلل » که دیباچه‌ای است بی‌مانند برای کلام نوشت در پیروی دانشمندان شیعی از طوسی همین بس که شیخ سدیدالدین محمود فرزند علی فرزند حسن رازی حمصی (زنده در ٥۸۱ و ٥۸۳) دانشمند متکلم اصولی فقیه و استاد فخررازی و شیخ منتخب‌الدین و امیرورام بن ۲٥ ابی‌فراس (م ٦۰٥) [۱] میگوید: «پس ازشیخ طوسی برای امامیان دیگر فتوادهنده‌ای

۱ — نگاه به: ریحانة‌الادب ج۲ ص ۳۹۹ — ٤۰۱ وج ۱ ص ۷ — ۳٤٦ وهدیة‌الاحباب قمی ص ۹

نمانده وهمه از او نقل میکنند » . این سخن را زین‌الدین شهید ثانی عاملی جبلی (۹۱۱ـ۹۹٦) درالرعایة فی درایة الحدیث (چاپ سنگی ایران از آقامیرزا حسین کجوری بسال ۱۳۰۹ ص ۳ـ۳۲) وابومنصور جمال‌الدین حسن (م ۱۰۱۱) فرزند شهید ثانی درمعالم درمطلب ٥ دراجماع اصل ۱ (چاپ سنگی تهران بسال ۱۳۱٦ بی‌صفحه شماری) ازهمان « الرعایة فی درایة الحدیث » پدرخود از« البهجة لثمرة المهجه » سید رضی‌الدین ابوالقاسم علی‌بن طاوس (م ٦٦٤) ازامیرورام‌بن ابی‌فراس (م ٦۰٥) از سدیدالدین رازی حمصی آورده است . واینندومی‌نویسند که متأخران هرچه فتوا میدادند گرفته ازسخنان طوسی بوده وازروی خوشی گمانی ازاوپیروی میکردند پس بشهرتی در فقه میتوان نگریست که پیش‌از طوسی میان دانشمندان پیدا شده باشد نه شهرت میان دانشمندان پس از شیخ که همگان از وی پیروی میکردند نه اینکه ازخود چیزی آورده باشند [1].

باری طوسی درروزگار ترقی علم کلام و رواج بازار جدل و بحث میزیست ومسئله اثبات خدا که فیلسوفان و متکلمان همه بدان مینگریستند او را هم بخود کشید واودراین گفتار کوتاه که گویا از نگارشهای کلامی او گرفته شده‌است بی آنکه نیازی بابطال دور وتسلسل باشد خدا را ثابت نمود .

آغاز : برهان شریف علی اثبات الواجب . . . غیر متوقف علی ابطال الدور والتسلسل‌وهوهما (ذکره) شیخ (؟!) الطوسی . . وبیانه موقوف علی‌تقدیر مقدمتین

انجام : ولیس بتمام فی التأثیر فیسقط النقصان .

۱ــ این سخنان راایندو دانشمند آورده ومیخواهند ازمتاخران نکوهش کنند، دربرابر دانشمند میرزا ابوالقاسم فرزند محمد حسن گیلانی قمی (۱۱٥۱- ۱۲۳۱) در « القوانین المحکمه» درمبحث اجماع درتنبیه ٤ قانون۱ (چاپ سنگی عبدالرحیم درایران دردوجلد ۱ بسال ۱۳۰۲و ۲ بسال۱۳۱۹ ج۱ ص ۳۷٤و۳۷۷ از گفتار آنان خرده گرفته و گفت: اگر چنین بگوئیم متاخران راتفسیق کرده‌ایم و آنان برترند ازاینکه ازشیخ تنها پیروی کنند و خود رأیی نداشته باشند نیز دانشمند شیخ محمد حسن فرزند عبدالرحیم سپاهانی (م نزدیك ۱۲٥٤ یا۱۲٦۱) در «الفصول» درالقول فی‌الاجماع (چاپ سنگی ایران از غلامحسین بن محمد خوانساری بی‌تاریخ وشماره) همین گونه از گفته آنان خرده گیری کرده‌است

[۶۱]

۱۰۸۸ این نسخه شماره ششم دفتری‌است که دارای۱۵رساله وچندین گفتاراست و بخط تعلیق میباشد ودر برك ۳٤ الف ونشانه نسخه درص ٦۷ یادگردید.

آنچه دراین دفتر آمده بدینگونه است:

۵ ۱ــ سخنی‌ازقاضی نجم‌الدین عمروبن‌محمدبن‌الکریدی بالشویك (؟!) درباره اینکه «س» ودرپایان کلمات یونانی مانند تنوین عربی‌است (برك۱ب). درباره حرف «س» یونانی لاهیجی درمحبوب‌القلوب (چاپ سنگی ایران بسال ۱۳۱۷ ص١٤) نیز گفتگو نمودوهمان را دری درترجمه نزهةالارواح شهرزوری‌بنام کنزالحکمه (چاپخانه دانش تهران بسال ۱۳۱٦ خورشیدی دردیباچه ص ۲٦) آورد.

۱۰ ۲ـ لغات متضاد و مثنی (۲ الف).

۳ـ رساله نفی حیز وجهت از فخررازی.

٤ـ از کتاب آداب‌المریدین شیخ ضیاءالدین ابی‌النجیب عبدالقاهربن عبدالله السهروردی م ٥٦۳ دراینکه بی‌نوائی بهتراز توانگری است (۳ ب).

۵ـ ازفتوحات محی‌الدین اندلسی وازشرح خطبه طوالع دوانی (٤ الف).

۱۵ ٦ـ ترجمه تازی فصول خواجه طوسی.

۷ـ تسلسل اسباب ومسببات ابن‌سینا.

۸ـ رساله وجیزه درنفس ناطقه.

۹ـ نهایةالبیان فی درایةالزمان از امام داودبن محمد قیصری م ۷۵۱.

۱۰ـ اثبات واجب شیخ طوسی (رساله ششم).

۲۰ ۱۱ـ رساله عروس ابن‌سینا.

۱۲ـ برهان توحید گیلانی.

۱۳ـ از «منتخبات انوارالشریعه» ازعارف آملی که درآن ثابت میکند که ماهیات مجعول نیستند (۳۷ ب ـ ٤٥ الف) و بروش عرفانی است وآغاز وانجام آن چنین است:

۲۵ «بسمله و به نستعین من منتخبات انوارالشریعه من افادات سید حیدر بن علی‌الآملی ساکن مشهدالغروی طاب ثراه: ما وقع‌الخلاف بین‌الانبیاء والرسل علیهم السلام فی اصول‌الدین و ارکان‌الاسلام وان وقع‌فی‌الفروع والاحکام‌الجزئیه ـ ولذلك خلقهم والله اعلم و احکم والسلام علی من اتبع‌الهدی» آملی درآن از فصوص شیخ اعظم وازمقدمات شارح فصوص یاد میکند.

۳۰ ۱٤ـ از کتاب‌الروح شمس‌الدین محمدابوعبدالله‌بن قیم جوزیه حنبلی م ۷۵۱

که بدینگونه آغاز میشود : « اعلم ان‌الله سبحانه و تعالی جعل‌الدور ثلثة دارالدنیا ودارالبرزخ ودارالقرار» وانجام آن چنین است : «فمن سوء فهم وقلة عقله - والسلام علی من‌اتبع الهدی » (۴۵ ب - ۴۶ الف) .

۱۵- ازروضةالجنان در۱۴رأی که درباره نفس آورده‌اند (۴۶ ب - ۴۷ الف) و از حاشیه شرح حکمةالعین محقق شریف درباره جدائی میان علم‌الیقین و عین‌الیقین وحق‌الیقین (۴۷ الف) و برهان تجرد نفسها بفارسی (۴۷ ب - ۴۹ الف) که بهمان خط تعلیق ومورخ ۱۱۹۸ میباشد . واثبات اینکه شناختن خدا نه‌بدانگونه که ملحدان گویند نیازی بآموزنده ندارد . این عبارت از «نقدالمحصل» طوسی است (۴۹-۵۰ الف) و سخنی از فارابی درپیوستن نفسهای متوسط بجرمهای آسمانی و نیز از همو درخرده‌گیری ازجالینوس دراینکه دماغ و مغز جایگاه نیروی مدبر هست (۵۰ الف) و باز از همو در شرح معینهای « ذات - جوهر - طبیعت » (۵۰ ب) بهمان خط و همان تاریخ .

۱۶- رساله وجود مطلق سیدعلی همدانی که دردنبال آن سخنانی از پلاتون درباره یگانگی خدا وجهانها وجهان مثالی (بهمان تاریخ و برك ۵۲ ب تا برك ۵۳ الف) واز ارسطو (از شهرستانی) (۵۳ ب ۵۴ الف) آمده است ونیز از حواشی فصوص فارابی دراینکه از «وجه» ذات را میخواهند (۵۴ الف و ب) .

۱۷- اعتقادات شیخ بهائی که در ۱۳۲۶ بچاپ رسید (دزیعه ج ۲ ص ۲۲۸) دردنبال آن اینهاهست : گفتارفیلسوفان درباره آمیختن عنصرها (۵۹ الف) وگفته‌های دانشمندان درباره فرشتگان و دیوان که درآن از (اکلیل) همدانی یاد میشود (۵۹ الف وب) وسخن میرفندرسکی دراین که رهروان یکتاپرست نباید وابسته یکی‌بودن هستی یا چندتابودن‌آن باشند وتفسیر گفتار ارسطو ، «المحرك‌الاول فی‌المحیط دون المحاط» (۵۹ ب) و سخنانی از فیلسوفان درباره تجرد نفس (۶۰ الف) و اثبات اعتباری‌نبودن هستی (۶۰ ب ۶۱ الف) و درتوحید حقیقی و اینکه این جهان آشکارا یکی بیش‌نیست (۶۱ب -۶۲ الف) وسخن‌ترسایان درخداشناسی وخرده گیری ازآنها (بهمان تاریخ و ۶۲ ب - ۶۳ الف) .

۱۸- مقولات عشرطوسی .

۱۹- رساله نفس ارسطو و دردنبال آن این سخنان دیده میشود : دراینکه تندرستان هرروز ۲۵۸۰۰ بار نفس میکشند و درهربار نبض پنج بار میزنند و بگفته علامه شیرازی در تحفه شاهی در گفتن هرلفظی فلك اطلس ۶۰۰۰ فرسنك می پیماید وهرلفظی برابر است با زدن یك نبض پس درهرشبانه روزی نبض ۱۲۹۰۰۰ بارمیزنند

(۷٦ ب) نیزاز « رسالة التوضیحات » حسام الدین لاهیجی در آگاه شدن بمغیبات (۷۷ ب -۷۸ الف) واز « مرآت الحقایق ومجلی الدقایق » میرغیاث الدین منصور دراینکه وضو وغسل و زکوة و روزه و حج چیست (۷۸ الف و ب) که درآن حکمت فلسفی وطبیعی وخلقی اینها را میآورد .

۵ ۲۰- رساله در نسبت مؤلفه دردنبال آن از حاشیه نفحات درتحقیق انبساط وانقباض زمان آورده شده وبفارسی است (۸۱ الف) .

۲۱- علوم غریبه (نفس ووهم) ودر برك ۸۸ الف سخنی ازامام در «السر المکتوم» درباره اینکه فرشته همان رب النوع است آمده .

۲۲- شرح دوانی بربیتی از گلشن راز و دردنبال آن اینها است . پاره‌ای از

۱۰ « تحفة الاحباء » و « درج الدرد » که هردوعرفانی‌است (۹۰ الف) وسخنانی عرفانی ازسید ابراهیم قزوینی وصدرالدین شیرازی (۹۰ - ب ۹۱ الف) ومطالبی گوناگون درعرفان و حدیث و ادب (۹۱ ب - ۹۲ ب) و قصیده‌ای در۱۲ بیت که به ٤۲۰ گونه میشود آنرا خواند (۹۳ الف) وسخنانی از صدرالافاضل و عارف کاشی در اصطلاحات وازشرح فصول نصیریه وازعلامه حلی درعرفان وفلسفه و کلام .

۱۵ [٥٦] **اثبات واجب** (فارسی)

خواجه طوسی دراین رساله فارسی بروش مناظره خدا را ثابت میکند و اندکی مفصل است نسخه‌ای از آن دردفتر بشماره ۲۹۱۲ در مدرسه سپهسالار هست . درآستانه طوس (ج ٤ ش ۲۹٦ ص ۲) نسخه دیگری از خواجه هست که این نیست در ذریعه (ج ۱ ص ۱۰۸) می‌نویسد که خواجه این رساله را برای

۲۰ نجم الدین کاشی فرستاده بود .

آغاز : مسئله در اثبات واجب الوجود بطریق مناظره . اگر واجبی نبود هیچ موجود نبود .

انجام : و برتقدیر تسلیم حصرفساد لازم بیاید . والسلام .

[٦۲]

این نسخه شماره ۱۹ دفتری است دارای ۳۵ رساله ودرص ۱۰۳-۱۱۳ ونشانه

۱۰۷۹ آن درص ٤٥ یاد شد شماره سوم آن بخشی است ازآغازرساله «ردبرجالینوس دراین که وی فیلسوف نبوده است » از موسی بن میمون بن عبدالله قرطبی اسرائیلی پزشك فیلسوف نگارنده دلالة الحائرین (۵۲۹-۶۰۱) وی دراینجامیگوید :

جالینوس درریاضیات ورزیده شده ومنطق هم خوانده وبهمه نگارشها طبیعی و الهی ارسطو نگریسته سخنانیکه درپزشکی دارد درست میباشد ولی در نگارشهای طبیعی والهی ومنطق خویش بسیار کوتاه آورد . او درباره رایهای ابقراطس و افلاطون کتابی نوشت و ردی برارسطو دارد مگراینکه شایسته چنین نگارشها نبوده است .
آغاز وانجام آن چنین است : ۵

« قال موسی بن عبدالله القرطبی المعروف بموسی بن میمون فی اول رسالة کتبها رداعلی جالینوس فی انه لیس فلسفیا . . . من العلوم قول الفلاسفة ان للنفس صحةومرضا کما للجسم صحة ومرض و کتابا یضمن الرد علی ارسطو » .

امام طوسی (گویا خواجه باشد) نکته‌ای در سه سطر درباره تفسیر سخن ابن میمون دارد بدینگونه : ۱۰

« قال الامام الطوسی بعد مطالعة هذه الرساله اما بیان المرض الذی لا یکاد ان یسلم منه احد . . . فهو کما ذکره و هو الذی یسمی بالعجب . . . اشد من ذلك العجب المعجب » (ازص٦تا ص٨) شماره ۱۳ این دفترچنانکه درفهرست آن یاد شده بایستی «رخش» سهروردی باشد که درص ۳۲ بوده ودرآورده‌اند وشماره ۱۸ آن (از ص۹۰ تا ص ۹۲) نامه رشیدالدین و طواط است بحسن قطان در پاسخ وی که میگفته است ۱۵ توهنگام گشوده شدن مرو بدست اتسزخوارزمشام کتابهایم را ربوده‌ای . یاقوت حموی در سرگذشت حسن بن علی الکافی درمعجم الادبا (چاپ گیپ قسم ۱ جلد۳ ص ۱٦۹- ۱۷٦) این نامه را آورد . نیزچند خبر ازپیامبر (ص۹۲-۹۹) وازنثراللئالی ازعلیع (ص ۹۹-۱۰۳) و شماره ۳۳ این دفتر کلمات قصار است بترتیب حروف تهجی و نیز حدیث (ص۹-۲۳۸) دردنبال شماره ۳٤ سخنانی‌است ازعارفان وپارسایان وفیلسوفان ۲۰ وادیبان درتصوف وپارسائی و کیمیا وجزآنها ونیزخبر و حدیث (ص۲٤۲-۲۸۱) نیز نامه‌ای از ارسطو که از عیسای مسیح میپرسد آیا راهی هست که با آن مردم بآنچه میخواهند، برسند وپاسخ عیسا که می‌نویسد : تنها خردبسنده نیست این پرسش وپاسخ مانند نامه‌ای است که میگویند جالینوس بعیسا نوشته وپاسخ گرفت و پیداست که همه اینها ساختگی است ایندونامه درمحبوب القلوب ص ۵و۱٦۰ آمده است نیزنامه‌ای از ۲۵ شاه مصر بشریف مکه (ص ۲۷۰) . شماره ۳۵ سفارشنامه سید داماد است .

[۵۷] اثبات الواجب (عربی)

دبیران قزوینی نجم الدین علی بن عمر کاتبی (م٦۷۵) فیلسوف منطقی ریاضی‌دان وشاگردخواجه طوسی واستادعلامه حلی این‌رساله‌رانگاشته ودر آن ازبرهانی که

پیشینیان برای بودن خدا ازراه نیازمندی ممکن بواجب و ناروائی دور و تسلسل آورده‌اند، خرده گرفت. وی آنرا بدرخواست یکی از دانشمندان همکار خود نوشت.

درآستانه طوس (ج ٤ فهرست ش ۲۹۷ص۳) نسخه‌ای هست که در آن ۵ شش رساله و نامه از دبیران وطوسی درهمین مسئله آمده است.

آغاز: بسمله قال الامام ... الکاتبی القزوینی رحمه‌الله: «امابعد حمدالله والثناء علیه بما هو اهله ... فهذه رسالة حررتها بالتماس من شارکته فی البحث من العلماء ... فی مباحث یتعلق بالبرهان الذی ذکره الاوائل فی اثبات موجود واجب لذاته.

۱۰ **انجام**: لم قلتم بانه لیس کذالك، لابد له من دلیل ولیکن هذا آخر ما اردنا ایراده فی هذه الاوراق. الحمدلله لواهب العقل بلا نهایة والصلوة علی محمد بغیرعدد وغایة وصلی‌الله علیه و آله اجمعین الی یوم‌الدین.

[٦٣]

۸٦۳ این نسخه شماره پنجم دفتری است که دارای ٦ رساله میباشد و بخط شکسته تعلیق با نشانه‌های شنگرف است از برگ ٥۹ ب تا برگ ۷۳ ب.
(همه دفتر ۸۱ برك) ــ کاغذ ترمه سمرقندی ــ جلد تیماج سبزضربی
اندازه: ۹ × ۱٦ و ٥ × ۱۰ س ۱۱

[٥۸] اثبات‌الواجب (عربی)

محقق دوانی (۸۳۰-۹۰۷ یا ۹۰۸) دورساله دراثبات خدا نگاشته است
۲۰ ویکی راکه نخستین بارنوشته و (قدیم) نامیده میشودبنام سلطان بایزید۲ (۸۸٦-۹۱۸) ساخته ودردوروزازکوتاهترین روزهای تابستان آنرا بپایان رساند دردیباچه اثبات واجب جدید میگوید که ده سال پیش درجوانی بدرخواست یکی‌ازبزرگان گیلان رساله‌ای درباره اثبات واجب در ده فصل نوشته‌ام (کشف‌الظنون) ولی از دیباچه اثبات واجب قدیم پیداست که این رساله دردومقصداست. دوانی دردیباچه
۲٥ این رساله میگوید که بجز برهان تطبیق تا پایان رساله را دردوروز ازکوتاهترین

روزهای تابستان نوشته بودم و پس‌از مدتی که فراموش شده بود و گرفتاری های روزگار از نشر و اتمام آن باز میداشت از یك پایگاه پاکی دستوری رسید و مرا یارشد واین دفتر بنگارش در آمد آنگاه‌نام آن پادشاه (بایزید) را میبرد ورساله را بنام اومیسازد .

این رساله‌که اثبات واجب قدیم میباشد در دو مقصد است دریکی دلیلهائی که وابسته‌بابطال دوروتسلسل است‌میاورد ودردومی دلیلهائی رابرای اثبات‌خدایاد میکند که نیازی بابطال آندو ندارد بلکه نخست خدا با آنها ثابت میشود سپس بطلان آندو روشن میگردد . ۵

درمعجم‌المطبوعات ص۸۹۲ می‌نویسد که رساله‌اثبات واجب‌دوانی‌در آستانه چاپ سنگی شده است ولی نمیرساند که قدیم است یا جدید . ۱۰

آغاز : سبحانك ما اعظم شأنك و اظهر برهانك أنت المشاهد فی العین ولا یشاهدك العین .

انجام : الحسنی والیه الرجعی و لهذه‌المباحث مزید تفصیل ربما یعتبر علیه فی تعلیقاتنا . . .

[٦٤] ۱۵

۳۰۳ این نسخه شماره دوم دفتری اسب که دارای ٤ رساله میباشد و نشانه آن درص٦٦ یاد گردید این رساله نیز بخط تعلیق ادهم بن قاضی بیك هرابادی خلخالی واز برگ ۲۱ ب تا برگ ٤۹ الف میباشد ودرشامگاه پنجم رمضان سال ۱۰۲۵ نوشته شدوحاشیه‌هائی دارد ازخود دوانی که در کنار نسخه دیده میشود .

[٥٩] **اثبات واجب** (فارسی) ۲۰

دوانی رساله دیگری دراثبات واجب دارد که بنام جدیدنامبردار است واین گفتارترجمه بخشی‌ازآنست بپارسی ومترجم درپایان آن میگوید که نخواستم همه کتاب را ترجمه کنم و پس‌از ترجمه آن بخش از سه گونه آفرینش یاد میکند یکی آفریدن هستی که لازم ماهیت است و مشائیان مانند ارسطو و ابن سینا و خواجه طوسی‌وهمه متأخران بدین‌رأی هستند . دیگری آفریدن ماهیت که اشراقیان مانند ۲۵

سهروردی میگویند سوم آفریدنی که آفریده بهستی حقیقی یاخداپیوندد که ذوق متالهان مانند دوانی همین است دراین ترجمه از « بهجة السعاده » بهمنیارشاگرد شیخ یاد میشود .

آغاز : در بحث توحید از رساله اثبات واجب جدید میگوید که « این مطلب یعنی اثبات واجب ادق مطلب الهیه است و احق است بآنکه طالب در آن صرف سازد اوقات خودرا » .

انجام : وموجودات اعم است ازین وجود قائم بنفس خود و آن وجود منسوب الیه است بانتساب خاص – مترجم کلام میگوید که مقصود محقق دوانی . . . اثبات ذوق حکماء متالهین وصوفیه متشرعین که قایل بوحدت وجودند . . . دیگر شك وشبهه در تحقیق حقیقت این طریقه حقه نماند . والله المستعان والیه التکلان .

[٦٥]

۱۰۳۵ این نسخه در ص ۷–٤۳٦ این دفتر اسب که دارای ٥۱ رساله میباشد و بارها ازآن یادگردید .

[٦۰] اثبات الواجب (عربی)

دانشمند فیلسوف شمس‌الدین محمد بن احمد خفری شیرازی (م ۹۳٥ یا ۹٥۷) ازشاگردان صدرالدین محمد دشتکی (۸۲۸ – ۹۰۳) بوده و درروزگار شاه اسماعیل یکم صفوی (۹۰۷ – ۹۳۰) میزیسته و درکاشان و شیراز بسرمیبرده است وی تذکره خواجه طوسی را بنام تکمله بسال ۹۳۲ شرح نمود قاضی نورالله شوشتری درمجلس هفتم مجالس‌المؤمنین اورا از فرزانگان شیعی بشمارآورد[1] .

---

۱ – شوشتری می‌نویسد که درروزگارشاه اسماعیل شهربانان و سران هرشهری مردم را آئین شیعی میآموختند و ناگزیر میساختند که از جانشینان سه گانه پیامبر بیزاری جویند وبرآنهانفرین فرستند روزی داماد خفری هراسان‌نزدوی رفت و گفت که سرگذشت چنین است چه باید کرد خفری بدو گفت بروو برآنها نفرین کن که (دوسه عرب عامی جلف) بوده‌اند . بازمیگوید : هنگامیکه این شاه شروان وآذربایگان بگرفته بود دانشمندان سنی

بقیه حاشیه درصفحه بعد

خفری چندین رساله در اثبات خدا و بحث از صفات او دارد و در آنها مشرب اشراقی وعرفانی وی پیداست یکی از آنها رساله‌ای است که برای ابوالفتح سلغرشاه بن توران شاه بن محمد شاه بن تهمتن بهادرخان نوشت و نسخه‌ای از آن در آستانه طوس هست (ج ٤ ش ۱۰۳ ص ٥) ویکی از آنها رساله است که برای مبارزالدین حسین خان نگاشته است و دارای یك مقدمه دراصول موضوعه و سه مقصد (دلیلهای بودخدا ـ دلیلهای یگانگی او ـ اثبات دانائی او) و یك خاتمه درسخنان فیلسوفان پیشین یونان درباره بود و یگانگی خدا که در آن گفته های آنان را میآورد و شرح میدهد.

آغاز : بسمله الحمدلله الذی کان ولازمان ولامکان فاوجدالخلائق بقدرته .

انجام : والکواکب وحرکاتها الطولیه والعرضیه (تمت الرساله بعون الملك الوهاب والیه المرجع والمآب) .

[٦٦]

۹۲۶ این نسخه شماره هفتم دفتری است دارای ۱۵ رساله و گفتار و بخط تعلیق درشت با عنوانهای شنگرف از برك ۱۱۳ ب تا ۱۱۸ الف .

[٦١] **اثبات الواجب** (عربی)

این رساله نیز از خفری است وچنانکه در دیباچه نوشته است باید درده مقصد باشد ولی ازخود نسخه که کامل می‌نماید پیداست که سه مقصد بیش نیست (اثبات

مانده حاشیه صفحه پیش

عراق ازترس میگریختند از شهری بشهری میرفته‌اند چنانکه در کاشان کسی نماند که داوری کند وفتوا دهد ناگزیر مردم نزد خفری رفته پرسشها میکردند و او از روی هوش وخرد خویش بااینکه فقه نخوانده بود بپرسشهای آنان پاسخ میداد . شیخ علی بن عبدالعالی محقق کرکی عاملی (که درنزدیك بهفتادسالگی بسال ۹۲۷ در گذشت) در آن هنگام بکاشان رفت و خفری را بدید و بنوشته های او نگریست دید که همه سخنان او با گفته‌های دانشمندان شیعی سازگارمیباشد . سپس شوشتری ازاین‌جانتیجه میگیرد که خرد زشت وزیبا و نیك و بد را ازهم بازمیشناسد چنانکه معتزلیان وامامیان نیز بهمین رای هستند .

درریحانة الادب تبریزی (ج ۱ ش ۹۲ ص ٤٠٤) نوشته است که کرکی درروزگار شاه تهماسب صفوی (۹۳۰ ـ ۹۸٤) میزیسته واوگاهیکه میخواست بزیارت برود خفری را جانشین خویش ساخت و دراین هنگام بود که وی بکار فتوا و داوری پرداخت و کرکی همینکه برگشت و دید که سخنان خفری همه ازروی دین است بیشتر بدوبگرائید .

خدا ـ یگانگی او ـ دانائی او) و یك خاتمه هم دارد بس درازکه در آن سخنان
فیلسوفان یونانی واسلامی را درباره دانائی خدا میآورد و درهریك از مقصدهاهم
از سخنان فیلسوفان یونانی یاد میکند و بیشتر این رساله درباره دانائی خداوند
است . خفری در آن ازنگارنده « فتوحات مکیه » و از فصوص فارابی (برك ۱۲۹
٥ الف) یادمیکند خفری دردیباچه نوید میدهدکه ۱٤دلیل برهانی و ٥ دلیل عرفانی
برای اثبات خدا بیاورد ولی در رساله جز ۱۲ دلیل بروش مشائی دیده نمیشود .

آغاز : بسمله الحمدلله الفرد الذی لم یلد ولم یولد . . . فیقول . . . محمدبن
احمدالخفری هذه رسالة فیالالهیات وقدر تنباها علی عشره مقاصد .

انجام : ولماکان مبحث العلم بحر اعمیقالا ساحل له (اقتصر ـ ظ) علی
۱۰ ماذکر . الحمدلله رب العالمین والصلوة والسلام علی محمد و آله الطاهرین .

[٦٧]

۹۲٦ این نسخه شماره هشتم دفتری است دارای ۱٥ رساله و گفتار و بخط تعلیق
درشت وازبرگ ۱۱۸ب تا برك ۱۳۳ الف است .

[٦۲]

اثبات الواجب

(عربی)

۱٥ این رساله نیزازخفری است ودارای یك مقدمه وسه مقصداست و یك خاتمه
که در آن سخنان فیلسوفان مانند تالیس ملیتوسی وانکسیمانس وامپدکلس وپلاتون
درباره دانائی خداوند را میآورد و پس از آوردن رأی پلاتون درباره مثل و شرح
دادن آن بمشرب خویش میگوید که ارسطو نیز با او همرأی است و اعتراضی را
که نگارنده شفا کرده است رد میکند خفری دراین رساله ازدانائی خداوند بیشتر
۲۰ گفتگو میکند ـ نسخه ازاین رساله در آستانه طوس (ج ٤ ش ۳۰۰ ص ٤) هست

آغاز : بسمله الحمدلله رب العالمین . . . . فیقول احوج خلق (عباد) الله
الیه محمد الخفری هذه رسالة فی اثبات واجب الوجود بالذات و صفاته بالدلائل
القطعیه التی تقررت عندی قطعیتها .

انجام : واما مراتب هذا العلم التفصیلیه فهو علی اربعة علی التفصیل المذکور
۲٥ ولما (کان) مبحث العلم بحر العلم اعمیقالاساحل له اقتصر علی ماذکر و الحمدلله علی افضاله

والصلوة علی محمد و آله علیهم‌الصلوة والسلام ـ تم بحمدالله سبحانه .

[٦٨]

۱۰۷٤ این‌نسخه شماره پنجم دفتری است دارای۱۸رساله و بخط تعلیق ریز و کاهی بی‌نقطه است واز برك ٧٦ الف تا برك ۱۲۲ الف میباشد .

٥ (همه دفتر ۲۳۲ برك) کاغذ فرنگی ـ جلد تیماج ضربی

اندازه: ٥ر۱۰ × ۲۰ و ٥ر۱٤ × ۱٤ س ۱۸

[٦٩]

۱۰۳۰ این نسخه شماره هیجدهم دفتری‌است که دارای۲۳رساله و گفتارمیباشد ومحمد سلیم ودرویش بن علی ومحمد حیدر ومحمد مؤمن و دیگران بسالهای ۱۰۸٤و ۱۰۹۱و۱۰۹۳و۱۰۹٤و۱۱۸۷ آنرا نوشته‌اند و برکهای ۱ تا ٦ و۲۰۱ تا٦۰٦ سفید است .

این رساله بخط تعلیق باعنوانهای شنگرف است و بپایان نرسیده وازانجام آنچه که هست اینست :

« فکذلك الوجودالحقیقی غیر ان الکثرة فی‌الوجود الحقیقی انما یکون فی

۱٥ الظهور» برابر با سطر۱٥ برك ٩٦ الف شماره ۱۰۷٤ .

(همه دفتر ۲۰۸ برك) کاغذ فرنگی ـ جلد تیماج ضربی

اندازه : ۱٤٫٥ × ٥ر۲۰ و ۸ × ٤ س ۱۸

[٦٣] **اثبات‌الواجب** (عربی)

این رساله‌کوتاه نیز از خفری است و بسیارشیوا وشیرین وروان نگاشته

۲۰ است و درآن با دوگونه دلیل مشائی و اشراقی‌که رویهم بشش دلیل میرسد بود و یگانگی وسادگی (بساطت) خدا را روشن میسازد و بسه دلیل مشائی عنوان «لمحه» و بسه دلیل اشراقی عنوان لمعه میدهد خفری در اینجابابینکه هستی‌محض یکی بیش نیست اشاره دارد وهمآنستکه ملاصدرا در نگارشهای خود یاد میکند .

آغاز بسمله قال العلامه الخفری : « رب افض علینا بفضلك یا فیـاض ـ

۲٥ « لمحة مشائیه » فی اثبات الواجب . مجموع الممکنات بالامکان الخاص فی حکم ممکن واحد . . . »

انجام : والامکان اظهر منه وهو باطل . تم والحمدلله واهب‌العقل .

[۷۰]

این نسخه شماره پنجم دفتری است دارای ۱۹ رساله وچندین گفتار که بخط
۱۰۳۸ محمد درویش بسال ۱۰۵۵ ومحمد باقرسپاهانی در۱۰۵٦ میباشد . ازبرك
۳۱ الف تا برك ۳٤الف سخنانی‌است‌بنظم ونثرازخواجه احرارو بوذرجمهر
وناصرخسرو باباافضل ومؤیدالدین جندی درشرح فصوص ودیگران ودر۳۷ ب تا٤۱ ۵
الف نظم ونثری است ازنظامی و قونوی درتبصرةالمبتدی و تذکرةالمنتهی بپارسی
وازشیخ عبدالعلی درنورالثقلین و از ابی‌الفتوح رازی وامام فخررازی هردو درتفسیر
خود. دربرگهای ٤۱ ب‌تا ٤۸ الف بازسخنان گوناگون دیده میشود ورساله ششم آن
دربدیع است بپارسی (٤۸ ب ـ ۵۰ الف) و در ۵۰ الف تا ۵٤ ب همچنین سخنان
دانشمندان است دربرك ٦۵ ب شعرهائی ازمولانا لطف‌الله نیشابوری ودربرك ٦٦ب ۱۰
تا برك ۷۱ ب سخنان شیخ اشراقی سهروردی و عارف صوفی سهروردی و دیگران
دربرگهای ۷۲ الف تا پایان دفتر بجز رساله‌هائی که هریك درجای خود یاد میشود
نیز خبر ونظم ونثردانشمندانی مانند محقق گرگانی وازمرزبان‌نامهٔ و شرح حورائیه
امیرحسین میبدی دیده میشود چنانکه در۱۱٦ ب تا۱۳۲ ازمبدء ومعاد وشواهد ربوبی
شیرازی وشرح فاضل‌قزوینی درمباحث فلسفی ودربرك۹۹ الف سخن فارابی دردروغ ۱۵
بودن احکام نجوم وگفتار سنائی آورده شده دربرگ ۱۳٦ ب تا ۱۳۷ الف پایان
لوامع‌الاشراق فی مکارم‌الاخلاق دوانی برابر با ص ۳۳۲ تا ص ۳۳۷ چاپ هند بسال
۱۲۸۳ نوشته شد .

این رساله خفری بخط تعلیق شکسته ومورب ودربرك٤۱ ب نوشته شده وباید
بخط همان محمد باقر سپاهانی باشد که رساله دوم این دفتر را دراکبرآباد و رساله ۲۰
سوم را درحیدرآباد بسال ۱۰۵٦ نوشت .

(همه‌دفتر ۱٦۳ برك) کاغذ فرنگی ـ جلد تیماج سرخ ضربی
اندازه : ۱۱ × ۲٦ و۹٫۵ × ۱۹٫۵ س ۳۱

[٦٤] **اثبات الواجب** (عربی)

در مجلس هفتم مجالس المؤمنین قـاضی نورالله شوشتری (م ۱۰۱۹) در ۲۵
سرگذشت میرغیاث‌الدین منصور دشتکی می‌نویسد که وی بررساله اثبات واجب
پدرخود میرصدرالدین کبیر محمد (زاده‌دربامدادروز۲۰شعبان۸۲۸و کشته دربامداد
آدینه۱۲رمضان۹۰۳) شرحی نوشت وخود غیاث‌الدین‌هم رساله‌ای دراثبات واجب

بنام « مشارق » دارد ودر کشف‌الظنون (ج ۱ص۵۳۹) نوشته است که میرصدرالدین محمد شیرازی اثبات واجب نگاشته و آغاز آن چنین است : « الله لااله الا هو له الاسماء الحسنی » باز در آنجا (ج ۲ ص ٤٣٨) نوشته است که « مشارق النور و مدارك السرور فی الکلام » از شیخ ابی‌منصور فرزند محمد حسینی است در کشف‌الحجب (ص٤) می‌نویسد که اثبات‌الواجب ازغیاث‌الدین شیرازی است و آغازش چنین‌است : «سبحانك اللهم یامن تفرد بالوجوب والوجود و توحد بافاضة الخیر والجود» در الذریعه (ج ۱ ص ۹ ـ ۱۰۸) چنین آمده : که اثبات‌الواجب از میرصدرالدین محمد شهید بدست ترکمانها و معروف بصدرالحقیقه و صدرالعلما والحکما میباشد و او فرزند میرغیاث‌الدین منصور پسر صدرالدین محمد پسر ابراهیم پسر صدرالدین محمد پسر اسحق پسر علی پسر عربشاه حسینی دشتکی شیرازی است و تاریخ زاد و مرك او را ازشرح پسر وی استادالبشر میرغیاث منصور (م ۹٤۸) برهمین اثبات‌الواجب آورده است . بازمیگوید نسخه‌ای ازمتن اثبات‌الواجب در کتابخانه تقوی درتهران هست و بخط حاج محمود پسر محمد پسر محمود نیریزی و بتاریخ ربیع یکم سال ۹۰۳ میباشد ودر آن اجازه‌ای است ازهمان میرصدرالدین و بخط او برای همین نیریزی که درماه محرم نوشته است و آغاز اثبات‌الواجب در آنجا چنین است : « الله لااله الا هو له الاسماء الحسنی منه الابتدا و به البقا » نیز می‌نویسد که غیاث‌الدین منصور بجزشرح بر اثبات الواجب پدرخود کتابی بنام « مشارق » دراثبات واجب دارد .

این غیاث‌الدین دشتکی ازدانشمندان وفیلسوفان بوده ودرسال۹۳٦صدراعظم شاه طهماسب یکم صفوی (۹۳۰ ـ ۹۸٤) شده و در شیراز بسال ۹٤۸ درگذشت وپسری داشت بنام صدرالدین محمد که اوهم‌ازدانشمندان بشمارمیآمد وازنامهای این خاندان پیداست که بسیاری از آنها همنام بوده‌اند .

این رساله گویا همان مشارق باشد و در بیشتر جاها شکهای رازی بزرك را میآورد و در برابر آن ازسخنان رازی کوچك یاد میکند و گاهی از کتابهای ابوعلی و از طوسی در آن یاد میشود گویا خطبه آغاز رساله راکه در کشف‌الحجب آمده دراین نسخه نیاوردند

آغاز : بسمله . هذه الرسالة مرتبة علی ستة مقالات امـا المقالة الاولی ففيها اربع مسائل . المسئلةالاولی فی اثبات واجب الوجود . اماالبرهان الذی اقامه الحکماء عليه

انجام : و حکم الکلی علی الجزئی ليس بقادح فی هذا و نحن قد قررنا فی ماسلف هذاالمعنی فلا نعيدها .

٥ اين رساله شش مقاله است : (١ اثبات واجب در ٤ مسئله ٢ صفات خدا در ٤ مسئله ٣ افعـال او در ٣ مسئله ٤ احوال اجسام در ٤ مسئله ٥ اقسام اجسام در ٢ مسئله ٦ درنفس که بسيار کوتاه است) از خود کتاب نام آن و نگارنده آن دانسته نميشود .

[٧١]

١٠ اين نسخه بخط تعليق ريز و بسيار جاها بی نقطه وعنوانها و نشانه‌ها بشنگرف

٣١٨ است دربرك ٢٦ الف حاشيه‌ای از قاضی ميرحسين دارد دراينکه چرا نگارنده هنگام آوردن خبر «اول الدين معرفته» قال عليه السلام گفته بااينکه درودفرستادن بر جز پيامبران بتنهائی نکوهيده است آنگاه سخنان فقيهان بزرك سنی را درباره اين ميآورد . اين رساله از برگ ١ ب است تا برگ ٣٧ الف . دربرك ١ الف و

٥١ برگهای ٣٧ الف تا ٣٩ ب سخنانی ازعارفان وفيلسوفان مانند رينون اکبروهميروس وسولون وبقراط و ذيمقراطيس وسقراط و ديگران و از تأويلات کاشی و تعليقات شيخ و تاريخ و صاف و از احاديث شيعی آمده است و دربرك ١ الف دنباله کتاب ديگری است بخط همين نويسنده وهمين تاريخ ودرهمينجا . نويسنده نسخه عبدالقادر اردوبادی است که درروستای فاروق شيراز درنيمه ذی‌قعده سال ١٠٢٠ آنرا نوشت .

(٤٠ برك) ـ کاغذ ترمه سپاهانی ـ جلد تيماج سرخ ساده

اندازه : ١٢×٢١ و ٦×١٣/٥ س ٢٣

[٦٥] اثبات الواجب (عربی)

اين رساله از مولانا سيد آقا حسين خلخالی است که برای شاه روزگار خود حسن پاشا نگاشته است .

٢٥ **آغاز** : بسمله . . . لك الحمد يامن تفرد بوجوب الوجود والقدم .

انجام : وليکن هذا آخر الکلام فی اثبات الواجب وصفاته . . . . من لدنك رحمة انك انت الوهاب . تمت الرساله .

[۷۲]

۳۱۲ این نسخه شماره سوم دفتری است که دارای ۳ رساله میباشد و در ص ۳٦ نشانه آن یادگردید این رساله از برك ۱۵٤ب است تا برك ۱۷۸ب و بخط شکسته تعلیق با عنوانهای شنگرف میباشد و درتاریخ ۱۰۱۳ نوشته شد .

[٦٦] **اثبات واجب** (عربی) ۵

این رساله از میرنظام‌الدین دشتکی شیرازی (احمدبن ابراهیم بن سلام‌الله حسینی م۱۰۱۵) است ودر آن بروشی‌تازه بود خداوندرا روشن میسازد ودرپایان آن میگوید که بگفته استاد نخستین (ارسطو) درالهیات بیقین نتوان رسید و تنها میتوان گفت که بهتر وشایسته تر چنین است . دشتکی دراین رساله از ارسطو (۸۲ ب) وازشرح « منافع الاعضاء » جالینوس (۸۱ الف) وازخصوص (فصوص) استاد دوم ۱۰ فارابی (۷۸ب) وازشرح حکمت اشراق شیرازی (٦۵ الف) وشجره‌الهیه شهرزوری (۷٦ ب) واز محقق شریف (٦۵ ب) و شارح تجرید (۷۸ ب) و از شرح زوراء یاد میکند ودرپایان ازشیخ رئیس نام می‌برد این رساله دارای یك مقدمه و بیست فصل و یك‌خاتمه‌در کلام‌نفسی‌است‌این‌نظام‌دشتکی نیای‌سیدعلیخان‌مدنی(پسرمعصوم‌پسر نظام‌الدین) است و دورساله اثبات واجب میانین و کوچك دیگری هم دارد (ذریعه ۱۵ ج ۱ ص ۱۰۳) .

آغاز : بسمله و به نستعین . سبحانك اللهم یا من تفرد بالوجوب والوجود وتوحد بافاضة الخیر والجود . . . فهذا نمط جدید وطرز سدید فی اثبات الواجب وسلب المثالب منه .

انجام : وقد قال الشیخ الرئیس : جل جناب الحق عن ان یکون شریعة لکل ۲۰ وارد . . . ونقل عن المعلم الاول انه لاسبیل فی الالهیات الی الیقین وانما الغایة القصوی فیها الاخذ بالالیق والاولی واعلموا انی وان لم ابلغ درجة الصنیف . . . لکن من نظر فیه . . . یجد فیه اشارات الی فوائد وتلویحات الی زوائد خلت عنها الکتب المتعارفه والزبر المتداولة والله ولی الافاضة والیه الرجوع فی البدایة والنهایة ومنه التوفیق وبیده ازمة التحقیق . ۲۵

[۷۳]

۸۹۷ این نسخه شماره چهارم دفتری است دارای ۸ رساله (۱ فوز اصغر مشکویه ۲ اوائل التحریر از اختیار فرزند غیاث الدین حسینی در بیان و انشاء که در ۸۹۰ نگاشته است از برك ۲۰ الف تا برك ۵۱ ب ۳ فصوص فارابی بخط نسخ تاریخ ۱۰۹۶، ٤ اثبات واجب دشتکی ٥ عرشیه فیلسوف شیرازی ٦ اطباق از شرف الدین عبدالمؤمن سفروی بخط نسخ معرب بتاریخ ۱۰۹٦ از برك ۹۷ ب تا ۱۲۹ الف ۷ ترجمه فارسی سه نمط آخر اشارات ۸ دره فاخره جامی بنسخ تاریخ ۱۰۹۷) این رساله مانند دیگر رساله‌ها بخط نسخ و همه از یك نویسنده است و از برك ۵۹ ب تا برك ۸۹ الف میباشد و بایستی درهمین سالهای ۱۰۹٦ و ۱۰۹۷ نوشته شده باشد .

(همه دفتر ۱۵۹ برك) ــ کاغذ فرنگی ــ جلد روغنی و یك سوی فرسوده
اندازه : ۲۱٫۵ × ۳۴٫۵ و ۱۳×۲٦ س ۲۸

[٦۷] **اثبات واجب** (فارسی)

مولانا رجبعلی تبریزی سپاهانی (م ۱۰٦۵ یا ۱۰۸۰) که از فیلسوفان منطقی روزگار خویش و از نزدیکان و شناختگان شاه عباس دوم (۱۰۵۲-۱۰۷۷) و درباریان و بزرگان کشور بشمار میامده استاد حکیم کوچك قاضی محمد سعید قمی (۱۰٤۹ ــ ۱۱۰۳) و برادرش حکیم محمد محسن قمی نویسنده تفسیر بزرك فارسی ومیرزا قوام الدین رازی ومولی محمد تنکابنی سراب و دیگران بوده است .

این فیلسوف رساله «اثبات واجب» بفارسی نگاشته ودر آن بود ویگانگی خدارا آشکارساخت وروشن کرد که لفظ بود ووجود میان واجب وممکن مشترك لفظی است واین رساله او دارای یك مقدمه و پنج مطلب و یك خاتمه است و در دیباچه آن میگوید : درباره اشتراك لفظی وجود نباید از اینکه کسی بدین رأی نیست بیم داشت چه رسد باینکه استاد نخستین در « اثولوجیا » وحکیم مسلمة بن احمد مجریطی (ازمادریداندلس که در ۳۹۵ یا ۳۹۸ در گذشت) و صوفیانی مانند شبستری (محمود فرزند امین الدین تبریزی م ۷۱۹ یا ۷۲۵) و شیخ صدرالدین قونوی (م ٦۷۳) درنصوص و تفسیرسوره حمد و برخی از فیلسوفان و نیز فرزانگان هند همگان چنین میگویند . مولانا در مطلب پنجم با دلیلهای فلسفی ثابت میکند

که وجود میان واجب وممکن مشترك معنوی نیست بلکه لفظی ودرمطلب چهارم میرساند که صفت جز ذات میباشد ودر پایان میگوید که خدارا صفتی نیست وگرنه یاخود اواست یا جزاووهردو ناروا است وبرای این مطلب وهمچنین برای اشتراك لفظی وجودسخنان پیشوایان شیعی را دلیل میاورد ـ نسخه ازاین رساله درآستانه طوس (شماره ۷۲۰ ج ٤ ص ۱۵۱) هست وبرساله وجودیه نامیده شد ٥

آغاز : پس‌از نامبردن خدا و ستودن او : بدانکه این رساله مشتمل است برمقدمه و پنج مطلب و خاتمه . مقدمه در بیان معنی وجود و معنی اشتراك لفظی ومعنوی .

انجام : پس اطلاق وجود برالله تعـالی باین معنی است که معدوم نیست واطلاق واجب براو باین معنی‌است که ممکن‌نیست . چنانچه درممکنات است . ١٠ سبحانك رب العزة . . . والحمدلله رب العالمین

[٧٤]

٣٧٤ این نسخه شماره دوم دفتری است که دارای هفت رساله میباشد ونشانه آن درص ۲۷ یاد گردید . این رساله بخط شکسته تعلیق است وازبرك٥٢ الف تا برك ٥٨ ب میباشد . ١٥

[٦٨] اثبات الواجب (فارسی)

مسیحای شیرازی یامحمد مسیح‌بن اسمعیل فدشکوئی‌فسائی شیرازی که درنزدیك به ۹۰ سالگی بسال ۱۱۲۷ درگذشت این رساله را دریك فاتحه و دومقصد نگاشته است . وی شاگرد دانشمند خوانساری آقاحسین بوده و بتازی وپارسی شعرمیسرودوشیخ‌الاسلامی فارس را داشت . نسخه ازاین‌رساله درآستانه ٢٠ طوس بشماره ۳۰۲ (ج ٤ ص ٥) هست .

آغاز : بسمله و به نقتی . یامن منه‌المبدء و الیه المنتهی . . . . چنین گوید . . . ابن‌اسمعیل‌الفسائی محمدالمدعو بمسیح . . . این چندکلمه‌ایست مختصر دربیان اثبات واجب وتوحید او .

انجام : چنانکه اورا شریکی درواجبیت بالذات و درایجاد ممکنات نیست ٢٥

تم الله اعلم بحقیقة الحال .

[٧٥]

٨٥٥ این نسخه بخط نسخ و دارای سرلوح زرین و جدول بزروشنگرف و لاجورد وعنوانها بشنگرف است .

(٧٣ برك) ـ کاغذ ترمه سپاهانی ـ جلد تیماج زرد حاشیه‌دار
اندازه : ١١×٥ر١٨ و ٥ر٦×١٢ س ١٤

[٧٦]

٨٧٤ این نسخه شماره هشتم دفتری است که دارای نه رساله وگفتار میباشد و بخط شکسته تعلیق از برك ٢٣٣ ب تا برك ٢٩٢ ب است وآنچه دراین دفتر نوشته شده بدینگونه است :

١ـ حواشی میرفندرسکی برشرح لمعه بخط شکسته تعلیق (١ ب ـ ٧٢ ب) .

٢ـ رساله در رد رساله نماز جمعه ملاخلیل قزوینی از ملا محمد طاهر شیرازی بفارسی وبهمان خط (٧٣ ب ـ ٩٤ الف) .

٣ـ خطبه شقشقیه وخطبه‌های دیگر بخط نسخ وتعلیق (٩٤ ب ـ ١١٦ الف) .

٤ـ شرح زوزنی بربرخی ازقصیده‌های هفتگانه بخط شکسته تعلیق (١١٦ب ـ ١٤٠ ب) .

٥ـ ابطال وحدت وجود ملامحمد سعید گیلانی (١٤١ ب ١٧٠ الف) بهمان خط و عنوانها درهامش بشنگرف و صفحه (١٤٧ الف) این رساله را نویسنده بار دیگر دربرك ١٤١ الف دوباره نوشت .

٦ـ درشرح حدیثی که برخی با آن استدلال کردند که وجود مشترك معنوی نیست بهمان خط (١٧٠ الف ـ ١٧١ ب) .

٧ـ رساله ملامحمدطاهرشیرازی دررد بررساله ملاحسنعلی درناروابودن نماز آدینه بفارسی وبتاریخ ١٠٦٨ بهمان خط (١٧٢ب ـ ٢٣٣ ب) .

٨ـ همین رساله فسائی ٩ـ خطبه نکاح از برخی‌دانشمندان بخط نسخ(٢٩٢ب ـ ٢٩٤ الف) .

همه این نوشته‌ها از یك نویسنده است .

(همه دفتر ٢٩٤ برك) ـ کاغذ فرنگی ـ جلد تیماج سرخ ضربی مقوائی
اندازه : ١٠×٥ر١٩ و ٧ × ١٥ س ١٤

[٦٩] اثبات الواجب یا قواعد التوحید (عربی)

جعفربن محسن الحسینی برای یکی از بزرگان روزگار خود که همنام « خلیل‌الله » میخواندش این رساله را نوشت ودر یك مقدمه ودومقاله ویك خاتمه

است او از ابن کمونه (دربرك ۲۳ ب) یاد میکند.

آغاز : الهم یامن عجزعن تصورهویته عقول العقلاء.

انجام : واما امکان احدالفردین المفروض واجبیتهما.

[۷۷]

۵ **۲۸۵** این نسخه بخط نسخ خوش از درویش علی فرزند حاجی شمسی کازرونی بتاریخ روزآدینه ۱٤ ذی‌قعده سال ۱۱۱۸ میباشد ودرپایان آن دارد: «تم الرسالة نسخا و مقابلة .... ابن حاجی شمسی، درویش علی الکازرونی غفرالله ذنوبه وسترعیوبه».

(۳۱ برك) - کاغذ ترمه سپاهالی - جلد تیماج کهنه

۱۰ اندازه . ۱۳×۱۸ و ۷٫۵×۱۲٫۵ س ۳۰

[۷۰] **اثبات واجب** (عربی)

نگارنده این رساله دودلیل برای اثبات خدامیآورد که در آن نیازی بباطل ساختن دور و تسلسل نیست و در پایان آن بکتاب خود بنام (الرضیة الحسینیه) بازگشت میدهد.

۱۵ **آغاز** : هوالموفق والمعین. الموجود اما واجب او ممکن، لانه من حیث هو، مع قطع النظرعما یغایره، موجود، لایقبل العدم ام لا.

انجام : فلم یکن واجبا، وذلك خلاف المفرد (و) ض. وقدبسطنافی الدلیلین فی «الرضیة الحسینیة». فمن یردالاطلاع علیه، فلیرجع الیه. والله تبارك و تعالی هوالموفق والمعین.

۲۰ [۷۸]

۱۰۷۹ این نسخه شماره ۳٤ دفتری است که دارای ۳۵ رساله است و بخط تعلیق ازص ۲٤۰تا۲٤۱ میباشد ومرادتفرشی درذی‌حجه سال۱۰٤۷ این رساله را برای مولی محمد صالح کرامی نوشت.

[۷۱] **اثبات الواجب** (عربی)

۲۵ دراین رساله از بود خدا ونامهاوصفتهای او واز اینکه چگونه چندین چیز ازخداو ندیکتاآفریده شده‌است کاوش میگردد ودر آن ازفتوحات مکیه محیی الدین

اندلسی (م ٦٣٨) واز خواجه طوسی (م ٦٧٢) وقونوی (م ٦٧٣) وقطب رازی (م ٧٧٦) یاد میشود و بسیارشیوا ورسا نوشته شده است .

آغاز : بسمله و به نستعین . الحمدللّٰه‌الذی تجلی بذاته لذاته ، فتعین فی باطن علمه بمجالی‌ذاته اوصفاته . . . امابعد ، فهذه : رسالة فی‌تحقیق‌مذهب‌الصوفیه

٥ والمتکلمین والحکماءالمتقدمین ، وتقریرقولهم فی وجوب‌الواجب وحقایق اسمائه وصفاته و کیفیة صدورالکثرة من وحدته .

انجام : وقال‌الحکماء هی واقعة علی سبیل‌الوجوب . . . وارتفاع‌الموانع .

[٧٩]

٨٤٩ این نسخه شماره نخستین دفتری‌است که دارای پنج رساله میباشد و بخط تعلیق و عنوانها بنسخ درشت‌تر، ازبرك ١ الف تا برك ٢٨ ب. رساله دوم این دفتر گزیده‌ای است ازمثنوی عرفانی صدرالمتالهین شیرازی بخط نسخ (٣١ الف - ٥٠ ب) و سوم مقامات میرمرشدی درعرفان و منظوم بهمان خط (٥٠ ب - ٥٥ ب) چهارم مشواق فیض کاشانی بخط تعلیق (٥٥ ب - ٦٠ ب) پنجم قضا و قدر فیلسوف شیرازی بهمان تعلیق (٦١ الف - ١٧٤ الف) .همه اینها را محمدعلی نوشته و نام خودرا درپایان رساله نخستین آورد بدینگونه : «تمت‌الرساله‌الشریفه ... بیداقل‌الطلبه محمدعلی قلمی گردید سنه ١٣٠٠» ورساله پنجم را در ١ صفر ١٣٠٠ بپایان رساند .

(همه دفتر ١٧٤ برك) - کاغذ فرنگی - جلد تیماج سرخ ساده مقوائی
اندازه ٥ر١٠×٥ر١٧ و ٦×١٤ س ١١

[٧٢] اثبات وحدة‌الواجب (عربی)

٢٠ فیلسوف مولی‌شمس‌الدین محمد گیلانی (ملاشمسا) که درروزگارفیلسوف ملاصدرای شیرازی (م ١٠٥٠) ودانشمندآقاحسین خوانساری (م ١٠٩٨) میزیسته از شاگردان فرزانه ایرانی میرداماد استرابادی سپاهانی (م ١٠٤١) بوده است وی در١٠٤٥ درشهرطوس بود و رساله حدوث عالم را در آنجا نگاشته (نسخه شماره ٩٢٦/٥ برك ١١٠ الف این کتابخانه) ودر١٠٤٧ درحجازمیزیست وفوائدی فلسفی

٢٥ درر آنجاگردآورد[١] شمسارساله‌ای بسیارشیوادرعلم‌داردودردزیعه (ج١ص١٠٥)

---

١ — این فوائد درنسخه شماره ١١ر٩٢٦ این کتابخانه هست وازسبك نگارش و روش نوشتن نسخه پیداست که از شمسا است و دربرك ١٥١ الف مینویسد که در١٠٤٧ اینها را درحجازنگاشته‌ام ودر ١٤٧ ب ازاستاد اوبنام «الاستاذالفیلسوف‌الکبیر» یاد گردیدچنانکه درحدوث غالم (نسخه یاد شده برك ١٢٤ ب) از استاد او سید داماد یاد میشود .

ازرساله فارسی اودراثبات خدا یاد میشود که پاره‌ای است ازکتاب «التحقیقات فی احوال‌الموجودات» او. شمسا نامه‌ای بصدرانوشته وچند پرسش فلسفی ازوی کرده است واو درپاسخ بسیار از شمسا ستوده ونوید داده که اگر ازسفر برگرد بازنامه نویسد واورادیدارکند. پرسشها وپاسخهای شمسا وصدرا درکنار «المبدء والمعاد» شیرازی درایران بسال ۱۳۱٤ ص ۵۹ـ۳٤۰ بچاپ رسید این رساله (اثبات وحدة الواجب) بتازی و ازهمین شمسامیباشد ودرآن بروش مشائیان خاوری یگانگی خداوند آشکارگردیدو گاهی شعر پارسی وتازی نیز در آن آمده است. ۵

آغاز: بسمله .... الحمدلله الواحدالأحدالصمد ... فیقول ... محمدالشهیر بشمساالجیلانی ... هذه رسالة فی‌بیان لزوم‌الفساد علی‌تقدیرتعددالواجب بالذات.

انجام: تتجلی علیه انوارالتحقیق والله ولی‌التوفیق. ۱۰

[۸۰]

۹۲٦ این نسخه شماره دوم دفتری است دارای ۱۵ رساله وگفتار: ۱ حواشی براصول‌کافی بنام الدرالمنظوم من کلام‌المعصوم از علی‌بن محمدبن حسن‌بن زین‌الدین شهید ثانی عاملی جبلی که در۱۰۱۳ یا۱۰۱٤ زاده واین رساله‌را درپایان ذی‌حجه ۱۰٦۱ نوشته وبخط تعلیق‌میباشد ۱ ب ـ ۹۲ ب درکنار برگ ۹۲ ب اجازه‌ایست بخط هموکه درتاریخ ۱۸ ربیع یکم سال ۱۰۸۵ بشیخ علی‌بن زین‌الدین (بن محمدبن حسن‌بن زین‌الدین شهید ثانی) شاعرادیب برادرزاده خود میدهد ۲ همین رساله که بخط تعلیق ریز وحاشیه (منه دام ظله) دارد و از برگ ۹۳ الف تا برگ ۹٦ الف میباشد و پیداست که درروزکارنگارنده رساله نوشته شده است ۳ ردبراعتراض رازی وکاتبی برشیخ رئیس درباره پاسخ اوبه بهمنیاردراینکه یکی جز یکی نیافریند از ابراهیم حسینی همدانی ٤ ـ عبارتی از لمحات شیخ شهید اشراقی (لمحه چهارم) دراثبات تجرد نفس بدلیل حضور ذاتی و بی‌نیازی ازچیزهای دیگر درنه سطردربرگ ۹٦ الف بهمان خط ۵ ـ رساله حدوث عالم‌شمسا که درروزکاراونوشته شده ٦ـ رساله وجود شمسا نوشته درروزگار او ۷ـ رساله از خفری بخط تعلیق دیگر و درشت‌تر وبشنگرف ۸ـ رسالهٔ دیگرازهموبهمان خط ۹ـ مرآة‌الحقایق ومجلی‌الدقایق دشتکی بهمان خط ۱۰ـ اظهارالکمال شمسابخط تعلیق ریزتر ۱۱ـ گفتارهای گوناگون فلسفی که درپایان آنهارمز(س م س رحمه‌الله) دیده میشود وگویا ازسید داماد باشد دربرگ ۱٤٤ب نیزسخنانی فلسفی دروجود خدا وآفریدگان دیده میشود که گویا ازشمسا باشد

(شماره سطرها در حاشیه: ۱۵، ۲۰، ۲۵)

(برک ۱٤٥ الف تا ۱٥۱ الف) و درآن از استاد خود چنین یـاد میکند : « و جمیع ما ذکرنا تفصیلا هومختارالاستادالفیلسوف الکبیر قدس سره فی تصانیفه القدسیه و کتبه النوریه» (برک ۱٤۷ ب) ودرپایان دارد که این برگهارا بروش پیروان تاله واشراق در۱ صفرسال ۱۰٤۷ درحجاز نوشته‌ام ودر آن ازشرح هیاکل دوانی (۱٤٥ الف) واز

٥ خلق اعمال همو (۱٥۱ الف) باد میشود وآغازوانجام این سخنان چنین است : «اعلم ان الوجود بلاعلة یجب ان یکون وجود اقائمابذاته - وقد وقع الفراغ من تسوید هذه الاوراق ... فی اول شهرصفر ... فی بلدة الحجاز ... فی سنة سبع واربعین بعدالالف» این گفتارها بهمان خط رساله شماره ۲ است و حاشیه (منه دام ظله) دارد و از برک ۱٤٥ الف است تا برک ۱٥۱ الف .

۱۰ ۱۲ـ رساله وجودواجب ۱۳ـ شرح دوانی بررساله عقل طوسی ۱٤ـ حاشیه براین شرح ۱٥ـ رساله علم ـ چنانکه گفته شد خط رساله ۲و۱۲ یکی است و هردو درروز گارشمسا نوشته شد .

(همه‌دفتر ۱٥٥ برك) کاغذ ترمه سپاهانی ــ جلد مقوا
اندازه : ۳۰ × ۳۷ و۱۳ × ۳۰ س ۳٥

۱٥ [۷۳] اثبات واجب (عربی)

علی بن شیخ فضل‌الله گیلانی زاهدی دراین رساله سخن ابن کمونه بغدادی را دراینکه در گفته‌های فیلسوفان برهانی ازروی اختلاف ماهیت دیده نمیشود ، آورده وازآن خرده میگیرد وخود برهانی میآورد که هیچ شبهه‌ای در آن راه ندارد .

آغاز : اعلم انه قدنقل عن ابن کمونه قال : لانجدالی الآن فی کلام المتقدمین

۲۰ والمتأخرین برهان التوحید باختلاف المهیته .

انجام : وبه یندفع هذاالشبهه عن کلام المحققین . . . من المتلفظات اضعف عبادالله الغنی علی بن شیخ فضل‌الله الجیلانی الراهدی

[۸۱]

۱۰۸۸ این نسخه شماره هشتم دفتری است که دارای ۱٥ رساله وچندین گفتار میباشد وبخط تعلیق ازبرک ۳٦ ب تا برک ۳۷ب است . نشانه آن درص ٦۷ یاد گردید

[۷٤] الاجزاءالمحمولة (رسالة فی . . .) (عربی)

یکی ازمباحث دشواراموروعامه فلسفی الهی مسئله جزءهای محمول است که با جزء بودن بر کل حمل میگردد میرزا محمد رستمداری شیعی این رساله را

برای شاه‌سلطان محمد (۵-۹۸٤) فرزند شاه تهماسب صفوی (۹۳۰-۹۸٤) در گشودن راز این مسئله دشوار نگاشته است وی همان کسی است که در هنگام جنگ طوس نامه‌ای باوزبکها نوشته و آنها پاسخ داده‌اند.

رستمداری در این رساله میگوید که اشراقیان ماهیت را و مشائیان اتصاف را آفریده دانستند (۳٤ ب) وی دلیلهائی که برای بود و نبود کلی طبیعی آورده‌اند (از ۳٦ تا پایان) و پاسخی راکه طوسی بقونوی داده است میآورد و دلیلی راکه طوسی برای حمل یك چیز عینی برچیند چیز آوردو خرده گیری که شارح مفتاح‌الغیب کرد یاد نموده سپس خود بررسی میکند و میگوید یك چیز اگرچه کلی هم باشد روا نیست که درچندجا باشد واین را روشن وبدیهی میداند (۳۹ الف). اودراین رساله ازاین دانشمندان وازاین نگارشها یاد میکند: تجرید طوسی و شرح جدید آن و گفتار دوانی (۳۹ الف تا پایان) نیز دوانی (۲۳ ب و ۳۰ ب) وسیدالمحققین (۱۲ ب) و«سید قدس سره» بسیار دارد نیز ازفاضل لاری (۲۰ الف) ومحقق شریف و حاشیه او برشرح قدیم تجرید (۳۲ الف) حاشیه برشرح حکمه‌العین (۳٤ ب) - رستمداری در ترکیب ماهیت ازجزئهای محمول چهارراهی راکه دانشمندان رفته‌اند یاد میکند واز آنها بحث می‌نماید.

آغاز: بسمله یامن دل بجوده علی‌وجوده واستقل بوجوده علی جوده . . . فیقول .. محمدالرستمداری ان مبحث‌الاجزاءالمحمولة من غوامض مباحث‌الحکمة والکلام.

انجام: ولا تنظر الی من قال وانظر الی ماقال و اعرف‌الرجل بالعلم لاالعلم بالرجال. ولنختم‌الرساله بهذاالمقال متوکلاعلی‌الکریم‌المتعال الحمدلله علی جزیل نواله والصلوة علی سید انبیاء محمد وآله.

[۸۲]

۹۰۵ این نسخه بخط نسخ ازمحقق کرکی کوچك حسین بن حیدرحسینی کرکی عاملی است که میگوید جزچهارصفحه (برگهای ۲٦ الف و۲۷و٤۵ که بچهار صفحه وپنج سطرمیرسدو بخط تعلیق شکسته میباشد) همه را من‌درمشهدرضا

(طوس) درپسین روز دوشنبه ۱۳ رمضان سال ۱۰۱۰ نوشته‌ام ودر کنار صفحه باز می نویسد که من درطوس این نسخه را با نسخه‌هائی که از روی خط نگارنده رساله نوشته شده بود برابر کردم وتاتوانستم جزآنچه را که از پیش چشمم رفته باشد درست نمودم (۱) - عنوانها بنسخ درشت‌تر و بشنگرف است و حاشیه (منه رحمه‌الله) دارد .

۵ (۴۵ برك) كاغذ ترمه سمرقندی - ~~جلد تيماج~~ جلد تيماج سرخ متوالی تازه توسط کتابخانه عوض شد

اندازه : ۱۳×۱۹٫۵ و ۹×۱۴ س ۳۰

---

۱ — چهار کس بنام حسین کر کی درروضات الجنات (ص۱۸۶–۱۹۱) وامل الامل (۴۳۴) و سلافة العصرسید علیخان (۶۷ — ۳۵۵) یاد شد :

۱ — امیرسید حسین بن سید بدرالدین حسن بن سید جعفر اعرجی حسینی موسوی کر کی عاملی که درسپاهان میزیست .

۱۰ ۲ — امیر سید حسین مجتهد پسر سید ضیاءالدین ابی تراب حسن فرزند سید ابی جعفرمحمد موسوی کر کی عاملی که درقزوین بوده وبدستورشاه عباس یکم (۹۸۵—۱۳۰۸) باردبیل رفته وشیخ‌الاسلام آنجا شد گویند که درسال ۱۰۰۱ درقزوین بطاعون در گذشت وی در ۹۵۹ « دفع المناواة من التفصیل والمساواة » نوشت ودر روز گار شاه اسمعیل دوم

۱۵ (۹۸۴ — ۹۸۵) میزیست این دانشمند نواده دختری محقق‌دوم شیخ علی بن عبدالعالی کر کی (م ۹۴۰) بوده است .

۳— شیخ حسین بن شهاب‌الدین بن حسین فرزند خاندار شامی (بگفته سلافه) یا فرزند محمدبن حیدرعاملی کر کی فیلسوف پزشك شاعر ادیب نویسنده که ارجوزه درنحو و منطق دارد وی درسپاهان میزیست آنگاه بحیدرآباد رفت ودرآنجا بسال ۱۰۷۶ در ۶۸

۲۰ (امل‌الآمل) یا ۶۷ (روضات) یا ۶۴ سالگی (سلافه) در گذشت وی نگارشهائی درادب ومنطق و پزشکی دارد .

۴ — سید عزالدین ابوعبدالله حسین بن سید حیدر بن حیدر بن قمر بن علی حسینی کر کی عاملی که بمجتهد یامفتی یامفتی سپاهان نامبردار بوده است وی درروز گار تهماسب صفوی (۹۳۰ — ۹۸۴) درسپاهان داور ومفتی بود و از سید حسین کر کی (دومی) روایت

۲۵ میکرد وازاو اجازه داشت . وی در ۲۲ رمضان سال ۱۰۲۱ اشراق‌الحق من مطلع‌الصدق (نسخه شماره ۲۹۳ این کتابخانه) را نگاشته است ودرپشت کتاب بخط خود نام خویش را نوشت (برك۱ الف) و نیزاجازه‌ای را که به نصیرالدین محمد داد بخطاودربرك (۶۹ب) همین اشراق دیده‌میشود . اودراشراق ازشیخ علی بن‌عبدالعالی(م ۹۴۰)وازشیخ بهائی(۹۵۳–۱۰۳۰) بعنوان شیخنا یاد میکند ومیرساند که‌این اجازه پس ازمرگز شیخ علی بن عبدالعالی ومولی

۳۰ لطف‌الله نیشابوری(شاگرد پسرشیخ‌طوسی) ودرروز گاربهائی نوشته‌شده‌است . او بازدراین دفترازمعین‌الفکرمحمدبن جمهور(گویانویسنده مجلی در۸۹۵) و کفایة‌الطالبین‌احمدبن‌متوج بحرانی(استادابن فهدوشاگردشهیدو فخرالمحققین)وتفرید(تعرید)الاعتمادفی‌شرح‌تجریدالاعتقاد شمس‌الدین محمد بهشتی (اسفرائینی بیهقی که درنزدیك بروز گارطوسی میزیست — ذیعه ج ۳ ص ۳۵۳وج۴ص۲۱۴) وشرح نجات‌العباد محمدبن ابی‌طالب استرابادی (زنده درنزدیك

۳۵ ۹۴۰) یاد میکند _ اودر۱۲۰۹ زنده بود وهمواست که در۱۰۱۰ نسخه « الاجزاءالمحموله » ما را نوشته است .

[۷۵] اسباب حدوث الحروف (عربی)

قنواتی درشماره ۴۹ فهرست خویش ازالنیروزیه یارسالة‌الحروف یارسالة فی فواتح‌السور الکریمه یادمیکند که شیخ آنرا برای شیخ امیرسید ابی‌بکر محمدبن عبدالرحیم درمعانی حرفهای هجاء آغاز سوره های قرآن نگاشته و در نوروز باو ارمغان داد ودرپایان میگوید رازهائی مانده که باید زبانی گفت سپس ازامیرستوده ازخدای میخواهدکه بتواند ازدهشهای اوسپاسگزاری کند ـ این رساله جزرساله مااست ودرسه فصل میباشد (ترتیب هستی‌هاواثرآنها ـ چگونگی دلالت حرفها ـ غرض) وبروش باطنیان وحروفیان‌نوشته شده ودرتسع رسائل‌بنام الرسالة‌النیروزیة فی‌معانی‌الحروف الهجائیة بسال $\frac{۱۳۲۶}{۱۹۰۸}$ بچاپ رسید بازقنواتی درشماره ۴۷ ازحدوث الحروف یا فی تحقیق‌الحروف یا اسباب‌الحروف یا فی‌اسباب‌الحروف یاد میکندکه محب‌الدین خطیب درقاهره بسال $\frac{۱۳۳۲}{۱۹۱۴}$ بچاپ رساند وم . براومان (M.Brauman) آنرا در Mater.und Unters.zu den phonetischen Lehren der Araber (۱۱۲-۱۳۱) در برسلاو Breslau بسال ۱۹۴۳ بچاپ رساند در معجم‌المطبوعات نیزازاین دوچاپ مصریاد گردید ومی‌نویسد که رساله دوم شش فصل‌است (پیدایش آواز ـ پیدایش حرفها ـ تشریح حنجره ـ سببهای جزئی هرحرف تازی ـ حرفهای همانندکه درزبان تازی نیست ـ اینکه این حرفها ازکدامیك ازجنبشهای غیرنطقی شنیده میشود) درکشف‌الظنون نیز ازرساله دوم وشش فصل آن وازرساله نخستین یاد شده است (ج ۱ ص ۵۴۸ ج ۱ ص ۵۶۸) این رساله نیز جز رساله ما است شیخ دراین رساله نخست از پیدایش آواز سپس ازحرفها از رهگذر دستور زبان آنگاه ازرهگذرتجوید کاوش میکند پس‌ازآن بروش فیثاغورسیان وصوفیان درباره حرفهاسخن میراند ودرپایان این مسئله راکه لغت وزبان ساخته مردم است یااینکه خدا آنرا ساخته وبمردم آگاهی داد (اصطلاحی وتوقیفی) میآورد .

این رساله ما فصل بندی نشده است .

آغاز : بسمله امابعدحمدالله‌الذی‌افاض‌علی‌الانسان سجال‌الجود والاحسان ... فاعلم یااخی ... ان‌الصوت قرع فی‌الهواء تدرکه حاسة‌السمع .

انجام : کمایفعل‌الابوان بالولدالرضیع حذوالقذة بالقذه . هذا آخرما اردنا تقریره وتحریره من مراتب‌الحروف . والله‌الموفق للصواب والیه‌المرجع والمآب .

[۸۳]

۳۶۷ این نسخه از روی نسخه شماره ۱۲۱۶ کتـابخانه مدرسه سپهسالار نوشته شده ودردفتری‌است دارای ٤ رساله که نونویس و بنسخ است و هریك صفحه‌شماری دارد واین رساله ۲۳ صفحه است .

(همه دفتر ۶۰ صفحه) کاغذ فرنگی ــ جلد مقوا

اندازه : ۱۰٫۵×۱۷ و ۹ × ۱۲ س ۷

[۷۶] **استضاءة‌الجو** (عربی)

۱۰ این رساله از خواجه رئیس ابوعلی سینا است درباره روشنائی و در آغاز میگوید که درنگارشهای دیگرخودبتفصیل سخن رانده‌ام قنواتی درشماره ٥٦ بنام « استضائة‌النور » از آن نام برده ودو نسخه نشان میدهد .

آغاز : بسمله‌رسالة‌استضاءالجو للشیخ‌الرئیس ــ سالتنی‌وفقك‌الله‌وایانا‌الصواب ان اعتذر بالاختصار عما افترق‌من مخالفة فی امر استضائة‌الجو وامرالطول والعرض

۱۵ والعمق‌المأخوذجمیع‌ذلك‌فی حدالجسم فاجتبك‌الی‌ذلك تارکاالتدقیق والتحقیق‌فیه .

انجام : فامر ما یحتاج الآن الی شرحه فقد بالعنـایة فی مواضع اخری ـ تمت‌الرساله .

[۸٤]

۱۰۷٤ این نسخه شـماره ۱٤ دفتری است دارای ۱۸ رسـاله و بخط تعلیق ریز از ۲۱٤ الف تا ۲۱٥ ب میباشد نشانه نسخه درص ۷۳ یاد شد .

[۷۷] **اشارا ـــ،** (عربی)

ابن ابی‌اصیبعه (ج ۲ ص ۱۸) گوید که اشارات بهترین و آخرین نگارش فلسفی شیخ رئیس است و آنرا بهمه‌کس نشان نمیداد درفهرست پایان سرگذشت (السیره) نیز چنین آمده است شیخ در دونامهٔ[۱] خود که گویا ببهمنیار یا دیگری

۲۵ ۱ ــ دیده شود : ارسطوعندالعرب بدوی (۲٤۰ و ۲٤٥) . نامه دومی گویا پس‌از تاراج سپاهیان مسعود غزنوی بسال ٤۲٥ نوشته شده باشد .

نوشته باشد میرساند که نسخه از آن را نزد خود نگاهمیدارد وجز ابن زیله ومانند
او نباید بدان بنگرند از دیباچه وپایان اشارات نیز بدست میاید که شیخ بسیار بدان
ارج مینهاد وسفارش میکرد که بدست هر کس نیافتد.

نامی که شیخ بدان داده در دفترهای اخوان صفـا (رساله ٤ و ۹ بخش
نفسانیات ـ ج ۳ ص ۲۲۷ و ۳۳٤ چاپ مصر) دیده میشود و آنان بروش آموزش ٥
خویش نام (اشارات وتنبیهات) میدادند.

از گفتار رژر بیکن Roger Bacon (۱۲۱٤ـ۱۲۹٤) برمیآید که اشارات را
درسده ۱۳ در اروپا میشناختند.

اشارات را یعقوب فرژه Forget درلیدن بسال ۱۸۹۲ بچاپ رساند ومهرن
سه نمط آخر آنرا باگزیده‌ای ازشرح طوسی درجزء رسائل عرفانی شیخ دربریل ۱۰
با تعلیقهای فرانسوی خود بسال ۱۸۹۱ چاپ کرد وسلیمان دنیا همه سه بخش آنرا
درمصر بسال ۹ـ۱۹٤۸ (۸ـ۱۳٦۷) چاپ نمود ودرایران با شرح طوسی همه آن
بسال ۱۳۰٥ وطبیعی و الهی آن بسال ۱۲۷۱ چاپ گردید شرح طوسی درهند نیز
بسال ۱۲۸۱ و۱۲۹۳ و۱۲٦۷ و۱۳۱۸ و در اسلامبول بسال ۱۲۹۰ چاپ شد چندین
دانشمند براشارات شرح و محاکمه و حاشیه نوشتند مانند شرحهـای شیخ شهید ۱٥
سهروردی بفارسی وانوری وفخررازی وابن کمونه وارموی ونخجوانی وسمرقندی
وآمدی وبیهقی وطوسی وحلی (سه شرح) ومانند محاکمات قطب رازی وشوشتری
و سپاهانی ومانند حاشیه های سید شریف گرگانی و قطب شیرازی و دوانی و ملا
میرزاجان شیرازی[۱] وترجمه پارسی اشارات درتهران بسال ۱۳۱٦ بچاپ رسید.
۲۰

[۸٥]

۲۸۸ این نسخه بخط نسخ وعنوانها درشت‌تر وبسال ٦۹۳ نوشته شده است بسیاری
ازجاها اعرابدارد و نویسنده آن چنین نام برده شده : «محمود بن حسین بن
محمد افخانی الرسری».

(۸۰ برك) كاغذ ترمه سمرقندی ـ جلد تیماج سیاه [دستنویس: تحول از روش]

اندازه : ۱۳٫٥ × ۱۹٫٥ و ۱۰ × ۱٤ س ۱۷

---

(۱) نگاه به : فهرست قنواتی که چندین نسخه ازاشارات نشان میدهد وچهارده‌تای از ٥۸۳ تا ۸٦۹ نوشته شده است وهفت نسخه ازاینها بیش‌ازنسخه ماست.

[٧٨] اشراق هیاکل النور لکشف ظلمات شواکل الغرور (عربی)

شیخ شهید اشراقی شهاب‌الدین یحیی بن حبش بن امیرك سهروردی (٥٤٩-٥٨٧) فیلسوف بزرگوار ایرانی که بدست مشتی مردم نادان و بدستور صلاح‌الدین ایوبی (٥٦٤-٥٨٩) بگناه آزاداندیشی کشته گردید تنها دانشمندی بود که گذشته
٥ ازدیگر گون ساختن بنیاد فلسفه مشائی سخنان فلسفی خویش را با اندیشه مزدا- پرستان ایران بیامیخت و فلسفه خود را برروی دوپایه روشنی و تاریکی نهاد وی نگارشی بنـام هیاکل‌النور دارد در هفت هیکل : ١- جسم ٢- روان ٣- جهات ٤- خدا ٥- نامتناهی بودن حوادث ٦- جاوید بودن روان ٧- پیامبری .

این کتاب را نخستین بار جلال‌الدین محمدبن اسعددوانی (م ٩٠٨) شرحی
١٠ آمیخته بنام « شواکل‌الحور فی شرح هیاکل‌النور » در سال ٨٧٢ نگاشته است .

سپس غیاث‌الدین منصور (م ٩٤٨) فرزند صدرالدین محمد دشتکی شیرازی (٨٢٨-٩٠٣) نیز شرحی آمیخته بنام یاد شده در بالا نگاشت ودر آن بشرح دوانی نگریسته از آن خرده‌ها گرفت وی در دیباچه آن آشکارا میگوید که دراین شرح میخواهم لغزشهای دوانی را نشان دهم و بآنچه خرده گرفت پاسخ گویم وی در بیشتر
١٥ جاها سخنان دوانی را میاورد و لغزش‌های آنها را روشن میسازد . دوانی شرح خویش را «شواکل‌الحور» نامیده ودشتکی بشرح خود «اشراق هیاکل‌النور لکشف ظلمات شواکل‌الغرور» نام‌داده ودر آن شرح دوانی را نکوهیده وزشت ونگارش خویش را ستوده و زیبا چون روشنائی در برابر تاریکی نشان داد چنانکه در آغاز آن دیده میشود . دشتکی میگوید دراین شرح من نمیخواهم سخن بدراز کشد و آنچه را
٢٠ که نمی‌پسندم آشکار بدارم تنها این را میخواهم که لغزشهای دوانی را بگویم .

آغاز : بسمله افتتح فاقول : یاغیاث‌المستغیثین ! نجنا باشراق هیاکل‌النور عن ظلمات شواکل‌الغرور . . . یقول . . . منصور بن محمدالحسینی .

انجام : الذی نجانا بانوارالهدایة عن ظلمات‌الضلالة والغوایة و آله‌الکرام الابرار وصحبه‌العظام‌الاخیار ، ماتعاقب‌اللیل والنهار .

[۸٦]

۳٥۱ این نسخه بخط تعلیق پاکیزه و تصحیح شده با عنوانهای شنگرف میباشد و روی متن خط سرخ کشیده شده است درکناره چپ نخستین برك، پایان برخی ازسطرها رفته وخوانا نیست ـ نسخه در ۱۳۲۰ بدستیاری مجدالادبا خریده شد .

۵

(۱۳۷ برك) ـ کاغذ زرد سپاهانی ـ جلد تیماج سرخ ضربی
اندازه : ۱۳×۲۳ و ۷×۱٦ س ۱۷

[۸۷]

۸٥۲ این نسخه دردفتری‌است دارای سه‌رساله ۱ـ رساله حج میرزای قمی ۲- جبر ومقابله ملك محمدبن سلطانحسین سپاهانی ۳ـ همین شرح که‌ازبرك ۳۵ب است تابرك ۱٦۱ ب وبخط تعلیق ودرپایان دارد : « وقع منا‌الفراغ من تسویده وتحریره یوم‌الاربعاء من شهررمضان‌المبارك سنة‌تسع‌وتسعین وتسعمائه‌الهجرة النبویة فی‌دارالسلطنة قزوین علی یدمالکه وراقمه . . .» پس نویسنده نسخه که نامش خوانا نیست درروزچهارشنبه رمضان سال ۹۹۹ درقزوین آنرا برای خود نوشته است

۱۰

۵

(همه دفتر۱٦۱برك)ـ کاغذترمه سمرقندی ـ جلد مقوا
اندازه : ۱۰×۱۸ و ۷×۱۲٫۵ س ۱٦

[۷۹] **اصالت وجود** (فارسی)

یکی ازمسئله های دشوارفلسفی مبحث وجود وماهیت و اصالت آنها است که متکلمان وعارفان وفیلسوفان خاوری همه ازآن گفتگو کردند و اصالت یکی ازایندودرنگارشهای خواجه رئیس وشیخ اشراقی بحث شده وملاصدرای شیرازی بخصوص آنرا یکی از پایه های فلسفه خویش ساخت .

۲۰

این رساله چنانکه درآغاز آن آمده برای این نوشته شده که بتوان مسئله وجود ماهیت واصالت یکی ازآندو را بآسانی دریافت نگارنده رساله ازمتأخران است ودرآن از شیخ اشراقی و خواجه طوسی و علامه حلی و سراینده گلشن راز وجامی (۷ ب) ومحقق لاهیجی (۸ الف و ۹ الف) ومنظومه فرزانه سبزواری (۸ الف) یاد میکند وشعری ازمنظومه میآورد (۷ ب) .

۲۵

آغاز : حمداً للجاعل‌نورالوجود وظلمةالمهیة ... این چندکلمه‌ایست دربیان مراد ازوجود ومهیت .

انجام : آنچه که دارد آورده شد چومافی الخارج هویت وجودیه میباشد و بس .

[۸۸]

۸۷٦ این نسخه شماره یکم دفتری است دارای ۱٦ رساله و نشانه آن در دنبال « اثبات‌الواجب » ابن‌سینا یاد شد این رساله از برك ۱ ب است تا برك ۲۹ ب و بخط تعلیق شکسته و بگواهی خط خورده گی‌ها باید نسخه اصل باشد . پس‌از این آغاز رساله دیگری میاید بپارسی درهمان موضوع و گویا دیباچه دیگری است ازنگارنده برهمین رساله و چنین آغاز میشود : «پس‌از نام خدا و ستایش او ودرود برپیامبر ـ چون اهم مسائل علم معقول که مبتنی میباشد براومعرفت مبدء و معاد . . . ۱۰ مسئله اصالت وجود واصالت مهیت میباشد . . . . ومهیت امری است اعتباری» (برك ۳۰ ب) ودرست با برك ۲ الف از رساله ما مربوط میشود آنگاه از برك ۳۱ الف تا ٤۰ الف سخنانی است بعربی درباره مفهوم منطقی و طبیعی و وجود ذهنی و جبر واختیار بهمان خط و باید ازهمین نگارنده باشد .

[۸۰] اصول‌الفوائد فی اصول المسائل الحکمیه (عربی)

۱۵ این نگارش ازعباس مولوی شاگردملا رجبعلی تبریزی میباشد که در آن از وی با احترام یاد میکند وسخنانی از وی میآورد وپیداست که پس‌ازمرك استاد آنرا نگاشت (برگهای ۹ ب و ۱۸ ب و ٤۲ ب و ۵۰ الف و ۵۲ الف) . مولوی درآن ازاثولوجیا وازابن‌سینا وابی‌البرکات وخواجه طوسی یاد میکند این نگارش درهفت مقاله است (۱ـ بود ویگانگی خدا ۲ـ آفریدن چیزها ۳ـ آفرینش وجعل ۲۰ چیست ٤ـ دراینکه گوهرهای عقلی و آسمانی بسیارند وجهان مثالی وهستی ذهنی هست ۵ ـ جسمها چیستند ٦ـ مقوله های دهگانه ۷ـ امورعامه) ودر ۱۰۹۷ پایان یافت مولوی دراین کتاب بپیروی ازاستاداشتراك لفظی وجودرا ثابت میکند ویکی بودن صفت وموصوف را محال میداند .

آغاز : بسمله الحمدلله‌الذی فاق عن‌مدح‌المادحین فخرمدحه وعدا وصف ۲۵ الواصفین مآثر حمده . . . فیقول عباس‌المولوی . . . اریدان اکتب مختصراً یشتمل علی عدة اصول‌المسائل .

انجام : انتهاءالمرکبة الی البسیطة . قد وقع الفراغ من تسویده فی شهر ذی‌الحجةالحرام سنة سبع وتسعین بعدالالف .

[۸۹]

۳۳۱ این نسخه بخط نسخ باعنوانهای شنگرف است ومحمدباقر هزارجریبی آنرا درشب سیوم رجب ۱۱۱٤ نوشت و نسخه‌ای است مقابله شده . ۵
(۸٦ برگ) — کاغذ ترمه سپاهانی - جلد تیماج سرخ حاشیه‌داردولا
اندازه . ۱۳×۱۹٫۵ و ۷×۱۴ س ۱۴

[۸۱] اضحویه (عربی)

این رساله خواجه ابوعلی سینا چنانکه در آغاز و پایان نسخه (۱۰۷٤/۲) ما دیده میشود « رسالةالمبدءوالمعاد » ودردونسخه موزه بریتانیا ومصر و همچنین ۱۰ درآغازنسخه ٤۲۲ این کتابخانه « اضحویه » نامیده شده است . شیخ این رساله را برای شیخ امین یا امیر سید ابی بکربن محمدبن عبدالله بگواهی نسخه‌ها و ذریعه و بگفته ابن ابی‌اصیبعه (ج ۲ ص ۱۰) ای ابی‌بکر محمدبن عبید و بگفته بیهقی (ص۳۳) برای شیخ وزیرامین ابی‌سعد همدانی نگاشته است ماناکه درروز« اضحی » بدو ارمغان دارد واین ابوبکر همانست که شیخ « رساله نیروزیه » را نیز برای او ۱۵ نگاشته‌است (ذریعه ج۲ص ۲۱٤ونسخه چاپی نیروزیه) وابوسعد همدانی همانکس است که شیخ گفتگوئی راکه میان او و حکیم ابوالقاسم کرمانی شده و کار بستیزه ودشنام کشیده وشیخ اورا بیگانه ازمنطق واو شیخ را فریبخوار و فریبکار خوانده بود ، نوشته و برای اوفرستاد (بیهقی ص ۳۳) . شیخ در آغاز این رساله از «الشیخ الامین» نام میبرد و اورا میستاید و از سختیها و گرفتاریهای خویش مینالد و از او ۲۰ میخواهد که ویرا بدست بخت نگذارد و از وی چشم نپوشد شیخ درپایان رساله (نسخه ۱۰۷٤/۲) باز از شیخ امین درخواست میکند که بچشم خوشنودی بدان بنگرد ولغزش آنرا درست سازد .

این رساله درهفت فصل است ۱ـ رستاخیزچیست ۲ـ گوناگون‌بودن سخنان دانشمندان در آن ۳ـ ناسازگاری رأیهای باطلی که درباره آن آمده است ٤ـ آنچه ۲۵ درمردمی پایدار است اگرچه همه چیزها از میان بروند (دراینجا سخن دکارت

میاندیشم پس هستم بیاد میاید) ۵- آنچیز پایدار گوهری است جاوید وهمیشگی ۶- دراینکه بایست رستاخیزی باشد ۷- دسته‌های گوناگون مردم پس‌از مرگ وبررسی و کاوش ازجهان دیگر . این فهرست را شیخ در آغاز پس‌ازدیباچه میآورد این رساله را استاد سلیمان دنیا درمصر بسال $\frac{۱۳۶۸}{۱۹۴۹}$ از روی دو نسخه موزه بریتانیا ومصر با دیباچه‌ای بچاپ رساند [۱] .

این شیخ امین که گاهی وزیر ابی‌سعد همدانی و گاهی ابی بکر محمدبن عبید و گاهی ابی‌بکربن محمدبن عبدالله و گاهی ابی‌بکربن محمدبن عبدالرحیم (آغازرساله نیروزیه) خوانده شد ماناکسی بود که شیخ میتوانست رازهای خودرا بدو گوید چنانکه شیخ درنیروزیه که بدو درنوروزارمغان داده‌است بروش باطنیان و حروفیان سخن راند و گفت رازهائی ماند که باید زبانی گفت و دراین رساله هم که بنام اوساخت رستاخیزجسمانی را انکار کردو آشکارابابیروان سنت ناسازگاری نمودو گفت چون‌تن نابود میشود وجان درتن دیگری هم نمیرود پس‌رستاخیز تنها از آن جان خواهد بود شیخ رستاخیز جسمانی را در آغازفصل دوم از آن دسته‌ای از تازیان اهل جدل دانست .

شیخ در آغاز فصل پنجم این رساله گوید دربسیاری از نگارشهای خویش بویژه درشرحی که بر کتاب نفس ارسطو نوشته‌ایم گوهر جان را روشن ساختیم که چیست [۲] .

وی درپایان سخن ثابت بن قره را که میگوید جانها ازتن جدا میشوند وبجسمی‌لطیف می‌پیوندند شگفت و بی‌پایه میخواند مگراینکه رمزی گفته باشد . شیخ در فصل سوم میگوید آنچه دردینها آمده از روی تشبیه واستعاره است نه اینکه آنچه آشکارا از لفظ درمییابند خواسته شده باشد و دراینجا است که تحریف تورات را انکارمیکند . ملاصدرا درمبدء ومعاد (ص ۲۹۵) گوید برخی ازفیلسوفان آیه های قرآن که درباره رستاخیز تن آمده تأویل نمودند وخود این را نمی‌پذیرد و پیدا است که او دراینجا بگفتار شیخ درهمین اضحویه مینگرد .

۱- برای برخی ازآنچه درباره اضحویه گفته میشود باین دیباچه بنگرید
۲- شرح نفس اودرارسطوعندالعرب بچاپ رسید .

گرچه شیخ رئیس درالهی شفا (ف ۷ م ۹ ص ۲۶۵) ودر
(ص۲۹۱) بازگشت تن را پذیرفت ولی ازهمان شفاونجات پیداست که فصل معاد
کتاب نمیخواهد با ظاهریان بستیزد این است که اودررساله اثبات نبوت ودر
ابوسعید ودر « الحکومة فی حجج المثبتین للماضی مبدء ازمانیا » ودررساله فارسی
معراج که بگواهی سید داماد درصراط مستقیم (شماره ۲۷۹/۱ برك ٤ الف) ازآن
اواست روش تأویل پیش گرفت و آشکارا با پیروان سنت ناسازگاری نمود. ازآغاز
منطق مشرقی و دیباچه طبیعی و پایان اشارات پیداست که وی شفا را برای توده
مردم نوشت ونخواست که با مشائیان ومتکلمان نسازد . پس هیچ دور نیست که همین
شیخ رساله اضحویه بنگارد و در آن سخنانی مخالف ظاهریان بیاورد . غزالی در
تهافت الفلاسفه درمبحث معاد ازاین کتاب بهره برده است این را هم باید دانست که ۱۰
غزالی دربسیاری ازنگارشهای خودمانند شیخ باظاهریان خلاف کرد وآرائی آورد
که اوراهم نگاهبانان سنت بمانند شیخ بیدین خواندند .

آغاز : بسمله افاض الله علی روح الشیخ الامین فی الدارین انوار الحکم وطهر
نفسه من ادناس الطبیعه .

انجام : الا ان یرمز رمزاً کسائر الرموز واذ بلغنا هذا المبلغ فیلتئم (فلنختم) ۱۵
المقالة (الرسالة) ولنحمدالله تعالی علی ما وفقنا له من ذلك ولنسئل الشیخ الامین
ملاحظة بعین الرضا و اصلاح ما وقف فیه الزلة منعما انشاءالله تعالی ـ تمت الرسالة
المسماة برسالة المبدء والمعاد والحمدلله رب العالمین والسلام علی رسوله محمد وآله
اجمعین .

[۹۰] ۲۰

۴۲۲ این نسخه شماره یکم دفتری است دارای چهاررساله وبخط تعلیق ونونویس
است ودر ۶۰ صفحه نشانه نسخه درص ۴۲ و ۷۱ یاد شد .

[۹۱]

۱۰۷۴ این نسخه شماره دوم دفتری است دارای ۱۸ رساله وبخط تعلیق ریزوگاهی
بی نقطه از برك ۱۸ب تا برك ۴۳ ب (دیده شود ص ۷۳) . ۲۵

...ار الكمال على اصحاب الحقيقة و الحال (فارسی)

این رساله ازشمس‌الدین محمد گیلانی است دراینکه خیرهستی است وشر نیستی ودلیل برای آن میآورد .

مسئله شر و آفرینش یکی از مباحث دشوار فلسفه است اینجا است که پیروان زردشت بدو اصل گفتند ولی فیلسوفان و عارفان مانند غزالی طوسی وابن عربی اندلسی وشیخ اشراقی سهروردی وقطب شیرازی وصدرای شیرازی ودیگران دستگاه آفرینش را بهترین دستگاه پنداشتند و شر را عدمی دانستند [۱] شمسا دراین رساله ازحدیث (کنت کنزا مخفیا) یاد میکند .

آغاز : بسمله . . . بدان اسعدك الله فی الدارین . . . که کمال خیرمؤثراست ونقص شر منفراست .

انجام : که خدای تعالی گنج مخفی بود یعنی غیرخدای تعالی بر آن گنج کمالات سرمدی ابدی واقف نبود .

[۹۲]

۹۲۶ این نسخه شماره دهم دفتری است دارای ۱۵ رساله و گفتار و بتعلیق ریز با نشانه‌های شنگرف دربرك ۱٤۳ الف و ب . نشانه نسخه دردنبال «اثبات وحدةالواجب» شمسا گفته شد این رساله دراین نسخه‌ازپایان ناقص‌وبرك ۱٤٤ب سفید گذارده شده است .

[۸۳] اغراض ارسطوطاليس (عربی)

فارابی دراین نگارش که درص ۸۸و۹۲شناسانده شده غرض الهی ارسطورا آشکارمیدارد وآنرا دوازده گفتارمیداند از سنجش گفتار فارابی با آنچه درهریك دفترهای چهارده گانه الهی آمده چنین برمیآیدکه وی دفتر آلفای بزرك و کوچك

---

۱ — دیده شود شرح حکمة‌الاشراق وحاشیه صد را برآن که درآنجا دلیل براین مسئله آمده است ص ۲۳ — ۵۱۹ صدرا درحاشیه ص ۵۲۱ گوید افلاطون درپاسخ دوگانه پرستان گفت که جهان سراسر زیبااست ونیکو ولی ارسطو میگوید که دراینجهان خیرمحض داریم وخیرا کثری — نیزنگاه به : فصل ٦ مقاله ۹ الهی شفاوقبس دهم قبسات سیدداماد وشواهد ربوبی صدرا ص ۱۰۳ ومبدء ومعاد او ص ۱۰۰

الهی را در گفتار نخستین و بتا را در دوم و گاما را درسوم ودلتا را درچهارم و اپسیلون را در پنجم و زتا و ئتا را درششم و ثتا را در هشتم و یوتا را در نهم و کاپا را دردهم و لاندا را دریازدهم گذارده است و از گفتار هفتم دفتر مو و از دوازدهم دفتر نورا را میخواهد .

۵ در آغاز میگوید که چون برخی پنداشتند که الهی ارسطو تنها از خدا وخرد وجان وچیزهائیکه بدانها میپیوندد سخن میراند ومابعدالطبیعه و خداشناسی یکی میباشند بااینکه جز در یازدهمی که نشانه لام (لاندا) دارد یادی از آنها نشده است و همین مایه گمراهی گروهی گروید این بود که این دفتر بنگارش درآمد . سپس میگوید پیشینیان برالهی ارسطو شرح شایسته ننوشتند جز اسکندر که شرح وی ۱۰ بردفتر لام ناتمام و ثامسطیوس که شرحی کامل براین دفتردارد و بردفترهای دیگر یا شرحی ننوشتند یابما نرسیدا گرچه متأخران مشائی میگویند که اسکندر برهمه دفتر های الهی شرح نگاشته است .

[۹۳]

۲۴۰ این نسخه شماره یکم دفتری است دارای چندین رساله فلسفی ومنطقی فارابی ۱۵ ازبرك ۲ ب تا برك ٤ الف ونشانه آن درص ۱۸ گفته شد .

[۹٤]

۲۵۳ این نسخه شماره ششم دفتری است دارای ۲۲ رساله و گفتار ازبرك ۷٤ب تا ۷٦ الف وبخط تعلیق ریز ونویسنده این دفترحیدربن علی بن اسماعیل بن عبدالعالی هاشمی کرکی عاملی است که بسالهای ٦ ـ ۱۰۷۵ نوشته است

۲۰ شماره هفتم این دفترسه فائده دارد درنخستین گفته شده که درنگارشهای فلسفی هرگاه بگویند شاعر او میرس و شاعرة ساقفو (گویا سافو) که زنی بود شاعر مانند همیروس میان مردان، والهی بقراط، و فاضل افلاطون، و منفرد دیوجانس، و زاهد سقراط را میخواهند وفرفوریوس سها سه اند یکی ازصور دیگری سفل سوم از لو بیقی دردومی چنین آمده که ارسطو از افلاطون واو ازسقراط چنین آورد: دانشجو باید جوان باشد و آسوده دل و تندرست و بگیتی ننگرد دوچیزی ۲۵ را بر دانش برتری ننهد و راستگو بود و خود بخود دوستدارداد باشد ودیندار و امین و باتوده مردم درروشها وخوهای زمانه بسازد و خوشخوی ومهربان باشد و کم خورد و پرده ندرد وازمرك نترسد وخواسته نیاندوزد جز آنچه که بدان نیازمند باشد چه دانشجوئی

با گردگردن خواسته نمی سازد درسومی دارد که بقراط ازسقراط پرسید بااینکه از گیتی در گذشتی ومرد مرادوست میداری چراترا دشمن میدارند وی گفت چون نادانی دشمن دانش است .

(همه دفتر ۱۵۶ برك) - کاغذ سمرقندی — جلد تیماج سرخ ساده
اندازه : ۱۴٫۵×۱۹٫۵ و ۶ × ۱۱٫۵ س ۱۸

[۸٤] (الافق المبین) (عربی)

یکی از نگارشهای فلسفی میرداماد[۱] «الافق المبین» است که در آن از وجود وزمان ودهر سخن رانده بنوشته عالم آراء پیش از ۱۰۲۵ نگاشته است ودر دو صرح که هریکی

۱– فرزانه فیلسوف میرمحمد باقر بن شمس الدین محمد داماد فندرسکی استرابادی فرزند دختری دانشمند محقق ثانی نورالدین علی بن عبدالعالی کرکی (م ۹٤۰) و خود را گاهی فرزند داماد و گاهی نیز داماد میخوانده است در کودکی درطوس بوده و در آنجا دانش اندوخت و اندك زمانی پیشرفت نمود ودر روزگار شاه عباس یکم (۹۸۵–۱۰۳۸) بسپاهان رفت واز مرك محمد شاه (۵ – ۹۸٤) تاسال ۱۰۲۵ بمباحثه می پرداخت وی از نزدیکان و شناختگان شاه عباس و شاه صفی (۱۰۳۸–۱۰۵۲) بوده با شیخ بهائی (۹۵۳–۱۰۳۰) آمیزش داشت میرابوالقاسم فندرسکی (۱۰۵۰) ومیرمحمد باقر طالبان استرابادی شاگرد بهائی نیز درروزگار او میزیستند .

داماد شاگرد دائی خود شیخ عبدالعالی (۹۲۶–۹۹۳) و شیخ عزالدین حسین بن عبدالصمد پدر بهائی (۹۱۲–۹۸٤) ومیرفخرالدین محمد سماکی استرابادی وسید نورالدین علی بن ابی الحسن عاملی شاگرد شهید ثانی بوده است .

حسین بن حیدر کرکی (زنده در ۹۸٤ تا ۱۰۲۹) مفتی سپاهان وصدرای شیرازی (م ۱۰۵۰) وسید احمد عاملی داماد و پسرخاله او (م ۶۰–۱۰۵٤) که نزد وی برهان شفارا خوانده است و ملاخلیل بن غازی قزوینی (۱۰۰۱–۱۰۸۹) شاگرد شیخ بهائی و محمدحسن زلالی خوانساری شاعر (م ۱۰۲٤) ستایشگراو و عادل بن مراد اردستانی از شاگران داماد بشمارند .

شاه عباس ازوی می ترسید که مبادا نافرمانی کند و بروی بشورد وچندبار خواست اورا آزار کند ولی نتوانست .

داماد گاهکه باشاه صفی ازسپاهان بنجف میرفته بسال ۱۰٤۱ درمیان نجف و کربلا درگذشت ودرنجف بخاکش سپردند .

برای سرگذشت و فهرست نگارش میر دیده شود : الکنی والالقاب قمی ج ۲ ص ۳–۲۰۲ وهدیة الاحباب همو ص ۱۳٤ وروضات الجنات ص ۶–۱۱٤ و قصص العلماء ص ۱۷۵ و ٤۰–۲۳۸ وامل الآمل ص ۴۹۸ ولؤلؤتی البحرین چاپ سنگی وعالم آرای عباسی اسکندر بیك ترکمان چاپ تهران ۱۳۱٤ ص ۱۰۹ و ۶۵۸ وفهرست سوم مجلس ص ۶۰٤ وفهرست سپهسالار ج ۱ ص ۶۹ و ۲۶۵ و سلافة العصر فی محاسن الشعراء بکل مصر از ابن معصوم سیدعلی خان مدنی (م ۸ یا ۱۱۱۷) چاپ مصر ۱۳۳٤ ص ۷–٤۸۵ وفهرست کتابخانه بوهار هند چاپ کلکته بسال ۱۹۲۳ ج ۲ (نسخه های تازی) وفهرست آستانه طوس ج ٤ ص ۲۰٤ شماره ۸۸۰ وفهرست مجلس ج ۲ شماره ۱۳۸ ص ۷۳ وفهرست معارف ج ۱ ص ۶۰–۶۶–۷۳–۹۸

. مساقه وهریکی ازآنهاهم چند فصل و هرفصلی چند عنوان است میباشد وی
چهارجای این کتاب از « الصراط المستقیم » خود یاد میکند ودرمساقه ٦ صرحه
ر زیرعنوان « اعضال طاج و مخرج ضاج » (۳۳۸ الف) که از تناهی زمان سخن
اند عبارتی میآورد کـه تاریخ نگارش کتاب تااندازه‌ای روشن‌میشود : « وانی
. کنت و کدت الفصیة عنها حتی مازال ذلك و کدی برهة من العمر فلم یستبن لی
هذه الثلثین سنة الاما اومض احایین الاشتغال بکتاب الصراط المستقیم فضمنته ایاه
آن . . . استأنف نمطا غیبیا و اسلوبا قدسیا . . . واقتصر تاصیل اصل الحکمة . . .
باالبسط والتفصیل . . . فعسی ان یکون فی آخرین من الحکما لما یلحقوابنا من
ب عنی نیابة تامه روعیة عقلیه . . . قد اثقل ظهر قریحتی فما وحمت وحم الفروع
التفت لفت الجزئیات » ازاینجا برمیآیدکه داماد افق مبین را پس‌ازصراط مستقیم
نته و بیش از سی سال داشته وی دراین کتاب از فروع و جزئیات کاوش نمیکند
آنرا بفیلسوفان آینده واگذار می‌نماید درذریعه (ج۲ص۱٦۱) از « الافق المبین »
دیگری یاد میکندکه درفقه است وشاید از میر باشد .

آغاز : بنوشته کشف الحجب ص ٥٥ وذریعه همانجاودرنسخه کتابخانه بوهار
فهرست آنجاچاپ کلکته بسال ۱۹۲۳ ج ۲ ش ۳۲۷ ص ۳٥٤) : سبحانك اللهم جل
مدك وعزمجدك یا رب العاقلات العالیه والسافلات البالیة . تلویح استناری . . . .

آغاز نسخه ما : بسمله و منك الاستیفاق یا علیم یا حکیم . تلویح استناری ـ
سیت ان اثبتك (لك) علی التفطن لان لیس الوجود حقیقة الانفس الموجودیة ... لامعنی
ینضم الی المهیة .

[۹٥]

۲۸۹ این نسخه بنسخ وتعلیق و عنوانها درشت‌تر و شنگرف وگاهی درهامش .
چند برك درپایان سفید است و کتاب ناتمام و بدینجا « فصل انی لست استصح
ارسال التقدم الزمانی . . . وهو التقدم بالزمان وعلی مایتصف به الباری الاول
تعالی وهو » پایان میپابد . نسخه پاکیزه و ناتمام دیگری دیده شدکه نزدیك بهفت
برك ازنسخه ما بیشترداشت : (دنباله بندآخر نسخه ما وهفت بند دیگر و ده سطر از
بندی) دیگر و پایان آن چنین بود : « شك و توهین تحقیقی ـ قال مثیر فتنة التشکیك

فی المباحث المشرقیة فان قیل تقدم العلة علی المعلول . . . . امتنع ان یکون للمجموع ت
فنقول انالانعنی بهذا» .

حاشیه‌هائی درهامش نسخه مادیده میشود که به (منه دام‌ظله العالی) یا (ادام
افضاله) یا مانند اینها پایان میباید پس این نسخه درروزگار داماد نوشته شده ا
(۳۷۸ برگ) — کاغذ ترمه سمرقندی - جلد تیماج سرخ ضربی مقوائی
اندازه : ۱۳×۳۰ و درـ۶×۱۳ س ۱۲ ، ۱۵ سطر

[۸۵] اقسام الحکمه (عربی)

خواجه طوسی (۵۹۷-۶۷۲) دراین‌دفتر کوچك دانشهای گوناگون را
کرده هریك را شناساند و پیداست که از احصاء فارابی و اقسام‌العلوم بوعلی گر
است وی ازاخلاق وعلم‌المنزل وعلم‌السیاسه آغازسپس هشت بخش منطق را آو
ونامهای یونانی آنها را نیز باتحریف یاد نمود وگویا نسخه غلط است آنگاه علم
دیگر را شناسانده و میگوید از فروع الهی یکی علم وحی است که معقول درآ
بریخت محسوس درمیآید درهمینجا از الهام و روح‌الامین تعریف میکند دیگر
معاد روحانی‌است دراینجا میگوید رستاخیزجان را خرد درمییابد و بازگشت
از آئین اسلام گرفته شده است در پایان میگوید حکمت ٤٤ بخش است و ا
منطق را بشمارنیاوریم ۳۵ میشود ازاینجا برمیآید که جدل را بایست بشماربیاو
ودرنسخه یاد نشد .

آغاز : فصل فی بیان اقسام الحکمة علی سبیل الایجاز من فوائد .
خواجه . . . الطوسی . . . « الحکمة قسمان نظری وعملی فالعملی ثلثة اقسام .

انجام : فجمیع اقسام الحکمة اربعة و اربعون قسما مـع اقسام المنط
والافخمسة وثلثون قسما .

[۹۶]

۱۰۳۳ این نسخه شماره یکم دفتری است که درص ۳۹ شناسانده شده و بخط شکست
تعلیق مورب دربرك ۲ ب میباشد .

[۸۶] اکسیر السعادة الرضویه (عربی)

این دفتر درمسائلی چند از فلسفه طبیعی واصول وفقه در یك مقدمه و

باب ویك خاتمه میباشد و بسیار ساده است وعلی بن احمد بن قریش حسن برغانی قزوینی
بدرخواست بزرگی در روز آدینه ۱۰ رمضان ۱۲۹٦ نگارش آنرا بپایان رساند در برك
۹۳ الف از محقق سبزواری یاد میشود .

آغاز : بسمله الحمدلله الذی اتقن بحکمته نظام العالم .

انجام : لکن الله . . . من علی . . . للانمام . . . وتهیأ الفراغ م قلمه الی البیاض ۵
فی یوم الجمعه العاشر من شهر رمضان المبارك فی الحول السادس وال بین بعد المائتین
والالف من الهجرة . . . بمحروسة دار الخلافة الباهرة صانها الله عن الا ت والبلیة .

[۹۷]

۳۵۷ این نسخه بنسخ روشن و دردوجدول بزر و لاجورد و شنـ ف با سرلوحی
زیبا دردوصفحه نخستین و میان سطرها طلاکاری شده و نویسنـ آن عبدالعلی بن ۱۰
حاجی محمد رحیم برغانی میباشد .

(۱۱۵ برك) ـ کاغذ ترمه سپاهانی زرد ـ جلد تیماج ضربی عنا
اندازه : ۱۳×۲۲ و ۸×۱۳٫۵ س ۱۱

[۸۷] الف صغری (عربی)

کتاب الهی ارسطو که بنام (تامتافوسیکا) خوانده میشود چهارده بخش میباشد ۱۵
واز آغاز هریك ازاین بخشها بیکی ازحرفهای یونانی از آلفا تا نو میده شده است
اسطاث Eustache که در روزگار حنین پسر اسحاق میزیست و ظیف پسر ایمن
(م نزدیك ۳٦۰) از ۲٤ پزشك بیمارستان فنا خسرو در بغداد و ا ق پسر حنین
(م ۲۹۸) وابو بشر متی ویحیی پسر عدی آنها را از یونانی یاسریانی بتـ ی درآوردند
این رساله که بخش دوم الهی ارسطو است و بنام الف صغری آلفاالاتن) ۲۰
خوانده میشود باگزارشی است از یحیی بن عدی ترسای فیلسوف ترجمان سریانی
(۲٦۳ـ۳٦٤) ومتن از ترجمه اسحاق است که در تفسیر مابعدالطبیعه ابن رشد باترجمه
دیگری از اسطاث در بیروت بسال ۱۹۳۸ بچاپ رسید . پیشینیان این بخش را از
پاسیکلس ردسی Pasielès de Rodes دانستند ولی اسکندر افرودیسی میگوید
که از ارسطو است واودموس آنرا نشرنمود. این بخش دیباچه ای است برفلسفه ۲۵

و در آن از دشواری طبیعی و شایستگی دانشمندان و ارزش دانش و بود مبـادی نخستین یاد میگردد [۱] . از پایان الف صغری عربی پیداست که باید پیش از الف کبری باشد بااینکه درچاپها و ترجمه‌های اروپائی پس از آن است ابن سینا درفصل ۲ مقاله ۸ الهی شفا یادی از الف صغری نمود و از گفته ملا اولیا در حاشیه آن پیداست که شیخ در « مبدء و معاد » باینکه الهی ارسطو روی الفبای یونانی مرتب شده اشاره نمود سیداحمد عاملی درحاشیه شفا دراینکه چرا الف‌صغری نامیده‌اند مناسباتی عرفانی یاد کرد .

آغاز : متن « ان النظر فی الحق صعب من جهة سهل من جهة والدلیل علی ذلك انه لم یقدر احد من‌الناس علی‌البلوغ بقدرمایستحق » .

آغاز شرح : « قال یحیی‌بن عدی : لماکان غرض‌الفیلسوف فی‌هذاالکتاب باسرهاعنی فی کتابه ذی‌المقالات‌المرسوم بمطاطافوسیقااای فیمابعدالطبیعیات انماهو فی‌الجزءالثالث فی اجزاءالجزءالنظری من جزئی‌الفلسفه » .

انجام متن : « ظهر لناالاشیاء التی یبحث عنهابالنظر الطبیعی » آنگاه‌دارد « وهل ینبغی ان ینظر فی علل واوائل‌العلم واحداولعلوم اکثرواحد » .

ابن عدی دراینجا میگوید که این عبارت را در ترجمه اسحاق یافتم ودر ترجمه‌های سریانی وترجمه های دیگرعربی نبود و باید آغاز « الف‌کبری » باشد نه انجام « الف صغری » .

انجام شرح : « والاوائل کلهاالعلم واحد ولعلوم‌اکثرمن واحد . تم تفسیر یحیی‌بن عدی لمقالة الف‌الصغری من کتاب ارسطو فیما بعدالطبیعة . » .

[۹۸]

۲۹۲ این نسخه شماره یکم دفتری است که دوم آن ترجمه نهایه شیخ طوسی است بپارسی کهن ازیکی ازیاران طوسی که نزدیك بروزگاراومیزیسته است وباید ۲۲ کتاب و ۲۱۵ باب و ۳۶۰۰۰ مسئله باشد (ذریعه ج ٤ ص ٤-۱٤۳) دراین نسخه ازترجمه «وصیت» آغازمیشود . الف صغری وتفسیر آن در۲۳ برك است وبنسخ

۱ — دیده شود گفتارفهرست نگار درشماره ۲ سال ۱ مجله جلوه ص ۷٦ تا ۸۲ —فهرست ابن ندیم ص ۳٥۲- ترجمه فرانسوی الهی ارسطو از تریکو — اندیشه ارسطو از هاملن بفرانسه .

وروی‌عنوان «قال» خط کشیده شده و جناب آقای مشکوة آنرا با نسخه شماره ۸۷۵ مدرسه‌خان مروی تهران مقابله کردند. رستم نامی این نسخه را برای برادرش افراسیاب بیك درشام روز سه شنبه ۲۰ رمضان سال ۱۳۰٤ فرستاد ومهر رستم نیزدیده میشود (۲ الف).

(برگها ۸۷) ~~جلد ندارد~~ ـ کاغذ ترمه سمرقندی جلد تیماج سادهٔ مشکی ۵
اندازه : ۱۲×۱۸ و ۶٫۵×۱۲ س ۱۶

[۸۸] امتناع صدورالکثیرعن‌الواحد (عربی)

یکی ازمسائل مهمی که مشائیان بدان می‌پرداختند این است که ازیك چیز جز یك چیز بر نیاید ویك آفریننده جزیك آفریده نخواهد داشت ورشته موجودات ودستگاه‌جهان هستی‌برأی آنان‌برپایه این‌قانون‌نهاده شده وشیخ رئیس‌در کتابهایش ۱۰ بدین قانون اشاره نمود وامام رازی از آن خرده گیری کرد واز متأخران سید داماد وملاصدرای شیرازی از آن گفتگو نمودند. این رساله کوتاه نیز درهمین مسئله است که دانشمند شادروان میرزا یدالله نظر پاك کجوری بخط خود در ۲٦ محرم سال ۱۳۱٤ خورشیدی نوشته است.

آغاز : بسمله الحمدلله رب العالمین... فیقول العبد... یدالله... ان هذه ۱۵ نبذة من المباحث تتعلق بالمسئله المبحوث عنها فی العلوم العقلیه والاصول الکلامیه وهی امتناع صدورالکثیر عن‌الواحد.

انجام : فیسدباب‌اثبات الصانع فضلا عن توحیده والله ولی‌الافضال تمت‌علی یدمؤلفها... یدالله فی‌السادس والعشرین من‌شهرمحرم‌الحرام‌من‌السنة‌الشمسیه ۱۳۱٤

[۹۹] ۲۰

۲٤۹ این نسخه بنسخ از خود نگارنده کتاب و مورخ ۲٦ محرم سال ۱۳۱٤ خورشیدی میباشد.

(۲۹ صفحه) کاغذ فرنگی جلد تیماج زرد متوالی
اندازه : ۱۱×۱۸٫۵ و ۸٫۵×۱۴ س ۸

[۸۹] انفساخ‌الصور بعدالموت (عربی) ۲۵

این رساله دراین است که آنچه درنفس صورت می‌بندد و نادرست میباشد

پس‌از مرك تباه میگردد وشیخ رئیس آنرا برای بزرگی که « سیدناالاستاذالرئیس الاجل » میخواند نوشته ومیگوید که چون خیال و پندار با مرك ازمیان میرود از صورتهای ذهن آنچه نادرست وبد باشد نخواهد ماند تنها آنچه درست وراست و نیکوباشد چون از روان می‌تراود پایدار میماند .

٥ **آغاز** : پس‌ازستایش ودرود ـ قداتفق‌النظرفیما امربه‌سیدالاستاذالرئیس الاجل ادام‌الله علمه وهوانفساخ‌الصورالموجودة فی‌النفس المخالفة للحق فی‌النفوس البشریة بعدالموت .

انجام : فقدصح‌ان‌الصورالمعقولةالمخالفة للحق ینفسخ عن‌النفس‌البشریة بعدمفارقةالتخیل. درنسخه قنواتی (٨١) پس‌از این عبارتی دارد که شیخ باز درآن ١٠ از آن بزرك یادکرد و پوزش خواست .

[٧٠٠]

١٠٣٧ این نسخه شماره ٥ دفتری دارای ٧ رساله و گفتارفلسفی است و از برك ٢٠٧ الف تا برك ٢٠٥ الف و نسخه بخط نستعلیق و بیاضی میباشد شماره دوم آن (٢١٦ الف تا ٢١٥ب) پاره‌ای است از «حدود» ابن‌سینا برابر با ص٧٩-٨٢ ١٥ چاپ مصر درتسع رسائل بسال ١٩٠٨ که درص٤٢ این‌فهرست شناسانده شده وشماره سوم آن همان «اثبات‌النبوة» شیخ است که در ص ١١٢ این فهرست شناخته شده از برك ٢١٤ الف است تا برك ٢٠٨ الف ودرپایان آن دارد «تمت فی شهرربیع‌الثانی سنه ١٧١» .

(همه دفتر ٢٢٩ برك) کاغذ سپاهانی ــ جلد تیماج مشکی ساده وفرسوده
اندازه : ٦٫٥ × ١٦ و ٤×١٢٫٥ س ٢٢

[٩٠] انموذج‌العلوم (عربی)

دانشمند دوانی (م ٩٠٧) این دفتررا برای سلطان محمود بپرداخت ودر ده مسئله فقه‌و کلام‌ومنطق وریاضی‌بطور نمونه میباشد. دوانی رساله اثبات‌الواجب را نیزبرای همین محمود که یکی ازپادشاهان هند است نوشت وی شرحی برعقاید ٢٥ عضدالدین ایجی دارد که درتاریخ چاشت چهارشنبه ١٨ربیع یکم سال ٩٠٥درشهر جیرون بپایان رساند ودرلکهنوء بسال $\frac{١٣٢٨}{١٩١٠}$ بچاپ رسید و آخرین نگارش اواست

آغاز : بسمله و به نستعين الله المحمود فی کل فعاله وهو المشکور علی جزيل نواله . . . فيقول . . . محمدبن اسعدالدوانی . . . انی کنت مشعوفاً بان اسلك فی سلك خدام حضرت من فاق سلاطين الانام .

انجام : هذا آخر ما قصدنا ايراده فی هذه الرسـالة جعلته انموذجا لتلك العلوم (فيلاحظ خدام العتبة العلية . . . وغاية المنی ... و نجوم الهدی والحمدلله رب العالمين) ٥

[١٠١]

٨٦٨ اين نسخه شماره يکم دفتری است که در ص٤٧ اين فهرست شناسانده شده واز ص ٢ است تا ص ٨٣ و بخط تعليق با عنوانهای شنگرف ودرسپاهان بسال ١٠٢١ نوشته شده است نسخه ماخطبه وسرگذشتی که دوانی ازخوددردیباچه ميآورد ندارد وآغازش چنين است : «پس ازستايش ودرود ـ المسئلة الاولی فی اصول الفقه» ودرپايان نيزعبارت ميان دو کمانه درآن نيست . ١٠

[٩١] **انوار الحكمة** (عربی)

فيض کاشانی (١٠٠٧ ـ ١٠٩١) اين کتاب را از علم اليقين خودگزين نموده وچيزهائی بر آن افزود و درچهار بخش هريك باعنوان «نور» کرد : ١ـ شناختن خدا ٢ـ فرشتگان ٣ـ پيامبران و کتابها ٤ـ رستاخيز و درسال ١٠٤٣ آنرا بپرداخت ١٥

آغاز : نحمدك اللهم وانت للحمد اهل و نستهديك وهدايتنا عليك يسير سهل (دزيعه ج ٢ ص ٤٢٥) .

[١٠٢]

٤٣٣ اين نسخه شامل کتاب نخستين و اندکی از کتاب سوم است و بدينجا پايان ميبابد : « ان الروح الانسانی کمرآة فاذ اصقلت . . . ولم يمنعها حجاب عن ذلك وذلك » و درآغاز از حاشيه‌هائی ازلطف الله ديده ميشود وبخط نسخ وگاهی معرب وبرخی ازعنوانها بشنگرف وجای برخی ديگر سفيد است . ٢٠

(٩١ برك) ـ کاغذ سمرقندی ـ جلد تيماج [illegible]

اندازه . ١٢×٥ر١٨ و ٦ × ٥ر١١ س ١٥

[٩٢] **الانوار القدسيه** (عربی) ٢٥

قاضی محمد سعيد قمی (١٠٤٩ـ١١٠٣) شاگرد فيض کاشانی وفياض لاهيجی

وفیلسوف متشرع وشارح توحید صدوق این کتاب را درسه «نور» که هریك درچند «فتوح» است نوشته وازهیولی وصورت ونفس بروش عرفان شیعی کاوش نمود وی دردیباچه ازنادانان مینالد وبپیامبروخاندان او پناه میبرد وگاهی درمطالب فلسفی خبرهای شیعی گواه میآورد وتأویلهای شگفتی میکند. (١محرم ١٠٨٥ درقم)

٥ **آغاز**: الحمدلله الذی آتانا الحکمة لکی نتوصل بها الی ما لدیه... فالفقیر... محمدالمدعو بسعیدالقمی یقول تلك انوارقدسیه افضیت علی روعی اوقات المذاکرة.

انجام: هذا مااردنا ایراده فی ذکر الهیولی وشرفها... وسیرها الانواری... واتفق مساعدة توفیق‌الله لاتمام تلك الرسالة علی یدی مؤلفها غرة شهرمحرم... خمس ١٠ وثمانین من الالف الثانی... فی وطنه قم... مصلیاً مستغفراً.

[٥٠٣]

١٠٣٠ این نسخه شماره ١٦دفتری است دارای ٢٣رساله وگفتار که درص١٢٧ شناخته شد و بخط شکسته نستعلیق و در ٩ شوال ١٠٩٤ ٩ سال پس‌از نگارش قمی نوشته شد برك ١٥٩ ب ــ ١٦٦ ب.

١٥ [٩٣] **ایزدشناخت** (فارسی)

این رساله درسه باب (شناخت خدا، مردمی ورستاخیز، پیامبری) میباشد ودوباردرتهران بچاپ‌رسید یکی در١٣١٦ خ ازروی ٥ نسخه که در دو نسخه بنام «ایزد شناخت» مانند نسخه ما ودر سه تای دیگر بنام «یزدان شناخت» و در چهارتا از عین‌القضات ودریکی آنهم مانند نسخه ما از سهروردی شهید (٥٤٩-٥٨٧) دانسته ٢٠ شده بود ازدیباچه این چاپ پیداست که کتاب برای صدرالفضلا جمال‌الدین محمدبن محمود داری بنگارش درآمد. باره دیگر در ١٣٢٧ خ بنام «یزدان شناخت» از روی نسخه تاریخ ٧٣١ بچاپ رسیده واز عین‌القضات ابوالفضائل عبدالله‌بن محمد میانجی همدانی فیلسوف عارف تند بی‌پروادانسته شد وی شاگرددانشمند روشندل احمد غزالی (م ٥٢٠) وفیلسوف آزاداندیش خیام (٤٥٥-٥١٥) بوده است او را ٢٥ بگناه سخنانیکه آزادانه بنظم ونثر گفته‌است وبدستورقوام‌الدین درگزینی وفتوای

فقیهان پس از اینکه یار او عزیزالدین مستوفی وزیر سلطان محمود بن محمد بن ملکشاه (۵۱۱–۵۲۵) از سلجوقیان عراق از کار افتاد دستگیر کرده ببغداد فرستادند سپس بهمدانش آورده در ٤ شنبه ۷ ج ۲ سال ۵۲۵ بدارش آویختند آنگاه پوست کنده و در بوریائی نفت آلود پیچیده بسوختند. شهرزوری در نزهه یکی از نگارشهای سهروردی را «یزدان شناخت» بشمار آورد و در این رساله نیز از شعر سنائی (م ۵۳۵) آمده و دور است که همدانی معاصر او از شعرش یاد کند مگر اینکه عزیزالدین نسفی عارف (سده ٦ و ۷) در کشف الحقایق از همدانی سخنی میآورد که در این رساله هست و روش آن هم روش فلسفه مشائی آمیخته با عرفان است و از خواندن آن سخنان فارابی و ابن سینا بیشتر بیاد میآید تا اندیشه اشراقی سهروردی در دیباچه نسخه ما و چاپ ۱۳۲۷ از کسی نام برده نشده و تنها « مجلس عالی » دیده میشود و در آغاز و انجام دارد که « این تحفه‌ای است روحانی » و در پایان میگوید که این مختصر بیادگار بزرگی نوشته شده و میخواهد که بناشایستگانش ندهند بازمیگوید گزیده و راز حکمت طبیعی و الهی را که تاکنون نهفته میدانستند آشکار ساختم اینگونه سفارشها نیز سخنان ابن‌سینا و محمد غزالی را بیاد میآورد و همدانی هم در آغاز کار بنگارشهای غزالی مینگریست آنگاه نزد برادرش احمد رفته و از او آموخت بااینهمه شناختن نگارنده رساله نیاز ببررسی بیشتری خواهد داشت(۱)

[۱۰٤]

۱۰٤٦ این نسخه شماره ۱۷ دفتری است دارای ٤٤ رساله که درجلد یکم شناسانده شده و بخط تعلیق رجبعلی بتاریخ ۱۰٦۱ از ۷٤ ب تا ۸۱ الف میباشد.

[۹٤] بقاء النفس بعد بوار البدن (عربی)

این رساله را خواجه طوسی (۵۹۷–٦۷۲) برای مؤیدالدین فیلسوف مهندس بنگارش درآورد و در آن از پایداری روان کاوش نمود و درمصر با شرح اباعبدالله زنجانی و تعلیق شهرستانی بسال ۱۳٤۲ بچاپ رسید و آقای زین‌الدین کیائی‌نژاد

۱ — نگاه به: تاریخ شهرزوری (ش ۸۵٦ گ ۱۷۰ ب) و ترجمه آن (ش ٤۲۷ گ ۲۱٤ ب) و ترجمه دری بخش ۲ ص ۱٤۵ نیز دیباچه دوچاپ ایزد شناخت.

متن و شرح را بپارسی کرده و درسال یکم مجله جلوه چاپ شد. خواجه درآغاز وانجام آن از مؤید یاد میکند.

[۱۰۵]

۸۶۳ این نسخه شماره دوم دفتری است که دارای شش رساله میباشد (ص ۱۲۲ این فهرست) وبخط تعلیق شکسته با عنوانهای شنگرف ازبرك ۹ ب تا برك ۱۷ الف است.

[۱۰۶]

۸۷۱ این نسخه شماره ۲۲ دفتری است دارای ۲۵ رساله (ص ۱۰۱ جلد ۱) ازبرك ۱۶۱ الف تا ۱۶٤ ب و بخط تعلیق محمدعلی میباشد که در ۱۲۹۹ و ۱۳۰۱ این دفتررا نوشت.

[۱۰۷]

۸۷۶ این نسخه شماره دهم دفتری است دارای شانزده رساله که دردنبال « اصالت وجود » نشانه آن یاد شد از برك ۷٦ ب تا ۸۱ الف و بخط شکسته تعلیق تاریخ شب دوشنبه ع ۱ سال ۱۰۳٦.

[۹۵] بیان الحق بضمان الصدق (عربی)

این دفتر نگارش ابوالعباس فضل بن محمد لوکری مروی ادیب شاعر فیلسوف[۱] است

۱ — لوکر بضم (سمعانی) یا فتح (یاقوت) لام دیهی بود درخاور رود مرومیان پنجدیه وبرکدز (درباختر آن رود) ودرروزگارسمعانی (م۵٦۲) ویران شده‌بود ویاقوت در٦۱٦ بدانجا گذشته نشانه‌های آن را بدید (انساب ـ معجم‌البلدان) ـ لوکری در روزگار خیام (٤۵۵ — ۵۱۵) وابوالفتح بن کوشك ومیمون بن نجیب واسطی خوزی هروی میزیسته واز آندو برتر بوده است وی شاگرد بهمنیارمجوسی آذربایگانی (م ٤۵۸) شاگرد شیخ بوده وازشاگرانش اینان را نام برده‌اند : ۱ — افضل‌الدین غیلانی استاد سید صدرالدین سرخسی استاد فریدالدین داماد نیشابوری استاد خواجه طوسی دراشارات ۲- فیلسوف قطب‌الزمان محمدبن ابی‌طاهر نصیری طبسی مروزی (م ۵۳۹) ۳- قاضی‌فیلسوف مجدالافاضل‌عبدالرزاق ترکی ٤ — امام اسعد میهنی استاد نظامیه بغداد (م ۵۲۷) ۵- فیلسوف ادیب عین‌الزمان حسن قطان مروزی بخارائی (٤٦۵- کشته غزان درمرو در ۵٤۸) نگارنده گیهان شناخت بسال٤۹۸ واخترشناخت . همین لوکری باهمکاری‌خیام وعبدالرحمان‌خازنی (زنده در۵۲۵ ومیمون واسطی‌وابوحاتم‌المظفر اسفزاری(م میان۵۰٦و۵۱۵) بسال٤٦۷ بدستور ملکشاه زیجی بپرداختند و در رمضان سال ٤۷۱ آغاز فروردین را باغاز‌حمل بردند .

بقیه حاشیه درصفحه بعد

ودر آغاز آن میگوید که از نگارشهای فارابی وشیخ رئیس ودیگرفرزانگان گزین
نمودم واین دفتر که گزارش آنهاهم هست بپرداختم بی آنکه سخن را بدرازکشانم
یا بکوتاهی بپردازم و ایندفتر برای خودم دستورو آیندگانرا یادگاری است ازمن
واگرنمیرم بخش ریاضی را نیز برآن میافزایم . او این کتاب را بآستان صدراعظم
روزگارخویش ارمغان داد . بیان‌الحق در ۵ بخش‌است : ۱ـ منطق درنه فن و۳۸ ۵
مقاله ودرست برابرشفا است مگر دربرخی جاها چنانکه تعریف را مانند اشارات
پس‌ازکلیات آورد و نیز فن شعررا در یك فصل کوتاه نوشت (۱ ب ـ ۸۷ الف) ـ
آغاز: « بسمله الحمدلله واهب‌الصور للمواد . . . . اجمع کتابا . . . علی سبیل‌الشرح
والتلخیص معا مستخرجاً من جمیع کتب‌الحکمة المنسوبة الی‌الشیخ‌الرئیس . . .
و الی الشیخ الحکیم ابی نصر الفارابی . . . و من سائر کتب المحدثین والمتقدمین ۱۰
الموجودة » .

انجام : « ونوع آخر یبین به صناعةالموسیقی لایستعمل فی غیره والله تعالی
اعلم بالصواب والیه‌المرجع والمآب ـ تم کتاب الاقاویل الشعریة وبتمامه تم‌المنطق
والحمدلله . . . » .

۱۵ ۲ـ طبیعی که مانند منطق درازتر از بخشهای دیگر ودر ۸ فن و ۳۵ مقاله
وگزیده‌ای است ازشفا و بروش آن (۸۷ ب ـ ۱۷۱ ب) ـ آغاز : « ستایش ـ هذا
هوالجزءالثانی من‌الکتاب المؤلف فی قوانین‌العلوم الحکمیةالذی سمیناه کتاب بیان
الحق بضمان‌الصدق » .

بقیه حاشیه ازصفحه قبل

۲۰ لوکری بود که دانشهای‌فلسفی را درخراسان دردسترس مردم گذاشت . وی درپایان
زندگی نابینا شد ومیگفت چون ناتوان شدم ونابینا دیگر ازافزودن بردانش خویش نومید
گشتم ومرك را برمیگزینم . اورا بجز بیان‌الحق رساله‌هاو تعلیقهاو گزیده‌هااست وقصیده‌ای
دارد با شرح آن بپارسی . نگاه به مجالس‌المؤمنین مجلس ۷ سرگذشت طوسی ـ لؤلؤتی
البحرین ـ روضات‌الجنات ص ۵۸۲ ـ گاهنامه تهرانی سال ۳۰۸ ص ۷۶ و ۳۱۱ ش ۱۳۲
۲۵ و ۱۸۴ و ۲۰۶ ـ ابن‌اثیر ج ۱۰ ص ۳۷ ـ بیهقی ص۱۲۰ و ۲۰۴ نیزفهرست نامهای‌آن‌ـ
دره ش ۷۷ ـ شهرزوری ش ۸۵۶ گ ۱۴۴ الف و ترجمه آن ش ۴۲۷ گ ۱۸۲ الف
وترجمه گزیده آن ش ۲۸۳ گ ۶۱ ودربخش ۲ ص ۷۸ .

انجام : « واما حديث الاسنان و منافعها فقد علمت فی مواضع اخر والله تعالی اعلم . . . تم کتاب الحیوان و بتمامه تمت الطبیعیات والحمدلله . . کثیرا » .

٣ـ الهی در یك فن و ده مقاله و ٥٤ فصل در دیباچه آن میگوید که الهی دو بخش است یکی مابعدالطبیعه و علم کلی دیگر علم الربوبیة واثالوجیا . باز می نویسد که چون درمعاد بسزا سخن نراندند من از آن بیشتر کاوش میکنم وخردها وروان را نیز میشناسانم (١٧٢ الف ـ ٢١٢ الف) ـ آغاز : « نام خدا و ستایش او ـ هذا الجز الثالث من الکتاب المؤلف فی العلوم الحکمیة . . . (مانند آغاز طبیعی) وقصد نافیه ان نتکلم فی الاصول (من) العلم الالهی علی سبیل التلخیص والشرح معاً .

انجام : « فیما یبقی فیهم السنة والشریعه التی هی اسباب وجودهم وبما یقربهم عندالمعاد من الله زلفی بزکائهم والله تعالی اعلم بالصواب والیه المرجع والمآب » .

٤ـ خداشناسی که در آن ازدانائی وتوانائی وخرد وبخشایش خدا و یکی بودن آفریده او(الواحد لایصدرعنه الاالواحد) وازخردها وقدمت و آفریدگان آنها وخرد ستارگان واز روانشناسی عقلی ورستاخیز گفتگو نمود وچنانکه خود در آغاز گفته است دراینجا رازها را آشکار بداشت وپیداست که دراینجا مانند شیخ بامتکلمان و پیروان سنت خلاف نمود و بیشتر از تئولوگیا یاگزیده انئـاد پلوتینوس گرفته و این بخش را بنام « الرسالة الملحقة بعلم الربوبیة » خوانده است (٢١٢ الف ـ ٢٠٨ الف) .

آغاز : « فی ذکر بیانات مسائل من علم مابعدالطبیعه تجری مجری الاسرار » .

انجام : « تقتنص من الرصد وبالحس والله اعلم بالصواب . تمت الرسالة الملحقة »

٥ ـ « الفصول المنتخبة من رسالة الاخلاق » که در آن گزیده ای ازاخلاق وتدبیر منزل وسیاست در ٥ باب آورد (٢١٨ الف ـ ٢٢٣ الف) ـ .

آغاز : « بسمله هذه جمل وفصول منتخبة من علم الاخلاق یشتمل علی اکتساب فضائل النفس الانسانیة والاجتناب عن رذائلها » .

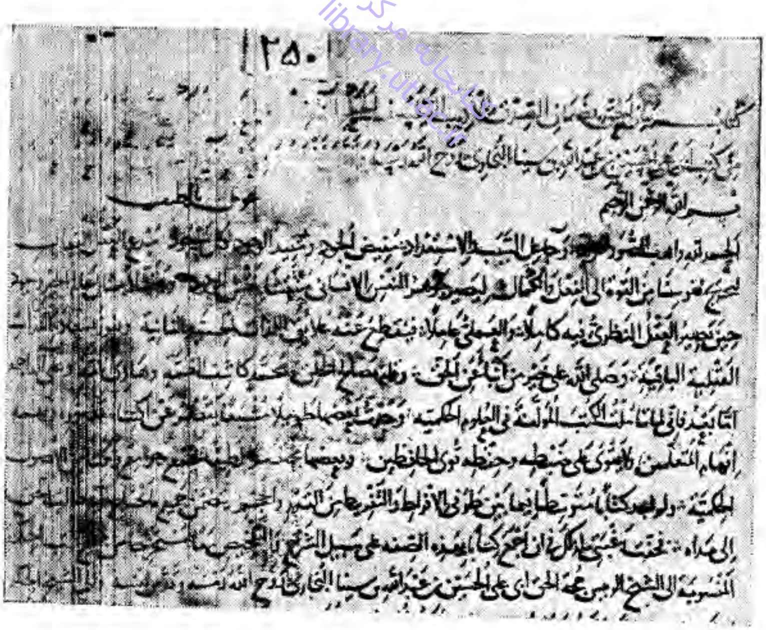
انجام : آنچه که در نسخه ما خوانده میشود درمبحث عدل ومحبت : « فی ثلثة احدها فی المبدء وفی المنتهی وفیما بینهما واتفاق الرأی فی المبدأ » .

[۱۰۸]

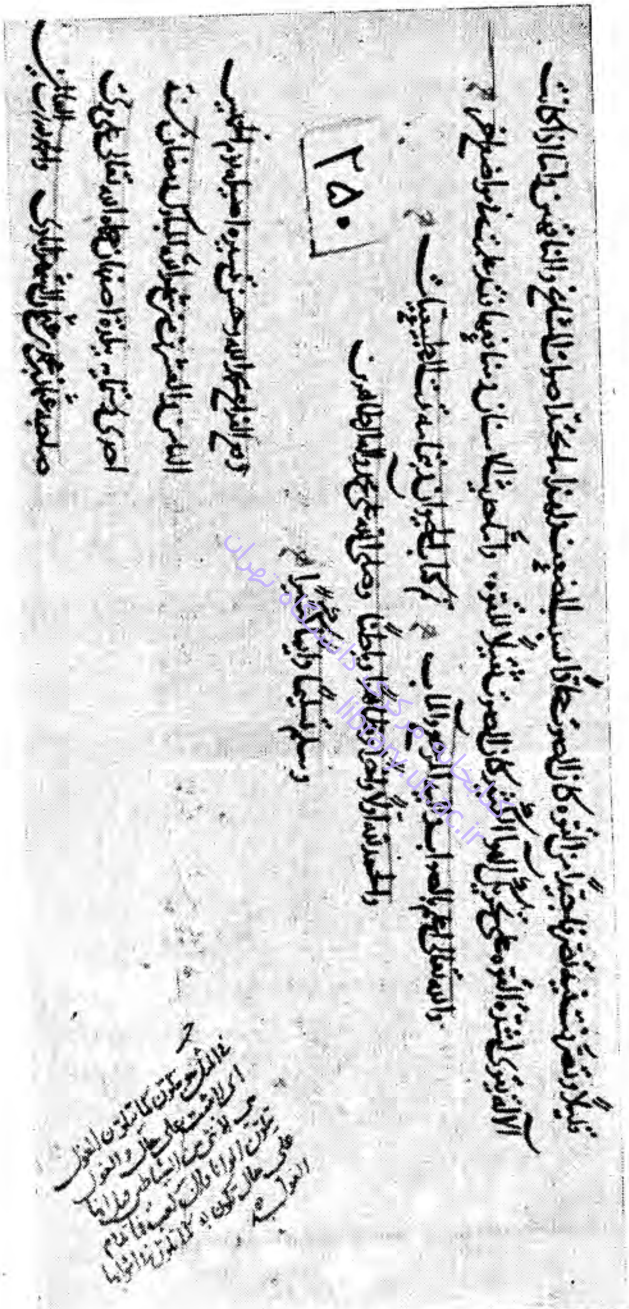
۲۵۰ این دفتر از گرانبهاترین نسخه‌های این کتابخانه است و تا آنجا که جستجو شدهٔ نسخه دیگری نشان نداده‌اند . خط آن نسخ خوش روشن و عنوانها شنگرف و با اعراب بخط سیاهتر و نشانه‌های فواصل دوبرخی جاهـا نیز نیز بشنگرف است و عثمان بن محمدبن عثمان شهر آبادی بـرای خود بسال ۶۰۱ درسپاهان آنرا نوشته ودردوجا (۸۷ الف و ۱۷۱ ب) ازتاریخهای (۱۵ع۲) و (روز پنجشنبه ۲۸ رمضان) همین سال یاد میکند . نزدیك بیك صفحه از پایان کتاب چون دور برك بهم چسبیده شده خوانده نمیشود و باید باوسیله علمی بازنمود . خط برخی ازدارندگان نسخه دربرك ۱ الف دیده میشود : ۱ـ هبة‌الله یزدان‌بخش فرزندبدرالدین پسر آدم بسال ۸۳۱ـ۲ـ فضل‌الله پسرمحمد حسینی در ۹۸۷ـ۳ـ عبدالله پسرشیخ محمد اردکانی یزدی در ۱۰۱۷ با مهر . ۱۰

(برگها ۲۳۳) ـ کاغذ ترمه سمرقندی ـ جلد تیماج ضربی کهنه

اندازه : ۱۹٫۵ × ۳۱ و ۱۵ × ۲۶ س ۲۹



آغاز (بیان‌الحق لوکری) ش ۲۵۰ گ ۱ ب



پایان طبیعی (بیان‌الحق لوکری) ش ۲۵۰ گ ۱۷۱ ب

[۹٦] پاسخ ابن سینا بسه پرسش (عربی)

این پرسشها دراین است که چرا و ازکجا باینجهان آمده‌ایم و پس‌از مرك بکجاخواهیم رفت وچگونه خواهم‌بودوشیخ بروش نوپلاتونیان وعارفان و باطنیان همه را پاسخ میدهد .

۵ **آغاز** : بسمله وستایش ودرود- هذا نبذ من‌المسائل الرفیعه اوردها الشیخ الرئیس فی‌جواب من قال انامن ای موضع جئناالی‌هذاالعالم ، اعلم‌انامن ذالك‌العالم جئنا الی هذاالعالم (من فوق فلك‌الزهره الی فلك البروج) من فوق فلك البروج تحت‌الفلك‌المستقیم الی هذه‌الارض .

انجام : و كالاجزاء له فی‌الكل والصورة فی‌الشخص وكالشخص فی‌الصورة

۱۰ وكالعلة فی‌المعلول وكالشیء فی‌التمام-این گفتگو در كنار شرح هدایه شیرازی ص ۲۷۲-٤ (تهران ۱۳۱۳) بچاپ رسید وچهار پرسش وپاسخ است و پایان آن چنین میباشد : « علی ما توافق علمه عمله والله اعلم » ونزدیك است به نسخه‌ایكه قنواتی در ش ۱۹٦ شناساند و آنهم چهار پرسش است مانند چاپ قاهره (مجموعه رسائل تاریخ ۱۳۲۸ ص ۵-۲۵۰) .

۱۵ [۱۰۹]

۱۰۳۸ این نسخه شماره یكم دفتری دارای ۷ رساله و بخط تعلیق از ۲۱۸ ب تا ۲۱٦ الف .

[۹۷] پاسخ ابن‌سینا بپرسشهای بیرونی (عربی)

دانشمند فرزانه ایران بیرونی (۳٦۲ - ٤۳۰) هجده پرسش از فیلسوف

۲۰ ابن‌سیناكرده در ده تای آنها از« آسمان وجهان» ارسطوخرده گرفت ودرهشت تای دیگرخودچیزهائی پرسید . بیرونی در آغازپرسشها ازشیخ بسیار بستود وازخوارزم آنهارا برایش فرستاد. شیخ نگارش پرسشهارا بفقیه معصومی (م٤۵۰) شاگرد خود كه با بیرونی نامه نگاری داشت واگذاشت و هرگاه از كارهـا میآسود معصومی پاسخها را برای اومینوشت این بودكه پاسخها دیر به بیرونی رسید وشیخ درپایان

۲۵ آنها نوشت كه امیدوارم اگردوباره چیزی بپرسی دردادن پاسخ شتاب كنم وبفقیه

وانگذارم ودرخواست که اگر بازهم چیزی برتودشوار است دوباره بپرس تا روشنش سازم . بیرونی از بیشتر پاسخهای شیخ خرده گرفت وسخنانی زننده در آن گنجاند واورا (ای جوان) و (ای فرزانه) خواند که شیخ دیگر نمی‌یارست بدان ارجی‌نهد واینها پس از مرك او رسیده ناگزیر معصومی بپاسخ بیرونی برداخت و بدو نوشت که اگر درنوشته خود روش دیگر برمیگزیدی درپیشگاه خرد ودانش شایسته‌تر میبود بیرونی درنامه‌ای که برای اوفرستاد ازاین لغزش پوزش خواست شیخ دراین گفتگودرست خودرا یکتن مشائی پیرو ارسطو نشان میدهد و از سخنان ارسطو درسمع الکیان یا طبیعی و کون وفساد و آسمان وجهان و آثارعلوی و نفس و حس گواه میاورد ونمیگذارد رخنه‌ای در گفتار استاد پیدا شود نیزازتفسیرخود برمقاله یکم ماطافوسیقا و جمع رائین فارابی یاد میکند و به بیرونی میگوید گویا دراین سخنان از رازی پزشك که از پیشهٔ خود گذشته بالهی برداخت و از یحیای نحوی ترساکه درکون و فساد خود تنها برای دین از ارسطو خرده گرفت پیروی کردی . بیرونی یحیی‌را ستوده و گفت مانانوردی راکه او بر پر کلاس درباره همیشگی جهان نوشته وخرده گیری که او از ارسطو کرده وتفسیری که گرد آورده نخوانده‌ای وتو گاهی از رازی پیروی میکنی با اینکه اورا شایسته ندانستی .

این گفتگودر « جامع البدایع » ش۱۲بچاپ رسید وحاج میرزا ابوالفضل ساوجی حکیم همه آنهارا باخرده گیریهای بیرونی بپارسی کردودر نامه‌دانشوران درسر گذشت معصومی (ج ۲ ص ۵۸۵-٦۰٤) همه اینها ودر (ج۱ ص ۱-۷۰) فهرست آنها آمده است این فهرست درفرهنك دهخدا درسر گذشت ابن‌سینا (ص ٦٤۹) و آن پارسی درسر گذشت بیرونی (ص ۸۱-٦۷۰) درهمین فرهنك نیز دیده میشود سر گذشت بیرونی بازجداگانه درمجله آموزش وپرورش (ش ۳-۷ سال ۱۵ تاریخ مهر ۱۳۲٤ خ) چاپ شد [1].

آغاز : « هذه الرسالة الی ابی الریحان البیرونی فی جواب مسائل انفذها الی من خوارزم حاطك الله مغبوطا بنیل ماتهواه واسعفك بجمیع ماتمناه وقسم لك سعادة الدارین

۱ – نگاه به : بیهقی ص ۹۵ – شهرزوری گ ۱۳۹ – ۱٤۰ – دوری بخش ۲ ص ٦-٦۳

وصرف عنك جميع ماتكره في المحلين سألت ادام الله سلامتك الابانة عن مسائل ماتراه جديرا بان يؤخذ على ارسطوطاليس اذتكلم منها في كتابه الموسوم بالسماء والعالم ... ولم يتأخر اصدارها الى هذه المدة الا الماعسى ان يقرره الفقيه المعصومى .

انجام : ذلك لان الماء عندجموده تنحصر فيه اجزاء هوائيه تمنعه عن الرسوب الى اسفل فهذا جواب جميع ماسالتنيه من المسائل و نحب ان اشكل عليك شيء من ۵
هذه الفصول ان تمن على بمطالبة المعاودة بشرحها حتى اعجل فى ايضاحها وانفاذها اليك وماعسى يتأخر اجوبة هذه المسائل فانى لا انمنى عليها الفقيه المعصومى اذا خذنى بالفراغ من نسخها كما فعل هذه المرة وبالله التوفيق والعون وعليه التكلان .

[۱۱۰]

۱۰ این نسخه شماره ۲۲ دفتراست و بتعليق با عنوانهای شنگرف گ ۱۴۳ ب

۲۵۳ ۱۵۵ الف (ص ۱۵۱ این فهرست) قنواتی درش ٥٤ این گفتگورا شناساند و نسخه ما نزدیك بنسخه هائی است که او نشان میدهداو درش۱ شانزده پرسش و پاسخ نشان میدهد و آنها را ازآن بیرونی و شیخ میداند بااینکه ازمباحثات است (برابر بانسخه اياصوفيا ۲/۲۳۸۹ درش ۱۹) ودرش ۲ پاسخ وپرسشی دیگرازاینده
۱۵ دانشمند نشان میدهد با اینکه گفتگوی شیخ و کرمانی است (نسخه ش ٤/٤٢٢ ما) باز درش ۹۹ نسخه‌ای را میشناساند که درآن پرسش ابن زیله و پاسخ شیخ آمده ودرعنوان آن یکی از پرسندگان را بیرونی بشمار آورد .

[۹۸] **پاسخ ابن‌سینا بده پرسش کرمانی** (عربی)

دانشمند ابوالقاسم کرمانی ده پرسش از ابن سیناکرده و پاسخ گرفت واین
۲۰ گفتگوها که درالهی وطبیعی است درمجموعه نگارشهای ملاعباسعلی کیوان قزوینی که ازآنها « ثمرة الحيوة » است درتهران بسال ۱۳۰۸ خ ص ۷۱–۱۶۲ بچاپ رسید در کتابخانه سپهسالار نسخه ازاین بشماره ۲۹۱۲ گ ۵۰–۵۱ هست ودرآغازآن مانند نسخه ما ابوالقاسم جرجانی یاکرمانی نوشته است قنواتی درش۲ نسخه‌ای را نشان میدهد که باید همین پرسش و پاسخ باشد واو آنرا گفتگوی ابن سینا و بیرونی
۲۵ دانست .

[۱۱۱]

۴۲۲ این نسخه شماره ٤ دفتری دارای ٤ رساله و نو نویس است و ۱۲ص (نشان آن درص ٤٢ و ٧١).

[۹۹-۱۰۸] پاسخ ابن‌سینا بپرسشهای میهنه‌ای (عربی)

ابوسعید ابی‌الخیر دانشمند روشن بین میهنه (۳۵۷-٤٤٠) ازفرزانه بخارا ابن سینا یازده پرسش کرده و پاسخ گرفت ایندو بسیار بیکدیگر ارج می‌نهاده و در گفتگو همدیگر را بسی میستودند و پیداست که میهنه‌ای بنگارشهای شیخ می‌نگریست تا رازفلسفه براو آشکار گردد(۱). اینك پرسش و پاسخها:

۱- در «حالات وسخنان شیخ ابوسعید» چاپ ژوکوفسکی درپترسبورك $\frac{۱۸۹۹}{۱۳۱۸}$ ص۷ - ٦٤ چنین آمده: «میهنه‌ای و شیخ باهم نامه‌نگاری‌داشتندوشیخ ناشناس بمیهنه رفت تااورا ببیند وهنگامی بدانشهررسید که میهنه‌ای درانجمن سخن میراند همینکه اورا بدید بشناخت و گفت اکنونکه آسمان دانی نزدآسمان بینی بیامم باید بروش‌فیلسوفان سخن‌راندوهفته ایندوباهم بودند گاهیکه جداشدنداز شیخ رئیس پرسیده شدمیهنه‌ای راچگونه دیدی گفت اگرروامیبود پس‌ازمحمد ص پیامبری بیاید بجزاو کسی سزاوار نبودومن جزسه چیزهرچه ازاودیدمهمه را فلسفه‌می‌پذیرد» - دراسرارالتوحید (تهران ۱۳۱۳ خ ص ٦٠ - ١٥٩) دارد: «ابن‌سینا درنیشابوربنزد میهنه‌ای رسید وآندوهمدیگررا نمی‌شناختند سه روز باهم بودند پس‌ازاین ازشیخ پرسیده شد که ابوسعید را چگونه یافتی گفت «هرچه من میدانم او می‌بیند» ازاو که پرسیدند شیخ را چگونه دیدی گفت «هرچه ما می‌بینیم او میداند» این بود که شیخ شیفته ابوسعید شد و کم روزی بود که نزدش نمیرفت ودر کتابهای‌فلسفی‌خود مانند اشارات وجزآن بخشی‌از کرامتهای عارفان یاد میکرد یا جداگانه درآن کتاب‌می‌نوشت» - درنامه دانشوران (ج ۱ ص ٦١٣) از برخورد و گفتگوی آندو درباره دور شکل ۱ یاد شد و نوشته است که ابوسعید دراین هنگام کاسه‌ایرا بهوا انداخت وآن درهوا بماند پس گفت اینکار باآن میل طبیعی که درفلسفه ثابت کرده‌اید نمیسازد شیخ گفت خواست و نگاه شما آنرا درهوا نگاه بداشت. اینجابود که ابوسعید بپیروان خویش گفت این کورباعصا درپی ماکه بینائیم‌بیامد. شیخ رئیس‌درپاسخ۲ (ش۱۰ر۳۳۹ گ ٦٩ب) بمباحثات خویش‌بازگشت میدهد و میهنه‌ای درپرسش ۳ (ش ۳۳۹/٥ گ ٦٠ الف) میگوید که شما برای دریافت اینکه طبیعت بنیاد چیزها نیست بمباحثات باز گردانید ومن هنوزآنرا ندیده‌ام‌همینجاستکه شیخ از (فیض الهی) یاد میکند. میدانیم که شیخ شفا را در۴۲۰ (قنواتی ش ٤ ص ٧٣) نگاشته ودراشارات آخرین کتاب خود ازآن یادنمود ودرمباحثات ازهردو یاد کرد پس‌این پرسش وپاسخها باید یکی دوسال پیش‌ازمرك شیخ چنانکه درنامه دانشوران یاد شده (ج۱ ص ٦-٧٢) بنگارش درآمده باشد.

۱ـ میپرسد شکل نخستین بااینکه دوری است چگونه نتیجه میدهد (ص ۲۱ـ۲۳ این فهرست).

۲ـ می‌پرسد آیا جان بهمه نیروهای تن می‌پیوندد یا ببرخی از آنها ـ شیخ رئیس در پاسخ از مباحثات خود یاد میکند و میهنه ای را بدان بازگشت میدهد (۶۹ ب). ۵

آغاز: وکتب الشیخ سلطان العارفین خاتم المشائخ ابوسعید ابی‌الخیر ... الی الشیخ الرئیس ... تعلق‌النفس بالبدن بجمیع قواها ام ببعضها فان کان بجمیع قوی‌البدن فلایمکن عدم قوةالاوینعدم‌التعلق‌ولیس کذلك ... فاجاب‌الشیخ‌الرئیس. وصل خطاب‌الشیخ الاعظم سلطان العارفین خاتم‌المشائخ ابی‌سعید ... هذاالسؤال یحتاج الی مزید تحریرفنقول ونورد مایجب فیه وان‌کان‌الامرطول. ۱۰

انجام: فقد اندفعت شبهةالمسئلة مع وضوح اشیاء اخری .... فافهم وفقت للسداد والله اعلم بالصواب.

[۱۱۲]

۳۳۹ این نسخه شماره ۱۵ دفتری است دارای ۳۸ گفتار و بخط شکسته تعلیق گ ۶۸ الف ـ ۷۰ الف قنواتی در ش ۸۳ ازاین گفتگو یاد نمود. ۱۵

۳ـ می‌پرسد چرا طبیعت نمیتواند آغاز و بنیاد چیزها باشد و شما این را بکتابهای دیگر و مباحثات بازگشت دادید باز از فیض الهی می پرسد که چیست ومیگوید من هنوز کتاب مباحثات راندیده‌ام. شیخ درپایان یادی ازفیض الهی‌خود میکند ومیگوید من‌آنرا نوشته‌ام واکنون بازآنرا میاورم دراینجا عبارتی ازآغاز رساله «فیض الهی» یا «الفعل والانفعال واقسامهما» چاپ دکن بسال ۱۳۵۳ (ش ۱۹۰ قنواتی) میآید و پاسخ پایان میبابد ولی باید همه آن دردنبال باشد واگرنه سخن بریده خواهد ماند. پیداست‌که شیخ این رساله راکه پیش نوشته بود چون باپرسش میهنه‌ای میساخت دردنبال پاسخ او گذارده‌است وسخن شیخ بدین گواهی میدهد این پرسش و پاسخ با پرسش و پاسخ شماره ۲ (۳۳۹/۱۵گـ ۶۸ ـ ۷۰) وابستگی دارد و پس‌ازآن است. ۲۰ ۲۵

آغاز : فكتب الشيخ . . . ابوسعيد . . . اسبغ الله تعالى نعم الشيخ الرئيس . . .
على الخادم اشكالان اما الاول قد ذكرت فی خلال الكلام . . . فاجاب الشيخ الرئيس وقال
و بعد فقد وصلت المسئلة والمعاودة فی امر النفس والفيض .

انجام : وهذا ما اردنا ان نبين وبعدها نذكر رسالة الفيض الالهی وقد كتبناها...
۵ الفيض الالهی فی اول السئوال الثانی من امر النفس فاقول الافعال والانفعالات .

[۱۱۳]

۳۳۹ نسخه شماره پنجم دفتر است و بخط شكسته تعليق گ ۶۰ الف-۶۱ الف. قنواتی آنرا در ش ۲۶۹ ياد كرد .

۴- می پرسد اينكه صوفيان ميگويند « هر كه رازسرنوشت را بشناخت از
۱۰ بگشت » دين از آن چه ميخواهند . شيخ در پاسخ گفتار پيامبر ص « القدر سر الله فلا تظهروا
سر الله » و پاسخ علی ع بپرسندهٔ قدر « بحر عميق فلا تلجه - انه طريق وعر فلا تسلكه
انه صعود عسر فلا تتكلفه » را گواه ميآورد ودر اينجا پاداش و كيفری را كه متكلمان
ميگويند نمی پذيرد و پس از سه مقدمه (دستگاه جهان - پاداش و كيفر - رستاخيز)
رازسرنوشت را روشن ميسازد. اين گفتگو درمجموع رسائل (دكن ۱۳۵۳) و(مصر
۱۵ ۱۳۲۸ ص ۹-۲۴۵) ودر كنار شرح هدايه شيرازی ص ۳-۳۳۰ بچاپ رسيد .

آغاز : بسمله وسأل ايضا (الشيخ سلطان العارفين . . . شيخ ابوسعيد . . .
عن الشيخ الرئيس - بعض الناس الشيخ الرئيس ابی علی بن سينا) قدس سره عن معنی قول
الصوفيه من عرف سر القدر (الله) فقد الحد فقال فی جوابه ان هذه المسئله فيها ادنی غموضة .

۲۰ **انجام** : و يختل نظام امور العالم بتولية المتحلی (المنحل - بسبب الحل)
عن القيدين (والله اعلم واحكم) فهذا ما حضرنی علی هذا السئوال والله اعلم بالصواب
والسداد رب اجعل خاتمة امور نا خيرا انشا الله تعالی

[۱۱۴]

۳۳۹ اين نسخه شماره دهم دفتر است و بشكسته تعليق گ ۶۳ الف و ب قنواتی درش ۱۸۱ اين گفتگو را ياد نمود ومانند نسخه‌های چاپی پرسنده برای او ناشناس است نيز در كتابخانه مجلس تهران بشماره ۶۳۰/۴ (ج ۳ فهرست ص ۳۸۹)
۲۵ هست ونسخه‌ها يكسان نيستند .

[۱۱۵]

۸۷٦ این نسخه شماره ٥ دفتری‌است که درص ۱۱٦ شناسانده شد و بخط شکسته تعلیق گ ٤٨ ب ـ ٥٠ ب میباشد .

[۱۱٦]

۱۰۳٥ این نسخه شماره ٤٥ دفتری است که درص ۱۱۳ شناسانده شده ودرص ۱ـ ٤٠٠ آن میباشد .

٥

٥ـ میهنی دراینجا ازفرمان و قضاء خداوندی می‌پرسد و این گفتگو پس‌از آنست که ازقدر پرسیده و پاسخ گرفت .

آغاز : و کتب الیه ایضا . . . فهمت ماکتبه‌المولی افضل‌المتأخرین سومه‌الله بسیماءالسعادة والسلامة . . . . فی سرالقدر ومالیق بهذاالموصع حقیقة قضاءالله ... فکتب‌الشیخ‌الرئیس قضاءالله هوحکمه‌الاول‌الواحدالذی یشتمل‌علی کل شیء ویتفرع عنه کل شیء علی ممرالزمان .

۱۰

انجام : ولیس شأنه‌شأن‌غیره ولا حکمه‌حکم‌من سواه‌جل‌عن ذلك لایسال عما یفعل وهم یسالون وصلی‌الله علی محمدوآله . . . . الی یوم‌الدین انتهی .

۱٥

[۱۱۷]

۳۳۹ این نسخه شماره ۱۱ دفتراست و بخط شکسته تعلیق گ ٦٤ الف

[۱۱۸]

۸۷٦ این نسخه شماره ششم ایندفتر است و از برك ٥۱ الف تا ٥٢ الف و بخط تعلیق شکسته میباشد ودردنبال آن چند بند درمعنی قضاوقدر وتقدیر و امر ومشیت واراده است .

۲۰

٦ـ میهنه‌ای دراینجاازشیخ سرنوشت وفرمان وخواست خداوندرا میپرسد

آغاز : و کتب ایضاً . . . کیف امر بین القضا والقدر والمشیة والارادة . . . فاجاب وقال‌المشیةوالارادة الالهیة اختیار انفاذالقدرة بالجود علی مقتضی‌الرحمة .

انجام : لانه لیس لغایة بل هو تبع ضروری والله تعالی اعلم بالصواب .

۲٥

[۱۱۹]

۳۳۹ این نسخه شماره نهم دفتراست و بخط شکسته بی نقطه گ ٦۲ب

٧ــ می پرسد چرا بنده اگر از خدا چیزی بخواهد او می پذیرد و زیارت چیست و اثر آن درمردم چه میباشد شیخ پس‌از مقدمه‌ای فلسفی بروش فیلسوفان پاسخ میدهد ــ سید داماد درقبسات قبس دهم ص ٥ـ٣٠٤ نیمه دوم این گفتگو را آورد و آنرا بسیار بستود . این گفتار در کنار شرح هدایه شیرازی ص ٥ـ٢٩٠ ودر جامع البدایع شماره٥ ص٦ـ٣٢ بسال ١٩١٧/١٣٣٥ ودرمجموعه‌مهرن ج٣ ش٦ بچاپ رسید .

[١٢٠]

٣٣٩ این نسخه شماره ششم دفتر است وبشکسته تعلیق گ ٦١ الف ــ ٦٢الف. قنواتی درش ٢١٣ این نسخه را شناسانده وآنرا از تعلیقات دانست .

[١٢١]

٨٦١ این نسخه شماره ٢ دفتری است دارای ١٦ رساله و همه بخط نسخ محمدبن حاجی نادعلی است که درمشهد در٢١ محرم سال ١٢٨٤ برای حاجی محمد شریفخان مستشار لشکر ازروی نسخه خط شیخ (در آستانه‌طوس) نوشت‌وعنوانها بشنگرف است گ ٢ ب ــ ٤ الف .

(همه دفتر١٥٣ برك) ــ کاغذ فرنگی ــ جلد تیماج مشکی ضربی
اندازه : ١٥×٢١٫٥ و ١٠٫٥×١٦٫٥ س ٢٢

[١٢٢]

٨٧١ این نسخه شماره ١٥ دفتری استکه دردنبال (بقاء نفس طوسی) شناسانده شده وبخط محمدعلی میباشد .

٨ــ می‌پرسد ازاینکه در کتاب‌نفس گفته‌اند که صورت معقول اگردرجسمی باشد بخش پذیرخواهد بود چه میخواهند .

آغاز : و کتب ایضاً . . . اسال سیدناومولانا الشیخ الرئیس ... عن شرح قوله فی کتاب النفس ان کان محل الصورة المعقولة جسمافانها تنقسم بانقسامه . . . فاجاب وقال الصورة المعقولة انما هی معقولة علی مافی الجوهر العاقل .

انجام : وینقسم الی غیرمتشابهین ولایشابهان الکل فی المعنی لیس فی القدر والشکل والعدد ولیس کك وهواعلم .

[١٢٣]

٣٣٩ این نسخه شماره هفتم دفتر است و بخط تعلیق شکسته بی نقطه گ ٦٢ الف. قنواتی درش ٨٨ این گفتگو را یادنمود ودرش ٢٦١ از گفتاری یادمیکند که شیخ در آن بجوزجانی و ابی سعیددر باره نفس خطاب میکندو عنوان فقیه میرساند که خطاب بجوزجانی است نه میهنه‌ای

٩ــ می‌پرسد آیا در گیاهان وجانوران جسمی هست که پایدار باشد .

آغاز : وکتب ایضاً قدس‌الله‌روحه‌العزیزسرمدالله تعالی فی بقائه‌لیرتع‌الخدم فی ریاض فضائله ویکرع‌الحشم فی حیاض منائحه وفواضله ماالبرهان علی ان (فی) کل حیوان ونبات ثباتاوان ذلك‌الثبات جسم وان فی‌اجزاءالجسم ماهواولی بالثبات من‌الآخرفاجاب‌الشیخ‌الرئیس . . . وقال‌اسأل‌الله تعالی ان یمتعنی ببقاءالشیخ سلطان العارفین خاتم‌المشائخ . . . کل حیوان معناه کل حیوان بالفعل یبقی حیواناً بالفعل اما آنا واما زمانا .

انجام : ولامانع ان یکون للشیء شخصیتان من جهتین یعرف هذا من باب التشخص فی‌الکتب‌المطولة والله تعالی اعلم بالصواب .

[۱۲٤]

۳۳۹ این نسخه شماره هشتم دفتراست وبشکسته تعلیق بی‌نقطه گ ٦۲ الف وب

۱۰ــ میپرسدکه راه را بمن بنما و شیخ میگوید درکفرحقیقی شو واز اسلام مجازی بیرون آی‌اینجا است که‌میهنه‌ای در«مفاتیح» یا«مصابیح» خودنوشت این‌سخن مرابدان جای که‌مردمان باپرستش صدهزارساله میرسندرسانده است .

این پرسش و پاسخ مرموز را سعدالملة والدین کازرونی(۱) گزارش نوشت ودرآن از قرآن و گفته حلاج (کفرت بدین‌الله والکفر واجب لدی وعندالمسلمین قبیح) و بیت پارسی .

(بحور بهشتم همی وعده دادند چه جای بهشت است وصل ولقاکو)

گواه آورد (ش ۱۰۳۰) دانشمندی دیگر بر یك بند از پاسخ مرموز شیخ گزارشی نوشت (ش ۳۳۹) . لوئی ماسینیون در « متون » ص ۹۰ ــ ۱۸۹ از زبدة عین‌القضات همدانی‌ازروی‌نگارشی ازاحمد غزالی (راوی‌ابوسعید) همه این پرسش و پاسخ را آورد وقنواتی درش ۲٥٦ نیز این گفتگو را آورده و نسخه‌هائی که او نشان میدهد با نسخه ما یکسان نیست .

آغازمتن : «کتب‌الشیخ‌العارف ابوسعیدالمیهنی‌الی‌الشیخ ابی علی سینا دلنی علی‌الدلیل (ارشدنی) فقال‌فی‌الرسالة علی‌طریق‌الجواب (فکتب فی‌جوابه) الدخول

۱ ــ ماسینیون کازرونی خوانده در نسخه‌ما کلمه خوانا نیست و کالونی یا کانونی‌خوانده‌میشود.

فی الکفر الحقیقی والخروج عن الاسلام المجازی ».

انجام آن : « فانك تعلم ان لاقیامة لك ولابعد (فقد) لك من جمیع الموجودین (الموجودات) فاورد الشیخ ابوسعید . . . فی کتابة المصابیح (المفاتیح) اوصلنی هذه الکلمات الی ما اوصل الیه عمرمأته الف سنة من العبادة ».

۵ آغاز گزارش : « کتب المولی الفاضل الکامل سعدالملة والدین الکازرونی (الکابونی) رحمه‌الله فی حل هذه الکلمات وماتوفیقی الابالله علیه توکلت والیه انیب اعلم ایها الخائض فی لجج هذه الحجج الا یتیسر لك سلوك هذه الطریقة الابالدخول فی الکفر الحقیقی.

انجام آن : « فهذا ماسنح به الوقت وجاربه الحال وساعدعلیه الزمان والیه المستعان

۱۰ وعلیه التکلان والصلوة علی محمد وآله.

آغاز گزارش برعبارت شیخ (وان کنت تحت هذا فانت مشرك مسلم) : « ای وان کنت بعد ذلك جامعا لمرتبتی الاطلاق والتقیید فانت مشرك مسلم ».

انجام آن : « فهوالعماء المطلق وفقنا الله للنجاة فی هذه المراتب العلیة بمنه وجوده ».

۱۵ [۱۲۵]

۳۳۹ این نسخه شماره ۱۸ دفتر است و بخط شکسته تعلیق میباشد در گ ۷۲ ب و پرسش و پاسخ درآن با گزارشی است که از کازرونی نیست.

[۱۲۶]

۱۰۳۰ این نسخه شماره ۷ دفتری دارای ۲۳ گفتار و بخط تعلیق سلیمان بن جمشید بانشانه‌های شنگرف وموربگ ۷۲ الف وب و گزارش کازرونی دراین نسخه میباشد:

۱۱ـ میهنه‌ای میگوید من ازهرجوینده‌ای میپرسم که حقیقت چیست شماهم آنچه میدانید بمن بگوئید. شیخ بدو میگوید که خدا را بشناس و با دانائی نیك بیاندیش.

۲۵ این گفتگو درعیون الانباء ابن ابی‌اصیبعه (ج ۲ ص ۹ـ۱۰) وحالات وسخنان

شیخ ابوسعید (چاپ ژوکوفسکی درپترزبورگ بسال ١٨٩٩/١٣١٧ ص ٧ـ٦٤) و کشکول بهائی (ایران ١٢٩٦ ص ٦٢٣) ودر آغاز نجات چاپ قاهره بسال ١٣٣١ ص ٥ـ١٢ وبا ترجمه درنامه دانشوران (ج ١ص ٦ـ٧٢) وفرهنك دهخدا درسر گذشت شیخ ص٢ـ٦٥٠ بچاپ رسید ونسخه‌هایکسان نیستند وقنواتی درش٢٦٠ آنرا شناساند ودرش ٢٦٨ گفت که ابن زیله گاهیکه میخواست گوشه گزیند نامه‌ای بشیخ نوشت و پاسخ گرفت که همین پاسخ و پرسش باشد و گویند که از ابی سعید و شیخ است بازدرش٢٦٦ آنرا نامه‌ای‌دانست که شیخ‌بابی‌الحسین‌بن محمدبن مرزیله(!) نگاشت

آغاز : بسمله وحمد وصلوة هذه رسالة کتبهاالشیخ‌الزاهد المحقق ابوسعید ابن‌ابی‌الخیر قدس‌الله روحه الی‌الشیخ ابی‌علی‌سینا . . . وفقك‌الله لما ینبغی ورزقك من‌سعادة الابد ماتبتغی‌انی‌من‌الطریق‌المستقیم‌علی‌یقین‌الاان‌اودیة‌الظنون‌علی‌الطریق الواحدلمتشعبه. . . جواب‌الشیخ‌الرئیس . . . وصل کتاب‌الشیخ‌الزاهدمنبأعن‌جمیل صنع‌الله لدیه .

انجام : واسئله ان یقربنی‌الیه انه قریب‌مجیب‌الحمدلله رب‌العالمین‌وواهب العمل وصلوته‌علی . . . محمد . . . مبار کاطیبا .

[١٢٧]

٨٦١ این نسخه شماره یکم دفتری است دارای ١٦ رساله که دردنبال پرسش و پاسخ ٧ شناسانده شدگ ١ ب ـ ٢ ب .

[١٢٨]

١٠٧٩ این نسخه شماره ٥ دفتری است که پیش شناسانده شده و از ص ١٣ تا ١٦ و بخط تعلیق میباشد .

[١٠٩] **پاسخ سبزواری بپرسشهای بجنوردی** (عربی)

دانشمند محمد اسمعیل بجنوردی هجده پرسش دینی و فلسفی از فیلسوف حاج ملاهادی سبزواری (١٢٨٩ ـ ١٢١٢) کرده و پاسخ گرفت اشعار پارسی هم دراین گفتگو دیده‌میشود .

آغاز : بسمله‌الحمدلله‌الودودفیاض‌الوجودفاتح‌ابواب‌الخیرات‌معطی‌المسئلات

انجام: واستمسك بالله الودود الرحيم وقد فرغت عن تسويد هذه الاوراق . . .
فی سبزوار . . . وهی اولی ارض مس جلدی ترابها و ان آثرت برهة من الزمان
اغترابها . . . حین کان من مدة العمر غضاضة شبابها حتی عشش بفرق هامتی بومها
وغرابها وبلغت من العلوم الحقیقة باتم نصابها فعطفت عنان عزیمتی الی تلک الدار نازلا
۵ قبابها . . . وسکنت زاویه داری مغلقا ابابها . . . و اشتغلت بابانة العلوم . . . فازاحت
الاشعار و افاضت الاسرار . . . وقد تم هذا الخطاب یوم الاربعا رابع شهر ذی القعدة من
سنة اربع وسبعین وماتین بعد الالف من الهجرة علی هاجرها الف سلام وتحیة (تاریخ
نگارش چهارشنبه ٤ ذی قعده ١٢٧٤) .

[۱۲۹]

٣٢٤ این نسخه شماره ۲ دفتری است دارای سه گفتار وهمه بخط نسخ و نستعلیق
محمد علی فیروز کوهی باعنوانها و نشانه‌های شنگرف میباشد اخبار وعنوانها
دراین گفتگو بنسخ است وفیروزکوهی آنرا درسمنان ۲۷ رمضان ۱۲۸۱ نوشته
است گ ۹۹ ب - ۱۱۹ ب .
(همه دفتر ۱۳۹گ، ــ کاغذ فرنگی ــ جلد مقوا)
۱۵ اندازه : ۱۵×۲۲ و ۱۰×۵ر۱۶ س ۲۰

[۱۱۰] **پاسخ و گفتار سبزواری** (عربی)

دراین گفتار پاسخها و سخنانی است ازفیلسوف سبزواری درباره ازل ــ جهان
مثالی ــ هستی ــ حدیث طینت وحدیثهای دیگر که نویسنده نسخه (فیروزکوهی)
آورده وچنین برمیآید که ازشاگردان او بوده ودرزندگی استاد این سخنان راگرد
۲۰ کرده است در بند آخرین شعرهای فارسی دیده میشود وبند پیش از آن بپارسی است

آغاز : قال الشارح ره فی شرح رسالة العلم للعلامة الکاشی ... وقال استادنا . .
زبدة متالهة الاسلام الهادی الی دار السلام .

انجام : وبین القلة والکثرة المدلول علیها بلفظ قدیما فعل کما بین الادبار .

[۱۳۰]

٣٢٤ این نسخه شماره ۳ دفتراست و نزدیک بیک صفحه از پایان کم دارد گ ۱۲۰
الف - ۱۲۹ ب خط تعلیق وخبرها بنسخ .

[۱۱۱] **پاسخ شیرازی بپرسش طوسی ازخسروشاهی** (عربی)

خواجه طوسی (۵۹۷ - ۶۷۲) از شمس‌الدین خسروشاهی (۵۸۰ - ۶۵۲) دانشمند کلامی فیلسوف وشاگرد فخررازی (م ۶۰۶) درباره پیوستگی جنبش وزمان وحامل امکان بود ونبود روان و چگونگی پیدایش چند چیز از یك چیز پرسیده وخسروشاهی بدانها پاسخی نداده بود فیلسوف صدرای شیرازی (م ۱۰۵۰) همه اینها را پاسخ گفت و این گفتگو درکنار مبدء و معاد شیرازی (تهران ۱۳۱۴ ص ۳۷۱-۹۱) وشرح هدایه همو (تهران ۱۳۱۳ ص ۹۳-۳۸۳) بچاپ رسید .

[۱۳۱]

۱۰۳۰ این نسخه شماره نهم دفتر وبخط نسخ ازگ ۷۴ ب تا ۷۰ الف میباشد .

[۱۱۲] **پاسخ شیرازی بپرسش کاشانی** (عربی)

دانشمند مظفر حسین کاشانی از صدرای شیرازی درباره خود آگاهی و پایداری روان پنج پرسش کرده وشیرازی بدانها بروش خویش پاسخ داده وازایات واخبار گواه آورده وتأویل نمود ودرآن ازشرح هدایه خود یاد کرد .

آغاز : یارب کل عقل ونفس وغاية كل حيوة وحركة وحس . . . فقدسالنی بعض اجلة الاخوان . . . مسائل عويصة . . . فاجبت على ذلك مسئوله .

انجام : وظهر بطلان قول هؤلاءالمتشبثين باذيال افكارالفلاسفة . . . وهذا . . لمعة يسيره مما آنست به من جانب‌الطورالايمن . . . وتمامها يطلب بالمراجعة الى الاصل .وبيده مقاليدالوصل والفصل والسلام على من اتبع الهدى ونهى النفس عن الهوى .

[۱۳۲]

۱۰۳۰ این نسخه شماره دهم دفتر وبنسخ گ ۸۰ الف - ۹۴ ب

[۱۱۳] **پاسخ شیرازی بپرسش گیلانی** (عربی)

صدرای شیرازی بپرسشهائیکه ملاشمسای گیلانی فیلسوف (م۱۰۹۸) ازوی کرده (که اگر جنبنده درهنگام جنبش باید پایدار بماند پس جنبش کمی چگونه

خواهد بود واگر نیروی گیاه مادی است پس پایدار نخواهد بود واینکه چیزها در ذهن چگونه درمیآیند وادراك جزئی جانورومردمی چگونه است و آیانفس حادث است؟) پاسخ‌داد ودراینجا اورا از گرانمایه‌ترین برادران‌خویش میخواند ومیگوید اکنون که او نامه نگاری آغاز کرد من اگر ازاین سفر که درپیش دارم برگردم
۵ باز نامه می‌نویسم ومن باآشفتگی که دارم بدین پرسشهاپاسخ میگویم . این گفتار درکنار مبده ومعاد شیرازی (ص ۵۹ـ۳۴۰) بچاپ رسید ودر آن ازجنبش گوهری یاد شد وروش نگارش آن هم از آن شیرازی است .

[۱۳۳]

۱۰۳۰ این نسخه شماره ۱۱ دفتراست و بنسخ گ ۹۵ الف ـ ۱۰۰ الف

۱۰ [۱۱٤] **پاسخ طوسی بپرسش بحرانی** (عربی)

جمال‌الدین علی‌بن سلیمان بحرانی ستراوی نزداستادخود کمال‌الدین ابی‌جعفر احمدبن علی‌بن سعیدبن سعاده بحرانی ستراوی میرفته و درباره علم با وی گفتگو می‌نمود استاد ٢٤ رشته ازاین مسئله را فهرست وار یادکرد بی‌آنکه درباره آنها بررسی نماید و خود درگذشت این بود که بحرانی چگونگی را بخواجه طوسی
۱۵ نوشت وهمه آن مسئله‌ها را بدوبنمود ودرخواست که طوسی آنها را روشن سازد بحرانی‌دراینجامسئله‌راطرح میکند وسخن کمال‌الدین رامیاوردسپس‌خرده گیریهای خویش را یاد میکند خواجه درپاسخ بحرانی بیتها و عبارتها درستایش جمال‌الدین گفت و بند ببند سخنان اورا در پیرامون همان ٢٤ مسئله گزارش کرده است [1] .

۱ـ جمال‌الدین فیلسوفی بود دانای علوم نقلی وآرامگاه او درروستای مستره بحرین
۲۰ ایران پهلوی خوابگاه کمال‌الدین‌است وی قصیده نفس ابن‌سینارا‌شرح کرد و بررسالة‌الطیر اوشرحی بنام مفتاح‌الخیر نوشت ودر فلسفه و کلام « اشارات » نوشت و کمال‌الدین میثم‌بن علی‌بن میثم بحرانی فیلسوف متکلم شارح نهج‌البلاغه که در ٦٧٩ درگذشت (آرامگاهش درهلتادیهی درماحوزمیباشد) وشاگرد اووطوسی واستاد علامه حلی وعبدالکریم‌بن طاوس وخواجه طوسی (درفقه) بوده است براین اشارات شرح نوشت ابن‌میثم ازاین جمال‌الدین
۲۵ اجازه دارد .

نگاه به : امل‌الآمل ص ٤٨٧ ـ لؤلؤتی‌البحرین ـ هدیة‌الاحباب والکنی‌والالقاب قمی ج۱ ص ٤١٩ — ریحانة‌الادب ج ۳ ص ۳۸٤ — ذریعه ج ۲ ص ۹٦و۹۸

آغاز : بسمله الحمدلله على ما اولانا من ملامح مناهج . . . وهدانا من مطارح مدارج التحقيق . . . اعلم . . . ان المتكلمين اطلقوا القول بان العلم تابع للمعلوم ـ قال . . . نصير الملة والدين ... الطوسی «اتانی کتاب فی البلاغة منته ـ الی غاية ليست تقارب بالوصف » . . . وردت رساله شريفة .

انجام : قال فينبغى ان يتكلم فی هذه المسائل . . . اقول الاصل الذی هو ممهد فی هذا الباب مستغن عن ايراد هذه المسائل وانما اوردت هذه المسائل اقتفاء لكلام اهل البحث عن هذه المسائل ولنختم الكلام ههنا والله ولی التوفيق والحمدلله وصلواته علی محمد وآله والسلام علی من اتبع الهدی .　　٥

[۱۳٤]

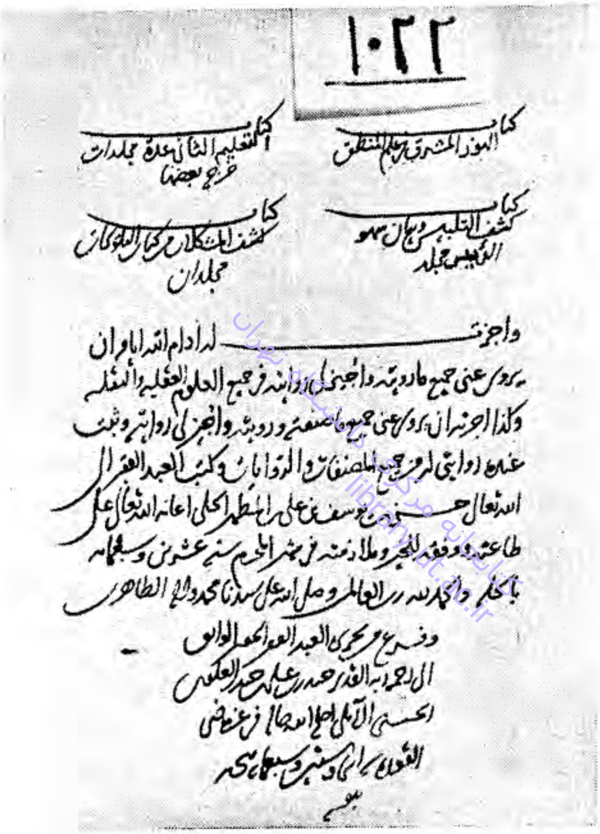
۳۸۹　این نسخه شماره ۳ دفتری است دارای پنج رساله و از گ ۱۷ ب تا ٤۲ الف است و پرسش بحرانی بندبیند پس از (قال) زیر خط سرخ درمیان پاسخ طوسی پس از (اقول) آمده واینددو عنوان بشنگرف است و خط آن تعلیق وعنوانها شنگرف ودرروز ٢٤ صفر سال ۱۰۰۲ نوشته شد .　　۱۰

(همه دفتر ۴۸ برگ) ـ کاغذ سمرقندی ـ جلد تیماج سرخ ساده

اندازه : ه‍ ۹×۱۷ و ه‍ ۵×۱۱ س ۱۶　　۲۵

[۱۳٥]

۱۰۲۲　این نسخه شماره ۸ دفتری است دارای ١٤ رساله از گ ۱۳۰ الف تا ١٤۷ ب و بخط نسخ سید حیدر آملی میباشد نخست پرسش بحرانی است آنگاه پاسخ طوسی که درمیان آن بازبندبیند میان (قال) و(اقول) ازهمان پرسش باانداختن میانه هربندی آمده است در کنارصفحه‌ها نوشته شده که بااصل برابر گردید درگ ١٤۸ الف گفتاری است دراینکه ممتنع درذهن هست پس درخارج نخواهدبود و پاسخ آن .　　۲۰



۱۰۲۲

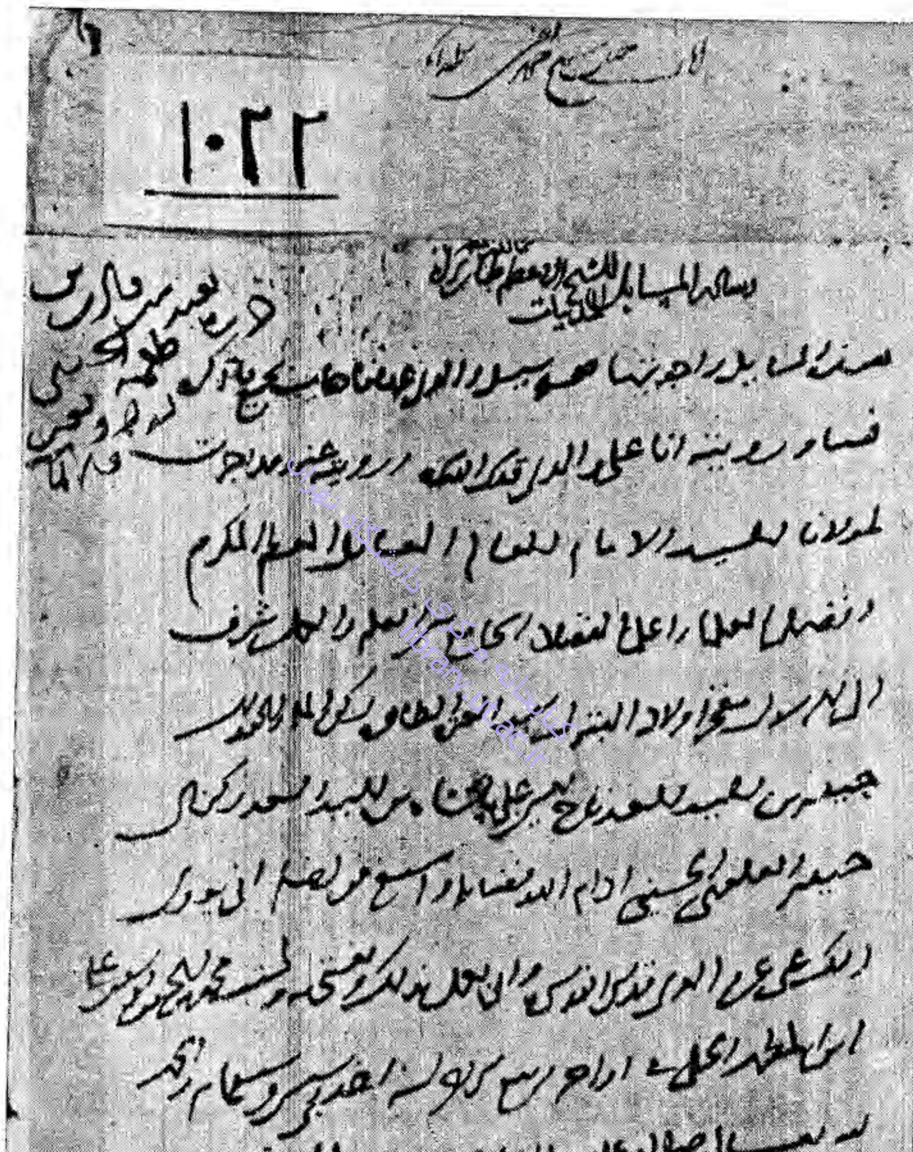
كتاب النور المشرق في علم المنطق — كتاب التعليم الثاني ثلاث مجلدات خرج بعضها

كتاب كشف التلبيس في بيان سهو الرئيس مجلد — كتاب كشف المشكلات من كتاب التلويحات مجلدان

واجزت ______ له ادام الله ايامه ان يروي عني جميع ما رويته واجزت لي روايته في جميع العلوم العقلية والنقلية وكذا اجزت له ان يروي عني جميع ما صنفته ودونته واجزت لي روايته وثبت عندي روايتي له من جميع المصنفات والروايات وكتب العبد الفقير الى الله تعالى حسن بن يوسف بن علي بن المطهر الحلي اعانه الله تعالى على طاعته ووفقه للخير ومراداته في شهر المحرم سنة عشرين وسبعمائة بالحلة والحمد لله رب العالمين وصلى الله على سيدنا محمد وآله الطاهرين

وفرغ من تحريره العبد الفقير الحقير الواثق الى رحمة ربه القدير حيدر بن علي بن حيدر العلوي الحسيني الآملي اصلح الله حاله في غرة ذي القعدة سنة اثنين وستين وسبعمائة

پایان اجازه علامه حلی بمهنا بن سنان که دراجازات بحار مجلسی ج۲۵ ص ۵۲ بچاپ رسیده و بخط آملی بتاریخ ۱ ذی‌قعده ۷٦۲ در برگ ۷۰ دفتر شماره ۱۰۲۲ دیده میشود



اجازه فخرالمحققین بآملی در پایان ربیع یکم ۷۶۱ برگ ۶ الف ش ۱۰۲۲

[۱۱۵] پاسخ طوسی بپرسش دبیران قزوینی (عربی)

دبیران قزوینی از خواجه طوسی میپرسد کـه شیخ رئیس از گفته خویش دراینکه گرما درتر مایه سیاهی و درخشك مایه سفیدی است و سرما تر را سفید و خشك را سیاه میکند چه میخواهد و طوسی از آن پاسخ داده درخواست که اگر سخنش نادرست است بر گوید و در دیباچه میگوید من بایستی از شما بهره برم مگر اینکه چون فرمودید من می‌نویسم تا بدان بنگرید و استوارش سازید.

آغاز : قال مولانا . . . الطوسی . . . سئل مولانا علامة العصر نجم الدین مد ظله العالی داعیه المخلص عن قول الشیخ الرئیس ان الحرارة تفعل فی الرطب سوادا وفی ضده بیاضا والبرودة تفعل فی الرطب بیاضا وفی ضده سوادا .

انجام : فهذا ماعندی فی هذه المسئله والمتوقع من کرمه ان یرشد داعیه المستفید علی یری مافیه من الخلل والنقصان والله الموفق وعلیه التکلان .

[۱۳٦]

۳۸۹ این نسخه شماره ٤ دفتر است در بخط تعلیق باعنوانهای شنگرف از گ ٤۲ ب تا ٤۵ الف .

[۱۱٦] پاسخ طوسی بدبیران قزوینی درباره مزه ها (عربی)

خواجه طوسی در پاسخ دبیران قزوینی (م ٦۷۵) درباره مزه های گوناگون این گفتار را بنگارش درآورد و درخواست که او درآن بنگرد و آنچه میاندیشد بر گوید .

آغاز : من فوائد مولانا . . . الطوسی . . . : فی تحقیق الطعوم ـ اشار مولانا علامة العصر نجم الملة والدین افضل العالم ادام الله علوه ، الی داعیه المستفید بان یکتب مانسخ له علی قول بعض الحکماء « الجسم اما لطیف او کثیف اومعتدل » .

انجام : وغیرملائم عند بعضهم فهذا ماعندی فیه ومولانا ینظر فیه ویفید ما یسنح بخاطره الشریفة الوقادة انشاءالله .

[۱۳۷]

این نسخه شماره یکم دفتر است و بخط تعلیق ص ۱ـ۲ دردنبال آن پاسخی
۱۰۷۹ است از قاضی فخرالدین الیمای بپرسش دبیران درباره نه مزاج و از روی
خط او نوشته شده ص ۲ـ۳ و گفتاری از طوسی درباره حرارت غریزی ص
۵ ۳ـ۴ و در کنار ص ۳ حاشیه‌ایست ازغیبی گرگانی بر آن و بخط شکسته تعلیق که
درشب دوشنبه ۲۱ ج ۱ سال ۱۲۹۹ نوشته است .

[۱۱۷] پاسخ طوسی درباره تنفس (عربی)

شیخ رئیس درفن ۱۰ کتاب ۳ قانون از تنفس سخن راند و دانشمندی گویا
دبیران از آن خرده ها گرفته وازخواجه درخواست که پاسخ گوید وی این گفتار را
۱۰ نوشت و گفت اگر بازهم دشواری هست برگوید .

آغاز : ذکر الشیخ الرئیس فی الفن العاشر من الکتاب الثالث من القانون کلام
کلی فی التنفس ــ التنفس یتم بحرکتین و وقفتین بینهما . . . المسئول من انعامه . . .
ان یبین هذه الاشکالات ... تاملت هذه الاشکالات فاقول اماقول الشیخ الرئیس فی التنفس
انجام : فهذاماعندی ... فان کان موافقاً للحق فهوالمطلوب والافلینعم بالانعام
۱۵ عما یخالفه . . . والله اعلم بالصواب .

[۱۳۸]

۱۰۷۹ این نسخه شماره ۷ دفتر و بخط تعلیق ص ۱۸ـ۲۰

[۱۱۸] پاسخ طوسی درباره مزاج اندامها (عربی)

شیخ رئیس در فصل ۲ تعلیم ۳ در مزاج اندامها از قانون چهار دلیل برای
۲۰ خشکتر بودن مواز استخوان آورد و دانشمندی (گویا دبیران) این را از خواجه
میپرسد و او پاسخ میدهد و میخواهد که او بدان بنگرد و اندیشه خویش
را برگوید .

آغاز : سئوال بعض الافاضل من . . . الطوسی . استدل الشیخ الرئیس . . .
فی الفصل الثانی من التعلیم الثالث فی امزجة الاعضاء . . . ان ینعم ببیان هذه الشبه . . .
۲۵ وقف الداعی والمخلص علی هذاالسئوال و اجاب عنه . . . اما فی الاستدلال فمعلوم

ان الدم السودائی .

انجام : فهذا ما يحضرنی فيه و لينعم النظر فی ذلك و يخبر بما يخطر بباله علی ذلك انشاالله وهو ولی التوفيق .

[۱۳۹]

۱۰۷۹ این نسخه شماره ۲ دفتر و بتعلیق درص ٤-٦ و دردنبال آن گفتاری است درباره «نشف» که درسخن شیخ دراینجا آمده و آنهم پرسش و پاسخ گونه است و نیز درباره «مخ» ص ٦

[۱۱۹] پاسخ طوسی درباره نیکوئی هستی (عربی)

ازخواجه طوسی پرسیده شد که فیلسوفان گفته‌اند هستی نیکوونیستی زشت

۱۰ است پس چرا گاهی مردم آرزوی مرگ میکنند طوسی پاسخ میدهد و سخن آنان را استوار میدارد .

آغاز : الحكماء اعطونا «ان الوجود خيرية و كمال الوجود خير الوجود وان الشر لاذات له . . .» الجواب عنه اقول « ما نقله عن الحكما فهو كما قاله . . . »

انجام : اذلولا ذلك لما اقتضت الحكمة الالهية وجوده كذلك فهذا ما حضرنی

۱۵ فی هذه المسئله والله تعالی ولی التوفيق .

[۱٤۰]

۸۷۱ این نسخه شماره ۲۵ دفتر است و بخط تعلیق محمدعلی بسال ۱۲۹۹ گ ۱۷۱ الف - ۱۷٤ الف .

[۱۲۰] پاسخ طوسی بپرسش رومیان (عربی)

۲۰ شرف الدین محمود رازی ۲۳ پرسش درریاضی وطبیعی والهی ازروم آورده وخواجه طوسی همه آنهارا پاسخ داد ویکی ازنکته هاکه اودراینجا آورد اینستکه آفریده را خود چیزدانست نه هستی آن ونه ماهیت چه ایندورا عقل میسازد .

آغاز : اسئولة وردت من الروم علی يد شرف الدين محمود الرازی عليه برد الله مرقده (الاسئولة الواردة من الروم واجوبتها للمحقق الطوسی طاب ثراه - هامش)

۲۵ السئوال ۱ العلة (يؤثر) فی وجود المعلول اوفی ماهيته .

انجام : اما كرات متناهية بينها خلاء فذلك محال . تمت المسائل و اجوبتها

بحمدالله تعالی .

[۱٤۱]

۸۷۱ این نسخه شماره ۱۲ دفتر است و بخط تعلیق محمدعلی گ ۱۳٦ الف - ۱۳۹ ب .

[۱۲۱] پاسخ طوسی بپرسش شمس‌الاسلام (عربی) ٥

خواجه طوسی در سال ٦٦٦ نزد قاضی‌القضاة فخرالدین شمس‌الاسلام رفت و او ازطوسی درباره آفرینش و گفتارفیلسوفان درآگاه بودن خدا بجزئیات پرسید وی پاسخ داد و درپایان آن نوشت که اگر بازهم دشواری هست بگوید تا روشن سازد .

۱۰ **آغاز** : بسمله الحمدلله حمدالشاکرین ... یقول ... محمدبن محمدالطوسی سالنی مولانا قاضی‌القضاة . . . فخرالملة والدین شمس‌الاسلام والمسلمین . حین استسعدت بخدمته فی سنة ست وستین وستمائة

انجام : وان توقف فی‌شیء من ذلك اعادبفضله ذلك‌الموضع لاوضح ماعندی فیه انشاالله وهوولی‌التوفیق وملهم‌الصواب منه‌المبدء والمآب فرغ من کتابته مسودة ۱٥ فی‌ذی‌القعدة سنة (و) ستون وستمائه هجریة حامدا . . . ومستغفراً .

[۱٤۲]

۱۰۷۹ این نسخه شماره ٤ دفتراست و بخط تعلیق ص ۸-۱۳

[۱۲۲] پاسخ طوسی بپرسش قونوی (عربی)

ابوالمعالی صدرالدین محمدبن‌اسحق قونوی عارف شافعی (م ٦۷۳) درباره ۲۰ عینیت بود خدا و آفریده بودن مهیات ممکنات وهستی عام وحقیقت روان مردمی و چیزهای دیگر از خواجه طوسی پرسید و پاسخ گرفت دیباچه دو نامه قونوی و طوسی بپارسی شیوائی است ومطلبها بتازی .

آغاز :

مازال سمعی من طیب لذکرك ما یزری

علی الروض غب العارض المتن

حتی حالت حمی قلبی ولا عجب

فرب ساع الی قلب من الاذن

گوش ایام ولیالی باستماع مآثر ومعالی مجالس خواجه معظم . . . نصیرالملة والدین مشنف وحالی باد خدمت و دعا ازمنبع صفا و مشرع ولا رسانیده می آید بسمله و علیه اتوکل و هو حسبی . اتانی کتاب ما اراه مشابها ؛ لغیر کتاب‌الله من سائر الکتب .

خطاب عالی مولانا امام اعظم . . . صدرالملة والدین . . . بخادم دعا و ناشر ثنامرید صادق ومستفید عاشق محمد طوسی رسید .

انجام : کماسبقت الاشارة الیه فی بعض الاسئلة المتقدمة والسلام . تمت الاسئلة بحمدالله وحسن توفیقه والسلام علی من اتبع الهدی ـ فهذاماخطر ببال داعیه ومستفیده ... والحمدلله ذی الجود الفائض والکرم العام وصلی الله علی محمد خیر الانام .

[۱٤۳]

۱۰۲۲ این نسخه شماره ۹ دفتراست و بخط نسخ آملی وچنین می‌نویسد : «تم الجواب فی غرة ربیع الاول سنة اثنین وستین وسبعمائه ببغداد بمدرسة الامامیة الغرویة» گ ۱٤۸ ب ـ ۱۷۱ الف درگ ۱۷۲ دوگفتار است درباره تأویل آیه نور بخردهای گوناگون (هیولانی ـ بالملکه ـ بالفعل ـ مستفاد ـ فیاض) .

[۱۲۳] **پاسخ طوسی بپرسش کیشی** (فارسی وعربی)

شمس‌الدین محمدبن احمدبن عبداللطیف کیشی فیلسوف عارف شاعرپارسی وتازی (م٦٩٤) (۱) گاهیکه درسپاهان بوده بخواجه طوسی نامه‌ای‌نوشت ودر آن ازجدائی میان موجب معدول وسالب بسیط و پایداری صورنوعی آمیخته و اینکه وجود خاص جوهرمفارق همان معقولیت اواست پرسید و طوسی بدانها پاسخ داد ودرپایان از کتاب مجسطی وجز آن‌که کیشی خواسته بود پوزش خواست .

آغاز : نسخه کتاب کتبه‌الاستاد . . . شمس‌الملة والدین . . . الکیشی . . . حین کان باسفهان‌الی . . . الطوسی . . . پرتوخورشید ضمیرمنیرمخدوم . . . که سبب اهتداء سالکان طریقت . . . است . . . بواسطه دریچهای حواس برمحبوسان چهار دیوار طبایع فایض باد . . . سه مسئله القا میافتد تا ابتدا مواصات از غایت آنکه استفادت علمی است عاطل نماند . . . اجاب عنه . . . نصیرالملة والدین . . . تا ذکر مناقب ذات شریف . . . خداوند ملك‌العلما والحکما . . . شمس‌الملة والدین افضل ومفخرایران . . . بمسامع دعاگوی مخلص‌اومحمدالطوسی رسیداست مرید صادق بل محب عاشق شده است .

انجام : اینست آنچه برین سئوالها درخاطرآمد انشاالله‌که پسندیده باشد واگربمعاودت محتاج باشد توقع‌است که اعلام فرماید . . . فیمابعد اگرخدای . . . فراغتی کرامت کند آن خدمت بجای آورده شود . . . کامرانی وشادمانی . . . میسر باد با بقاء جاودانی وصلواته علی سیدنا محمدو آله . . . الطاهرین .

[۱۲٤]

۱۰۳۵ این نسخه شماره ۲٦ دفتراست وبخط تعلیق ص ۲۳۹ـ۲٤۲ نسخه‌ای ازاین گفتگو درجنگی در کتابخانه ملك تهران هست .

[۱۲٤] **پاسخ عاملی پرسش طوسی ازخسروشاهی** (عربی)

دانشمند احمدبن زین‌العابدین عاملی جبلی (م میان ۱۰۵٤ و ۱۰٦۰) شاگرد وشوهردختر میرداماد بدستور محمد صالح کرامی بسه پرسشی که خواجه طوسی ازخسروشاهی کرده بود پاسخ گفت ودر آن از شرح اشارات طوسی (نمط ۵ فصل زمان) ومقاله ۲ الهی شفا (بحث عقل و نفس) و تعلیقات ابن‌سینا و تعلیقات خود برجواهر واعراض تجرید یاد نمود

آغاز : بسمله‌الحمدلله علی‌الائه . . . فیقول ... احمدبن زین‌العابدین (بریده

۱ـ نگاه به : گفتار آقای نفیسی درمجله ارمغان‌سال ۱۵ش ٦ شهریور ۱۳۱۲ خ ص۴۱۳ـ٤۱۸ ـ گفتارقزوینی‌درمجله یادگارسال ۲ ش۲ تاریخ ۱۳۲٤خ‌ص۵۹ـ۷۰ـشدالازار شیرازی ص ۳ـ ۱۱۰و گفتارهمو درهمینجا درص ۸ ـ ٤۹۲

شده) انه لما صدر عن منبع زلال الافضال . . . مولانا محمدالصالح الكرامی . . . .
مخلصه الداعی یتصدی للجواب عن الاسئلة التی ارسلها نصیر . . . (بریده شده) الی ...
شمس الدین (ابو) محمدالخسروشاهی . . . الاولی لما امتنع وجود حرکة من غیر
ان یکون علی حد معین من السرعة والبطوء .

۵ **انجام** : فان الفاعل الواحد قد یفعل بسبب اختلاف امور عقلیه اوعدمیه افعالا
کثیرة .

[۱۴۵]

۱۰۷۹ این نسخه شماره ۲۹ دفتراست وبخط تعلیق درشت‌تر ومورب ص ۱۷۸ـ۱۸۱
از بالا وپائین صفحات کمی بریده شده است .

۱۰ [۱۲۵] پاسخ غزالی بپرسشهای پیروان سنت (فارسی)

درسال ۵۰۳ تنی چند از پیروان ابوحنیفه ومالك وشافعی چون دیدند غزالی
(۴۵۰ـ۵۰۵) درالمنخول ازابوحنیفه بد گفت وبپیروی صوفیان وفیلسوفان سخنانی
بیاوردگردهم آمده وازمشکوةالانوار وکیمیای سعادت این گفتارها : « لااله‌الاالله
توحیدالعوام » و « لااله الاهوتوحیدالخواص » و « الله هوالنور » و « روان مردمی

۱۵ دراینجهان بیگانه است وشیفته جهان بالا » و « افشاء سرالربوبیة کفر » را در آورده
و گفته‌اند ازاینهاچه میخواهی؟ ودراینکه‌خدارابروشنی مانند ساختی مجوس شدی
ودرباره روان آنچه گفتی بترسایان وفیلسوفان نزدیك گشتی .

آنها این سخنان را بشاه (محمد سلجوقی ۴۹۸ ـ ۵۱۱) رساندند غزالی
که دراین هنگام پنجاه و سه سال داشت و گوشه گزیده بود بدستور او ناگزیر

۲۰ بلشکرگاه طوس رفته و از همه خرده گیریها پاسخ داد و بدانشمندان طوس گفت
که درمعقولات تنها برهان می‌پذیرم و درشرعیات پیرو کسی نیستم وقرآن را بکار
می‌بندم شاه همینکه پندهای غزالی را بشنود و سخنان اورا استوار بدید نوازشش
نمود وبدشمنانش ارجی ننهاد. این گفتگو در«فضائل الانام من رسائل حجةالاسلام»
که‌پس ازمرگ‌او برادرش احمدگرد آورد ودراکبرآبادهندبسال ۱۳۱۰ بچاپ رسید .

۲۵ دیده میشود .

[۱٤٦]

۳٤۰ این نسخه شماره ۲ دفتری است دارای ۸ گفتار وهمه بخط تعلیق ریز خوش با عنوانها و نشانه‌های شنگرف که درسال ۱۲٦۰ نوشته شد گ ۲۷ ب ـ ۳۷ ب ـ نام ومهرداردگان نسخه (محمد باقر پسرابراهیم حسینی لواسانی رازی تهرانی وشیخ العراقین) در آغاز وپایان دفتر دیده میشود .

۵

(همه دفتر۱۳٦گ) ـ کاغذ ترمه سمرقندی رنگارنگ - جلد تیماج ضربی زیبا

اندازه : ۵ر۱۳×۵ر۲۰ و ۷×۱٤ س ۱۵

[۱۲٦] پاسخ فندرسکی بپرسش کاشی (فارسی)

این پرسش و پاسخ میان آقا مظفر حسین کاشی و میرابوالقاسم فندرسکی استرابادی (م نزدیک ۱۰۵۰) شده است وفندرسکی ازدانشمندانی است که دیری در هند بزیست و بدانش زردشتی و بودائی آشنا شده بود و روش اشراقی دارد . مسئله تشکیک ذاتی میان مشائیان واشراقیان مطرح بوده وفندرسکی دراین گفتار آنرا محال میداند چنانکه رفیع الدین محمد حسینی رساله درتشکیک نوشته وبهمین رأی بود (چاپ شده درکنار شرح هدایه شیرازی ص ۸ـ۳٦۳) .

۱۰

آغاز : آنچه فرموده‌اند درذاتی وتشکیک وعدم تشکیک او برآنچه ذاتی است اورا معتقد این ضعیف آنستکه نشاید که ذاتی مقول بتشکیک باشد .

۱۵

انجام : وچون خواهند که این فصل را مأخذ بدانند بکتاب مابعدالطبیعه رجوع کنند وبالجمله هرچه بجزحضرت رب العزة است از موجودات غیبی اورا از ترکیب چاره نباشد .

۲۰

۱٤۷

۱۰۳۸ این نسخه شماره ۷ دفتر است و بخط شکسته تعلیق مورب گ ۵۵ ب ـ ٦۵ الف .

[۱٤۸]

۱۰٤٦ این نسخه شماره ۷ دفتراست و بخط شکسته تعلیق محمد شریف پسرمحمد قائمی نزدیک بسال ۱۰٤۰ گ ٤۳ الف ـ ٤٤ الف .

۲۵

[۱۲۷] پاسخ کاشانی بپرسشهای هراسکانی (فارسی)

منتجب یا منتخب‌الدین هراسکانی که از شاگردان و پیروان باباافضل کاشانی بوده است چون از استاد دورشده بود یازده پرسش در عرفان و اخلاق از استاد کرده و پاسخ خواست واین بازپسین سخنانی بود که بابا بنگارش درآورد تااینکه
۵ درگذشت وازمرق برای هراسکانی فرستادند و گفتگوی ۷و۸ آن درباره گفته‌های غزالی است در کیمیای سعادت که درآنجا آمده که روان پایداراست وبرخی اینرا نپذیرفتند وبرغزالی نفرین میکردند ونیز آمده که خدادراینجهان دانستنی ودرآن جهان دیدنی ولی نه با دیدار اینجهانی و همین را مردم نپسندیدند و گوینده را بدکیش خواندند هراسکانی ازاستاد که کیمیای سعادت راگزین نموده بود میخواهد
۱۰ روشنش سازد .

درهمین جااست که هراسکانی از استاد تفسیر چند آیه وخبری را میخواهد واومیگوید سخنی راکه برزبان من نرفته تفسیر گفتن گزاف است مگر اینکه من آنچه ازاین سخنان دریافتم برگویم .

آغاز : منتخب اشکالی چند که از جناب خواجه شخصی سئوال کرد و او
۱۵ جواب آنها نوشت . . . سئوال نماید بنده داعی که چون آدمی از مادر بزاد طالع اومیگیرند .

انجام : و ازجهان نام گذشتگان بردن خاصه جز پند و فائده بار ندهد تلك امة قد خلت . . . عماكانوا يعملون .

[۱٤۹]

۴۲۸ این نسخه شماره ۲ دفتری است دارای ده رساله و گفتار باباافضل کاشی که بخط شکسته نستعلیق خوش با عنوانهای شنگرف میباشد و در ۱۰۸۳ نوشته شده است از گ ۱۰ ب تا ١٤ ب .

(همه دفتر ۷۳ گ) . کاغذ سمرقندی . جلد تیماج زرد ساده که درون کاغذ ابری آبی

اندازه : ۱۲×۱۷ و ۵×۱۲٫۵ س ۱۷

[۱۵۰]

۴۳۱ این نسخه شماره ۷ دفتری است دارای ۲۳ رساله و نامه و گفتار از کاشی و فیلسوف شیرازی و همه بخط تعلیق محمدعلی است که در مدرسه سپهسالار تهران بسال ۱۳۰۲ آنها را نوشت از گ ۱۲٤ الف تا ۱۳۲ب . این دو نسخه باهم یکسان نیستند . ۵

(همه دفتر ۴۰۱ گ) - کاغذ فرنگی . جلد تیماج سرخ ضربی
اندازه : در ۱۰×۱۸ و ۶ر×۵ر۱۳ س ۱۴

[۱۲۸] **پاسخ گرگانی بپرسش میرزا اسکندر** (فارسی)

میر سید شریف گرگانی (م ۸۱٦) فیلسوف متکلم در پاسخ میرزا اسکندر پسر عمرشیخ درباره شماره طبقات بهشت و دوزخ این گفتار را بپرداخت و بروش ۱۰ فیلسوفان آنرا تأویل نمود واین گفتگو از پاسخ وپرسشهای میر گرفته شده است .

آغاز : سیدالمحققین میرسید قدس‌سره دررساله‌ای که دراجوبه‌اسؤله میرزا اسکندر بن‌عمرشیخ نوشته فرموده «تاویل عددطبقات دوزخ و بهشت چنین کرده‌اند که عناصر بسیط ٤ است ومرکبات عناصر ۳ وعدد افلاك نه .

انجام : واعراف اشاره بآن مرتبه‌است ودرتأویل معراج روحانی رسول‌الله ۱۵ سخنان بسیار بزرك فرموده .

[۱۵۱]

۱۰۳۷ این نسخه شماره ٤ دفتر است و بخط تعلیق گ ۲۰۸ الف ـ ۲۰۷ الف

[۱۲۹] **پاسخ همدانی برازی قزوینی** (عربی)

شیخ‌رئیس درپاسخ پرسش بهمنیار براینکه یکی‌جزیکی‌نیافریندبرهانی آورد ۲۰ امام رازی‌ودبیران قزوینی‌از آن خرده گرفتند. ابراهیم حسینی همدانی دراین گفتار برهردو رد نوشت .

آغاز : یقول‌الفقیرالفانی ابراهیم‌الحسینی الهمدانی . . . نقل ان بهمنیار لما طلب‌البرهان من‌الشیخ .

انجام : ومساعدةالتوفیق من ذوی‌الافضال . ۲۵

[۱۵۲]

این نسخه شماره ۳ دفتراست و بخط تعلیق گ ۹٦ الف دردوسطر ودرهمین‌جا
۹۲٦ سخنی ازلمحات سهروردی شهید (لمحه ٤) در ۹ سطر و بهمین خط آمده که
در آن‌روی‌خودآگاهی وحضورذاتی نفس و بی‌نیازی آن ازچیزهای دیگر تجرد
۵ آنرا ثابت میکند .

[۱۳۰] پرسش طوسی از جیلی (عربی)

خواجه طوسی از شیخ علامه جمال‌الدین عین‌الزمان جیلی سه پرسش کرد
یکی اینکه‌چیزیکه‌امکانش‌را حاملی نیست‌باید قدیم باشد وهمیشگی واین‌قانون با
حدوث نفس‌نمیسازد همین پرسش را طوسی ازخسروشاهی نیزکرده بود ودراینجا
۱۰ کوتاه‌تر است . دیگراینکه ادراك چیست سوم از « توحید اسقاط اضافات است »
چه میخواهند خواجه در اینجـا بسیار از جیلی میستاید و گویا او بخواجه پاسخ
نداده است .

آغاز : سلام علیکم و رحمة‌الله و برکاته تحیة مشاهد معـاین بالبصیرة . . .
فهذه‌اسئولة قد تداولتهاالنظار ... الاول لما ثبت ... ان کل مالاحامل لامکان وجوده
۱۵ وعدمه .

انجام . . . ولسنا من ان یتم اجتماع‌الشمل بنیل حلاوة بآیسین وهو حسبنا
ونعم‌المعین سبحان ربك رب‌العزة . . . رب‌العالمین .

[۱۵۳]

این نسخه شماره ٦ دفتراست وبخط تعلیق آملی گ ۱۲٤ ب ۱۲۵ب وعنوانها
۱۰۲۲ بنسخ و درپایان (گ ۱۲۵ ب) ۳ گفتار است دراین که عین ثابت درعلم ازلی
یا ماهیت، آفریده نیست ومعقول و محسوس یکی نخواهند شد وجدائی‌میان
حکمت وغرض

[۱۳۱] پرسش و پاسخ درخداشناسی (فارسی)

نگارنده این گفتار دانسته نشد و چنین آغاز میشود : « بسمله و به نستعین
۲۵ سئوال واجب‌الوجود چه چیزاست ؟ ـ جواب واجب‌الوجود موجود آنچنانی‌است

که ازعدم او محالی لازم آید » وانجام آن چنین : « و این اقوی است هم دراینجا وهم درسایرقوای ظاهره .

[۱۵٤]

۱۰۳٦ این نسخه دردفتری است دارای «زادالزائرین» ودرص۱۲۲ ج ۱ شناسانده شده وبخط تعلیق با عنوانها ونشانه‌های شنگرف درگ ۱٦۳ – ب -۱۹۲ الف میباشد . ۵

[۱۳۲] تحدید نفس کلی مطلق (عربی)

شیخ رئیس دراین گفتار پس‌از کاوش از هیولی و صورت و جسم روان را میشناساند .

آغاز : اماالقول فی‌تحدیدالنفس‌الکلیةاعنی‌المطلقةالجنسیةفیتضح بماالقول . ۱۰

انجام : کمال اول‌لجسم طبیعی ذی‌حیوة بالقوة ... فقد قسمناالنفس‌الجنسیة وحددناها وذلك ما اردنا ان نبینه .

[۱۵۵]

۸۷۱ این نسخه شماره ۱۸ این دفتر و بخط تعلیق محمد علی گ ۱۵۳ الف - ۱۵٤ الف . ۱۵

[۱۳۳] تحصیل (عربی)

کیا رئیس ابوالحسن بهمنیار فرزند مرزبان فیلسوف مجوسی آذربایگانی (م ٤۵۸) شاگرد شیخ رئیس و استاد لوکری که بیشتر سخنان شیخ در مباحثات درپاسخ او است تحصیل را درسه بخش پس‌ازمرك استاد ازروی حکمت علائی یا دانش نامه برای خال رئیس ابی منصور بهرام فرزند خورشید فرزند یزدیار نوشته ۲۰ وازنگارشهای دیگرشیخ و گفتگوهائیکه میان آندوشده وازسخنان خویش برآن افزود وبسیارساده وشیوا وگسترده تر ازدانشنامه است میگویند تحصیل درقاهره

بسال ۱۳۲۹ بچاپ رسید (۱).

آغاز منطق: ستایش ودرود ـ قال بهمنیار بن المرزبان و بعد فانی محصل فی هذه الرسالة للخال الرئیس الاجل ابی منصور بهرام بن خورشید بن یزدیار . . . کتاب الحکمة التی اهداها الشیخ الرئیس ابوعلی . . . مقتدیا فی الترتیب بالحکمة العلائیه

۵ انجام آن: مبتدئین بعلم مابعدالطبیعة تم الکتاب الاول فی المنطق ـ آغاز امور عامه: ستایش ـ الکتاب الثانی فی المقدمات التی یحتاج الیها فی جمیع العلوم وهو العلم الموسوم بعلم مابعدالطبیعه ـ انجام آن: والنفس لیس کذلك تم الکتاب الالهی من کتاب التحصیل ـ آغاز الهی اخص: ستایش ـ الکتاب الثالث فی الاشاره الی اعیان الموجودات ـ انجام آن: وهذا القدر اذا احکم سهل السبیل الی مابعده من التدقیق

۱۰ والتفصیل والبسط والتحقیق ونسال الله التوفیق.

[۱۵٦]

۲۶۲ این نسخه بخط تعلیق ریز باعنوانهای شنگرف که سلطانعلی بن حسنعلی در ۲۵ ج۱ سال ۹۷۱ تا امورعامه ودر ۳ ع ۱ همین سال الهی اخص را بپایان رساند منطق از گ ۳ ب تا ۱۱٦ الف و دوبخش دیگر از نو شماره گذاری شده و تا

۱۵ برك ۱۷٤ ب میباشد.

(همه دفتر ۲۹۱ گ). کاغذ سمرقندی. جلد تیماج سرخ ضربی

اندازه: ۱۳×۵ر۱۸ و ٦×۱۱ س ۱۷

[۱۳٤]

تحفه (فارسی)

این دفتر درشناخت روان وسرگذشت او پس ازجداشدن ازتن دررستاخیز

۲۰ است که درنسخه مانند روضة القلوب ازخواجه طوسی دانسته شد و روشن باطنی

---

۱ ـ بهمنیار مراتب الموجودات (لیدن ۱٤۸۲ مورخ ۵۱٤ و۱٤۸۳) ورسالة فی موضوع العلم المعروف بمابعدالطبیعه (چاپ مطبعه کردستان ۱۳۲۹ وچاپ سلمون پوپر S. Poper درلایبتسیك در ۱۸۵۱ با مراتب الموجودات و ترجمه آندو بآلمانی) نوشته و نسخه هائی ازاینها و ازتحصیل درخاور وباختر هست نیز البهجة والسعادة والزینة فی المنطق والموسیقی

۲۵ دارد همچنین نامه ها که او وشیخ بهمدیگر نوشتند و آنها هم هست نیز اثبات العقول الفعالة والدلالة علی عددها واثبات النفوس السماویة که بخشی از آن درآستانه هست.

نگاه به بیهقی ص۹۱ ـ ارسطو عندالعرب بدوی ص۳۷ دیباچه ـ فهرست دوم مجلس ش ۱۱ ـ قنواتی ش ۷

وتأویل درآن پیداست .

آغاز : بسمله شکر بی‌نهایت وسپاس بی‌عنایت ذاتی‌راکه بلبل روح وروان را بعشق چمن جبروت واغصان عالم ملکوت مزین ومشرف گردانیده است . . . سبب تحریراین کلمات ربانی وزکوة روحانی آن‌بوده‌است که این‌ضعیف خواست تاآنچه بمعرفت نفس تعلق دارد چگونگی‌احوال اوازالم ولذت بعدازمفارقت دراین‌نسخه تمام‌کنم .

انجام : بنده ضعیف این رساله ازهرجای جمع کرد تا اخوانی که بعداز ما باشند ازین معنی بهره‌مندگردند وما را بدعا یاد دارند ربنااغفرلنا ولاخواننا‌الذین سبقونابالایمان . . . انك رؤف رحیم تمت‌الرسالة‌الموسمة بالتحفة حامداًومصلیا .

[۱۵۷]

۱۰۸٤ این نسخه بخط تعلیق با نشانه وعنوانهای شنگرف واز برك ٤۷ ب تا ۷۷ ب ودفتر دوم این شماره وبا روضة‌القلوب خواجه میباشد .

(۷۷ برك) کاغذ ترمه سپاهانی . جلد تیماج سرخ ساده مقوائی

اندازه : ۱۱٫۵×۲۰ و ۱۲×٦ س ۱۰

[۱۳۵] **تحقیق معنی قابلیت** (فارسی)

این دفتر گویا از فیض کاشانی است و بروش عرفان شیعی از قابلیت گفتگو می‌کند .

آغاز : بعداز سپاس بیحدوقیاس پروردگاریرا که بیرنك آمادگی وقابلیت هرچیزرا درکارگاه جمعیت پناه صبغة‌الله . . . چنانچه بایست نقش بست .

انجام :

آنکس که ز شهر آشنائی است

داند که متاع ما کجائی است

بیش‌ازاین‌حاجت نمیداندبیان . والسلام علی‌من‌تم بوجوده‌الاتم کل‌تمام‌علیه وعلی آله‌السلام .

[۱۵۸]

۳۱٤ این نسخه شماره ۵ دفتری است دارای ۵ رساله ازفیض و جزاو گ ۷۲ ـ ب ۷۷ الف و درپایان آن دارد « تم‌الکتابة فی شهررجب‌المرجب سنة ۱۰٦۱ » و پیداست که درروزگار او نوشته شد .

(همه دفتر ۷۷ گ) . کاغذ ترمه سپاهانی . جلد تیماج زرد
اندازه : ۵ر۸×۱۷ و ۵×۵ر۱۱ س ۱۳

[۱۳٦] **تحقیق‌الهیولی** (عربی)

فیلسوف محمدبن احمد خفری این دفتر را درباره هیولی در یك مقدمه و دومقصدنوشته ورأی ارسطورادر آن اثبات و گفته افلاطون وشیخ اشراقی را ابطال کرده است و در آن از شیخ رئیس و سهروردی و شارح مواقف سیدالمحققین نام میبرد .

آغاز : الحمدلخالق‌الوری ... فاقول هذه رسالة فی تحقیق‌الهیولی وثوابعها قدالفها تذکرة لاولی‌النهی .

[۱۵۹]

۳۲۲ این نسخه بتعلیق ریز و دوبرك پایان سفید و ناقص است وبدین‌جا « فالصورة الجسمیة التی تکثرت افرادها انمـا تکون کثرة افرادها و تشخصاتها بالمادة ولاخفاء فی ان » انجام میيابد .

(۹۸ گ) . کاغذ ترمه سپاهانی . جلد تیماج دولاحاشیه‌دار
اندازه : ۵ر۱۰×۵ر۱۹ و ۵×۵ر۱۱ س ۱۷

[۱۳۷] **تحقیقات دربیان احوال موجودات** (فارسی)

ملاشمسای گیلانی فیلسوف این دفتررا برای کسانیکه فلسفه میجویند وتازی نمیدانند نوشته ودرآن ازمباحث مهم هستی و شناخت بروش اشراقی کاوش نمود وخود بدان این نام را داد .

آغاز : بسمله والتوفیق من‌الله العلیم الحکیم سپاس تقدس اساس و ستایش بیرون ازقرینه وقیاس مهیمنی را سزد که ایجادعالم کرد لامن شیء ولامن لاشیء ...

چنین گوید . . محمد مشهور بشمسا گیلانی .

انجام : مسلك حکما در اثبات واجب‌الوجود بالذات مسلك لم است ومسلك متکلمین مسلك ان ببین تفاوت ره از کجا است تابکجا (تم یوم‌الاثنین ثالث عشرین من شهر شعبان‌المعظم سنة الف واثنین وخمسین) .

۵

[۱٦۰]

۲۷۸ این نسخه بخط تعلیق و حاشیه‌هائی دارد که بعبارت (منه سلمه‌الله) پایان مییابد وپیداست که درروزگار شمسا درروزدوشنبه ۲۳ شعبان ۱۰۵۲ نوشته شده یا اینکه شمسا آنرا دراین تاریخ نگاشته است .

(۳۰۲ ۳) . کاغذ سمرقندی . جلد تیماج متوانی
اندازه : ۹٫۵×۱۷۵ و ۵×۱۱ س ۱۵

[۱۳۸] ترجمه اشارات (فارسی)

دراین دفتر سه نمط پایان اشارات شیخ بپارسی شده و مترجم گاهی ازخود سخنانی افزوده ودرداستان سلامان وابسال از رازی و طوسی افسانه‌ها را آورده است این ترجمه درشیوائی بپایه ترجمه گمنام دیگر از اشارات که درتهران بسال ۱۳۱٦ خ بچاپ رسیده است نمیرسد .

۱۵

آغاز : بسمله و به‌نستعین نمط ثامن در بهجت وسعادت بدانکه بهجت درلغت بمعنی سرور ونضرت است وسعادت مقابل شقاوت . . . وهم وتنبیه درجود لذات باطنه .

انجام : و شیخ بعداز وجود شرایط مذکور امر کرده باحتیاط تمام عقلا ورسماً چنانچه گفته‌و کتاب بآن‌ختم‌کرده است .

۲۰

[۱٦۱]

۸۹۷ این نسخه شماره ۷ دفتر از گ ۱۳۰ ب تا ۱۵۳ الف میباشد .

[۱۳۹] ترجمه الهیات شفا (فارسی)

سید علی‌بن‌محمدبن‌اسدالله امامی عریضی سپاهانی مترجم‌اشارات که شاگرد آقاحسین خوانساری (م ۱۰۹۸) بوده ودرروزگارنگارنده ریاض‌العلما (م ۱۱۳۰) ۲۵

درگذشت شفای شیخ را بپارسی کرد (ذریعه ج ٤ ص ۹-۷۸و۱۱۰) نسخه ماکه بند ببند سخنان شیخ درآن آمده و ترجمه لفظی و سپس گزارش شده گویا از همو باشد .

آغاز : بسمله و به نستعین حمدی که عندلیبان گلستان ابداع میسرایند مبدعی را باد ... این رطب ویابس ترجمه فن ثالث عشر کتاب شفاء رئیس الحکماء شیخ ابوعلی سیناست که عبارات وی بالتمام مذکورمیگردد وترجمه مطابقه الفاظ بیان میشود

[۱٦۲]

۲۵۱ این نسخه بخط تعلیق ومتن بنسخ زیر خط سرخ از عبدالظهیر بن المعصوم کرهرودی درسپاهان بدستور امیر صدرالدنیا میباشد گ ۱ ب - ۳۹۰ الف ونسخه بدلها در کنار صفحه‌ها است و ترجمه در گ ۳۸۰ ب بدینجا « فانه کیف کان فحدوثه متعلق بالحرکة لایمکن غیرهذا (فصل۱مقاله۹ ص۶۰۱ چاپ تهران) پس دراینصورت ازدیاد بصیرت میگوئیم ما بدرستی که تو بتحقیق که دانستهٔ آنکه هر » پایان میپابد وگ ۳۸۱ الف سفید است آنگاه درگ ۳۸۱ ب عبارت « وقوم آخرون لم یرو بهذه الصورة مفارقة بالوجود ... (فصل۲مقاله ۷ ص ۵۵۷) وقومی گمان نکرده‌اند ازبرای صورطبیعیه مفارقی را » دوباره میآید ونسخه بعبارت «وهذا هوخلاف ماعقلوه (عقدوه درنسخه ما) وبنوا علیه اصل رأیهم (فصل۳مقاله ۷ ص۵٦۲) . . . ووی خلاف آن چیزی است که عقد کرده‌اند ایشان آنرا ، وعقیده بسته‌اند باو، بنا گذاشته‌اند بر واصل رأی و مذهب خود را . حاصل که این فصل در بیان ابطال گفتار قدماء سابق است درتعلیمات ودرمثل افلاطونیه پس میگوئیم ... وملتفت نمی‌شویم بجانب آنچه که گفته‌اند و عمل کرده‌اند ایشان از دوام استغناء اینها از اثباتشان . تمام شد بعون پروردگار عالم آنچه یافت شد از ترجمه مزبوره بتاریخ هفتم شهر رجب المرجب من شهور اربع وثمانین والف من الهجرة النبویة المحمدیة » پایان میپابد .

وآنچه درگ ۳۸۱ ب تا ۳۹۰ الف آمده همان است که درس۲۲ گ ۲۹٦ب تا س۳ از پائین گ ۳۰۵ب نوشته شده ومکرراست نویسنده نسخه را بهمان اندازه‌ایکه یافته بود در ۱۰۸٤ نوشت ودرکنار گ ۳۱٦ب نوشته است که نسخه‌ای که از روی آن مقابله میشد مقاله دوم تاآخرفصل ۷ مقاله ۸ « فی نسبة المعقولات الیه . . . . وفی تفصیل حال اللذة العقلیه - ص ۵۹۱ » را نداشت . مانا نسخه نویسنده آشفتگی داشت وخودهم نمی‌توانست آنرا دریابد وازروی آن نوشت .

متن دراین ترجمه (گ ۳۱۵ ب س۱ـ٤) نسبت بنسخه ش ۲٤۳ گ ۵۷۱ الف (پایان فصل ۳ مقاله ۷) افزوده دارد.

ازدارندگان نسخه محمد کریم سپاهانی درهمان شهرمیباشد.

(۳۹۰ گ) . کاغذ ترمه سپاهانی . جلد تیماج سرخ ضربی رنگ‌آمیزی شده ۵

اندازه : ۱۴٫۵×۲٦ و ۸٫۵×۱۷٫۵ س ۳٦

[۱٤۰] تعبیر الرؤیا (عربی)

این رساله در نسخه ما بنام تعبیرالرؤیا (گ ۱۱۰ الف) وتفسیرالرؤیا (گ ۱۱۰ ب) یادگردید و از ابن‌سینا دانسته شده وجز نسخه‌ای است که درمجلس (ج ۲ ش ۷۵٦) و آستانه طوس (ج ۱ ص ۲۵ ش ٦۰) هست و قنواتی در (ش ۱۵٦) بنام «الرؤیا والتعبیر ـ المنامیه» شناساند این نسخه ما تنها در خوابگزاری است ۱۰ و ۱۱ باب میباشد.

۱ـ آنچه در آسمان است.

۲ـ آب وزمین و آنچه دراین‌دو است.

۳ـ کشت ودرخت

٤ـ آتش وکانها. ۱۵

۵ـ ساختمان و پوشاك و پاکیزگی.

٦ـ خوردنی و زن‌گرفتن ودیدن اندامها.

۷ـ تخت و بازرگانی.

۸ـ گریه وخنده وبازی.

۹ـ رمنده وخزنده ودونده و پرنده. ۲۰

۱۰ـ پوشش وآرایش جنك.

۱۱ـ زدن وکشتن وبیماری ومرگ وگور.

ودرآن ازخواب وچگونگی آن از رهگذرفلسفه و پیش بینی که درخواب میشود و پایه فلسفی آن که با بحثهای روانشناسی عقلی وابسته است هیچ یاد نشده با اینکه در نسخه مجلس هست و همین بخش فلسفی که بده فصل میرسد بپارسی ۲۵

ترجمه شده ودرتهران بسال ۱۳۱٦ خ بچاپ رسید .

آغاز : کتاب تفسیرالرؤیا منسوب لابن‌سینا وهوعلی احد عشربابا الباب الاول فی العلویات من السما ومافیها والرعد والبرق . ضوء السماء خیر ورزق .

انجام : والخلاص من الحبس خلاص من شدة . والله اعلم بالصواب هذا آخر ۵ هذه الرسالة والحمدلله رب العالمین .

[۱٦۳]

۱۰٤۵ این نسخه شماره ۱۰ دفتری است دارای ده رساله و گفتار : (العویص فی الاحکام شیخ مفید ـ صد سخن ازعلی ع ـ حدیث ـ پرسشهای عبدالله بن سلام از علی ع ـ تفسیر عسکری ع ـ داستان تولد علی ع بخط محمدبن عبدالحسین حسینی ۱۰ نجفی در ۲۳ محرم ۱۰۵٦ در سپاهان ٦۳ب ـ رساله رجعت ـ زیارت رضا ع ـ گفتارهای گوناگون) واز گ ۱۱۰ب تا ۱۲۲ب بخط نسخ با عنوانها و نشانه‌های شنگرف ودر گنار گ ۱۲۲ ب گفتاری است از ابن‌سینا بتازی که پارسی آن اینست : « زنان تا ده سال بازیچه‌اند و از ده تا ۱۵ فراخ و سیاه چشم و از ۱۵ تا ۲۰ پیه وگوشت و شیر واز ۲۰ تا ۳۰ مادر پسران و دختران و از ۳۰ تا ٤۰ پیر فرتوت مردنی و از ٤۰ تا ۵۰ ۱۵ باید باکاردشان کشت و از ۵۰ تا ٦۰ نفرین خدا وفرشتگان و همه مردم برآنها باد

(همه دفتر ۱۲۳) ـ کاغذ سپاهانی ـ جلد تیماج زرد ضربی مقوائی
اندازه : ۱۲×۱٦ و ۵ر۴×۱۲ س ۱۸

[۱٤۱] **تعبیر سلطانی** (فارسی)

قاضی اسمعیل‌بن نظام‌الملك ابرقوهی این دفتررا برای جلال‌الدین ابوالفوارس ۲۰ شاه‌شجاع مظفری (۷٦۰ ـ ۷۸٦) و وزیر اوخواجه قوام‌الدین محمد بسال ۷٦۳ نگاشته ومیگوید که آنرا ازروی گفتار آگاهان دراینهنر و نگارشهای خوابگزاران بپرداختم و از آنها اینانرا نام میبرد : « موبدانی مانند هرمز پسر آذرشیب (؟!) و بزرگمهر وانوشیروان و کشمرو جاماسب – ازمشرکان و کاهنان تازی و جادوگران مانند عبدالله‌بن هلال ومرط بن زید و عباب‌بن سمر رازی – ازآشنایان بهنرفراست ۲۵ مانند سعیدبن سنان و ایاس‌بن معاویه وجندل‌بن حکیم ومعویة‌بن کلثوم و نکلة‌بن نصاب – چند تن از فیلسوفان یونانی » باز میگوید که از سخنان پیامبران و یاران

و پیروان پیامبر اسلام و فقیهان و پارسایان و دانشمندانی مانند محمدبن سیرین و
ابراهیم بن عبدالله کرمانی وعبدالله بن مسلم بن قتیبه و ابواحمد خلف بن احمد ومحمدبن
جمادالحبار الرازی و یعقوب کندی و ابوزید بلخی و بختیشوع واهرن ومحمد زکریا
وحنین اسحق مترجم و ابومحمد زرب (؟!) طبری (دواسقف) بهره بردم و از تعبیر
قادری که حکیم ابوسعد نصربن یعقوب دینوری در ۳۹۷ برای خزانه ابوالعباس احمد ۵
قادربالله (۳۸۱ – ۴۲۲) نوشته و در آن از طبقات المعبرین حسن بن حسین الحلال
یاد کرده است ونیز ازالتحبیر فی علم التفسیر فخررازی و کامل التعبیر شیخ ابوالفضل
تفلیسی که برای عزالدین قلج ارسلان پادشاه روم (۵۵۱ – ۵۸۴) نوشته و اصول
دانیال وجوامع ابن سیرین وتقسیم امام جعفر صادق ع ودستور کرمانی وارشادجابر
مغربی وتعبیرابن اشعث و کنزالرؤیاء ماموانی گرفته‌ام. کتاب دریك مقدمه وده نکته ۱۰
و بروش التحبیر میباشد ودردیباچه ازخواب ازرهگذرفلسفه و کلام و نیز از استخاره
و زجر وفال وازقانون خوابگزاری کاوش میکند سپس بترتیب حروف تهجی تعبیر
هرچیزیرا میگوید و در پایان از این شاهزادگان (قطب الدین ابوالحارث سلطان
اویس، مظفرالدین سلطان شبلی، ابواللیث معزالدین ابوالقاسم جهانگیر، شمس الدین
سلطان زین العابدین) میستاید . ۱۵

آغاز : بسمله الحمدلله الذی خص خواص الانام بمبشرات الاحلام . . . چنین
گوید . . . اسمعیل بن نظام الملك ابرقوهی . . . موجب تحریر تعبیر که مسمی است
بتعبیر سلطانی .

انجام : وثمره شاخ نبوت وسلطنت شمس الدنیاء والدین سلطان زین العابدین
اصلح الله احوالهم . . . برحمتك یاارحم الراحمین (آمرزیده بادکه چون این کتاب ۲۰
بنظرمبارکش . . . مزین شود ... مصنف و کاتب را بدعای خیر یاد فرمایند اللهم اغفر
لمصنفه وصاحبه و کاتبه واعف عنهما وارحمهما) .

[۱۶۴]

۸۳۴ این نسخه بنسخ وعنوانها و آیه‌ها بشنگرف وبرك ۱ آن از پائین باندازه
شش سطر بریده شده و کاغذ چسبانده و دوباره نوشتند ودرپایان دارد : ۲۵
« تمام شد کتاب تعبیر . . . فی وقت صلوة العصر فی یوم الرابع عشرین مبارك

جمادی‌الثانی سنه اثنین و تسعمائة کتبه . . . علی بن محمدبن حاجی مقیم ولدان »
و نسخه را در تاریخ ج ۱ سال نهصد و گویا هشت (گ ۴۱۹ الف که بریدگی دارد)
عطاءالله بن علی بپسرخود محمد بخشید از گ ۴۲۰ ب تا ۴۲۲ ب رساله خواص قرآن
است از گفتار امام جعفرصادق ع .

۵ (۴۲۳ گ) . کاغذ سمرقندی . جلد تیماج زردکهنه ضربی مقوائی
اندازه : ۵ر۱۲×۲۱ و ۸×۱۶ س ۱۷

[۱۴۲] تعریف اراده وقدرت وحیات وحکمت (عربی)

این گفتار ازشیخ رئیس دانسته شده واین چهارچیزدر آن شناخته میگردد .
آغاز : الارادة عبارة عن کون‌الفاعل عالما بفعله .
۱۰ **انجام** : مع‌القصد الی ایصا له الیه .

[۱۶۵]

۸۷۱ این نسخه شماره ۲۴ دفتر ودر ۱۷۰ بـ نونه سطربخط تعلیق محمدعلی و نزدیك
بسال ۱۲۹۹ نوشته شد .

[۱۴۳] تعلیق فی نسبة‌الصورة الی‌الماده (عربی)

۱۵ دراین گفتار روشن میگردد که میان ماده وصورت چه پیوندی هست .
آغاز : تعلیق نسبة‌الصورة الی‌المادة . . .
انجام : یتصف‌النفس بجاعلیتها مقصورة .

[۱۶۶]

۳۷۴ این نسخه شماره ۷ دفتر و گ ۹۲ ب - ۹۳ الف بتعلیق شکسته

۲۰ [۱۴۴] تعلیقات (عربی)

فارابی بیشتر سخنان خویش را دربرگها می‌نوشت و کمتر آنها را دردفترها
می‌نگاشت ازاینروی بیشتر نگارشهای او بساخت مقاله و فصول و تعلیقات میباشد
ابن ابی‌اصیبعه (ج ۲ص ۱۳۹) درشمار نگارشهای فارابی از « تعالیق فی‌الحکمة »
یاد میکند ودر نام چندین کتاب فارابی که فهرست داده‌اند کلمه تعلیق دیده میشود
۲۵ و پیداست که وی آنهارا یادداشت مانند می‌نگاشت و بسیاری ازنگارشهای فارابی

بساخت یك کتاب کاملی نیست وماناشاگردانش آنها را یکجاگرد کرده نامی بدانها دادند این تعلیقات نیزچنین است ومانند فصوص مسئله‌های گوناگونی را دارا است (ص ۸۹ این فهرست).

[۱۶۷]

۲۵۳ این نسخه شماره ۳ دفتر و بخط نستعلیق کرکی ازگ ۴۵ ب تا ۵٤ الف میباشد ومحمد قاسم گویا اردستانی و شاگرد مجلسی و دارای نگارشهای فلسفی درهامش گ ۵۰ ب حاشیه دارد. ۵

[۱۶۸]

۳۳۹ این نسخه شماره ۳۱ دفتر و بخط شکسته روشن گ ۱۲٦ ب - ۱۳۳ ب و پایان آن برابراست با س ٦ ص ۲۱ چاپ ۱۳٤٦ دکن وکم دارد و سه برك آن سفید گذارده شده. ۱۰

[۱٤۵] تعليقات (عربی)

در فهرست نگارشهای شیخ رئیس از « تعالیق فی المنطق » و « تعالیق علق عنه تلمیذه ابومنصور بن زیله » و « تعلیقات ابوالفرج بن ابی‌سعید یمامی از گفتگوی شیخ با او در مجلس درس و پاسخ شیخ بدو یا رسالة الی ابی الفرج الیمامی » و ۱۵ « تعلیقات استفادها ابوالفرج الطبیب الهمدانی من مجلسه و جوابات ابن سینا له » و « مناظرات له فی النفس مع ابی‌علی النیسابوری » و «مباحثات» که پاسخ پرسشهای بهمنیار و کرمانی است و « مسائل ترجمها بالتذاکیر » و « مسائل جرت بینه و بین بعض الفضلاء فی فنون العلوم » و « اجوبة لسئوالات سأله عنها ابوالحسن (محمدبن یوسف) العامری وهی اربع عشرمسئلة » یادگردید[۱]. ۲۰

و چنین برمیآید که شیخ در بسیاری از مسائل مانند فارابی یادداشتهائی (تذاکیر) می‌نوشت یا اینکه باشاگردان خود ودانشمندان روزگارمانند نیشابوری وعامری (شاگرد ابوزید بلخی) و یمامی و همدانی گفتگو می‌نمود و پاسخهائی که

۱ - نگاه به : ابن ابی‌اصیبعه ج ۲ ص۱۹ - ۲۰ - بیهقی ص۱۸۹ - نامه دانشوران ج۱ ص۸۸ فهرست طوس ج ٤ ش ٤۱۵ و٤۱٦ ص۵۱ - فهرست پایان سرگذشت (السیرة) شیخ ش صج. ۲۵

میداد آنها می‌نوشتند و بنام « تعالیق و تعلیقات » یا « مناظرات » ویا « مباحثات » نامیده میشد . واین تعلیقات نیز از همین ها است وآنرا بهمنیار مرزبان ازنگارش فارابی و گفتار شیخ فراهم آورده و روایت کرد و لوکری بسال ۵۰۳ برای آن فهرست نوشت (نسخه۳۲۰٤ احمد ۳ ونسخه مورخ۵۲۱ شماره ۲۳۹۰ ایاصوفیا ـ
۵ قنواتی ش ۸) .

شیخ دراین کتاب بیشتر از خدا وعلت و معلول و شناخت و علم کاوش نمود ودرهر بندی که گاهی بسیار کوتاه و گاهی هم درازاست یك مسئله را گنجاند وبسیار شیوا وشیرین نوشته شده‌است تعلیقات ومباحثات ازبهترین کتابهائی است که در آن ازمبحث علم کاوش شد .

۱۰ **آغاز** : تعلیق ان العالم انما یصیر مضافا الی الشیء المعلوم بهیئة تحصل فی ذاته ولیس الحال فی العالمیة کالحال فی التیامن والتیاسر .

انجام : وذلك المبدء هو التصور البسیط العقلی وهذاهو الملکة المستفادة من واهب الصور ویخرج به عقولنا من القوة الی الفعل .

[۱۶۹]

این نسخه بخط تعلیق زیبا ودارای سرلوح و درجدول زرین ودرست برابراست
۲۶۱ با نسخه ش ۶۲۱ کتابخانه مدرسه خان مروی تهران و ش ٤۱۶ طوس ونسخه ش ۳۲۰٤ احمد (ش ۸ قنواتی) و فهرست لوکری را ندارد درمروی نسخه دیگری هست بشماره ۸۷۵ که آغازآن (موضوع المنطق هو المعقولات الثانیة المستندة الی المعقولات الاولی من حیث یتوصل بها من معلوم الی مجهول) میباشد وبرابراست
۲۰ با ش ٤۱۵ طوس (ج ٤ ص ۱ـ۵۰) واین بند درپایان نسخه ش۶۲۱ مروی ودرگ ۱۶۰ الف نسخه ما دیده میشود .

(۱۸۷ ۳) . کاغذ سمرقندی . جلد تیماج سرخ زرکوب
اندازه : ۱۱×۲۰ و ۵×۱۳ س ۱۶

[۱٤۶] **تعلیقات** (عربی)

۲۵ این گفتار نیز بساخت تعلیقات ومباحثات است وازشیخ دانسته شده .
آغاز : بسمله للشیخ الرئیس فی الالهی ـ الحمدلله رب العالمین . وجودکل موجود

فهوالاول(گویاللاول)لانه فایض‌عنه. ووجوده‌هوله. فوجوده مباین‌لسایرالموجودات

انجام : الاول‌لایدرك کنهه‌وحقیقته‌العقول‌البشریة وله‌حقیقة لااسم‌لنا‌عندنا...
والوحدة مساویة للحقیقة‌المطلقة . ومن‌الله‌التوفیق ولواهب‌العقل بلانهایة (؟)

۸۷٦ این نسخه شماره ۷ دفتر است و بخط شکسته تعلیق گ ۵۲ ب ـ ۷۰ الف ودرشب شنبه ع ۱ سال ۱۳۰٦ نوشته شد . ۵

[۱۷۰]

[۱٤۷] **تعلیقات** (فارسی)

قوام‌الدین‌رازی، دراین‌جا چند مسئله ازاموعام را بعنوان تعلیق یاد میکند وازآن کاوش می‌نماید وگاهی بکوتاهی میپردازد .

آغاز : درتفسیرقول حکیم‌الممکن فی‌حد ذاته لیس وله عن علته ایس یعنی ممکن را بجهتی که ممکن است چیز نیست ووجود ندارد . ۱۰

انجام : دانسته شدکیفیت عام عقل‌بموجودات واحساس عقل موجودات را بعون‌الله . . . اتبع الهدی .

[۱۷۱]

۳۷٤ این نسخه شماره ٦ دفتر است و بخط نسخ با عنوانهای شنگرف (گ ٦٤ ب ـ ۹۲ الف ۹×۱٤ س ۱٦) و درپایان دارد : « هذه تعلیقات لاستادنا ومولاناومقتدانا قوام‌الملة والدین طاب‌الله‌ثراه وجعل‌الجنة مثواه» وپیداست که نسخه بخط شاگرد اواست (ص ۲۷ این فهرست) . ۱۵

[۱۷۲]

۱۰۳۰ این نسخه شماره ۳ دفتر است و بخط تعلیق درویش‌بن علی‌بن حاجی میرزا که برای حاج شریف بسال ۱۰۹۲ نوشته و درآستان شاهزادگان گرامی « باوره » مقابله این نسخه آغاز و درروستای « فردو » با ملا محمدعلی دربالاخانه محمد ظهیر در۲۰ شعبان ۱۰۹۳ بپایان رسید وسزاوار دانسته شد که این گفتار (قوام‌الحکمه) نامیده شود ـ گ ۳۹ ب ـ ٦۳ ب ـ نسخه‌ای ازاین تعلیقات درآستانه طوس (ج ٤ ش ٤۱۷ ص ۵۱) هست وازملارجبعلی تبریزی متخلص بواحد درشعروهمدم عباس دوم صفوی (۱۰۵۲-۱۰۷۷) ومرده در۱۰٦۵یا۱۰۸۰دانسته شد ۲۰ ۲۵

[۱٤۸] **تعلیقات اثولوجیا** (عربی)

قاضی سعید قمی (۱۰٤۹ ـ ۱۱۰۳) براثولوجیا (ثئولوگیا) گزیده انئاد پلوتینوس شرحی نوشته و گزارش او که بروش عرفان شیعی است تا بپایان میمر چهارم میرسد. قمی در آغاز آن ارسطورا پیامبر دانست (۱) و گفت که این کتاب را ازراه رسمی نتوان دریافت چه رمزهای آن ازمنبع نبوت وولایت گرفته شده و باید ریاضت کشید و بخاندان پیامبر نزدیك شد تا آنرا دریافت میگوید اصول آن از پیامبران واصحاب رصد روحانی گرفته شده است ومیگویند که سید داماد میگفت من اثولوجیا را هفتاد بارخواندم تا دریافتم. بازمیگوید که افلاطون میگفت:

هزارهامسئله برایم روشن شد که برهانی بر آن نیست وازروی کشف است.

قمی پس از دیباچه پاره هائی از اثولوجیا را میآورد و از آن گفتگو میکند و گاهی نظم و نثر پارسی میآورد در گ ۱۷۲ ب س ۹ هامش از صدرای شیرازی بنام «الاستاد صدرالمتالهین» یاد نمود.

آغاز: هوملتقطات - نحمدك یامغیث النفوس و نشكرك یا مبدع العقول و خالق المحسوس... فیقول محمدالمدعو بسعیدهذه تعلیقات علی رسالة معلم الحكمة ارسطاطالیس.

---

۱ – علی بن طاوس (۵۸۹ – ٦٦٤) درفرج المهموم فی تاریخ علماءالنجوم (چاپ نجف ۱۳٦۸ ص ۱۵۱) از ریحان المجالس و تحفة الموانس احمدرخجی که درروزگار سید مرتضی میزیست از ابوالحسن الهیثم میآورد که هوشمندان مانند هرمس مثلث بحکمت (ستاره شناس و پزشك و کیمیا کر) یا ادریس وابرخس وبطلمیوس و بیشترفیلسوفان دیگر پیامبربوده اند ومردم روی اینکه دانشمندانی دیگر نیز بهمین نامهای یونانی خوانده میشدند و از پیکان نبوده اند درباره اینهاباشتباه رفته اند شیخ بهائی درحدیقه هلالیه ولاهیجی درمحبوب القلوب ص ۱٤ همین را از ابن طاوس آورده اند درصناعیه میرفندرسکی (چاپ هند همراه اخلاق ناصری بسال ۱۲٦۷ ص ۱۰ وتهران بسال ۱۳۱۷ خ ص ۱۸) خبری که ساخته اند دیده میشود و سپهر در ج ۱ ناسخ التواریخ در سر گذشت ارسطو همین خبر را آورد ولی آلوسی در بلوغ الارب ج ۲ ص ۲۷۸ نوشته است که این خبردرباره خالدبن سنان آمده است بعبارت (ذاك بنی اضاعه قومه) این خبر در کتاب قمی چنین است: قال النبی فی شان ارسطو انه كان نبیاقد جهله قومه لوادر كنی لاستفادمنی» درص ۱٤ و۱۰۷ محبوب القلوب نیزهمین سخنان دیده میشود. دربرابرمجلسی درج ۵ بحار ص ۱٦۹ (ایران ۱۳۰۳) از گفته امام رازی ارسطورا از بدکیشان میشمارد.

انجام : المراد ان الكل فی الكل و النفس المحیط بالمعقولات مر كز محیط لیس فیها اختلاف فعل و مراتب ذوقوی . الی هنا تم المیمر الرابع . . . (خوانده نشد) (الی هنا . . . المصنف ره) پیداست كه قمی بیش از این ننوشته است .

[۱۷۳]

۱۰۳۰ این نسخه بخط شكسته ریز و بی نقطه و مورب و در هامش دفتر و در شوال ۱۱۷۷ در كربلا نوشته شده گ ۱۵۹ ب - ۲۷٤ ب ۵

[۱٤۹] **تفسیر حی بن یقظان** (عربی)

دانشمند ابومنصور حسین بن طاهر بن زیلای سپاهانی مجوسی ازشناختگان شاگردان شیخ رئیس و همدم او كه در جوانی بسال ٤٤۰ در گذشت و در ریاضی و موسیقی توانا بوده گزارشی بر « حی بن یقظان » استاد نوشت (بیهقی ص ۳۰ ــ ۹۲) ۱۰
و رمزهای آنرا بگشود . وی سخنان او را بند ببند در گزارش خویش میاورد و روشن میسازد .

آغاز : مختصر فی تفسیر معانی رسالة « حی بن یقظان » من تعلیق ابن زیله صاحب شرح الشفا . قوله : « انه قد یتسرت لی حین مقامی ببلادی برزه برفقائی ــ بلاده بدنه و اعضائه التی هی محال قواه . . . و رفقائه قواه التی فی البدن » . ۱۵

انجام : فی الوجود الممكن من العجز و نقصان القوة التی یستطاع ذلك التعقل . تمت الرموز و ایضاحها و لله المنة هذا آخر ما علق علیه من تفسیر الشیخ ابی منصور بن زیلة رسالة حی بن یقظان للشیخ الرئیس ابی علی سینا .

[۱۷٤]

۱۰۷٤ این نسخه شماره ۱۷ دفتر و بخط تعلیق گ ۲۲۷ الف ــ ۲۳۲ الف . در پایان دارد « فی شهر شوال ختم بالخیر والاقبال » ۲۰

[۱۵۰] **تقویم الایمان** (عربی)

نگارش میرداماد و در چند رصد كه در آن از هستی و آفرینندگی و پاكی خدا و ازدانائی گفتگو نموده در برهان تطبیق شك میكند (ش ۲۷۹/۲ گ ۸٦ ب) و از ماطاطافوسیقا و اثولوجیا (۱۱۸ الف) و ایماضات و تشریقات یا صحیفه ملكوتیه (۱۳۳ ب) و صحف حكمیه خود (۱۲۲ ب) و تقدیسات (۱۳۷ ب) یاد میكند . ۲۵

آغاز : بسمله والاستیفاق من العزیز العلیم والثقة بالعلی العظیم تقدست یامن الانوارظلالك وتمجدت یامن الذوات افعالك ... محمد باقر الداماد . . . یقول معاشر روادالحق انی قدالقیت الیکم کتاباً من کتب الدین .

[۱۷۵]

۲۷۹ این نسخه ازبرك ٦٥ ب تابرك ۱٤۰ الف وشماره دوم این دفتراست وشماره نخستین آن الصراطالمستقیم میباشد و بخط نسخ و چند صفحه بتعلیق وشکسته وبی نقطه وحاشیه دارد که به (منه دام ظله العالی) پایان میباید و درانجام نسخه مهر (محمدباقرداماد) دیده میشود پس این شماره درروزگار او نوشته شده و ازآن او بوده است و کتاب دراین نسخه بپایان نمیرسد انجام آن چنین است :

۱۰ « انما قال فی کتبه الشفاوالنجاة والمباحثات والتعلیقات وغیرها ... البسیط الذی عرفته فی کتاب النفس . . . علی المعنی الذی مضی فی کتاب النفس فهو لذلك یعقل الاشیاء دفعة واحدة من غیر ان یبا کر» جای عنوانها درانجام آن سفید گذارده شده وپیدانیست که تا رصد چندم را دارد .

(۱٤۰ برك) کاغذ سپاهانی - جلد مقوای ته میشن

۱۵ اندازه : ۳۰×۲۰ و ۷×۱۲ س ۱۸ تا ۲۰

[۱۷٦]

۳۷۲ این نسخه ازبرك ۱ ب تا برك ۳ الف این دفتر وشماره یکم آن است وشماره دوم آن معلقات برتقویم الایمان میباشد انجام آن چنین است : «المرصد الاول وفیه تقویم ان فی الوجود من هوالقیوم . . . ومبداء سلسلة الوجود» برابر با گ

۲۰ ۱٤۰ الف س ۱۲ شماره ۲۷۹ واین نسخه دوصفحه بیش نیست وخطبه وتقدمه ودوسطر ازمرصد یکم را دارد ودر برك ۲ حاشیه‌ای ازخود داماد نوشته شده که به (منه قدس سره) پایان میباید .

نسخه بخط نسخ با عنوانهای شنگرف است

(۱۰۵ برك) — کاغذ سپاهانی — جلد تیماج سبزساده متوالی تازه

۲۵ اندازه : ۱٦×۲۵ و ۹×۱۵ س ۱۷

[۱۵۱] تنسوقنامه ایلخانی (فارسی)

این دفتررا خواجه طوسی برای هولاکو (٦٥٤-٦٦۳) درشناختن سنگهای بهادار وکانها وفلزها نگاشته و ٤ بخش است (جسمهای ساده ـ گوهرها وسنگها و پیدایش

آنها ـ پیدایش وسود وزیان هفت فلز ـ بوهای خوش ومانند آنها) .

آغاز : الحمدلله فاطر الصنایع و مبدع البدایع . . . چنین گوید . . . محمدبن محمدبن الحسن الطوسی .

انجام : وهمه با وی بیامیزند وبآن اعتبار آنرا مثلث گویند . . . والله اعلم بالصواب والیه المرجع والمآب والحمدلله رب العالمین .

[۱۷۷]

۸۱۵ این نسخه بخط تعلیق با عنوانهای شنگرف و بتاریخ ۲۳ رمضان ۱۰۶۷ میباشد و کم دارد و ازمقاله یکم چنین آغازمیشود : «که خیر عالم کون و فساد ند وآن خاك است وآب وهوا وآتش . . . درمنفعت طبیعت چهارعنصر بحکم فائده علت غایت انسانی که صورت ایشان قابل تبدل باشد» این دفتر درذریعه (ج ٤ ش ۳۰٤٦ ص ٤٥٨) شناسانده شده ونسخه‌ای ازآن درمجلس (ج ۲ ش ۷۰٦ ص ٤٤٧) هست . مهر محمد هاشم درپایان نسخه ما دیده میشود ودوبرك اول آن وصالی شده است .

(۷۹ گ) . کاغذ سپاهانی . جلد تازه شده سماج زرد

اندازه : ۱۳×۲۳ و ۷٫۵×۱۹ س ۱۴

[۱۵۲] التنقیحات فی شرح التلویحات (عربی)

تلویحات ازشیخ‌شهیداشراقی (۵٤۹ـ۵۸۷) رهبر اشراقیان است که نوشته‌های بسیاری ازخود با اینکه بیش از ۳۸ سال دراین جهان نزیسته بیادگار گذارد و از آنهااست همین تلویحات که بخش الهی آن دراستانبول بسال ۱۹٤۵ باالهیات مقاومات ومشارع ومطارحات هموبچاپ رسید . کتابی‌است بسیاردقیق وشیوا وشامل منطق وطبیعی والهی میباشد و پیش‌ازمشارع ومطارحات ومقاومات نوشته شده وچنانکه خود شیخ دردیباچه مشارع و مطارحات (ص ۱۹٤ چاپی) میگوید باید پیش‌از آن خوانده شود و آن یکی هم پیش‌از حکمت‌الاشراق که در پایان روز سه شنبه ۲۹ ج ۲ سال ۵۸۲ نوشته شده است . مشارع و مطارحات هم در نزدیك بسی سالگی او (نزدیك ۵۷۹) بنگارش درآمد .

تلویحات دوگزارش دارد یکی از شمس‌الدین محمدبن محمود شهرزوری

نگارنده نزهة الارواح و رسائل الشجرة الالهیه والاسرار الربانیه در روز شنبه ۲۳ ذی حجه ۶۸۰ که تا تاریخ ۶۸۷ نیز زنده بود. شرح شهر زوری در نسخه تاریخ ۱۱۱۸ نورعثمانیه «التنقیحات فی شرح التلویحات» نام دارد وهمه متن در آن نمیآید.
دیگر از عزالدوله سعدبن منصوربن کمونه اسرائیلی (زنده در ۶۶۷ - ۷۰۶) که در آغاز سال ۶۶۷ آنرا بدرخواست گروهی بپرداخت و دردیباچه میگوید که من ندیده‌ام کسی تلویحات را شرح کرده باشد (۱).

ابن کمونه در شرح خود نامی بدان نداده ولی نویسنده الذریعه بدان نام التنقیحات داده است.

شرح او نه چنانکه در کشف الظنون نوشته شده آمیخته با متن نیست وهمه متن را بندبیند میآوردو آنگاه شرح میدهد و باشتابزدگی آن را نوشت ونتوانست دوباره بدان برگردد و پاکیزه‌اش سازد و تنها کاری که کرد این است که سخنان سهروردی را روشن ساخت و با بهره بردن از نوشته‌های او از روش وی دور نگشت.

آغاز منطق: بسمله وبه نستعین بعد حمدالله تعالی علی آلائه المتواتره والرغبة الیه ان یوفق للهدایة.

انجام آن: فهذا ما حضرنی من شرح المنطق... فأسألك اللهم ان تهدینی السبیل .... هذا آخر شرح المنطق من الکلام علی التلویحات والحمدلله رب العالمین
آغاز طبیعی: بسمله... قال نستعین بالله واهب العقل عز سلطانه... اقول انما

۱ - درذریعه (ج ۴ ص ۴۶۷) از نسخه‌ای از شرح طبیعی همین کتاب بخط ابن کمونه که در گنجینه غروی نجف هست یادمیشود. در تذکرة النوادر ص ۱۴۴ میگوید که نسخه آصفیه در ۷۳۶ مقابله گردید و نسخه دیگری بشماره ۸۸۰ در کوپرولی هست و نوشته است که ابن کمونه در ۶۹۰ درگذشت ولی عبارتی که از دیباچه آن میآورد در نسخه ما نیست و نسخه سرای احمد مورخ روز یکشنبه ۱۶ ج ۲ سال ۶۸۷ بیست سال پس از نگارش ابن کمونه و یکسده پس از مرك سهروردی میباشد واز آن قطب شیرازی بود و او آنرا در ۶۹۲ بیك شاهزاده‌ای بخشید. درطوس نسخه کاملی ازاین شرح بتاریخ ۷۰۵ هست و دردیباچه از وی بمانند زنده یاد میشود وچندین نسخه ناقص دیگر (ج ۴ ش ۷۷۴ تا ۷۷۷) نیز نگاه به: حکمة الاشراق چاپ تهران ص ۵۶۱ - تلویحات چاپ کربن ص ۱۲۱ و ۵۰۵ و دیباچه فرانسوی او ص ۶۴ و ۶۵ و ۶۸ - ۷۱.

قدم الکلام فی هذا العلم علی الکلام فی الالهی .

انجام آن : و هذا ما آخر سمح به الخاطر من شرح العلم الطبیعی من کتاب التلویحات . . . تم الجزء الثانی و لواهب العقل الحمد و المنة .

آغاز الهی : بسمله قال المنصف رحمه الله تبارکت ربنا خالق النور و مبدء الوجود اقول انما قدم علی هذا العلم ذکر تقاسیم العلوم . ۵

انجام آن : و هذا آخر شرح التلویحات . . . وقع الفراغ . . . فی اوائل سبع و ستین و ستمائه هجریة .

[۱۷۸]

۲۷۳ این نسخه دارای بخش منطق و طبیعی شرح ابن کمونه است و یك صفحه از الهی آنرا هم دارد و بخط نسخ بسیار پاکیزه نوشته شده و بی نقطه است و در پشت برك ۱ نوشته است : ملکه الراجی ... محمد بن محمد بن برکات فی سنة ۹۶۱» ۱۰
(۳۱۴ برك) منطق از برك ۱ ب تا برك ۱۱۴ الف و طبیعی از برك ۱۱۵ ب تا برك ۳۱۴ الف الهی در ۳۱۴ ب . کاغذ ترمه سمرقندی جلد تیماج زرد ساده مقوائی
اندازه : ۱۶×۵ر۲۴ و ۵ر۱۲×۵ر۲۰ س ۲۳

[۱۵۳] توحید (عربی) ۱۵

دانشمند محمد سراب تنکابنی (زنده در ۱۰۸۸ــ۱۱۱۵) در این دفتر از صدرای شیرازی در حاشیه بر الهیات شفا و از شمسای گیلانی در ردی که بر شبهه ابن کمونه کرده‌اند خرده میگیرد و از گوهر مراد لاهیجی نیز آورده رد میکند وی آنرا در ذی حجة ۱۱۰۳ بپایان رساند .

آغاز : بسمله الحمد لله رب العالمین .. اما بعد فقد قال الفاضل المحقق مولانا صدر الدین محمد الشیرازی فی حاشیته علی الهیات الشفا و العالم الربانی مولانا شمس الدین محمد الجیلانی فی بعض رسائله . ۲۰

انجام : فی دفع شبهة مشهورة و تقویة دلائل فی الکتب مذکورة قد فرغ من تحریره فی اواخر شهر ذی الحجة الحرام من شهور سنة ۱۱۰۳ ثلث و مأته و الف مؤلفه . . . محمد بن عبدالفتاح التنکابنی غفر الله ذنوبهما و ستر عیوبهما .

[۱۷۹] ۲۵

۸۸۸ این نسخه شماره ٤ دفتری است دارای ۹ رساله و بخط تعلیق محمد بن حبیب تاریخ پنجشنبه نزدیك بپایان محرم ۱۱۰٤ میباشد گ ۹۰ ب ــ ۹۳ الف و شماره ۳ رساله فصول از آن همین تنکابنی است بتاریخ شعبان ۱۰۹۸ بخط تعلیق محمد

جعفر از دوستان او درآدینه ۲۲ رمضان ۱۱۰۱ وشماره ۷ رساله رؤیت هلال رمضان پیش‌اززوال که موجب افطار است یا نه از همو بتاریخ ۲٦ محرم ۱۱۰٦ وی در ۷ رمضان ۱۱۰۹ بران بندهائی افزود ومحمدبن حبیب گیلانی نوشتن نسخه را دربامداد آدینه صفر ۱۱۰٦ درچهارباغ قهوه‌ئی برابرشبکه آغاز ودرمدرسه مرحوم ملاعبدالله شامگاه همانروز بپایان رساند و دردوشنبه ۱۳ صفر درزمان (دهی درسپاهان) آنرا مقابله نمود ودر۹ صفر ۱۱۰۹ افزوده‌ها را بدان پیوست . شماره ۸و۹ حجیت اجماع واخبار بتاریخ رمضان ۱۱۱۵ ازهمو ورساله نمازآدینه اواست که بهمان خط وناقص است (ص ٥٦ همین فهرست) .

[١٥٤] توحید (عربی)

این گفتار ازامام جعفرصادق ع (۸۳ـ۱٤۸) دانسته شده که درچهارنیمه روز برای ابی‌عبدالله یاابی‌محمد مفضل‌بن عمرجعفی کوفی (۱) فرموده واونوشت برخی

---

۱ — شیخ طوسی درفهرست (نجف ۱۳٥٦ ص ۱٦۹) از «وصیت» و «کتاب» او یاد کرد ودررجال (ش ۹۷۹ گ ٥٦) اورا ازیاران صادق ع برشمرد ودرغیبة اورا ثقة دانست و مفید درارشاد (ایران ۱۳۱۷ ص ۲٦٤ نیز ترجمه آن از محمد مسیح کاشانی بنام تحفه سلیمانیه ایران ۱۳۰۳ ص ٤۳٥ـ٦) ازشناختگان ونزدیکان صادق ع و از فقیهان نیك که نص برامامت کاظم ع را روایت کرده‌اند بشمارآورد ولی علامه دررجال (تهران ۱۳۱۱ ص ۱۲٦) او را در بخش ضعیفان یاد کرده و گفت « فاسدالمذهب مضطرب‌الروایة لایعبأ به متهافت مرتفع‌القول خطابی وقدزید علیه شیء کثیر و حمل‌الغلاة فی حدیثه حملا عظیما ولایجوز ان یکتب حدیثه » و کتابی از او یاد نکرد . ابن شهر آشوب در معالم‌العلماء (تهران ۱۳٥۳ ص ۱۱۰) از « وصیت » و « کتاب » و «اهلیلجة» که صادق ع درتوحید برای او فرمود یاد نمود . علی بن طاوس در کشف‌المحجة لثمرةالمهجه (نجف ۱۳۷۰ ص ۹) از کتاب او درنشانه‌های آفرینش که امام بدو گفته واز اهلیلجة یاد کرد ودرامان‌الاخطار (ش ۱۰۱۸ گ ٥٦ الف) گفت که اهلیلجه (گفتگوی صادق ع با دانشمندی هندی) وتوحید مفضل ومصباح‌الشریعه ومفتاح‌الحقیقه را باید درسفرها همراه داشت . نجاشی و کشی وابن الغضائری مفضل‌را غالی وخطابی وضعیف وفاسدالمذهب ومضطرب‌الروایه‌دانستند ونجاشی کتابهای او را فهرست داد و گفت بدانها نتوان گرائید و از چند کتابی که نام میبرد : (کتاب‌الفکر — بدءالخلق والحث علی‌الاعتبار — وصیت) شاید یکی از اینها همین توحید باشد ابن‌الغضائری میگوید که غالیان حدیثهای اوراروایت میکردند . مجلسی در ج ۲ بحار ص۱۷ تا٦۲ توحید واهلیلجه که امام صادق ع بدرخواست مفضل دررد ملحدان‌زمان نگاشته است آورد وبندببند گزارش کرد و گفت که ایندوا گرچه مرسل هستند ولی شهرت آندورا ازمفضل میداند وابن طاوس ودیگران بدان گواهند . وضعف محمدبن سنان و مفضل راهم نمی‌پذیریم آنهم متن ایندو بر درستی آنها گواهی میدهد گذشته از اینها درایندو گفتار برهانهائی است که با ورداشتن آنها بدرستی خبر بستگی ندارد (بحار ج ۲ ص ۱۸)

نیزنگاه به : ذریعه ج ۲ ص ٤۸٤ ج۳ ص۳۱۰ ج ٤ ص۹۱ — ٤۸۲ — رجال مامقانی ج ۳ ش ۱۲۰۸٤ ص ٤۲ — ۲۳۸ .

آنرا «کنز الحقایق والمعارف» نامیدند ودر پایان بخش یکم «کتاب الادلة علی الخلق والتدبیر والرد علی القائلین بالاهمال ومنکری العمد» خوانده شده (ص ۳٤) داستان آن چنین است: مفضل بگفته محمدبن سنان شامگاهی در آرامگاه پیامبر میان قبر ومنبر نشسته بود ودرباره بزرگواریهای او میاندیشید ابن ابی العوجاء (۱) با یاران خویش دررسید اینان نیز درباره برتری و پیشرفت پیامبر گفتگو میکردند یارش گفت اوفیلسوفی بود که خودرا از گرانمایگان خواند وخردمندان وسخنوران ازاو پذیرفتید ودین اودرهمه جا رواگردید ابن ابی العوجاء گفت من درریشه دین وخدای جهان سخن دارم تا چه رسد بپیامبر مفضل این را که بشنید بااو پرخاش کرده بیدینش خواند وی گفت اگر متکلمی با تو سخن خواهیم گفت واگر ازشاگردان صادقی ع اومردی است بردبار است ودشنام نمیگوید و بنرمی سخن میراند تا برماچیره گردد. مفضل اندیشناك ازمسجد بنزد امام رفت وسر گذشت بگفت امام این گفتار را برای او گفته واو بنوشت. در آغاز جهان را شناساند ودربخش یکم آن که کالبد شناسی است ازمتکلمان وفیلسوفان ناتوان یاد شده وازسخنان آنها خرده گیری گشت دردومی وسومی ازجانوران و گیاهان و کانها و کائنات جو وستارگان سخن بمیان آمد واز معطلان یادگردید درچهارمی ازبخت واتفاق وازخرد و گفتار فیلسوفان ومهندسان درباره آفتاب سخن رانده شده و از اصحاب طبایع ومعطلان ومانی و مانویان یاد

---

۱ — عبدالکریم بن ابی العوجاء ربیب حمادبن سلمه و دائی معن بن زائده بود و از شاگردان حسن بصری (۲۲ — ۱۱۰) که از او بر گشت. اززندیقان و مانویان بشمار میآمد وبتناسخ میگرائید گویند که رفض را دوست میداشت ومردم سادهرا با اصل تعدیل وتجویر بدوگانه پرستی میخواند وازروش مانی میستود اورا قدری نیز پنداشتند با ابن مقفع وابن طالوت و ابن الاعمی و زندیقان دیگر یار بود و با صادق ع گفتگوها نمود سخنانی ازخود ساخته وبپیامبر بست وچهار هزارحدیث بساخت وشیعیان را ازدیدن ماه بازگرداند وحسابی برای هلال رمضان درست کرد و بصادق ع بست. ابوجعفر محمدبن سلیمان هاشمی م ۱۷۳ پسرعم وفرمانداری منصور (۱۳٦ — ۱۵۸) دربصره همینکه داستان این حساب را بشنید دستور داد که در کوفه اورا بسال ۱٦۰ کشته و بدار آویختند — نگاه به: امالی مرتضی مصر ۱۳۲۵ ج ۱ ص ۹۵ — الهند بیرونی ص ۱۳۱ — الفرق بغدادی مصر ۱۳٦۷ ص ۱٦۳ — التبصیر اسفرائینی ص ۸۱ — من تاریخ الالحاد فی الاسلام ص ۳٦ — ۳۷ — ۳۹ ٦۸ — ٦۹ الکنی والالقاب وهدیة الاحباب قمی درهمین کلمه.

گردید و گفته شد که یونانیان جهان را «قوسموس - آرایش» مینامند و ازچهار گونه شناخت (۱) (ص ۹۲) واز خرده گیری که ارسطو از بخت و اتفاق کرده است (۲) (ص ۹۳) یاد شد.

امام در پایان بخش چهارم نوید میدهد که سخنانی درباره آسمان و زمین و شگفتیهای آفرینش و فرشتگان برای او بگوید این راهم که مانند خود توحید در دسترس نبوده اخیراً میرزا ابوالقاسم ذهبی شیرازی جسته وهمه را در تباشیرالحکمه فارسی خود (ایران ۱۳۱۹) آورده و گفت گرچه همه اینها با سند های معتبر بمن نرسید ولی می‌نماید که از امام باشد (ذریعه).

[۱۸۰]

۱۰۴۶ این نسخه شماره ٤٤ دفتر است و بخط تعلیق خوش و مورب گ ۲۱٦ الف - ۲٤۲ ب. توحید درایران و بغداد بچاپ رسید و مجلسی دوم آنرا بپارسی کرد (چاپ ایران ۱۲۸۷) و محمد صالح بن محمد باقر قزوینی روغنی در ۱۰۸۰ و شیخ فخرالدین ترکستانی ورارودی قم‌نشین که شیعه گشت در ۱۰٦٥ آنرا ترجمه کردند وهمین ترکستانی باز آنرا برای حاج نظرعلی بپارسی شرح کرد و باقر بن اسماعیل واعظ کجوری تهرانی (م طوس ۱۳۱۳) آنرا شرح نمود واسماعیل بن حسین تبریزی بنظم درآورد نیز در $\frac{۱۳٦۹}{۱۹٤۹}$ درنجف با اهلیلجه بچاپ رسید.

[۱۵۵] ثئولوجیا (عربی)

ثئولوجیا (ثئولوگیا) گزیده‌ایست از انثاد (تاسوعات) شیخ یونانی پلوتینوس فیلسوف عارف نوپلاتونی (۲۰۵-۲۷۰ م) که فرفوریوس صوری (۲۳۳ - ۳۲۲ م) آنرافراهم آورد این گزیده با دیباچه‌ای درسده ششم بنگارش در آمده وابن ناعمه حمصی نزدیك بسال ۲۲٦ (۸٤۰ م) آنرا ازیونانی یاسریانی بتازی درآورد و کندی (۱۸۸ - ۲۵۸) برای مستعین (۲٤۸ - ۲۵۲) پسر معتصم (۲۱۸ - ۲۲۷) اصلاح نمود فهرست دیباچه آن نزدیك بهمان فهرستی است که فرفوریوس در (زندگی پلوتینوس) برای انثاد نوشت ترجمه لاتینی ازاین گزیده هست که از ترجمه تازی

---

۱ - بنگرید: آغاز مقاله ۲ برهان ارغنون ارسطو وفصل ۱ مقاله ٤ فن ٥ منطق شفا
۲ - نگاه به: فصل ٤ و ٥ و ٦ کتاب ۲ طبیعی ارسطو

دیگری فراهم آمده یا گزیده است ازهمین ترجمه . گر چه کندی در (کمیة کتب ارسطو) از ثئولوجیا یاد نکردهگراینکه فارابیدر(جمع) واخوان صفا در(دفتر۳ بخش‌ریاضی‌چاپ مصر ج۱ ص ۹۲) وشیخ‌رئیس درنامهٔ بکیا (ارسطوعندالعرب‌ص ۱۲۱) که ازشرح‌خود بر آن یادمیکندوسید داماد درقبسات‌وصدرای‌شیرازی از آن بهره برده‌از آن ارسطویش دانستندجزاینکه ابن‌سینا در آن نامه‌میگوید (علی‌مافی اثولوجیامن‌المطعن) قاضی سعید قمی‌بر آن تعلیق‌نوشته (ش‌۱۵/۱۰۳۰) وتقی‌الدین فارسی آنرا تحریر و فاضل عیلقلی شرح کرد (ذریعه ج ۱ ص ۱۲۰) . باری این دفتررا فیلسوفان خاوری از ارسطو میدانستند. دیتریسی این کتاب را بنام‌اثولوجیا بسال ۱۸۸۲ و ترجمه آلمانی آنرا در ۱۸۸۳ درلایپتسیك بچاپ رساند و در کنار قبسات داماد درایران بسال ۱۳۱٤ نیز چاپ شد .

برهیه درفلسفه سده های میانین (ص ۷ـ۸۳) اثولوجیا وتاسوعات را باهم سنجیده ودرترجمه خویش از انئاد (ج ٤ ص ۲۱۸ حاشیه ش ۱) میگویدکه من دراینجا متن یونانی انئادرا ازروی ترجمه آلمانی‌اثولوجیادرست کرده‌ام. ماسینیون در (متون ص ۱۷٦) نیز بند۱ بخش ۸ انئاد ٤ (ص ۲۱٦ ج ٤ برهیه) را با میمر ۱ آن (ص۱۷۱چاپ تهران) وبند ٥ بخش ۸ انئاد ٥ را با میمر ۱۰ سنجید وچنانکه خود سنجیده‌ام آغازسخن پس‌ازفهرست درمیمر ۱ اثولوجیا (ص ۱٦۸ س۱٥) برابر است با بند ۱۳ بخش ۷ دفتر ٤ انئاد (ج ٤ ص ۲۰۹ ترجمه برهیه) و بهمین‌گونه میتوان دومتن را باهم سنجید تا پایان اثولوجیاکه برابر است با نیمه بند ۷ بخش ۸ دفتر ٥ انئاد (ج ٥ ص ۱٤۳ س ۲٦ برهیه) (۱) .

۱ــ نگاه به : فرهنگ دهخدا در ثئولوجیا ــ ترجمه فرانسوی انئاد از برهیه و Philososihie du moyen age ازهمو ص۸٦حاشیه ش۱وص۷-۸۳-ملل‌و نحل‌شهرستانی (ص ۷ ــ ۷۲و۸۸ ــ ۹۳ج۳) وترجمه آن ص٤٤۷و٤٦۷ ــ قفطی ص۷۰ ــ ۱٦۹ــ ابن‌ندیم ص ۳٥٤-شهرزوری (ش ۸٥٦ گ ۷۷ب)ــ محبوب‌القلوب ص۱٥۱و۹ــ۱۲۷ــ خریف الفکرالیونانی بدوی ص ۱٦۸ ــ تاریخ فلسفه برهیه بفرانسه ج ۱ ص ٤۹۹و٤۷۱وتاریخ فلسفه آلبرریوو بفرانسه ج۱ ص۵۲۱ و ٥٤۱-دائره‌المعارف‌اسلامی(اثولوجیا)معجم‌المطبوعات. میمرواژه‌ای است سریانی برابر با بند وسوگند و کتاب‌المیامر جالینوس وامپدکلس‌ومیمر تیودورابی‌قره یادشده‌است. سید داماد درحاشیه قبسات‌ص۹ میکوشد که آنرا تازی بسازد!!

[۱۸۱]

۴۰۲ این نسخه شماره یکم دفتری است دارای ۱۳ رساله و گفتار که ششم آن خبر «سئل امیرالمؤمنین عن العالم العلوی ...» در گ ۵۶ ب میباشد و گفته اند از علی ع پرسیده شد جهان برین چیست واو در پاسخ فرموده است : « صورعارية عن المواد عالية عن القوة والاستعداد تجلی لها فاشرقت وطالعها فتلالات فالقی فی هویتها مثاله فاظهر عنها امثاله » « وخلق الانسان ذا نفس ناطقة ان زکاها بالعلم والعمل فقد شابه جواهر اوائل العلل واذا اعتدل مزاجه وعدم الاضداد شاکل بها السبع الشداد» این پاسخ دو بند از گفتار شیخ رئیس است که در ستایش و نیایش خداوند ساخته و دانشمند عمر بن ابراهیم خیام نیشابوری (۴۵۵ ـ ۵۱۵) آنرا بدرخواست گروهی از یاران خویش درسپاهان بسال ۴۷۲ بپارسی درآورد . گویا این دو بند را بهم پیوسته و پاسخ علی ع بچنان پرسشی دانسته اند. ازریخت و ساخت آن هم پیدا است که چنین گفتاری از سده نخستین اسلام نیست و اینگونه خبرها چندتائی در کتابها دیده میشود که بسبك سخنان صوفیان و باطنیان وفیلسوفان نزدیکتر میباشد و از آنهاست خبر کمیل درباره چهار گونه نفس که مجلسی درآسمان وجهان بحار (ج ۱۴ ص ۴۱۱) آورده واز یاوه‌های صوفیان دانست نه فرموده امام . پس از این خبر « اذا تم العقل نقص الكلام » و گفتار فارابی درباره تعقل خداوند وخبر کمیل درباره نفس (۵۶ ب ـ ۵۷ الف) . و ۱۳ آن دو بند است در نجوم نخستین دراحکام و اسرار حالات ستارگان و دومی درشناختن اوج سال ۶۷۳ تازی (۶۴۴ پارسی) که گفته‌های بطلیموس و اصحاب الممتحن و ابن یونس درزیج حاکمی درباره اوقات با قیاس بدرجه درآن آمده است (۱۴۰ ب ـ ۱۴۱ الف) .

همه این رساله‌ها و گفتارها بخط تعلیق است و اثولوجیا از برك ۱ ب تا برك ۵۲ الف درتاریخ ۱۰۸۰ نوشته شده است .

(همه این دفتر ۱۴۴ برك) ـ کاغذ ترمه سمرقندی ـ جلد تیماج مشکی ساده
اندازه : ۱۲×۱۹ و ۸×۱۴٫۵ س ۲۳

[۱۵۶] جام جهان نما (فارسی)

از غیاث الدین منصور دشتکی در اینکه مردمی چیست و درخوشبختی دوجهانی و پاکیزه ساختن خوی ورفتار . دشتکی دردیباچه از دوانی ببدی یاد میکند و این بخش که رساله یکم وجه سوم جام جهان نمای اوست دردومجله میباشد نخستین دارای ۴ تجلیه ودوم ۳ تجلیه .

آغاز : بسمله . . .

حمد بیحد ز ازل تا باید

احدی را که جز او نیست احد

منشی هرحرف که ازمبدء انشابواسطه قلم اعلا برسرلوح هستی آمده رقیم اسمی است از اسماء حسنی او . . . باعث . . . غیاث مشهور بمنصور برتحریر این سطور .   ۵

انجام : وارباب براعت این صنعت . . . بعبارات تعبیرنمایند ودرمعانی آنرا خارج کلام . . . خوانند ودربدایع آنرا . . . اعاده نامند .

[۱۸۲]

۱۰٤٦ این نسخه شماره ۲ دفتر بخط شکسته تعلیق بتاریخ ۱۰٤۳ درتبریز گ ۲ ب - ۲٤ الف .   ۱۰

[۱۵۷] **جامع‌الافکار و ناقدالانظار** (عربی)

نگارش دانشمند مهدی‌بن ابی ذر نراقی (م ۱۲۰۹) درشناخت خدا که درکاشان درع ۱ سال ۱۱۹۳ آنرا بپایان‌رساند وبزرگترین کتابی‌است که دراین‌باره نوشته شده و در یك مقدمه وچند مقصد است. نراقی در پایان کتاب از مردن شاه و درگذشت فرزندان و بیماری وبا و زمین لرزه سخت مینالد . دردیباچه از خود و نام کتاب یاد میکند و میگوید که درآن از حواشی شرح جدید تجرید و آراء دیگران خرده میگیرم ازاینرو آنرا « جامع‌الافکار » نامیدم .   ۱۵

آغاز : الحمدلله الذی دل علی ذاته بذاته و تجلی لخلقه ببدایع مصنوعاته .

انجام : ونسئله‌ان یکون ذالك آخر الرزایاوالمصائب وخاتمة‌البلایا والنوائب وان یصلح جمیع امورالمسلمین بمحمد وآله سادات‌الخلق اجمعین .   ۲۰

[۱۸۳]

۲٦٦ این نسخه بخط تعلیق با عنوانهای شنگرف در متن و هامش و روی آغاز هر گفتاری خط سرخ کشیده شده ومحمدبن‌الحاج طالب طاهر آبادی‌ازروی نسخه خط نراقی ودرزمان او درمحرم سال ۱۱۹٤ آنرا نوشت و در گ ۱   ۲۵

الف همو نوشته‌است : « کتاب جامع الافکارمن مؤلفات افضل المتأخرین المحقق النراقی زید احترامه حرره بیمناه‌الداثره اقل تلامذته محمدالطاهر آبادی فی سنة ۱۱۹۲ ؟ » ازاینجا برمیآید که نراقی ازاین تاریخ یا پیش‌ازآن بنگارش کتاب پرداخت وشاگرد اوهم ازروی‌آن می‌نوشت . طاهرآبادی درپایان نسخه نیزخودرا شاگرد نراقی‌نشان ۵ داده وازاین کتاب بستود .

(۲۴۹ برگ) — کاغذ فرنگی — جلد تیماج سرخ ساده
اندازه : ۱۷ر۵×۲۸ و ۱۰×۱۸ر۵ س ۲۹

[۱۵۸] جاودان نامه (فارسی)

ازافضل‌الدین محمدبن‌الحسن بن‌الحسین‌بن‌محمدبن‌خوزه مرقی کاشانی‌فیلسوف ۱۰ عارف پارسای شاعر(م نزدیک۶۶۷) (۱) که درفارسی‌نویسی بسیارتوانا ودرنگارش مطلبهای باریك عرفان و فلسفه از بکاربردن تازی بی‌نیاز بوده است و نوشته های او بسیار شیرین وشیوا میباشد دفترها و گفتارها و نامه های چندی بپارسی و تازی از او بیادگارمانده که بیشتر آن دراین کتابخانه هست (۲) آیات‌الصنعه اودرجامع البدایع درمصر بسال ۱۳۳۵ بچاپ رسید . جاودان نامه او در ٤ باب ودرشناختن ۱۵ دانش و روان و آغاز و انجام میباشد و درتهران بسال ۱۳۱۲ خ و در بخش یکم نگارشهای کاشانی شماره ۱۳۸ دانشگاه بسال ۱۳۳۱ خ بچاپ رسید . نسخه های آن یکسان نیستند مانا چند بار بنگارش‌درآمده یا اینکه نویسندگان در نسخه ها

۱— برای سرگذشت باباافضل نگاه کنید به : احوال و آثار او در دیباچه رباعیات همو بخامه دانشمند سعید نفیسی چاپ تهران ۱۳۱۱ — ریحانةالادب تبریزی ج ۱ ص ۱۳۰ ۲۰ گفتار دکتر خضیری در رسالةالاسلام ش ٤ سال۱ص۱۰ — ۴۰۳ — سید قطب‌الدین محمد تبریزی (م نزدیك ۱۱۷۳) درفصل الخطاب (ش٣٦٤ص ۷۱) میگوید : « ومنهم (الفضلاء العارفون) خال نصیرالدین الطوسی بابا افضل‌الکاشی » در هامش دارد : « وهوالشیخ حسن‌بن محمدالنامقی له رسائل کثیرة والمشهور ببابا افضل‌النامقی‌الساوجی رحمه‌الله‌الکاشی سکن کاشان مدة » - نیزذریعه ج۵ ص ۷۷

۲۵ ۲— یکی ازنگارشهای او که دراینجا نیست منهاج‌المبین لاصابةالیقین درمنطق‌است که بسیارساده وشیوا میباشد ومانا ازروی « العلم والنطق » شیخ رئیس (ش ۲۹۱۲ گ ۳۰۳ — ۳۱۵ سپهسالار) بپارسی پرداخته شد ونسخه پاکیزه‌ای ازآن در کتابخانه مروی ش ۸۷٤ هست ونسخهٔ ش ۱۲۱۵ ص ۳۱ — ۱۷۷ سپهسالارازپایان کم دارد رأی درباره خلف که درشرح اشارات طوسی آورده شد درهمین کتاب هست .

دست برده‌اند . بابا درباره این کتاب میگوید :

« گر جان دلت بجاودان نامه رسد
گر جان بدل تو جاودان نامه رسد
خود را زدرون بوی رسان چون بیرون
چشمت بنگار و کاغذ و خامه رسد » ۵

(هامش صفحه۱ ش ۴۲۸/۹) .

[۱۸۴]

۴۰۲ این نسخه شماره ۱۲ دفتر و بخط شکسته تعلیق ریز گ ۱۲۲ ب ـ ۱۴۰ الف میباشد .

[۱۸۵] ۱۰

۴۲۸ این نسخه شماره ۹ دفتراست و بخط شکسته تعلیق خوش گ ۳۱ ب ـ ۶۴ ب وفهرست در گ۳۱ الف· کتابرامصطفی تهرانی در ۴ صفر۱۳۰۶خوانده و دوست او محمد نسخه را درهمین سال بدو بخشید درهامش ص ۱ شرحی کوتاه درباره کاشی نوشته شده وشعرخواجه درباره او یاد گردید.

[۱۸۶] ۱۵

۴۳۱ این نسخه شماره۲۲ دفتر وبخط تعلیق محمدعلی درمدرسه سپهسالار میرزا محمد خان قاجار سال ۱۳۰۳ که در ج ۲ این سال نسخه‌های این دفتر را مقابله نمود گ ۳۴۰ ب ـ ۳۹۶ الف .

[۱۸۷]

۱۰۳۶ این نسخه شماره ۸ دفتری است دارای یازده رساله و بخط تعلیق خوش ۲۰ تاریخ ع ۲ سال ۱۱۰۴ گ ۵۶ ب - ۷۷ ب

(همه دفتر ۱۴۴ ۳) - کاغذ سمرقندی - جلد تیماج مشکی ساده

اندازه : ۱۴×۱۹ و ۸×۱۵ س ۱۵

[۱۸۸]

۱۰۴۶ این نسخه شماره ۳۲ دفتر است و بخط تعلیق رجبعلی در ۱۲ ج ۱ سال ۲۵ ۱۰۶۲ گ ۱۴۳ ب ـ ۱۵۹ الف .

[۱۵۹] **جبر و اختیار** (عربی)

این گفتار ازخواجه طوسی است و در آن ازآزادی خواست و اراده مردمی گفتگومیشود .

آغاز : افعال العبد ینقسم الی ما یکون تابعاً لقدرته وارادته والی مالایکون

۵ **انجام** : و اذالم یکن للعلم اثر فی العقل فلا یکون الفعل بالجبر والایجاب والله اعلم.

[۱۸۹]

۳۷٤ این نسخه شماره ٤ دفتر و بخط تعلیق شکسته سال ۱۰۸۵ گ ٦۰ الف ـ ٦۱ الف .

۱۰ [۱٦۰] **جبر وقدر** (فارسی)

این گفتار نیز ازطوسی است ودر ده فصل میباشد و میرداماد فصل نهم آنرا در پایان ایقاظ ٥ ایقاظات (هامش قبسات ص ٤۲ ـ ۱۳۸)آورده است در آستانه طوس عربی همین رساله نیزهست (ج ٤ ص ۱۲۱) .

آغاز : بسمله الحمدلله رب الارباب و مسبب الاسباب . . . بحکم آنکه بعضی

۱۵ برادران دینی برسبیل حسن الظن بمحرر این سواد تصور آن داشتند که درمباحثه چشم ودیداری دارد اقتراح کردند که . . . درمسئله جبروقدر . . . برسیاقت تقریر وتفهیم نه برطریق جدل ونظر تحریر کند .

انجام : هرچه کهمعقول وموهوم ومتخیل ومحسوس خلق باشدازو تعالی مسلوب باشدواواز آن منزه وواوازین تنزه هم منزه اذابلغ الکلام الی الله فامسکو. تمت الرسالة

۲۰ والحمدلله رب العالمین (والسلام علی خیرالانام محمد وعلی آله واصحابه اجمعین) .

[۱۹۰]

۳٤۰ این نسخه شماره ٤ دفتر است و بخط تعلیق ریز تاریخ ۱۲٦۰ گ ۳۹ ب ـ ٥٦ الف .

[۱۹۱]

۸٦۳ این نسخه شماره ۳ دفتر وبخط شکسته تعلیق گ ۱۸ ب ـ ٤۹ ب میباشد .

[۱۶۱] **جذوات** (فارسی)

ازمیرداماد که بدستور شاه عباس (۹۹۶-۱۰۳۸) نوشته ودردیباچه اورا بسیار میستاید و دراین باره است که چراگوه طور هنگام آشکار شدن خداوند سوخت و تن موسی نسوخته است و میخواهد این مسئله را که مورد گفتگوی دانشمندان هند شده وازدربارشاه عباس پرسیده بودند بگشاید وکتاب در ۱۲ جذوه ودوازدهم آن ۲٤ میقات است ودر بمبئی بسال ۱۳۰۲ بچاپ رسید دامادداین جا بروش فلسفی خودکاوش نموده وازعلم حروف هم آورده است وسبك فارسی آن هم بسیاردشوار میباشد و همان کلمات تازی که درکتابهای خود بکار میبرد دراینجا آورد و تنها رابطه‌ها فارسی است .

[۱۹۲]

۳۸۲ این نسخه شماره ۲ دفتری است دارای دورساله بخط تعلیق ریزخوش ومورب ونشانه‌ها وعنوانها شنگرف گ ۱ ب - ۱۱٦ الف بیشتر آن ازروی نسخه خط داماد نوشته شده و دوباره همه آنرا با خط او برابر گردید چنانکه دربرك ۱۱٦ الف این نکته یادگردید و سه صفحه آغاز نسخه فهرست است (برگ ج و د) .

(٦ + ۱۱٦ + ۳ برك) کاغذ فرنگی - جلد تیماج زرد
اندازه : ٥ر۹×٥ر۱۹ و ۷×۱٥ س ۱۹

[۱٦۲] **جلوات ناصریه** (فارسی)

از ملامحمد اسمعیل بن محمد جعفر سپاهانی که برای ناصرالدین شاه قاجار (۱۲٦٤-۱۳۱٤) دروحدت وجود نوشته است .

آغاز : بسمله سبحانك اللهم یامن تحیرت العقول فی کنه‌ذاته ... چون مسئله توحید از اشرف مسائل الهیه واهم مقاصد ایمانیه بود .

انجام : هذا کتابنا ینطق علیکم بالحق الموسومة بالجلوات الناصریة .

[۱۹۳]

۷۸۰ این نسخه شماره ۱ دفتری است دارای ٥ رساله و بخط شکسته تعلیق محمد علی کرمانشاهی بتاریخ ذی حجه ۱۲۸۷ گ ۱ ب - ۲٦ ب وبرگهای ۱۳ ب تا ۱٦ ب سفید ومیانه این رساله را ندارد (نشانه در ص ۱۹٤ ج ۱) .

[۱٦۳] **الجمع بين الرأيين** (عربی)

نگارش فارابی است که درص۹۰ شناسانده شده ودر آن بپیروی ازفیلسوفان اخیر یونان کوشید که میان سخنان افلاطون وارسطو سازش دهد.

[۱۹٤]

۲٤۰ این نسخه شماره ٤ دفتر است و بخط نسخ گ ۱۰ ب - ۲۲ ب

[۱۹٥]

۲٥۳ این نسخه شماره ٤ دفتر است و بخط تعلیق ریز حیدر بن علی کرکی گ٥٤ب ٦۹ الف.

[۱٦٤] **جوابات لمسائل متفرقه** (عربی)

۱۰ نگارش فارابی است که در ص ٤۷ یاد شد و فیلسوف در آن از ٤۱ مبحث گوناگون فلسفی سخن راند.

[۱۹٦]

۲٤۰ این نسخه شماره ۷ دفتر و بخط نسخ گ ۳۱ ب - ۳۸ الف.

۱٥ [۱٦٥] **جوامع** (   )

ابن رشد اندلسی (٥۲۰ - ٥۹٥) بسیاری از کتابهای فلسفی ارسطو را گزین نموده که بنام شرح کوچك یاجامع یادمیگردد (ص ۲۸ این فهرست) وازآنهاست گزیده سماع طبیعی‌و آسمان وجهان و کون وفسادو آثارعاوی و نفس‌ومابعدالطبیعه که دردکن بسال۱۹٤۷ بچاپ رسید ومابعدالطبیعه آن را نیزخانجی در مصرچاپ ۲۰ کرد چهار کتاب نخستین را ابن رشد در روز دو شنبه ۱٦ ع ۱ سال ٥٥٤ بانجام رساند (پایان آثار علوی) مابعدالطبیعه او چهار گفتار بیش نیست و گفتار پنجم را که مبادی علوم بایستی در آن گزین شود و خود اوهم نوشتن آنرا نوید داده بود چون ناگزیر ندانست بنگارش درنیاورد (پایان چاپ هند) ابن‌رشد در برابر کسانیکه نادریافته بر کتابهای ارسطو رد نوشتند یا اینکه مانند غزالی در مقاصد نتوانستند ۲٥ بخوبی آراء ارسطو را آشکار سازند این کتابها را گزین نموده و سفارش میکند

که پیش‌از آن کتابهای منطقی فارابی یا « مختصر صغیر » خود او را ببینند (آغاز طبیعی) بازدرطبیعی از « موجودات متغیره » فارابی یاد میکند ودرالهی ازابن‌سینا وتهافت غزالی خرده میگیرد ودر آثار علوی ازشکاف و لرزش زمین که دربانده‌وجز قرطبه رخ داد یاد میکند.

۵ [۱۹۷]

۲۷۵ این نسخه بخط تعلیق با عنوانهای شنگرف فریدون بن محمد بتاریخ روز یکشنبه ۲۹ ج ۲ سال ۱۰۶۱ و ۱۷ ع ۲ سال ۱۰۶۳ وبرابر است با چاپ هند ولی کتاب نفس را ندارد واز کتابخانه صنیع‌الدوله بوده ومهرآن دیده میشود . سماع طبیعی گ۲ ب ـ ۳٤ ب وسماء وعالم ۳٤ ب ـ ٥٤ الف وکون وفساد ۱۰ ٥٤ الف ـ ٦۲ ب و آثار علوی ٦۲ ب ـ ۸۹ الف و الهی ۹۰ ب ـ ۱۲٥ الف . نسخه را همین فریدون مقابله نمود ـ نسخه شماره ۱۲۸ مجلس (ج ۲ ص ٦٦) همه بخشها را دارد .

(۱۲۵ گ) ـ کاغذ سمرقندی ـ جلد تیماج ساده
اندازه : ۱۳×۵ر۲۵ و ۹×۱۹ س ۲۳

۱۵ (عربی) جوهریة النفس [۱٦٦]

شیخ رئیس این رساله را برای برخی از یاران خویش دربـاره گوهربودن وپایندگی وسعادت وشقاوت روان نگاشته و ده دلیل برای گوهربودن روان آورد. و درمجموع رسائل دکن بنام رسالة فی السعاده بسال ۱۳۵۳ بچاپ رسید و قنواتی در ش ۸٤ آنرا شناساند .

۲۰ [۱۹۸]

۱۰۷٤ این نسخه شماره ۱ دفتروبخط تعلیق ریزو گاهی بی‌نقطه از گ ۱ ب تا ۱۸ الف میباشد ودررجب ۱۰٦۱ نوشته شد .

(فارسی) چگونگی دانائی خدا [۱٦۷]

عبدالرحیم رضوی حسینی علوی دراین رساله ازدانائی خداوند گفتگونمود ۲۵ ودرآن ازکلمات مکنونه فیض (٦۱ الف) یاد کرد و از آیات واخبار گواه آورد .

آغاز : بسمله الحمدلله رب العالمین . . . و بعد عبد سقیم . . . و اذل سادات

داعی دولت بهیه عبدالرحیم الرضوی الحسینی العلوی بعرض عالی میرساند که مسئله کیفیت علم خداوند . . . باشیا ازجمله مسائل ضروریه درمذهب نیست .

انجام : زیاد نوشتن مورث ملال ناظرین است و کفایت نمودم بهمین . . . وقدتم بید مؤلفه السقیم عبدالرحیم الرضوی الحسینی العلوی فی مدة اربعة عشر ساعة .

۵

[۱۹۹]

۸۸۷ این نسخه شماره ۳ دفتری است دارای چهار رساله در کلام وفلسفه وبخط تعلیق گ ٥٤ ب ـ ٦٦ الف .

(همه دفتر ۸۲ گ) . کاغذ سپاهانی ـ جلد مقوائی
اندازه : ۱۷×۲۳ و ۱۳×۱۸ س ۲۴

۱۰ [۱٦۸] **چهارعنوان** (فارسی)

دانشمند باباافضل کاشانی کیمیای سعادت غزالی (نگارش نزدیك ۵۰۰) را درچهار عنوان گزین نموده ودر آنها خود وخدا و گیتی ورستاخیز را شناساند وآن در کنار جنگی دارای اشعة اللمعات جامی ومقصد اقصی ومبدء ومعاد نسفی وجواهر یامنتخب مفتاح الاسرار آذری وجزاینها درص ۳٦۵ـ۳۸۱ درایران بسال ۱۳۰۳ بچاپ سنگی

۱۵ رسید .

[۲۰۰]

۳٤۰ این نسخه شماره ۸ دفتری است بسیار پاکیزه افسوس که نویسنده آنرا با «ره انجام نامه» بیامیخت وبارنجی ازهم جدا میتوان کرد وآغاز آن چنین است : « این سخنان کیمیای سعادت است که خواجه افضل الدین کاشی از کتاب کیمیای

۲۰ که امام محمد غزالی ساخته انتخاب کرده وچنین که گوید که نامه مردمی بچهارعنوان تمام بود عنوان اول آنکه حقیقت خودرا بشناسد ... » گ ۱۱۱ ب. اندکی ازعنوان ۱ این رساله هست ومیرسد به عبارت «ومعدن اصلی ومأوای اوحضرت الهی واز آنجا است وبدان باز گردد» گ ۱۱۳ الف (برابر باص ۱٦ ص ۳٦۸ چاپی) نسخه خطی فارسی تراز چاپی است. در مجلس نسخه‌ای ازاین بشماره ٦۲۱/۱٦ هست. پایان آن درچاپی

۲۵ چنین است : « و آن کوری روح است و تخم شقاوت ابدی اجارك الله وایانا منه بلطفه ورحمته » .

[۱۶۹] **حاتمیه** (عربی)

دراین رساله سخنان ارسطو با سروده های ابوالطیب احمدبن حسین متنبی کندی جعفی کوفی (۳۰۳-۳۵٤) سنجیده میشود .

آغاز : قال ارسطو « اذاکانت الشهوة فوق القدرة کان هلاك الجسم قبل بلوغ المراد » المتنبی :

« و اذا کانت النفوس کبـارا
تعبت فی مرادها الاجسام »

انجام : الحکیم « آخر افراط التوانی اول مواردالخوف » المتنبی :

« و غـایة المفرط فی سلمه
کغـایة المفرط فـی حربه »

[۲۰۱]

۱۰۳۵ این نسخه شماره ۳۰دفتراست وبخط نسخ بانشانه‌های شنگرف وحاشیه‌هائی بشکسته تعلیق ودرپایان دارد تمت الرسالة الحاتمیة . . . فی ۱۸ شهر شعبان سنة ۱۰۹۷ - هو فی بعض النسخ بعد قوله کالحکم : الحکیم « لاغنی لمن ملکه الطمع واستولت علیه الامانی » المتنبی « امسیت أروح مثرخازناویدا - اناالغنی واموالی المواعید » . . . فجعل اللطیف من الهواء والکثیف من التراب ص ۲۵۷-۲۶۱

[۱۷۰] **حاشیه اثبات عقل** (عربی)

این رساله حاشیه‌ای است بر «اثبات عقل» خواجه طوسی وگویا ازشمسای گیلانی باشد .

آغاز : ملخص استدلاله قدس سره « ان احکاماً کثیرة صادقة بیقین » .

انجام : فلایکون الحادث منحصراً علی الحادث الزمانی علی ماعرفت مشروحا

[۲۰۲]

۹۲۶ این نسخه شماره ١٤ دفتر وبخط تعلیق ریزگ ۱۵۰ ب - ۱۵۲ الف ودر پایان رمز « س م س دام ظله » دیده میشود و پیداست که نویسنده درروزگارشمسا آنرا نوشت .

[۱۷۱] **حاشیه اثبات واجب** (عربی)

ملامیرزاجان حبیب‌الله باغنوی شیرازی (م ۹۹٤) شاگرد خواجه جمال‌الدین محمودشیرازی این حاشیه را براثبات واجب قدیم دانشمند دوانی درنیمه ذی‌حجه ۹۸۳ نگاشته است.

۵ **آغاز**: بسمله . . . جل جلالك اللهم یا واجب‌الوجود وعم نوالك یا صاحب الافضال والجود . . . فهذه تعلیقات علقها حبیب الله الشهیر بمیرزا جان الباغنوی علی الرسالة القدیمة . . . للعلامة . . . استادی . . . جلال‌الملة والدین محمدبن اسعد الدوانی.

[۲۰۳]

۳۰۳ این نسخه شماره ۳ دفتر واز پایان کم دارد وبدینجا «موجوداً فی‌الذهن بنفسه لابوجهه اجمالا والثانی ان یکون» میانجامد و بخط تعلیق شکسته همان هرابادی خلخالی است که بسال ۱۰۲۶ شماره ۱و۲ ایندفتر را نوشت گ ٤۹ ب – ۹۰ ب دونسخه ازین کتاب درطوس (ش ٤۵۸ و ٤۵۹ ج ٤ ص ٦٦) هست.

[۱۷۲] **حاشیه اثبات واجب** (عربی)

۱۵ ملامیرزاجان باغنوی یکبار دیگر این حاشیه را براثبات واجب قدیم دوانی نگاشته است.

آغاز: بسمله‌وبه نستعین قال المنصف ره اعلم‌البراهین‌المؤدیةالی‌هذاالمطلوب آه اشار الی ان المط برهانی یجب ان (یستعمل) فی اثباته‌المقدمات الیقینیة.

انجام: لوسلم من‌القدح ولایقدح فی منع‌المصنف ولایلزم منه استدراك.

۲۰ [۲۰٤]

۳۵٤ این نسخه پاکیزه بخط شکسته تعلیق محمد حسین‌بن سلطا نحیدرحسینی بتاریخ صفر ۱۱۱۰ است وحاشیه منه قدس سره دارد.

(۹۸ برك) کاغذ سپاهانی - جلد تیماج مشکی وحاشیه آن بـرخی

اندازه: ۱۳×۱۹ و ۷×۱۲٫۵ س ۱۸

۲۵ [۱۷۳] **حاشیه اشارات** (عربی)

دانشمند آقاحسین‌بن جمال الدین‌محمدبن‌حسین خوانساری (۱۰۱٦–۱۰۹۸)

که « استاد الکل فی الکل ذوالجمالین » میخواندندش این حاشیه را براشارات و شرح طوسی وحاشیه دانشمند ملامیرزاجان باغنوی برمحاکمات رازی بسال ۱۰۷۱ نگاشته‌است وازمبحث ماده وصورت وجسم آغازو بمبحث لذت والم پایان میپابد.

آغاز: قال‌المحقق قد عرفت فیما سبق ان‌الاشارة الخ ای‌الحکم‌المصدر بها.

انجام: سواءکان بالنسبة الی‌الجمیع‌اوالبعض‌المدفوع‌فافهم هذاآخرماتیسر لنا من‌الکلام علی‌الشرح وشرح‌الشرح وحاشیة‌المحقق‌الشیرازی‌الباغنوی ... تمت بعون‌الله وحسن توفیقه والاکرام.

[۲۰۵]

۲۸۰ این نسخه بخط تعلیق ریز خوش با عنوانهای شنگرف وگاهی درهامش عنوان مطلب دیده میشود ودر ۱۷۳ الف نشانه (بلغ) دارد و برك آخری نونویس است نسخه ازآن درطوس هست (ج ۱ ص ۲۸ ش ۷۰).

(۲۵۰گ) - کاغذ سپاهانی . جلد تیماج سرخ ضربی

اندازه: ۱۵×۲۹ و ۹×۲۰ س ۲۹

[۱۷٤] حاشیه شرح تجرید (عربی)

دانشمندملامیرزاجان باغنوی م۹۹٤ برحاشیه قدیم‌دوانی برشرح‌جدیدتجرید این حاشیه را نگاشته وگاهی بمتن وشرح تجرید نیز درآن نگریسته است.

آغاز: قال‌المصنف رحمه‌الله امابعد حمد واجب‌الوجود علی نعمائه.

انجام: فان المیل الطبیعی یشتد بحسب القرب من الخیر الطبیعی فیه نظر لان الاشتداد انما هولطول‌الحرکة ... مرتفع جدا ... ان یکون‌الحرکة فی‌الاول اشد من‌الحرکة فی‌الثانی.

[۲۰٦]

۳۷۱ این نسخه بخط شکسته تعلیق ریزشمس‌الدین علی بن شمس‌الدین محمد حسینی گرگانی درنزدیك بپایان ج۲سال ۹۹۹ که دارنده‌نسخه‌هم بوده ودر گ۱ الف نیز نام او دیده میشود وحاشیه‌هائی ازخود باغنوی درنسخه هست.

(۲۳۱گ) کاغذ سمرقندی - جلد تیماج مقوائی

اندازه: ۱۰×۲۰ و ٦×۱۲٫۵ س ۲۴

[۱۷۵] حاشیهٔ حاشیهٔ شرح تجرید (عربی)

فیاض لاهیجی برحاشیهٔ خفری برالهیات شرح تجرید این حاشیه را هنگ
درس و با شتابزدگی و بخواهش دوستان نگاشته است .
آغاز الحمد لصانع السماوات العلی وخالق الارضین السفلی والاسماء الحسنی
۵ انجام : فاثبات اصل العلم الحضوری لایغنی عن اثبات الاحساس الذی المراد
هو انکشاف الخصوصیات الزایدة علی اصل الوجود .

[۲۰۷]

۳۱۷ این نسخه بخط نسخ است باعنوانهای شنگرف وحاشیه هائی ازلاهیجی باعبارت
(منه دام ظله العالی) بشکسته تعلیق و پیداست که درروزگار او نوشته شد .
۱۰ (۳۵۸گ) - کاغذ فرنگی - جلد تیماج مشکی ضربی سر بزرگ
اندازه : ۱۴×۳۰ و ۷×۱۴٫۵ س ۱۹ تا ۲۲ سطر

[۱۷۶] حاشیه حاشیه شرح تجرید (عربی)

دانشمند جمال الدین خوانساری م۱۱۲۵ برحاشیه خفری برالهیات شرح تجرید این
حاشیه را نوشته ودر آن ازحدوث دهری میرداماد خرده گرفت(ص۷۵ این فهرست)
۱۵ آغاز : نام خدا وستایش او ـ اعتبر فیه حدوث الخلق هذا اشارة الی طریقة
جماعة من المتکلمین الذین قالوا علة الحاجة الی المؤثر انما هی الحدوث .
انجام : هو مرادهم فلا یرد الاشکال علیهم فافهم .

[۲۰۸]

۳۰۸ این نسخه شماره ۱ دفتری است دارای ۲ رساله و بخط روشن و در پایان
دارد « هذه من تصنیفات مولانا جمال الملة والدین آقاجمال طاب ثراه علی
الخفری تمت. . . فی شهر ذی حجة الحرام سنة ۱۱۹۷ » و حاشیه هائی از
خوانساری دیده میشود با عبارت (منه رحمه الله ـ منه طاب ثراه) گ۱ب ـ ۱۰۰ الف
(ص۷٦ همین فهرست) .

[۱۷۷] حاشیه حاشیه شرح تجرید (عربی)

۲۵ دانشمند شیخ ابو عبدالله محمد بن حاج محمد زمان کاشانی که در سپاهان

زیسته ودر نجف در گذشت و «القول السدید ـ نور الهدی ـ هدایة المسترشدین »
رشته و بفقه و فلسفه آشنا بود (روضات ص ٦٥٢) برحاشیه جمال الدین محمد
وانساری (م ١١٢٥) برتجرید این حاشیه را نگاشته و در آن از حدوث جهان
زمان بسزا گفتگو نمود ودر آن از سخنان صدرای شیرازی وداماد وطوسی وابن
سینا آورده است .

آغاز : بسمله یقول احوج المربوبین ... ابوعبدالله یدعی الشیخ وهومحمدبن
حاج محمدزمان ... فقدقال جمال الدین محمدالخوانساری ره فیما کتبه علی التجرید .
انجام : اذلیس الاعتبار از لیافتامل ولاتبادر بالانکار قبل النظر والاعتبار فاعتبر
یا اولی الابصار .

[۲۰۹]

۸۷۳ این نسخه دردفتری است دارای چند رساله ازهمین کاشانی و بخط شکسته تعلیق ریز خوش وگاهی مورب با نشانه‌ها و عنوانهای شنگرف از علی بن محمد سپاهانی که درروزگار کاشانی آنرا نوشته و بدستور اودرتاریخ ۱۱٦۲ دفتررا بپایان رساند وحاشیه‌هائی بهمان خط دارد با عبارت (منه مد ظله) وخط متن گاهی نسخ است و حواشی دیگران هم هست نسخه سرلوح زیبا در آغاز دارد ودرجدولهای زر ولاجورد ـ گ ۸۳ ب ـ ۱۰٤ الف .

(همه‌دفتر ۱۹۸ گ) کاغذ ترمه سمرقندی رنگارنگ ـ جلد تیماج ضربی
اندازه : ۱۰×۱۷ و ٦×۱۱ س ۱۲

[۱۷۸] حاشیه شرح تجرید (عربی)

دانشمند میرسیدشریف گرگانی (۷٤۰-۸۱٦) برشرح قدیم شیخ شمس الدین
محمود سپاهانی (٦۹٤-۷٤۹) برتجرید طوسی این حاشیه را نگاشته که در کشور
عثمانی بحاشیه تجرید نامبردار شده و بدستور برخی از شاهان از کتابهای درسی
بشمارمیآمد . فیلسوف کلامی فقیه نصیرالدین علی بن محمدکاشی حلی که درنجف
بسال ۷۷۵ درگذشت براین شرح حاشیه‌ای نوشته بود که پایه و مایه کار گرگانی
گردید .

آغاز : بسمله . . . اما بعد حمد واجب الوجود علی نعمائه ـ خص بالذکر

من صفاته العلی ماهو اخص به .

انجام : الی ان یتأثر المتأثر بقبول تلك الصفة فیکون هناك متأثرية اخری وهكذا ويلزم التسلسل والحمدلله علی وصول الكلام الی هذاالمقام (درمبحث فعل وانفعال جواهر واعراض وبرابر با ش ۹۲ طوس) .

۵ [۲۱۰]

۳٦۰ این نسخه بخط نسخ و دارای سرلوح زرین با شنگرف و لاجورد و هرصفحه درجدول زرین ولاجوردی وحاشیه‌های گرگانی درآغاز نسخه هست که بعبارت (منه) میانجامد برك ۱ فرسوده و كاغذ دیگری بدان چسباندند واندکی ازمتن وحاشیه رفته است ــ چند نسخه ازاین درطوس هست (ج ۱ ش ٦٦ـ٦۷ـ۹۲ـ۱۱۵

۱۰ ص ۲۷ـ۳۳ـ۳۸ و ج ٤ ش ۵۱۱ ص ۸۲) .

(۴۸۷ گ) ـ کاغذ سمرقندی ـ جلد تیماج سرج ضربی
اندازه : ۱۰×۹ و ۵ر۱۲×۵ س ۲۱

[۱۷۹] حاشیه شرح تجرید (عربی)

شمس‌الدین محمد خفری برشرح الهیات تجرید قوشچی این حاشیه را

۱۵ نگاشته است .

آغاز : نام خدا و ستایش او ـ اما بعد فیقول . . . محمد بن احمد الخفری هذه تعليقات اتفقت منی علی شرح الهيات التجريد .

انجام :كان واجب‌الوجود بذاته واجب‌الوجود بغيره

[۲۱۱]

۳۳۲ این نسخه بنسخ با عنوانهای شنگرف ازمحمعلی کازرونی است که در۱٤ذی‌حجه ۱۱۱۰ آنرا نوشت .

(۹۱ ص) ـ کاغذ سپاهانی ـ جلد تیماج ضربی مقوالی سیاه
اندازه : ۵ر۱۲×۵ر۲۳ و ۷×۱٦ س ۲۱

[۱۸۰] حاشیه شرح تجرید (عربی)

۲۵ دانشمندجلال‌الدین‌دوانی (۸۲۸ ـ ۹۰۸ ـ ۹۰۸ سال ۹۰۸) برشرح تجرید قوشچی حاشیه‌ای بسیارخوب نوشت وبنام سلطان یعقوب بایندری آق قونیلو (۸۸۳ـ۸۹٦)

یا برادر اوسلطان ابوالفتح خلیل بیك (۸۸۲ ـ ۸۸۳) کرد و آن‌میان دانشجویان، قدیم، نام گرفت (نسخه‌ها) وفیلسوف صدرالدین محمد دشتکی (۸۲۸ ـ ۹۰۳) هم حاشیه‌ای زیبا بر آن شرح نوشته و بسلطان ایلدرم بایزید خان‌دوم (۸۸۶ـ۹۱۸)و مولی‌بن‌مؤیدارمغان‌دادودر آن‌ازدوانی‌خرده گرفت‌این‌بود که‌اودررددشتکی‌حاشیه جدید رانوشت‌باردیگر دشتکی‌حاشیه‌دوم‌خودرا نوشته ودر آن‌فریفتگی‌های‌دوانی وگرایشی که‌دانشجویان‌بسخنان‌وی‌دارند وپیشرفتهائی راکه‌پسرخودداوغیاث‌الدین منصور کرده‌است یاد نمود وآنرابنام همان بایزید کرد بازدوانی حاشیه اجد خودرا در رد اونوشت. این حاشیه‌هارا طبقات جلالیه وصدریه نامند پس‌ازمرك دشتکی پسر او غیاث‌الدین (م ۹۴۸) بیاری پدر برخاسته و حاشیه‌ای بنام تجریدالغواشی در رد بردوانی نوشت (۱).

آغاز : نام خدا وستایش ودرود. قوله فی‌الحاشیه قیل لم یرد به معینا اقول مراده بالزیادة بوجه ما.

انجام : ثم استدل علیه بنمط آخر و اطال الکلام فیه علی ماهودابه (تمت الحاشیة القدیمة (۲). (ص ۲۶۸ از نسخ)

(ازاموزعام وجواهر واعراض تا مبحث عناصر).

[۲۱۲]

۳۵۵ این نسخه بخط تعلیق با عنوانها ونشانه‌های شنگرف است و روی سطرها گاهی خط سرخ کشیده شده وحاشیه‌هائی ازدوانی درهامش هست باعبارت (منه) ومحسن بن محمد طاهر درقزوین روزسه شنبه ۱۹ شعبان ۱۱۱۹ آنرا برای خود نوشته وحاشیه‌هائی از نویسنده ودیگران درآن هست وعنوانهای مطلبهای

---

۱ ـ نگاه به : کشف‌الظنون ج ۱ ص۲۵۲ ـ فهرست طوس ج۱ ص ۳۵ ش ۱۰۱ و۱۰۲ وص ۳۸ ش ۱۱۲و۱۱۳ و ج ٤ ص۱ ـ ۸۰ ش ۵۰۳و۵۰٤.

۲ ـ همین حاشیه در ج ۱ فهرست طوس (ش ۱۱۲) دوم ودر ج ٤ (ش ۵۰۳) نخستین حاشیه دوانی دانسته شد ونسخه ۵۰۳ آنجا تا مبحث مزاج درفصل ۲ مبحث جواهر است و افزوده‌های کمال‌الدین حسین لاری شاگرد دوانی نیز درآن هست و تا بآغاز فلکیات میرسد.

مهم درهامش آمده و نسخه تصحیح گردید و از گ ۱ تا ۲۳۸ حاشیه دارد.
(۲۴۰ برگ) - کاغذ سمرقندی ـ جلد تیماج تازه زرد رنگ
اندازه : ۱۳×۱۹ و۶×۱۲ س ۱۴

[۱۸۱] حاشیه شرح تجرید (عربی)

۵ ملا میرزا جان باغنوی بربخش جواهر و اعراض شرح تجرید این حاشیه را بنگارش درآورد.

آغاز : بسمله قوله فناسب ذلك آه حاصل وجه المناسبة انه لما كان وجود الاعراض متوقفا على وجودالجوهر.

انجام : قوله قال صاحب المواقف آه لايخفى ان كلام صاحب المواقف لايضر
۱۰ المنصف لانه من الذاهبين الى بطلان الجزء الذى لايتجزى.

[۲۱۳]

۳۱۱ این نسخه بخط شکسته تعلیق با عنوانهای شنگرف میباشد.
(۳۹گ) - کاغذ سپاهانی ـ جلد تیماج سرخ ضربی یک رویه
اندازه : ۵ر۱۱×۲۳ و ۷×۵ر۱۶ س ۲۰

۱۵ [۱۸۲] حاشیه شرح تجرید (عربی)

قاضی علاءالدین عبدالخالق قاضی زاده کرهرودی شاگرد شیخ بهائی (۹۵۳ ـ ۱۰۳۰) که درروزگار شاه عباس یکم (۹۸۵ ـ ۱۰۳۸) میزیسته و تحفه شاهی را در امامت بفارسی برای او نوشت بر بخش جواهر و اعراض شرح تجرید قوشچی و حاشیه قدیم دوانی این حاشیه را نگاشته است. در طوس دو نسخه ازاین هست
۲۰ (ج ۱ ص ۳۹ ش ۱۲۰ ج ٤ ص ٦٦ ش ٢٦٠).

آغاز : لان تعريف الجوهر هوالموجود لافى موضوع ومعناه مهية اذا وجدت كانت لافى موضوع.

انجام : كالنسبة بين الاجزاء عددية كماسبق نقله من خامس عاشرة الاصول ـ تم.

[۲۱٤]

۳۰۱ این نسخه بخط شکسته تعلیق ریز و حاشیه‌هائی از کرهرودی دارد که به (منه مد ظله العالی) میانجامد و پیداست که درزمان او نوشته شد.

(۴۹ برگ) — کاغذ فرنگی — جلد مقوا
اندازه : ۹ر۵×۲۰ و ۵×۱۲ر۵ س ۱۷

[۱۸۳] حاشیه شرح تجرید (عربی)

دانشمند شمسای گیلانی برالهیات تجرید وشرح جدید آن وحاشیه خفری بر آن این حاشیه را نگاشت .

آغاز : بسمله الحمدلله ذی‌المجد والبها . . . امابعد فیقول افقرخلق‌الله الغنی محمدالمدعو بشمساالجیلانی . . . هذه معلقات علی مبحث الهیات‌التجرید و شرحه الجدید والحاشیة التی علقها العلامة الخفری علیها .

انجام : قوله و سایر الاوصاف ای بشرط سلب سایرالاوصاف . . . عین ذاته تعالی وهذا اشارة الی نفی‌الکثرة بعدالذات .

[۲۱۵]

۳۰٤ این نسخه شماره ۱ دفتری دارای ۲ رساله و بخط شکسته تعلیق محمدقاسم حسینی است که دررمضان سال ۱۰۵۸ دومین رساله ایندفتر (علم شمسا) را نوشت و اجازه‌ایکه شمسا درباره روایت همین رساله بدو داده بخط خود درنزدیك بپایان شوال ۱۰۵۸ درطوس در برگ ۱۹۸ الف برای او نوشت ـ گ ۱ ب ـ ۱۹۷ الف. دربرخی جاها حاشیه‌هائی از خود شمسا دیده میشود که بعبارت (منه دام ظله ـ منه سلمه‌الله) میانجامد .

(همه‌دفتر۲۱۰ برگ) کاغذ سمرقندی ـ جلد تیماج ساده مقوائی سبز
اندازه : ۸ر۵×۲۰ و ۵ر۵×۱۴ س ۲۰

[۲۱۶]

٤۰۰ این نسخه بخط تعلیق باعنوانها ونشانه‌های شنگرف است ودرپایان دارد : «تمت بعون‌الله وحسن توفیقه فی‌سنة ۱۱۲۰» وحاشیه‌هائی ازشمساودیگران درآن دیده میشودویحیی‌فرزند شاهقلی‌قزوینی بسال۱۱۲۳ آنراتصحیح‌نمود

(۱۰۷گ) - کاغذ سمرقندی ـ جلد تیماج زرد
اندازه : ۱۲ر۵×۱۸ و ۷×۱۳ ص ۱۹

[۲۱۷]

۸۲۷ این‌نسخه بخط تعلیق شکسته وعنوان (قوله) بشنگرف است ونسخه تصحیح گردید ودرپایان دارد : «تمت بیمین‌اقرالعبادالی‌الله صدرالدین» و نویسنده

اوست و یکی ازدارندگان نسخه حسنعلی بن حاجی عبدالغفار ایروانی بوده و مهر او (عبده‌الراجی حسنعلی) دیده میشود .

(۱۴۰ برگ) کاغذ سپاهانی ـ جلد تیماج سرخ ضربی

اندازه : ۱۳×۳۱ و ۸×۱۴ س ۱۷

۵ [۱۸٤] حاشیه شرح تجرید (عربی)

فیلسوف کلامی مولی عبدالرزاق فیاض لاهیجی شاگرد و داماد صدرای شیرازی و شارح تجرید و هیاکل‌النور و نگارنده گوهرمراد و سرمایه ایمان که درمدرسه قم درس میگفت ودر ۱۰۵۱ درگذشت حاشیه‌ای برجواهرواعراض شرح جدید تجرید دارد (ش ٤۹۸ص ۷۸ج ٤ فهرست طوس) واین حاشیه بریك عبارتی ۱۰ از طوسی در مبحث علم خدا از الهیات تجرید است و در آن سخنان انکسیمانس و ثالیس ملطی و بلاتون و ارسطو و فارابی وشیخ و سهروردی را میآورد و گفته شیخ اشراق درتلویحات درباره دیدار او درخلسه ازارسطو و پرسش ازدانائی خدا وماننـد کردن او آنرابخود آگاهی جان درنزدیك به نیمی‌ازاین حاشیه دیده میشود

آغاز : من حاشية مولانا عبدالرزاق اللاهيجي على الهيات التجريد « قوله اعلم ۱۵ ان للملطيين آه لابأس بان نحرر اختلاف الحكماء في علم الواجب .

انجام : ولعلك تعذر لي في نقل هذا الكلام الطويل فان فيه شفاء العليل ورواء الغليل . تمت

[۲۱۸]

۳۸۹ این نسخه شماره ۲ دفتر وبخط تعلیق وحاشیه‌های (منه) داردگ ۱۲ب ۱۵ ب

۲۰ [۱۸۵] حاشیه شرح تجرید (عربی)

مولی محمد جعفر بن محمد صادق لاهیجی که در روزگار محمد شاه قاجار (۱۲۵۰ـ۱۲٦٤) میزیسته بربخش الهی شرح تجرید قوشچی و حاشیهٔ خفری این حاشیه را نگاشته است .

آغاز : اعظم حلية الكلام حمدالله الملك العلام . . . فيقول . . . محمدجعفر بن ۲۵ محمد صادق اللاهجي .

[۲۱۹]

۳۰۵ این نسخه بخط نسخ خوش با نشانه‌های شنگرف و بپایان نمیرسد و بدینجا « فی من کان ذاته عین الوجود کما نحققه اذجاء وقته » میانجامد .

(۳۱ گ) ــ کاغذ فرنگی - جلد تیماج مشکی ضربی

اندازه : ۱۴×۵ر۲۱ و ۶ر۵×۵ر۱۴ س ۲۰

[۱۸۶] حاشیه شرح تجرید (عربی)

سلطان العلماء محمد قاینی برشرح جدید تجرید این حاشیه را نگاشته ودر آن نکته هائی که هنگام درس میگفت فراهم آورد و از آغاز جواهر و اعراض است تا بحث مکان . نسخهٔ اصل و بخط مؤلف است .

۱۰ **آغاز** : بسمله الحمدلله الذی عرفنا الخلاص عن العلائق الجسمانية وعرفنا النجاة من العوائق الظلمانية .

انجام : بل قد يكون هواء وقد يكون ترابا وقد يكون ماء الی غیرذالک .

[۲۲۰]

۳۳۳ این نسخه بخط نسخ و گاهی شکسته تعلیق ازخود قاینی چنانکه در گ ۱ ب

۱۵ دیده میشود وحاشیه‌هائی دارد که بعبارت (منه) میانجامد و برخی جاها روی سطرها خط کشیده شده ودرست را پس ازآن نوشت وجای (قوله) درهرجا که متن را میآورد سفید است .

(۲۳۹ ص) ـ کاغذ سپاهانی ــ جلد تیماج ساده

اندازه : ۱۱×۲۰ و ۶×۱۳ ۶ الی ۱۲ سطر

۲۰ [۱۸۷] حاشیه شرح حکمة الاشراق (عربی)

دانشمند صدرای شیرازی بر شرح قطب شیرازی بر حکمة الاشراق شیخ سهروردی این حاشیه را نگاشته است .

و در هامش همین شرح در تهران بسال ۱۳۱۶ بچاپ رسید شیرازی در آن از اسفار وشواهد ربوبی خود ص ۳۰۹ و ۵۳۵ یاد میکند .

۲۵ **آغاز** : قوله دلالة اللفظ علی المعنی آه الدلالة مطلقا کون الشیء بحیث یعلم منه شیء آخر .

انجام : والخواطر فهو ملکی لان الجن لایقدرعلی ذلك وامثاله (ص ۵۳۶

درباره سخن سهروردی فانها قد ترد علیهم فی اسطرمکتوبة درص ٥٣٥) .

[۲۲۱]

۲۸۱ این نسخه بخط تعلیق شکسته ملا علی نوری است که گویا همان فیلسوف (م۱۲٤٦) باشد .

٥ (۳۹۷م) . کاغذ فرنگی . جلد تیماج مشکی
اندازه : ۱۵×۱۹ و ۱۰×۱٦ س ۲۷

[۱۸۸] حاشیه شرح حکمة العین (عربی)

مولانا کمال الدین مسعود شیرازی م۹۰۵ برشرح آمیختهٔ شمس الدین محمد بن مبارکشاه شهیر بمیرك بخاری برحکمت العین دبیران قزوینی م ٦۷٥ و حاشیه آن
۱۰ این حاشیه را نگاشته است .

قطب شیرازی برحکمة العین حاشیه نوشت و شمس الدین آنرا درشرح خویش آورد و میرسید شریف گرگانی م ۸۱٦ نیز بر این شرح حاشیه دارد و غیاث الدین منصوردشتکی و ملامیرزاجان باغنوی هم بر آن حاشیه نوشتند (ش ٥۱٦ و ٥۱۷ ج ٤ و ج ۱ ش ۱۲۱ و۱۰٥ فهرست طوس) .

۱٥ **آغاز** : بسمله ومعتصماً بلطفه العمیم ـ الش (رمز الشرح است) اذالاحظه بما له من صفات الجلال ای مع ما له من تلك الصفات .

انجام : علی قیام مبادیها بالنوع ـ ثم قال المؤلف قد بلغ ماالتزمه من التعلیقات علی الشرح والحاشیة الی هذاالمقام ومن الله الاستعانة فی التوفیق للاتمام .

[۲۲۲]

۲۹٤ این نسخه بخط تعلیق ملك حسین بن محمود شاه اردکانی در۱۰۳۲ میباشد و برخی جاها حاشیه (منه) دارد وچنین بپایان میرسد : «فی شهر رجب المرجب سنة ۱۰۳۲ عن یداقل عباد الله الغنی ملك حسین بن محمود شاه اردکانی» دراین نسخه مطلبها پس ازعبارت الش میآید و باسفیدی ازهم جدا هستند .

ص (۳۱۱م) ـ کاغذ سپاهانی ـ جلد تیماج سرخ ضربی
۲٥ اندازه : ٥ر۱۰×٥ر۱۸ و ٥ر٥×٥ر۱۱ س ۲۱

[۱۸۹] حاشیه شرح حکمة العین (عربی)

حاشیه ای است بر شرح آمیختهٔ شمس الدین محمد بخاری برحکمة العین

دبیران از آغاز تا مبحث وجود وماهیت ونگارندهٔ آن بدست نیامد .

آغاز : بسمله قال قدس سره انماقال‌فاطر‌ذوات‌العقول‌ولم یقل فاطر العقول ... مرادهم بالتوهم‌المنفی امکانه و بیان امکان‌التوهم .

انجام : وعلی‌التقدیرین یحصل‌الاستغناء عن‌الفکر الذی ارتکبه انش اتم م .

۵

[۲۲۳]

۸۵۰ این نسخه بخط تعلیق وعنوانهای « قال - اقول » ونشانه‌ها بشنگرف است وحاشیه‌های (منه سلمه‌الله ومنه دام ظله) دارد .

(۹۸ گ) . کاغذ سپاهانی . جلد تیماج سرخ ضربی

اندازه : ۱۰×۱۷ و ۵×۱۰ س ۱۵

[۱۹۰] حاشیه شرح منظومه (عربی) ۱۰

دانشمند حاج ملاهادی بن مهدی سبزواری (۱۲۱۲ - ۱۲۸۹) برهمهٔ شرح منظومه فلسفی خود این حاشیه را نگاشته ودرهامش همین شرح چندبار درایران بچاپ رسید .

آغاز : الحمدلله المتجلی بنورجماله علی‌الملك والملکوت .

۱۵ **انجام** : قولنا کل الامانات آه اقتباس من‌الکتاب الالهی ان الله یأمرکم . . . اهلها وفی‌الفقرات‌متناوشرحاًحسن‌الخاتمةالهم‌اجعل‌خاتمةامورتاخیراًبمحمدوآله... والصلوةعلی‌محمدوآله.

[۲۲٤]

۳۲٤ این نسخه شماره۱ دفترو بخط تعلیق ریزمحمدعلی فیروزکوهی بسال۱۲۸۱ میباشد گ ۱ ب - ۹۹ ب .

۲۰

[۱۹۱] حاشیه شرح هدایة (عربی)

سید امیر فخرالدین محمدبن حسین حسینی (۱) برشرح مورخ ۸۸۰ قاضی

---

۱ - اوجزفخرالدین محمدبن حسین‌حسینی سماکی استرابادی گفتگوکننده بامیرداماد م ۱۰٤۱ است که درسالهای ۹٤۱ و ۹۵۰ و۹٦۵ برشرح تجرید حاشیه نوشت و شاگرد غیاث‌الدین دشتکی م۹٤۸ بوده‌است ودر ۹۷۰ یا ۹۸٤ درگذشت درطوس نسخه‌ای ازهمین حاشیه هست (ش ۱۰٦ و ۵۲٦ تا ۵۲۸) که از سماکی پنداشته و گفته که او آنرا برای ابوالغازی نظام شاه هندی نوشته است. بنگرید به : ذریعه ج ٦ ص ۱۳۹ و فهرست طوس ج ۱ ص ۳٦و۳۷ و ج ٤ ص ۷۷ و ۷۸و۸۷ .

۲۵

کمال‌الدین میرحسین بن معین‌الدین میبدی م ۹۱۱ برهدایه اثیرالدین ابهری رزمی م ٦٦۰ این حاشیه‌را نگاشته و تابمبحث فلکیات رساند وازخدای درخواست که آنرا بانجام برساند. او نخست این حاشیه را نوشته و پاکنویس نکرده چون دید که دانشجویان آنرا میخواهند نوشته پیشین را گسترده و روشن نموده و چیزهائی
۵ برآن افزود وبدینگونه که هست درآورد ودرتبریزدر۱٤شعبان ۹۲۸ ازپرداختن آن بیاسود.

آغاز: بسمله الحمدلله العلیم الحکیم والصلوة علی محمد المبعوث بالخلق العظیم ... فیقول ... محمدبن‌الحسین‌المدعو بفخرالدین‌الحسینی.

انجام: ومنه‌الاستعانه لتحقیق‌الفنون‌الباقیة انه‌الموفق ونعم‌المعین.

۱۰ [۲۲۵]

۳۰۹ این نسخه بخط شکسته تعلیق ریز وخیلی جاها بی‌نقطه است وحاشیه‌هائی دارد با عبارت (منه) وعنوانهادربسیاری ازجاها بشنگرف است وعنوان (قوله) درآغاز بسرخی نوشته شده ودر پایان جای آن سفید است و نظام‌بن درویش محمد گونابادی (جنابذی) در ۲۰ ع ۲ سال ۹۸٦ درآستان طوس آنرا نوشت.

(۱۰۳گ) کاغذ سمرقندی - جلد تیماج تازه [illegible]

اندازه: ۱۲×۱۹ و ۷×۱۰ س ۱۹

[۱۹۲] **حاشیه شفا** (عربی)

فیلسوف صدرای شیرازی (م۱۰۵۰) برالهی شفاحاشیه‌ای‌نگاشت که درتهران بسال ۱۳۰۳ بچاپ رسید و درآن ازکتابها و رساله‌ها (ص ۱۲٦) و اسفار او (ص
۲۰ ۱۲٦و۲۱۱) وازحکمت مشرقی شیخ (ص۲) یاد میشود.

[۲۲٦]

۳۲۷ این نسخه بخط تعلیق ریزعبدالرشید شوشتری است که درمدرسه آصفیه شیراز درروز شنبه ۱۲ ذی قعده سال ۱۰۵۳ ازروی نسخه خط شیرازی برای دانشمند بزرگی بنام شمساامیرزامحمد هادی نوشته ومقابله وتصحیح کرد برگها باجدول
۲۵ زرین ولاجورد وعنوانهاشنگرف میباشد وسرلوحی بزرولاجورد در آغاز نسخه هست

(۲۳٦گ) کاغذ فرنگی. جلد تیماج ضربی زرکوب [illegible]

اندازه: ۱۳×۲۲٫۵ و ۷×۱۵٫۵ س ۲۵

[illegible]

[۱۹۳] حاشیه شفا (عربی)

دانشمند فیلسوف مولی محمدباقربن مولی محمد مؤمن سبزواری، سپاهانی (م۱۰۹۰) درروزگارشاه‌عباس‌دوم امام جمعه‌وجماعت وشیخ‌الاسلام بودودرمدرسه مولی عبدالله شوشتری درس میگفت وی شاگرد شیخ بهائی و استاد سید حسین‌بن حیدرعاملی و آقاحسین خوانساری شوهر خواهر خود و مولی محمد سراب بوده و بفارسی شعر میگفت این دانشمند برای شاگردان خود برالهی شفا حاشیه ای نگاشته ودر آن ازخرده گیریهای شارحان پاسخ گفت و مانند خواجه طوسی بهمان روشن کردن گفتار شیخ پرداخت و خود از آن خرده نگرفت و این را در آغاز گفته است .

آغاز : بسمله‌الحمدلله رب‌العالمین ... امابعد فان کتاب‌الالهیات مماقدکثرت مراجعةالمحصلین وطال نظرالعلماء فی مباحثه .

انجام : و کل جزء من‌اجزاءالنظام له غایة والمرجع اخیراالی‌العنایة الاولی ویرجع الی نفس‌الذات الاحدیة (درپیرامون‌گفته‌شیخ « حتی یکون له فیما یکون عنه غرض » ازنیمه فصل ۷ مقاله ۸ الهی دردانائی خدا س۱۱ ص٥۹٤ چاپی وس ٥ گ ٥۷٦ ب ش ۲٤۳ خطی) .

[۲۲۷]

۲٦۳ این نسخه بخط تعلیق ریز وازگ ۷۹ تا ۱۳٤ب شکسته تعلیق میباشد ویك برك درآخرسفید است .

(۱٦٦گ) - کاغذ فرنگی . جلد تیماج سرخ مقوالی

اندازه : ۱۲×۱۹ و ۸×۱٤ س ۱۹

[۲۲۸]

۱۰۱٦ این نسخه بخط نسخ بی‌نقطه تاریخ ۱۱۹۰ وجای (قوله) سفید گذارده شده و درگ ۱۱ ب حاشیه‌ای از محمد مهدی حسینی هست و درآن ازگفتار صدرالافاضل (صدرای شیرازی) که سبزواری ازآن خرده گرفت استوار میگردد و باز درگ ۸٥ ب حاشیه‌ای است گویا ازهمو. برك۱ موریانه خورده وچند کلمه ناخوانا است - دربرك ۱ الف مهر میرزاعبدالجواد دیده میشود که کمی سوراخ شده ونسخه ازکتابخانه اوبوده است بازدرگ ۱٤۳ ب مهردارنده دیگری بنام محمد حسین هست .

(۱۴۳ برگ) کاغذ سپاهانی زرد - جلد تیماج سرخ ضربی گل و بوته‌دار مقوائی
اندازه : ۱۵×۲۳ و ۹×۱۵ س ۱۳

[۱۹٤] حاشیه شفا (عربی)

دانشمند آقاحسین خوانساری (۱۰۱٦ - ۱۰۹۸) برالهیات شفا یکبار حاشیه
۵ نوشته و هنگامیکه بحج میرفته است آن از میان رفت و باره دوم این حاشیه را
نگاشته ودر ۲۰ رجب ۱۰۹٦ از پرداختن آن بیاسود وی در آن از گفتارسبزواری
خرده گرفت وازسخنان صدرای شیرازی نیز آورد (ذریعه ج ۲ ص ۱٤۲) .

آغاز : نام خداوستایش - قوله فی ابتداء موضوع الفلسفه . اقحام لفظ الابتداء
بناء علی ان الفصل التالی ایضاً فی ذلك الطاب .

۱۰ **انجام** : ویکون محصل کلامه ان الایجاد الذی یکون بعد العدم المطلق اولی
بان یکون ایجادا وهوایضا کماتری فتدبر قد وقع الفراغ . . . فی عشرین شهر رجب
المرجب من شهورسنة ستوتسعین بعدالالف من الهجرة النبویة ...

حاشیه خوانساری از آغاز الهی است تانزدیك بپایان فصل ۳ مقاله ۸ درمعرفت مبدءاول،
عبارت (المحدث هوالذی کان بعدمالم یکن) ازشفا (سطر آخر گ ۵۷۳ الف شماره ۲۴۳
۱۵ و س ٦ ص ۵۷۸ چاپی) از سنجیدن سخنان سبزواری وخوانساری (گ ۱۱۷ و ۱۱۸ ش ۲٦۳
و گ ۱۲٤ و ۱۲۵ ش ۲٦٤) درمبحث وجود کلی طبیعی درفصل ۱ مقاله ۵ چنین
برمیآید که خوانساری گفتار اورا با عنوان (بعض الاعلام) میآورد وخرده میگیرد .
خوانساری پس از پایان کتاب گفتاری شیوا دارد که در آن پس از نیایش و درود از
شیخ رئیس وشفا وحاشیه خود میستاید ونگارش خویش را بشاه سلیمان بهادرخان
۲۰ (۱۰۷۷-۱۱۰۵) ارمغان میدهد و آغاز و انجام آن چنین است « بسمله الحمدلله
الذی نزل من القرآن ماهوشفا - ثم رزقه البلوغ الی اقصی ماانطوی علیه بضمیره ...
والحمدلله رب العالمین » .

[۲۲۹]

۲٦٤ این نسخه بخط تعلیق خوش ومتن با (قوله) آغازوازحاشیه گاهی بانشانه سرخ
وگاهی با رمز (آه) یا (الخ) یا با فاصله سفیدی جدا میشود و جای (قوله)

نیز گاهی سفید گذارده شده . حاشیه از گ۱ ب تا ۱۵۱ الف و گفتار پیوست از ۱۵۱ ب تا ۱۵۲ ب در مجلس (ش ۱۲۱ ج ۲ ص ۶۱) و در آستانه طوس (ش ۳۰–۵۲۹ ج ۴ ص ۸۷–۸۸) نسخه از این حاشیه هست و اندکی از آن در هامش الهی شفا ص ۳ چاپ تهران دیده میشود

(۱۲۵ گ) . کاغذ سپاهانی — جلد تیماج سرخ مقوائی

اندازه : ۸٫۵×۱۶٫۵ و ۱۵٫۵×۲۴٫۵ س ۲۰

[۲۳۰]

۳۸۹ این نسخه شماره ۵ دفتر است و بخط تعلیق مورب گ ۴۵ ب ۴۶ الف و آغاز و انجام آن چنین است :

«قال الحبر المحقق العلامه آقاحسین رحمه الله فی تعلیقاته علی الهیات الشفا فی مبحث الوجود : اما الاولی ای العینیة فامرها مشکل اذلو بنی علی طریقة ذوق المتالهین ۱۰ کما قاله علامة الدوانی — فلاشك انها اقوی من براهین الحکماء و بالجملة الامر واضح تعالی الله عما یقول الظالمون علواً کبیرا » .

درهامش ۴۵ ب عبارتی از حکمة عرشیه (س ۲۲) آورده شده و در ۴۶ ب — ۴۸ الف باز چند قاعده ازحکمت عرشی صدرای شیرازی دیده میشود .

[۱۹۵] حاشیهٔ شفا (عربی) ۱۵

دانشمند جمال الدین محمد خوانساری (م ۲۶ رمضان ۱۱۲۵ درنزدیك بهشتاد سالگی درسپاهان) شارح اشارات بر آغاز طبیعیات شفا تافصل ۱ مقاله سوم فن سماع طبیعی حاشیه‌ای نگاشته که درهامش طبیعی شفا بچاپ رسید (ص ۲–۸۲) ودرفهرست مجلس (ج ۲ ش ۱۲۰) نیز بهمین گونه یاد شد ولی در فهرست طوس (ج ۱ ش ۷۵) این حاشیه از آن پدر او آقاحسین خوانساری دانسته شد چنانکه ۲۰ درپایان نسخه ما نیز نویسنده آن چنین پنداشته است درذریعه (ج ۶ ص ۱۴۲ نیز آنرا ازپدر پنداشت با اینکه درص ۱۴۳ بازازحاشیهٔ پسریاد نمود درحاشیه نسخه ما (گ ۷ ب) از استاد محقق یاد میشود و پیداست که پسر از پدر یاد میکند . خوانساری دراین حاشیه بیشتر بمباحث مشرقی رازی می‌نگرد ویادی از حواشی اشارات باغنوی میکند (حاشیه گ ۳۷ ب) باز ازحاشیه اشارات پدر خود میآورد ۲۵ وازآن خرده میگیرد (حاشیه گ ۲ ب) پدراو برشرح اشارات حاشیه نوشته وروز

دوشنبه ٤ شعبان ١٠٧١ آنرا بپایان رسانده بود وهمین جمال‌الدین بازبرآن حاشیه‌ای نوشت آقاحسین حاشیه دومی‌هم بر آن شرح دارد که پس‌ازدوسال نگاشته ودر آن برحاشیه سبزواری که پس‌از او نوشته است پاسخ داد (ذریعه ج ٦ ص ١ ـ ١١٠) پس بیکی ازاین دوحاشیه پدراست که پسر بدان می‌نگرد .

٥

[٢٣١]

٤١٦ این نسخه بخط نسخ خوش با عنوانهای شنگرف ولاجوردی در متن وهامش بتاریخ روزآدینه ٢٥ محرم ١١١٦ وحاشیه (منه مد ظله) دارد وهمین میرساند که حاشیه از پسراست ودرروزگاراو نوشته شد نه پدر که در١٠٩٨ درگذشت ونویسنده نسخه ما ازاو بمانند مرده یاد کردنسحه ما ازآغازندارد وآنچه هست ازاینجا

١٠ است : «لایلزم ان یکون متحرکا . قوله : طبیعة غیرمحدودة . کان‌المرادبهاقابلة للقسمة الی غیرالنهایة ولاینتهی قسمتها الی حد .» که دربیرامون عبارت شیخ «وقال قوم انها طبیعة غیرمحدودة » درفصل ١ مقاله ٢ سماع طبیعی درباره حرکت س ٢٠ ص ٣٥ چاپی کاوش میشود واین آغاز در س ٢٢ هامش ص ٣٤ چاپی دیده میشود . این حاشیه مانند چاپی تا عبارت « ثم لایخفی مافی حمل قوله اومعها علی ماذکره من‌التکلف بخلاف

١٥ ماذکرنا فتدبر » (ص ٨٢) در پیرامون سخن شیخ « والاحوال‌التی تعتبر للاجسام من کمیتها » از فصل ١ مقاله ٣ سماع طبیعی درباره جهت کمی طبیعیات (س ١٦ ص ٨٢) پایان میباید وآغازحاشیه درچاپی چنین‌است : « قوله‌الفن‌الاول‌فی‌السماع‌الطبیعی الخ قال بعض سادة‌المحققین طاب ثراه هومایذکرفیه‌المبادی‌العامة لابواب‌العلم (ص ٢) .

(٥٦ گ) ـ کاغذ سپاهانی ـ جلد تیماج زرد مقوائی تازه

٢٠ اندازه : ۱۳٫۵×۲۴٫۵ و ۷×۱۷٫۵ س ۲۴

[١٩٦] حاشیه الشواهد الربوبیه فی المناهج السلوکیه (عربی)

ازمولی علی‌بن جمشیدنوری مازندرانی سپاهانی فیلسوف (م‌درسپاهان رجب بسال ١٢٤٦) که جسته جسته وپراکنده ازاشراق سوم شاهدیکم مشهدیکم تااشراق شانزدهم شاهد دوم مشهد چهارم عباراتی را میآورد و نکته هائی از خود میگوید

٢٥ و در آن بورق و سطر نسخه‌ایکه دردست نوری یا نویسنده حاشیه بوده هم اشاره میشود .

آغاز : بسمله‌وبه‌نستعین‌فی کتاب شواهدالربوبیة‌فی‌المناهج‌السلوکیه درورق

اول قوله الاشراق الثالث ان شمول الوجود ليس كشمول الكلى قوله ليس كشمول الكلى للجزئى تستهديه قوله تعالى الا انه بكل شىء محيط وتلك الوحدة يسمى عند قوم بالوحدة فى الكثرة نورى نورالله رمسه .

انجام : حاشيه يك سطر بعد قوله و اشتدت نقمته وربما فى ظاهر الامر ان بين ماذكرناه اولا . . . وبين انقطاعه عن كل واحد من اهلها منه .

[۲۳۲]

۸۷۰ این نسخه شماره ۵ دفتر وبخط تعليق محمدعلى كرمانشاهى نويسنده شماره يكم ميباشد . گ ۷۳ ب - ۱۰۲ ب :

حاشيه مشاعر
(عربى)

[۱۹۷]

ميرزا احمدبن محمدابراهيم بن الحاج نعمةالله اردكانى شيرازى چنانكه خود در ديباچه نسخه ما ميگويد باره سوم كه مشاعر صدراى شيرازى را خوانده است انديشيد كه آنچه ازاستاد خود مولانا مصطفى العلماء يا ديگران شنيده ويا دركتابها ديده و يا خود درهنگام خواندن و آموختن آن بدان برخورده است گرد آورد اين بود كه اين حاشيه را در بود استاد نگاشته و گاهى هم ازاوخرده گرفت (ص۲-۹-۲٦-۱۷۳ نسخه ما) او دراينجا ازسرودههاى فندرسكى گواه آورد (ص ۱۷۰ خطى و ۷۵ چاپى) . باز پس از مرك استاد ديباچه آنرا گسترش داده و چيزهائى برخود متن افزوده و آنرا « نورالبصائر فى حل مشكلات المشاعر » ناميده و بنام وكيل الدوله ساخته وازوى بسيار بستود (ديباچه) و همين دومى است كه دركنار مشاعر درتهران بسال ۱۳۱۵ ص ۲-۱۰٤ بچاپ رسيد .

[۲۳۳]

۲۹٦ اين نسخه بخط شكسته تعليق و عنوان (قوله) شنگرف و حاشيه هائى از اردكانى باعبارت (منه) دارد وآغازآن نزديك بچاپى است : « بسمله احمدك اللهم يامفيض الخير والجود » وانجام آن چنين است : « قوله السادس فى ان واجب الوجود مرجع كل الامور الخ يعنى انه تعالى كل الاشياء وله احتمالات ... انتزع من زيد عدم الكتابة على ان يكون ذلك الفقد الواقعى علة (نزديك بآن درص ۷۵ چاپى ديده

میشود) و کم دارد و ص۱۷۵ تا ۱۷۷ سفید بازدر ۱۷۹ اندکی ازهمان بند اخیردوباره آمده (۱۳ س ستون ۱ ص ۷۵ چاپی) ودر ص ۱۸۳ تا ۱۸۷ سخنانی است درباره دانائی خدا که از ابن‌سینا وفارابی وبهمنیار وطوسی درآن یاد میشود .

(ص ۱۹۳ ص) - کاغذ فرنگی ، جلد تیماج ساده مشکی

۵ اندازه ، ۱۰×۱۵ و ۵×۱۰٫۵ س۱۴

[۱۹۸]

حدوث اجسام

(عربی)

دراین نامه سخنان فیلسوفان و پیروان دینها آمده وازحدوث جسمها گفتگو گردید .

آغاز : هو بسمله اختلف اهل العلم فی حدوث الاجسام والوجوه المحتملة بحسب

۱۰ الفرض اربعة .

انجام : ثم حدث من الحركات السماوية امتزاجات هذه العناصر و منها هذه المركبات .

[۲۳٤]

۱۰۳۵ این نسخه شماره ۱۰ دفتر وبخط شکسته تعلیق گ ص ۱۰۸

۱۵ [۱۹۹]

حدوث عالم

(عربی)

دانشمند صدرای شیرازی دراین نامه ازحدوث زمانی جهان بروش خویش گفتگو ودرآن سخنان فیلسوفان یونانی را آورد وازشواهد ربوبی خود (ص ۷۹ و۱۰۲ چاپی) واز رساله کلی طبیعی شیخ (ص۵۰) والامد علی الابد شیخ ابی الحسن عامری (ص ۸۳) یاد کرد . ازاین رساله است که دراسفار او یاد میشود این رساله

۲۰ درمجموع رسائل شیرازی درایران بسال ۱۳۰۲ بچاپ رسید .

[۲۳۵]

۱۰۳۰ این نسخه شماره ۱۳ دفتر و بخط شکسته گ ۱۱۷ ب - ۱۱۹ الف و بپایان نمیرسد و بدینجا (و اثبات الحركة الجوهرية لكل صورة طبيعيه والاشارة الى نحو) میانجامد .

[۲۰۰] حدوث عالم (عربی)

دانشمند شمسای گیلانی دراین نامه بروش فلسفی حدوث جهان را روشن نمود و درآن از حواشی خویش برالهیات تجرید و شرح جدید آن و از حواشی خفری (۹٦ ب) یاد نمود و از قبسات استاد خود میرداماد آورده و خرده گرفت (۱۰٤ ب) گیلانی آغاز ذی‌قعده ۱۰٤٥ درطوس آنرا بنگارش در آورد . ۵

آغاز : بسمله . . . الحمدلله الذی تفرد بالقدم والازلیه ... فیقول . . . محمد المشتهر بشمساالجیلانی . . . هذه رسالة فی اثبات حدوث‌العالم .

انجام : ای شمع بهرزه‌میگدازی‌خودرا. تمت‌فی‌المشهدالمقدس‌الرضوی ... فی‌اوائل شهر ذی‌القعدةالمندرج فی سنة خمس واربعین والف و کتب مؤلفهابیده ... محمدالشهیربشمساالجیلانی غفرالله له ولوالدیه ولجمیع من له حق علیهماوعلیه تم ۱۰

[۲۳٦]

۹۲۹ این نسخه شماره ۵ دفتر و بخط تعلیق ریز گ ۹٦ ب - ۱۱۰ الف و بهمین خط درهامش حاشیه‌هائی با عبارت (منه دام ظله) دیده میشود و در هامش نوشته است که از روی خط نگارنده نوشته شده پس نسخه را در روزگار شمسا فراهم آوردند . ۱۵

[۲۰۱] حدوث و قدم و سرمد (فارسی)

عبدالرحیم رضوی حسینی علوی دراین گفتار واژه های (حدوث و قدم و سرمد) را میشناساند تا مطالبی که دررساله (دانائی خدا) آورده روشن گردد .

آغاز : بسمله والحمدلله رب‌العالمین . . . بخواطرم (؟!) رسید آنکه باین عبارات و بیاناتی که دراین اوراق ثبت گردید . ۲۰

انجام : عبارتش اینست که خدا وخلقش بالتمام (کم دارد) .

[۲۳۷]

۸۸۷ این نسخه شماره ٤ دفتروبخط تعلیق گ ٦٦ ب - ٦۷ ب ازاین پس تاپایان شعرها ونیایش است .

[۲۰۲] حروف (رساله ...) (عربی) ۲۵

فیلسوف فارابی دراین رساله که در ص ۵ - ۹۱ شناخته شده نخست از مقولات

سپس از معانی لغوی وفلسفی عرض سخن رانده آنگاه از « مابالعرض ـ مابالذات ـ جوهر ـ مابذاته ـ محمول بذاته ـ منسوب بذاته ـ موجود – شی بـا اشاره برأی پرمانیدس که لاشی ولاموجود را یکی میداند – لغاتی که درخطابه و شعر وفلسفه و بکار میرود مانند : ما – ای – کیف – هل – الف استفهام – نعم ولا – لم » بـزا ۵ گفتگو نمود ودر پایان از هنرهای پنجگانه منطق و پرسش هریك و پیدایش مجازات واستعارات کاوش کرد. ازدین وسیاست نیز در آن یاد گردید و از آن پیداست که فارابی بزبانهای یونانی وسریانی وفارسی وسغدی آشنائی داشت ولی هیچ یادی از ترکی نمیکند.

آغاز : بسمله الحمدلله رب العالمین . . . امابعد فان معنی ان الثبات والدوام ۱۰ والکمال والوثاقة فی الوجود والعلم بالشیء (۱) .

انجام : فالسؤال الجدلی یکون بتصریح المتقابلین او یکون قوة ماصرح به قوةالمتقابلین و کك فی کثیرمن الصنایع واماالسؤال الخطبی فمن ضروب سؤالاته ان یکون ماخذالمتقابلین فقط .

[۲۳۸]

۳۳۹ این نسخه شماره ۲ دفتر وبخط شکسته بی نقطه در نیمی و در نیمه دیگر شکسته تعلیق روشن بتاریخ سه شنبه ۷ ج ۲ سال ۱۰۷٦ وبی غلط هم نیست گ۳ ب ـ ۵۲ ب س ۲۵ ـ عنوان رساله در نسخه ما : «رسالةالحروف لابی نصر الفارابی وهومن اکبر مصنفاته واعظمها » و درپایان دارد : « تمت رسالةالحروف للفیلسوف ابی نصر الفارابی » .

۲۰ [۲۰۳] **الحركة** (عربی)

میرفندرسکی دراین گفتار که برای پیر واستاد خویش در ۵ بند نوشته است

---

۱ – پس ازاین دارد : « وموضع ان وان فی جمیع الالسنة بین وهوفی الفارسیة کاف مکسورة حینا وکاف مفتوحة حینا واظهرمن ذلك فی الیونانیة ان واون وکلاهما تاکید الا ان اون الثانیة اشد تاکیدا بانه دلیل علی الاکمل والاثبت والادوم فلذلك یسمون الله باون ممدود الواو وهم یخصون به الله فاذا جعلوه لغیرالله قالوما بان مقصورة و کك یسمی الفلاسفة الوجود الکامل انیه الشی وهو بعینه مهیته ویقولون ماانیة الشیء ویعنون ماوجوده الاکمل وهومهیته الاان حرف ان وان لایستعمل الافی اخبارفقط دون السؤال .

[۲۰۳] **الحركة** (عربی)

میرفندرسکی دراین گفتار که برای پیر واستاد خویش در ۵ بند نوشته است از جنبش سخن راند و روشن ساخت که همه جنبندگان بیك جنباننده یگانه‌ای بازمیگردند ودرجهان هستی بمثالهای پلاتونی نیازی نیست ومثالها بیهوده‌اند.

آغاز: بسمله قال سیدالافاضل قدوة الفلاسفة الراسخین امیر ابوالقاسم . . . ۵
وبعدفانی اریدفی مقالتی هذه ان ابین امر الحركة ... وان المثل المنسوبة الی الافلاطون فضل لایحتاج الیها .

انجام: فاذن المثل الافلاطونیة فضل لایحتاج (الیها) الموجودات . فهذا آخر مااردت ایضاحه بایجاز و اختصارمستقیم والحمد لواهب العقل تمت بالخیر .

[۲۳۹] ۱۰

۱۰۴۶ این نسخه شماره۶ دفتروبخط شکسته تعلیق گ ۴۲ ب ـ ۴۳ الف گویا از محمد شریف بن محمد قائمی و باید درلاهیجان میان ۱۰۴۰ و ۱۰۵۱ نوشته شده باشد .

[۲۰۴] **حظیرة الانس من اركان ریاض القدس** (عربی)

۱۵ دانشمند احمدبن زین العابدین جبلی عاملی (م میان ۱۰۵۴و۱۰۶۰) که در ۱۰۱۲ ازبهائی ودر۱۰۱۷ ازداماد اجازه گرفت برشرح تجرید این حاشیه را نوشته ودر آغاز آن گفت که پیشها برحواشی خفری برالهی تجرید تعلیقاتی بنام ریاض القدس نوشتم . چون خوانندگان کم مایه را خسته میکرد از آن گزین نموده واز گفته‌های فیلسوفان بویژه شفا در آن آوردم و آنرا « حظیرة الانس من اركان ریاض القدس » ۲۰ نامیدم ودر آغاز ذی حجه۱۰۳۷ است که بنگارش آن میپردازم . او بروش كلامیان ومشائیان و اشراقیان دراین حاشیه سخن رانده و از فارابی و ابن سینا وبهمنیار و سهروردی وامام رازی وداماد وسماکی (۸۰ الف و ۵۸۵ ب) و تفسیراو (۴۰۵ب) ودیگران یاد کرد وبروش داماد نگاشته است (۱) .

---

۱ ــ او درپایان از سه نگارش فارسی خویش « مصقل فی تجلیة آینه حق نمافی رد مذهب النصاری ــ اللوامع الربانیة فی ردالشبهات النصرانیه من كتب الاناجیل الاربعة ــ ۲۵ صواعق الرحمن فی رد مذهب الیهود ان نقلا من التوریة » یاد میکند . وی کتابی در تفسیر بفارسی بنام لطائف غیبی دارد ش ۷۴و۲۴ که در۱۰۳۳و۱۰۴۴ آنرا نوشت .

آغاز : بسمه عونك یاواهب الحیات و ملهم الخیرات . . . فیقول . . . احمدبن زین العابدین العلوی .

انجام : نقلا من التوریة فقد (تم) کتاب الموسوم بخطیرة الانس من ارکان کتاب ریاض القدس ویتلوه کتابنا الموسوم بروضة المتقین فی مبحث امامة الائمة المعصومین .

۵ [۲٤۰]

۳۱۰ این نسخه بخط نسخ وشکسته تعلیق روشن بتاریخ ۱۰۵٤ ودرگ ۲۱ ب حاشیه‌ای داردباعبارت (منه مدظله العالی) ودرخیلی جاهاعنوانها بشنگرف است درپایان دارد : (تمت سنة ۱۰۵٤) و نسخه نوشته روزگار اوست .

۵۸٦ صفحه (۵۸٦ ص) ــ کاغذ سپاهانی ــ جلد تیماج سرخ مقوائی

اندازه : ۱۳×۲۲ و ۷٫۵×۱۴٫۵ س ۱۷

[۲۰۵] حقیقت و کیفیت سلسله موجودات و تسلسل اسباب و مسببات (فارسی)

شیخ رئیس دراین گفتار بروش پرسش و پاسخ رشته هستی ها را چنانکه مشائیان میگویندگزارش داد .

آغاز : بسمله وله الحمد دائماً و کفی جوده . . . با کرم دوستی که دوستی

۱۵ وی خدای را بودنه ریاوا درخواست تاحقیقت و کیفیت سلسله موجودات و تسلسل اسباب و مسببات بیانی رود بفارسی .

انجام : و شرح ایندو طریق عمرها باید و وقتهای مساعد تا برسبیل اجمال اینقدر گفته شد والله اعلم بحقائق الامور .

[۲٤۱]

۱۰۸۸ این نسخه شماره ۳ دفتر و بخط تعلیق محمدعلی بن یوسف باعنوانهای شنگرف ۱۳ ــ ب ــ ۲۰ ب نسخه ازآن درطوس هست (ج ٤ ش ٦٤۳ ص ۱۲۵) .

[۲۰٦] حکمت عرشیه (عربی)

شیخ رئیس (حکمة عرشیه) راکه خزرجی (عیون الانباء ج۲ص ۱۹س ۲۹) درباره آن « وهو کلام مرتفع فی الالهیات » گفته و بیهقی آنرا (حکمة قدسیه) نیز

۲۵ خوانده است (ص٤٦و٥٦) بدرخواست برخی از نزدیکان درباره حقایق خداشناسی

درسه اصل (بود خدا ـ یگانگی او ـ نبود علتها برای او) نگاشته و میگوید از دیگران در این نامه هیچ پیروی نکردم نسخه‌ای از آن با (حکمة مشرقیه) در کتابخانه مسعود غزنوی، درغزنین که از تاراج شهر سپاهان در ۴۲۷ فراهم آورد بوده وعلاءالدین حسین جهانسوز غوری بسال ۵۴۶ آنها را بسوزاند (بیهقی ص ۵۶) .

۵ این حکمت قدسی یا عرشی و مشرقی را گویا شیخ پس از نگریستن بسخنان پلوتینوس درثئولوگیا (گزیده اثاد) و آشنائی با گفته های صوفیان و نگارشهای باطنیان فراهم آورد. دانشمندان خاوری (مشرقیون) که او در برابر باختریان (مغربیون) یادمیکند نه چنانکه دکتر بدوی درارسطوعندالعرب (ص۲۴) پنداشته است مشائیان بغداد در برابر شارحان یونانی نیستند چه شیخ آنهارا ناتوان و ترسایان ۱۰ آنهارا بی‌خردمیخواند و تازه آنهابجز گفته‌های همان شارحان چیز دیگری ندارند. و میتوان از سنجش سخنان عرفانی و تأویلی شیخ که فراوان هم هست با گفته های صوفیان و باطنیان چنین پنداشت که او از خاوریان دانشمندان ایرانی عارف یا باطنی را میخواهد نه متکلمان و مشائیان بغداد که از آنها نکوهش میکند. این نامه دردکن بسال ۱۳۵۳ بچاپ رسید .

۱۵ [۲۴۲]

۱۰۳۵ این نسخه شماره ۴۴ دفتر است و بخط تعلیق زیبای محمد ناصرالدین بن نورالدین ص ۳۹۳ — ۴۰۰ .

[۲۴۳]

۳۸۴ این نسخه شماره ۱ دفتری است دارای ۷ رساله که همه آنها بخط تعلیق و ۲۰ نونویس ازروی نسخه تاریخ ۱۲۶۶ بدستوردانشمند بزرگوار واقف فراهم آمده. پایان نامه چنین است : والحمد لواهب العقل وملهم الصواب (مانند ۱۰۳۵) اللهم افض من نورهدایتك علینا ... حتی نرزق جوارك فی المقام الاعلی والالتذاذ بمشاهدة جمالك فی المقصد الاقصی انك اهل التقوی واهل المغفرة برحمتك یاارحم الراحمین ص ۱ — ۲۷ .

(۴۰ گ) کاغذ فرنگی جلد مقوا ــ جلد مقوا

اندازه : ۷×۲۱ و ۱۳×۱۶ س ۹

[٢٠٧] **حكمة العين** (عربی)

نجم الدين ابو الحسن علی بن محمد دبیران کاتبی قزوینی م٦٧٥ فیلسوف منطقی نامور ایران این نامه را درطبیعی والهی پس از رسالة العین درمنطق نگاشته است .

آغاز : سبحانك یا واجب . . . . ان جماعة من اخوانی . . . . لما فرغوا من بحث الرسالة المسماة بالعين فی المنطق . . . . التمسوا منی ان اضيف اليها رسالة فی العلمين الالهی والطبيعی .

انجام : وهی قوة مجردة عن المادة لما مر وليكن هذا آخر ما اردنا ايراده فی هذه الرسالة و لواهب العقل الحمد بلانهاية والصلوة والسلام علی محمد و عترته بغير عدد وغاية .

[٢٤٤]

١٤٨ این نسخه شماره ٢ دفتر و بخط نسخ و محمد موسی بن محمد رضا مشهدی آنرا در پنجشنبه دهه سوم ع ٢ سال ١١٠٤ نوشته است برك ٦١ ب تا برك ١١٢ الف و نخستین آن تلخیص المفتاح وسوم آن مشاعر شیرازی میباشد .

(١٥٢ برگ) .کاغذ ترمه سمرقندی ــ جلد تیماج سرخ ساده یك لا

اندازه : ١٣ × ١٧ و ٩ × ١٤ س ١٧

[٢٠٨] **الحكمة المتعالية فی الاسفار الاربعة العقلية** (عربی)

فرزانه دانشمند صدرای شیرازی (م ١٠٥٠) این کتاب را درفلسفه مخصوص خویش که آمیخته‌ایست از سخنان مشائیان و اشراقیان و عارفان نگاشته است او برخلاف استادخود میرداماد که شاید ازترس ظاهریان بسیار دشوار و پیچیده مینوشت روان وشیوا وساده ولی پرمغز نگاشته فلسفه را دردسترس همه گذاشت گرچه این فیلسوف بمانند استاد در نگارشهای خود نصوص دینی را گواه میآورد و آنها را با قواعدفلسفی سازش میدادولی شاید روی همین ساده نویسی بود که از آزاروشکنج دشمنان نیاسود چنانکه در دیباچهٔ برخی از کتابها از سختگیریها که درباره اش روابداشتند مینالد ودر « الواردات القلبيه » ص ٢٥٨ ازفقیهان وستایشگران دربار نکوهش میکند . او دردیباچهٔ همین « الحكمة المتعالية فی الاسفار الاربعة العقليه » که آنرا چنین نامیده ردر« اتصاف الماهية بالوجود» آنرا الاسفار الابعه خوانده‌است .

میگوید که درجوانی بفلسفه‌الهی پرداخته و بنگارشهای فیلسوفان پیشین ویونانیان
می نگریستم و میخواستم کتابی جامع بنویسم ولی روزگاریکه بدان دچار شدم
نمیگذاشت ناگزیر گوشه‌ای گزیدم و چیزی ننوشتم تا اینکه بنگارش این کتاب
پرداختم (۱) . شیرازی دراین کتاب ارجمند از کلیات طبیعی و الهی گفتگو کرده
ودرآن ازنگارشها فیلسوفان وعارفان بهره‌برد ولی روش استدلالی مباحث مشرقی ۵
رازی درآن بسیارپیدا است اودراینجااستدلال را باشهود بیامیخت وبرخی مسائل
(اصالت وجود ــ حرکت جوهری ــ اتحاد عاقل و معقول ــ حدوث عالم ــ تجرد
خیال ــ مثال افلاطونی ــ عالم مثال ــ رستاخیز) را با برهان روشن ساخت .

این کتاب درچهاربخش است (هستی ــ گوهروعرضها ــ خداشناسی ــ روان)
وهریك برابراست با یکی ازچهارسفر که عارفان را است . ۱۰

[۲٤۵]

۲۵۷ دراین نسخه بخش نخستین (الحکمة المتعالیه) است و بخط تعلیق زیبادرجدول
زرین با سرلوح زیبا بزر وشنگرف و لاجورد میباشد و عنوانها بشنگرف
است ودرسپاهان بسال ۱۲٤۵ نوشته شده است .

(۲۳۲ برگ) کاغذ فرنگی . جلد تیماج قهوه ضربی‌مقوالی

اندازه : ۱۴×۲۴ و ۸٫۵×۱۷ س ۲۴

---

۱ ــ ازاینجاپیداست که شیرازی نخستین بار بنگارش اسفار پرداخت ولی از باز گشتهائیکه
درهریکی ازنگارشهای خود بدیگری میدهد پیدااست که بسیاری از کتابها را باهم نوشته
است. او دراسفار (چاپ تهران در ٤ بخش بسال ۱۲۲۲ و ۱۲۸۲) ازرساله حدوث یادنمود ودرفصل ۲۵
٦ منهج ۱ مرحله ۱ آن ازحشرالعوالم یاطرح الکونین ودرهمان حدوث ص ۷۹ و ۱۰۲ ازشواهد
ربوبی (چاپ تهران ۱۲۸٦) ودر آن ص ۱٤۸ ازمبدء ومعاد که بسال ۱۰۱۵ بپایان رسانده و در دیباچه
آن ص ۳ از اسفار یاد گردید چنانکه درهمان حشر ص ۳٤۳ از اسفاریاد میشود. دردیباچه
مشاعر ص ۷ از کتابها ورساله‌ها ودرعرشیه ص ۱۱۹ از کتابهای بزرك وازاسفار ص ۱٤٤
واز کتابهاورساله ها وحدوث ص ۱۲۷ و ۱٦٦ وازحواشی شرح حکمة الاشراق ص ۱۳۳ ودراین ۳۰
حواشی (چاپ شده در کنارهمان شرح ص ۳۰۹ و ۵۳۵) از اسفار وشواهد ربوبی یاد میشود
دررساله تصوروتصدیق او که همراه الجوهرالنضید درتهران بسال ۱۳۱۱ با رساله اتصاف
الماهیة بالوجود چاپ گردید درص ۸ از اسفار یاد شد و در حاشیه شفای او چاپ ۱۳۰۳
تهران ص ۱۲٦ و ۲۱۱ از کتابها ورساله ها و ازاسفار یاد گردید .

[۲٤٦]

۲٥۸ بخش دوم (الحکمة المتعالیه) است با همانگونه خط شماره ۲٥۷ و بتاریخ ۱۲٤٤ نوشته شد .

(۱٥۲ برگ) ـ کاغذ فرنگی ـ جلد روغنی و هردو سویش کتیبه وگل و بوته دارد ورنگارنگ وزمینه مشکی است .

اندازه : ٥ر۱٤×٥ر۲٤ و ۹×۱۷ س ۲٤

[۲٤۷]

۲٥۹ بخش سوم (الحکمةالمتعالیه) است با همانگونه خط شماره ۲٥۷ و درتاریخ ۱۲٤٤ نوشته شد .

(۱٥۳ برگ) کاغذ فرنگی ـ جلد روغنی مانند شماره ۲٥۸

اندازه : ٥ر۱٤×٥ر۲٤ و ۹×۱۷ س ۲٤

[۲٤۸]

۲٦۰ بخش چهارم (الحکمةالمتعالیه) و پایان آنست با همانگونه خط شماره ۲٥۷ ودر۱۲۳۹ نوشته شد ودرهامش برگ (۱ب) نوشته‌است(...یوم‌الاثنین‌سابع‌شهر رجب‌المرجب من شهور ۱۲۳۷) .

(۱۳٤ برگ) ـکاغذ فرنگی ـ جلد روغنی ومانند شماره ۲٥۸

اندازه : ۱٤×۲٤ و ۹×۱۷ س ۲٤

[۲٤۹]

۳۸٥ این نسخه نیز بخش چهارم (کتاب نفس) است وبخط نسخ باعنوانهای شنگرف وحاشیه‌ها بخط شکسته میباشد ودرپشت کتاب بخط و مهرعلم‌الهدی محمد پسر فیض کاشانی درتاریخ ۱۰۸۷ نوشته شده که ازروی‌نسخه‌نوشته‌شده‌ازروی نسخه فیلسوف شیرازی این نسخه را نوشته‌اند .

(۲۸۸ برگ) کاغذ ترمه سمرقندی ـ جلد تیماج سبز متوالی تازه

اندازه : ۱۷×۲٦ و٥ر۱۰×۱۸ س ۲٥

[۲٥۰]

۳۸٦ این نسخه نیز بخش نخستین است وبخط تعلیق شکسته ریز باعنوانهای شنگرف وحاشیه‌هائی‌هم دارد ونویسنده آن‌محمدرضا بن‌محمد قدیم بن محمد کریم تبریزی است که درسپاهان درشب ۲۹ صفرسال ۱۲۳۲ ازنوشتن آن بیاسود .

(۲٤۳ برگ) ـ کاغذ ترمه سمرقندی جلد تیماج مشکی ضربی متوالی

اندازه : ۱۸ ـ ٥ر۲٦ و ۹ ـ ۱۹ س ۲٥

[۲۰۹] الحکومة فی حجج المثبتین للماضی مبدءاً زمانیا (عربی)

خواجه ابوعلی سینا دراین رساله که یازده فصل است پس از آوردن چندین مقدمه منطقی وفلسفی از حدوث و قدم زمانی جهان بروش مشائیان گفتگو میکند ودلیلهائی که دسته‌ای آوردند و برای گذشته آغاز زمانی نپنداشتند میسنجد و آنهارا بساخت قیاسهای منطقی برمیگرداند وروشن میکند که زمان و گیتی را آغازی نیست ۵ چنانکه درمبدء ومعاد و نجات وفصل ۱ مقاله ۹ الهی وفصل ۱۱ مقاله ۳ سماع طبیعی شفا نیز چنین گفت سید داماد درقبس ۷ قبسات بسخنان شیخ نگریسته ودرص ۱۸۰ ازاین رساله یاد نمود .

آغاز : قال ابوعلی الحسین بن عبدالله بن سیناالبخاری هذه رسالة عملتها فیما تقرر عندی من الحکومة فی حجج المثبتین للماضی مبدءاً زمانیاً وبیان تحلیلها الی ۱۰ القیاسات بصورها وبمادة مقدماتها معها .

انجام : فاذا بلغنا هذا المبلغ فلنختم المقاله و ههنا شبه اخری لم اتعرض لها اذا کان المشغول شرحه وایضاحه هو هذاالنمط من الشبه والحمدلله رب العالمین .

[۲۵۱]

۱۵ ۳۸٤ این نسخه شماره ٤ دفتر وبخط تعلیق نونویس از روی نسخه تاریخ ۱۲٦٦ میباشد قنواتی درش ۷۵ بنام (النهایة واللانهایة) ازآن یاد نمود ودرآغاز نسخه او پس‌ازعبارت بالا دارد : « وقدقسمت هذه‌المقاله الی فصول عشر » ودرفهرست طوس (ج ٤ ش ٦۹٤ ص ۱٤۲) ازآن بنام (رساله درمبدء زمان ماضی) یاد گردید .

۲۰ [۲۱۰] حل مشکلات الاشارات (عربی)

اشارات شیخ رئیس ابوعلی سینا چون دشوار بوده و با عباراتی کوتاه معانی فراوان و باریك درآن گنجانده شده بود دانشمندان روزگار بشرح آن پرداختند . یکی ازآنها خواجه طوسی (۵۹۷ـ٦۷۲) میباشد .

او چنانکه در دیباچه شرح خود مینگارد این کتاب را برای روشن ساختن ۲۵ اشارات شیخ و رد اعتراضات فخررازی نوشته است ودرنیمه صفر ٦٤٤ آنرابپایان

رساندوروایت نخستین سلامان وابسال رابس ازاین و روایت دوم آنرا پس از بیست سال (٦٦٤) بر آن افزود .

[٢٥٢]

٢٤٧ این نسخه شمارهٔ ١ دفتر وهمه شرح اشارات را دارد ودر انجام آن چنین آمده: «والله ولی السداد والرشاد ومنه المبدء والیه المعاد وهومعین صالحی العباد و حسبنا الله ونعم الوکیل نعم المولی ونعم النصیر فرغ المصنف اعلی الله محله من تصنیفه فی اواسط صفر سنة اربع واربعین وستمأة» وعبارت « رقمتا کثرهافی حال صعب» تاپایان نسخه چاپ تهران (١٣٠٥) را ندارد. گ ١ الف تا ١٦٧ الف ـ شماره ٢ گزیده کمال الدین بحرانی است ازداستان سلامان وابسال ترجمه حنین بن اسحاق

١٠ این نسخه بخط نسخ نوشته شده وتاریخ نوشتن شرح اشارات ٤ ج ٢ سال ٦٧٢ میباشد ونویسنده آنرا برای خود نوشته و٢٨ سال پس ازنگارش خواجه و١٤روز وشش ماه پیش ازمرك وی، که در روزغدیر ١٨ ذیحجه ٦٧٢ رخ داده بود بپایان رساند. ازآغاز تابرك ١٩ بنسخ ریز وازبرك ٢٠ تا ٢٤ بنسخ درشت ترمیباشد واین دوخط ماناتازه تر است وازبرك ٢٤ تابرك پایان بنسخ درشت وبا اعراب است عنوانها بشنگرف ودرشت تر

١٥ ازمتن میباشد حواشی دارد بتعلیق ودرشرح لغتها بفارسی وبخط تازه تری است وحواشی دیگری بتازی دارد .

از دارندگان نسخه نام اینها دیده میشود : فضل الله حسینی — نجم الدین بن عبدالعلی — محمدتقی بن شیخ احمد جوهری درتاریخ ج ١ سال ١٩١ (؟!)

(١٦٨ برگ) . کاغذ ترمه سمرقندی ، جلد تیماج سرخ زرکوب مقوائی

٢٠ اندازه : ١٧×٢٦ و ١٢× س ٣٥

(٢١١) حی بن یقظان (عربی)

شیخ رئیس سه داستان مرموزفلسفی وعرفانی (سلامان وابسال ـ حی بن یقظان ـ طیر) دارد و دومی را درفردجان نوشته و در آن گفته که بدرخواست یاران آنرا نگاشته و گزارش داده ام .

٢٥ گویا این داستان برسر زبانها بوده یا اینکه خود او درجای دیگر از آن یاد کرده وشاگردان گزارش آنرا ازوی خواستند گویند شیخ دررسالهٔ قدرازحی بن یقظان و ابسال یاد نمود

بگفته ابن سبعین م ٦٦٩ شیخ در ایندا ستان از آئین (نوامیس) پلاتون

و گفتارصوفیان پیروی نموده‌ازتمدن‌وشهرنشینی‌وفلسفه کاوش کرد‌این‌سخن‌تااندازه‌ای هم‌درست‌است چه پلاتون در آنجا خود را بنام یك بیگانه ناشناس آتنی نشان‌داده دربارهٔ ریشهٔ قانون با یاران خویش گفتگو کرد . فیلسوف فارابی که از جمهوری و آئین گرفته است درسیاسات مدنیه (ص ۵۷) ازنوابت ودر آراء مدنیه فاضله ص ۱۰۹ ازمتوحد یادنموده ودرتحصیل‌السعاده ص۴٦ گفته‌است که رهبرشایسته کشور خودبخود رهبراست خواه کسی ازش بپذیرد یاکسی‌اوریارنباشد وناشناخته بماند همه اینهاکسی را بیاد میآورد که خود بیاندیشد و بجهان بنگرد و براز آن برسد و نیك و بد را ازهم باز شناسدابن باجه هم که‌تدبیرالمتوحد نوشته‌است‌اندیشه چنین کسی را در آن نمایانده ودرص ۱۰و۵٤ از دو واژه « نوابت یا خودرو ومتوحد » یاد نمود. شیخ رئیس دراین داستان هم اندیشه و پندار یك مرد گمنام آزموده را نشان میدهد وشاید درنگارش آن از داستانهای ایرانی و بودائی که دراخوان صفا دیده میشود نیز بهره برده باشد میگویند ریشه آن همان داستان نوپلاتونی قبطی « ایمن ذریس ـ مردمدار » است که ازهوملس دانسته شده (۱) .

[۲۵۳]

۱۰۷٤ این نسخه شماره ۱۵ دفتر وبخط تعلیق گ ۲۱٦ الف ـ ۲۲۰ب میباشد .

---

۱ ــ حی‌بن یقظان را مهرن با ترجمه و گزارش گزیده آن بفرانسه بسال ۱۸۸۹ درلیدن بچاپ رساند ودرجامع‌البدایع و درمصر بسالهای ۱۲۹۹ و ۱۳۲۷ و ۱۳٤۰ و با حی‌بن یقظان ابن طفیل وسهروردی در۱۹۵۲ بچاپ رسید و بعبری نیز ترجمه شد (طریحی ۱۰۲) ابن زیلای مجوس سپاهانی و جوزجانی (بیهقی ص ۹٤) و باباافضل کاشی برآن گزارش نوشتند .

نگاه به : ذریعه ج ۷ ص ۱۲۹ ــ سرگذشت جوزجانی ـ شرح طوسی براشارات ــ دیباچه احمد امین برچاپ اخیر این داستان ص۱۷ ــ متون ماسینیون ص ۱۲۹ ــ دیباچه‌ساز وپیرایه کاشانی‌چاپ۱۳۱۱ ــ ابن‌طفیل اندلسی بپیروی ازشیخ حی‌بن یقظان دیگری نوشته ودرپایان آن داستان سلامان را آورد وریشه آن گویا افسانهٔ (بت وشاه دخترش) باشد که درپیرامون اسکندرساخته‌اند ونسخه آن با حروف لاتینی آراگون سده۱٦دراسکوریال هست و اورنك فلسفی بدان داد . Gracian Balthazar در Critieon (سرقسطه Saragozza ۱٦۵۱)هم‌ازاین‌افسانه بهره‌برده‌است(دیباچه احمدامین ص ۹ــ ۱۳ــ ۱٤) داستان ابن‌طفیل را فضل‌الله بن جهان هیجی‌اصفهانی بپارسی کرد (دیباچه صلیبا برچاپ ۱۹۳۵)

[۲۱۲] حی بن یقظان منظوم (عربی)

در این بیتهاداستان حی بن یقظان بنظم در آورده شده و سراینده آن دانسته نشد

آغاز:

حی بن یقظان ماحی بن یقظانا
سبحان موجد ذاك الشیخ سبحانا
شیخ من البلد القدسی منشأه
سری الینا فحیا و احیانا

انجام : لاشیء الطف منها ان من عرف القدیم اصفی جمیع الخلق اذهانا .

[۲۵٤]

۱۰۳۵ این نسخه شماره۱۸ دفتر و بخط نسخ خوش درچهارستون چلیپا ص ۱٦۸-۱۷۲ و در پایان دارد « تمت القصیدة والحمدلله علی نعمائه الحمیدة فی شهر شعبان سنة ۱۰۹۷ » .

[۲۱۳] خزائن (عربی)

دانشمند مولی احمدبن مولی مهدی نراقی م ۱۲٤٥ این کتاب را که مانند کشکول بهائی جنگی است در همه دانشهای آن روزگار نگاشته دنباله مشکلات العلوم پدرخود دانشمند مهدی نراقی م ۱۲۰۹ ساخته است و چندین بار یکی در ۱۳۰۸ بچاپ رسید .

[۲۵۵]

۸۳۷ این نسخه بخط نسخ با نشانه‌ها و شکلها و عنوانهای شنگرف و محمد مسیح موسوی خوانساری در ۱۲۵۰ آنرا نوشته است و از دیباچه کمی ندارد و چنین آغازمیشود : « و نقلیة و فوائد عجیبة ودقائق غریبة ولکنه طاب ثراه اقتصرفیه علی المشکلات . . . وسمیتها بالخزائن » .

(۱۳۳گ) - کاغذ سپاهانی ـ جلد تیماج زرد ضربی
اندازه : ۱۵×۲۱ و ۱۰×۱٤ س ۲۳

[۲۱٤] خلق اعمال (عربی)

دانشمند دوانی (۸۲۸ ـ ۹۰۸) درباره آزادی خواست واراده این رساله را

نوشته ودر آن از گفتار اشعری یاری نموده و گفت که او باندیشه خویش یا از روی سخنان پیامبر بتوحید افعال رسید دوانی در اینجا ازشفا و تحصیل بهمنیار و رساله طوسی ورساله دقیق عمر بن الخیام شاگرد شیخ رئیس که همه از توحید افعال گفتگو کردند یاد میکند و میگوید که اگر عازم سفر نمی بودم برخی از سخنان خیام را گزین میکردم وی در پایان بخبر کلیات خمس علی (ع) اشاره میکند ومیگوید که توحید افعال وصفات وذوات در آن آمده است .

آغاز : بسمله اما بعد حمدالله فتاح القلوب مناح الغیوب . . . فقد سالنی . . . مولانا سعیدالملة والدین محمدالسدنی الاسترابادی ... ان اکتب ماحضرنی فی الوقت من الدقائق المتعلقة بمسئلة خاق الاعمال .

انجام: ویکفی فی تحقیق هذه المراتب الکلیات الخمس المأثورة عن امیر المؤمنین ویعسوب الموحدین علی بن ابی طالب . . . فی جواب کمیل بن زیاد . . . فلینظر بنظر دقیق ویتفکر فیه بفکر عمیق ستجلی علیه انوار التحقیق والله ولی التوفیق .

[۲۵٦]

۸۸۱ این نسخه شماره ۱۱ دفتری است دارای ۱۳ رساله و گفتار که بیشتر بنسخ با عنوانهای شنگرف و گاهی بتعلیق است و نویسنده آنها محمد بن فتح‌الله بسطامی میباشد که درمدرسه رزم ساریه قزوین ودر باغ قایدحسن در تاریخهای ۱۰۰۳ وروز آدینه ۱ وروز یکشنبه ۲ ع ۱ (؟) وروز شنبه ١٤ وروز پنجشنبه ۱۷ ع ۲ (؟) وروز شنبه ۱۹ ج ۲ سال ۱۰۰٤ وروز دوشنبه ٥ ذی‌حجه سال ۱۰۰٥ ودرسال ۱۰۱٤ برای دارنده نسخه صدرالدین محمد تبریزی نوشته است واین نسخه بخط نسخ تاریخ روز یکشنبه ۲ ع ۱ سال ۱۰۰٤ ازهمان نویسنده است از گ ٤٥ ب تا ٤٨ ب و گ ٤۹ الف ـ ٥٦ الف گفتارهای پراکنده است . نسخه ازاین نامه دوانی درطوس هست (ج ٤ ص ۱۲۷ ش ٦٤٧) .

(همه دفتر ۳۱۳۳ ف) کاغذ سپاهانی ـ جلد مقوا تـه میشن

اندازه : ٥ر۱۳ × ٥ر۱۹ و ٥ر۷ × ۱۳ س ۲۱

[۲۱٥] خلق اعمال (عربی)

دانشمند صدرای شیرازی بمانند استاد خویش فیلسوف داماد کـه ایقاظات و خلق اعمال (ش ٦٤٧ ص ۱۲۷ ج ٤ فهرست طوس) نگاشته است این گفتار را بپرداخت وی در آغاز میگوید که چون سخن درباره سر نوشت و آزادی دشوار

و مایه سرگشتگی بود ما این نامه را نگاشتیم و گفته های دانشمندان (اختیار - جبر - امر بین‌الامرین یا علیت خدا وقابلیت مستقیم وغیرمستقیم موجودات دربرابر فیض او) را در آن میاوریم سپس روش اهل‌الله یا وحدت وجود را یاد میکنیم این نامه دررسائل شیرازی بسال ۱۳۰۲ ص ۷-۳۷۱ ودر کنار کشف‌الفوائد حلی بسال ۱۳۰۵ بچاپ رسید .

[۲۵۷]

٤۳۱ این نسخه شماره ۱ دفتر و بخط نسخ محمدعلی بسال ۱۳۰۱ میباشد گ ۱ ب - ۱۱ الف

[۲۵۸]

۸۷۱ این نسخه شماره ۸ دفتر و بخط تعلیق محمدعلی که درمدرسه سپهسالار میرزا محمدخان قاجار بسال ۱۲۹۹ آنرا نوشت گ ۹۱ ب - ۹۳ ب این هردونسخه تمثیل پایان رساله (س ۱٦ ص ۳۷۵ - ص ۳۷۷ چاپ ۱۳۰۲) را ندارد .

[۲۱٦] داستان سلامان وابسال (عربی)

این داستان فلسفی را حنین بن اسحاق (۱۹٤-۲٦٤) ازیونانی بتازی درآورد و آن در تسع رسائل درمصر بسال ۱۹۰۸ ودرآستانه با روایت ابن خلکان ازسلامان وابسال شیخ بسال ۱۲۹۸ بچاپ رسید . سپس کمال‌الدین علی بن سلیمان بحرانی فیلسوف روزگارطوسی آن ترجمه را بااندك افزایش و کاهشی درعبارت گزین نمود (نسخه‌ما) و آن در کنار شرح اشارات طوسی چاپ ۱۳۰۵ (نمط نهم) بچاپ رسید بی آنکه نامی از بحرانی درآن برده شود. شیخ رئیس بگواهی جوزجانی درسرگذشت نیز همین داستانرا نوشته و در آغاز نمط ۹ اشارات از آن یاد کرد رازی چون از این داستان آگاه نبود نتوانست درشرح اشارات سخن شیخ راروشن کند. طوسی دراینجا نخست ازافسانه‌های تازی یاد نمود آنگاه روایت نخستین (۱) راکه گزیده کوتاهی

۱- این روایت را جامی (۸۱۷ - ۸۹۸) بنام یعقوب بیك پسراوزن حسن آق‌قونیلو (۸۸۳ - ۸۹٦) بنظم درآورد که رشید یاسمی درتهران بسال ۱۳۰٦خ بچاپ رساند و نظم جامی را اگوست بریکتو Aug-Bricteux بنثرفرانسوی ترجمه کرده و باسر گذشت جامی وترجمه روایت نخستین طوسی و بادیباچه‌ای درفلسفه وادب فارسی درپاریس بسال ۱۹۱۱ چاپ کرد .

است از ترجمه حنین و پس‌از پایان دادن شرح خویش یافته بود بر آن افزوده و گفت که این را فیلسوفی نادان برای گزارش سخن شیخ ساخته است . پس‌از بیست سال (٦٦٤) روایت دومی از آن که جز داستان حنین است جسته و برشرح افزوده و گفت که این از شیخ است و گویا همان باشد که جوزجانی یاد نمود و شیخ نیز دررساله قضا وقدراز آن (وازحی بن یقظان(۱)) نامبرده است وعبارت اشارات هم با همین روایت میسازد و من گفتار شیخ را درباره این داستان نیاورده‌ام تا سخن بدرازانکشدشیخ‌در آغازرساله(طلسمات و نیرنجات) میگوید : ازمن‌داستان ابسال ۵ وسلامان که برتوده مردم پوشیده است پرسیده‌ای و من پس‌از آن از جادو وطلسم ونیرنگها وشگفتیهاکه کمتر از طبیعت سرمیزنند آوردم و روشن میسازم که هریك چیستند تابتوان براز پوشیده رسید (۲) .

درداستان حنین که بحرانی از آن گزین نموده اندیشه یونانی و قبطی باهم آمیخته ومردی را نشان میدهد که نه از پدر ومادر آفریده شده است . ابن طفیل ۱۰ م ۵۸۱ حی‌بن یقظان خویش را برپایه سرگذشت چنین مردی نهاده ودرپایان آن این داستانرا بریخت دیگری آورده است .

[۲۵۹]

این نسخه شماره ۲ دفتریست دارای شرح اشارات طوسی گ ۱۶۷ ب تا
۲۴۷ ۱۶۸ب وبهمان خط نسخ شرح اشارات و بی‌حاشیه وساده‌میباشد وپیداست که ۱۵ درروز گارخواجه نوشته شده است .

آغاز نسخه : « هواللطیف ـ قال‌الحکیم کمال‌الدین‌البحرانی رحمه‌الله تعالی (تااینجا درنسخه چاپ تهران نیست) هذه قصة سلامان وابسال اللذین کانا فی زمن هرمانوس الملك بن هرقل السو فسطیقی انتجنت من نقل حنین ابن اسحاق من‌الیونانی الی‌العربی والکتاب‌الذی انتخبت منه کان بخط‌الشیخ ابی‌الحسین (ابی حسین ـ درچاپ ۲۰ تهران) اللوکری قال کان فی‌الزمن‌القدیم قبل طوفان النارملك یقال له هرمانوس » وانجام داستان درچاپ‌تهران چنین است : « وکان‌آخرما کتب‌الالواح من لسان‌سلامان

۱ـ دیباچه حی‌بن یقظان چاپ دمشق ۱۳۵٤ ص ت .

۲ ـ چاپ تهران در کنارشرح هدایه شیرازی‌ص ۳٤۵

ان اطلب العلم والملك من العلويات الكاملات فان الناقصات لاتعطی الا ناقصا . و آخر دعوانا ان الحمدلله . . . وسلم » .

انجام نسخه ما این است : « ان یهلك ابسالا حتی یستریح منها فقال له هرمانوس ایها » و برابر است با سطر ۱۳ ص ۱٦۳ ترجمه حنین وسطر ٦٦ هامش صفحه ۲ نمط

۵ ۹ شرح اشارات چاپ تهران و بیشتر از نیمه این داستان در نسخه ما نیست .

[۲۱۷] **دره فاخره** (عربی)

فرزانه روشن بین عبدالرحمن دشتی فارسی جامی (۸۱۷_۸۹۸) این نامه را درباره آئین صوفیان ومتکلمان وفیلسوفان باستانی وسخن آنها درباره هستی خدا وچگونگی آفرینش این همه هستی‌ها ازخداوند یکتا نگاشته است .

۱۰ **آغاز** : بسمله و به نستعین الحمدلله الذی تجلی لذاته بذاته فتعین فی باطن علمه مجالی ذاته وصفاته ... فهذه رساله فی تحقیق مذهب الصوفیه والمتکلمین والحکماء المتقدمین وتقریر قولهم فی وجود الواجب . . . وکیفیة صدورالکثرة من وحدته .

انجام : و قال الحکماء افعال العباد واقعة علی سبیل الوجوب . . . اذا قارنت حصول الشرایط وارتفاع الموانع والله اعلم .

[۲٦۰]

۸۹۷ این نسخه شماره ۸ دفتر است و بخط نسخ تاریخ ۱۰۹۷ گ ۱۵۳ الف _ ۱۵۹ الف . درطوس شش نسخه بشماره‌های ۱۷ (ج۱ ص ۱۵) و ۵٦٦ تا ۵۷۰ (ج٤) ازاین نامه هست که درپایان یکسان نیستند ونسخه ما مانند شماره ۵٦۷ میباشد . میرزا محمدحسین رئیس الکتاب ازدارندگان این دفتر بوده ومهر او دیده میشود (۹۷ الف و ۱۳۰ الف) .

۲۰ [۲۱۸] **الدعاوی التنبیهیة** (عربی)

این نگارش فارابی درص ۹۱ شناسانده شده است .

[۲٦۱]

۱۰۳۰ این نسخه شماره ٦ دفتر و بخط تعلیق با نشانه‌های شنگرف گ ٦۷ ب _ ۷۲ الف. ده بند ازافلاطون وسه بند ازسقراط و ۲ بند ارسطو دردنبال دیده میشود عنوان رساله در نسخه ما چنین است : « الدعاوی التنبیهیة المنسوبة الی ارسطاطالیس الحکیم محررة عن الحجج لابی نصر الفارابی » .

[۲۱۹] **ذکر** (عربی)

فیلسوف کندی بغدادی دراین گفتار از تذکر که افلاطون آنرا با تعلم یکی میداند کاوش میکند وروشن میسازد که روان از جهان عقلی چه چیز را و چگونه درجهان حسی بیادمیآورد ونیز یادآوری ازجهان حسی درجهان عقل چگونه است وبکسی که این نگارش را ازاودرخواست واوآنرادرخورهوش وی وبروش پرسش و پاسخ نوشته است میگوید که این مسئله دشوار وبرای پست تر از تو نیازبشرح بیشتری دارد . دراینجا باتحاد عاقل ومعقول اشاره میشود .

آغاز : والفصل العاشر رسالة فی شرح ما للنفس ذکره مما کان لها فی عالم العقل اذصارت فی عالم الحس ومالها ذکرمما فی عالم الحس ان صارت فی عالم العقل . سددك الله سبیل الخیرات وحصنك من شبك الخیرات وهداك الی اغراض الخفیات .

انجام : وهذاالقول فیماطلبت کاف فکن به سعیدا والحمدلله کفانعمه ومنتهی امالنا وهوحسبنا وبه نستعین .

[۲۶۲]

۳۸٤ این نسخه شماره ٦ دفتراست ص ۱ـ۸

[۲۲۰] **ذکر اسباب الرعد والبرق** (عربی)

شیخ رئیس دراین نامه که در دکن بسال ۱۳۵۳ بچاپ رسید از رعد وبرق وصاعقه گفتگو نمود .

[۲۶۳]

۱۰۸۹ این نسخه شماره ٦ دفتری است دارای ۱۱ رساله ادبی وعرفانی وفلسفی بخط تعلیق محمدتقی تفرشی بسال ۱۳۵۵ وحسن تقدیسی بسال ۱۳۵٦ که ۱ آن فرهنك منظوم تازی بپارسی است گ ۲ ب ـ ۸ الف و ۵ آن تفسیر عین الحیوة بهائی است گ ۳۷ ب ـ ٤۲ الف و ۹ تفسیر باطنی و عرفانی و فلسفی سوره اخلاص ابن سینا که درآن از شناساندن چیز بی سبب وبسیط بلازم قریب یاد میکند و آنرا از تعریف مرکبات بمقومات کمتر نمیداند و بمنطق شفای خویش باز گشت میدهد (ص ۳۰٤ چاپی در کنار شرح هدایه شیرازی) وازهمین پیداست که این تفسیر از شیخ است. گ ۷۱ ب ـ

٧٤ ب و ١٠ تفسیر سوره فلق شیخ است گ ٧٤ ب – ٧٦ الف این رساله بخط تعلیق تقدیسی است گ ٥٧ ب – ٥٩ ب قنواتی در ش ٥٥ از آن یاد نمود .

(همه دفتر ٩٦ گ) - کاغذ فرنگی — جلد مقوا

اندازه : ١٣×٥ر٢٠ و ١٠×٥ر١٦ س ١٩

٥ [٢٢١] **راحله توفیق** (فارسی)

این رساله بدستور شاه عباس دوم صفوی (١٠٥٢–١٠٧٧) از روی خبرهای شیعی که ترجمه بپارسی میشود درباره اسب نوشته شده و یك مقدمه (سبب رام شدن اسبان) ودومقاله(سوداسبها – نشانه خوبی وبدی آنها) وخاتمه (آداب سوارشدن اسب) میباشد .

١٠ **آغاز** : بسمله . سمند باد پای اندیشه را که بهمعنانی ادهم قلم از قید ذات وامکان جسته مطلق الیمین درساحت عزت ووجوب جولان نماید

انجام : هر گاه این کلمات را بگوید محفوظ خواهد بود نفس اووچهارپای او تاوقتی که فرود آید . والسلام علی من اتبع الهدی .

[٢٦٤]

١٠٣٨ این نسخه شماره ٤ دفتر است و بخط شکسته تعلیق از روی نسخه نگارنده نوشته شده گ ٣٤ ب - ٣٧ الف در پایان دارد : « بلغ من اوله الی آخره من نسخة بخط مؤلفه رحمه الله بقدرالوسع والطاقة » .

[٢٢٢] **ربط الحادث بالقدیم** (عربی)

خواجه طوسی دراین رساله از ربط آفریده حادث با آفریدگار قدیم گفتگو

٢٠ کرده از استاد خود امام سعید فریدالدین محمد نیشابوری با عنوان (رحمه الله) (گ ٥٩ الف) و از دوری که او درباره عدم لاحق و سابق موجود آورده است یاد میکند .

آغاز : بسمله قال الحکماء العلة التامة لاتنفك عن معلولها بتمامه

انجام : فهذا ما تقرر عندی من مذهبهم فی الموضع والله ولی التوفیق للخیر وهوالملهم للصواب . تم الکلام .

[۲٦٥]

۳۷۳ این نسخه شماره ۳ دفتر و بخط تعلیق شکسته تاریخ ۱۰۸۵ گ ۵۸ ب ـ ٦۰ الف میباشد .

[۲۲۳] **رساله درباره تجلی خداوند بر کوه طور** (فارسی)

از خواجه سلطان محمد نواب سپاهانی بروش عرفانی و علم حروف درحل مسئله پاشیده شدن کوه طور و بر جای ماندن تن موسای پیامبر در هنگام تجلی خداوند

آغاز : هو ـ حلی که نواب اصفهانی خواجه سلطان محمد نمودند ـ تجلی حضرت بر کلیم‌الله درطورسینا .

انجام : پس براین تقدیر حرف ثالث بترقی حرف رابع بوده باشد والسلام .

[۲٦٦]

۳۸۲ این نسخه شماره یکم دفتر است و بخط تعلیق در ۳ صفحه رویه برگ ب ـ رویه برگ ج .

(٦+۱۱٦+۳ برك) ـ کاغذ فرنگی ـ جلد تیماج زرد

اندازه : ۹٫۵×۱۹٫۵ و ٦×۱۵ س ۱۹

[۲۲٤] **رساله فلسفه** (عربی)

نگارش ابن کمونه اسرائیلی است که در آن ازمنطق بروش متأخران درباب ۱ ودر۷ فصل وازالهی درباب ۲ تا ۷ (اموعام ۷ فصل ـ اعراض وجودی واعتباری ۹ فصل ـ جسمهای طبیعی ٤ فصل ـ نفسها ۷ فصل ـ عقلها ۷ فصل ـ خدا ۷ فصل) گفتگو نموده ودفتریست سودمند وروان و شیوا که برای امیرعزالدین فخرالاسلام والمسلمین معتمدالدولة مجدالملك مفخرالعراقین دولتشاه پسر امیرسیف‌الدین سنجر صاحبی هنگامیکه نزدپسرش بسرمیبرده‌است بنگارش درآورد ودربامدادپنجشنبه ۱۹ ذی قعده سال ۷۰٦ بپایان رساند (۱) .

---

۱ ـ درالحوادث‌الجامعه ابن الفوطی بغدادی ص ٤٤۱ می نویسد که ابن کمونه را پس‌ازتکفیرفقیهان بسال ٦۷۳ نهانی بحله بردند ودرآنجا درگذشت وآشکار نمیسازد که درچه‌سالی بمرد . از تاریخ کتابهایش پیداست که وی درسالهای ٦٦۷و٦۷۰و٦۷۹و٦۹۰ و۷۰٦ زنده بود .

نگاه به : گفتارنگارنده درمجله‌جلوه سال۲ شماره ٦و۷ تاریخ ۱۳۲۵ص۹ـ۳۰۸ـ ذریعه ج ۲ ص۷ـ ۲۸٦ و ج ٤ ص ٤۰٦و۲٥٤و۸ـ ٤٦۷ـ دیباچه آقای کربن برتلویحات ومقاومات ومطارحات ص ٦٥ ـ تذکرةالنوادر ش ۲۰۷ ص ۱٤٥ که ازنسخه ش۲٤٤۷ ایاصوفیا یاد میکند وگویا همین کتاب باشد .

ابن کمونه درفصل ۲ باب ۷ (ص ۱ـ۲۵۰) این دفتر ودرلمعه (ش ۸٦۱/۱٦ گ۱۳۹ب ـ ۱٤۰الف) ازشبهه‌ای که ازاو پنداشتند یاد کرده ورد نمود وپیدا نیست که چرا دانشمندانی مانند داماد و صدرای شیرازی و محقق سبزواری درباره او این اندازه بدگمان شده و گاهی نکوهش کردند .

۵ **آغاز** : بسمله قال العبد . . . سعدبن منصور بن سعیدبن الحسن بن هبةالله بن کمونة . . . احمدالله تعالی . . . وبعدفقداتفق ارباب العقائدالعقلیه والدیانات النقلیه .

انجام: اوجب له التامل وثوقاتاماوطمأنیة الی سعة رحمةالله تعالی فی الاخرة فاسئلك اللهم ان تجعلنی من اهلها وتدخلنی فی زمرة عبادك الصالحین . . . والحمدلله حمدالشاکرین تم بالغدیوم الخمیس التاسع عشرمن ذی القعدة من سنة ست وسبعمأئة

۱۰ [۲٦۷]

۲٤۸ این نسخه بخط تعلیق خوش دانشمندشادروان میرزا یدالله نظر پاك کجوری است که در ۱۳۵۰ بخش منطق ودر۳ ع ۲ سال ۱۳۵۱ الهی را بپایان رساند . عنوانها بشنگرف وحاشیه‌هائی از کجوری درهامش هست ـ درطوس نسخه‌ای هست (ج٤ ش ۱۰۰۷ ص ۲٤۵) که مانا همین رساله ما باشد .

۱۵ (۲۹۰ ص) ـ کاغذ فرنگی ـ جلد تیماج سرخ ساده مقوائی
اندازه : ۱٦×۵ر۲۰ و ۱۱×۱۷ س ۱۳

[۲۲۵] رساله فلسفی (فارسی)

این رساله را سیدشریف گرگانی (۷٤۰ـ۸۱٦) درپاسخ پرسشهای اسکندربن عمر شیخ بن تیمور گورکانی که ازسپاهان بسال ۸۱۵ برای اوفرستاده است نگاشته ۲۰ ودرده فصل میباشد (پوزش‌خواهی برای کوتاهی ادراك ـ حکمت آفرینش ـ آفریده نخستین ـ آمیزش جان و تن و جدائی آنها ـ پاداش و کیفر رستاخیز ـ فرشته ـ اهریمن ـ صراط و پرسش وترازو ـ معراج پیامبر ـ پند بزرگان) .

آغاز : حمد بیحد مرحضرت باری راکه عین بصیرت انسان را جهت دریافتن حقایق ودقایق منور وروشن گردانید .

۲۵ **انجام** : واشاره بتوحید ازآنجاناشی میشود والله اعلم بالصواب والیه المرجع والمآب .

[۲٦۸]

این نسخه شماره ۳۷ دفتر است و بخط تعلیق ۲۰ ذی‌قعده ۱۰۹۷ ص ۳۱۲

۱۰۳۵ این رساله درنسخه ما ۷ فصل و یك خاتمه است وچنین آغازمیشود : « هو رساله میرسید شریف که بجهت سلطان طغرل تصنیف کرده . فصل درتمهید معذرت جهت قصورادراك . درعبارت اکابرعلمابحث وفکرت تصریح کرده‌اند » اینکه رساله برای سلطان (ابوسعید) طغرل نگاشته شده باشد چنانکه در ش ۱۲۹ (ج ۱ ص۱٤۱فهرست‌طوس) هم یادشده نادرست‌است. درطوس‌شش نسخه دیگر (ج ٤ ش ۳٤۰ تا۳٤٥) هست‌واسکندریه نامیده شده. بنگرید بشماره ۱۰۳۷/٤ص۱۹۳ این‌فهرست . ۵

[۲۲٦] رساله وجیزه درنفس ناطقه (فارسی)

دراین گفتار شش دلیل بربود نفس ناطقه آمده و در سه فصل پس‌از آن از پایداری وخوشی روان گفتگومیگردد . ۱۰

آغاز : بسمله . بدانکه معرفت مطلوب که بحق تعالی است سهل است جدا ازقبل خود .

انجام : و بنورقدس واصل نمیشود و درظلمات بعذاب الیم معذب میگردد واعوذ بالله . ۱۵

[۲٦۹]

۱۰۸۸ این نسخه شماره ٤ دفتراست وبخط تعلیق گ ۲۱ الف ـ ۲۵ الف .

[۲۲۷] روان شناسی (فارسی)

این رساله بفارسی‌است ودرروانشناسی عقلی ودر آن از « حس ومحسوس » ارسطو یادمیشود وگفتار او درباره خواب میاید (۱۰۳الف ـ ۱۰۹ب ـ ۱۱٤ب) . ۲۰

[۲۷۰]

۲۵۳ این نسخه شماره ۱۸ دفتر وبخط تعلیق کرکی با عنوانها بعربی وشنگرف بسال ۱۰۷۵ گ ۱۰۳ الف ـ ۱۱٤ ب و از آغاز ندارد و چنین است : « دارد . دوازدهم چیز آنست که عرش قوی بود بر آنچیزی که بباید کردن و دلیر و پیشرو بود بکردن آن چیز ـ لایلحق‌الباری شبهة و کثرة وقدتمت الرسالة . . . فی اواخرشهرذی حجةالحرام ۱۰۷۵ والحمدلله وحده‌العزیز» وفصلهای ۲۵

رساله دراینها است : « اندامها و نیروها وجانهای آنها ـ جانهاوپایه‌های آن ـ نیروی پندار وخواب و اثرهای آن ـ خواب ـ کار نیروی پندار درخواب و بیداری ـ نیروی خدائی ـ نیروها بزبانهای گوناگون ـ کار نیروها درخواب ـ عقل فعال ـ جسمهای هیولانی ـ نیروی دریابنده جان ـ چگونگی دریافت ـ دانسته‌های گوناگون و آنچه ٥ اولی وروشن است ـ سعادت ـ نیکی وبدی وزشتی و زیبائی ـ صفتهای خدا و توانائی و یگانگی او » فصل پایان کتاب بتازی است .

[۲۲۸] روانشناسی وخداشناسی (فارسی)

دراین رساله روان وخدا شناخته شده است .

آغاز : یا واحد . بسمله . اما بعد بدانکه این مختصر کتابی است در بیان ۱۰ معرفت نفس وعلم خداشناسی ودانستن لقای حق .

انجام : سودا سرد وخشك است ، چنانکه درزمستان سرد و تر است خاك سرد وخشك است .

[۲۷۱]

۱۰۳۸ این نسخه شماره ۸ دفتر وبخط شکسته تعلیق گ ٥٥ ب ـ ٦٥ الف .

۱٥ [۲۲۹] روائع الکلم وبدائع الحکم (عربی)

این کتاب دارای دومقدمه دردومطلب ودوباب است (۱ هستی‌های گوناگون ۲ـ طبیعیات در٤ مقصد) ودرآن ازطوسی ودوانی (۲۰۸ب) یادشده واخبارشیعی دیده میشود .

آغاز : بسمله وبه نستعین الحمدلله صمدا خالدا مع خلوده حمدایوا فی دوام ۲۰ جوده . . . فانی کنت قبل هذا قد صنعت لابواب خزائن الحکمة مفاتیح المنی .

[۲۷۲]

۸۸٦ این نسخه شماره ۲ دفتر است و نخستین آن شمائل ترمذی (۱ ب ـ ٦۳ الف) میباشد وبخط نسخ با عنوانهای شنگرف ودر پایان باب ۱ (۱٦۰ ب) دارد که محسن بن علی موسوی درشام پنجشنبه ۸ ذی‌قعده ۱۲۷۰ آنرا نوشته‌است ونسخه ۲٥ در مشکوة ٥ مقصد ۳ باب ۲ پایان میابد بدینگونه « مشکوة . اذاکان دورة واحدة اواجتماع عدة دورات ... ولم تغیرهالحرکات والادوارفیحدث مثل ماسبق لاعینه» ودر

شوشتر نوشته شده واز آن کتابخانه احتشام‌الدوله بوده است گ ۶۵ ب ـ ۲۲۲ ب
(همه دفتر ۳۲۵گ) ـ کاغذ فرنگی ـ جلد تیماج سرخ ضربی
اندازه: ۱۵×۲۱٫۵ و ۸×۱۵ س ۱۵

[۲۳۰] روح (رساله در تحقیق ...) (عربی)

دراین رساله که ازبرخی از صوفیان دانسته شده از «روح اعظم» که پرتو ۵
ونمایش پروردگار است گفتگو گردید.

آغاز: بسمله وحمد وصلوة. واعلم ان الروح الاعظم الذی فی الحقیقة هو الروح الانسانی مظهر الذات الالهیة من حیثیة ربوبیتها.

انجام: فمن تحقق له حال الرب مع المربوب تحقق له ماذکرناه وهو الهادی الی سواء السبیل. ۱۰

[۲۷۳]

۱۰۳۸ این شماره ۱۰ دفتر وبخط شکسته تعلیق مورب گ ۷۳ ب ۷۴ الف

[۲۳۱] روضة القلوب (فارسی)

دفتری است بپارسی واز مسئله های طبیعی و الهی که بدو جهان تن و جان
بستگی دارد گفتگومیکند و در نسخه ما از خواجه طوسی دانسته شد که بمشرب ۵
تأویل و روش اسمعیلیان در آن سخن راند خواجه کتابهای دیگری هم دارد مانند
آغاز وانجام وسیر وسلوك که بچاپ رسیده و روش تأویل در آن پیداست و کتاب
دیگری بنام روضة التسلیم یا تصورات هم ازاو دانسته شد که دربمبئی بسال ۱۹۵۰
بچاپ رسیده وروش اسمعیلی در آن پیدا است.

این کتاب را خواجه طوسی برای گروهی ازمردم سپاهان که با آنها نشست ۲۰
وخاست داشت وبدرخواست آنان نوشت وروضة القلوب نام‌نهاد نسخه‌ای درمجلس
ش ۶۳۹/۳ هست.

آغاز: بسمله سپاس خدایراکه بی‌واسطه بجودخود وجودمارا پیداکرد...
جماعتی اصحاب دل ازاهل سپاهان که مرا بایشان نشست وخاست بود درخواستند
تاکلمه چند برحقیقت جمع کنم و این را روضة القلوب نام نهادم. ۲۵

انجام وسخنی که از بزرگان باشد باخود میگوید که آنرا اثری عظیم باشد و این ضعیف را اگر اتفاق افتد یاد کند انشاءالله تعالی تمت الرساله روضة القلوب بالخیر والظفر .

[۲۷٤]

۱۰۸٤ این نسخه شماره ۱ دفتر وبخط تعلیق با نشانه‌ها وعنوانهای شنگرف است وازبرك ۲ ب تا ٤٥ ب. دوم آن تحفه خواجه طوسی میباشد .

[۲۳۲] **الرؤیا** (عربی)

از نگارشهای کوچك ارسطو «کتاب الذکر والنوم» درقفطی و خزرجی یاد شده ومورخان ازطبایع صغری Parva Naturalia «النوم والیقظه ـ الاحلام ـ
۱۰ الکشف فی النوم» (۱) را بشمار آوردند واین رساله کوتاه باید از اولی یا دومی گرفته باشد .

آغاز : مقالة من کلام ارسطوطالیس فی الرؤیا . قال الرؤیا حرکة للبقایا التی بقیت من المحسوسات .

انجام : وربما رکبت هذه الصور ترکیبا عبثا و یسمی اضغاث احلام .

۱۵ [۲۷۵]

۲۵۳ این نسخه شماره ۱۳ دفتر وبخط تعلیق کرکی گ ۹۰ ب ـ ۹۱ الف میباشد .

[۲۷٦]

۳۳۹ این نسخه شماره ۲۳ دفتر ودربرك ۷۹ است .

[۲۷۷]

۸۸۱ این نسخه شماره ۷ دفتر وبخط نسخ دربرك ۳۲ ب میباشد .

۱- حس ومحسوس وحافظه وتذکرهم ازطبیعیات صغری است وچنین است نام لاتینی آنها :

De seusu et sensilibus—De memoria et reminscentia—De somno et vigilia - De somniis—De divinatione per somnum

همه اینها را ابن رشد پس ازبرخورد دوم بسال ۱۱٦۹ با یوسف موحدی و ابن طفیل
۲۰ گزین نموده ودرآنها ازسال ۱۱۵۹ یاد کرد .

[۲۳۳] **ره انجام نامه** (فارسی)

از افضل‌الدین کاشانی است درشناخت هستی وخود و آگاهی ودانش وسود آن دو . این کتاب در ۱۳۱۵ خ (ش ٥ انتشارات دانشکده معقول) ودر۱۳۸ نشریه دانشگاه بسال ۱۳۳۱ بچاپ رسید .

[۲۷۸]

۳٤۰ این نسخه شماره ۷ دفتری است بسیار پاکیزه بخط تعلیق زیبا با عنوانها ونشانه‌های شنگرف گ ۱۰۵ ب - ۱۲۳ ب ودرمیان آن (گ۱۱۱-۱۱۳ الف) چهارعنوان یا گزیده کیمیای سعادت غزالی‌است ازکاشانی بدینگونه : دیباچه - در۱و٤و٥و٦و۱۰ گفتار ۱ - گفتار ۲ - اندکی ازچهارعنوان - باز گفتار۲- در۱و۳ گفتار۳- در٦و۷و۸و۹و۱۰ گ ۱ - در۲و۳ گفتار ۳ از س ٤ گ ۱۱۸ الف، تا س ۸ گ۱۲۱ب بازازجای دیگراست این نسخه دراینجا بسیار آشفته وآمیخته میباشد

[۲۷۹]

٤۳۱ این نسخه شماره ۲۱ دفتراست وبخط تعلیق گ۳۲۱ الف -۳٤۰ ب وجناب آقای مشکوة آنرا با دونسخه تاریخ ۱۱۰٤و۱۳۳۰ برابرنموده است .

[۲۸۰]

۱۰۳٦ این نسخه شماره ۷ دفتراست و بخط تعلیق خوش ملامحمد مهدی رودباری پایان ع۲ سال ۱۱۰٤ گ٥۰ب-٥٦الف درپایان دارد : « تمام‌شدسه گفتار خواجه افضل کاشی مسمی بره انجام » .

[۲۳٤] **زوراء** (عربی)

دانشمند دوانی (۸۲۸ - ۹۰۸) این رساله را در نجف بسال ۸۷۲ نوشت درچند مسئله فلسفی (علت درخود ذات معلول اثر میکند نه درظهور آن و معلول جز علت نیست و پرتوی است ازآن و استحاله نابود شدن است یا نه و صورتها درنیروهای خرد وشعورچگونه هویدا میشوند . . .)که بنام گزیده آورده وباروش نویشی از آنها کاوش کرده است .

آغاز : بسمله . . . الحمد لذاته لولیه بذاته . . . فهذه نبذة من الحقایق بل زبدة من الدقایق .

انجام : ولایفلح الساحرحیث اتی ولا تنسی فی اوقاتك واشرکنی فی صوالح دعواتك والصلوة . . . علی آله وصحبه‌اجمعین والحمدلله رب العالمین حمدا کثیرا مبارکافیه .

[۲۸۱]

۱۰۴٦ این نسخه شماره ۲۷ دفتروبخط تعلیق شکسته رجبعلی بن جواد علی مازندرانی بسال ۱۰٦۲ گ ۱۳۰ ب - ۱۳۲ الف. زوراء درچاپخانه‌حسینیه بسال ۱۳۲٦ بچاپ رسید - فهرست طوس ش ۷٤٤ .

[۲۳۵] سخنان فلسفی (عربی)

گفتارهائی است درباره هستی خدا و آفریدگان از شمسای گیلانی ودرآن

۱۰ از استاد خود چنین یاد میکند « وجمیع ماذکرنا تفصیلا هومختار الاستادالفیلسوف الکبیر قدس سره فی تصانیفه‌القدسیة وکتبه‌النوریة » گ ۱٤۷ ب و از خلق اعمال دوانی (۱۵۱ الف) و شرح هیاکل او (۱٤۵ الف) نام میبرد درپایان میگوید : این برگها را بروش اهل تاله واشراق در ۱ صفرسال ۱۰٤۷ درحجاز نوشته‌ام .

آغاز : اعلم ان الوجود بلاعلة یجب ان یکون وجود اقائماً بالذاته .

۱۵ **انجام** : وقد وقع الفراغ من تسوید هذه‌الاوراق . . . فی اول شهر صفر . . . فی بلدة‌الحجاز . . . فی سنة سبع واربعین بعدالالف .

[۲۸۲]

۹۲٦ این نسخه شماره ۱۱ وبخط تعلیق‌ریز باحاشیه (منه‌دام‌ظله) ۱٤۵ الف-۱۵۱ الف دربرك ۱٤٤ب رمز « س م س رحمه‌الله » دیده میشود واشاره بشمسا میباشد .

[۲۳٦] سلسله موجودات (فارسی)

دراین رساله رشته هستی‌ها ازخدا تا طبیعت یاد میشود .

آغاز : بسمله الحمدلله رب‌العالمین . . . بدانکه جمله حکما میگویند که واجب الوجود لذاته موجب بالذات است از ذات واجب‌الوجود یك جوهر

۲۵ صادر شد .

انجام : و بکمال ندارند بمرور ایام از آن خلاص یابند والسلام علی من اتبع الهدی فی ۱۷ شهر رجب ۱۲۹۲ .

[۲۸۳]

۸۷۶ این نسخه شماره ۱۱ دفتر و بخط تعلیق گ ۸۲ ب ـ ۸٦ الف میباشد .

[۲۳۷] سوادالعین فی حکمة العین (عربی) ٥

شمس‌الدین محمد خفری برشرح شمس‌الدین محمد بن مبارکشاه مشهور بمیرك بخاری جنگی برحکمةالعین دبیران قزوینی وحواشی آن تعلیقهائی نگاشته سپس همه راگرد آورده وچنین نامید .

آغاز : بسمله الحمدلله رب‌العالمین . . . فیقول . . . محمدبن احمدالخفری قد اتفقت منی فی سالف الزمان تعلیقات علی شرح حکمةالعین و حواشیه و سمیتها سوادالعین فی حکمةالعین . ۱۰

انجام : الوجودالحقیقی الذی اثبته المحققون فاعلم ذلك انه دقیق . تمت الرسالة

[۲۸٤]

۳۸۰ این نسخه شماره ۱ دفتر و بخط نسخ با عنوانهای شنگرف گ ۱ ب ـ ۳۷ الف ـ درطوس نسخه‌ای بشماره ۱٤۲ (ج ۱ ص ٤٥) هست . ۱٥

(همه دفتر ۹٥ گ) ـ کاغذ سمرقندی ـ جلد تیماج مشکی ساده

اندازه : ۱۲×۱۸ و ۸×۱۲ س ۳۱

[۲۳۸] سوادالعین فی حکمة العین (عربی)

این حاشیه برمبحث طبیعیات است و از همان خفری و باید دنبال حاشیه پیش باشد . ۲۰

آغاز : بسمله و به نستعین فی العلم الطبیعی هوالذی موضوعه الجسم الطبیعی . . . وفیه مقالات اختار فی عددها اول الاعداد الدائره وهوخمسة اختارها فی القسم الاول .

انجام : وقد تقرران التحت فی غایة البعد عن الفوق و ثالثها ماذکره المحشی .

[۲۸٥]

۳۸۰ این نسخه شماره ۳ دفتر و بخط تعلیق ریز و بی نقطه و جای عنوانها سفید میباشد گ ٦۲ب ـ ۹٥ ب ـ درگ ٦۱ الف درباره این حاشیه نوشته است : ۲٥

«کتاب سوادالعین وهوحاشیة حکمةالعین صنفه المولی ... محمدالخفری ...» ودوصفحه بعدی سفید است .

[۲۳۹-۲٤۰] سیب‌نامه (فارسی وعربی)

این گفتار بمانند فاذن پلاتون نگاشته شده و گفتگوی ارسطو را دردم مرگ باشاگردان‌خویش نشان میدهدو بنام رساله تفاحه یاتفاحیه Liber de pomo خوانده‌میشود. در آن ازهرمس پرورد گارافسانه‌ای یونان بنام پیامبریاد شده‌است. چنین گفتگوئی میان ارسطو و شاگردانش نشده و پیدا است که آنرا ساخته‌اند چنانکه گاهی آنرا از سقراط دانستند (نسخه ۲۹۰ اخلاق کتابخانه تیموری قاهره بنام‌مختصر کتاب‌التفاحةلسقراط) متن درمجله‌مقتطف در ۲۰-۱۹۱۹ بچاپ‌رسید(۱) باباافضل کاشانی آنرا بپارسی کرد و مارگلیوث این پارسی را در روزنامه انجمن آسیائی همایونی با ترجمه انگلیسی و بررسی درباره مترجمان آن بسال ۱۸۹۲ ص۱۸۷-۲۵۲ بچاپ رساند بی آنکه بداند از کاشانی‌است بازهمین پارسی درتهران بسال ۱۳۱۱ ودرنشریه ۱۳۸ دانشگاه بچاپ رسید و نسخه‌ای درمجلس (۵/۶۰۳) هست .

[۲۸٦]

٤۰۲ این نسخه بپارسی از کاشانی و شماره ۷ دفتر بخط تعلیق سال ۱۰۷۹و۱۰۸۰ گ ۵۷ ب - ٦۲ الف .

[۲۸۷]

٤۳۱ این نسخه نیز پارسی کاشانی‌وشماره۳ دفتر وبخط شکسته تعلیق محمدعلی بتاریخ ۱۰۳۱ گ ۸۰ ب - ۱۱٦ ب میباشد .

---

۱ - اخوان صفا (ج ٤ ص ۱۰۰ مصر) و بیهقی ص ۱۸۹ وابن‌سبعین درنامه خود بفردریك ۲ ازآن یاد کردندوموسی بن میمون آنرا ساختگی دانست وبعبری ولاتینی‌وآلمانی ترجمه شد - بنگرید به : تاریخ فلسفه اسلامی دبوئر ازابوریده ص ۲۰ - متون ماسینیون ص ۱۷۸ - دکترخضیری دررسالةالاسلام ش ٤ سال۱ ص۱۰۳-٤۰۳ - دیباچه ارسطوعندالعرب ص ۸ - دائرةالمعارف اسلامی کلمه ارسطو

[۲۸۸]

۱۰۳۵ این نسخه بتازی وشماره ۲۲ دفتر ص ۱۸۸ـ۱۹۶ وآغاز وانجام آن چنین است : « هو بسمله . مقالة للحكيم ارسطا طاليس لتلامذته في حال النفس في المنقلب قالها عند ماحضرته الوفاة . لماقرب لارسطا طاليس اجله اجتمع اليه اصحابه و تلامذته . فاخذ بيد قريطون فوضعها على وجهه و قال اسلمت نفسي الى ۵ قاتل انفس الفلاسفة ثم قضى . نجزت . ولله الحمد كثيرا والصلوة . . . السلام .

[۲٤۱] سیر و سلوك (فارسی)

نگارشی است از خواجه طوسی که بدرخواست وزیر قطب الدین مظفر بن محمد گرد آورده واعتقاد خویش را در آن نوشت و بناصر الدین مظفر بن مؤید داد تا بدربار رساند و پاسخ گیرد . طوسی میگوید پدرم از دائی خویش که شاگرد ۱۰ داعی الدعاة تاج الدین شهرستانه بوده است بیاموخت وخودم از کمال الدین حاسب شاگرد باباافضل کاشی هنر ریاضی آموختم واو همواره از ظاهریان و متقلدان اوضاع شریعت نکوهش میکرد ومرا این سخنان دلپذیر میآمد مگر اینکه ازاودرخواستم لب حقیقت را برایم هویدا سازد مراکودك دانسته وشایسته شنیدن آن ندید . باز از مخدوم سعید شهاب الدین و صلاح الدین حسن و فصول مقدس على ذكره السلام ۱۵ (۵۵۷-۵٦۱) ص ٦٤ ومجلس عالی ناصر الحق والدین (همانکه اخلاق ناصری را برای او نوشت) ص ٦۵ یاد میکند و درست بروش اسماعیلیان نگاشته و بایستی میان ۵۵۷ـ۵٦۳ پرداخته باشد (۱) . این رساله درتهران بچاپ رسید .

آغاز : بسمله رب انعمت فرد ربنا آتنا من لدنك رحمة . . . بزرگترین نعمتی وجسیم ترین موهبتی که عموم بندگان خداوند زمان . ۲۰

انجام : بزرگوار تا منقرض عالم پاینده باد و آفتاب جلال افق کمال تابنده والسلام .

[۲۸۹]

۱۰۷۹ این نسخه شماره ۵ دفتر وبخط تعلیق در ص ۵۹ـ۷۹ میباشد .

---

۱ — طوسی تا ۱۷ ج ۱ سال ٦۵۳ درزندان ملحدان بوده است . ۲۵

[۲٤۲] **شرح آداب البحث** (عربی)

گزارشی است آمیخته از میبدی بر آداب البحث سمرقندی که در ص ٥٨ شناسانده شده .

[۲۹۰]

۸۷۱ این نسخه شماره ۱ دفتراست وبخط نسخ وتعلیق محمدعلی درمدرسه سپهسالار میرزا محمدخان قاجار در ۱ ج ۱ سال ۱۳۰۱ گ ۱ ب - ٥٨الف. در کنار گ ۲۰ الف حاشیه منه دیده میشود .

[۲٤۳] **شرح اثبات عقل** (عربی)

خواجه طوسی گرچه در تجریدالکلام خود شاید برای خوشنودی متکلمان

۱۰ دردلیلهای اثبات عقل مجردشك نموده ولی دراین رساله ازراه قطع ببودن حکمهائی یقینی وواقعی عقل مجردرا ثابت میکند. محقق دوانی همینکه بدین رساله نگریست بنکته هائی برخورد وآنها را دراین شرح آمیخته آورد در پایان میگوید که مرا درباره نفس امر سخنی ژرف است امیدوارم که آنرا بنگارش درآورم . او دراین گزارش ازطوسی خرده میگیرد (۱) .

۱٥ **آغاز** : بسمله وبه نستعین بعدحمدالله مبدع الحقایق . . . فیقول . . . محمدبن اسعدالصدیقی لمااتفق لی مطالعةالرسالهالتی اخترعها . . . الخواجه نصیرالملة والدین محمدبن الحسن الطوسی . . . فی اثبات الجوهر المفارق المسمی بالعقل الکلی سنح لی فی اثناءالمطالعة دقائق . . . فاردت ان اثبتها . . . والتزمت ایرادلفظه فی تلك الرساله ممزوجاً بماسنح لی من الزواید. قال شکرالله سعیه : انالانشك فی کون الاحکام الیقینیة

۲۰ التی قد حکم بها اذهاننا .

انجام : از خواجه « وتارة بالکتاب المبین المشتمل علی کل رطب و یابس وذلك ما اردناه والحمدلله رب العالمین » از دوانی « اقول انما یثبت کونه عقلا . . . ولی فی تحقیق نفس الامر کلام بعیدالغور ارجوامن عنایةالله وحسن توفیقه تیسر تحقیقه وتنقیحه انه خیر من اعان وهوالمستعان وعلیه التکلان وله الحمد فی کل آن وزمان

---

۲٥ ۱ــ دو نسخه (ش ۳ر٦۱۱ و ۸ر٦٤٤) درمجلس هست .

[۲۹۱]

۲۶۹ این نسخه شماره ۲ ایندفتر و میرزا یدالله کجوری آنرا بخط تعلیق خوش خویش درمدرسه ناصری تهران بسال ۱۳۵۸ نوشته است ودر۹صفحه میباشد نشانه‌های آن دردنبال « مصارع‌المصارع » نوشته شد .

[۲۹۲]

۵

۲۹۰ این نسخه شماره سوم دفتری است که دارای سه رساله میباشد و بخط نسخ با عنوانها شنگرف نوشته شده وروی متن خط سرخ است ودرپایان آن دارد : (تمت‌الرساله فی‌تحقیق نفس‌الامرفی‌یوم‌الخمیس من‌شهرجمادی‌الثانی سنة ۱۰۹۹) گ ۱۵۱ ب - ۱۵٤ الف و دورساله دیگر بخط تعلیق است و ابوصالح حسینی مشهدی در مدرسه فخریه سپاهان در ۱۰۹۸ آنها رانوشت. مانا نویسنده این رساله نیزهمو باشد .

۱۰

(همه دفتر ۱۵۴ برگ) — کاغذ ترمه سمرقندی — جلد تیماج حاشیه‌دار
اندازه : ۱۰×۱۸٫۵ و ۶×۱۴ س ۱۹

[۲۹۳]

۳۳۹ این نسخه شماره یکم دفتراست وبخط شکسته بی‌نقطه و مورب نوشته شده و روی متن خط کشیده شده است گ ۱ الف - ۳ الف .

۱۵

[۲۹٤]

۹۲۶ این نسخه شماره سیزدهم دفتری است که دارای ۱۵ رساله و گفتار میباشد گ ۱۵۲ الف و ب وبخط تعلیق وروی متن خط سرخ کشیده شده است .
(همه دفتر ۱۵۵ برگ) کاغذ ترمه سپاهانی — جلد مقوا
اندازه : ۲۰×۲۷ و ۱۳×۲۰ س ۲۵

۲۰

[۲٤٤] شرح حکمة‌العین (عربی)

نجم‌الدین علی‌بن عمر دبیران کاتبی قزوینی دانشمند منطقی و فیلسوف ریاضی‌دان شافعی (م۶۷۵) که شاگردخواجه‌طوسی‌واستادعلامه حلی (۶٤۸-۷۲۶) بوده و حلی او را دراجازه پسران زهره بسیار ستوده و از داناترین روزگار خود بمنطق‌دانست کتابی‌درفلسفه داردبنام حکمة‌العین که علامه حلی آنرابه (قال واقول) شرح نموده ودرتاریخ ٦۹٤ آنرا بپایان رساند .

۲۵

آغاز : بسمله الله و به نستعین الحمدلله ذی العز الباهر والسلطان القاهر . . . فهذا کتاب ایضاح المقاصد فی شرح حکمة عین القواعد شرحت فیه مااجمله شیخنا المعظم ... الکاتبی القزوینی تغمده الله تعالی بالغفران واسکنه منازل الرضوان .

انجام : انها لیست جسماً ولاحالة فی جسم علی ماتقدم والله اعلم بالصواب والحمدلله

۵ وحده وصلی الله علی سیدنا محمد و آله الطاهرین فرغ من تألیف هذا الکتاب مؤلفه ... فی ثامن شوال سنة اربع وتسعین وستمائة .

[۲۹۵]

۴۲۳ این نسخه شماره ۱ دفتر وبخط نسخ وعنوانها درشت تر که حسین بن محمد بن حسین بن سلیمان درروزشنبه ۱ رمضان سال ۷۳۱ آنرا نوشته است گ ۲ ب - ۱۳۷ الف - نصیر گلپایگانی و سید ابی القاسم موسوی وسید محمد باقر از دارندگان نسخه بوده اند و در محرم ۹۰۳ این نسخه خریده شده گ ۲ الف (ص ۵ همین فهرست) .

(همه دفتر ۱۲۸ گ) - کاغذ سمرقندی - جلد تیماج سرخ ضربی

اندازه : ۱۳×۲۱ و ۱۰×۱۶٫۵ س ۲۳

۱۰ [۲۴۵] **شرح حکمة العین** (عربی)

شمس الدین محمد بن مبارکشاه منطقی معروف بمیرك بخاری برحکمة العین دبیران قزوینی شرح آمیخته وسودمند نگاشته وحاشیه ای را که قطب شیرازی (۶۳۴-۷۱۰) بر آن نوشته بود آورد .

آغاز : بسمله - امابعد حمدالله فاطر ذوات العقول النوریة و مظهر خفیات اسرار

۲۰ الربوبیة .

انجام : قوه مجردة عن المادة لامر فی الالهی ولیکن هذا آخر ما اردنا ایراده فی هذه الرساله والحمدلله رب العالمین والصلوة ... علی سیدنا محمد ... واله واصحابه اللذین من اقتدی بهم اهتدی .

[۲۹۶]

۲۴۵ این نسخه از آغاز کتاب است تا مبحث ۲ (نفس حیوانی) ازمقاله ۵ (نفس نباتی وحیوانی) در آنجا که ازنفس انسانی گفتگو میکند و در برك ۲۰۵ ب بدین عبارت پایان

(عربی)

شرح فصوص

[۲۴۹]

شرحی است ازشنبی شام غازانی تبریزی برفصوص فارابی . اوازدانشمندان
تبریز است ودیری درهرات نزد قوشچی ومولانا حسین منطقی وسپس درشیرازنزد
دوانی بیاموخت. اودرگورستان کجیل برسر راه روستای خسرو شه بخاك سپرده
شد . دوانی شاگرد دیگری داشت بنام امیر جلال استرابادی م ۹۳۱ که او هم
گزارشی برفصوص نوشت استاددرباره آندو گفت : « این سیدزاده تبریزی ازدرخت
طبیعت ما میوه های رسیده چیده و با خود برد و آن سید زاده استرابادی رسیده
و نارسیده را چید وبرد (۱) » بنگرید به ص ۱۰۰ همین فهرست .

[۳۰۰]

۲۶۸

این نسخه شماره ۲ دفتراست و بنسخ باعنوانها ونشانه‌های شنگرف وتصحیح
شده ومتن زیرخط سرخ نوشته پیرپاشا بن محمد بساری بسال ۹۸۶ که درروز
شنبه ۲۳ شوال آنرا با نسخه فاضل اردبیلی ونسخه نگارنده (شنبی) برابر
ودرست نمود ودرنسخه شنبی نوشته بود که او دونیمه روز آدینه ۲۵ ع ۲ سال ۸۹۶
پایان رساند ــ درگ ۲۱ ب و ۳۵ الف حاشیه « منه » دارد ــ گ ۱۷ ب ــ
الف . (همه دفتر ۱۴۱ گ) ــ کاغذ سمرقندی زرد ــ جلد تیماج مشکی ضربی

اندازه : ۹×۱۸ و ۵ر۴×۱۲ س ۱۷

(عربی)

شرح قصیده عینیه

[۲۵۰]

شیخ رئیس درباره پیوند جان باتن قصیده عینیه‌ای دارد که جوزجانی و
لدین عرابی وداود انطاکی وجمال‌الدین علی بن سلیمان بحرانی (۲) و سید
شریف گرگانی یا دوانی وسیوطی وفیلسوف سبزواری (دراسرارالحکم) ودیگران
آنرا گزارش نوشتند وچندین بار بچاپ رسید (قنواتی ش ۹۳) .

۱ ــ کشف الظنون ــ فهرست طوس ش ۸۳۳ ص ۱۸۷ ج ٤ ــ دانشمندان
آذربایجان ص ۳۹ .

۲ ــ بنگرید به : ص ۱۸۰ همین فهرست . شرح او « النهج المستقیم علی طریقة
الحکیم » نام دارد : قنواتی شرحی دیگر ازسلیمان محوزی بحرانی یاد میکند .

این گزارش پیدا نیست که از کیست و درپایان دارد که روش خود شیخ را در آن بکار برده‌ایم.

آغاز: قال الشیخ الرئیس.. هبطت الیك من المحل الارفع ... الهبوط هو الحركة من علو الی سفل مع الشعور و بالشعور یباین السقوط.

۵ **انجام**: انعم برد جواب ما انا فاحص عنه فنار العلم ذات تشعشع. اقول هو غنی عن الشرح وهذا آخر ماقصدناه من الشرح ... وراعینا قانون مذهبه والله اعلم بالصواب والحمدلله علی سوابغ نعمه .. وسلم تسلیماً کثیرا.

[۳۰۱]

۸۷۱ این نسخه شماره ۲۳ دفتر و بخط تعلیق میباشد گ ۱۶۵ الف ـ ۱۷۰ الف.

۱۰ [۲۵۱]

شرح مشاعر

(عربی)

گزارشی است آمیخته که حاج مولی محمد جعفربن محمد صادق لنگرودی لاهیجانی برمشاعر صدرای شیرازی نگاشته سپس آنرا بنام حاج میرزا آقاسی عباس پسرمیرزا مسلم بیات ایروانی م ۱۲۶۵ ساخته است این ایروانی از ۱۲۵۱ تا ۱۲۶۴ نخست وزیر محمد شاه قاجار(۱۲۵۰ـ۱۲۶۴) بود. مشاعر را مولی زین العابد

۱۵ محمد جواد نوری نیز گزارش کرده وملاعلی نوری و آخوند ملا اسمعیل س ومیرزا احمد اردکانی شیرازی بر آن حاشیه نوشتند وپاره‌ای از آنها در کنارم در تهران بسال ۱۳۱۵ بچاپ رسید.

آغاز: بسمله الحمدلله الذی تجلی لذاته بذاته فظهر صفاته... فیقول محد محمد صادق اللاهیجانی فان الزمان لما تقاصرت.

۲۰ **انجام**: وان کان فوق کل ذی علم علیم وبعد مرتبه عین الیقین وحق الیقین کثیرة لاتقف الی حد وهو العزیز الحکیم.

[۳۰۲]

۳۴۸ این نسخه بخط تعلیق با عنوانهای شنگرف و روی متن خط سرخ کشیده شده ودر آدینه ۹ ج ۲ سال ۱۲۵۵ نوشته شده است.

۲۵ (۷۷ برگ) ـ کاغذ فرنگی ـ جلد تیماج مشکی ضربی مقوائی

اندازه: ۱۴×۲۱ و ۷×۱۴ س ۲۱

[۳۰۳]

۳۸۳ این نسخه بنسخ باعنوانهای شنگرف وروی متن خط سرخ کشیده شده ودر ۱۲۷۶ میرزا حسین‌بن احمد گرجی برای دانشمندی بنام آقامیرزا ابوتراب آنرا نوشته است ودرتاریخ ۱۳۶۹ بانسخه تاریخ ۱۲۵۰ برابر گردید دراین نسخه نامی ازمیرزا آقاسی برده نشده است .

(۸۳ برك) – کاغذ ترمه سپاهانی - جلد تیماج مشکی
اندازه : ۱۵×۲۲ و ۸×۵ر۱۵ س ۳۱

[۲۵۲] شرح منظومه (عربی)

فرزانه دانشمند حاج ملاهادی سبزواری (۱۲۱۲–۱۲۸۹) دو منظومه یکی درمنطق بنام اللئالی المنتظمه.ودیگری درفلسفه الهی‌وطبیعی‌بنام غررالفرائد سروده و هردو را چون دشوار بود خود شرح کرده است منطق او بروش متأخران است وتنهادربرهان ومغالطه‌بیشتر گفتگو کردودرفلسفه وی درست پیروصدرای شیرازی است وازخود چیزتازه که آشکارا اورا از روش فرزانه شیرازی جدا سازد نیاورده است وی دراین منظومه که یکدوره منطق وفلسفه را دارد دچار تنگنای قافیه شده واز روانی وشیوائی که درتعبیرات فلسفی ناگزیراست بیرون رفت .

[۳۰٤]

۲۷۰ این نسخه همان چاپ ۱۲۹۸ تهران است ودر کنار صفحه‌ها و در برگهای جداگانه وچسبانده بکتاب حواشی است بخط دانشمند شادروان میرزا یدالله نظرپاك کجوری که ازاستادان دانشگاه‌تهران بوده‌است واودراین حاشیه‌ها بیشتر ازسخنان فیلسوفان دیگر که بامطالب فرزانه سبزواری سازگاربودآورده‌است

(ص ۳۳٦) – کاغذ فرنگی – جلد تیماج سرخ مقوائی
اندازه : ۱۷×۲۹

[۳۰۵]

٤۱۸ این نسخه همان بخش فلسفه (غررالفرائد) است و بخط تعلیق با عنوانهای شنگرف میباشد و روی شعرها خط سرخ کشیده شده و محمدتقی‌بن حاجی میرزاحسن صفی‌آبادی بسال ۱۲٦٤ آنرا نوشت .

(۱۳۷ برك) – کاغذ فرنگی – جلد تیماج زرد مقوائی
اندازه : ۵ر۱۵×۲۲ و ۸×۱۵ س ۱۷

[۲۵۳] **شرح هدایه** (عربی)

گزارشی است آمیخته از قاضی کمال الدین میرحسین بن معین الدین حسینی میبدی یزدی (م ۹۱۱) که در ۸۸۹ (پایان نسخه ۳۱۵) بر بخش طبیعی و الهی هدایه اثیرالدین ابهری (م نزدیك ٦٦٠) نگاشته و بارها بچاپ رسید و از کتابهای درسی بود

[۳۰٦]

۳۱۵

این نسخه بخط نسخ پاکیزه با عنوانهای شنگرف ومتن زیرخط سرخ میباشد وحاشیه‌های خوبی بنسخ وشکسته در کنارصفحه‌هاهست وشاهمیر بن شاه حسین بن محمد طباطبا درروزشنبه ۳ ذی‌قعده ۹۰۵ آنرا نوشت .

(۱۳٦ ٣) — کاغذ سمرقندی — جلد تیماج سرخ

اندازه : ۱۰×د۱۸ و د٥×۱۰ س ۱۷

[۳۰۷]

۳٥٦

این نسخه بنسخ و متن و عنوانها وبشنگرف و درجدول زرین بشنگرف ولاجورد و در ع ۲ سال ۹۹۳ نوشته شده و حاشیه‌هائی از میبدی و دیگران در هامش دیده میشود .

(۱۳۲ ٣) ـ کاغذ سمرقندی ـ جلد تیماج تازه

اندازه : ۱۳×۲۱ و ۷×۱۳ س۱۵

[۲۵٤] **شرح هدایه** (عربی)

هدایة اثیرالدین مفضل بن عمر ابهری درسه بخش است (منطق ـ طبیعی ـ الهی) وصدرالدین محمد فیلسوف شیرازی بخش دوم وسوم آنرا بدرخواست شاگردان خود که نزدش هدایه میخواندند شرح کرد ودر آن ازاسفاراربعه یادمیکند وکاوش در دلیل تجرد نفس (ص ۲۱۲ چاپی) و وجود کلی (ص ۲۲۳) را بدانجا باز گشت میدهد این کتاب درتهران بسال ۱۳۱۳ بچاپ رسید .

[۳۰۸]

۲٥٤

این نسخه بخط شکسته نستعلیق و نوشته خودملاصدرااست و س، صفحه نخستین ودو صفحه پایان آن زر کوب وحاشیه‌سازی شده استودرانجام نسخه‌چنین نوشته‌شده : « کتب بیده الجانیة الفانیة مؤلفه محمدالمشتهر بالصدرالشیرازی » در بسیاری از آنچه که نوشت بر گشت و آنرا نادرست دانست وروی آن خط کشید وخیلی جاهادر کنار بر کهاعبارتهائی بیافزود وهمه اینها بخوبی میرساند نسخه ما بخط فیلسوف شیرازی



یك صفحه از نسخه شماره ۲۵۴ (شرح شیرازی بر هدایه ابهری)


بسم الله الرحمن الرحيم وبه نستعين في التتميم

۲۵۴

حمد لله مخترع العقل الفعال ومبدع النفس الكمال معلق الصور
بالمواد ومؤلف النسب بين الاعداد والابعاد ومحرك الافلاك
لا من المركز واليه بل عليه ومكون الكائنات من تغاير
الامهات له المجد والبقاء في البدو والرجعى ومنه الجود والعطاء
في الآخرة والاولى فنسأله ان يصلي على اشرف من نهض
باعباء الرسالة وساس الامة بصنوف السياسة محمد وآله
المتحلين بالاخلاق المرضية المتخلين عن الادناس البشرية عليهم الصلاة
والثناء ولهم الحمد والدعاء وبعد فلما تطابقت القوانين
الحكمية والاصول الدينية على ان اجل الذخائر والسعادات وافضل
الوسائل الى الفوز بالدرجات تكميل القوة النظرية بتحصيل العلوم الحقيقية
تعين القواعد اليقينية اذ [illegible] يشتاق اليه النفوس الانسانية وتتشبع به العقول [illegible]
وبها يصير الانسان فائقا على الاشباه والاقران [illegible]

آغاز شرح شیرازی برهدایه ابهری بخط خود او ش ۲۵۴

واصل است ودرپایان دارد : و کتب بیده ... مؤلفه محمدالمشتهر بالصدرالشیرازی ...
(۲۹۲ برگ) ــ کاغذ ترمه سپاهانی - جلد تیماج سرخ از بیرون و خاکستری از درون وضربی متوالی .
اندازه : ۵ر۱۴×۲۲ و ۵ر۸×۱۴ س ۱۵

۵

[۳۰۹]

۲۹۵ این نسخه بخط تعلیق وروی متن خط سرخ کشیده شده وعبدالرزاق بن محمد یوسف رضوی شاگرد سلطان‌العلماء بسال ۱۰٤٦ درشهرقم گاهیکه حاشیه قدیم تجرید وشرح مختصرعضدی را نزد اومیخواند آنرا نوشت .
(۲٦۳ ۳) - کاغذ ترمه سپاهانی ــ جلد تیماج سرخ ضربی
اندازه : ۵ر۱۳×۵ر۱۹ و ۸×۱۳ س ۱۹

۱۰

[۲۵۵] شفا (عربی)

شیخ‌رئیس‌شالوده‌شفای خویش‌راکه‌در بیست یاهجده‌مجلداست، بدرخواست جوزجانی،درهمدان،هنگام‌وزارت‌دوم، میان ٤۰۵و٤۱۲،بنام‌کتابی جامع نه‌گزارش نگارشهای‌ارسطو، وبی آنکه ازمخالفــان خرده‌گیری کند، ریخته، نخست نزدیك به بیست برك ازبخش طبیعی‌آنرا نگاشته است. وپس‌ازمرك شمس‌الدوله در ٤۱۲ در خانه ابوغالب عطارنهان شده، بی‌آنکه بکتابی بنگرد و نزدیك بدو روز رؤس مسائل رادر۲۰ جزء ازبر نوشت. آنگاه روزانه آنها را در ۵۰ برك گزارش نمود. تا در۲۰روزطبیعی رابجز گیاه وجانورشناسی وهمچنین الهی رانوشته است . سپس بنگارش سرآغاز و دیباچه منطق شفا بپرداخت و پس‌از بازداشت در دژ فردجان بهمدان‌که آمد، درخانه علوی، درهمین سال، باز بمنطق شفا پرداخت و در آن از نگارشهای فیلسوفان پیروی نمود و بروش‌آنان برفت. این بودکه منطق گسترده‌تر از بخشهای دیگردرآمده‌است . منطق را همینکه بسپاهان رسید درخانه عبدالله‌بن بیبی،درکوی گنبذ، بپایان‌رساندوریاضی راکه پیش‌نوشته بودبرآن‌افزود. وسالیکه علاءالدوله بشاپورخاست میرفت وشیخ را همراه داشت او دوکتاب گیاه وجانوررا نیزنوشت ودرجانورشناسی، بیشتر ازارسطوگرفت ودیده‌ها وشنیده‌های خویش را نیزبرآن‌افزود. ودراین هنگام‌نزدیك بچهل سال داشت (سرگذشت شیخ ودیباچه جوزجانی برشفا وسرآغازآن) خود شیخ درطبیعیات شفا از سالهای ۳۹۰ و ۳۹۱

۱۵ ۲۰ ۲۵

و۳۹۳و۴۱۰ وازهرمز یارمشکوار و محمدبن دشمنزیار و شاگرد خود جوزجانی
ومحمودسبکتکین وازکودکی خویش درکناررود آمویه واز بودن خود درجاجرم
و ازکوهستان طوس و ویمه طبرستان و بیابان دهستان و شاهان فراوه یاد می‌کند
و نشانه‌های تاریخی و جغرافیائی دیگر نیز در آن میتوان جست و درهمین طبیعی
درچندجا ودردیباچه الهی ببخش منطق بازگشت میدهد وهمچنین درآغاز طبیعی
از پایان یافتن منطق و در آغاز الهی از پرداختن آن و طبیعی و ریاضی یاد میکند
ازهمه این نشانه‌ها و بازگشتها که در آن فراوان است برمیآید که شفا را اگرشیخ
درآغازجسته‌وگریخته‌نگاشته‌باشدپس‌ازاین آنرا‌بساخت یك‌نگارش باسروسامانی
در آورد. ازنگریستن همه بخشهای شفا این نکته آشکاراست. پس میتوان از روی
نسخه ش ۸۲۲ داماد (قنواتی ش ۱۴ ص ۷۳) گفت‌که شیخ آنرا در ۴۲۰ بپایان
رساند و شاگردان در ۴۲۲ آنرا نزدش خوانده و با نسخه خود او سنجیدند (۱)
این هم یادآوری شود که شیخ رئیس چنانکه دراشاره ۳ نهج ۳ و اشاره ۶ نهج ۴
اشارات ودرفصل ۶ مقاله۱ عبارت منطق شفا میگوید تنهابزبان پارسی وتازی آشنا
بود وازروی نوشته خود او در (بیان‌الجوهر النفیس) (مجموعة‌الرسائل ص ۲۵۸)
کتابهای گذشتگانرا درترجمه‌های تازی میخواند وبگواهی فصل۴ مقاله۲ فن‌جدل
وفصل۲ مقاله۴ فن۸ ازمنطق‌شفا (که درهمینجا ازترانه های خسروانی یادمیکند)
یونانی نمیدانست واز سنجش منطق شفا با ترجمه ارغنون، وفن جانورشناسی آن
با طبایع‌الحیوان ارسطو (ش۱۱۴۳ مجلس گویا ترجمه ابن بطریق) پیداست که او
اینگونه ترجمه‌هارا دردست داشت وخودهم بارهابدان گواهی داد ومیتوان بخش
آسمان و جهان طبیعی شفا را با آسمان و جهان ارسطو در چهار مقاله نسخه ش
۱۱۴۹ طوس ترجمه مهران بن منصور بن مهران ترسا از یونانی بتازی بسال ۵۵۳

۱- نگاه به : طبیعی شفا ص ۲۴۸ و ۲۴۹ و ۲۵۹ و۲۶۴ و ۲۷۴ و ۴۱۷و۴۲۵
ونیز ص ۲-۳-۱۹—۷۵-۴۳۱ — برای شناختن این کتاب شماره۱۴ قنواتی را ببینند که
فهرست مطالب ونسخه‌ها وچاپها وترجمه‌ها و گزارشهای آنرا یاد نمود. نیزفهرست مجلس
ش ۱۳۵ تاریخ ۸۷۱ و ش ۱۳۶و۱۳۷ ص ۲ — ۷۰ ج ۲ ونسخه کهنه آنجا بخشیده‌آقای
طبائی ونسخه تنکابنی — فهرست طوس ج ۴ ص ۱۹۹ — ۲۰۰ ش ۸۷۲ تا ۸۷۸ —



آغاز طبیعی شفا (۲۶۸ ب نسخه شماره ۲٤۰) با حاشیه های میرزای جلوه - پیوست ص ۲۸۹

فی نفسه ان یکون لیس ویکون له عن علته ان یکون ایس والذی
یکون للشیء فی نفسه اقدم عند الذهن بالذات لا فی الزمان عن
الذی یکون عن غیره فیکون کل معلول ایسا بعد لیس بعدیة
بالذات فان اطلق اسم الحدث علی کل ما له ایس بعد لیس وان
لم یکن بعدیة فی الزمان کان کل معلول محدثا ~~وان لم یکن بعدیة~~
~~فی الزمان کان کل معلول محدثا~~ وان لم یکن یطلق بل کان شرط المحدث
ان یوجد زمان ووقت کان قبله فبطل بمجیئه بعده اذ یکون بعدیة
بعدیة لا تکون مع القبلیة موجودة بل تکون متمایزة لها فی الوجود
لانها زمانیة فلا یکون کل معلول محدثا بل المعلول الذی سبق
وجوده زمان وسبق وجوده لا محالة حرکة وتغیر کما علمت ونحن
لا نناقش فی الاسماء ثم المحدث بالمعنی الذی لا یستوجب
الزمان لا یخلو اما ان یکون وجوده بعد لیس مطلقا او یکون
وجوده بعد لیس غیر مطلق بل بعد عدم مقابل خاص فی مادة
موجودة علی ما عرفته فان کان وجوده بعد لیس مطلق کان

الهی شفا (برگ ۱۴۱ الف نسخه شماره ۲۴۲) باحاشیه میرداماد
بخط خود او — پیوست ص ۲۸۹

(ج ۲ ص ٤٦ فهرست) و نسخه ش ۸۷٥ کتابخانه مروی تهران سنجید . خود او درفصل ٤ مقاله ۹ قیاس میگوید که همه را از استاد گرفته‌ام و در فصل ۱ مقاله ۹ قیاس از انولوطیقای قدیم ودرفصل ۲ مقاله ۸ الهی ازالف صغری یاد میکند وازاین اشارات منبع شفابدست میآید مگر اینکه درمنطق او هرچه ازارسطومیآورد بنقل بمعنی مانندەترمیباشد . درفن نفس طبیعی ودرالهی نوشته‌های نوپلانی واسکندرانی ۵ وشارحان نیز دردست داشت ودرریاضی پیداست ازنگارشهای اقلیدس وبطلیموس ودیگران بهره برده است .

[۳۱۰]

۲٤۱ دراین نسخه دیباچه جوزجانی وفن منطق (پایان در۲٦۷ الف) وطبیعیات (۲٦۸ب-۳٦۹ الف)هست و ٤۹ برك پس ازبرك یکم که منطق باآن آغاز ۱۰ میشود بنسخ درشت روشن و نونویس است برك یکم (دیباچه جوزجانی) وازبرك ٥۱ تا پایان بخط نسخ کهنه‌تر ومعرب ومحشی درتاریخهای ۱۰۷٤ و۱۰۷٥ نوشته شده و در جدول زرین بشنگرف میباشد و میرزا ابوالحسن جلوه فرزند محمد طباطبائی زواره‌ای نائینی (۱) فیلسوف نامور ازروی آن درس میگفت وبرآن حاشیه نوشت وعبارات فیلسوفان را برای حل مطالب شفاآورد وحاشیه‌ها بخط خوش روشن ۱۵ است درصفحه یکم سرلوحی هست ودرآغازطبیعی سرلوحی دیگر که زمینه آن طلا و کتیبه بلاجوردوحاشیه کل و بوته‌دارمیباشدفیلسوف میرزاطاهر تنکابنی در گ ۲٦۸ الف بخط خود در٤ آذر۱۳۱۸خ نوشت که این نسخه را دانشمند جلوه ازمباحث کم تاپایان کتاب تصحیح کرده است .

(۳ ۳٦۹ ۵ ك) - کاغذ آغازآهارمهره فرنکی وپس ازآن ترمه سمرقندی -جلد تیماج زرد زرکوب

اندازه : ۱۹ × ۲۸٫٥ و ۱۳×٫٥۲۱ س ۳۳

[۳۱۱]

۲٤۲ این نسخه الهی شفا است بنسخ روشن درشت و گاهی بی نقطه وگاهی معرب که بتاریخ نیمه روزسه شنبه رجب ۹٤۹ درسپاهان نوشته شده وحاشیه‌های ۲٥ میرداماد فیلسوف بخط نسخ سیاه یا شنگرف او درآن است و رمز (م‌ح‌ق) درپایان حاشیه‌ها دیده میشود واونسخه را تصحیح ودرهامش قید نمود درپایان حاشیه

۱ — جلوه دراحمدآباد گجرات بسال ۱۲۳۸ زاده شده و در شب آدینه ٦ ذیقعده ۱۳۰٤ درتهران درگذشت ودر گورستان ابن‌بابویه درری آرامگاه اواست

گ ۱۴۰ الف ازخلسةالملکوت نام میبرد. خط حواشی باخط اجازه‌ای که دامادبکسی داده و در ص ۳۴۲ صحیفه سجادیه (ش ۲۸) نوشته شده و با خط میر دربرك ۱ الف شرح مختصرعضدی (ش ۱۰۱۰) سنجیده شده‌است. دربرخی جاها حاشیه‌های سیداحمد عاملی هست دربرك ۲۰۰ ب حاشیه میر با رمز (م ح ق دام ظله‌العالی) وبخط دیگری است ودر۲ الف حاشیه او بارمز (م ح ق سلمه‌الله) پایان میباید واینهم ازدیگری‌است

(۲۷۲ گ) - کاغذ سمرقندی - جلد تیماج سرخ کهنه حاشیه‌دار ساده
اندازه : ۱۸×۱۲٫۵ و ۸×۱۲ س ۱۴

[۳۱۲]

۲۴۳ دراین نسخه دیباچه جوزجانی ومنطق وطبیعی وریاضی والهی شفا است وبخط تعلیق خوش دارای دو ترنج درگ ۱ الف و پشت برك پیش‌از آن ۲ درگ۱ ب و ۱۲۹ ب و ۲۵۷ ب و ۴۴۴ ب و ۵۳۵ ب سرلوح بسیار زیبا وزرین بلاجورد وشنگرف هست و همین برگها و برگهای پیش‌از آنها با زر وشنگرف حاشیه دارد. ازآغازمنطق تاپایان مقاله ۳ فن ۲ (مقولات) منطق را جناب آقای مشکوة با نسخه تاریخ دهه یکم ذی‌حجه سال ۵۳٦ بخط احمدبن هبةالله بن احمدبن‌الکزایه وبرابرشده با اصل مقابله کردند (دیباچه جوزجانی ۱ ب - منطق ۲ الف، ۲۵٦ - طبیعی ۲۵۷ ب، ۴۴۳ ب هندسه ۴۴۴ ب، ۴٦۸ الف - ارثماطیقی ۴٦۹ ب، ۴۷۸ الف - موسیقی ۴۷۸ ب ۴۹۱ الف - مجسطی ۴۹۱ ب، ۵۳۴ ب - الهی ۵۳۵ ب - ۵۸۹ الف).

(۵۹۱ گ) - کاغذ ترمه سمرقندی - جلد تیماج مشکی زیبای زرکوب
اندازه : ۱۸×۳۱٫۵ و ۱۲×۲۴ س ۳۱

[۲۵٦] شواکل‌الحور فی شرح هیاکل‌النور (عربی)

مولی جلال‌الدین‌محمدبن‌سعدالدین اسعدصدیقی دوانی کازرونی (۸۲۸-۹۰۸) فیلسوف متکلم شرحی آمیخته بنام یادشده دربالا برهیاکل‌النورفیلسوف سهروردی بسال ۸۷۲ نگاشته است (۱). وی دردیباچه آنرا بغیاث‌الدین محمود خواجه‌جهان

---

۱ - درکتابخانه آستانه طوس چندین نسخه ازشرح هیاکل دوانی هست درپایان نسخه شماره ۸٦٦ آنجا چنین آمده : « نجزتحریره بیمین مؤلفه بعدالعشاءالاخرة من لیلة‌الخمیس الحادیعشر من شهرشوال ... لسنة اثنین وسبعین ثمانمائه . . . فی تبریز فی‌الزاویةالمبارکة المظفریة شکرالله سعی‌بانیها السلطان‌السعیدالغازی‌ابی‌المظفرجهان‌شاه ورفع درجته فی‌علیین وکان‌نهضته الی‌جانب دیاربکرفی‌اوائل‌هذه‌السنة ووقع هجوم‌الاعداء علیه واغتیاله‌فی‌الثالث عشر من ربیع‌الاول للسنةالمذکورة » (فهرست آستانه طوس ج۱ ص ۵۹ ش ۱۹۸ وص۶۰ ش۱۹۹ وج٤ ص۹ - ۱۹۷ ش۸٦٦ تا ۸٦۹ وش ۸۷۰ که دوشرح هیاکل دوانی ودشتکی درآن شناسانده شده).

بخشیده و اورا باشعرهائی ستود وستایش فراوانی که درخور یك فیلسوف اشراقی
نیست ازاو کرد. درحاشیه نسخه (۸۶۶) آستانه طوس بجای آن شاه نام (ابوسعید
گورگان(۸۵۵ ـ ۸۷۲) آمده است . درمجالس المؤمنین شوشتری (مجلس هفتم)
آمده که دوانی این شرح را یکبار برای یکی ازشاهان هند بنام ملك التجارساخته
سپس بنام یکی از پادشاهان ایران کرد دوانی انموذج العلوم و اثبات الواجب را نیز ۵
بنـام سلطان محمود پادشاه هند ساخته است وی شرحی برعقـاید عضدی بتاریخ
چاشت چهارشنبه ۱۸ربیع یکم سال ۹۰۵ درشهرجیرون نگاشته (۱)که درلکهنوء
بسال $\frac{۱۳۲۸}{۱۹۱۰}$ بچاپ رسید و بازپسین نگارش اواست دوانی دراین شرح روش اشراق
پیش گرفت و کوشید که بروش سهروردی سخنان او را شرح کند وی براین شرح
حاشیه نوشته که دربرخی ازنسخه‌هادیده‌شده(۲) ودرآنجاازرساله البروج سهروردی ۱۰
و نیزازپرتو نامهٔ او یاد میکند وی درپایان میگوید که این شرح را در گرفتاری و
دوری ازشهرخویش نوشته‌ام .

آغاز : بسمله یامن نصب رایات آیات قدرته علی کواهل هیاکل الممکنات ...
فهذا ایها الذکی المتوقد شرح لهیاکل النور یحاکی بحسن دقائقه شواکل الحور .

انجام : المنصف . . . ختم الرسالة بذکرالله ... کماافتتحها بها فجاءت وردیة ۱۵
المفتتح مسکیة الختام (هذا ماتیسرلی فی شرح هذه اللمعة ... وهذه تحقیق المطالب
والآمال والسلام علی القدیسین خصوصاً علی سیدنا سیدالکل فی الکل وآله وصحبه
اجمعین والحمدلله رب العالمین) وصلی الله علی سیدنامحمدو آله وصحبه وسلم (آنچه
میان دو کمانه گذارده شده درنسخه ما نیست ونزدیك بیك صفحه میباشد .

---

۱ ــ دیده شود : نسخه دانشکده حقوق که دارای رساله‌های شرح هیاکل و شرح ۲۰
عقائد عضدی و انموذج العلوم و اثبات الواجب دوانی و حاشیه همین اثبات الواجب میباشد
وابوالحسن علی بن طاهر استرابادی آنها را نوشت نخستین در کاشان ۲۰ ج ۲ سال ۹۳۷
ودومی درهمانجا درآدینه ۲۰ رجب ۹۳۷ وسومی درهمانجا بسال ۹۳۸ وچهارمی درهمانجا
در ۵ ع ۲ سال ۹۳۶ نوشته شد و پنجمی که در چهارشنبه ۹ شعبان ۹۲۶ تألیف شده نیز
بهمین خط است ۲ ــ نسخه دانشکده حقوق ۲۵

[۳۱۳]

۸۵۱ این نسخه بنسخ خوش و پاکیزه و عنوانها و نشانه‌ها طلائی و روی متن خط زرین کشیده شده است در برك ۵۱ ب حاشیه دارد و از محمد داود حلبی هرسی .
در برگهای ۹۸ ب و ۹۹ الف تاریخ زایجه محمد هاشم برادرزاده شمسا محمد
۵ کاظما درشب شنبه ۲۵ ع ۱ سال ۱۰۸۵ و نیز تاریخ ۲۵ ع ۱ سال ۱۱۰۶و۲۵ ع ۱ سال ۱۱۲۹ خوانده میشود که همه اینها بخط شکسته دیگراست . دربرك ۱ الف نام دارنده نسخه (محمد حسین بن فضل‌الله حسینی تفرشی) نوشته شد ــ بالای برکها ۱۱ تا ۱۷ بریده شده و کاغذ دیگری چسبانده‌اند ازاینرو دربالای برك ۱۲ الف سه سطر ازمیان رفته است ــ این نسخه حاشیه خود دوانی را ندارد .

(۹۹ برك) ــ کاغذ ترمه سپاهانی ــ جلد تیماج ضربی
اندازه : ۱۰×۱۷ و ۵ر۱۲×۵ س ۱۹

[۲۵۷] الشواهد الربوبیة فی المناهج السلوکیه (عربی)

ازصدرالدین محمدبن ابراهیم شیرازی (م ۱۰۵۰) است و چنانکه دردیباچه میگوید آنچه ازرازنهانی فلسفه خود دردفترهاجسته و گریخته نگاشته و برخی‌راهم
۱۵ از ترس نتوانست آشکارسازد در آن آورده است و پنج مشهد آن را تا اشراق نهم شاهد دوم‌مشهد پنجم نوشت وازنسخه‌اصل که عکس صفحه آخر همراه‌نسخه ماهست پیداست که اشراق دهم ازهمین شاهد مانده و نتوانست بنویسد .

وکتاب بدینگونه است : مشهد۱ معانی عامه دره شاهد ـ مشهد ۲ هستی خدا و آفرینش او در۲ شاهد ـ مشهد ۳ شناختن رستاخیز در ۳ شاهد ـ مشهد ٤ معاد
۲۰ جسمانی و بهشت و دوزخ در ۳ شاهد ـ مشهد ۵ نبوات در ۲ شاهد و هرشاهدی برچند اشراق است . ابوالقاسم احمد یزدی بدرخواست شاهزاده محمد ولی میرزا پسر فتحعلیشاه آنرا دریکشنبه ۱۰ ج ۱ سال ۱۲٤۵ بپارسی درآورد (ش ٤۰٤ ص ٤۷ ج ٤ فهرست طوس) .

[۳۱٤]

۲۷٤ این نسخه همان چاپ سنگی سال ۱۲۸٦در۲٦٤ صفحه است که حاشیه فیلسوف سبزواری را نیزدارد واین نسخه را چهاربار جناب‌آقای مشکوة با نسخه اصل فیلسوف شیرازی برابر نموده و اختلافها و غلطهای چاپی را درمیان سطرها

و کنار صفحه‌ها یادداشت کرد و عکس و فیلم صفحه یکم و صفحه پایان اصل همراه همین نسخه هست و چهار صفحه بخط جناب آقای مشکوة درباره اختلاف دو نسخه در آغاز کتاب دیده میشود.

از عکس برك پایان کتاب در نسخه اصل پیداست که نسخه چاپی کامل نیست و نسخه اصل بعبارت (الاشراق العاشرفی) پایان مییابد پس فیلسوف شیرازی اشراق ۱۰ شاهد ۲ مشهد ۵ را ننوشته و شاید اشراقها یا شاهدها یا مشهدهای دیگری هم میخواست بنویسد و ننوشت. عبارت (الاشراق العاشر) در پایان نسخه شماره ٤۰٦ این کتابخانه نیز دیده میشود.

(۲٦۴ صفحه) ـ کاغذ فرنگی ـ جلد تیماج سرخ ضربی

اندازه : ۱۷ × ۳٦ و ۱۰ × ۱۸ س ۱۹ ـ اندازه نسخه اصل ۲۵٫۴ × ۱۲٫۳

[۳۱۵]

٤۰٦ این نسخه بخط تعلیق و عنوانها بنسخ و شماره دوم دفتری است که نخستین آن کشف المحجة لثمرة المهجة از ابن طاوس میباشد و کمال بن محمد در ۱۵ رجب سال ۱۰۳۹ بشکسته تعلیق آنرا نوشت و این نسخه از برك ۹۷ ب تا برگ ۲٦۹ الف میباشد و خط ایندو شماره مانند هم است و حواشی دارد که در پایان آنها نام احمد دیده میشود ـ گ ۲۷۰ الف ـ ۲۸۰ ب گفتارهائی است از شیرازی در فلسفه.

(۲۸۰ برك) ـ کاغذ فرنگی ـ جلد تیماج سبز مقوائی ضربی

اندازه : ۱۰٫۵ × ۱۹٫۵ و ۵٫۵ × ۱۲٫۵ س ۱۹

[۲۵۸] صحیفه (رساله) (فارسی)

نگارشی است در تجرد نفس و پایدار بودن آن و در آن از جالینوس و از نسفی بنام شیخ عزیز نسفی یاد میکند و درباره هردو (رحمهماالله) میگوید.

آغاز : بسمله و به نستعین آفتاب عنایت ازفلك ولایت و برج هدایت بر اراضی قلوب مستعدان قبول افیاض حکمت و درایت خاصه در بستان روح آباد قلب سلیم جناب حکمت پناه ملك الحکماء مقبول قلوب الاولیاء پاینده باد بعد اعلام میرود که حکمای طبیعی بسبب ممارست مقدمات طبی.

انجام : حضرت الله تعالی توفیق تحقیق معانی ببرکت انفاس شریفه مرشدان صمدانی رفیق گرداناد بحرمة کمال اولیا من الاقطاب والافراد.

[۳۱٦]

۱۰۳۵ این نسخه‌شماره ۳۵ دفتر ص ٤۱۱ـ٤۱۳ بخط تعلیق تاریخ محرم ۱۱۰۱ میباشد

[۲۵۹] **الصراط المستقیم** (عربی)

ازدانشمندداماداسترابادی‌است که بدرخواست شاگردان خود درباره ارتباط
۵ حادث‌بقدیم‌پیش‌از۱۰۲۵ (عالم آراص۱۰۹) نوشته‌وبشاه عباس یکم (۹۹٦ـ۱۰۳۸)
ارمغان داد . داماد در دیباچه از نادانی مردم و از روز گار می‌نالد و پس‌از ستایش
بسیار از آن شاه میگوید :

« نقص در باشد ار بهاکنمش

هم بانصاف شه رضا کنمش »

۱۰ این نگارش درچند مساق است و نخستین آن درمقدمات و در آن از جنبش
وزمان گفتگومیشود (۱) .

آغاز : بسمله البقاء دون افق عزك و جلالك والحمد والثناء وراء سرادق
قدسك وكمالك . . . محمد بن محمدالمدعو بباقر دامادالحسینی . . . یلقی علیکم
اخوان‌التجرید ویملی علیکم خلان‌التفرید .

۱۵ **انجام در نسخه ما** : تشبیه وتمثیل ـ الست اذا اخذت خیطایختلف اجزائه
لونا . . . وموقعاهما هناك واحد ومعذلك فانه یشاهد مابینهما من‌الامتداد .

[۳۱۷]

۲۷۹ این نسخه شماره ۱ دفتر گ ۱ ب ـ ٦٤ ب و بخط تعلیق با عنوانهای شنگرف
میباشد وحاشیه‌هائی دارد که به (منه سلمه‌الله) پایان میبابد و درروز گار داماد
نوشته شده است نسخه ما همان‌ مساق نخستین است و آنهم بپایان نمیرسد

---

۱ ـ داماد درآن ازنگارشهای فخررازی و سهروردی و طوسی بسیار میآورد و از
تعلیقات وشفا ونجات و کلمه الهیه شیخ رئیس (۵۸ ب) یاد میکند و گفتارفارابی درفصوص
« آخرمن جهة ان کل زمانی ... اول‌من‌جهة ... اعنی‌الحق‌الواجب ... معه لافیه » (۳٤الف)
و گفتار شیخ درمعراج « اذاتقرب‌الناس الی خالقهم بانواع‌البرتقرب الیه بانواع‌العقل . . .
۲۵ قال‌امیرالمؤمنین قیمة کل‌امرء مایحسنه یعنی قدرالانسان فی‌العلم ـ انتهت عبارته مترجمة »
برابر با ص ۱۵ معراجنامه چاپ رشت در ۱۳۱۲ خ (٤ الف) را میآورد نیز از اثولوجیا
و اسماء حسنی غزالی (۳٤ الف) یاد میکند . درباره آنست که گفته‌اند : « صراط‌المستقیم
میردامادمسلمان نشنود کافرمبیناد » .

در کتابخانه بوهارهند (ج ۲ فهرست ش ۳۲۹ ص ۳۵۶) و درمجلس تهران (ج ۲ ش ۱۳۸ ص ۷۳) نسخه‌ای هست که آغاز آنها مانند آغاز نسخه ما میباشد در کتابخانه طوس (ج ٤ ش ۸۸۸ ص ۲۰٤) نیز هست و آغاز وانجام آن جز نسخه ما است .

محمد باقر بن احمد سپاهانی بسال ۱۲۰۵ از دارندگان نسخه ما بود و خط او درگ۱ الف ومهر او بچند گونه درهمانجا ودرگ ٦٥ الف و ۱٤۰ الف دیده میشود. دارنده دیگر محمد تقی بن محمد کاظم است که بخط خود درگ۱ الف نوشت . در ۱۲۵۰ این نسخه وقف گردید .

(همه‌دفتر ۱۴۰ گ) ــ کاغذ سپاهانی - جلد مقوا

اندازه : ۱۳×۲۰ و ۷×۱٦ س ۱۸-۲۱

[۲٦۰] **صناعیه** (فارسی)

میرابوالقاسم فرزند میرزا بزرك فرزند میرصدرالدین فندرسکی استرابادی فیلسوف پزشك ریاضی‌دان(۱) این نگارش را در باره هنرهای گوناگون وسودهای آنها و شناساندن کسانیکه شایستگی هریکی از آنها را دارند بپرداخت ودارای یك دیباچه و ۲۳ باب است ودرهند با اخلاق ناصری طوسی بسال ۱۲٦۷ ودرتهران بسال ۱۳۱۷ بچاپ رسید.

[۳۱۸]

۱۰٤٦ این نسخه شماره ۸ دفتر و بخط شکسته تعلیق محمد شریف بن محمد قائمی بسال ۱۰۵۱ میباشد گ ٤٤ ب ــ ۵۵ الف .

[۲٦۱] **ضرورة الموت (نکتة فی ـ)** (عربی)

این گفتار ازخواجه طوسی است دراینکه مرگ ناگزیر میباشد .

آغاز : نکتة اخری له . . . فی ضرورة الموت . الموت ضروری امره . والوجه فیه ان السبب الموجب .

انجام : فحصل المراد وذلك ما اردنا بیانه .

[۳۱۹]

۱۰۷۹ این نسخه شماره ۱۱ دفتراست وبخط تعلیق ص ۲۵ــ۲٦

---

۱ فندرسکی بسال ۱۰۵۰ چنانکه در سنگ ارامگارش نوشته است یا ۱۰٤۹ چنانکه در پایان نسخه ش ۸۸۹ طوس آمده در سپاهان درگذشت و در تخته فولاد بخاك سپرده شد (ج٤ص ۲۰٤ فهرست انجا) نسخه‌ای ازاین درمجلس ش ۵ ر ٤ ٦٤ (ص۱۱ ٤ج ۲) هست

[۲۶۲] **ضیاءالعین** (عربی)

حاشیه ایست از غیاث الدین منصور دشتکی م ۹۴۸ برشرح میرك بخاری برحکمةالعین دبیران ودر آغاز بدو کتاب «تعدیل المیزان وتبیین البیان» خودباز گشت میدهد واین رساله را برای یاد کردن ایرادها و پرسشها مینگارد وعبارت شارح را ۵ پس از قال الشارح آورده سپس حاشیه خودرا مینویسد.

آغاز: اللهم ارنابعین حکمتك حکمة العین وزدنا نورا من فیض عین هو للکونین عین.

انجام: بان الخصوصیة مطلقا.

[۳۲۰]

۳۸۰ این نسخه شماره ۲ دفتر است وبخط تعلیق یعقوب بن اسماعیل مازندرانی درمدرسه خانیه درنیمه روزدوشنبه ۱۸ ج۲ سال ۱۰۲۹ گ ۳۸ ب - ۵۱ الف. نسخه‌ای ازاین حاشیه درطوس ش ۸۹۰ (ج ۴ ص ۲۰۵) هست.

[۲۶۳] **طرائف الحکمه** (فارسی)

ازملاباشی عبدالرحیم بن حسینعلی هروی که درنیمه دوم سده سیزدهم میزیسته ۱۵ است و بسیاری از مباحث امور عامه را بروش صدرالمتالهین شیرازی بزبان پارسی آورد و در یك مقدمه وسه باب و یك خاتمه است.

آغاز: بسمله و به نستعین - بهترین کلام مر متکلم را آنستکه زبان ذل و شرمساری درحکمت حکیمی گشاید که در اشیا بطور نفی واثبات مستتر است.

انجام: وجهالت برحقیقت وانیت اوست که مثنوی:

۲۰ با دو عالم عشق در بیگانگی
واندرو هفتاد و دو دیوانگی
کاشکی هستی زبانی داشتی
تا زهستان پرده‌ها برداشتی

هذا آخر مااردنا ایراده فی هذاالمجلدالاول من کتاب طرائف الحکمة وستیلوه ۲۵ المجلدالثانی فی باب النفس ان شاءالله تعالی تمت بید مؤلفه.. ابن حسینعلی الهروی

عبدالرحیم ... فی یوم الاربعاء خامس عشر ذی قعدة الحرام من شهور سنة ست وثمانین وماتین بعد الالف من الهجرة النبویة علی هاجرها الالف التحیة والسلام .

از پایان پیداست که این کتاب جلد دیگری هم باید داشته باشد که از نفس در آن گفتگو گردد (۱) .



آغاز طرائف الحکمه هروی ش ۳۴۴



پایان طرائف الحکمه هروی ش ۳۴۴

---

۱ — نسخه دیگری از این کتاب دیده شده که در پایان آن چنین آمده بود : « قد تم ... فی غرة شهر ربیع الاولی من شهور سنة ۱۲۸۶ وهذه النسخة اول نسخة انتسخت من خط مبارك(؟!) المصنف زید فضله وتأییده... وقد کتبته لنفسی... محمد علی بن محمد نبی الکزازی فی قصبة سنقر من اهالی الکرمانشاهان » . بیت نخستین که در پایان نسخهٔ ما غلط نوشته شده در این نسخه درست دیده میشود (بنگرید به مثنوی)

[۳۲۱]

۳۴٤ این نسخه بخط شکسته نستعلیق باعلامتهای شنگرف میباشد ودرتاریخ چهارشنبه ۱۵ ذی قعده سال ۱۲۸٦ نوشته شده است وخط خود هروی است .

چون هروی روش فیلسوف شیرازی را داشته بود برخی در پشت کتاب نوشته‌اند که این ترجمه اسفار است یکی از دارندگان نسخه بنام احمدبن محمود قراگوزلو درتاریخ ۲۰ ع ۱ سال ۱۲۸۸ در کرمانشاهان بر پشت کتاب نوشته که طرایف‌الحکمه ازملاباشی است وترجمه اسفار ملاصدرا است ومهر اوهم هست بعبارت (عبده احمد) .

(۳۰۵ برگ) ـ کاغذ فرنگی ـ جلد تیماج زرد ضربی متوالی

اندازه : ۱۴×۲۲ و ۹×۱۷ س ۲۰

[٢٦٤] **طرح الكونين فى حشر العالمين** (عربی)

دانشمند صدرای شیرازی دراین نگارش روشن نمود که همه هستی‌ها را رستاخیزی است وهمگان بجهان خدائی بازمیگردند و درمجموعه رساله شیرازی بسال ۱۳۰۲ ودر کنار کشف‌الفوائد حلی بسال ۱۳۰۵ ودر کنارمبدء ومعاد شیرازی بسال ۱۳۱٤ بچاپ رسید ودرآن از اسفار یاد میشود .

[۳۲۲]

۱۰۳۰ این نسخه دربرگ ۱۰۰ تا ۱۱۵ این دفتراست وبخط تعلیق و عنوانها زیر خط سرخ ازمحمد مؤمن که درشوال ۱۰۹٤ آنرا نوشت .

[٢٦٥] **طیر (رساله ...)** (عربی)

یکی ازسه داستان فلسفی شیخ رئیس است که سهروردی شهید آنرا بپارسی کرد وقاضی عمربن سهلان ساوی (٥٤٠) بفارسی وشیخ کمال‌الدین علی‌بن سلیمان بحرانی بنام « مفتاح‌الخیر فی شرح رسالة‌الطیر » بتازی برآن گزارش نوشتند (۱) غزالی نیزازروی آن داستانی بزبان مرغان ساخت .

آغاز : رسالة عرف برسالة‌الطیر کتبها ابوعلی‌بن‌سینا الی کافة اخوانه واصدقائه

---

۱ — داستان شیخ رامهرن با ترجمه فرانسه در لیدن بسال ۱۸۹۱ چاپ کرد و در جامع‌البدایع ومجله مشرق ج ٤ سال ۱۹۰۱ ص ۷ — ۸۸۲ وترجمه فرنگی یسوعیان ازآن دربیروت بسال ۱۹۱۱ بچاپ‌رسید. پارسی سهروردی و گزارش عمربن سهلان ساوی با صفیر

بقیه حاشیه درصفحه بعد

(في وصف يوصله الى العالم الحق عملها قبل حصوله بالجمل . ماانت دائب في الطلب منهمك في نيل أمر متعب ـ قنواتي) هل لاحد من اخواني ان يهب لي من سمعه قدر ما القي اليه طرفا من اشجاني عساه ان يتحمل عني بالشركة بعض اعبائها .

انجام : و بالله الاستعانة وعن الناس البرائة ومن اعتقد غيرهذا خسر في الآخرة وسيعلم الذين ظلموا اى منقلب ينقلبون .   ۵

[۳۲۳]

۱۰۷٤ این نسخه شماره ۷ دفتر و بخط تعلیق گ ۱۲٤ الف ـ ۱۲۷ الف میباشد.

[۲٦٦]   **ورش التقديس**   (عربی)

این نگارش از میرداماد است و در آن شبهه ابن کمونه که «شاید در جهان هستی دو آفریننده بی هیچ قدر مشترکی باشند» ردشده و میگوید که پیش از ابن کمونه هم بگشودن این شبهه پرداخته بودند سپس میگوید که برخلاف رأی شیخ علت ومعلول باید تنها در وحدت و کثرت همانند باشند نه درنحوه وحدت شخصی و نوعی ومیشود یك چیز دارای دو علت باشد و این انعکاس تنها در علت آفریننده بایستنی است ـ صدرای شیرازی دیباچه‌ای بر آن نوشته و آنرا شناسانده و بسیار بستود .   ۱۰

دیباچه صدرا : هوالحکیم العلیم هذه رسالة شريفة الهية ومقالة جليلة ربانية   ۱۵

مانده حاشیه ازصفحه قبل

سیمرغ و لغات موران باسر گذشت سهروردی ازشهرزوری را K . Khattak و Otto Spies درسه رساله فلسفی (Three treatises on mysticism) بچاپ رساندند. در کتابخانه طوس گزارشی فارسی ش ۸۰۷ وداستان طیر دیگری ش ٦۵۵ (ج ٤) هست درمجلس نیز همان گزارش فارسی طوس در ش ٦٤۰/۲ هست (ج ۲ ص ٤۰۵) و بگواهی نسخه شماره ۱۲۱٦ سپهسالار ص ۳٤-۵٤ ایندو از ساوی هستند.   ۲۰

نگاه به : شخصیات قلقه ص ۹۸ — ۱۳٤ — ابن سینا از طریحی ـ معجم المطبوعات در ابن سینا وغزالی — درذریعه ج۷ ص۱۳۰ ازجنگی یادمیکند که شهاب بحرانی ۱۵رساله در آن نوشت مانند حی بن یقظان شیخ و شرح طیر هم و از بحرانی و الغربة المغربية (حی بن یقظان) والمنظرة التجريدية که آغازش این بود : (هذه كلمات كتبتها بالتماس بعض اخوان التجريد) هردو ازسهروردی- قنواتی ش ۲۹۹ — رساله طیرغزالی در مجموعه رسائل او در مصر بسال ۱۳۲۸ بچاپ رسید .   ۲۵

مسماة بعرش التقدیس فارق بین الحق و التدلیس طلعت عن مطلع العرفان و التحقیق و لمعت عن منبع الایقان و التدقیق .

انجام آن : ولکن الکل میسر لماخلق له و کتب هذه الاحرف خادم القوی العالیة الروحانیة محمد بن ابراهیم الشهیر بالصدر الشیرازی احسن الله احواله حامدالله مصلیا

۵ علی نبیه مستغفر الذنبه .

آغاز رساله : اللهم اجعل رضاك عنی فیما تشغلنی به ولاتشغلنی عن ذکراك بما تشوقنی الیه - بسم الله الرحمن الرحیم والاستیفاق من العلیم الحکیم - یاهو یامن هو یا من لاهو الاهو یافوق الفوق ویا وراء الوراء ویا عالیاً عن سمك الوصف ویا رفیعا (ویا متقدسا) عن افق الثناء . . . وبعد فاحوج المربوبین الی الرب الغنی محمد بن

۱۰ محمد یلقب باقر الداماد .

انجام در نسخه ما : لکنی لست اجد مساق البرهان الیه اللهم الا فی العلة الجاعلة (تشریق) فاذن لیس یصح .

[۳۲٤]

این نسخه بخط تعلیق صدرای شیرازی ودارای دیباچه او (گ ۱ الف) میباشد

۱۰۹۰ عنوانها و نشانه‌ها شنگرف یاسیاه درشت است. داماددر آغاز ازخود ستوده ومیگوید که خدامرا برهمسرانم برتری داد که فلسفه را پخته وسخته ساختم وآنرا بادین سازگار کردم آنگاه زیر عنوان « اخاذة » شبهه ابن کمونه رد میکند و درعنوان (تشریق) اثبات میکند که علت و معلول باید در حدت و کثرت همانند باشند پس‌ازاین تشریق دوم میآید ونسخه پایان میباید وناقص است . این رساله را داماد بدرخواست

۲۰ یاران از نگارشهای خویش گزین نمود - گ ۱ ب - ۳ الف .

(۳ گ) - کاغذ سمرقندی — جلد ندارد

اندازه : ۱۳٫۵×۱۹٫۹ و ۸٫۵×۱٤ س ۱۴

[۲٦۷] عرشیه (عربی)

نگارش دانشمند صدرای شیرازی است که درتهران با نیمی ازشرح سپاهانی

۲۵ و با مشاعر بسال ۱۳۱۵ بچاپ رسید نیمه دیگر این شرح در سال ۱۳۱۹ دردنبال اسرارالایات او بچاپ رسید وی دردیباچه آنرا « الحکمة العرشیه نامیده و درآن ازکتب مبسوط واسفار اربعه وکتب ورسائل ورساله حدوث وحواشی حکمة الاشراق

(ص ۱۲۷-۱۳۳-۱۴۴-۱۶۶) یاد نمود و اندیشه فلسفی خویش را درباره شناخت خدا ورستاخیزدر آن آورد . شیخ احمد احسائی بر آن شرحی نوشت وشیرازی را رد کرد و ملا محمداسمعیل بن‌محمدسمیع سپاهانی در گزارش‌خود بر آن و مولی زین‌العابدین بن محمد جواد نوری نیز در شرح مشاعر شیرازی از احسائی خرده گرفتند . ۵

[۳۲۵]

۸۹۷ این نسخه شماره ۵ دفتر وبخط نسخ گ ۸۹ ب ـ ۹۷ الف میباشد

[۲۶۸] عرضنامه (فارسی)

این دفتر از بابا افضل کاشانی ودرطبیعی والهی‌است ودر۱۳۸ نشریه دانشگاه بچاپ رسید ونسخه‌ها یکسان نیستند . ۱۰

[۳۲۶]

۳۴۰ این نسخه شماره ٦ دفتر است وبخط تعلیق با کیزه تاریخ ج ۲ سال ۱۲٦۰ گ ۵۸ ب ـ ۱۰۴ ب .

[۳۲۷]

۴۳۱ این نسخه شماره ۱۸ دفتراست و بخط تعلیق محمد علی بسال ۱۳۰۲ گ ۱۸۱ الف ـ ۲٦۴ الف . ۱۵

[۲۶۹] العروس (عربی)

این نگارش ازشیخ رئیس است که در آن ازنفس قدسی پیامبریاد کرد ودرباره آن گفت « یکاد زیتها یضیئی . .) (۱) ونیز گفت که عقل فعال برنیروی نطقی آن افاضه میکند و پرتو او ازنیروی نطق بنیروهای حفظ و تخیل وحس مشترك سپس ۲۰ بحس ظاهر میرسد ودر آن نگاشته میشود و در آن هنگام پیامبر فرشته زیبائی را

۱ــ شیخ رئیس در بند ۱۱ نمط ۳ اشارات و در بیتهائیکه خزرجی (ج ۲ ص ۱۵ س ٦ ــ ۸) از او میآورد بتفسیر باطنی آیه نور اشاره نمود . بنگرید به ص ۱۱۲ این فهرست .

درهوا می‌نگردکه درباره آئین‌گذاری با او گفتگومیکند (۱) .

[۳۲۸]

۸۶۱ این نسخه شماره ۷ دفتروبخط نسخ وتصحیح شده در کنارصفحه‌ها گ ۵۵ الف ۵۶ الف وچنین پایان مییابد : « و اشرف من کانت نفسه‌النطقیه (الناطقة) عقلا بالفعل من له‌النفس القدسیة النبویة والله‌الملهم للصواب ــ تمت رسالة‌العروس » مانندش ۶۶۶ طوس .

[۳۲۹]

۸۷۱ این نسخه شماره ۲۰ دفتر و بخط تعلیق گ ۱۵۶ الف ــ ۱۵۸ الف و رسالة عرش نامیده شده و پایان‌آن چنین است : « ... النفس‌القدسیةالنبویة والحمدلله والصلوة علی جمیع‌النفوس الطاهرات والذوات الزاکیات خصوصاً محمد و آله الطاهرین » در گ ۱۵۸ الف و ب گفتاری است ازشیخ درباره بستگی نحو و منطق نزدیك بآنچه که درپایان فصل ۳ مقاله ۱ فن ۱ منطق شفا آمده است : « المناسبة بین‌النحو والمنطق ان نسبة صناعة‌النحوالی‌الالفاظ کنسبة صناعة‌المنطق الی‌المعانی ... فالنحو ینظر فی‌الالفاظ بالذات وبالقصدالاول وینظرفی‌المعانی بالعرض والقصدالثانی ۱۵ والمنطقی بالعکس . تم »

[۳۳۰]

۱۰۸۸ این نسخه شماره ۷ دفتر و بخط تعلیق گ ۳۴ ب ــ ۳۶ الف بدین‌نام «رسالة العروس» و چنین است پایان آن : « النفس‌القدسیةالنبویة ولواهب‌العقل حمداً لایتناهی والصلوة علی سیدنا محمد . . . والسلام علی من‌اتبع الهدی » نزدیك ۲۰ به ش ۶۶۷ طوس درفهرست‌آنجا ش ۵۹۰ باز ازالعروس یادگردید .

[۲۷۰] العقل (عربی)

این رساله ازفیلسوف کندی بغدادی است ودوبار بلاتینی درآمده‌است یکی

---

۱ ــ قنواتی این رساله را درش ۱۸٤ «العروش ــ العرش ــ الحکمة‌العرشیة ــ السلسلة‌الفلسفیة » خوانده و درش ۵۷ « سلسلة‌الفلاسفة » را چیزدیگری پنداشت دوشماره ۲۵ طوس بنام « العروس » و ش ۲٫۶۱۱ مجلس بنام «العرش» است . همه اینها بجز یك بند پایـان همانستکه در ص ۷۸ ش ۳۳۹٫۲۶ و در ص ۱۱۲ ش ۱۰۳۵٫٤٦ همین فهرست شناسانده شده است . در بیهقی ص ۹۰و۱۸۷ از « حکمت قدسی ــ مشرقی عرشی و رسالة العروش » یاد شده است در ص ۲ جنك ش ۱۲۱۶ سپهسالار نسخه‌ای بنـام سلسلة‌الفلاسفه وبرابر با سه نسخه آینده ما و در ص ۹۷ ــ ۹۹ همین شماره آنجا باز نسخه دیگری بنام ۳۰ « فردوس » وبرابر با دوشماره گذشته ما دیده میشود .

از ژرارد دو کرمونا Gerard de Cremon (۱۱۱۴ـ۱۱۸۷) بنام (گفتار کندی درباره اندیشه پیشینیان درباره خرد) دیگری بنام (نگارش کندی درباره خرد ودانسته) که گویا از یوحناء اسپانیائی است و آلبینو ناژی Albino Nagy ترجمه لاتینی این رساله و دورساله دیگری کندی (خوابیدن و خواب دیدن و گوهرهای ۵ پنجگانه) در مونستر بسال ۱۸۹۷ بچاپ رساند. کندی این رساله را بطور گزارش وبدرخواست کسی نگاشته ومیگوید رأی افلاطون وارسطوودیگر فیلسوفان ستوده یونان را در آن میآورم. وی عقل را چهار بخش میکند: بقوت و بفعل وملکه وظاهر. این رساله نسبت برساله فارابی بسیار کوتاه است ودررسائل فلسفه کندی ازص ۳۵۳ تا ص ۳۵۸ بسال ۱۹۵۰ درمصر بچاپ رسید.

۱۰ **آغاز** : رسالة التاسع من يعقوب اسحق الكندى فى العقل ـ فهمك الله جميع النافعات واسعدك فى دارالحيات والممات. فهمت الذى من رسم قول فى العقل. هو خبراخبرنا على رأى المحمودين من القدماء اليونانيين ومن احدهم ارسطاطاليس ومعلمه افلاطون.

انجام : وقدر هذا القول فيه اذا كان ماطلبت القول المرسل الخبرى كاف فكن ۱۵ به سعيدا.

[۳۳۱]

۳۸٤ این نسخه شماره پنجم دفتری است که دارای ۷ رساله میباشد وهمه رساله‌ها بخط تعلیق تازه و ازروی نسخه مورخ ۱۲٦٦ بدستور واقف محترم نوشته شده است وهررساله جداگانه صفحه شماری دارد واین رساله ٤ صفحه است

(همه دفتر ۴۰ برگ) ــ کاغذ فرنگی ــ جلد مقوا

اندازه : ۱۷×۲۱ و ۱۳×۱٦ س ۹

[۲۷۱] **العقل** (عربی)

این رساله از فارابی است و در ص ٩٦ شناسانده شده و در آن از عقلهای گوناگون سخن رانده و روشن ساخت که درجات آن در نفس چیست و ارسطو ۲۵ درنگارشهای خویش ازعقل چه میخواهد.

[٣٣٢]

٢٤٠ این نسخه شماره ۲ دفتری است که‌دارای چندین رساله فلسفی ومنطقی ازفارابی میباشد وبخط نسخ ازبرك ٤ ب تابرك ۸ الف نوشته شده و نسبت بچاپ بیروت کم دارد .

٥

[٣٣٣]

٢٥٣ این نسخه شماره پنجم دفتری است که دارای ۲۲ رساله میباشد ودر برگ ٦٩ ب تا برگ۷۳ ب و بخط تعلیق حیدر بن علی کرکی عاملی میباشد که این دفتررا درسالهای ۱۰۷۵و۱۰۷٦ نوشته است .

(همه دفتر ۱٥٦ برك) ــ کاغذ ترمه سمرقندی ــ جلد تیماج سرخ ساده

١٠ اندازه : ٥ر۱۲×٥ر۱۹ و ٦×٥ر۱۱ س ۱۸

[٣٣٤]

٣٣٩ این نسخه شماره ۲٥ دفتر وبخط شکسته تعلیق مورب و بی‌نقطه واز برك ۸۰ (الف) است تا برك ۸۲ (ب) .

[٢٧٢] العقل (تعلیق فی ...) (عربی)

١٥ ابوالفرج‌بن‌الطیب دانشمند ترسای بغدادی م ٤٣٥ این‌رساله را مانند کندی وفارابی و بپیروی از ارسطو واسکندر افرودیسی نوشته ونیروهای روان ودرجات خرد را درآن شرح داد و پیدا است که از روش مشائیان متأثر گشت .

ابوالفرج دراین‌رساله عقلی راکه‌بذات خود وبفعل درك میکند فعال مینامد و عقلی راکه شایستگی دانش دارد هیولانی نام میدهد و برای آن چندین درجه

٢٠ از هیولانی صرف و بالفعل وممیز وظان وعامل وفکری وذاکر یاد میکند .

آغاز : تعلیق للشیخ ابی‌الفرج بن الطیب ــ قال الحکیم ابوالفرج : ان القوة علی‌الاطلاق ضربین ، قوةالحس وقوةالعقل .

انجام : فهذه اسماءالعقل‌الهیولانی عندالفلاسفه مشروحة .

[٣٣٥]

٢٥٣ این نسخه شماره ۱۷ دفتری است که دارای ۲۲ رساله میباشد ودر برك ۱۰۲ب بخط تعلیق عاملی در ع ۱ سال ۱۰۷٦ نوشته شده است و درپایان آن دارد : تمت‌الرساله ... علی ید حیدربن علی بن اسمعیل‌بن عبدالعالی الهاشمی الکرکی العاملی فی شهر ربیع‌الاول ۱۰۷٦ .

[۲۷۳] عقل (رساله اثبات ...) (عربی)

خواجه طوسی دراین رساله از این راه که باید حکم ذهنی با واقع برابر باشد ببودن عقل کلی پی‌میبرد ومعنای نفس امررا مثبت عقل میداند. دوانی بر این رساله گزارش نوشت .

۵ آغاز : من کلام مولانا . . . نصیرالحق والدین محمدبن‌الحسن‌الطوسی . . . اقامةالبرهان علی‌وجودالجوهرالمجردالمسمی بعقل‌الکل انالاتشك فی کون‌الاحکام الیقینیه .

انجام : المشتمل‌علی کل رطب ویابس‌وذالك مااردناه . واللّٰه‌الموفق والمعین

[۳۳٦]

۱۰ این نسخه شماره دهم دفتری‌است که دارای ۳۵ رساله و گفتارمیباشد وبخط

۱۰۷۹ تعلیق درص ۲۳ تا ۲۵ نوشته شده است . این دفتربخط چند کس است یکی از نویسندگان میرمحمد مقیم‌بن میرشاهمیررضوی است که رساله ۳۱ (اسرار الاطباء از نظام‌الدین احمدگیلانی) این دفتر رادر روز دوشنبه ۱۳ رمضان ۱۰۵۲ بپایان رساند .

۱۵ دیگرمراد تفرشی که درذی‌حجهٔ سال ۱۰٤۷ رساله ۳٤ (اثبات واجب) را برای مولی محمد صالح کرامی نوشته است وی همان کس است که سید احمد عاملی (مرده میان ۱۰۵٤ و ۱۰٦۰) برای او بپرسشهای خواجه طوسی از خسروشاهی پاسخ داده که همان رساله ۲۹ این دفتر میباشد . باز نام همین محمد صالح در ص ۳۷۳ دیده میشود و نیز خط سلطان محمود که در۲۵ رمضان ۱۰۳٤ و محمد مؤمن‌بن هدایت‌اللّٰه

۲۰ تبریزی که هردو بدستورهمان مولانا محمد صالح کرامی نوشته‌اند درص ۲٦۳و۲٦۹ دیده میشود . پیداست که این دفتر برای کرامی فراهم آمده است و تاریخ آن از ۱۰۳٤ تا ۱۰۵۲ میباشد .

(همه دفتر۲۸۱صفحه) ــ کاغذ ترمه سپاهانی زرد ــ جلد تیماج سرخ ضربی مقوالی
اندازه : ۱۵ ×۲٦ و ۹×۱٦ س ۲۳

۲۵ [۲۷٤] العلل والمعلولات (رسالة فی ...) (عربی)

این نگارش از خواجه طوسی است که درآن بروش ریاضی از رشتهٔ علتها ومعلولها گفتگو نمود .

آغاز : بسمله . مسئلة . قالت‌الحکماء : المبدءالاول‌لجمیع‌الموجودات واحد تعالی ذکره .

انجام : وذلك ماارد ت بیانه فی هذه‌المسئلة والله اعلم بالصواب .

[۳۳۷]

۱۰۷۹ این نسخه شماره ۱۲ دفتراست وبخط تعلیق ص ۲۶-۳۱

[۲۷۵] **العلم‌الاکتسابی (رسالة فی ...)** (عربی)

خواجه طوسی دراین گفتار بروش عرفانی دو مرتبهٔ تعلیم اکتسابی و تعلیم ربانی علم را روشن ساخت .

آغاز : اعلم وفقناالله تعالی و ایاك انه لابد من معرفةالعلم والعالم والمعلوم .

۱۰ فالعلم‌تصورالنفس‌الناطقةالمطمئنةالکلیةحقایق‌الاشیاءالمجردة عن‌المواد کمیةو کیفیة مفردةکانت اومرکبة .

انجام : فیعبرالنفس عنه کما یشاء بلا انقطاع و نسیان. ذالك فضل‌اللهٔیؤتیه من یشاء من عباده و م حسبناالله ونعم‌الوکیل .

[۳۳۸]

۱۰۳۵ این نسخه شماره ۸ دفتراست وبخط شکسته تعلیق ریز ص ۱۰۳

[۲۷۶] **علم جمجمیه** (فارسی)

دراین رساله که درمغزشناسی Phrenologie یاعلم قیافه‌جمجمیه میباشد از جایگاه بیست ونه حس درمغز از روی سخنان گال (F . G . Gall) و لاواتر G . G . Lavater ودیگر دانشمندان فرنك گفتگوگردید (۱) .

۲۰ **آغاز** : ربی . بسمله . مقدمه . علم انسانی بردونوع است علم جسمانی وعام

---

۱ — درفرنولژی صفات و کارهای عقلی برپایهٔ ساختمان مغزنهاده شده و گال پزشك آلمانی (۱۷۵۸ — ۱۸۲۸) آنرا آورد این علم کالبدشکافان را درباره ساخت و کردار مغز بخود کشیده بود وامروز فراموش گردید . گال مغزرا جایگاه نیروهای روانی میدانست وبرای هریك میخواست جائی درمغزجداسازد — لاواترفیلسوف شاعرالهی برتستان سوئیسی

۲۵ (۱۹۷۵—۱۸۰۱) آورنده علم قیافه Physiognomie با هنر استدلال از خطوط چهره بخوبیها میباشد .

غیرجسمانی .

انجام : جهت فهم و تربیت خود نه جهت شهرت و مضمون گوئی بیحاصل بتکمیل درعلم قیافه مشغول گردد. العلم عندالله - دریوم شنبه ۱۹ شهرجمادی الاولی بید اقل الجانی شیخ باقر فاضل الکاشانی فی سنة ۱۲۸۹ .

۵ [۳۳۹]

۹۵۳ این نسخه بخط نسخ شیخ باقرفاضل کاشانی بسال ۱۲۸۹ میباشد ص۱-۱۱۳ (۶۸ برگ) - کاغذ فرنگی - جلد تیماج تازه زرد رنگ

اندازه : ۱۲٫۵×۲۱٫۵ و ۷٫۵×۱۵ س ۱۶

[۲۷۷] علم الله (رسالة فی کیفیة ...) . (عربی)

۱۰ این گفتار کوتاه از شیخ رئیس دانسته شده ودر آن روشن گشت که خداوند بهمه چیز آگاهست نه اینکه تنها کلیات را بداند چنانکه مشائیان میگویند .

آغاز : رسالة للشیخ الرئیس ابی علی بن سینا فی کیفیة علمه تعالی . وبه ثقتی . قال : علم الباری لذاته فهو یعلم الاشیاء جزویها وکلیها علی ما هی علیه .

انجام : ویعرف باسبابها ویعرف عدمها باسبابها المعدمة لها .

۱۵ [۳٤۰]

۱۰۷۹ این نسخه شماره ۱۷ دفتر است و بخط تعلیق مورب گـ ۸۹ پ . نویسنده در پایان آن چنین افزود «وقال الاشیاء التی نسمیها اتفاقیات وهی واجبة عندالله وقال الاول یعرف الشخص و احواله الشخصیة ... ولا یعزب عن علمه مثقال ذرة فی السموات ولا فی الارض انتهی وهوصریح فی علمه تعالی بالاشیاء » وگفت پس آنچه غزالی درباره شیخ گفته واوراکافرخواند بی پایه است. خود غزالی برگشته باشد یا نه ۲۰ درمقاله چهارم سرالعالمین درباره غدیرچنین گفت : « ولکن اسفرت الحجة .. بین ذوی النهی وذلك فضل الله یؤتیه من یشاء » نویسنده میخواهد بگواهی این گفتار وآن سخنان شیخ را ازتهمت کفر بیرون بیاورد .

[۲۷۸] علم الله (رسالة فی ...) (عربی)

۲۵ دانشمند شمسای گیلانی دراین گفتار از دانائی خدا سخن رانده و آنرا هنگامیکه درمکه بسر میبرده است بسال ۱۰٤۸ نگاشته است .

آغاز : بسمله . اعلم ان العالم بالغير قسمان .

انجام : الصفات الثبوتيه الكاملة الثابتة فی مرتبة ذاته بذاته مع قطع النظر عن كل ماعدا ذاته (در پایان میگوید : وقع تحرير هذه الرسالة البرهانية على يد مؤلفها... المجاور بمكة . . . محمد الشهير بشمسا الجيلانى فى تاريخ سنة ثمان و اربعين ۵ بعدالالف) .

[۳٤۱]

۳۰٤ این نسخه شماره۲ دفتراست و بخط تعلیق شکسته محمدقاسم بن سید محمدحسینی شاگرد شمسا ازروی نسخه استاد وددروزگار او بسال ۱۰۵۸ گ ۱۹۹ب-۲۱۰ الف ویك حاشیه (منه) دراین نسخه هست . شماره ۱ نیز نوشته حسینی میباشد .

۱۰ [۳٤۲]

۳۸۹ این نسخه شماره ۱ دفتر و بخط تعلیق تاریخ ۱۲۵۲ میباشد گ ۱ ب - ۱۲ ب ودرصفحه ۱و۲ دوحاشیه دارد که یکی به (منه) ودیگری به (منه ره) پایان مییابد. دو نسخه ازاین رساله درطوس ش ۶۸۰و۶۸۱ (ج ٤ ص ۱۳۷) هست .

[۲۷۹] علم الله (رسالة فی . . .) (عربی)

۱۵ این گفتار نیز از گیلانی است که اندیشه فلسفی خویش را در آن باسخنان معصومان سازگار نمود .

آغاز : و اعلم ان ما برهنا عليه باذن الله تعالى من ان علم الله تعالى بالاشياء لايجوز ان يكون حضوريا ولاحصوليا بل لابدان ان يكون نحواً ثالثاً .

انجام : يجب حمل كلام الشارع على المتفاهم العرفى مالم يصرفه صارف عقلى ۲۰ اوشرعى وليس فليس .

[۳٤۳]

۹۲۶ این نسخه شماره ۱۵ دفتر و بخط تعلیق ریز میباشد ودرپایان دارد « س م س رحمه‌الله» گ۱۵۳ الف-۱۵۵ الف. دردنبال آن گفتاری‌است ازشمسا درجدائی میان ذاتی وعرضی درموجود خارجی با رمز (س م س رحمه‌الله) و عبارتی از ۲۵ حاشیه شفای شیرازی گ ۱۵۵ الف .

[۲۸۰] علم واجب (رساله . . .) (عربی)

دانشمند داماداسترابادی دراین‌رساله بروش خویش ازدانائی خداکاوش‌نمود

آغاز : بسمله . ولاثقة الا بالحكيم بعدالحمد لمفيض العلم وواهب العقل . . . يقول محمدالمدعو بباقر الداماد الحسيني . . . وضابطة مقام التحقيق فی علم الواجب ان يقال .

انجام : كما ارتكب من مدارك المحققين على ما فصل في زبرهم فتامل واليه يعلم حقيقة الحال ..

۵

[۳٤٤]

۱۰۳۸ این نسخه شماره ۱٦٦ دفتر است و بخط شکسته تعلیق گ ۱۳۰ ب - ۱۲۹ الف

[۸۱۰] **علم اليقين** (عربی)

نگارشی است فلسفی وعرفانی ازفیض کاشانی محمدمحسن بن مرتضی فیلسوف عارف محدث شیعی (۱۰۰۷ـ۱۰۹۱ـ۱۰۹۱) که در ۱۰٤۲ بپایان رساند و در تهران بسال ۱۳۰۳ با عین الیقین هم بچاپ رسید .

۱۰

[۳٤۵]

این نسخه بخط تعلیق وعنوانهاد و آن بشنگرف است و در برك (۱ الف) چنین

[۲٤٤] نوشته شده : «کتاب علم الیقین فی اصول الدین املاء العبد الضعیف محمد بن مرتضی المدعو بمحسن القاسانی ثبته الله بالقول الثابت فی الحیوة الدنیا و فی الاخرة»

۱۵

وسه مهر دارد که دوتا ازآن است و یکی چنین خوانده میشود : «الراجی محسن الفیضی محمد» و باز در همانجا نوشته است که اسحق بن محمد علم الهدی از پسر عموی خود بسال ۱۱۲۵ این نسخه را خریده است .

در آغاز نسخه مهر محمد ابراهیم بن محمد صادق موسوی و در آنجا و در پایان مهر محمد بن صادق بن زین العابدین موسوی دیده میشود .

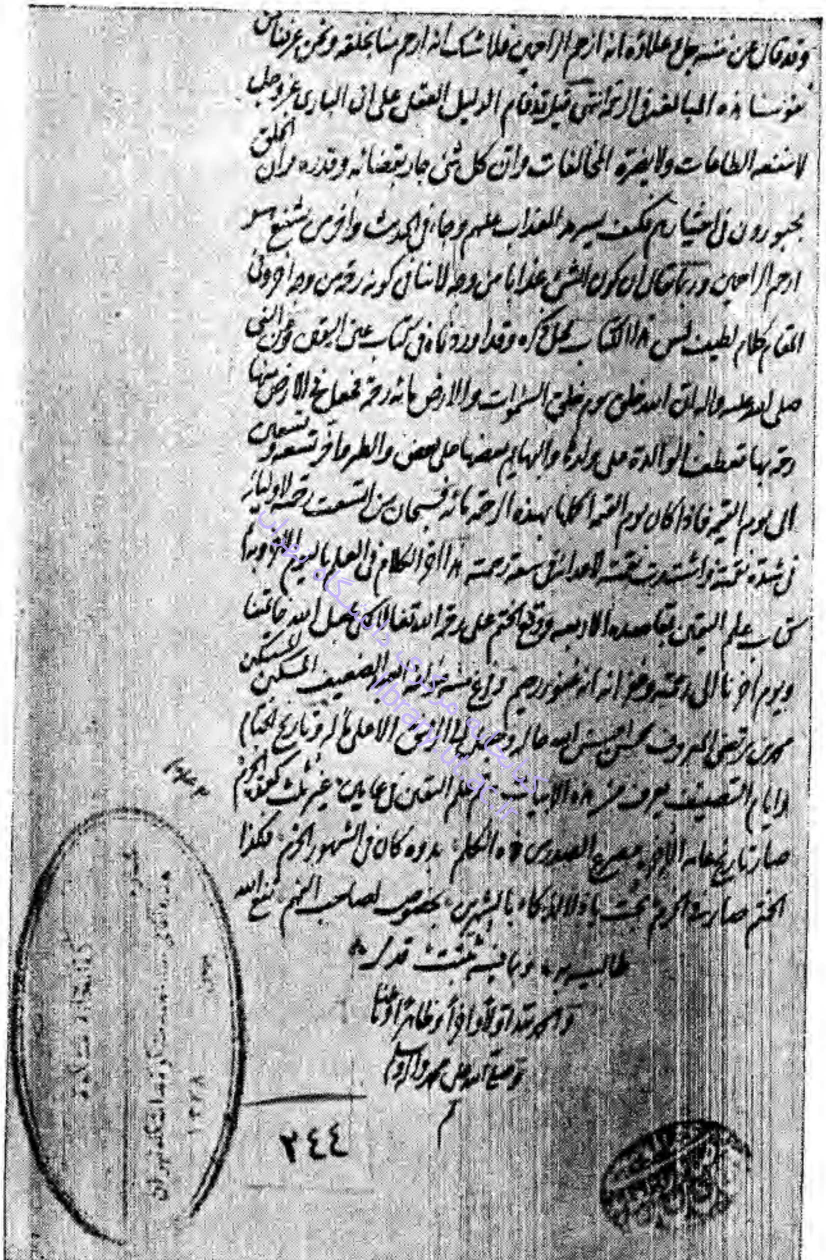
۲۰

(۲۸٦ برك) ـ کاغذ ترمه سمرقندی - جلد تیماج سرخ ضربی مقوائی

اندازه : ۱۳×۲۰ و ۷٫۵×۱٤ س ۱۹



صفحهٔ عنوان علم‌الیقین فیض بخط ومهرخود او ش ۲۴۴



وقد قال عزّ من قائل جل وعلاؤه انه ارحم الراحمين فلا شك انه ارحم بما يخلقه ونحن نعرف من
نفوسنا هذه الغاية في الرحمة فهي مثل ما قام الدليل العقلي على ان الباري عزّ وجلّ
لا ينفعه الطاعات ولا يضره المخالفات وان كل شيء جار بقضائه وقدره وان الخلق
مجبورون في اختيارهم فكيف يسرمد العذاب عليهم وجاء في الحديث ان آخر من يشفع [illegible]
ارحم الراحمين وربما قال ان يكون الشيء عذابا من وجه لا ينافي كونه رحمة من وجه آخر وفي
المقام كلام لطيف ليس هذا الكتاب محل ذكره وقد اوردناه في كتاب عين اليقين وعن النبي
صلى الله عليه وآله ان الله خلق يوم خلق السموات والارض مائة رحمة فجعل في الارض منها
رحمة بها تعطف الوالدة على ولدها والبهائم بعضها على بعض والطير واخر تسعة وتسعين
الى يوم القيمة فاذا كان يوم القيمة اكملها بهذه الرحمة مائة فسبحان من اتسعت رحمته لاوليائه
في شدة نقمته واشتدت نقمته لاعدائه في سعة رحمته هذا آخر الكلام في العلم باليوم الآخر وبه تم
كتاب علم اليقين بمقاصده الاربعة ووقع الختم على يد [illegible] الله تعالى ولكن جعل الله خاتمتنا
ويوم آخرنا الى رحمته وعفوه انه غفور رحيم وفرغ من تسويده العبد الضعيف المسكين
محسن بن مرتضى [illegible] الاعلى [illegible] تاريخ الختام
وايام التصنيف يعرف من هذه الابيات [illegible] علم اليقين [illegible]
صار تاريخ ختامه [illegible] الصدور [illegible] كان في الشهور الحرم فكذا
الختم صار [illegible] بالبشرى [illegible] لصاحب [illegible]
[illegible] قدس سره
[illegible]
[illegible]
٢٤٤

پایان علم الیقین فیض ش ٢٤٤

[۲۸۲] **عين اليقين** (عربی)

این نگارش عرفانی از دانشمند فیض کاشانی است که عین‌الیقین فی اصول اصول‌الدین یا الانوار والاسرار نامیده شده ودرسال ۱۰۳٦ بپایان رسید و باعلم‌الیقین درتهران بسال ۱۳۰۳ چاپ شد.

۵ [۳٤٦]

۳۷۳ این نسخه بخط نسخ خوش تاریخ ۱۱۲۷ در جدول زرین ولاجورد باسرلوحی زیبا بزر و لاجورد و میان سطرها و کنار دو صفحه نخستین طلاکاری است و حاشیه دارد ازفیض با (منه قدس سره).

(۲۸۳ ج) – کاغذ سمرقندی — جلد تیماج مشکی مقوائی دورو ودرون آن سرخ

۱۰ اندازه: ۱۴×۲۱ و ۹×۱۹ س ۱۸

[۲۸۳] **عيون الحكمه** (عربی)

نگارشی است بروش عرفان وعلم حروف از امام فخرالدین تبرستانی رازی که درفهرست آغازنسخه ما (رسالة‌التوحید) یاد شد.

آغاز: بسمله. ورب یسر. الحمدلله المستحق للحمدذی الجلال والبهاء والسناء

۱۵ والمجد... هذاکتاب صنفناه فی الشرایع الالهیه و القواطع الدینیة علی آراء العقلاء ذوی الشریعه.

انجام: تمت المنافع یتلوها الاصول الفقهیات اندر ماقیل واعز ماتیل والعون والتوفیق بالله علیه اتوکل و الیه انیب والحمدلله وحده والصلوة علی نبی الـرحمة وآله الطاهرین.

۲۰ [۳۰۷]

۱۰۲۲ این نسخه شماره ۵ دفتراست و بخط نسخ سید حیدر آملی که خود آنرا مقابله نمود گ ۱۰٤ ب - ۱۲٤ الف

[۲۸٤] **عيون المسائل** (عربی)

نگارشی است از فارابی که درص ۹۹ شناسانده شده ودرآن چندین مطلب

۲۵ منطقی وفلسفی آمده است.

[۳٤۸]

۳٤۰ این نسخه شماره ۵ دفتراست وبخط نسخ گ ۲۲ ب ـ ۲۵ ب .

[۳٤۹]

این نسخه شماره ۵ دفتر است و بخط شکسته تعلیق محمد شریف بن محمد
۱۰٤٦ قائمی دررجب ۱۰٤۰ درلاهیجان گ ۳۹ب ـ ٤۱ ب وعنوان آن چنین است : ۵
«هذه کتاب عیون المسائل للشیخ الاجل الاقدم ابی نصر الفارابی وهی مأته وستة وستون مسئلة » .

[۲۸۵] فصوص الحکمة (عربی)

نگارشی است که ازفارابی دانسته‌اند ودرص ۱۰۰ شتلسانده شده ودرفلسفه آمیخته باعرفان است . یکی از دانشمندانیکه از آن یاد نمود خفری (م ۹۳۵ یا ۱۰
۹۵۷) است که در «اثبات الواجب» ش ۸/۹۲٦ گ ۱۲۹ الف از آن نام برد . دانشمند داماد نیز در ص ٦۷ قبسات بند ۵۸ آنرا آورد و درصراط مستقیم او (ش ۲۷۹/۱ گ ۳٤ الف) نیز بندی از همین فصوص دیده میشود بااینهمه گواهیها دراینکه این گفتار ریخته خامهٔ فارابی است یا نه جستجوی بیشتری باید .

[۳۵۰] ۱۵

۳٤۰ این نسخه شماره ٦ دفتر وبخط نسخ میباشد گ ۲٦ الف ـ ۳۱ ب

[۳۵۱]

۲٦۸ این نسخه شماره ۱ دفتر وبخط نسخ تاریخ ۹۸٦ از پیرشاه بن محمد یساری گ ۱ ب ـ ۱۷ الف .

[۳۵۲] ۲۰

این نسخه شماره ۳ دفتراست وبخط نسخ تاریخ ۱۰۹٦ گ ۵۲ الف ـ ۵۹ ب
۸۹۷ عنوان « فص » بشنگرف است و ٦۵ فص میباشد و در پایان دارد « تمت الرسالة المنسوبة الی المعلم الثانی » .

[۳۵۳]

این نسخه شماره ۱ دفتراست و بخط تعلیق خوش با عنوانهای شنگرف از ۲۵
۱۰۳۰ ملامحمد سلیم که برای حاج محمد شریف بسال ۱۰۹٤ نوشته است گ ۷ ب ـ ۱۷ ب

[٢٨٦] **فوز اصغر** (عربی)

فیلسوف ابوعلی مشکویه رازی (م ٤٢١) این رساله را درمسئلهٔ خداشناسی
و پیامبری و روانشناسی هریك در ده فصل نگاشته‌است. در آغازمیگوید: با اینکه
هیچ کتابی دردستم نبود و برسرسفربودم و آسایشی نداشتم چون بمن دستوردادند
٥ بنگارش آن بپرداختم. مشکویه دراین کتاب ازسخنان افلاطون وفرفوریوس و از
گفته جالینوس دراینکه چیز از چیز پیدا میگردد و ازرد اسکندر براو یاد میکند
(مسئله ١ فصل ٢ و ١٠) در فصل ١ مسئله ٢ میگوید : بدشواری میتوان درباره
روان سخن راند چه‌کتاب نفس ارسطورا سخت میتوان دریافت وناقص است زیرا
او دشوار وکوتاه سخن میگفت تا پیروان ورزیده شوند. مفسران هم بیشتر مانند
١٠ اسکندر افرودیسی و ثامسطیوس و پیروان آنها اختلاف کردند و ترجمه از یونانی
نیزکسی را میشایدکه درهردو زبان سرآمد و آگاه باشد. تنها ابوالخیر حسن‌بن
سوارکه خدا ما را ازاوبهره‌مند سازد بجستجوی گفتارارسطودرباره نفس پرداخت
وازکتابهای‌سریانی که‌بمارسیده‌بود وازتفسیرهای‌مفسران گردآورد وخودهم‌خوب
مترجمی است وخستگی‌ناپذیر. او در دریافت بسیاری ازدشواریها با ترجمه‌هاکه
١٥ کردبماکمك‌نمودوبسیاری‌راروشن‌ساخت‌وازسخنان‌خوداووازگفته‌های‌گذشتگان
که میآورد اگر در دست میداشتم دراینجا یاد میکردم. در پایان فصل ٤ مسئله ٢
باز از تفسیر ابی‌الخیرمیاورد ودرفصل ٦ مسئله٢ دردلیل سوم ازسه دلیل افلاطون
درپایداری‌روان ازنگارشهای‌اووابرقلس (پرکلس) وجالینوس یادمیکند ودرفصل٩
مسئله ٢ سرودی از همیروس میاورد. ایندفتر از بهترین کتابهاست که درباره خدا
٢٠ وروان وتجرد و پایداری وخوشی آن ووحی وکهانت و پیامبری بروش فیلسوفان
نوشته شده‌وبرای تفسیر کتاب‌نفس ارسطو بسیارسودمند میباشد. اوچون میخواست
(فوزاکبر) بنویسد دراینجا بکوتاهی پرداخت و بدان نوید داد (پایان) این کتاب
بسال ١٣٢٥ در مصر و ١٣١٩ در بیروت بچاپ رسید، خواجه عبدالحمید استاد
فلسفه مدرسه‌دولتی‌لاهور بدان‌نگریسته و گزین‌نموده و کتابی بانگلیسی بدین‌نام :
٢٥ Ibn Maskawiaih , A study of his Al – Fauz Al – Asghar درهمانجا

بسال ١٩٤٦ بچاپ رساند.

آغاز: بسمله وبه ثقتی ورد علی امر الامیر المظفر السید المؤید من السماء ... علی المسائل الثلثة التی یشتمل علی العلوم کلها.

انجام: فهذا مبلغ مایجب ان یتکلم فیه علی هذه المسائل الثلث ... والدلالة فیما احتاج الی بسط وشرح الی اماکنه من کتاب الفوز الاکبر الذی یستانف بمشیة الله عمله وبالله التوفیق الحمدلله وحده والصلوة علی النبی محمد وآله الطاهرین. تم الفوز الاصغر عن ابی علی المسکویه.

[٣٥٤]

٨٩٧ این نسخه شماره ١ دفتر و بخط نسخ باعنوانهای شنگرف میباشد گ الف - ٢٠ الف. نسخه خطی وچاپی آن درفهرست طوس (ج١ ش٢١٢ ص٦٤ وج ٤ ش ٢-٤٦١ ص ٣٣٦) شناسانده شده و یك نسخه آن درمجلس هست (ج٢ ش ٦٣٤/٣١ ص ٣٩٩).

[٢٨٧] **فیض الهی** (عربی)

نگارش ابن سیناست که دردکن بسال ١٣٥٤ بنام رسالة الفعل والانفعال بچاپ رسید ودر آن از وحی والهام واعجاز وکرامت وخواب وجادوو نیرنك گفتگو میشود و شیخ آن را دردنبال پاسخ خود بپرسش سوم میهنی نیز گذارده است (ص ١٧١ این فهرست) قنواتی در ش ١٩٠ نیز آنرا شناساند.

[٣٥٥]

٣٦٧ این رساله شماره ٤ دفتراست وبخط نسخ تازه در ٤٧ ص میباشد. درطوس دونسخه از آن هست ش ١٠٥ (ج ٢ ص٣١ منطق) و ٩١٩ (ج ٤ ص ٢١٥)

[٣٥٦]

١٠٨٩ این نسخه شماره ٧ دفتر است و بخط تعلیق نزدیك ١٣٥٦ گ ٦٠ الف - ٦٢ الف و بدینجا پایان میبابد «علی تصریف العین ولخیالات الناس» برابر با س ٢ ص ٧ چاپی.

---

١ — برای شناختن این فیلسوف و گفته های او بنگرید به: ابن مسکویه فلسفته الاخلاقیة ومصادرها ازدکتر عبدالعزیز عزت چاپ مصر بسال ١٩٤٦ که از اینکتاب در ص١٣٥ یاد کرد

[۲۸۸] **قراضه طبیعیات** (فارسی)

این دفتر را از شیخ رئیس پنداشته‌اند و در دیباچه آن چنین آمده که نزد فرمانروا سخنی از طبیعیات و نوشته‌های ارسطو بمیان آمده ناگزیر این کتاب را در مسئله‌های طبیعی بروش پرسش و پاسخ بپارسی نوشتم و از نگارشهای دیگران مگر گاهی آنهم ۵ برای آسانی دریافت آنچه خود نگاشته‌ام نیاوردم اوخود این کتابرا چنین نامید و کتاب در ٤ فصل است: «مسئله‌های حیوانی در ۱٦ باب و نباتی در ۸ باب ومعدنی در ده باب و نوادر در ۱٦ باب» نگارنده در فصل ۳ باب ۹ (ص ۲۸) از عنوان الالوان خود یادمیکند ماناکه این کتاب ازروی «مسائل» یا «مابال» ارسطو نوشته شده‌است.

آغاز: بسمله. سپاس بیقیاس آفریدگار همه اشیاء را و بخصوص کننده نوع ۱۰ انسانرا ازجمله جانوران... آغاز سخن امرا و سلاطین ووزوا و خواقین آنست که شغلهای خواهند که شهرگشادن بود.

انجام: که دیدن سراب خویش ترك و بیخ خویش بکنی.

[۳۰۷]

۱۰۹۱ این نسخه بخط تعلیق شادروان شیخ اسدالله فرزند هادی کرمانشاهی کتابدار مدرسه سپهسالار میباشد که در ۱۵ صفر ۱۳۵۰ درهمانجا ازروی نسخه‌ایکه بدین عبارت «تمت الرسالة فی یوم الجمعه دهم شهرمحرم الحرام ۱۲۳۹» پایان مییافت نوشته است.

(۴۴ ص) - کاغذ فرنگی - جلد تیماج سرخ
اندازه: ۱۱×۱۷٫۵ و ۷٫۵×۱۳ س ۱۳

۲۰ [۲۸۹] **القضاء والقدر (رسالة...)** (عربی)

ابوسعید حسن بصری (درگذشته۲۲- دربصره رجب ۱۱۰) پارسای صوفی سخنور دانشمند از پدری بنام ابی‌الحسن میسانی برده زیدبن ثابت انصاری و مادری بنام خیره کنیزام سلمه زن پیامبر(ص) بوده وچهره‌ای زیباداشت ودر وادی‌القری بزرك شد. وی در روزگار معاویه (٤۱ - ٦۰) برای ربیع بن زیاد فرمانروای خراسان ۲۵ نویسندگی میکرد. ازشعبی (م۱۰٤) وابن سیرین (م۱۱۰) وفقیهان ومفسران دیگر

بیاموخت وعمر بن عبدالعزیز (۹۹ـ۱۰۱) او را بزرگ میداشت سلیم بن قیس میگوید که او سرانجام شیعی شد. دانشمندان شیعی برخی او را بدو دسته‌ای خوب میدانند. او از خونریزیها و کشتارها که سران تازی میکردند نکوهش می‌نمود و گوشه‌ای گزید. شاگردش ابن ابی‌العوجاء چون سخنانش را درجبر وقدر باهم ناساز گار بدید ازاو بر گشت و خداناپرست شد. برخی او را سازشکار و خواهان بزرگی و رهبر قدریان خوانده‌اند. گویند ابن سیرین برمرده او نماز نگذارد. از نگارشهای او «الاخلاص» نام برده‌اند. پندها و اندرزها و سخنانی شیوا ازاو در کتابها دیده میشود.
وی نامه‌ای بعمر عبدالعزیز و بصوفیان نوشت (۱) این گفتار نامه‌ای است ازاو بحسن بن علی (ع) (۲ـ۵۰) و پاسخ امام بدو درباره قدر و سرنوشت سپس نامه همو بعبدالملك مروان (۶۵ـ۸۶) در پاسخ نامهٔ این فرمانروا که بدو نوشت: «درباره قدر سخنی ازتو شنیده‌ایم که گذشتگان و یاران پیامبر نگفته‌اند و امیرمؤمنان ازمانند تو دیندار وفقیه چنین گفتاری را دور می‌بیند. خود چنین میگوئی یا از یاران پیامبر آموختی ویا ازقران گرفتی؟ ما تاکنون چنین سخنی نشنیده‌ایم باید چگونگی‌را برای ما بنویسی».
بصری در آغاز میخواهد که او از فرمانبران خدا باشد وسپس درباره قدر و آزادی خواست مردمی سخن میراند واز آیتهای قرآن گواه میآورد که بدی ازبندگان است وخدای دادگر ومردمی در گرو کردارخویش میباشد.

آغاز: بسمله و به نستعین. قیل کتب الحسن البصری رحمة‌الله علیه الی الامام ابی‌الحسن بن علی... یابن رسول‌الله ان‌الله جعلکم السفن الجاریة... وقیل کتب عبدالملك بن مروان الی حسن بن ابی الحسن البصری رحمة‌الله علیه من عبدالملك امیرالمؤمنین الی حسن بن ابی‌الحسن.

انجام: ولیلبسوا علیهم دینهم وقال الهدهد الذی انطق‌الله بالصواب وجدتها (کم دارد).

۱ــ نگاه به: تذکرة‌النوادر من‌المخطوطات‌العربیة ص ۱۲۰ چاپ دکن ۱۳۵۰ـ روضات‌الجنات ص ۲۰۸ ــ ۲۱۱ــمیسان شهرکی بود پائین بصره. نسخه‌ای از نامه‌های بصری درایاصوفیا ش ۳۹۹۸ هست.

[۳۵۸]

۱۰۲۲ این نسخه شماره ۱۰ دفتر است و بخط نسخ آملی گ ۱۷۳ ب ـ ۱۸٦ ب ودردنبال آن چهار گفتار فقهی گ ۱۸۷ الف و گفتاری از فخر المحققین در اعتقاد واجب ۱۸۷ ب میباشد .

۵ [۲۹۰] قضا و قدر (عربی)

نگارش دانشمند صدرای شیرازی است که درمجموع رسائل اوص ۱٤۸ـ۲۳۷ در ایران بسال ۱۳۰۲ بچاپ رسید .

[۳۵۹]

۸٤۹ این نسخه شماره ۵ دفتر است و بخط تعلیق محمد علی ۱ صفر ۱۳۰۰ گ ٦۱ الف ـ ۱۷٤ الف .

(همه دفتر ۱۷۴ گ) ـ کاغذ فرنگی ـ جلد تیماج سرخ ساده مقوائی .
اندازه : ۱۰٫۵×۱۷٫۵ و ٦×۱۴ س ۱۱

[۲۹۱] قضا و قدر (رساله . . .) (عربی)

ابومحمد بن عنایت‌الله مشهور ببایزید بسطامی برای امیرسیدعالی مظفر بروش

۱۵ کلام شیعی دراین رساله از قضا و قدر گفتگو نموده و آنرا درروزسه شنبه ۱٤ ج ۲ سال ۱۰۱۱ بپایان رساند .

آغاز : بسمله و به نستعین الحمدلله الذی اوضح البینات والهدی . . . یقول ابومحمد بن عنایت‌الله الشهیر ببایزید البسطامی ان مسئلة القضاء والقدر لما کان من غوامض العلوم .

۲۰ **انجام** : والتجنب عن اعتقادالمذاهب الزائفه وقدفرغ من تسوید هذه‌الرسالة مؤلفها ابومحمدبن عنایت‌الله البسطامی . . فی تاریخ یوم الثلثا رابع عشر جمادی الثانی من شهور سنة احدعشر والف بیدالعبدالضعیف احمدبن عبدالحی عفی عنهما .

[۳٦۰]

۲۹۳ این نسخه شماره ۳ دفتر وبخط شکسته تعلیق احمدبن عبدالحی شریف میباشد گ ۷۲ ب ـ ۱۳۰ الف ومهر « المتوکل بالملك اللطیف عبده محمد شریف » درپایان این رساله ودومی دیده میشود .

(همه دفتر ۱۳۰ گ) ـ کاغذ ترمه سمرقندی- جلد تیماج مشکی ضربی زرکوب مقوائی
اندازه : ۵ر۹×۱۹ و ۶×۵ر۱۴ س ۲۰

[۲۹۲] القوی الانسانیه و ادراکاتها (عربی)

این رساله که از ابن‌سینا دانسته شد با پاره‌ای از فصوص فارابی یکی است
(ص ۱۰۱ این فهرست) ودرتسع رسائل $\frac{۱۹۰۸}{۱۳۲۶}$ و کنارشرح هدایه شیرازی ص ۳۳۸- ۵
۳۴۵ بچاپ رسید . قنواتی در ش ۹۵ از آن یاد نمود. درفهرست بیهقی ص ۱۸۸ نیز
این نام دیده میشود .

[۳۶۱]

۸۷۱ این نسخه شماره ۱۶ دفترو بخط تعلیق محمدعلی درمدرسه سپهسالار نزدیك
۱۲۹۹ گ ۱۴۷ ب - ۱۵۲ ب . ۱۰

[۳۶۲]

۱۰۸۹ این نسخه شماره ۸ دفتر و بخط تعلیق حسن تقدیسی نزدیك ۱۳۵٦ گ ٦٤
ب - ٦٥ ب .

[۲۹۳] القوی الجسمانیه (رسالة فی . . .) (عربی)

۱۵ بیهقی در فهرست خویش ص ۱۸۹ درشمار نگارشهای شیخ از همین نام یاد
کرد وقنواتی در ش ۱۰۹ بنام « النفوس » آنرا شناساند .

آغاز : نقول : القوی الفعالة فی الاجسام بذاتها ینتهی بها القسمة الی اربعة اقسام.

انجام : فهذا هو حد النفس والله اعلم والحمد لواهب العقل بلانهایة والصلوة
الدائم علی محمد منبع الحکمه والشریعة و آله اجمعین .

۲۰ [۳٦۳]

۳٦۷ این نسخه شماره ۲ دفتراست وبخط نسخ تازه وتصحیح شده ۲۱ صفحه

[۲۹٤] القوی الطبیعیه (مقالة فی . . .) (عربی)

نگارشی است از فرزانه پزشك ابی الفرج عبدالله بن الطیب جاثلیق همدانی
بغدادی آشنای بیونانی ورومی م۴۳۵ استادابن‌سینا که بربسیاری از کتابهای ابقراط
وارسطو وجالینوس شرح نوشت وچهارانجیل (دیاتسارن) را بتازی گزارش نمود . ۲۵

او گفتگوهای ابن سینا و بیرونی راکه بدید گفت: کسی که بردیگران بخل ورزد آنها هم بر وی بخل‌ورزند. بیرونی بجای من بدو دشنام داد. همین گفتاراست که ابن‌سینا بر آن ردی نوشت (۱).

آغاز: مقالة لابی‌الفرج عبدالله‌بن‌الطیب‌فی‌القوی‌الطبیعیة ـ قال‌اقتضی‌تصنیفی

۵ لهذه‌المقالة‌المحبة‌التی بیننا وغرضی‌فیها‌البیان علی‌ان‌القوة‌الجاذبة‌و‌الماسکة‌و‌الهاضمة والدافعة هی قوة واحدة فی‌الموضوع وافعالها اربع.

انجام: فالقوة التابعة له واحدة فهذا یجزی و یغنی فی مطلوبنا هذا و عنده فلیقطع‌الکلام فی مقالتنا هذه ولواهب‌العقل مستحق‌الحمد الحمدبلانهایة وهوحسبنا وصلی‌الله علی سیدنا محمد... والحمدلله رب‌العالمین.

۱۰ [۳٦٤]

۱۰۷٤ این نسخه شماره ۸ دفتر وبخط تعلیق میباشد گ ۱۲۷ ب ـ ۱۳۳ ب

[۲۹۵] قیافه (فارسی)

دراین رساله از قیافه‌که یکی ازفرعهای طبیعی قدیم است گفتگومیشود.

آغاز: بسمله وبه نستعین. این مختصریست در بیان علم قیافه وحلیه و ظاهر

۱۵ صورت انسان.

انجام: کدام ازخواص وعوام اشغال واعمال مناسب فرمایند. والسلام.

[۳٦۵]

این نسخه بخط نسخ در گ ۹۰ ب ـ ۹۳ ب میباشد و از گ ۹۸ ب تا ۱۰٦ ب

۸۷٦ سخنانی است پراکنده درافسون و جادو و کیمیا وافسونی از میرداماد برای توانگری.

[۲۹٦] کلمات طریفة (عربی)

رسالة‌ایست کوچك وبسیارشیوا ازفیض کاشانی در ۱۰۱ بندکه در آن ازسنیان

---

۱ ـ نگاه به: خزرجی ج ۱ ص ۱٤ ـ ۲۳۹ وج ۲ ص ۲۹ ـ ۲۰ ـ بیهقی ص ۲۷ ـ ۳۲ ـ همین‌فهرست ص ٤۹ ـ ۵۰ و ۷۲ ـ قنوانی در ش ۹٤ این رساله را شناسانده ودرش ۱٤۱

۲۵ رد آنرا.

و متکلمان و صوفیان و فیلسوفان و فقیهان و پارسایان ظاهری خرده گیری میکنند ودر ایران میرزا محمد هاشم قمی بسال ۱۳۱٦ آنرا بچاپ رساند.

[۳٦٦]

۱٤۳ این نسخه شماره یکم دفتر است که دوم آن اختصار شواهد مغنی اللبیب عن کتب الاعاریب ابن هشام جمال الدین عبدالله بن یوسف نحوی حنبلی مصری م ۷٦۱ است که گویا از شمنی تقی الدین ابو العباس احمد بن محمد حنفی قسطنطینی م ۸۷۲ باشد واین یکی بخط نسخ است با عنوانهای شنگرف از برك ۱۰ ب تا برك ۱٦۷ ب ونام شمنی در برك ۱۱۰ الف برده شده است وسومین شماره این دفتر فرهنگی است از تازی بترکی آنهم بنسخ از برك ۱٦۸ ب تا برك ۱۹۷ الف و نوشته ناصر بن حسین در مدینه بتاریخ ۲۵ رمضان سال ۱۲۰۸ میباشد و چهارم شرح خلاصة الحساب شیخ بهائی میباشد از برك ۱۹۸ ب تا برك ۲۵۲ الف.

کلمات طریفه فیض از برك ۱ ب این دفتر است تا برك ۹ ب وبخط نسخ و جای عنوان سفید گذارده شده واز آغاز کتاب تا نیمی از بند ٤۲ زیر عنوان «تنزیه» رادارد وانجام آن چنین است: « ان حکماء الاوائل کانوا اولی الفضائل . . . فی کلماتهم شفاء لما فی الصدور وفی مقالاتهم نجاة من الجهل والغرور غیران عباراتهم » برابر با س ٦ ص ٥٤ چاپی.

(همه دفتر ۲۵۲ برك) — کاغذ فرنگی — جلد تیماج سرخ مقوائی

اندازه: ۱٦×۲۳ و ۱۱٫۵×۱۸٫۵ س ۲۳ دراین شماره

[۲۹۷] **کلید بهشت** (فارسی)

نگارش قاضی محمد سعیداء قمی است که در چاپخانه مجلس تهران بسال ۱۳۱۵ خ بچاپ رسید.

[۳٦۷]

۳۷٤ این نسخه شماره ۱ دفتر وبخط تعلیق شکسته تاریخ ذیحجه ۱۰۸۵ میباشد ودرپایان دارد که درروزگار قاضی نوشته شده گ۱ب - ۵۱ ب (۷×۱۲/۵ س۱۵) نسخه در ۱۲۲۹ از آن فتحعلی نواده سلطان کریمخان زند درسپاهان بوده است (بنگرید بفهرست طوس ص۳٤۳ ج ٤).

[۲۹۸] **کیفیة صدور الموجودات عن مبداها وعلمه بالجزئیات** (عربی)

قاضی القضات هرات هنگامی که خواجه طوسی بسال ٦٦٦ نزدش رفت دو پرسش

ازوی کرد یکی اینکه هستی‌هارا برای فیلسوفان خداوند چگونه آفرید؟ دیگر اینکه آنان درباره آگاهی خداوند بجزئیات چه میگویند؟ طوسی این پاسخرا داد بامید اینکه دوباره گسترده‌تر بنویسد واز او درخواست که اگر بازهم دشوار است بر گوید. درپاسخ دوم (گ ۵۵ ب) از شرح اشارات یاد میکند.

۵ **آغاز**: بسمله من کلام . . . خواجه نصیرالملةالدین قال سألنی قاضی القضاة ملك العلماء قدوة المحققین فخر الملةوالدین سیدافاضل المتأخرین ... حین استسعدت بخدمته واستفدت بنتایج فکره ... فی‌شهورسنه ست وستین وستمائه عن قول الحکماء فی کیفیة صدور الموجودات عن مبدأها الاول وعن مذهبهم فی علمه بالجزئیات . . . فاردت ان اجیب عن سئواله . . . فحررت ما اقتضاه الوقت . . رجیا ان اعود واکتب

۱۰ فی اوان الفراغ ذکراوافیا بما طلبه وشرحاًکافیا .

انجام: لاعلی وجه جزئی زمانی. فی ذلك ما اردت ایراده فی الجواب سئوال مولانا العالم فخر الملة والدین شمس الاسلام والمسلمین . . . سید افاضل المتأخرین قاضی القضاة .. وان توقف فی شیء من ذلك اعادتفصیله لاوضح ماعندی فیه انشاءالله. وهوولی التوفیق وملهم الصواب. منه المبدء والیه المآب الحمدلله رب العالمین .

۱۵ [۳٦۸]

۸٦۳ این نسخه شمارهٔ ٤ دفتراست وبخط تعلیق شکسته گ ۵۰ ب – ۵۹ الف. نسخه‌ای ازاین درطوس (ش ٦۹۱ ص ۱٤۱ ج ٤) هست .

[۲۹۹] **گفتار درباره رستاخیز** (عربی)

گفتاری است ازصدرای شیرازی که درباره رستاخیز نگاشته است .

۲۰ **آغاز**: من افادات صدرالافاضل فی ان عذاب القبرحق بقول مجمل . کل من شاهد بنورالبصیرة باطنه فی الدنیا .

انجام: ولولا ان صینهاالله لاحرقت السموات والارض .

[۳٦۹]

٤۲۱ این نسخه شماره دوم دفتراست . گ ۲٦۳ مکرر ب تا ۲۷۵ الف و بخط نسخ ازمحشی‌دوشماره این دفتر که در۱۱۹۵ در کوی‌نیم‌آورد سپاهان نوشته است. در پایان دارد: « تمت الرسالة المتعلقة بالکتاب یوم الاثنین من ربیع الاول سنة

۱۱۹۵» شماره یکم مبدء ومعاد شیرازی است و این گفتار با آن میپیوندد.
(۲۷۵ برگ) ــ کاغذ فرنگی ــ جلد تیماج قهوه ضربی با رویه برگردان
اندازه : ۱۵×۵ر۲۵ و ۵ر۱۰×۱۹ س ۲۱

[۳۰۰-۳۰۵] گفتارهای افلاطون (فارسی وعربی)

از ٤١ گفتگو و ١٣ نامه وچندین گفتار که از افلاطون دانسته‌اند برخی بزبان تازی درآمده و از ترجمهٔ تازی چندگزین که جالینوس از آنها کرده و بنام جوامع خوانده میشود پاره‌ای دردست هست و گزیده تیمائوس او بچاپ رسید(۱) نگارشهای او چندان پسند دانشمندان خاوری نشده چه آنها بفلسفه منظم ارسطوخوی گرفته بودند و از سوی دیگر سخنان افلاطون بساخت گفتگو و پرسش و پاسخ هست و آثار بت پرستی یونانی هم در آن آشکار میباشد وبا بود دولت تازی خواندن اینگونه کتابها چندان آسان نبوده ازینروی دستورهای کلی فلسفی و اخلاقی را از نگارشهای او بیرون میکشیدند و بساخت سخنانی کوتاه درمیآوردند تا مسلمانان بتوانند آنها را بخوانند(۲)

---

۱ ــ پول گراوس وریشاردوالزر گزیده جالینوس از تیماوس پلاتون را بسال ۱۹۵۱ در ٦٧ + 118 + II × ص بنام Plato Arabus (vlumen I) چاپ کردند (مجله Orjens ج ٥ ش ١ تاریخ ٣١ر٧ر١٩٥٢ ص ١٠٩).

۲ ــ نگاه به : ابن ندیم ص ٣٤٣ ــ خزرجی ج ١ ص ٧٦ ــ بدوی در دیباچه ارسطو عندالعرب ص ٨ ــ اخوان صفا در بخش چهارم از نگارشهای افلاطون آورده‌اند : رساله ٣ و ٥ ج ٤ ص ١٠٠ ــ ١٣٤ چاپ مصر درباره مرگ سقراط از کریتن بند ١١ ورساله ٤ ازفاذن درباره مرگ سقراط ورساله ١١ از بند ٣٦٠ کتاب ٢ جمهوری و نیزدرباره هند وسردسیر شمال ج ٤ ص ٣٠٩ و ٣٢٤ و ٤٤٠ ــ بیرونی درهند ص ٥١ ازمقاله ١ و ٢ وص ٥٩ ازمقاله ٤ نوامیس آورده ــ ازسخنان اودرجاویدان خرد (الحکمة الخالدة) مشکویه نیز آمده‌است (چاپ شده دررسائل البلغاء کردعلی و چاپ اخیر بدوی و پارسی آن چاپ سنگی ١٣٤٦ یزدگردی / ١٣٩٦ ه ــ طوسی در پایان اخلاق ناصری بندهای افلاطون بارسطورا یاد کرد. درعیون الانباء خزرجی ج ١ ص ٤٧ ــ ٥١ ــ ٥٢ نیزاز آنها هست. در کنوزالودیعه من رموزالذریعه پارسی ش ٣٩٤ درنمط ٢ پایان کتاب از همین بندها دیده میشود ــ ابن‌رشد برجمهوری یا جوامع سیاسة افلاطون شرحی نوشته ودردیباچه آن گفت که چون نگارشهای سیاسی ارسطو بمن نرسید این کتابرا گزارش کردم و گرنه ازآن بی نیازمیبودم (تاریخ فلسفه لطفی جمعه ص ٩ ــ ١٤٨ ــ ارنست رنان ص ٥٥) ــ ابن‌سینا درپایان هنر مغالطه منطق شفا ازسوفسطیقای افلاطون یاد میکند ومیگوید که «او درآن هم براهی که میباید نرفت ومنطقی وطبیعی والهی را باهم

بقیه حاشیه درصفحه بعد

ازین گلچینی‌ها شش نسخه در این کتابخانه هست بدینگونه :

۱- بندهائی است که از جمهوری گزین شده است و چنین است نام آن :
« فقر التقطت وجمعت عن افلاطون فی تقویم السیاسة الملوکیه والاخلاق الاختیاریة »

آغاز : لا تصحبوا الاشرار فانهم یمنون علیکم بالسلامة . . . قال لا تقسروا
اولادکم علی آدابکم فانهم مخلوقون لزمان غیر زمانکم (۱) .

انجام : و قال لا تصحبن من هو دونك حتی تکون دونه فی المعرفة او فی فضیلة اخری. ولا تخرجن عما جری الرسم فی المملکة التی انت فیها الا بعد اظهار عذرك و اشاعته فانك تکف بذلك همس الحاسد و شعب المعاند ـ تمت الکتاب الافلاطونیه. العلم عند الله.

درعیون الانباء خزرجی ج ۱ ص ٤٧ و ٥٠ ازاین سخنان دیده میشود .

[٣٧٠]

٤٢٥ این نسخه شماره ۱ دفتر بخط تعلیق عباس حکمت بتاریخ ١٣١٦/٢/٨ خ با مقابله جناب آقای مشکوة و در رویه صفحات نوشته شده گ ۱ الف ـ ۹۳ الف . نسخه‌ای ازاین درجنك ش ۲۹۱۲ سپهسالار هست .

۲ـ سخنانی است کوتاه درفلسفه واخلاق گرفتهٔ از کتاب السیره وطیمائوس (۲)

مانده حاشیه ازصفحه قبل

بیامیخت و آنهارا نتوانست ازهم بازشناسد وهم درهنرمغالطه کوتاه آورد. اگرنگارشهای او همین است که مادیدیم پس او چندان مایه‌ای نداشت » ـ درفهرستها ازسیاست بافوالیطیقوس افلاطون نامبرده‌اند و نوامیس اورا مسعودی ده و خزرجی ۱۲ گفتار دانستند و آنرا حنین ویحیی بن عدی ترجمه کردند. سیاست مدنیه یا جمهوری را حنین تفسیر نمود . در کتابخانه سرکاری رامپور ترجمه حنین هست (گزارش سفرهند آقای دکترصدیقی ص ۳۲) ثابت بن قره رمزهای جمهوری را تفسیری نوشت و سنان پسر او در نامه‌ایکه برای دوستی نوشته باره‌ای از ده مقاله سیاست مدنیه را آورد . در کشف الظنون از نوامیس یاد شده وجوامع المقالات الثلاث لافلاطون فی النوامیس درمجلس (طباطبائی) هست (گفتار آقای خوئی درمجله دانش س ۹۳ ش ۲ سال ۱) ـ دائرة المعارف اسلامی کلمه افلاطون ـ مروج الذهب چاپ اروپا ج ۱ ص ۱۹) .

۱ ـ این بند اخیر درشرح نهج البلاغه مدائنی (ج ٤ ص ٥٣٦ بند ١٠٤) ازسخنان کوتاه علی ع دانسته شد .

۲ ـ درش ۱۰۲۸ طوس (ج٤ص٢٥٤) از گزیده‌ای از گفتگوی تیماوس بدینگونه : « اقاویل افلاطن فی کتاب طیماوس من کتبه فی امر النفس والعقل » یاد شده که درده سطر است وآغاز وانجام آنراهم ننوشتند ! !

وفاذن واقراطلس (کراتولس) ومقالة الحروب ودر آن از مفسران یاد گردید. در نسخه طوس (ش ١٠٣٤ ج ٤) «کتاب ملتقطات أزفصول افلاطون الهی» خوانده شده است.

آغاز : من طلب الحکمة من طریق طلبها ادرکها وانما یخطی اکثر من طلبها لانه یطلبها من غیر طریقها فاذا طلبها من طریق آخر لم ینلها.

انجام : وقال ینبغی ان یکون للانسان من المال الکفاف ولا ینتقی ؟ به وقال لتلامذته الاحداث اتقوا (اقتنوا) ثلثة اشیاء فانها تسود مقتنیها. من اخلاقکم العفة ومن السنتکم الصمت ومن اعینکم الاغضاء .

[٣٧١]

١٠٣٠ این نسخه شماره ٢ و بخط تعلیق بی نقطه محمد سلیم بن حمید در مدرسه معصومه بسال ١٠٩٤ گ ١٧ ب ـ ٣٨ ب و آغاز هر بند زیر خط سرخ میباشد .

٣ـ بازسخنانی است کوتاه .

آغاز : بسمله رسالة للافلاطون ـ قال افلاطون ان الفلسفة معناها التشبه بالله بقدر الامکان .

انجام : فاذا نطق نطق بما ینفع القائل والسامع بقدر ما ینبغی. ولا یقصر ولا یهذر. ویناطق من ینبغی ان یناطق ـ انشاءالله تعالی .

[٣٧٢]

١٠٣٠ این نسخه شماره ٥ دفتر و بخط تعلیق گ ٦٥ الف ـ ٦٧ ب میباشد

٤ـ باز از پندها وسخنان کوتاه :

آغاز : من وصایا افلاطون . بسم الله الحق العالی عن کل صفة واقعة تحت الحس والعقل مبدع الکل بلا اله ولا مدة ولا حاجة الی حرکة بل الارادة الالهیة . . . معشر طلاب الحکمة ومحبیها واظبوا علی طلبها .

انجام . یریدون تعظیمه وفی ذالك تقصیر وهو اعلم .

[٣٧٣]

١٠٣٥ این نسخه شماره ٢٤ دفتر ودر پائین ودرطول ص ١٩٨ نوشته شده است .

۵ ـ سخنانی است از افلاطون و سقراط و ارسطو و ابوسلیمان سگزی از ذیمقراطیس و پیامبر.

آغاز : قال ارسطاطالیس محبة المال وتد الشر.

انجام . لن تسعوا الناس باموالکم فسعوهم باخلاقکم . صدق رسول‌الله صم

[۳۷۴]

۲۵۳ این نسخه درشماره ۱۳ و بخط تعلیق کرکی گ ۹۱ الف میباشد.

[۳۷۵]

۵

۳۳۹ این نسخه شماره ۱۴ دفترمیباشد گ ۶۷ ب

۶ـ ازپندهائی است که بگفته خواجه درپایان اخلاق ناصری افلاطون بارسطو

۱۰ داده است.

آغاز : نصایح افلاطون . معبود خویش را بشناس و حق اورا نگاه دار.

انجام : با دوست ودشمن نهان و آشکار بیك قسم معامله کن.

[۳۷۶]

۸۶۷ این نسخه شماره ۶ دفتر است و بخط تعلیق گ ۱۱۸ ب ۱۲۰ الف.

(همه دفتر ۲۷۰ گ) ـ کاغذفرنگی کبود ـ جلد تیماج مشکی حاشیه‌داردریکـوی. اندازه : ۱۰٫۵ × ۱۷ و ۶٫۵ × ۱۲ س ۱۵

[۳۷۷]

۱۰۳۸ این نسخه شماره ۱۴ دفتر گ ۱۰۵ الف و ب و بخط تعلیق میباشد بدینگونه : « وصایـای افلاطون که شاگرد ارسطاطالیس خود را فرمود که عموم خلق را نافع بود اینست . گفت : معبودخویش را بشناس وحق اورابشناس ـ هواء دنیارا ازخود دور کن و از آداب ستوده امتناع مکن و درهیچ کار پیش از وقت آن کارمپیوند وچون» بپایان نمیرسد ونیم صفحه سفید است (بنگرید باخلاق ناصری).

[۲۰۶-۳۳۵] **گفتارهای کاشانی** (فارسی وعربی)

از افضل الدین کاشانی ۳۰ گفتار کوتاه عرفـانی و فلسفی دراین کتابخـانه

هست (۱) واینك یاد میگردد :

[۴۱۶-۳۷۸]

۱- درباره شناخت روان که از وی درخواستند بنگارد .

آغاز : چنین گوید گوینده این سخنان افضل الدین کاشانی (قدس الله تعالی روحه) بعداز ستایش کردگار که هرمفلس و کم مایه که ازمفلسی و کم‌مایگی خودرنجد آنکه از رنج برهد که مایه‌دار شود و توانگر .

انجام : تااوراتمام وآراسته و بی‌خلل و نقصانی بمرجع ومعاد اصلی که سرچشمه دوام و بقاء ازل و ابد است باز رساند والله علی ما نقول وکیل وکفی بالله شهیدا .

۸۸۰ این نسخه شماره۱ دفتری است دارای چهار رساله وگفتار وبخط تعلیق تازه گ ۱ الف - ۵ الف .

(همه دفتر ۱۰۸ ك) - کاغذ فرنگی - جلد مقوائی
اندازه : ۱۳×۲۰ و ۹×۱۷ س ۱۷

۲- درپایداری روان پس ازمرك تن وبهره بردن آن ازدانشهای خود .

آغاز : موجودات یاجزوی‌اند یا کلی. ونفس یامتصرف امور کلی بودیامتصرف امورجزوی. بخش اول را دانائی بفعل خوانند ودوم را دانائی بقوت .

انجام : که نیز آسیب هیچ تغییربوی نپیوندد وفسادنپذیرد. تلك الجنة التی نورث من عبادنا من کان تقیا فی مقعد صدق عند ملیك مقتدر .

۴۲۸ این نسخه درشماره ۱ ودر گ ۲ الف - ۳ الف بخط تعلیق تاریخ ۱۰۸۳ میباشد .

۴۳۱ این نسخه شماره ٦ و بخط تعلیق محمد علی بسال ۱۳۰۲ گ ۱۲۲ ب - ۱۲۳ ب میباشد.

۳- دربندهائی عارفانه بنام « رساله بیست هشت کلمه فی نصیحة الاخوان - ش ٦۹٤۱ مجلس » که دستور رفتار رهروان است .

آغاز : ای جویندگان حکمت وپویندگان طریق سعادت باید که بسیاردعاباشید درامور اخروی و دنیوی. چه نسبت دعا با مطالب همچون نسبت فکر بود بانتیجه. وهمچنانکه‌درعقب فکروصول نتیجه ممکن بود درعقب دعا وصول بمطلب ممکن بود. (بنگرید به بند ۳٦٤ ص ۲۰۲ مباحثات چاپ مصر) .

---

۱ - آقای سعید نفیسی دردیباچه رباعیات کاشانی ۳۲ گفتار (تقریر) برشمرد ص ۷۲-۷۸ و آغاز نسخه های گوناگونی که دردسترس داشت آورد ومی‌نویسد که شماره‌های ۱ تا ۵ و ۷ تا ۱۲ اینها دردفترشماره $\frac{۱۲۳}{٦۹٤۱}$ مجلس هست .

انجام: که هر کس را قدرت برخلع بدن و معزول گردانیدن حواس حاصل گردد صعود بعالم قدس وجهان‌ملکوت معین‌بود و بسعادت ابدی مسعود و بلذات سرمدی محظوظ‌وملتذ گردد. رزقناالله وایاکم بحرمة سیدالانبیاء وسندالاولیامحمدصلی‌الله‌علیه وسلم (سیدالاصفیاء والانبیاء محمد وآله‌الطاهرین).

۴۳۱ این نسخه شماره ۵ دفتر و بخط تعلیق محمدعلی در محرم سال ۱۳۰۲ میباشد گ ۱۲۱ الف – ۱۲۲ الف.

۸۷۱ این‌نسخه شماره ۲ دفتراست‌وبخط‌تعلیق محمدعلی در ۱۰۳۱ گ ۶۳ب – ۶۵ب

۴– درچگونگی جان پس‌ازمردن تن.

آغاز: بدانکه چون خواهی که آگه شوی از حال نفس بعداز مرگ تن... نخست بباید دانست.

انجام: گردش جسمانیان حالی درحقیقت و اصل وگوهر بنگرداند که هستی ذات اورا خلل‌آید وباللّه‌التوفیق.

۴۲۸ این نسخه درشماره ۱ دفترگ ۲۰ (الف و ب) میباشد.

۵– درگونه‌گون‌مردم (تنومندان ـ کارگران ـ روحانیان ـ روشنان) ودانشهای گوناگون.

آغاز: خجسته نام نخستین که‌آغازهرسخن‌است‌گویند مایه‌وپیرایهٔ وطرازگفتار مردم گردد.

انجام: وهمچنین رونده وداننده وصفتها پاره‌های دانسته مرکب بود تم‌الفصل

۴۳۱ این نسخه درشماره ۱۱ ازبرگ ۱۴۱ الف تا برگ ۱۴۵ الف میباشد.

۶– درباره چیز وهست نسخه ازاین درطوس (دنبال ش ۹۶۹) هست.

آغاز: بدانکه نخست لفظی که معنی وی برهمه معانی عام بود لفظ چیزوهست و موجود.

انجام: ونخست‌ترین چیز که نادانستهارا بوی توان یافت معنی‌لفظ شیء بود. وچون نخستین معلوم نبود بازپسین را نتوانست دانست والسلام.

۴۲۸ این نسخه درگ ۸ الف – ۱۰ الف ایندفترمیباشد.

۷– درموسیقی (نسخه ازاین دردنبال ش ۹۷۰ طوس هست).

آغاز: لحن‌آوازهائی چند بود بهم‌آورده ازنغمهای مختلف که نفس ازشنیدن آن لذت یابد.

انجام : وایقاعهای مختلف را ازپس یکدیگرشاید یافت وباهم نباشند تمام شد سخن درآنچه (غرض بود) التماس کرده بودند وغرض دراین دوسه کلمه آنکه ماهیت لحن واجزای او پیدا شوند . . . باهم چگونه افتد و درین معنی کتب بسیار ساخته‌اند وچگونگی بیان این بشرح وشرط کرده‌اند وداده .

۴۲۸ این نسخه درگ ٤ الف ــ ٥ الف نوشته شده . ۵

۴۳۱ این نسخه شماره ۱۰ دفتر ودرگ ۱۳۷ الف ــ ۱۳۸ الف نوشته شده .

۸ــ در بی کرانه بودن جسمها (نسخه‌ای ازاین دردنبال ش ٦٨٢ ص ۱۳۸ ج ٤ فهرست طوس یاد شد) .

آغاز : ببايد دانست که کنارونهایت هرچیز آنست که جدائی افکند میان آنچیز وآنچه جزاو بود . ۱۰

انجام : چنانکه روشن شده‌است برعلما ومردم وبگفته وبنموده. تمام‌شد سخن دربیان تفضل باری تعالی وهدایتش .

۴۳۱ این نسخه شماره ۸ دفتر ودرگ ۱۳۲ ب ــ ۱۳۵ ب میباشد .

۹ــ درباره دهروزمان .

آغاز : اولیت کارها بردوگونه است یکی اولیت بغیروآن غیرزمان بود . ۱۵

انجام : چون زمان ومحدثان بفاعل الدهر وامثال آن تأویل کرده‌اند .

۴۳۱ این نسخه درشماره ۱۱ دفتر وگ ۱۵۱ الف ــ ۱۵۲ الف میباشد .

۱۰ــ درباره اینکه درخواب چرا رنجی نمی‌بینند که ازاوپرسیدند وپاسخ داد .

آغاز : فصلی دیگر دروقت خواب چرا هیچ المی و سختی نمیرسد . . . جواب مرك بطلان استعداد حیات است . ۲۰

انجام : ازآنست که خواب بی‌درد بود ومرك وقت باشد که با درد بود .

۴۲۸ این نسخه در شماره ۸ دفتر درنامه خواجه زین‌الدین بقاضی صفی (حنفی) دربرك ۳۰ ب آمده است .

۱۱ــ دراینکه مبدء وغایت هستی‌ها را حقیقت وذاتی هست .

آغاز : پرسندهٔ که مبدء موجودات و علت (غایت) هستی‌ها را حقیقتی و ذاتی هست یا نه . ۲۵

انجام : و ذوات بوی ذواتند و حقایق بوی حقایق و او بخود ذات و حقیقت همه والسلام .

۴۳۱ این نسخه درشماره ۱۰ برك ۱۳۸ ب ـ ۱۳۹ الف میباشد .

۱۲ـ دردانش وآگاهی .

آغاز : داننده وآگه ازعالم چنانکه هست . . . جز ازهستی عالم وجزازهستی خودکه آگهی (آگه) است ازاو ازهستی سیمی آگه نتواند بود .

۵ **انجام** : اثرعقل شوق وخواهش نفس ، اثرنفس زندگی طبیعت ، اثرطبع زنده جنبش جسم ، والله اعلم بالصواب .

۴۲۸ این نسخه درشماره ۱ گ ۵ الف و ب .

۴۳۱ این نسخه درشماره ۱۰ گ ۱۴۰ ب ـ ۱۴۱ الف .

۱۳ـ درجدائی جان وتن .

۱۰ **آغاز** : جمله نفس اعنی نفوس نباتی ونفوس حیوانی ونفوس مردم همه جدااند ازاجسام جدائی عقلی .

انجام : ازآنکه فعلش بذات بود نه بآلت بحمدالله والمنة .

۴۲۸ این نسخه درشماره ۱ دفتر گ ۱ ب ـ ۲ الف .

۱۴ـ دراینکه هستی کلی دیگر گون نمیشود وروان خود آگاه وتوانا و زنده

۱۵ با مردن حسهای جزئی وافزارهای آن نمیمیرد ودانشش پایدار است .

آغاز : برهان براینکه در چه رتبه یقین شود انسانرا که ازفنا ایمن است گوئیم آنگه ایمن شود که بداند که هستی وجود کلی است وهیچ کلی محسوس نتواند بود ونه مخیل ونه موهوم. وجزعقلی نتواند .

انجام : بدان سبب که ادراکات حسی نماند وبدوزخ ابد پیوندد وقانالله منها...

۲۰ بفضله وکرمه (واحشرنا مع محمدالمصطفی واهل بیته الابرار فی الجنة) .

۴۲۸ این نسخه درشماره ۱ دفتر گ ۶ ب ـ ۷ الف .

۴۳۱ این نسخه شماره ۹ دفتر گ ۱۳۵ ب ـ ۱۳۷ الف .

۱۵ـ درسه چیزیکه رهروان را میباید .

آغاز : سالك را سه چیز ضرور است یکی همت عالی دوم خاطر قوی سوم

۲۵ ارادت نیکو .

انجام : بضرورت این سه گانه متعین است .

۴۳۱ این نسخه درشماره ۷ ودرگ ۱۲۴ الف میباشد .

۱۶ـ درکوشش برای رهیدن .

آغاز : آدمی در کوشش از برای نجات جستن‌است. اکنون ما را دانستنی‌است که آدمی نجات از چه میجوید .

انجام : وچون بدین‌مرتبه رسید اورادرجه ملکوت حاصل شد سعی کند تابیابد انشاالله وحده‌العزیز (و افعال خیر و اعمال برعاقبت توان دانست . . . اگرچه صورت عبادت وغیرآن دارد والسلام علی اهله) .

۴۲۸ این نسخه درشماره ۱ گ ۵ ب ـ ۶ ب

۴۳۱ این نسخه درشماره ۱۱ گ ۱۴۵ الف ـ ۱۴۷ ب .

۱۷ـ درهستی جزئی بحقیقت کلی وجزئی شدن آن با افزار .

آغاز : شخص جزوی بحقیقت کلی وجوددارد . . . وحکم کننده برصدق این گفتار چون خواهی که نامه نویسی . . . نوشتن کلی است .

انجام: واگرنه آنستی که‌دروقت‌عمل‌نوشتن گماشته برهرآلتی‌ازآلات‌بودی‌الفاظ رقوم غلط شدی .

۴۲۸ این نسخه درشماره ۱ گ ۳ الف و ۴ الف (دراین‌نسخه دوگفتاردانسته شده وبندیگری(ش۱۸)درآن‌گذارده‌اند) .

۴۳۱ این نسخه درشماره ۱۱ گ ۱۳۹ ب ـ ۱۴۰ الف و ب .

۱۸ـ پایگاه مردم دردوخرد عملی ونظری .

آغاز : مردم درپایه عقلی بردومرتبه‌اند اول‌مرتبه اهل‌حرفت وحاذقان درصنعت و پیشه‌وران واستادان ماهر دوم مرتبه زهاد واهل تعبد ومشتاقان سرای آخرت

انجام : وآن عمل وخلق وعلم است که انبیا علیه‌السلام بوده است .

۴۲۸ این‌نسخه درشماره۱ گ ۳ .

۱۹ـ درتوحید کثیر .

آغاز : لفظ توحید را چون مترجم کنی بلغت دری یك کردن بود و شامل بود همان (مراد) چیزها را که بعمل وصنعت ترکیب کنی تابجمع وترکیب یك چیزشوند .

انجام : واین معنی یقین ومشاهده شد آغازوانجام وجود برخاست و بی‌انجامی و بی‌آغازی (بی‌آغاز وانجام) ماند والیه یرجع‌الامر کله .

٤۲۸ این نسخه شماره ۱ گ ۷ الف ـ ۸ الف .

٤۳۱ : این نسخه درشماره ۱۱ گ ۱٤۹ ب ـ ۱۵۰ ب .

۲۰ـ دراینکه زنده ذاتی، جسم نیست و باز گشت همه چیزها بآنست که بخود دانا است.
آغاز : اجسام زنده از دو بیرون نباشد یا حیوة دریشان اصلی و ذاتی باشد
۵ یا غریب وعارضی .
انجام : و بازگشت همه موجودات باو . رباعی :
آن کیست که آگاه ز حس و خرد است
بیزار ز کفر و دین و از نیك و بد است
کارش نه چو عقل و نفس داد و ستد است
۱۰ آگاه بدو عقل و خود آگه بخود است

٤۲۸ این نسخه درشماره ۱ گ ٤ الف .

٤۳۱ این نسخه درشماره ۱۱ گ ۱۳۸ الف و ب .

۲۱ـ دراینکه عقل چون دانائی او جز او نیست جوهر نمیباشد چه ذات جوهر جز دانائی اوست .
۱۵ **آغاز** : بدانکه هیچ عقل جوهر نیست. هر جوهری جوهر بودن او وجز دانا بودنش است
انجام : وچون هیچ جوهر عقل نبود هیچ عقل جوهر نبود .

٤۲۸ این نسخه درشماره ۱ گ ۲ الف میباشد .

۲۲ـ در آگاه و ناآگاه .
آغاز : موجود یا آگه بود یا نه آگه بود و آنچه نه آگه بود پایه جسمست
۲۰ ومرتبه طبع .
انجام : و بوجود روحانی روشن پیوندد و پیدا شود والسلام .

٤۳۱ این نسخه درشماره ۱۱ گ ۱۳۹ ب میباشد .

۲۳ـ دراینکه کلی در ذهن یکی است و در بیرون آن بسیار .
آغاز : وجود کلی که آن وجود باشد که در نفس مدرك اگرچه یك چیز است در بیرون
۲۵ نفس تواند بود که در بسیار چیز بود .
انجام : پس روشن است که جزمعلوم ومعقول نباشد والسلام .

۴۳۱ این نسخه درشماره ۱۱ گ ۱۳۹ الف و ب میباشد .

۲۴- درنفسها ونکوئیهای آن .

آغاز : گروهی گویند روح دو است یکی روح حیات دیگر روح تمیز .

انجام : وخوارداشتن دنیا است اصول سیاست واخلاق که گفته شد .

۴۳۱ این نسخه درشماره ۱۱ گ ۱۴۷ الف - ۱۴۹ الف میباشد . ۵

۲۵- درپایندگی روان (بتازی) .

آغاز : النفس الدراكة تمنع ان تفسد بفسادالبدن وتموت بموته .

انجام : وليس بعد هذه‌الرتبة رتبة اخرى .

۴۳۱ این نسخه درشماره ۱۱ ص ۱۵۲ میباشد .

۲۶- دربهشت ودوزخ جویندگان (بتازی) ۱۰

آغاز و انجام : جنة‌الطالبين ان تصيرنفسه عالماً عقلياً يفيض عليهامادامت هي هي انوارمبدأها . . . وانفصالها من مبدأها .

۴۳۱ این نسخه درشماره ۱۱ گ ۱۵۲ ب - ۱۵۳ الف میباشد .

۲۷- دراینکه جان خود آگاه آفریننده خود است (بتازی) .

آغاز و انجام النفس من حيث هي عالمة بذاتها تكون مبدعة للعقل . . . فهي فاعلة لها وخالقة . ۱۵

۴۳۱ این نسخه درشماره ۱۱ گ ۱۵۳ الف است .

۲۸ - دراینکه هرکس بخواست خود بمیرد زنده خواهد بود

آغازوانجام: الموت‌موتان ارادی وطبيعي... وقدقيل‌مت‌بالارادة‌تحيى‌بالطبيعة

۴۳۱ این نسخه در شماره ۱۱ ك ۱۵۳ الف میباشد ۲۰

۲۹ - دراینکه هفت‌گونه قرائت هفت مقام نفس است : امر - نهی - قصص - تمثیل - حکمت - موعظه- وحدت که وصول بکل وتوحید کثرات است .

آغاز وانجام: القرآآت‌التي‌قيل‌هي‌سبعةمن‌القرآن . . . وعددته‌واحداوهوالحق

۴۳۱ این نسخه درشماره ۷ گ ۱۲۴ الف میباشد .

۳۰- درکمال وسعادت جان مردمی . ۲۵

آغاز : فائدة من افضل‌الدين القاشاني - ان‌النفس الناطقة اذا اكتسبت ملكتي العلم والعمل بواسطه خروجها الى كمالهاالممكن .

انجام : ومتعوابالنظرالى‌ذات‌الملك . . . فاذافصلت هذه . . . (بپایان نمیرسد)

۳٦۸ این نسخه در پایان ایندفتر وبخط شکسته گ ۱٦۰ ب میباشد .

این بود ۳۰ بند ازسخنانی کاشانی که درهریك ازمطلبی کاوش شد وهشت بند دیگر نیز
آقای نفیسی نشان داده اند (ش ۱۰و۱۱و۱۵و۱۹و۲۰و۲۱و۲۷و۳۲) وش ۲۵ ایشان
دنبال ش ۲۳ وهردو رویهم یك گفتار بشمارمیایند . در ج ٤ فهرست طوس ش ۵۷۳
۵ ص ۱۰۱ دو گفتاراز کاشانی بتازی یاد شده یکی درباره پیوستگی جان وتن که براثر
اعتدال مزاج است دیگری درباره سبب ترس ازمرك . درجنك شماره۲۹۱۲سپهسالار
پاسخ وپرسشهای کاشانی و گفتار های او که آخرین آنهارا در ٦۰سالگی نوشته است
(گ ۱۳۷-۱٤٤) هست .

[۳۳٦] اللئالی المستخرجة من الکلمات المکنونه (فارسی وعربی)

۱۰ فیض کاشانی کلمات مکنونه را درفلسفه وعرفان آمیخته باآیات واخباردرصد
کلمه بسال ۱۰۵۷ نگاشته و آن دربمبئی بسال ۱۲۹٦ودرتهران بسال ۱۳۱٦بچاپ
رسید سپس بسال ۱۰۵۹ چهل کلمه از آن برگزیده و نـام بالارابدان داد او در پایان
رموزی را که در آن برای این سرایندگان (سنائی - حافظ - سعدی - شبستری -
فیض - باباافغانی - عرفی - عراقی - مولوی رومی - میبدی - گمنام - باباافضل کاشی -
۱۵ سعدالدین حموی - ملاضیاءالدین محمد کاشی - صدرای شیرازی) بکار برده است
آشکار بداشت ودر کلمات مکنونه چنین کار نکرد . این کتاب باخود کلمات مکنونه
دربسیاری ازجاها مانند همند و دنباله کلمه ۹۵ و همه کلمات ۹٦ تا ۱۰۰ دراینجا
گزین نشده است .

آغاز : هوبسمله الحمدلله الذی منه المبدء والیه المعادعرف بجمعه بین الاضداد
۲۰ فیقول . . . محمدبن مرتضی المدعو بمحسن . . . وطائفة من الکلمات المکنونة التی
کنت الفتهافی لباب معارف العارفین . . . لکن سمیتها باللالی من احکمت له وحقت
لدیه خلص من الشبه والشکوك (ازاین پس مانند کلمات مکنونه است) .

انجام وفی احتجاج الطبرسی . . . فهذا مسلم ضعیف (برابر باس ۹ ص ۲۱۱
کلمات مکنونه چاپ تهران) هذا آخر الکلام فی کتاب اللئالی المستخرجة من الکلمات
۲۵ المکنونة وهی اربعون کلمة اخرجهاالله علی یدی عقدامنظوما . . . بهر تاریخ نظام

این درر - بی الف نظم لئالی میشمر - سراخفای الف رمزی بدان - کان احد اندر عدد باشد نهان .

[۴۱۷]

این نسخه شماره ۱۹ دفتراست و بخط تعلیق شکسته ریز باعنوانهای شنگرف
۱۰۳۸ ازمحمد باقر بن محمد جعفر اصفهانی باغاتی در ۸ ذیحجه ۱۱۲۳ گ ۱۴۴ ب - ۱۵۴ الف س ۴۳ . ۵

[۳۳۷] اللمعه (عربی)

نگارش ابن کمونه اسرائیلی است که در دیباچه میگوید چون صدر کبیر شمس‌الدین محمد مؤمن قزوینی مستوفی ببغداد آمد ازمن خواست چیزی درعقلیات بنویسم تا آنرا باخودبرده در گنجینه صاحب دیوان شمس‌الدین محمدبن بهاءالدین ۱۰ محمد جوینی بگذاردومن اینرا دردوجمله هریك دو باب وهریکی از آنها دره فصل نوشتم جمله ۱ درخدا و روان شناسی است وجمله ۲ دراخلاق وسیاست است .

آغاز : قال الشیخ . . . عزالدولة سعدبن منصوربن سعدبن الحسن بن هبةالله کمونة . . . احمد حمد مسترشد بنورهدایته مسترفد من جوده وعنایته .

۱۵ **انجام** : و ان یوفقنا جمیعاً لاصلاح العلم والعمل و یعصمنا من الزیغ والزلل وان یجعلنا لسبله من المنتهجین و برضائه فی دارالابد من المبتهجین انه لطیف کریم والحمدلله رب العالمین .

[۴۱۸]

این نسخه شماره ۱۶ دفتر گ ۱۳۷ ب - ۱۵۱ ب و بخط نسخ تاریخ ۱۲۸۴ میباشد -
۸۶۱ نسخه ای ازاین لمعه درطوس (ج ۴ ش ۹۶۵ ص ۲۳۱) هست وفهرست مطلبها در آنجا آمده و گویا نسخه ش ۵۹۵/۱ (ج ۲ ص ۳۵۰) مجلس نیزهمین لمعه باشد . ۲۰

[۳۳۹-۳۳۸] مابال (عربی)

کتابی بنام مسائل یا (پربلماتا) درشماره نگارشهای ارسطو آورده و بچاپ رساندند و بزبانها نیز ترجمه گردید و آن ۳۸ گفتار است که هریك چندین بند ۲۵ میباشد ودرهربندی از یك مسئله ریاضی یاطبیعی یاخلقی پرسش شده و پاسخ داده

میشود. در نوشته های ارسطو و دیگران باز گشتها و یاد آوریهائی شده کـه برخی
درهمین مسائل دیده میشود و برخی دیگر در آن نیست ومیتوان گفت که این کتاب
ازروی نگارشهای ارسطومانند تاریخ طبیعی اوواز نوشته های ابقراط وثئوفرسطس
ساخته شده و باز گویه ها و ناساز گاریها که در آن هست میرساند که چندین کس
۵ آنرا فراهم آوردند وازروی آخرین ساخت واژه‌ها که در چند عبارت بکار برده
شده چنین پنداشتند که تا اندکی پس از آغاز تاریخ مسیح این کتاب بپایان رسید.
برخی آنرا از سده ۵ یا ٦ میدانند. روش مشائی و بحثهای گوناگون این دسته
در آن دیده میشود. درفهرست قفطی وخزرجی کتابهائی یاد شده که نام مسائل دارد
وخزرجی از «مسائل طبیعی معروف بمابال» یاد نموده که در۱۷ مقاله است (۱).
۱۰ مانا ازهمین گونه «مسائل» است کـه چند مسئله‌ای گزین نموده و بنام «مابال»
و بروش پرسش و پاسخ در نسخه ها دیده میشود دراین کتابخانه دو گونه از آن
هست:

۱ در ٤۲ مسئله طبیعی و پزشکی میباشد. مانند: «رفتار و پرورش کودك –
۱۵ گریستن اندوهناك – جدائی میان نوکر وخواجه – در گذشتن تشنه‌ایکه بگرمابه
رود ازخواستن آب ...» درمجلس نسخه‌ازین (٦۳٤/۱۵ ص ۳۹۷ ج۲) هست.

آغاز: مسائل طبیعیة للفیلسوف الاعظم ارسطا طالیس وهی المسماة مابال.
مابال الحیوان الغیر الناطق یمشی ویدب حین ولدوالانسان لیس کذلك لان الحرارة
والبرودة فی جمیع اعضاءالحیوان یتکافیان واماالصبیان فیفوق الرطوبة التی فی ادمغتهم
۲۰ علی الحرارة بکثیر.

انجام: فلذلك النبت الذی ینبت فی الشتاء ینم فیه والذی ینبت فی الصیف یبتدأ

۱– بنگرید به: دیباچه ترجمه انگلیسی مسائل چاپ اکسفرد در ۱۹۲۷ – قفطی
ص ۳۳–۳۵ وخزرجی ج ۱ ص ٦۷–٦۹: مسائل (بریلماطن) ۳ مقاله؛ نیزهمان در ٦۸
مقاله ومسائل هیولانی ۱مقاله ومسائل طبیعی ٤مقاله ومقدمات مسائل ۳مقاله ومسائل دوری
۲۵ برای استادان ٤ مقاله ومسائل پزشکی ۵ مقاله.

نشوه فیه . تمت المسائل الطبیعیة المسماة بمابال لارسطوطالیس الفیلسوف بعون‌الله الکافی .

[٤١٩]

۲۵۳ این نسخه شماره ۱۵ دفتراست و بخط تعلیق کر کی گ ۹۱ ب ــ ۹٤ ب .

۵ [٤٢٠]

۳۳۹ این نسخه شماره ۳۱ دفتر و بخط تعلیق گ ۸۸ الف ــ ۸۹ ب وچنین است پایان آن : « یبتدء نشوه فیه تمت‌ما بال ارسطو بعون‌الله تعالی والحمدلله رب‌العالمین...وآله اجمعین » .

۲ـ گزیده دیگریست که پرسش و پاسخی در آن نیست و از چندین مسئله پزشکی گفتگومیکند ونسخه ما ازروی خط قطب شیرازی نوشته شد . ۱۰

آغاز: منتخب من ثمار ارسطوطالیس الطبیب المعروفة بمابال . تزیل القدمین من الجوع واکل الطین لضعف الماسکة بانعدام البدن الغذاء المسدة فی الطین والعوز فی الجوع ومیل الاخلاط بنقلها الی اسفل .

انجام : ضعف السکر لتناوب الحلاوات فی اثناء الشرب لتغلیظها الشراب ومنعها ایاه من الاستحالة والصعود الی الدماغ . هذا ماوجدنا بخط المولی السعید قطب الدین الشیرازی تغمده‌الله . ۱۵

[٤٢١]

۱۰۷۹ این نسخه شماره ۲۱ دفتراست و بخط تعلیق ص ۱۱٦ــ۱۲۳

[۳٤٠] مباحثات (عربی)

۲۰ شیخ رئیس ازهنگامیکه در ری میزیست وگاهیکه بکاروزارت می‌پرداخت تا پایان زندگی با شاگردان خویش مانند بهمنیارمرزبان آذربایگانی مجوسی (۱) و ابن زیلای سپاهانی مجوسی (۲) و شیخ ابوالقاسم کرمانی (۳) گفتگوها میکرده

---

۱ ــ خزرجی ج ۲ ص ۱۹ س ۱۹ــ۲۰ ــ نسخه ما ــ بیهقی ص ۹۱

۲ ــ نسخه استاد بزرگوار ودانشمند بیمانند آقای میرزا فضل‌الله شیخ‌الاسلام زنجانی (ص ۳۵ دیباچه ارسطو عندالعرب دکتر بدوی) وخزرجی ج ۲ ص ۱۹ س ۱۹ ۲۵

۳ ــ بند ٤٤ برگ ۱۹۷ نسخه ما ــ نسخه نواب درطوس .

بپرسشهای آنان پاسخها میداد. ازهمین سخنان است که گرد آوری شده و نام مباحثات گرفته است. گرچه در برخی از نسخه های آن از بهمنیار (م ۴۳۰) و ابن زیلا (م ٤٤٠) بمانند درگذشته یاد میشود (۱) ولی خود شیخ در پاسخ پرسش دوم میهنی او را بدین کتاب بازگشت میدهد و میهنی در پرسش سوم میگوید من هنوز مباحثات را ندیده‌ام (۲) وهمین میرساند که نسخه‌ای ازمباحثات درروزگارخود شیخ بنگارش در آمده بود.

شیخ درمباحثات از اشارات خویش که آخرین کتاب اواست یاد میکند (۳) ونیزازشفاوطریق عرشی (٤) واصول مشرقی ومشرقیان وبرهان عرشی ومشرقی (٥) ومسائل مشرقی وحکمت عرشی وکتاب انصاف (٦) و یکی از مسائل عشر (گویا گفتگوی دهم از پرسش وپاسخ شیخ و کرمانی ش ٤۲۲/٤ ما ص۱٦۹ این فهرست) که میگوید همراه نامه است (۷) نام می برد و بازمیگوید « همین گونه مباحثات » و « مباحثات صدیقی یا صدیق » گاهی هم از بودن در ری و از پری کار و گرفتاری خود (۸) یاد میکند ونیز از دربار علائی و تاراج رفتن نگارشهای او (در ٤۲٥) و ربودن انصاف و بیماری سخت و ننوشتن یکی دو سال چیزی بدست خود (۹) وهمه اینها میرساند که این گفتگوها میان ٤۰۳ و ٤۰٥ تانزدیك بپایان زندگی شیخ میان استادوشاگردان میشده و نسخه یانسخه‌هائی از آنهاهم بساخت کتابی درآمده بود. پیداست که شاگردان آنها را فراهم میآوردند چه دربرخی ازجاها «الجواب بخطه» دارد ودربرخی جاهاهم «الجواب من الشیخ ابی منصوربن زیله رحمه‌الله (۱۰) وچنین برمیآید که پاسخها گاهی بخط شیخ و گاهی بخط ابن زیلا بوده وازروی آنها

---

۱ — بدوی در دیباچه ص ۳۹ ۲ — ص۱۷۱ همین فهرست ۳ — ص ۲٤۰ چاپی و بند ۱۱٦ نسخه ما و نیز نسخه نواب ٤ — بند ۲٦٤-۲۷٥-۳٥٤-۳۷۰-٤۸٤ چاپی ٥ — بند ٤٥۸--۳۳۳—۱۰۷ چاپی و نیز نسخه نواب ٦ — ص ۲٤٥ چاپی ونسخه نواب و مروی ۷ — بند ٤۸۷ چاپی و بند ۱۳۳ نسخه ما ۸ — نسخه نواب و ص ۲٤٦ چاپی و برك ۱۷۱ ب نسخه ما و بند ۲٦۹ و ۲۷٤ چاپی ۹ — نامهٔ بکیا در ص ۱۱۹ ارسطو عندالعرب ۱۰ — بند ۲٦٦ و ۲٦۸ چاپی.

نوشته میشد . میتوان گفت که مباحثات درچندین نسخه گوناگونی که هست بهتراز نگارشهای دیگرشیخ رأیها واندیشه های خود اورامیرساند وسر گذشت گفتگوهای اوبا شاگردانش از آن بخوبی برمیآید (۱) وبسیاری ازسخنان دشوارفلسفی دراین مباحثات آمده است چنانکه مسئله اعدادی بودن انتاج قیاس که رأیی است دربرابر اشعری ومعتزلی درآن دیده میشود (گ ۱۹۳ بند ۷۸ نسخه ما و بند ۳٦٤ ص ۲۰۲ چاپی) و همچنین درباره تجرد نفس و خود آگاهی آن موشکافی شده است (۲)

۱- شیخ گاهی میگوید : « این را نتوان نوشت » (بند ۳۵۳ چاپی) بازمیگوید : « یا اینکه نمیدانم باید ازتفسیرآنها بشناسیم » (۳٦۰) ونیز : « این پنداری است ازمن و راهی برای اثبات یا نفی آن نیست . شاید ازجزمن برآید » (۳۵۵) و « این برترین چیزی است که من میدانم » (بند ۱۵ نسخه دانشگاه) وشیخ باندازه‌ای فروتنی میکند که پرسنده میگوید : « زشت است که رهبران خودرا نادان نشان دهند » (بند ٦۰ دانشگاه) درمباحثات(بند ٤۸٤) ازابی‌حامد اسفزاری یادنمود و از اثولوجیا (ص ۱۲۱ چاپی) نام برد

۲ ـ امام رازی درمباحث مشرقی ج ۱ ص ۳٤۲ درباره شخصیت ازآن سخنی آورد که مانندش در گ ۵۳ نسخه دانشگاه دیده میشود بازرازی در ج۲ ص ۲۵۲ درباره خودآگاهی نفس واثبات تجرد آن ازاین راه آنچه شیخ درپاسخ خرده گیریهای شاگردان گفت آورده و گفته است که این گفتگوها پراکنده بود و من سروسامانی بدانها دادهام آنگاه آن برهان را با شش پرسش و پاسخ که هریکی هم چند بند است میآورد ومیگوید آنچه شیخ درپاسخ اینها گفته است روشن وسودمند نیست ومن آنها رانیاوردم و هر که بخواهدبدانجا بنگرد . همه اینها را بند بند صدرای شیرازی دراسفار (ج ٤ سفر نفس باب ٦ فصل ۱ حجت ۲ برك ۳۳ - ۳۵ چاپ تهران) ودرمبدء ومعاد (۲۰۸-۲۱۲) آورده گفت که این گفتگوها دردفتری دارای نامه‌های شیخ و شاگردانش پراکنده بوده و من آنها گرد کردم و چیزها برآن افزودم ومیگوید سخنان شیخ دراینجا درست واستوار نیست و او درپاسخ بهمنیار از بازشناختن مردمی و جانور درخودآگاهی آنها درمانده و دشوارش دانست. گرچه سخنان رازی وشیرازی دراینجا بسیارنزدیك بهم هستند ومانا ازاو گرفته واوهم درسفر ۱ اسفار مرحله عقل و معقول طرف ۱ فصل ۱۲ در حل شکوك برتعقل ذات گوید انی‌ما رایت نسخة المباحثات. مگراینکه شیرازی آشکارا درمبدء ومعاد میگوید که نسخه مباحثات نزدم هست وآنرا دراینجا ازپراکندگی درآوردم . آنچه درمباحث مشرقی واسفار ومبدء ومعادآمده درمباحثات نسخه مروی شماره ۸۷۵ بهترمیتوان یافت .

نگارنده المثل العقلیة الافلاطونیه (چاپ بدوی ص ٦۸) نیز گوهربودن نیروی وهم را از مباحثات شیخ ومباحث مشرقی رازی آورد . غیاث‌الدین منصوردشتکی دراثبات الواجب (ش ۳۱۸ گ ٦ ب) درمسئله ۲ مقاله ۱ می نویسد که رازی بزرك گفته که شیخ درمباحثات آشکارا میگوید که من بکنه هستی نرسیدم . در کنار نسخه نوشته‌است که مباحثات را شیخ بدرخواست بهمنیار نوشت واو تحصیل را برروی آن گذارده است .

دانشمندان ازاین کتاب سودها برده‌اند و بسزا است که بیهقی ص ۹۱ درباره آن میگوید « والمباحث التی لابی علی اکثرها مسائل بهمنیار وکان یبحث عن غوامض المشکلات » (۱).

[٤۲۲]

۱۰۳۷ این نسخه شماره ٦ دفتر است بخط تعلیق گ ۲۰۵ ب – ۱٦۲ ب و چنین است آغاز و انجام آن : « هذه نبذ من الرسالة المسماة بالمباحثات للشیخ الرئیس ابی علی بن سینا فی جواب مسائل سئلها عنه تلمیذه الحکیم بهمنیار بن مرزبان . قال الحکیم : بسم الله الرحمن الرحیم . الخادم بهمنیار بن مرزبان خادم مولانا الرئیس ... شرف الملك فخر الکفاة اطال الله بقاه ... خدم ینهی الحضرة بکتاب مطوی علی اوراق

۱۰ واسئولة وشکوك یرجو وصول الجمیع الیها واحاطة العلم الشریف بها .. قیل ان المزاج متغیر والشخص الواحد ثابت بالعدد ... (پرسش) ثبات الشیء الواحد بالعدد ... بل بجوهره (پاسخ) – هل ههنا برهان علی ان لکل شخص ... شیئا ثابتا... لعل هذا فی غیر الحیوان صعب . . . ولعلنا اذا فکرنا وجدنا السبیل الی القول الجزم فی هذا الباب انشاءالله تعالی تمت المباحثات وهی اجوبة مسائل سئل الشیخ عن بعضها تلمیذه بهمنیار وعن بعضها الشیخ الکرمانی

۱۵ وعن بعضها غیرهما » این نسخه درشش فصل و۲۱۷ بند وآغاز آن برابر است با نسخه ش ۲۱۸۸ فیض الله استانبول (که پایان آن بند ۱۸۳ این نسخه وبند ۲٦٦ چاپی است) وپایان آن درنزدیك بآغاز نسخه نواب وپایان نسخه ش۱/٤٥٤٥ اونیورسیته استانبول دیده میشود . دیباچه آن نامه بهمنیاراست بشیخ که میگوید : « پرسشهارا دربرگهائی نوشته فرستادم ومیخواهم پاسخ هریك رادرهمان برگ بنویسید تامباداچیزی فراموش

---

۲۰ ۱ – نیز بنگرید به خزرجی ج ۲ ص ۱۹ س ۱۹ – بیهقی در تتمه ص ۲۷ میگوید که شیخ درمباحث ازابوالفرج جاثلیق بد گفت ونگارشهای اورا شایسته دانست که بفروشنده آنها برگرداند وازبها درگذشت ودرص۲۲ میگوید که شیخ درهیچیك از نگارشهای خویش یادی از ناتلی ننمود مگر در « کتاب المقتضیات السبعه » که درده « مقتضیات الحکمة » ودر کشف الظنون «مقتضیات الکبر السبعه» یاد شد . ناشر تتمه آنراهمان کتاب المباحثات پنداشت

۲۵ (ص ۲۲ حاشیه ۹) چه بیهقی درفهرست نگارشهای شیخ بازاز « کتاب المقتضیات مجلدة» یاد نمود ص ٤٦ و بجای آن در تاریخ حکماء قفطی ص ۲۷۲ « کتاب المباحثات مجلدة » آمده است (نیز در ج ۲ ص ۵ س ۱۰ خزرجی) گرچه درفهرست پایان تتمه ص ۱۸۷ هم « کتاب المباحثات» وهم « مقتضیات الکتب السبعه » یاد گردید ودرفهرست میان سرگذشت شیخ (نسخه ش ۱۲۱٦ ص ۱٦–۲۲ سپهسالار وش ٦ر٤٦۹٤ کتابخانه ملی ملك) نیزازاین دو

۳۰ یاد گردید .

شود ودستوردهید که دربانان پیك را بازندارند وبآسانی نزد شما باریابد وامیدوارم برکاری شما را ازپاسخ این پرسشها بازمدارد » (مانا هنگام وزیربودن شیخ است) درپایان‌نسخه چنانکه میبینیم دارد که پرسنده بهمنیار و کرمانی ودیگرانند. نامه شیخ بکیا (دیباچه چاپی ـ میانه نسخه نواب) دراین نسخه نیست و باآن دونسخه درعبارت وترتیب مسئله‌هاجدائی دارد. دربیشترجاها پرسشها و پاسخها دریك بند آمده وبندها با دائره‌ای از یکدیگرجدا میشوند و روی آغاز هربندی خط سرخ کشیده شده است وگاهی یك بند همان پاسخ تنها است وبند۱ برابر است بابند۴۵۳ چاپی. انجام‌نسخه ۸٦۹/۱۱ کوپرولی درگ ۱۸۳ ب این نسخه دیده میشود .

نسخه دیگری ازمباحثات درارسطوعندالعرب دکتربدوی‌ص۲۱۹ـ۲۳۹ ازروی نسخه ٦ م حکمت و فلسفه دارالکتب مصر در ۵۰۰ بند بچاپ رسید و دیباچه آن نامه شیخ است بکیا (ابوجعفر محمدبن حسین‌بن مرزبان ـ دیباچه بدوی ص ۳٦ و مباحثات ص۱۱۹) که درآن ازعلاءالدوله (۳۹۸ـ٤۳۳) یادگردید ونیز ازیحیی نحوی ورد او برارسطو . شیخ دراین نامه میگوید که درکتاب انصاف میان خاوریان و باختریان داوری نمودم ودرآن ازفارابی بسیارمیستاید و آرزوی دیدار او میکند اینجااست که بیهقی ص۱۳ وشهرزوری ش۸۵٦گ ۷۷ بجای‌آن ابوالخیرخوانده‌اند تا معاصرشیخ باشد (بدوی ص ٤۱ دیباچه) این نامه را قنواتی در ش ۲۵۹ نیز جداگانه یاد نمود ومانا نسخه ش ٦۳٤/۳٦ مجلس همین است . بدوی دو نامه پس‌از مباحثات آورد که نخستین درآغازمباحثات نسخه ش ۸٦۹ کوپرولی میباشد .

نسخه دیگری از مباحثات درمدرسه نواب طوس بوده که آغاز آن برابر است با نسخه ده برگی ش ۲۳۸۹/۲ ایا صوفیا بنام « رسالة‌الاسئلة والاجوبة » و دونامه شیخ (چاپ‌بدوی پس‌ازمباحثات) درمیان‌این‌نسخه‌دیده میشودودرآن شیخ ازکارهائیکه شایسته اونیست و از دوری ازدانش سخت مینالد وازری واز گفتگوها که میان استاد و شاگرد درآنجا شده است و از همین پرسشها که اکنون میکند و پاسخ میگیرد یاد میکند و میگوید « بیشتر بپرس » چنانکه یاد شد نسخه‌ای از مباحثات بشماره ۸۷۵ درمروی هست ودکترغنی در «ابن‌سینا» ص ۷۸ ازنسخه شماره ٤۰ آنجایاد میکند. این‌هم ناگفته نماند که شیخ بجز نامه‌ها که ببرخی نوشته یاپاسخها که بنامه‌ها وپرسشهای بیرونی‌وجوزجانی‌وابوالفرج همدانی وابوالفرج یمامی ومیهنی ودیگران داده بسیاری از رساله‌هارا برای فرمانروا یاوزیری نگاشته‌است . گذشته ازاینهادرفهرست قنواتی گفتارهائی شناسانده شده که‌مانند مباحثات میباشد : پاسخ ده پرسش بیرونی نه‌آنکه بچاپ رسید ـ پاسخ شیخ عامری (مجالس سبع) ـ پاسخ ۲۲ و۲۵و۱۰و۲۰ پرسش ـ

بندها و پرسشها - دو گفتاردرمنطق - پرسش و پاسخ - پاسخ بپرسشی درباره حدوث که میگویدنخستین چیزی است که بدست خودنوشتم - دومسئله - پاسخ ابن‌زیلا مسأله پزشکی - نامه‌ای بابی‌الفرج بن ابی‌سعیدیمامی درپزشکی - چندمسأله - گفتگوی شیخ با شاگردی درباره زاویه - پاسخ چند پرسش - پاسخ بجوزجانی درباره شفا و
۵ معارضه با قرآن - فائده ها و نکته ها (ش ۲-۲۰-۲۱-۲۲-۳۸-۳۹-۱۷-۳٦ و ۳۷-٦۳-٦۱-۷۱-۹۹-۱٤۳-۱٤۵-۱٤٦-۱٦۰-۱۷٦-۲۰٤-۲۳٤) و بهمهٔ اینها و نسخه‌های گوناگون مباحثات باید نگریست تا دریافت که سرگذشت گفتگوهای شیخ باشاگردان چگونه بوده ومباحثات چگونه بنگارش درآمده‌است - نیز بنگرید بشماره ۱۹ قنواتی .

۱۰ [۳٤۱] مباحث فلسفیه (رسالة فی ...) (عربی)

این گفتار بروش عرفانی درباره قوه وفعل نگاشته شده و درآن (٤٦ ب) از رسالةالتسلیه ابن‌سینا که درآن گفته است « ان‌الموت لا الم فیه ابدا » واز مجلسی یاد میشود .

آغاز : بسمله . فصل فی معنی‌القوة والفعل. اعلم ان‌القوة هی استعدادالتصورای
۱۵ استعداد قبول‌الصورة .

انجام : فمن رام تثبیت‌الفرار بالکباریت وسایرالارواح فقد خبط وسهی .

[٤۲۳]

۸۸۷ این نسخه شماره ۲ دفتر وبخط تعلیق میباشدگ ۹ الف - ٤٦ ب .

[۳٤۲] مبادی موجودات (فارسی)

۲۰ این گفتارفلسفی از باباافضل‌کاشانی (۱) است وازموجود ومعلوم ومدرك گفتگو میکند ودرمجله جلوه شماره ۳ سال ۱ تاریخ شهریور ۱۳۲٤ خ ص ۱۲۱ - ۱۲۸ ازروی دونسخه تاریخ ۱۰۸۳و۱۰۹۲ بچاپ‌رسید. درجنك شماره ۲۹۱۱ سپهسالار

۱- سید حیدرآملی عارف زنده در ۷٦۱ درجامع‌الاسرار (ش ۳٤۱ گ ۲۳٦ الف) میگوید : « ومنهم‌الامام‌الفاضل والحکیم‌الکامل افضل‌الدین‌الکاشی رحمة‌الله علیه . فانه
۲۵ بعدرسوخه فی‌الحکمة‌الفلسفیة والعلوم‌الرسمیة رجع‌الی‌طریق اهل‌الله وصارمن کبارهم وصنف فی هذاالفن کتبا ورسائل واحواله مشهورة وفضائله معلومة » .

ص ۸۸-۹۸ نسخه ازاین هست .

[۴۲۴]

۴۲۸ این نسخه شماره ۱۰ دفتر است و بخط تعلیق شکسته خوش با عنوانهای شنگرف تاریخ ۱۰۸۳ گ ۶۵ الف - ۷۱ ب و فهرست آن هم در گ ۶۵ الف دیده میشود . ۵

[۳۴۳] مبدء و معاد (عربی)

شیخ رئیس این کتاب را درسه گفتار (خدا شناسی در ۵۲ فصل - پیدایش و آفرینش هستیها در ۱۱ فصل - پایندگی روان و خوشی آن در رستاخیز در ۲۰ فصل) برای ابی (احمد) محمدبن ابراهیم شیرازی فارسی (۱) در گرگان نگاشته ودرآن گزیدهٔ علم مابعدالطبیعه یا اثولوجیا (الربوبیة) درباره مبدء نخستین ونسبت ۱۰ هستی‌هابا اوازروی ترتیب وگزیدهٔعلم‌طبیعیات در روانشناسی ورستاخیز آورد. شیخ درفصل ۷ مقاله ۱ عاقل ومعقول را یکی پنداشت و گفت که آندوبقانون فعل وقوت یکی میشوند وعلم اگر باحصول صورت می‌بود بایستی صورتهای بی‌نهایت در نفس بیاید . او در اشارات وشفا این رأی نپذیرفت و بگفته طوسی درمبدء ومعاد روش مشائیان گرفتهٔ چنانکه‌درآغازهم چنین گفته‌است. شیرازی درفصل ۸ طرف ۱ مرحله ۱۵ عقل ومعقول اسفارسخن‌اوراآورد وپذیرفت . شیخ در پایان از رستاخیز وپیامبری ووحی واعجازواثرچشم بروش فیلسوفان گفتگو کرد وازرأی افلاطون درسوفسطیقا یاد نمود .

آغاز : بسمله قال الرئیس ابوعلی الحسین بن عبدالله بن سینا لقاالله احسانه امابعد حمدالله حق حمده والثناء علیه بماهواهله ... فانی اریدان ادل فی هذاالکتاب ۲۰ (هذه‌المقالة) علی حقیقة ماعندالمشائین المحصلین من حال المبدء والمعاد تقربا به

۱ — در بیهقی ۶۴ وخزرجی ج۲ ص ۱۸ ابی‌محمد شیرازی که باشیخ آمیزش داشت یاد شد و خزرجی گوید که درآغاز نسخه ابی‌احمدمحمدبن ابراهیم فارسی خوانده‌ام مانند نسخه ش ۹۷۵ طوس ونسخه مجلس ولی درنسخه ش ۹۷۲ طوس ابومحمدبن ابراهیم فارسی یاد گردید وقنواتی ابی احمدبن ابراهیم فارسی یاد نمود . گویا درست همان باشد که دربالا نوشته شد .

الی الشیخ الجلیل ابی (احمد) محمدبن ابراهیم الفارسی فیتضمن کتابی هذا ثمرتی عامین کبیرین احدهما الموسوم بانه فیما بعد الطبیعیة والثانی العلم الموسوم بانه فی الطبیعیات .

انجام : وتقریب البعیدان مال (یمال) الی الاظهر فهو معذور ونسئل الله ان یجنبنا الزیغ والزلل والاستبداد بالرای الباطل و اعتقاد العجب فیمایری ویفعل (یعقل) تم کتاب المبدء والمعاد .

[۴۲۵]

۸۶۱ این نسخه شماره ۶ دفتراست وبخط نسخ با عنوانهای شنگرف و تصحیح شده با نسخه‌های دیگر درهامش. گ۱۴ب-۵۴الف . نسخه‌ای درمجلس ش۶۳۴/۳۰ (ج ۲ ص ۳۹۹) وشش نسخه درطوس ۹۷۱ تا ۹۷۶ هست وقنواتی درش ۱۹۵ چندین نسخه آنرا شناسانده و گفت که ترجمه فارسی آن دربودلیاناش ۱۴۲۲/۲ وموزه بریتانیا ۹۷۸/۲۲ هست . درجنك ش ۲۹۱۲و۱۲۱۶ سپهسالار نسخه تازی آن دیده میشود .

[۳۴۴] المبدء والمعاد (عربی)

سه پرسشی است که از شیخ رئیس شده و او پاسخ داد ودرص ۱۶۷ یادگردید .

[۴۲۶]

۱۰۴۶ این نسخه شماره ۲۰ دفتر است وبخط شکسته تعلیق رجبعلی نزدیك ۱۰۶۱ گ ۹۵ الف و ب . آغاز وانجام آن مانند ش ۱۰۳۸/۱ میباشد .

[۳۴۵] مبدء ومعاد (عربی)

از صدرای شیرازی م ۱۰۵۰ که درست درآن از مبدء و معاد شیخ پیروی نمود و دو بخش کرد و چنانکه دردیباچه (ص ۳ چاپی) می‌نویسد آنرا پس ازاسفار نوشته است . درمبحث تجرد نفس ص۲۰۸-۲۱۲ دلیلی میآورد که ازمباحثات شیخ رئیس گرفته وهمین دلیل باالندك اختلاف دراسفارهم آمده است ودرمبحث ادراك حسی ص ۱۷۴-۱۷۷ درباره گفتارشیخ رئیس و مسیحی و فخر رازی درمورد لذت و الم حواس عبارتی دارد که نزدیك بهمان درشرح هدایه هموص۱۹۵-۹۷ دیده میشود .

[۴۲۷]

۴۲۱ این نسخه بنسخ باعنوانهای شنگرف و حاشیه‌هائی دارد که درپایان آنها عبارت (ع سلمه‌اه) هست و این نسخه شماره یکم این دفتر است از برك ۱ الف تا برك ۲۶۳ ب ودوم آن گفتاری است ازصدرالافاضل (همین شیرازی) درباره روزرستاخیز. محشی‌حاشیه‌های این کتاب ورساله دوم‌را هنگامی که درسپاهان ۵ نزد ملامحراب آنها را میخوانده است نگاشت . این نسخه تصحیح شده ومقابله گردید وخط و مهرفیلسوف شیرازی درپایان کتاب بخط شکسته آراسته بشنگرف زیر سطر آخر دیده میشود : « کتبه‌الاقل . . . . . محمدبن ابراهیم‌المشهور بصدرالشیرازی سنه ۱۱۵ (؟!)» ازاینجاچنین برمیآید که شیرازی کتاب مبدء ومعاد را در۱۰۱۵ نوشته‌است دربرك ۱ الف نوشته شده که نسخه را در ۱۱۹۴ خریده‌اند. این کتاب درتهران بسال ۱۰ ۱۳۱۴ بچاپ رسید .

(۲۷۵ برك) — کاغذفرنگی — جلدتیماج قهوه‌ای ضربی

اندازه : ۱۵×۲۵٫۵ و ۸٫۵×۱۷٫۵ س ۳۰

[۳۴۶] مجمل الحکمه (فارسی)

تنی چند از دانشمندان ایرانی در سده چهارم انجمنی دربصره بنیادگذارده ۱۵ و مانندگروه فوثاغورسیان باستانی وچلیپائیان گل‌سرخ سده پانزدهم مسیحی‌نهانی درآنجاگردمیآمده درباره فرهنك ودانش‌روزگارخویش میاندیشیدندومیخواستند که میان دین‌وفلسفه سازگاری دهند. آنهاپس‌ازمرك اشعری (۲۶۰-۳۳۴) تارجب سال ۳۷۴ پنجاه وسه یاچهاردفتر بنام (رسائل‌اخوان‌الصفاء وخلان‌الوفاء) و(الرسالة الجامعة) نگاشته بی‌آنکه نامی از خود ببرند آنها را دردسترس گذاشتند. این‌بود ۲۰ که‌مردم‌آنانراشیعی‌یاباطنی‌یامعتزلی‌پنداشتندوبرخی‌آن‌دفترهاراازامام‌جعفرصادق‌ع دانستند. نخستین‌بار ابوحیان توحیدی درامتاع وموانسه نام آنها را آشکاربداشت سپس ابن‌سینا ومعری ازآنها نامبردند وصاعداندلسی وشهرستانی وبیهقی و غزالی وسهروردی وقفطی و خزرجی و ابن سبعین و باباافضل کاشی و شهرزوری و دیلمی و ابن تیمیه وجنید شیرازی و بیرجندی و آملی و کرمانی‌وجامی ابن‌حجروصدرای ۲۵ شیرازی‌واشکوری وفیض‌کاشانی ومحمدامین استرابادی وعباسی ازاین‌نام یادکرده یا سرگذشت آنانرا آورده یااینکه ازآن دفترها بهره‌برده‌اند . نام اخوان‌الصفا نیز

پیش‌از آنها در کلیله ودمنه‌ونظم ونثر باستانی تازی ونیایش فارابی آمده است .

باطنیان نیز بدینفترها ارج نهاده‌بااینکه دردسترس همه‌بود وتاکنون چندبار بچاپ رسیده از نگارشهای نهانی آئین خویش بشمار میآورند و نگارنده آنها را

۵ دومین رهبر نهانی دینی خود بنام امام عبدالله وفی‌احمد (۱۹۷ ـ ۲۱۲) از دودمان امام صادق ع میپندارند .

دانشمندی درروزگار امیرتیمور گورگان (۷۷۱-۸۰۷) برای باره دوم ازاین دفترها گزین‌نموده وبپارسی دری درآورد ودردفتردهم بخش سوم درحدود ورسوم از اشارات و تنبیهات بوعلی سینا و نقاوة الحکمة خواجه حسن بن جریر سپاهانی

۱۰ وکتاب‌عبدالله‌بن‌جبرئیل‌بن‌بختیشوع پزشك‌برآن‌افزودوهمین‌است که‌مجمل‌الحکمه نامدارد و دوباردربمبئی بسالهای ۱۳۰۱ و ۱۳۰٤ باافزودن ترجمه انسان وحیوان که در آن‌نیامده بچاپ‌رسید. ازنسخه ش۱۲ب مجلس‌چنانکه درفهرست آمده‌است برمیآیدکه پیش‌ازاین در۶۶۷ این‌دفترها بپارسی‌شده‌بود . ولی‌چنین‌نیست چه‌درپایان آن‌نسخه بخشی ازیك کتاب فلسفی که در آن تاریخ نوشته شده هست وفهرست‌نگار ایندو را یکی‌پنداشت .

دردیباچه این ترجمه دوم (نسخه ما وچاپی) ازسرود اختران ونام بارخدای

۱۵ ومرزبان (مهربان) نامه ودانشنامه یادگردید (۱) وسه‌تای نخستین‌بیهوده وچهارمی دشوار دانسته شد .

[٤۲۸]

۳۰۲ این نسخه شماره۱ دفتراست وبخط تعلیق با عنوانها ونشانه‌ها ورقمها وشکلها بشنگرف از محمدکاظم‌بن محمد حسین‌الحسینی‌المحلاتی در۲۲ رجب ۱۱۱۱ گ ۱ ب ـ ۷۹ ب . نسخه ازآن محمدعارف حسینی بوده وخطومهراو در گ۲ الف دیده میشود. دراین نسخه که با چاپ شده یکسان‌نیست دفترانسان وحیوان ترجمه نگردید وبخش چهارم هم ده فصل است .

آغاز : سپاس ومنت وجودیراکه واجب‌الوجود است .

۱ـ نگاه به : فهرست طوس ش ۵۸۰ ص۱۰۵ ج٤ ـ فهرست مجلس ج ۲ ش۱۰٤ ص ۵۱ که اندکی باجابی جدائی دارد وش۱۱۲ ص۵۷ که دردنبال آن بخشی ازیك کتاب فلسفی‌است وآن‌در ۶۶۷ نوشته شده است نه‌مجمل‌الحکمه‌این نسخه که مانندچاپی‌است ـ گفتار فهرست‌نگار در ش ٦ سال ۸ مجله مهر .

۲۵

انجام : و درشریعت لذتهـا را منع میکند یعنی برترك لذت و درحکمت والله اعلم بالصواب (س ۱ ص ۱۵۹ چاپی) ونیم صفحه را ندارد .

[٣٤٧] المحاكمات بين شرحي الاشارات (عربی)

از قطب‌الدین محمدبن محمدبن ابی‌جعفر بویهی رازی، فیلسوف فقیه شیعی ازخاندان بویه یا بابویه قمی که در ری زاده وشاگرد علامه حلی بوده است وازاو بسال۷۱۳ اجازه گرفت واین‌اجازه‌را حلی درپشت قواعد خود که قطب‌بخط خویش نوشته‌بود درديه ورامین نگاشته‌است. شهیدیکم ابوعبدالله محمدبن مکی دمشقی عاملی جزینی (٧٣٤–٧٨٦) در ٧٦٨ دردمشق نزدش رفته وازاوبهره برده واجازه گرفت . نیز درپایان شعبان سال ٧٧٦ دردمشق ویرا دیده وازاو درمعقول ومنقول اجازه گرفته‌است . وی بگفته شهید در۱۲ ذی‌قعده ٧٧٦ درگذشت و درگورستان صالحیه بخاك سپرده شد (۱) .

قطب رازی دراین‌کتاب محاکمات میان فخررازی و خواجه طوسی داوری نمود و آن درآستانه بسال ۱۲۹۰ در ٤٦٣ صفحه و دوبار درهامش شرح طوسی براشارات درتهران بسال۱۲۸۱ و۱۳۰۵ بچاپ‌رسید .

[٤٢٩]

۲۷۷ این نسخه نخستین شماره این دفتر است و از برگ ۱ ب تا برگ ۲۲۵ ب میباشد و بخط نسخ نوشته شده و عنوانها در هامش و نشانه ها بشنگرف وحاشیه‌ نائی بشکسته تعلیق‌داردوعنوان محاکمات دررویه یکبرك پیش‌ازآن چنین است : هذا شرح علی شرح‌الاشارات لنصیرالدین‌الطوسی اعتنی به والفه استادنا وشیخنا افضل‌المتأخرین‌قطب‌الدین‌ابقاه‌الله ...) ومحمدبن سدیدالدین‌اسنوی، دمشق‌نشین

---

۱ – قطب‌رساله‌هاو کتابها درادب‌ومنطق وفلسفه نوشت یکی‌ازآنها (تحقیق‌معنی‌التصور والتصديق » است که در تونس بسال ۱۲۸۱ چاپ شد و یك نسخه از آن با شرح محمد زاهد محمداسلم هروی در کتابخانه خدیوی مصرهست واین‌شرح در کانپور هند بسال۱۲۸۷ درمجموعه‌چهاررساله بچاپ رسید . در کتابخانه مدرسه سپهسالار تهران نیز یك‌نسخه ازهمین رساله بشماره ۳۸۷۸ هست پس آنچه میرسید شریف درحاشیه برشرح مطالع گفته است که این رساله دریکی از گردشها که قطب میرفته است ازمیان برفت نادرست است . دیده شود : معجم‌المطبوعات‌ص۹۱۹ – فهرست کتابخانه خدیوی مصر ج ٦ ص ٨٣

شاگرد قطب و نویسنده عبارت بالا این نسخه را نزد او خوانده وبانسخه اصل برابر کرده‌است و بخط خود بهمین تصحیح گواهی داد. وی یکبار آنرا بانسخه‌معتبری مقابله کرده و در ۲۹ ع ۱ سال ۷٦٤ ازاین مقابله بیاسود و باره دوم آنرا با نسخه استاد خود قطب رازی برابر کرده و درآدینه ۱۸ شعبان ۷٦٥ درخانقاه اندلسی این مقابله را بپایان رسانده ومینویسد که این باره حاشیه‌های کتاب را نیز باحاشیه‌های نسخه قطب برابر کردم و هرچه ازاین حاشیه‌ها نشانه (سم) دارد از استاد است . اینها را اسنوی بخط خود درپایان نسخه و درهامش آن نوشته‌است. باز بخط خود مینویسد که درماه ربیع دوم سال ۷۷٤ ازخواندن همه این کتاب بیاسودم ومیگوید که استاد رازی نسخه اصل را در روز چهارشنبه ۱۰ رجب سال ۷۵۵ درشهر گلستان ترکستان نوشته است وعبارت اورا میان پایان کتاب و گفتار نویسنده درباره تاریخ نوشتن نسخه‌ما میآورد. اسنوی بازدرپایان نمط سوم مینویسد که این نسخه را مقابله کردم . قطب مینویسد که منطق را درشب اضحی سال ۷۵٦ بپایان رساندم . اسنوی در همین‌جا باز مینویسد که مقابله نمودم. و نویسنده نسخه‌ماعبدالواحدبن‌عبدالحمیدبن مسعودشافعی‌سیواسی‌سلماسی است که دردمشق درنیمه روز ۲۸ محرم ۷٦٤ آنرا نوشته است .

این نسخه در ع ۱ سال ۹۹۰ دردست میرزا مخدوم حسنی حسینی مدرس مدینه بوده وخط او درپشت کتاب هست وباز خط او درروبه برگ پیش از نسخه محاکمات که درتاریخ میانه ع ۱ سال ۹۹۰ در قسطنطنیه نوشته است دیده میشود . ابن‌خاتون محمدبن علی عاملی در ۱۰۲۸ درسپاهان بخط خود درپشت کتاب نوشته که این نسخه بدورسید و مهر اوهم هست . او دانشمندی ادیب وفقیه بوده و شرحی برارشاد نوشته واربعین شیخ بهائی را ترجمه بپارسی کرد ودرعصراوبوده ودرحیدرآباد هند میزیسته است وتا ۱۰٦۸ نیز زنده بود .

پس‌ازهمه آنچه تاکنون نوشته شده چنین برمیآید که :

قطب رازی در ۷۵۵ ازنوشتن نسخه اصل (ناگزیربخش فلسفه) درشهر گلستان ترکستان بیاسود .

وهمو در ۷۵٦ چنانکه خودگواهی میدهد منطق را بپایان رساند .

عبدالواحد سیواسی‌سلماسی در۲۸محرم ۷٦٤ نسخه مارا دردمشق نوشته‌است .

محمدبن سدیدالدین اسنوی دمشقی در۲۹ ع۱ سال۷٦٤ یکباراین نسخه را با نسخه معتبری مقابله کرد .

نیز اسنوی در ۷٦٥ باره دوم آنرا با نسخه قطب برابر نمود .

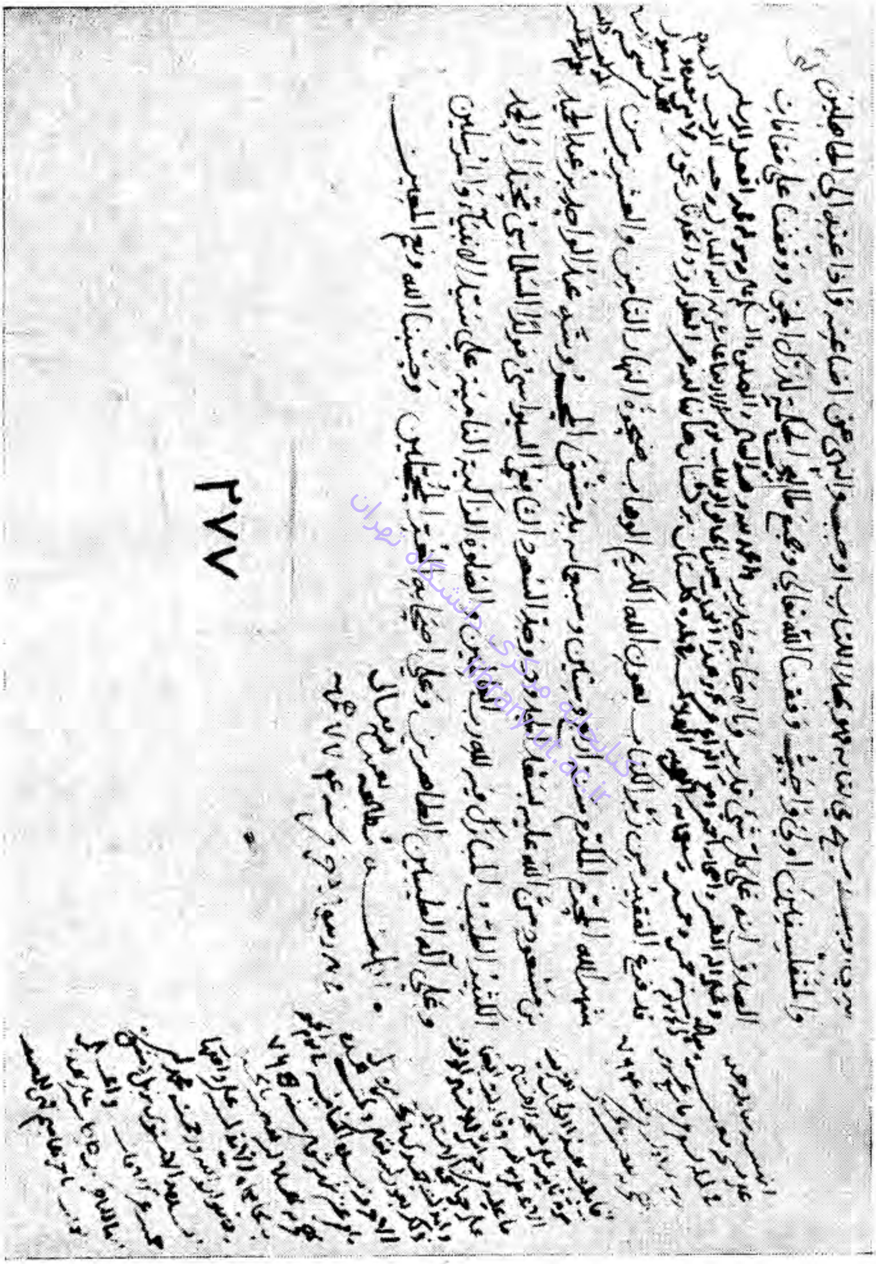
باز اسنوی در ۷۷٤ ازخواندن همه کتاب بیاسود .


٢٧٧

هذا الشرح على شرح الإشارات

هذا الكتاب المشتهر بالمحاكمات القطبية

برگ عنوان محاکمات قطب رازی ش ۲۷۷



پایان محاکمات قطب رازی ش ٢٧٧

این نسخه در ۹۹۰ درقسطنطنیه دردست میرزا مخدوم بوده است.
درتاریخ ۱۰۲۸ ابن خاتون آنرا داشته بود.
پس نسخه ما پیش ازمرك رازی که در ۷۷٦ رخ داده است نوشته شده وچندبار مقابله گردیده است.
یکی ازدارندگان این نسخه ابراهیم بن حاجی عوض الدساوی بوده که در برك ۱ الف نامبرده شده. ۵

(۳۲۸+۱ برك) کاغذ ترمه سمرقندی ـ جلد تیماج سرخ ساده وکهنه متوالی

اندازه: ۱۹×۲۸ و ۱۴×۲۰ س ۳۷

[۳۴۸-۳٤۹] مدارج کمال (تازی و پارسی)

۱۰ این گفتار فلسفی وعرفانی را که درخودشناسی وشناخت شناسی است و گشایش نامه هم خوانده شده بابا افضل کاشانی نخستین بار بگواهی خود او در پایان متن پارسی (نسخه شماره ٤۰۲/۹ دانشگاه) بتازی نوشته سپس بدرخواست خواجه شمس الدین محمد درواگوش بپارسی کرد و تازی آنرا از آن اسعد نسائی دانست. کاشانی با درواگوش بسیاردلبستگی داشت ونگارشهائی مانند رساله جامعه (گویا ۱۵ همین مدارج) و زجرالنفس برای او فرستاد (نامه ش ٤۳۱/۱۷) و درنامه ایکه (ش ٤۳۱/۱٤) بدو می‌نویسد ازهمین مدارج الکمال بنام «فتوح هشت در» و «ره انجام نامه» یادمیکند. متن پارسی در۱۳۳۸ نشریه دانشگاه بچاپ رسید کاشانی درعرض نامه (ص ۱۵۳) ازمدارج الکمال یاد نموده.

[٤۳۰]

۲۰ این نسخه بپارسی وشماره ۹ دفتراست وبخط تعلیق ۱۰۷۹و۱۰۸۰ گ ۸۲ ب ـ ۹۷ الف و در پایان آن سخنی است از کاشانی که در چاپی نیامده وبدینگونه است: «خجسته حال وفرخنده فال ونظم سخنان این نامه نخست بلغت تازی بود . . . هم محمد بامحامدان قرین شود وهم اسعد با سعادات این همنشین گردد ان الله لرؤف رحیم ولله الحمد علی ماهدانا انه ولینا ومولینا» نسخه‌ای ازمدارج ۲۵ کمال فارسی دردفترشماره ۲۹۱۲ مدرسه سپهسالار گ ۱۳۰ـ۱۳۷ هست وبند پایان درآن دیده نمیشود.

٤۰۲

[۴۳۱]

۴۳۱ این نسخه بپارسی و شماره ۲۰ دفتر است گ ۲۸۶ ب ـ ۳۲۱ الف و با نسخه پیشین اندکی جدائی دارد و بهتر و بیشتر از آن است وجناب آقای مشکوة آنرا با دو نسخه دیگر برابر ودرست نموده است وسخن پایان کتاب درآن هست .

۵

[۴۳۲]

۱۰۳۶ این نسخه پارسی وشماره ۹ دفتر است و بخط تعلیق رودباری گ ۷۷ ب ـ ۸۹ الف و از گشایش در یکم آغاز میشود و دیباچه را ندارد و سخن پایان کتاب دراین نسخه هم هست .

[۴۳۳]

۱۰۳۳ این نسخه بتازی بسیار شیوا و روان و درهشت فتح و شماره ۱۱ دفتر و بخط تعلیق ریز سال ۱۰۸۴ گ ۳۰ ب ـ ۵۴ الف میباشد. آغاز آن چنین است : « بسمله... بسم الله الذی لا اله الاهو اول کل شیء فلا اول له وآخر کل شیء فلا آخر له وظاهر لیس فوقه شیء وباطن لیس دونه شیء . . . وبعد فقدسألنی جماعة من اخوانی... وصیة جامعة لخیر الدارین . . . فهذه ثمانیة ابواب نرجوان نفتح جمیعها ... الفتح الاول
۱۵ فی تبیین جوهر الانسان » .

انجام آن چنین است : « حامدین لله علی نعمائه شاکرین لالائه متجهبین (متحببین) الی لقائه مصطبرین علی بلائه ینصر کم و یبارك لکم . . . نعم المولی ونعم النصیر ... فانجزت مدارج الکمال ولله الحمد علی کل حال . . . الطاهرین الزاهدین » .
در کشف الظنون از آن بنام «مدارج الکمال الی معارج الوصال» یاد کرده است
۲۰ (ج ۲ ص ۴۰۹) .

[۳۵۰] مرآة الازمان (عربی)

دانشمند محمد بن محمد زمان کاشانی دراین رساله سید داماد را رد کرده زمان را موهوم واعتباری دانست ومانند متکلمان آنرا انتزاعی ازهمیشگی خداوند پنداشت و درآن از فیلسوفان و متکلمان تا مجلسی یاد نمود و آنرا در ۲ محرم
۲۵ ۱۱۶۲ بپایان رساند اودراین رساله برخلاف خواجوئی سخنان آقاجمال خوانساری رادرخرده گیریها که ازداماد کرده‌است درست واستوار نشان داد (ش ۵۸۷ ص ۱۰۸ ج ۴ طوس ـ ص ۷۳ و ۲۳۰ این فهرست) .

آغاز : بسمله تبارك الذی كان ولم یكن معه شیء ثم شاء فانشأالاشیاء . . .
امابعد فهذه مرآة الازمان بها ینكشف ما اشتبه من امرالزمـان الموهوم علی بعض الاعیان .

انجام : ایراد مافیه من‌القیل والقال . واتفق‌الفراغ عما امربه . . . محمدبن محمد زمان . . . فی‌الثانی من‌الاول للعام‌الثانی من‌السابع للثانیة من‌الالف‌الثانی ... ۵
والحمدلله اولا وآخرا . . . من‌الایام والشهور .

[٤٣٤]

۸۷۳ این نسخه شماره ۲ دفتر است و بخط نسخ خوش از علی‌بن محمد سپاهانی بسال۱۱٦۲ که بدستور کاشانی نوشته است ودرپایان دارد : «و کتب‌الخاطی ابن محمدعلی‌الاصفهانی فی ۱۱٦۲ » سرلوحی درآغاز (۱۰٦ ب) هست ۱۰
و عنوانها با مرکب سفید است و شنگرف و حاشیه (منه دام ظله) دارد و سخنان فیلسوفان دربرخی حواشی‌آمده وحاشیه‌ها بخط شکسته‌تعلیق‌است. درگ ۱٤۰ الف حاشیه‌ای فارسی از شیخ جعفر نوشته شده .کاغذ برنگ سرخ میباشد . گ ۱۰٦ ب ــ ۱۹۸ الف .

[۳۵۱] **مرآةالحقائق ومجلی‌الدقائق** (عربی) ۱۵

دانشمند غیاث‌الدین منصوردشتکی این‌رساله را برای غیاث‌الدین‌ابوالمظفر بهادرخان در۷ مجلی (مبادی فلسفی ــ مسائل طبیعی ــ مسائل فلکی ــ اموعام ــ مقولات‌ــخدا وآفرینش ــ رستاخیز) نگاشته است وی درآغاز از خود بنام غیاث مشهور بمنصور یادکرد و میگوید که درسی مسئله فلسفی با دیگران خلاف کردم و بهمگان‌رسید. برخی سخنانم را پسندیدند و دسته‌ای نپذیرفتند. آنگاه آنهارا ۲۰
میشماردمانندانیکه جهان مثال‌هست ویادآوری‌بخششی‌است ازخدای نه‌نگهداشت صورت در نیروی جرمی بگفته مشائیان و نه انتقاش آن درسطح آسمـان بگفته اشراقیان چنانکه درشرح هیاکل گفته‌ام واینکه صورتهای عقلی‌هستی‌جدائی دارند چنانکه در معارف منصوری روشن ساختم و آتش اهلیلجی است و شهابها دخانی نیستندچنانکه دررساله‌ای‌نشان‌داده‌ام ونیزعلت قوس وقزح را دررساله‌ای نوشته‌ام ۲۵

واینکه هر نفسی مجرد است و جنبشهای آسمان جبری میباشد ومقوله ها نه چنانند
که مشائیان ده واشراقیان ٥ (جوهر و کم و کیف و حرکت و نسبت) و دسته‌ای ٤
(جوهر و کم و کیف و نسبت) دانستند بلکه برخی ماهیت وانیت آنهـا پیداست
(کم و کیف و . .) وبرخی‌انیت روشنی دارند (اجناس اجزاء جسم) وبرخی ماهیت
٥ آشکاری دارند (دیگرمقولات) واینکه مجردومادی وهیولی وصورت ذاتی‌مشترك
ندارند وگوهرذاتی فردهای خود نیست و هرمجردی قدیم و ازلی است و جنبنده
عرضی میل‌ندارد وچیزهای دیگر . مطالب را عنوانهای (ظل غربی - نورمشرقی -
نورقمری - اشراقات شمسی) داده وپیداست که صدرای شیرازی هم درمسائل وهم
درعنوانها از اوپیروی نمود . در پایان میگوید که این اشراقات در ۸۹٥ درخواب
١٠ شگفتی کـه دیدم بجهان نور رفته‌ام بمن رسید سپس این رساله را نوشتم . آنگاه
عنوانهای مرموزی را که درکتاب آورده بود روشن میسازد و میگوید این کتاب
برپایه کشف‌نهاده‌شده نه‌برهان درجای دیگر نیزازجهان‌هورقلیا یادمیکندکه‌در آن
بوده و کشفها برای اوشده است .

آغاز : بسمله یاغیاث‌المستغیثین نورنا بانوارك وکلمنابمعرفة اسرارك واجعل
١٥ لنا جناحا نطیر به الی جوارك .

انجام : تکملة و تبصرة انظر ایهاالناظر بعین الانصاف . . . واذا ابتلی ابراهیم
ربه بکلمات فاتمهن . تمت‌الکتاب بعون‌الملك‌الوهاب .

[٤۳٥]

۹۲٦ این نسخه شماره ۹ دفتر و بخط تعلیق با عنوانهای شنگرف میباشد گـ ۱۳۳
الف - ١٤٢ ب .

[۳٥۲] **مسالك الیقین** (عربی)

دانشمند شمسای گیلانی (زنده ١٠٤٨ درمکه و ١٠٥٨ درقزوین و ١٠٦٠
درطوس) این رساله را درباره عینیت وجودخارجی و صفتهای کمال خدا با ذات او
بروش مشائی واشراقی نگاشته و خبرهای شیعی نیز درآن آورد و آنرا درآغاز
٢٥ جمادی یکم سال١٠٦٠ درطوس بپایان رساند. او درحاشیه خود براینکتاب آنرا

چنین نامید .

آغاز : بسمله . . . الحمدلله خالق البریات وهادی سبل التحقیقات . . . فیقول محمد الشهیر بشمسا الجیلانی . . . هذه رسالة فی اثبات ان الوجود الخارجی عین ذات الواجب .

انجام : بناء علی عینیة الصفات الکمالیة کمامر مشروحاً فلانطول بالاعادة . تمت الرسالة . . . فی اوائل شهر جمادی الاول فی سنة ستین بعدالالف . . . فی البلدة الطیبة الرضویة . . . التحیات .

[٤٣٦]

۳۰۷ این نسخه بخط نسخ پاکیزه ازیکی ازشاگردان گیلانی که درقزین درروزگار استاد درروز ۷ ذی‌حجه سال ۱۰٦۰ هنگامی که ازطوس بر گشته بودآنرا نوشت درحاشیه برك آخر کتاب می نویسد که ازشاگردان اواست . درچندجا حاشیه‌هائی ازگیلانی دارد که به (منه دام ظله یا سلمه‌الله تعالی) پایان مییابد .

(۱۳۴ گ) — کاغذ سمرقندی — جلد تیماج سرخ ضربی
اندازه : ۵ر۱۰×۲۰ و ۵×۵ر۱۵ س ۲۰

[۳۵۳] مشاعر (عربی)

از صدرای شیرازی که دارای یك فاتحه (درمباحث وجود و جعل درهشت مشعر) ویك موقف درسه منهج یکی درهستی خدا ویگانگی او(درهشت مشعر) دیگری دراحوال وصفات خدا (چهارمشعر) سوم درآفرینش و کردارخدا (سه مشعر) ویك خاتمه· در دیباچه (ص۷ چاپی) این کتاب ازکتابها ورساله‌ها که نوشته است بی آنکه نام ببرد یادمیکند ومعرفت وجودوهستی شناسی را پایه فلسفه خود نشان میدهدوشناسائی خداورستاخیز وعالم مثال واتحادعاقل ومعقول وجامعیت بسیط الحقیقة واشتداد وجود ومانند اینها را برروی همان هستی شناسی میگذارد و پیداست که کتاب آغازجوانی فیلسوف شیرازی نیست چنانکه میگوید پیشها ماهیت را اصیل می‌پنداشتم تااینکه ازآن بر گشتم و باصالت وجود گرائیدم (ص ٤٥) این کتاب با عرشیه درتهران بسال ۱۳۱۵ بچاپ رسیده است .

[٤۳۷]
این نسخه شماره سوم دفتری است که در آن تلخیص‌المفتاح (از برك ۱ ب تا برك
۱٤۸ ٦۰ ب بخط نسخ درشت‌تری از موسی بن رضا مشهدی در ۲۹ صفر ۱۱۰٤)
وحکمة‌العین‌هم نوشته شده است و بخط نسخ است از برك ۱۱٤ ب تا برك ۱۵۱
۵ ب وعنوانها بشنگرف است .

[۳۵٤] مصارع‌المصارع (عربی)

امام ابوالفتح محمدبن عبدالکریم شهرستانی (٤٦۷ ـ ۵٤۸) متکلم شافعی
دین شناس ونگارنده کتاب ملل ونحل بسال ۵۲۱ ونهایة‌الاقدام که درپایان ماه شعبان
سال ۵٤۸ درگذشته است کتاب مصارعات را در رد برفلسفه نوشت ودردیباچه آن
۱۰ میگوید که : « من ملل و نحل را نوشتم و چون همه میگویند که شیخ رئیس
هوشمندترین فیلسوف است و نگارشهایش را هرکه بخواند هرچه بیشتر بهره‌مند
خواهد شد خواستم از بهترین گفتارهای وی که درالهی شفا ونجات وتعلیقات یافت
میشود برگزینم و بیهودگی و یاوه بودن آنها را آشکارسازم » . بازمیگوید : « از
هفتاد و اند مسئله منطقی و طبیعی و الهی تنها هفت مسئله دراین دفتر آورده‌ام »
۱۵ خواجه طوسی همچنانکه درشرح اشارات خود سخنان فرزند سینافرزانه ایرانی‌را
از خورده گیریهای امام رازی نگاه داشت دراین کتاب که مصارع‌المصارع نامیدش
خواست اعتراضات شهرستانی راکه برشیخ کرده‌است ردنماید . ازسخن شهرستانی
چنین برمیآید که وی مصارعات وملل ونحل را برای بزرگی نوشته است وخواجه
میگوید که آن سید مجدالدین علی بن جعفر موسوی نقیب میباشد . فهرست ۷
۲۰ مسئله که دراین دفتر آورده شده چنین است :

۱ـ حصر اقسام وجود .
۲ـ هستی واجب‌الوجود .
۳ـ یگانگی خدا .
٤ـ دانائی او .
۲۵ ۵ـ حدوث جهان .

۶ـ حصر مبادی.

۷ـ مسئله های دشوار درباره همان.

این کتاب شرحی است بقال واقول ومتن وشرح ازهم جدا است.

آغاز : بسملهالحمدالشاکرین والصلوة علی محمد و آلهالطاهرین وبعدفان لشغفی بالعلوم العقلیة والمعارف الیقینیة کنت اوقات فراغی انظرفی کتب علمائها . . . فعثرت فی اثناء طلبتی علی کتاب یعرف بالمصارعات للشیخ تاج الدین ابی الفتح محمدبن عبدالکریم الشهرستانی ـ متن: بعدالحمد والصلوة والثناء علی المخدوم ابتداء اصغرخدمه محمدبن عبدالکریم الشهرستانی یعرض بضاعته المزجاة.

انجام : متن « اولاجوزتم ان یکون من العقول الانسانیة ماهوعقل بالفعل ... هوالافضل فلایتسلسل یاایها النبی انا ارسلناك شاهداً ومبشرا . . . وصلی الله علی نبیه المصطفی محمد وآله الطاهرین » شرح « هذا آخر مااورده المصارع فی مصارعاته والناظر المنصف بحکم باضافةالصرع والانصراع الی من یلیق به . . . انه ملهم العقل وملقن الصواب منه المبدء والیه المآب والحمدلله رب العالمین.

[۴۳۸]

۲۶۹ این نسخه شماره ۱ دفتراست بخط تعلیق خوش وعنوانها بشنگرف ازدانشمند شادروان میرزا یدالله نظر پاك کجوری که درسال ۱۳۴۸ درمدرسه ناصری تهران نوشته و ۱۶۴ صفحه است و شماره دوم آن شرح رساله اثبات عقل طوسی است ازدوانی . نسخه‌ای ازاین کتاب درطوس (ش ۲۶۷ ص ۸۶ ج ۱) هست.

(۱۶۴ + ۹ صفحه) — کاغذ فرنگی ـ جلد تیماج سرخ مقوایی

اندازه . ۱۹٫۵×۲۱٫۵ و ۱۱×۱۷ س ۱۳

المضنون (عربی)

[۳۰۰]

غزالی در « الاربعین فی اصول الدین » میگوید : اگربخواهید بآنچه درست و راست است بی هیچ آلایشی برسید باید ببرخی ازنگارشهای ما که بناشایستگان نباید نشان داد (بعض کتبناالمضنون بها علی غیراهله) بنگرید وکسی درخور دیدن آنهااست که درعلمهای ظاهری سرآمد ورهبر بوده وازدنیادرگذرد وحق رابخواهد وهوشمند و زیرك باشد (ص ۲۸ چاپ مصر ۱۳۲۸) ازاین سخن پیداست که مضنون یکی ودوتانیستند. اودرهمین اربعین وجواهرالقرآن وقسطاس مستقیم ومشکاةالانوارهم

برخی از رایهای نهانی خویش را آورد ولی دو کتاب بدین نام از او دانسته شده وچندبار بچاپ رسید یکی المضنون الکبیر که درچهار رکن است (خدا ـ فرشته ـ اعجاز ـ رستاخیز) دیگری المظنون الصغیر که ۱۹ پرسش و پاسخ است درروانشناسی عرفانی و «الاجوبة الغزالیه فی المسائل الاخرویة» نیز نامیده میشود . غزالی درپایان مضنون کبیر گوید : امید است که ازاین پس « المضنون به علی اهله » نیز بنویسم که بهتر از این خواهد بود زیرا دراین چیزهائی گفته‌ایم که در دیگر کتابها هم هست و چیزهائیکه جز درآن نیست و من خواسته‌ام درآن سخنانی بیاورم که درجائی نباشد مگر همان اشاره ها که در احیاء شده است (۱) . مانا این کتاب را غزالی درپایان زندگی میان ۴۹۵ و ۵۰۵ نگاشته است (متون ماسینیون ص ۹۳) .

---

۱ — هردو مضنون در کنار انسان کامل جیلی در مصر بسال ۱۳۱۶ ج ۲ ص ۵۵ و ۸۹ بچاپ رسید و نسخه ای از کبیر بنام رسالة الارکان بشماره ۲۰ ۴ ر ۶۳۴ و از صغیر بشماره ۶۰ ۴ / ۳۴ ۶ درمجلس هست (ج ۲ ص ۴۰۱) ابن رشد در تهافت التهافت (چاپ بویژ ص ۱۱۷ و ۲۴۵) میگوید که غزالی در مشکاة الانوار وجز آن درخداشناسی از فیلسوفان پیروی نمود. ابن طفیل در حی بن یقظان از دورای آشکار و نهان غزالی و کتابهای مضنون یاد کرد ولی محیی الدین درمسامره میگوید که مضنون و منهاج العابدین از شیخ ابی الحسن علی بن خلیل سبتی عارف است ازاینجاستکه سبکی درسر گذشت غزالی (ج ۴ ص ۱۳۱) گفته ابن صلاح را میآورد که «المضنون به علی غیراهله» را ساختند و بغزالی بستند چه درآن خدا قدیم وناآگاه ازجزئیات و بی‌صفت دانسته شده با اینکه غزالی چنین سخنان را کفر میداند . ابوبکر محمدبن عبدالله مالقی م ۷۵۰ ردی برمضنون نوشته است (نیز بنگرید به : شرح احیاء زبیدی ج ۱ ص ۴۴ و کشف الظنون ج ۲ ص ۴۵۱ و ۵۲۲) طرطوشی ومازری وابن سبعین غزالی را صوفی و فیثاغورسی و خواننده اخوان صفا گفته اند (متون ماسینیون ص ۱۳۰ و زبیدی ج ۱ ص ۹ — ۲۸) ابن تیمیه در رد منطقیان (۱۰۳ و ۱۹۵ و ۵۴۴) میگوید که غزالی در «الکتب المظنون بها علی غیراهلها» از ابن سینا پیروی نموده سخنان فیلسوفان صابئی را برنگ اسلام درآورده ودرآن گنجاند. همو در نقض المنطق ص ۵۳ـ۵۵ گفته که گرچه گروهی «المضنون به علی غیر اهله» را ازاو ندانستند ولی آگاهان میدانند که ازاو است و مانند سخنان دیگر او . ابن تیمیه درباره بدایة الهدایه غزالی هم میگوید که عزالدین فقیه آنرا ازوی ندانست (ص ۵۴) . یکی از خوانندگان رد منطقیان درحاشیه آن مینویسد که من «المضنون به علی غیراهله» راخوانده و کفرها درآن دیدم که اهریمن را یارای ساختن آنها نیست و آنرا با «الانسان الکامل» جیلی سوزاندم وازآتش آن نانی بختم وخوردم وازبیماری که دچار بودم رهیدم چه بااین کار بکیش اسلام کمک کردم (ص ۱۰۳ و ۱۹۵ هامش) ازهمه آنچه گذشت پیداست که غزالی را

بقیه حاشیه درصفحه بعد

[٤۳۹]

۴۰۲ این نسخه شماره ۲ دفتراست وبخط تعلیق گ ۵۲ الف و ب و چنین است :
« رای الحکماان الدار الجنة الجسمانیه بواطن الافلاك وقال الغزالی فی المضنون
اللذة المحسوسة الموعدة فی الجنان من اکل و شرب یجب التصدیق بها -
ولاتدرك بالفهم البشری وانماتدرك فی مقعد صدق عندملیك مقتدر . »
از رکن چهارم مضنون کبیردراینکه باید بخوشی‌های حسی باور نمود برابر با
آنچه در گوهرمراد فصل ۱۰ آمده است .

[۳۵٦] المظاهر الالهیه فی العلوم الکمالیه (عربی)

نگارشی است ازصدرای شیرازی در یك دیباچه ودوفن ویك خاتمه که در آن
آغاز وانجام را بروش فلسفی آمیخته با آیات واخبارشناسانده . این رساله در کنار
مبدء ومعاد شیرازی درتهران بسال ۱۳۱٤ بچاپ رسید .

[٤٤۰]

۱۰۳۰ این نسخه شماره ۱٤ دفتراست وبخط نسخ محمد مؤمن درتاریخ ۱۰۹٤
گ ۱۱۹ ب - ۱۵۸ ب .

بقیه حاشیه ازصفحه قبل
که او را دو گونه رای نهانی مضنونی بوده وبگواهی نگارشهای دیگر وی هیچ دورنیست
و آشکارا باشد چنانکه صدرای شیرازی درمبدء ومعاد ص۷-۲۹۵ میگوید : غزالی درآغاز
کار برای نگاهداشت دین یا ازترس ظاهریان، فیلسوفان را بدکیش خواند وتهافت نوشت
مگر اینکه درنهان چنین نمیاندیشید چه او درفیصل التفرقة بین الاسلام والزندقة (ص ٦۳
الجواهرالغوالی من رسائل الغزالی چاپ مصر ۱۳٤۳) میگوید که برای گفته‌های پیامبراگر
هستی پنداری‌هم بگوئیم بسنده است ودرشمار گرایندگان بدین خواهیم بود . دربیشترجاها
از فیلسوفان پیروی نمود و میگوید که احمد حنبل بعقلیات آشنا نبود و گرفتار تشبیه شد
واشعری ومعتزلی‌هم ازاینگونه سخنان نادرست دارند . دررکن ٤ فصل لذت محسوس بهشت
مضنون کبیر نیزغزالی چنین گفته وشیرازی پاره‌هائی ازسخنان اورا درهمانجا ص۱۲-۳۱۱
آورد (برابر ص ۵ - ۸٤ ج ۲ انسان کامل) فیاض لاهیجی درفصل ۷و۹و۱۰ باب ٤مقاله
سوم گوهرمراد پاره‌هائی ازمضنون کبیررا آورد (کنار ج۲ انسان کامل ص ۷۹و۸۱-۸٤
وس۸ص ۸٤ تا س ۵ ص ۸٦ برابربا آنچه که درنسخه ماهست ودرمبدء ومعاد شیرازی‌هم
آمد) باز بنگرید بگفتارمنتگمری وات W. M . Watt درباره صحت استناد نگارشهای
منسوب بغزالی درمجله آسیائی همایونی سال ۱۹۵۲ بخش ۱و۲ .

[٣٥٧] **المعاد (کتاب ...)** (عربی)

نگارشی است از شیخ رئیس با دیباچه وفهرست در ١٦ فصل که به «کتاب حال المعاد» و «احوال النفس» نیزخوانده میشود وشیخ آنرا برای دوستی (ملك مجدالدوله ودرری) درباره روان وماندن آن پس ازجدائی ازتن ودرباره رستاخیز نوشت. نخست ازشناخت روان ونیروها وکردارهای آن سپس از پایداری آن و از پیامبری وخواب راست ورستاخیز و پاداش وکیفر پس ازمرك گفتگو نمود درپایان میگوید: من تنها رازهای نهفته روانشناسی را دراینجا آوردم و بدانچه درگوشه دفترهای نهانی بوده است رهنمودم وبرخوانندگان روانیست که این دفتر رابکسانیکه شایستگی دریافت رمزها ندارند و ببدکاران نشان دهند و خدا را دراین باره داور خویش ساختم. بگفته قنواتی ش ٧٧ و ٢٠١ بیشتراین رساله ازنجات است (١).

آغاز: قال الشيخ الرئيس ابوعلی بن عبدالله بن سيناالبخاری جزاه الله خيرا: الحمدلله اهل كل حمد ... فهذه رسالة عملتها باسم بعض الخلص من الاخوان مشتملة على مخ مايؤدی اليه البرهان من امر النفس.

انجام: ثم حرمت على جميع من يقرأها من الاخوان (ان يبذلها) لنفس شريرة اومعاندة او يطلعها عليها او يضعها فی غير موضعها وجعلت الله خصمه عنی وهو (المسئول) التوفيق ان ينعم به والحق ان يهدی اليه وله الحمد على كل حال وصلوته على المصطفين من عباده و خصوصاً على صاحب شريعتنا محمد و آله المقتدين وهو حسبنا ونعم - تم كتاب حال المعاد.

[٤٤١]

٨٦١ این نسخه شماره ٩ دفتراست گ ٥٧ ب - ٧٦ الف. چهار نسخه ش ٧٠٣ تا ٧٠٦ درطوس هست.

[٤٤٢]

١٠٣٧ این نسخه شماره ٧ دفتر وبخط تعلیق وبیاضی میباشد گ ١٦٢ ب - ١٣٨ الف. رساله دراین نسخه بعبارت «فان عرض فی بعض الاوقات ملال و كلال فذلك

١- نیز نگاه به: بیهقی ٤٦ و ١٨٨ وخزرجی ج ٢ ص ٥ و ١٩ که از کتاب المعاد یاد کرده‌اند. قنواتی درش ٧٧ مینویسد که دکتر اهوانی بچاپ این کتاب می‌پردازد.

لاستعانة العقل بالخیال المستعمل الالة التی تکل ولا تخدم العقل » برابر باس ١٨ گ ٦٦ الف نسخه ٨٦١/٩ درفصل ٧ پایان میبابد و برگهای میانه‌هم باهم نمی‌پیوندند وگویا افتادگی دارد.

[٣٥٨] **المعارف الالهیه** (عربی)

پیر زاده محمد رفیع شاگرد ملا رجبعلی تبریزی م ١٠٦٥ دیری نزد استاد ٥ شبانه روز بسر برد تا اینکه او پیرشد ودیگر نمی‌توانست چیزی بنویسد وبشاگرد دستورداد تادرطبیعی والهی نگارشی سازد او بدین کار پرداخت وپاره‌ای را نوشت و باو نشان‌داد. استاد آنرا پسندید والمعارف الالهیه نامید. بخش یکم آن دارای دیباچه‌ای است در منطق و مقدمات حکمت و سه مقاله (امور عام و خدا ـ کلی وجزئی ـ علتها ومعلول) بخش‌دوم در گوهرها وعرضها است که‌ننوشت. اودراینجا ١٠ هستی‌رااعتباری‌نمیداند.

آغاز : بسمله و به ثقتی الحمدلله الذی لااله الاهو عالم‌الغیب والشهاده . . . الذی انحصرت الاوصاف عن کنه معرفته . . . فیقول . . . پیرزاده محمدرفیع انی لما وفقنی‌الله تعالی لخدمة . . . مولانا رجبعلی قدس‌الله سبحانه روحه وسره .

انجام : ولما استوفیناالکلام فی‌الجزء الاول من‌المعارف الالهیة . . . فیجب ١٥ لنا ان نتکلم فی‌الجزءالثانی منها وهوالاعراض ثم‌الجوهر انشاءالله تعالی .

[٤٤٣]

٢٩٠ این نسخه شماره ١ دفتراست و بخط تعلیق خوش باعنوانها درمتن وهامش بشنگرف ازابوصالح حسینی مشهدی درمدرسه فخریه سپاهان بسال ١٠٩٨ ٢٠ گ ١ ب ـ ١٤٧ ب .

[٣٥٩] **معراج (رساله ...)** (عربی)

امام فخرالدین تبرستانی رازی دراین نگارش ازمعراج گفتگوکرد ودرپنج فصل با نظمی بسیار نیکو مسئله را طرح نمود و دلیلهای دودسته را آورد و خود بمعراج جسمانی گرائید ودلیلها وگواهها وحکمتها و سودهای فراوانی برای چنین

معراجی یاد نمود و گاهی شعر پارسی برزبان راند (۱).

آغاز: باب فی المعراج وفیه فصول. الفصل الاول فی بیان امکانه. اعلم ان المعراج له مرتبتان معراج من مكة الی بیت المقدس ومعراج من بیت المقدس الی السموات.

انجام: لان المعنی ان ما هوالمطلوب الاصلی یحصل فی الصلوة والمطلوب ۵ الاصلی هوالقرب من الله تعالی.

[٤٤٤]

۱۰۳۵ این نسخه شماره ۱ دفتر است و بخط شکسته تعلیق باعنوانهای شنگرف ص ۸۱–۸۸

[۳٦۰] **معراج السلامه ومنهاج الكرامه** (عربی)

نگارشی است از جمال الدین علی بحرانی (ص ۱۸۰ این فهرست) درباره ۱۰ بود و هستی خداوند و بدرخواست یکی از شناختگان، گفتار یکی از دانشمندان روزگار خویش را درآن روشن میسازد. او هستی را مشترك معنوی و کلی مشکك میداند.

آغاز: اللهم یا وحدانی الذات ویا کمال الذات ویا متم الناقصات... وبعد فقد سألنی بعض الخواص الخلاص.. ان ابین قول بعض علماء الزمان... فیما یتعلق ۱۵ بوجود واجب الوجود.

انجام: ولم یتسع الحال الی اظهار تلك الاسرار ولا لابراز تلك الاغوار وعلی الله قصد السبیل... ان آمنوا بربکم فامنا ربنا فاغفر لنا ذنوبنا وکفی.

---

۱ — ابن تیمیه در نقض منطق (ص ٥۳) ورد برمنطقیان ص ٥٤٥ میگوید که امام رازی بپیروی از ابن سینا وعین القضاة همدانی حدیث معراج را در «تفسیر حدیث المعراج» ۲۰ چنان آورد که درهیچ یك از نگارشهای اسلامی نیامده وآنرا بسیار دراز با نامهائی شگفت انگیز و ترتیبی دیگر یاد نمود - اینگونه که او آورده است ساخته برخی از پرسندگان و کوی گردان یا دسته‌ای از اندرزگران اهریمن خوی یا گروهی از زندیقان میباشد. تازه رازی چنین حدیث را با سخنان صابیان گمراه وستاره شناس وفیلسوفان بیامیخت ورازی میدانست ۲۵ که نباید آنرا بهر کس گفت. دانشمندان ازاین نگارش درشگفت شدند وبرخی آنرا از رازی ندانستند تا اینکه دیگران نسخه خط یکی از بزرگان آشنای برازی را بدانها نشان داد. او این تفسیر را در «المطالب العالیه» که سخنان متکلمان وفیلسوفان را درآن آورد گنجاند.

[٤٤٥]

١٠٢٢ این نسخه شماره ۳ دفتر است و بخط نسخ آملی نزدیك ٧٦١ گ ٨٥ الف – ٩٠ب

[٣٦١] معراجنامه (فارسی)

شیخ رئیس هنگامیکه نزد علاء الدوله میرفت درباره معراج باهم گفتگو
میکردند واین رساله را بدستور اوودرخواست دوستان نوشت ودردیباچه درسه جا ٥
از وی بعبارت (خدمت عالی علائی - ذات شریف علاءالدوله - مجلس عالی) یاد
نمود. شیخ داستان معراج را بروش فلسفی حل نموده واین سخنان را بدومی سپرد
و میداند که با آشکار ساختن آن برای او، آزاری نخواهد دید. او نخست بروش
فیلسوفان از پیامبری سخن رانده سپس بمعراج می‌پردازد و آشکارا آنرا روحانی
وعقلی میداند (گ ٨٨ ب) نه جسمانی حسی و دلیل برای آن میآورد. آنگاه ١٠
رمزهای آنرا تفسیر بباطن میکند ودستورمیدهد که ازنادانان دریغ دارند وگوهر
زیرپای خوگان نریزند پس از این خبر معراج را از گفته پیامبر بند ببند میآورد و
تأویل میکند درپایان نیزمیگوید که «روانیست این کلمات را بجاهل وعامی دادن»

آغاز: سپاس خداوند زمین وآسمان را، ستایش دهنده جانرا ... بهروقت
عزیزی از دوستان ما درمعنی معراج سئوالها میکرد و شرح آن برطریق معقول ١٥
میخواست ومن بحکم خطر محترز میبودم چون درینوقت بخدمت عالی علائی رسیدم
اینمعنی بروعرضه کردم موافق افتاد واجازت داد در آن خوض گردد.

انجام: که برخورداری ازین جز عاقلانرا نیست برمز این کلمات حقیقی.
ایزد تعالی توفیق راست گفتن وراست دانستن ارزانی دارد. تم

این رساله درچاپخانه عروةالوثقی در رشت بسال ١٣١٢ خ بچاپ رسید و با ٢٠
نسخه ما اندك اختلاف دارد.

سید داماد درصراط مستقیم این رساله را ازشیخ دانسته وعبارتی را آورد
(ش ٢٧٩/١ گ ٤ الف) که در ص ١٥ چاپی دیده میشود. قنواتی در ش ٢٨٥ از آن
یادنمود وشکی که ریو **Rieu** دربودن آن ازشیخ کرده وعلاءالدوله را مرشد دینی
پنداشته آورد. بیهقی وخزرجی یادی ازاین رساله نکردند. تنهاچلبی در کشف‌الظنون

از آن یاد نمود. دو نسخه‌ش۱۰۱۳ که کهنه‌است وش۱۰۱٤ درطوس هست (ج٤ص۲٤۸).

[٤٤٦]

۲٥۳ این نسخه شماره ۱۹ دفتر است و بخط تعلیق حیدر کرکی نزدیك ۱۰۷٦ با عنوانهای شنگرف و خبر معراج بفارسی و بشنگرف نوشته شده گ ۱۱٥ب ـ ۱۲۹ ب.

[٤٤۷]

۸٦۱ این نسخه شماره ۱۱ دفتراست و بخط نسخ نزدیك۱۲۸۳ گ۸۳ب‌ـ۹٤ الف.

[۳٦۲] معلقات تقویم الایمان (عربی)

میرداماد برتقویم‌الایمان یاتصحیحات وتقویمات خودتعلیقهائی بدین نام نوشت

۱۰ واین را دردیباچه همین معلقات آشکارا گفت. درذریعه (ج ٤ ص ۳٦٤) میگوید که دامادديباچه‌ای بنام تقدمة تقويم‌الايمان وشرحی نیزبر آن تقدمه نگاشته‌است. دراین معلقات بندهائی از دیباچه تا عبارت (فی حدیث افتراق الامة) از آغاز تقدمه کتاب تقويم‌الايمان را آورده وروشن ساخت سپس باثبات امامت علی (ع) پرداخت و بیشتر کتاب درهمین است. دو آن ازصراط مستقیم (گ ۷ ب) وخلسةالملكوت

۱٥ (٦۷ ب) و تعالیق فقهی او (۱۰۲ الف) و صحف حکمی او (٦۷ الف و ۸٦ ب) و کره وارسطوانه ارشمیدس ودرةالتاج شیرازی واز مؤیدالدین عرضی (۸٤) و از سلم‌السماء مهندس کاشانی (۸٥ الف و ۸٦ الف) درجائیکه خبری میآورد وتحقیق ریاضی میکند یاد میشود.

آغاز: بسمله والاستيفاق من العزيز العليم والثقة بالعلى العظيم الحمدلله

۲۰ رب‌العالمين . . . وبعد فاخلاءالحقيقة هذه معلقات على كتاب تقويم‌الايمان وهو كتاب التصحيحات والتقويمات الذى فيه تسوية الفلسفة الايمانية و تقويم الحكمة اليمانية وتتميم‌المعرفةالبرهانيه فى‌الشطرالربوبى.

[٤۸۸]

۳۷۲ این نسخه ازبرك ۳ تا برك ۱۰٤ الف این دفتر وشماره دوم آن است وشماره یکم آن تقويم‌الايمان میباشد و بخط نسخ با عنوانهای شنگرف و حاشیه‌هائی ازمیرداماد درهامش هست که به (منه دام ظله‌العالی) یا (منه قدس سره) پایان

میبابد ومیرساند که درروزگار او و پس‌ازاونوشته شده است .

نسخه بانجام نمیرسد و پایان آنچه که هست این است : بثلث من غیرتوسط احد واستحسنه شیخناالشهید از «تنبیه ماخطب اقوام من‌العلماءالجمهوریة یرون هذه‌الانوار ویروون هذه‌الاخبار »

۵ نسخه‌ای ازاین درطوس (ج ۱ ش ۱۱۰ ص۳۷) هست . سیداحمد عاملی برتقویم الایمان شرحی نوشت که دونسخه درطوس (ج ۱ ش ۲۲۲ و۲۲۳ ص ۹-۶۸) هست .

[۳۶۳] المفید المستفید (فارسی)

این کتاب فلسفی که ازروی تنهانسخه کتابخانه سلطنتی درتهران بسال۱۳۱۰ خ درچاپخانه ارمغان بچاپ رسید از باباافضل کاشانی دانسته شد .

۱۰ [۴۴۹]

این نسخه در ص ۳۱۶ دفتراست و چنین است آغاز و انجام آن : « هومن

۱۰۳۵ امام محمد غزالی . باب دوم از کتاب مفیدالمستفید درشناختن چسم و جان بباید دانست . . . الا آن بود که صیاد را چون دام نماند صید نتواند کرد جز آنکه صید کرده است » برابر با ص ۲۷ تا س ۶ ص ۲۸ چاپی . سپس نویسنده

۱۵ میافزاید : «ومثالهای دیگرهست باختصار گرایدم» پیداست که نویسنده نسخه (نزدیك ۱۰۹۷) این کتابرا ازغزالی میدانست .

[۳۶۴-۳۷۲] مقالات اسکندر (عربی)

اسکندر افرودیسی دمشقی (زاده در افرودیسیاس که شهریست در کاری) فیلسوف سده‌دوم و آغازسده سوم‌ازبهترین شارحان سخنان ارسطومیباشد وشاگرد

۲۰ هرمینوس و اریستوکلس بود . او با جالینوس (۱۳۱ ـ ۲۱۰) گفتگوها داشت ودرانجمنی که بنیاد گذارده بود بمردم فلسفه میآموخت .

بسیاری‌از نگارشهای‌او بتازی درآمد و خزرجی (ج۱ ص ۶۹) چهل ونه کتاب ازاونام میبرد . (۱) ازاو۹ گفتاردراین کتابخانه‌هست که اکنون یادمیگردد :

---

۱ ـ ابن‌ندیم ۱۵ گفتار وقفطی ۱۱ گفتار ازاسکندر یاد کردند ودردفتر ش ۷۹۴

۲۵ اسکوریال نزدیك به ۱۷ گفتار اوهست وبدوی درارسطو عندالعرب ده‌گفتار اورا بچاپ رسانده وبسیاری ازنسخه‌ها که اکنون هست درفهرست خزرجی نیامده است (ص ۵۱ - ۶۱ دیباچه بدوی) درجنك شماره ۲۹۱۲ سپهسالار شماره‌های ۱و۳و۴و۵و۷و۸ این کتابخانه و ۵ مقاله دراینکه اضداد اوائل اشیاء است واینکه انسان گرامی‌ترین چیزی‌استکه نیروی خدائی جسم‌آنرا هستی می‌بخشد واینکه هیولی جز جسم‌است ودرباره جسم مکون ودرباره

۳۰ صوت دیده میشود .

۱ـ مقالة فی اثبات الصور الروحانیة التی لاهیولی لها .

اسکندر دراین گفتار که ابوعثمان دمشقی آنرا بتازی در آورد روشن میسازد که با بازگشت بخود وازروی خودآگاهی میتوان پی بتجرد روان برد وصورتهای بی هیولی را با این دلیل ثابت میکند . عبارت « کل من راجع الی ذاته فهو روحانی » آغاز را صدرای شیرازی درمبدء ومعادخود ص ۲۰۸ پایه برهان حضوری مباحث شیخ برای تجرد نفس دانست و آنرا گفته ارسطو در کتاب نفس پنداشت . اسکندر دراینجا از برهان « کل عاقل مجرد و کل مجرد عاقل » گفتگومیکند و نامی از ارسطو در آن نمیبرد ومانا از افلاطون بیشتر پیروی نموده است (دیباچه بدوی ص ٥٤) .

آغاز : قال الاسکندر ان کل مارجع الی ذاته فهوروحانی غیرجرمی ولایمکن شی من الجرمیة ان یرجع الی ذاته .

انجام : وهی صور فقط لیس فیهـا شیء من الهیولی . تمت مقالة الاسکندر الافرودیسی فی اثبات الصور الروحانیة التی لاهیولی لها والحمدلله علی ذلك .

[٤٥٠]

این نسخه شماره ۷ دفتراست و بخط تعلیق ازروی نسخه تاریخ ١٢٦٦ ص ١ـ٤

۳۸٤ این گفتار درارسطوعندالعرب ص۲ـ۲۹۱ بچاپ رسید و نسخهٔ آن دراسکوریال ۷۹٤/۹ هست (دیباچه بدوی ص ٥٦) و خزرجی ص ۷۱ ج ۱ ازآن یاد نمود ودرهمه اینهاچنین نامیده شده است : « مقالة فی اثبات الصور الروحانیة التی لاهیولی لها »

۲ـ مقالة فی تثبیت العلة الاولی .

اسکندر دراین گفتار روشن ساخت که نخستین علت یگانه و یکتا است .

آغاز : بسمله . قول استخرجه الاسکندر من کتاب اثولوجیـاء الربوبیة فی تثبیت العلة الاولی . قال ان کل کثرة الواحد موجود فیها لامحالة .

انجام : فقداستبان الان وصح ان العلة الاولی هی واحدة فقط وان سائر الاشیاء بما هی واحدة من اجل . . . (دو کلمه بریده شده) لامن ذاتها لانها فی ذاتها کثیرة . کمل القول . تمت بعون الله تعالی .

[٤٥۱]

۳۳۹ این نسخه شماره ۲۹ دفتر است و بخط تعلیق گ ۸٦ الف .

خزرجی در پایان ص ۷۰ ج ۱ از «مقالة فیما استخرجه من کتاب ارسطوطالیس الذی یدعی بالرومیة ثولوجیا و معناه الکلام فی توحیدالله تعالی» یاد نمود و در نسخه ش ۷۹٤/۲۲ اسکوریال «کتاب فی التوحید» آمده و چنین گفتاریرا هم ژرارد کریمونی ۵ بلاتینی نمود که آنرا دو بخش میتوان کرد و ازاسکندر و کندی هردو دانسته شده (نسخه ش ٦٤۷۳ لاتینی پاریس و ش Angelica H lo n . II دررم - ص ۵۸ دیباچه بدوی) باید دید که نسخه ما همان است یا نه .

۳ـ مقالة فی الزمان .

خزرجی (ج ۱ ص ۷۰) ازاین گفتار یاد نمود وژراد کریمونا آنرا بلاتینی ۱۰ درآورد (۱) .

آغاز : بسمله وحمد وصلوة (دو سطر سفید است) قال انه کما ان العسرة من اقاویل من خلفنا من المکان هوقول من زعم انه ذو ثلثة ابعاد فکذالك العسرة الملِ (؟) هوقول من زعم فی الزمان انه لیس الفلك ولاحرکته ولاعلة حرکة الفلك .

انجام : فاما فی نفسه فهو واحد دائم متصل علی حال واحدة ـ تمت مقالة ۱۵ الاسکندر فی الزمان بحمدالله وعونه وصلوته علی محمد وآله وسلم .

[٤٥۲]

۲۵ ٤ این نسخه شماره ۲ دفتر وبخط عباس حکمت با مقابله جناب آقای مشکوة بتاریخ ۱۳۱٦/۲/۸ خ درروبه برگها - گ ۱ الف ـ ۲۵ الف ـ نسخه‌ای ازاین دراسکوریال ۷۹٤/۱۹ هست . ۲۰

(همه دفتر ۱۳۱ گ) ـ کاغذ فرنگی ـ جلد مقوا با کاغذ ابری قرمز منقش

اندازه : ۱۰×۱٦ و ۹×۱۲ س ۷

٤ـ مقالة فی العقل علی رای ارسطوطالیس .

---

۱ ـ دکتر بدوی در ص ۵۷ دیباچه ارسطوعندالعرب میگوید که بیرونی در «هند» ۲۵ (ترجمه انگلیسی ج ۱ ص ۳۲۰) ازآن یاد نمود . ولی درمتن تازی آن ص ۱٦۳ سخنی از اسکندر آمده که دراین مقاله نیست و یادی ازاین مقاله هم نمیشود .

ارسطو در فصل ٥ دفتر ۳ کتاب نفس (بند ٤۳۰ الف س ۱۰ـ۱۹) از عقل هیولانی ومنفعل وفاعل وفعال یادنمود (۱) ونیزدرفصل ۸ دفتر لام الهی ازخردهای آسمانهاگفتگو نمود. اسکندر کتابی در نفس بنام « پری پسوخس » نگاشته است وبخشی‌از آن‌بنام « De intellctu et intellcecto » ازتازی بنام « فی‌العقل والمعقول » بلاتینی در آمد. این متن تازی در دسترس آلبینوناژی و ا. ژیلسون E. Gilson وابوریده‌چاپ کنندرسائل کندی نبوده وآنها نتوانستند درباره‌ریشه مبحث‌چهارعقل‌فیلسوفان‌خاوری‌درست‌سخن‌برانند. اسکندردراین‌رساله که‌ترجمه تازی آنرا می‌نگریم وبا ترجمه لاتینی نیز تااندازه‌ای برابراست عقل را سه بخش میکند هیولانی‌وبالملکه وفعال وماناميخواهد سخن ارسطورا تفسیر کند اودراینجا عقل فعال‌را خارج ازنفس‌والهی نشان‌میدهد. دراین‌متن هیچ‌یادی‌ازاریستوکلس Aristocles استاد او که Gilson ازروی ترجمه‌لاتینی یادمیکند ومیگوید که اسکندربخشهای‌سه گانه‌عقل‌را ازاوگرفته‌است نمیشود وهمه‌سخنان او درپیرامون گفتار ارسطو است. شاید کلمه اریستوکلس در ترجمه لاتینی تحریف کلمه (ارسطاطالیس) باشد ومترجمان‌لاتینی ازتازی ازاینگونه تحریفها بسیارداشتند.

این ترجمه تازی ازاسحق‌بن حنین‌است. درابن‌ندیم ص ۳٥٤ کتاب‌الفصل (؟) علی رای ارسطالیس و کتاب‌النفس مقالة ودر خزرجی ج ۱ ص ۷۰ مقالة فی‌العقل علی رای ارسطوطالیس و نیز کتاب‌النفس مقالة یاد شد.

چندین‌نسخه ازاین‌ترجمه تازی درتهران هست دردفترشماره۲۹۱۲کتابخانه مدرسه سپهسالار (برگهای ۱۷۹ـ۱۸۱) که نسخه کاملی است و از آن پیداستکه

۱ — دیده شود : ترجمه فرانسوی تریکو ازاین کتاب نفس ص ۱۸۱ چاپ پاریس بسال ۱۹٤۳ و ترجمه تازی آن از اهوانی و قنواتی ص ۱۱۲ چاپ مصر بسال ۱۹٤۹ و دیباچه ابوریده بررساله (عقل کندی) دررسائل‌فلسفی کندی‌چاپ مصربسال ۱۹٥۰ ص ۷-۳۳٤ که این بند را از یونانی بتازی درآورد و ترجمه پارسی باباافضل کاشی از ترجمه گزیده حنین بن اسحاق از کتاب نفس ارسطوچاپ تهران بسال ۱۳۱٦ خ ص ٥٥ .

دو نسخه‌ها ازمیان افتاده دارد دیگر در دفتر شماره $\frac{۶۳۴۲,۸}{۹۰۱۴}$ کتابخانه مجلس شورای ملی تهران (ج ۲ فهرست آنجا ص ۳۹۶) ۳ـ در دفتر شماره ۱۳۶۷ (رساله ۱۰) همان کتابخانه از کتابهای بخشیده آقای طباطبائی . در طوس هم نسخه بشماره ۱۰۲٤ (ج ٤ ص ۲۵۲) هست. چنانکه عبدالرحمن بدوی در دیباچه ارسطو عندالعرب ؟! ص ۵۷ دیباچه می‌نویسد در کتابخانه اسکوریال اندلس (فهرست کاسیری Casiri ۲٤۲:۱)در دفتر شماره ۷۹٤/۱۳ رساله‌ای بنام(مقالة فی العقل علی رای ارسطوطالیس میباشد که اسحق بن حنین آنرا ترجمه کرد وتعلیقی‌ای هم خودبر آن نوشت.

صدرالدین شیرازی این رساله اسکندررا بهمان اندازه‌ای که در نسخه‌ماهست دراسفارخویش درفصل ۲٤ طرف ۱ مرحله ۱۰ (ج ۱ چاپ ۱۲۲۲ ایران ۱۱ برك مانده بپایان) آورد (۱) .

سخن دراین است که دانشمندان خاوری ازکجا ببخشهای چهارگانه عقل پی بردند بااینکه اسکندرسه بخش بیشتر نیاورد . اگر بسخن ارسطودرست بنگریم خواهیم دیدکه ریشه سخنان آنها همان گفته اواست و این فیلسوف درهمان بند یادشده از کتاب نفس گرچه بکوتاهی پرداخت ولی شالوده این بخشهای چهارگانه را ریخته است .

۱ــ کندی بغدادی دررساله عقل خویش آنرا برخلاف اسکندرچهار گونه دانست . فارابی دررساله عقل نیزآنرا بچهاربخش نمود . شیخ رئیس درنفس شفا (فصل ۵و۶ مقاله ۵ ص ۳۵۶ـ۳۶۱ چاپ تهران) ودرفصل ۲ رساله نفس عربی (برگهای ۱٤۹--۱۵۲ نسخه شماره ۱۰۳۷ دانشگاه) ودرمبدء و معاد (فصل ٤ مقاله ۳ دربرك ٤٦ نسخه شماره ۸۶۱ دانشگاه) ودراشارات نمط ۳ بند ۱۱ که درآن مانند اثبات‌النبوه ٤ عقل را بایه نورتاویل نمود ودرنجات ص ۱۶۸ ــ ۱۹۳ نیز ازبخشهای عقل گفتگونمود وازسخنان اوچنین برمیآید که اگرنفس چیزی را درنیابد عقل هیولانی و اگر معقولات نخستین را بداند عقل بملکه واگر معقولات دوم را دریابد و بدان ننگرد عقل بفعل واگر بدانها بنگرد مستفاد نامیده میشود وعقل فعال آنست که آنرا ازقوت بفعل رساند .

ابن‌رشد اندلسی در کتاب نفس (ص ۷۹ــ ۸۶ چاپ هند بسال ۱۳۶۶) بعقل مستفاد اسکندر اشاره کرده ازدرجات عقل یاد نمود وهمچنین در کتاب حس ومحسوس خود . متن عربی عقل ومعقول ابن رشد دراسکوریال بشماره ۸۷۹ هست (لطفی جمعه ص ۱۵۰) .

ابوالفرج بن‌الطیب دررساله کوتاه خود (نسخه شماره ۲۵۳۰ این کتابخانه برك ۱۰۲ب) هم ازبخشهای عقل یاد نموده است .

آغاز : مقالة الاسكندر الافريدوسی فی العقل علی رای الحکیم ارسطوطالیس ترجمه اسحق بن حنین. العقل عند ارسطوطالیس علی ثلثة اضرب.

انجام : ولایکتسب لانه کذلك کان لماصارفینا ـ تمت المقالة بعون الله وحسن توفیقه والحمدلله رب العالمین (۱).

۵

[٤٥٣]

۲۵۳ این نسخه شماره ۹ دفتری است که دارای ۲۲ رساله میباشد و بخط نستعلیق ریز از برك ۸۰ (ب) تا برك ۸۱ (ب) میباشد و بخط حیدر بن علی بن اسمعیل بن عبدالعالی هاشمی کرکی عاملی که این دفتر را بسال ۱۰۷۵ و ۱۰۷٦ نوشته است :

۱۰

[٤٥٤]

۳۳۹ این نسخه شماره ۲۰ دفتر است و درگ ۷۵ نوشته شده و بخط شکسته تعلیق است.

نسخه‌ای ازاین گفتار در اسکوریال (ش ۷۹٤/۱۳ ـ دیباچه ارسطو عندالعرب ص ۵۷) و مجلس (ش ٦۳٤/۸) هست.

۱۵ ۵ـ مقالة فی ان القوة الواحدة یمکن ان یکون قابلة للاضداد.

دراین گفتار که ابی عثمان دمشقی آن راترجمه نمودرأی ارسطو دراینکه یك نیرو چند ضد را شاید بپذیرد روشن میگردد.

آغاز بسمله. مقالة الاسکندر فی ان القوه الواحدة یمکن ان یکون قابلة للاضداد جمیعا علی رأی ارسطو. قال الاسکندر ان ارسطو ذکر فی کتابه فی الکون

۲۰ والفساد ان القوه الواحدة یمکن ان یکون قابلة للاضداد جمیعا. فنرید ان نلخص قوله ونبینه ونوضحه فنقول.

انجام : وصح ان القوة القابلة للاضداد لیست متضادة لانها یمکن ان یکون

۱ـ چنانکه یاد شد هردونسخه این کتابخانه ازمیان افتاده دارد ودرنسخه سپهسالار نزدیك بدوصفحه از قطع بزرك می‌بینیم که دراین دونسخه نیست واین افتادگی دربحث از

۲۵ عقل سوم میان دوعبارت (والمعلوم الذی بالفعل انماهو) و(فی الکل وهذاالعقل امان یکون هووحده) میباشد. شگفت اینست که این افتادگی درنسخه‌چاپ شده دراسفارهم هست.

معا . تمت المقاله .

[٤٥٥]

این نسخه شماره ۳ دفتر است و بخط تعلیق نونویس از روی نسخه تاریخ ۱۲۶۶ ص۱-۲- بدوی این گفتار را درارسطوعندالعرب ص ٥-٢٨٤ بچاپ رساند ونسخهٔ آن دراسکوریال ش ۷۹٤/۱٦ هست (ص ٥٧ دیباچه بدوی) وخزرجی نیز در س ۸ از پائین ص ۷۰ ج ۱ ازآن یاد نمود . ۳۸٤ ٥

٦- مقالة فی المادة والعدم والممکن .

دراین گفتار از پیدایش چیزها گفتگومیشود .

آغاز : بسمله . مقالة الاسکندرفی المادة والعدم والکون وحل مسئلة اناس من القدما ابطلو بهاالکون من کتاب ارسطاطالیس فی سمع الکیان . قال ان الحکیم ذکرفی کتابه المسمی السماع الطبیعی فی آخر المقالة الاولی ان اناسامن القدماء ابطلو الکون لشك اتوبه : وهوان قالواان کل متکون اماان یکون من شی واماان یکون من لاشیء . ۱۰

انجام : فقد استبان وظهر کیف یکون المکون وای شیء الهیولی و ای شیء (الکون) وان الکون یکون منها اضطراراعلی ماقاله الحکیم . تمت بعون الله تعالی . ۱٥

[٤٥٦]

این نسخه شماره ۲۷ دفتر وبخط تعلیق گ ۸٤ الف و ب میباشد . خزرجی ازهمین گفتار یادنمود (ج ۱ ص ۷۰ س ازپائین) ونسخهٔ آن دراسکوریال ش ۷۹٤/۱۱ هست . ۳۳۹

۷- مقالة فی القول فی المبادی الکل علی رأی ارسطوطالیس . ۲۰

این گفتار را یکبار حنین بن اسحق از یونانی بسریانی و ابراهیم بن عبدالله ترسای نویسنده نیمه نخستین سده چهارم از سریانی بتازی درآورد و آن از روی نسخه تاریخ ۸٥٥ از روی خط توما درارسطو عندالعرب بچاپ رسید . باره دیگر سعیدبن یعقوب دمشقی گزیده‌ای ازآن را بتازی کرد و بگواهی دو نسخه ما آنرا بپایان نرساند . ۲٥

اسکندر دراین گفتار ازجنبش وتعقل سخن میراند و روشن میسازدکه دانا

ودانسته یکی هستند (ص ۲٦۹ چاپی) و درپایان از نظم و خداوند جهان و علت اختلاف رایها یادمیکند درچند جا سخنان خویش راگرفته ازارسطو نشان میدهد.

[٤٥٧]

۲۵۳ این نسخه شماره ۱۰ دفتر است و بخط تعلیق کرکی گ ۸۲ ب ـ ۸٦ الف وچنین است:

«قال لما تاملت الفحص الذی مخرجه مخرج التوبیخ الجمیل وقعت من التوبیخ اللطیف الموقع منی علی الفحص الکائن عما اکتب الیك فیما التمسته منی و انت بمعرفة ماسئلت عنه من ذلك لیس بدون احد من الناس لم اتکاسل عن اظهار اعتقادی فیها لك عند مسئلتك ایای ذلك و مثلت القول فی المبادی الاول علی رای ارسطالیس ـ والا فقد
۱۰ یجوزان یکون حرکة المحرك التی یتحرکها المتحرك حرکة ازلیة فاما ای صنف من اصناف حرکة یتحرك عنه الجسم المستدیر و لم صارت اختیارات اصناف حرکة الجسم المستدیر فهل لتلك الاجسام بالجملة اختیار تام اومعرفة بالاشیاء التی یتکون فی المواضع التی دون القمر بسبب حرکتها ام لا فالاقاویل التی یمکن ان یقال فی هذه الاشیاء کثیرة. هذا آخر ماوجد (من) هذه المقالة من نقل سعید بن یعقوب الدمشقی. والحمدلله رب العالمین وصلی الله علی نبیه محمد و آله اجمعین تم»
۱۵ برابر باس ۱۸ ص ۲٦۰ چاپی. این نسخه ترجمه ابوعثمان سعید بن یعقوب دمشقی است که ازمترجمان خوب بغداد بودو بیمارستانهای بغداد ومکه مدینه را بسال ۳۰۲ دردست داشت وچندین کتاب پزشکی وفلسفی ومنطقی ترجمه کرد (ارسطو عندالعرب دیباچه ص ۵۲ ـ خزرجی ج ۱ ص ۲۳٤) نسخه‌ای ازاین ترجمه درمجلس (ش ۹ر٦۳٤ / ۹۰۱٤ ص ۳۹٦ ج ۲) و طوس (ش ۱۰۲۸ ص ۲۵٤ ج ٤) هست و نسخه اسکوریال ش ۷۹٤/۱۲ را پیدا نیست کی
۲۰ ترجمه کرده است (بدوی دیباچه ص ۵۷).

[٤٥۸]

۳۳۹ این نسخه نیز ترجمه سعید است وشماره ۲۱ دفتر وبخط تعلیق شکسته گ ۷۵ ب ۷۸ الف ومانند شماره بالا وعنوان آن چنین است: «مقالة الاسکندر الافرودیسی فی القول فی مبادی الکل بحسب رای ارسطوطالیس الفیلسوف».

۲۵ [٤٥۹]

٤۳٤ این نسخه ترجمه ابراهیم است بخط تعلیق تازه ودر رویه ۳۸ برگ نوشته شده وچنین آغازمیشود: «انی لما تاملت الفحص الذی مخرجه مخرج التوبیخ الجمیل عن الاشیاء التی کنت کتبت الیك جوابا عما سألت اذکانت معرفتك بصعوبة الامر»

برابر با آغاز چاپ بدوی ص ۲۵۳ و بدین عبارت « وهذا هوالسبب فی بقائهاوثباتها و لزومها للموضع الذی یخصها وان من الاشیاءالتی فیها ماهو فاعل » برابر با س ۸ ص ۲۷٤ چاپی میانجامد و نزدیك بچهارصفحه آنرا ندارد . عنوان آن مانند بالا است .

(۳۸ گ) ــ کاغذ فرنگی ــ جلد : با شماره ۴۳۲ یکجا تازه جلد شده .
اندازه : ۱۸×۵ر۲۲ و ۱۴×۱٦ س ۹

۸ـ مقالة فی ان النشوء والنماء یکونان فی الصورة لافی الهیولی .

اسکندر در این گفتار که ابی عثمان دمشقی بتازی در آورد خرده گیری را که از ارسطو کرده اند رد میکند و روشن میسازد که صورت میروید و می بالد نه هیولی .

۱۰ **آغاز** : قال الاسکندران ارسطوطالیس ذکرفی کتاب الکون والفسادان النشو والنما یکونان فی الصورة لافی الهیولی .

انجام : فقد اتضح قول الفیلسوف ان النشو یکون فی الصورة لافی العنصر تمت المقالة بعون الله تعالی وحسبنا الله ونعم الوکیل .

[٤٦۰]

۱۵ **۳۸٤** این نسخه شماره ۲ دفتر است و بخط نعلیق نو نویس ازروی نسخه تاریخ ۱۲٦٦ نوشته شده ص ۱ـ۲ـ نسخه ای از آن دراسکوریال ۷۹٤/۱۰ وچهار نسخه ازترجمه لاتینی آن درپاریس و کامبریج هست (دیباچه بدوی ص ٥٦) .

۹ـ مقالة فی الهیولی وانها معلولة ومفعولة .

دراین نگارش روشن میشود که هیولی علت نیست ومعلول است .

۲۰ **آغاز** : قال الاسکندران کل کائن بالقوةانمایکون بالفعل من آخرهو بالفعل .

انجام : واستبان ان الهیولی الاولی معلولة مفعولة فانها قابلة للصور بلاحرکة

[٤٦۱]

۳۳۹ این نسخه شماره ۱۳ دفتر است و بخط تعلیق گ ٦۹ ب . نسخه ای از این دراسکوریال ش ۱۵ ۷۹٤ هست (بدوی دیباچه ص ۵۷) و خزرجی (ج ۱ ص ۷۰ س ۲۵) هم ازآن یاد نمود وعنوان آن دراینجا چنین است : « مقالة فی الهیولی وانها معلوله مفعولة» ولی در نسخه ما عنوان چنین است : « مقالةالاسکندر الافریدوسی فی الهیولی وانها مفعولة » ۲۵

[۳۷۳-۳۷۵] **مقالات سگزی** (عربی)

از ابوسلیمان محمدبن طاهر فرزند بهرام سگزی (۱) فیلسوف منطقی سده چهارم سه گفتار دراین کتابخانه هست.

۱- مقالة فی ان الاجرام العلویه ذوات النفس الناطقه.

سگزی دراین گفتار روشن میسازد که جرمهای آسمانی جاندار و زنده‌اند.

آغاز: بسمله و به نستعین. لماکان کل جسم طبیعی له حرکة ذاتیه نحوشیء یخصه دون غیره واعنی بقولی طبیعی ما له سبب من ذاته یحرکه نحوالشیءالخاص به.

انجام: ورجع فی معرفة ذلك الی علم الهیئة ویحکم علیها بحسب ماحکمت به الارصادالصحیحة. قال ابوسلیمن هذا ماحضرلی من القول فی هذا المعنی بحسب قوتی وارجوان یکون ینفعنا انشاءالله تعالی وتقدس. تمت المقالة.

[٤٦۲]

۲۵۳ این نسخه شماره ۱۱ دفتراست بخط تعلیق کرکی گ ۸٦ ب - ۸۸ الف.

۲- مقالة فی الکمال الخاص بنوع الانسان.

این گفتاررا سگزی برای عضدالدوله دیلمی درباره کمال ویژه مردمی نگاشته ودرپایان ازوی نام‌برده. درآن ازیعقوبیان و نسطوریان وملکائیان وغالیان وحلولیان وصوفیان وثنویان ومتکلمان وفیلسوفان یاد میشود.

آغاز: مقالة ابی سلیمن محمدبن طاهربن بهرام السجزی فی الکمال الخاص بنوع الانسان. و لما کان الغرض فی هذه الرسالة الابانة عن الکمال الخاص بنوع الانسان ووصف الشخص الذی ظهرفیه جدا منبع ذلك الکمال من هذا الزمان لیتبین مولانا الملك ادام الله دولته وعلوه و اید سلطانه واحتج فی ذلك.

[٤٦۳]

۲۵۳ این نسخه شماره ۱٦ دفتراست و بخط تعلیق کرکی ع۱ سال ۱۰۷٦ گ ۹۷ب - ۱۰۲ الف. پایان آن درگ ۱۰۱ ب چنین است: «فبین الحق من المبطل آمنة من ان (ینظر) احد علی احد بلسان العصبیة فی الادیان فالحمدلله الذی احطانا

۱- برای سرگذشت سگزی بنگرید بەرساله شادروان قزوینی چاپ فرانسه در ۱۳۵۲ که ده گفتار ازسگزی در ص ۲۷ و ۲۸ برشمرده نیز ش ۲٤ ۱۰ ص ۲۵۲ ج ٤ فهرست طوس و ش ۱۰ ر ٦۳٤ ص ۳۹٦ ج ۲ فهرست مجلس.

بما جرم به سوانامن عایر» در گ۱۰۲ الف هفت سطردارد وچنین است : «اذااخذت فی الوهم مجردة ... فهذا ماعندی فیماسئلت وآثرت معرفته من حق وارجو ان یکون کافیا انشاالله تعالی وتقدس والحمدلله واهب العقل والصلوة ... الطاهرین . تم » رابطه صفحات میرساند که چندبرگی باید افتاده باشد وگویا این عبارت اخیر پایان گفتار سگزی است آغاز آن در نسخه ش۱۲/۶۳۴ مجلس (ص۳۹۶ج۲) چنین است : «الحمدلله فالق صبح ظلمة العدم بضیاء وجودالوجود » . ۵

۳ـ مقالة فی المحرك الاول .

سگزی در آن از نخستین جنباننده از رهگذرطبیعی والهی سخن راند .

آغاز: بسمله وبه نستعین. ان اولی البحوث عن المحرك الاول ما ارتبط الکلام فی النظر الطبیعی فیه بالنظر فیما بعدالطبیعه

انجام: ولم یکن المحرك الاول الذی هوالشایق فی المحیط و هذاالمقدارمن الکلام کاف فیماالردنابیانه . تمت المقالة والحمدلله رب العالمین تم (تمت بعونه تعالی) ۱۰

سگزی در آن ازمقاله دوم سماع طبیعی ارسطو عبارتی آورد ونیز گفته است که پیشینیان سخن درباره ذاتها و حالها را با مقاییس و دستورهائی که درستی آنها را روشن میسازند بیامیختند ولی ارسطو مقیاس ودستوروقانون راکه معقول ومظنون ومطبوع و موضوع را فرا گیرد از مواد فلسفی جداکرد و فلسفه منطقی آورد که سخنان برهانی وجدلی وجز اینهارا که درتحقیق وتصدیق نیاز بدانهاهست فرامیگیرد. ۱۵

[۴۶۴]

۲۵۳ این نسخه شماره ۱۲ دفتر است و بخط تعلیق کر کی گ ۸۸ ب ـ ۹۰ الف نسخه‌ای ازاین درمجلس (ش ۶۳۴/۱۱ ص ۳۹۶ ج ۲) هست .

۲۰ [۴۶۵]

۳۳۹ این نسخه شماره۲۲ دفتراست وبخط شکسته تعلیق گ ۷۸ الف ـ ۷۹ الف

[۳۷۶] **مقالة فی الآثار المتخیلة فی الجو** (عربی)

ابن الخمار ابوالخیر حسن بن سوار بن بابابن بهنام یا بهرام فیلسوف ایرانی (۳۳۱ـ میان ۴۰۸و۴۲۱) دراین گفتارازهاله وقوس وقزح وقضبان وشموس ومانند اینهاکاوش نموده وروشن کرد که از بخار دخانی نیستند بلکه از بخار آبی و خیال ۲۵

بصری صرف هستندچنانکه‌ارسطووسقولاوس‌واولومقووروس(؟)یادکرده‌اند. گرچه اسکندر آنهارا امری موجود پنداشت. میگوید نام هاله دریونانی وسریانی از گرد گرفته شده است. السوس بیونانی و حوعرسه نحمها بسریانی) از ثاوفرسطس نیز یادمیکند (درپایان کتاب نوید میدهد که درفصل دوم نص سخن ارسطورا ازسریانی بعربی ترجمه کرده بیاورد و چنین کاری را نکرد. خزرجی ازوی « مقالة فی الآثار المخیلة فی الجو الحادثة عن البخار المائی وهی الهالة والقوس والضباب علی طریق المسألة والجواب » یاد میکند ولی این رساله بروش پرسش و پاسخ نیست.

آغاز: بسمله و به نستعین ـ ابوالخیرحسن سوار. لماکانت جمیع الامورالتی لها علل مبادی انما یعرف حساوعلی مایجب بعدالعلم بمبادیها و عللها و کانت الهالة وقوس قزح والاثارالتی یظهرمن الجو کالقضبان والشموس.

انجام: فهذا مبلغ ماتقوله فی هذاالفصل من هذه‌المقالة ونحن نورد بعدذلك فی الفصل الثانی منها نص کلام ارسطاطالیس بعد ان ننقل من اللغة السریانیة الی اللغة العربیة نقلایتوخی به تادیةالمعنی وحفظه بعون‌الله وحسن توفیقه‌ومشیته. والحمدلله رب‌العالمین وصلوته علی‌سیدنا محمد وآله الطیبین الطاهرین. تم.

[٤٦٦]

۲۵۳ این نسخه شماره ۱ دفتر وبخط تعلیق با عنوانهای شنگرف از کرکی بسالهای ۱۰۷۵ و ۱۰۷٦ میباشد گ ۲ ب ـ ۱۳ ب. در مجلس نسخه‌ای ازاین بشماره ٦٣٤/١٨ (ج ۲ ص ۳۹۷) هست.

[۳۷۷] ملائکه (رساله...) (عربی)

این رساله ازشیخ رئیس میباشد ودرباره فرشتگان نگاشته و نیایش مانند است.

آغاز: الحمدلله الذی انشانورامحجوبا الاح له جلیته قبل کل شیء

انجام: ان‌الله هوالجبار ذوالبأس والرحمة من‌الله غیره فقدسه وکبره و توکل علیه واستسلم له استسلاما.

[٤٦٧]
این نسخه شماره ۹ دفتراست و بخط تعلیق ودرپایان دارد : « تمت الرساله
۱۰۷۹ فی منتصف محرم لسنة ... » ص۲۱-۲۳ - قنواتی در ش۲۰۳ این رساله را
شناساند .

[۳۷۸] ملخص (عربی) ۵

کتابی است درمنطق بروش متأخران وفلسفه آمیخته ازطبیعی والهی بروش متکلمان ازابن الخطیب امام فخرالدین ابوعبدالله محمدبن عمربن الحسین تبرستانی رازی حکیم متکلم اشعری شافعی (٥٤٤ - ٦٠٦) که از هوشمندان و زیرکان دانشمندان خاور بشمار است وی در تشکیك و جدال سرآمد روزگار خود بود تا اندازه که گفته‌اند اوشبهه را نقد میآورد ولی درحل آن بنسیه می‌پردازد ومانند ۱۰
اودرتشکیك کسی نیامده ودربیشتراصول مسلم فلسفی شك کرده وفیلسوفان دیگر مانند خواجه طوسی و میرداماد وصدرای شیرازی بپاسخ شبهات اومی‌پرداختند . قطب رازی در شرح مطالع ببسیاری از شکوك او که درهمین ملخص و درمحصل آمده پاسخ داده است وازبهترین نوشته‌های فلسفی وی (المباحث‌المشرقیه) است وصدرای‌شیرازی درنگارش اسفار ازآن بسیار بهره برد . ۱۵

دراین ملخص بسیاری ازشکوکی که قطب رازی ازوی دانست دیده میشود مانند : قضیهٔ که محمول آن مشتق یا فعل است ثلاثی میباشد ونیازی برابطه ندارد (برك۱۷ الف این نسخه) - سالبه دائم عکس ندارد (برك۳۰) - قیاس منتج نیست (٤١-٤٢-٦٢) - مبادی برهان مخدوش هستند (٦٢ تا ٦٤) که همه اینها درشرح مطالع آمده وازملخص دانسته شد . ۲۰

فخررازی دراین کتاب از (نهایة) خود (٦٤ ب) و « المعتبر » ابی‌البرکات بغدادی م ٥٤٧ (١٦ الف) یادمیکند و میگوید شبهات درباره مبادی برهان را در (نهایة) با طناب آورده‌ایم و پاسخ گفته‌ایم و باز میگوید اینها شبهات سوفسطائیان است. در پایان‌منطق نوید نوشتن کتاب مفصلی درآن میدهد . درمنطق از مباحث الفاظ آغازمیکند وبکلیات میرسد سپس بخش دوم جمله ۱که مقاصد باشد میآید ۲۵

و آن حدورسم است و در اینجا از شك مانن Menon یادمی کند و آن را در تصدیق حل پذیر میداند ولی در تصور راه حلی برای آن نمی‌بیند سپس شکهائی بتعریف میکند و جمله ۲ آن سه باب است (قضایا ـ قیاس ـ برهان) در اینجا هم بمنطق ارسطو بسیار میتازد و شکهائی که درباره مبادی برهان در پایان منطق ملخص و آغاز محصل آورده تازگی دارد . بخش حکمت ملخص چند دفتر است (امور عامه ـ جواهر واعراض و نفس . . .) وشبهاتی هم میآورد . (۱)

[٤٦٨]

۲۵٦

این نسخه دارای همه ملخص نیست وآغاز وانجام را ندارد وآنچه در آن هست بدینگونه است :

آغاز : فهو محال لان الغرض من اطلاق الالفاظ افهام المعانی فاذالم يحصل ذلك لم يكن اللفظ مفيدا . الثالث مباحث المفرد والمؤلف .

انجام : ثم لايخلوا اما ان يكون مطلوب الفلك من حركته افادة الكمال او استفادته والاول باطل لان المستعد به لتلك الاولوية (دليل هفتم در اثبات عقل از فن ۳ در عقل در دنبال مباحث نفس) خط نسخه نسخ و کهنه و بی نقطه است و منطق آن از ۱ الف تا ٦٤ ب و فلسفه از ٦٥ الف تا ۲٤۷ ب است .

(۲۴۷ برك) کاغذ ترمه سمرقندی ـ جلد مقوا ته میشن

اندازه : ۱۴×۱۸ و ۱۱×۱۵ س ۲۵

---

۱ ـ از ملخص نسخه‌ای بشماره ۸۲۷ در کتابخانه مجلس شورای ملی تهران (از کتابهای طباطبائی) هست و بروکلمن در تاریخ وفهرست خویش (ج ۱ تاریخ $\frac{٦٦٨}{٥٠٧}$ و ج ۱ پیوست ۹۲۳) مینویسد که نسخه‌هائی از آن در موزه بریتانیا و برلین و لیدن و بودلیان اکسفورد واسلامبول ودیگر جاها هست .

دبیران قزوینی م ٦۷٥ بر ملخص شرحی کلان نوشته و منصص نامید و این شرح را اندك اندك نگاشته و باز بدان نگریسته و پاکیزه‌اش ساخت و در دوشنبه ۲۸ شعبان سال ٦۷۱ بپایان رساند و بوزیر شمس الدین محمد جوینی ارمغان داد و نسخه‌ای از منصص که ۱۸ سال پس از مرك دبیران در آدینه یکم ج ۲ سال ٦۹۳ نوشته شده در کتابخانه آستانه طوس هست (فهرست آنجا ج ٤ ص ۲٦۰ شماره ۱۰٤۱ و فهرست مدرسه فاضلیه ص ۲٥ ش ٤۷) و بروکلمن میگوید که منصص در لیدن و دیگر جاهاهست (همانجا) و نسخه‌ای از آن بشماره ۸٥٦ در مجلس (کتابهای طباطبائی) هست . نجم الدین محمد بن اللبودی دمشقی (م ٦۲۱) ملخص را اختصار وشرح کرد و ابهری برآن حاشیه نوشت . فخر رازی کتاب دیگری دارد بنام (المنطق الکبیر) که در ملخص بدان اشاره نمود و بگفته بروکلمن نسخه‌ای از آن در برلین هست.

[۳۷۹] المناظر الحکمیه (عربی)

از محمد حسین بن محمد صالح بن محمد حسین اقرجنلو است و درسه باب (جسم طبیعی و تعلیمی ـ معقولات (منطق) ـ الهی) و اندکی از منطق و الهی را آورده با بحثهای کلامی بیامیخت .

آغاز : بسمله الحمدلله الذی خلقنا وهدانا سواءالطریق بحکمته . ۵

انجام : فکلها عندنا ثابت الهم ثبت اقدامنا فی الدین . . . واقض حاجاتنا برحمتك یا ارحم الراحمین .

[٤٦٩]

۳۱۳ این نسخه بخط نسخ باعنوانهای شنگرف میباشد .

(۹۳ گ) ـ کاغذ فرنگی آبی ـ جلد تیماج مشکی
اندازه : ۱۰×۱٦ و ۱۷×۱۲ س ۱٦

[۳۸۰] نامه ابن سینا به ابن زیلا (عربی)

این نامه همان پاسخی است که شیخ بمیهنی داده و در ص ۱۷٦ ش ۱۱ این فهرست شناسانده شده ودراین نسخه ودر نسخه‌های دیگر آمده که شیخ آنرا بابن زیلای مجوسی شاگرد خود نوشت (قنواتی ش ۲٦۰ـ۲٦٦ـ۲٦۸) دراینکه شیخ ۱۵ نامه‌ای بمیهنی نگاشته است شکی نیست و گویاهمین را درپاسخ ابن زیلاهم نوشته باشد . چنانکه دربسیاری ازکتابهای خود عبارات کتابهای دیگر خویش را آورده است (۱) .

آغاز : نسخة کتاب کتبه الشیخ جواباللشیخ ابی منصور بن الحسین بن محمد بن عمر زیله . وصل کتاب الشیخ منبئا بجمیع صنع الله لدیه وسبوغ نعمه علیه . ۲۰

انجام : واساله ان تقربنی الیه انه سمیع مجیب . والسلام علی من اتبع الهدی

[٤٧۰]

۸۷۱ این نسخه شماره ۱۹ دفتراست و بخط تعلیق محمدعلی نزدیك بسال ۱۳۰۱ گ ۱۵٤ الف ـ ٥٦ الف .

۱ــ گواشن خاورشناس میگوید که بیشتر الهی و بسیاری از کتاب نفس نجات از ۲۵ شفا گرفته شده است (ش ۲۳ قنواتی) .

[۳۸۱] نامه ابن سینا به کاشانی (عربی)

این نامه دوستانه را شیخ بابوجعفر کاشانی نوشته است . قنواتی در ش ۲٦٧ و ۲٧۰ آغاز آنرا چنین یاد نمود : « ایهاالباز الاشهب بل القرم المصعب بل الطود الاکهب اکل من جلس فی الایوان وتصدرفی الدیوان » شیخ نامه دیگر دوستانه‌ای هم
٥ باابن طاهربن حسول نوشته است (قنواتی ش ۲٦۲ و ۲٧۰) .

آغاز : رسالة للشیخ ابی علی الی بعض اصدقائه . اکل من ینشیء للسطان ویتصدر فی الدیوان یتکبرعلی الاخوان .

انجام : بل اهش من طلعةالنیروز . قل بلی ولاتقل نعم . مل الی الطبع یاابن عم . کن من الناس لاالنعم . دمت فی العزوالنعم .

۱۰ [٤٧۱]

۱۰۳٥ این نسخه شماره ۳۱ دفتر است و بخط تعلیق ص ۲٦۲

[۳۸۲] نامه جالینوس ومسیح (عربی)

بیهقی درمشارب التجارب (بگفته خزرجی) می‌نویسد که جالینوس (۱۳۱-۲۱۰) درسر پیری بکیش عیسا گرائید و خود چون ناتوان بود خواهرزاده خویش
۱٥ پولس را نزد او فرستاد و پوزش خواست و پولس نیز یکی از حواریان گشت . او درتتمه ص ۳۰ همین را از ابوالفرج بن‌الطیب آورد ونامه‌ایرا یاد کرد که جالینوس در آن نوشته که ازناتوانی نتوانستم نزد توبیایم یکی ازخویشانم را فرستادم تاخوی ورفتار پیامبران بدو بیاموزی. عیسی پولس را پذیرفت وخود که خواننده ونویسنده بود درپاسخ او نوشت که تندرست نیازی بپزشك نداردجز برای نگاهداشت خویش
۲۰ و جانها با دوری تنها از یکدیگر دور نخواهند بود . این جزنامهٔ نسخه ما است. پس ابوالفرج پزشك ترساکه خودرا ازخاندان پولس میدانست ودوست میداشت هم از دودمان دانشمندی مانند جالینوس و هم پیامبری مانند عیسا باشد این نامه

ساختگی را آورده ودیگران ازاو گرفته‌اند (۱) و نامه نسخه ما نیز ساختگی است

آغاز : یا طبیب النفوس المریضة بداء الجهالة ... فهل الی وصول من سبیل ...

(پاسخ عیسی) یامن شرفك الله بالاستعدادات العقلیة .

انجام : فان مجرد العقل غیر کاف فی الهدایة الی الصراط المستقیم .

۵

[٤٧٢]

۱۰۳۵ این نسخه شماره ٤٨ دفتر است و بخط تعلیق نزدیك ۱۱۰۱ ص ٤٢٢

[٤٧٣]

۱۰۷۹ این نسخه شماره ۳۵ دفتر است و بخط تعلیق ص ۲۷۰

[۳۸۳] **نامه طوسی بابهری** (فارسی)

خواجه طوسی هنگامیکه بعراق رفته بود برای اثیرالدین ابهری نامه ای ۱۰
نوشت ودر آن پس‌از ستایش بسیاری از وی سه چیز پرسید : چگونه از یك چیز
چندین چیزها پیدامیشود - زمان وجنبش چه بستگی باهم دارند - مراکز دائره‌ایکه
حامل مرکز دائرهٔ دیگر باشد چه خواصی دارد وجنبش وضعی یکنواخت دربرابر
امتناع خرق والتیام و پیدایش جنبشهای گوناگون ازجرمهای آسمانی چگونه‌است ؟
نخستین الهی ودوم طبیعی وسوم ریاضی میباشد و پرسش ۱ و ۲ را طوسی ازخسروشاهی ۱۵
نیز کرده و او پاسخ نداد و گویا ابهری نیز پاسخی نداده باشد و صدرای شیرازی
واحمد عاملی بدانها پاسخ داده‌اند (ص ۱۷۹ و ۱۸۹ این فهرست) .

آغاز :

هرچند ز روزگار بیدادیها است
یارب که مرا از تو چه بیدادیها است ۲۰

۱ـ نگاه به : خزرجی ج ۱ ص ۷۱ - ۷۷ که درباره تاریخ زاد و مرك جالینوس بسرا سخن راند وجاهائیکه او ازموسی وعیسی درنگارشهای خویش یاد نمود آورد (ص ۷۷) ـ قفطی درسر گذشت جالینوس - اشکوری در محبوب القلوب ص ۵۰ گفتار خزرجی و بیهقی و در ص ۱۰۶ و ۱۰۷ دو نامه نسخه ما را آورد - ابن عبری ص ۱۲۲ از روی نگارشهای جالینوس روشن نمود که او دیری پس‌از عیسا میزیست . ۲۵

بی زحمت امید و غم وصل و فراق

این بس که ز دیدار توام شادیها است

جناب همایون و ذات میمون مخدوم معظم ملك علماءالعالم اثیرالملة والدین قطب‌الاسلام والمسلمین . . . که مقصد آمال افاضل ومطلع انوار فضائل است همیشه بکرامات ذوالجلال ... موصوف باد ... دعاگوی مخلص محمد طوسی خدمت ودعا میرساند .

انجام : اگر رای همایون بافادت این نکت تفضل فرماید از آن وفور لطف (از الطاف او) عجب نباشد زحمت ازحددر گذشت هم مکارم اخلاق عالیه (مولوی) عذرخواه (تواند) بود والدعا (کمامضی) .

[٤٧٤]

۸۷۱ این نسخه شماره ۲۱ دفتر و بخط تعلیق محمدعلی میباشدگ ۱۵۹ الف ـ ۱۶۱ الف .

[٤٧٥]

۱۰۳۵ این نسخه شماره ۹ دفتر است و بخط تعلیق ص ۱۰۴ـ۱۰۵ ـ دو نسخه در برخی جاها یکنواخت نیستند .

[۳۸٤] **نامه میبدی بمیرعبدالوهاب** (فارسی)

قاضی میرحسین میبدی یزدی (م۹۱۱) بمیرعبدالوهاب نامه‌ای نگاشته ودر آن گفته که مرا ببهانهٔ اینکه درباره خداهیولی گفته‌ام کافرم خواندند بااینکه من پیروی از اشراقیان و خواجه طوسی جسم را آمیخته از هیولی و صورت ندانسته و آنرا بسیط میدانم پس بهیولائی نمیگویم تاخداراهیولی بدانم . اودراینجا ازمحیی‌الدین و شبستری و شریف گرگانی سخنانی میآورد و یادی از هستی مطلق و وحدت وجود میکند .

آغاز : (ایضا نامه که بحضرت میرعبدالوهاب نوشته است) . شعر

گر من از سرزنش مدعیان اندیشم

شیوه مردی و رندی نرود از پیشم

زهدرندان نوآموخته راهی بدهی است

من که بد نام جهانم چه صلاح اندیشم

شنیده‌ام که عزیزی درمقام تکفیر من است وازمن نقل کرده که اطلاق هیولی برحضرت حق . . . کرده‌ام وحقیقت حال آنکه من بترکب جسم ازهیولی وصورت قائل نیستم .

انجام : وچه خوب فرموده مولانا نظام‌الدین نیشابوری درتفسیر واذاسالك عبادی عنی فانی قریب . . . مع ان التعبیرعن بعض ذلك یوجب شنعة الجهال . ولنختم بالصلوة علی سیدالمرسلین وآله اجمعین .

[٤٧٦]

۱۰۳۵ این نسخه شماره ۴۹ دفتراست و بخط تعلیق ص ٤٥١–٤٥٢

[۳۸۵–۳۹۰] **نامه های کاشانی** (فارسی)

از بابا افضل کاشانی شش نامه بجامانده است که اینك یاد میگردد (۱) :

۱ـ نامه ای که بشاگرد خود خواجه شمس الدین (۲) مجدالاسلام محمد درواگوش که باهم نامه نگاری داشتند می‌نویسد .

آغاز : آثار آفرینی که ازجانب مجلس اسموی صدری شمس الدین مجدالاسلامی لازال اسمه بداعی مخلص رسید و میرسد همان باضعاف آن سوی او بازمیگردد .

انجام : وآن(این) بوار مطلق بودوهلاك جاوید(جاودان) عصمك الله وایانا.... انه ولی الخیرات ومفیض السعادات .

[٤٧٧]

٤٢٨ این نسخه شماره ۳ دفتر وبخط تعلیق تاریخ ۱۰۸۳ گ ١٤ ب ـ ١٦ ب

۱ـ آقای سعید نفیسی دردیباچه رباعیات از پنج نامه یاد نمود (بجزسومی) و گفت که دردفتر شماره ۶۲۳/۹۴۱ کتابخانه مجلس نسخه آنها هست درجنگ ش۲۹۱۲ سپهسالار (گ١٤١ و پس‌ازآن) دو نامه دیده میشود .

۲ـ گویا شمس‌الدین سپاهانی همدم خواجه باشد (فهرست طوس ج۲ شماره۸ مسلسل۳۳۵)

[٤٧٨]

٤٣١ این نسخه شماره ۱۲ دفتر و بخط تعلیق محمدعلی بتاریخ ۱۳۰۲؛ گ ۱۵۳ب - ۱۵۷ ب .

۲ـ نامهٔ فیلسوفانهٔ دیگر در پاسخ نوشته درواگوش که در آن از « فتوح هشت در یا مدارج الکمال » و « ره انجام نامه » پارسی یاد میکند وعنوانهای فتح ٤و٥و٦و٧ متن تازی مدارج را میآورد .

آغاز : کلماتیکه از اقلام مبارك آن خلاصه اخیار عصر و نوباوه بوستان خرد و نوردیدهٔ ارباب حقیقت شمس الدین - . برسید .

انجام : تابرجاده که از ازل سوی ابداست مستقیم گردد والذین جاهدوافینا... وان الله لمع المحسنین والسلام علی من اتبع الهدی وصلی الله علی محمد وآله الطاهرین. نسخه‌ای از آن درطوس ش ۹ (ج ۲ ص ۳۳۵) هست .

[٤٧٩]

٤٢٨ این نسخه شماره ۷ دفتر گ ۲٦ الف - ۲۹ ب .

[٤٨٠]

٤٣١ این نسخه شماره ١٤ دفتر وبخط محمدعلی بسال ۱۰۳۲ گ ۱٦۳ ب - ۱٦۸ ب

۳ ـ نامه عارفانه دیگر بشمس الدین ضیاءالاسلام (درواگوش) که در آن از مخدوم مهذب الدین یادمیکند ورساله «جامعه» که برای همین شمس الدین فرستاده بود میخواهد برای وی پس بفرستد و میگوید: «بند این مباش که بپایانش رسانی چه آن سخن سر نیاید» وتوید میدهد که نسخه « زجر النفس » برای او بفرستد تا آنرا بخواند .

آغاز : بسمله رب العزة تعالی جده و تقدست اسمائه آگاهست از مکنون دل وضمیر درون خادم که درباره احوال واقوال المجلس اسمی شمس الدین ضیاءالاسلامی برچه صفت نیکوخواه وفضیلت جوی میباشد .

انجام : بیشتر اوقات قواعد سعادات دوجهانی ممهدباد واساس روشن دلی مؤید

نسخه‌ای ازین درش۱۲ (ج۲ص۳۳۵) وش۷۳۹ (ج ٤) فهرست‌طوس‌شناسانده‌شده.

[٤٨١]

٤٣١ این نسخه شماره ۱۷ دفتر و بخط تعلیق محمدعلی بسال ۱۳۰۲ گ ۱۷۹ الف - ۱۸۰ ب میباشد .

٤- نامه‌ای فیلسوفانه‌ای که در پاسخ نوشته دوستی نگاشته .

آغاز : دل عزیز و نفس شریفت مستعد و آراسته نظرالهی وانوار نامتناهی باد .

انجام : و بر خواننده و نویسنده و بال و حجت بگرداناد بمحمد و آله . . .

ونعم‌النصیر - نسخه‌ای ازاین درطوس ش ۱۱ (ج ۲ ص ۳۳۵) هست .

[٤٨٢]

٤٢٨ این نسخه شماره ٦ دفتراست گ ۲۱ الف - ۲٦ الف .

[٤٨٣]

٤٣١ این نسخه شماره ۱۵ دفتر ودر گ ۱٦۹ الف - ۱۷٦ ب میباشد .

٥- نامهٔفیلسوفانه درپاسخ نوشته صاحب سعید صدرالصدوروزیر مجدالدین محمد عبدالله که درشصت سالگی نگاشته است .

آغاز : صباح و مساء مجلس عالی صاحبی صدری کبیر . . . تاج‌الوزرائی صدرالصدوری . . . مجدالدین . . . الطاف ازلی و سعادات ابدی را انجمن‌گاه و ارامجای باد .

انجام : جان ازخرد شاد ودل ازهربند آزاد وسیرتت مکارم اخلاق رابنیاد والسلام‌علی اهل الکلام‌والصلوة علی خاتم الانبیاء وآله‌الکرام- نسخه‌ای در طوس (ش ۸ ص ۳۳۵ ج ۲) هست .

[٤٨٤]

٤٢٨ این نسخه شماره ٥ دفتر ازگ ۱۷ ب - ۲۱ الف میباشد

[٤٨٥]

٤٣١ این نسخه شماره ۱۳ دفتر بخط محمدعلی بسال ۱۳۰۲ میباشد ك ۱٥۷ب - ۱٦۳ الف .

٦ـ نامه‌ای در پرسش و دلجوئی ازصدر سعید تاج‌الدین محمد نوش‌آبادی که در آن از « فصول زجرالنفس » یاد می‌کند .

آغاز : (مدد تأیید الهی از کار و اندیشه مخدومی منفصل ومنقطع مباد و دل روشن درسراوضرا ازخورسندی وشکیبائی مایه ورواز حوادث جهان کون‌استحالت نپذیرند وعبرت گیرد. ایزدعزوعلادر کل احوال رهنما ونگهدار بمنه وجوده) داعی خدمت و آفرین میرساند بدرون بامجلس اسمی‌ازرنجی و آسیبی که نورسیده است

انجام : اسباب (این) سعادت (میسر باد) و قاعده بیداری و روشنی مقرر (مقصودها حاصل ورنجها زائل ودلها روشن وشکیبا برحوادث ومصائب ولله تعالی تسلیما بالاجابة والانابة) والسلام علی اهل‌السلام و آله‌الکرام ـ درنسخه ٤۳۱ از بیدگل و نوشاباد یادمی کند که بجای آندودرنسخه٤۲۸ شهروسرای آمده نسخه‌ای ازآن درطوس ش ۱۰ (ج ۲ ص ۳۳٥) هست .

[٤٨٦]

٤۲۸ این نسخه شماره ٤ دفتراست گ ۱٦ ب ـ ۱۷ ب درآغاز بجای جمله میان دوکمانه این‌عبارت (بعدازذکر القاب میگوید) را دارد که‌از نویسنده نسخه‌است

[٤٨٧]

٤۳۱ این نسخه شماره ۱٦ دفتر است گ ۱۷٦ ب ـ ۱۷۹ الف .

[۳۹۱] **نامه نسوی** (فارسی)

دراین‌نامه پاسخ ٥ پرسشی است دربارهٔ جدائی میان مرگ وخواب وخوشی وناخوشی تن پس‌ازمرگ ورنجیدن هنگام خواب و رنجیدن هنگام مرگ و خوش وناخوش بودن جان نه تن که صفی‌بن علی‌الوندکلی از زین‌الدین نسوی کرده‌است و پاسخ گرفت (۱) .

---

۱ ـ بند ۳ این نامه در گفتار ۱۰ باباافضل کاشانی یاد شده و بگفته آقای نفیسی دردیباچه رباعیات (ص ۷٦ ش ۱۲) نسخه‌ای از آن در مجلس ش ٦۹٤۱/٦۲۳ هست در ص ۳۸۳ ج ۲ فهرست مجلس نام نسوی ووندکای آمده است (۱۰ر٦۲۳) .

آغاز : مرحوم سعید ملك القضاة والحکام رکن الدین تاج الاسلام صفی بن علی الوندکلی مکتوبی بخدمت سلطان الحکماء زین الدین النسوی قدس الله روحه نوشته است و آن سئوالها استکشاف کرده و او بخط مبارك هریك را جوابی بخیر فرموده‌اند وهذه نسختها سئوال مینماید که فرق چیست میان مرك وخواب .

انجام : و چون مرك جوانان به بیماریهای مختلف و آنرا مفاجات خوانند والله اعلم بالصواب والیه المرجع والمآب وصلی الله علی محمد . . . یارب العالمین . ۵

[٤٨٨]

٤٢٨ این نسخه درشماره ۸ دفتر است وبخط تعلیق تاریخ ۱ ذی‌حجه سال ۱۰۸۳ گ ۳۰ الف – ۳۱ الف .

[۳۹۲] **نامه نسوی** (فارسی) ۱۰

این بند نیز ازسخنانی است که خواجه زین الدین (قدس الله روحه) درپاسخ نوشته (مرحوم) قاضی صفی درباره دوستی نگاشته است (۱) .

آغاز : هرمحبوب که بوددر نفس محب باشدوهیچ مواصلت قوی‌تر از آن نیست

انجام : وتفرقت افتد وغایت ضلالت آنست عصمنا الله وایانا وجمیع اخواننا من امثاله بمحمد وآله وهواعلم . ۱۵

[٤٨٩]

٤٢٨ این نسخه درشماره ۸ دفتر وبخط تعلیق میباشد گ ۲۹ ب

[۳۹۳] **نبوت (رساله . . . .)** (فارسی)

این رساله درسه فصل و یك دیباچه است وازشیخ رئیس دانسته شده وباید پارسی همان اثبات النبوه او باشد (ص ۱۱۲ این فهرست) نسخه‌هائی از آن درنور ۲۰ عثمانیه ش ٤٨٩٤ (۲۵۵ قنواتی) و مجلس ش ٦٣١/٦ (ص ۳۹۲ ج ۲) و ش ۳۱۷ تنکابنی‌درآنجاوطوس ش ۷۰ (ص١٤٥ج٤)هست. شیخ‌در آن‌مانندمتن تازی‌بروش فلسفی و باطنی سخن راند و برخی از سخنان او دراینجا مانند است با آنچه در معراجنامه آمده (ش ۲۵۳/۱۹و۸٦۱/۱۱) .

۱ـ آقای سعید نفیسی دردیباچه رباعیات کاشانی این گفتار را از کاشانی دانست (ص ۷۸ ش ۳۱) درآنجا بجای صفی حنفی یاد گردید .

آغاز : رسالة للشيخ الرئيس رحمه‌الله ـ سپاس میکنم خداوند آسمان و زمین وستایش دهنده جان ودین را ودرود مر پیغمبر گزین را محمد مصطفی . . . وصیت میکنم ترا که این کلمه چند که در تحقیق شرح میرود ازاغیار و نامحرم دریغ دارند که مدتها ازظهور این کلمات بحکم خطر محترز میبودم که الاسرار صونها عن الاغیار واجب برحسب آنکه سخن آشنا با مردم بیگانه ووضع اسرار نزدیك جاهل خطا بود چنانکه رسول علیه‌السلام فرمود لاتطرح در فی اقدام الکلاب .

انجام : اما چون عاقلی برسد و بعقل خویش ادراك کند داند که گفتهاء نبی همه رموز است اگنده بمعقول و آنرا غذاء روح خود سازد . والحمدلله بل اکثرهم لایعقلون وصلی الله علی محمد و آله اجمعین .

[٤٩٠]

۱۰۳۵ این نسخه‌شماره ٦ دفتراست وبخط تعلیق شکسته ص ۱۰۰ـ۱۰۰۲ـ در کتابخانه سپهسالار نسخه‌ای ازرساله نبوت فارسی بشماره ۲۹۱۱ ص ۸۳ـ۸٤ هست .

[۳۹٤] **نفحات الهیه** (عربی)

قاضی سعیداء قمی (محمد سعید شریف ۱۰٤۹ـ۱۱۰۳) در این رساله که بسجع نگاشته ومطلبها را با عنوانها نفحه آغاز نمود نخست روشن ساخت که هستی اصیل نیست وماهیت در ذات ودر آفرینش اصالت دارد آنگاه آشکار کرد که انسان عقلی ونفسی با همه چیزهای دیگر یکی است وکلی بی‌فرد هستی جدائی ندارد . او آنرا بخششی ازخدا (نفحات الهی) دانسته ودر نوروز وماه ذی حجه سال ۱۰۸٤ بپایان رساند واز روش فصوص فارابی وشواهد ربوبی شیرازی پیروی نمود .

آغاز : بسمله ... بعد الحمدلله واهب العلم والعقل . . . یقول ... محمد المدعو بسعید الشریف القمی هذه خواطر الهامیه ونوادر ربانیه .

انجام : وهو آدم جمیع العوالم والعالمین والحمدلله رب العالمین ... هذا آخر ما اردنا ایراده فی تلك المقالة واتفق الفراغ من اتمامها فی یوم النیروز علی ید مؤلفها... وذالك فی شهر ذی الحجة الحرام سنة ۱۰۸٤ .

[۴۹۱]

این نسخه شماره ۱۷ دفتر است و بخط تعلیق باعنوانهای شنگرف که در کمتر
۱۰۳۰ از نیمهٔ روز درنیمهٔ روز آدینهٔ دهم شوال ۱۰۹۴ در مدرسه فیضیه فاطمیه
قم نوشته شده گ ۱۶۷ ب – ۱۷۲ الف .

[۳۹۵-۳۹۶] **النفس** (مختصر کتاب ...) (عربی) ۵

دو رساله بدین نام هست که ازروی عنوان بایدگزینی ازکتاب نفس ارسطو باشد. مانا گزیننده ۷ یا ۸ مسئله مهم روانشناسی فیلسوف را گرفته و درباره آن گفتگو نمود نه اینکه مانند گزیده حنین وترجمه پارسی کاشانی همه سخنان ارسطو را باختصار آورده باشد . اینك دورساله :

۱- در ۷ گفتار و از روی یك نسخه دیگر در ۸ گفتار است : (دریافت ۱۰ هردانستهای چگونه است – روان هست – گوهراست – جان است نه تن – ساده است نه آمیخته – زنده‌است ونمردنی – دریابنده واندیشنده – آسمان وستارگان جانی زنده ودانا دارند) .

در کتابخانه مدرسه خان مروی تهران بشماره ۶۲۹ نسخه‌ای ازاین هست . نسخه‌ها یکسان نیستند وبرخی درآغازفهرست دارند . (۱) ۱۵

آغاز : هذا مختصر من قول الحکیم ارسطوطالیس الفیلسوف فی النفس وهو سبعة اقوال (فصول) القول (الفصل) الاول فی درك کل معلوم تفسیره ان کل شیء (موجود) اما معلوم (معقول) واما محسوس .

انجام : وکیف یحس الحواس محسوساتها بحجج مضیئة مقنعة .

---

۱ – درگفتار پنجم عبارت «کل من راجع الی ذاته فهو روحانی» دیده میشود ۲۰ ودرآن ازروی خودآگاهی تجردروان ثابت میگردد وهمان دلیلی‌است که شیخ درمباحثات ازآن یاد نمود ومیان او وبهمنیار دربارهٔ آن پرسش وپاسخها شده وامام درمباحث مشرقی وشیرازی دراسفار ومبدء ومعادآنها راگردآوردند شیرازی درمبدء ومعاد ص ۲۰۸ درهمین دلیل عبارت بالا را یادکرد و از کتاب نفس ارسطو دانست و این عبارت درآغاز رساله «اثبات‌الصورالروحانیه» اسکندر (ش ۴۸۴) و ص ۲۹۱ چاپ بدوی دیده میشود . ۲۵

[٤٩٢]

۳۳۹ این نسخه شماره ۲۸ دفتر وبخط تعلیق گ ۸۵ الف وب میباشد وآغازوانجام آن نزدیك بشماره ٤۰۲/٤ است با آن عبارتی که افزوده شده .

[٤٩٣]

٤۰۲ این نسخه شماره ٤دفتراستوبخط تعلیق گ ۵۳ ب ـ ٥٤ ب درانجام این نسخه پس از عبارت بالا دارد : «کل جسم قد یسکن و یتحرك لا بصورته فالحركة اذن (ایضا) غیرذاتیه فی الجسم فهی اذن غیرمعلومة من غیره . تمت الرسالة والحمد لواهب العقل» مانا این عبارت را افزودند وازرساله نباید باشد .

[٤٩٤]

۱۰۳۵ این نسخه شماره ۲۱ دفتر ص ۱۸۷ـ۱۸۸ و چنین است : هو بسمله و به نستعین کلام ارسطاطالیس لبیان سبعة مطالب فکریة فی النفس الاول فی درك کل معلوم ـ (وسنخبرك) کیف تعلم النفس الاشیاء و کیف فعل و کیف یحس الحواس محسوساتها بحجج مضیئة مقنعة . تم الکلام فی بیان المطالب السبعة فی امر النفس بعون الله الملك المقدس عبارت «وسنخبرك» دردیگر نسخه‌ها نیست وجمله عطف است بر پیش وبه «قداستبان
۱۵ لما ذکرنا» یا بجای آن « فقداثبتنا بماذکرنا » می پیوند .

[٤٩٥]

۱۰٤٦ این نسخه شماره ٤ دفتر بخط شکسته تعلیق محمد شریف بن محمد قائمی نزدیك ۱۰۵۹ گ ۲۷ ب ـ ۳۸ الف و چنین است : « هو بسمله الحمدلله الذی عصمنا من الضلال ... اما بعد هذا الکتاب مختصر من قول الحکیم ارسطاطالیس رحمه الله
۲۰ فی علم النفس وهو سبعة ابواب : فی ادراك کل معلوم . فی وجود النفس ... اما قوله فی ادراك کل معلوم تفسیره ان کل شیء معلوم اما معقول واما محسوس ـ ولیس لها حس الذوق لانها لایغتذی من شی » عبارت « وانها کیف یعلم النفس الاشیاء ... مضیئة مقنعه » را ندارد . پس ازاین چندسطرهست درشمارش نیروهای جان که بااین رساله بستگی ندارد

[٤٩٦]

۱۰۸۸ این نسخه شماره ۱۲ دفتر وبخط تعلیق گ ۷۵ ب ـ ۷٦ ب و چنین است آغاز وانجام آن :

« هذه رسالة لارسطاطالیس فی النفس هذه الرسالة مشتملة علی ثمانیة فصول الاول فی درك کل معلوم ـ الفصل الثامن افضل الاجسام الحی والفلك وکواکبه افضل الاجسام فهی اذن حیة . . . ولاحس البصروالسمع فقط » تنها دراین نسخه هشت
۳۰ گفتاردیده میشود .

۲- این رساله که آنهم در ۷ گفتار و درازتر و گسترده‌تر از نخستین است ومطالب وبرهانهای دیگری درآن هست گرچه عنوانها باهم نزدیکند: (ناشناختنی بودن روان - روان هست - گوهر است - جان است نه تن - ساده نه آمیخته - پایدار ونمردنی - اندیشنده ودریابنده است) درفهرستهای قنواتی ش ۹۶ ومجلس ش ۱۷ و ۶۳۴/۳۴ و طوس ش ٦٦٤ از مختصر کتاب النفس ارسطاطالیس و مقاله ارسطاطالیس فی النفس وهوسبعة اقوال یاد شد. نسخه‌های ماهم یکسان نیستند.

آغاز: مختصر کتاب الفیلسوف ارسطاطالیس وهو سبعة ابواب الباب الاول قال الحکیم ان کل موجود اما ان یدرك بالحواس واما ان یدرك بالوهم.

انجام: فالنفس اذن مفکرة عاقلة اضطرارا کمل ماوضع الفیلسوف فی صفة النفس.

[٤٩٧]

۲۵۳ این نسخه شماره ۸ دفتر وبخط تعلیق کرکی گ ۷۷ ب - ۸۰ الف وعنوان آن مانند بالا است.

[٤٩٨]

٤۰۲ این نسخه شماره ۵ دفتر وبخط تعلیق گ ٥٤ ب - ٥٦ ب وچنین است آغاز آن: « هذامختصر کتاب عن الفیلسوف ارسطوطالیس وهوسبعة ابواب ...»

[٤٩٩]

۸۷۱ این نسخه شماره ۱۰ دفتر و بخط تعلیق محمدعلی گ ۱۳۰ ب - ۱۳۵ ب وچنین است آغاز وانجام آن: « الحمدلله کماهواهله ... وبعد فهذا مختصر فی النفس لارسطو وبناه علی سبعة ابواب الاول منها ذکرالوجوه التی یدرك منها علم الاشیاء ... (فهرست بابها) الباب الاول ذکرالوجوه ... علم الاشیاء ان کل موجود اما ان یعلم بحواس واما ان یدرك بوهم - فالنفس اذن مفکرة عاقلة اضطرارا وبالله التوفیق ».

[۳۹۷] نفس (فارسی)

کتاب نفس ارسطو را که در سه دفتراست حنین بن اسحاق (۱۹٤ - ٢٦٤) بسریانی و گزیده ای ازآن را بتازی درآورد که بنام « تلخیص کتاب النفس » دراسکوریال بشماره ٦٤٩/۳ عربی هست. اسحاق پسرحنین م ۲۹۸ همه آنرا بتازی

کرد و در ایاصوفیا نسخه‌ای بشماره ۲۴۵۰ هست. بابا افضل کاشانی ترجمه گزیده حنین را بپارسی شیوائی در آورد (۱) که درتهران بسال ۱۳۱۶ خ بچاپ رسید.

[۵۰۰]

۴۰۲ این نسخه شماره ۸ دفتراست و بخط تعلیق تاریخ ۱۰۷۹ گ ۶۲ ب - ۸۱ ب درطوس دو نسخه ازاین ترجمه هست (ج ۴ ص ۴۶ ش ۴۰۲و۴۰۳).

[۳۹۸] **النفس (رسالة فی...)** (عربی)

این رساله از فیلسوف کندی بغدادی است که ابوریده آنرا درجلد ۱ رسائل او درمصر بسال ۱۹۵۰ ص ۸۰-۲۷۲ بچاپ رساند. کندی دراینجا نفس ارسطو را گزین نموده واز سخنان افلاطون و افیقورس در آن آورد و بروش پلاتون نزدیك ۱۰ گشت.

آغاز: بسمله سددك الله لدرك الحق واعانك علی نیل مستودعاته.

انجام: فتفهم ماكتبت به الیك تكن سعیدا اسعدك الله تعالی فی دنیاك وآخرتك والحمدلله رب العالمین - تم وكمل.

[۵۰۱]

۳۳۹ این نسخه شماره ۱۹ دفتر و بخط شکسته تعلیق گ ۷۳ الف - ۷۴ ب میباشد و چنین است عنوان آن: «رسالة ابی یوسف یعقوب بن إسحق الكندی فی القول المختصر من كتاب ارسطو وافلاطن وسائر الفلاسفة» بسیاری ازغلطها چاپی را بااین نسخه میتوان درست نمود نسخه‌ای ازین در طوس ش ۱۰۲۴ (ج ۴ ص ۲۵۲) هست وازپایان کم دارد ومیرسد تا به س ۲ ص ۲۷۹ چاپی.

۲۰ [۳۹۹] **النفس (مقالة فی...)** (عربی)

شیخ رئیس این نگارش را بفرمانروای دانش‌دوست امیرنوح بن منصورسامانی

---

۱ - بنگرید به: ص ۱-۶-۱۵-۱۷-۲۷-۳۲-۵۶-۵۷ همین پارسی و ص ج - ۳-۳۲-۴۱-۴۴-۶۳-۶۹-۱۱۵-۱۱۴ ترجمه تازی کتاب نفس از اهوانی وقنواتی چاپ ۱۹۴۹ مصر که پاره‌های ازتلخیص نسخه اسکوریال را آوردند و برابر آن ۲۵ درپارسی کاشانی دیده میشود وازسنجیدن این پارسی با پاره‌هائی ازترجمه کامل اسحاق که درص ی-ك اهوانی آمده پیدا است که ایندو باهم بستگی ندارند - نیزدیباچه ارسطوعندالعرب ص ۴۳ و گفتار نگارنده در ش ۷ و ۸ سال ۸ مهر.

(۳۶۶-۳۸۷) که ازاو بسیار ستوده است ارمغان داد. چون کاوش از نیروهای جان دشوار بود آنرا برگزید ودراین گفتار ازسخنان فرزانگان و کتاب خدا درباره خود شناسی آوردو ازوحیی که درهیکل یا پرستشگاه اسقلبیوس پیامبر دارای معجزه ودرمان کننده بیماران با افسون، نوشته بود (ای مردمی خودرا بشناس تا خدا را بشناسی) (۱) یادنمودو گفت که کاهنان هیکل او نیز چنین بوده‌اند و فیلسوفان پزشکی را از او گرفته‌اند .

این نگارش کوتاه در ده فصل است وشیخ در آن ازنیروهای گیاه وجانور و مردمی سخن میراند ودرفصل ۸ مراتب نفس وانواع استدلال (ضروری - اکثری جدلی - مساوی خطابی - اقلی سوفسطائی - ممتنع شعری)را میآوردودرفصل ۹و۱۰ تجرد نفس واتحاد آن پس ازمرك باعقل مفارق رااثابت میکند. درپایان میگوید که مباحث بود جان درتن و خوشی و رنج رستاخیز و شفاعت آورندگان دینها و فرشتگان وعرش و کرسی مانده وسخن درآنها بدرازا خواهدکشید واگر فرمانروا بخواهد جداگانه یادمیکنیم آنگاه بازازوی میستاید(۲) .

آغاز : خیرالمبادی ما زین الحمد لواهب القوة علی حمده ... فلولا ان العادة سوغت للاصاغر الانبساط الی الاکابر... ولما وجدت العادة قدنهجت هذه الجادة وشرعت هذه السنة ظفرت بقدر نفسی فی الانبساط الی الامیر الاجل السید اطال بقاه بهدیة .

انجام : لازالت الحکمة به مشعشعة (منتعشة) بعدالخمول نضرة بعدالذبول دائمة بدوام دولته ویرجع بایامه ایامها ویرفع بمکانه مکان اهلها ویعز طالبی فضلها (ان شاءالله تعالی) بمحمد و آله تمت رسالة النفس .

---

۱ - صدرای شیرازی گویا این رساله‌را دردست داشت که این عبارت را درمبدء ومعاد ص ٤ آورد .

۲ - خزرجی (ج ۲ ص ۲۰) از «مقالة فی النفس تعرف بالفصول» یاد نمود وقنواتی در ش ۱۰۲ این رساله را بنامهای « مقالة فی النفس - مبحث فی القوی النفسانیه - کتاب النفس - العشرة فصول» شناساند و گفت که آنرا س . لانداور (S . Landauer) درمجله خاورشناسان آلمانی با تعلیق و ترجمه بآلمانی بسال (۱۸۷۶) ۲۹ ص ۳۳۵ و پس ازآن و . فان دیك Van Dyck درقاهره بسال ۱۳۲۵ بنام «هدیة الرئیس للامیر» بچاپ رساندند وترجمه لاتینی آن بسال ۱۵٤٦ وانگلیسی آن بسال ۱۹۰٦ چاپ شد . شمس الدین علاءالدوله آنرا بپارسی کرد - نیزبنگرید به ش ۳۲۷ ص ۳۱۵ ج ٤ فهرست طوس .

[٥٠٢]

۸٦۱ این نسخه شماره ٥ دفتر است و بخط نسخ محمدبن خیرالحاج نادعلی سمنانی در مشهد (طوس) بسال ۱۲۸۳ گ ٥ الف ـ ١٤ الف .

[٥٠٣]

۱۰۷٤ این نسخه شماره ۳ دفتر است و بخط تعلیق ریز نزدیك ۱۰٦۱ گ ٤۳ ب ـ ١٦٥ الف .

[٤٠٠] نفس (رساله . . .) (فارسی)

نگارشی است بفارسی در شناخت روان که در چاپخانه دانش تهران بسال ۱۳۱٥ خ بچاپ رسید و آنرا شیخ رئیس از روی « کتاب‌المعاد » ش ۸٦۱/۹ برای ۱۰ فرمان عالی علائی (علاءالدوله کاکویه) بپارسی کرد. بیهقی ص۱۸۸ از ترجمه کتاب المعاد بالفارسیه یاد نمود .

[٥٠٤]

۱۰۸۹ این نسخه شماره۲ دفتراست وبخط تعلیق محمدتقی تفرشی بسال ۱۳٥٥ ازروی نسخه تاریخ روزشنبه یکم رمضان سال ۷۰۰ گ ۲۰ ب ـ ۳۱ ب. نسخه‌ازاین درطوس بشماره ۷۰۷ نوشته تاریخ ۷۰۰ دردیه جاورسانی‌هست وقنواتی درش ۷۷ و ۱۹۹ ازآن یاد نمود .

[٤٠١] نفس (رساله . . .) (فارسی)

این رساله بروش فیلسوفان نگاشته شده وخبرهائی چند درآن دیده میشود

آغاز : بسمله و به نستعین . فصل اول در معرفت نفس انسانی که آنرا نفس ۲۰ ناطقه خوانند .

انجام : تا سخن بحد اطناب کشد والله المیسر للخیرات المحسنات .

[٥٠٥]

۱۰۳۸ این نسخه شماره۳ دفتروبخط شکسته تعلیق مورب گ ۱۹ب ـ۳۰ ب ودرپایان دارد : « بتاریخ غره رجب‌المرجب سنه ۱۰٥٦ دردارالسلطنه حیدرآباد باتمام رسید . . . خاك قدم فقرای باب‌الله محمدباقر اصفهانی .

[٤۰۲] **النفی والاثبات (تلفیق فی ـ)** (فارسی)

خواجه طوسی دراین گفتار از نفی واثبات و معدوم که آیا چیز هست یا نه گفتگومیکند ودلیلهای دوطرف را میآورد .

آغاز : بسمله. تلفیق لمولانا نصیر الملة والدین محمد الطوسی ادام الله فی السعادة والعز ظلاله فی النفی والاثبات ـ بدانکه خلاف است میان علما که آیا معدوم شی هست یا نه .

انجام : وچون عاقل درین مسئله تأمل کند باید که آنچه عقلش اقتضا کند قبول کند والبته تقلید نکند وهمچنین درهیچ مسائل تا خدای تعالی ببرکات راستی دردل او باز گشاید واورا بحل مشکلات وقوف دهد والله اعلم بالصواب .

[٥۰٦]

۱۰٤٦ این نسخه شماره ٤۱ دفتر است وبخط تعلیق گ ۲۸ ب ـ ۲۰۹ الف

[٤۰۳] **نکت فی مایصح ومالایصح من احکام النجوم** (عربی)

فارابی دراین گفتار ازستاره شماری واحکام نجوم خرده گیری نموده وچنانکه دیباچه آن میرساند بدرخواست ابواسحق ابراهیم بن عبدالله بغدادی آنرا نگاشته است بغدادی میگوید که دیری دراین باره میاندیشیدم و با فارابی گفتگوها کردم تااینکه روزی اودفتری بمن داد ودرآن بندها ویادداشتهائی بود که ماناا ومیخواست هنگام آسایش آنهارا فراهم آورده بساخت کتاب یارسالهای درآورد چنانکه همیشه همین کار میکرده است و من همهٔ آنها را نوشتهام و آنچه خواستهام درآن یافتم وآنها را برای تونوشتم که اگربخواهی درآنها بنگری . درپایان میگوید اینهااست یادداشتهائی که بخط فارابی یافتم وبرای خودنوشتم وبرای توکه اگربخواهی درآن بنگری (ص ۱۱۰ این فهرست) .

[٥۰۷]

۲٤۰ این نسخه شماره ۸ دفتراست وبخط نسخ گ ۳۸ب ـ ٤۲ الف . دراین نسخه دیباچه بغدادی هست .

[٥٠٨]

٣٣٩ این نسخه شماره ۱۲ دفتر است و بخط تعلیق گ ٦٤ الف-٦٧الف. آغاز و انجام چنین است : قال ابواسحق ابراهیم بن عبدالله البغدادی کنت شدید الحرص علی معرفة الاحکام النجومیه ... کتبتها لك لتتاملها ان تنشط لذلك ... فضیلة العلم
٥ والصناعات - ان کل مقول محذور منه. هذا ماوجد من التذاکیر بخط ابی نصر اثبتها النفسی و کتبتها لك لتتاملها ان تنشط لذلك والله الموفق لکل خیر. نقلت من خط نقل من خط نقل من الفارابی علیه الرحمة تمت .

[٤٠٤] نور البصر بحل مسئلة الجبر و القدر (عربی)

محمد خلیل بن محمد اشرف رساله‌ای را که شیخ مفید از تحف العقول آورده
١٠ و از امام علی نقی هادی ع دانسته گزارش نمود و در آن مسئله جبر و قدر را بروش فلسفی و کلامی و اخباری حل کرد .

آغاز : نام خدا و ستایش - فیقول العبد المحتاج الی رب الجلیل ابن محمد اشرف محمد خلیل انه لما وفقنی الله للتأمل فی مسئلة الجبر و القدر .

انجام : لما یحب و یرضی و جنبنا و ایاکم معاصیه بمنه و فضله و الحمدلله کثیرا
١٥ کما هو اهله و صلی . حسبنا الله و نعم الوکیل .

[٥٠٩]

٢٨٦ این نسخه بخط نسخ و در پایان دارد : « تمت فی سنة ١٢٥٠ » که تاریخ نگارش یا نوشتن رساله میباشد .

(۴۳ گ) - کاغذ فرنگی - جلد تیماج مشکی
٢٠ ۱۶×۲۱ و ۹×۱۵ س ۱۹

[٤٠٥] نیروزیه (عربی)

شیخ رئیس در این رساله که سه فصل است از ترتیب هستی‌ها و چگونگی دلالت حرفها و معانی باطنی حروف مقطع گفتگو نمود و روش تأویل و باطنی و حروفی شیخ در آن پیدا است .

٢٥

[٥١٠]

٨٧١ این نسخه شماره ۱۳ دفتر است و بخط تعلیق محمدعلی نزدیك ۱۲۹۹ گ ١٤٠ب ١٤٤الف و چنین است : « بسمله... الرسالة النیروزیة للشیخ الرئیس. کتب الی الشیخ

ابی (بکر) محمدبن (عبدالرحیم) بسمله کل ینزع همته الی خدمة نیروز مولانا الشیخ الامیرالسید ادام‌الله عزته بتحفة یجود بها ذات‌یده ولمارغبت فی انا اکون واحدالقوم - ثم بعد هذا اسرار تحتاج‌الی‌المشافهه . . . » درفهرست طوس (ش۳۴۱ ص ۴۴۱ ج۴) شیخ ابوبکر محمدبن عبدالله یا عبدالرحیم یادگردید و این شیخ کسی بود که ابن‌سینا این رساله واضحویه را برای اونوشته واینگونه رازها را برای اوآشکاربداشت واز پایان رساله پیدااستکه رازهای دیگری مانده که شیخ رئیس بایست زبانی باوبگوید ونوشتن‌آنها شایسته نبود (ص ۱۴۱ و ۱۴۷ این فهرست) .

[۴۰۶] **الواحد لایصدرعنه الاالواحد (قاعدة ...)** (عربی)

دراین‌گفتار نخست روشن‌گردید که از یکی جز یکی نیاید سپس فرعهای این قاعده فلسفی آمده و بسیاری از بحثهای فلسفی روی آن حل‌گردید و در آن وجود ذهنی باطل (۷۷ الف - ۸۱ الف) و ماهیت مجعول دانسته شده نه وجود . نگارنده دراثبات مطالب فلسفی‌تمسك بالفاظ را نیزروامیداند (۸۰ ب - ۸۳ الف) واز اثولوجیا هم یاد نمود .

آغاز : بسمله - سبحانك لاعلم لنا الاماعلمتنا انك‌انت‌العلیم‌الحکیم وبعدفانا اردنا فی هذه‌المقالة اولا ذکر الاصل المشهور من‌الحکما وهو ان الواحد لا یصدر عنه الاالواحد .

انجام : هذاآخرمااردنابیانه فی هذه‌المقالة والحمدلله واهب‌العقل والحیوة وصلی‌الله علی محمدوآله وسائل‌النجاة . تمت هذه‌الرسالة .

[۵۱۱]

این نسخه شماره ۲ دفتر است وبخط تعلیق با عنوانهای شنگرف ودرپایان دارد : «تمت هذه‌الرسالة فی‌العاشرمن شهرصفر... فی سنة ثمانین بعدالالف من‌الهجرة‌النبویة علیه‌افضل‌الصلوة واکمل‌التحیات۱۰۸۰» گ۵۶ب-۱۰۸ب (۷×۱۵س ۱۹-کاغذ سمرقندی) ودرگ۵۶ الف دارد که درروزگارنگارنده گفتار نوشته شده پس اونزدیك به ۱۰۸۰ میزیسته است .

۸۸۰

[۴۰۷] **الواردات القلبیة فی معرفة‌الربوبیة** (عربی)

دانشمند صدرای شیرازی دراین رساله که در مجموعه رسائل او در ایران

بسال ۱۳۰۲ بچاپ رسیده است یکدسته ازمسائل نغز الهی را بنام رازهائی که براو گشوده شده است بی آنکه از کسی گرفته باشد و بروش عرفان و اشراق باعنوانهای (فیض) آورد . در این رساله است که از مدرسان و درباریان و محدثان و فقیهان نکوهش میکند (ص ۲۵۷ چاپی) و بیتهائی پارسی در آن دیده میشود .

۵

[۵۱۲]

۲۵۲

این نسخه شماره ٦ دفتر است و بخط نسخ نورالدین محمدکاشی گ ۳٤۷ ب - ۳٥٦ الف س ۲۷ - درهامش بخط همو دارد که این چهار کتاب (تفکر - مبدء ومعاد - کلمات نوریه وواردات قلبیه) را با اصل ومسودههای آنها بخط خودم در ج۲ سال ۱۱۱٥ برابر کردم و پیداستکه این دفترهمانستکه همین کاشانی درمنتخب

۱۰ التصانیف خویش یادنمودونسخه اصل‌خوداوست. سپس‌دارد : وقف . بامهر(نورالدین محمد) چنانکه درگ ۱ ب و پشت کتاب تفکر نوشت که برفرزندان دانشمندم وقف کردم و مهر اوهم هست .

[۵۱۳]

۸۸٤

این نسخه شماره۳ دفتری‌است دارای ٥ رساله در۱٦۹ گ که دوم آن حاشیه‌ای است ازفاضل شیرازی برشرح مختصراصول بخط تعلیق ریزومورب درسه ستون نوشته‌شده درشام چهارشنبه سال۱۳۰۱- این‌رساله دراین‌نسخه‌بنام «التسبیحات القلبیة» میباشد و بخط تعلیق باعنوانهای شنگرف که اسمعیل بن حاجی‌ابراهیم درتاریخ صفر ۱۲۰۰ ازروی نسخه برابرشده با نسخه شیرازی نوشته است وحاشیه (منه مدظله) دارد. گ ۹۸ ب - ۱۱۹ ب - محمدتقی بن محمدعلی مراغی در ۲٤ رجب ۱۲۵۰ (گ

۲۰ ۲ الف) وجعفرقلی بن‌عباسقلی‌خان امین‌الوزاره‌درمحرم۱۳۰۲(گ۱٦۹) ازدارندگان ایندفتر بوده‌اند (نشانه در ص ٤۱ جلد ۱ یادگردید) .

[٤۰۸-٤۰۹] ینبوع الحیوة (تازی وپارسی)

چهارده فصل درعرفان یونانی که ازهرمس تریسمگیستوس یامثلث پرورد گار ستاره شناسی و پزشکی و کیمیای یونان پنداشته شده بزبان تازی در آمده و بنام

۲۵ زجرالنفس یامعاتبةالنفس وینبوع‌الحکمة یا ینبوع‌الحیوة خوانده میشد. گاهی آنرا بپیروی ازیهودان از ادریس پیامبر میدانستند و هنگامی هم از سقراط یا افلاطون یاارسطومی پنداشتندواز پیشوایان‌شیعی‌نیز آنراروایت‌نمودند. متن‌تازی‌رابارد نهاور

Bardenheuer در بون Bomae بسال ۱۸۷۳ بنام زجر النفس چاپ نمود و چندین بار خوری فیلیمون کاتب تا ۱۹۰۳ آنرا در بیروت چاپ کرد . باباافضل کاشانی سیزده فصل آنرا بپارسی کرد که در ۱۲۸ نشریه دانشگاه بچاپ رسید . (۱) او در نامه خود بدرواکوش ش ۱۷ر۴۳۱ از فصول زجر النفس یاد نمود .

۵

[۵۱۴]

۴۰۲ این نسخه بپارسی و شماره ۱۱ دفتر است و بخط تعلیق ریز گ ۱۰۵ ب - ۱۲۲ الف

[۵۱۵]

۴۳۱ این نسخه بپارسی و شماره ۲ دفتر و بخط تعلیق محمدعلی بسال ۱۳۰۱ گ ۱۳ الف - ۷۵ الف میباشد .

۱۰

[۵۱۶]

۱۰۴۶ این نسخه بپارسی و شماره ۱۸ دفتر و بخط رجبعلی در ۱۸ ذیقعده ۱۰۶۱ گ ۸۱ ب - ۹۳ الف میباشد .

[۵۱۷]

۸۸۱ این نسخه بتازی و درشماره ۵ دفتر بخط نسخ محمد بن فتح‌الله بسطامی بسال ۱۰۰۳ درمدرسه رزم سراریه قزوین گ ۱۳ ب - ۳۰ ب واز دوسطر مانده ۱۵ بآخر برگ ۳۰ می پیوندد بآنچه دربرگهای ۳۳ و ۳۴ نوشته شده که نویسنده پس از این جسته و نوشت (بنگرید به ش ۱۱ گ ۸۱ ب جنگ ۱۰۳۳) این است چگونگی آن :

آغاز : بسمله و به ثقتی هذا ما وجد من معاتبة النفس لهرمس الحکیم المثلث بالحکمة ویعنی به ادریس النبی وقد تؤثر عن افلاطون الالهی ورواها بعض عن الائمة الطاهرین ع ۲۰ وهی ثلثة عشر فصلا . . . الفصل الاول یا نفس تصوری واستعملی ما انا مورده لك من المعانی العقلیة الموجودة وجودا دائما فما تصورته فقد عقلته واقتنیته وتیقنته .

انجام : وقلیل العمل مع العلم به خیر من کثیر العمل مع الجهل به تم کتاب زجر النفس والله ولی التوفیق (گ ۳۰ ب) در گ ۳۳ و ۳۴ ب چنین است : یتهاون بتدبیرها وینصرف بجمیع قوته الی التلذذ . . . وقلیل من العلم من العمل به انفع من کثرة العلم مع قلة العمل ۲۵ به تمت الفصول الثلثة العشر فی زجر النفس لهرمس من الهرامسه وهو ادریس النبی ع المثلث

۱- نگاه به دیباچه آقای نفیسی بررباعیات - گفتار دکتر خضیری دررسالة الاسلام ش ۴ سال ۱ ص ۴۰۳ - ۴۱۰ - دائرة المعارف اسلامی کلمهٔ اخلاق و ارسطو .

بالحکمة والفضیلة اراد بالمثلث بالحکمة والفضیلة یعنی انه یعرف مایعرف به الاشیاء ویعرف انه یعرفهاولواهب العقل الحمد بلانهایة .

[٥١٨]

١٠٣٣ این نسخه بتازی و شماره ۱۳ دفتر بخط شکسته ریز بی نقطه تاریخ ج ۱ سال ۱۰۸٤ گ ٦٣ ب - ٨٤ ب میباشد .

آغاز : ستایش ونیایش - هذا ماوجد من زجرالنفس لهرمس النبی اعنی ادریس المثلث بالفضائل شرکنا الله فی دعائه وهو ثلث عشر فصلا الفصل الاول یا نفس تصوری و تمثلی .

انجام : و قلیل من العلم . . . العمل به والله اعلم تمت الفصول فی زجرالنفس لهرمس الهرامسة وهو ادریس النبی ع وقد یسمی الفصول ینبوع الحکمة - نسخه ازاین متن تازی درمجلس ش ٦٣٤/٤ هست . در کنار برك ٦٥ نسخه مادارد « هرمس همان ادریس مثلث بحکمت ونبوت وسلطنت بودواستاد حکماء الهی ومبعوث بخلق ومرفوع بآسمان » .

[٥١٩]

١٠٣٥ این نسخه بتازی وشماره ۲۷ دفتر ودرص ۲٤٣ وشش بند است که به «یا نفس» آغازمیشود و از افلاطون دانسته شده و آغاز و انجام آن چنین است : « هذه مواعظ مشتملة علی تزکیة النفس وتحذیرها من الاخلاق الردیة مستخرجة من کلام افلاطون کلها علی طریق مخاطبته مع النفس (مع نفسه) یا نفس ان مهلکات النفس ثلثة اجناس اولها الشرك وسائرانواعه وثانیها الظلم وسائرانواعه وثالثها التلذذ وسائر انواعه - یا نفس حتی متی انت فقیرة هاربة من ضد الی ضد . . . وجمیع ما انت مشاهدة له فی عالم الحس فبینما انت فقیرة » وبرابر است بانیمه دوم فصل دوم (س ٤ ص ١٠) قانیمهٔ نخستین فصل ۳ (س ٥ ص ۱۳) ینبوع الحیوة پارسی چاپی .

گفتار سوم

عرفان

[۴۱۰] **آغاز و انجام** (فارسی)

خواجه طوسی این رساله را که کتابفروشی جهان در شیراز بسال ۱۳۱۸ چاپ نمود و تذکره هم نامیده میشود بروش باطنیان اسماعیلی در ۲۰ فصل نوشته اصول عقائد اسلامی را در آن تأویل فلسفی و عرفانی کرد (۱).

۵ **آغاز**: بسمله ربنالاتزغ قلوبنا.. سپاس آفریدگاری را که آغاز همه از اوست و انجام همه بااوست . . . دوستی ازمحرراین تذکره التماس کرد که بندی از آنچه سالکان راه آخرت مشاهده کنند از انجام کار آفرینش شبیه بر آنچه در کتاب الهی مسطور است . . . از احوال قیامت و بهشت و دوزخ . . . ثبت کند بر آن وجه که اهل بینش بعیان می‌بینند نه بر آن وجه که اهل دانش بیان میکنند.

۱۰ **انجام**: اهل فوز اکبر ند فلاتعلم نفس ما اخفی لهم من قرة اعین ... از ثواب و عقاب منزه‌اند چه آخرت بر مردم دنیا حرام‌است. الدنیا حرام علی اهل الاخرة والاخرة حرام علی اهل الدنیا وهما حرامان علی اهل الله. اینست آنچه تحریرش درینوقت دست داد (واصلاح سهوها که قابل اصلاح باشند بجای آورند والله ولی التوفیق سبحانك رب‌العزة عمایصفون و سلام علی‌المرسلین . . . الاخیار الصالحین)

۱۵ [۵۲۰]

۸۹۰ این نسخه شماره ۹ دفتر و بخط تعلیق مورب در گ ۴۱ ب ـ ۵۴ الف میباشد
(همه دفتر ۱۲۹ گ) ـ کاغذ سمرقندی ـ جلد تیماج ضربی
اندازه: ۱۵٫۵×۲۴ و ۱۰×۱۸ س ۳۴

---

۱ ـ خواجه در آغاز اشاره میکند که اینکونه نوشتن دشوار است زیرا «نه هرچه ۲۰ هست نصیب هر کس است، و نه هرچه نصیب کسی است بتواند دید، و نه هرچه بیند بتواند دانست، و نه هرچه بداند بتواند گفت، و نه هرچه بگوید بتواند نوشت. چه‌اگر دیدن بعین بود، دانستن باثر تواند بود و اگر دانستن بتصور بود، گفتن باختیار تواند بود. و اگر گفتن بتصریح بود، نوشتن بتعریض و تلویح تواند بود. ولیس الخبر کالمعاینه. فکیف اذا کان الخبر بالایماء والاشارة.» ومیگوید اگر آنچه نوشته‌ام قاصر باشد معذور میباشم.

[٥٢١]

١٠٤٦ این نسخه شماره ١٦ دفتر است و بخط تعلیق رجبعلی نزدیك ١٠٦١ گ ٦٦ الف ــ ٧٣ الف .

[٤١١] آیة النور (فارسی)

محمد علی نورعلی شاه رقی طبسی سپاهانی (م١٢١٢) این رساله را دراصول وفروع بروش عرفان شیعی نگاشته ودر آن (٦٢ب ــ ص ٦٩ چاپی) ازمشکوة النجاه فقه خود یاد میکند .

آغاز : بسمله و حمد اما بعد بدانکه برهر مکلفی واجب است که سیاح نظررا دردریای بی انتهای فکرت غوطه ور سازد .

انجام :

ز یمن مقدم آن شـاه عـادل
جدا گردد زهم تا حق و باطل

والله اعلم بالصواب والیه المرجع والمآب .

[٥٢٢]

٨٦٧ این نسخه شماره ٢ دفتر و بخط تعلیق است گ ٥٨ ب ــ ٦٧ ب . و بدینجا پایان میبابد : «گاهی پروانه سوخته جان و گاهی شمع گهی با یاد» برابر با س ٣ ص ٨٠ چاپی درمجموعه عوارف المعارف درچاپخانه مظفری شیراز بسال ١٣١٧ ص ٦ ــ ٩٣ بنام « اصول دین وفروع دین ظاهری و باطنی نورعلیشاه با سیروسلوك » .

[٤١٢] ابو الادعیه (عربی)

قطب الدین محمد حسینی مدنی نیریزی (١) این قصیده را درعرفان سروده

---

١ ــ گویند که نسب نیریزی با ٢٣ واسطه بامام سجاد(ع) میرسد ونیاکان اواز مدینه آمده در نیریز نشستند . خود او نیز در همانجا میزیست و پس از فرا گرفتن دانشها برای ریاضت بشیراز نزد شیخ علی نقی اصطهباناتی از بزرگان دسته ذهبی کبروی معروفی رضوی رفته پیرو او شد ودر آرامگاه سید نظام محمود داعی الی الله بیرون شهر شیراز مقامات سلوك را

دنبالهٔ حاشیه درصفحه بعد

است .

آغاز : بسمله .

لله حمدالعالمین جمیعهـا والله جاعل نورها و بدیعها

انجام :

والحمدلله الذی اوحی الی قلبی معارفها لدی توقیعها

[٥٢٣]

٣٦٤ این نسخه شماره ۲ دفتری است که دارای ۳ رساله میباشد و خط دوم و سوم در نظم بنسخ ودرنثر بشکسته تعلیق باعنوانهای شنگرف وتصحیح شده میباشد و حاشیه‌هائی ازخود نیریزی با عبارت (منه) و از دیگران دارد ـ گ ۳ ب ـ ۷ ب .

(همه دفتر ۱۷۰ گ) ـ کاغذ فرنگی ـ جلد تیماج زرد مقوالی حاشیه‌دار

اندازه : ۱۴×۲۱ و ۷×۱۵ س ۲۱

مانده حاشیه ازصفحه پیش

پیمود وداماد وخلیفه او شد و دوست ودشمن بدوسرفرود میآوردند . درگردشهای خویش بسیاری از بزرگان را تعلیم داد مانند ملامحراب گیلانی و شیخ احمد احساوی و سیدجعفر نجفی . مولانا شاه محمد دارابی نگارنده « معراج‌الکمال فی‌معنی‌الشیخ والارشاد والمرید والاسترشاد» ازبزرگان فارس ومولانا محمدعلی سکاکی شیرازی (کشته افغانان بشیراز) و مولانا محمد صادق اردستانی که هفت سال در سپاهان با نیریزی بوده است و آقا خلیل سپاهانی که نیز درهمین سپاهان باوی بود و میر ابراهیم قزوینی و میر محمدتقی خراسانی مشهور بشاهی و فاضل‌عارف مشهور که درطوس وسپاهان باوی بود وسید میرمحمدهاشم‌عارف بحرانی نجف‌نشین که درسال ۱۱۲۹ درمسجدکوفه او را دیده (و آنچه نادرشاه نیاز داد ودرخواست کرد نپذیرفت) وبسیاری از دانشمندان دیگر درروزگار نیریزی میزیستند ودر قزوین وسپاهان وکاشان وشیرازاورا دراتجمنهادیده وگفتگوها میان آنان شد . نیریزی می گوید : همه اینها صوفی بودند مگراینکه ازهمدیگر پرهیز می کردند وگروهی نادان متفلسف هم آنانرا نمی‌پسندیدند . آقا محمدهاشم شیرازی ازجانشینان نیریزی بود . پسرش میرزااسیدعلی بادانایان یهود گفتگونمود وگروهی را مسلمان ساخت . نیریزی درروزگار سلطان حسین صفوی (۱۱۰۵ ـ ۱۱۳۵) میزیست ونزدیك بسال ۱۱۳۷ درگذشت . درآن هنگامی که عارفان بدنام وند و دشنام می‌شنیدند او بکربلا و نجف رفته بود ودرهمان روزگار افغانان بایران آمده (۳۷ـ۱۱٤۲) وکردند وآنچه کردند . نیریزی نگارشهای خویش را درنجف فراهم آورد و اینها است : فصل‌الخطاب ، شمس‌الحکمه ، کنزالحکمه ، انوارالهدایه ، نورالهدایه ، ابداعیه ، قصیده عشقیه بتازی ، مثنوی انوارالولایه بپارسی ؛ مثنوی منهج‌التحریر بوزن مخزن‌الاسرار بپارسی .

بنگرید به : فصل‌الخطاب نیریزی وسرگذشت همو بخامه هدایت (ش ۱ و۳ر۳٦٤) هدایت نمونه‌ای از سه‌تای اخیررا میآورد وبریاض‌العارفین بازمیگرداند .

[٤١٣] **ابطال وحدت وجود** (عربی)

ملامحمد سعید گیلانی در این رساله وحدت وجود را باطل میسازد.

آغاز : بسمله الحمدلله رافع درجات العالمین . . . فانی اریدان اذکر اصل شبه القائلین بوحدة الوجود .

انجام : وباقی الالفاظ والعبارات غیرمحتاج الی التفسیر .

[٥٢٤]

۸۷٤ این نسخه شماره ٥ دفتر است در گ ١٤١ ب ـ ١٧٠ الف و بخط شکسته تعلیق وعنوانهادرهامش بشنگرف.درپایان‌دارد : تمت الرسالة التی فی التوحید وابطال وحدة الوجود للفاضل مولا محمد سعیدالجیلانی بعون الملك الوفی فی بلدة اصفهان سنة ١١٢٩» (ص ١٣٤ این فهرست) .

[٤١٤] **اثبات واجب** (فارسی)

نگارش دانشمند مولانا رجبعلی تبریزی که درص١٣٢ یاد شد . اودردیباچه گفتار فارابی در « فصول مدنیه » راگواه میآورد.

[٥٢٥]

۱۰۳٦ این نسخه شماره ١ دفتر وبخط تعلیق میباشد گ ٢ ب ـ ٨ ب . آغازوانجام آن مانند نسخه ش ٣٧٤/٢ است .

[٤١٥] **اسرارالصلوه** (عربی)

این رساله که در آن از نماز درسه فصل ازروی قواعد فلسفی وبروش باطنی و تأویل گفتگو میشود از شیخ رئیس دانسته شدگرچه خزرجی و بیهقی از آن یاد ننمودند . درپایان دارد که آنرا درکمتر از نیم ساعت باگرفتاریهای فراوان وآسایش اندك نوشتم وازخوانندگان وخردمندان دادگر میخواهم که آنرا آشکار نسازند . نیز میگوید خواستم همه عبادتهارادراینجاگزارش دهم مگراینکه پرداختن بکاریکه هرکس را شایستگی آگاهی از آن نیست دشوارمیباشد وهمین که بدو گونه عبادت تن وجان دراینجااشارت کردیم برای آزادگان بسنده است واین رساله را بهوی پرستان نباید نشان داد .

آغاز : بسمله الحمدلله الذی خص الانسان بشرف الخطاب .

انجام : ولذة النظر لایصدق به الاکمه و کتب هذه الرساله بحمدالله . . . فی مدة اقصر من نصف ساعة مع عوائق کثیرة و فراغة یسیرة واعذر من مطالعی هذه الرسالة ومن اسبغ علیهم فضل العقل و نورالعدل أن لایفشوا .

٥

[٥٢٦]

١٠٧٩ این نسخه شماره ١٦ دفتر و بخط تعلیق در ص ٨٠ ـ ٨٨ و دراین نسخه مانند نسخه‌های قنواتی « رساله فی ماهیة الصلوة » یادگردید آنرا « الکشف عن ماهیة الصلوة » هم خوانده‌اند. همه آن در کنار نمط ٩ شرح اشارات چاپ ١٣٠٥ ونیمی ازفصل ١ آن (تا س ١٤ ص ٨٢ این شماره) بنام اسرارالصلوة در کنار شرح

١٠ هدایه شیرازی چاپ ایران بسال ١٣١٣ ص ٧١ـ٣٦٨ و نیز همهٔ آن درمجموعه مهرن وجامع البدایع بچاپ رسید (قنواتی ش ٢٢٧) نام ماهیة الصلوة از عنوان فصل ١ آن گرفته شده است .

[٥٢٧]

١٠٨٩ این نسخه شماره ٢١ دفتر است و بخط تعلیق در گ ٧٦ الف ـ ٧٨ بنام اسرارالصلوة و بدینجا پایان مییابد : « الفصل الثانی فی ان الصلوة منقسمة الی ظاهر و باطن ... وقسم منها باطن وهوالحقیقی ویلزم» ودیگر برگها سفیداست .

[٤١٦] اسرارالصلوة (فارسی)

شاه نعمة‌الله ولی دراین رساله بروش عرفانی راز نماز را روشن ساخت .

آغاز : الحمدلله رب العالمین ... امابعد روزی جمعی ازشاه نعمة‌الله ولی پرسیدند

٢٠ که نمازچون میگذارید .

انجام : تا ازملازمت عبودیت محروم ننمایند . والله اعلم بالصواب والیه المرجع والمآب .

[٥٢٨]

٨٩٠ این نسخه شماره ١٠ دفتر است وبخط تعلیق گ ٥٤ الف ـ ٥٥ ب

[٤١٧-٤١٨] **اسرار الصلوة** (عربی)

قاضی محمد سعید قمی (١٠٤٩-١١٠٣) دو رساله در راز نماز نگاشته است:

١- که در ١٣ شوال سال ١٠٨٤ درقم نوشته و رازهای افعال و اطوار نماز را بروش عرفانی در آن هویدا ساخت. این رساله در کنار شرح هدایه شیرازی ص ٣٥٧-٣٦٢ بچاپ رسید. ٥

٢- که در آن ارکان و افعال و اوراد و اذکار نماز را اشاره بمقامات و درجات عرفانی پنداشت و در پایان بشرح توحید خویش باز گشت داد.

آغاز: بسمله بعد الحمد و الصلوه اقول یا اخواننا الروعانیین و اصدقائنا الروحانیین جعل الله اذانکم واعية ودرجاتكم متراقية.

انجام: وقد بسطنا القول فی بیان اسرار الصلوة فی شرحنا لتوحید الصدوق. ١٠
وهذا آخر ما اردنا ایراده فی الرسالة علی سبیل العجالة والحمدلله فی الاولی والآخرة.

[٥٢٩-٥٣٠]

١٠٣٠ این دو نسخه شماره‌های ١٧ و ١٩ دفتر است و نخستین بخط نستعلیق و آغاز مطلبها زیر خط سرخ گ ١٧٢ ب - ١٧٦ الف میباشد. دومی بخط شکسته بسیار ریز و مورب و درهامش و عنوانها زیر خط سرخ و بتاریخ ١١٨٧ میباشد ١٥
گ ١٩٤ الف - ١٩٧ الف.

[٤١٩] **اصطلاحات صوفیان** (عربی)

عارف بزرگوار عبدالرزاق کاشی (م ٧٣٦) در این رساله از اصطلاحات صوفیان در دو بخش، نخستین بترتیب ابجدی در ٢٨ باب، دوم بترتیب منازل السائرین، گفتگو نمود و آنرا پس از شرح منازل السائرین و شرح فصوص الحکم و تأویلات القرآن نگاشته است. ٢٠

آغاز: بسمله وهو المستعان وعلیه التکلان الحمدلله الذی نجانا من مباحث العلوم الرسمیه.

انجام: تم قسم الاصطلاحات والحمدلله رفیع الدرجات والصلوة علی رسوله صاحب الحسنات.

[٥٣١]

٨٥٤ این نسخه شماره ۳ دفتر است و بخط تعلیق ریز باعنوانهای شنگرف از نویسندهٔ شماره ۱ (شرح قصیده بوصیری در پنجشنبه ۲۰ شوال ۸۱۳ درمدرسه سلطانیه سمرقند در ٤٢ برك) گ ٥٠ ب - ٧٦ ب وحواشی دارد از لطائف. این رساله کاشی در کنار منازل السائرین ص ٨٦-١٨٢ بچاپ رسید ودر آن و نیز در نسخه ما بخش دوم دیده نمیشود و گویا بنگاشتن آن نرسید.

[٤٢٠] اصطلاحات صوفیان (فارسی)

سید نورالدین شاه نعمةالله ولی بن عبدالله حلبی کرمانی (کوهبنان کرمان ۲۲ رجب ۷۳۰ یا ۷۳۱ ـ ماهان کرمان ۲۲ رجب ۸۲۷ یا ۸۳٤) (۱) در این رساله اصطلاحات صوفیان را بنثر و نظم پارسی شرح میدهد و مانند ترجمه ایست از اصطلاحات کاشی.

آغاز: بسمله. سپاس بی قیاس حضرت واجب الوجودیرا که خواص امت محمدیه را نجات داد وازمباحث علوم رسمیه بمحض افضال بی وسیله کسب واعمال ایشانرا بی نیاز گردانید... بیان اصطلاحات است در یاب ـ که تا گویم ترا در بیست وهشت باب (قال شیخ الاسلام کمال المتعال رحمةالله علیه) باب الالف.

انجام: التوحید در نهایات احدیة فرق و جمع است . . . بشرع محمد درا درسلوك ـ که یابی رسید طریق هدی.

[٥٣٢]

٨٧٥ این نسخه شماره ۱ دفتر است و بخط نسخ والفاظ و نشانه‌ها بشنگرف ودرصفحه ۱ و۲ درجدول زرین ودیگر صفحه‌ها درجدول شنگرف گ ۲ ب ـ ٥٦ ـ درپایان دارد: الحمدلله علی ماافاضه الوجود ... هواظهار النعمة ... ولایعدم. س ل ».

---

۱ ـ بنگرید به: فهرست طوش ج ٤ ص ۳۰۲ که از «تذکره دراحوال مولانا» بخامه عبدالرزاق ابن عبدالکریم بن عبدالرزاق کرمانی یادمیکند. او سرگذشت این عارف را بدستور امیر نظام الدین عبدالباقی (نواده هموو کشته دررجب ۹۲۰ درچالدران) درشوال ۹۱۱ ازروی سیرهٔ سدیدالدین نصرالله درشیراز مورخ ۹۰٦ گردآورده و بپرداخت. درموزهٔ بریتانیا (Add 16,837 XXII ج ۲ ص ۸۳۳) نسخهٔ «مناقب حضرت شاه نعمة الله ولی» از عبدالعزیز بن شیر ملك بن محمد واعظی که بعلاءالدین احمد شاه بن احمد شاه ولی بهمنی (۸۳۸-۸٦۲) ارمغان داده هست. احمدشاه ولی (۸۲۵-۸۳۸) نیز از پیروان کرمانی شده بود. نسخهٔ «نسب خرقه احمدشاه» درهمانجا هست (ص ۸۳۲ ش XV)

نسخه‌ای از این رساله در ۲۸ باب درمجلس (٦٤٦ ص ٤١٣ ج ۲) هست و گفته نشد از کیست . درفهرست طوس از نسخهٔ چاپ شدهٔ بمبئی بسال ۱۳۱۲ یاد میشود (ج ٤ ص۲۸۰ نیز ص ۱۰۳) این رساله درکنارجنك دارای اشعه‌اللمعات جامی ورساله‌های نسفی وآذری ص ۲۷٤ـ۳٦٥ بسال ۱۳۰۳ بچاپ رسید .

(همه دفتر ۱۰۹ گ) کاغذ فرنگی ـ جلد مقوای قهوه‌ای ، توسط کتابخانه تعمیر شده

اندازه : ۱۰×د۱٦ر و ۱۴×٦ س ۲۱ (رساله دوم موجود نیست)

[٤۲۱] اصطلاحات صوفیان (فارسی)

این رساله چنانکه از نسخهٔ ما پیدااست برای روشن شدن ترانه‌های جلال‌الدین رومی (م٦۷۰) وفریدالدین عطار (٥١٣ـ٦٢٧) نوشته شده وازسهروردی دانسته شد (۱) لفظهای پارسی و تازی بی‌ترتیب دراین رساله آمده و شرح کوتاهی داده شد مانند : « آرزو : میل باصل آگاهی . کرشمه : التفات » .

آغاز : بسمله الحمدلله رب‌العالمین . . . نظم :

من معترفم که شاهد دل معنی است

لیکن چکنم کـه چشم صورت بین است

قال‌النبی . . . ان‌الله خلق آدم علی صورته . چون بلبلان سرمست وطاوسان شگرف بوی گل شنیدند درترنم آمدند .

انجام : جست و جوی خرده گیری که از تقصیری دروجود آمده باشد و منازعت را نیز گویند والله اعلم .

[٥۳۳]

۸۸۱

این نسخه شماره ۹ دفتر است وبخط نسخ با عنوانهای شنگرف تاریخ روز دوشنبه ٥ ذی‌حجه سال ۱۰۰٥ گ ۳۸ب ـ٤١ الف ودرپایان دارد : «تمام شد اصطلاحات که منسوب است بشیخ شهاب‌الدین سهروردی قدس‌الله روحه العزیز ازبرای بیان ابیات واشعارمولانا جلال‌الدین رومی و خواجه فریدالدین عطار رحمه‌الله وامثال ایشان » .

۱ ــ این درست نیست زیرا سهروردی شهید اشراقی در ٥۸۷ و شهاب‌الدین عمر سهروردی در ٦۳۲ درگذشتند مگراینکه سهروردی دیگری باشد .

[٤٢٢] اصطلاحات صوفیان (فارسی)

این رساله درسه فصل باید باشد : «لفظهای مخصوص بمعشوق ـ لفظهای متداول میان عاشق ومعشوق ـ لفظهای خاص بعاشق» مگر اینکه همه اینها را آمیخته با یکدیگر گزارش نمود .

٥ **آغاز** : بسمله وبه نستعین الحمدلله رب العالمین ... امابعد بدانکه ... امام جعفر... دربیان این حدیث که خلق‌الله آدم علی صورته کشف استار فرموده .

انجام : علف شهوات انسانیت راگویند ... بخاطر رسند محفوظ کردند یاکریم بالحق وبالحق علمنا ... وارنا حقائق‌الاشیاء کماهی . والسلام .

[٥٣٤]

٨٩٠ این نسخه شماره ٨ دفتراست وبخط تعلیق مورب باعنوانها و لفظها بشنگرف وحاشیه‌هائی دارد بشکسته گـ ٣٥ ب ـ ٤١ الف .

[٤٢٣] اصطلاحات صوفیان (فارسی)

دراین رساله یك مقدمه عرفانی است و دو مطلب (١ پنج جهان و شش مرتبه وهفت طور ٢ لفظهای عرفانی پارسی وتازی که گزارش میشود) وبسیارروان وشیوا

١٥ نگاشته شده و واژه های پارسی آن خیلی لطیف تفسیر گردید . کلمه هـا بترتیب حرفهای تهجی ابجدی فراهم آمده ولی نه متداول آن (١) .

---

١ ــ نمونه‌ای ازاین‌رساله : بنفشه ، نکته راگویند که ادراك‌بشری‌بآن راه نبرد وعقده آن بنظر وفکرانحلال نپذیرد ـ بیداری ، عالم صحوراگویند جهت‌تکمل نواقص . لمؤلفه:

« ز حد شد ناله شبها و بیداری خوش آن روزی
که در کویت کنم خواب اجل درپای دیواری »

٢٠ بوستان ، مقام دل گشادگی عارف راگویند اعم ازآنکه بمرتبه و مقامی مخصوص باشد بیت :

دوستان‌دربوستان چون عزم می خوردن کنید
اول از یاران دور افتاده یاد من کنید »

ترسائی ، تجرد و تفرید باطن را گویند درحـالت توجه بحق از صور کاینات ونسب

٢٥ واضافات . شعر :

«زترسائی غر تجرید دیدم خلاص از ربقه تقلید دیدم »

ترانه ، آئین و راه محبت راگویند بروجهی که موجب اشعار بغیرخود بود . بیت :

« مطرب بساز عود که کس بی‌اجل نمرد
وانکس نه این ترانه سراید خطا کند »

[٥٣٥]

۳۲٦ این نسخه یك برك ازدیباچه را ندارد وچنین است آغازوانجام آن : «دربیان الفاظ مفرده معتبره وبسایط کلمات متداوله معتوره که میان این طایفه ازآن مقوله کلمه وکلام را بلسان عربی وفارسی درسلك نظم ونثر آورده‌اند ...

امامقدمه ، ائمه علم توحید وعارفان مراتب اطلاق و تقیید ـ درمقصد اقصای دل وجان قدسی التقا تواند شد لمؤلفه : ٥

ای دیده چو عزم دیـدار کنی ازاشك ، توغسل نقش اغیار کنی

آلوده ، بطوف کعبه ، ای دیده مرو پاکیزه زاشك ، عزم دیدار کنی

خط آن نسخ تعلیق ازمحمد حسن بن ابوالملوك بن خاقان درروز آدینه ۲۷ ذیقعده ۱۲۷٤ وعنوانها ولغتها وعبارتهای تازی بشنگرف است . ١٠

(۱۰٦ گ) ـ کاغذ فرنگی ـ جلد تیماج سرخ ساده مقوائی

اندازه : ٥ر١٠×۱۷ و ٥ر٦×۱۳ ۱۰

[٤٢٤] اقرب الطرق الی الله (رسالة فی ...) (عربی)

شیخ ولی تراش ابوالجناب نجم الدین احمدبن عمر طامه کبری خیوقی (خیوگی) که در ٥٤٠ زاده وبستم مغولان وتاتاردرخوارزم بسال ٦١٨ کشته گردید وازعارفان بزرگوار ایران بوده‌است اودراینگفتار میگوید که راه بسوی خداوند باندازۀ انفاس آفریدگان است وازسه راهی که یادمیکند : « راه اهل معاملت وسنت ، اهل ریاضت و مجاهدت و باطن ، اصحاب سلوك وطیران ومحبت وجذبت » سومی رابرمیگزیندواز آن گفتگومیکندوآنرابرپایۀ مرك ارادی می نهد وده اصل برای آن یادمیکند : «توبه ، زهد ، توکل ، قناعت ، عزلت ، ملازمت ذکر ، توجه بخدا ، صبر ، مراقبت ـ رضا » درآن پاسخی آورده شده که ابراهیم خواص بابومنصور داده است . ١٥ ٢٠

آغاز : الطرق الی الله بعدد انفاس الخلایق وطریقنا الذی نشرع فیه اقرب الطرق الی الله واوضحها وارشد .

انجام : لیس بخارج منها الا بزمرته المؤمنة ... الولایة والنبوة فافهم (تفهم) .

[٥٣٦]

۸٥٤ این نسخه شماره ٤ دفتر وبخط تعلیق ریز نزدیك ۸۱۳ گ ۷۷ الف ۷۸ ب و چنین است : ٢٥

« بسمله انه هو المستعان الكريم الحمدلله رب العالمين ... فقال المولى الاجل قدوة الواصلين نجم الملة والدين برهان الطريقه محى السنة ابو الجناب الخيوقى سلام الله عليه: الطرق ـ النبوة والله اعلم بالصواب واليه المرجع والمآب» در برگ ٧٩ الف نیایشی است بتازی و ٧٩ ب ـ ٨٠ ب داستان آوردن سیبی سرخ و زیبا برای بایزید و سخنان او

٥ بپارسی .

[٥٣٧]

٨٧١ این نسخه شماره ٤ دفتراست وبخط نسخ وتعلیق محمدعلی بسال ١٣٠١ درمدرسه سپهسالار میرزا محمدخان قاجار گ ٦٨ الف ـ ٧٤ الف وچنین است : «قال الشیخ السالك العارف نجم الدین الکبری قدس الله روحه: الطرق ـ النبوه تفهم انشاالله

١٠ تعالی وصلی الله علی خیر الانام ... والتحیة والاکرام » .

[٥٣٨]

٨٨١ این نسخه شماره ١ دفتراست وبخط نسخ با عنوانهای شنگرف گ ١ ب ـ ٢ ب وچنین است : « بسمله و به ثقتی الحمدلله رب العالمین ... فقال الامام ... نجم الملة والدین ... ابو الجناب الکبری الخیوقی ... الطرق ـ تاسعها المراقبة وهی الخروج

١٥ عن حولها وقوتها . . . یزول ظلمة امارية النفس مالا یزول بثلثین » نیمی از اصل نهم « مراقبت » را دارد وبپایان نمیرسد .

[٥٣٩]

١٠٣٨ این نسخه شماره ٩ دفتر وبخط شکسته تعلیق گ ٧١ ب ـ ٧٢ الف وچنین است « بسمله الطرق ـ النبوة فافهم انشاالله تعالی » .

٢٠ [٤٢٥] **انموذج الآداب** (فارسی)

یکی از عارفان شیعی دراین رساله برصوفیان رد نموده و درآن از اشراقیان وملای روم (٥٣ ب) وسیدعبدالمالی، رونق علی بنگالی، زغال علیشاه ، بنگال ولی روسیاه ، بهمنیارهمدانی ، رمز یا هیچ مدانی ، عبدالله بلبانی ، شیخ بدخشانی ، علی حیدرچپلاق ، رحیم علی قنبر ، مستعلی ، سرخیلی ، نورعلی قمبرعلی ، شوربنگی ،

٢٥ شفیع زرابی ، مهدی کهلانی ، شیرربیع ازوانی ، بایزید بسطامی ، منصورحلاج یاد کرد وهمه را « کجرو ودارای چنك و بربط وعود و پیاله نوش باده وحدت وجود وموجود و پیروشیطان » دانست . در (٤٣ ب) از ملامحسن (کاشانی) نام برد .

آغاز ؛ و به ثقتی بسمله و حمد و صلوة اما بعد . پس متکف زاویه گمنامی و رونق بخش اساس بی سرانجامی .

انجام :

با بنده بگو هرچه هوای دل تو است

تا با تو چنـان زیم که رای دل تست ٥

[٥٤٠]

٥٧٥ این نسخه شماره ١ دفتریست دارای دورساله و بخط نسخ (١٣١ گ) میباشد

(همه دفتر ٢٩٨ گ) — کاغذ فرنگی — جلد تیماج ساده مشکی

اندازه : ١٠×١٥ و ٦٫٥×١١٫٥ س ١٧

[٤٢٦] **الانوار الجلیه** (فارسی) ١٠

ملاعبدالله مدرس زنوزی تبریزی این رساله را بسال ١٢٤٧ درشرح حدیث « ماالحقیقة » کمیل بن زیاد بروش تأویل صدرای شیرازی آمیخته با فلسفه و عرفان شیعی نگاشته و در آن (١٤٣ الف ــ ١٤٤) از شرح ملاعبدالرزاق کاشی براین حدیث یاد میکند و پاره هائی از آن میآورد . این بزرگترین شرحی است که نوشته شد . زنوزی میگوید که فتحعلیشاه قاجار (١٢١١ ــ ١٢٥٠) درسال ١٢٤٥ بفارس ١٥ که آمد این را ازمن خواست ومن آنرا بنام او وشاهزاده علیشاه ساختم .

آغاز : بسمله جل جلالك وتعالی شأنك . . . اما بعد چون سلطان سلاطین ایران وتوران .

انجام : برازدیاد عمر و دولت و شوکت و سطوت شاهنشاهی دعا نماید .

الحمدلله الذی وفقنی علی اتمامه ... والصلوة علی خیر خلقه ... وذریته سنة ١٢٤٧ . ٢٠

[٥٤١]

١٠١٣ این نسخه بخط تعلیق و عنوانهای مطلبها درمتن و هامش بشنگرف نوشتهٔ پسر کربلائی قدیمعلی تفرشی میباشد بسال ١٢٥٠ برك ١ ب ١٥٢ ب .

(١٥٢ گ) ــ کاغذ فرنگی ــ جلد تیماج سرخ ضربی مقوائی

اندازه : ٢١×٣٠٫٥ و ١٢×١٣ س ٢٠

[٤٢٧] **انوار حکمت** (فارسی)

سید معصومعلی شاه دکنی این رساله را در چند گفتار و هریك در چند بند با عنوان کلمه نگاشته است .

آغاز : الحمدلله‌الذی نور مصابیح‌القلوب بانوار حکمته . . . مناجات : الهی بعزت آنهائی (آنانی) که رخش‌همت درساحت میدان قناعت تاخته‌اند . ٥

انجام : ایضاً کلمه تمام شد (خاتمه تمام) این رساله که موسوم است بانوار حکمت ومتضمن کلام فقرا وعرفا وحکما و ازعیب وتکلف مبرا ومعرا .

[٥٤٢]

٣٥٨ این نسخه شماره ٨ دفتریست دارای١١ رساله وبخط تعلیق خوش با عنوانهای شنگرف میباشد ٥٥ الف ـ ١٦٣ ب .

(همه دفتر ١٧٨ گ) ـ کاغذ ترمه سپاهانی ـ جلد تازه شده

اندازه : ١٤ × ٢٢ و ٩×١٦ س ١٥

[٥٤٣]

٨٦٧ این نسخه شماره٧ دفتراست وبخط تعلیق‌عباسعلی بن نعمت‌الله کرمانی احمدآبادی در٢٠ ج ٢ سال ١٢٢٣ گ ١٢٠ ب ـ ١٣٠ ب .

[٤٢٨] **بستان المعرفة وطاسین الازل** (عربی)

ازسخنان پیچیده ومرموزدانشمند روشن‌بین شهیدایرانی‌ابوعبدالله‌الحسین‌بن منصورحلاج فارسی (٢٤٤ـ٣٠٩) است که بنام طواسین یاد میشود . شیخ ابومحمد روزبهان بن ابی‌نصر دیلمی بقلی فسائی شیرازی عارف (٥٢٢ ـ ٦٠٦) آن‌را بسال ٥٧٠ دردفترسوم بخش دوم شطحیات بند ببند بپارسی کرد (١) . ٢٠

١ـ بنگرید به : شدالازار ص٧ ـ ٢٤٣ ـ و کتاب‌الطواسین حلاج چاپ ماسینیون در پاریس بسال ١٩١٣ ص XIX–IX–IV–VI و ٨٠ و ١٠٥ و ١٠٧ و متن بستان المعرفة وترجمه پارسی آن‌درص٦٩ تا ٧٨ میباشد. طواسین درچاپی١١ بخش‌است: السراج ، الفهم ، الصفا ، الدائره ، النقطه ، الازل‌والالتباس ، المشیئة ، التوحید ، الاسرارفی‌التوحید التنزیه ، بستان‌المعرفة ـ درنسخه ما بخشی ازبستان‌المعرفه هست . ٢٥

دنباله حاشیه درصفحه بعد

[٥٤٤]

این نسخه شماره ۱٤ دفتر است و بخط شکسته تعلیق گ ۸٥ ب ـ ۸۷ ب

۱۰۳۳ و چنین است : « کتاب بستان المعرفة و طاسین الازل من کلام العالم الغریب ذی الشأن العجیب قتیل الدعوی خریق المعنی ابی المغیث الحسین بن منصور الحلاج قدس الله روحه . بسمله و به ثقتی . قال العالم الغریب وقد سئل عن المعرفة ، فقال المعرفة فی ضمن النکرة مخفیة والنکرة فی ضمن المعرفة مخفیة (برابر باص ۹٦ چاپی) ـ مصون عن مصون الفکر الا ، اجل مصون فکری ان اصنه . قیل لما صلب کان یقول الهی اصبحت فی دار الرغائب انظر الی العجائب ... وما احسن فی مثلك ان ینهتك الستر » .

این بود نیمه نخستین این نسخه . در نیمه دوم گفتگوئیکه در نه روز میان حلاج وابوبکر شبلی شده میآید وچنین است : « قال ابو بکر الشبلی دخلت علیه یوما فوجدته یتکلم بکلام لا افهمه ... مماحفظته انه قال الهی لکل حق حقیقة ... ثم التفت الی وهو یبکی ویقول من اخذه الحق عن نفسه واوصله الی بساط السیر فقد علا ...» تا میرسد بپرسشی که روز نهم شبلی از وی کرد : « قال ثم جئت الیه فی الیوم التاسع و سألته عن التصوف فقال : هوحال اجراه بنسیم القرب الیه ، و باعدما سواه ، فلم یوجد الا ایاه . ثم انشد : مددت الی الرحمن من ناقتی کفی ـ فخوطب من نفسی النفیسة من نفسی . . . رکبت الیه مرکبا کان بحره ـ لعین عیون الشوق لجته حسی ـ وهبت نسیم » و بپایان نمیرسد و کم دارد دربرك ۸٥ الف بجای دیباچه بستان المعرفة سرگذشتی کوتاه ازحلاج هست با گفتار ابوسعید ابی الخیروشبلی درباره او بپارسی وچهار بیت بتازی ازحلاج(۱) باز در بر کهای

دنباله حاشیه صفحه پیش

ابن ندیم در فهرست (نزدیك ۳۷۷) ص ۲۷۱ از طاسین الازل یاد نمود ، گروه سالمیان (نزدیك ۳۷۰) که ازحلاج میستودند گویا ازطواسین آگاه بودند وابوطالب مکی (م ۳۸۰) درقوت القلوب و ابن شمعون (م ۳۸۷) وابن باکویه (م ٤٤۲) گزینندهٔ اخبار الحلاج وقشیری (م٤٦٥) درتفسیر لطائف الاشارات وهجویری (م پس از ٤٦٦) در کشف المحجوب وسهروردی شهید (م ۵۸۷) در کلمة التصوف و روزبهان (م ٦۰٦) درتفسیر وشطحیات وعطار (نزدیك ٦۲۰) درمنطق الطیر وتذکرة الاولیا وابن عربی (م ٦۳۸) درفتوحات وابن نجار (م٦٤۳) ومقدسی (م ٦٦۰) و تلمسانی (م٦۹۰) وجلدکی (م٧٤۳) وجنید شیرازی (نزدیك ۷۹۱) وجیلی (م پس از ۸۲٦) وآلوسی(۱۲۷۰) ازطواسین بهره بردند یا ازآن یاد کردند(ماسینون ص XXIV – XI) .

۱ ـ چنین است : شاهباز سبك سیر سلطان ابوسعید ابوالخیر فرموده : سجنجل الارواح نورعلی نور حسین بن منصور درغلو حال بوده درعهد او ازمشرق تا مغرب عالم کسی مثل او ایتوادی را نه پیموده . شبلی گفت روزیکه او را درباب الطاق بغداد بردار کشیده بودند بی تاب شده پس بدرگاه ذوالجلال نالیدم و عرضه داشتم که الهی این بندهای بود از اهل توحید مکاشف باسرار عشق و مقبول درگاه ، حکمت دراینواقعه چه بود ؟ خطاب آمد که

بقیه حاشیه درصفحه بعد

٨٤ ب و ٨٥ الف بیتهائی چند و نیز ده رباعی از ابوسعید دیده میشود . از گ ٨٨ تا پایان برخی برگها سفید ودر برخی شعرها وسخنان گوناگون آمده است .

از همین بستان‌المعرفة نسخه‌ای درطوس (ش ٣٨١ ص ٣٦ ج ٤) هست و تنها آغاز آن مانند چاپی است و چنین انجام میگیرد : « لایعرف‌القدمی‌المحدث‌الفانی »

٥ وحلاج درآن السیدالغریب ابوعماره یاد شد .

[٤٢٩] بیان‌التنزیل (فارسی)

شیخ‌عزیز بن‌محمدنخشبی (نسفی) فیلسوف‌عارف‌ایرانی‌درروزگارجلال‌الدین خوارزمشاه (٦١٧ ــ ٦٢٨) میزیست گویند که در ٦١٦ بخراسان بود و از مغولان بفارس و ابرقوه گریخت و درهمانسال درگذشت ودر ابرقوه بخاك سپرده شد (١)

١٠ او بدرخواست یاران بیان‌التنزیل را درعرفان نوشت وآن بزرگتر ازکتاب تنزیل وخوردتر ازکشف‌الحقایق و مانند تنزیل برده اصل میباشد .

آغاز : بسمله بنام خدائی که بود وهست وخواهد .

انجام : و چون بمبدء خود رسیدند باز او بمبدء عام خواهد بود . تمام شد بیان‌التنزیل بعون وحسن توفیقه والحمدلله رب‌العالمین .

١٥ [٥٤٥]

٤٠٥ این نسخه شماره ٢ ودربرگهای ٤٦ الف تا ٨١ الف دفتری است دارای ٢٢ رساله وهمه بخط تعلیق با عنوانهای شنگرف میباشد .

(همه دفتر ١٥٨ گ) ــ کاغذ فرنگی ــ جلد تیماج مقوائی ضربی

اندازه : ١١ × ١٧ و ٥ر٧ × ١٢ س ١٧

---

٢٠ بقیه حاشیه ازصفحه قبل

یادلف کوشف سرمن‌اسرارنافافشاها فنزل به ماتری. عرض کردم چون کشی خونش‌هدراست؛ فرمود لادلف من قتلته فانادیته .

للحلاج . انت بین‌الشغاف والقلب تجری — مثل‌جری‌الدموع فی‌الاجفان—وتحل‌الضمیر جوف فؤادی ــ کحلول‌الارواح فی‌الابدان— لیس من ساکن تحرك الا ــ انت حرکته خفی

٢٥ المکان — یاهلالابدالاربع عشر—لثمان و اربع واثنتان . عطار :

لیك اندر قمارخانه عشق — مثل‌منصور کس نباخت قمار

١ — از کشف‌الحقائق او پیداست که اودرسال ٦٧١ کاهیکه‌لشکر کفاربماوراءالنهر آمده آنجا را ویران کردند دربخارا بود ودر ٦٨٠ آنرا بپرداخت و در ج ١ همین سال درشهر ابرقوه فارس بوده است برخی سال مرگش‌را٦١٦ (سال یورش‌تاتار) و دسته‌ای

٣٠ ٦٦١ یاد کردند (ش ٩٣٦ ص ٢٢٢ ج ٤ فهرست طوس) .

[٤٣٠] **پاس انفاس** (فارسی)

دانشمند عارف جامی (٨١٧ ـ ٨٩٧) دراین رساله از عرفان سخن رانده ودربارهٔ « حضور ومشاهده خدا » سه راه ذکرومراقبه و رابطهٔ با پیر را یاد کرد .

آغاز : هو. رساله پاس انفاس من منشآت مولاناعبدالرحمن جامی . بسمله و به التوسل . ٥

سررشته دولت ای برادر بکف آر

وین عمر گرامی بخسارت مگذار

....بدان افناك الله عنك وابقاك به كه حاصل طريقه...خواجه بهاءالحق والدين المعروف به نقش بند ... وخلفای ایشان ... بعداز تصحیح عقیده وتطبیق آن بعقاید سلف ... واتیان باعمال صالحه واتیان سنن ماثوره واجتناب ازمحظورات ومکروهات ١٠ دوام حضور است مع الله .

انجام : همگنانرا از آنچه نشاید نگاهدارد واز آنچه نباید درپناه خود دارد .

[٥٤٦]

١٠٣٥ این نسخه شماره ٤١ دفتراست وبخط تعلیق شهاب الدین الحسینی در پنجشنبه ١٧ شعبان ١١٠٤ درروستای فیض آباد خبیص ص ٣٤٩ـ٣٥١ . ١٥

[٤٣١] **پند احمد غزالی** (فارسی)

دانشمند احمد غزالی این پند عرفانی شیوا را بدوستی نوشته و اورا « ای عزیزوای جوانمرد» میخواند . درآن ازاستاد ابوعلی دقاق وابوبکر کتانی ومعروف کرخی یاد میشود .

آغاز : هو . این وصیتی است که خواجه احمدبن محمدبن محمدالغزالی ٢٠ یکی ازدوستان خودرا خاصة فرموده است ، اگرچه فائده اوعامست ـ بسمله وحمد و صلوة . . . وما امروا الالیعبدالله مخلصین له الدین . و بعد خلق را از برای بندگی آورده اند ، نه برای دنیاپرستی . فرمان نیست که جز ببندگی مشغول باشند .

انجام : ایزد تعالی آن عزیزرا مهبط انوارومنزل اسرارگرداناد ؛ واز آفات روزگاروغفلات دوردارد ؛ تاجلیة الحق بعین الیقین ببیندو بنهایت کاررسد . بمنه وجوده . ٢٥

[۵۴۷]

۱۰۳۵ این نسخه شماره ۱۶ دفتر و بخط تعلیق ص ۱۶۱–۱۶۲ .

[۴۳۲] **تحفهٔ شطاریه** (فارسی)

این رساله درعرفان است و در سه اصل (محبت دنیا – طالب عقبی – صفت
۵ طالبان حق) و یك خانمه . عبارتهای تازی و بیتهای پارسی در آن هست . از حافظ
شیرازی (۲۶۳ الف) در آن یاد میشود .

آغاز : بسمله الحمدلله رب العالمین ... این رساله وصیت‌نامه‌ای است و وصیت
آنستکه یکی بیند و یکی داند و یکی گوید و یکی جوید .

انجام : برباد شد رفتارمن . گشتم خجل چون منکسر . الکلام .

۱۰ [۵۴۸]

۸۶۷ این نسخه شماره ۲۰ دفتر و بخط تعلیق گ ۲۵۹ ب – ۲۶۷ ب و برگهای ۲۶۹
و ۲۷۰ نیز سخنانی است عرفانی .

[۴۳۳] **تحفة العابدین** (عربی)

سیدمهدی طباطبائی حکیم این رساله را در پارسائی و تصوف نگاشته است .

۱۵ [۵۴۹]

۹۹۴ این نسخه چاپ چاپخانه ادبیه بیروت بسال ۱۳۰۷ است وشماره ۵ ایندفتر ودر
۴۲ ص از گ ۱۲۲ الف تا ۱۴۳ ب .

(همه دفتر ۱۵۹ گ – کاغذ فرنگی – جلد تیماج سرخ ضربی مقوائی
اندازه : ۱۰×۱۷٫۵ و ۶×۱۵ س ۵ تا ۲۴

۲۰ [۴۳۴] **تحفة العشاق** (فارسی)

درعرفان آمیخته بااخبارشیعی است ازمحمدکریم شریف قمی (گ ۶ب) (۱)

۱– دردیباچه نام کتاب و نگارنده آن یاد شد . پیداست که اوشیعی است و یاد میکند
از : خواجه طوسی و اربعین ومفتاح الفلاح شیخ و مولانا محمد باقر خراسانی که نخست از
صوفیان بد میگفت وسپس درمنبرها و مسجدها آنانرا میستود و از شیخ الطائفة الاثناعشریه
۲۵ صفی الدین و قطب زاهد شیخ ابراهیم گیلانی . درباره رشته سند اجازه و کلاه و خرقه شیخ
صفی بدینگونه از شیخ صدرالدین میآورد : شیخ صفی الدین ، شیخ ابراهیم گیلانی ، شیخ

دنبالهٔ حاشیه درصفحه بعد

ودریك مقدمه (پند و اندرز) و ١٤ باب (توحید ــ شریعت و طریقت و حقیقت ــ ولایت ــ تصوف ــ عشق عفیف ــ ذکر خفی وجلی ــ صوت حسن ــ فقر ــ کم خوردن ــ تنهائی و اعتکاف و کمخوردن حیوانی ــ شال پوشیدن ــ کرامات و خواب ــ شطح وطامات ــ رجال الغیب) قمی این کتاب را برای پاك ساختن صوفیان از آلایش وحدت وجود ودیگر چیزها نوشت وتصوف را باخبرهای شیعی سازش داد وازسخنان شیخ صفی بسیار آورد .

آغاز : بسمله وبه ثقتی . سپاس وستایش پروردگار کریمی که حدایق ریاض ممکنات را از بیداء ظلمت آباد عدم بصحراء وجود آورد .

انجام : اگر . . . شهرت بین العوام مردد بوده این ضعفا ارباب بحث نبوده بامباحثه ومجادله رجوعی ندارد . . . وزبان حال و مقال اهل وصول و وصال باین مناجات . . . علی بن الحسین . . . درهمه احوال ناطق وگویا است سبحانك ماأضیق الطریق . . . وان تجعلنا من محبیهم وموالیهم بمنك وكرمك الحمدلله . . . وصلی الله علی محمد وآله . . . آل طه ویسن .

[٥٥٠]

٣٨٨ این نسخه بخط تعلیق و عربیها بنسخ و عنوانها شنگرف و بیتها گاهی زیر خط سرخ وبرخی جاها حواشی دارد . گوشه پائین ٤ برك نخستین پاره شده وکاغذی از تو چسبانده‌اند وبسیاری ازعبارات آنجا خوانده نمیشود .

(٨١ گ) ــ کاغذ فرنگی ــ جلد تیماج مشکی فرسوده

اندازه : ١٩×٢٩ و ١٢٫٥×٢١ س ٢٣

مانده حاشیه ازصفحه پیش

جمال الدین ابهری ، شیخ قطب الدین ابهری ، شیخ نجیب الدین سهروردی ، قاضی وجیه الدین بکری ، محمد بکری ، پدراو ، احمد اسود دینوری ، ممشاد دینوری ، شیخ جنید بغدادی ، سری سقطی ، معروف کرخی ، داود طائی ، حبیب عجمی ، حسن بصری ، علی ابی طالب ، پیامبر. دراینجا ناگزیر میشود اخباری را که در کتابهای شیعه در نکوهش حسن بصری آمده است نادرست بداند وخبرهای کتاب احتجاج را که دراین باره آمده مجهول بشمارد . حدیثهائی ازمجلس ٥١ امالی شیخ درستایش حسن میآورد . در گ ٥٨ب ازعوارف المعارف سهروردی وشرح دیوان ملامیرحسین ومصابیح القلوب ملامحمد حسین کاشفی نویسنده روضة الشهدا و شیخ بهائی یاد میکند .

از گروه فوثاغورسی (۱) پندها واندرزهائی درباره زندگی اجتماعی وسیاسی

۱ـ فوثاغورس یا پوثاگورس (۵۷۰ـ۵۰۰ پ م) فیلسوف ساموسی رهبر گروه علمی ودینی وسیاسی نهانی در کروتن (قروطونیا) نزدیك ۵۳۰ بوده است این گروه مانند دسته‌های ارفئوسی دستور پاکیزه خوئی و نیکرفتاری وپارسائی یکسان خویش میدادند و بجهانشناسی ایونی و دانش ریاضی و طبیعی میپرداختند . اینان دشمن فرمانروایان خودکام (طرانه) بوده از ۵۱۰ با مردم کروتن جنگیده فرمانروائی گرانمایگان خردمند را درآنشهر بنیاد گذاردند و بآرخونها (اراکنه) دستور دادند که کارنامه‌هائی برای جوانان بنویسند و بدانها بیاموزند . زن ومرد بانجمن فوثاغورس میآمده و پندهای او را میشنودند . این گروه تا ٤٦۰ برآن شهر چیره بودند تااینکه میان٤۵۹و٤۵۰ پیش‌ازمسیح مردم شوریده خانه آنها راسوزاندند وچهل کس ازآنها بکشتند و بسیاری ازآنها گریختند . گرچه نشانه‌هائی ازجنبش آنان درسیراکوز وثبس پس‌ازاین دیده میشد .

اینان تا ایتالیا وسیکیلیا نیزرفته پیروانی پیداکردند . دستهٔ نخستین این گروه تامرك پلاتون بوده‌اند ودومین دسته فوثاغورسیان که نوپوثاگورسی خوانده میشوند تا نزدیك بسده یکم مسیحی میزیسته‌اند . در گروه فوثاغورسی زنان و بیگانگان (بربرها) نیزراه داشته‌اند مانند میخواستند یك آئین جهانی نه یك کیش شهری بنیاد گذارند .

این بود که نوکاران را بنام نیوشندگان (نغوشاك = سماعیه) وآزمودگان را بنام یاران (صدیقیه) میخواندند و دستورهای زندگی و برنامه‌کار می‌نوشتند و بآنان میآموختند . بیشتر نوشته‌های این گروه ازخود فوثاغورس نیست وساخته پیروان است و از آنها است همین ترانه زرین . فوثاغورسیان میبایستی بهمدیگر کمك کنند و همه گوش بفرمان استاد ورهبر باشند وتنها سخن اورا داور بدانند . کارآموزان میبایست بآزمایش درآیند و درست آشنا شوند و آنگاه بانجمن راه یابند و پیروان بایست درخوراك وپوشاك وسرودها و نیایش از دستور پیروی کنند . کسانی هم بودند که از بیرون با این گروه وابسته بودند بی‌آنکه بهمه رازها آگاه باشند . این گروه مانند یسوعیان بودند وباطنیان واخوان صفا نیز ازآنان دربسیاری از چیزها پیروی نمودند مانند: انجمن‌نهانی و دستور و کارنامه پیروان و انگیزه بسوی پارسائی و خوشخوئی وگرایش بتناسخ و پرداختن باعداد. چنانکه سرگذشت این‌دو گروه مانند آنها نیز افسانه‌آمیز شده بود .

(بنگرید به : عیون‌الانباء خزرجی ج ۱ ص ٤۰ که سرگذشت آنها را ازگفته فرفوریوس آورد ـ تاریخ فلسفه برهیه ج ۱ ص ۵۰ وآلبرریو و ج ۱ ص۳۲ـ تاریخ

دنباله حاشیه درصفحه بعد

در ۷۱ بیت بزبان یونانی بیادگار مانده که برنامه کار برای پیروان این گروه بوده است. گویا ریشهٔ آنها چکامه هائی بود که شاعران الهی دستهٔ ارفئوسی در سده ۵ سروده وهم درسبك وهم درمعنی باند وجدی وتند ومانا سرایندهٔ نیکوکاروپاکیزه سرشت و شوریده‌ای آنها را ساخته است (لاروس سده ۱۹و۲۰) گویند این پندها که ترانه زرین (خروساپی (Les vers dorés) (۱) میخوانده‌اند از لوسیس (Lysis) دانشمند سده چهارم پیش از مسیح که در روزگار ارخوتاس فوثاغورسی میزیسته است میباشد و از سخنان امپدکلس و سوگند فوثاغورس و گفته های هسیودوس وخیرمون و کریسفوس و اندروکیدس و فیلولائوس گرفته شده است. اثیناوس مصری بسال ۲۰۰ مسیحی آنها را میشناخت (دیباچه جاویدان خرد بدوی

ماندہ حاشیه صفحه پیش

مسائل فلسفی ژانه ص ۹۲۰- Antlnologie de la poésie grecque از B.Brasillach چاپ پاریس ۱۹۵۰ ص ۱۰۸ دراینجا پاره ای ازمتن وترجمه فرانسوی ترانه زرین دیده میشود و در لاروس سده ۱۹ هم چند بندی ازاین ترانه هست که تا اندازه‌ای نزدیك بمتن پارسی وتازی میباشد.

ابن ندیم ص۳٤۲میگوید بوثاغورس نخستین فیلسوف بوده و نخستین بارحکمت را فلسفه نامید واوراست نامه‌هائیکه به « ذهبیات » نامبرداراست چه جالینوس آنها را بس بزرك میداشته بآب زر می‌نوشت وخزرجی بر آن میافزاید که « رساله ذهبیه » را جالینوس هرروزه میخواند و بدان می‌نگریست (ج ۱ ص۴۳) در کشف‌الظنون (چاپ تازه ص۱٤۷۰و۲۰۱۲) از«وصایاء» فوثاغورس نگارش ابی‌العباس احمدبن محمدبن مروان‌بن‌الطیب سرخسی شاگرد کندی و کشته در۲۸٦ که‌مانا گزارشی است ازسرخسی بر آن ونیز از « وصایافیثاغورس‌الذهبیة » که برقلس (پرکلس) افلاطونی تفسیرنمود یاد میکنند. متن تازی آن درجاویدان خرد (الحکمة‌الخالدة) مشکویه رازی آمده (چاپ بدوی در۱۹۵۲) وخزرجی (ج۱ص٤۱) اندکی‌ازآنرا ازمختارالحکم ومحاسن الکلم ابن‌فاتك آورده است. الیشمن Elichmann آنرا بالغزقابس Kebes بسال ۱٦٤۰چاپ کرد و گزارش گسترده‌ای ازاینودراسکوریال بشماره ۸۸۸ هست. ترجمه پارسی آن درجاویدان خرد فارسی (چاپ سنگی ۱۲٤٦ یزدگردی = ۱۲۹٤) ودر کنوزالودیعه الی رموزالذریعه (ش ۳۹٤) در نمط سیم پایان دیده میشود. پارسی دو نسخه ما دردانشنامه (شماره ۱ بنگاه پایدار ۱۵ خرداد ۱۳۲٦ خ ص ۱۸ ـ ۱۹) بچاپ رسید.

۱— Golden verses - Golden Spruche

ص ٤٤ ـ ٤٨) دانشمندان خاوری نیز ازاین ترانه ها آگاه بوده و آنها را وصایاء ذهبیه (دو نسخه ما) یا رسائل ذهبیه (ابن‌ندیم) یا رساله ووصیة ذهبیة (اخوان صفا) مینامیدند . حنین اسحق درنوادرالفلاسفه ازسفارش و پندیکه جالینوس آنرا زرین « الوصیةالذهبیة » میخوانده است یاد نمود . اخوان صفا که از جهانشناسی
٥ ریاضی فوثاغورسیان آگاه بوده و در روش کار انجمن نهانی خویش درست از آنها پیروی میکرده‌اند دردفتر ١ و ٢ بخش ٣ رسائل سخنان آنها را آورده دردفتر ٣ بخش ١ ودفتر ٣ بخش ٤ (ج١ ص ٩٢ و ج ٤ ص ١٠٠) عبارتی ازهمین ترانه یاد کردند وازسخن آنهاچنین برمیآیدکه این‌ترانه پندی‌است ازفوثاغورس بدیوجانس . صدرای شیرازی درمبدء و معاد ص ٢٣٣ و مظاهر ٢٨٧ همان عبارت را آورد که
١٠ درترجمه پارسی ما دیده نمیشود . باز اخوان صفا درالرسالة الجامعة (ج١ ص٣٠ و ١٧٣ و ٧٢٢ و ج ٢ ص ٣ و ٢٣) ازاینکه ساختمان جهان بگفته فوثاغورسیان برروی شمار گذارده شده یاد نمودند .

[٥٥١]

٣٤٠ این نسخه شماره ٥ دفتر است و بخط تعلیق ریز خوش نزدیك ١٢٦٠ گ ٥٦ ب ـ ٥٧ ب .

[٥٥٢]

١٠٣٥ این نسخه شماره ١٥ دفتر وبخط شکسته تعلیق ص ١٦٠ـ این دو نسخه اندکی ازهم جدائی دارند .

[٤٣٦] تفسیر آیه دخان (عربی)

٢٠ این گفتارازشیخ رئیس‌دانسته شده ودرکنارشرح هدایه شیرازی ص٨ـ٢٩٦ بچاپ رسید و بروش تأویل فلسفی نگاشته شده و از خردهای آسمانی در آن یاد گردید .

[٥٥٣]

٨٧١ این نسخه شماره ١٤ دفتراست وبخط تعلیق گ ١٤٤ الف ـ ١٤٥ ب (قنواتی ش ٢٠٧) .

[۴۳۷] تفسیر «کنت کنزا مخفیا» (فارسی)

این گفتار درشرح این عبارت بالا است که ازحدیثهای قدسی بشمار آوردند وعارفان بیشتر از آن یاد میکنند.

شارح درآغاز اشکالی بر آن میکند ومیگوید: خدا ازکه نهان بود وخواست خودرا هویدا سازد؛ ازخود اگرنهان بود پس بخود آگاه نبود. دیگری هم نبود که او از وی نهان باشد. ۵

آغاز: بسمله. قال الله تعالی: «کنت کنزا محفیا فاحببت ان اعرف فخلقت الخلق لکی اعرف» قبل ایجادالعالم والآدم ازکه مخفی بود.

انجام: سئوال روح انسانی ازنورذات حق بظهور آمد یا ازصفات؛ جواب بقول بعضی ازنور ذات و بقول بعضی ازصفت جمال و جلال. کماقال قطب الاقطاب ۱۰ شیخ نجم الدین الکبری عن سیدالعارفین ابوبکر الواسطی رحمةالله علیهما قال: «تصادم صفةالجمال وصفةالجلال فتولد منهماالروح المحمدی. وصلی الله علی سیدنا محمد وآله. تم بعون الله.

[۵۵۴]

۳۳۹ این نسخه شماره ۳۰ دفتر وبخط تعلیق گ ۸۶ الف ـ ۸۷ ب. ۱۵

[۴۳۸] تفسیر «لااله الاالله» (فارسی)

این گزارش عرفانی ازجامی است.

آغاز: بسمله. من طلب البر من الباری فهو مشرك بالباری. عشق دوئی برنتابد قبله گاه وی ذات معشوق است و بس.

انجام: شایسته سرلایزالی نکنی. و الحمدلله وحده... یهدی من یشاء ۲۰ الی صراط مستقیم

[۵۵۵]

۸۶۷ این نسخه شماره ۱۶ دفتر است وبخط تعلیق گ ۲۵۱ الف ـ ۲۵۲ الف.

[۴۳۹] التمهید فی شرح قواعد التوحید (عربی)

این دفتر گزارشی است از صائن یا ضیاءالدین علی ترکه خجندی نگارنده

مفاحص برقواعدالتوحید نیای خویش صدرالدین خجندی (١) و در آن دو توحید عرفانی و وحدت وجود با برهان منطقی روشن میگردد و همچنین آشکار میشود که روش ریاضت صوفیان و علم شهودی آنان راهی است درست . صدر خجندی مانند اسپینوزا که فلسفه و اخلاق را بساخت ریاضی درآورده بعرفان ریخت قیاس

١ـ خاندان ترکه ازمردم خجند ودانشمندانی شیعی وترك زبان بوده‌اند وچهار تن ازآنها دراینجا یاد میشود :

١ـ فیلسوف عارف سده هشتم صدرالدین ابوحامدمحمد بن حبیب‌الله ترکه خجندی سپاهانی نگارنده «الاعتمادالکبیر ـ الحکمةالرشیدیة ـ الحکمةالمنیعة ـ قواعدالتوحید وجود مطلق » .

٢ـ نواده او صائن یا ضیاءالدین علی بن محمدبن صدرالدین محمد ، فیلسوف عارف و نگارنده « اسرارالصلوة ـ علم‌الحروف ـ شرح فصوص‌الحکم ـ شرح گلشن راز ـ شرح یائیه ابن‌فارض (م ٦٣٢) ـ شق‌القمر ـ مفاحص » و دو کتاب بنام « نفثة المصدور » در رد دشمنان خویش . او درروزگارشاهرخ میرزا (٨٠٧ ـ ٨٥٠) پسر تیمور گورگان درهرات میزیست وی بدستور او بداوری شهریزد گمارده شد و بتهمت تصوف آزارها بدید ودرسال ٨٣٠ درهرات درگذشت .

٣ـ افضل‌الدین محمدصدرترکه خجندی سپاهانی ترجمان ملل‌ونحل شهرستانی بپارسی بنام « تنقیح‌الادلة والعلل فی ترجمة کتاب‌الملل والنحل » که درروز یکشنبه ١٣رجب٨٤٣ درکوی نیماورت سپاهان‌آنرا بپرداخت گویا برادر یا پسرعم صائن‌الدین بوده است . اورا در٨٥٠ بفرمان شاهرخ بدارآویختند .

٤ـ افضل‌الدین محمد ترکه قاضی شاه تهماسب صفوی (٩٣٠ـ٩٨٤) که قاضی عسکر صفویان بوده ودر ٩٩١ درگذشت (عالم‌آرا ص ١١٥) .

بنگرید به : ذریعه ج ٤ ص ٤٣٤ ـ ریحانةالادب ج ١ ص ٤١٢ ـ دیباچه ترجمه ملل و نحل چاپ تهران ـ پشت برك ١ تمهیدالقواعد چاپی گفتار شاهزاده عمادالدوله از«جامع‌الاسرار» سیدحیدرآملی که‌درآنجا (ش٣٤١گ٢٣٦) میگوید : «ابوحامد صدرالدین سپاهانی‌ترکه ازفلسفه بتصوف پرداخت ونگارشهادرآن دارد ازآنهااست «وجود مطلق» که درآن وجود مطلق و بداهت آنرا ثابت نمود وروشن ساخت که هستی چنانکه صوفیان میگویند درخارج هست ودر آغاز آن گفت : امابعد فان تقریر مسئلةالتوحید علی‌النحوالذی ذهب الیه‌العافون ... وبطلان قول‌الطاعنین‌المنکرین (تا س ٣ ص ٢٨ چاپی) ـ درهامش روضات‌الجنات ص ٢٠٢ ازگفتگوئیکه میان خواجه افضل‌الدین محمد شیر ترکه اصفهانی دانشمند امامی با میرزا مخدوم شریفی و مولی میرزا جان باغنوی وابی‌حامدبن نصرالبیان شیرازی درباره روش جبری صوفیان شده یاد میکند .

واستدلال داده است. شارح گاهی از شیخ رئیس وشیخ اشراق واز نیای خویش بنام «ابو حامد ترکه» یاد میکند.

[٥٥٦]

٤١٣ این نسخه همان چاپ تهران سال ١٣١٥ است که شادروان میرزا یدالله نظر پاك کجوری آنرا تصحیح وحاشیه کرد (١٤×٥ر٢٢ص٢٣٤جلد تیماج سبز مقوائی) در این دفتر مفتاح مفاتیح الفصوص المسمی بالنصوص ازصدر الدین محمد بن اسحاق قونوی م ٦٧٣ ورساله وحدت وجود حکیم آقامیرزا محمدرضا قمشه‌ای که بفصل نخستین شرح فصوص الحکم قیصری می پیوندد واثنی عشریه منسوب بمحیی الدین اعرابی (٥٦٠-٦٣٨) نیز بچاپ رسید درهامش رساله طریق التصوف محیی الدین است که بدرخواست فخررازی نوشته است وهمچنین مفتاح الغیب (احدیة الغیب) قونوی .

[٤٤٠] جامع الاسرار ومنبع الانوار (عربی)

دانشمند عارف شیعی سید حیدر بن علی بن حیدر عبدلی (عبیدی) آملی بغدادی حلی (زنده در ٧٣٥ تا ٧٨٧) که از آمل ببغداد آمده ودر روزگار فخر المحققین محمد حلی ونصیر الدین کاشی حلی میزیست وبا آنان آمیزش داشت، ازجوانی در عرفان بروش شیعی دوازده امامی بررسی نموده میان آندو سازگاری داد. او بسیار بمحیی الدین اعرابی میگرائید و اورا رهبر یکتاپرستان مینامید. آملی بدرخواست فخر المحققین «رافعة الخلاف فی وجه سکوت امیر المومنین عن الاختلاف» نوشت (١)

---

١ - بنگرید به: مجالس المومنین مجلس٦ - روضات الجنات ص ٢٠٢ - الکنی والالقاب در کلمه آملی - ص١٨١-١٨٣ همین فهرست - آملی «الکشکول فی ماجری علی آل الرسول» دارد و «رسالة الامانة» وچهار تفسیر قران که چهارمین آن بروش تأویل است واینها رابتورات وانجیل وزبور وقران مانند نمود. نیز «جامع الحقایق» و «امثلة التوحید» و «العلوم العالیه» در ٧٨٧ والمحیط الاعظم» در ٧٧٧ و «شرح فصوص یا نص النصوص» که در آن سخنان محیی الدین وشارحانش همه‌را بجزدر باره وحدت وجود رد کرد. وی در دیباچه جامع الاسرار از «رساله منتخب التأویل» خود که درعرفان است (نیز در گ٢٦١ب) و «رسالة الارکان» فی فروع شرایع اهل الایمان بمذاق کل من ارباب الشریعة والعرفان که درفقه وعرفان است و «الرسالة النتریة» خود یادمیکند. میگوید که صوفیان یاپیرو کمیل هستند یاحسن بصری یاصادق؏ که همه اینها شاگرد علی؏ میباشند (٢ب) بازیادمیکند از: کمیل وبایزید بسطامی وجنید بغدادی (٢٩٢ الف) واز صاحب اخوان الصفا وعبارتی ازآغاز دفتر١ بخش٣ (ج٣ص٣-١٨٢) در آن آمده (١١١ الف) واز شیخ رئیس که عبارتی ازاو درباره اینکه نمیتوان بکنه چیزها رسید وخدا

دنباله حاشیه درصفحه بعد

آملی درجامع الاسرار عرفـان را بروش شیعی ثابت نمود و آنـرا « جـامع اسرار » خدا بر روی قاعـده صوفیان وشیعیان نامید ودر آن از سخنان بسیاری از دانشمندان گواه آورد که ازفلسفه بتصوف پرداختند. کتاب دارای سر آغاز ودیباچه ای‌است درپوشیدن رازها وسه اصل هریك درسه قاعده (۱ درتوحید ۲ سخنان خدا
۵ وپیامبران وپاکان وپیران درباره آن ۳ راز دینهای خدائی و دارندگان شریعت و طریقت وحقیقت درهمان‌توحید) .

آغاز: الحمدلله‌الذی کشف عن‌جماله‌المطلق حجاب‌الجلال‌المسمی‌بالکثرة . . .

مانده حاشیه صفحه پیش
را نتوان درست‌شناخت آورد (۲۲۸) وهمچنین شعریکه شیخ دردم مرگ میخواند و
۱۰ درپایان «سر گذشت» نسخه ش٦/٤٦٩٤ کتابخانه ملی ملك ونسخه ش١٢١٦ص١٦-١
۲۲ کتابخانه سپهسالاردیده میشود (۲۳۵ب) ونیز ازمحیی‌الدین درچندین‌جا وفتوحات او وفصوص‌او (گ۱۰۸ب و۱۱۳ الف و۱۸۵ب و۱۸٦ب) واورا بسیارمیستایدودرباره اوشیخ اعظم‌میگوید (۲۳۱الف) نیزازمنازل‌السائرین هروی وشرح کاشی (گ۱۵۵ واز قیصری (۱۸۷ب و۱۹۹ب) وصدرالدین قونوی (۲۰٦الف) وفخررازی وشعر او:
۱۵ «نهایة اقدام‌العقول عقال...» ۲۲۲ب وازاشراقیان‌ومشائیان (۲۳۰الف). آملی بسیاری ازدانشمندان‌را عارف میشمارد ودرباره برخی گوید که ازفلسفه وعلم رسمی بر گشتندو بعرفان پرداختندمانند غزالی (۲۳۵الف و ۱۰۸ب) وافضل‌الدین خونجی وافضل‌الدین کاشانی وعفیف‌الدین تلمسانی (۲۳٦الف) وشرح منازل‌السائرین او (۲۲۳ الف) و صدرالدین سپاهانی ترکه (۲۳٦) وسعدالدین حموی (۱۱۳الف)
۲۰ او بسیار باین دانشمندان ارج می‌نهد واز کتابهایشان نام‌میبرد: فصول‌طوسی (۲۳٤ الف-۲۲۸ب) وآغاز وانجام واوصاف‌الاشراف او (۲۳۵الف) ومناهج‌الیقین‌ومنهاج الکرامه وشرح‌النظم علامه حلی وشرح نهج‌البلاغه صغیرو کبیر کمال‌الدین میثم‌بحرانی ومناهج‌العارفین فی‌شرح کلام امیرالمومنین‌الموسوم بالمائة کلمة همو واز استادش علی بن‌سلیمان بحرانی وازعبدالرزاق کاشی وتأویلات او (۲۳۷الف و۲٦۸الف) وازسمرقندی
۲۵ وطوسی (۱۰۸الف) درذریعه دنبال کلمه تأویلات (ج۳ص ۳۰۸) میگوید که این آملی جز سیدحیدر بن‌علی نگارنده «الکشکول‌فیماجری‌علی آل‌الرسول» است که‌در ۷۳۵ نوشته شده وپس ازاومیزیست و نیزجز سید حیدر بن‌علی بن‌حیدر مجاز از فخرالمحققین بسال ۷۵۹ میباشد ولی‌شوشتری درمجالس‌المومنین «الکشکول» را ازهمودانست. درروضات الجنات‌مینویسد که آملی جزسید قطب‌الدین حیدرتونی وفخرالدین حیدر بن علی بن‌ابی
۳۰ علی محمدبن ابراهیم بیهقی که پسر علامه رسالة‌النیة را برایش نوشت میباشد .

اما بعدفانی لمافرغت من رسالة منتخب التأویل المشتملة علی بیان کتب الله الافاقیة والانفسیة .

انجام : اقول ایضا فی آخر الکتاب ماقدقلت فی اوله لان النهایات هی الرجوع الی البدایات واقطع الکتاب علیه وهوهذا: لقدکنت قبل الیوم انکرصاحبی ـ اذا لم یکن قلبی الی دینه دان ـ لقدصارقلبی قابلا کل صورة ـ فمرعی لغزلان ودیرالرهبان ـ وبیت الاوثان و کعبة طائف ـ والواح تـوراة ومصحف قران ـ ادین بدین الحب انی توجهت ـ رکائبه اوسلت دینی وایمانی (نیز گ ٤ب) . ۵

[۵۵۷]

۳٤۱ این نسخه بخط نسخ باعنوانهای شنگرف است ازمحمد کریم بن محمدصادق ابهری جی وص۱ نو نویس است در گ ۷۹الف و۱۷۹الف حاشیه ای دارد از «محمد» دو نسخه ازاین کتاب درطوس (۴۳۷و۴۳۸ص۵۹و۶۰ج۴) هست . ۱۰

(۲۹۳گ) ـ کاغذ سمرقندی ـ جلد تیماج سرخ

اندازه : ۱۲٫۵×۱۹و۸×۱۴س۹ ۱۵ س

[٤٤۱] جامع الاسرار (فارسی)

نورعلی شاه (محمد علی) پسرمیرزا عبدالحسین پسرمحمد علی رقی طبسی سپاهانی (م ۱۲۱۲ درموصل) شاگرد سید معصومعلیشاه دکنی ویکی از رهبران گروه پیرو شاه نعمة الله کرمانی این گفتار را بنظم ونثرمسجع درتصوف ساخته است. ۱۵

آغاز :

سپاس بیقیاس وحمد بیحد مر آن کنزخفا راباد سرمد ۲۰

که چون روزازلزاحببت دم زد ز خلوتخانه در بیرون قدم زد

انجام :

قید منه تا ننهی پا بقید صیدمکن تانشوی خویش صید

[۵۵۸]

۳۵۸ این نسخه شماره ۱۰ دفتر است وبخط تعلیق گ۱۷۰ الف۱۷۱ب وبدینجا پایان میابد : ۲۵

«عشق است کلید هرطلسمی بی عشق نه جان بود نه جسمی» برابر باس۱۳ ص۹۷ عوارف المعارف چاپ چاپخانه مظفری شیراز سال۱۳۱۷خ که همین کتاب بنام بالا (مانند فهرست آغازاین چاپ) درص ۹۴ـ۱۴۸ آن هست. درفهرست انجام این چاپ

«کنزالاسرار» یادگردید . نسخه‌ای از آن درمجلس ش٦٥٤ هست .

[٥٥٩]

٨٦٧ این نسخه شماره ۳ دفتراست و بنام کنزالاسرار بخط تعلیق عباسعلی کرمانی احمد آبادی درهمدان در ۲ ذی‌حجه سال ۱۲۱۲ گ ٦٨الف - ۹۲ب

[٤٤٢] جامع الکلیات فی الحکمة والعرفان (فارسی)

٥ این دفتررافرزند قطب‌الدین محمدنیریزی(م نزدیك۱۱۷۳)ازروی فصل‌الخطاب پدر بپارسی نوشت. وی میگوید که پس از ١٥ سالگی ٥ سال درفارس و ۱۰سال در نجف ازسخنان پدربهره بردم ودر ۳۰ سالگی این کتاب را نوشتم . اواین دفتر را راکه دارای ١٤ بیان است درپایان ماه‌شعبان سال ١١٨٣ در کربلا نوشته است.

آغاز: بسمله‌حمدوثنا وستایش بلامنتها واجب‌الوجودیراکه‌وحدت‌ذاتش بتحدید

١٠ قوه نظری درنیاید ... این کتابی است که این کمترین ... ملقب بدعا مطالب آنـرا اقتباس نموده‌ام ازانوار شموس حکمت عرفا .

انجام : زفرزند بهتر ولی آنجهان ــ نباشد امیدی بجز حق بدان .

[٥٦٠]

٨٥٧ این نسخه بخط نسخ باعنوانهای شنگرف میباشد .

١٥ (۹۹گ)ــ کاغذ فرنگی ــ جلد تیماج مشکی ساده

اندازه : ۱۴×۲۱ و ۸٫۵×۱۴٫۵ س۱۵

[٤٤٣] جوگ باشست (فارسی)

جوگ باشست Jog Bashishth (Yoga – Vasishtha) گزارشی است ازعرفان هندی وبساخت گفتگوئی میان ریشی واسیشته (Rishi Vasishtha)

٢٠ وراماچاندرا(Ramachandra) که‌پندت (Pandit) کشمیری(Kashmir) انندن(Anandan) یا «ابهندن Bahandan» گزین نموده ونظام‌الدین پانی‌پتی بدستور شاهزاده نورالدین محمدجهانگیر سلطان سلیم بهادر (۱۰۱٤-۱۰۳۷) در هنگام ولایت عهدی او وبفرمـان جلال‌الدین اکبرشاه هندی (٩٦٣- ١٠١٤) در ١٠٠٦ آنرا ازهندی (سنسکریت) بپارسی درآورد .

٢٥ میرفندرسکی درباره این کتاب میگوید : همچو آ بست این سخن بجهان ــ پاك و

دانش‌فزای چون قران (نسخه ٤٠٠ طوس) وخود بر آن حاشیه نوشت (٣٩٩ طوس) و فرهنگی برای آن ساخت(١) . این دفتر در شش باب است . ١ ـ درسر گذشت رامچند و بر گشت او ازاینجهان ودلبستن بجهان دیگر ٢ ـ فناو بقاء ٣ ـ یگانگی خدا واین هستی‌های گوناگون که پرتواویند ٤ ـ پیدایش وپایداری اینجهان ٥ ـ گرایش بخدا ونگریستن جزاو ٦ تصوف(٢) .

---

١ ـ نسخه‌ای ازاین جوگ‌باشست در کتابخانه مجلس (ش١٦٥ص ٤١٤ج٢) و دو نسخه درطوس (٣٩٩و٤٠٠ص٤٤و٤٥ج٤) هست و نیز نسخه‌ای در کتابخانه خاوری دانشگاه اسلامی علیگره (فهرست نسخ قلمی چاپ ١٩٢٩ بخش تصوف ش٧٠ تاریخ ١٨٥٠) هست. درمجلس گزیده‌ای است از جوك از فندرسکی (٦٤٠/١٧) و همچنین رساله‌ای درعرفان‌هندی بتازی(٦٣٤/٢٠)نیز بنگرید به‌فهرست بهار هندج١ ش١٠٦ ص ٨١ .

٢ ـ دردیباچه(گ١١) مینویسد: برهمنان بزبان‌دیگر همانسخنان که‌فرزانگان باستانی درباره یگانگی خداوند دارند میگویند . ونگارنده نخست خدایرا ستوده از تجلیات اویاد نمود و گفت که خدای درچهار بار جهان‌را بیافرید ودر هریك نموداری ازاو آشکار گشت‌ و نرسنك کشمیری یکی از آن نمودارها بود· ازهستی‌خدا «برهمان» پیدا شد که همهٔ کمالات رادارا وچهار«بید» یاچهار دفتر ازژبان اوپدیدآمد ودر هر بیدی‌خدای‌بخوبی شناسانده‌شد. نموداردیگرخداوند«مهادیو»است که همه«رکهیسر» ها و کاملان ازاوبهره میگیرندوهستی‌پربخشی کاراوست. پس ازاو پسرش«کهن‌راج» است وسپس پسر او «سرستی» که مانند رودگنك هر خورد و کلان وهرنیك و بد که بدرگاه اوروی نهندوخود باوسپارند پاکشان میسازد وبزرگواریست که جمیع‌دیوتها وروحانیان‌نیازدادن استانه اورا سرفرازی خویش‌میدانند. نگارنده آنگاه از«بالمیك رکهیسر» یاد میکند وازاو کمك میجوید سپس «رامچند» واستادش«بشسته» را می ستاید تااینکه‌میگوید«بید»هارا«رکهیسران» برزبان رانده وآنها رابمردم‌آموختند بازمیگوید که از«کوسلیا» زن‌پارسای«راجه جسرته»نماینده‌ای ازخداوند پدیدارشد که شاگرد «بشسته‌رکهیسر» شد وبجنك «رکسان» خونخوار رفت وپیروزگشت او آئین«بید» راکه کهنه شده بودتازه گردانید وسخنان «بشسته»را بیادگار گذاشت و درگذشت. دیری گذشت«بهرك Bhrigu » شاگرد «بالمیكVarhmiKi رکهیسر» ازاستادخواست که‌سخنان «بشسته‌رکهیسر»را روشن سازد اوآنرابرشاگردبرخواند. بهرك‌آنهارا درسی‌ودوهزار «شلوكSloka» نوشت (هریك درچندسرك Saraga) ومن «نگارنده» همه‌آنهارا درششهزار شلوك درآوردم ودر شش باب Prakarana گذاردم .

(بنگرید بفهرست کتابهای فارسی لندن ص٦١)

آغاز: اده لنك برمحوت مران لنك، بسمله شکروسپاس بیقیاس سزاوارحضرت دادار آفریدگار بی‌مثل و مانند وبی‌همتا است .

انجام : که بالمیاکر کهیسر باشاگردخود بهر که نام‌مشروح گفت ازاحوال‌الرامچند که بشسته ابدیس کیان نموده. تمت الکتاب بعون‌الله الملك الوهاب .

٥

[٥٦١]

٢٤٦ این نسخه بخط تعلیق روشن تازه وشماره ۲ دفترمیباشد گ۱۰الف-۳۳۰الف چهار بیت درستایش جوك باشست ازفندرسکی درسر آغازدیده میشود وحاشیه های اوهم دربر گهای آغاز نوشته شده .

(همه دفتر ۳۳۰) —کاغذ فرنگی- جلد تیماج سرخ

۱۰ اندازه:۱۷×۲٦ و۱۰×۱۸س۱۸

[٤٤٤] **الحث علی التصوف** (عربی)

نگارنده این گفتار از کلام وحکمت مشائی و اشراقی نکوهش میکند و روش صوفیان را میستاید .

آغاز: الحمدلله‌الذی خمر بیدی جماله وجلاله اربعین صبا حاطینة‌الانسان .

۱٥ **انجام** : فهذه تذکرة لمن شاء ان‌یتخذ الی ربه سبیلا .

[٥٦٢]

٨٧٠ این نسخه شماره ۲ دفتر و بخط نسخ محمدعلی کرمانشاهی تاریخ روز ۱ محرم۱۲۹٦ ودرپایان‌دارد «تمت‌الرسالة فی‌الیوم‌الاول من‌الشهرالاول من‌شهور سنة‌احدی وتسعین بعدالالف‌والماتین‌من‌الهجرة‌الاحمدیة علیه‌الاف‌ثناءوتحیة» گ۲۹ب-٤۰ب.

۲۰ [٤٤٥] **الحث علی الذکر** (عربی)

ابن‌سینا دراین گفتار کـه دردکن بسال ۱۳٥۳ بچاپ رسید از اینکه رهروان بایستی بیاد خدا باشند گفتگو نمود .

[٥٦٣]

۲٥ ٨٧٦ این نسخه شماره ۹ دفتر و بخط شکسته تعلیق تاریخ شب پنجشنبه (ع ۱ سال ۱۳۰٦) گ ۷٥ب - ۱۷٦الف‌میباشد قنواتی درش۲۱٦ بهمین نام ودر۲۲۱ بنام الخلوة ازاین گفتار یادنمود ودرانجام ایندو یکی نیستند .

[٤٤٦] **حقایق** (فارسی)

این دفتر عرفانی ازنورالدین شاه نعمة‌الله ولی کرمانی (نزدیك ۷۳۰ - نزدیك

٨٢٨ بیش از ٧٥سال) میباشد(١) .

آغاز: بسمله‌اعلم ایدناالله وایاك که باعلایق وعوایق خلایق سراپرده حقایق ذاتیه ازتتق رقایق صفاتیه .

انجام: گوبیا سوی ما که اومـائیم . والله یدعوالی دارالسلام و یهدی من یشاءالی صراط مستقیم وصلی‌الله علی محمدو آله‌اجمعین‌الطیبین‌الطاهرین .

[٥٦٤]

١٠٨٩ این نسخه شماره٣دفترو بخط تعلیق حسن تقدیسی‌درتاریخ ١٦ج٢سال١٣٥٦ (٢شهریور١٣١٦) میباشد گ٣٢ ب - ٣٤ الف .

[٤٤٧] **الحکمة العلویه یا فصل الخطاب** (عربی)

این نگارش عرفانی شیعی ازقطب‌الدین محمد نیریزی (م نزدیك ١١٧٣) وبنظم ونثر آمیخته باخبرهای شیعی وآیتهای قران ودر١٢ تحمید میباشد(٢) در

---

١ ـ این دانشمند عارف گویا دراستنادسخنان بگویندگان چندان دقتی نمیکرد چنانکه دررسالةالنکات (رسائل اوچاپ ارمغان در١٣١١خ ص١٢١) میگوید : قـال رسول‌الله«من فقدحسا فقدعلما» بااینکه فیلسوفان این سخن‌راازارسطودانستند. برای نگارشهای‌او بنگرید بفهرست طوس ج٤ص٤٠ـ١٠٣ ش٥٧٧تا ٥٧٩ .

٢ ـ نیریزی دراینجا ازفیلسوفان بسیار خرده گرفت وشعرها دراین‌باره سرود (گ١٣و٨٣) وخواندن کتابهای فلسفی مانند اشارات وشفا وحاشیه قدیم شرح تجرید وشرح مطالع‌را بیهوده پنداشت (گ ٨٤) ونیز پس ازبی پایه دانستن اندیشه فلسفی گفت: «ومنطقهم لن یعصمن‌عن‌الخطا ـ ولیس بمغن‌بل اساس‌الخطئیة ـ وهم‌اسسواذاك الاساس لمسجد ـ ضرار بنوالا بـالعقول الرزینة ـ وانی بنطق‌العارفین مؤسس ـ لکم منطقاً للحکمة‌العلویة (گ١٠٩ ـ ١٤٦ ـ ٤٣ ـ ٧٢) اوپس ازیاد کردن مطلبهـائی بنظم وآوردن خبرها وآیه‌ها بنثر می‌نویسد .

درتحمید١٢ ازعارفان گذشته ودانشمندان روزگار خویش ونوشته های عرفانی آنها یاد میکنند :

خواجه طوسی (اوصاف‌الاشراف ـ انوارالحکمه ـ آغاز وانجام) ـ بابا افضل نامقی‌ساوجی کاشی(حسن‌بن‌محمد«احمد» هامش گ٧١ـدائی‌طوسی) ـ دوانی(رساله های پایان زندگی ورباعیات) و علامه حلی (منهاج‌الکرامه ـ شرح تجرید) ـ ابن‌ابی جمهوراحسائی(مجلی‌المرآت ـ غوالی‌اللئالی) ـ علی‌بن هلال استادابن ابی‌جمهور ـ سیدحیدربن علی‌بن حیدرحسینی آملی (المحیط‌الاعظم والبحرالخضم ـ جامع‌الاسرار ومنبع‌الانوار) ـ شیخ زین‌الدین عاملی (اسرارالصلوة ـ منیة‌المرید) که شهید اول‌را

دنباله‌حاشیه درصفحه بعد

آغاز فهرست تحمیدها آمده است.

آغاز: حمدت‌اله العالمین بوحدة - حقیقیة ذاتیة ازلیة... و انوار هذا النظم‌من لمعاتها-فسمیته‌بالحکمة‌العلویة-و لقبته‌فصل‌الخطاب‌لانه-سیفصل‌بین‌الحکمة‌النبویة... ومن‌بعد حمدالله قال‌محمد-یحاسب‌من‌خدام اهل‌الولایة ... ویدعی بقطب‌الدین.

---

۵ مانده حاشیه صفحه پیش

از ابدال شمرد - نویسنده مصباح‌الشریعه که همه آن از گفتار صادق ٤ است - حافظ رجب برسی (مشارق‌الانوار) - دامـاد (جعلیه - خلسه ملکوتیه) در پایان زندگی و پس از برگشت ازروش فلسفی - شیخ بهـائی استاد شاه محمد دارابی استاد نیریزی (نوشته‌ها ومثنویهای عرفانی) که از درویشان و عارفان شده پیرو شیخ مؤمن مشهدی شاگردشیخ محمدعارف گشت - شیخ‌علی اصطهباناتی استاد نیریزی که از پیروان‌بهائی بوده است (نیریزی دراینجا از طومار گروه ذهبی کبروی رضوی یادمیکند و میگوید که آن‌بشیخ محمدعارف‌پیرپالان دوزرسید واودرطوس صومعه‌ای داشت و درآنجا در پائین خیابان درضلع شمالی بخاک سپرده شد. این‌طومارازاوبشیخ حاتم زراوندی و ازاو بشیخ محمدعلی مؤذن امام‌رضا وعارف نویسنده « تحفه عباسیه » درسیر وسلوك برای شاه عباس وازاو بشیخ نجیب‌الدین رضای‌تبریزی وازاو بشیخ‌علی نقی‌اصطهباناتی استاد نیریزی‌رسیده‌است. رشته پیران اصطهباناتی تابامام رضامیرسد. این طومار نزد نیریزی بوده ومیگویدکه از این گروه دراین کتاب یادخواهم کرد) - شیخ احمدبن فهدحلی (عدة‌الداعی - التحصین فی صفات‌العارفین) - ابن طاوس (کتابهای دعا) - شیخ‌حر (الجواهرالسنیه‌فی‌الاحادیث‌القدسیه) - مولی‌احمداردبیلی (دربرخی‌از کتابها و آیات‌الاحکام در تفسیرالذین یتفکرون فی‌خلق‌السموات والارض - نیریزی‌میگوید: فصلی که درحدیقة‌الشیعه‌دررد صوفیان‌آمده ازملا معز اردستانی دشمن صوفیان‌است که درآن‌ازحدیثهای ساختگی‌خودآورده استوشاه محمددارابی درمعراج‌الکمال‌داستانی ازاین مرد یاد کرد) - سیدمحمد عارف (معارف‌الهیه-العروة‌الوثقی-حظیرة‌القدس - لطائف غیبیه - شرح قبسات وتقویم‌الایمان داماد - نیریزی اینهارا ندید) - محمدباقر سبزواری (روضة‌الانوار که برای شاه‌عباس نوشته‌شده) - عبدالرزاق لاهیجی(مکارم الاخلاق) -مولی حسن گیلانی - شیخ‌حسن سکاکی (تعلیقات) - صدرای شیرازی‌استاد استاد نیریزی (اوبسیاری ازنوشته‌هایش راکه برخی بخط اوبود داشت ومیگویدکه درزمان اوفیلسوفان بسیار بودند واو ناگزیر بزبان آنها وبروش منطقی فیلسوفان‌و متکلمان مسئله‌های عرفانی‌را نوشته‌است) - مولی محسن کاشانی که صد کتاب نوشته وبازپسین آنها «حقائق» است کـه تاریخ‌آن «ختمنا = ١٠٩١» میباشد (تاریخ آن

دنباله حاشیه درصفحه بعد

انجام : وذارحمة‌الرحمن عنداولی‌النهی ـ ومستندالرحمن عندالهدایة .

[٥٦٥]

٣٦٤ این نسخه شماره ۳ دفتر وبنسخ در نظم و بشکسته تعلیق در نثر میباشد. گ ٨ الف ـ ١٧٠ ب .

[٤٤٨-٤٥٠] حوراثیه (فارسی) ٥

ابوسعید ابوالخیر میهنی عارف (٣٥٧-٤٤٠) این رباعی را سروده است :

حورا بنظاره نگارم صف زد رضوان زتعجب کف خود بر کف زد

یك‌خال‌سیه‌بر آن رخان‌مطرف‌زد ابدال زبیم چنگ درمصحف زد(١)

وسه گزارش بر آن نوشتند که در اینجا هست :

١٠ ١ ـ خواجه احرار عبیدالله فرزند محمود چاچی (م ٨٩٥) بر آن گزارشی نوشت که دردنبال اسرارالتوحید درپترسبورگ بسال ١٣١٧ (١٨٩٩) وازروی آن درتهران بسال ١٣١٣ خ بچاپ رسید. درفهرست کتابخانه مدرسه فاضلیه طوس (ش ٦٠ ص ٣٣) نیز از نسخه‌ای یاد شد .

١ ـ چون بوصالح مقری شیخ ابوسعید بیمار و بستری شده بود بوسعید بشیخ ١٥ خواجه ابوبکر مؤدب فرزندان خویش دستورداد که نوشت‌افزار آورد واین رباعی را براوخواند واونوشت تابوصالح را افسونی باشد. همینکه آنرا نزدش بردند وبروی زدند همانادم بهشد وبیرون آمد (اسرارالتوحید ابن‌منور چاپ پترسبورگ ص ٣٦٠)

این رباعی را گزارشی است از شیخ آذری علی‌حمزة بن علی‌ملك بن حسن‌طوسی سربداری بیهقی (٧٨٤-٨٦٦) عارف شیعی وشاگرد شیخ محی‌الدین طوسی‌غزالی و ٢٠ سید نعمة‌الله که دوسالی درمکه وچندی درهند بزیست وسرانجام دراسفراین بمرد . در «جواهرالاسرار منتخب مفتاح‌الاسرار» ازهمین حمزه طوسی آذری المنسوب الی‌احمد بن محمدالزمجی‌الهاشمی‌المروزی که در ٨٤٠ گزین شده‌است درسرهشتم فصل‌دوم در بیان‌اسرار کلام منظوم مشایخ ازباب سوم این گزارش دیده میشود (چاپ‌شده بااشعة ـ اللمعات جامی ودو رساله نسفی بسال ٣-١٣٠٢ ص ٣٢٩) مگر اینکه نمیگوید که این ٢٥ رباعی از کیست .

مانده حاشیه ازصفحه پیش

١٠٩٠ است ـ ذریعه ج ٧ ص ٢٨) اودر نوشته‌های خویش‌حدیثها را گزارش نمود ودیوان بزرگ اوبنام (گلزار قدس) نزدنیریزی بوده‌است. فیض شاگرد شیخ مؤمن مشهدی شاگرد شیخ‌محمد عارف میباشد . شیخ علی‌نقی استاد نیریزی نیز از پیروان اوبود ـ آقا محمد سعیدبن محمدمفید قمی (شرح توحید صدوق) .

آغاز: بسمله. . . الحمدلله‌الذی جعل‌قلوب‌العارفین مرآة جماله. . . بدانکه این فقیررا بسی شغف می‌بودبدانستن معنی‌رباعی . . . ابوسعید .

انجام : که محب‌را هیچ چیز (لذتی) بهتراز ملاقات محبوب نباشد . تمت الرسالة الشریفة .

٥ [٥٦٦]

١٠١٥ این نسخه شماره ٣٤دفتری است دارای بیش از٤٦ رساله وبخط تعلیق میباشد گ١٠٥ب-١٠٨ب. آغاز نسخه چاپی‌چنین است : «بسمله‌الحمدلله فیاض الحکم والمواهب ... بدانکه این فقیررا بسی شغف میبود . . . » واند کی با نسخه مـا جدائی دارد .

١٠ (همه دفتر ١٧٧ برگ) ـ کاغذ سمرقندی ـ جلد تیماج سرخ مقوائی‌ساده
اندازه : ١٢×١٧و٨×٥ر١٢ س١٧

٢ ـ گزارشی است آمیخته که در آن ازمعراج‌بروش عرفانی گفتگوشده وتأویلی صوفیانه برای‌آن یادگردید وهیچ نوشته نشده که رباعی از کیست .

آغاز: بسمله حمد بی‌غایت وثنای بی‌نهایت حضرت‌کبریائی واجب‌الوجودی را

١٥ که جناب قدس هویت جلالش از ادراك افهام مقدس است . . . بعد باشارت الرفیق ثم‌الطریق برفاقت روح‌الامین درشب معراج سلطان تاجداران ممالك رسالت . . . از غربت بوطن مراجعت فرمود .

انجام : وگفت قف‌یا محمدفان‌ربك یصلی یعنی‌که ابدال زبیم چنگ درمصحف زد . تم‌بحمدالله . . والصلوة علی‌سید انبیائه واکرم احبائه .

٢٠ [٥٦٧]

١٠١٥ این نسخه شماره ٣٤ دفتراست بخط تعلیق وبنام «رساله‌حورائیه‌نوریه»(٢) و درپایان‌دارد: «تمام شدشرح حورائیه نوریه. والسلام» گ٥٦ب-٥٧ الف .

٣ ـ میرحسین‌بن معین‌الدین میبدی یزدی (م ٩١١) نیز براین رباعی گزارشی نگاشته است .

---

٢٥ ١ ـ شاید این گزارش از نورالدین شاه نعمةالله کرمانی (٧٥٢-٨٢٨) یاسیدمحمد نوربخش بن محمدبن عبدالله قطیفی لحصاوی قاینی (٧٩٥-٨٦٩) باشد مگر اینکه نشانه‌ای یافت نشدکه هیچیك ازایندو را برساند .

آغاز: منسوب است به هادی مقامات سلوك میر شیخ ابوسعید ابوالخیر قدس سره «حورا بنظاره نگارم صف زد» یعنی خوبان بهشت که مجاوران عالم عقول و نفوس فلکیه اند بنظاره آدم که نفس ناطقهٔ انسانیست صف زدند.

انجام: ابدال از ترس عصیان ... متمسك شوند بقران و متابعت خاتم الانبیاء صلوات الله علیه و اله.

٥

[٥٦٨]

١٠٣٨ این نسخه در برگ ٩٦ الف دفتر و بخط تعلیق با نشانه‌های شنگرف میباشد و در پایان دارد:

« در تذکره شیخ ابوسعید رحمة‌الله دیدم که استاد ابوصالح که مقری شیخ بوحسنه بودو شیخ خواجه ابوبکر مؤدب را که ادیب فرزندان شیخ بود بخواند و فرمود که از جهت ابوصالح حرزی املا میکنم بنویس و این دو بیت املا فرمود و خواجه ابوبکر بنوشت و نزد صالح برد و بر بازوی او بست در حال صحت یافت. فواید امیر حسین میبدی» ١٠

[٤٥١] خصائص المحبة (فارسی)

عبدالصمد همدانی در این گفتار عرفانی از دوستی گفتگو مینماید.

آغاز: الحمد لمن هوا فی هوای... شکسته بسته است از بنده جانی عبدالصمد همدانی که بخواهش برادری از برادران روحانی تسوید یافته. ١٥

انجام: لم اکلفك عمل غد، فلا تطلبنی رزق غد.

[٥٦٩]

٨٦٤ این نسخه شماره ٥ دفتر و بخط تعلیق محمدتقی بن محمد بسال ١٢٥٣ میباشد گ ١١١ب-١٢٢الف. ٢٠

[٤٥٢] خلیلیه (عربی)

این گفتار در انسان کامل و پرستش و نفسهای گوناگون و برخی از اصطلاحات عرفانی است. سلطان المرشدین الحسین الشالی الاخلاطی آنرا برای خلیل‌الله الشالی شاه شیروان نگاشته است.

آغاز: بسمله رب یسر و اعن و اختم لنا بالحسنی. الحمدلله الذی اختار من الموجودات الانسان... فهذا کتاب جمعت فیه اطوار الکمل من المجمل و المفصل. ٢٥

انجام: لاعادل‌لعادل. لاراحم لظالم. لاجار لمن‌جار.

[٥٧٠]

٣٣٩ این نسخه شماره ۳۶دفتر و بخط تعلیق نصیرالدین حسین‌الحرالحسینی ج۱سال ۱۰۷۶میباشد ك۱۱۳ب–۱۱۸ الف.

٥ [٤٥٣] **درتحقیق‌چشمه زنجبیلی‌و کافوری** (فارسی)

دراین گفتار از «کأس کافوری و زنجبیلی» که دردو آیه ٥ و۱۷ سوره ۷٦ (هل اتی) (۱) آمده بروش عرفانی بررسی میشود و گویـا ازجامی باشد وبنظم و نثر مسجع است.

آغاز: بسمله. پناه میجویم بذات‌مستجمع جمیع صفات‌کمال ازگزندقیودامکانی.

۱۰ **انجام**: که تفسیر وتأویل نه حدهرجهول وظلوم است. اللهم اغفرلنا... برحمتك ونصرتک یا ارحم‌الراحمین.

[٥٧۱]

٨٦٧ این نسخه شماره۱۳ دفتر و بخط تعلیق با نشانه‌ها وعنوانهای شنگرف گ ٥٩ الف – ۲۰۳ب میباشد.

۲۰ [٤٥٤] **ده قاعده** (فارسی)

این گفتار درسیر وسلوك رهروان عرفان است وازسیدعلی عـارف همدانی(۲). نسخه‌ای ازاین درمجلس (ش۲/٦۱۰) هست.

آغاز: رساله ده‌قاعده سیدعلی همدانی قدس سره. بسمله وبه نستعین. حمد و

---

۱ – ان‌الابرار یشربون من کاس‌کان مزاجها کافورا – ویسقون فیها کاسان مزاجها ۲٥ زنجبیلا.

۲ – عارف دانشمند پارسای شیعی سیدعلی فرزندشهاب فرزند محمدهمدانی(۷۱۳–۷۸٦) شاگردائی خودسید علاءالدوله در کودکی وپیروشیخ شرف‌الـدین محمودبن عبدالله مزدقانی و تقی‌الدین علی دوریستی کتاب اسرارنقطه وذخیره و شرح اسماءالله وشرح فصوص‌الحکم ورساله واردات دارد وبرقصیده خمریه میمیه ابن‌فارض گزارشی ۳۰ بنام «مشارب‌الاذواق» نگاشته‌است. اودرآنورآمویه بزیست و درختلان آرامگاه او است. وی میگوید که پدرم فرماندار همدان بود و ازدرباریان. از اینروی من بکار های او ارجی ننهاده بودم. در طوس از دو رساله فارسی عقلیه و منامیه او یاد شد (ش٦۷٦و٦۹۸ص۱۳٦ و۱٤٤ج٤) (مجالس‌المومنین شوشتری وریحانة‌الادب).

[٥٧٢]

ثنای نامتناهی پروردگاری را .

انجام : واز لذت حلاوت میوه حکمت وولایت محروم مانده . جعلناالله وایاکم ممن سعد بطاعته . . . والسلام علی من اتبع الهدی تمت الرساله .

١٠١٥ این نسخه شماره ٣٢ دفتر است وبخط تعلیق گ ٩٠ ب - ١٩٥ الف . ٥

[٤٥٥-٤٥٦] **الذکر (فی...)** (فارسی)

دو گفتار کوتاه درذکر وورد وبروش عرفان شیعی میباشد .

آغاز: لابد من امور اربعة : التوبة من جمیع المعاصی والعهد مع الشیخ یعنی امتثاله من اوامره ونواهیه والـذکر والفکر . . . سه مرتبه توحید بر ارواح ائمه طاهرین واستادان سلسله وبعداز آن زیارتین علیهما السلام تمت علیکم السلام والتوفیق ۱۰ بجهت کشف علمی الاثنی چند قرارداده‌اند ذکر وفکر ومراقبه ورابطه .

انجام : صاحب العصروالامر والزمان صلوات الله وسلامه علیه وعلیهم اجمعین علویه اجمالیة یا علی یا ایلیا . . . کلمه جبرئیل لافتی الاعلی سرمکنون اسم حضرت ولایت است .

[٥٧٣-٥٧٤] ١٥

٣٥٨ این نسخه‌ها شماره ٦ و٧ دفتری است دارای ١١ رساله وبخط تعلیق گ ١٥٣ ب - ١٥٤ ب .

[٤٥٧] **الرحمة فی اختلاف الامة (رسالة...).** (عربی)

ازدانشمند رکن الحق والدین محمدبن علی بن محمد فارسی گرگانی استرابادی (م نزدیك ٧٧٠) که چند کتاب طوسی مانند اساس الاقتباس واخلاق ناصری واوصاف ٢٠ الاشراف وفصول وقضا وقدررا بتازی در آورد. اودر این رساله ازافلاطون وارسطو وعلم الهدی وغزالی واحیاء ومشکاة الانوار او ونجم الدین دایه رازی و مرصاد العباد اویاد میکند ودرباره حجب الهی ازمشکاة ومرصاد میآورد ودر پایان میگوید که من این رازها رابی آنکه بدفتری بنگرم نوشته‌ام . اواین نگارش را درپایان محرم ٧٢٠ پس ازاینکه دوبـاره در آن نگریست وبر آن افزود وازآن کاست وسامانی ٢٥

بدان داد وپاکیزه‌اش ساخت بانجام رساند .

[٥٧٥]

۳۳۹ این نسخه شماره ٢٤ دفتر است وبخط تعلیق گ ٧٩ب وبندی است از کتاب گرگانی وچنین است: « فائدة لاخفاء عند اهل الیقین ان ههنا مهیة مرکبة من جوهرین متضادین احدهما جوهر روحانی نورانی یسمی بالنفس العاقلة والثانی جوهر جسمانی ظلمانی یسمی بالبدن ــ فلیت شعری ما اسم المرکب منهما» گرگانی دراین بند ازرای افلاطون که انسان تنها جان است ورای ارسطو که هم جان است وهم تن وسخن متکلمان که تنها تن است یادنمود . این بند درنسخه ش ١٠٢٢/١٢ دیده نمیشود .

[٥٧٦]

۱۰۲۲ این نسخه پاره‌ایست ازباب نخستین وباب دوم وخاتمه رساله وشماره ١٢ دفتراست وبخط نسخ سیدحیدر آملی که درنجف (مشهد غروی) در روز یکشنبه ٣ ذیقعده ٧٦٢ نوشته است وبانسخه خط گرگانی برابرنمود . آغاز وانجام چنین است : «وکمال السبب یستلزم المطلوب . هذا فی القابل. وأمــا بالنسبة الی الفاعل فلما علم ان کمال الفعل بحسب کمال القابل ونقصانه بنقصانه اذلا نقصان من جهته. ــ وعرض اعمال البرایا والنشر ولمثلی قبلی. شعر : و من یك ذافم مرمریض ــ یجدمراً به الماء الزلالا. فرغ مصنفها الملتجی الی الحرم الغروی ... محمد بن علی بن محمد الجرجانی عن معاودة فکرة فیها بعدوضعها وزیادتها ونقصها وترتیبها وتهذیبها فی سلخ محرم سنة عشرین وسبعمائة الهجریة حامدا ومصلیا ومستغفرا» گ ١٩٩الف ــ ٢٠٩ب ــ درگ ١٢٨و١٢٩ فهرست نگارشهای گرگانی دیده میشود ودرآن از« رسالة الرحمة فی اختلاف الامة و« رسالة الدرالثمین فی السرالدفین» اویادشد . خودگرگانی هم درپایان همین کتاب درچند جا آنرا رساله میخواند واز اختلاف امت هم درآن بحث میشود .

[٤٥٨] رساله در تجلی خداوند بر کوه طور (فارسی)

این گفتار درحل مسئله تجلی خداوند درطورسینا است بروش عرفانی وحروفی ازسلطان محمد سپاهانی (بنگرید به ص ٢٦٥ همین فهرست) .

آغاز: (هوتجلی حضرت کلیم‌الله درطورسینا کنایه برحکمت است . . . معـدل باشد)حل عبارت مزبور که ازنتایج افکار آصف جم‌اقتدارسلطان محمد است.تجلی واجب‌الوجود برحضرت کلیم‌الله در طور سیناکنـایه برحکمت است . در اینجا کنایه است بر آنکه اجساد واجرام خصوص جرم‌خاك را استعداد رؤیت ازلی وتاب تجلی سرمدی نیست .

انجام : بترقی حرف رابع . مرد باید که بوتواند کرد ورنه عـالم پر از نسیم

صبا است .

[٥٧٧]

١٠٣٨ این نسخه‌در بر گ ٦٦ب- ١٦٧الف دفترو بخط تعلیق با نشانه‌های‌شنگرف‌است ودر پایان بازهمان عبارت دیباچه با اندك جدائی آمده‌است : (هوایضاتجلی حضرت کلیم‌الله درطورسینا کنایه برحکمتی است ـ زحل‌معدل باشد . اسرار برون‌می نتوان داد ـ و گرنه در کوچه هست خبرها زشررها) .

٥

[٤٥٩] رسالهٔ عرفانی (عربی)

دراینگفتار فلسفی وعرفانی از فرشته وجهان آفرینش وخرد بروش عرفانی بررسی میشود .

١٠

[٥٧٨]

١٠٤٦ این نسخه شماره١ دفترو بخط شکسته تعلیق تاریخ ١٠٤٠ میباشد وچنین است «المخلوطة الماخوذة من الحس وان فارق المحسوس الروح الانسانية لم يبعدان يكون تعالى مرئياً بعدالقيامة من غيرتشبيه ولاتكيف ولا بمسامتة ولامحاذاة تعالی‌عمایشر کون» گ١الف وب چهارفصل آخر این‌رساله دراین نسخه‌هست وپاره‌ای ازفصل پیش‌ازآنها .

١٥

[٤٦٠] رساله عرفانی (فارسی)

این گفتار کوتاه نیز درعرفان است .

آغاز: بسمله . قال رسول‌الله من قال لااله‌الاالله خالصاً مخلصاً دخل الجنة . چون همه اواست غیراو نیست .

٢٠ **انجام** : وباین یقین واصل گشت . فالحمدلله رب‌العالمین . . . واله‌اجمعین .

[٥٧٩]

١٠١٥ این نسخه شماره٢١ دفتروبخط تعلیق میباشد گ١٥١الف‌ـ١٥٢الف .

[٤٦١] رساله‌عرفانی (عربی)

٢٥ در این رساله عرفانی و تأویلی از احیاء العلوم وکیمیاء سعادت یادمیشود و نگارندهٔ آن گوید که درباماد شب پنجشنبه دهه یکم‌جمادی‌دوم سال٨١٦ محیی الدین‌را درخواب دیدم (١١٣الف). رستاخیز جسمانی‌در آن تأویل میشود وعبارتی بپارسی در آن هست (١١١الف) .

آغاز: بسمله . اعلم ان امور الاخرة ليست كمازعم الجهال . فانها من عالم الامر والغيب والملكوت . ٣٠

انجام : اى له جهة حسن الارتكاب فيهمى وبها والله اعلم به . تمت

[٥٨٠]

٣٣٩ این نسخه شماره ۳۵ دفتر و بخط تعلیق است گ ۱۰۳ الف ـ ۱۱۳ الف.

٥ [٤٦٢-٤٦٩] رسالههای کرمانی (فارسی)

گویند که نورالدین شاه نعمةالله‌ولی حلبی کرمانی (نزدیك ۷۳۰ ـ ۸۳٤) **٣٤٠** نگارش داشته، واز آنها ۱۱٤ رساله را برگزیده و پسندیده بود. در نسخه ش ۵۷۷ طوس ۹۱ رساله و در ش ۵۷۸ آنجا ۳۷ رساله و در ش ۵۷۹ همانجا ۱۱ رساله هست و ۱۳ رساله او در چاپخانه امغان تهران بسال ۱۳۱۱ خ بچاپ رسید در جنگ شماره ٤٣٢

١٠ این کتابخانه نیز هشت رساله هست که باید همه از او باشد :

۱ ـ رساله تحقیقات (Add 16/837XV I) ج ۱ ص ۸۳۲ ب فهرست فارسی موزه بریتانیا).

آغاز: الحمدلله الذی خلق الانسان علی صورته لخلافته وجعل عینه مرآة عینه بشهرته . . . اعلم ان للتوحید لجة وساحلا. فالساحل یعلم واللجة یذاق ... چه تحقیق

١٥ توحید از تحریر منشی دیوان عنایت و تقریر مدرس مدارس استعارت مستفاد نگردد.

انجام : وازین سبب بود که واقع شد تحویل وتبدل درصور عیون بشر. عباراتنا شتی وحسنك واحد ـ وکل الی ذاك الجمال یشیر . تمت الکتاب

[٥٨١]

٤٣٢ این نسخه شماره ۱ دفتری است دارای ۹ رساله وهمه بخط نسخ یکنواخت تاریخ ۱۲۸۹ ازمحمدعلی کرمانشاهی که برخی از آنها بچاپ رسیده وروی نشانه‌های نسخه باید همه ازعارف کرمانی باشد . گ ۲ ب ـ ۲۹ الف . شماره ۲ درهامش

٢٠ برگهای ۲ ب ـ ۵۹ ب و گلشن‌راز شبستری است که بخط تعلیق نوشته شده .

(همه دفتر ۱۲۱ گ) ـ کاغذ سپاهانی ـ جلد تیماج نارنجی ضربی
اندازه : ۱۱ × ۸٫۹ ، ٦ × ۱۲٫۵ ، س ۱۳

۲ ـ رساله سلوك که در ص ۱ ـ ۳۱ جنك سیزده رساله او بچاپ رسید .

آغاز: بسمله الحمدلله علی صفاته العلی . . . قال مظهر الدقائق و مظهر الحقائق...

الطرق الی الله بعدد نفوس الخلائق . یعنی : راه طالبان ... بعدد نفوس خلائق است .

انجام: وبغیر مؤانست گرفتن شر است از جمیع وجوه قال الله تعالی لاخیر فی کثیر من نجواهم . . . بین الناس والله اعلم بالصواب .

[٥٨٢]

٤٠٥ این نسخه شماره ۲۲ دفتر است و بخط تعلیق گ ۱٤٨ الف-١٥٦ ب وچنین است پایان آن : «وهر گاه که دل وزبان از کلام غیر خاموش شوند چون» برابر با س۱۳ ص۳۰ چاپی وچند سطری کم دارد . ٥

[٥٨٣]

٤٣٢ این نسخه شماره ٦ دفتر است وبخط نسخ تاریخ ۱۲۸۹ گ ۹۱ ب-۱۰۹ الف .

۳ ـ کشف الاسرار که شاید از عارف کرمانی باشد ودره باب است : «هستی یگانه ـ احدیت جمعی الهی ـ واحدیت جمعی رحمانی ـ جهان جانها ـ شهادت مطلق» . ١٠

آغاز: بسمله و به نستعین . الحمدلله الذی تجلی ذاته لذاته باحدیة جمعه ، فاظهر آدم له بجمیع اسمائه . . . فهذه رسالة فی بیان علم التوحید وسمیتها بکشف الاسرار والفتها علی خمسة ابواب . بدانکه هر بابی از برای خمسه اشاراتست بحضرتی ازحضرات الهیه . ١٥

انجام : دیگر آنکه شریعت صورت عدالت توحید بود .

[٥٨٤]

٤٣٢ این نسخه شماره ۹ دفتر وبخط نسخ است گ ۱۱۷ الف-۱۳۱ الف . در پایان دارد: «تمت الکتاب... بید الحقیر الفقیر محمدعلی کرمانشاهی فی سنة ۱۲۸۹» در برگهای ۱۱۹ ب و ۱۲۱ الف و ۱۲۹ الف باید دائره‌ای کشیده باشد که سفید گذارده شده ٢٠

٤ ـ محبت نامه که درص ۳۸-٤٦ سیزده رساله چاپی کرمانی دیده میشود .

خود او گوید : «محبت نامه‌اش را یادکردم . محبانه بمحبوبی نوشتم (گ ١١٦ الف ش ٤٣٢/٨ وص ٤٥ چاپی) .

آغاز: بسمله وبه نستعین . الحمدلله الذی عین عین حبیبه بحبه فی علمه . . . محبت مقام الهی بود ـ محبت به از پادشاهی بود . واین مقام را القاب اربعه است. ٢٥

انجام: بشادی نعمة الله نوش کن می ـ کجا یابی حریف مست چـون وی .

محبت‌نامه‌اش ازدست مگذار ـ محبت خویشتن‌را یاد میدار .

[٥٨٥]

٤٣٢ این نسخه شماره ٨ دفتراست. گ ١١٢الف ـ ١١٧الف . درپایان‌دارد:«حرره فی‌یوم من‌شهر ربیع‌المولود سنة ١٢٨٩» .

٥ ٥ ـ مکاشفات که از عارف کرمانی است .

آغاز: بسمله. یاحبیبی (من) انت ومن هولست اناولست فمن انا . . . حمد آن حامدیکه محمود است بخشش اواست .

انجام: تجلی صورتی‌ازاین اعدای‌ثلثه سالم‌ماند. درتجارت‌سودیابدبیشمار ـ یادگار نعمةالله یاددار .

١٠ [٥٨٦]

٤٣٢ این نسخه شماره٤ دفتر وبخط نسخ گ ٣٨ب٨١ الف است ودر پایان دارد : «تمت‌الرسالة‌الشریفة فی‌یوم ربیع‌المولود سنة ١٢٨٩» نسخه‌ای ازاین درموزه بریتانیا Add 76/837XX III ج٢ص٨٣٣) هست.

٦ ـ دفتری است عرفانی که گویا ازشاه نعمةالله است .

١٥ **آغاز:** بسمله . باسم‌الاعظم . وله الحمد والکرم . . . حبیبی که ابتدای کارخانه محبت باظهار جمال پرکمال روح بافتوح اوبود .

انجام: این‌سخن‌رازمن قبول‌کنی گرنمازگذاردی بحضورمن. ومن‌کلامه‌الشریف تمه . والحمدلله والمنة .

[٥٨٧]

٤٣٢ ٢٠ این نسخه شماره٣ دفترو بخط نسخ است گ٢٩الف‌ـ٣٨ب .

٧ ـ این دفتر عرفانی نیزمانا ازعارف کرمانی است .

آغاز: بسمله وبه نستعین . الحمدلله یوجب‌الدنووالتدلی. واشکرله شکر ایدیم لقائله‌التجلی . . . گفته‌اندکه مهمان خلوت خانه آب وگل است وسلطان سراپردهٔ جان و دل .

٢٥ **انجام:** ویکی ازسه بدل یکی . نه‌بیش میشوند، نه‌کم .

[٥٨٨]

٤٣٢ این نسخه شماره ٥ دفتر و بخط نسخ است گ ٨١الف ٩١الف ودر پایان دارد : «تمت الرسالة الشریفة فی ربیع المولود سنة ١٢٨٩» .

٨ ـ ایندفتر عرفانی هم ازعارف کرمانی باید باشد .

آغاز: بسمله وبه نستعین. قالص . . . اما بعدالشریعة اقوالی والطریقةافعالی ٥ والحقیقة حالی والمعرفة راس مالی . . . وفرمود که الفقر سواد الوجه فی الدارین .

انجام: ودر مقام توحید صرف و وحدت محض باشند وذلك المراد من الفقر باتفاق اهل الله . والله اعلم بالصواب .

[٥٨٩]

٤٣٢ این نسخه شماره ٧دفتراست وبخط نسخ تاریخ ١٢٨٩ گ ١٠٩ب ـ ١١١ب . ١٠

[٤٧٠-٤٨٨] رسالههای نخشبی (فارسی)

ازشیخ عزیز نخشبی عارف ١٩ رساله دراینکتابخانه هست که اینك شناخته می شود :

١ ـ در عشق است.

آغاز: بسمله و نستعین چنین گوید اضعف الضعفا وخادم الفقرا عزیز بن محمد ١٥ نسفی که جماعتی ازدرویشان کثرهم الله تعالی ازاین بیچاره درخواست کردند باید که درباب عشق رساله نویسی .

انجام: ازدل بعد ازاین هیچ کاری نیاید نه دنیوی ونه اخروی و نه مولوی. تمت الرسالة العشق والله اعلم بالصواب (گ ٨١الف ـ ٨٣ب) .

٢ ـ در آفرینش جانها وتنها . ٢٠

آغاز: بسمله وحمد. چنین گوید اضعف الضعفا شیخ کامل محمد نسفی رحمة الله علیه که جمیع فقرا ازاین بیچاره درخواست کردند که میباید در آفرینش ارواح و اجسام ودرمراتب نزول وعروج ایشان رساله جمع کنی .

انجام : وصفت خـوشی بهشت وناخوشی دوزخ معروف و مشهور است . والحمدلله رب العالمت تمت الرسالة (٨٣ ب ـ ٨٧ب) .

۳ ـ در پیامبری و پیشوائی .

آغاز: بسمله وحمد اما بعد چنین گوید شیخ عزیز بن محمد نسفی طاب ثراه که جماعت درویشان ازاین بیچاره التماس کردند که در نبوت وولایت ووحی والهام و خواب راست رسالهٔ جمع کن .

۵ **انجام** : اگرقدر نعمت بدانی توانی که آن نعمت را بغنیمت داری و الحمدلله رب العالمین (۸۸ الف ـ ۹۱ب) .

٤ ـ در نخستین آفریده خداوندوانیکه از عقل وقلم وروح درحدیثهای « اول ما خلق . . . » چه خواسته شده .

آغاز: بسمله وحمد امابعد درویشان ازاین بیچاره عزیز نسفی درخواست کردند

۱۰ که دراحادیث «مااوله» رساله جمع کنی وبیان کن که ازاین احادیث مرادیکجوهر است یا ازهر حدیثی جوهری جداگانه است.

انجام : ایدرویش درقرآن (و) احادیث ذکراین عقل بسیار است .
والله اعلم بالصواب . (۹۱ب ـ ۹۳الف) .

۵ ـ در گفتار اهل منزل چهارم درذات وصفات وجهانهای ملکوت وجبروت.

۱۵ **آغاز:** بسمله وحمد چنین گوید شیخ وقت عزیز بن محمدالنسفی رحمةالله علیه که جماعتی درویشان ازاین بیچاره درخواست کردند که میباید که بیان کنید اهل منزل چهارم .

انجام : میخواستم که درین بیان ذات وصفات خدای تعالی و بیان عالم جبروت وعالم ملکوت و عالم ملك تمام کنم نتوانستم . باشد که در این رساله میآید تمام

۲۰ کنم. تمت الرساله فی یوم الجمعه شهرشوال (۹۳الف ـ ۹۹ الف) .

٦ ـ درملك وملکوت .

آغاز: بسمله وحمد. اما بعد بدان اعزك الله فی الدارین که ملك عالم شهادت است وملکوت عالم غیب است.

انجام: میخواستم که درمعرفت ذات وصفات خدای تعالی در بحث ملك وملکوت

وجبروت دراین رساله تمام کنم نتوانستم کرد ، باشد که درین که میآید تمام کنم ایدرویش هررساله که میآید درین منزل چهارم سخن بلند میشود تـاحاضرباشی . والحمدلله رب العالمین . یافتاح . (٩٩الف ـ ١٠١ب) .

٧ ـ نیز درملك و ملكوت

آغاز: بسمله و حمد . بدانکه عالم ملك عالم اضداد است و عـالم ملکوت عالم ترتیب است .　　٥

انجام: آنچه ازمفردات ظاهر شوند ازمرکبات نشوند و آنچه از مرکبـات ظاهر شوند ازمفردات شوند. والله اعلم . تمت الرساله (١٠١ب ـ ١٠٦ الف) .

٨ ـ دربهشت ودوزخ وخوشی وناخوشی .

آغاز: بسمله وحمد اما بعدچنین میگوید شیخ وقت عزیز بن محمدالنسفی رحمةالله‌علیه که جماعت‌درویشان ازاین بیچاره درخواست کردند که میباید که بیان کنی که حقیقت بهشت ودوزخ چیست .　　١٠

انجام: تمام شدمنزل چهارم واصل تصوف دراین منزل‌اند. والله‌اعلم بالصواب (١٠٦ب ـ ١١١ الف) .

٩ ـ در گفتارصوفیان درباره «ذات ـ وجه ـ نفس ـ صفت ـ اسم ـ فعل» .　　١٥

آغاز: بسمله وحمد . اما بعد درویشان ازاین بیچاره درخواست کردند که میباید که بیان کنی که اهل تصوف بیان ذات و وجه و نفس چون کرده‌اند .

انجام: دلیل است بر آنکه دعوی بزرگتری میکردند انکار موسی میکرد. والله اعلم بالصواب (١١١الف ـ ١١٥) .

١٠ ـ درهستی حقیقی و خیالی .　　٢٠

آغاز: بسمله وحمد . اما بعد بدانکه اهل‌وحدت درمنزل پنجم‌اند .

انجام : یك طائفه‌اند ازاهل وحدت. والله‌اعلم‌بالصواب. (١١٥ب ـ ١١٨ب) .

١١ ـ در کفر وتوحید واتحاد و وحدت .

آغاز: بسمله وحمد. . . امـا بعد بدانکه اهل وحدت دو طائفه اند . یك

طائفه درمنزل پنجم‌اند .

انجام : ونتوانستم باشد که دراین رساله که میآید تمام کنم . والله‌اعلم بالصواب. (۱۱۸ب ـ ۱۲۲الف) .

۱۲ ـ درهستی .

۵ **آغاز**: بسمله وحمد . اما بعد . این نور نامحدود ونامتناهی .

انجام: ازروی تناسب نه ازروی تناسخ این همه راست باشد . والله‌اعلم بالصواب. (۱۲۲ب ـ ۱۲۳ب) .

۱۳ ـ درجهان علوی وسفلی .

آغاز: بسمله وحمد . . . امـا بعد درویشان کثرهم‌الله ازاین بیچاره درخواست

۱۰ کردند که میباید بیان کنی که اهل‌وحدت بیان چون میکنند .

انجام: تابکمال خود رسند باخوددارند والله‌اعلم بالصواب (۱۲۳ب‌ـ۱۲۵الف)

۱٤ ـ درآغاز وانجام .

آغاز: بسمله وحمد . . . ای درویش قاعده وقانون سخنان اول دیگر بود .

انجام: وعقل این طائفه پوشیده است ودیوانه‌را بهمین معنی مجنون گویند والله

۱۵ اعلم بالصواب (۱۲۵ الف ـ ۱۲۸ب) .

۱۵ ـ در تناسخ .

آغاز: بسمله وحمد . . . بدانکه منزل سیم تناسخ‌است وطریق تناسخ‌قدیم‌است وچندین هزار سال است که میان خلقت است وبیشتر عالم برطریق تناسخ بودند و هستند . اهل‌چهار دانك بلکه زیاده برطریق تناسخ‌اند .

۲۰ **انجام**:ورد گرمی بسردی‌وسردی بگرمی‌وردمکر بمکروردلشکر بلشکر توان کرد. تمت‌الرسالة (۱۲۹الف ـ ۱۳۵ الف) .

۱٦ ـ درلوح محفوظ عالم صغیر .

آغاز: بسمله‌وحمد . . چنین گوید . . عزیز بن‌محمدالنسفی که جماعت‌درویشان کثرهم‌الله ازاین بیچاره درخواست کردند که میباید که درلوح محفوظ عالم صغیر رساله

جمع کنید .

انجام: که آزاری از تو بکسی نرسد و بقـدر آنکه توانی راحتی بمردمان [?] تمام منزل سیم (١٣٥ الف ـ ١٣٩ب) .

١٧ ـ درروان مردمی .

آغاز: بسمله . در بیـان معرفت انسان . نفس انسانی . بدان که جان معنی منبسطی است صفت وی واثروی حیات است . ٥

انجام : سعادت وشقاوت هرگز مبدل نشود . والله اعلم بالصواب (١٤٠الف) .

١٨ ـ درسلوك مقامات .

آغاز: بسمه . اوحی الله الی داود ... فقال یا داود فرغ لی بیتا اسکن فیه . بدانکه جملگی کتب منزل و شرایع انبیا شرح سلوك مقامات است . ١٠

انجام : ازدیگران وظلمت خودشان بینند گویند انظرنا نقتبس من نورکم ... فلتمسوا نوراً والله اعلم بالصواب (١٤٠الف ـ ١٤٤) .

[٦٠٧٠٥٩٠]

٤٠٥ این نسخه‌ها شماره‌های ٣تا ٢٠ دفتراست وبخط تعلیق ودرپایان دارد که احمدبن عبدالعلی بیك بیوك آبادی همدانی درزمستانی سردبسال١٢٨٣رساله ٢٠رانوشت وهمه رساله‌ها بیك خط است. شماره٢١ فهرستی استازنگارش های فلسفی وپزشکی وعلوم غریب وادب از گ١٤٤الف تا١٤٧ب بهمین خط ـ نسخه‌ای ازرساله‌های نسفی در کتابخانه سپهسالار بشماره $\frac{١٣١٦}{١٣١٧}$ هست . ١٥

١٩ ـ درلوح محفوظ وجبرواختیار وقضا وقدر .

آغاز: فصل بدانکه این رساله‌ایست ازعزیزبن محمدالنسفی در بیان لوح محفوظ وجبر واختیاروحکم قضا وقدر. قال بدان... که مفردات عالم لوح محفوظ وکتاب خدایند . ٢٠

انجام : میخواستم ... درجبر واختیار بحثی مستوفی کنم نتوانستم کرد در رساله دیگر که میآید شود انشاءالله تعالی .

[٦٠٨] ٢٥

این نسخه شماره ۱۲ دفتر است و بخط تعلیق در پایان دارد «قدتم فی الخمیس من سابع عشر شهر رجب المرجب ۱۲۹۲» گ ۸٦ب ـ ۸۹الف ـ برگهای ۸۹ ب و ۹۰ الف سفید است گویا میخواستند رساله دیگری را که نسفی نویدداده بود بنویسند.

۸۷٦

[٤۸۹] رشف النصایح الایمانیه و کشف الفضایح الیونانیة (عربی)

اینک دفتر نگارش شیخ شهاب الدین عمر سهروردی(۱) (سهرورد ۵۳۹ ـ بغداد ٦۳۲) است که در روزگار الناصرلدین الله عباسی (۵۷۵ ـ ٦۲۲) نوشت و از شاهکارهای صوفیان پیروسنت است که در آن همه دانشهای فلسفی نکوهیده بشمار آمده و دین ثابت گردید. سهروردی میگوید: «با اینکه درسایهٔ این فرمانروا بازار دین رواست برخی ازجوانان بفلسفه که بادین نمیسازد می پردازند. این است که من ایندفتر را از روی حدیثهائی که خودم روایت میکنم نوشتم و آنچه از مسانید بیادم آمد بر آن افزودم».

سهروردی درهمه ۱۵ بخش ایندفتر ازروی خبر های معنعن و سخنان صوفیان فیلسوفان را رد میکند و در باب ۱ میگوید که پیروی کتاب و سنت مایه خوشبختی است و در ۲ قواعد یونانی را با آیه و خبر باطل میسازد و در ۹ غلطهای فیلسوفان را آشکار میدارد و در ۱۲ راه راست را می نمایاند و در ١٤ روشن میسازد که یاران پیامبر خردمند و روشن بیش بوده‌اند. خاتمه یکم آن در شناخت جـان و دوم در

۱ ـ سهروردی دفتر دیگری دارد بدین نام « ادلة العیان علی البرهان فی الرد علی الفلاسفة بالقرآن» معین الدین علی بن جلال الدین محمد معلم یزدی م ۷۸۹ رشف النصایح را برای نصرة الدین شاه یحیی ششمین فروانروای خاندان مظفر در ۷۷٤ بپارسی کرد و نسخهٔ آن در کتابخانهٔ سپهسالار (دیباچه آقای نفیسی برمواهب الهی چاپ تهران بسال ۱۳۲٦خ ص۱۳) و در موزه بریتانیا (23/580,I ج۲ص۸۵۳ فهرست ریو) و در اسلامبول هست و نسخی ازمتن هم دراین شهر یافت میشود (بروکلمن ص ۷۸۹ج۱ پیوست) همین متن درمدرسه جامع الباشای موصل نیزهست (فهرست مخطوطات موصل ش۷۳ تصوف ص۵۲) درفهرست فارسیهای کتابخانه خدیوی ص۵۱۷ ازشرح رشف النصایح الایمانیه و کشف الفضایح الیونانیة ازمعین الدین یزدی یاد شد و نوشته است که در ٦۲٦ بپایان رسید و باید این تاریخ نگارش سهروردی باشد. در کشف الظنون آغاز رشف النصایح چنین یادشده: «الحمدلله رب العالمین اکمل الحمد علی کل حال» و آغاز ترجمه آن چنین: «حمد و ثنائی که روح قدسی ازاملاء صحائف بلطائف اسرار» ـ نیز بنگرید به: گفتار نگارنده این فهرست درباره «منطق نزدخواجه رئیس ابوعلی سینا» درمجله دانش ش ۹ سال ۲ اسفند ۱۳۳۰ خ ص۳ـ٤۷۲ .

نگارنده رشف‌النصایح سازگارتر است تانویسنده حکمت اشراق وپندهـای ایندو سفارشنامه هم برپارسائی سنت پرست بیشتر می‌زیبد تایك فیلسوف اشراقی آزاد .
این است، آندو سفارش :

۱ ـ که در آغاز آن میخواهد آنچه راکه برای خویشتن آرزو میکند وبر او روشن است برگوید وآنرا چنانکه درعنوان نسخه ماآمده برای رهروان نوشته‌و آنانرا بپارسائی وپیروی ازسنت میخواند .

آغاز: بسمله . ایهاالطالب، السالك‌الطریق الی‌الله، المجد فی‌الطلب . اذکرلك الحق‌الواضح‌الذی اتمناه لنفسی واتشوق‌الیه .

انجام : فاستمع یـا اخی‌وصیتی ، واقبل نصیحتی ، تکن من‌الامنین . والحمدلله رب‌العالمین . والصلوة علی‌محمد واله‌اجمعین :

[٦١٠]

٨٧١ این نسخه شماره۳ دفتراست وبخط تعلیق محمدعلی بسال۱۳۰۱ گ ٦٦الف ـ ٦٧ب . دردنبال آن سخنانی است ازابی‌یزید بسطامی که میگوید مردهر گونه کرامتی داشته باشدباید دیددرباره دستورهای کتاب وسنت چون است .

۲ ـ که بیکی‌ازدوستان خویش‌مینویسد وپند بدو میدهد .

آغاز: هذه‌وصیته کتبهاالشیخ‌شهاب‌الدین‌السهروردی لبعض‌محبیه . یابنی‌اوصیك بتقوی‌الله وخشیته و لزوم حق‌الله .

انجام : لاتدری ماالسمك غدافی‌القیامة . وفقناالله لمایحب ویرضی. تمت .

[٦١١]

١٠١٥ این نسخه شماره ٤٦ دفتراست وبخط تعلیق گ۱۷۵ الف وب. پیش از آن تفسیر «سبحان‌الله ... والله‌اکبر» است ازشمس‌الدین محمدمکی .

[٤٩٥-٤٩٢] سلوك (فارسی)

درنسخه شماره ۳۵۸این کتابخانه چهار گفتاردرسیروسلوك وروش عبادت وسنن صوفیانه وآداب مرید وشیخ است ومشرب‌شیعی درآنها پیدا است وساخته‌عارفان شیعی اخیرمیباشد . نگارنده همه اینها باید همان محمدحسین بن‌محمد باشدکه‌ ١٢ ... یست وسبك همه‌اینها نیزیکی است . گفتارها اینك شناسانده میش

پاداش ومزد دررستاخیز است فهرست بابها پس ازدیباچه گذارده شده. درخاتمه۱ (گ۱۱۶ب) میگوید: همانکه ابن‌سینا درقانون خویش درباره جالینوس گفته‌است که وی «میخواست فیلسوف گردد مگر اینکه شایستهٔ آن نبود» درباره خود اوهم درست است. پیمودن این دریای ژرف نه‌درخورابن‌سینا است ونه‌ارسطو که قبله اوست ونه فیلسوفان مقلد دیگر. ابن‌سینا اگر بشفا نمی‌پرداخت ازپیامبران پیروی میکرد. نگارشهای‌اووفارابی که ازاندیشه‌و کارش برخاسته ارزشی‌ندارد. فیلسوفان کافری تقلیدی هستند. از خبرهای معنعنی که دربیشترجاها میآورد مشایخ روایت او بدست میآید. درباب ۷ دررستاخیز وتکفیر کسانیکه بازگشت تن‌را نمی‌پذیرند (گ۵۵الف)خبری از «ناصرلدین‌الله امیرالمؤمنین»ازعبدالرزاق پسرشیخ عبدالقادر گیلی‌بشتیری م ۵۶۱میآورد. این‌ناصر گرچه خودحدیث روایت میکرد وبدیگران اجازه روایت میداد ولی بانگیزه ابن‌ثابت‌بن سابور (م ۵۹۶) بفلسفه آشنا شده و علوم شرعی‌را خوار داشت. گویا سهروردی برای همین بود که اینکتاب را نوشت.

[۶۰۹]

۳٤۵ این نسخه بخط نسخ معرب است وعنوانها بنسخ درشت‌تر از محمد پسر ابی المعالی ابی‌بکر پسرمحمد ابرقوهی بسال۶۲۷ــ دربرخی جاها مانند گ ۱ بریده ووصالی شده وخاتمه‌دوم بپایان نمیرسد وازآغازهم‌ندارد وچنین‌است «النبوية بعوارف فضلها وعدلها فحنت الی‌جوار اعتاب‌السدة‌الشريفة ارواح‌العلمافشدو اليهاالرحال (آغاز) ــ قولهم ان‌لايوجد من‌الواحد الاواحد ارتقوا الی اوائل‌العلم‌بان لايوجد من الواحد الاواحد ولكن (غفلوا) ان‌ذلك‌الواحد هوالروح الاعظم فسموه (انجام) ».

دربالای گ۱۱۱الف نوشته استکه حسنعلی واعظ ایروانی بسال۱۲۵۵ این نسخه‌را داشت.

(۱۳۱گ)کاغذ ترمه‌سمر قندی—جلد تیماج ضربی. تمودار سوخته

اندازه : ۱۰×۲۲و۸×۱۷س ۱۸ سطر

[٤۹۰-٤۹۱] سفارشنامه سهروردی (عربی)

دو پند وسفارش بنام سهروردی دراین کتابخانه هست که گویا ازشهاب‌الدین سهروردی‌صوفی‌باشدنه‌سهروردی‌اشراقی چه‌دریکی(۸۷۱/۳)ازمحدثات‌ونورسیده میترساند‌دردیگری(۱۰۱۵/۲٦) ازاندیشه‌وتفکر بازمیداردواین گونه

۱ ـ درسیروسلوك آمیختهٔ با اخبار ودر آن از بایزید بسطامی و محمدبن اسمعیل‌بن ابی‌القاسم‌بن همشادنوحی وذوالنون مصری‌وشیخ ابوسعید وشیخ‌مغربی ونجم‌الدین رازی ومرصادالعباد اووقطب‌انصاری وپیران‌نقشبندی وشیخ بهائی و آقا محمد بیدآبادی یادگردید.

آغاز: لاجابةالدعاء والفرج روایت است ازحضرت پیغمبر که‌بدرستیکه من میدانم‌کلمهٔ‌که نگفته است آنرا تنك دلی مگرآنکه حقتعالی فرجی دهـد تنك دلی او را . ۵

انجام : وآنچه گفته شد دراخبار وآیات انبیا و اولیا واحوال حکما است وبالله التوفیق .

۲ ـ درآداب خوردن برای صوفیان و در آن ازمفید وسید مرتضی وحکیم غزنوی وخواجه طوسی وابن فهدحلی وعلی‌بن طاوس وشیخ صفی‌الدین و مجلسی یاد شد . ۱۰

آغاز: آداب طعام خوردن اول آنکه رازق‌را الله داند نه‌فلان .

انجام : و نفوس محدث اند بحدوث ابدان مع‌ذالك هیچ یك یکدیگر را تکفیر نکردند. ۱۵

۳ ـ نیز گفتاری است درسیروسلوك ونام نگارنده‌آن‌درپایان (محمدحسین بن‌محمد ـ گ ۱۲۷الف) دیده میشود ودرآن ازلسان‌الغیب (گ۱۲۵ب) و شاه نعمةالله یادگردید ودر دوفصل ویك‌خاتمه میباشد .

آغاز: بسمله‌الحمدلله‌الحلیم‌الکریم... اما بعدچون مقتضای عبودیت‌حقیقی اشتغال قلب وقالب عبداست بعبادت معبود . ۲۰

انجام : اگر بخودی‌خود چندسال در دوزخ مجاهده سوخته هنگام بیرون آمدن خام خواهد بود .

نظم :

گدائی در میخانه طرفـه اکسیریست

گر این عمل بکنی خاك زر توانی کرد ۲۵

[٦١٢-٦١٤]

۳٥٨ این سه نسخه شماره‌های ۲ (۱۰۸ب-۱۱۷ب) و۳ (۱۱۷ب - ۱۲۰ الف) و٤ (۱۲۰الف - ۲۷ب) دفتر است وهمه بخط نسخ و عبارتهای تـازی زیر خط سرخ میباشد .

٥ ٤ - نیزدرروش صوفیانه بمشرب شیعی است وبنام رساله سیدبن طاوس درنسخه یادشده‌ودرست‌نیست. نگارنده‌آن‌باید همان‌محمدحسین بن‌محمد باشد که‌نویسنده نسخه٨٦٤/٤ نیز هست بسال١٢٥١ .

آغاز: بسم‌الله خیرالاسماء . الحمدوالثناء لعین الوجـود ... ای همسفران ملك سعادت وصفا وای رفیقان راه خلوصیت وفنا .

۱۰ انجام : بمسجد ابن طاوس مشهور است وحال از بنای آن مسجد اثری نیست والله ولی‌الامر کله .

[٦١٥]

۳٥٨ این نسخه شماره ٥ دفتراست وبخط نسخ گ١٢٧ب١٥٢ب .

[٦١٦]

٨٦٤ ۱٥ این نسخه شماره٤دفتر میباشد وچنین است آغاز وانجام آن: «امکثوا انی آنست نارا ... بطریق عدیده ازسیدرسل وهادی سبل مروی‌است (س٤ گ١٢٧ب‌ش ٣٥٨/٥ ودوسطر آغازرا ندارد) - وسید خود بعد ازآن درآنجا مسجدی‌عظیم بنا نهاد والحال بمسجد ابن‌طاوس علیه‌الرحمة مشهوراست . والله‌ولی‌الامر . وقد فرغ من تسویده فی‌شهرذی‌القعدةالحرام فی‌سنة١٢٥١ تراب اقدام اولیاءالله اقل‌الثقلین ابن

۲۰ محمد ، محمدحسین، عفی‌الله عنهما فی‌الدارین. » گ١٧٨الف - ١١٠الف بخط‌تعلیق . مهر عبده حسین‌بن محمد» درپایان دیده میشود .

(همه دفتر۱۳٦گ)کاغذ فرنگی - جلد تیماج حنائی

اندازه : ١٦×٢٢ و٨×٥،٣ س١٥تا١٨

[٤٩٦] شرح بیتی از حافظ (فارسی)

۲٥ دوانی این بیت « پیرما گفت خطا برقلم صنع نرفت - آفرین بر نظر پاك خطا پوشش باد » را بروش فلسفی گزارش‌میدهدودرآن اشعریان رارستگار ومعتزلیان را مجوس می‌پندارد ومیگوید که«عمربن‌الخیام» وبهمنیاربن‌المرزبان» ازشاگردان شیخ رئیس بوده اند .

آغاز: پیرما گفت.. قبل ازخوض در اداء معنی بیت تمهید مقدمه چند.. خواهد رفت

انجام: پس اگر خطا درواقع بودی وپیر آنرا ندیده بودی پاك بودی .

[٦١٧]

١٠٤٦ این نسخه شماره ١٩ دفتر وبخط تعليق محمد شريف پسر محمد قائمی بسال ١٠٦١ گ ٩٣ب - ١٩٥الف میباشد .

٥

[٤٩٧] **شرح بیتی از دهلوی** (فارسی)

جامی براین بیت امیرخسرو دهلوی (٦٥١-٧٢٥): « ز دریای شهادت چون نهنگ لا بر آرد سر . . . » گزارش نوشت .

آغاز: بسمله . یامن لارب غیره ولااله سواه . . . دل عشق ترا مرید باداعمر،

انجام: خاموش که مرغ رام رارم ندهی . تمت الکلام بعون الملك العلام . ١٠

[٦١٨]

٨٦٧ این نسخه شماره ١٩ دفتر است وبخط تعليق گ ٢٥٧الف - ٢٥٩الف .

[٤٩٨] **شرح بیتی از شبستری** (فارسی)

آغاز: من افادات المحقق الدوانی - چون عزیزی التماس معنی این بیت کرد از گلشن راز که تصنیف ... محمود شبستر است واجب نمود .. قیام نمودن ... و املا کرد . . . ١٥

« باصل خویش یکره بازبنگر – که مارا پدر شد باز مادر »

انجام: که هر گز شکر گوینده را لذت شکر خائیده نباشد والله اعلم بالصواب.

[٦١٩]

١٠٨٨ این نسخه شماره ٢٢ دفتر است وبخط تعليق گ ٨٨ ب ٩٠ الف - پس ازاین تا پایان دفتر سخنان پراکنده ایست ازدانشمندان: از تحفة الاحباء ودرج الدرر که هردو درعرفان است ٩٠الف . ازسید ابراهیم قزوینی وصدرای شیرازی هردو درعرفان ٩٠ب-٩١الف. بازعرفان است وادب وحدیث ٩١ب ٩٢ب. قصیده ای در ١٢ بیت که ٤٢٠ گونه میتوان آنرا خواند ٩٣الف. ازصدر الافاضل واصطلاحات عارف کاشی وشرح فصول نصیریه علامه حلی وسخنان عرفانی وفلسفی و کلامی ٩٣ب-٩٥ب. پیش ازاین سخنیست از امام در « السر المکتوم » : دراینکه فرشته همان پردگار (رب النوع) است ٨٨الف. ٢٠ ٢٥

[٤٩٩] **شرح بیتی ازمثنوی** (فارسی)

جامی این بیت «بشنو ازنی چون حکایت میکند...» را گزارش میکند.

آغاز: بسمله. عشق جز نائی وما جزنی نه‌ایم ـ اودمی باما ومابی وی‌نه‌ایم...

این سطری چنداست بعضی منثور وبعضی منظوم

۵ **انجام:**

در بقای او شوی فانی تمام　　　باقی جاوید باشی والسلام

[٦٢٠]

۸٦۷ این نسخه شماره۱۵ دفتراست وبخط تعلیق باعنوانها ونشانه‌های شنگرف گ ۲٤٦ الف ـ ۲٥۰الف. گزارشی ازجامی به‌نثر ونظم برهمین بیت بالا و بیت

۱۰ «کزنیستان تامرا ببریده‌اند ...» درجنك رساله‌های هموونسفی وآذری‌وکاشی وکرمانی چاپ ۱۳۰۳ هست ص ۳۸۲ ـ ۳۸٦ هامش.

[٥۰۰] **شرح حدیث ماه** (فارسی)

جامی براین حدیث بروش صوفیانه گزارشی بنثرونظم نوشته است:

آغاز:

۱٥ بسمله ای پاك زحیز ومبرا ازگمان　　　خالی زتونی درون وبیرون جهان

انجام:

هر حرف خطا که جسته باشد زقلم　　　شوینـد بآب عفو و بـاران کرم

[٦٢۱]

۸٦۷ این نسخه شماره۱۷ دفتراست وبخط تعلیق گ ۲٥۲ب ـ ۲٥٤الف.

۲۰ [٥۰۱] **شرح حدیث الغمامة** (عربی)

دانشمند قاضی محمد سعیداء قمی (۱۰۳۸ ـ ۱۱۰۳) درسپاهان بسال۱۰۹۹ که درشصت ویك سالگی بود(۱) (دیباچه) گزارشی عرفانی برحدیث‌الغمامه که ازامیر مؤمنان آورده‌اند نوشته ودرآن میگوید که این‌حدیث را صدوق قمی‌درالمجموع الرائق ودیگران آورده وسند بسلمان میرسدو آن حدیثی است عارفانه‌وغلوآمیز.

---

۲٥ ۱ ـ ازاین روی باید اودر۱۰۳۸ زاده شده باشد نه در۱۰٤۹ که درفهرست‌طوس (ج٤ص۱۷ـ۱۸) یاد شده.

آغاز: بسمله الحمدلله مدبر الادوار و معيدالاكوار طبقاعن طبق و عالما بعد عالم .

انجام : وليكن هذا آخرما اردنا ايراده من كشف بعض اسرار هذاالخبر... ومن الله اسئل العصمة عن الخطا والى الله المشتكى .

[٦٢٢]

٤٠٣ اين نسخه بخط نسخ ومتن زير خط سرخ ازمحمدحسين فرزند حاج محمدابراهيم سپاهانى در۱۲۶۳ ميباشد. اودارنده اين نسخه بود وخود درگ ۱ الف چنين نوشته ومهراو درهمينجا هست. حاشيه‌هائى از پدر اودر نسخه هست كه او از آن وى ميداند .

(۱۱۹گ) ــ كاغذ سپاهانى ــ جلد تيماج مقوائى

اندازه : ۱۱×۱۷ و۶×۱۳ س۱۷

[٥٠٢] شرح حكمة الاشراق (عربى)

شيخ شهيداشراقى شهاب‌الدين ابوالفتوح يحيى بن حبش بن اميرك سهروردى (سهرورد٥٤٩ــحلب٥٨٧)حكمة‌الاشراق‌را درمنطق‌وفلسفه‌بروش‌خويش‌نگاشته و درپايان‌روزسه‌شنبه ۲۹ج۲سال ٥٨٢ (ص٥٦١چاپ‌سنگى‌وص۲٥٨چاپ تازه) آنرا بانجام رساند . اودراين كتاب بدرخواست ياران حكمت ذوقى خويش‌را گنجانده وبدان بسى ارج مينهاده ودر مشارع ومطارحات (ص١٩٤ ــ ٣٦١ و٤٠١ و٥٠٥) از آن بستود. شمس‌الدين محمدبن محمود شهرزورى (زنده در ٦٨٧) نگارندهٔ «رسائل‌الشجرة‌الالهية » در٦٨٠ و نويسنده سر گذشت شيخ اشراقى درپايان «نزهة الارواح» خويش‌مانا نخستين‌بار(۱) براين دفتر گزارشى نگاشته‌است. آنگاه قطب الدين محمود شيرازى (شيراز ٦٣٤ ــ تبريز ٧١٠) بر آن گزارشى آميخته نوشت كه اسدالله‌بن محمدحسن يزدى هراتى درتهران ازذى‌قعده ١٣١٣ تادهه يكم‌صفر ١٣١٦ بدستور حاج ابراهيم طباطبائى و بخط محمدبن ميرزا عبدالعلى درگزينى آنرا باتعليقات صدراى شيرازى ورساله جمع بين‌رأيين فارابى بچاپ‌سنگى‌رساند . متن كتاب‌را آقاى هنرى كربين خاورشناس بادورساله « فى‌اعتقادالحكماء » و«قصة

---

۱ ــ بنگريد به : ديباچه خاورشناس دانشمند آقاى هنرى كربين فرانسوى بر مطارحات‌ص LXXII و برحكمة‌الاشراق ص٦٦و٦٩ــ كنزالحكمه بخش۲ص١٦٢ .

الغربة‌الغربية» و گزارش پارسی کهن این یکی باپاره‌ای از دو گزارش شهرزوری و
شیرازی درتهران بسال $\frac{۱۳۳۱}{۱۹۵۲}$ بسیار زیبا و پسندیده چاپ نموده دیباچه ای بزبـان
فرانسه در آغاز آن گذارده‌است. شیرازی گزارش خویش‌را بنام خواجه‌غیاث‌الاسلام
جمال‌الدین علی‌بن محمد دستگردانی وزیر باید و کرده در رجب سال٦٩٤ بپایان
٥ رساند (ش١٢٩مجلس وش٤٩٨عربی فردوسی ملی) این دستگردانی در ٦٨٣ناظر
اوقاف عراق بوده ازماه جمادی یکم تاششماه سال٦٩٤ وزیر باید و(هفتماه٦٩٤ و
کشته درهمین سال) ودردوماه سال٦٩٥ وزیر غازان (٦٩٤ ـ ٧٠٣) شده است و
درپایان همین‌سال کشته شد (دیباچه چاپ‌تهران درةالتاج ص ه ـ لب‌التواریخ‌ص٥ ـ
١٤٤ ـ دستور وزراء خوندمیر ص٣١٣) .

١٠ شگفت اینجا استکه‌قطب شیرازی دردیباچه گزارش‌خویش‌ص٣،حکمت‌الاشراق
را ازشهاب‌الدین (ابوحفص) عمربن محمد سهروردی (بکری شافعی صوفی‌عارف
پیرو سنت ٥٣٩ـ٦٣٢) دانسته و کنیه‌ابوالفتوح بدوداده و لقبهائی برای اویاد کرده
که شایسته شیخ اشراقی شهید میباشد .

گویا دراین سده بنگارشهای سهروردی بسیار مینگریستند چنانکه همین‌شهر ـ
١٥ زوری درنزدیك ٦٨٠ وابن کمونه در٦٦٧ وعلامه حلی (٦٤٨ـ٧٢٦) پیش‌از٦٩٣
برتلویحات او گزارش نوشتند. حلی دراجازه‌ایکه بنجم‌الدین مهنابن‌سنان درمحرم
سال ٧٢٠ داده است از گزارش خویش بنام «کشف‌المشکلات من کتاب‌التلویحات
مجلدان»یادنمود. همین‌اجازه بخط‌سیدحیدر آملی درذیقعده٧٦٢ درنسخه‌ش١٠٢٢
گ ٦٨الف ـ ٧٠ب آمده ومجلسی آنرا درجلد ٢٥ (اجازات) بحارص ٢٩ و ٣٠
٢٠ آورده است. اودو اجازه ازعلامه برای مهنا یاد کرده که نخستین بتاریخ ذی‌حجه
٧١٩ است واین یکی دومی‌آن وتاریخ آنرا اویاد ننمود. درخلاصه علامه (چاپ
ایران بسال ١٣١٠ص٢٤) ونیز درهمان اجازات مجلسی ص٢١ ازهمان خلاصه از
«حل‌المشکلات من کتاب‌التلویحات للسهروردی» یادشده واز گفته حلی پیدااستکه
آنرا پیش از٦٩٣ نوشته بود .

ودود تبریزی (سده ۱۰) برحکمةالاشراق و گزارش شیرازی حاشیه نوشت.
او پیش از این برالواح عمادیه شیخ اشراقی که در جوانی نگاشته و بنام عمادالدین سلجوقی (قره ارسلان پسرارتق فرمانروای خربوت و سردیدمان ارتقی از ۵۸۱) کرده است ، در ۹۳۰ گزارش نوشته بود.

نجم‌الدین حاجی محمود تبریزی نیز برحکمةالاشراق حاشیه دارد چنانکه صدرای شیرازی ودوانی بر آن حاشیه نوشتند. محمود شریف‌بن‌الهروی دیباچه و بخش دوم حکمةالاشراق را در ۱۰۰۸ بپارسی کرد ودرآن بگزارش شیرازی نیز نگریسته است. دانشمند داماد استرابادی گذشته از اینکه دربسیاری ازنگارشهای خویش سخنان سهروردی راگواه آورده ، در ۱۰۲۹ درپاسخ پرسشی که ازوی درباره یك بند ازحکمةالاشراق (بند۲۶۸ص۲۵۰چاپ تازه) کرده‌اند نامه‌ای نگاشته‌است.
فرزانه بهرام پسر فرشاد (زنده در۱۰۴۸) پیرو آذر کیوان اززردشتیان شیراز که‌در هند میزیست حکمةالاشراق‌را بپارسی درآورد. تلویحات شیخ اشراق بزبان‌عبری نیز ترجمه گردید (دیباچه فرانسوی آقای هنری کربین برمطارحات VII وبرحکمة الاشراق ص۵۹ــ۶۴) میدانیم کــه سید حیدر آملی وغیاث‌الدین منصور دشتکی و سید احمدعاملی و سعیداء قمی‌وشمسیاء گیلانی وفیض کاشانی ولاهیجی وپیروان‌اینها همه روش اشراقی داشتند . درروزگار اکبر شاه هندی (۹۶۳ــ۱۰۱۴) گذشته از ترجمه نگارشهای‌هندی‌بپارسی فلسفه ایرانی هم دردسترس‌مردم هند گذارده‌میشد پس میتوان گفت که روش اشراقی سهروردی را بسیاری ازدانشمندان شیعی‌ایرانی پسندیدند وچون ریشه ایرانی داشت سرانجام بعرفان آریائی هند نیز بپیوست(۱)

۱ــ ازمتن حکمةالاشراق دو نسخه درسرای احمد اسلامبول یکی (III3252) بتاریخ ۱۷ شعبان ۶۷۹ دیگری (III3271) بتاریخ ع۲ سال۷۰۸ و نسخه‌ای در کتابخانه راغب همانجا (ش۱۴۸۰) بتاریخ ۷۳۴ درمدرسه نظامیه بغداد ، هست . ازشرح شیرازی نسخه‌ای بشمارهٔ ۴۹۸ عربی در کتابخانه ملی فردوسی تهران هست که حسین‌بن‌عبدالله النیار بغدادی‌نوشتن آنرا در تبریز یکم جمادی دوم سال۷۳۴ بپایان رساند. دواجازهٔ روایت از قطب شیرازی درد و برك پایان آن هست که به نجم‌الدین دهستانی و ظهیرالدین عسکری در تبریز درپایان ربیع دوم سال۷۰۸ داده تابتوانند همه کتابهای اورا روایت کنند وبخط همان بغدادی میباشد (دیباچه فرانسوی شرح حکمةالاشراق

دنباله حاشیه درصفحه بعد

[٦٢٣]

۱۰٤۷ این نسخه بخط پسخ‌خوش‌ومتن وعنوانها بنسخ درشت‌تر وسیاه‌تر زیر خط‌سرخ میباشد وعنوان برخی ازمطلبها درهامش آمده است . نویسنده‌آن دانشمندسید رکن‌الدین محمدبن علی‌فارسی استرابادی گرگانی میباشد که‌شاگرد علامه‌حلی

٥ (٦٤٨ ـ ٧٢٦) وخـواجه طوسی (٥٩٧ ـ ٦٧٢) بوده است. او اوصاف‌الاشراف و اساس‌الاقتباس واخلاق ناصری والفصول فی‌الاصول وشرح کتاب ثمره بطلیموس‌وجبر وقدرطوسی راازپارسی بتازی کرد (ص۲۱۵ج٤فهرست طوس ـ گ ۱۲۸الف ـ۱۲۹ الف ش ۱۰۲۲ دانشگاه کـه فهرست نگارشهای گرگانی از روی خط او در آنجا آمده است) .

۱۰ رکن‌الدین نوشتن این نسخه را برای خود درنجف درروز دوشنبه(۹) محرم۷۱۸ ازروی نسخهٔ بدی بپایان رسانده سپس‌آنرا بانسخهٔ دیگر (گویـا نسخهٔ اصل) برابر نمود واین مقابله او درروز چهارشنبه ۹ج۲سال ۷۲۳ بانجام رسید. شرف‌الدین‌حسن بن عبدالکریم فتال غروی خادم روضه غروی استاد ابن ابی جمهوراحسائی و روایت کننده ازجمال‌الدین حسن‌بن حسین‌بن مطرجزائری ازابن فهدحلی (۷۵۷ ـ ۸٤۱)این

۱٥ نسخه‌را نگریسته وازآن بهره برد ودربامداد روزسه‌شنبه دوم ربیع یکم سال۸۷۰از خواندن آن بیاسود(۱) .

این نسخه دردست جلال‌الدین محمد دوانی (۸۲۸ ـ۹۰۸) بوده وبرآن بخط خود حاشیه‌هائی نوشته که‌درپایان بیشترآنها نشانه«مح»دیده‌میشود ودرسه‌جا نیز بدینگونه نوشته است: لمعلقه محمدبن اسعد ـ للفقیرالجانی محمدبن اسعدالدوانی ـ لکاتبه‌الفقیر

۲۰ الجانی محمدبن اسعدالدوانی» (گ ۹۸الف‌ـ۱۱۳الف) دوانی درحاشیه خود (گ٦ الف) از کلمة‌التصوف» سهروردی یاد نمود .

---

۱ ـ گرگانی درعراق میزیسته و«الابحاث فی‌تقویم الاحداث» را دررد زیدیان و اثبات تشیع درروز آدینه ۳ج۲ سال۷۲۸ درنجف نوشته است .

(برای‌سرگذشت گرگانی بنگریدبه : روضات‌الجنات چاپ۱ص۲٦٥ و٦۰۹ وچاپ دوم ص۲٦٤ و٥۸۱ ـ فهرست طوس ج٤ص۳ و۲۱٤ و۲۱٥ ـ ذریعه ج۱ص٦۳ وج٤ ص۱۲۲ـ برای سرگذشت ابن‌ابی جمهور بنگرید بآنچه دربارهٔ « مناظره احسائی و هروی» درهمین فهرست خواهدآمد) .

دنباله حاشیه صفحه پیش

ص ۷٥ ـ ۷۸) .

درکتابخانه مجلس سه‌نسخه ش۱۲۹ وش۱۳۰ تاریخ۱۰٦۲ وش۱۳۱ تاریخ۱۲۹۸ ودر طوس نیزسه نسخه ش۱٥۹ (ج۱ص٤۹) تاریخ ۱۰۲۱ وش۱۷۰ (ج۱ص٥۱) وش ۷۸۹ تاریخ ۱۱۰۹ (ج٤ص۱۷٤) ازشرح شیرازی هست .

این نسخه‌را محمد باقر جهرمی شیرازی کربلائی در کاظمین بسال ۱۲۵۳ خریداری کرده است. مهر زیبائی بساخت یك مربع در یك دائره در ۱ الف دیده میشود که‌خوانده نشده . چنین است نسخه :

آغاز: «بسمله (وفق اللهم لا کماله لمحمد و کرام آله) ـ میانهٔ دو کمانه شاید از گرگانی باشد ـ الاشراق سبیلك ... »

انجام : «متجنبین طریق المراء والعناد والله ولی السداد».

عنوان گزارش در نسخهٔ ما چنین است : کتاب شرح حکمة الاشراق للشیخ شهاب الدین السهروردی رحمه‌الله تصنیف المولی الکامل والعـارف الواصل قطب الحکماء رئیس العلماء القطب الصمدانی والمکاشف الحقانی مسعود الشیرازی قدس‌الله نفسه وطهر رمسه بمحمد و آله الطاهرین .

در گ ۲۰۲ الف دارد : « فرغ ناسخه لنفسه الملتجی الی الحرم العلوی محمد بن علی الجرجانی من نسخة سقیمة یوم الاثنین (تاسع) محرم ثمان عشره وسبعمائه حامدالله تعالی علی نعماه ومصلیا علی خاتم انبیاه محمد بن عبدالله ومستغفر الذنوبه».

نیز : «وقع الفراغ من (قبال) النسخة بغیر (اصلها) بحمدالله تعالی الاما (قد) البصر وذلك یوم (الاربعاء) . تاسع جمادی الاخره لسنة ثلث و (عشرین) وسبعمائة ـ الهجریة وکتب محمد بن علی الجرجانی حامدا ومصلیا ومستغفرا » .

در گ ۲۰۲ ب : فرغ من مطالعة هـذا الکتاب و تامله ... و استفادمنه مایتسر له الوصول . . . علیه وفقه‌الله وامثالـه لحل مبانیه وا ... حقایقه و معانیه صباح یوم الثلثاء ثا(نی ربیع) الاول سنة سبعین وثمانمائه ... الصحه حسن بن عبدالکریم الفتال ...

(دو سطر پاک شده و خوانده نمیشود و همچنین کلماتی که بجای آن نقطه گذارده شده) .

در ۱ الف: « اشتریته بثمن بخس فی الکاظمین علیهما السلام وانا العبد الخاسر محمد باقر ۱۲۵۳ الجهرمی الشیرازی الکربلائی» آنچه درمیان دو کمانه گذارده شده در نسخه بروشنی خوانده نمیشود .

(۴۲۰۴)ـــ کاغذ ترمه سمرقندی ـــ جلد مقوا برنك زرد

اندازه : ۸ر۱۷ × ۲٦ و ۵ر۱۳ × ۲۰ س ۲۴

گویند کمیل(۱) که از شناختگان علی ع بوده است از رهبر و استاد خویش درباره « حقیقت » پرسید و او پاسخی عرفانی داد. این پرسش و پاسخ در فصل الخطاب حاج محمد کریمخان فرزند ابراهیمخان قاجار ظهیرالدوله(۱۲۲۵-۱۲۸۸) بسال ۱۲۸۰

۱ ـ کمیل پسر زیاد پسر نهیك پسر هیثم نخعی را علی ع فرمانروای هیت کرد او نمی توانست چپاولگران معاویه را که بمرز عراق میگذشتند براند و در برابر میخواست بسپاهیان خویش دستور دهد که بمرزهای دشمن مانند قرقیسا و دیگر روستاهای پیرامون فرات بتازند. علی بدو نوشت که اینگونه کار سستی است. کمیل در جنك صفین بود. ابوحیان میگوید که او سخنانی دشوار از علی آورده و از گفته های او سخت می پرهیزند . ذهبی گوید که او گرانمایه و راستگو و رهبر و پارسا و شیعی منش بود و کم حدیث دارد . حجاج اورا نزدیك بسال ۸۲ بگناه دوستی علی و بودن با کشندگان عثمان بکشت . (سفینه بحارالانوار قمی ج۲ ص۴۹۸ ـ رجال مامقانی ج۲ ش۹۹۳۸ ص۴۲) میگویند کمیل از علی(ع) درباره شناخت روان پرسیده و پاسخی عارفانه و فیلسوفانه گرفت. مجلسی در آسمان و جهان بحار(ج۱۴ ص۴۱۱) می نویسد که صوفیان آنرا از کمیل نقل کردند سپس میگوید که این اصطلاحات در اخبار معتبر یافت نمیشود و مانند یاوه سرائیهای صوفیان است. این خبر در اثنی عشریه فی المواعظ العددیه محمد بن قاسم عاملی(زنده در ۱۰۶۸) و فصل الخطاب کریمخان ص۲۳۳ دیده میشود .

نیز گفته اند که اعرابی از علی(ع) چنین پرسشی کرد و پیشوا پاسخ داد . فیض در کلمات مکنونه (چاپ ۱۳۱۶ ص ۴-۷۳) آنرا آورده و گفت که پیران ایندو را مرسل دانستند نه اینکه نپذیرفته باشند و هردوا شرح کردند . آذری در جواهرالاسرار (چاپ ۱۳۰۳ ص۲۵۴) گزیده از مفتاح الاسرار بسال ۸۴۰ پرسش کمیل درباره روان را یاد کرد . او در ص۲۵۳ «من عرف نفسه عرف ربه» را نیز سخن پیامبر دانست . پیش از او شاه نعمة اله کرمانی بسیاری از سخنان دانشمندان را بپیامبر و پیشوایان بسته است چنانکه «من فقد حسا فقد علما» را که از ارسطو و منطقیان دیگر است از پیامبر پنداشت (رسالة النکات در مجموعه رسائل او چاپ ارمغان بسال ۱۳۱۱ خ ص۱۲۱) در ص۲۱۸ این فهرست یاد شد که عبات «صور عارية عن المواد ...» را از دو بند نیایش ابن سینا گرفته بعلی(ع) بسته اند و آن در غررالحکم و دررالکلم(فصل صاد) سید ابوالفتح ناصح الدین عبدالواحد محمد بن محفوظ بن عبدالواحد آمدی (م ۵۱۰) که با بن شهرآشوب دانشمند شیعی(م ۵۸۸) اجازه روایت همین کتاب را داد آمده است. کریمخان در فصل الخطاب ص۲۳۵ از همو آنرا آورده گفت که پیران از آن یاد کرده و کسی انکار نکرده است .فیض در کلمات مکنونه ص۷۵ نیز آنرا آورده است.(نیز بنگرید به: کنی و القاب قمی ج۲ ص۵ ـ ریحانة الادب ج۱ ص۲۹ ـ معجم المطبوعات ـ ابن شهرآشوب در معالم العلما چاپ تهران ص۷۲) .

و ۱۲۸۲ (چاپ ایران بسال ۱۳۰۲ ص ۲۳۳) آمده و او میگوید : که مشایخ آنرا مرسل آورده وشرح کردند . در (ص ۲۳۱) روضات الجنات خوانساری (۱۲٦٦ — ۱۳۱۳) نیزیادی از آن شده است. صائن الدین علی ترکه خجندی سپاهانی (م ۸۳۵) درمفاحص (ش ٤٣۰ گ ۵ الف) ازاین خبر یادنمود .

۵ عبدالرزاق کاشی درنامه‌ایکه بعلاءالدوله سمنانی مینویسد میگوید : « ودر سخن ساقی کوثر امیرالمؤمنین رض آمده است : الحقیقة کشف سبحات الجلال من غیر اشارة » (نفحات جامی ص ۲۳ ٤) شوشتری درمجالس المؤمنین مجلس ششم در آغاز سرگذشت کمیل ازشرح عبدالرزاق کاشی براین حدیث یادنموده وخود آنرا بند ببند آورده وبپارسی گزارش داد. درفهرست مجلس (ش ۱۳ـ۶۳۱/۱۰۲) ازدورساله ۱۰ کمیلیه درگزارش همین گفتار یـاد شد ونخستین بپارسی است . دراین کتابخانه ۵ گزارش هست :

۱ ـ ازدانشمند علامه جمال الدین حسن پسر یوسف پسر مطهر حلی (٦٤٨ـ ۷۲٦) که بدرخواست یکی ازبرادران دینی وبروش تصوف وعرفان نگاشته‌است .

آغاز: الحمدلله الذی بطن ذاته بصفاته وحجب صفاته بافعاله و خفی افعاله ۱۵ بآثاره . . . فقدسال منی اخ‌فی الدین ان‌اکتب رسالة وجیزة فی‌شرح کلام .. علی‌بن ابی‌طالب . . . حین سأله کمیل . . . عن الحقیقة فقال . . . مالك و الحقیقة .

انجام : و تعمقه فی بحار مراتب الحقیقة و الیقین و رزقنالله . . . الثبات علی الصراط المستقیم المعبرعنه‌بالشریعة والدین القویم وحشرنافی زمرة المؤمنین المتقین العارفین الواصلین من الانبیاء والاولیاء والائمة والمشایخ من الاولین والاخرین والصلوة ۲۰ والسلام علی نبیه محمد واله الطیبین الطاهرین اجمعین آمین یا رب العالمین .

[٦٢٤]

۱۰۳٦ این نسخه شماره ۲ دفتراست وبخط تعلیق مورب گ ۱۰ الف ـ ۱۱ الف .

۲ ـ ازعارف عزالدین محمودفرزند علی‌فرزندابی‌طاهر کاشی نتنزی (م ۷۳۵) که بروش عرفانی نوشته وپس ازیادکردن همه خبر بندببند آنرا آورده وروشن نمود.

آغاز: قال الشيخ العارف عزالملة والدين على بن ابى طاهر الكاشى «تفسير الالفاظ التى صدرت عن امير المؤمنين على بن ابى طالب ... في جواب كميل ... على ماسنح لى وسمح به الوقت ان الحقيقة فعيلة من حق يحق حقيقاً اذا ثبت والتـاء فيها للخروج من الوصفية الى الاسمية واللام للعهد الذهنى ... »

۵ **انجام**: اذا طلع الصباح استغنى عن المصباح والله يهدى من يشاء الى صراط مستقيم (۱۰۳۶/۳).

[۶۲۵]

۳۷۹ این نسخه شماره۱ دفتری است دارای ۵ رساله وبخط نسخ نزدیك ۱۲۷۰ گ ۱ب۳الف . وچنین است : «بسمله . سأل كميل ... عن امير المؤمنين كرم الله وجهه ۱۰ عن الحقيقة ... قال الشيخ ... محمود بن على ... الكاشى ... تفسير هذه الكلمات على ماسنح لى وسمح الوقت - اذا طلع الصباح ... مستقيم . والله اعلم» .

(همه دفتر۱۳۷ك) —كاغذ فرنگى—جلد تيماج سبز
اندازه : ۱۳٫۵×۲۱٫۵ و ۷٫۵×۱۴٫۵ س۱۸

[۶۲۶]

۱۰۳۶ ۱۵ این نسخه شماره۳ دفتراست وبخط تعلیق گ۱۱ الف وب . درپایـان دارد : «تمت فى سنة ۱۱۱۶».

۳ ـ از كمال الدين عبدالرزاق كاشى عارف (م۷۳۶) كه بروش عرفانى نوشته ودر آن خبرهائى عارفانه از پيامبر وامام صادق(ع) آورد . وى نخست همه حديث را ياد نمود وسپس بندبندآنرا گزارش نمود . اين دانشمند كاشانى باهمشهرى خويش ۲۰ هردو شاگرد نورالدين عبدالصمد نتنزى سپاهانى م۶۹۹ و ظهيرالدين عبدالرحمن فرزند ... بزغش شيرازى م ۷۱۶ بوده‌اند وهردو نگارشها درعرفان دارند .

آغاز: بسمله . الحمد لله رب العالمين ... وبعد فهذا مما املا الشيخ الكامل ... كمال الملة والدين عبدالرزاق الكاشى على مـا اجاب به امير المؤمنين ... عن سؤال كميل بن زياد عن الحقيقة وهو قوله ماالحقيقة ... قال الشارح الحقيقة ههنا هو الشئ ۲۵ الثابت الواجب بذاته الذى لايمكن تغيره بوجه ما .

انجام: وعند الابتهاج لايحتاج الى السراج والله الهادى الى طريق الرشاد وهو كل مرجع ومآب وصلى الله على محمد واله خير العباد (۱۰۳۵/۳۳) .

[٦٢٧]

٢٥٢ این نسخه شماره ۲ دفتری است دارای ۵ رساله و بخط نسخ نزدیك ۱۱۱۵ از نورالدین محمدبن مرتضی گ ۱۰ب ـ ۱۱الف وچنین‌است آغاز آن: «بسمله وحمد وصلوة فهذا ماامِلاه الشیخ العالم کاشف اسرار الحقیقة هادی ارباب الطریقة کمال‌الملة والدین عبدالرزاق‌الکاشی قدس‌سره مااجاب به‌امیرالمؤمنین وامام المتقین علی بن ابی‌طالب علیه‌السلام عن‌سئوال کمیل بن زیادرضی‌الله عنه‌عن‌الحقیقة وهو قوله ماالحقیقه . . . قال الشارح قدس سره‌الحقیقة ههنا هوالشیئی الثابت ... »

وانجام‌آن اینست : «فقدطلع علیك تباشیرنورالحق واوائلهاالتی هی بالنسبةالیه کنسبة نورالصبح الی نورالشمس وقت‌الاستواء وعند الابتلاج لایحتاج الـی السراج . تمت‌الرسالة‌الکمیلیة بحسن‌توفیقه‌سبحانه .

(همه دفتر ۲۶۱گ) ـ کاغذ سپاهانی ـ جلد تیماج مشکی

اندازه : ۱۷×۲۵ و۵ر۱۱×۱۹ س۳۰

[٦٢٨]

٨٧١ این نسخه شماره ۷ دفتراست وبخط تعلیق محمدعلی نزدیك ۱۳۰۱ گ ۸۸ب ۹۱الف . وچنین است : « بسمله ... الحمدلله‌رب‌العالمین ... اما بعد فهذا ما املاالشیخ‌العالم کاشف اسرارالحقیقة ... کمال‌الملة‌والدین‌عبدالرزاق‌الکاشی قدس سره علی‌ما اجاب به‌امیرالمؤمنین ... عن سئوال کمیل ... عن‌الحقیقة وهو قوله ما الحقیقة... قال‌الشارح ... الحقیقةهناهوالشی‌الثابت ... لایمکن تعبیره باعتبارها ـ وعند الابتلاج لایحتاج‌السراج » .

[٦٢٩]

٨٨١ این نسخه شماره ۱۰ دفتراست وبخط نسخ باعنوانهای شنگرف از محمد بن فتح‌الله بسطامی درمدرسه رزم ساریه قزوین درروز آدینه ۱ع۱ سال ۱۰۰٤ گ ٤۲ ب ـ ٤٥ الف . وچنین است:«بسمله. هذاشرح‌الشیخ ... عبدالرزاق‌الکاشی لاجوبة امیرالمؤمنین... عن‌سئوال کمیل بن‌زیاد رض‌لماسأل‌الامام ع عن‌الحقیقة وهوقوله ماالحقیقة... قال‌اطفئی‌السراج‌فقد طلع الصبح. قال‌الشارح‌الحقیقة هناهوالشئی‌ءالموجود (الواجب) لذاته ـ کنسبة نورالصبح‌الی نورالشمس وقت‌الاستواء وعندالانبلاج‌لایحتاج الی السراج » .

[٦٣٠]

١٠١٥ این‌نسخه‌شماره ۱۰ دفترو بخط‌تعلیق نزدیك ۹۱۳ میباشد گ ۲۱ب ـ ۲٤الف.و چنین‌است «من‌فوائدالمولی العلامة کمال‌الملة.قال‌عبدالرزاق‌فی‌معنی کلام‌امیر‌ـ المؤمنین علی علیه‌السلام سال کمیل بن‌زیاد ... امیرالمؤمنین علیا(ع) فقال‌ما الحقیقة فقال امیرالمؤمنین مالك والحقیقة ... الحقیقة هنا هوالشیئی‌الثابت‌الواجب‌الذی لایمکن‌تغیره باعتبارما ـ وعندالابتهاج لایحتاج الی‌السراج والله‌اعلم بحقائق‌اسراره»

[٦٣١]

۱۰۳۵ این نسخه شماره۳۳ دفتر است و بخط نسخ ص۲۸۳ـ۲۸۵ از شهاب‌الدین حسینی درشعبان ۱۰۹۸ .

٤ ـ ازقاضی کمال‌الدین امیرحسین میبدی یزدی (م ۹۱۱) .

۵ **آغاز:** سال کمیل . . . فقـال ماالحقیقة ـ هی‌الشئی‌الثابت الواجب‌الذی لم‌یکن تغیر بوجه ما .

انجام فقد طلع‌الصبح و تبین‌الرشد من‌الغی .

[٦٣٢]

۱۰۳۸ این نسخه شماره۱۱ دفتر است و بخط شکسته تعلیق گ ۹۷ب ـ ۹۸ الف

۱۰ ۵ ـ ترجمه و گزارش آن بنظمی شیوا وروان در۳۲ بیت که این خبردرپنج بند در آن آورده و گزارش شد .

آغاز: قال امیرالمؤمنین(ع) فی‌جواب کمیل ابن‌زیاد که : ماالحقیقة . قـال (ع) مالك و الحقیقة . قال اومثلك یخیب سائلا . قال کشف سبحات‌الجلال من‌غیراشارة . حقیقت کشف‌انوار جلال‌است ـ ولیکی دلچه داندکین چه حال است ـ فروغ

۱۵ روی او ازغیم امکان ـ چو ظاهر شد حقیقت گشت پنهان .

انجام : اطف السراج فقد طلع‌الصبح . جوابش داد گفت‌ای رفته ازدست‌ـچرا گشتی چنین شیدا و سرمست . . . علـم چون برفرازد شاه فرخار ـ چراغ آنجـا نماید چون شب تار .

[٦٣٣]

۱۰۳۵ ۲۰ این نسخه‌شماره۳٤ دفتر است و بخط نسخ‌درمتن و تعلیق شکسته ریز درگزارش و نشانه‌ها بشنگرف درپائین صفحه درطول آن در۱۵ سطر ص۲۸۵ .

[۵۰۸] **شرح رباعی‌های دوانی** (فارسی)

دانشمند دوانی (۸۲۸ـ۹۰۸) درجوانی چند رباعی فلسفی وعرفانی سروده سپس آنها را بدرخواست دوستان گزارش نمود و آنرا بسلطان ایلدرم بایزید۲ (۸۸٦ ـ

۲۵ ۹۱۸) ارمغان داد . او این رباعیها را روی مطلبهای فلسفی وعرفانی بخش کرده و گزارش نمود .

آغاز: بسمله . . . حمداً لاله غمر الخلق آلاه . لامعبود سواه بل ليس سواه . ذرات دوكون زاسيب عدم ـ غير ازحرم حرمت او نيست پناه . . . درسوالف ايام كه عنفوان جوانی و ريعان زندگانی .

انجام: توچه دانی زبان مرغـان را ـ كه نديدی می و سليمان را . نسأل الله تعالی الاطلاع علی حقايق اسراره والاستضائة بلوامع انواره . ٥

[٦٣٤]

١٠٤٦ اين نسخه شماره ٢٦ دفتر است و بخط تعليق رجبعلی بن جواد علی مازندرانی دربار فروشده ودر ٢٠ صفر ١٠٦٢ عنوان رباعی را بنسخ درشت گ ١١٢ب ـ ١٣٠ الف .

[٥٠٩] **شرح رساله تجلی ذاتی** (عربی) ١٠

گزارشی است ازخواجه صائن الدين تركه خجندی سپاهانی م ٨٣٠ بررساله ابن هود مغربی .

آغاز: بسمله . قـال الحكيم الكامل ابن هود المغربی قدس سره لماتجلی الله لذاته بذاته من ذاته فی ذاته عن ذاته علی ذاته تجسد بالجسد فكان الاول عرشا والثانی كرسيا و الثالث سماء والرابع نارا والخامس هواء والسادس ماء والسابع ارضا . . . ١٥ شرحهـا المولی . . خواجه صائن الدين تركه قدس سره قـال الفقير . . . اعلم ان تحقيق الكلام .

انجام: والمحقق مثلنا لانا واياهم بميزان الاحسان . تمت الرسالة والصلواة علی خاتم الرسالة محمد و آله .

٢٠ [٦٣٥]

١٠٣٣ اين نسخه شماره ٥ دفتراست و بخط شكسته تعليق گ ٨ب ـ ١١ب

[٥١٠] **شرح «العلم نقطة كثره الجاهلون»** (عربی)

محمدبن محمدبن محمد طوسی الهی درآغاز اين گزارش پس ازيادكردن نام خويش ميگويد بآستان علی(ع) رفتم وچيزها درآنجا درباره اين حديث علوی برمن آشكار گشت . سپس بروش فلسفی وعرفانی وباطنی آنرا گزارش ميكند . ٢٥

آغاز: بسمله . شرق نورالالهية فتجلى لاعيان الماهية والبسها الوجود بعناية ـ الجود .

انجام : ان نقطة من وجه الاعداد ان يكون مائة واربع وستون عددا . و افرادها بالحروف ، ومافيها من الخواص ، وتعلقها بالكائنات ، و وجه المناسبة . وانما ختمته للايجاز والاختصار . والى الله المصير . والحمد لله رب العالمين .

[٦٣٦]

٣٩٨ این نسخه شماره ۲ دفتر و بخط تعلیق باعنوانهای شنگرف میباشد گ ۱۴ب ـ ۱۹ الف ـ

[٥١١] **شرح فصوص الحکم** (عربی)

مؤیدبن محمودبن صاعدبن محمد حاتمی صوفی جندی (م نزدیك ۷۰۰)شاگرد صدرالدین محمد قونوی (م ۶۷۳) این گزارش را برفصوص محیی الـدین اندلسی (م۶۳۸) نگاشته است(۱) .

---

۱ ـ اندلسی فصوص را پس از ۶۲۷ که درخواب دید پیامبر آنرا بدوداد وفرمود آنرا بمردم برساند بپرداخت .

عبدالرزاق کاشی در گزارش برفصوص از نسخه‌ایکه مؤیـد بر قونوی خوانده است یاد نمود .

برفصوص اندلسی دانشمندانی چندگزارش نوشتند که برخی ازآنها یادمیگردد :
۱ـ عفیف‌الدین سلیمان تلمسانی (م۶۹۰) ۲ـ سعدالدین محمدفرغانی م نزدیك ۷۰۰ ۳ـ مؤیدالدین جندی(م نزدیك ۷۰۰)۴ـ کمال‌الدین محمدزمکانی(م۷۲۷)۵ـ کمال‌الدین عبدالرزاق کاشی م ۷۳۶ (چـاپ سنگی بارونیه۱۳۰۹ ومصر۱۳۲۱) ۶ ـ شیخ داود قیصری م۷۵۱ (چاپ ایران ۱۲۹۹ وبمبئی ۱۳۰۰) بنام مطلع خصوص‌الکلم فی‌معانی فصوص‌الحکم برای‌وزیر غیاث‌الدین محمد . او گزارش دیگری هم برآن دارد۷ـ سید علی‌همدانی (م ۷۸۶) ۸ـ سیدحیدرآملی نزدیك۷۸۷ بنام نص‌النصوص ۹ـ صائن‌الدین علی سپاهانی(م۸۳۰)۱۰ـ عبدالرحمن جامی م ۸۹۸ یکی بپارسی بنام نقدالنصوص‌فی شرح نقش‌الفصوص بسال ۸۶۳ (بمبئی۱۳۰۶) که ازقونوی وجندی وفرغانی گزارنده تائیه ابن‌فارض ودیگران مانندگزارندگان دیگرگرفته است. دیگر بتازی بسال۸۹۶ که درآن هم از گزارشهای دیگر گزین نموده است ۱۱ ـ شیخ بایزید خلیفه رومی (م ۹۰۰)۱۲ـمظفرالدین علی‌شیرازی (م ۹۲۲) ۱۳ـحکیم شریف‌ناصر گیلانی که‌در ۹۲۶ درخواب بدودستور رسید تا گزارش نویسد واوآنرا در۹۴۰ بپایان رساند۱۴ـ

بقیه حاشیه درصفحه بعد

جندی در دیباچه میگوید: استادم قونوی خطبهٔ فصوص‌را برایم روشن نمود و درمعنی برویم بگشود وفرمود که بر آن گزارشی بنویس شایستهٔ جویندگان . من خطبه‌را بروش او گزارش کردم و دیگر نتوانستم دنبال آنکار گیرم واستاد در روم در گذشت ومن ببغداد شدم. پاره‌ای‌را در آنجا گزارش نوشتم همینکه از بغداد بیرون شدم آنرا بپایان رساندم. نیز میگوید که شیخ فرمود فصوص‌را بادیگر کتابها اگرچه ازمحیی الدین هم باشد یکجا جلد نکنید (گ٤ب) اودر آغاز قصیده دالیه‌ای دراصول اذواق توحید آورد (٦ب-٨ب) نام جندی هم در این گزارش دیده میشود (٣٩الف) جندی دو گزارش بزرگ (نسخهٔ ما) وکوچك برفصوص دارد .

جندی در این گزارش ازاندلسی به «قال الشیخ» وازخود به «قال العبد» یادمیکند ودر دیباچه ١٦ بحث عرفانی میآورد .

آغاز: بسمله . ابتدات وعلیه توکلت فی جمیع اموری حمدا بحمداحق محامد الحق واحمده فی مجامع الصدق واجمع مناهج المحقق المحق .

انجام: فی خصوص ختمیة الاولیا المحمدیین وخاتم الولایة العامه المطلقة روح الله و کلمته خاتم الاولیا اجمعین .

[٦٢٠٧]

٣٤٣ این نسخه بخط نسخ یکم شعبان ٩٨٩ میباشد. در گ١الف یکی از دانشمندان از گزارشهای خوب فصوص گزارش مسبحی‌را نام می برد .
(٤٣٢٥٧) — کاغذ سمرقندی ـ جلد تیماج سرخ ترنج مقوائی حاشیه‌دار
اندازه : ١٢×٢٠ و ٨×١٥ س٢٣

[٥١٢] **شرح فصوص الحکم** (فارسی)

گزارشی است برفصوص عارف نامور محیی الدین ابوعبدالله محمدبن علی

مانده حاشیه صفحه پیش

شیخ بالی خلیفة الصوفیة (م ٩٦٠) ١٥ ـ شیخ ابراهیم حلبی خطیب جامع سلطان محمد م ٩٩٦ بنام نعمة الذریعه فی نصر الشریعه ودر نکوهش آن ١٦ـ مولی یحیی نوعی م١٠٠٧ بدستور سلطان‌مراد ترکی ١٧ـ شیخ‌علی قاری هروی م١٠١٦ در نکوهش آن ١٨ ـ عبدالله افندی بسنوی م١٠٥٤ بتازی وترکی ١٩ـ عبدالغنی نابلسی دمشقی (١٠٥٠ ـ ١١٤٣) بنام جواهر النصوص فی حل کلمات الفصوص که با گزارش‌تازی جامی درچاپخانه زمان وشرفیه دردوجلد بسالهای ١٣٠٤ و ١٣٢٣ چاپ‌شد. رکن‌الدین شیرازی گزارشی بپارسی بنام نصوص الخصوص دارد که از کاشانی وقیصری بهره برد ودرسرای آنرا بپرداخت (بنگرید بکشف الظنون) .

اندلسی مکی شامی (٥٦٠-٦٣٨) نویسنده الفتوحات المکیه از خواجه محمد بن محمد پارسای بخاری (بخارا ٧٥٦ - مدینه ٨٢٢) نویسنده فصل الخطاب در محاضرات.

خواجه پارسا در دیباچه این شرح میگوید: کسانی این کتاب را شرح کردند وبخوبی از آن بر آمدند مگر اینکه سخن را بدرازا کشاندند و من گرچه بکوتاهی ٥ پرداختم ولی کلید رازرا بدست دادم. پارسا مانند شارحان دیگر پس از سر آغاز دیباچه‌ای دارد که در آن رشته موجودات را شرح میدهد.

آغاز: رب یسر وتمم بالخیر، بسمله، حمد بیغایت آن فاطر حکیم را که آثار انوار صبح وجودرا از قعر چاه ظلمت آباد عدم بر آورد.

پارسا دراین شرح متن فصوص را بندبند میآورد وشرح میکند.

١٠ [٦٣٨]

١٠٨١ این نسخه از آغاز شرح فصوص پارسا است تا شرح فص ٢٧ «حکمة فردیة فی کلمة محمدیة» و بدینجا بپایان میرسد «و نزد محققان آن الله مجعول و آن مصنوع عبد بود که آن الله» خط آن تعلیق ودرجدول شنگرف است سرلوحی دارد که اندکی از آن بریده شده است متن فصوص بنسخ درشت وشنگرف واعراب دارد و برخی جاها ١٥ بتعلیق سیاه ومعرب ودرپایان مانند شرح بتعلیق است.

(٢٩٠ برگ) — کاغذ ترمه سمرقندی — جلد تیماج مشکی مقوائی
اندازه: ١٠×٢٥ و ٨×١٦ س ١٦

[٥١٣] شرح کلمات قصار همدانی (عربی)

دانشمند عین القضاة همدانی میانجی (٤٩٢-٥٢٥) در دیباچه براین گزارش خویش ٢٠ برسخنان کوتاه عرفانی باباطاهر عریان همدانی (نیمه‌سده پنجم(١)) میگوید بشهر همدان که گذشتم دیدم مردم آنجا شیفته سخنان بابا طاهر همدانی هستند و ازمن درخواستند گـزارشی بر آن نویسم. او سخنان بابا را بند ببند در اینجا آورد و روشن نمود.

آغاز: بسمله الحمدلله الواحد الاحد الصمد ... المقدس ذاته وصفاته عن المشا- ٢٥ بهة و المماثلة.

---

٢٥ ١- متن کلمات قصار همدانی با ٣٨٠ دوبیتی را مجله ارمغان بسال ١٣٠٦ خ چاپ نمود - تمهیدات همین عین القضات بشماره ٣٨٤٤ درسپهسالار هست و نامه‌ایکه غزالی بدو نوشته بنام تازیانه سلوك بادیباچه مشکان طبسی درتهران بسال ١٣١٩ چاپ شد (نسخه ش ٦٥٥ مجلس بنام رساله عینیه).

انجام: وهذا آخر مااوردت من شرح الکلمات علی ماسنح لی من فتوح الغیب وظنی انی فیما رمیت غرض القائل مصیب وفیما انتمیت الی محیی هذه الطاعة نصیب .

[٦٣٩]

٣٦١ این نسخه بخط نسخ ومتن بشنگرف وپس از «قال» میآید .

٥ (١٠٨گ) ـ کاغذ فرنگی ـ جلد تازه‌شده
اندازه : ١٤×١٨ و٥ر٧×١٣س١٥

[٥١٤] **شرح «کنت کنزا مخفیا»** (عربی)

حدیث «کنت کنزا مخفیا فاحببت ان اعرف فخلقت الخلق لاعرف» را عارفان درنوشته‌های خویش آورده‌اند . فیلسوف عارف سده ٧ شیخ عزیز نخشبی درمقصد اقصی (ص١٨٧) آنرا سخن خدا میدانست. محیی الدین اندلسی (م٦٣٨) براین گفتار ١٠ گزارشی نوشت و در آن روشن ساخت که چگونه خداوند با اینکه چیزی هستی نداشت نهان بود و آنگاه هویدا گشت وچگونه این گفتار با «کان الله ولم یکن معه شیئی» میسازد .

آغاز: بسمله . قال الشیخ محیی الدین قدس سره اعلم وفقك الله . . . ان بعض اهل العلم اورد علی هذا الحدیث القدسی وهو قوله سبحانه وتعالی کنت کنزا مخفیا... ١٥ اشکالا عظیما .

انجام: فسبحان من جعل الظهور مانعا للادراك والشرو الحجاب سببا للظهور. وهو اعلم بحقایق الامور . فتبصرو ولاتکونن من الغافلین .

[٦٤٠]

١٠٣٥ این نسخه شماره ٤٢ دفتر است و بخط تعلیق درشت ص٣٥٢. درص٣٥٣ گفتگوی ٢٥ خیام است با غزالی درباره قطب آسمانها .

[٥١٥] **شرح لمعات** (فارسی)

عارف کرمانی شاه نعمة الله برلمعات عراقی این گزارش را نوشته و در آن سخنان عراقی با رمز (ع) میآید و گفتار خود کرمانی هربندی بارمز (ن) آغاز میگردد.

٢٥ کرمانی ازاین عارفان نام میبرد: جنید، ابوبکر وراق، شیخ علی حریری (٩٦ب)، شیخ الاسلام عبدالله انصاری (٨٢ب)، نویسنده قوت القلوب (٨٢الف)، کلمه آدمی فص الهی شیخ (٧٢ب)، ابن فارض (٥٨ب ـ ٨٧ب) ـ نیزمیگوید که عراقی بروش «سوانح»

غزالی این دفتررا بپرداخت (٦٠ب). این گزارش در۲۸ لمعه است(۱) و در دیباچه آن دارد: «نعمت‌الله ماست نعمت او» (۳۰ب).

آغاز: بسمله. الحمدلله‌الذی نوروجه حبیبه بتجلیات الجمال فتلالا نورا... بیا چون عارفان نعمت‌الله- بگوحمداله الحمدلله. الحمدهوالوصف بالجمیل‌الاختیاری والمدح هوالوصف بالجمیل اختیاریا.

انجام: گرزانك من وتو ازمیان برخیزیم ــ مقصود ومراد ما بکام‌من‌وتو است. تم والحمدلله والمنة.

[٦٤١]

۸۷۵ این نسخه شماره۲دفتراست وبخط نسخ باعنوانهای شنگرف ازعثمان‌بن‌عثمان بن مصطفی ارز رومی درتاریخ ۱۲۵۷ گ ۵۷ب-۱۰۹ الف. نسخه‌ای ازاین گزارش کرمانی درموزه بریتانیا (ج۱ص۸۳۱ Add16/837 II) هست.

[٥١٦] شرح منازل السائرین (عربی)

منازل‌السائرین(۱) نگارش‌خواجه عبدالله‌انصاری‌هروی حنبلی صوفی (۳۹٦ - ٤۸۱) میباشد که‌بدرخواست‌درویشان رهروهرات ودیگرشهرهانوشت.عبدالرزاق کاشی (م ۷۳٦) نسخه‌ای‌ازآنرا که نزد هروی خوانده بودند وتصحیح شده بودو خود هروی اجازه‌ای برآن بخط خویش بسال٤۷۵ نوشته بود داشته گزارشی بر

۱ ــ بخشهای بیست وهشتگانه آن چنین است: ۱ـ آشکار بودن عشق ٦۳الف ۲ـ تجلی عشق ٦۳الف) ۳ـ رؤیت عشق ٦٦ب) ٤ـ یکی بودن عشق با چیزها٦۸ب) ۵ـ تجلیات گونه گون عشق٦۹ب) ٦ـ یکی بودن عاشق ومعشوق ۷۲الف) ۷ـسریان عشق درهمه چیزها ۷۲ب) ۸ـ تجلی اتحادی نه‌حلولی ۷٦ الف، ۹ ــ جلوه صوری و معنوی محبوب۷۷الف) ۱۰ـ دیدن عاشق همان معشوق‌را ۷۸ب) ۱۱ ــ ظهور دائم معشوق۸۰ الف) ۱۲ـ پیوستن عاشق ومعشوق۸۰ب) ۱۳ـ حجابهـا دربرابر محبوب ۸۱الف) ۱٤ـ تغایر اعتباری محب ومحبوب ۸٤الف) ۱۵ـ تلازم‌آندو ۸۵ب) ۱٦ ــ تطورات محبوب۸۷ب) ۱۷ـ تجلیات‌معشوق۸۸ب)۱۸ـوجدعاشق۹۲الف)۱۹ـنزاهت عاشق ۹۳الف) ۲۰ـ سلطنت معشوق ۹۵الف) ۲۱ـ تسلیم عاشق۹۷ب) ۲۲ـ رضای او ۹۸ب) ۲۳ـ محواو۱۰۰الف) ۲٤ـ اتحاد صفات عاشق ومعشوق ۱۰۱الف) ۲۵ـ دیدن عاشق درخود معشوقرا ۱۰۲) ۲٦ـ مراقبت محب محبوبرا ۱۰۳ب) ۲۷ـفنای عاشق ۱۰۵ الف) ۲۸ـ ابطال عاشق ومعشوق ۱۰٦ب.

۲ـهروی‌درمحبت‌نامه (رسائل‌ص۱۰٦-۱٤۳) پاره‌ای ازاین منازل‌عارفان راپپارسی آورد. این رساله‌را نیز اوبدرخواست‌رهروان نوشته سپس بنام بزرگی‌ساخت.

آن نوشت ودر روزدوشنبه ۲۰رجب ۷۳۱ درخانگاه ربع رشیدی بپایانش رساند (انجام چاپی) کاشانی آنرا برای غیاث‌الدین محمد (م ۷۳٦) فرزند صاحب‌رشید-الدین فضل الله ابی‌الخیر ساخته است. این گزارش در ایران دهه یکم‌ماه دوازدهم سال۱۳۱۵ بچاپ رسید.

۵ [٦٤۲]

۸۵٤ این نسخه شماره۵ دفتراست وبخط تعلیق نزدیك ۸۱۳ گ ۸۱ب-۲۰۳ب و میان متن وشرح یك نقطه‌سرخ گذارده شده وچنین است: «بسمله. قال‌المولی الامام ... کمال‌الملة‌والدین عبدالرزاق‌الکاشانی ... شارح‌المنازل‌السائرین. الحمدلله‌الذی خص‌العارفین بمعرفة مالا یعرفه‌الا هو- باب‌التوحید... انما خص بعضی‌الایة ۱۰ بالذکر لان‌هذا‌محض‌التوحید.... ان لایشهد فی‌التوحید‌دلیلا فیکون‌التوحید عندك‌اجلی من کل‌دلیل فان‌نور‌الحق‌ربما» برابر باس۱۱س۲٦۷چاپی در باب دهم (توحید) از بخش دهم درنهایات وباندازهٔ هفت صفحه‌ونیم چاپی‌کم دارد.

[۵۱۷] شرح منازل السائرین (عربی)

شمس‌الدین ابوعبدالله محمد پسرابی بکرفرزند قیم جوزیه دمشقی‌حنبلی ۱۵ (٦۹۱-۷٦۱) شاگردابن تیمیه برنگارش هروی(۱) گزارشی بنام مدارج السالکین بین‌ایاك نعبدو ایاك‌نستعین نوشته است‌که درسه جلد درمصر بسال ۳-۱۳۳۱ بچاپ رسید. این دانشمند پیروسنت وظاهری سلفی که جز گفته های گذشتگان چیزی را درست نمی‌بیند بارنجی این‌کتاب را شرح‌نمود وتا توانست روش آزاد و گسترده عرفان خواجه‌را باروش فشرده وتنك خویش هماهنك ساخت.

۲۰ [٦٤۳]

۳۳۵ این نسخه بخط نسخ باعنوانهای شنگرف محمدبن محمدبن عمربن یوسف‌بن هاشم حنفی درروز شنبه۷ رجب۷۷۲میباشد وچنین‌است آغازآن: «وحذروا من مفارقته و اخرجوا من فارقه من‌الطریق بالکلیة» دنباله گزارش بند «وهو علی ثلث درجات. الدرجة‌الاولی صفاء علم‌یهذب لسکوك‌الطریق» برابر باس۳ ۲۵ ص۲۰۱ گزارش‌کاشی از باب۳(صفاء) از بخش ۸ (ولایات) انجام نسخه چنین است: «لنا

۱- از گزارندگان دیگرمنازل‌السائرین اینکسانند: شیخ‌امام سلیمان تلمسانی صوفی م ٦۹۰ - احمد بن ابراهیم واسطی م ۷۱۱ - محمود بن محمد درگزینی م۷٤۳ بنام تنزل‌السائرین - شمس‌الدین محمد تبادکانی طوسی م ۸۹۱ بپارسی وبنام تسنیم‌المغربین (کشف‌الظنون).

اعمالنا ولكم اعمالكم. لاحجة بيننا وبينكم واليه‌المصير» وگزارش بپایان میرسد.
سه برگ آخر سفیداست. حاشیه‌هائی ازصدرالدین‌واعظ پسرعلامه ملامحمدحسن‌قزوینی
بخط تعلیق وشکسته درهامش هست.
ابن قیم دراینجا یادی ازابن تیمیه میکند ومیگوید: شنیدم که میگفت ...» (گ۷۵
الف س۳). نیزازکتاب‌المفتاح خودنام میبرد (۲۲۲ب). «مفتاح السعادة ومنشورالوية
العلم‌والارادة» اودرچاپخانه سعادت بسال۵-۱۳۲۳ ودرهند بسال۱۳۲۹ بچاپ رسید.
۵ درمبحث مشاهده گوید: اینگونه‌سخنها کفری است‌آشکارا .(۱۶۱الف). درگزارش‌این
بند«توحیده ایاه توحیده . ونعت من ینعته‌لاحد» میگوید: دراین سخن‌حق والحادهردو
هست. آنگاه ازگزارنده‌ای‌بیدی یادمیکند وبه کیشش‌میخوانند (۲۳۸الف-۲۳۹الف)
گویا ازآن کاشانی‌را میخواهد چه‌عبارتی که‌میآورد وخرده‌میگیرد مانندش‌درگزارش
کاشانی (ص۷۰ - ۲۶۹) دیده میشود : دراین گزارش همه سخنان خواجه نیامده
۱۰ بلکه بندهائی ازآن را آورده وگزارش‌کرده .
(۳۴۶ف) - کاغذ سمرقندی - جلد تیماج سرخ ضربی متوالی دریکسوی - تحریر اوسط که بخانه
اندازه: ۱۴×۱۹ و ۹×۱۴س۱۷

[۵۱۸] صنوف‌الناس فی‌دارالبقاء (رسالة فی‌احوال...) (عربی)

دراین رساله ازچگونگی مردم دررستاخیز گفتگوگردید

۱۵ **آغاز**: بسمله الحمدلله‌المتوحد فی‌ذاته‌المتفرد فی‌دیمومته ... فقدکنت‌متاملافی
بعض‌الاسحار فی‌باب احوال صنوف الناس عند رجوعهم الی دارالبقاء والقرار فلاح
علی قلبی ... انه علی‌ستة‌اصناف .

انجام: فیکون صنوف‌الانسان مع‌حالاتهم علی‌ستة . والله اعلم‌بحقائق‌الامور .
[۶۴۴]

۲۰ **۱۰۳۵** این نسخه شماره۲ دفتراست وبخط تعلیق ریز ص۸۹-۹۰

[۵۱۹] صیحه وصدا (فارسی)

دانشمند دوانی این رساله راکه دارای یك مقدمه ویك صیحه وچندصدا است
بروش عرفان نوشته است .

آغاز: بسمله . سبحانك سبحانك انت انت . تعالیت عن‌مداناةالاشباه . وبعد
۲۵ برادری طریقی و دوستی حقیقی فخرالقبائل وذخرالاوائل ... التماس نمود تا ...
بعضی ازسوانح وقت دراین جزو ثبت رود .

انجام : پس ملاك اودين مبين و طريق مستبين تسليم وانقياد است . فلا و ربك لايؤمنون حتى‌يحكموك فيما شجر بينهم ... اللهم وفقنا لاتباع حبيبك فى‌الفعل والقول والعمل ... الهم صل‌وسلم عليه وعليهم‌اجمعين . تمت .

[٦٤٥]

٥ **١٠٢١** اين نسخه شماره ١١ دفتراست و بخط تعليق ريز علي بن مسافرقاضى در تبريز بسال ٩٣٩ گ ١٧٦الف ــ ١٨٨الف .

[٥٢٠] **طريق واجب درمعنى حضور (رسالة ...)** (فارسى)

اين رساله كوتاه ازجامى است .

آغاز: بسمله. سررشته‌دولت، اى برادر بكف‌آر ــ وين عمر گرامى بخسارت

١٠ مگذار . . . بدان . . . كه حاصل طريقهٔ خواجه بزرگوار و خلفاى ايشان . . . بعد از تصحيح عقيده . . . حضور است .

انجام : جمله سر خواص وعوام گفته شد . والسلام والاكرام . والحمدلله رب العالمين .

[٦٤٦]

١٥ **٨٦٧** اين نسخه شماره ١٨ دفتراست وبخط تعليق باعنوانها ونشانه هاى شنگرف گ ٢٥٤ الف ــ ٢٥٦ب .

[٥٢١] **طواسين** (عربى)

اين سخنان ازطواسين(١) حلاج دانسته شد ودرشش فصل است .

آغاز: من طواسين شيخ‌المشايخ ابى منصورالحلاج . فصل. انماالصوفى من

٢٠ تزيد نور روعه بنورمعرفته ويتشعشع نورمعرفته‌بنور ورعه ولايخالف باطنه ظاهره ويكون نفاعا ينتفع به كل موجود .

انجام : انماالدنيا قال ومقال والعقبى مال ومنال . قيل‌الصوم على ثلثة انواع صوم‌الروح وصوم‌العقل وصوم‌النفس . . . وصوم‌النفس بالامساك من‌الطعام‌والشراب

---

١ ــ طاسين رمز طهارت وسنا ونوال (پاكيزگى ــ سرفرازى ــ دهش) ميباشد

٢٥ (چاپ ماسينيون ص١) .

[٦٤٧]

این نسخه شماره ۱۲ دفتر است و بخط تعلیق در ص ١٥٤ در ١٩ س میباشد. درطوس
١٠٣٥ نسخه‌ای ازطاسین السراج حلاج (ش ٦٦٣ ص ١٣٢ ج ٤) هست که آغاز آن برابر
است با ص ۹ چاپی وچنین است انجام آن : «فبقی التوحید وماوراه کلها حوادث»
٥ نسخه مادرطواسین چاپی دیده نمیشود .

[٥٢٢] العروة لاهل الخلوة والجلوة فی ما یجب الاعتقاد به (عربی)

شیخ علاء الدولة ابی المکارم رکن الدین احمد بن محمد بن احمد بن محمد بن احمد
بیابانکی سمنانی سندی (٦٥٩–٧٣٦) ایندفتر را هنگامیکه در مسجد صوفیاباد خداداد
در دهه بازپسین رمضان سال ٧٢٠ اعتکاف کرده بود در بامداد روز یکشنبه آغاز و آنچه
درباره اعتقاد های واجب دردل او گذشت نوشت وترهات وشطحات در آن نیاورد و
١٠ آنرا در دوشنبه ٢٣ ماه حرام سال ٧٢١ درهمان صوفیاباد خداداد گاهی که اززندگیش
درست هفتاد ودوسال میگذشت (چنانکه درپایان نسخه ما دارد) بانجام رساند و
باره دوم درهمانجا وهمان سال بااندکی کم و بیش نیز آنرا نوشت باره سوم درخانگاه
سکاکی سمنان در ١ ج سال ٧٢٢ در ٦٣ سالگی خودبدان نگریسته و آنچه دردوبار
پیش از آن انداخته بود برآن افزود و برای پسرخود ابوالبرکات تقی الدین علی
١٥ دوستی سمنانی و بخواهش او باز نوشته است (پایان کتاب) این عارف وحدت وجود
را نمی پذیرفت . دانشمند عبدالرزاق کاشی ازاین گفتار او وازاین نگارش خرده
گرفت ونامه‌ای بدو نوشت وسمنانی بدو پاسخ داد ایندو نامه درنفحات جامی (ص
٤٢٩–٤٤٠) آمده وشوشتری درمجالس المؤمنین (مجلس ٦ درگذشت کاشی و
محیی الدین اندلسی) ازاینها یاد نمود(١) . نسخه‌ای از آن درموزهٔ بریتانیا هست

---

٢٠ ١ – بنگرید بگفتار فهرست نگار درمجله دانش درباره منطق نزد خواجه رئیس
ابوعلی سینا ش ١ سال ٣ تاریخ مهر ٣١ ص ١٩–٢١ جامی در نفحات ص ٣٩٢ میگوید که
سمنانی در ٧٧ سالگی در ٧٣٦ بمرد پس اودر ٦٥٩ زاده است مگراینکه اوخودمیگوید
که در ٧٢١ هفتاد ودوساله بودم پس باید در ٦٤٩ زاده باشد ولی باید نسخه نادرست
باشد چو او بازمیگوید که در ١ ج ١ سال ٧٢٢ درست اززندگیم ٦٣ سال میگذشت پس او
٢٥ در ٦٥٩ زاده است و گفته جامی درست خواهد بود .

(ج٤ص١١ش١٩) درفهرست طوس (ج١ص٦١ ش٢٠٣) همین کتاب بنام «عروة الوثقی» شناسانده شد .

آغاز: بسمله و به ثقتی . ویحمده الواجب علی کل موجود لنعمة الوجود . . . فقد سنح لخاطری بغتة یوم الاحد بعد صلوة الصبح الثانی .

انجام: ان یوفینی غیرمفتون وان یجعل لی لسان صدق فی الغائبین والحاضرین ٥ والاولین والاخرین و بنعمته تتم الصالحات والحمدلله اولا و آخرا .

[٦٤٨]

١٠٨٠ این نسخه شماره ١٣ دفتری است دارای ١٢ رساله و بخط نسخ با عنوانهای شنگرف (در برخی جاها سفید) از کمال الدین محمد بن علاءالدین احمد بن جمال الدین محمد خفری درشهر کلکنده دکن درروز چهارشنبه ١٢ ج١ سال ١٠ ٩٧٣ گ ٢٤٣ب – ٣٤٤ب. درخود کتاب (گ ٣٤٣ب) العروة لاهل الخلوة والجلوة یاد شده ودرپشت نسخه (گ ٢٤٣الف) عبارت «فی ما یجب الاعتقاد به» بر آن افزودند .

(همه دفتر ٣٤٤گ) – کاغذ ترمه سپاهانی – جلد تیماج ضربی مشکی

اندازه : ١٦×٢٧ و ٨×١٦س١٩

[٥٢٣] **العشق (رسالة فی ...)** (عربی) ١٥

بیهقی (ص٩٥) میگوید که شیخ رئیس «کتاب فی العشق» را بنام شاگرد خویش ابوعبدالله معصومی(١) حکیم نگاشته است وچند واژه آغاز آنرا هم میآورد. معصومی را شیخ در برابر خویش مانند ارسطو میدانست در برابر افلاطون . در آغاز رساله نیز ازاو یاد شد و یکی از فیلسوفانی بود که شاه محمود ترك آنهارا بگناه پرداختن بدانشهای گذشتگان کشته است. متن تازی اینکتاب در لندن بسال ١٨٩٤ ودرمجموعه ٢٠

١ – گویند معصومی تادم مرك شیخ با او بود و پس ازاو در بحث ودرس جانشین او گشت ودر ٤٥٠ در گذشت. بنگرید به: ابن سینا از طریحی ص٤٠ و ١٠٠ – معجم – المطبوعات ج١ص١٢٩ – قنواتی ش ٢٣٠ – ش٣٩/٦٣٤ مجلس – ش٦٦٨ – ٦٧٠ طوس – نامه دانشوران درسر گذشت معصومی (ج٢ص٣–٥٧١) که ترجمه رساله عشق در آنجا آمده است. قطب لاهیجی این رساله را گزین نمود وصدرای شیرازی در اسفار مبحث ٢٥ عشق را آورد .

مهرن وجامع‌البدایع بچاپ رسید. ترجمه فارسی کهن آن‌هم درتهران چاپ شد و
پیداست که فارسی آن ازخود شیخ نیست (ص۱٦) آقای ضیاءالدین دری نیز آنرا
بتازگی بپارسی درآورد که درتهران بسال۱۳۱۸خ بچاپ رسیدشیخ دراینجابروش
فیلسوفان وعارفان روشن میسازد که ازعشق همه‌هستی‌ها را بهره‌ایست ودرآن از
٥ زیبائی‌وزشتی وزیباپرستی گفتگو نمود.

[٦٤٩]

۸٦۱ این نسخه شماره ۱۰ دفتراست وبخط نسخ گ٧٦ب ـ ۸۳الف.

[٦٥٠]

شماره ۱۷ ایندفتر همین رساله عشق بوده و عنوان آن درگ ۱٥۲ ب دیده
۸۷۱۱۰ میشود ودر ۱٥۳الف‌عبارتی که نویسندگان درپایان نسخه می‌نویسند هست‌ولی
خود رساله رابرداشتند.

[٦٥۱]

۱۰۷۹ این نسخه شماره ۲٤ دفتراست و بخط تعلیق ص۱۳۰ ـ ۱٤٥.

[٥۲٤] عشق (رساله...) (عربی)

۱٥ دراین نگارش بروش فیلسوفان ازعشق گفتگو شده وچند خبری هم آمده و
نگارنده آن میگوید که پیش ازمن چنین کتابی ننوشتند.

آغاز: بسمله وبه‌استعین. الحمدلله العظیم شانه‌العلی سلطانه ... فقد خطر ببالی
وسنح‌ببلبالی ان‌احقق معنی‌العشق وماهیته وکیفیته.

انجام: المطلوب الاعلی والغرض الاسنی عشق الحق الواجب الوجود و فائض
۲۰ الکرم والجود. رزقناالله من کنهه شیئاً. والافواشوقاه‌الیه ووا اسفاه علیه. فهذاما
خطرلی من تعلیق هـذه الاسطر. واسئل الله عمازل به‌القدم واخطی به‌القلم، بمنه
وسعة جوده.

[٦٥٢]

۱۰۳۵ این نسخه شماره ۲۳ دفتر است و بخط نسخ ص ۱۹۷-۱۹۸ .

[٥٢٥] **عیوب النفس** (عربی)

ابی عبدالرحمن محمدبن الحسین بن محمدبن موسی نیشابوری سلمی (۱) (۳۳۰ - ٤۱۲) عارف بزرگوار ایرانی و نویسنده طبقات الصوفیه و حقائق التفسیر از نخستین کسانی است که در باره سر گذشت عارفان نگارش دادند . او در باره ملامتیان رساله‌ای نوشت. این گروه که از بدبینان زردشتی و هند آموخته بودند روشی تازه در تصوف آورده و بزرگانی از آنها پیروی کرده‌اند .

از «عیوب النفس و مداواتها» نسخه‌ای در برلین بشماره ۳۱۳۱ و گنجینه تیموری کتابخانه مصر بشماره ۷٤ هست . وی در آن از بزرگان عرفان یـادمیکند و سخنان آنها را میاورد .

آغاز: بسمله ... کتاب عیوب النفس من تالیف ... ابی عبدالرحمن محمدبن الحسین السلمی - الحمدلله الذی عرف اهل صفوته عیوب انفسهم . واکرمهم بمطالعة غررها . وجعلهم اهل الیقظه والانتباه لموارد الاهوال علیهم ... وبعد فقد سالنی بعض المشایخ ... ان اجمع لهم فصولا فی عیوب النفس .

انجام: ویزیل عنها مواردالغفلة والشهوات لیجعلها فی کنفه و حیاطته وعصمته ورعایته فانه الغالب علی ذالك الواهب له. تم کتاب معایب النفس بحمدالله وحسن توفیقه.

[٦٥٣]

۱۰۳۳ این نسخه شماره ۱۲ دفتر است و بخط شکسته ریز بی نقطه نزدیك ۱۰۸٤ گ ٥٥ب - ٦٢ب .

[٥٢٦] **فوتیه** (عربی)

این نیایش عارفانه که در آن دستورهائی هم هست از خداوند و بساخت

---

۱ - پدران اورا از تیرهٔ «ازد» و مادرش را از خاندان «سلم» پنداشتند. گویا از همان نسب ولائی باشد که تازیان ببردگان ایرانی خویش میدادند- بنگرید به: الملامتیة والصوفیة واهل الفتوة ازدکتر ابوالعلاعفیفی چاپ مصر بسال ۱۹٤٥ که در آن داستان ملامتیان و سر گذشت سلمی وفهرست نوشته‌های او با رساله ملامتیه او هست .

گفتگوئی میان بنده وپروردگارش میباشد درنسخه ما ازدانشمند ابی‌حامد محمد غزالی دانسته شد. زبیدی دردیباچه گزارش خویش براحیاء در فهرست نگارشهای غزالی (ج۱ص۴۲ـ۴٤) از آن یاد ننمود(۱).

آغاز: بسمله ... الحمدلله الکاشف‌الغم ... فقد قال‌الغوث‌الاعظم‌الموحش عن غیر الله‌المستأنس بالله قال‌الله‌لی یاغوث‌الاعظم قلت‌لبیك یارب‌العرش کل طور بین‌الناسوت والملکوت فهی شریعة وکل طور بین‌الملکوت والجبروت فهی طریقة وکل طور بین‌الجبروت واللاهوت فهی‌حقیقة.

انجام: یاغوث لاصلوة لمن لامعراج له عندی. یاغوث والمحروم‌عن الصلواة هو المحروم عن‌المعراج.

[٦٥٤]

۸۷۱ این نسخه شماره ٥ دفتر است وبخط تعلیق محمد علی درمدرسه سپهسالار در ۱۳۰۱ گ ۷٤ب ـ ۸۰الف.

[٥۲۷] الفکوك فی‌مستندات حکم‌الفصوص (عربی)

دانشمند ابوالمعالی صدرالدین محمدبن اسحاق قونوی(٦۷۳) پرورده‌محیی‌ـ الدین اندلسی این دفتررا برای روشن ساختن فصوص استاددر۲۷ فك‌نگاشته‌است وآن درکنار شرح‌منازل‌السائرین بسال ۱۳۱٥ ص۱۸۳ـ۳۰۰ بچاپ رسید.

[٦٥٥]

۸٦۰ این نسخه شماره۲ دفتراست وبخط نسخ خوش با عنوانها ونشانه‌های شنگرف وشماره های «فك» درهامش وبا اصل برابر گردید. گ۱۷ب ـ ٥۹ب.

(همه دفتر ٦۹ گ) ـ کاغذ سپاهانی ـ جلد تیماج مشکی ضربی مقوائی گل و بوته‌دار زمینه سرخ

اندازه: ۱۲×۲۲ و٥ر۷×٥ر۱٦ س۲۷

[٥۲۸] کشف‌اللغات کلیات‌جوك (فارسی)

میر فندرسکی واژه های هندی جوك باشست را در این گفتار بپارسی گزارش

---

۱ ـ و. منتگمری‌وات W.Montgomery Watt درروزنامه انجمن همایونی اسیائی‌سال۱۹٥۲ بخش۱و۲ص۲٤ـ٤٥ دراینکه نگارشهائیکه‌ازغزالی پنداشتند کدام ازاو هست وکدام نیست گفتاری بانگلیسی دارد. اوهم از این یاد ننمود.

می دهد (۱).

آغاز: باب‌الالف اتمان هستی مطلق واصل آفرینش.

انجام: تیرته معبدتس وبار اسم یکذات ـ تم بالخیر.

[٦٥٦]

۲٤٦ این نسخه شماره ۱ دفتر و بخط تعلیق میباشد گ ۱ الف ـ ۹ ب. ٥

[٥٢٩] **الکلمات النوریه والایات السریه** (فارسی وعربی)

نورالدین محمدبن مرتضی بن محمد مؤمن بن مرتضی (زنده در ۱۱۱٥) نوه برادر فیض کاشانی در این نامه مانند کلمات مکنونه در ۷۰ کلمه و یك خاتمه از مسئله های عرفانی وفلسفی و کلامی گفتگو نمود و نظم و نثر پارسی در آن آورد.

۱۰ **آغاز**: بسمله و به نستعین. الحمدلله الذی ضاقت سرادقات عرشه عن قباب جلاله. وتاقت ارواح العارفین الی مشاهدة جماله.

انجام: در بلاهم میپچشم لذات او ـ مات اویم مات اویم مات او. تمت الکلمات التامات ذوات الایات البینات. الحمدلله اولا و آخرا و باطنا وظاهرا. کان الختم علی ید مؤلفه فی سنة الف ومائة وخمس من الهجرة.

[٦٥٧]

۱٥ این نسخه شماره ٥ دفتر است وبخط نسخ نگارنده نامه بسال ۱۱۰٥ گ

۲٥۲ ۳۱۲ ـ ۳٤٦ الف س ۲۷. نگارنده (نورالدین محمد) این دفتر را بر دانشمندان فرزندان خویش وقف نموده ومهر او نیز در پایان همین شماره دیده میشود.

[٥۳۰] **کلمة التصوف** (عربی)

این نامه از شیخ اشراقی ودر چند فصل و نیمی از آن در حکمت اشراقی و

۲۰ در نیمهٔ دیگر آن واژه‌های عرفانی گزارش داده شده است. سهروردی در آن از «حکمة

---

۱ ـ درفهرست کتابخانه سپهسالار (ج ۲ ش ۳٦٥ ص ۲٥٥) مینویسد که فندرسکی در گزیدهٔ خویش از جوك واژه‌های هندی را گزارش نمود سپس دیگری از روی سخنان نظام‌الدین پانی پتی ترجمان پارسی جوك وفندرسکی فرهنگی از آن واژه‌ها ساخته و بدان «لغات جوك» نام داده است.

الاشراق» خود وزنده کردن اوفرهنگ پارسیان که روش پلاتونی بر آن گواهست
واز دانشمندان پارسی (ص٥٢) و«حکیم العرب علی ع» (ص٤٣) واز طواسین حلاج
عارف ایرانی (ص٤٠ و٤١) وجنید یـاد نمود. ماسینیون درمتون (ص١١٢) سخن
ابوطالب مکی درباره استادخود ابی الحسن بن سالم و گفتار حلاج را از این نامـه
٥ آورده است که‌دراین نسخه دیده میشود. سهروردی دراین‌جا ار آئین حشیشیان و
ملحدان وطبایعیان وترسایان ویهودان ومجوسان مشرك نکوهش میکند ومیگوید
درپارس مردمی بودند که بحق‌راه مینمودند وخردمند ودانشور بوده‌اند. آنها جز
مشبهان‌مجوس بودند وماحکمت‌نوری آنهاراکه روش‌پلاتون وخردمندان‌پیش‌ازاو
بر آن گواه‌است‌درحکمة‌الاشراق‌زنده کردیم (ص٥١) قنواتی درش٢٣٦ آنراازشیخ
١٠ رئیس پنداشته و«کلمات‌الصوفیة» نام‌نهاد ومطلبهای آنرادرهشت فصل فهرست‌داد.
درفهرست طوس (ش٦١٩) از آن بنام«رسالة فی التصوف» و«کلمة‌التصوف» یادشده
ونوشته‌است که‌در٢٤ فصل‌میباشد. درفهرست‌مجلس (ش٥ / ٦١٠) از«کلمات‌ذوقیة
وفلتات‌شوقیة» یادشده که‌بایدجزاین‌باشد. در نسخهٔ‌مااین‌نامه‌ازشهاب‌الدین‌سهروردی
صوفی دانسته وشهید هم‌خوانده شد وآشکار است که ازسهروردی اشراقی‌میباشد
١٥ چنانکه درفهرست نگارشهای اواز«کتاب فی التصوف» و«کلمة‌التصوف» یادنمودند.
درجنگ ش٢٩١٢ سپهسالار ص٣٤ نسخه‌ای از آن هست واز آغاز کم دارد.

آغاز: بسمله. المحمودالله. ومحمدرسول‌الله. لك‌العبادة والتسبیح... و بعـد
ایهاالاخ... فان‌الصداقة التی تاکدت بیننا، الزمتنی اتحافك فی‌تحریر کلمات مومیة
الی‌الحقایق شارحاًالمقامات الصوفیة ومعانی مصطلحاتهم.

٢٠ **انجام:** وآخرما اوصیك به‌تقوی‌الله...سبحانك لاعلم‌لنا... انك انت‌العلیم‌الکریم

[٦٥٨]

این نسخه شماره١٤ دفتراست وبخط تعلیق‌ص٣٤-٥٨درهامش آن‌سخن‌زرتشت
١٠٧٩ در زوره باستان درباره سخوی اسپهبد ورمزهای زرتشت آمـده واز دسا یر
یادگردید (ص٤١و٥٠و٤٨) شماره ١٣ ایندفتر چنانکه درفهرست آن آمـده
٢٥ بایستی «رخش» سهروردی باشد ودرص٣٢، که اکنون دیده نمیشود وگویا از همان

نیایش ستارگان و آفتاب بوده است کـه درشمار نگارشهای سهروردی آورده اند صدرای شیرازی درحاشیه شرح حکمة‌الاشراق ص۳۵۷ میگوید که سهروردی‌را درهر یکی ازروزهای هفته‌ستایشی بودبرای ستارگان هفتگانه وستایش آفتاب اورامیآورد ودرآن‌از«رخش» یادگردید. خودسهروردی درمتن درهمینجا از رخش و شهریر نام برده است .

٥

[٥٣١] گزارش‌نامه دهگان خداپرست (فارسی)

نامه‌ای دهگان خداپرست بانوشیروان‌نوشته واوآنرابه «اژرژروه»سپاهانی داد تا از آن بکاهد و گزین و گزارش‌کند .

آغاز: دهقان خداپرست نزدخسرر قبادان‌ساسان نامه نوشته بود ویك‌چیز دوبار وسه بار واگفته .

١٠

انجام: و پادشاهی از مردم شما برود پس از هزار واند سال بـاز پادشاهی بفرزندان کیومرث رسد. والله اعلم بحقایق‌الاموز .

[٦٥٩]

۲۵۳ این نسخه شما ۲۱ دفتراست وبخط تعلیق حیدر کرکی نزدیک ۱۰۷٦ گ ۱٤۱ب ـ ۱٤۳الف .

١٥

[٥٣٢-٥٣٣] گفتار درباره لام الف (فارسی)

دوگفتار عرفانی وبروش علم حروف واعداد درباره «لام‌الف» پرداخته شده و سخن امام صادق (ع) دراینکه آن ازحرفهای ساده‌است نه‌مرکب‌درآنها روشن گردید :

٢٠

۱ ـ ازسالک‌الدین محمد یزدی حموی پزشك .

آغاز: هو . من تحقیقات حضرت سالك محمدا . نقل من بیـاضه . مشهور چنان است که جمعی ازمحققان ازحضرت امام بحق‌ناطق امام‌جعفرصادق ... سئوال نمودندکه لام الف آیا ازحروف مفرده است . . . فقیر سالك‌الدین محمد ازبندگان حضرت وحیدالزمان شیخ بهاءالدین محمد سلمه‌الله همین‌سئوال کرد .

٢٥ انجام: واین نیز سری استساری درتنزیه وحدت او. فهمه‌من‌فهم . لمحرره

سالك‌الدین محمد یزدی .

۲ ــ ازمحمد قاسم‌بن تاج‌الدین حسینی خبیصی ودردیباچه دارد که سالك‌محمد درپایان جمادی یکم سال۱۰۳۲ بکرمان آمد ومن ازاو بهره‌ها بردم وازنوشته های او بیاضی بمن دادند که نکته‌ها داشت و گفتار درباره‌لام الف راکه اونوشته بودمن
۵ برای‌خود نوشتم وخودم هم‌چیزی دراین باره اندیشیدم وبنگارش درآوردم .

آغاز: هو. دراواخرشهرجمادی الاخرسنهٔ۱۰۳۲ که حضرت سالك عرفان‌وایقان محمدا دارالامان کرمان‌را بنور حضور مشرف داشتند وچون کمینه محبان محمد قاسم‌بن تاج‌الدین‌الحسینی خبیصی رارتبه محرمیت ... آنچه درخصوصیت‌ومناسبت ترکیب لام‌الف بایکدیگر درسلك حروف مفرده بخاطر این ضعیف رسیده اولا از
۱۰ دلائل قرآنی .

انجام: پیام اهل‌دل است‌این سخن که سعدی گفت: «هرکه گوش کند معنی‌سخن داند . هوالاول ... وهو بکل شیئی محیط . حرف آب حیات است وسیاهی‌ظلماتش. نقلت من‌خط عالیحضرةالمرحوم من بیاضه فی‌لیلهالعاشر من شهرجمادی۱۰۹۹ العبد شهاب‌الدین الحسینی .

۱۵ همین میرسید محمد قاسم درهامش گفتار نخستین در نسخه ما بتازی می‌نویسد که نگارنده «مفاحص» گفته که چنین پرسشی ازپیامبر کرده‌اند و او پاسخ داد .

[٦٦٠-٦٦١]

۱۰۳۵ این دونسخه شماره های ۳۵ و ۳٦ دفتراست و بخط تعلیق مورب شهاب‌الدین حسینی در ۱۰۹۹ ص۲۹۹ــ۳۰۰ .

۲۰ [٥٣٤] **گفتار هروی** (فارسی)

خواجه عبدالله انصاری‌هروی حنبلی صوفی (کهندژطوس۳۹٦ــ٤۷۱) گازرگاه هرات) سخنانی بنثرمسجع پارسی دارد که درآنها باخدای خویش گفتگو میکند و اورا میستاید وببندگان اوپند واندرز میدهد. پاره‌ای ازآنها بچاپ رسید یکی بنام «مناجات نامه» که کتابفروشی بوذرجمهری درتهران بسال۱۳٦٦ آنرا چاپ کرد و
۲۵ همین‌را باافزوده‌ای درپایان بنام «مناجات‌ومقالات» باپند لقمان ورباعی‌های‌ابوسعید

ابی‌الخیر و باباطاهر همدانی و اندرز های بزرگمهر کتابفروشی علمی اسلامی بسال ۱۳۷۰/۱۳۳۰ در تهران چاپ نمود. این یکی درسه مقاله است نخستین دومکالمه دوم ۱۲ موعظه میباشد وعلی‌بن طیفور بسطامی آنرا ازسخنان دلپسند هروی گزین نمود و بدان نام «انوارالتحقیق» داده است. باز درجنگی دارای اوصاف‌الاشراف طوسی و خلدبرین وحشی بافقی ورباعیهای باباطاهر لر وابوسعید چاپ بمبئی در ۶-۱۲۸٤ وچاپ تهران از علی اصغر کتابفروش بسال ۱۳۰۷ سخنان هروی دیده میشود. نیز بدستور معین‌الملك امیرتومان سفیر ایران در کشور عثمانی بسال ۱٤۰۱ «نصایح ومناجات» او بابرخی ازرباعیهای ابوسعید بچاپ رسید. نسخهٔ ماهیچیك ازاینها نیست. رساله‌ای ازهروی درجنگی درچاپخانه نولکشور لکهنوء هندبسال ۱۹۲۵ چاپ گشت. هشت رسالهٔ پارسی او (دل وجان- کنزالسالکین - واردات - قلندرنامه - هفت‌حصار - محبت‌نامه - مقولات - الهی‌نامه» درچاپخانه ارمغان تهران بسال ۱۳۱۹ خ بچاپ رسید ونسخه ما هیچیك ازاینها نیست. دردیباچه این چاپ درسرگذشت خواجه‌از رساله‌های آفرینش آدم وبرگزیدن او و ذم‌الکلام بتازی وزادالعارفین (ایندو در موزه بریتانیا است) وانوارالتحقیق ومناجات اویاد گردید. سیوطی درصون‌المنطق (ص۱۹ و ۳۱ و ۳۲) پاره‌هائی ازذم‌الکلام اورا آورد ودرص۳۳-۸۲ از آن گزین نموده است. روش حنبلی وظاهری او از آن پیداست. نسخه ماچنین است:

آغاز: بسمله. الحمدلله رب العالمین ... چنین گوید مصنف هذه التحفة، بعبارة الطرفة: المحتاج الی الباری، عبدالله الانصاری: بدانك پیری کردن معلمی است. از غیب خبر دادن منجمی است.

انجام: خداوندی و کارخداوندان کنی. سبحانه وحده، لاشریك له، که یار راکه گوید چنین کنی یاچنان کنی ... پس ختم رساله‌را من بدعا - زیرا که دعا بمدعا خوش باشد.

[٦٦٢]

۸٦۷ این نسخه شماره ٤ دفتراست وبخط تعلیق گ ۹۳ب - ۱۱٦ الف.

[٥٣٥] **گلشن (مناظرات خمسه)** (فارسی)

دراین نامه‌فلسفی وعرفانی که بساخت‌مناظره وجدل‌وبشیوه مقامات وبسیارشیوا نوشته‌شده میان عقل وعشق ونیروهای روان ومیان عاشق و معشوق وپایگاههای روانی عاشق گفتگو میشود. نگارنده آن درفصل فرستادن عقل قوه نظری‌رابسوی ٥ شاه عشق (٢٩ ب) درباره سنجش میان دوجهان از «تمهید» خویش یاد میکند . از پایان نسخه ما پیداست که نام این کتاب گلشن است ودرکشف الظنون « مناظرات خمسه» نامیده شده (ج٢ص٥٢٦).

آغاز: بسمله‌وبه . الحمدلله‌الذی رتب‌نظام بریةالعالم بخلافة آدم و کلها بحضرة الخاتم محمد ... دوش هنگام آنکه مبشر فالق‌الاصباح .

١٠ **انجام** : ومناظرات سیارات‌امکانی ازمناطق ظهوربمکامن اختفا (خرامدباینجا اختتام رسید . تمت‌الکتاب‌الگلشن بعون‌الملك ذوالمن . اللهم اغفر لنا بحق‌الحسین والحسن) (میان دو کمانه درنسخه مابخط ومرکب دیگری است).

[٦٦٣]

٨٣٥ ١٥ این نسخه بخط نسخ باعنوانهای شنگرف میباشد . دربرگ ١الف چند سطری بخط وامضای مجلسی درباره سماع دیده میشود .
(٨١ گ)کاغذ سمرقندی—جلد تیماج ساده
اندازه : ١٠×١٧و٥×١٠س١۴

[٥٣٦] **لب‌المعرفه** (عربی)

حسن گنجوی دراین گفتار ازذکر وفکر قلبی سخن میراند .

٢٠ **آغاز**: بسمله الحمدلله رب‌العالمین . . . هذه کلمات من بعض الواردات علی فی احقاق الحق .

انجام: فلادلالة فی‌شیئی منها علی مطالب‌الخصم فتبصر ولاتغفل .

[٦٦٤]

٨٦٤ ٢٥ این نسخه شماره١ دفتر وبخط نسخ میباشد گ١ الف ـ ١٩ب. دومین‌شماره آن تفسیر دوسوره ضحی وشرح ازمحمدبن محمود دهداراست وبخط نسخ‌تاریخ

١٢٣٣ ازمحمد باقر بن کربلائی اسدالله خوئی درخوی گ٢٣ب ـ ٤٨الف (ص٩ج١ اینفهرست) وسومین شرح دعای اللهم نورظاهری بطاعتك از محمد جعفر بن صفرخان همدانی گ٤٩ب٧٤ب .

[٥٣٧] لمعات (فارسی)

شیخ فخرالدین ابراهیم فرزند شهریار همدانی عراقی (کمجان همدان٦٠٩ دمشق ٨ذی‌قعده ٦٨٨) در٦٢٨ازهمدان بادرویشان بسپاهان‌رفته واز آنجابمولتان شد و٢٥سال نزدبهاءالدین‌زکریاء مولتانی (٥٧٨ ـ ٦٦٦)شاگردی کرد وبدودختر داماد او گشت پس ازمرگ او بعمان ومکه ومدینه رفت از آن پس نزد سهرودی (م٦٣٢) رسیده ودر٦٠سالگی(٦٦٩)ازراه دمشق‌بروم شده‌شاگرد قونوی(م٦٧٢) وهمنشین امیرمعین‌الدین پروانه روم‌دوست مولوی بلخی گشت . اواز درس فصوص قونوی بهره برده درهمان هنگام (از٦٦٩ تا ٦٧٢) لمعات نوشت که استاد آنـرا پسندید. پس از کشته‌شدن پروانه‌بدست اباقاخان بسال٦٧٥ بمصرسپس در٦٨٨بشام رفته وششماه در آنجا بماندودر گذشت‌ودرصالحیه دمشق پشت سر آرامگاه‌محیی الدین بخاك‌سپرده شد .

عراقی شیفته چهرهٔ زیبا بودشاید بهمین انگیزه‌بودکه عشاق‌نامه را در١٠٦٠ بیت ودر ده فصل سروده واز روی سوانح(١) احمدغزالی (م٥١٧) لمعات خویش

١ ـ السوانح فی‌العشق راریتر دراستانبول١٩٤٢ چاپ کرد ودر تهران نیز در ١٣٢٢خ ازروی نسخه تاریخ ٦٥٩ بچاپ‌رسید. غزالی آنرا برای دوستش صائن‌الدین هنگامیکه سخت شیفته عین‌القضات همدانی بـود بپرداخت و برخی از آن در تبریز و پاره‌ای‌را درمراغه بسال٥٠٨ برای‌خود غزالی نوشته‌اند (دیباچه چاپ تهران ـ نسخهٔ تاریخ ٨٨٢ طوس بشماره٦٦٠ در٦٧ فصل. ایندو نسخه یکسان نیستند) درچاپ ریتر دیباچه‌ایست‌بپارسی که‌درچاپ‌تهران بجای‌آن دوسطر بتازی‌آمده‌است و نام صائن‌الدین هم درچاپ ریتر برده نشده‌است دوبیت پایان چاپ تهران نیز درآن نیست . سوانح‌را عین‌القضات شهید (٤٩٢ ـ ٥٢٥) بساخت لوایح پارسی درآورد (متون ماسینیون ص ٩٥ ـ ٩٨ ـ ١٠٢) .

پیش ازغزالی اخوان صفا دردفتر٦ بخش نفسانیات رسائل والرسالةالجامعه از عشق سخن رانده‌اند .

دنباله حاشیه درصفحه بعد

را بپرداخت . این رساله در نسخه‌های کهن مانند فصوص اندلسی در ۲۷ بخش است
ولی در نسخه‌های تازه ودو گزارش کرمانی وجامی ۲۸ بخش (لمعه) میباشد . صائن
الدین علی ترکه سپاهـانی م ۸۳۰ گزارشی بر لمعات بنـام ضوء اللمعات نوشت و
آغازش چنین است: «سپاس وستایش پروردگاری را که پرتوی از لمعات» (16/839III
۵ ج۲ ص۸۳۳ فهرست موزه بریتانیا) . درهمین زمان شاه‌نعمه‌الله کرمانی (م نزدیک
۸۳٤) گزارشی بر آن نوشت (ش۲/۸۷۵ اینکتابخانه) .

لمعات عراقی را جامی بدستور امیرعلی شیرنوائی مقابله وتصحیح کرده و شیفتهٔ
آن شده وبا بازگشت بسخنان محیی‌الدین وقونوی ودیگران در ۸۸٦ برای همو
بنام اشعة اللمعات گزارش نموده درسر آغاز اورا «اجل اخوان الصفا واعز خلان الوفا»
۱۰ خوانده است و آن در ۲۸ لمعه ویك دیباچه است. اشعه جامی بارساله‌های نسفی و
امیرحسینی و کاشانی و دیگـران در ایران بسال ۱۳۰۳ بچاپ رسید. درهامش آن
حاشیه‌ایست بر آن بنام لمحات . گزارش جامی را بنـام لوایح ایچ وینفیلد در
۱۹۰٦ ترجمه وچاپ نمود . درمجلس نسخه‌ایست ازشرح لمعات بنـام لمحات که
گزارنده آن شناخته نشد (ش ٦٦۷) .

---

۱۵ مانده حاشیه صفحه پیش

آنگاه شیخ رئیس رساله‌ای درعشق بتازی وپارسی نگاشته است. سهروردی شهید
دفتری درعشق دارد که Otto Spies آنرا بنام «مونس العشاق» باشرح رساله عشق
دراشتوتگارت بسال ۱۹۳٤ چاپ نمود بازدر پیام‌نو (ش۷و۸ سال ۲ خرداد ۱۳۲۵) بنام
«رسالة فی العشق» ازروی نسخه تاریخ ٦۵۹ بچاپ رسید . نجم‌الدین دایه فرزند . . .
۲۰ شاه‌آور رازی م ٦۵٤ رساله عشقی بپارسی دارد (٥۹۸/٤ مجلس). رساله عشق دیگری
نیز بپارسی درمجلس (٥۹۷/٤) هست. دراین زمینه شرف‌الـدین حسن بن محمد رامی
تبریزی (سده هشتم) انیس العشاق وفیض کاشانی مشواق نوشتند وهردو بپارسی است
ودرتهران بسال ۱۳۲۵خ بچاپ رسید. درهند رساله‌هائی درعشق بنام تجلیات ومشاهدات
وبوارق وواردات نوشته شده است .
۲۵ بنگرید به : نفحات جامی ص ٥-٥٤۲ واشعة اللمعات ص۳ - گفتار نوائی در یادگار
ش٦و۷ سال ۵ تاریخ اسفند ۱۳۲٦ وفروردین ۱۳۲۷خ ص۳۵-٤٤ و٥٦-٦۸- جامی ازحکمت
تهران ۱۳۲۰خ ص ۱۷۰-۱۷۱-۱۸۱- فهرست مجلس ج۲ ص ٤۱۱ ش ٦٤٤/۷

عراقی در لمعات از اینکسان یاد میکند: **جنید** - ابوطالب مکی - ابویزید - حسین بن منصور - خواجه عبدالله انصاری - ابن فارض - یحیی بن معاذ - ابوالحسن خرقانی - ابوبکر وراق - ابوالحسن نوری - شبلی - شیخ علی حریری - سهل بن عبدالله شوشتری .

آغاز: هوالودود . رب وفقنا للتتميم والتكميل . بسمله . الحمدلله الذی نور وجه حبيبه بتجليات الجمال فتلالا نورا ... کلمهٔ چند درمراتب عشق برسنن «سوانح» بزبان وقت املا کرده میشود تا آئینهٔ معشوق نمای هرعاشق گردد .

انجام: واگرصور ومعانی کلمات را بعضی فهوم مکرر نماید معذورم ... گر ز آنکه من وتو از میان برخیزیم . مقصود ومراد مابکام من وتواست .

(جامی درسر گذشت احمد غزالی ص۳۳۶ اندکی از دیباچه لمعات را که در آن یادی از سوانح شده است آورد) .

[۶۶۵]

۱۲۰ این نسخه شماره۲ دفتراست وبخط تعلیق خوش محمدعلی تفرشی دررمضان ۱۲۸۷ درمدرسه فصیحیه سبزوار عنوانها وبرخی عبارتهای تازی و نشانه ها بشنگرف است گ۸۲ب - ۱۰۸الف. جای عنوانها درنسخه سفید است و دردو گزارش جامی و کرمانی لمعه دارد .

[۵۳۸] **لوامع** (فارسی)

دانشمند عبدالرحمن جامی قصیدهٔ میمیهٔ خمریهٔ ابن فارض شرف الدین ابوحفص عمربن علی سعدی مصری (۵۷۶-۶۳۲) را بپارسی گزارش نموده نخست ازرهگذردستور زبان ونحودرباره هربیتی گفتگو کرده سپس آنرا بنظم ونثرپارسی درآورد آنگاه بعنوان «لامعه» ازمسئله عرفانی که درهربیت گنجانده شده بررسی نمود است .

جامی آنرا در۸۷۵ بپایان رساند. اینگفتار دیباچهٔ بسیارشیوا درچند «لامعه» دارد که درآن ازدوستی وعشق بحث شده است .

آغاز: بسمله وبه نستعين . سبحان من جميل ليس لوجهه نقاب الا النور ...

رباعی : « ای گشته نهان ازغایت پیدائی...» الهی بحرمت آنانکه بگام همت بی بسرا پرده وحدت توبرده‌اند... (شربنا علی ذکرالحبیب مدامة ـ سکرنا بهامن قبل یخلق الکرم) الشرب بالحرکات الثلث : آشامیدن آب ... میگوید که نوش کردیم وبا یکدیگر بدوستکامی خوردیم .

انجام : بغایت رسید وبنهایت انجامید روش قلم تیزگام و جنبش خامهٔ بی‌آرام در قطع مراحل ترتیب این لوامع و طی منازل تألیف این بدایع فی‌تاریخ یفهم من هذه‌الرباعیة علی سبیل‌الایماء والتعمیة : بی دعوی فضل جامی ولاف هنر ـ درسلك بیان کشید این نظم گهر .

وان لحظه که شدتمام آورد بدر ـ تاریخ مه وسال وی ازشهر صفر (٨٧٥) .

[٦٦٦]

٣٣٩ این نسخه شماره٣٧ دفتراست وبخط شکسته تعلیق برخی جاها مورب ومتن بنسخ تاریخ میانه ج١ ١٠٨٦ درطوس(مشهد رضوی) گ١١٨ب ـ ١٢٣ب ـ نسخه‌ای ازاین درمجلس ٦١٠/١ هست این نسخه مادیباچه‌را ندارد وشرح نحوی ولامعه‌های پس از آن را هم ندارد وچنین است آغاز آن : (شربنا علی ذکرالحبیب ... الکرم) میگوید نوش که کردیم ... گویا کسی آنرا گزین نموده و کوتاه ساخت. درپایان با انداختن آخرین لامعه همان بند آخر «خاتمه‌فی‌المناجات»را داردومانند نسخه٧٦٧/١٤ میباشد . اندکی ازشرح نحوی گاهی درهامش نسخه آمده است .

[٦٦٧]

٧٦٧ این نسخه شماره١٤ دفتراست وبخط تعلیق باعنوانها ونشانه های شنگرف گ ٢٠٥ب ـ ٢٤٥ب دراین نسخه دیباچه هست وشرح نحوی ولامعه‌ها دارد .

[٥٣٩]

لوایح

(فارسی)

نگارش عرفانی ازعبدالرحمن جامی ودرآن میخواهد برساند که پرتو خدائی همه هستی‌ها رافرا میگیرد ودر٣٥ لائحه است دردنبال آن هفت رباعی‌است ازخوداو.

آغاز: بسمله . رب وفقنــا للتکمیل والتتمیم . لااحصی ثنــاءعلیك . کیف وکل ثناء یعودالیك ... خداوندا سپاس توبر زبان نمی‌آریم وستایش تو برتو نمیشماریم.

انجام: لب بگشائی بنطق خاکت بدهن. تمت الرسالة بعون الله وحسن توفیقه.

[٦٦٨]

این نسخه شماره ١٠ دفتراست و بخط تعلیق گ١٣٢ب ـ ١٥٠ الف. شماره ٨
٨٦٧ این دفتر آداب استخاره ذات الرقاع و٩شکیات نماز میباشد . سه نسخه ازاین
لوایح درمجلس ش٦٦٨تا٦٧٠ ودو نسخه درطوس ش٩٦٦و٩٦٧هست. این ٥
رساله درچاپخانه مهرتهران بسال ١٣١٢خ ازروی نسخه ش٦٦٨ مجلس ودر چاپخانه
نولکشور لکهنوء هندبسال $\frac{١٣٥٥}{١٩٣٦}$ با منهاج العارفین چاپ گردید . نیز درجنگی دارای
شرح قصیده میرفندرسکی ازمحمد صالح خلخالی وهمین لوایح و شرح دعای علی(ع)
از مجذوبعلیشاه محمد جعفر بن صفرخان همدانی کبوتر آهنگی در تهران بسال ١٣١٢
چاپ شد . ١٠

[٥٤٠] **المبدء والمعاد** (عربی)

نورالدین محمدبن مرتضی دراین کتاب که درمنتخب التصانیف آنرا «الحقائق القدسیه والرقائق الانسیه» هم نامیده است بروش عرفان شیعی ودر دوفن هریك در چندکلمه ازمباحثی فلسفی و کلامی گفتگو نمود. درآغاز میگوید که من آنرا از روی نوشته‌های عم عارف واستادم محمدبن مرتضی المدعو بمحسن فیض وصدرالمحققین ١٥ محمدبن ابراهیم شیرازی وعارفان دیگر نگاشته‌ام. آنگاه درباره این کتاب بیتهائی از تائیه ابن فارض وقصیده عامریه میآورد ودرست بروش نگارش شیرازی وفیض و عبارت پردازی میرداماد میرود وهمان عنوانها که شیرازی وداماد دارند در آن دیده میشود وروش فلسفی وعرفانی اودر اینجا تاکتاب تفکر بیشتر است .

٢٠ **آغاز**: بسمله وبه نستعین . الحمدلله الذی قصرت الالسن عن بلوغ ثنائه کمایلیق بجلاله وعجزت الاحلام عن ادراك کنه جماله .

انجام: هذا آخرما اردنا ایراده فی هذا الکتاب المستطاب. متعنا الله للسراح فی میادین معانیه فی کل باب. و وفقنا الفهم حقایقه ورزقنا نیل رقائقه بمنه ولطفه. والحمدلله اولا وآخرا وظاهراً وباطنا. وکان الختم علی یدمؤلفه فی شهرربیع المولودسنة خمس و مائة والف من الهجرة المصطفویة علی صادعها الف الف صلوة و تحیة. ٢٥

[٦٦٩]

۲٥۲ این نسخه شماره ٤دفتراست وبخط نسخ نگارنده درع۱سال۱۱۰٥ گ۱۸٦ب۔ ۳۱۱الف س۲۷ ـ درگ ۱ب بخط دیگری نوشته شده : « کتاب مبدء ومعاد ملقب بحقاقق قدس ورقائق انس»وبخط ومهر نگارنده دارد که اینرا چنانکه
٥ درپشت کتاب تفکرهم نوشته‌ام برفرزندان دانشمندم وقف نمودم .

[٥٤۱] مجموعه لطائف (فارسی)

این دفتر عرفانی ازشاه‌نعمة‌اللّٰه کرمانی عارف است .

آغاز: بسمله انا فتحنا لك‌فتحاً مبينا . بيت : «افتتاح سخن بنام ويست . . . » يا اخي . . . معلوم فرماكه فتوح برانواع ثلثه هست .

۱۰ وبدينجا بپايان ميرسد : وبمشاهد شاهدواقع شودنعيم مشاهد . شعر :« مشاهدة الحق من‌علمنا يحصل شاهدهافی‌القلب» و کم دارد .

[٦٧۰]

۱۰۸۹ این نسخه شماره٤ دفتر وبخط تعلیق میباشد گ۱۳٥الف ـ ۱۳٦الف .

[٥٤۲] محبت (تحقیق در) (فارسی)

۱٥ نگارشی است ازجامی درباره محبت ودوستی عرفانی .

آغاز: ادنی مراتب محبت، محبت آثاریست ومتعلق آن‌جمال آثاراست .

انجام: آمد برقی زکوی میخانه پدید   دربرتو آن‌حریم میخانه بدید .

[٦۷۱]

۸۹۰ این نسخه شماره۱۷ دفتراست وبخط تعلیق گ۱۹۷الف ـ ۱۹۹الف ـ

۲٥ [٥٤۳] محمودیه (فارسی)

علی‌بن غلامعلی قزوینی‌این دفتررا برای میرزا محمودامین دررازهای حج‌بروش عرفانی نگاشته است .

آغاز: حمد بی‌حد مرحضرت کردگاررا است که معمار عنایتش‌برقیمه «قلب ـ المؤمن بيت‌اللّٰه» قلوب فقرا ودرويشانرا خانه ساخت .

انجام : چون کنم دلها بسی سنك است سنك ـ چون نمایم سینه‌ها تنك است تنك . فبالله العون والحمدلله ... مظهر الکاف والنون و مظهر عین العیون .

[٦٧٢]

٣٢٩ این نسخه بخط تعلیق باعنوانهای لاجوردی میباشد .
(۱۳۰گ) . کاغذ فرنگی نخ‌دار جلد مقوا
اندازه : ۱۵×۲۳ و ۷×۱۳س ۱۲

[٥٤٤] مرآت المحققین (فارسی)

گفتاری است عرفانی بروش شیعی آمیخته با آیات وسخنان بزرگان بتازی با بیتهای پارسی نام آن در پایان گ ٥٧ الف دیده میشود. اصول وفروع سیر وسلوك در چهارباب ویك خاتمه آن آمده است : (١ـ شریعت وطریقت ٢ـ معرفت وحقیقت ٣ـ توحید وفناء فی الشیخ ٤ـ فناء فی الله و بقاء بالله ـ خاتمه درمقام قلندری) . نسخه‌ای ازآن درطوس بتاریخ ١٢٦١ (ش ٩٩١) هست ونگارنده در آن خودرا محیی الدین نامیده است . درآغاز دارد: «رساله تألیف کن ومرآت المحققین نام آن تصنیف کن» ودر انجام دارد : «این جام جهان نما راکـه بمرآت المحققین مسمااست» (فهرست موزه بریتانیا) نسخه‌ای ازاین دربرلین بتاریخ ١٢٤٨ هست .

آغاز: العظمة لله العلی العظیم الذی رفـع السموات بغیرعمد ووضع المشکوة فیها من النجوم بغیرعدد ـ چنین گوید فقیر مسکین المتوصل بحبل المتین و بطریقة المعصومین حمیدالدین (418III ج ٤ص ٢٦٦ فهرست موزه بریتانیا بتاریخ ٨ ع ١ سال ١٢٧٤) نسخهٔ ما اندکی ازدیباچه را ندارد و چنین است .

آغاز: حضرت صاحب مهدی غائب است . گفتم بخدمت آنحضرت میتوان رسید گفتند آرزوئی است بس بعید.

انجام: از گلزار فیض انوارش چینند . آمین آمین یااله العالمین . ارسل کل طالب الی المطلوب .

[٦٧٣]

٨٦٧ این نسخه شماره ۱ دفتر و بخط تعلیق با نشانه‌ها و عنوانهای شنگرف است گ ۳۲الف ـ ۵۷ب از ۱ تا ۳۱ در نسخه نیست ورساله ناقص است.

شیخ محمود شبستری نیز «مرآت المحققین» دارد و بپارسی بسیار شیوا کـه در

۵ مجموعه عوارف‌المعارف درشیراز بسال ۱۳۱۷ بچـاپ رسید وپنج نسخه در طوس (ش۲٦۹ و ۲۷۰ و۹۸۸تا ۹۹۰) که یکسان نیستند ویك نسخه درمجلس (ش۱٤۳) از آن هست .

[٥٤٥] مراتب ادراك (عربی)

این گفتار ازمحیی‌الدین مغربی‌است‌درمراتب ادراك بشری که چهار گونه‌پنداشت

۱۰ ۱ ـ مانـنـد صورت در آئینه ۲ ـ احاطه ذات بمدرکات ۳ ـ مشاهده اشیاء درذات خداوند ٤ ـ ننگریستن بذات وفنای آن وبقای مدرك حقیقی که خدا باشد.

آغاز: قال الشیخ العلامة محیی‌الدین المغربی. فصل المعلول صورة العلة وظاهرها والعلة حقیقة المعلول وباطنها.

انجام : فتغفل فی هذا المقام عن کونك مدر کا للاشیاء فیظهر لك ان المدرك بالحقیقة

۱۵ هوالله تعالی وتقدس . والله یقول الحق وهو یهدی السبیل .

[٦٧٤]

۱۰٤٦ این نسخه ۲۱ دفتر است وبخط تعلیق رجبعلی نزدیك ۱۰٦۱ گ ۹۵ ب ـ ۹٦ الف .

[٥٤٦] مشاهدیه (فارسی)

۲۰ نگارنده این نامهٔ بنظم ونثر، هندی وبیگانهٔ ازپارسی و تازی بوده بشهرهـای ایران وعراق آمده چندی درنجف بماند وریاضت کشید ودرخلسه الهامها بدو شده ونامش عبدالله گشت وبکیش شیعی گرائید. آنگاه ازنجف بخراسان رفت وبدستور امیرمؤمنان، پیشوای هشتم رازیارت نمود. درمیان راه درشهرك (کارزان ، بلدة ـ الخضراء، شهرسبز سلمان فارسی) (گ۱۰الف) میرعلی نقی اوحدی پسرمیرحیدر

حسینی‌را بدید وازآنچه ازوی فراگرفت این‌نامـه را بسال ۱۲٦۱ بپارسی سستی فراهم‌آورد. نام اوعبدالله تابع‌الحسینی اوحدی‌فرزند میرزا مهدی‌نجفی و به«هندی کتاب خان صاحب‌الدیوان» نامبردار است. رساله‌ایست عرفانی آمیختهٔ باعلم‌حروف و اشکال.

آغاز: استعانت جویم ازرب کریم. بسم‌الله الرحمن‌الرحیم. نامهٔ موسوم‌را زان شدبدر. که بدید آمد زیر وزبر.

انجام: وعلی‌منابعهم‌الی‌یوم‌الدین. یارب‌العالمین‌بلاتمه‌ا کتاب(؟)بعون‌الملك الوهاب ... برحمتك یاارحم‌الراحمین.

[٦٧٥]

۳٥۸ این نسخه‌شماره۱دفتراست وبخط نسخ‌وتعلیق بانشانه‌ها وشکلهاوعنوانهای شنگرف گ۱ب ـ ۱۰٦الف.

[٥٤۷] **مشکوةالانوار** (عربی)

این‌نامه ازغزالی‌طوسی‌است که‌بروش عرفان‌باطنی‌وتأویل‌فلسفی بدرخواست کسیکه ازاو درباره راز نهانی پرتوخدائی وتاویل آیتها وخبرهای نور پرسیده‌بود نگاشته‌و گفتاا‌ودرباره روشنی و نور خوانندەرا بیاد حکمت‌اشراقی میاندازد. این نامه سه‌بخش‌است: ۱ـ اینکه نورحق همان‌خداست وبس. ۲ ـ روانهای نورانی گوناگون و دراینجا آیه نورتأویل میشود. ۳ـ هفتاد هزار پرده روشنی وتاریکی درمیان‌آفریدگان وخداوند. درآن ازعجائب‌القلب احیاءالعلوم(٥الف) والقسطاس المستقیم (۲۰ب) ومحك‌النظر ومعیارالعلم (٥ب) والمقصدالاقصی فی‌معانی‌الاسماء الحسنی(۹ب)یادمیشود. غزالی آنرا دردوره ذوقی زندگی‌خویش‌میان ٤۹٥و٥۰٥ نوشته است(۱) ابن‌رشد درتهافت (چاپ بوئیژ ص۱۱۷ و۲٤٥) مینویسد که غزالی گویا درعلوم الهی بسخنان فیلسوفان مینگریست وبهترین گواه آن مشکاةالانوار اواست. دروغتر ازاینکه«یکی جزیکی نیافریند»چنانکه فارابی وابن‌سینا وغزالی

---

۱ ـ بنگرید به:متون ماسینیون ص۹۳ـ گفتاروات درروزنامه‌آسیائی لندن‌سال ۵۲ش۱و۲ ص٤٤.

گفته‌اند نیست‌زیرا غزالی درمشکاة درباره‌مبدء نخستین‌بسخنان فیلسوفان گرائیده است ـ ابن سبعین دربدالعارف میگوید کـه غزالی گاهی صوفی و گاهی فیلسوف و بازه‌ای اشعری وهنگامی‌فقیه و گاهی سرگشته است‌ودرفلسفه بسیارسست‌میباشد. او بعرفان پرداخت و دربـاره عقل ونفس بگواهی «معارج عقلیه وعجائب‌القلب و ٥ مشکاةالانوار و کیمیاء سعادت» ازفوثاغورسیان واخوان صفاآموخته است.

(متون ماسینیون ص ١٣٠).

و. منتگمری وات W.M.Watt درروزنامه انجمن‌همایونی آسیائی 5 ff ،1949 گفتاری دارد دراینکه «بخش حجاب» این نامه ازغزالی نیست (همین روزنامه‌سال ١٩٥٢ شماره ١و٢ص٣٠و٤٢) زبیدی درشرح احیاء(ج١ص٤٢)میگوید که‌مشکاة ١٠ الانوار فی‌لطائف‌الاخیار در٤٨ باب است. وآن نزدمن هست ودرآن شك‌نمیکند.

دانشمندان خراسان ازاین‌نامه خرده‌گرفتند و غزالی بدانها پاسخ داد(١).

[٦٧٦]

٣٤٠ این نسخه شماره١ دفتراست وبخط تعلیق ریزخوش باعنوانهای شنگرف‌تاریخ ١٢٦٠ گ١ب‌ـ٢٧الف. چنین است آغازوانجام‌آن: «الحمدلله فائض‌الانوار ١٥ وفاتح‌الابصار ... فقد سالتنی ایهاالاخ ... انابث‌الیك اسرارالانوارالالهیة‌ـ و استشفاف‌الانوار الالهیة من‌وراءالحجب‌البشریة عسیرغیریسیر» این‌نامه چندین باریکی درالجواهرالغوالی باناهمهای دیگر غزالی درمصر بسال١٣٤٣ بچاپ رسید. (بنگرید به : ش٣٢٩ و ٣٣٠ طوس برای نامهای گوناگون آن ـ ش٧٧مجلس).

[٥٤٨] مشواق (فارسی)

٢٠ فیض کاشانی دراین نامه نخست سخنی عرفانی بمیان آورده سپس ازرخ وزلف وخال وخط وچشم وابرو ولب وشراب وساقی وخرابات و خراباتی وبت وزنار و

١ـ آغاز وانجام پرسش وپاسخ چنین‌است: «چه گوید خواجه امام‌اجل حجة‌الاسلام درجواب کسانیکه اعتراض کنند ـ که هرکه حقیقت روح ندانست خودرا ندانسته باشد خدایرا دشوار تواند دانست . والسلام تمام‌شد مسائل والحمدلله وحده» (ش٢/٣٤٠ـ ٢٥ ص١٩٠ همین فهرست).

کفر و ترسائی گفتگو نمود و روشن ساخت که عارفان از اینها چه میخواهند و از گلشن راز گواه آورد تا دشنام دشمنان عارفان را رد کند. این نامه در تهران بسال ۱۳۲۵ خ بچاپ رسید.

[٦٧٧]

این نسخه شماره ٤ دفتر است و بخط تعلیق محمد علی بسال ۱۳۰۰ گ ٥٥ ر- ٥
٦٠ ب. آغاز و انجام آن چنین است: بباید دانست که سخن بمنزلهٔ قالب است **٨٤٩**
و معنی بمنزلهٔ روح (آغاز فصل ۲ ص ۷ س ۱۷ چاپی)- ز اسلام مجازی گشت بیزار
کرا کفر حقیقی شد پدیدار (ص ۲٦ س ١٤ چاپی).

[٥٤٩] **مصباح الشریعه و مفتاح الحقیقة** (عربی)

این کتاب که در صد باب است و هر بـابی پس از عنوان بعبارت (قال الصادق) ١٠
آغاز میگردد از بسیاری از مراتب و مقامات عرفانی بحث میکند. دیباچه نگار آنهم
پس از یاد کردن عنوان بالا آنرا از صادق(ع) دانست. علی بن طاوس (٥٨٩-٦٦٤) در
امان الاخطار (ش ۱۰۱۸ گ ٦ ه الف) میگوید مصباح الشریعة و مفتاح الحقیقة را باید
درسفرها باخود داشت. ابن ابی جمهور احسائی (زنده ٨٩٥) در اللئالی العمادیة
بندهائی از آنرا آورد. همچنین تقی الدین ابراهیم کفعمی (م ۹۰٥) در مجموع الغرائب ١٥
و شهید دوم (۹۱۱-۹٦٦) در کشف الریبه و منیة المرید و مسکن الفؤاد پارههائی از آنرا
آوردند. ما نا این دانشمندان در اینکه مصباح الشریعه از صادق ع (۸۳-۱٤۸) است شکی
ندارند مگر اینکه شیخ حر عاملی (۱۰۳۳-۱۱۰٤) در هدایه بدان ارجی ننهاده و گفت
که با متواترات نمیسازد و برخی آنرا از زین الدین دانسته اند نه سخنان صادق ع مجلسی
(۱۰۳۷ - ۱۱۱۰) در بحار در پارهای از آن شك نمود و گفت که ریخت و اسلوب آن ۲۰
از آن صادق(ع) نمی باشد. میرزا عبدالله افندی (۱۰٦٦-۱۱۳۰) در ریاض العلماء آنرا
از کتابهائی دانست که نگارنده آن نادانسته است و گفت که برخی آنرا از هشام پسر حکم
پنداشتند و درست نیست و باید از صوفیان باشد. با اینهمه سید حسین قزوینی (م ۱۲۰۸)
درجامع الشرایع میگوید که بگواهی ابن طاوس و شهید دوم و فیض بایـد آنرا از
صادق(ع) دانست.
۲٥

حاج میرزا حسین بن محمد تقی نوری (یالو ۱۲۵۴ـ نجف ۱۳۲۰) . در مستدرك
الوسائل که در ۱۳۱۹ آنرا بپایان رساند پس از آوردن سخنان این دانشمندان میگوید
که اینکتاب ازسخنان صادق(ع) فراهم گردید ورواست که باگفتار صوفیان همانند
باشد چه آنان درسیر وسلوك وپارسائی آنچه گفته اند بارأی پیروان شریعت ناسازگار
۵ نیست تنها مقامات وکراماتی که برای خود میگویند ما نمیپذیریم . او هرچه دراین
زمینه میبایست آورد (ج۳ص۳۲۸-۳۳۳) .

مگر اینکه اگر دلیل سبك مجلسی، وشیخ حررا بپذیریم باید گفت که دراینکتاب
عبارات واصطلاحاتی آمده که ازسده نخستین نباید باشد .

آغاز: بسمله وبه نستعین الحمدلله الذی نورقلوب العارفین بذکره وقدس ارواحهم
۱۰ بسره ... فهذا کتاب مصباح الشریعة ومفتاح الحقیقة من کلام الامام ... جعفر بن محمد
الصادق ... وهو مبوب علی مائة باب .

انجام : فالعبادة للعوام والاشارة للخواص واللطائف للاولیـاء والحقایق للانبیاء
علیهم السلام والحمدلله رب العالمین ـ اینکتاب در ایران بسال ۱۲۸۳ بچاپ سنگی
رسیده است .

[۶۷۸]

۱۵ این نسخه شماره ۱۲ دفتراست واندکی باچاپی جدائی دارد وبخط نسخ خوش
۸۸۱ با عنوانهـای شنگرف محمد بن فتح الله بسطامی در مدرسه رزم ساریه قـزوین
بنجشنبه ۱۷ع۲ سال ۱۰۰۴ گ ۵۶ب ـ ۸۴الف ـ وچنین است پایان آن: «باب ـ
العبودیة قال الصادق(ع) العبودیة جوهرة کنهاالربوبیة ... و اصول معاملة الدنیا سبعة
۲۰ اشیاء الرضا بالدون ... مـع رفض الریاسة فاذا حصلت هذه الخصال بحقها فی نفس فهو
من خاصة الله وعباده المقربین واولیائه حقا وصدقا در برگهای ۸۴ب ـ ۸۶ الف سخنان
پراکنده عرفانی است

[۵۵۰] مصفاة الاشباح ومجلاة الارواح (کتاب التفکر) (عربی)

نور الدین محمد بن مرتضی بن محمد مؤمن بن مرتضی کاشانی (زنده در
۲۵ ۱۱۱۵) این کتاب را بسال ۱۱۱۰ درعبادات واخلاق وخـدا و روان وجهانشناسی
بروش عرفان وازروی خبرهای شیعی نگاشته وآن چهارفن است وهریك چندباب
ودرست مانند احیاء غزالی والمحجة البیضاء فیض میباشد .

آغاز: بسمله وبه‌ثقتی . الحمدلله الـذی شرح صدورنا بانوار معرفته و نور قلوبنا باسرار طاعته .

انجام: و مااسبغ نعمك فی‌الدنیا والاخرة . هـذا اخرالکلام فی‌الفن‌الاخیر والحمدلله اولا و آخرا وظاهرا وباطنا ــ وقع‌فراغ مؤلفه من‌الجمع والتألیف‌والنظم والترصیف فی‌سنة الف و مائة وعشر من‌الهجرة النبویة . ٥

[٦٧٩]

٢٥٢ این نسخه شماره٣دفتر است و بخط نسخ باعنوانهای شنگرف گ٣٩ ب ــ ١٨٥ب س٢٧ درآغاز و پایان این‌شماره نورالدین‌بخط ومهر خویش‌نوشت که این کتاب برفرزندان نرینه وشایسته اووقف است وپس از آنهـا بر دانشمندان شیعی ومتولی آن دانشمندترین‌وپارساترین آنهااست واگرروشن نباشدکه ١٠ کدام است باقرعه‌دانسته خواهدشد ومتولی بایدآنرا بخواننده‌شایسته بدهد ونگاهش ندارد. گیرنده نیز بایستی سرسال‌آنرا پس‌بدهد . گزیدهٔ همین بنام (آئینهٔ حقایق نما) درمجلس هست (ش٥٦٥)

[٥٥١] معیارات‌العارفین (فارسی)

دراین‌نامه نشانه‌های رسیدن بپایگاه ارجمند درسیروسلوك نموده شده‌ودر ١٤معیار، نشانهٔ مقامات عرفانی وخلقی بپارسی ساده‌ای بنگارش درآمد. دربیشتر ١٥ جاها حدیث شیعی و آیتی ازقرآن گواه‌آورده شده ودارای ١٤ معیار ویك خاتمه است. ازمقامات‌العارفین شیخ وشعرهای عطار در آن آمده ونیزشعر پارسی خـود نگارنده(گ١٩٧الف).

آغاز: بسمله وحمد ... وبعد این ملحقاتی است برکتاب جهاد اکبر که‌بعد ازاتمام‌کتاب بخاطر قاصرم رسید . ٢٠

انجام : آنچه مولوی معنوی ... بیـان‌کرده وگفته است: عقل‌است چراغ ماجراها ــ آن‌خواهش عقل ازکجابود ... محولیلی شده‌است مجنون ــ زیرا همه عشق‌بد فنا بود .

[۶۸۰]

این نسخه شماره ۱۹ دفتر است و بخط نسخ و روی عبارتهای تازی خط سرخ
۱۰۳۰ کشیده شده و نویسنده آن محمدمؤمن بن محمدامین تبریزی بسال ۱۰۹۱ میباشد.
درهامش خط جلال الحکما اسدالله کجوری لاشکی طبری بتاریخ رجب ۱۳۲۹
۵ دیده میشود . گ ۱۹۴ ب ــ ۲۰۰ الف .

[۵۵۲] مفاحص (عربی)

این دفتر ازشیخ صائن یا ضیاءالدین علی بن محمدبن صدرالدین ابوحامد محمد
بن حبیب‌الله ترکه‌خجندی سپاهانی دانشمندعارف (م ۸۳۰)است ودرعرفان آمیخته
باعلم حروف میباشد وجدولها وشکلها در آن دیده میشود . خجندی آنرا بسال
۱۰ ۸۲۳ بپایان رساند. مطلبها باعنوان «فحص» در آن آغاز میشود ودردیباچه آن از
شرف‌الدین علی یزدی (م۸۵۸)(۱) بنام برادرخدائی یاد میشود ودرسه جای پایان
(گ ۹۵ ب ۹۸ الف وب) ازنام کتاب (مفاحص) یاد میگردد بدینگونه : « المفاحص
الکتابیه ــ فی هــذه المفاحص والابواب ــ ونختم هذه المفاحص» خجندی در آن از
«خمسین» ربیب امام صادق (۵ الف) ونامهٔ احمد حنبل بمردم نیشابورو گرگان (۵۳
۱۵ الف) میکند .

آغاز: بسمله . الحمدلله الــذی اعد عدید عباده لفهم کمال مراده بــانزال اعداد
بینات الکتاب .

انجام : فــان للحروب رجــالا . وکل میسر لما خلق له . علی انی غیرآمن عن
هفوةالقلم وکبوةالقدم عصمناالله تعالی عن ذالك ، بحرمةالفاتح لابواب هذاالطریق ،
۲۰ الخاتم ایاها بختام‌التمام ، محمد، صلی‌الله علیه وعلی اله الصلوة والسلام .

[۶۸۱]

این نسخه بخط تعلیق ریز با عنوانهای شنگرف بنسخ وبا حاشیه های «منه» و
۴۳۰ تاریخ روزیکشنبه ۲ شعبان ۱۰۷۷ میباشد. ازتاریخ نگارش خجندی دراین نسخه
نشانی نیست .

---

۲۵ ۱ ــ یزدی نگارنده ظفرنامه تیموری است درشیراز از ۸۰۷ تا ۸۲۸ که در کلکته در
۲ جلد بسال ۱۸۸۷ بچاپ رسید .

(۳۹۸م) ـ کاغذفرنگی ـ جلدتیماج سرخ حاشیه‌دار
اندازه : ۱۴×۲۰ و۹×۵ر۱۴س۲۱

[۵۵۳] **مقامات میر مرشدی** (فارسی)

نگارشی است در عرفان و بنظم .

۵ **آغاز**: بهاراست ومن مست ودل درخمار ـ خوشاجام می‌خاصه ازدست یار

انجام: که بهرپرستیدن آن‌صنم ـ بملك وجود آمدم ازعدم .

[۶۸۲]

۸۴۹ این نسخه شماره۳ دفتراست و بخط نسخ محمدعلی بسال ۱۳۰۰ گ۵۰ب ـ ۵۵ب.

[۵۵۴] **المقصدالاقصی** (فارسی)

۱۰ این نگارش ازشیخ عزیزبن محمد نخشبی شاگرد شیخ سعدالـدین حموی (م ۶۵۰ یا ۶۵۸) است که بـا زبدة‌الحقایق گزیده مبدء ومعاد همو درجنگی دارای اشعةاللمعات جامی ومنتخب جواهرالاسرار آذری وجزاینها در۱۳۰۳ بچاپ‌سنگی رسید(ص۱۲۹ـ۱۹۶)ـ نخشبی منازل السائرین وکشف‌الحقایق نیز نگاشته است(۱)

[۶۸۳]

۱۵ این نسخه شماره۱دفتر است گ۵ب ـ ۴۶الف واندکی باچاپی جدائی دارد

۴۰۵ وچنین است :

آغاز: بسمله وحمد... اما بعدچنین گوید ... عزیزبن‌محمدالنسفی که جماعتی از درویشان .

---

۱ ـ اودر مقصد اقصی (ص۱۶۰) ازحموی یادمیکند ومیگوید که وی کتابهـا

۲۰ درباره صاحب‌الزمان ساخته وازاو بسیار ستوده و گفت که دراین هنگام که مادرآنیم بیرون‌آید اما بیچاره (نسفی) برآنست که وقت بیرون‌آمدن اودانسته نیست . از سخن حموی بسیار کس بخود گمان بردند که صاحب‌الزمان مائیم وسرگردان شدند . بازمی گوید که‌دردور نبوت‌درمدرسه‌ها بحث‌علم ظاهرمیکنند ودردور ولایت (صاحب‌الزمان) ازحقایق بحث‌میشود ـ روش‌باطنی وتأویل‌این عارف پیدا ودر بسیاری ازجاهاسخنان

۲۵ فیلسوفان‌را نیز میآورد ـ دونسخه ازمقصد اقصی (ش۶۳۹/۱ و۶۴۰/۱ ص۵ـ۴۰۴ج ۲) درمجلس ونسخه‌ای (ش۱۰۳۱ص۲۵۵ج۴) درطوس هست .

انجام : واین است خلاص آدمی . سخن کوتاه شدوالله اعلم بالصواب والیه المرجع والمآب ... تمت الکتاب بعون الملك الوهاب .

[۵۵۵] مقطعات (فارسی)

این مقطعات عرفانی ازسید معصومعلیشاه است .

آغاز: درحدیث آمده که بیت حرام ـ زاده درویعلی عمرانی .

انجام : جمله عالم فانی وباقی استاو ـ کل‌شئی‌هالك الاوجهه .

[٦٨٤]

۳۵۸ این نسخه شماره۹ دفتراست و بخط تعلیق گ۱۶۳ب ـ ۱۷۰الف .

[٥٥٦] منتخب التصانیف (عربی)

نورالدین کاشانی(۱) دراین نامه کتابهائیراکه برگزیده وخوانده بودبرشمرد و در دیباچه آشکار داشت که علم دین برتوی دارد و باید کتابها رانگاهداری نمودو مطلبهای علمی‌را نوشت . آنگاه گفت که من چندین سال بفراهم آوردن کتابها پرداختم وراز کتاب وسنت‌را بشناختم. خواستم نغزحکمت رابیاموزم‌واز گفتگویها دور باشم پس ازهرهنری بیکی دوسه کتاب بس کردم. این‌بود که‌قرآن‌رابرگزیدم واز تفسیرهای ظاهری آن «صافی» استاد وعم خود محمدمحسن‌بن مرتضی که‌آن هم دراز بود خواستم کوتاهش کنم . تفسیرباطن قرآن واحکام آنرا درنوشته‌های

۱ـ ازخاندان‌فیض ایندانشمندانرا سر گذشت نویسان یاد کرده‌اند: ۱ـ شاه‌مرتضی که کتابخانه‌ای داشت ۲ ـ پسرش محمدمحسن فیض ۳ ـ پسردیگرش مولی عبدالغفور که شاگرد استادان برادرخویش فیض مانند سیدماجد بحرانی ومولی نورالدین کاشی دائی آندو بوده است ٤ـ پسرعبدالغفور بنام محمد مؤمن شاگرد عم‌خود فیض که در به شهر (اشرف) درس میگفت ٥ ـ علم‌الهدی محمد پسر فیض که دفتری بپارسی در اصول وفروع دارد ٦ـ نورالدین‌محمد پسر مرتضی پسرمحمدمؤمن پسرمرتضی‌دانشمند اخباری و نویسنده مصفاة الاشباح فی‌الاخلاق وعجائب‌الافاق که بیشتر آنرا از نوشته های استاد اجازه دهنده خویش فیض گرفته است . درروضات ص ٥٤٢ نورالدین را برادر فیض پنداشت ونادرست است ۷ـ پسرنورالدین مولی محمد هادی محدث‌عارف وشارح مفاتیح فیض .

دانشمندان پراکنده دیدم . از کتابهای اعمال دینی «اهم مایعمل» عمواستادمرا یافتم
وخود هم «روح‌الارواح وحیاةالاشباح» دردعاها نوشتم. او باز ازصحیفهٔ کامله سجاد
یازبور آل‌محمد وذریعةالضراعة استاد (طاب‌ثراه) ومفاتیح‌الاحکام استاد که برگزیده
است یادمیکند ومیگوید که کتاب التفکر یامصفاةالاشباح ومجلاةالارواح درتوحید
واخلاق ونیزمبدء ومعاد یاالحقائق‌القدسیه والرقائق الانسیة درفلسفه وعرفان که‌در ٥
آن نوشته‌های پیشینیان گزین‌شده است‌نوشتم سپس الکلمات‌النوریه والایات‌السریة
که درآن رازهائی نوگنجاندم . آنگاه به‌الواردات القلبیه فی‌معرفةالربوبیه استاد
استادم (شیرازی) که بسیارشیوا وروشن وراز خدائی درآن است برخوردم وآنرا
با دو کتاب پیش دریکجلد کردم تابآسانی بتوان نگاهداشت. ازترانه‌های عشقی و
عرفانی گزینها کردم ودر جنگ (منتخب‌الاشعار) نوشتم او بازاز «نخبهٔ» خود درفقه ١٠
وکلمات طریفه در منشأء اختلاف اراء امت مرحومه وبشارةالشیعه در چهل مژده
برای‌شیعه ازروی‌یك آیه قرآن‌وتنویرالقلوب دربرتری‌حکمت پیامبران‌وپیشوایان
ورسالةالانصاف درراه یافتن‌برازدین نام میبرد ومیگوید که همه‌یا بیشتر اینهابروش
خاندان پیامبر است چه هرچه جزآن باشد بیهوده خواهد بود . این‌رساله درج ١
سال ١١١١ بپایان رسید. ١٥

آغاز: بسمله . الحمدلله‌الواحد الاحدالفردالصمدالذی لم‌یلد ولم یولد . . .
فیقول محمدبن مرتضی المدعو بنورالدین .

انجام: لاتفرق بیننا وبینهم‌طرفة عین‌ابدا برحمتك یاارحم‌الراحمین وبکرمك
یا اکرم الاکرمین .

[٦٨٥] ٢٠

٢٥٢ این نسخه شماره ١دفتر وبخط نسخ خودنورالدین است که در ١١١٤ آنرا
ازروی اصل نوشته ومقابله نمود گ۲ب ـ ٤ب‌س٣٠ ـ درگ١الف‌دارد:
للسیدالداماد فی‌مدح صدرالمحققین: جاهت گرفته صدرا باج ازگردون ، داد
است بفضل توخراج افلاطون ، درمسند تحقیق نیامد چون تو، یکسر زگریبان طبیعت
بیرون . ٢٥

در گ۱ الف ـ ۲الف و۵الف ـ ۱۰الف و۱۱ب ـ ۳٦ب و۳۵۷ب ـ۳٦۱ ب
خبرهائی است ازعلی وصادق ع وعبارتی درمعنی قطب وسخنانی ازشیخ بهائی و افلاطون و کاشی درشرح منازل السائرین وفیض که (عمی الاستاد محمدبن مرتضی المدعو بمحسن) خواندش وازغزالی دراحیاء وعلم لدنی وشیخ اشراق وسیدداماد وصدرا وحسن
۵ بن عبدالرزاق لاهیجی واخوان صفا وحدیثها وسخنان فلسفی وعرفانی و کلامی با بیتها وعبارتهائی بپارسی ونیز سخنانی ازخود نورالدین . همه اینها بخط تعلیق ریز و نسخ ودر برخی جاها مورب (س۳۰) درپایان (گ۳٦۱ ب) ودر گ۲الف بخط همین نور الدین نوشته که وقف اولاد است ومهر نورالدین محمد هم دارد .
شماره ۲دفتر شرح حدیث کمیل و۳ کتاب التفکر و٤ المبدء والمعاد و۵ الکلمات النوریه
۱۰ و٦ الواردات القلبیه است. این دفتر همانستکه درمنتخب التصانیف بدان اشاره نمود.

[۵۵۷] منتخبات انوارالشریعه (عربی)

گزیده ایست ازانوارالشریعه نگارش سیدحیدربن علی آملی که درنجف (مشهد غروی) میزیسته است. در آن آشکارمیگردد که ماهیات آفریده نیستند وازفصوص شیخ اعظم ومقدمات شارح فصوص یاد میشود .

۱۵ **آغاز:** بسمله وبه نستعین . من منتخبات انوارالشریعة من افادات سید حیدربن علی الاملی ساکن مشهدالغروی طاب ثراه ـ ماوقع الخلاف بین الانبیاء والرسل علیهم السلام فی اصول الدین وارکان الاسلام وان وقع فی الفروع والاحکام الجزئیة .
انجام: ولذالك خالقهم والله اعلم واحکم والسلام علی من اتبع الهدی .

[٦۸٦]

۱۰۸۸۲۰ این نسخه شماره ۱۳دفتر است وبخط تعلیق گ۳۷ب ـ ٤۵الف .

[۵۵۸] نامه اندلسی برازی (عربی)

دانشمند عارف محیی الدین اندلسی (۵٦۰ ـ ٦۳۸) این نامه را بفیلسوف کلامی فخررازی (۵٤٤ ـ ٦۰٦) نوشته ودرآن برازی پندداد که ازبحث وفکر بعرفان و شهود گراید وازعلوم رسمی مانند پزشکی وهندسه که درجهان مینوی بی هیچگونه
۲۵ بیماری و اندازه و شماره سودمند نیستند درگذرد و میگوید که شنیدم تو روزی

می گریستی که سی سال درمسئله‌ای یقین داشتم واکنون آشکار شد که درست نیست شاید این یکی هم مانند آن باشد- این نامه در کشکول شیخ بهائی (ص۶-۳۵۳ تهران بسال ۱۳۲۱) بچاپ رسید .

[۶۸۷]

۵ این نسخه شماره۲۸ دفتر و بخط تعلیق ص۲۵۱ - ۲۵۲ و آغاز و انجام آن
۱۰۳۵ چنین است : «الحمدلله وسلامه علی عباده ... وعلی ولی الله تعالی فخرالدین محمد ... اما بعد فانا نحمدالیك الله الذی لااله الاهو ... ویقول الله وتواصوا بالحق- الاذعان للحق والتسلیم له ان لم یکن الایمان به. وهذا تمام الرساله . والله ولی الکفایة»(۱) پس از این درص۲۵۳-۲۵۵ بهمان خط گفتار شهرستانی در نهایة الاقدام
۱۰ برابر با ص۵۰۵-۵۱۴ چاپ اکسفورد بسال۱۹۳۴ در اینکه گوهر فردهست نوشته شده (ش۲۹) .

[۵۵۹] **نامه بهائی بهمدانی** (عربی)

نامه‌ای است ازشیخ بهائی بمیرزا ابراهیم همدانی که در آن مینویسد چون بدیدار آرامگاه سهل بن علی رفتم از تب «محرقه» رهیدم واموری ذوقی برمن آشکار
۱۵ گشت و آن‌را ارج مینهم وبسیار بآن آرامگاه معتقدشدم ازمیرزا ابراهیم میخواهد که همواره ازوی یاد کنند. درفهرست مجلس (۶۲۰/۲) ازنامه شیخ بهائی بمیرزا ابراهیم همدانی نام برده شده و آغاز وانجام آن یاد نگردید .

آغاز: سواد کتابی کـه حضرت ... شیخ الاسلام والمسلمین طاب ثراه شیخ بهاء الدین محمد العاملی که بحضرت زبدة السادات العظام میرزا ابراهیم رحمه الله
۲۰ نوشته اند : سلام اله علی سیدنا سلطان اعاظم السادات المتالهین وقدوة افاخم الحکماء الراسخین... فقد تشرف المخلص الحقیقی بزیارة المزار القدسی الانوار .

انجام: وان یطهر قلوبنا من دنس التوجه الی ماسواه ... باطناً وظاهراً . حررت هذه ... یوم السبت ثامن شهرجمیدی الاولی فی جوار الحضرة القدسیة المشار الی نبذة

---

۱ - آغازچاپی چنین است: بسمله الحمدلله وسلام علی عباده الذین اصطفی وعلی
۲۵ ولی فی الله فخر الدین محمداعلی الله همته وافاض علیه برکاته ورحمته و بعدفان الله یقول وتواصوا بالحق- انجام همان میباشد .

من آثار برکاتها وهی الحضرة المنسوبة الی سهل بن علی سلام من الرحمن نحو جنابه فان سلامی لایلیق ببابه .

[٦٨٨]

۲۹۳ این نسخه شماره ۱ دفتر است و بخط تعلیق شکسته مورب در پشت برك پیش از «اشراق الحق» ازروی خط شیخ بهائی نوشته شده است و محمدصادق حسینی بدان گواهی داد (۱ الف) شماره دوم این دفتر اشراق الحق من مطلع الصدق حسین بن حیدر بن قمر بن علی حسینی کرکی عاملی است که در پاسخ نامه‌ایکه ازشیراز آمده و پرسیده‌اند که آیا نامبردن (مهدی موعودع) رواست ؟ نوشته و آنرا روا دانست و در ۲۲ رمضان سال ۱۰۲۰ آنرا بپایان رساند. در دنبال آن اجازه‌ایست ازهمو بمولانا نصیرالدین محمد در روایت همین رساله و بخط کرکی .

[٥٦٠] نامهٔ بهائی بهمدانی (عربی)

نامه‌ایست عرفانی ازشیخ بهائی بنواب میرزا ابراهیم همدانی که بیتهائی بپارسی در آن آورد .

آغاز: یا غایب عن عینی لاعن بالی ، اقرب الیك منتهی آمالی .

انجام: تاعزیز مصر ربانی شوی ـ وارهی ازجسم وروحانی شوی. والسلام علیکم وعلی حالتی لدیکم والمنتسبین الیکم . تم .

[٦٨٩]

۱۰۳۵ این نسخه شماره ۳۹ دفتر است و بخط تعلیق ص۳۳۸ـ۳۳۹ .

[٥٦١] نامهٔ تبریزی بهمدانی (فارسی)

نامه‌ایست عرفانی که مولی عبدالباقی تبریزی بمیرزا ابراهیم همدانی نوشته است.

آغاز: بحق بیت و بحق صاحب بیت و بحق دل شکسته و بحق آنکه دل دوستان را شکسته .

انجام: بار دیگر ملازمت آنجناب را روزی مخلص خیر خواه گرداند بالنبی و آله الامجاد .

[۶۹۰]

۱۰۳۰ این نسخه شماره۱۲ دفتر است و بخط تعلیق محمد مؤمن برای حاجی محمد شریف درشوال ۱۰۹۴ گ ۱۱۵ب ـ ۱۱۷الف .

[۵۶۲] نامهٔ زردشت (فارسی)

این نامه که از «ابراهیم» !! زردشت دانسته‌شده بزبان پهلوی‌بوده و«زوره» ۵
نام دارد . انوشیروان از «اژرژروه» سپاهانی شاگرد بزرگمهر درخواست که آنرا
بپارسی گزارش کند . اودردیباچه میگوید که نامم «اژرژروه» وازسپاهانم وازنژاد
کیومرث‌وازساسانیان وازاردشیرنیکوکاروشاگرد بزرگمهرمیباشم. انوشیروان‌از
من خواسته است که سخنان«ابراهیم» زردشت پیامبرایران‌بنام «زوره» راکه‌بپهلوی
بوده واوآنرا برای فروانروای هند فرستاده وشاه هندی بازآنرا برای انوشیروان ۱۰
فرستاده بود گزارش بنویسم .

این گفتار بروش اشراقی وآمیخته باآئین زردشتی‌است وبرخی ازواژه‌های
این فلسفه مانند «اسفهبد» وجز آن در آن دیده میشود.

آغاز: بنام ایزد جان‌بخش روزی‌رسان چنین گوید «اژرژوه» .

انجام : وبند دیو که‌فریب وبیرنگ اواست ازجان‌ودل برداشتن وآن‌مردار ۱۵
پلیدرا بجان ودل نگماشتن .

[۶۹۱]

۲۵۳ این نسخه شماره۲۰ دفتر است وبخط تعلیق حیدر کرکی نزدیك ۱۰۷۶ گ۱۳۰ب ـ ۱۴۱الف .

[۵۶۳] نامهٔ حسینی (فارسی) ۲۰

این نامه ازسید حسینی است که بیکی ازپیروان خویش نوشته وبدو در آن
دستور سیروسلوك‌میدهد .

آغاز: الحمدلله ... وصیت آنستکه درجمیع احوال حق‌جل‌ذکره رامطلع
احوال وناظر افعال داند .

انجام: دوازدهم ، درهرکجاکه باشد این ضعیف رابدعای خیریاد دارد .

[٦٩٢]

٨٧١ این نسخه شماره٦ دفتراست و بخط تعلیق محمدعلی بسال١٣٠١ گ٨٠ الف ـ ٨١ب . دورباعی فارسی درهامش دیده میشود .

[٥٦٤] نامهٔ عرفانی (عربی)

٥ نگارندهٔ این نامه یادی از پراکندن صوفیان میکند ونوشته است که تو آنانرا گردآوردی ومایه آسایش آنان شدی .

آغاز: هو. سلام‌علیکم من‌محب وداده . اذا اخلق‌الایام‌وداتجددا ... سلام‌علی ـ الجناب‌المنیع والمحل‌الرفیع العالم‌الربانی والعارف‌الفردانی سیف‌الملة والدین‌حجة الاسلام والمسلمین ... قدوة‌المجتهدین سلطان علماء الشریعة مالك ارباب‌الحقیقة

١٠ بقیة مشایخ‌الشرق ... علم‌الهدی شیخ‌الوری .

انجام: وانسكبت من‌جفونه عبراته ، یبكی دماویحن‌الما .

ایا ربع احبائی و دار غرامی | علیك وان‌كان البعادسلامی
فمن مبلغ عنی الاحبة انتی | خلعت‌اصطباری‌اذلبست‌سقامی
سلام علی تلك المنازل انها | منازل احباب علی كرام

١٥ [٦٩٣]

١٠٣٥ این نسخه شماره١٩ دفتر وبخط نسخ ص١٧٤ میباشد .

[٥٦٥] نامهٔ عرفانی (فارسی)

دراین نامه عرفانی ازنظر علیشاه وحسینعلی شاه یادمیشود .

آغاز: بسمله ره نوردان طریق فقروغنا وجرعه نوشان‌رحیق ثبات‌وبقا .

٢٠ **انجام** : وهرکه درمقام مخالفت نشست ابواب فیوضات را بر چهره خود بست باقی والسلام علی من‌اتبع‌الهدی

[٦٩٤]

٨٦٤ این نسخه بخط تعلیق است ودرگ ١٧٣الف ـ ١٧٤ب این دفترمیباشد .

[۵٦٦] نامه غزالی (فارسی)

یکی ازشاگردان غزالی پس ازسالها آموختن ازوی ازاو پرسید کدام دانش سودمند است. استاد درپاسخش نامه‌ای نوشت ودانش سودمند رابدو گفت کـدام است. این شاگرد گفته که گرچه درنوشته‌های خویش مانند کیمیا واحیا وجواهرـ القرآن واربعین ومنهاج آنرا روشن کردید مگراینکه میخواهم «یك تاکاغذی» از شما داشته باشم وپیوسته آنرا بخوانم. غزالی دراین نامه ازروایتهای شیعی نیز آورد. ۵

آغاز: بسمله وبه نستعین. بدانکه ازجمله شاگردان و تلمیذان خواجه ... محمد غزالی ... بعد ازآنکه درخدمت وی سالها درس خوانده بود ... پس خواجه امام ... این فصل بنوشت «بسمله. ای فرزند عزیز وای دوست مخلص.. که منشور نصیحتها ازحضرت محمد ... نویسند». ۱۰

انجام: واما دعائی که خواسته درصحاح بسیار آمده است ... وهمچنین در طریق اهل بیت... دعاهای نیکو بسیاراست ازآنجایگه طلب میکن واین علی الدوام میخوان علی الخصوص درعقب نمازها. الدعاء: «الهم اسئلك من النعمة تمامها ومن العصمة دوامها.. واعتق رقابنا ... عن النار یاعزیز یاکریم ... یاحلیم یاجبار برحمتك یا رب». ۱۵

[٦۹۵]

این نسخه شماره ۱۳ دفتراست و بخط نسخ باعبارات تازی بشنگرف گ۸۷ب **۸۸۱** ـ ۷۹ الف.

پس ازاین در۹۸الف ـ ۱۰۰ب سخنانی است فلسفی و عرفانی چنانکه در ۹۸ر. ازدفع الاحزان کندی نوشته شده وهمه اینها بخط شکسته تعلیق ومورب استاز ۱۰۱ب تا۱۰۹الف رباعیهای خیام است وچکامه‌های دیگران و ۱۱۰ب و۱۱۱ جـدول عرض وطول شهرها ازروی زیج جدید وجدول ظل ومیل اول و۱۱٤ـ۱۱۷ ب گفتگوی خدا است باپیامبر درمعراج (بخط نسخ بتاریخ ۱۰۱٤ درباغ قایدحسن) و۱۱۸الف ـ ۱۲۲ب سخنان پراکنده‌ایست مانند داستان هرمس از تاریخ حکماو پند پلاتون بارسطو از کشکول بخط شکسته تعلیق مورب. ۲۰ ۲۵

[۵٦۷] نزهة الارواح (فارسی)

نگارنده این رساله دانشمند عارف فخرالسادات امیرحسینی حسین بن عالم

بن‌الحسین سادات هروی کزیوی غوری (نزدیك ٦٨١-٧٢٣ درهرات) بمولتان رفته ورکن‌الدین ابوالفتح پسروپیرو شیخ بهاءالدین زکریاء مولتانی اورا بپرورد. وی زادالمسافرین وکنزالرموز بنظم وروح‌الارواح وصراط‌مستقیم ونزهـةالارواح بنثر دارد ودیوان شعر. او ١٧ پرسش ازشبستری کرد و پاسخ وی بدستور بهـاء الدین یعقوب تبریزی بسال ٧١٧ درگلشن راز داده شد(١). ٥

١ - (نفحات جامی ص٥٤٥ - ش٦٦٦ مجلس-ش٥٥٩٥طوس).

این رساله مادر ٢٨ مقاله است. بدینگونه: «مبدء سلوك - معرفت سلوك- مقامات سالك - نصیحت سالك - بـدو خلقت - وحدت - تجرید سالك - قـاعده طریقت - کمال استغناء - آغاز فطرت - اختلاف حالات - بیان دل - تصفیه دل - دیباچـه عشق - حقایق عشق - حیرت عشق - بیان نفس - مخاطبت نفس - معاملات - اجتهاد ١٠ -صحبت‌ومتابعت- تـرك‌خلق - صبروتسلیم - کشف معانی - ارشاد وانتباه - اشارت اهل طریقت - نهایت این طریق - ختم کتاب».

درباب ٢٨ دارد: «چنین گوید... فقیرحقیر حسینی بن‌ابی‌الحسن‌الحسینی ره که این عرایس ابکار یعنی‌افکار برمنصات خدارخاطر ومقصورات خیام ضمیراین ضعیف‌اند... درشهور سنهٔ احدی وعشرین وسبعمائة مشاطهٔ نشاط فکر... مفرح و موشح ساخت» ١٥ (گ٨٠ب - ٨١الف) پس سال نگارش نزهه ٧٢١میباشد. دراین رساله سخنانی از عارفان وپاکان وبیتها بپارسی وتازی وآیه‌ها آمده وبسیار شیوا است ودرآن یادمی شود از: پیرهرات - شبلی - بایزید - احمد غزالی (١٦ب) - شیخ لقمان سرخسی که با ابوالفضل گفتگو دارد - سنائی - کاسهٔ سری‌تهی ونگون افتاده که آنـرا دیده و نوشته عبری آنرا خواند (١٢٧الف) - مالك دینار- سری - حسین - سهل‌بن‌عبدالله ٢٠ شوشتری - جنید- ابوتراب نخشبی- شیخ ابوسعید- درجائیکه ازاستدلالیان نکوهش میکند ازمختلف وتمهید وهدایه وجامع صغیرنام میبرد (١٦٥الف). بازمیگوید کـه به زمین‌هند رسیدم(٣١ب) نیزمیگوید: «ای‌شب گرد بدروزعمرت بچهل رسیده»(٧٩ب) پس کزیوی درسال ٧٢١چهل سال داشت وبایستی نزدیك بسال ٦٨١ زاده شده باشد وسخن جامی که مرگش‌را در ١٦ شوال ٧١٨ دانست‌یا دیگران که ٧١٧ و ٧١٩ گفته‌اند ٢٥ درست‌نیست. دونسخه از این درموزه بریتانیا هست. مانادر آنها سال نگارش نزهه ٧١١ نوشته شده.

(ج١ص٤٠الف Or 1229 — ج٢ص٨٦١ الف Add.26,292I)

آغاز: بتوفیقش چوروشن دیدم آواز ـ سخن راهم بنامش کردم آغاز . سپاس بیقیاس ومنتهای بی‌منتها ملکی راکه ملکش بی‌انباز است و درگـاه لطفش درگاه بیگاه بردربستگان اوباز است .

انجام: از ـ ـال ایشان خبر میدهد محفوظ مانند انشاءالله تعالی والله اعلم بالصواب .

٥

در کتابخانه‌های بنگال وبهار نسخه‌هائی ازنزهةالارواح وشرح آن ازعبدـ الواحد ابراهیم حسینی بلگرامی که در ٩٨٥ بپایان رسانده است هست (فهرست بنگال ش٤٢١ و١١٨٨ ص٢٩١و٥٦٨ وش١١٩١ص٥٦٩ ـ فهرست بهارش٢ـ١٧١ ص٣ـ١٣٢ .

[٦٩٦]

١

١٢٠ این نسخه شماره١ دفتری است دارای٢رساله وبخط تعلیق زیبا باعنوانهای شنگرف که دومین آنرا محمدعلی تفرشی درسبزواردرتاریخ رمضان١٢٨٧ درمدرسه فصیحیه نوشته است گ١ب ـ ٨١ب .

(همه دفتر ١١٠گ) ـ کاغذ فرنگی ـ جلد میشن تریاکی‌گل و بوته‌دار ضربی متوالی اندازه :١٤×صر٢١ وصر٦×صر١٣ ص١٤

٥

[٦٩٧]

١٠٣٨ این نسخه شماره١ دفتروبخط شکسته تعلیق مورب باعنوانها ونشانه هـای شنگرف میباشد . گ١٠ب‌ـ١٨ب وچنین‌است: «نزهةالارواح. فصل‌پانزدهم درحقایق عشق من نزهةالارواح . زهی عشق که هرکه بااوچون تیر راست نشد هرگز درشست اونیامد . وهرکه‌چون توزبی خودپوشیده نداشت کمان اونکشید ـ

٢٠

تمثیل : آتشی دربیخ نی‌افتاده بود و میسوخت نی گفت این آتش چوکرده‌ام که مرا می‌سوزی؟ گفت‌دعوی بی‌معنی کرده میگوئی «نیم» وهمچنان‌دربند خودماندهٔ وشب‌وروز بابرگ‌خود میسازی . لم تقولون مالاتفعلون؟ والله اعلم» «برارباب حقیقت پوشیده نماند که این بنده‌را چون ماده آنقدار قابل نبود که ادراك این گفتگو ها تواند کرد اگر سهوی‌شده باشد براین کمترین نگرفته دراصلاح کوشند ودر پرده درسر عیبهای

٢٥

این‌فقیر‌پوشند. درتاریخ‌سنه١٠٥٥ حسب‌الفرموده‌خدام‌خجسته اطواری‌مخدوم‌نیکوسیرت درویش صورت کهف‌الحاج حاجی محمد باقر صاحب سلمه‌الله تعـالی باعث وضع این

صحایف شد . اقل الخلیقه بل لاشیئی فی الحقیقة محمدالدرویش »

پس محمد درویش بدستور حاجی محمد باقر صاحب بسال ۱۰۵۵ نسخه ما را که ٥ مقالهٔ نزهة الارواح کزیوی است نوشت. این نسخه دارای مقاله ۱۵ و ۱٤ و ۱۲ و ۱۳ و ۱٦ است و آمیختگی وافزوده دارد و کهن تر از ش ۱/۱۲۰ میباشد .

٥ [٥٦٨] النصوص فی تحقیق الطور المخصوص (عربی)

دانشمند قونوی دراین رساله که (مفتاح الفصوص) نیز خوانده شده مسئله‌های باریك عرفان را بااستدلال بیامیخت وهر بندی را عنوان نص داده است و آن در ایران دنبال شرح منازل السائرین کاشانی بسال ۱۳۱٥ ص ۲۷٤ - ۳۹۹ و با تمهیدالقواعد ص ۱۸۲ - ۲۱٦ درهمین سال بچاپ رسید .

۱۰ [٦۹۸]

٨٦٠ این نسخه شماره ۱ دفتر و بخط نسخ خوش با عنوانهای شنگرف و ۲۱ نص می باشد و شماره‌های نص درهامش دیده میشود وحاشیه‌هائی بنسخ دارد . گ ۱ ب - ۱٦ ب .

[٥٦۹] نهایة البیان فی درایة الزمان (عربی)

۱٥ امام داود بن محمد قیصری (م ۷٥۱) این رساله را درباره زمان وبود وهمیشگی آن درچهار فصل ساخته وبروش عرفانی وفلسفی در آن گفتگو نمود . او از ارسطو وشفا وابوالبرکات بغدادی وخواجه طوسی ونگارندهٔ صحائف وفتوحات وفصوص اندلسی یاد میکند واین بیت سنائی «باوجودت ازل پریر آید بلکه آمد اگرچه دیر آید» را آورد . درفصل ۲ آن ازگفتار شیخ درنجات درباره رستاخیز دیده می

۲۰ شود . درپایان فصل ۱ میگوید: «درمقدمات شرح فصوص گفته‌ایم» بازدرپایان رساله بشرح فصوص بازگشت میدهد .

[٦۹۹]

۱۰۸۸ این نسخه شماره ٥ دفتر و بخط تعلیق تازه گ ۲٥ ب - ۳٤ الف میباشد درعنوان، آن ازصدرالحکماء والمتالهین دانسته شد وچنین نیست . اینست آغاز وانجام

۲٥ آن : «بسمله . سمیتها نهایة البیان فی درایة الزمان وجعلتها اربعة فصول ...

الاول فی ماهیة الزمان وحقیقته . الثانی فی وجوده و کونه ازلیا وابدیـا . . . الثالث فی انقسامه الی الان والساعة والیوم وغیرذلك . الرابع فی بیان ایام الکبار الالهیة والربانیة والصغار الکونیة ـ وههنا اسرار اخر لا یحتمل المقام بیانها ولا الافهام اعلانها . والله اعلم بحقائق الامور .»

[٥٧٠] نیایش (عربی) ٥

این نیایش ازحلاج عارف دانسته شد .

آغاز: مناجات منسوب بحسین منصور حلاج . . انت ام انا هذا العین فی العین ـ حاشای حاشای عن اثبات اثنین ... الهی انت المتجلی لی من کل جهة .

انجام : فلك الحمد فیما تفعل ولك الشکر فیما ترید .

[٧٠٠] ١٠

٨٧٦ این نسخه شماره ٣ دفتراست و بخط شکسته تعلیق گ ٤٣ الف در ١١ سطر (٦×١٤) در پایان آن حدیث «الا ان لله فی ایام دهرکم نفحات من رحمته الا فتعرضوا لها» دارد .

[٥٧١-٥٧٥] نیایش (عربی)

١٥ خزرجی درفهرست نگارشهای شیخ که از گفته جوزجانی آورده است از «خطب» یاد نمود (ج٢ص٥) ودر فهرستی که برپایان «سرگذشت» افزوده اندو آن را هم او آورد از «الخطب التوحیدیه فی الالهیات» و «خطب وتمجیدات واسجاع» یاد گردید (ص١٩) چنین برمیآید که شیخ رئیس درنیایش خداوند سخنانی ساخته و همانها مایهٔ این شد که دشمنان بهانه کنند و اورا بدین خوانند که چرا دربرابر قرآن
٢٠ سخنانی درستایش خدای گفت واوهم ناگزیر شد که «رسالة الی ابی عبید الجوزجانی فی الانتفاء عما نسب الیه من معارضة القرآن»(١) یا «جواب یتضمن الاعتذار فیما نسب الیه من الخطب»(٢) بنویسد. ازاین پاسخ که شیخ بدشمنان داده چنانکه در قنواتی (ش ٢٠٤ و ٢٥٧) دیده میشود پیداست که جوزجانی شاگرد وهمدم هنگام زندگی

١ــ بنگرید به : بیهقی ص١٨٩ .

٢٥ ٢ــ نگاه به : خزرجی ج٢ص١٩ که این را بیدرنك پس از «خطب وتمجیدات و اسجاع» یاد کرد. بگواهی قنواتی آنچه دربیهقی وخزرجی آمده یکی هستند .

ومرك(١) او درباره شفا ومعارضه‌ایکه گفته‌اند باقران کرده است نامه‌ای باستاد نوشته وشیخ بدو پاسخ داد . ازاینگونه نیایش وستایش سه‌تا بنام «الخطبةالغراء - الدعاء - الورد لاعظم » درقنواتی (ش۲۲۰-۲۲۲-۲۴۴) دیده میشود و پنج نیایش دیگر دراینکتابخانه است .

٥ ۱ - درستایش خدا واینکه او از روی خرد ودانائی جهان را بیافرید .

آغاز: سبحانك الملك الجبار ، الاله‌القهار ، لاتدركه‌الابصار ، ولايمثله‌الافكار ، لاجوهر تقبله‌الاضداد ، فتغير .

انجام: نسألك‌التوفيق والعصمة ، والتنبيه عن (من)الغفلة ، وافاضةالهدايـه ، و كشف‌الشبه . انك ولى‌ذلك (والقادرعليه . تمت‌الكلمةالالهية - قنواتى) ومبداءه، ١٠ واوله وآخره.

[۷۰۱]

۱۰۴٦ متن تازی این نیایش ش۲۲ گ۹٦الف و ب وترجمه پارسی خیـام بدرخواست دوستان اودر سپاهان بسال۴۷۲ ش۲۳ گ۹٦ب - ۹۸الف ایندفتر استو نسخه ای ازاین پارسی درجنك ش۲۹۱۲ سپهسالار ص۱۱آمده است (خیام دراینجا ١٥ این ومتی‌را یکجائی‌و کیفیت ترجمه کرد) بنگرید به‌ص۱۳۴ج۱ اینفهرست. قنواتی‌این نیایش رابنام «الكلمة الالهية فى‌ذات‌الله وصفاته» درش ۱۹۴ آورده و نسخه نزدیک ۷۰۰ برلین را شناسانده ودرش۱۷۷ بنام «خطبةالتمجيد - الخطبة الالهية - الخطبة- التوحيديه» باانداك جدائی چندین نسخه دیگرآنرا شناسانده .

۲ - نیایشی است فیلسوفانه ازخدای .

۲۰ **آغاز:** مناجات للشيخ‌الرئيس ابى‌على‌بن‌سينا رحمه‌الله - اللهم! لما كان الوجود لذاتك واجب ؛ كان‌الامكان لوجود ذات غيرك ، ضربة لازب .

انجام: والطالب ياالله‌المشارق والمغارب .

۳ - نیایشی‌است مانند دومی.

آغاز: ايضا مناجات للشيخ الرئيس روح‌الله روحه - الهى والـه الموجودات و

---

٢٥ ۱ - جوزجانی درهمدان بسال۴۳۸ درگذشت ونزد استاد بخاك سپرده شد(الكنى والالقاب قمى ج۱ص۳۱۲) .

المحسوسات ! یا واهب النفوس و العقول !
انجام : والیك الجود والبقاء . فسبحان الذی بیده ملکوت کلشیئی ، والیه ترجعون .

[۷۰۳-۷۰۲]

۵ این دو نسخه شماره۳و۴ دفتر و بخط نسخ میباشد گ۴الف. دومین درطوس ۸۶۱ دوشنبه ۱۸ ذیقعده ۱۲۸۳ نوشته شد .

۴ - دراین نیایش شیخ بخدا بازمیگردد و بدو میگوید که من پیرو محمدم و می پذیرم که میگساری ناروااست مگر اینکه سرنوشت چنیناست وسرشت مردمی چنین میخواهد که بدو بهانه آنرا بنوشم یکی اینکه چون در شهر های ناساز گار ۱۰ وباخیز هستم ناگزیرم خودرا باآن درمان کنم دیگر آنکه تودر کتاب خویش گفته‌ای « ومنافع للناس» ومن میخواهم دریابم که توراست گفته‌ای وبدان گواهی دهم .

آغاز: بسمله وبه نستعین . اللهم لاشریك لك فارجوه . ولاوزیر، فارسوه .
انجام: وادخلنی فی زمرة المقربین، مقربامن القدس الاعظم ، مبعداعن حضیض الجهنم ، لانك انت العزیز الاکرم - تم الدعاء .

۱۵ [۷۰۴]

این نسخه شماره۸ دفتر وبخط نسخ تاریخ ۴ ذیحجه سال۱۲۸۳ گ ۵۶ ب ۸۶۱ میباشد اینگفتار درنسخه‌ما ونسخه ش۶۶۶طوس (ج۴ص۱۳۳) بنام «دعاء القدیس» یادگردید .درش۹۷۰طوس از«عاء العریش» ودومناجات ازشیخ یاد شد .

۲۰ ۵ - نیایشی است که شیخ برای آسان شدن مسئله‌دشواری ازستاره(عطارد) کرده ودرسه بیت است : «نقل بعض الافاضل بالسند عن بعض قال انشده ابیات لابن سینا وذکرانه من انشدهاوهوینظر الی کوکب عطارد ویتقدم سبع خطوات وتکرر الانشاد سبع مرات وهویرید معرفة مسئلة اشکلت علیه فانها تتیسر : عطارد قدوالله طال ترصدی - مساوصبا حاکی اراك فاغنما - فماانا فامدد نی قوی ادرك المنی - بها ۲۵ والعلوم الغامضات تکرما - بهافاحجبی بالخیر والسعد کله - بامر ملیك خالق الارض والسما » .

[٧٠٥]

۱۰۳۵ این نسخه درص۲۷۱دفتر و بخط تعلیق و نسخ میباشددرص۲۶۷ آن نیزدو بیت از ابن‌سینا است بنسخ : «صانوا اجمالك بالتبرقع ضلة ـ واری السفور لحسن وجهك اصوانا ـ کالشمس یمتنع اجتلاءك نورها ـ واذا اکتسی برقیق غیم امکنا» .

٥ [٥٧٦] نیایش (فارسی)

میرزا ابراهیم همدانی دراین نیایش عرفانی درشش بند از: «راز ونیاز ـ دانش وعشق ـ سرگذشت شاه ـ فروتنی ـ چگونگی گیتی ـ خاموشی» گفتگو نمود.

آغاز: هو. بسمله. مناجات بطریق السئوال لمیرزا ابراهیم الهمدانی رحمه‌الله . الهی ثیوبات غیبی‌را منبضع بانوار مختلفه آثار واحکام چرا ساخته‌اند .

۱۰ **انجام :** ومصنف این رساله‌را ازجمله پرگویان مشمار . لمصنفه : یارب ز سخن خموشیم ده . توفیق سپرده‌پوشم ده. سر در جیب فراموشی کش. پا در دامن خامشی کش. تمت فی‌شهور ثلث ومائة بعدالف .

[٧٠٦]

۱۰۳۵ این نسخه شماره۳۸ دفتر ص۳۳۷و۳۳۷م و۳۳۸ میباشد .

۱۵ [٥٧٧] وجود (رساله...) (فارسی)

دراین نامهٔ شیوای پارسی عرفانی که ریختهٔ خامهٔ میرسید شریف گرگانی است ازهستی آفریدگار و آفریدگان برای فیلسوفان وصوفیان گفتگو شده چند رباعی پارسی وچند بیتی ازمثنوی مولوی وشعری ازسجاد ع وسخنی ازامیرمؤمنان‌علی ع آمده است . این نامه در چاپخانه رنگین تهران بسال ۱۳۲۱ بنام رسالة الوجود ۲۰ بچاپ رسید .

آغاز: بسمله . بدان وفقك‌الله وایانا که اصحاب بحث ونظر ازبرای بیان‌مراتب موجودات درموجودیت تمثیلی کرده‌اند .

انجام : وکفر هیچیك لازم نیاید . والسلام .

[٧٠٧]

٨٩٠ این نسخه شماره ١٦٠ دفتر است و بخط تعلیق گ ٩٤الف ـ ٩٦ ب بنام رسالهٔ مراتب موجودات .

[٧٠٨]

١٠٣٣ این نسخه شماره ١٠ دفتر است و بخط تعلیق شکسته و گاهی بی نقطه از آقا جعفر لاهیجانی گیلانی که در لاهیجان زاده ودرهمانجا درگذشت وشاگرد آقااحمدمازندرانی بیدآبادنشین بوده است . ایندفتر از آنخودنویسنده بوده سپس حاج محمدزمان خراسانی پسر کلبعلی آنرا داشت و بخط خود در تهران بسال ١٢٨٢ درپایان این نامه نوشت. گ ٢٧الف ـ ٣٠ الف . پایان چنین است : « اگرآفتاب بر امور خسیسه نتافتی ... ناقص بودی» برابر باص ١٥ص٢٢ چاپی ودو صفحه کم دارد .

[٧٠٩]

١٠٣٥ این نسخه شماره ٤٠ دفتر است و بخط تعلیق تاریخ شعبان سال ١١٠٤ درروستای فیضاباد خبیص ص٣٤٦ـ٣٤٨ .

[٥٧٨] الوجود (رسالة في ...) (عربی)

دانشمند شمسای گیلانی در این رساله از هستی گفتگو نمود ودر آن شبهه ابن کمونه را رد کرد (گ ١١٢) .

آغاز : الحمدلله الذی جعلنا بتصحیح اعتقاداتنافی اصول الدیانات وفروعهامن اهل الشفاء والنجاة ... فیقول محمدالشهیر بشمساالجیلانی ... هذه رسالة ملکوتیة فی تحقیق معنی الوجود وفروعه ولواحقه .

انجام : فظهر انهما تمسکابالمرجوح وترکاالراجح . وفیه رمز. فتدبرومن الخطاء فاحذر . تم .

[٧١٠]

٩٢٦ این نسخه شماره ٦ دفتر است و بخط تعلیق باحاشیه‌های (منه دام‌ظله) گ ١١٠ الف ـ ١٢٢ب نسخه‌ای درطوس (ش٧١٩) هست که انجام آن چنین است : «لکن فی ترکهماالتأسیس رمز» وتاریخ آن ١٠٩٥ میباشد .

[٥٧٩] وجودمطلق (رساله ...) (فارسی)

این گفتار عرفانی که ازوجود مطلق در آن گفتگو میشود نگارش سید علی

همدانی عارف (۷۱۳-۷۸٦) میباشد .

آغاز: بسمله‌الحمدلله ... بدانکه نزداهل کشف وشهود وجود مطلق یکی بیش نیست و آن وجود مطلق حق‌است .

انجام : صفات ذات شمرند وباقی صفات فعل واللّٰه‌اعلم باسرار صفاته .

٥ [۷۱۱]

این نسخه شماره٤٥ دفتر است وبخط تعلیق درگ ۱۷٤ب و درآغـاز دارد : ۱۰۱٥ «بسمله ... حضرت امیرسید علی‌همدانی فرماید... ای‌عزیز بدانکه نزداهل کشف وشهود وجود مطلق یکی است» ودر پایان: «باقی صفات فعل‌والله اعلم باسرار صفاته والحمدلله‌وحده والسلام علی‌من اتبع‌الهدی» ـ دراینجا خط ومهر خریدار نسخه ۱۰ «محمد ابراهیم بن‌زین‌العابدین نصیری» دیده میشود .

[۷۱۲]

این نسخه شماره ۱٦ دفتر وبخط تعلیق تـاریخ ۱۱۹۸ است گ ٥۱الف ـ ۱۰۸۸ ٥۲الف وپس ازاین سخنی ازافلاطون درباره توحید وعوالم وعالم مثال(٥۲ب ٥۳الف) وازارسطو (ازشهرستانی) (٥۳ب ـ ٥٤الف) وازحواشی فصوص ۱٥ فارابی دراینکه از«وجه» «ذات» رامیخواهند آمده است (٥٤) .

[٥٨۰] وجود واجب (عربی)

این گفتار ازشمسای گیلانی است که در آن ازهستی خداوند سخن رانده‌سستی شبهه ابن‌کمونه را آشکار بداشت .

آغاز: قدثبت بالبراهین‌العقلیه ان الحقیقة الوجوبیـة موجودة فی‌الخارج وهی ۲۰ علة العلل .

انجام : ومن فاز وتشرف بفهم جمیع ما ذکـرنا . . . یصیرعنده شبهة ابن‌کمونة المشهورة بالاشکال فی‌نهایة الاضمحلال واوهن‌الجدال واضعف‌القیل والقال.س‌م س دام ظله .

[۷۱۳]

۲٥ ۹۲٦ این نسخه شماره۱۲ دفتراست وبخط تعلیق روزگارشمسا گ۱٥۱الف ـ ۱٥۲ الف . نشانه‌های نسخه میرساند که این گفتار نیزازآن دانشمند میباشد .

[۵۸۱] وجود الوجود (عربی)

دراین گفتار که ازعبدالرحمن جـامی (۸۱۷ ـ ۸۹۸) دانسته شده نخست روشن میگردد که هستی هست سپس بخرده گیریها که شده پاسخ داده میشود آنگاه رشته سخن ببود کلی طبیعی درخارج میکشد و گفته شارح مطالع (م ۷۷۶) بمیان میآید . درپاسخ این دشواری که اگر کلی باشد باید درچندین جـای یافت شود و بساختهای گوناگون درآید چنین گفته شده که تنهـا طبیعت میتواند چنین باشد و دشوار وناروا هم نیست .

آغاز: بسمله وبه نستعین الوجود ای مابانضمامه یترتب علیه آثارها المختصة بها موجود. فانه لولم یکن موجود الم یوجد شیئی اصلا والتالی باطل فالمقدم مثله.

انجام : لاننقل المنع حینئذ الی انحصار الوجود الواحد فی کونه قائما بکل واحد منهما وکونه قائما بالمجموع فلایجدی نفعا .

[۸۱٤]

۱۰۳۵ این نسخه شماره ٤ دفتراست وبخط تعلیق شکسته شهاب الدین دیباجی نزدیك ۱۱۰۰ ص ۹۳ـ۹٤ـ درطوس سه نسخه ازاین هست (ش ۷۱٦ـ۷۱۷ـ۷۱۸)

[۵۸۲] وحدة الوجود (مقالة فی ...) (عربی)

دانشمند خفری در این گفتار ازوحدت وجود واینکه هستی خدایست وبس وآفریدگان پرتو او ووابسته بدویند وازاصالت وجود واصالت عقل وعلیت هستی برای تشخص وتفرد و عینیت دانائی خدا که بنیاد سخنان صوفیان است سخن راند

[۷۱۵]

۱۰۷٤ این نسخه شماره ٦ دفتراست وبخط تعلیق ریز گ ۱۲۲ ب ـ ۱۲۳ ب . چنین است آغاز وانجام آن: «تتمة من کلام الفاضل الخفری رحمة الله علیه . اقول مدار کلام الصوفیة علی خمسة احرف احدها ان الوجود الحقیقی الذی هو امر واحد باعتبار منشأء لظهور جمیع الممکنات ـ فهذا حکم الممکنات بالنسبة الی الوجود الحقیقی. والله اعلم بالصواب والیه المرجع والمآب» .

[۵۸۳] وحدة الوجود (عربی)

شیخ حسین بن ابراهیم تنکابنی (زنده در ۱۱۰٤) دراین رساله ازوحدت وجود

سخن راند وصرف هستی‌را یکی دانست نه‌اینکه مانند برخی ازعارفان همه‌هستیها را موهوم بداند . اومیان وحدت وجود و کثرت تجلیات سازگاری داد .

آغاز: بسمله. الحمدلله‌الذی هونور سموات‌العقول‌والنفوس‌وظهور ارض‌الاجرام واعراضها المحسوس . . فیقول ... شیخ حسین‌بن ابرهیم‌التنکابنی . . . قداختلج فی خاطری ان اکتب شیئاً فی‌باب وحدة الوجود مع کثره تجلیاته وتشعب نزولاته.

انجام : فهو هـائم فی‌تیه الحیرة . ولم یکن من الموحدین بالحقیقة . والله اعلم بحقائق‌الامور . وهو ولی دارالسرور ، والمنقذعن اسربلادالغرور .

[۷۱٦]

۱۰۳۵۱۰ این نسخه شماره۳ دفتر است وبخط شکسته تعلیق شهاب‌الـدین دیباجی نزدیك ۱۱۰٤ ص۹۰ـ۹۳ وچنین است عنوان‌آن : «رساله وحدت وجود شیخ‌العارفین شیخ حسینا سلمه‌الله» درطوس دونسخه ازاین هست ش۷۲٤و۷۲۵ .

[۵۸٤] هربنش(نامهٔ ...) (فارسی)

دراین نامه که بساخت پرسش وپاسخ استوپرسندهٔ آن ممچهه(Munkshu) وپاسخ دهنده آن بیشنباین Vaisampayana میباشد ۲۵ افسانهٔ هندی آمده و نامهای هندی بسیاری درآن دیده میشود ویکی ازنمونه‌های فرهنك هندو استکه بپارسی کرده‌اند . این نامه هربنش Harivamsa راکه ازگفتار بیاس Vyasa و بیشنباین شاگرد اومیباشد بامهاربهاراته Mahâbârata وراماینه‌Râmâyana اکبرشاه هندی (۹٦۳ ـ ۱۰۱٤) دستور داده بودکه بپارسی درآوردند . درآغاز آن پس از ستایش نـاراین‌Nârâyana و نر (Nara) و سرستی‌Sarasvati و بیاس(۱) استاد نگارنده نامه ودارای کردارهای شگفت انگیز فراوان ، از افسانه های دیگرهند یاد میشود ونوشته است که هرکس نامهٔ هربنش‌را بشنود یابخواند ویا بنویسد ویانوشته بدیگری‌دهد دررستاخیزبدیدارآفریدگار برخوردارخواهد شد . فهرست ۲۵ افسانه درپایان نامهٔ مادیده میشود.

---

۱ ـ بنگرید به: فهرست فارسیهای موزه بریتانیا ج ۱ ص۳۳۰a ش Add5559 فهرست نامهای هندی کتاب‌الهند بیرونی.

آغاز: به‌جان خویش بگویم که‌ذره بی‌نور ـ اگرطریقت دیدار آفتاب‌نداری
کتاب هربنس‌الهند . بدانکه این کتابیست هربنس نام از گفتار بیاس و بی‌سنبااین‌نام
شاگرد اومیخواهدکه پیش‌راجه ممچه بخواند ... میگویدکه سجده میکنم نارااین
را بعد ازآن ... نررا ... بعد ازآن سجده سرستی را ... بعد ازآن ... بیاس را.
انجام: تمام شد داستان ترپراده (Trivrit?) یعنی سوختن سه‌شهردتیان . ۵

[۷۱۷]

۳۴۲ این نسخه بخط نسخ باعنوانهای شنگرف‌میباشد ودرپایان دارد «تمت کتاب
هربنس ازگفته بیاس . کتبه من یداحقر العباد هاشم منجم در سنهٔ ۱۲۸۵ »
فهرست داستانها درسه‌صفحه پایان دفتر نوشته شده. این‌نسخه ازروی نسخه
آستانه طوس که ازهند برای صفویان‌آمده ونادرشاه (۱۱۴۸ ـ ۱۱۶۰) آنرا گرفته ۱۰
وقف کرده بود نوشته شده است جای تصویر وپیکره درگ ۱الف سفید میباشد .
(۱۷۰گ) ــ کاغذ فرنگی ــ جلد تیماج سرخ ضربی
اندازه : ۱۷×۲۷ و۱۰×۱۹ س۲۱

گفتار چهارم

کلام

شریعتمدار حاج ملامحمدجعفر بن ملاسیف‌الدین استرابادی که در تهران میزیست ودرهمانجا بسال ۱۲۶۳ درگذشت ودر نجف بخاك سپرده شد این کتـاب را بروش شیعی در کلام نوشت . او« آب حیات» کوچکی هم دارد درپنج اصل دین که یکی

۵ ازشاگردانش آنرا در۱۱۶ بیت بنظم درآورد ودر ۱۲۹۶ با برخی از رساله های عملی بچاپ رسید .

آغاز: بسمله . الحمدلله الواجب‌الوجود بالذات . اما بعد چنین میگوید خـادم بساتین جعفری ... محمد جعفر استرابادی .

انجام : وشقی‌شقی درشکم مادر بود والله‌العالم و له‌الحمدالدائم‌والصلوة‌والسلام

۱۰ علی محمد واله‌القائم .

[۷۱۸]

۸۸۹ این نسخه شماره۱ دفتری است دارای چهارساله وبخط شکسته تعلیق وعبارت های تازی وعنوانها بنسخ درشت ازعلی‌اکبر پسرعبدالعلی کرمـانی در۱۸ع۲ سال۱۲۶۸ درکرمان که برای خود نوشته است گ۱ب ـ ۳۲ب .

۱۵ (همه دفتر ۲۳۰) — کاغذ فرنگی — جلد تیماج مشکی ضربی مقوالی

اندازه : ۱۵×۵ر۲۱ و۱۰×۱۶ س۳۱ تا ۴۶ سطر

[۵۸۶] **اثبات امامت** (فارسی)

دراین گفتار ازامامت بروش شیعی گفتگو میشود .

[۷۱۹]

۲۰

۱۰۶۵ این نسخه بخط تعلیق بانشانه‌های شنگرف وعنوانها بشکسته درهامش میباشد ونشانهٔ «بلاغ» دارد. ازآغاز وانجام‌آنچه که هست اینست : « مردمان‌براتباع یزید پلید و عدم خلع او تحریص و ترغیب مینمود ـ خاتمةالرساله ... چنانکه یزیدپلید نزدسنیان‌خلیفه بحق بوده» دوبرگ نخستین وصالی شده‌واندکی ازسطرها خوانده نمی‌شود .

۲۵ (۳۰۲گ) — کاغذ سپاهانی موریانه خورده — جلدتازه مشکی

اندازه : ۱۵×۳۲و۹×۱۷ س۱۶

[٥٨٧] **اثبات التکلم لله و تفسیر الکلام النفسی** (عربی)

دانشمند دوانی دراین گفتار ازسخن خدای و کلام نفسی بحث میکند .

آغاز: بسمله . المبحث الاول فی اثبات کونه متکلما و تفسیر الکلام النفسی الذی اثبتوه .

انجام: ولاشك ان الخبر الکاذب لو کان من افراده الممکنة بهذا المعنی لم یصح کون جمیع اخباره صادقة. والله اعلم .تمت . ٥

[٧٢٠]

١٠٢١ این نسخه شماره ١٣ دفتراست و بخط تعلیق ریز علی بن مسافر قاضی بسال ٩٣٩ میباشد .

[٥٨٨] **اثبات حدیث من کنت مولاه (رسالة...)** (عربی) ١٠

دراین رساله سندهای مسلسل این حدیث که یکی ازدلیلهای شیعیان برخلافت علی(ع) است آورده شده ، دربیشتر جاها درستی یا نادرستی آنها روشن گردید .

آغاز: الحمدلله حق الحمد و منتهی الحمد کما ینبغی لعظمته ... حدیث من کنت مولاه ... مماتواتر وافادالقطع .

انجام: فاعتموا فان العمائم سیماء الاسلام وهی حاجز بین المسلمین والمشرکین. هذامرسل . تمت والحمدلله رب العالمین . ١٥

[٧٢١]

١٠٨٠ این نسخه شماره ١١ دفتر و بخط نسخ باعنوانهای شنگرف میباشد گ ٢١١ ب ٢٢٣ ب .

[٥٨٩] **اختیار (رساله . . .)** (فارسی) ٢٠

دانشمند محمد باقر بن محمد جعفر فاضل شیخی کوهی (قهی) سپاهانی (١٢٣٩-١٣١٩) دراین رساله ازجبر وتفویض ازروی آیتها وخبرها گفتگو نمود و در دیه لنگر در روز ١٦ع١ سال ١٢٨١ آنرا بپایان رساند (فهرست طوس ج٤ ص ٤١ و ١٣١)

آغاز: بی نهایت حمدیکه برعارفان عالم امکان لازم است مخصوص ذات پاکی

است که ازچند وچون بیرون .

انجام : وهمین قدر ازبیان از برای رفع شکوك وشبهات از برای حلال زادگان کفایت میکردواز برای حرامزادگان هم حجت تمام شد... تمامشد این رساله مختصر در... لنگر... سنه ۱۲۸۱ هزار ودویست وهشتاد ویك. حامدا مصلیا مستغفرا.

٥

[۷۲۲]

۳۷٦ این نسخه بخط تعلیق علی اکبر پسر عبدالله آشتیانی همدانی در ۲۵ محرم سال ۱۲۹۰ میباشد (درنسخه ۱۲۰۹ دارد ودرست نیست) .

(۳۶۸گ) ــ کاغذ فرنگی ــ جلد تیماج

اندازه : ۱۱×۱۸ و۷×۱۲٫۵ س۱۵

۱۰ [۵۹۰] **ارشادالطالبین الی نهج المسترشدین** (عربی)

جمال‌الدین ابوعبدالله مقدادسیوری حلی (م۸۲٦) دراینکتاب نهج المسترشدین علامه حلی راگزارش نمود ودر روز پنجشنبه ۱۱ شعبان ۷۹۲ آنرا بپایان رساند. این گزارش به (قال واقول) ودر بمبئی بسال ۱۳۰۳ بچاپ رسید .

[۷۲۳]

۱٥

۲۹۷ این نسخه شماره ۲ دفتر و بخط تعلیق وهمه متن درهامش نوشته شده است گ ۸۱ب - ۲٦۳ب وچنین است : «ان اولی ماصرفت فیه قوة فحول الافکار، لاقحة لخراید ابکارالاذکار، مستحدثة فی اظهار نتایجها فصیح الاذکار؛ حمد موجود تفرد بوجوب الوجود، وصفات الکمال، ونعوت الجلال لذاته ــ والحمدلله وحده والصلوة علی من لانبی بعده واله وسلم . صورة ماکتبه المصنف تغمده الله بغفرانه علی ما نقل عنه

۲۰ وکتب مصنفه المقداد بن عبداله ... السیوری وکان الفراغ من تصنیفه آخر نهار الخمیس الحادی والعشرین من شعبان المعظم سنة اثنین وتسعین وسبعمائة . . . سودفی التاسع و العشرین من جمادی الثانیة ۱۳۲۷ بقلم ... محمد حسین الجرباد قانی عفی عنه» .

(همه دفتر ۱۹۷گ) ــ کاغذ فرنگی ــ جلد مقوا

اندازه : ۱۱×۱۸ و۷×۱۴ س۱۷

۲٥ [۵۹۱] **اسلام ابی طالب (رسالة ...)** (عربی)

یکی ازمباحثی که میان پیروان سنت وشیعیان گفتگو میشده مسئله اسلام آوردن ابی‌طالب بود واین رساله در این باره است و در آن حدیث « ان اباطالب اسلم

بحساب الجمل» وسخنانی که کلینی وصدوق درباره آن گفته‌اند آمده و درآنها بررسی میشود .

آغاز: بسمله . علی بن محمد... عن ابی عبدالله .. قال ان ابا طالب اسلم بحساب الجمل . قال بکل لسان .

انجام: وحججه بحقایق کلامهم صلوات‌الله‌علیهم اجمعین .

[٧٢٤]

٩٤٤ این نسخه شماره ٤ دفتری است دارای ١٢ رساله کلامی وریاضی وتفسیر وفقه وبخط نستعلیق گ ١٧٢الف‍ـ ١٧٣الف . شماره ١ ایندفتر حاشیه شیخ بهائی است بر کتاب من‌لایحضره‌الفقیه بهمان خط باعنوانهای شنگرف از محمد شریف پسر ابوتراب داود درپایان محرم سال ١٠٩٤ و٧ آن رساله تسلیم نماز ازابومحمدبن عنایت درپایان رجب ٩٧٩ بهمان خط محمدشریف درروز شنبه شوال ١٠٩٤ و٨ رساله شیخ بهائی درحرمت‌ذبیحه اهل کتاب درپاسخ سفیرروم که گفت قرآن آنرا حلال‌ساخت وبهائی این‌را بدستور شاه عباس‌که سیدش می‌پنداشت نوشت بهمان خط همو در ٢٠ شوال ١٠٩٤ گ ٩٩ب١٠٥الف و٩ تفسیر بهائی برآیه « کلما القی فیها فوج سالهم خزنتها ...» بهمان خط گ ١٠٥الف‍ـ ١٠٦ب و١٠ رضاع محمدتقی مجلسی بپارسی بهمان خط درشوال ١٠٩٤ و١١ وقت نماز ازابومحمد بایزیدبن‌عنایت‌اله بسطامی بهمان خط محمد شریف در٣ ذی‌قعده ١٠٩٤ .

(همهٔ دفتر ١٧٦گ) – کاغذ سمرقندی   جلد تیماج سرخ ضربی مقوائی
اندازه : ١٢×١٩و٨×١٣ س ١٧

[٥٩٢] اشراق الحق من مطلع الصدق (عربی)

درغیبت صغری چون شیعه در تقیه بودند هیچگاه نام امام زمان را برزبان نمیآوردندتامردم آنها رانشناسند (گ ٥٨ نسخهٔما) همینکه چندی گذشت برخی گام فراتر نهاده روی خبرهائی‌چند نامبردن اورانارو‌ا بلکه کفر پنداشتند .تاجائی که دانشمند فیلسوف داماد استربادی رساله ای بنام «شرعة‌التسمیة» نوشته است . پیش از او کلینی و ابن‌بابویه قمی در عیون اخبار الرضا و شیخ طبرسی نیز چنین میگفته‌اند (گ ٥٤) .

من الهجرة النبوية على مشرفها

الصلوة والسلام والتحيه

اجزت للمولى الفاضل المحقق والاولى الكامل

المدقق صاحب الفهم الوقاد والطبع النقاد

الملازم لتحصيل العلم والمحسوب لوصلة الفهم مولانا نصير الدين

محمد سلمه الله تعالى وادامه وبلغه الى اعلى درجات

الكمال واقاصيه ان يروى عنى هذه الرسالة بمشاركة

واخذت عليه ما اخذ علي من عدم النسيان من صالح الدعوات

سيما مظان الاجابات وكتب مولينا الحاكم علي بن عبد العالي الحسيني الكركي

عفى عنه بالنبى واله

ش ۲۹۳ گ ٦٩ ب

اجازه کرکی به نصیرالدین محمد بخط خود کرکی

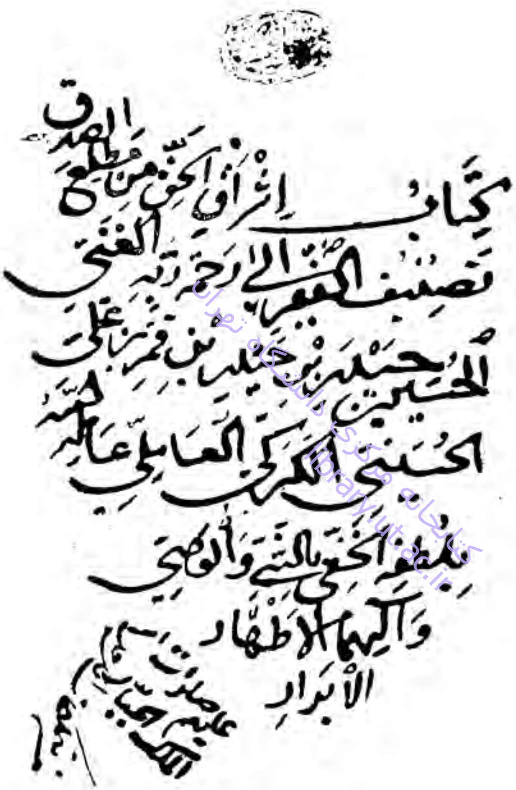
دانشمند مجتهد ومفتی سپاهان عزالدین ابوعبدالله حسین بن حیدر بن حیدر بن قمر بن علی حسینی کرکی عاملی بسال ۱۰۲۰ در پاسخ شیرازیان این رساله را نوشته از روی اصل جواز واخبار واجماع روشن ساخت که چنین نیست، ومیتوان نام آن امام را برزبان آورد و گناه نیست. رسالهٔ او دومقصد است. درنخستین دلیلها برای روائی آن میآورد ودر دومی ازشبهه‌های طرف پاسخ میگوید. اواز رئیس المحققین شیخ علی (بن عبدالعالی ۹٤٠م) باعنوان «اعلی الله قدره» واز بهاءالدین محمد (۹۵۳ ـ ۱۰۳۰) درمفتاح الفلاح وحبل المتین با عنوان «مدظله» یا «ادام الله برکاته» یاد میکند. درجائیکه باجماع تمسك میکند ازاین دانشمندان یاد کرده وازاین کتابهای آنان گواه میآورد:

مسائل شیخ طوسی، مهج الدعوات ابن طاوس، اعتقادات ابن بابویه، منهاج ـ الصلاح علامه، کشف الغمه علی بن عیسی اربلی، ارجوزه علم کلام تقی الدین حسن بن داود حلی، ارشاد المسترشدین فخر المحققین، جامع الاصول فی شرح الفصول محقق رازی، معین الفکر محمد بن جمهور، احتجاج ابومنصور احمد بن علی بن ابی طالب طبرسی، مزار دروس شهید، کفایة الطالبین احمد بن متوج بحرانی، مشارق انوار الیقین فی کشف حقایق امیر المؤمنین رضی الدین رجب بن محمد بن رجب حافظ برسی، کتاب الجوابیة، تفرید الاعتماد فی شرح تجرید الاعتقاد شمس الدین محمد بهشتی، شرح نجات العباد محمد بن ابی طالب استرابادی، غایة المطلوب فی علم الکلام مولانا لطف الله نیشابوری، رسالهٔ نجمیهٔ شیخ علی بن عبدالعالی. همه این دانشمندان یادکردن نام امام زمان را روا میدارند. نیز میگوید که صلوات خواجه طوسی را چهارصد سال است که درانجمنها میخوانند بااینکه آشکارا نام امام در آن برده شده است.

آغاز: الحمدلله الذی یحق الحق بکلماته ویبطل الباطل ولوکره المشرکون... وبعد فقد وردعلینا من اجلاء اخواننا فی الدین من محروسة شیراز کتاب ... ذکر فیه ان بعضا من الناس زعم انه یحرم ولایجوز ذکر القائم ... باسمه وکنیته بل ذکر ان من

نطق به فقد كفر بالله واليوم الآخر وسئل الاستكشاف فى هذه المسئلة... فاجبت مطلوبه.

انجام: فلنقطع الكلام حامدين ... وفرغ من تصنيفها ... **الحسين** بن حيدر الكركى العاملى ... فى الثانى والعشرين من شهر رمضان المبارك من شهور سنة الف وعشرين.


كتاب اشراق الحق من مطلع الصدق
تصنيف الفقير الى رحمة ربه الغنى
الحسين بن حيدر بن قمر بن على
الحسينى الكركى العاملى عامله الله
بلطفه الخفى بالنبى والوصى
وآلهما الاطهار
الابرار

ش ۲۹۳ گ ۱ الف

صفحه عنوان « اشراق الحق »

[۷۲۵]

۲۹۳ این نسخه شماره۲ دفتراست بنسخ باعنوانهای شنگرف باحاشیه هائی بخط تعلیق باعبارت«منه»وبنسخ گ۱ب۶۹الف. در گ۱الف بخط نسخ لاجوردی بااعراب شنگرف ازخود کرکی دارد: «کتاب اشراق الحق من مطلع الصدق تصنیف الفقیر الی رحمة ربه الغنی الحسین بن حیدر بن قمر بن علی الحسینی الکرکی العاملی ۵ عامله الله بلطفه الخفی بالنبی والوصی والهما الاطهار الابرار» باز بتعلیق دارد: «مصنف اینکتاب والد مرحوم مغفور نواب میرزا حبیب اله صدراست» نیز بشکسته دارد که محمد رضوی این را ازخاندان میرمحمد جعفرهروی خرید. درپایـان مهر «المتوکل بالملک اللطیف عبده محمد شریف» هست. در گ ۶۹ب اجـازهٔ همین کرکی است بمولانـا نصیرالدین محمد بخط تعلیق خود کرکی. (ص۱۴۰همین فهرست). ۱۰

(همه دفتر۱۳۰گ) – کاغذ سمرقندی – جلد تیماج مشکی زرکوب مقوائی
اندازه: ۵ر۹×۱۹و۵ر۴×۵ر۱۲ س۱۱

[۵۹۳] **اعتقادات** (عربی)

ابوجعفر محمدبن ... بابویه قمی (آغازسده۴– ۳۸۱درری) یکی ازرهبران دانشمند آئین شیعی نزدیك بسیصدکتاب دارد. شیعیان روایتهای او را ارج نهاده ۱۵ مراسیل اورا ازمراسیل ابن‌ابی عمر کمتر نمیدانند. ابن بابویه این‌رساله را دربیان اعتقادات درست شیعه چنانکه خود میاندیشید نوشته است و آنرا برای بزرگـان شیعی نیشابور که چگونگی دین‌امامیان را ازوی پرسیده بودند درروز آدینه ۱۲ شعبان سال۳۶۸درانجمن سخنرانی برزبان راند. شیخ‌طوسی درفهرست، این‌رساله را «دین‌الامامیه» نامید. ابن‌بابویه درپایان آن میگویدکه اگرازاین سفری کـه‌در ۲۰ پیش دارم برگشتم وبنیشابور آمدم تفسیری برای آن می‌نویسم. درفهرست‌نوشته های اونامی ازاین تفسیر نبرده‌اند مانا ننوشته‌است (ذریعه ج۲ص۲۲۶) این‌رساله درایران بسال۱۲۹۶ باسه رساله دیگرص۶۶–۱۱۵ چاپ سنگی شد ابن‌بابویه در پایان آن بکتاب توحیدخود بازمیگرداند ونوید میدهد کتابی در متشابهات قرآن بنویسد. ۲۵

آغاز: الحمدلله‌رب‌العالمین وحده لاشریك‌له. باب‌الاعتقاد فی‌التوحید قـال الشیخ ابوجعفر.

انجام: وقـد اخرجت الخبر فی ذلك مسندا بشرحه فی کتاب التوحید وساجرد فی ذلك کتابا بمشیة الله وعونه والحمدلله رب العالمین .

[۷۲۶]

۶۸۹ ه‍ این نسخه شماره۲ دفتراست وبخط نسخ با نشانه‌ها وعنوانهای شنگرف ودرشام روز دوشنبه ۲۰ محرم ۱۰۸۱ نوشته شده. درپایان دارد «فی ملك حسن» گ۱۴۷ ب ــ ۱۸۶ الف .

(همه دفتر ۱۸۶گ) ــ کاغذ سپاهانی ــ جلد تیماج سرخ ضربی مقوالی
اندازه : ۱۲٫۵×۱۹٫۵ و۶×۱۲٫۵ س۱۴

[۷۲۷]

۱۰

۸۷۹ این نسخه شماره۷ دفتراست وبخط نسخ با نشانه‌ها وعنوانهای شنگرف و بدینجا میانجامد : «باب الاعتقاد فی الحدیثین المختلفین... ثم یقول عزوجل و کلم الله موسی تکلیما» و کم دارد گ۱۶۸ الف ــ ۲۱۲ب . پیش ازاین درشماره ۵ و۶ «المفید فی علم التجوید» بخط نسخ جمال الدین بن ... عباس گ ۱۳۷ب ــ ۱۴۴ ب و«اللمعة الحلیة فی معرفة النیة» میباشد بهمان نسخ گ ۱۴۵ب ـ ۱۶۷ب و۲۱۳ـ ۲۲۴ الف . درکنار ۲۲۴الف دارد «کتبه عبدالکریم» و«کتبه مولانا کمال الدین» واین کمال الدین گرگانی وزنده در۸۷۸ ونویسنده شماره۱ دفترمیباشد .

۱۵

(همه دفتر ۲۲۵گ) ــ کاغذ سمرقندی ــ جلد تیماج مشکی ساده
اندازه : ۱۲×۱۷٫۵ و۸×۱۱ س۱۳

[۷۲۸]

۲۰

۹۹۴ این نسخه شماره۱ دفتراست وبخط تعلیق ریز گ۱ب ـ ۲۴الف .

[۷۲۹]

۱۰۸۰ این نسخه شماره۸ دفتراست وبخط نسخ گ۱۶۷ب ــ ۱۹۲ب.

[۷۳۰]

۲۵

۱۰۸۵ این نسخه شماره۱ این دفتراست گ۱ الف ــ ۸الف وبخط نسخ مانندشماره۲و آغاز کتاب را ندارد وچنین است : «ومن یتولهم فاولئك هم الظالمون وقال ص انی لاسمع الوجل فی المسجد ...» آنگاه «باب الاعتقاد فی اباء النبی ...اعتقادنا فی اباء النبی انهم مسلمون من آدم الی ابیه عبداله» میآید .

خط نسخ وحاشیه‌هائی بپارسی وتازی دارد ودرپایان ع۱سال۹۰۱ نوشته شد.
دربرك۳ الف نوشته است که درصفر۱۱۱٦ باچندتن ازمردم استراباد نزدمحمد کاظم
خان بسپاهان رفته‌ایم وبهمین خط نام(محمد صالح بن محمدحسین استرابادی) دیده‌می
شود که دارنده نسخه بوده است ودر٤۷الف نوشته است که ملاعبدالغفور در۱۱۲۹
بآموختن کودکان پرداخت وخط‌همان‌دارنده نسخه‌درسه‌جای‌همان‌برگ‌دیده میشودودر ۵
برگ ۱۱۸ب خط ومهرهمودردوجا هست ونویسنده نسخه همان لطف‌اله مازندرانی
یادشده‌دردو شماره دوم وسوم این‌دفتر میباشد.

(همه دفتر ۱۲۴ گ) — کاغذ ترمه سپاهانی — جلد دریکطرف وتیماج مشکی ضربی
اندازه : ۱۳ × ۵ر۱۸ و۸×۱۱س۱۳

[٥٩٤] اعتقادات (عربی) ۱۰

شیخ مفید دراین رساله ازاعتقادات‌بروش پرسش وپاسخ درپنج فصل گفتگو
نمود. وآن بنام «النکت‌الاعتقادیه» دربغداد بسال ۱۳٤۳ بارهٔ دوم بچاپ رسید وبا
دیباچه‌ای درسرگذشت مفید وترجمهٔ پارسی‌آن بخامهٔ فهرست نگـار درچاپخانه
اقبال‌درتهران‌بسال۱۳۲٤ خ‌درز+٤۱ص نیزچاپ شده ومنابع شرح‌حال مفید هم
درآنجا یادگردید. ۱۵

آغاز: بسمله وبه نقتی الحمدلله رب‌العالمین ... فهذه عقیده‌تی قادنی‌الدلیل
الیها وقوی اعتمادی علیها .

انجام : وحشرالابدان والنفوس والمیزان وتطایرالکتب (وشهادةالجوارح
... فیکون ماالخبر به‌صحقا) .

[۷۳۱] ۲۰

۸۷۸ این نسخه‌شماره۱ دفتریست دارای دورساله‌وبخط تعلیق شکسته باعنوانهای
شنگرف وبنسخ میباشدگ۲الف–۱۳الف. نسخهٔ ماعبارت میان‌دوکمانه را
ندارد.

(همه دفتر ۱۸۸ گ) – کاغذ سپاهانی – جلد تیماج مشکی ضربی مقوائی
اندازه : ۱۱×۱۸و۵ر۷×۵ر۱۳س۱۳ ۲۵

[٥٩٥] اعتقادات (عربی)

خواجه طوسی در این رساله آنچه راکه باید بدان عقیده داشت بی‌آنکه

بدلیلهای فلسفی آن نگریست بدر خواست دوستی نوشته و همین اندازه را برای توده مردم بسنده دانست. آنرا فیض کاشانی درحقایق وجز آن آورد و بچاپ رسید.

آغاز: هذه صورة عقیدة صدرت عن ... خواجه نصیرالملة والدین الطوسی . . . (۱۰۲۲/۷) اعلم ایدك‌الله ایهاالاخ العزیز ان‌اقل مایجب اعتقاده علی‌المکلف فهوما

۵ ترجمه قوله لااله‌الاالله .

انجام: فهذا تنبیه علی‌منهج‌الحق . واستیفاء ذالك‌شرحناه فی‌کتاب‌قواعدالعقائد فاطلبه (فاطلب منه) والحمدلله (وحده لاشریك‌لـه) رب‌العالمین وصلی‌الله علی‌خیر خلقه محمد وآله اجمعین .

[۷۳۲]

۱۰ ۳٤۰ این نسخه شماره۳ دفتراست وبخط‌تعلیق ریزخوش تاریخ ۱۲۶۰ گ۳۷ب ـ ۳۹ الف .

[۷۳۳]

۱۰۲۲ این نسخه شماره۷ دفتراست وبخط نسخ سیدحیدر آملی گ۱۲۶ب ـ ۱۲۷ب. فهرست نگارشهای رکن‌الدین محمدبن علی فارسی گرگانی مترجم‌رساله‌های پارسی‌خواجه بتازی که آملی ازروی‌خط همو نوشت‌در گ۱۲۸الف ـ ۱۲۹الف

۱۵ دیده میشود .

[۵۹۶] **اعتقادات** (عربی)

ازدانشمند شیعی فخرالمحققین ابوطالب محمد (نیمه شب دوشنبه ۲۰ ج۱ سال ۶۸۰ ـ شب‌ادینه۱۵ج۱سال ۷۷۱) فرزند عـلامه حلی (۶۴۸ـ۷۲۶) که درحله و آذربایگان‌میزیست گویند اودر ده‌سالگی باجتهاد رسید ودانشهای عقلی و نقلی

۲۰ را ازپدربیاموخت. وی ازپدر خواست که برایش «قواعد» بنویسد او هم اینکتابرا میان پنجاه وشصت سالگی (میان ۶۹۸و۷۰۸) در۱۶یا۲۶ سالگی پسر نوشت . او بگفته حافظ ابرو باپدر بدربار خدابنده اولجایتو(۷۰۳ـ۷۱۶) میرفت. گویند که

ایندانشمند راگرك دربود و آرامگاه ندارد (۱) .

اودر این رساله اصول عقاید را در پنج اصل (خدا ـ عدل ـ وعـد و وعید پیامبری ـ امامت) بادلیل روشن ساخت ودر پایان گفت که من در اینجا تنها اصول را آوردم نه فروع را زیراپدرم آنچه اجماعی شیعه است و بنقل درست از پیشوایان رسیده وهیچ شکی درآنها نیست آورده بدانها بنگرید واز آنها پیروی کنید . ۵

آغاز: بسمله وبه نستعین الحمدلله رب العالمین ... فیقول محمد بن الحسن بن المطهر انی املیت هذه الرسالة لارشاد المسترشدین وهدایة الطالبین و بینت فیها مایجب علی المکلفین من الاعتقاد فی اصول الدین .

انجام: فایها المؤمنون تمکنوا واعتمدوا علیه. السلام علیکم ورحمة الله و برکاته تمت الکتاب .

[۸۳٤] ۱۰

۸۷۹ این نسخه شماره ٤ دفتراست و بخط نسخ گ۱۲۱ب ـ ۱۳٦الف .

---

۱ ـ بنگرید به: امل الامل ص۰۰ه ـ لؤلؤتی البحرین ـ مجالس المؤمنین مجلس ۵ ـ هدیة الاحباب ص۲۰۸ والکنی والالقاب ج۳س۱۲ هردو ازقمی ـ روضات الجنات ص۹ ـ ۵۸٦ ـ رجال مامقانی ج۳ص۱۰٦ ـ پایان قواعد علامه دروصیتی که برای پسر نوشته است. یکی ازشاگردان مجلسی گوید که حلی قواعدرا دردهه شصت نگاشته و بسال ۷۲۰ به ۱۵ پایان رساند ودر بغداد بدرس آن پرداخت. اگر بسخن اودر پایان قواعد بنگریم باید در ۵۱ سالگی بدان پرداخته باشد که سال ٦۹۹ خواهد بود (اعیان الشیعه ج۲٤ص ۳۱٤) عبارت قواعد اینست : « بعد ان بلغت من العمر الخمسین ودخلت عشر الستین » از سخن فخر المحققین درایضاح الفوائد فی شرح اشکالات القواعد در میان باب وصیت برمیآید که بسال ۷۱۲ او با پدردر کرانه دریای قلزم نزد سلطان غیاث الدین خدابنده بودند و ۲۰ قواعددر آن سال بپایان رسیده بود. فخر ایضاح رابخواهش گروهی و بدستور پدر نوشت وجزء۱ (ازآغاز تاباب وصیت) را در ۱ شوال ۷۲٤ وجزء دوم (نکاح تاپایان) را در ذی حجه ۷٦۰ بپایان رساند (نیز بنگرید به: فهرست طوس ج۲ص۷ش۱۹ وج۵ص۳۷۲ ـ ٤۷۷) .

[٧٣٥]

٣٧٧ این نسخه بخط نسخ کهنه میباشد وچنین است پایان آن : «قال البخاری ان ابا طالب اول من وضع القسامة وقال ابوطالب للنبی علیه السلام ما اشد» از اصل امامت. در گ ١ الف بخط تازه‌تری، اینکتاب ارشاد المسترشدین فی اصول الدین نامیده شده وبهمان خط بازعقیدة الشیخ فخر الدین یاد گردیدگو یا نام نخستین را آغاز دیباچه گرفته اند.

(٣٩گ) ـ کاغذ سمرقندی ـ جلد تازه شده
اندازه : در١٣×ص١٨ ودر٩×١٤ س٢٠

[٥٩٧] اعتقادات (عربی)

شیخ الاسلام بهاءالدین محمد جبعی عاملی (٩٥٣-١٠٣١) دانشمند متکلم عارف وفقیه ریاضی شیعی دراین رساله اعتقادات شیعه را گزارش میدهد. دو ترجمه پارسی آن ازملا ادهم خلخالی وکس دیگر درطوس هست (ش٣٥٥و٣٥٦) این رساله در ١٣٢٦ بچاپ رسید (ذریعه ج ٢ ص٢٢٨).

آغاز: الحمدلله علی آلائه... فالغرض من تحریر هذه الرساله ... انه لما کان لبعض الفرق الباطلة الذین سموا انفسهم باسم الشیعه کالزیدیة والواقفیة والکیسانیة وغیرهم اعتقادات فاسدة.

انجام: هذه عقائدنا التی نصب مخالفونا علینا . والله ولی التوفیق . والسلام علی من اتبع الهدی .

[٧٣٦]

١٠٨٨ این نسخه شماره ١٠ دفتر وبخط تعلیق سال ١١٩٨ ـ گ ٥٤ب ـ ٥٨ب. پس از این گفتاریست از فیلسوفان درآمیزش عنصرها گ٥٩ الف وسخنان دانشمندان درباره فرشتگان وپریان واز اکلیل همدانی یادمیشود گ٥٩ و گفتار میرفندرسکی دراینکه رهروان نبایستی بوحدت یا کثرت هستی بنگرند و گزارش گفته ارسطو : «المحرك الاول فی المحیط دون المحاط» گ٥٩ب وسخنانی درباره تجرید نفس گ٦٠ الف واثبات اعتباری نبودن هستی گ٦٠ب ـ ٦١الف وتوحید حقیقی ویکی بودن جهان دیدنی گ٦١ب ـ ٦٢الف وسخن ترسایان درخداشناسی وخرده گیری از آنها گ٦٢ ب ٦٣الف بهمان خط تاریخ ١١٩٨ .

دانشمند بزرگوار محمد باقر مجلسی (۱۰۳۷-۱۱۱۰) بدرخواست کسی برای نمودن راه درست این رساله را در دو باب نوشته، نخست اعتقادات سپس اعمال را نشان داد. او در پایان میگوید مبادا پدرم (دانشمند محمد تقی مجلسی ۱۰۰۳-۱۰۷۰) را صوفی
٥ پندارید چه او بسخنان امامان آشنا بود و چنین کسی صوفی نمیباشد. مگر اینکه او مردی پارسا بود و در آغاز کار چنین پارسائی را تصوف مینامید تا صوفیان را بخود نزدیک کند و از او نگریزند و آنانرا از سخنان بیهوده و رفتارهای نکوهیده بازدارد. این بود که بسیاری از آنها را راه بنمود. او در پایان زندگی خویش چون دید که دیگر امیدی نمانده و آنها دشمن خدایند و بر دیگران پیروز آمدند از آنان بیزار
١٠ شد. من بروش پدر آشناترم و نوشته های او در همین باره نزد من هست. این رساله در کنار اعتقادات صدوق (ص ٦٦-٩٨ جنگ دارای چهار رساله) بسال ١٢٩٦ بچاپ رسید.

آغاز: بسمله الحمد لله الذی سهل لنا سلوك شرایع الدین.

انجام: ولیکن هذا آخر ما اردنا ایراده... والتمس منك ان لا تنسانی... وفقنا الله وایاك... و یجعلنا وایاك ممن یذکر فتنفعه الذکری.

١٥ [٧٣٧]

٥٩١ این نسخه شماره ٢ دفتری است دارای: «١ غرر الاخبار دیلمی ٣ رساله رضاع بمامون ٤ تهلیل آخر الاقامه» و بخط تعلیق که محمد رضا الحر در طوس بسال ١١٠١ آنرا نوشت گ ٩٢ ب- ١٠٤ ب. محمد بن الحسن الحر (مشغری م ١١٠٤ نگارنده وسائل) وضیاء الدین نوری ازدارندگان نسخه بودند.

٢٠ [٧٣٨]

٩٩٤ این نسخه شماره ٤ دفتر است و بخط تعلیق تاریخ ١٢٥٤ گ ١٣٨ الف - ١٤٤ ب چنین است آغاز آن: «الیهم علیهم السلام وقد اوردت الاخبار الواردة فیها فی کتاب بحار الانوار» شماره ٥ این دفتر لب اللباب محمد جعفر استرابادی است در رجال بخط نسخ قاسم بن مسیح گیلانی حائری در ١٢٦٣ گ ١٥١ ب - ١٢١ الف و ٧ آن
٢٥ نور المستبصرین سید محمد مرتضی حسینی جونفری است درحدیث چاپ چاپخانه جعفری درجونپور بسال ١٣١٣ در ٣٥ ص گ ١٤٤ ب - ١٥٩ الف.

[٥٩٩-٦٠١] **اعتقادات** (فارسی)

ضیاءالدین علی بن سدید الدین داود گرگانی سه رساله دراعتقادات نوشت:

١ ـ خزائن‌الایمان که‌در آن بروش‌پرسش وپاسخ‌ایمان واسلام‌را بمشرب‌امامیان روشن نمود (٩ب ـ ١١ب).

٥ **آغاز:** بسمله وبه نستعین‌الحمدلله رب‌العالمین ... چنین گوید ضیاء الدین علی‌بن سدیدالدین داود که این‌رساله‌ایست مختصر درمعرفت واسلام بنابرمذهب‌امامیه... وخزائن‌الایمانش نامیدم ... اگرپرسند که ایمان اجمالی کدام است؟ بگو: که‌ایمان اجمالی ایمانی راگویند.

انجام: جواب گوئیم که مراد پیغمبر... دراینجا ازاسلام ثمرات وعلامات اسلام

١٠ بود نه‌حقیقت اسلام. تمت‌الرسالة الشریفة بعون‌الله وحسن توفیقه والصلوه ...واله الطاهرین.

٢ ـ دراصول وفروعی که باید اعتقاد داشت (١٢الف ـ ١٣الف).

آغاز: بسمله قال‌الفقیر الی‌المجید ضیاءالدین بن سدید اگرپرسند کـه خدایرا شناسی بگوبلی شناسم.

١٥ **انجام**: ورکوع وسجود وتشهد وسلام نبود والله سبحانه‌اعلم. تمت‌الرسالة.

٣ـ دراثبات عقائد شیعی بروش پرسش وپاسخ (١٥الف ـ ١٨ب).

نسخه‌ای ازاین درطوس (ش٨٩٤) هست ومیان ١٠٥١و١٠٧١ نوشته‌شده.

آغاز: بسمله‌الحمدلله رب‌العالمین... چنین گوید... ضیاءالدین بن‌سدیدالجرجانی که این رساله‌ایست مختصر دربیان واجبات عقلیه.

٢٠ **انجام**:وقوع آن واجب بود پس وقوع این همه واجب بود. والله اعلم.

[٧٣٩-٧٤١]

١٠١٥ این نسخه‌ها شماره‌های ٥و٦و٨ دفتراست وبخط تعلیق میباشد.

[٦٠٢] **اعتقادات** (عربی)

دراین رساله کوتاه عقاید کلامی اثبات میشود.

آغاز: بسمله و به نستعین. اذاسالك سائل وقال ماالایمان قل هوالتصدیق بالله

انجام: و یجب ان یعتقدانه تعالی یعیدالاجسام ... فثبت اعادة الاجسام .

[٧٤٢]

٨٧٩ این نسخه شماره ۳ دفتراست و بخط نسخ گ١١٧ب - ١٢٠ب .

[٦٠٣] **افضلیة الائمة علی الانبیاء (رسالة فی ...)** (عربی) ٥

حسن بن سلیمان بن محمدبن خالد حلی شاگرد شهید اول (٧٢٤ - ٧٨٦) و نگارنده منتخب بصائر الدرجات سعدبن عبدالله اشعری قمی (م٢٩٩ یا ٣٠١) واثبات الرجعه در این رساله میخواهد ازروی آیات واخبار روشن سازد که پیشوایان شیعی از پیامبران بجز محمد ص برترند. اومیگوید که مفید درمقالات (اوائل المقالات چاپ دوم ص٤٢) ازاین مسئله یاد نمود و گفت که برخی ازدانشمندان پیشین وپسین در ١٠ آن تردید کردند یانفی نمودند وخودهم چیزی نگفت. شیخ طوسی درمسائل حائریه که ازاو پرسیدند گفت که دانشمندان ما دراین باره دو گروهند ونزد خرد هم روشن نیست .من چون دیدم که نباید ازاین در گذشت وهرمسلمانی باید بدرست آن آگاه گردد این بود که دراینجا روشن ساختم که امامان ازدیگر پیامبران پیشین برترند تا کسی ناآگاه نماند(١) . ١٥

آغاز: بسمله . یقول عبدالله وفقیره ... حسن بن سلیمان انی وقفت علی کتاب المقالات للشیخ المفید .

انجام : ودعاالله عزوجل بهم و تاب علیه وغفرله. تمت الاخبار . والحمدلله رب العالمین .

٢٠ [٧٤٣]

١٠٨٠ این نسخه شماره ٩ دفتراست وبخط نسخ گ١٩٣ب - ٢٠٠ب .

---

١ - نیز بنگرید به: بحارج٧ص ٣٢٨-٣٤٠ چاپ١٣٠٣ ومتشابه القرآن ابن شهرآشوب چاپ تهران ص٤٤ج٢ .

[٦٠٤] الزام النّاصب فی امامة علی بن ابی طالب (عربی)

شیخ مفلح بن حسن صیمری زنده درنیمه‌دوم سده٩ نگارنده غایة‌المرام فی‌شرح شرایع‌الاسلام دراینکتاب ازامامت بروش شیعی گفتگو نمود. نام کتاب دردیباچه (گ٦الف) دیده میشود وآن درتهران بسال١٣٠٣ باقواعدالعقاید طوسی بچاپ رسید (فهرست طوس ج٤ش٣٦٠ ص٢٨ – ذریعه ج٢ص٢٨٩ و٢٩٠– کشف‌الحجب ص٥٨).

[٧٤٤]

٥٧٥ این نسخه شماره٢دفتر وبخط نسخ شیخ عابد ومنصور حویزی جزائری‌درمخای یمن ١٧ج٢سال١١٦٠ میباشد گ٢ الف – ٣٠ب وبدینجا آغاز میگردد: «واحدة تدل علی نقص فی‌انسابهم» ودرگ٥ب بدینجا پایان میباید: «طویل نجادالسیف اجید یعسوب» درباره ننگین بودن خاندان ابوبکر وعمر وعثمان ومعاویه ویزید وعمرسعد وطلحه وزبیروامیة‌بن عبدشمس واین چهار برگ هم گویا از همین رساله میباشد. آنگاه ازدیباچهٔ رساله آغاز میشود: «من ردجواب الاخصام ووجدت اخبارهم تتضمن تکذیب‌ائمتهم وتفسیقهم» گ٦الف وپایان آن چنین است: «فیه‌عبرة لاولی‌الابصار علمت ان‌الحق مع‌علی یدور حیث مادار کما اخبربه‌النبی المختارفویل للذین کفروا من‌النار وصلی‌الله علی‌محمد وآله‌الطاهرین وذریته‌الاکرمین والحمدلله رب‌العالمین تمت‌النسخة‌المبارکة فی‌سابع عشرجمادی‌الاول من‌سنة ١١٦٠ بمخاالیمن علی‌یدالشیخ عابد ومنصورالحویزی‌الجزائری» دردفترشماره٤٩٩ کتابخانه ملی‌تهران دو کتاب نوشته شده یکی‌الکشکول‌سیدحیدر دیگری‌همین‌رسالهٔ‌ما بنام «الزام‌النواصب بامامة علی‌بن‌ابی‌طالب» که دریك‌مقدمه وچند باب وچند فصل است ونگارندهٔ آن خود را مردی کتابی نومسلمان میخواند وچنین است: «بسمله‌الحمدلله‌رب‌العالمین‌وصلی‌الله... الطاهرین. والحمدلله الواصل‌الحمد بالنعم والنعم بالشکر – ولکن لم‌اعتمدالاعلی ما روته‌السنة لعدم‌الزامهم بهاوانما یلزمهم مااعترفوابه والذی‌رواه‌السنة من کلام‌الشیخین وعایشة وحفصة عندالاختصار فیه‌عبرة لاولی‌الابصار والسلام» ص٣١٩–٣٨٨– پیداست که این همان نسخهٔ شمارهٔ ٣٦٠طوس است ونگارنده آن‌نه ابن طاوس میتواند باشد نه شیخ مفلح‌صیمری ونه شیخ ابراهیم‌بن سلیمان قطیفی (زنده در٩٤٤) مگراینکه از عبارت «کتابی نومسلمان» ظاهرآن خواسته نشده‌باشد. نسخهٔ طوس‌را سیف‌بن احمد لیثی حلی درقزوین در١٦ج١ سال ٩٧٧نوشته‌است. نسخهٔ مادرآغاز ومیان برگهای

۱۹ و ۲۰ـ۲۷و۲۸ کم دارد .

[۶۰۵] الامامیه (فارسی)

• در این رساله پارسی ازقضا وقدر گفتگو میشود نخست پرسشی که عربی از امیرمؤمنان درباره جنك صفین وقضا وقدر کرده از کافی آمده وروشن گردید. سپس رستاخیز جسمانی در آن ثابت شد . ۵

آغاز: رساله قضا وقدر. فی الکافی عن علی بن محمد عن سهل بن زیاد و اسحاق بن محمد النخعی .

انجام : هر گوهری از آنها جزئی قرار داده بعد از آن طلب کن تا بشتاب آیند فلیتامل . تمت الرسالة الامامیة .

۱۰ [۷۴۵]

۱۰۱۸ این نسخه شماره ۲ دفتراست و بخط تعلیق چلیپا گ ۱۲۶ب – ۱۳۱ الف .
(نشانه دفتر در ص ۱۳ بخش ۱ فهرست یادشده) .

[۶۰۶] الانوار الجلالیه فی شرح الفصول النصیریه (عربی)

خواجه طوسی فصول خویش را بپارسی پرداخت و رکن الدین محمد بن علی فارسی استرابادی گرگانی (نیمه دوم سده ۷) آنرا بتازی در آورد (دیباچه) و شیخ ۱۵ ابی عبدالله مقداد سیوری حلی (م ۲۶ ج ۲ سال ۸۲۶) این را برای ملك جلال الدین ابی المعالی علی بن تاج الدین المرتضی علوی حسینی آوی بنام بالا گزارش نموده متن را بندبند بروش (قال واقول) آورده وروشن نمود ودر ۸ رمضان ۸۰۸ آنرا بپایان رساند (ش ۳۶۸ طوس – روضات ص ۶۳۸) .

۲۰ **آغاز:** بسمله سبحانك اللهم واجب الوجود و غایة وجود کل موجود انت اخرجتنا من مرتتق (مرتبق) ظلام العدم الی فضاء ضیاء الوجود .

انجام : اقول ختم المصنف ... رسالته هذه بهذه النصیحته ومضمونها الحث علی عبادة الله ... اذا نظر بعین عقله ای بفکره و بصیرته فی خلقته وما اودع فیها من الحکم و الایقان ... ولنقطع الکلام حامدین ولآلائه شاکرین و بالتقصیر معترفین و من الخطاء مستغفرین و علی محمد و آله مصلین والحمدلله رب العالمین وصلی الله علی محمد ۲۵

وآله الطاهرين .

[٧٤٦]

٢٨٢ این نسخه شماره٤ دفتری است دارای٤ رساله وبخط نسخ درشت با عنوانهای شنگرف ازعلی اکبرقزنچاهی بسال١٠٣٦ (درنسخه ١٣٦دارد) گ١٤١ب ـ ٢٠٨ الف .

(همه دفتر٢١٣گ)) ـ کاغذ فرنگی آبی ـ جلد تیماج سرخ ساده
اندازه : ھر١٢×ھر٢٠وھر٧×ھر١٤س٩١

[٧٤٧]

١٠٤٦ این نسخه شماره٣٨ دفتراست وبخط تعلیق رجبعلی بن جواد علی نزدیك ١٠٧١ گ١٧٧ب ـ ٢٠٧ب وبدینجا میانجامد : «ای بفکره وبصیرته فی» و باندازه ١٨س نسخه پیش کم دارد .

[٦٠٧] انوار الملکوت فی شرح الیاقوت (عربی)

ابواسحق ابراهیم نوبختی (نیمه نخستین سده چهارم) از متکلمان نامور ایرانی یاقوت را در کلام نگاشته وعلامه حلی (٦٤٨ـ٧٢٦) آنرا بنام بالا گزارش نمود و بسیار روان وشیوا ودارای مسئلههای مهم کلام در١٥ مقصد هریك چند مسئله می باشد ومتن بندبند پس ازقال وشرح پس ازاقول میآید ودر ٦٨٤ بپایان رسید (ش ٣١و٣٢طوس و٨١مجلس) پیش ازاو عزالدین عبدالحمید بن ابی الحدید (٥٨٦ ـ ٦٥٦) نیزیاقوت راگزارش نمود. رکن الدین محمدبن علی گرگانی شاگرد علامه نیز اشراق اللاهوت فی شرح الیاقوت دارد(١).

آغاز: بسمله وبه ثقتی . الحمدلله ذی القدرة القاهرة والعزة الباهرة ... اما بعدفان الله تعالی کمل الانسان بقدرالامکان ... وقدصنف شیخنا ... ابواسحق ابراهیم بن نوبخت ... مختصر اسماه الیاقوت...فاحببت ان نضع هذاالکتاب الموسوم بانوارالملکوت فی شرح الیاقوت .

---

١ ـ سید عمیدالدین عبدالمطلب حلی (٦٨١ـ٧٥٤) میان نوبختی و حلی محاکمه نمود وشیخ شهاب الدین اسماعیل عودی عاملی (پیش از١٠٩٧) یاقوترا بنظم درآورد (خاندان نوبختی اقبال تهران ١٣١١ص١٦٦ـ١٨٧ ـفهرست نگارشهای گرگانی در ش١٠٢٢ گ١٢٨الف ـ ١٢٩الف)

انجام : واماالمخالفون فی‌الفروع کالمسائل الشرعیه فانهـم خاطئون غیرفسقة بالاجماع فهذا آخر ماکتبنا والحمدلله رب‌العالمین وصلی‌الله علی سیدنا محمدو آله الطاهرین‌الاخیار وفرغ المصنف ادام‌الله ایامه من تصنیفه فی‌جمادی‌الاخری من سنة اربع وثمانین وستمائة والصلوة‌علی محمدو آله وسلم تسلیما کثیرا .

٥

[٧٤٨]

٢٨٢ این نسخه شماره٢ دفتراست وبخط نسخ با عنوانهای شنگرف ازعلی اکبر قزنچاهی بسال١٠٣٦؛ گ٢٩ب - ١٢٧پ .

[٦٠٨] **ابطاح احقاق‌الحق** (فارسی)

علامـه حلـی (٦٤٨-٧٢٦) « نهـج‌الحق وکشف الصـدق » را در هشت مسئله نوشته ودر آن آئین‌شیعی را اثابت و برسنیان رد نمودن پاشا قاضی فضل بن روزبهان‌بن‌فضل‌الله خنجی‌شیرازی سپاهانی‌دانشمند اشعری‌حنفی (روزگاراسماعیل یکم صفوی) پس ازبیرون شدن ازمیهن خویش سپاهان بکاشان که رسید در رد آن کتابی بنام «ابطال نهج‌الباطل» نگاشته‌است وآن‌را دردوماه‌بسال٩٠٩ (١٤١-٣ج٢) بپایان‌رساند وهمه کتاب‌علامه بجزدیباچه رادر آن گنجاند . قاضی‌ضیاءالدین نورالله شوشتری مرعشی (٩٥٦ - ١٠١٩) دراحقاق‌الحق وازهاق‌الباطل خـود از روزبهان خرده گرفت وروی نوشتن این کتاب ومجالس‌المؤمنین بود کـه بدستور نورالدین محمدجهانگیر پادشاه مغولی‌هند (١٠١٤-١٠٣٧) اورا باتازیانه خاردار بکشتند ودر آگره هند بخاك سپرده شد. همین قاضی مجالس المؤمنین‌را از١رجب ٩٩٨ درلاهور تاپنجشنبه ٢٣ذی‌قعده ١٠١٠ نوشته واحقاق‌الحق‌رادر هفت‌ماه(بجز شبها) نگاشته وآخر ربیع یکم سال ١٠١٤ درآگره بانجام رساند (١) .

١٠

١٥

٢٠

نصیرالدین حسین بن عبدالوهـاب بهبهانی بدستور میرزا سعدالدین محمد

---

١ - احقاق‌الحق درایران بسال١٢٧٣ ودرمصر پاره‌ای‌از آن‌ودر نجف نیمه نخستین آن بچاپ رسید. شوشتری دررد برصواعق محرقه ابن‌حجرهیتمی (٩٠٩-٩٧٤) نیـز صوارم مهرقه نوشت وآنـرا پس ازمجالس‌المؤمنین ومصائب النواصب واحقاق‌الحق بپرداخت .

٢٥

وزیر درروزگار شاه سلیمان صفوی (۱۰۷۷ـ۱۱۰۵) احقاق‌الحق‌را بپارسی کرد . ودر دیباچه نام بالارا بدان داد . اودر آغاز متن را هم آورده سپس ترجمه نمود . و ترجمه اولفظی است(۱) .

آغاز: بسمله . سعداکبر دولت، ازبرج اقبال سعادتمندی ، طالع است که ولای والای اهل بیت نبوت‌را اعظم نعمای الهی دانسته، شکرگزاری این موهبت عظمی را ، سرمایهٔ ایمان وگوهر مراد ایقان داند .

انجام: پس ازما هم پیش ازاین رد نموده‌ایم پس بیاد بیاور. تمام‌شد ... مجلد اول ازترجمه احقاق‌الحق پس اینك شروع... درجلد ثانی می‌نمائیم. والحمدلله‌رب العالمین ... والصلوة والسلام علی سیدنا محمد و آله اجمعین .

[۷٤۹]

۳۲۸ این نسخه بخط تعلیق باعنوانها ونشانه‌های شنگرف میباشد ودر جدول زرین و لاجـوردی و ٥ برگ نخستین اندکی موریـانه خورد وکمی از عبارت هـا رفتـه است .

(۳۱۷۷ف) — کاغذ ترمه سمرقندی ـ جلد تیماج سرخ ضربی فرسوده ،

اندازه : ۱۳ص×۲۴و۱۱×۳۲س۳۰

[٦۰۹] باب حادیعشر (عربی)

علامه حلی مصباح‌المتهجد شیخ طوسی‌را که درعبادات و ادعیه است بخواهش

---

۱ ـ قاضی دردیباچه (گ۱۷ب) میگوید که دبیران قزوینی وقطب شیرازی واحمد بن‌محمد کیشی‌ورکن‌الدین‌موصلی‌متسیدومولی نظام‌الدین‌عبدالملك‌مراغی باعلامه گفتگو میکرده‌اند. نیزمینویسد که اولجایتومحمدخدابنده‌پس‌از گفتگوی‌پسرصدرجهان‌بخاری حنفی‌بامولی نظام‌الدین‌عبدالملك‌مراغی شافعی‌روش شافعیان‌پذیرفت وپس‌از گفتگوئی که میان‌علامه بادانشمندان‌سنی‌شده ونهج‌الحق و کشف‌الصدق که‌اونوشت اوبابسیاری ازفرماندهان وسپاهیان‌وبزرگان ودانایان بکیش شیعی گرائیدند. احقاق‌الحق‌رامیرزا محمد نائینی (م۱۳۰٥) هم بپارسی کرده وچیزهائی افزود یاکاست . نیز بنگرید به: ذریعه ج۱ص۱ـ۲۹۰ وج٤ص۷٥ ـ فیض‌الاله فی‌ترجمه قاضی نورالله آقـای محدث ـ فهرست کتابخانه فاضلیه‌طوس ش۱ص٥ ـ روضات‌الجنات درسر گذشت پاشا روزبهان ص٥۰۰ چنانکه ازمقامات سید نعمة‌الله جزائری میآورد روز بهان نیای پـدری میرزا مخدوم شریفی بوده است .

وزیرخواجه عزالدین محمد بن‌محمد کوهدهی درده باب گزین نمود و منهاج الصلاح فی مختصر المصباح نامید و یکباب دراعتقادات بااستدلال بنام «الباب الحادی عشر فیما یجب علی عامة المکلفین من معرفة اصول الدین» بر آن افزود و همین است که دانشمندان بدان مینگریستند و گزارشها بر آن نوشتند و بچاپ رسید .

[٧٥٠]

٨٩٣ این نسخه شماره ۲ دفتریست دارای ٤ رساله و بخط نسخ باعنوانهای شنگرف گ٨٦ب ـ ١٠٠ب از نعمت بن مسلم بن سالم مسلمی حویزاوی درنیمه روز سه‌شنبه نه‌شب‌مانده ازماه شعبان سال ۹۹۲ و گ۹۷ سفیداست ودنباله مبحث یکم فصل ششم (امامت) ومبحث‌دوم و آغاز مبحث سوم همین‌فصل‌را ندارد . محمد بن یعقوب جزائری‌دارنده نسخه بوده‌در آدینه ۲۷ ع۲ سال ١٠٠٦ گ٨٦الف. شماره ١ جعفریه کرکی است بهمان خط باحواشی بتعلیق ریز گ١ الف ـ ٨٤الف تاریخ روزیکشنبه ۲۱ شوال ۹۹۲ ازهمان نعمت و ۳ الفیه شهیدیکم است بهمان‌خط نعمت درشام شنبه‌پنج روزمانده ازشعبان ۹۹۲ گ ۱۰۲ب ـ ۱۳۸ ب و برگهای ۱۱٦ ـ ۱۱۹ سفید و کتاب ناقص‌است و ٤ فقه شیخ حسن بن زین‌الدین عاملی نگارنده معالم بخط تعلیق باعنوانهای شنگرف محمد بن یعقوب جزایری قطرانی گ۱۳۹الف ـ ۱٤۳ب میباشد . در کنار گ۱٤۳ب اجازهٔ روایتی است که علی بن احمد بن‌شیخ صالح‌عاملی درآغاز محرم ۱۰۱۰ بشاگرد خود میدهد. مهر محمدحسین بن عبدالرحیم در گ۱الف دیده میشود .

(همهٔ دفتر ۱۴۴گ) ـ کاغذ فرنگی جلدتیماج زردمقوالی‌ساده ، [illegible]
اندازه : ۱۵×۳۱و۷×۹س۹

[٦١٠] بدا (رساله در ...) (فارسی)

این نگارش ازمولی محمد شفیع پسرفرج گیلانی وبرادر محمدرفیع گیلانی میباشد . برادرش درطوس‌مدرس بوده ودر۱۰۸۰ ازمحقق‌سبزواری (م۱۰۹۰)ودر ۱۰۸۷ ازامیر ماجد دشتکی (ماجدبن محمدبحرانی قاضی شیراز وسپاهان)اجازه گرفته است. خود اوشیخ‌الاسلام رشت وشیراز بوده وبگواهی پایان کتاب پس از مجلسی (۱۰۳۷ ـ ۱۱۱۰) آنرا نوشته است. اودر این گفتار که ۷فصل ویك‌خاتمه میباشد بروش متکلمان شیعی اخباری رفته و گاهی نیزاز فیلسوفان خرده گرفت .

رسالـه بپارسی شیرین و شیوا وروان میباشد و نخست شالودهٔ بدارا(۱) ریخته و اشکالها راآورده ورد نمود . درفصل٤ نیزازمجلسی یادنمود (گـ ث ۱٥۲ الف ش ٥ر۸۸٤) .

آغاز: حمد وسپاس بیقیاس خداوندی را سزد که وصف کمال ذات بیمثالش از

٥ حیطه نعمت و بیان بیرون است .

---

۱ ــ بدا وتقیه ازنشانه‌های آئین شیعی است وهمین دورا دشمنانی مانند سلیمان بن جریررقی رهبر سلیمانیان بهانه گرده از آن خرده میگرفتند ، چنانکه در فرق‌الشیعه نوبختی یاسعدبن عبدالله می‌بینیم (چاپ نجف ص٦٤) وازآن‌پیداستکه ریشهٔ بدا داستان امامت اسماعیل فرزند امام جعفرصادق ع ومردن‌او است.

۱۰ فرق‌الشیعه را یکبار ریترخاورشناس آلمانی دراسلامبول بسال۱۹۳۱ وباره‌دیگر محمد صادق آل بحرالعلوم درنجف بسال۱۹۳٦ بچاپ رساندند وآن ازابومحمدحسن بن موسی نوبختی(م میان۳۰۰و۳۰۱)خواهرزاده ابوسهل اسماعیل نوبختی‌وفیلسوف ادیب دین‌شناس نگارنده «آراء ودیانات» دانسته شد وبرخی گفتند شاید از سعدبن عبدالله بن ابی‌خلف نمیری اشعری قمی محدث شیعی (م۲۹۹یا۳۰۰) نگارنده « بصائر

۱٥ الدرجات» باشد (خاندانــ نوبختی) .

ابوالحسن علی بن اسماعیل (۲٦۰ ــ ۳۳۰) رهبراشعریـان درمقالات‌الاسلامیین و اختلاف‌المصلین (چاپ مصر $\frac{۱۳٦۹}{۱۹٥۰}$ ج۱ص۱۰۹) میگوید که رافضیان دربدا سه گروهند ویکی آنرا نمی‌پذیرند. شیخ مفید (۳٦۸ــ٤۱۳) درتصحیح‌الاعتقاد (چاپ دوم ص۲٤)

۲۰ بدارا تاویل پسندیده‌ای کرد و گفت که آن سمعی است. دراوائل‌المقالات نیز گفته که چون ازپیشوایان آنرا شنیده‌ایم پذیرفتیم واگرنه چنین چیزی نمی گفتیم وبرای آنهم معنائی یاد میکنیم که خرد بپسندد ومیان من ودیگرمسلمانان دراین بـاره جز درلفظ خلافی نیست .

این مسئله‌را فیلسوفانی مانندداماد در« نبراس‌الضیا فی‌شرح‌باب‌البداء واثبات‌جدوی

۲٥ الدعاء»وصدرای‌شیرازی‌در«موقف ٤فن۱ ج۳ دربحث ازاراده خدا از اسفار » وفیض کـاشانی در«وافی ج۱ص۱۱۲وعلم‌الیقین ص٤۲ و٤۳» بروش فلسفی‌خویش بررسی نمودند . مجلسی دررساله بدا و بحار ج۲ص۱۳۱ــ۱٤۳ ازآن‌گفتگو کرد و دیگران هم بروش اخباریان شیعی ازآن‌گفتگو داشتند وسخنان‌آن فیلسوفان رانپذیرفتند. از

بقیه حاشیه درصفحه بعد

انجام : و بعد از آن تغییر یابد و فرماید که بداشد تا اینکه ضعیف‌الایمان و قوی‌الایمان ممتاز شوند (انتهت کلماته‌الشریفة و انتهت بانتهائها تبر کافی‌الاختتام بهاهذه الرسالـة والحمدلله اولا و آخرا وظاهرا وباطنا تمت (بالخیر) بعون‌الله و حسن توفیقه) .

5

[٧٥١]

٣١٦ این نسخه بخط تعلیق خوش با عنوانهای شنگرف و آیتها وخبرها بنسخ وزیر خط سرخ‌میباشد.عنوان مطلبهادرهامش بخط تعلیق‌باحاشیه‌هائی ازخودگیلانی که به «منه ظله‌العالی» پایان می‌یابد وبهمان خط متن‌است وریزتر .

(٧٣گ) — کاغذ آرمه‌سپاهانی—جلدتیماج‌ضربی

10

اندازه : ١٤×٢٠و٦×١١س١٢

[٧٥٢]

٨٨٤ این نسخه شماره٥ دفتر وبخط تعلیق شکسته (گویا ازهمان اسماعیل‌حاجی ابراهیم نویسندهٔ ش٨٨٤/٣ درصفر ١٢٠٠) باعنوانهای شنگرف بـاحاشیه هائیکه به «منه مدظله‌العالی» پایان میبابد گ١٥٢الف ـ ١٦٩ب .

این نسخه ازمیانه فصل٤ آغاز میشود وچنین‌است: «که اثبات میکنی دروجود چیزیراکه خدا اراده نکرده ...» برابر باص٣گ٢٦ الف‌ش٣١٦ . 15

[٦١١] **البراهین‌القاطعة فی‌شرح تجرید‌العقائد‌الساطعة** (عربی)

شریعتمدار حاج مولی محمد جعفر (م ١٢٦٢) تجرید خواجه طوسی‌را در شش جلد (اموعام وپنج اصل شیعی)گزارش نمود .

20

[٧٥٣]

٢٩٨ این نسخه‌بخط نسخ باعنوانهای‌شنگرف موسی بن‌محمدرضا تفرشی‌در١٢٦٤ میباشد وجلد دوم‌وسوم وچنین است:«بسمله‌الحمدلله‌الذی هوالواجب‌الوجود بالذات ... فهـذا هوالمجلد‌الثانی من‌البراهین القاطعة ـ من‌المعجزات التی

بقیه حاشیه صفحه پیش

25 سخنان داماد درقبسات (ص٨٥) پیداستکه امام رازی بدارا ازرافضیان دانست وازآن خرده گرفت، اومیگوید که چنین‌نیست ودردو صحیح‌بخاری‌ومسلم ودیگراصول‌سنی‌نیز یادی ازبداشده وآنهم دربرابر یهوداست که گفته‌اند خداازآفرینش بیاسود و شیعیان ازبدا تغیرزمانی میخواهند نه‌دهری. ازگفتاراشعری درمقالات (ج١ص ٢٥٦) برمیآید که همه‌معتزلیان میگویند که بدابرخدا ونسخ دراخباراو ناروا است .

اشرنا الی بعضها فی باب النبوة» و نویسنده مینویسند : «قدتم جلد الثالث من کتاب البراهین تصنیف قدوة المجتهدین الحاج محمد جعفر الاسترابادی » .

(۳۷۵گ) ـ کاغذ فرنگی ـ جلد تیماج سرخ ضربی

اندازه : ۲۰×۵ر۳۰ و ۱۲×۱۳ س ۲۰

[٦١٢] پاسخ مقابی (عربی)

کسی از محمد بن علی بن عبدالنبی مقابی بحرانی از دانشمندان سده ۱۲ پرسیده که عذاب قبر چون است . او این پاسخ را داد .

آغاز: بسمله الحمدلله رب العالمین... فیقول شیخنا الشیخ محمد بن علی البحرانی انه قد وردت علی من بعض منکری عذاب القبر مسئلة اراد الجواب عنها فلما وردت علیه هذه الرسالة استحسنها فاذعن بالحق بعد الانکار .

انجام : کالکفار یخدلهم خدالی النار التی خلقها الله فی المشرق وفیها کمل کفایة والله ولی الهدایة . والحمدلله رب العالمین .

[٧٥٤]

٦٩٥ این نسخه شماره ۲ دفتر است و بخط نسخ با نشانه‌ها و عنوانهای شنگرف از بازیاری نزدیک ۱۱٦٩ گ ۳٦٤ ب ـ ۳۷۲ب . دنبال آن در گ ۳۷۲ب ـ ۳۷۷ الف رساله ایست در سر گذشت چهارده معصوم در ۱٤ باب .

(همه دفتر ۳۷۷گ) ـ کاغذ فرنگی ـ جلد تیماج مشکی کهنه ضربی مقوائی

اندازه : ۱۹ × ۳۱ و ۱۱ × ۱۷ س ۱۷

[٦١٧-٦١٣] پاسخ و پرسش (فارسی)

در نسخه ۸٦۹ اینکتابخانه ٥ پاسخ و پرسش هست که اکنون یادمیکرد :

۱ ـ در اینکه نمیشود بهشت ودوزخ همیشگی و نامتناهی باشند و آنرا محمد بن شیخ امام الدین کردستانی پرسیده و پاسخ گرفت .

آغاز: بسمله الحمدلله رب العالمین . . قدارسل الی جناب العالم ... الشیخ محمد بن المرحوم الشیخ امام الدین الکردستانی ... بمسائل معضلة وقد امرنی . ان اجیب عنها بلسان الفرس .

انجام: ودراینجا بهمین قدر اکتفا میشود .

(گ ۱ب ـ ۳٤ الف . نوشته در ۱۵ ع۲ سال ۱۲۷۲) .

۲ ـ در اینکه «ام‌الکتاب» چیست و پرسش شیخ یوسف بن شیخ محمد حسن کردی . در کرمان این پاسخ بنگارش در آمد و نگارنده در دومی و سومی و چهارمی این پاسخها میگوید که بدرخواست پرسندگان بپارسی نوشتم و گرنه مطلبهای علمی را بپارسی دشوار توان نوشت . ۵

آغاز: بسمله . الحمدلله رب العالمین ... انه قد ارسل الی ... جناب الشیخ یوسف بن الشیخ محمد حسن الکردی ... بمسائل مشکله .

انجام: و بدا در آن راه بر نیست و ممتنع است وقوع بدا در آن .

(گ ۳۵ب ـ ٤۸ ب و یکبرك بریده شده).

۳ ـ درباره چند مسئله از کلام و فقه و پرسش امان‌الله خان دوم فرمانروای کردستان که در ۱۲۷۰ پاسخ داده شد . ۱۰

آغاز: بسمله الحمدلله رب العالمین ... چنین ... (سفید است) که در ساعتی میمون و زمانی بر کت مشحون که در گوشهٔ انزوا غنوده بودم .

انجام: تعلیقه سامی در ششم ماه ذی حجه بحقیر رسید . . . و اینك صبح هشتم است که با وجود اشتغال بمشاغل عدیده انجام یافت بقلم مصنفش در سنهٔ هزار و دویست و هفتاد هجری حامد او لاقوة الا بالله العلی العظیم (٤۹ ب ـ ۷۳ ب و شش برگ بریده شده) . ۱۵

٤ ـ پاسخ بپرسش هم در کلام .

آغاز: بسمله الحمدلله رب العالمین ... چنین گوید بنده ... (سفید است) که در بهترین ازمنه و خوشترین آونه وارد شد . ۲۰

انجام: فارغ شدم از تحریر این اجوبه در شب ششم شهر ربیع الثانی سنه ۱۲۷۲ هزار و دویست و هفتاد و دو هجری حامدا مصلیا مستغفرا .

(گ ۷٤ب ـ ۹۹ الف . دو برگ بریده است) .

۵ ـ در پاسخ پرسش سپاهانیان درباره قرآن که حاج محمد صادق آورده بود .

آغاز: بسمله الحمدلله‌رب‌العالمين ... انه قداتانی جناب‌الحاج المعظم ... الحاج محمد صادق بمسائل من‌اصبهان.

انجام: فارغ شد ازتسويد اين اوراق مصنفش ... (سفيداست) ابراهيم در عصر يوم‌الثلثا هشتم شهرشوال سنهٔ هزار ودويست وهفتاد هجری حامدا مصليا مستغفرا

٥ (گ ۱۰۰ب-۱۲۸ب)درهيچيك‌ازاينها درست‌شناخته‌نشده كه‌پاسخ‌دهنده كيست.

[۷٥۹-۷٥٥]

٨٦٩ اين نسخه‌ها شماره‌های۱ تا ٥دفتراست وهمه بخط نسخ پاسخ‌دهنده كه‌شناخته نشد .

(همه دفتر۱۲۸گ) — كاغذ فرنگی آبی — جلد مقوا
اندازه : ۱۱×٥ر۱۷ و۶×۱۱ س۱۴

۱۰ [٦۱٨] **تحرير شرح لمع** (عربی)

گويند كه رهبر اشعريان امام ابوالحسن علی بن اسمعيل اشعری متكلم جدلی (۲۲۰-۳۳٤) ازدويست تاسيصد نگارش دارد وخود اودر «العمد فی‌الرؤية»نوشته های خويش‌راكه تاسال ۳۲۰ پرداخت برشمرد وازآنجا چنانكه‌ابن‌عساكردمشقی (٤۹۹-٥۷۱) در«تبيين كذب‌المفتری فيمانسب الی‌الامام ابی‌الحسن‌الاشعری» چاپ

۱٥ دمشق بسال۱۳٤۷ص۱۲۹-۱۳۰ آورده است برميآيدكه او «الموجز» رادر۱۲دفتر نوشته ودرآن ازآئينها وامامت گفتگو نموده ونص و عصمت را رد كـرده است سپس «ايضاح‌البرهان فی‌الرد علی اهل‌الزيغ والطغيان» نگاشته وهرچه راكـه در موجز بررسی نمود دراين‌هم يادكرد وآنرا ديباچهٔ ومدخل موجز ساخت آنگاه «اللمع‌الكبير» را بپرداخت وآنرا ديباچهٔ«ايضاح البرهان» نمود پس ازاين «اللمع

۲۰ الصغير » نوشته وآنراديباچهٔ «اللمع الكبير» ساخته‌است. بازميگويدكه من«اللمع فی‌الرد علی‌اهل‌الزيغ والبدع» نوشته‌ام ودرباره آن «كتاب‌لطيف»گفته وشايد اين جزآندو « لمع » نباشد چه سبكی در طبقات (ج۲ص۳ - ۲٥۲) جزاز دو«لمع» اشعری(۱) ياد نكرده است . قاضی ابوبكر محمدبن‌الطيب باقلانی متكلم اشعری

۱ - برای تاريخ زاد ومرك اشعری بنگريد بهمان «تبيين»ص۱٤٦ كه ميگويد او

۲٥

بقيه حاشيه درصفحه بعد

(م ٤٠٣) بر «لمع» گزارشی نگاشته است واین گزارش راکسانی در شیراز تختگاه فنا خسرو نزد باقلانی میخوانده‌اند. هنگامیکه او بشیراز آمده‌بود ابن‌خفیف (ابو عبدالله محمدبن خفیف‌بن اسکفشاذ دیلمی نیشابوری‌شیرازی صوفی شافعی شاگرد جنید نهاوندی بغدادی وحلاج که در نزدیك بصدسالگی در ۳۷۱ در گذشت) «لمع» را درس میگفت (التمهید باقلانی چاپ مصردر۱۹٤۷ص۵۰ـ۲٤۸ـشدالازار ش۱) قاضی عبدالجبار معتزلی چنانکه خواهیم دید نقضی براین لمع دارد(۱).

نگارندهٔ ایندفتر (نسخهٔما) چنانکه دردیباچه آن میگوید گزارشی را که باقلانی برلمع اشعری نگاشته است گسترده و واژه‌های دشوار آن‌را روشن ساخت

بقیه حاشیه صفحه بعد

در ۲٦۰ زاده ودر ۳۲۰یا۳۲٤یامیان۳۲۰و۳۳۰ در گذشت. ازنوشته‌های او «النوادر فی دقائق‌الکلام» و«الادراك فی‌فنون من‌لطائف‌الکلام» و«نقض لطیف‌الاسکافی» و«کتاب علی اهل‌المنطق» میباشد (ص۱۳۲ـ۱۳۵) ـ یکی ازدو «لمع» اشعری که پاسخ‌وپرسش است و بدرخواست کسی نگاشته درموزه بریتانیا (ش۱۷۲ص۱۰٤) هست (برو کلمن تاریخ ج۱ص۱۹۵ ش۳).

---

۱ ـ دانشمندانی چند بنام لمع نگارش دارند:

۱ ـ اللمع فی‌التصوف ازابی نصرعبدالله بن علی‌سراج طوسی م۳۷۸.

۲ ـ اللمع فی‌النحو ازابی‌الفتح عثمان بن جنی موصلی م۳۹۲.

۳ ـ اللمع فی‌الاعتقاد از امـام عبدالکریم‌بن هوازن قشیری نیشابوری اشعری شافعی صوفی م٤٦۵.

٤ ـ اللمع فی‌اصول‌الفقه‌ازشیخ ابی‌اسحق ابراهیم‌بن محمدشیرازی فیروزآبادی م٤٧٦ که خود برآن گزارش نوشته وضیاءالدین ابوعمرعثمان مارانی کردی م٦٢٢ وابومحمد عبدالله بن احمد بغدادی نیزآنرا گزارش کردند.

۵ ـ اللمع فی‌الکلام یالمع‌الادله ازامام‌الحرمین ابوالمعالی‌عبدالملك بن‌عبدالله جوینی شافعی (٤١٩ـ٤٧٨) که امام فخرالدین رازی (٤یا ٥٤٣ـ٦٠٦) معالم خویش رابراین لمع املا نمودوشرف‌الدین بن تلمسانی‌املاء کوتاهی بر آن کرده است (بنگرید به: کشف‌الظنون‌ـفهرس‌الخزانة‌التیموریة‌چاپ دارالکتب‌المصریة $\frac{۱۳٦۹}{۱۹۵۰}$ ج٤ص۱۱۵ ش ۳۵۸/۱۵ مجامیع)ـ ازشریف ابی‌المعمر یحیی بن محمدبن طباطباعلوی‌حسینی م٤٧٨ نیز شرح‌اللمع یاد شد.

ومسئله‌هائی بر آن بیافزود وخرده گیریها که از آن کرده‌اند ردنمود و گویا بسخنان قاضی عبدالجبار همدانی مینگرد .

او ازنگارنده لمع بنام «شیخنارض» یا «شیخنا ابوالحسن رض» یادمیکند(۱٦ب ۵۸ب ـ ٦۸ الف ۸۷الف ـ ۱٦۳الف) باز میگوید : «وغرضنا الان التعرض لشرح ۵ کلام شیخنا فی اللمع ـ ٦۷ب» نیزمیگوید: بدعت گذاران درباره لمع شیخ ماجستجو هاکردند وخرده ها گرفتند و اوهم پاسخها بدانها داده است . اینان بنگارشهای گسترده و کلان او ننگریستند چون میدانستند که در آنها هرچیزی آمده و خرده از آنها نتوان گرفت . (۵۸الف)ما بخرده‌ها که بدعت گذاران بر «شیخنارضی الله عنه» درلمع گرفته‌اندپاسخ‌میگوئیم (۵۸الف ـ ٦۸ب) ـ او گزارنده لمع را «القاضی الجلیل ۱۰ ابی بکر رضی الله عنه» میخواند (آغاز) و میگوید : « علیه عول القاضی فی الشرح ـ ۸۳ب» ازسخنانش پیداست که قاضی جزشیخنا میباشد (۱٦ب ـ ٦۸الف ـ ۲۱۵ب ۲۱٦ الف وب» چه میگوید که قاضی رض بپیروی ازشیخ ما در آغاز « شرح کتاب اللمع » خویش نخست خدارا ثابت نموده آنگاه حدوث جهان را روشن بساخت. گرچه اینکار پسندیده است مگر اینکه مانخست آشکار میداریم که جهان نبود و ۱۵ پیدائی گرفت سپس بود آفریننده‌را هویدامیسازیم(۱٦ب) ـ ازهمه این سخنان برمیآید که ایندفتر گزیده و گلچینی است از گزارش ابوبکر باقلانی متکلم نامور اشعری (۴۰۳م) بر لمع رهبراشعریان بالافزوده‌ها ودیگر گونگی‌هائی و گزیننده پس از باقلانی میزیسته است .

دراین گزیده دارد که استاد ابوبکر رضی الله عنه ازقاضی پیروی نمود و پیداست ۲۰ که دوتن را میخواهد (۹۱الف ـ ۸۱ب ۱۹۸الف) نیزدارد که اودفتری درتأویل خبرهای دشوار نوشته است (۱۵۹الف) وبرقاضی مقدم میباشد (۲۰۸ الف) پس گزیننده پس از استاد ابوبکر میزیسته است . و از آن ابن فورك (پورك) محمدبن حسن بن فورك انصاری سپاهانی متکلم اصولی جدلی زاهد واعظ شافعی دشمن گرامیان (کشتهٔ بزهر در۴۰٦) ونگارندهٔ «مشکل الحدیث» یا« مشکل الاثار » را

میخواهد. در گ۲۳۴ الف یادی ازعبدالجبار همدانی م۴۱۴ یا ۴۱۵ میکند ودر گ ۲۲۵ الف میگوید : «هذا مایذکره شیخی ابوالقاسم الاسفراینی رض ... وفیماذکره وجه من المناقشة» پس او شاگرد اسفرائینی بوده است و او همان استاد ابوالقاسم عبدالجبار بن علی بن محمد بن حسکان اسکاف اسفرائینی (شهرکی در نیشابـور) اشعری (م۴۵۲) میباشد که دراصول استادامام الحرمین واز فقیهان ومتکلمان بزرك بشمار آمده یگانهٔ روزگار خویش وپیشوای دوبره بیهق بوده درفتوی وتدریس بر دیگران برتری داشت . ۵

نیز میگوید: «وذکر بعض المختصین به وهوالقاضی ابوجعفر السمنانی رحمه الله ۲۳۹ الف» وازاو ابوجعفر محمدبن احمد قاضی متکلم فقیه اشعری سمنانی (۳۶۱- ۴۴۴) ازشاگردان وشناختگان باقلانی رامیخواهد وپیداستکه پس ازاوهم میزیسته است وی نگارشی دارد بنام «البیان عن اصول الایمان والکشف عن تمویهات اهل الطغیان» که فهرست مطلبهای آن در **Introduction á la théologie musulmane** از **L. Gardet** و **M.M. Anwati** چاپ پاریس بسال ۱۹۴۸ آمـده (ص ۵- ۱۸۴) ودرص ۷-۳۶۵ و۹-۳۷۸ نیز درباره آن بررسی گردید ونسخهٔ آن درمکتبه عثمانیه حلب بشماره ۵۷۷ هست . ۱۰ ۱۵

نیز گزیننده میگویـد استاد ابواسحق رض (۱۹ الف - ۶۶ الف - ۹۲ب - ۱۵۰ب - ۱۵۳ الف - ۱۵۸ب - ۲۲۵ الف - ۲۳۶ب) وازآن ابواسحق ابراهیم بن محمدبن .. مهران اسفرائینی محدث حافظ (م عاشورای ۴۱۸)را میخواهد. اودر اسفرائین بخـاك سپرده شد ونگارنده «الجامع الحاوی (جامع الجلی والخفی) فی اصول الدین والرد علی الملحدین» میباشد که کتابی است بزرك ودر پنج مجلداست وجوینی در «الارشاد الی قواطع الادلة فی اصول الاعتقاد» چاپ مصر بسال ۱۹۵۰ ص ۳۳۳ ازآن میآورد (نیزهامش همان ص۳۳) وشاهپور اسفرائینی درالتبصیر (چاپ ۱۹۴۰ مصر ص۱۱۹) ازآن و«المختصر فی الرد علی اهل الاعتزال والقدر» همویـاد کرده وهردورا بسیارمیستاید. پیداست که استادابواسحق شیرازی (م۴۷۶) دراینجا ۲۰

خواسته نشده .

دربارهٔ شیخ امام رکن‌الاسلام ابوالمعالی عبدالملک بن عبدالله بن یوسف جوینی (۴۱۹ـ۴۷۸) گاهی میگوید : « ادام‌الله سعادته» (۴۹ب) و گاهی : «رضی‌الله‌عنه» (۸۱الف)

۵ این دانشمند هنگام گیرو دار معتزلیان و اشعریان بحجاز رفته در مکه و مدینه چهار سال بماند و درس گفت و فتوی داد از اینرو ویرا امام‌الحرمین نامیدند سپس در روزگار الب ارسلان (۴۵۵ـ۴۶۵) و نظام‌الملک (۴۰۸ ـ ۴۵۵ـ۴۸۵) که خراسان آرام گشت بنیشابور رفت و سی سال در آنجا بزیست و در مدرسه‌ایکه نظام‌الملک برای او ساخت درس میگفت و از پیشوایان و گرانمایگان سیصد شاگرد داشت. اورا بجز ارشاد و برهان

۱۰ نگارشی است بنام «شامل» که بخشی از آن در کوپرولو Köprulü وقاهره هست وفهرست مطلبهای آن در همانکتاب Introduction ص ۴ـ۱۸۱ آمده است(۱).

نگارنده ایندفتر که نامش ناد انسته است پس از قفال شاشی م ۳۶۵ و باقلانی م ۴۰۲ و ابن فورك م ۴۰۶ و عبدالجبار م ۴۱۴ یا ۴۱۵ و ابواسحق اسفرائینی م ۴۱۸ میزیسته وشاگرد ابوالقاسم اسفرائینی م ۴۵۲ بوده وشاید سمنانی (۳۶۱ـ۴۴۴) وابواسحق

۱۵ شیرازی م ۴۷۶ را دیده باشد. وی درروزگار جوینی (۴۱۹ـ۴۷۸) وپس ازاو زنده بود . پس او پیش از ۴۵۲ وپس از ۴۷۸ میزیست و ایندفتررا درسال ۴۷۸ واندکی پیش وپس از آن بپرداخت چه اودر مبحث اصل چهارم (۴۸ب تا ۶۴الف) دراثبات حدوث جهان بدلیل ناروائی نامتناهی بودن حادثها در گ ۴۹ب از جوینی بمانند زنده و در مبحث اثبات آفریننده (۶۴ـ۷۲) در گ ۷۱ الف بمانند در گذشته یـاد

۲۰ میکند و پیداستکه آغاز دفتر تا اصل چهارم پیش ازاینسال و بخشهای دیگر پس از آن بنگارش درآمد .

---

۱ ــ درباره سرگذشت ایندانشمندان بنگرید به : ابن‌خلکان ج ۱ ص ۴۸۲ ــ انساب سمعانی ــ سبکی درطبقات ج ۳ ص ۲۲۰ــ و دیگر کتابهای رجال ــ ذیل کشف‌الظنون ج ۲ ص ۴۸۹ ــ حاشیهٔ ردمنطقیان ابن تیمیه ص ۱۴۲ .

او در گ ۹ الف میگوید: «وقد بسطنا القول فی ذلك فی کتاب التلخیص فی الاصول»
وسخن درباره قطع وظن وتصویب مجتهد است پس باید تلخیص در اصول فقه باشد.
در التبصیر ص ۱۲۰ ازاستاد امام ابی منصور محمد بن الحسن بن ابی ایوب ایوبی
نیشابوری م ۴۲۱ شاگرد ابن فورك و کتاب التلخیص او یاد شده ومیگوید بهترین
نگارشی است دررد بدعت گذاران وملحدان. پس آن در کلام باید باشد و تلخیص ۵
گزینندهٔ ما باید در اصول فقه باشد. آنهم او پس ازایوبی میزیسته است. در کشف الظنون
دو تلخیص یادشده: «تلخیص الادلة لقواعد التوحید» ازابی اسحاق ابراهیم بن اسمعیل
صغار پارسای حنفی بخاری (م ۵۳۴ در بخارا) (سمعانی گ ۳۵۳) و «تلخیص الاقسام
لمذاهب الانام فی الکلام» ازشهرستانی (م ۵۴۸).

دراینکتاب یاد میشود از: فیلسوفان (گ ۲ ۵ب ـ ۷۲ب ـ ۸۱ب ـ ۸۳ب). ۱۰
و ترسایان (و مما ساله القاضی رضی الله عنه النصاری وطالب به) گ ۱۸۰ ب.
و ملکانیان (ذهب الروم و هم الملکیه گ ۱۷۷ الف ـ ۱۷۸ الف) و نسطوریان
(۱۷۶ب ۱۷۸ الف ـ ۱۷۹ الف) ویعقوبیان (۱۷۶ب ـ ۱۷۸ الف ـ ۱۷۹ الف) و
مرقیونیها (۲ ۵ب) واصحاب حلول (۱۷۴ب) ودیصانیان که روشنائی را زنده وتاریکی
را مرده می پندارند (۵۲ب) ومجوس که روشنائی را قدیم وتاریکی را حادث میدانند ۱۵
(۵۲ب) وثنویان کـه روشنائی وتاریکی میگویند (۵۷ب) وملحدان (۵۱ الف) و
زندیقان (۱۸۱ب) ودهریان (۱۱۹ الف ـ ۵۳ الف ـ ۶۳ الف ـ ۷۲ب) وطبایعیان (۵۱ب)
وستاره شناسان (۵۳ الف) ومعطلان (۷۳ب) وباطنیان (۸۱ب ـ ۸۳ب ـ ۱۸۱ب)
وغالیان (۷۳ب) واهل تأویل (۹۰ الف) ومعتزلیان بصره وبغداد که خرده گیریها از
اشعری (شیخنا) کرده واز نادرستان (اهل زیغ) میباشند (۱۶ب ـ ۱۷ الف ۶۸ب ـ ۲۰
۱۵۴ب) وحشویان (۱۵۹ب) ومجسمان (۷۳ الف) ومشبهان که مانند حنبلیان میباشند
وکرامیان (۱۵۳ الف ـ ۱۵۶ الف ۱۵۷ الف).

نیز دارد: الاصولیون المنتمین الینا (۲۳۶ب) واهل حق دربرابر معتزلیان (۱۷
الف ـ ۱۹ الف ـ ۲۸ب ـ ۱۵۴ ب ـ ۱۵۹ الف ـ ۱۷۰ الف) واز اینهـا اشعریان

خواسته شده .

ازاینداننشمندان دراینجا یاد کردید :

ابریقلس(۱) دهری (۵۲ب ـ ۶۳الف)ودارد : «قال (شیخنا) الحادث‌هو المتاخر وربما ینبسط القول فیقول هو المتاخر وجوده عن الازلی ورام باختیار هذه العبارة قطع شغبات لابن الراوندی ولا برقلیس اوردها یحیی الکندی فی بعض کلام الدهریة» (۶۳ الف) وهشام بن الحکم (م۱۹۹) شاگرد امام جعفر صادق وابی شاکر زندیق (رجال مامقانی) که میگوید خدا پرتوی است که مانند شبه‌سفید میدرخشد وباندازهٔ هفت بدست است وکوه ابوقبیس را نشان‌داد و گفت که خدا از آن اندکی بزرگتر میباشد. باز میگوید که او از عرش بزرگتر وباربر آن است . نیز گفته که شیئی جسم است (۱۷الف ـ ۷۳الف ـ ۱۱۳الف) وداودجواربی مشبه شاگرد هشام‌بن سالم‌جوالیقی جوزجانی شاگرد صادق ع (۷۳ الف) و ابن زکریای پزشك (المتطبب) که پنج قدیم (زمان و مکان و نفس و عقل مبدع) گفته است و کیش او و مجوسان دیگر و اینگونه سخنان آنها الحادی است (۵۳ الف) و جهم بن صفوان خارجی شاگرد جعد بن درهم که در پایان فرمانروائی امویان بسال ۱۲۸ کشته شد (۱۷ الف) و مقاتل بن سلیمان بلخی محدث مفسر مجسم م ۱۵۰ (۷۳الف) (الاعلام زرکلی) وصالحی معتزلی (۹۱ب در دوجـا) وثمامة بن اشرس قدری (م۲۱۳) که مأمون رامعتزلی ساخت و نظام بلخی‌بصری (۱۶۰ـ۲۲۱)وشبیه هاق او (۲۳الف ـ ۲۴ب ـ ۲۸ب) وابو یعقوب شحام بصری (۱۵۳ـ۲۳۳) شاگرد

---

۱ ـ همان‌پرکلس Proclus (۴۱۲ـ۴۸۵) که‌اورا لو کوئیس (ازمردم‌لو کیا = Lycie) ودیادوخوس پلاتو نیکوس (جانشین پلاتون) میخوانده‌اند وفیلسوفی‌است نو پلاتونی که دراسکندریه فلسفه آموخته‌ودرچهل سالگی درآتن آنرا درس گفت‌وبجای سوریانوس رهبر آموزشگاه آنجاشد وسی‌سال درآنجا بمانـد وپس ازپلوتینوس از رهبران نامـور گروه نوپلاتونی بشمار است . او گزارشی برتیمائوس وپارمنیدس و نگارشهای هندسه‌دانان کهن نوشته و«پایه‌های خداشناسی» و«خداشناسی پلاتـون» دارد (لاروس سده ۱۹و۲۰) .

ابی‌الهذیل واستاد جبائی (۱۶ب دوجا) وعبادبن سلیمان صیمری معتزلی (م نزدیک ۲۵۰) (۸۸ب - ۹۱ب) وحسین‌بن محمدنجار بمی رازی متکلم‌جبری شاگرد بشر مریسی (م ۲۱۸) ورهبر معتزلیان ری که بانظام گفتگو نموده وازعهده او برنیامدو ازاندوه بمرد (۲۴ب - ۷۴ الف - ۸۴الف) وابوالهذیل علاف بصری ز۱۳۴ م۲۳۵ شاگرد شاگردان واصل (۸۸الف) وجبائی ازجبای خوزستان‌ز۲۳۵ م۳۰۳(۱۷۹ الف- ۱۹۲الف) وابوهاشم پسراوم ۳۲۱ (۱۵ب- ۱۴۵ب - ۱۴۶ب) وابن‌اخشید معتزلی بصری م۳۲۶ (۷۴ الف) وابن عیاش احمدبن محمد جوهری شیعی م ۴۰۱ (قال‌ابن عیاش‌ان‌الاعتماد یولدالحرکة ویتجرد فیولد- ۱۴۶ب) وابن‌مجاهد م۳۷۰ (ان‌ابن مجاهد رضی‌الله عنه من‌اشدالناس فی‌نفی‌الاحوال - ۸۴ب)وابوالعباس‌ناشئی معتزلی ازدستهٔ هشتم مانند کعبی و خیاط م ۲۹۰ (۱۷الف - ۸۸ب) وکعبی بلخی م۳۱۹ که درنخشب مدرسه‌ای بنیادگذارد (۱۷الف) و عبدالجبار(۱) درباره سبرو تقسیم‌حاصر واینکه‌نبود دلیل نابودن‌چیزی‌را نمیرساند ودارد: «وقدرددعبدالجبار ذالك فی«المغنی» اکثر من مائة مرة وهذا تناقض» (۲۳۴ الف).

۱- قاضی ابوالحسن عبدالجبار بن‌احمد، اسدآبادی همدانی بغدادی معتزلی‌اصولی شافعی(م. پایان ۴۱۴یا۴۱۵ درری) مناظر باشیخ مفید که درروزگار استاد ابواسحق اسفرائینی وصاحب عباد وسید مرتضی ورضی میزیست‌ومرتضی دررد مغنی اوشافی را نوشته ورضی شاگردش بوده والعمد فی‌اصول‌الفقه‌را نزدش خواند ودرمجازات‌الحدیث النبوی خود دوجا ازش یادنموده و گفتار اورا آورد. قاضی بدرخواست صاحب پس‌از ۳۶۰ از بغداد بری‌آمد ودرس میگفت وقاضی‌القضات همهٔ‌ری گشت ونزداو بود که با اسفرائینی برخورد نمود. گویند چهارصد نگارش دارد واین است برخی از آنها: تنزیه‌القرآن من‌المطاعن (چاپ قاهره در۱۳۲۹) وطبقات‌المعتزله (چاپ‌هند) ونقض اللمع وامالی وعلم‌الکیمیا وتثبیت دلائل‌النبوة درخرده گیری ازباطنیان (بنگرید به: دیباچهٔ ناشر تنزیه - اعلام زرکلی ج۲ص۴۷۶ - ریحانة‌الادب ج۳ص۲۷۰ - روضات الجنات ص۲-۴۲۱ - تاریخ بغداد ج۱۱ص۴-۱۱۳ - دیباچهٔ کوثری بر کشف اسرار الباطنیه یمانی ص۹.

و نیز از قفال چاچی(۱) (واطلق القفال الشاشی . . . فانه رضی‌الله عنه‌لا یسلك مسلك‌المعتزله ... وانتصر الاستاد ابواسحق رضی‌الله عنه‌له ـ ۲۳٦ ب) .

از قاضی باقلانی این نگارشها(۲) در اینجا یادگردید : التقریب والتقریر هر دو اصول (۲۲٥) والتمهید در کلام ومیگوید که قاضی در آن ترسایان‌را ردنمود و گفت که درالنقض‌الکبیر والهدایة علی‌التمهید آنچه می‌باید از آنان خرده گرفتم (۲۳۹ ب ـ ۱٦۸ ب ـ باقلانی تمهید را در یکم شعبان ۳۷۲ نوشته و در ص ۷۸ ـ ۹٦ آن از ترسایان خرده گیری شده است) و از النقض (٥٤ الف ـ ۲۱۹ الف) .

والنقض‌الکبیر (۱٦۸الف)که با هدایة هـر دو در کلام ورد برترسایان است و الهدایه در کلام والهدایة علی‌التمهید (هدایةالمسترشدین چنانکه در کشف‌الظنون آمده است) (۷٤ب ـ ۹۲الف ـ ۹٥الف ـ ۱٦۸الف ـ ۲۱۹الف ـ ۲۳۹ب)ومایعلل ومالایعلل در کلام (۲۱۹الف) وکتاب العلل که همه‌مباحث آن درباره علتها دراین

---

۱ ـ چند دانشمند نام قفال دارند :

۱ ـ امام ابوبکر محمدبن علی‌بن اسماعیل قفال چاچی (شاشی) محدث فقیه اصول شافعی (۲۹۲ ـ ۳٦٤) وهمین ما ناخواسته شده .

۲ ـ شیخ‌امام قاسم‌بن محمد قفال‌شاشی نگارندهٔ‌التقریب فی‌الفروع که امام‌الحرمین آنرا تلخیص نمود .

۳ ـ ابوبکر عبداله بن احمد قفال مروزی فقیه شافعی (م ٤۱۷ یا۴۲۷) کـه محمود سبکتکین‌را باخواندن نماز بروش شافعیان وحنفیان شافعی کرد .

٤ ـ ابوبکر محمدبن احمد قفـال شاشی فقیه شافعی (م٥۰۷) نگارندهٔ « العمدفی فروع‌الفقه‌الشافعیه» برای عمدةالدین مسترشد پسر مستظهر .

۲ ـ شاهپور اسفرائینی م ٤۷۱ در تبصیر ص ۱۱۹ میگوید که باقلانی نزدیك به پنجاه هزار برگ نگارش دارد واینددفترها را برشمرد : هدایـه و نقض‌النقض‌والتقریب فی الاصول والکتاب‌الکبیر فی‌الاصول درده هزار برك والکسب‌والتمهیدـ او«الانتصار فی‌دفع مطاعن‌القرآن» نیز نوشته که بیما نند‌است‌ونسخه‌ای‌از آن‌در کتابخانه‌قراامصطفی باشا درآستانه هست که اندکی ازپایانـ‌را ندارد (زیرهمان صفحه) ـ درپایان‌تمهید درص۹ـ۲٥۷ فهرست نگارشهای اودیده میشودونام تقریب وهدایه که دفتریست کلان والاحکام والعلل ونقض‌النقض ونقض‌الفنون جاحظ وشرح‌اللمع برده شده‌است .

تحریر ما آمده است ونگارندهٔ درگ ١٠٦ب میگوید : « علی ما نوضحه فی کتاب العلل» وهمان بخشی رامیخواهد که بنام «القول فیما یعلل ومالا یعلل» میباشد و در آنجا همه «کتاب العلل» باقلانی را با افزوده‌هائی ازخود آورد (٢٠٦الف تا ٢١٦ب) در گ ١٨٩ب میگوید : «ارتضاه الاستاذ ابوبکر رض فی کتاب له تصفح فیه احکام العلل للقاضی» وچنین برمیآید که ابن‌فورك دفتری دارد که‌در آن به«احکام العلل» باقلانی نگریسته است .

نیز میگوید : «حکی الاستاذ فی دقیق(١) الجامع» و «ذکر الاستاذ ابواسحق رض فی الجامع طریقه» (گ ١٢٠الف - ٢٣٣الف) واز آن «جامع الجلی والخفی فی اصول الدین والرد علی الملحدین» رامیخواهد که نگارش شیخ ابی اسحاق ابراهیم بن محمدبن ابراهیم بن‌مهران اسفرائینی شافعی اشعری فقیه‌اصولی نامبردار باستاذ (م نیشابور ٤١٨) میباشد (کشف‌الظنون ج١ص٣٦١-٣٨٤) و شاهپور اسفرائینی م٤٧١ در تبصیر ص١١٩ میگوید که مانند آن نوشته نشده است .

باری این دفتر گاهی بنگارش درآمد که بازار جنك و ستیز و گفتگوهای پیروان سنت ومعتزلیان بایکدیگر ازیکسوی و با فیلسوفان ازسوی دیگر گرم بود وبخوبی روش واندیشهٔ اشعریان رامیرساند .

آغاز: بسمله. لااله‌الاالله ، عدة‌للقاءالله . الحمدلله رب‌العالمین والصلاة علی محمدواله. هذا . وقداستدعی‌طائفة یتعین‌اسعافهم، تحریر کتاب‌یتعالاعن المختصرات ویتحط عن‌المبسوطات ، من‌جلة التصنیفات ، فی‌علوم‌الدیانات . فصادف‌الاختیار و

---

١ ـ لطیف ودقیق مسئله‌هائی‌است فلسفی که دردفترهای کلامی برای پیوستگی آنها با اعتقادات‌آمده است . اشعری جلددوم مقالات‌الاسلامیین را به «اختلاف‌الناس فی‌الدقیق» آغاز کرد وخود چنانکه گذشت سه کتاب درلطیف ودقیق دارد. خیاطدر انتصار درآنجا که ازابی‌الهذیل علاف (١٣١-٢٢٧) نام میبرد ازغامض ولطیف کلام یاد میکند(ص٧) شیخ‌مفید در «اوائل‌المقالات» ازلطیف گفتگو نمود (ص١و٢و٧٢تا١١١ چاپ دوم) ابن‌حزم اندلسی م٤٥٦ درفصل ازلطائف سخن‌راند (ج٥ص٢تا١٣٦) واحمد بن یحیی‌بن مرتضی زیدی یمنی م٨٤٠ بخشی ازبحر زخار را بنام ریاض الافهام فی اللطیف من‌الکلام بدینگونه مسائل اختصاص داد .

الایثار «شرح اللمع» للقاضی الجلیل ابی بکر رضی الله عنه . و نحن ، ان شاء الله ، نوضح مشکلات الفاظه : و نقرب ما اوجزه (من الابواب) بطریق البسط ، مع اجتناب التطویل وان اضطرت الحاجة الی الحاق ابواب و مسائل؛ الحقناها. و اول ما یصدر الکتاب به، فصول فی النظر : یرشد به الشادی ، و یستعین بها المنتهی . و بالله التوفیق . القول فی حقیقة النظر . . . ۵

انجام : لان من شأن کل مقلد، ان یتمکن المقتدر من الاضراب عنه و لا وجه للعاقل فی الاضراب من عقله . و هذا الم اقله نقلا . و انما ذکرته قیاسا و اعتبارا . وفیه نظر . والله اعلم .

بخشهای این نگارش: «درباره نظر ۱ الف. درستی نظر و خرده گیری از منکران (معرفت بروش اشعریان) ۲ الف. حدوث جهان (شئی-وجود) ۱۶ ب- هستی ها ۲۱ ب- اثبات عرضها ۱۰ (اصل ۱) ۳۰ ب-حدوث عرضها (اصل ۲) ۳۸ ب- ناروائی بی عرض بودن گوهرها (اصل ۳) ۴۴ ب — حادثها ناگزیر آغاز و انجام دارند (اصل ۴) ۴۸ ب — بود آفریننده ۶۴ الف— بیمانندبودن ۷۲ ب — دومثل ۷۴ الف —دوغیر ۸۷ الف— کتاب توحید، واحد و یگانه ۹۰ ب-فصل ۱، یگانگی خدا و دلیل تمانع ۹۲ ب— فصل ۲، روشهای معتزلیان در نپذیرفتن آن دلیل ۱۰۳ ب — فصل ۳، توانابودن قدیم ۱۰۸ ب—جسم ۱۱۰ ب—اکوان ۱۱۱ الف— ۱۵ کمترین جسمها ۱۱۳ الف — ناتوانی معتزلیان در اثبات جسم نبودن خداوند قدیم ۱۱۵ ب—خرده گیری از شبهه های مجسمان ۱۱۷ — خرده گیری از آنها در اینکه میگویند خدا جسم است و مؤلف نیست ۱۱۹ الف—اکوان ۱۲۰ الف—جنبشها ۱۲۷ الف—اجتماع و افتراق ۱۲۸ ب—ناسازگاری سخنان جبائی و پسرش درباره تألیف ۱۳۴ الف—سخنان ناساز گار معتزلیان درباره اکوان ۱۳۷ الف — اعتماد ۱۴۰ ب — قدیم ۲۰ راجهت و محاذی نیست ۱۴۸ الف—شبهه های مخالفان ۱۵۳ الف - تاویل برخی از کتاب و سنت ۱۵۹ الف — خرده گیری از ترسایان ۱۶۸ الف—اقنومها ۱۶۹ ب—یکی شدن لاهوت و ناسوت ۱۷۱ ب — شبهه های ترسایان درباره اتحاد ۱۷۵ ب— سخنان ترسایان درباره گوهر، واقنوم نبودن آن ۱۷۶ ب —خرده گیری از ترسایان در اینکه

بچند خدا میگویند ۱۸۰الف — پرسشهائی از آنها (ازباقلانی) ۱۸۰ب — سخنانی از انجیل ۱۸۱الف — کتاب صفات ۱۸۱ب — بود خدای قدیم ۱۸۱ب — بی آغاز بودن او ۱۸٤ب — پرسشهای دهریان و پاسخ آنها ۱۸۵الف — توانائی ودانائی وزندگی خدا ۱۸٦الف — کتاب علل (حال وعلت ومعلول) ۱۸۷ب — چیستی علت ۱۹۳الف — چگونگی اختلاف علتها ۱۹٤ب — بحثهای کلی درعلت (مایعلل ومالایعلل) ۱۹٦ب ۵
پـذیرفتن علت و نپذفتن آن ۲۰٦ الف — وصفهای برخاستهٔ ازحدوث ۲۱٦ب — حد ۲۲٤ب ـ دلیلهای عقلی و نقلی ۲۳۱الف ـ مائیت وحدانائی ۲۳٦ب ـ دانائیهای گوناگون ۲۳۹ب — ۲٤٤الف» .

[۷٦۰]

۱۰ این نسخهٔ گرانبهای بسیار کهن و بیمانند بخط نسخ و عنوانهای آن درشت‌تر
۳۵۰ میباشد. در کنار برگ ۱۳۰الف از آمدی و شریف گرگانی وشرح مواقف‌او یادگردید در گ ۱۳۷ب نیـز حاشیه دیگری دارد بهمان نسخ‌ریز. نسخه ۲۵ کراسهٔ ده برگی‌است وشماره آنها تا کراسه ۲٤ در گوشه‌های بالائی وچپ رویـهٔ هر یکی از برگهای دهم از ۱۰ تا ۲۳۰ نوشته شده است و از اینجا برمیآید که یك برگ
۱۵ ازآغاز نسخه که شاید نام کتاب و نگارنده آنرا میرساند افتاده است .

(۲۴٦گ) ـ کاغذ ترمه سمرقندی ـ جلد تیماج زرد تازه
اندازه : ۱۹×۲۷و۱۳×۲۱س۲۴

[٦۱۹] تحریر القواعد الکلامیه فی شرح الرسالة الاعتقادیه (عربی)

دانشمند عبدالرزاق پسر ملامیر گیلانی رانکوئی که درشیراز زاده ودر آنجا
۲۰ میزیسته است بدرخواست شاگردان خود برقواعدالعقاید خواجه طوسی گزارشی بدین نام برای محمدزمان‌خان (نسخهٔما) نگاشته‌است. نگارنده‌ذریعه (ج۳ص۳۸۸) میگوید که آنرا برای محمودخان فرمانروای کوه گیلویه نوشته و نسخه‌ای از آنرا در کتابخانه‌مولی محمدعلی‌خوانساری درنجف دیده‌ام که شایدبخط خود رانکوئی بوده و آنرا درشب چهارشنبه غدیر ذی‌حجه سال۱۰۷۷ بپایان رساند ـ دردیباچه
۲۵ نام‌نگارنده و گزارش، یادشده و نام متن «قواعدالعقاید»، وازطوسی دانسته شد.

آغاز: بسمله . الحمدلله‌الذی تقدس بقدیم صفاته وتنزه عن‌صفات المخلوقین

بذاته وانطق بتوحيده طوامير آيـاته ... فان . . . عبدالرزاق بن ملا ميرالجيلانى الرانكوئى الشيرازى مولداومسكنايقول ان احدى المقالات... هوالمعارف الدينية:

انجام : ويكون لهالذات ضعيفة بحسب ادراكها لذاتها ولمالابدمنها (متن) من البديهيات والوجدانيات. قدكمل شرح هذه الرسالة بحمده... على يد مؤلفه عبدالرزاق الجيلانى الرانكوئى الشيرازى مولد اومسكنا... فى عشية ليلة الاربعاء وليلة يوم الغدير من شهر ... ذى الحجة الحرام من سنة سبع وسبعين بعدالالف من الهجرة النبوية . . . عليه من الصلوات ازكارها ومن التحيات انماها واله الطيبين الطاهرين المعصومين الابرار صح ٥ .

[٧٦١]

٣٧٨

اين نسخه بخط تعليق وروى متن خط سرخ كشيده شده وحاشيه‌هائى دارد با (منه وفقه‌اله تعالى) وبرخى جاها خط خورده ودرست آن نوشته شده وپيداست كه نسخه‌اصل ميباشد وبايد همان باشد كه بنوشته ذريعه نگارنده رياض آنـرا نزد استاد علامه مجلسى ديده است . مگراينكه غلطهائى در اين نسخه ديـده ميشود مانند : الرسالة الموسومة بالقواعدالعقايد (گ١الف) ـ سميته تحرير قواعد الكلامية فى شرح الرسالةالاعتقادية (گ٢ب) ـ در گ١الف دارد : « نسخة اصل بخط مصنف» وپس ازعنوان : « بخطه‌الشريف» وباز : «للحقير محمدباقر بن محمدتقى» (خطشريف مجلسى) ، نيز : «مالكه‌المجازى‌القاضى ... (خوانده نشد) شهرربيع‌المولود من شهور ١٢٦٥» بامهر«عبداله بن‌ابراهيم موسوى؟» .

(١٢٥گ) ــ كاغذ سپاهانى ــ جلد تيماج سرخ ضربى

اندازه : ٥ر٩×٥ر١٦و×٥ر١١س١٨

[٦٢٠] **تحفةالاخوان درطريق اهل ايمان** (فارسى)

اين نگارش دراثبات روش اماميان و تناقضهاى چهار مذهب است (ذريعه ج ٣ ص ٤١٤) .

آغاز: حمد وثناء نامحدود وشكر وسپاس نامعدود مرحضرت صانع‌حكيم .

انجام : ودلايل برامامت اهل‌البيت بيشتر از آن است كه بقلم درتوان آورد و بدين قدراختصاركرده شد والحمدلله رب‌العالمين .

[۷٦۲]

۱۰۱۵ این نسخه ۳۵ دفتر است و بخط تعلیق گ۱۱۰ب - ۱۲۸ب . از گ۳الف تا ۱۷۱الف بیك خط است ودر گ۱٤٥ب پایان تاریخ منظوم چهارده‌معصوم نوشته شده ودارد : «وقدتم فی ۱۵شهرذی‌القعدة الحرام سنة ۹۱۳ثلث‌عشر وتسعمائة الهجریة .

۵

[٦۲۱] تحفهٔ شاهی و عطیهٔ الهی (فارسی)

مولی زین‌الدین علی‌بدخشی تجریدطوسی‌را برای سلطان محمد قطب شاه (۹۸۹—۱۰۲۰) بپارسی گزارش نمود ودر ج۲سال۱۰۲۳ آنرا بپایان رساند(ذریعه ج۳ص٤٤۳) .

۱۰

[۷٦۳]

۳۳۸ این نسخه بخط تعلیق ومتن بنسخ‌وشنگرف میباشد وتنها بخش الهی‌رادارد تاپایان کتاب وچنین‌است: «باشدوحال‌آنکه ثابت کردیم حدوث‌را (درمبحث توانائی خدا وپیش از ترجمه عبارت والواسطة غیرمعقوله) — تمام‌شد ترجمه شرح تجریدوتمام بحقیقت وقتی‌شود که پسندیده آید درنظر... المؤید من‌عندالله‌همایون اعظم ... امیدکه ... ازدریای فیض مآثر خاطر مقربان درگاه الهی بروجود خاکی‌این بنده کثیرالتقصیرمترشح گردد. درماه فلان‌بتاریخ فلان‌مرقوم گردید. والله‌اعلم بالصواب والحمدلله رب‌العالمین .

۱۵

(۱۷۹ب) — کاغذ ترمه سمرقندی — جلد تیماج کهنه ضربی

اندازه :۱۷×۵ر۲٦و۱۰×۵ر۱۸س۱۵

۲۰

[٦۲۲] التحفة الوجیزه (تحفة الاصول) (عربی)

علامه میرزا عمادالدین (سدهٔ۱۱) این رساله کوتاه را دراصول دین نگاشته است تابتوان بآسانی بیادسپرد .

[۷٦٤]

۲۵

٤۱۱ این نسخه شماره ۱ دفتر بخط نسخ درشت معرب وترجمه پارسی‌آن درمیان سطرها بخط‌تعلیق وشنگرف‌میباشد وحاشیه‌های «منه»دارد بخط‌شکسته و نویسندهٔ‌آن نگارنده رساله را شناسانند و چنین است : « وارکان الاسلام اوجزت‌لتذکرعقول اهل‌الیقین (دیباچه)—ویترقرق‌الایمان‌فی‌الایمان . تمت‌تحفة‌الاصول من علم‌الکلام فی‌اصول‌الدین و ارکان‌الاسلام بتوفیق‌الله، الملك‌العلام، فی‌سنة۱۰۹۱»

نسخه آغاز ندارد و میان دیباچه و خود رساله و نیز میان بحث نبوت و معاد افتادگی دارد : گ۱الف ـ ٤الف .

(همه دفتر ٥٥گ) — کاغذ سمرقندی — جلد تیماج [illegible] فرسوده

اندازه : ٥ر٨×١٥ و ٥ر٥×١٠ س١٥

٥ [٦٢٣] تحفة الوشائح فی بدائع الصنائع (عربی)

حاشیه‌ای است بر تحفهٔ وجیزه (ش۱/٤۱۱) و گاهی شعرهای پارسی هم در آن دیده میشود . نگارنده آن همان میرزا عمادالدین میباشد که تحفه را از لوامع اللوائح خود گزین نموده است .

آغاز: بسمله و حمد و صلوة . اما بعد فهذه تحفة الوشائح من حواشی الوجیزة فی

۱۰ علم الکلام التی اجملت متنامن لوامع اللوائح .

انجام : آنچه در ذات بنده پنهان است ـ نطقش آنرا بیان و برهان است ـ بهمین است ختم حق کلام ـ یابد از علم هر عمل اتمـام . تمت حواشی التحفة الوجیزة فی علم الکلام ، لشرح مسائله علی اقوم الاقوام ، وشرح دلائله علی انظم النظام .

[٧٦٥]

۱٥ این نسخه شماره ۲ دفتر و بخط نسخ با عنوانهای شنگرف و برخی جاها اعراب

٤۱۱ دارد. و حاشیه‌هائی در آن هست بخط تعلیق و شنگرف بهمان خط مترجم ش ۱ ایندفتر (تحفهٔ وجیزه) گ٤٤ب ـ ١٥٥الف .

[٦٢٤] التخلف من جیش اسامة (رسالة فی...) (عربی)

از ملا میرزا محمد بن حسن شیروانی (م۱۰۹۸) فیلسوف کلامی فقیه جدلی شاگرد

۲۰ دانشمند خوانساری (آقا حسین م۱۰۹۹) که در روزگار شاه سلیمان صفوی (۱۰۷۷ ـ ۱۱۰٥) و بدستور او از نجف بسپاهان آمده بود و آرامگاهش در طوس میباشد. او در این گفتار در این مسئله تاریخی که متکلمان شیعی و سنی درباره امامت بدان می‌نگریستند سخن بمیان آورد : کـه ابوبکر و عمر می‌بایست بدستور پیامبر بـا سپاهیان اسامه باشند چرا از آن سر باز زدند و همین نافرمانی خود مایهٔ کفر میباشد

۲٥ و چنین کسانی شایستگی جانشینی پیامبر و فرمانروائی بر مسلمانان نخواهند داشت. شیروانی در اینجا بسخنان قاضی القضاة (عبدالجبار همدانی) و سید مرتضی مینگرد

ودر میان آندو داوری میکند .

آغاز: قالت الامامية ان ابابكر كان في جيش اسامة فتاخره مخالفة الرسول..
اقول ومما يدل على انه كان فيها مخاطبته اياه بالامير حتى مات .

انجام : والانكار لامارة اسامة والجحود للنبوة متعللا بالمذكورات من معدن
واحد ويفرع على اصل واحد وتشابهت الاحوال واستقربت بلافرق. الى هنا انتهى كلامه ٥
ادام الله ظلال افاداته وميامن بركاته .

[٧٦٦]

این نسخه شمارهٔ ۲ دفتر وبخط تعلیق با نشانه‌ها وعنوانهای شنگرف میباشد.
۱۳۶ گ ۵۳ب ـ ۱۰۱ب . دو نسخه ازاین درطوس هست (ج ٤ ش ٦١٤ ـ ٦١٥) و
آغاز درآنجا چنین میباشد : «الحمدلله اولا بادیا وثانیا تالیا ... وآله سادات ۱۰
الانام» ـ نام رساله ونگارنده آن درپشت نسخهٔ ما (۵۳ الف) دوبار یادگردید .

[٦٢٥] **ترجمة الفصول في الاصول** (عربی)

رکن الدین محمد بن علی فارسی گرگانی حلی نجفی (نیمه دوم سده ۷) فصول
پارسی خواجه طوسی راکه بروش کلامیان (۱) نگاشته برای اینکه چندان میان
عراقیان تازی زبان شناخته نبود بتازی درآورد تاتازیان بآسانی دریابند وایرانیان ۱۵
بدان ارج نهند . اوشاگرد علامه حلی بوده ومبادی اورا بسال ٦٩٧ گزارش نمود

۱ ـ طوسی دراین نگارش درمسئله‌هائی مانندموجب بودن خدا ویکی بودن آفریدهٔ
آفریننده یکتاوآگاه نبودن خداازجزئی زمانی وحسن وقبح عقلی وامتناع حشراجساد
برفیلسوفان رد میکند ـ این رکن الدین جزابوالفضائل سیدرکن الدین حسن بن محمد
بن شرفشاه علوی حسینی استرابادی موصلی شاگرد خواجه طوسی و سرور یاران او ۲۰
میباشد . این موصلی شاگرد آمدی وفیلسوف ومتکلم واصولی نحوی بوده قواعدالعقائد
طوسی‌را بدستور پسرش گزارش نمود وشافیه ابن حاجب‌را شرح کرد وبر کافیه اوسه
گزارش بزرك بنام بسیط ومیانین بنام وافیه که متداول بوده وکوچك نوشت ودر ۱٤
صفر ۷۱۵ درگذشت.سال مرگش‌را ۷۱۷ و۷۱۸ نیز نوشته‌اند اوهفتاد واندسال بزیست
پس رکن الدین گرگانی سیدنبوده وگویا طوسی راهم ندیده باشد بنگرید به: بغیة ـ ۲۵
الوعاة سیوطی مصر ۱۳۲٦ ص ۲۲۸ ـ روضات الجنات ص ۲۲۳ ـ کشف الظنون (کافیه ـ
شافیه) ـ ص ٤٥٨ همین فهرست که ازدیباچهٔ آقای هنری کربین بهره برده‌شد .

(ذریعه ج۲ص۴۲۳).

این کتاب درچهار فصل وهریك چند اصل است .

آغاز: بسمله . امابعد حمدالله‌الواجب وجوده، الفائض علی‌سائرالقوابل‌جوده... فان علم‌الکلام وان کثرت اسراره ... الاان زبدته ... قدضمنها . . . نصیرالملةوالحق والدین ... الطوسی ... فی‌وریقات قلیلة ... وسماها بالفصول فی‌الاصول‌الاانهالکونها فارسیة لم‌یعرفهاالعربی وعاقها مع‌فصاحتهاالعجمی؛ فلذلك غاب‌شمسها فی‌اکثرالافاق ولم یطلع بدرها فی‌العراق؛ فرایت عندذلك ان اجردها عن ثیاب الفاظهـا واحلیها بکسوةالکلمات‌العربیة لیعم طلبة العلم نفعها ویعظم عندالعجم وقعها . . . وهی موضوعة علی اربعة فصول .

انجام : ان من‌نظر بعین عقله و شاهد هـذاالحکم فی‌تنبیه یجب‌علیه ان یعرف غرض‌الخالق من‌خلقه بفضله ولایضیعه بتفریطه وجهله والاشقی وخسرخسرانامبینا، وفقناالله وایاکم(بسعادةالدار) لدارالاخرة بمحمد وآله (وعترته) الطاهرین‌والحمد لله‌رب‌العالمین (آمین رب‌العالمین برحمتك یاارحم الراحمین) .

[۷۶۷]

۲۸۲ این نسخه شماره ۳ دفتر وبخط نسخ علی‌اکبر قزنچاهی ۱ شوال بسال ۱۰۳۶ (۱۳۶ درنسخه) گ۱۳۱ب ــ ۱۴۰ب .

[۷۶۸]

۱۰۸۸ این نسخه شماره ۲ دفتر وبخط تعلیق وعنوانها بشنج تـاریخ ۱۱۹۸ میباشد . گ ۸ب ــ ۱۳ الف . درگ ۱۳الف نیز بندی ازکشکول نوشته شده .

[۶۲۶] **ترجمه فصول مختاره** (فارسی)

شیخ مفید دانشمند شیعی(۳۳۸ـ۴۱۳) دونگارش داردکه درآنها گفتگوهاکه با دانشمندان کردووخرده گیریهاکه ازکیشهای دیگرنموده آورد یکی‌بنام«المجالس المحفوظة فی‌فنون‌الکلام» دیگری بنام « العیون والمحاسن» سیدمرتضی (۳۵۵ ـ ۴۳۶) شاگرد اودر روزگار استاد ازاین دوکتاب گزین نموده « الفصول‌المختارة » خودرا نوشت وآن دوبار یکی درعراق نزدیك۱۳۶۱ دیگری درچاپخانه حیدری

نجف بی‌تاریخ بچاپ رسید(۱) .

آنرا دانشمند آقا جمال‌الدین محمد خوانساری (ه۱۱۲۵) بدستور حاجی احمد بیك معتمدالسلطنه بپارسی کرده ودر روز چهارشنبه ۲شوال ۱۰۷۸ بپایـان رساند . این ترجمه دوجلد است نخستین ۷۰فصل ودومی ۵۱فصل میباشد ونسخه ما تا بپایان فصل۳۵ جلد۲ میرسد وفصل۳۵ درمتن تازی دیده نمیشود وپیداستکه ازفصل ۳۵ تا۵۱ جلد۲ بندهائی است که بر کتاب افزوده شد چنانکه در گ۸ الف فهرست‌یاد گردید. نگارنده ذریعه (ج٤ص۱۲۲) نسخه‌ای‌را دیدکه در۱۰۹۹نوشته شده بود .

آغاز: بسمله وبه نستعین . بخورمجالس هوشمندان مشکین مغز از آتش بی دود گل حمد چمن پیرائی است که ترجمه نواهای عندلیبان شوقش دستان غرائب قدرت اوست و نکهت مشام بزم افروزان عقل وخرد از نسیم انفاس تقدیس محفل آرائی است که تأویل کلام قصه پردازان عالم صنعتش تفسیر آیهٔ حکمت اواست .

انجام: «که موافق عموم قرآن‌وظاهر آن باشد اولی‌است ازحمل برخلاف آن. والله نسئل‌التوفیق . وهوحسبنا ونعم‌الوکیل . تمم کتاب‌الفصول ... علی‌ید . . . جمال‌الدین محمد شیرازی فی‌تاریخ یوم‌الاربعاء۲شهرشوال۱۰۷۸» نام جمال‌الدین محمدبن‌الحسین خوانساری دردیباچه (گ۱۰الف) هم دیده میشود . درپایان جلد یکم گ۱۲۹ب‌نیز دارد: «تم‌الجلدالاول من کتاب‌الفصول بیدمترجمه ... جمال‌الدین محمدبن الحسین‌الخوانساری عفی‌عنهما ربهما» پس واژه شیرازی گویا سهوقلم‌باشد.

۱ــ نیز بنگرید به:حاشیه چرندابی براوائل‌المقالات‌مفید چاپ دوم تبریز ۱۳۳۰ خ ص مب. این‌فصول ازرهگذر تاریخ رایهای کلامیان و گفتگوهای آنان با یکدیگر بسیار سودمند است واز کسانی‌مانند ابوبکراحمدبن سیار وابوعمر شرطی وقاضی‌ابو محمد عمانی وابوبکر دقاق وباقلانی یادشدکه با مفید گفتگوداشتند. از گفتگو هـای دانشمندان پیشین مانند علی‌بن‌میثم باابوالهذیل علاف‌وضرار نیزهشام‌بن حکم باضرار درآن یاد گردید . سخنانی ازخیاط و کعبی وشیخ اسماعیلی وشیخ زهـدی و جاحظ و نظام ودیگران درآن آمده ومفید ازآنها خرده گرفت .

[٧٦٩]

این نسخه بتعلیق در جدول زرین و لاجوردی دارای سرلوح زیبا میباشد و دو
٦٩٦ صفحه نخستین (فهرست) باحاشیه آب طلا و گل و بوته‌داراست. در گ۱ الف
بنسخ نوشته شده که نسخه در۱۰۹٤ وقف شده وتولیت آن پس از واقف بامیر
٥ محمد خاتون‌آبادی‌میباشد. فهرست گ۱ب—۹ب و کتاب۹ب—۲۷۱الف . این‌فهرست
را مظفرعلی نامی نوشته که درآغاز نسخه‌ما دیده میشود واین نسخه تاپایان فصل۳٥
جلد دوم است وفصل ۳٤ آن‌برابر است‌با پایان کتاب فصول درچاپ دوم عراق وآغاز
جلد دوم ترجمه درص۱۲٤ج۱ چاپ دوم‌دیده میشود .

(۲۷۱گ) — کاغذ ترمه سپاهانی — جلد تیماج زرد ضربی مقوائی بابرگردان ؛ عباسی قرمز
۱۰ اندازه : ۱۴×۲۵ و۸×۱۷ س۱۹ درسلس تیماج سیاه

[٦٢٧] تسدید القواعد فی شرح تجرید العقاید (عربی)

شمس یاشهاب‌الدین محمودبن ابی‌القاسم عبدالرحمن‌بن احمد سپاهانی(٦٧٤_
٧٤٩) تجرید الکلام طوسی راپس‌ازعلامه حلی واسفرائینی گزارش نمود وآن
همانست که بشرح قدیم نامبردار میباشد . اودر دیباچه پس ازستودن از طوسی و
۱٥ آمرزش‌خواستن ازخدای برای وی‌میگوید که تجرید گزیده‌ومرموز بودوبدستور
کسیکه نمی‌توانستم ازفرمانش سرباززنم بگزارش آن پرداخته خرده‌گیریهاکه بر
بخش امامت آن میشود کرد نشان میدهم . سپاهانی ازدو گزارش پیش ازخود از
علامه حلی وشمس‌الدین محمد اسفرائینی بیهقی (که درروزگار طوسی میزیست)
آگاه نبوده ویادی از آنها نکرده است . درذریعه (ج۳ص۳٥۳) گوید که دردیباچه
۲۰ او از آندو یاد نمود .

متن پس از«الاصل» وگزارش پس از«الشرح» میآید وهمهٔ متن درآن‌هست .

آغاز: بسمله الحمدلله‌المتوحد بوجوب الوجود ... قال ... محمودبن ابی‌القاسم
بن احمدالاصفهانی ... یقول لماکان اعلی مایسموالیه .

انجام: هـذا آخر ماتیسرلنا . . . والمسئول من‌الله . . . ان یجعله ... ذخرالنافی
۲٥ یوم‌الدین .

[٧٧٠]

٢٨٤ این نسخه گ۱الف ـ ۲٦٤ب دفتر و بنسخ باعنوانهای شنگرف و کهنه است وخط سه صفحه نخستین پیش از کتاب (درباره کتابهای کلامی) و برك٤ کتاب ودو صفحه آخردفتر شکسته تعلیق میباشد وسه‌صفحه نخستین ودوصفحه آخر کتاب نو نویس بخط تعلیق روشن است ودرسه‌صفحهٔ آغازودوصفحهٔ پایان دفترسخنانی است فلسفی و کلامی واز آسمان وجهان بحار مجلسی درآن آمده است. حاشیه هائی بهمان خط شکسته دیده میشود.

در پایان نسخه دارد: «تم الکتاب بتمامه ...قد وقع الفراغ من الکتاب فی غرة شهر رجب سنة ۷۷۱» واین باید تاریخ نسخه‌ای باشد که ازروی آن این نسخه را کامل کردند چه این عبارت بخط تازه نونویس میباشد.

(۲+۲٦٦گ) — کاغذ ترمه سمرقندی — جلد تیماج مشکی کهنه مقوائی
اندازه: ۱۳×۱۸ و۸×۵ر۱۲ س۱۹

[۷۷۱]

۳۲۵ این نسخه بنسخ کهنه با عنوانهای شنگرف میباشد و چنین است: «لصورة (ذاك) العضولكان تلك الصورة مقارنة لمحل النفس الناطقة (مبحث دلیلهای تجرد نفس — برابر باس۸ گ۱۳۷ب ش۲۸٤)ـ فذلك هو المنتهی ومااليه و المبدء (مبحث حرکت دربحث اعراض ـ برابر باس۱۰ گ۱۸۷الف همان شماره) ـ» .
(۳۹گ) ـ کاغذ ترمه سمرقندی ـ جلد تازه کهنه زرد لو سط فائی ن
اندازه: ۵ر۱۳×۲۳ و۵ر۷×۱۴ س۲۳

[٦٢٨] تصحيح الاعتقاد (عربی)

رهبر دانشمند شیعی شیخ ابوجعفر محمدبن بابویه قمی (م۳۸۱ در ری) در نیشابور برای پیروان سخن میراند ودرانجمنی که پیران ومشائخ درروز آدینهٔ ۱۲ شعبان ۳٦۸ گرد آمده بودند ازاو درخواستند تاآئین امامیان را بآنان بشناساند. او درآن انجمن «کتاب اعتقادات» خویش را برای آنها خواند. شیخ مفید(۳۳٦ـ ٤۱۳)بدین دفتر نگریسته نکته‌هائی درباره آن ازآغاز تاانجام آورده ودربسیاری ازجاها ازآن خرده گرفت و بسا از گفته‌های اورا نپذیرفت همین است که نام «تصحیح الاعتقاد» دارد و در تبریز دوبـار بسالهای ۱۳٦٤ و ۱۳۷۱ با اوائل المقالات همو بچـاپ رسید.

مفید در آن باقمی در آفریده شدن جانها پیش از تنها مخالفت کرده میگوید که خبر «ان الارواح مخلوقة قبل الاجساد بالفی عام فماتعارف منها ایتلف وماتناکر منها اختلف» واحداست و تناسخیان وحشویان شیعی چنین گویند وجهان‌ذری میپندارند و گرنه میبایستی از آن جهان چیزی بیاد آید (اینجا سخن پلاتون درباره تذکر بیاد میآید) باز میگوید بقاء نفس با آیهٔ « کل‌من علیها فان » نمیسازد و رای فیلسوفان ملحد است که میگویند جان‌را پیدایش وتباهی نیست ورای تناسخیان که بتکرار نفوس درصور وهیاکل میگویند. این‌را ناصبیان بشیعه بستند واز آنـان نکوهش کردند وزندیق‌شان خواندند. اخباریان ماساده و کودنند وبهر خبری میگروند و درست‌ونادرست آن‌را نمی‌شناسندومعنی آن‌را نمی‌یابند. روان گویا همان گوهریست که بااو سخن میگویند وفیلسوفان آنـرا ساده مینامند (ص۳۲ ـ ۳۸ چاپ دوم) اینکه شیخ میگوید که همه امامان کشته شدند درست نیست و خبری که آوردند گزافه است. همین اندازه میتوانیم بگوئیم که سه‌پیشوای نخستین وامام کاظم(ع) و گویا امام‌رضا(ع)را کشته باشندنه‌پیشوایان دیگر(ص۶۳) درباره حلاجیان میگوید که آنهاصوفی واباحی وحلولی وملحد وزندیق هستندوبرای حلاج مانندمجوسان برای زردشت وترسایان برای راهبـان خودآیت واعجاز می‌پندارند وازدین بسی دورترند تااینندو گروه (ص۶۵) باز میگوید اینکه‌قمی مینویسد هرکس‌دانشمندان قم راکوتاهورز بداند خود غلو ورزید درست نیست چه‌ابن‌الولید قمی‌میگوید که «پیامبر را فراموش کننده‌ندانستن غلواست» پس اودراین‌باره تقصیر نمود وبسیاری از قمیان رادیدیم که امامان‌را ازپایگاه ارجمندشان پائین‌میآوردند و میگفتند کـه آنان بسیاری ازاحکام دین‌را نمی‌دانستند تادر دلهایشان بگذرد و گروهی از آنها هم درباره امامان پنـدار و گمان روا میداشتند. پس نشانه غلو نـه آنستکه قمی پنداشت بلکه قدیم والهی و آفریننده دانستن آنها (ص۶۵).

مفید دراین گزارش از «تمهید ـ مصابیح‌النور ـ پاسخ پرسشهاکه ازشهرها بدو رسید ودر آنها درست و نادرست حدیثها را روشن نمود» یـاد کرد (ص۷۰) او در

« اجوبه مسائل سرویه» نیـز از اشباح واظله وعالم ذر گفتگو نمود (رسائل چاپ نجف ص٤٤ و پس از آن) چنانکه درارشاد ومقنعه خودهم برای بسیاری ازامامان مرگ طبیعی گفته است (حاشیه ۲ص٦٤چاپی) .

[۷۷۲]

۵

۲۸۲ این نسخه شماره۱ دفتراست وبخط نسخ درشت باعنوانهای شنگرف ازعلی اکبر قزنچاهی بسال۱۰۳٦(درنسخه ۱۳٦)گ۱ب ـ ۲٦ب .

[٦۲۹] تقدیس الانبیاء وتمجید الاوصیاء (فارسی)

محمدبن سیداحمد علوی‌عاملی که بعبدالحسیب حسینی‌قاطمی نامبرداراست دراینکتاب ازخرده گیریها کـه درباره عصمت پیامبران کرده‌اند پاسخ گفته امامت پیشوایان شیعی را روشن ساخت وآشکار داشت که امامان معصوم میباشند ودلیل های عقلی ونقلی برای آن آورد . کتاب دریك فاتحه وچند تقدیس هر یك دارای چند تمجید ویك خاتمه میباشد . نام کتاب ونگارنده آن درمتن دیده میشود .

۱۰

آغاز: بسمله . وهوالعزیزالعلیم‌الحکیم . سرهرنامه است نام خدا . بهتر از هرسخن کلام خدا ... شکربیقیاس وسپاس بااساس ذاتی‌را سزد.

۱۵

انجام: واین‌مباحث‌را درکتاب مناهج‌الشارعین... بیان نموده‌ایم... حق‌تعالی جمیع مؤمنان‌را توفیق علم و(عمل) میسر گرداناد بالنبی والوصی وآلهما وصلی‌الله علی محمد وآله اجمعین ابدالابدین.

[۷۷۳]

۲۰

۳۵۲ ایـن نسخه بخط تعلیق باعنوانهای شنگرف وعبارتهای تازی بنسخ میباشد ازحیدرعلی بن کلبعلی وانوسفادرانی درشنبه۱۹ ذی‌قعده ۱۰٦۹.

(۳۹۴گ) ـ کاغذ فرنگی ـ جلد تیماج مشکی‌کهنه فرسوده مقوائی

اندازه : ۱۴×۵ر۱۹ و۵ر۸×۵ر۱۳س۱۷

[٦۳۰] تلخیص الشافی (عربی)

شیخ ابوجعفر محمدطوسی(۳۸۵ـ٤٦۰) چون‌دید که‌مغنی عبدالجبار وشافی سید مرتضی بی‌ترتیب است بدانها سامانی داده و پاکیزه ساخت وبدان تلخیص نام ۲۵

داد که‌دردوجزء میباشد وباخود شافی‌بچاپ‌رسید واین جز «الاستیفاء فی‌الامامة»(۱)
طوسی است ودررجب ۴۳۲ بپایان رسید. بهاءالدین محمدسبزواری نائینی‌سپاهانی
(زاده در ۱۰۸۰ وزنده ۱۱۳۰) نیزشافی را یکبار بنام « ارتشاف‌الصافی من‌سلاف
الشافی» وباره دیگر بنام «صفوةالصافی من‌رغوةالشافی» گزین نموده است. (ذریعه
٥ ج۲ص۳۴۴ وج۴ص۴۲۳).

[۷۷۴]

۵۱۹ این نسخه بنسخ باعنوانها ونشانه‌های شنگرف ازعلی‌بن شمس در چهارشنبه ۷
محرم ۱۱۱۰ وازروی نسخه‌ای نوشته شده که ابونصر محمدبن ابی‌رشید رازی
نجف نشین در ۵۳۲ آنرا نوشته بود.
۱۰ مهرجوادبن مرتضی حسنی حسینی طباطبائی در گ ۱ الف و سه جای پایان دیده
می شود.

(۲۵۷ گ) ـ کاغذ فرنگی ـ جلد تیماج سرخ ضربی مقوائی بابرگردان
اندازه: ۱۵×۲۱ و۵ر۹×۵ر۱۵س۲۱

[۶۳۱] تنزیه‌الانبیاء والائمه (عربی)

۱۵ سید مرتضی دراینکتاب روشن میسازد که پیامبران و پیشوایان شیعی ازهرگونه
گناه پاکند. وهیچ کار نکوهیده‌ای از آنان سر نمیزند. اودر پایان از کتاب امامت
خود یادمیکند. اینکتاب درتبریز بسال ۱۲۹۰ بچاپ سنگی رسید. عبدالوهـاب بن
علی گرگانی (سده۹) نیز کتابی بنام «تنزیه الانبیاء» دارد که در آن بسخنان مرتضی
نگریسته است. شهاب‌الدین‌شافعی رازی‌دررد آن «زلةالانبیاء»نوشته است(فهرست
۲۰ طوس ش ۴۲۸ ـ ذریعه ج۴ص۴۵۶).

آغاز: بسمله. الحمدلله کما هواهله ومستحقه ... سالت احسن‌الله توفیقك املاء
الکلام فی‌تنزیه‌الانبیاء والائمة.

انجام: ولعلنا ان نستقصی‌الکلام فیه ونانی علی‌مالعله لم‌نورده فی کتاب الامامة
فی موضع نفرده‌له ان اخرالله تعالی فی‌المدة وتفضل‌بالتایید والمعونة وهوالمسئول

---

۲۵ ۱ ـ ابی‌سهل اسماعیل نوبختی دانشمند کلامی ایرانی ونگارنده «ابطال‌القیاس»
نیز(الاستیفاء فی‌الامامة» دارد.

ذلك والمامول لكل فضل وخير قربا من ثوابه وبعد امن عقابه والحمدلله رب العالمين وصلى الله على سيدنا محمد النبي و آله الطاهرين .

[٧٧٥]

این نسخه شماره۱ دفتروبخط نسخ با نشانه‌ها وعنوانهای شنگرف بتاریخ
٦٨٩ رمضان ۱۰۰۸ گ۱ب-۱۴۷ الف - دانشمند محمد بن عبدالنبی نیشابوری ٥
مینویسد که دردهه‌دوم ج۲ سال ۱۲۰۵ آنرا خوانده‌ام (گ۱۴۷الف) وی چند
جا حاشیه نوشت بازخط اودرگ ۱۴۷م الف بامهر «صل علی محمد» دیده میشود که
نسخه را خریده است . صالح بن عبدالکریم کرزکانی بحرانی شیرازی محدث فقیه در
۱۰۸۰ مینویسد که محمد کریم شوشتری آنرا نزدمن خوانده و بپایان رسانده و بدو اجازه
میدهد (۱۴۷الف) وچندجا نشانه بلاغ اوهست . درگ۱الف خط حاجی میرزا حسین بن ۱۰
محمد تقی نوری دیده‌میشود که نسخه از آن اوشد ودرهمانجا نوشته است که در۲صفر
۱۱۳۰ این نسخه درلاهور بکتابخانه شاهی آمده ومهرشاهانه دیده میشود . و دارد
که این نسخه درتاریخهای ۲۰صفر ۱۰۹۵ و۱۵ج۱سال ۱۰۹۸و۱۹ج۲سال ۱۰۹۹ و
۱۹ع۲سال ۱۱۰۱و۱۲صفر۱۱۰۲و۲۱شعبان و۲۶شوال(۳۶دلو) و۲۴ذی‌حجه۱۱۰۸
و۱۳ج۱ سال۱۱۱۱و۲۲شعبان ۱۱۱۵ و۲۱و۲۲ع۲و۵ذی‌حجه ۱۱۲۰ ملاحظه‌شده یا ۱۵
بعرض رسید .

از عرض کنندگان مهرهائی درآن هست : دومهرشاهی - ابوالحسن - محمد
رضا - بهرام - ابراهیم‌خان - شرف‌الدین - محمد اشرف - وجزاینها که خوانده نشده
است. محمد بن عبدالنبی نیشابوری (گ۱۳۴الف) مینویسد که گاهیکه بفارس میرفته‌ام
درحله درنیمه یکم جمادی یکم سال ۱۲۰۴ نزدشریف سیدسلیمان پزشك ادیب محدث حلی ۲۰
«کتاب المنثور والمنظوم» راکه درگنجینه متوکل دوم عباسی بوده دیده‌ام . همین
محمد بخط ومهرخود می‌نویسد که نسخه راخریدم (گ۱۴۷الف) .

[٦٣٢] حاشیه برشرح عقائد عضدی (عربی)

دانشمنددوانی (۸۲۸-۹۰۸) بر«عقاید» دانشمند قاضی عضدالدین عبدالرحمن
ایجی فارسی (مرده درزندان ۷۵٦) گزارشی نوشته ومولانا سیدآقاحسین حسینی ۲٥
خلخالی (م۱۰۱٤) بدرخواست دوستان خویش براین گزارش حاشیه کرده و گفتار
دوانی را استوار بداشت . او درآغاز میگوید که موشکافی وباریکبینی دوانی در

این گزارش مایه این‌شد که گروهی بیراه گردند ودسته‌ای هم میخواستند که کسی دشوارشهای آن راآسان کند . این‌بود که من بخواهش‌یاران بدین‌نگارش‌پرداختم وبهوشمندان درست‌اندیش ارمغان‌دادم وازتنك چشمان‌بخدای پناه میبرم .خلخالی این‌را دررد حواشی خانقاهی نگارش مولی یوسف بن محمد خان قره باغی «محمد
۵ شاهی کوسج (م۱۰۵٤) که درخانگاه حسینی سمرقند برای ابوحامد خلیل‌الله در ۹۹۹نوشته است‌بپرداخت .کوسج‌قره‌باغی دوباره‌درردداین در۱۰۳۳«تتمة‌الحواشی فی‌ازالةالغواشی» نگاشته است دردانشمندان آذربایجان آمده که خلخالی‌دوباره اورا رد نمود (ذریعه‌ج٦ص۱۲۵ـش۹۲مجلس) .

آغاز: بسمله... الحمدلله‌الذی هدانا‌المنهج‌الرشید والمسلك‌السدید.

۱۰ انجام: قوله‌لان احادالصحابة والتابعین کـانو یامرون بالمعروف . . . بل‌الامرفیه موکول الی اهل‌الاجتهاد . تم .

[۷۷٦]

۳۱۲ این نسخه شماره۲ دفتروبخط تعلیق باعنوانهای شنگرف نزدیك۱۰۱۳گ۸۱ب ـ ۱۵۱الف‌میباشد. نسخه‌ای‌ازاین‌درطوس ش۵۱۸هست‌وسال‌مرگ‌خلخالی
۱۵ دراین فهرست سال۱۰۱٤ دانسته‌شده‌وآن‌با رد کردن برردکوسج‌پس‌از۱۰۳۳ نمی سازد .

[٦۳۳] حسنیه (فارسی)

این نگارش درکلام شیعی ودریك دیباچه ودو باب است وازعزالدین بن‌جعفر بن شمس‌الدین آملی که بامحقق‌کرکی وقطیفی نزد علی‌بن هـلال جزائری درس
۲۰ خوانده ونهج‌البلاغه‌را برای آقاحسن وزیر مازندران در۹٤٤ بپارسی کرد . دراین رساله ازاو بنام «وکیل‌السلطنة بمازندران تاج‌الدین حسن» ستایش نمود (ذریعه‌ج۷ص۲۰) درنسخهٔ ماچنین چیزی دیده نمیشود ونامی ازآملی هم برده نشده‌است.

آغاز: بسمله . حمد بی‌حد وسپاس بی‌عدمرواجب‌الوجودیرا که نظام اصول از فیض جود اوست ... این رساله‌ایست مسمی برسالهٔ حسنیه دربیان اعتقاد(ات)قلبیه
۲۵ وذکر عبادات شرعیه .

انجام : و نیز باید که درهر صبح وشام بآنچه مقدور او باشد دعاء عدیله ...
بخواند والحمد رب العالمین والصلوة والسلام علی محمد و آله ...الطاهرین .

[۷۷۷]

۸۹۹ این نسخه شماره۲ دفتر و بخط نسخ باعنوانهای شنگرف میباشد گ ۱٦ب
۳۳الف . شماره۳ آن کتابی است درهمه بابهای فقه بفارسی بهمان خط بتاریخ
۱۰۲۵ گ ۳۳ب-۲۳۷ب وشاید این هم ازآملی باشد .
(همه دفتر ۲۳۸ گ) — کاغذ سمرقندی — جلد تیماج زرد ضربی مقوائی
اندازه : ۱۴×۲۲٫۵ و۷×۱۵ س۲۳

[٦۳٤] حقائق المعارف (عربی)

دراین رساله از اصول عقاید از روی آیتها و خبرها بروش امامیان گفتگو میشود
و علی اصغر بن علی اکبر بروجردی آنرا بدرخواست برادران دینی نوشته و یک مقدمه
و پنج مشکوة و یک خاتمه میباشد .

آغاز: بسمله الحمدلله الذی شرح صدورنا بمعارف حقائق اسرار محبته .

انجام: نعم یکفی لو لم یکن من الاداء الندم مما فعل . هذا آخر ما اردنا ایراده
وفقنا الله تعالی لایراد ما نقض مما اردناه فی مجلد آخر . کتب بیمناه الداثرة ...مصنفه...
علی اصغر بن علی اکبر البروجردی فی شهر رجب المرجب من شهور سنة ۱۲٦٥ . (ص ۸۲ ب ـ ز نسخه)

[۷۷۸]

۳٦۲ این نسخه بنسخ باعنوانهای شنگرف وحاشیه‌هائی ازخود او در آن هست و
خود آنرا در رجب ۱۲٦٥ نوشته است . در پایان دفتر دوصفحه ازالفین علامه
دیده می شود .
(۸٥ گ) — کاغذ فرنگی — جلد تیماج زرد
اندازه : ۱٥×۲۱٫٥ و ۱۰×۱٦٫٥ س۲۳

[٦۳٥] حیاة النفوس (فارسی)

لطف‌الله بن محمد رفیع فارسی برای دوستان خویش در این رساله از اصلهای
پنجگانه دین (توحید — عدل — نبوت — امامت — معاد) گفتگو نمود و آن در یک
مقدمه و پنج باب است و دیباچهٔ آن بتازی میباشد . در پایان میگوید که درروزگار

محمد شاه‌قاجار(۱۱۹۳ـ۱۲۱۱)درشیراززاده وفارسی‌را درآنجانزد پدرخوانده‌ام او که بسفررفت رفت من برای فراگرفتن علمهای ادب همراه او بودم. هنگامیکه منوچهرخان معتمدالدوله درسپاهان فرمانروائی میکرد من بدانجا شدم وپدرم از نزدیکان اوبود. من دست از آموختن دانش نکشیدم و این نگارش را بپرداختم ۵ وبمنوچهرخان ارمغان دادم.

آغاز: بسمله. الحمدلله‌رب العالمین... فیقول... ابن محمد رفیع‌الفارسی‌المدعو بلطف الله.

انجام: وظل عاطفتش برمفارق بندگان پاینـده بـاد الی یوم التناد اللهم طول عمرنا ... بحق محمد واله‌الطاهرین.

۱۰ [۷۷۹]

٤۱۲ این نسخه بخط تعلیق‌زیبا ودارای‌سرلوح وحاشیه‌زرین ودرجدول بزروعنوانها وعبارتهای تازی بشنگرف وشعرها برنك سبزمیباشد.

(۱۵۱گ) ـ کاغذ برقی ـ جلد تیماج مشکی

اندازه: ۱۳×۲۰٫۵ر ۷٫۵×۱۵س۱۲

۱۵ [٦۳٦] خلاصه (عربی)

قطب‌الدین سبزواری این رسالهٔ کلامی را در۸ باب (توحید ـ عدل ـ نبوت ـ امامت ـ وعدو وعید ـ آلام واعراض ـ اجال وارزاق واسعار ـ احـوال مکلفان پس ازمرك) نگاشته است.

آغاز: بسمله رب زدنی علما والحمدلله‌رب‌العالمین... اعلم ان هذاالکتاب‌یشتمل ۲۰ علی مسائل یتعلق بعلم‌الاصول.

انجام: فلو کانوا مکلفین لمیکن خالصا من المشقة وذلك محال فثبت انهم غیر المکلفین بل‌منعمین مکرمین (تمت هذه‌الاجزاء الموسومة بالخلاصة فی معرفةالله و صفاته الثبوتیة والسلبیة ـ ش۵٦۲ طوس).

[۷۸۰]

۸۷۹ این نسخه شماره۲ دفتراست وبنسخ خوش معرب باحاشیه‌های تازی وبرخی عنوانها شنگرف ودروز آدینه یکم شوال۸۷۸ برای کمال‌الدین بن عبدالله بن سعید گرگانی نویسنده شماره یکم نوشته شده‌ونام نویسنده‌خوانا نیست.
۵ نسخه بدینجا «لاینتفع المؤمن بایمانه‌وسایر طاعاته‌ولایندفع عنه بذلك الایمان» میانجامد وبپایان نمیرسد وبرگهای ۱۱۵و۱۱۶ نیزباهم نمی‌پیوندند. گ ۱۰۵ب–۱۱۶الف.

[۶۳۷] دلالةالتوراة علی نبوةالنبی (عربی)

نگارنده گفتار میگوید که میخواهم گستاخان وستیزندگان‌را پاسخ دهم.

[۷۸۱]

۱۰ این نسخه شماره ۱۸ دفتر وبخط تعلیق ودریك صفحه (گ۲۳۲ب) میباشد

۱۰۷٤ وکم دارد وچنین است: «بسمله. اما بعدحمدالله علی اللهم(؟) له‌من‌الهدایة وعصم عنه من‌الغوایة ... فان سبیل من‌شیخ(؟) من‌العباد بالفطانة والرشادان تحمد(؟) فی‌البحث عن‌احوال‌المعاد والتامل لمااخذه من‌الآباء والاجداد – وقد جعل‌الله الی افحامهم طریقا ممایتداولونه فی‌ایدیهم من‌نص تنزیلهم واعماهم‌الله عنه».
۱۵ درفهرست‌آغاز دفتر(گ۱ب) پس ازیاد کردن «تفسیر ابن‌زیله» شماره‌۱۷این دفتر از۸رساله یاد میشود: «دلالت تورات برنبوت پیغمبر ماصلعم – رساله ازبعضی زنادقه – رساله جواب‌آن – رساله قدر – رساله کیفیت حدوث صوت – فوائد لمسیح الزمان‌المصری فی‌تدبیرالادویة المسهلة– فی‌ادویةالمسهله و کیفیتها– فی‌نسخةفلونیا» ونخستین آن باید همین نسخه‌ما باشد وهفت رساله دیگر دردفتر نیست وبجای‌آنهاهفت
۲۰ برگ کاغذ سفید نوی گذارده‌شده است.

[۶۳۸] رجعت (رساله ...) (عربی)

بگفته شیخ مفید وسید مرتضی بیشتر دانشمندان امامی برجعت وبرگشتن گروهی ازمردم درروز گارامام زمان گفته‌اندواندکی ازآنها آنرا بباز گشت‌دولت شیعی تأویل کردند نه زنده شدن مردگان. خود مفیدهم ازکسانیست که برجعت
۲۵ مردگان میگوید (اوائل‌المقالات چاپ دوم ص۱۳و۵۰) اودراجوبه مسائل سرویه (رسائل ص٤۲)میگوید رجعت آئین خاندان پیامبراست وعامه مخالف آن‌میباشند. دراین رساله نیز ازروی کتاب وسنت روشن گردیدکه رجعت هست. درآن

ازقطب راوندی وابوالفضل طبرسی، در کتاب کبیر وابوالقاسم بلخی یاد گردید.

آغاز: بسمله. الحمد لولی الحمد ومستحقه ... وبعد فقد سالت ... عمل رسالة اذکر فیها ادلة الرجعة بعدالموت عندظهور قائم آل‌محمد.

انجام: بل‌لااحد من‌المسلمین الاویجوز ان‌لایرجع‌وذلك یکفی فی‌باب‌الرجعة.

٥ [۷۸۲]

این نسخه شماره۷ دفتر است وبخط نسخ باعنوانهای شنگرف گ‌٦٦ب–٧٤ب

١٠٤٥ ازمحمدبن عبدالحسین آل‌حسینی نجفی که ش٦(خبرمولد علی)را درروزسه‌شنبه ۲۳محرم ١٠٥٦ درسپاهان نوشته است. درپایان دارد: «الی هناوجدت من هذه‌الرسالة‌الشریفة یسرالله سبحانه وتعالی شانه علی‌بقیتها بایسرحال وانا‌الفقیر الی‌الله

١٠ الغنی‌ابن‌عبدالحسین‌محمد آل‌الحسینی‌النجفی عفی‌عنهما بالنبی والوصی» چنین‌میرساند که نسخه ما بانجام نرسید واوهمه‌را نیافته‌است. حاشیه‌هائی دراین نسخه هست‌بشکسته تعلیق که به«مح» و«مح‌عل» پایان میپابد.

[٦٣٩–٦٤٤] رساله‌های کلامی (پارسی‌وتازی)

دراین‌کتابخانه شش رساله‌کلامی هست که اینك شناسانده میشود:

١٥ ١ – گفتاریکه در کلام وپارسی است ودرکنار رویه برگ نخستین وپشت‌برگ های ١٣١و١٣٢ نسخه‌ها از آن فیلسوف داماد استرابادی‌دانسته شده وآغازوانجام هم در آن نیست واز نیمهٔ مطلب دوم میقات دوم آغـاز و ازدانائی خداوند درآن گفتگو میشود. مطلبهای سوم تاهشتم درصفتهای دیگرخـدا است و میقات سوم‌در صفتهای سلبی‌سپس «لطیفه افعالیه»میآید ودرآن کردارهای خدا یادمیگردد. رکن

٢٠ سوم درباره پیامبری میباشد ونبوت عام وخاص درآن روشن میگردد و شبهه‌هائی که دربارهٔ عصمت پیامبران کرده‌اند پاسخ داده میشود ودراثبات پیامبری محمدص آیتهای تورات وانجیل (دوعهد) گواه آورده شده است. درپایان باعنوان «لطیفة برهانیه فی‌اصول اعتقادیة» که آنهم خوددارای چند لطیفهٔ دیگر است ازمبحثهای کلی درباره اصول عقاید گفتگو میگردد. تنها لطیفه یکم آن (پنج اصل دین) در

٢٥ نسخه ما هست. این گفتار تا اندازه ای روان نوشته شده ومانند نوشته های داماد دشوار نیست. دربسیاری ازجاها آیتها وخبرها آمده وخیلی از آیتهای قرآن در

در آن تفسیر شده و یاد میشود از فارابی و ابن‌سینا و اشراقیان و امام رازی و زمخشری وشیخ طبرسی و بیضاوی و خواجه طوسی و شارحان قدیم وجدید تجرید و از انشاء الدوائر محیی‌الدین. نگارنده از خود در چندجا بنام «این کمینه» یـاد میکند. در جائیکه از شبهه از این کمونه خرده میگیرد از حواشی و تعالیق خود برشرح تجرید نام میبرد. بازیاد میکند از «معلّم قوانین حکمت یمانی ومقنن فلسفه ایمانی ادام‌الله تعالی وقرن بالمیامن ایامه ولیالیه» گرچه اینگفتار ریخت نگارشهای فارسی دیگر داماد را ندارد ولی عنوانهای بابها مانند عنوانهای نوشته‌های دیگر اوست. ۵

[۷۸۳]

۳۰۰ این نسخه بخط شکسته تعلیق درجدول زرین لاجوردی باعنوانهای شنگرف وچنین است آغاز وانجام آن: «اول وحدوث علم ثانی لازم آید وهر دو درحق تعالی محال است ـ چه کمال ذات فاعل بذاته چیزی است و کمال ذات فاعل بحسب فعل» در گ ۱۰۱ الف مبحث معاد آمده ومیان دو برك ۱۰۰ و ۱۰۱ افتاده دارد. ۱۰

(۱۳۲گ) ـ کاغذ فرنگی ـ جلد مقوائی پارچه‌ای تهمیش سبز

اندازه: ۱۲×۲۴ و ۷×۱۶ـ۱۵س ۲۱

۲ ـ در کلام بپارسی ودر آن ازمباحث طبیعی والهی و نبوت و امامت و معـاد گفتگو گردید. ۱۵

[۷۸٤]

۲۸۷ این نسخه بخط تعلیق باعنوانهای شنگرف ازمحمد قاسم بن شیخ‌عبداللطیف الشریف که درروز چهارشنبه ششم رجب ۱۱۲۹ آنرا نوشته است. عنوان مطلب ها درهامش بشنگرف دیده میشود. از آغاز آن نزدیك یك برگ نیست که همان مقدمه باشد وچنین است آغاز وانجام آن: «غیر آن اول حکمت الهی دوم حکمت طبیعی سیم حکمت ریاضی ـ امید که حق تعالی همهٔ مؤمنین‌را توفیق ... روزی کند بمنه وجوده». ۲۰

(۳۳گ) ـ کاغذ سمرقندی ـ جلد مقوا

اندازه: ۱۸×۲۴ و ۱۳×۱۸س ۲۷ ۲۵

۳ ـ در کلام بروش شیعی و بیشتر درامامت است ودر ٤ باب (توحید ـ نبوت امامت ـ معاد) در آن از کشاف زمخشری وتفسیر بزرگ (ابو) علی طبرسی و کتابهای اخبار واصول چهـارگانه شیعی و از ابن ابی‌الحدید وسعد تفتازانی وقوشچی وشاه

اسمعیل که میگویند اومذهب شیعی راآورده است (۱۲۳الف) یادمیگرددو نوشته است که چنین نیست ومورخان آئین شیعی‌را بششصد هفتصد سال‌پیش رسانده‌اند. این رساله مانند حدیقة‌الشیعه نوشته شده ومانند جلد یکم آنست.

[۷۸۵]

۸۷۸ این نسخه شماره۸ دفتراست وبخط تعلیق درجدول لاجوردی وچنین است: «و مانندآن بلکه صفات حقیقیه اوهمه قدیم میباشند بلکه‌عین او... پنجم آنکه‌خدای تعالی دیدنی نیست ـ چه جای آنکه اجماعی باشد که ضروری نشده باشد مثل حرمت جماع درحیض. تمت‌الرسالة بعون‌الملك‌الوهاب» گ۹۸الف ـ ۱٤۰الف.

٤ ـ درکلام شیعی وازتوحیدوپیامبری وامامت وامربمعروف درآن گفتگو می شود واز ابوعلی وحکمای اشراق وامام فخریاد میگردد.

[۷۸٦]

۳۳٤ این نسخه بخط تعلیق خوش درجدول زرین ولاجوردی میباشد وازآغاز ندارد وچنین است: «الفی‌الف سنة. این‌حدیث مفسراست بدان معنی که اول‌ارواح چنان آفریدآنکه اجساد واجسام ـ وتجویز وتاثیر وانتفاء مفسد کند. هذاآخر مااوردناه ایراده فی‌هذه الرسالة واحمدالله اولا وآخرا والسلام» برخی برگها پاره شده وصالی گردید.

۱۰٦ (...گ) ـ کاغذ سپاهانی ـ جلد مقوا
اندازه: ۱۱×۵ر۱۹ و۷×در۱۴س۱۴

۵ ـ نگارشی است بتازی درکلام ودرآغاز آن داردکه این اصلها از امامان گرفته شده ولی بروش فلسفی درآن گفتگو میشود.

آغاز: بسمله. الحمدلله‌رب‌العالمین ... وبعد فان هذه اصول ملقاة من‌الائمة.

انجام: فاذن‌مااختلف فی‌العزائم کان‌للتقیة فافهم‌فانه اصل‌اصیل نافع‌جداوالسلام.

[۷۸۷]

۸۸۷ این نسخه شماره۱ دفتر وبخط تعلیق میباشد. گ۱ب ـ ۸ب.

٦ ـ نگارشی است ازکلام بتازی ازمحمدبن عبدالفتاح تنکابنی که درنیمه‌روز پنجشنبه ۱٤ج۲ سال۱۱۰۲ آنرا بپایان رساند.

[٧٨٨]

٤٠٩ این نسخه بخط تعلیق وحاشیه‌هائی دارد که به(منه) پایان میبابد وحاشیه‌های دیگر بخط شکسته. این نسخه شش فصل امامت ومقصد چهارم درمعاد جسمانی را دارد وآغاز آن نیست وچنین است: «لاتمنع ان یولی امورهـا من کانت النبوة فیهم ... الفصل الاول فیما یتعلق بامامة امیرالمومنین. الامامة فی الاصطلاح ریاسة عامة فی امرالدین والدنیا نیابة عن النبی ــ وهومن اکثر الناس عشرة واقلهم حسنة قلیل التهیؤ للسفر ظاهر الاغماض عن الرحیل والخبر الراجی رحمة ربه الغنی محمد بن عبدالفتاح التنکابنی... فی ضحوة یوم الخمیس یوم الرابع عشر من شهر جمادی الثانیة من شهور ١١٠٢ ...وجعلنا من حزبهم وزمرتهم بجوده و کرمه وبحقهم آمین رب العالمین» .

(١٣٢گ) ــ کاغذ سمرقندی ــ جلد متوا

اندازه : ١٢×١٨ و٦×٥ر١٢ س ٢٣

[٦٤٥] روضة فی فضائل علی (عربی)

علامه حلی دراین کتاب خبرهائیرا که دربـاره برتری امیرمومنان علی (ع) آمده است آورده در آغاز آن خبریرا گفته که درجامع واسط درروز آدینه ١٧ ذی قعده ٦٥١ ازتاج الدین نقیب هاشمیان برمنبر شنیده بود .

آغاز: بسمله وبه نستعین . کتاب الروضة. القربی هم صلی الله علیهم مع الکتاب والکتاب معهم لایفارقونه حتی یردا الحوض علیهم صلی الله ... اجمعین جعلنا الله وایاکم ممن توالاهم وحفظ عهدهم... فانی قدجمعت فی کتابی هذا الذی سمیته الروضة تشتمل علی فضائل امیرالمومنین علی ... مانقلته الثقات واتفقت علیه الرواة .

انجام :ولولا ذلك من الادلة لکنت قتلتك ثم اجازها واعطاها وسرحها تسریحا حسنا. رحمة الله علیها.

[٧٨٩]

٥٠٣ این نسخه شماره ٤ دفتر و بخط تعلیق باعنوانهای شنگرف بنسخ ازاحمد بن عبادالله ساوی نجفی در کربلا درتیمه روز پنجشنبه ١١ شوال ١٠١٨ که میگوید همین اندازه را یافتم ومقابله نمود گ ١٥١ ب ــ ١٨٤ الف. یکی ازدارندگان نسخه احمد بن زین العابدین حسینی کربلائی بوده است .

(همه دفتر ٣گ) ــ کاغذ سمرقندی ــ جلد متوا ته میشن

اندازه : ١٨×٢٤ و١١×١٧ س ٢٣

[٦٤٦] زواهر الحکم (عربی)

ازمیرزا حسن قمی (م۱۱۲۱) فرزند وبهترین شاگرد مولانـا عبدالرزاق فیاض لاهیجی قمی . اونگارنده شمع الیقین فی معرفة الحق والیقین است که درتهران بسال ۱۳۰۳ بچاپ رسید وجمال الصالحین که در ۱۱۲۱ آنرا بپایان رساند ومصابیح الهدی و

۵ مفاتیح المنی درحکمت . این کتاب دارای یك مقدمه (درسه مقصد) وسه باب میباشد ودرآن ازطبیعی ونفس والهی ونبوت وامامت ومعاد بروش شیعی گفتگو میشود و ساده وروشن وکوتاه میباشد درآن از «مصابیح الهدی» (گ۷ب) یاد میشود . (ش ۷٤۳ طوس- ذریعه ج۱ص۵۲) .

آغاز: بسمله . الحمدلله الذی انزل من سماء وجوبه وجوده ماء فیض فضل وجوده

۱۰ فسلکه ینابیع مسالك الاحسان فی ارض مهیات عالم الامکان .

انجام: ولعلها جمیعاً تؤل الی هذا.هذا آخرما اردنا ایراده فی هذه الرسالة والحمد لله اولا وآخرا واتفق الفراغ منها یوم (درنسخه ماپیش ازاین نیست) .

[۷۹۰]

این نسخه شماره۲ دفتراست وبخط نسخ با عنوانهای شنگرف وگاهی بی نقطه

۳۷۹۱۵ ازمحمدبن حسن راویجی درمدرسهٔ سلطانیهٔ کاشان هنگامیکه دانشجو بوده بسال ۱۲۷۰- درهامش گاهی از کتاب «روایع» دیـده میشود . گ ٤ب-۷۱ الف.

شماره۳ ایندفتر این لامیه است: «لم یشجنی رسم داردارس الطلل - ولاجری مدمعی فی اثر مرتحل» بنسخ معرب باشرح کلمه های دشوار درمیان سطرها گ ۹۲ب - ۹۸ب .

شماره٤ الفیه سیدعلیخان است بنسخ گ۹۹الف وب . پنجم آن پاره ای ازقصیده میمیه

۲۰ «برده» ازشرف الدین ابی عبدالله محمدبن سعید دولاصی بوصیری (م٦۹٤) بنسخ گ ۱۰۱الف - ۱۰٤الف میباشد .

[٦٤۷] سراج الهدی فی بداء حقیقة البداء (عربی)

ابوجعفر محمد قاسم بن محمدرضا (گویا طبرسی وشیخ روایت دانشمند مهدی بن ابی ذر نراقی م۱۲۰۹ - روضات ص٦٤۸) دراین رساله بروش کلامیان شیعی از

۲۵ روی اخبار درباره بدا گفتگو نمود. او کتابرا در۲۷صفر ۱۱۱۱ نگاشته سپس نسخه

اصل را درراه مکه گم کرد و نسخهٔ دیگری یافت که پیش و پس شده وغلط داشت. آنرا بسال ۱۱۱۵ درست نمود وچیزهائی بر آن افزود .

آغاز: بسمله. الحمدلله المقدم المؤخر الذی نزل الفصل الخطاب ویمحومایشاء ویثبت وعنده ام‌الکتاب .

انجام: وانا ... ابن محمدرضا محمدقاسم الشریف ... والحمدلله والصلوة علی محمد وآله . ۵

[۷۹۱]

۸۸٤ این نسخه شماره ٤ دفتر وبخط نسخ باعنوانهای شنگرف تاریخ ۱۷ محرم ۱۲۰۰ میباشد گ۱۲۲ب – ۱٤۸ الف . درپایان مهر «عبده ملك محمد» دارد . ۱۰

[٦٤٨] سرمایه ایمان (فارسی)

ازفیاض گیلانی لاهیجی ملاعبدالرزاق م۱۰۷۲ که آنـرا پس از گوهر مراد نگاشته است ودارای یك مقدمه کوتاهی است درمنطق وپنج اصل. این‌را دره باب با دلیلهای روشن و ساده بشکل اول یا قیاس استثنائی برای نوکاران (۱) نگاشت .

این کتاب در بمبئی بسال ۱۳۰٤ در ۱۳٦ ص چاپ سنگی شده است. ۱۵

[۷۹۲]

٤۱۵ این نسخه بخط تعلیق باعنوانهای شنگرف که در ۱۱۰۵ نوشته شده‌است .
(۱۴۳برگ) – کاغذ سپاهانی – جلدتیماج قهوه‌ای فرسوده با حاشیه‌های وصالی شده
اندازه : ۷×۱۲ و۱۳×۱۸س۱۲

[٦٤٩] سعدیه (عربی) ۲۰

علامه حلی(٦٤۸–۷۲٦)این کتاب‌را برای خواجه‌سعدالدین (ساوجی‌دستور ووزیر اولجایتو وکشته دردهم شوال۷۱۱) نوشته ودر آن آنچه راکه یك شیعی در اصول وفروع باید باور بدارد آشکار ساخت ودلیلهای آنهارا آورد .

این دفتر در جنگی دارای بیست رساله در کلام وفلسفه و عرفـان وفقه در

۱– (نوکار) را بابا افضل کاشی بجای (مبتدی) بکار برده است . ۲۵

تهران بسال ١٣١٥ از ص ٢ تا ص ٤٣ بچاپ رسید.

آغاز: بسمله الحمدلله المتفضل بجعل الانبیاء واسطه بینه و بین عباده .

انجام : فان الاخبار فی ذلك اکثر من ان تحصی والحمدلله رب العالمین .

[٧٩٣]

١٠٨٥ این نسخه شماره دوم دفتر و بخط نسخ با نشانه های شنگرف میباشد و لطف الله بن شمس الدین مازندرانی در ١ ج ١ سال ١٠٩١ آنرا نوشت وحاشیه هائی بپارسی و تازی درهامش ومیان سطرها دارد گ ٩ب – ٥٢ الف .

[٦٥٠] **سفارشنامه** (عربی)

امام فخرالدین تبرستانی رازی (٥٤٤–٦٠٦) در پایان زندگی در خوارزم بسر میبرد ودر آنجا بیمار شد ودرشهر هرات درگذشت . اودرسختی بیماری در روز یکشنبه ٢١ محرم سال ٦٠٦ سفارش نامه ودستوری بشاگرد خویش ابراهیم بن ابی بکر بن علی علی سپاهانی داده است که اینك شناسانده میشود . رازی دیری بیمار بود تااینکه دریکم شوال همین سال در گذشت . اودراین سفارشنامه میگوید: مردم اگرچه همینکه بمیرند ازدیگران دور میشوند مگر اینکه دوچیز مردمی رابا این جهان می پیوندد یکی کار نیکی که دیگران بستایندوازخدای رستگاری کننده آنرا بخواهند دیگری کارهائیکه زن وفرزند کنند ومظلمه وجنایتی که اداگردد. بدانید که من دانش دوست بودم ودرهر چیزی راست یادروغ کتاب نوشتم. از خواندن دفترها دریافتم که خدائی پاك وتواناودانا ومهربان هست. من روش کلامی وفلسفی گرفتم ولی اینها همان سودی رامیدهند که قرآن میدهد این است که قرآنرا برگزیدم وهرچه آن وخبر درست میگوید می پذیرم . آنگاه رازی از آنچه نوشته است پوزش میخواهد ومیگوید که در نگارشهای خویش جز آوردن بحثهای گوناگون وتند ساختن هوش اندیشندگان نخواسته بودم اگرچه بدهم نوشته باشم. شمااگر سخنان خوبی در آنها یافتید مراآفرین گوئید .

آغاز: نسخة ما کتب الاستاد الفاضل فخر الدین الرازی فی بیان اعتقاده عند موته. بسمله عونك یالطیف . قال یقول العبد الراجی رحمة ربه ... محمد بن عمر بن الحسین

الرازی وهو فی آخر عهده بالدنیا واول عهده بالآخره ... انی احمدالله بالمحامدالتی ذکرها اعظم ملائکته .

انجام: والمهم الثانی وهواصلاح امر الاطفال والعورات . فالاعتماد فیه علی الله تعالی والحمدلله رب العالمین .

« درنسخهٔ چاپ شده درعیون الانباء خزرجی (ج۲ص۲۷-۲۸) پس ازعبارت «الله تعـالی» دارد : «ثم علی نائب الله محمدالله اجعله قرین محمدالاکبر فی الدین والعلو... وهذامنتهی وصیتی.. وبالاحسان جدیر» نزدیك بده سطر وازین بند پیداست که همه سخنان رازی آورده نشده. دراین بندرازی کارفرزندان رانخست بخداسپس بشاه محمد (علاءالدین خوارزمشاه ۵۹۶-۶۱۷) آنگاه بکسی که نام برده نشده میسپارد و میگوید فرزندم ابی بکر را که نشانه هوش وزیرکی او پیداست خوب بپرورید و بشاگردان ودوستان میسپارد که مرك اورا نهـان بدارند و او را در کوهی که نزدیك روستای مزداخان است بخاك سپارند. پاره‌ای ازاین سفارشنامه در دیباچهٔ «اعتقادات فرق المسلمین والمشرکین» امام رازی (ص۲٤) نیز دیده میشود .

[۲۹٤]

۱۰۳۵ این نسخه شماره ۱٤ دفتراست وبخط شکسته تعلیق ص۱۵۸.

[۶۵۱] **سیف الامة** (فارسی)

هنری مارتن Henry Martin انگلیسی کشیش که پاتر (Pater = پدر) یا پادری خوانده میشد بر کتابیکه فیلیپ Philippe پادری درفرنگ در رد بـر اسلام نوشته بود افزوده رساله‌ای ساخت ودردسترس مسلمانان گذارد. دانشمندان نیز بخرده گیری آن پرداختند .

نخستین بار دانشمنداحمدبن محمد مهدی بن ابی ذر نراقی کاشانی (۶یا ۱۱۸۵ - ویا ۱۲٤٤) بدستور عباس میرزای قاجار بر آن ردی بنام سیف الامه نوشته و در آن نصوص عبری تورات را گواه آورد . اودر دیباچه ازفتحعلیشاه قاجار بی‌اندازه ستایش نمود و کتابرا درنیمه روزشنبه ۱۷صفر ۱۲۳۳ بپایان رساند . این کتاب در

تهران بسال ۱۲۶۷ بچاپ سنگی رسید .

پس از او آخوند ملا محمد تقی کاشانی فقیه آشنای بعبری و سریانی درردبر ترسایان وهمین هنری مارتن «هدایةالمسترشدین» راپارسی نوشته وآنـرادر ۲۴ محرم ۱۳۰۳ بپایان‌رساند. آنرا میرزا محمودخان مدیرالدوله متولی آستانه‌طوس
٥ درتهران بسال ۱۳۱۲ بچاپ سنگی رساند (۱) .

[۷۹٥]

۹۳۰ این نسخه بخط نسخ درجدول شنگرف ولاجوردی ازغلامعلی بن‌محمد کاشانی در روز۱٦صفر۱۲٦٦ـ ازگ۱الف تا۲۲ الف فهرست وفرهنگی‌استاز واژه های عبری که درکتاب آمده و اعراب و املاء وترجمه آنها. این‌را پسر تراقی
۱۰ نوشته تاآنها راغلط نخوانند . خود کتاب ازگ۲۳ب است تـا۲۲۷ب وچنین است : «بسمله الحمدلله‌الذی من‌علی عباده بارسال‌السفراء المقربین .. چنین گوید ... احمدبن محمد مهدی‌بن ابی ذرنراقی ... که دراین عهدمیمون ـ تمام شداینکتاب ... بخامهٔ ...

۱ ـ درهمین روزگار کتابی دیگر نیزدررد اسلام نوشته شده وآن ینابیع الاسلام سن کلر تیزدال(Saint Clair Tisdall)است‌پارسی که‌درلاهوربسال۱۸۹۹ بچاپ
۱٥ سنگی‌رسید وانگلیسی آن بنام «The original sources of theQuran» درلندن بسال ۱۹۰٥چاپ شد. اودر این کتاب‌ریشهٔ قصص قرآن رادر کتابهای‌آسمانی زردشتی و کلیمی و عیسوی یـافته ودر همان زبانها آورده است چنانکه سیدرسکی Sidersky در کتاب Les origines des Legendes musulmanes dans le Coran etles Vies des prophètes ریشه‌های آنهارا در کتابها
۲۰ دینی یهود وترسا یافته است. این کتاب درپاریس بسال۱۹۳۳ بچاپ‌رسید. شیخ حسین بن عبدالعلی تبریزی توتونچی در رد برینابیع‌الاسلام ومیزان الحق پفاندر R.C.G. Pfander «ازالةالوسواس‌والاوهام عن‌قدس‌ساحةالاسلام» نوشته ودر۲٦صفر۱۳٤٦ آنرا بپایان رساند وآن درتبریز بسال ۱۳٥۱چاپ سربی شد . شیخ احمد شاهرودی نیز «ازالةالاوهام فی‌جواب ینابیع‌الاسلام» نوشته که درایران بسال۲۳٤٤چاپ گشت.
۲٥ این میزان‌الحق‌هم دررد براسلام‌است ویکبار در کلکته‌باطریق‌الحیات ومفتاح‌الاسرار هردو دراثبات کیش مسیحی بخط تعلیق از۱۸۳۳ تا۱۸٥۰ بچاپ رسید وباره دیگردر لندن بخطنسخ بسال۱۸٦۲چاپ گشت. (نیز بنگرید به: فهرست‌طوس ج۱ ش۷۹حکمت وج٤ ش۱۲۳و٦٦۸ص۲۷۷و۳٦٥ وش۳٥۰ص۲۲۰ نیزص۳٦٤) .

احمدبن محمد مهدی بن ابی ذر نراقی تجاوزالله عنهم بمحمدوآله الاطهار .

(۳۲۲۷ف) — کاغذ سمرقندی — جلدروغنی گل و بوته‌دار زمینه ... — اندازه : ص۱۳ × د۲۱ و ۸×۱۶ س۱۹

[۶۵۲] سیف المؤمنین فی قتال المشرکین (فارسی)

علیقلی جدیدالاسلام در روزگار شاه سلطانحسین بدستور «مولانا فاضل بهاء الدین محمد» دراین کتاب بریهودونصارا ردنمود وروشن ساخت که متون عبری و یونانی ولاتینی سفرپیدایش باهم ناسازگار وتحریف درآنها هست. دردنبال این چهل سوره ازتورات راکه میگوید علی(ع) بتازی درآورده بود بپارسی کرد و۱۲ فصل ازحکمت سلیمان راکه گواه برامامت امیرمؤمنان ودرستی آئین شیعی میداند نیز پارسی نمود . جلدهای دوم تاپنجم آن ترجمه وتفسیر چهار کتاب دیگر ازپنج سفر تورات است ومیخواهد ازآنها خرده گیرد . دردیباچه آن تاریخ تورات را آورد . اومیگوید که من ترسا بودم وپادری (کشیش وپدر) واسلام آوردم. چون دیدم که ترجمه عربی توراتدرست نیست آنرا بااصل لاتینی برابر کردم تابتوان برترسایان رد نمود . نسخه‌ای ازاین درطوس (ش۵۹/۲) هست .

آغاز: بسمله . بهترین نغمه که عندلیب زبان دربوستان زندگانی بآن ترنم تواند نمود .

انجام: ودرآن مذهب باطل مانده بمیرند بجهنم زیراکه ضرری بمانخواهد داشت الأصحاح۲ (نسخه ماکم دارد) .

[۷۹۶]

۶۵۳ این نسخه بخط نسخ باعنوانها ونشانه‌های شنگرف میباشد .

(۳۲۷۶ف) ـ کاغذ سمرقندی ـ جلد تیماج سرخ ضربی مقوالی ـ اندازه : ۳۳ × ص۲۵ و ۱۳ × ۲۵ س۲۲

[۶۵۳] شافی (عربی)

سید مرتضی (۳۵۵ـ۴۳۶) دراینکتاب از «المغنی فی الامامة» قاضی عبدالجبار معتزلی همدانی رازی (م۴۱۴ یا ۴۱۵) خرده گرفت. ابن ابی الحدید مدائنی درشرح

نهج‌البلاغه درجزء ۱و۲و۱۲و۱۳و۱۶و۱۷ سخنان ایندورا آورده و درباره آنهـا داوری نمود .

دانشمند مجلسی دوم‌شافی وتلخیص شیخ طوسی‌را تصحیح نمود ودرپایان‌رجب ۱۰۹۷ ازآن بیاسود (ش۴۲۲طوس) ایندو کتاب دررجب ۱۳۰۱ در تهران بچاپ ۵ سنگی رسید (شافی ص۲ـ۲۹۵ وتلخیص ص۲۹۶ ـ۴۷۹) .

[۷۹۷]

۵۱۸ این نسخه بخط نسخ و نسخه بدلها در کنار صفحه ها و روی عبارتهای مغنی خط سرخ کشیده شده و عنوانها بشنگرف است . حاشیه هائی از مولانامحمد شفیع دربرگهای جداگانه نوشته‌شده ومیان برگها هست وحاشیه‌هائی هم‌دارد ۱۰ که بنشانه‌های «ع‌ص م‌یاح‌س» پایان می‌یابد . دربرگ ۸الف حاشیه‌ای ازمحمدبادیا مازندانی هست . محمد جواد واعظ بن‌جلال‌الـدین محمدبن شیخ اسدالله‌بن عبدالمجید بسال ۱۳۳۹ دارنده نسخه بود. درگ ۱ الف وررویه برگ پیش ازآن دارد که نسخه ازآن میرمحمد معصوم خاتون آبادی بوده است .

(۳۷۳گ) — کاغذ ترمه سپاهانی— جلد تیماج ساده مقوائی دارای برگردان» درری سرخ ...
۱۵ اندازه : ۱۵×۲۵ و۸×۱۵ س۲۳

[۶۵۴] شرح باب حادیعشر (عربی)

شیخ فاضل ابی عبدالله مقداد سیوری (م ۸۲۶) باب حادیعشر علامهٔ حلی‌رابنام «النافع یوم‌الحشر فی‌شرح باب حادیعشر» گزارش نمود کـه درتبریز بسال ۱۳۰۸ چاپ شد .

۲۰ [۷۹۸]

۳۲۳ این نسخه شماره۱ دفتراست وبخط نسخ خوش باحاشیه‌هائی ریزتر وعنوان‌قال واقول وعنوانهای دیگر بشنگرف گ۱الف ـ ۱۹ب وچنین‌است :«اقول للعلماء فی‌اثبات‌الصانع طریقـان (ص۸ چاپی) ـ ومن‌ذلك‌الثواب والعقاب وتفاصیلها المنقول من‌جهة‌الشرع ـ درفصل۷ درمعاد هفت صفحه مانده بآخر همین چاپ».

۲۵ (همه دفتر۷۰گ)—کاغذ ترمه سمرقندی—جلد تیماج سرخ ضربی ...
اندازه : ۱۴/۵×۱۹/۵ و۸×۱۳ س۱۸

[٦٥٥] شرح باب حادیعشر (معین الفکر) (عربی)

دانشمند متکلم عارف شیعی محمد بن علی بن ابی جمهور احسائی بدرخواست دوستان در هنگام درس این گزارش را املا نمود و در شام سه شنبه ۲۵ ذی قعده ۹۰۴ در مدینه مجلس املای آن بپایان رسید و نام آن «معین الفکر» و بقال واقول میباشد .

آغاز: بسمله . اعلم انما ابتداء المصنفون فی اوایل کتبهم بالبسمله لوجوه . ٥

انجام: وهذا جهد المقل فلعله لایکون علی اسماعهم مملا وکان ذلك منافی اوقات متعددة ومجالس متباعدة وآخرها عشیة یوم الثلث الخامس عشرین من شهر ذی القعدة الحرام سنة اربع وتسعمائة بالمدنیة ... اذ کنت مجاورا بها فی تلك السنة فکتبنا ما اتفق علی هذه الرسالة بالتماس جماعة الاصحاب والله الموفق للصواب والحمدلله وحده ... باملاء مؤلفه الفقیر الی الله الغفور عبده محمد بن علی بن ابی جمهور الاحسائی ١٠ عفی الله عنه وعن والدیه وجمیع المؤمنین والمؤمنات .

[٧٩٩]

٣٥٣ این نسخه بخط نسخ درشت با عنوانهای شنگرف ومتن زیرخط سرخ تاریخ بامداد یکشنبه ۲۶ ج ۲ سال ۱۰۸۷ میباشد . در پایان دارد : « تم و کمل هذا الشرح صبح یوم الاحد سادس وعشرین شهر جمادی الاخر فی سنة سبع وثمانین ١٥ بعد الف من الهجرة النبویة علیه الف الف السلام والتحیة » .

(۳۲۲ گ) کاغذ فرنگی ـ جلد تیماج زرد

اندازه : ص ۱۳×۲۰ و ۷×۱۴٫۵ س ۱۸

[٦٥٦] شرح باب حادیعشر (عربی)

ابو الفتح بن مخدوم خادم حسینی عربشاهی در نیمه محرم ۹۵۵ این گزارش را ٢٠ بپایان رساند .

آغاز: بسمله وبه نستعین . فاتحة کل کتاب عظیم ودیباجة کل کتاب کریم . نحمدك یامن دل علی ذاته بذاته .

انجام: اللهم افتح بالخیر واختم بالخیر ... و اتفق الفراغ عن نقله من المسودة الی البیاض علی ید مؤلفه ... ابی الفتح بن مخدوم الحسینی ... فی اوسط شهر ٢٥

محرم‌الحرام سنة ٩٥٥ .

[٨٠٠]

٣٤٦ این نسخه بخط نسخ خوش دردوستون چلیپا هریك دردو بخش وعنوانها ومتن بشنگرف ازمحمد اشرف پسرمحمد هادی درشنبه ۲٤ صفر ۱۰۸۱

٥ (۲۵۸گ) — کاغذ سمرقندی — جلد تیماج مشکی بیاضی
اندازه : ۱۷ص × ۱۹ و ۹ × ۱۴ص س ۲۶ سطر

[٦٥٧-٦٥٩]

شرح توحید صدوق (عربی)

فیلسوف قاضی سعیداء قمی برتوحید ابن‌بابویه بروش عرفانی و فلسفی و کلامی گزارشی نگاشته که دراینکتابخانه سه‌جلد آن هست .

١٠ [٨٠١]

٥٩٧ این نسخه جلدیکم وبخط تعلیق وحدیثهازیر خط سرخ و بنسخ وبا عنوانهای شنگرف که محمد حسین‌بن علیشاه زنوزی تبریزی درطوس شب دوشنبه ۱۰ ذی حجه سال ۱۲۰٤ آنرا نوشت .

آغاز: بسمله . سبحانك وحنانك یاسبوح یاقدوس . . . وبعد فهذا علق مضنون ١٥ الاعن عبادالله... هذا اصول اصول‌الدین ... اسداه ... محمدبن محمد مفیدالمدعو بسعید الشریف‌القمی اوقات مطالعة کتاب‌التوحید لشیخنا صدوق .

انجام: هذاآخر مااردنا ایراده فی‌المجلدالاول من شرح توحید شیخناالفقیه‌القمی... ویتلوه . . . فی‌المجلدالثانی بـاب تفسیر سورةالتوحید والحمدلله وحده والصلوة علی محمد وآله .

٢٠ (۱۹۳گ) — کاغذ فرنگی — جلد تیماج مشکی سادة مقوائی
اندازه : ۱۸ × ۲۹ و ۱۰ × ۱۹ص س ۲۴

[٨٠٢]

٥٩٨ این نسخه ش۱ وجلددوم وبخط نسخ با عنوانهای شنگرف میباشد وابوالقاسم شریف درتهران درشام آدینهٔ ۲۷ شعبان نوشتن آنرا بپایان رساند وخودآنرا ٢٥ مقابله کرد . قمی این‌جلدرا درپسین روزچهارشنبه ٥روز گذشته ازمحرم۱۰۹۹ بانجام رساند. چنین است آغاز وانجام آن : « بسمله الحمدلله وسلام علی عباده ... فهذا هوالمجلدالثانی من‌شرح کتاب‌التوحید ... تصنیف... محمدبن مفیدالملقب بسعیدالشریف القاضی القمی — یساعدنا علی‌الوصول الی‌اقصی مبالغ تلك‌الاخبار انه الرؤف‌البار ... وملهم‌الاسرار واتفق‌الفراغ فی‌عصر یوم‌الاربعـاء لخمس مضین من‌محرم الحرام مبتدأ

الف وتسع وتسعين . . . والحمدلله واتفق الفـراغ من الانتساخ عصر الجمعه و هو السبعة والعشرين من شعبان المعظم علي يد ابو القاسم الشريف في دار الخلافة طهران. اللهم اغفر. قد بلغ قبالا بنفسي وجهدي ...» گ۱ب۲۰۲الف. شماره ۲ همان اسرار الصلوة همين قمي است كه در س۷ ٤۰ اينفهرست شناسانده شده(ش۲) ودر آغاز قمي ازخود نامبرده واندكي بانسخه پيش جدائي دارد و نويسندهٔ آن (ابوالقاسم شريف) ازخود نامبردو بخط نسخ ميباشد گ۲۰۳ب۲۰۷الف پيداستكه قمي آنرا پس از۱۰۹۹ نگاشته است . ٥

(همه دفتر۲۰۷ گ) كاغذ سپاهاني جلد تيماج حنائي ضربي مقوائي

اندازه : ۱۷×۲۷ و۵ر۱۰×۱۹ س۲۷

[۸۰۳]

۵۹۹ اين نسخه جلد سوم و بخط نسخ ميباشد وچنين است : « بسمله الحمدلله ولي الحمد... امابعدفهذا ... هو المجلد الثالث من شرح كتاب التوحيد لشيخنا الصدوق القمي رضي الله عنه تصنيف ... محمد المدعو بسعيد الشريف القمي ــ وعلي اهل بيت الحكمه والولاية . وقد اتفق الفراغ بعون الله وتوفيقه من هذا المجلد الثالث من كتاب شرح التوحيد بالخير والعافية» . ۱۰

(۱۹۹گ) كاغذ سپاهاني جلد تيماج حنائي ضربي مقوائي ۱۵

اندازه : ۱۱×۵ر۱۷ و۷ ۱۳س۲۰

[٦٦٠] شرح صحائف الهيه (عربي)

صحائف در كلام و بسيار شيوا و رسا و استوار ودارای دومقصد است(۱ـ مبادي دريك مقدمه وسه قسم و ۲ در مسائل در ۱۹ صحيفه) ودر آن يكدوره كلام بروش متاخران و آميختهٔ با فلسفه ديده ميشود و چنين است آغاز آن : «الحمدلله الذي استحق الوجود والوحدة بالذات و ابدع بحكمته انواع الماهيات ... وبعد فان العلوم وان تنوع اقسامها... لكن اشرفها مرتبة... هو العلم الالهي... وسميته بالصحائف الالهية» نگارنده در آغاز ميگويد كه مندیری در انديشه‌های تاريك فيلسوف‌منشان سرگردان بوده‌ام تااينكه راه راست بمن نموده شد و بنگارش اين دفتر بپرداختم و گزيدهٔ مبحثهای عقلي را در آن يادكرده از بيشتر سخنان فيلسوفان خرده گرفتم و گفتارهای تازه‌ای هم در آن آوردم و دربـاره پيامبری بهترين آفريدگان و پاسخ بيهودان و ترسايان نصوص تورات وانجيل را گواه ساختم(۱) درچندجا ازامام و در ۲۰ ۲۵

---

۱ ــ نسخهٔ پاكيزه و كهنه‌ای از صحائف الهيه از آن دانشمند گرامي آقای حكمت آل آقا

بقيه حاشيه درصفحه بعد

فصل ۱ صحیفه ۳ قسم ۲ مقصد ۱ از نگارنده «الواح» (که در هامش نسخه آقای حکمت آل آقا نوشته شده که از آن سهرودی شهید خواسته شده) یادشده و گفته است که نگارنده الواح برهان ترسی را ساخته است . درفصل ۱ صحیفه ۱ قسم سوم مقصد ۱ از محمد شهرستانی یاد گردید .

۵ چلبی در کشف الظنون (ج ۱ ص ۷۷) میگوید که صحائف در کلام ودارای یک مقدمه و ۶ صحیفه و یك خاتمه است و آغاز آنرا چنانکه در نسخه دیده شده یاد می کند. گویا اوچون دیده که مقصد ۱ دارای مقدمه وقسم ۱ دارای ۶ صحیفه است و خاتمه‌ای هم در دنبال برخی ازفصلها هست بخشهای آنرا چنین یادنمود . اودرهمان جا (ج ۱ ص ۶۸) شمس الدین محمدبن اشرف سمرقندی (م ۶۰۰) نگارندهٔ آداب

۱۰ البحث والمناظره وقسطاس المیزان (چاپ شده کلکته در ۱۸۵۴) رانگارنده صحائف میخواند . بازمیگوید که صحائف در تفسیر ازشمس الدین محمد سمرقندی است که احمدبن محمود قرمانی اصم م ۹۷۱ آنرا بانجام رساند . نیز میگوید که « معارف » شرح «صحائف» گزارشی است به «قال واقول» ازسمرقندی و آغاز آنرا مانند نسخه طوس میآورد. برو کلمن دردنبال سرگذشت امام الهدی ابواللیث نصربن محمد بن

۱۵ احمدبن ابراهیم فقیه سمرقندی (م ۵ یا ۳۷۳ یا ۳۸۳ یا ۳۹۳) ازالمعارف فی شرح الصحائف یاد نمود (ج ۱ پیوست ص ۲۷۴ و ۹۵۴ - نیز معجم المطبوعات) - درصحائف بارها ودر شرح آن (نسخهٔ ما گ ۶۹ ب) ازامام وملخص اویاد شده پس ایندو دیری پس از ابواللیث سمرقندی بنگارش در آمده است .

بگفته چلبی فاضل علاء یاشمس الدین ابوالعلاء یا ابوبکر محمدبن احمدبهشتی

۲۰ اسفرائینی فخرخراسان گزارنده « آداب البحث » سمرقندی نیز گزارشی بر «صحائف»

بقیه حاشیه صفحه قبل

دیده‌ام که یکی ازپیروان علاءالدوله سمنانی درپشت آن بخطخود یادی ازسمنانی نموده است وعبدالرحمن بن علی بن مؤید درادرنه درع ۱ سال ۹۰۳ وعلی بن امرالله بن محمد در شعبان ۹۷۰ آنرا داشته‌اندودر ۱۲۹۹ وقف شده وازپایان کم دارد (تافصل ۲ صحیفه ۱۵

۲۵ مقصد ۲ برابر باگ ۱۴۱ ب نسخهٔ ما) - نیز بنگرید به : کشف الظنون درصحائف - معجم المطبوعات درسمرقندی .

نوشته است . اومانا همان باشد که عزالدین حسین کرکی در اشراق الحق (ش۲/۲۹۳)
ویرا درشمار دانشمندان شیعی بنام «شمس الدین محمد بهشتی» نگارندهٔ «تفرید
الاعتماد فی شرح تجریدالاعتقاد» آورد . درذریعه (ج۳ص۳۵۳ وج٤ص۲۱٤) از
تعریدالاعتماد» شمس الدین محمد بیهقی اسفرائینی دانشمند روزگار خواجه طوسی
یاد گردید .　۵

در آستانهٔ طوس (ج۱ش۲٤۵ص۷۷) نسخه‌ای از «معارف» درشرح صحائف
سمرقندی هست و گفته نشد از کیست وچنین است : «رب یسر وتمم بالخیر. الحمد
لله الذی لیس لوجوده بدایة ولالوجوده نهایة ـ فهذه هی خلاصة سبیل السلوك وزبدة
اصول الوصول لیهتدی بها الی معارج السالکین ویستدرج منها الی مدارج العارفین»
(نیز کشف الظنون) نسخهٔ ماهم گزارشی است ازهمان صحائف الهیه ولی گزارنده　۱۰
آن سنی است نه شیعی . چون آغـاز آن نیست نمیتوان گفت از کیست . چنانکه
دیده‌ایم چلپی گاهی صحائف را ازسمرقندی و گاهی معارف را ازاومیداند و نسخهٔ ما
هم پیدا نیست که همان معارف باشد .

[۸۰٤]

٤۲٦

این نسخه بخط نسخ کهنه باعنوانها و نشانه های شنگرف و حاشیه هم دارد　۱۵
متن هر بندی باانداختن میانهٔ آن پس از «قال» وشرح پس از «اقول» آمده و
چنین است: «وفیه نظر عرفته فی المنطق وهوانا لانسلم امتناع التعریف بالرسم
(درامتناع تعریف وجود ازفصل۱ قسم۱ مقصد۱ ومقدمه را ندارد) ـ ویؤید ذلك ما
قاله الشیعة ان اکثر الناس یبغضون علیارض لانه قتل اقاربهم فلهذا انکر النص الذی یدل
علی امامته ومنعوا حقه وحینئذ یکون خلافة کل من الخلفاء الاربع حقا» مبحث امامت به　۲۰
پایان نمیرسد ومبحث معادرا هم ندارد ونسخه تامبحث اخباریکه درباره خلیفه‌ها آمده
وحکومت درباره آنها انجام میگیرد (فصل۳ صحیفه۱۹ مقصد۲) ـ دراین نسخه(٦۹ب)
ازملخص وسخن ابی البرکات دراینکه زمان اندازهٔ هستی است یادشد (٦۹ب ـ ۱۷٦الف)
مانند خود متن .

(۱٦۱۳ـ) ـ کاغذ سمرقندی ـ جلد تیماج مشکی مقوائی　۲۵
اندازه : ۱۱×۲۰و۸×۱٦ س۲۵

[۶۶۱] شرح طوالع الانوار (عربی)

قاضی عبدالله بن عمر بیضاوی شیرازی (م تبریز ۵۸۵) مفسر متکلم اصولی طوالع (۱) را در کلام نوشته است . قاضی برهان عبیدالله بن محمد بیدلی شریف فرغانی عبری که در تبریز بکار داوری میپرداخت و در ۷۴۳ درگذشت برای شاگردان خـود گزارشی بر آن نگاشته و بشهاب الدین مبارکشاه ارمغان داد . دراین گزارش همه متن نیامده وبندهائی از آن یادشده روشن گردید .

آغاز: بسمله وبه نستعین وعلیه نتوکل رب تممه بالخیر احمدالله حمدا یتقاصر عن ادراك غایته عقول العلماء ویعجز عن بلوغ نهایته السنة الفصحاء .

انجام: ومحاملها وتاویلاتها مذکور فی کتاب نهایة العقول من اراد الاطلاع علیها فلیطالعها (ش۸۱۷ طوس)

[۸۰۵]

این نسخه بخط تعلیق وتك پاره از مبحث امامت میباشد وچنین است انجام آن :

۲۷۲ والجواب عن الوجه السادس انما ذکرتم من الفضائل فی حق علی معارض بمثله فی فضائل ابی بکر... فان المراد بالاتقی ههنا اما ابوبکر اوعلی باتفاق المفسرین والثانی وهو کون علی (ا۳م : ص ۱۸۵ ب)

---

۱ ـ دانشمندانی چند برطوالع گزارش نوشتند: عبدالصمد بن محمود فارابی که در ۷۰۷ بپایان رساند ـ قاضی برهان فرغانی عبری ـ شمس الدین محمود سپاهانی (۶۹۴ ـ ۷۴۹) بنام «مطالع الانظار» وبرای ملك ناصر محمد بن قلاون که در آستانه در ۱۳۰۵ بچاپ رسید (ش۱۰۲ مجلس و۲۳۴ و۱۰۰۸ و۱۰۰۹ طوس) ـ زین الدین عبدالرحمن بن محمد قزوینی بغدادی جلالی م۸۳۶ ـ شمس الدین محمد بن احمد بسطامی م۸۴۳ ـ مولی خواجه زاده م۸۹۳ ـ جلال الدین دوانی (بردیباچه طوالع) ـ محیی الدین محمد طبل باز م۹۰۶ ـ قاضی زکریا بن محمد انصاری م۹۲۶ ـ عصام الدین اسفرائینی م۹۴۳ غیاث الدین منصور دشتکی م۹۲۸ ـ احمد بن مصطفی طاشکبری زاده م۹۶۹ ـ شمس الدین آملی م ۷۵۰ بنام تنقیح الافکار ـ زین الدین ابوالحسن علی معروف بابن شیخ العربیه موصلی حدیثی ـ حاجی پاشا ایدنی بنام مسالك الکلام فی مسائل الکلام ـ یوسف حلاج که پس از سعد میزیست (کشف الظنون) درمجلس تهران گزارشی است که گفته نشد از کیست (ش۹۳) .

(۱۱۵ برگ) — کاغذ ترمه سمرقندی — جلد تیماج زرد ساده و تازه است
اندازه : ۱۵×۲۵ و ۹×۱۸ س ۲۴

[٦٦٢] **شرح طوالع الانوار** (عربی)

قاضی میرحسین منطقی میبدی یزدی (م نزدیك ۹۰۹) نیز برطوالع الانوار بیضاوی گزارشی نوشته است . ۵

[٨٠٦]

۱۰٤٦ این نسخه شماره ۳۱ دفتر و بخط تعلیق رجبعلی بن جوادعلی نزدیك ۱۰٦۲ گ ۱٤۳ الف وب و پاره‌ایست ازشرح میبدی برطوالع الانوار دررستاخیز تن و چنین است : «البحث الثانی فی حشر الاجساد . اجمع الملیون علی انه تعالی یحیی الابدان ـ ولاشبهة فی ان هذه الحالة هی الغایة القصوی من مراتب السماوات» درهامش ۱۰ ۱٤۳ الف گفتاری است از شریف گرگانی درتقسیم حکمت وسخنی ازغزالی در اینکه دررستاخیز روان بتن دیگر میرود وبتن اینجهانی برنمیگردد واینکه چنین تناسخی هم درشرع رواست .

[٦٦٣] **شرح عقائد نسفی** (عربی)

۱۵ نجم‌الدین ابوحفص عمر نخشبی (نسفی ۵۳۷) رساله‌ای درعقائد نگاشته‌است سعدالدین تفتازانی شافعی (۷۱۲ـ۷۹۲) شاگرد قطب رازی وعضدالدین ایجی گزارشی آمیخته برآن نوشته ودرشعبان ۷٦۸ بپایانش رساند وآن در اسلامبول بسال ۱۳۱۵ بچاپ رسید .

[٨٠٧]

۳۳٦ این نسخه بخط تعلیق شکسته خوش درجدول زرین ولاجوردی و متن بنسخ ۲۰ روشن زیرخط سرخ میباشد و سرلوحی زیبا دارد .
(۵۸ گ) — کاغذ سپاهانی — جلد تیماج مشکی ساده
اندازه : ۱۱×۱۷ و ٦٫۵×۱۲ س ۱۷

[٦٦٤] **شرح فصول** (عربی)

۲۵ ترجمه‌تازی رکن‌الدین گرگانی ازفصول طوسی را عبدالوهاب بن علی حسینی استرابادی بدرخواست دوستان ازروز شنبه ۲۱ محرم تا ۲۰ صفر ۸۷۵ گزارش نوشته است .

آغاز: وعليك الاعتماد يــا كريم نحمدك الله على ماوفقنا لادراك فصول الكلام ... الفصل الاول فى التوحيد اى فى بيان ان الله تعالى موجود واحد ... اصل ... كل من ادرك شيئاً . الادراك قد يطلق على كون حقيقة الشيء حاضرة عند المدرك سواء كان بنفسها او بمثالها فيتناول العلم الحضورى والانطباعى .

۵ انجام: وخسر خسرانا بينا . وصار من الذين ينادون من مكان بعيد ... هذا ماتيسر لنا فى شرح هذه الرسالة ...مع تراكم الغموم وتلاطم امواج الهموم ... ولنختم الكلام ... وكان الافتتاح بتأليفه يوم السبت الحادى والعشرين من شهر محرم والاختتام بعشرين صفر فى سنة خمس وسبعين وثمان مائة والحمد لله رب العالمين .

[۸۰۸]

۱۰ این نسخه شماره ۱ دفتر و بنسخ ومتن زیر خط سیاه یاسرخ باعنوانهای شنگرف میباشد گ ۱الف–۵۳ب . وچنین است انجام آن : «هداية ... اعادة المعدوم ... محال والا ... لزم تخلل العــدم فى وجود واحد ... فيكون ... الواحد اثنين وهو محال ... والجواب انه لامعنى لتخلل العدم ههنا سواء انه كان موجود ازمانا ثم زال عنه ذلك الوجود» ازمبحث ازمبحث اعاده معدوم فصل ٤ درمعاد برابر با س۸ گ ٦۲الف ۱۵ ش۲/۳۲۳ ونزدیك به ۹ برگ ندارد .

۳۲۰

(همه دفتر ٦۰گ) — کاغذ فرنگی — جلد تیماج مشکی ضربی

اندازه : ۱۵×۲۱و۸×۱۴س۲۰

[۸۰۹]

این نسخه شماره ۲ دفتر و بخط تعلیق ومتن زیر خط سرخ وحاشیه‌های «منه» دارد

۲۰ **۳۲۳** و نیز حاشیه هائی ازقاضی و دیگران که نــام برده نشده گ ۲۰ب – ۷۰ ب (۹×۱٤س۱۹) .

[٦٦۵] شرح المواقف السلطانيه (عربی)

قاضی متکلم عضدالدین عبدالرحمن ایجی (۷۰۰یا ۷۰۱–۷۵٦) مواقف خویش را برای غیاث‌الدین محمد وزیر ابوسعید بهادرخان از۷۱٦تا۷۳٦ نگاشته‌است.

۲۵ شمس‌الدین محمدبن بهاءالدین یوسف کرمانی م ۷۸٦در۷٦۷(ش۱۵۱ ص۴۷ج۱ وش۸۵۳ص۱۹٤ج٤طوس)وسیف‌الدین ابهری بر آن گزارش نوشتند . گزارنده دیگر دانشمند میرسید شریف‌علی گرگانی (گرگان۷٤۹–شیراز٦ ع۲ سال۸۱٦)میباشد.او شاگرد قطب رازی بوده و بگفتهٔ سیدمحمد نوربخش (۷۹۵ – ۸۸۹) ومحمدبن ابی

جمهور بسال ۸۷۸ درمجلس سوم رسالهٔ مناظرهٔ بافاضل‌سنی هروی (ش۸۷۸/۸گ ۹٤ ب وش ۹٤٤/۲ گ ۵۷ ب) در نهانی آئین شیعی داشت ولی برای دلجوئی از درباریان امیرتیمورگورکان (۷۷۱ـ۸۰۷) ودربرابر سعدالدین تفتازانی (م ۷۹۲) وشاید برای رفع تهمت رفض واعتزال که سادات‌بدان دچار بودند اوروش حنفیان را برشافعیان برتری دادواینهم روی‌این بود که تیموراورا ناگزیر کرده بود که‌یکی ازاین دوروش‌را برگزیند ازاینجا بود که او بگزارش‌مواقف پرداخت وهمان شرح سیف‌الدین‌ابهری راآمیخته ساخت واندکی ازمواقف راروشن‌نمود وآنرا نزدیك بشامگاه شنبه آغاز شوال۸۰۷ درسمرقند بپایان‌رساند (مجالس‌المؤمنین ونسخه‌ما) بخشی ازشرح‌میررا سوارنزن(Soerensen) باملاحظاتی‌بلاتینی درلایپتسیك‌بسال ۱۸٤۸ بچاپ رساند وهمه آن بارها درآستانه ولکناو ودهلی ومصر از ۱۲۳۹تا ۱۳۲۷ چاپ‌گردید (کشف‌الظنون ـ معجم‌المطبوعات).

[۸۱۰]

۳۸۷ این‌نسخه‌از گزارش‌میر بنسخ‌وعنوانها درشت‌تر درمتن وهامش‌ومتن زیرخط سرخ‌میباشد. صفحه یکم بتعلیق ونونویس‌است . حاشیه‌هائی دارد که برخی به«منه»پایان‌مییابد . برگ ۳۰ سفید ونسخه دراینجا کم دارد. نسخه خطبه میررانداردوازشرح آغازمیشود . نویسنده‌آن احمدبن‌محمداست که درسه‌شنبه ۱ شوال ۸۸۵ آنرانوشت . فهرست کتاب وصفحه یکم بخط دیگر است .

(۴۲۴گ) ـــ کاغذسمرقندی جلد تیماج مشکی‌ساده فرسوده .

اندازه :۱۸×۲۶و۱۱×۱٦ س۲۴

[٦٦٦] الصراط‌المستقیم الی‌مستحقی‌التقدیم (عربی)

زین‌الدین‌ابی‌محمدعلی‌بن‌محمد...بن‌یونس‌عاملی‌نباطی‌بیاضی‌عنفجوری‌ادیب شاعرکلامی (م۸۷۷)که ازشیخ ناصربن ابراهیم احسائی عاملی‌دانشمند شیعی واز خاندان بویه (م۸۵۳) اجازه داشته بود این کتاب‌را درکلام بروش شیعی وآمیخته باآیتها وخبرها وتاریخ نوشته‌ودره۲ ع۲سال ۸۵٤ آنرا بپایان رساند . اودردیباچه از۵۲ کتاب یادمیکندکه ازروی آنها این‌را نگاشت و ۲۲٤ کتاب دیگرکه ازآنها

بهره برده بود. دراینکتاب ۱۷ باب است: «خدا وصفتهای او وفعل او که بی‌غرض نخواهد بود واختیار وازادی مردمی- باطل بود جبر- پیامبر-جانشین‌او- کرامتهای جانشین- شرائط آن - برتریهای آن- شناساندن آن‌از روی قرآن- نص‌پیامبر دراین‌باره- نص‌اودرباره فرزندان وصی - نشانه‌های آنها -کسانیکه برآنها ستم روا داشتند- نصرت دین وصی - رد شبهه‌های دشمنان - چهاررهبر خطاکارند - نکوهش‌ازراویان حدیثها - پاسخ ازخرده گیریها که درباره پیروی‌ازامام کرده‌اند».

آغاز: بسمله . الله‌احمد حمدالایضاهی علی وجوب وجوده ... و بعـد فلماکان کمال‌الایمان بمعرفة ائمةالزمان بمنطوق شریف‌القران .

انجام لنصف وثلث من‌ربیع آخراتی - لاعوام ذق‌ندتمام جماله .

[۸۱۱]

۹۷۷ این نسخه بخط نسخ‌خوش باعنوانها ونشانه‌های شنگرف ازمحمد یحیی درروز شنبه صفرسال ۱۰۸۷ میباشد ، درهامش پایان شعرهائی درستایش از کتاب و نگارنده آن بتعلیق خوش هست . محمدمهدی بن‌رضی‌الدین محمد هروی‌دارنده نسخه بوده ومهراوهم هست. نیزمحمد صفی بن محمدتقی در بروجرد ج۱سال ۱۲۶۸ - مجدالدین بن صدرالافاضل در۱۷ خرداد ۱۳۲۲خ نسخه‌را بواقف یادگار داده‌است . حسنعلی بن‌محمدصادق‌مجلسی الماسی‌مینویسد که‌اینکتاب نگارش‌بیاضی‌است‌ومجلسی‌در فهرست‌از آن‌یادنمود. (همه‌اینهادرگ۱الف). (ش۱۳۰ص۲۷۵ج۱فهرست‌سپهسالار)

(۴۰۱گ) - کاغذ سمرقندی - جلدتیماج مشکی زرکوب

اندازه : ۱۷ × ۲۵ وقره ۹ × ۱۷-س۱۸

[۶۶۷] **علاقةالتجرید** (فارسی)

سید امیر محمد اشرف بن عبدالحسیب بن احمدبن زین العابدین علوی حسینی عاملی (م ۱۱٤٥) نگارنده فضائل‌السادات گزارشی برتجرید خواجه طوسی بنـام بالا نوشته‌است. دردیباچه نام‌او ونام‌گزارش‌دیده‌میشود . اودرپایان شرح «والامکان یعطی جوازالعدم» ازشرح علامه وحاج محمود یاد میکند (گ۱۱۹ الف) همچنین درجاهای دیگر (گ ۳۵ب - ۳۶ب - ۲۷الف - ۱۰۳ب) .

آغاز: بسمله . حمد مرخدایرا که‌تجرید علائق جسمانیه وتهذیب اخلاق‌ایمانیه

را صراط‌المستقیم ابواب جنان .

انجام: پس قول آن حضرت‌است من ابتلی بشیء من هذه‌القاذورات فلیسترها بستر الله وایضا سیرت آنحضرت ص چنین بوده . تم‌الکلام بخیرالمرام انشاالله . تم .

[۸۱۲]

این نسخه بخط نسخ ومتن زیرخط سرخ و عنوان قال بشنگرف میباشد . ۵

۲۵۵ دربرخی ازجاها که تصحیح شده روی عبارتهای نادرست خط کشیده شده‌و این میرساند که نوشته خودعاملی است ولی دربرخی از جاها نسخه بدلهـا درهامش دیده میشود که گویا بخط دیگری‌است .

(۱۳۲ر) کاغذ سمرقندی جلد تیماج سبز مقوائی تازه

اندازه : ۱۸×۲۴ و ۸×۱۸س۲۱ ۱۰

[۶۶۸] **عوائد المزید** (عربی)

دانشمند محمد جعفراسترابادی دراین رساله که دارای ۱۵ عائده است از برخی ازمسئله‌های کلامی گفتگو نمود .

آغاز: بسمله . الحمدلله علی‌نواله .. فیقول ... محمدجعفرالاسترابادی هذه رسالة مساة بعوائدالمزید . ۱۵

انجام : و عدم کونه علی‌سبیل المبالغة کماهوالتعارف فی‌الالسنة تم بالخیر والسعادة فی‌سنة ۱۲۴۵ .

[۸۱۳]

این نسخه شماره۳ دفتر بخط‌نسخ باعنوانها ونشانه هـای شنگرف ازهمان

۳۱۹ بسطامی‌نویسنده شماره یکم میباشد. گ۱۱۶ب ـ۱۲۱الف . درکنار گ ۲۰ ۱۰۷الف بخط تعلیق دارد: «روز زلزله‌نوشته شد. روزشنبه دوم ماه‌شوال المکرم ۱۲۴۵» .

[۶۶۹] **الفرائدالبهیه فی‌شرح العقائد البهائیه** (عربی)

فاضل‌حاجی مولی عبدالله بن نجم‌الدین‌قندهاری که درکابل‌وطوس میزیست درجوانی بررساله اعتقادیه شیخ بهائی گزارشی نگاشته ودلیل و برهان برای آن ۲۵

آورد ودرشب یکشنبه ۷شوال ۱۲٤٤ آنرا بپایان رساند. اعتقادیه بهائی دو ترجمه پارسی دارد که در فهرست طوس (ش ۳٥٥ و ۳٥٦ ص ۲٦ و۲۷ج ٤) شناسانده شده است .

آغاز: بسمله... الحمدلله الذی وفقنا لتبیین العقائدالدینیة وتدوین المقاصد الیقینیة

٥ **انجام** : ای عن الصغائر والکبائر والارجاس والنقائص البشریة بنص رب العالمین . وبعد ماختم الشیخ ... والحمدلله اولا وآخراً وظاهراً وباطنا .

[۸۱٤]

این نسخه بخط تعلیق خوش باعنوانها ونشانه های شنگرف ومتن در بالای هر

۱۰٤۰ صفحه ومیان شرح زیرخط نوشته شده وحاشیه هائی ازخود قندهاری درهامش

۱۰ هست . سرگذشت اوازمطلع الشمس (ج۲ص۱۰٤۰) درپشت برگ نخستین دیده میشود . نویسنده نسخه همان قندهاری است وپسراو عمادالواعظین (عمادخطیب) بخط خود درپشت همان برگ بسال ۱۳۲۷ نوشته و گواهی داد که این گزارش از پدر او است .

(۸۸گ)— کاغذ فرنگی — جلد تیماج سرخ

۱٥ اندازه : ۱۱ - ۱۸ و۷ - ۱۳س۱٥

[٦۷۰] فرج المهموم فی تاریخ علماء النجوم (عربی)

دانشمند ابن طاوس ابوالقاسم علی بن موسی (٥۸۹-٦٦٤) اینکتاب راکه در ده باب است نگاشته ودر آن روشن نمود که نجوم وستاره شناسی درست است وبسیاری از دانشمندان شیعی بدان آشنا بوده وبسی ازفرزانگان اسلامی پیش بینی های درستی

۲۰ کرده اند و پیامبران و پیشوایان از این دانش بیگانگی نداشتند . نام بسیاری از کتابهای ستاره شناسان که بدست او رسید دراینکتاب دیده میشود وفهرست خوبی است برای نام آنان ونگارش آنها . اوبرای درستی ستاره شماری واحکام نجوم از حدیثها نیز گواه میآررد ومیگوید که منکران پنداشتند که ستارگان در علم نجوم آفریننده دانسته شده واین بادین نمیسازد . چنین نیست بلکه ماآنها راآیتها و

۲٥ نشانه هائی میدانیم . او ازشبهۀ منکران نیزپاسخ میگوید. کتاب درروز سه شنبه ۲۰ محرم ٦٥۰ گویا درکربلا بپایان رسید ودرنجف بسال ۱۳٦۸ بچاپ رسید .

[٨١٥]

٨٤٨ این نسخه بنسخ باعنوانهای شنگرف میباشد ـ پس ازسرآغاز یك برگ سفید گذارده شده ونتوشته‌اند ونسخهٔ دراینجا افتاده دارد .

(۱۱۱۱م۳) ـ کاغذسپاهانی ـ جلدتیماج سرخ ساده‌مقوائی

اندازه : ۱۵ × ۲۱و‌۵ر۸×۱۶س۱۹

٥

[٦٧١] فناء الموجودات قبل القیامه (رسالة فی...) (عربی)

محمداسمعیل مازندرانی خواجوئی(م۱۱۷۳) دانشمند متکلم پارسانگارندهٔ «ابطال الزمان الموهوم» و«الردعلی الصوفیه» بپارسی(روضات ص۳ـ۳۱) دراینگفتار روشن ساخت که همه‌چیزها بجزخداوند پیش ازرستاخیز نابود میشوند.

۱۰ **آغاز:** بسمله. بعد حمدالله‌المتوحد بالعزوالبقاء ... اقول وانا العبد ... محمد بن الحسین بن محمد رضا الشهیر باسمعیل المازندرانی .

انجام: وارشدنا وایاك الی مافیه صلاحنا فی البدایة والنهایة . هذا جملة ما خطر بخاطری الفاتر وذهنی القاصر .. والصلوة علی نبیه وآله مابقی الغدووالأصال .

[٨١٦]

۱۵ ٨٩١ این نسخه شماره۲ دفتراست وبخط نسخ باحاشیه «منه‌رحمه» بتعلیق‌شکسته گ۳۹ب ـ ۷٤الف . شماره ۱ آن «رضاعیه» است بنسخ که ابوالحسن بن محمدرضا دامغانی در۱۰۷۸ آنرا نوشته است . گ۱الف ـ ۳۸الف .

(همه‌دفتر۳۷۴م) ـ کاغذ فرنگی ـ جلد مشکی فرسوده

اندازه ۱۷: × ۲۲و‌۵ر۱۰ × ۱۷ س۲۱

۲۰ [٦٧٢] قواعد (عربی)

کمال الدین میثم بن علی بن میثم بحرانی (م۶۷۹) در اینکتاب از بسیاری از مباحث کلام بروش شیعی گفتگو نمود ودر ۶۷۶ آنرا بپایان رساند. درآغازمیگوید علم اصول دین را که برترین دانشها است بیاموختم و اکنون بدستور ابوالمظفر عبدالعزیز بن جعفر این‌رساله کوتاه رانوشتم .

۲۵ **آغاز:** الحمدلله‌الولی الحمیدذی العرش المجید... فلما کان شرف العلم بشرف المعلوم .

انجام : اعنی طبقة الاولیاء وبالله التوفیق والعصمة وبه الحول والقوه والحمدلله رب العالمین اتفق فراغ مصنفه ومؤلفه ... سنة ست وسبعین وستمائة

[۸۱۷]

۲۹۷۰ این نسخه شماره ۱ دفتر است و بخط تعلیق محمد حسین گلپایگانی بسال ۱۳۲۷ گ۱ب-۷٦ب. در پایان دارد : «ووقع الفراغ من تحریر. فی الخامس والعشرین من شهر جمادی الاولی ۱۳۲۷» .

|٦۷۳| کاشف الحق (فارسی)

درسرگذشت امامان واثبات امامت آنها دفتری بنام «حدیقة الشیعه»(۱) بپارسی هست که شیخ محمد بن حسن حر عاملی م ۱۱۰٤ در امل الامل (ص ٤٦۰) وشیخ سلیمان بن عبدالله ماحوزی بحرانی (نزدیك ۱۰۷۱-۱۱۲۱) وشیخ عبدالله بن صالح سماهیجی اخباری م ۱۱۳۵ وشیخ یوسف بن احمد درازی بحرانی م ۱۱۸٦ نگارنده حدائق در لؤلؤتی البحرین (چاپ سنگی بی شماره) و میرزا عبدالله افندی تبریزی سپاهانی در ریاض العلماء ونوری (۱۲۵٤-۱۳۲۰) در مستدرك الوسائل (ج۳ص۵-۳۹۳) آنرا از دانشمند پارسا احمد بن محمد اردبیلی دانسته‌اند . او در نجف میزیسته و شاه عباس یکم (۹۸۵ - ۱۰۳۸) گرامیش میداشته ودرهمانجا درصفر ۹۹۳ درگذشت(۲) .

۱ - حدیقه در دو جلد و نخستین آن درسرگذشت پیامبر بایدباشد مگراینکه از جلد یکم آن سراغ ندادند . درآستانه طوس (ج۱ص۳۲ش۱۰۳ اخبار) نسخه‌ای از جلد دوم آن هست وهمین جلد یکبار درتهران بسال ۱۲٦۵ بخط تعلیق وباره دیگر بسال ۱۲۷۰ درایران وسوم بار درتهران کارخانهٔ الله‌قلیخان بخط ابوالقاسم الشریف بن میرزا محمد رضای خوزانی سپاهانی وپدراو در ۱۵ شعبان ۱۳۰۳ در ۲۸۷ص بچاپ سنگی رسید . کتابی بنام عقایدالاسلام بعربی چاپ عبدالصمد بن احمد تبریزی بسال ۱۳۲۱ در ۱٤٤ص دیده شده که ترجمان آن محمد بن نقی میگوید کـه آن بترکی عثمانی ازمولی محقق اردبیلی بوده است ودراثبات خدا وپیامبر وامام میباشد وبروش کلامیان بـا استدلال نوشته شده ونباید اینرا بجای جلد نخستین حدیقه پنداشت .

۲- اردبیلی زبدة البیان فی براهین احکام القران (ایات الاحکام) را چنانکه درفهرست سپهسالار ج۱ ص ۸۳ آمده در ۹۸۹ نگاشته است ولی در طوس دو نسخه هست که

بقیه حاشیه درصفحه بعد

درایندفتر ازخود اردبیلی ونگارشهایش هم یادگردید وبدانها بازگشت داده شد و نوری درمستدرك همهٔ آنجاها رابرشمردودرهامش ص۱۰۰ طرائق‌الحقائق میرمعصوم علیشاه ۱۳۴۴ نیزبرخی ازآنهاآمده ودر روضات ص۲۴هم یاد گردید(۱).

نگارندهٔ روضات‌الجنات(۱۲۲۶-۱۳۱۳) ونویسندهٔ طرائق‌الحقایق (ص۹۹) ومحشی ذریعه ج۶ص۳۹۴ آنرا ازاردبیلی ندانستند زیرامحقق سبزواری ۱۰۹۰ه گفته که حدیقه ازمعزالدین اردستانی است ودرفهرست نگارشهای او ازاین کتاب یاد نکردیدومولی محمود خراسانی گوید که حدیقه درهندنوشته‌شده وردبرصوفیان را پس ازآن نگاشتندودرمیان آن گذاردند وهمه‌را ازاردبیلی وانمود کردندوملا شاه محمد شیرازی همان اردستانی را دیده وازو پرسید واوآنرا ازخود دانست. بگفتهٔ حاج محمد جعفر بن حاج‌صفرخان همدانی درآغاز مرآت‌الحق اردبیلی‌در حاشیه تجرید بوحدت‌وجود گرائیده ودوراست که ازصوفیان نکوهش کرده باشد.

بقیه حاشیه صفحه قبل

یکی در۹۶۲ ویکی در۹۸۹ نوشته شده‌است (ج۶ص۶و۷ص۲-۳ تفسیر وج۴ص۴۰۲) اومجمع‌الفائدة والبرهان فی‌شرح ارشادالاذهان‌را در کربلا رمضان ۹۷۷ آغاز وجلد یکم آن را در نجف ۱۰ع۱سال۹۷۸ بپایان رساندو کتاب درنیمه‌روز یکشنبه۲صفر۹۸۵ انجام گرفت (فهرست‌سپهسالار ج۱ص۴۴۲-همین‌شرح‌ارشاد چاپ‌سنگی‌ایران ازمحمد تقی خوانساری بسال۱۲۷۲).

۱ - دراصل یکم حدیقه ص۳ دارد:«دررسالهٔ اثبات واجب‌یاد کرده‌ایم» که در گ۱۲س۱۳ کاشف‌الحق چنین آمده : « مولانا احمد اردبیلی دررسالهٔ اثبات واجب فرموده» درص۴دارد: «مادراثبات واجب درباب اجماع چند کلمه سودمند یاد کردیم» که درگ۱۴ الف کاشف نیامده‌است. درشرح نزول سوره هل‌اتی به‌شرح ارشاد فقه بازگشت‌شده (ص۲۳) وآن‌هم در کاشف‌الحق نیامده‌است (گ۳۱ب‌س۱۰) نوری در مستدرك میگوید که درشرح ارشاد چنین چیزی دیده نشده مگراینکه درباب صدقه که اکنون دردست نیست باشد. درباره ابوهاشم کوفی درص۲۰۸بازیادی اززبدة‌البیان میکند.درص۲۲۳ میگوید: «ومؤلف اینکتاب... احمد اردبیلی گوید مراگذارباصفهان افتاد». درص۲۸۷ دارد «این فقیر دررسالهٔ که هم‌بفارسی نوشته است»واین درپایان کاشف‌الحق دیده نمیشود.

آنهم نسخه‌ای ازحدیقه که پیش از۱۰۷۸ نوشته شده باشد دیده نشده که در آن نگارنده‌را اردبیلی پنداشته‌باشند. مجلسی نیزحدیقه را از اردبیلی ندانست و خبر های‌ضعیفی‌هم‌در آن آمده که‌از اردبیلی گرایندهٔ بخبرهای عالی‌السندبسیار دوراست (نوری گوید که درهنگام رد تمسك بچنین خبرها رواست) عبارات اینکتاب هم در کاشف‌الحق دیده‌میشود و بزبان پارسی‌است و ازاردبیلی پارسی‌نوشتن دورمیباشد. سید ابراهیم‌بن امیرمعصوم قزینی درحواشی امل‌الامل بنام متمم‌الامل نیز آنرا از اردبیلی‌ندانست گویا دشمنان صوفیان که برای کمك بمیرلوحی دشمن مجلسی‌یکم ۱۷رساله در نکوهش ازابی مسلم خراسانی نوشته ودرنکوهش ازصوفیان توضیح المشربین واصول فصول‌التوضیح نگاشته‌اند این‌بخش ازحدیقه‌راکه درردبرصوفیان است ساخته ودرکتاب اردستانی گذارده وهمه‌را ازاردبیلی نشان دادند. این‌بخش بساخت نامهٔ جداگانه‌ای در نزد محدث نوری درنسخه‌ای نوشتهٔ ۲۸ شوال۱۱۶۹ بوده وبگفته هموآنرا درروزگار اردبیلی نوشته وازحدیقه گزین کرده‌اند.

گویااین‌بخش ازمحمد طاهربن محمدحسین شیرازی نجفی قمی اخباری م۱۰۹۸ شیخ‌الاسلام وامام جمعه باشد. او کسی بود که نماز آدینه را درنبود امام ناروا می دانست ودشمن دومجلسی وفیض بود وشاه‌سلیمان (۱۰۷۷ـ۱۱۰۵) میخواست او را بکشد. اوحکمة‌العارفین والفوائدالدینیة فی‌الردعلی‌الحکماء والصوفیه نوشته که مجلسی یکم‌اورا ردنمود گرچه فرزندش‌اینرا نپذیرفت. قمی‌قصیده‌رائیه‌ای‌درستایش علی(ع) ونکوهش صوفیان دارد که خودآنرا گزارش نمود وهر دو بپارسی است (ذریعه ج۳ ص۴۱۷).

قطب‌الدین نیریزی م نزدیك ۱۱۷۳ درالحکمة‌العلویه (ش ۳۶٤/۳) میگوید که اردبیلی دربرخی کتابها ودرتفسیر «الذین یتفکرون فی‌خلق‌السموات‌والارض» در آیات الاحکام بروش صوفیانه رفت وبخش نکوهش از صوفیان حدیقه از ملا معز اردستانی دشمن صوفیان است که درآن حدیثهای ساختگی خودرا آورده است ـ این راهم بایددانست که دراین‌بخش ص۲۸۶ ازمرك میرمخدوم م۹۸۸یا۹۹۵ ونواقض

او (نوشتهٔ در ۹۸۸) یادمیشود و همین میرساند که آن از اردبیلی م۹۹۳ نخواهد بود.
درطرایق الحقائق ص۹۹ از بستان السیاحه حاج زین العابدین شیروانی آمده
که ازمولا محمد باقرخراسانی نگارنده ذخیره درباره حدیقه پرسیده‌اند او گفت
درفهرست نگارشهای اودیده نشد و آن ازمعزاردستانی است و نکوهش صوفیان را
هم بر آن افزودند. درهمان بستان چاپ ایران ۱۳۴۲ ص ۲۹ دارد « مصنف کتاب ۵
حدیقه وصاحب تبصره ودیگران مانند مولانا محمدطاهر قمی ...» ودرص۵-۲۴ از
گفتهٔ فخر العلماء مولانا احمد کابلی در پاسخ پرسنده‌ای چنین آمده که« برخی ازامامیان
دشمن صوفیان چنین گفته‌اند» آنگاه سخنان اردبیلی درحدیقه(ص۹-۲۰۸) را نوشته
است اودرص۳۳۵ بستان آنچه را که درص۲۰۸ حدیقه درباره دسته های صوفیان
آمده ردنمود و نامی ازاردبیلی نبرد و آن سخن راالز «علمای ظاهر» دانست . همو ۱۰
درریاض السیاحه چاپ ۱۳۳۹ ص ۱۲۰ خبرهائی از پیامبر وعلی(ع) در ستایش از
تصوف آورد ودرص۱۲۶ میگوید که هفده دسته‌ای که برای صوفیان شمرده و آنرا
ازرساله‌ای ازسید مرتضی میدانند درست نیست (بسخن نگارندهٔ حدیقه مینگرد)
چه این رساله (تبصرة العوام) ازسید نمیباشد چنانکه اردستانی حدیقه را نوشته و
بنام اردبیلی شهرت داد(۱) - باری حدیقه بساخت کاشف الحق در آمده ومیرمیران ۱۵
معزالدین محمدبن ظهیرالدین محمدحسینی اردستانی شاگرد ابن خاتون محمدعاملی
دکنی این کتاب رادریکسال و نیم درحیدرآباد بسال ۱۰۵۸ نوشته وخود بدان نامی نداده
وازخودنیز نامی نبرده است (درپشت نسخه ۹۲۷ طوس و پایان نسخه ما کسی آنرا چنین
نامیده است) این دانشمند درحیدرآباد میزیست . کاشف الحق اوهمان حدیقه است
تنها سه سطر ازخطبه وچندسطر پایان آنرا برداشت ودر آغاز آن دیباچه‌ای بنام قطب ۲۰
شاه سلطان عبدالله شیعی (فلکنده ۱۰۲۰-۱۰۸۳) افزود ودرپایان ازشاه اسماعیل

---

۱ - نیز بنگرید به: طرائق ص۹۴ و۹۹- ذریعه ج۴ص۱۵۰ و۴۲۲ و۴۹۵ وج۶ ص۶-۳۸۵ - فهرست طوس ج۱ ش۱۰۳ اخبار ص۳۲ وج۴ ش۹۲۷ ص۲۱۸ -قصص العلماء تنکابنی ص۲۴۷- جلال الدین امیرسید بن محمد بن غیاث الدین محمدحدیقه را گزین نمود واو گویا همان جلال الدین محمد بن محمد کاشانی باشد که مناظره احسائی وهروی را بسال ۱۰۰۱ بپارسی کرد .

یکم(۹۰۷-۹۳۰) بستود(گ ۳۶۵ب) و بیتهائی در ستایش از کتاب و شاه عبدالله در پایان گذارد. بخش نکوهش از صوفیان هم در آن نیست. هر جائی که اردبیلی در آن گفته که در چنین و چنان کتابم گفته‌ام بجای آن «گفته‌است» آمده یا آنرا انداخته‌است و دارای یك مقدمه و یك باب در ۱۲ فصل و یك خاتمه در دو اصل میباشد. در س ۱۳ گ ۱ الف کاشف الحق از عبارت «امید که از فاتحه تا خاتمه بنحویکه قابل خواندن و شنیدن اهل فضل و کمال باشد ...» برابر است با س ۸ ص ۱ حدیقة الشیعهٔ چاپ ۱۳۰۳ و در س ۱ گ ۳۶۵ ب عبارت «شهرهای مشهور که از روزیکه بناشده هرگز بوی تسنن بمشامشان نرسیده و چون قم و کاشان و سبزوار و مشهد» از حدیقه‌است با دیگرگونگی (س ۱ ص ۲۸۷) و از اینجا باندازهٔ بیست سطر آن آورده نشد و دو صفحه خود اردستانی افزوده و کتاب را ۱۰ بپایان رساند و بیتی چند در بارهٔ انجام گرفتن کتاب و تاریخ آن و ستایش از شاه عبدالله آورده است.

در گ ۲۷۸ ب س ۱۱ و ۱۲ جائی است که داستان پیدائی دولت عباسی و کارهای ابوسلمه و ابومسلم و نکوهش از صوفیان که نزدیك به بیست صفحه حدیقه را گرفته است (ص ۲۰۳-۲۲۳) باید باشد و اردستانی آنرا انداخت و عبارت را دیگرگونه ۱۵ ساخت و بجای عبارت «و ایضا مذکور است که حماد بن عیسی از آن حضرت استدعا نمود که خانهٔ خوب و زن نیکو و اولاد صالح از جهت او از خدا درخواست کند . . . و در حج آخرین در جحفه بجهت غسل احرام غرق شده برحمت خدا رفت (اینجا داستان صوفیان آمده) اگرچه مقالات و عقاید زشت و افعال ناشایستهٔ صوفیه بیشمار است و اخبار و احادیث در مذمت ایشان بسیار لکن چون این مختصر را بیش از این ۲۰ گنجایش نبود بهمین چند کلمه اقتصار نمود و از جملهٔ مواعظ و نصایح ...» بدینگونه آورده است: «و در حج آخرین در جحفه برحمت خدا رفت و چون کرامات و معجزات را حدی نیست بهمین قدر اکتفا نمود و از جملهٔ نصایح و مواعظ ..» گ ۲۷۸ ب س ۱۱ - ۱۲.

در گ ۰ الف و ب نزدیك بسه سطر «چنانچه مقبول فرق انام ... موجود دروجود

الاپیمری» آمده که درحدیقه نیست ودر گ ۳الف س۵ـ۸ دوبیت ازمولوی باتفسیر
آن آمده که درحدیقه دیده نمیشود. نیز در گ۲۹الف بیتی از مولوی آورده شد و
در گ۳۱ب برعبارت حدیقه ص۲۳ افزود واز آن کاست. در گ۳۲الف نیز ازعبارت
حدیقه (ص۲٤) کاسته است. اردستانی بارها بیتهائی ازمولوی وحافظ ودر گ ۱۲
س۷ مصرعی ازشیخ عطار آورده است درهمینجا عبارتی ازاحقاق الحق شوشتری دیده ۵
میشود که درحدیقه نیست (ص۹) وپیداستکه او اینکتاب رادرست از روی حدیقه
ساخته وگاهی عبارتهای آن را فشرده وکوتاه کرد ودربرخی جاها چیزهائی بر آن
افزود ودرسر گذشت امام زمان وکسانیکه ازشهرها بیاری او میآیند نام کسانی را
انداخت ودر بسیاری ازجاها عبارت را برگرداند آنچنانکه درمعنی اثری نکند یا
معنی درست دیگری را برساند مانند گ۱۲الف س۱۳ که عبارت را دیگرگون ساخت ۱۰
و گ٤الف پایان فصل ۱ که یك سطر حدیقه را نیاورد چه در آن برساله اثبات واجب
اردبیلی باز گشت داده شده (ص٤ چاپی) باید گفت که ایندفتر نمونهٔ آشکاری است
از کتابهای ساختگی ومجعول. حاجی نوری درمستدرك ج۳ ص۳۹٤ میگوید کـه
نگارنده کاشف الحق مردی بود که برای دنیا بهند رفته بدربار قطب شاه راه یافت
واز حدیقه دزدیده اینکتاب را ساخت. ۱۵

آغاز: حمدیکه حامدان ملاء اعلی وذاکران کرهٔ غبرا ازادای آن عاجز آیند
(نسخهٔ ش ۹۲۷ تاریخ ۱۰۹۸ وش ۹۲۸ طوس).

انجام: وازجمله معاونان... آنحضرت باشند بحق محمد وآله الطاهرین آمین
یارب العالمین.

بیت گفته: ۲۰

شکر حق را که این خجسته کتاب — که درو نیست غیر صدق وصواب
....
بود پنجاه هشت بعد هزار — کـه بپایـان رسید این گفتار
شکر که این نامه بپایان رسید — پیشتر از عمـر بپایـان رسید

[٨١٨]

۵۲۴ این نسخه بخط تعلیق ازمحمدسلیم بن حاجی محمد امین متولی درروز آدینه‌دوم ذی‌حجه بسال ۱۲۲۰ میباشد که مینویسد : «تمت کتاب کاشف‌الحق ... » واز دیباچه جزیك سطرونیمی پیش ندارد وچنین است : «صحرای محشروتوشه آن

۵ راه پرخطر گردد ... واین رساله... مرتب شود برمقدمه وبابی وخاتمه . مقدمه‌درتحقیق مقصود ازلفظ امام وبیان احتیاج بوجود آن» سپس فهرست باب وخاتمه آنگاه مقدمه میآید . درپایان (گ۳۶۵ب) ازشاه اسماعیل صفوی وشاه «غفران پناه» هند (حیدر آباد) یاد میشودودرهمانجا ودرگ۳۶۶الف ازشاه دوست نوازدشمن گدازشاه‌عبدالله نام برده شده است .

۱۰ (۳۶۶گ) - کاغذ فرنگی—جلد تیماج ضربی مقوائی
اندازه : ۱۸ ۲۷ و۱۲×۵ر۲۱س۱۹

[٦٧٤] کشف‌الانوار (فارسی)

دراین گفتار امامت علی(ع) بروش شیعی ازروی آیتها وخبرها روشن میگردد.
آغاز: بسمله . الحمدلله‌الذی جعلنا من‌المؤمنین‌الذینهم عن‌اللغومعرضون ... از

۱۵ این کلمات استنباط میشود که مابین اسلام وایمان عموم وخصوص مطلق‌است .
انجام : ذات‌نایافته ازهستی‌بخش - کی تواند که‌شود هستی‌بخش. وصلی‌الله‌علی محمد وآله .

[٨١٩]

۱۳۸ این نسخه شماره۱دفتراست‌وبخط تعلیق خوش وعبارتهای‌تازی بنسخ‌وشنگرف

۲۰ ص۱–۱۲۰ درطوس‌نسخه‌ای بشماره۲۳۴ ازاین هست‌و« کشف‌الاسرار» نامیده شده‌گویا نگارنده این و«کشف‌المعاد» یکی باشد .
(همه دفتر ۹۳گ) – کاغذ فرنگی -جلد تیماج مشکی مقوائی حاشیه پارچه سرخ
اندازه : ۱۱۵×۱۷ و۵ر۶×۱۱س۱۱

[٦٧٥] کشف‌الفوائد فی‌شرح قواعد‌العقائد (عربی)

۲۵ علامه حلی بخواهش فرزندخود فخرالمحققین برقواعدالعقاید،خواجه‌طوسی‌این گزارش را نگاشته است و آن در تهران بسال ۱۳۰۵ با چند رساله دیگر بچاپ سنگی رسید .

[٨٢٠]

٢٩٩ این نسخه بنسخ با عنوانهای شنگرف از زکریا بن عبدالله در ٢٥ رجب ١٠٦٣ میباشد .

١٥٨ گ (١٣س) — کاغذ سپاهانی — جلد تیماج سرخ

اندازه : ٦ × ٥ر١٤و٥ ×٥ر١٠س١٤

٥

[٦٧٦] کشف المعاد (فارسی)

دراین گفتار ازرستاخیز ازروی آیتها وخبرها گفتگو گردید وبمنکران پاسخ داده شد .

آغاز: بسمله . ربنا انك جامع الناس ليوم لاريب فيه ... مخفی نماناد مستقبل ومآل امور خلق درمعاد بواسطهٔ اختلاف اقوال موجب تحیر گردیده . ١٠

انجام : آرامگاه ایشان خواهد بود . ربنا اتمم لنا نورنا واغفر لنا انك على كل شيء قدير .

[٨٢١]

١٣٨ این نسخه شماره ٢ دفتر وبخط تعلیق خوش وعباتهای تازی بنسخ وشنگرف میباشد ص١–٥٦ - نسخه‌ای ازاین درطوس (ش٤٤٩) هست ونگارنده این و«کشف الانوار» بایدیکی باشد . ١٥

[٦٧٧] کشف اليقين في فضائل امير المؤمنين (عربی)

علامه‌حلی بدستور شاهنشاه‌محمد خدابنده اولجایتو(٧٠٣–٧١٦)این کتاب را درباره برتری امیرمؤمنان علی(ع) نگاشته ودرآن چندفصل است وباالفین‌همو درتبریز بسال ١٢٩٨ بچاپ سنگی‌رسید . ٢٠

آغاز: بسمله . الحمدلله القديم القاهر العظيم القادرالحليم ... فان مرسوم السلطان الاعظم .

انجام : ولنقتصر على هذاالقدر في هذاالمختصر .. لان فضائله كثيرة لاتحصى والحمدلله رب العالمين وصلى الله على سيدنا محمد ... وسلم كثيرا .

[٨٢٢]

این نسخه شماره ۱ دفتر و بخط نسخ با عنوانهای شنگرف یا بسیاه درشت و از
۵۰۳ برگ ۲۲ تعلیق میباشد. برگهای ۱ تا ۱۵ افزوده شده و اندازه آن چنین است
«۱۵/۵ × ۲۲ و ۹/۵ × ۱۵ ص ۲۱» نویسندهٔ نسخهٔ مانند دیگر شمارهها احمد
۵ بن عبادالله ساوی نجفی در کربلا در نیمهٔ روزشنبه ۱۲ رجب ۱۰۱٦ میباشد. گ ۱ ب -
٥٤ الف. نسخه مقابله گردید. احمدبن زین العابدبن حسینی کربلائی دارنده نسخه
بوده است.

[٦٧٨] کفایة الاثر فی النصوص علی الائمة الاثنا عشر (عربی)

علی بن محمد بن علی خزاز قمی شاگرد صدوق و ابی المفضل شیبانی نصوصی را
۱۰ که از یاران پیامبر و امامان درباره دوازده امام آمده است آورد در دیباچه میگوید
چون دیدم دشمنان در این باره سخت خرده گرفتند تا جائیکه برخی از شیعیان در
شك افتاده و نص بر امامان را نپذیرفتند و گفتند که در این باره از پیشینیان چیزی بما
نرسید این بود که من اینکتاب را نوشتم.

آغاز: بسمله الحمدلله الموحد بالقـدم المنفرد بالازل المتعزز بالبقاء المذل عباده
۱۵ بالفناء لم یصحبه فی اولیته وقت ولازمان ولا یضمنه قطر ولامکان

انجام: وعـرف الحق من الباطل والصدق من الکذب والله المـوفق للصواب والله
المرجع والمآب والحمدلله الکریم الرحیم الوهاب والصلواة والسلام علی نبینا محمد
وآله الی یوم الحشر والحساب.

[٨٢٣]

۲۰ این نسخه شماره ۳ دفتر و بخط نسخ و عنوانها درشت بشنگرف یالاجورد و نشانه
۵۰۳ هاشنگرف از احمد بن عبادالله ساوی نجفی در شب چهارشنبه ۱۳ ذیقعده ۱۰۱۷ گ
۱۲۱ ب - ۱۵۱ الف و مقابله گردید.

[٦٧٩] کلام (رساله در..) (فارسی)

این رساله در کلام شیعی است و در ۲۸ فصل میباشد و فصل ۲۸ آن در امامت و
۲۵ خاتمه آن دو مقاله است نخستین در امر بمعروف و نهی از منکر و دوم در پند و اندرز

ونسخه ما چنین است :

آغاز: دال است بر نفی و تأکید . پس رؤیت از آن مسلوب باشد ... فصل بانجدهم دربیان انتفاء الم والذت از ذات مقدس .

انجام : وباین دعا مداومت نمائی ... اللهم یا ارحم الراحمین . هذا یقینی و اعتقادی مع دلائله التی وفقتنی لادراکها ... فانه رؤف بالعباد وهوارحم الراحمین . ۵

[۸۲٤]

٨٩٩ این نسخه شماره۱ دفتر وبخط نسخ با عنوانهای شنگرف نزدیك ۱۰۲۵ میباشد گ۱الف ـ ۱٦الف . این نسخه ۱۳فصل نخستین وبخشی ازفصل۱٤ را ندارد .

[٦٨٠] الکلام والرؤیة (رسالة فی ...) (عربی) ۱۰

نگارنده این رساله از کلام نفسی ودیدنی بودن خدا گفتگو میکند ونخست کلام نفسی خدا را اثبات سپس نشان میدهد که کلام نفسی چیست آنگاه سخنان مخالفان را میآورد پس ازاین بهبحث دیدنی بودن خدا میرسد و پیداستکه نویسنده کتاب اشعری است. ازشرح مواقف ایجی ومیرسید شریف گرگانی ومحقق تفتازانی یاد میکندودر(برگ۲۱الف) مینویسد: «قلت لبعض مشاهیردیارنا» درهامش دارد: ۱۵ «المراد منه خضربك» پس نویسنده درروزگار خضربك میزیسته است . درآستانه طوس (ش۶۹۰) رساله دیگری درهمین دومسئله از ابن خطیب رومی محیی الدین محمدبن تاج الدین (م ۹۰۱) هست که برای سلطان بایزید خان (۸۸٦ ـ ۹۱۸) نوشته است .

۲۰ **آغاز:** بسمله وبه ثقتی، فی علم الکلام وفیه ثلثة مباحث. فی اثبات کونه متکلماً وتعیین الکلام النفسی الذی اثبتوه(؟!) اهل الحق ومغایرته للعبارات والعلم والارادة .

انجام : یجوزان یقع الرؤیة حال التکلم وحیا اذا الوحی کلام بسرعة وهولا ینافی الرؤیة فلادلیل فیه علی ماذکروا اصلا. تمت الکتاب .

۱۰۸٦ این نسخه بتعلیق نوشته شده ونشانه‌ها درآن بشنگرف است .

(٦١گ — کاغذ ترمه سمرقندی — جلد ندارد .
اندازه :۱۳×۵ر۱۷ و۵ر٦×۵ر۱۲س۲۱

٥ [٦٨٧-٦٨١] **گفتارهای سیدمرتضی** (عربی)

ازدانشمند ادیب کلامی فقیه شیعی علم‌الهدی سیدمرتضی ابوالقاسم‌علی‌بن‌الحسین موسوی (۳۵۵-٤۳٦) پاسخها و گفتارهائی بیادگار ماندکه در آنها از پیامبری و پیشوائی و آفریدن هستی ازنیستی‌وجهان ذروستایش و نکوهش ازپرندگان‌ودامها وخوردنیها وزمینها (که آنرا نمیپذیرد) وگردآوردن قرآن و حجیت خبر واحد ۱۰ ودیگر مسئله‌های کلامی وفقهی گفتگو نمود. اودر این رساله‌ها سخنانی دارد که دانشمندان پس ازوی آنها رانپسندیدند.

دراینکتابخانه هفت گفتار او هست .

۱ - پاسخهائی است که او بکسی داده ودرآن ازپیامبری وپیشوائی و آفرینش چیز ازناچیز وجهان ذروبدی وخوبی جانوران وجمادات وجمع قران وخبرواحد ۱۵ یاد گردید . در دیباچه از پرسنده میستایدکه این‌مسئله‌ها را هوشمندانه وخوب برگزید ومیگویدکه پرسش‌بهمان اندازه دانش‌پرسنده‌را میرساندکه پاسخ‌زیرکی پاسخ‌دهنده‌را. پس‌ازپاسخ‌پرسش۱۵ ازمردمی گفتگو میکندودرآن سخنان‌ابوسهل نوبختی در(کتاب فی‌الانسان) وابن راوندی ونظام را ردمیکند و روش کلامی او بخوبی دراینجا پیداست . درآن‌ازشافی خود یادنمود(گ٦الف)درمسئله۷ آشکارا ۲۰ میگویدکه اعجاز قران ازروی صرفه‌است(۱) .

---

۱ - بیرونی در«الهند» میگویدکه بیذ (Veda=ودا) راگروهی از هندوان گویند معجزاست و کسی نمیتواند مانندآن بسراید. دانشمندان‌آنها میگویند که مردم میتوانند مگراینکه چون‌آن راازبس بزرك میشمارند یارای چنین کاری را ندارند (ص٦١) پس‌گویا این‌صرفه را متکلمان ازبرهمنان گرفته باشند . از آنها نخسین بار

۲۵ بقیه حاشیه درصفحه بعد

آغاز: بسمله و به نستعین الحمدلله علی البصیرة فی دینه والارشاد الی یقینه... فانی وقفت علی المسائل التی تضمن الکتاب الوارد ذکرها .

انجام : چنانکه در نسخهٔ ما هست : ولیس العلم بالحی القادر متعلقا بالاجزاء التی یدخلها الزیادة . والنقصان وانما یتعلق بالجملة (گ۱ب ـ ۵۱الف) .

۲ ـ پاسخ بپرسش درباره خبرواحد در۹ فصل . در پرسش از سید نام برده شد (گ۵۲ب ـ ۸۱الف ـ برخی جاهای نسخه سفید است) .

آغاز: بسمله و به نستعین. بحمدالله نستفتح کل قول و نستعین علی کل عمل... وقفت علی المسائل التی سالت احسن الله توفیقك .

انجام : ویغنی عن ذلك کله مابیناه ورتبناه. وقداجبنا عن هذه المسائل بمااتسع له وقت ضیق . تمت المسائل واجوبتها بحمدالله ورحمته .

۳ ـ پاسخ بهشت پرسش درباره اینکه چرا آفریننده گوهر را گوهر نسازد وگرنه رواست آنرا بساخت عرضی مانندسیاهی درآورد ودرباره توانائی وزندگی وعرض وپیش بینی ستاره شناسان وکردار ستارگان وخواب ودرباره اینکه اندیشنده ونگرنده تادرشك نباشد بدانائی نخواهد رسید ودرباره خبر واراده . او در اینجا بفیلسوفان میتازد وجهان جان را یاوه میداند ومیگوید آنچه آنـان درباره جان گفته‌اند روشن نیست (۱۰۰الف) وسخن صالح قبه را از «مقالات» میآورد که: «هر چه درخواب میبینند راست ودرست است» سپس میگوید که این گفتار مانند سخنان سوفسطائیان نادان است (۹۸ب) (گ۸۲ب ـ ۱۰۴الف) .

بقیه حاشیه صفحه قبل

نظام بصری معتزلی (۱۶۰ـ۲۲۱) سپس هشام بن عمرو فوطی بصری (م نزدیك۲۱۸) وعباد بن سلیمان صیمری (م نزدیك ۲۵۰) وابوالحسن اشعری وابواسحق نصیبی اشعری وشیخ مفید (۳۳۸ـ۴۱۳) وسید مرتضی وشیخ طوسی (۳۸۵ـ۴۶۰) وجوینی (۴۱۹ـ ۴۷۸) در العقیدة النظامیه ص۵۶ چنین گفته اند (بنگرید به: شرح تجرید قوشچی ص۳۹۶ چاپ سنگی چاپخانه ملاعباسعلی کتابفروش بسال۱۳۰۱ واوائل المقالات مفید چاپ دوم تبریز بسال ۱۳۳۰خ ص۳۱ـو۱۲۱و۱۲۲ ومسئله ۳۴ ازمسائل عکبری مفید) .

آغاز: بسمله و به نستعین . قال سیدنا الشریف السید الاجل الاوحد المرتضی ذوالمجدین علم‌الهدی تغمده‌الله برضوانه : وقفت علی ماانفذه‌الاستاد ادام‌الله عزه من المسائل ... ابتداء بان قال : أمانعم‌الله تعالی علی الخلق بدوام بقاء سیدناالشریف ... المرتضی علم‌الهدی .. فالالسن تقصر عن اداء شکرها .

٥ **انجام** .حتی یؤثر ماقلناه من المقارنة‌لاول‌جزء من‌اجزائه. تمت‌المسائل‌والجواب بعون‌الملك‌الوهاب . والحمدلله‌رب‌العالمین . آمین

٤ ـ پاسخ باین پرسش که آیا باید ماه را دید یابشمارش بس نمود . او میگوید که همهٔ‌دانشمندان‌ما بجزدسته‌ای ازپیروان حدیث بدیدن‌ماه میگویند واز گفتارش پیداست که یهودان نیـز در این‌باره دو گروه بوده‌اند . باز میگوید که اخباریان

١٠ خواستند آیت «کتب علیکم‌الصیام کما کتب علی الذین‌من‌قبلکم ... ایا مامعدودات» راگواه گیرندوروزه مسلمانان‌را با روزه یهودیکی‌سازند چه‌یهود بشمارش‌میگرایند نه دیدن ماه پس در اسلام هم دیدن آن بایستنی نیست ـ این مسئله را نخستین‌بار ابن ابی‌العوجاء آورد (ص۱۸۰ اینفهرست) واسماعیلیان هم‌بدان آشنابودند .(١٠٤ ب ـ ١٢٥ الف) .

١٥ **آغاز:** بسمله و به‌نستعین . الحمدلله علی‌وافر الحباء و باهر العطاء ... وقفت‌احسن الله توفیقك علی ماانفذته من‌الکلام المجموع فی نصرةالعدد فی‌الشهور والطعن علی من‌ذهب الی‌الرؤیة .

انجام : وتعذر استدراك فرضه علیه وهـذا کله واضح لمن‌تامله بعین الانصاف ' تمت‌الکتاب بحمدالله تعالی .

٢٠ ٥ ـ متفردات امامیان که ١١٠ مسئله‌را یادمیکند وبرای همه آنها دلیل‌میآورد واجماعی میداند . میگوید که دانشمندان‌ما میگفته‌اند که بکار بستن قیاس و خبر واحدرا خرد ناروا میداند وچنین نیست زیراشاید خرد آن‌را روا بدارد و تنها در دین ناپسندیده باشد . سید اینگفتار را نزدیك‌بربیع یکم سال ٤٢٠ بپایان رساند (١٢٥ ب ـ ١٤٧ الف) .

آغاز: قد اجبت عن المسائل الواردة فی شهر ربیع الاول من سنة عشرین و اربعمائة بما اختصرت الفاظه .

انجام: والکلام فی هذه المسئلة طویل . وهذه جملة کافیة وسنبسطه فی مسائل الخلاف انشاءالله تعالی . تمت المسائل بحمدالله وعونه .

٦ ــ گفتاری است ازهمو و ٩ مسئله فقهی است . (١٤٧ ب ـ ١٥٦ ب) . ٥

آغاز: بسمله و به نستعین . قد اجبت ادام‌الله لکم السلامة واسبق(؟) علیکم ـ الکرامة .

انجام ویطلق فیه انه مکاتب وهذا بین لمن تأمله . تمت المسائل بحمدالله تعالی وعونه .

٧ ـ پاسخهائی است ازهمو در ٦٦ مسئله فقهی . (١٥٧ب ـ ١٦٦الف) . ١٠

آغاز: بسمله. نحن ـ اطال‌الله بقاء سیدنا الشریف الاجل المرتضی علم‌الهدی... وکبت اعداه وحسدته ـ فی‌دیار متاخمة لدار الکفر .

انجام: حلت لهم الصدقة مع المنع من هذا الخمس . والله الموفق للصواب . تمت المسائل والرسائل بحمدالله وعونه وحسن توفیقه .

[٨٣٢ـ٨٢٦] ١٥

این نسخه‌ها شماره‌های ١ تا ٧ دفتراست وبخط نسخ بـا عنوانهای شنگرف

١٠٨٠ سلیمان بن مولانا مبارك بن ابراهیم بن عبداله بن معین‌الدین قریشی میباشد وبرخی جاها سفید وعبارات ناقص است .

[٦٨٨] **گفتگوی حسن بصری باشمعون** (فارسی)

حسن بصری(٢٢ـ١١٠)باشمعون آتش‌پرست گفتگوئی نموده ودر آن درستی آئین اسلام‌را روشن نمود. اینك پارسی آن در اینجا شناسانده میشود . ٢٠

آغاز: نقل است که حسن‌بصری همسایهٔ داشت آتش پرست نام او شمعون در بیماری مرگ افتاده .

انجام : گفت خداوندا معلوم است که کارتو بغلط نیست . گبر هفتادساله‌را ...(بریده شده) مؤمن هفتادساله راکی محروم کنی . ٢٥

دوستان را کجا کنی محروم　　　　تو که با دشمنان نظر داری

[٨٣٣]

این نسخه شماره ۲ دفتر بخط تعلیق شکسته و بخشی از آن مورب نوشته شده است
١٠٣٨　گ ۱۹ الف . درپایان دارد : «تاریخ سیم شعبان المعظم دراکبرآباد قلمی اقل
٥　خلق الله خاك قدم فقرای باب الله محمد باقر اصفهانی» .

[٦٨٩]　　گوهر مراد　　(فارسی)

ازفیاض ملاعبدالرزاق بن علی بن حسین گیلانی لاهیجی (م ۱۰۷۲) فیلسوف متکلم شیعی شاگرد صدرای شیرازی که بافیض کاشانی هردو شوهر دختر ملاصدرای شیرازی بوده‌اند و شیرازی اورا فیاض و کاشانی را فیض خوانده است .

١٠　اوروش استادرا درفلسفه ندارد وخودش مشرب دیگری گرفته است (ریحانة الادب ج۳ ش ۳۷۰) این کتاب برای شاه‌عباس دوم صفوی (۱۰۵۲ـ ۱۰۷۷) پیش از «سرمایهٔ ایمان» نوشتهٔ در ۱۰۵۸ نگاشته شده ودریك مقدمه وسه مقاله و یك خاتمه است ویك دوره کلام را بفارسی دارد ودرسال ۱۲۷۷ درایران بچاپ سنگی رسید . (دیباچه سرمایهٔ ایمان ـ فهرست طوس ج ۱ ش ۱٤٤)

[٨٣٤]

١٥　این نسخه بخط نسخ روشن باعنوانهای شنگرف وشکلهای زیبا وسرلوح زیبا
٢٧٦　دارد بطلا ولاجورد وشنگرف ودرجدولی است زرین و در ۱۰۹٤ ابراهیم بن حاجی محمد حسین خراس خانه‌ای استرابادی آنرا نوشت .
(۳۵۸ برگ) — کاغذ سپاهانی ــ جلد فرنگی
اندازه : ۱۷×۲۸ و ۱۱×۲۰ س ۱۹

٢٠　[٦٩٠]　　اللوامع الالهية فی المباحث الکلامیه　　(عربی)

دانشمند شیخ ابی عبدالله مقداد سیوری حلی (م ۸۲٦) دراین نگارش بسیار شیوا ورسا در ۱۲ لامع از کلام بروش دانشمندان شیعی گفتگو نمود ودر روز چهارشنبه ۲۹ ج ۱ سال ۸۰٤ آنرا بانجام رساند وخود آنرا چنین نامید .

آغاز: بسمله السبحات لجلال مبدع انطق بآیات وجوب وجوده هویات الاشیاء و
٢٥　اغرق فی تیار بحار الوهیته عقول العقلاء واحرق فی انوار جمال کبریائه اجنحة افکار العلماء .

انجام : والعفو عند كرام الناس مأمول . والحمدلله وحده والصلوة على من لانبي بعده و آله الطاهرين الاكرمين و وقع الفراغ من تصنيفه يوم الاربعاء تاسع عشرين شهر جمادى الاول من سنة اربع و ثمانمائة هجرية و كتب مصنفه العبد مقداد بن عبدالله الاسدي غفرالله له ولوالديه ولمن صنفه له ولمن ينتفع به ولوالديهم ولكافة المؤمنين اجمعين بمحمد واله المعصومين . رب اختم بالخير ــ هــذا آخر صورة خط المصنف رحمه الله. والسلام والدعاء .

[٨٣٥]

٣٦٨ این نسخه شماره ۱ دفتر و بخط تعليق خوش باعنوانهای شنگرف و با حواشی میباشد. صورت خط سیوری در پایان بتعليق شکسته دیگر میباشد گ ۱ ب ـ ۱۵۸ الف . بالای دو برگ نخستین بریده و وصالی شد و در برگ دوم چند کلمهٔ متن رفته است .

در پایان نسخه سخنانی است از شیخ بهــائی و از تفسیر عروة الوثقی نگارش همو (۱۵۹ ب ــ ۱٦٠ الف) و گفتاری از بابا افضل کاشانی درباره کمال علمی وعملی نفس ناطقه (۱٦٠ ب) همه اینها بخط شکسته است. دررویی برگ پیش ازیکمی محمدرحیم نامی بخط خود نوشته و کتابرا ازسیوری دانسته و در گ ۱ الف رباعی هست کــه در تاریخ ۱۲۷۵ نوشته شده .

همهٔ دفتر ۱٦۲ گ) ــ کاغذ سمرقندی ــ جلد تیماج زرد ساده تو آن سرخ .
اندازه : ۱۲ × ۲۱ و ٦ × ۱۳ س ۱۷

[٦٩١] ما لا يسع المؤمن جهله (عربی)

مأمون (۹۸ــ۲۱۸) فضل پسر سهل ذی الریاستین را نزد امام رضا(ع) (۱٤۸ ــ ۲۰۳) فرستاد وازاو درخواست که اصول وفروع دین را برای او بنگارد امام دوات و کاغذ خواست واین گفتاررا بنوشت وامامان پیشین را تا پدرخویش دراینجا برشمرد.

آغاز: نام خدا وستایش او و درود برپیامبر ، حدثنا ابوعبدالله الحسين على بن الفضل ... ان المــأمون بعث الى الامام ... و كتب بسم الله الرحمن الرحيم . اول الفرائض شهادة ان لا اله الا الله .

انجام : والاصرار على الصغائر من الذنوب والسلام على من اتبع الهدى .

[٨٣٦]

١٠١٥ این نسخه شماره ۳۳ دفتر و بخط تعلیق میباشد گ ۱۰۰الف-۱۰۵الف .

[٦٩٢] مشرق الانوار الملکوتیه فی بیان عقائد الذریة المصطفویة (عربی)

٥ دانشمند محمد بن علی بن عبدالنبی بن محمد بن سلیمان مقـابی بحرانی در این کتاب که در ٦ باب است از کلام بروش شیعی گفتگو نمود و بهمان حدیثها بس کرد ودلیلهای فیلسوفان را بیهوده دانست. او میگوید که خواندن نگارشهای گمراه کننده در دین و آئین ناروا است و در استدلال باندیشه‌های خرد نباید گرائید . این نگارش را او در بامداد ١٤ ج١ سال ١١٦٩ بپایان رساند .

١٠ **آغاز**: بسمله . الحمدلله المحتجب عن ابصار خلقه بانوار عزته، فلم یدرك لاحد من خلقه الا بآثار قدرته .

انجام: لایلتفت الیها فی مقابلة النص الصحیح الصریح مع انها مزیفة بادنی تأمل فتامل . وقد تم التصنیف ... وقد فرغ مؤلفه ... سنة ١١٦٩ حرره محمد بن علی ... المقابی البحرانی . غفرالله له ... وصلی الله علی محمد و اله الطیبین الطاهرین .

١٥ [٨٣٧]

٦٩٥ این نسخه شماره ١ دفتر و بخط نسخ با نشانه‌ها وعنوانهای شنگرف از راشد بن عبدالله بن حسن البازیاری در ١٦ ج٢ سال ١١٦٩ نزدیک یکماه پس از نگارش مقابی . گ ١ب - ٣٦٣ب .

[٦٩٣] مصائب النواصب (عربی)

٢٠ معین الدین میرزا مخدوم محمدعلی حسینی شریفی (٩٤٧ ـ مکه ٩٩٥ یا ٩٩٨) دانشمند حنفی فرزند میرشریف عبدالباقی نواده داعی صغیر حسن بن قاسم فرمانروای آمل (٣٠٤-٣١٦) میباشد .

پدر او فرزند دختر شریف دوم بوده واین شریف کسی استکه دستور کشتن شیخ الاسلام هروی را داد وعلی بن عبدالعالی محقق کرکی (م ٩٤٠) گفته بود چرا پیش

پیش ازمناظره کشته‌اید . همین شریف صدراعظم شاه اسماعیل یکم صفوی (۹۰۷ - ۹۳۰) دشمن عثمانیان و پسر شمس الدین محمدشیعی (م ۸۳۸) پسر میر سید شریف علی حنفی گرگانی استرابادی شیرازی (۸۴۰-۸۱٦) بوده‌است(۱). نیای پدری میرزا مخدوم پاشاروزبهان نگارنده ابطال نهج الباطل است(روضات ص۵۰۰) مادرمیرزا مخدوم دختر میرزا شرف‌حسن قاضی جهان سیفی وزیرشیرازی قزوینی است. پدر اوشریف سوم میرعبدالباقی گاهی امیر و گاهی وزیر شاه تهماسب یکم صفوی(۹۳۰ ۹۸۴) ونیای او وزیراسماعیل یکم‌شده بود.

این میرزامخدوم ازشاگردان عبدالرحمن بن‌زیاد زبیدی مالکی وابن حجر مکی‌مصری (۹۰۹-۹۷۴) بشمارمیآمده سنی ودشمن شیعی گشت. اواستادو وزیر شاه اسماعیل دوم صفوی (۹۸۴-۹۸۵) بوده وباگروهی قلندران نقشبندی اورا از آئین شیعی بدر بردند وهمین اسماعیل‌است که دوانی (۸۲۸-۹۰۸) برای اورساله‌ای درناروائی متعه‌نوشت. این‌شاه ازاین پس دستورداد که برسکه ها نام امامان نگار نکنند. میرزامخدوم نخست خطیب بوده بشیعیان دشنام میداد ودرروزگار اسماعیل دوم سنی گشت وپس از برکنار شدن ازکار و مرگ اسماعیل بدربار عثمانی رفت و گفت که من‌شافعی بودم وحنفی‌گشتم . آنان‌اورا مفتی وقاضی‌مکه وعراق کردند ومدرس مدرسه مرجانیه بغدادشد ودر۹۸۷ درآنجا بقضا وفتوی میپرداخت(۲).

۱- درلب‌التواریخ یحیی‌قزوینی ص۲۵٦ آمده که‌درجنك چالدران میان‌اسماعیل یکم صفوی وسلطان‌سلیم عثمانی (۹۱۸-۹۲٦) رجب‌سال ۹۲۰ میرعبدالباقی ومیرسید شریف ازسرداران سپاه اسماعیل بوده وکشته شدند . شوشتری درمجلس۷مجالس المؤمنین می نویسد که بگواهی سید محمد نوربخش لحساوی خراسانی (۷۹۵-۸۸۹) وشیخ محمدبن ابی‌جمهور (زنده در۸۹۵و۹۰۱) میرسید شریف گرگانی شاگردقطب رازی شیعی وابن میثم بحرانی و بگواهی مولانا خضر رازی حبلرودی نجفی شاگرد شمس الدین محمد، اووپسرش هردو شیعی بوده‌اند.

۲- گویند میرزامخدوم پدرسید محمدناصبی پدرمیر ابوالفتح‌شرقی شریفی‌شیعی (م۹۷٦ دراردبیل)نگارندهٔ آیات‌الاحکام یاتفسیرشاهی بنام تهماسب‌یکم (۹۳۰-۹۸۴) میباشد (روضات ص۵۰۰- ریحانة الادب ج۲ص۲۲٦) !!

او کتابی کلان درخرده گیری از آئین شیعی نوشت سپس از آن گزین کرده نواقض الروافض بساخت ودر۹۸۸ بسلطان مرادسوم عثمانی (۹۸۲ـ۱۰۰۳) ارمغان داد. نواقض را محمدبن عبدالرسول برزنجی کردی (م ۱۱۳۰) گزین و کوتـاه نمود (کشف الظنون).

۵ قاضی نورالله شوشتری (۹۵٦ـ۱۰۱۹) مصائب النواصب را به(قال اقول)درخرده گیری از نواقض بنام شاه‌عباس یکم صفوی (۹۸۵ـ۱۰۳۸)در۱۷ شبانه‌روز بپرداخت ودررجب ۹۹۵ آنرا بپایـان رساند واین شاههم این ارمغان را بر کتابخانه آستانه طوس وقف نمود(۱). درروایت پنجم میرمخدوم گوید که شیعیان آرامگاه بسیاری ازدانشمندان شایسته‌را ویران ساختند وخواستند بدن آنها رابسوزانند مانندقاضی ۱۰ بیضاوی وقطب‌الاقطاب ابواسحاق کازرونی وعین‌القضاةهمدانی ونیز آرامگاه‌مجتهد اعظم وامام اقدم‌را خوار بداشتند. شوشتری گوید که این بدستور نیای تو شریف پیشین بوده است (گ ۲۳۹ب).

---

۱ ـ ابوعلی محمد گیلانی (۱۱۵۹ـ۱۲۱٦) نواده‌شیخ‌رئیس ونگارندهٔ منتهی‌المقال ردی بر نواقض بنام عذاب‌النواصب علی‌الجاهدالناصب نوشت (ش۸۹۱ طوس) مصائب ۱۵ النواصب رامحمد اشرف‌بن عبدالحسیب بن سیداحمد عاملی سپاهانی نواده سیدداماد و شاگرد مجلسی ونگارندهٔ فضائل‌السادات بخواهش احمدبیك یوزبـاشی بسال ۱۰۷۰ بپارسی کرد (ش۲٦۰ج۱ص۸۳فهرست طوس).

علاءالملك محمد علی پسرقـاضی نورالله هم آنرا بدستور سلطان محمد قطب شاه (۹۸۹ـ۱۰۲۰ م ۱۰۳۵) بپارسی کرد همچنین میرزامحمدعلی مدرس رشتی‌چهاردهی ۲۰ (۱۲۵۲ـ۱۳۳٤) نواقض ومصائب هردورا بسال۱۳۰۸ بپارسی نمود.

یکی ازدانشمندان روزگار شاه عباس یکم بنام محمدتقی حسینی هم آنرا بپارسی درآورده بود.

بنگرید به: فیض‌الاله فی‌ترجمة‌القاضی نورالله از جلال‌الدین حسینی کـه باصوارم مهرقه درتهران بسال۱۳۲۷خ بچاپ رسید ـ روضات‌الجنات ص۵۰و٤۷٦ ـ عالم‌آرا ۲۵ ص۱۱۵ ـ فهرست آستانه طوس ش۱۰۰۳ (تاریخ۱۰۵۱ درلاهور) و۱۰۰٤ (سال ۱۲۸۵) و۱۰۰۵ و۱۰۰٦ که دراینها ٤ نسخه ازمصائب شناسانده شده نیـز ش۱۰۵۹

بقیه حاشیه در صفحه بعد

درایت چهارم میرمخدوم گوید که شیعیان نوروز را گرامی میدارند بااینکه
دانشمندان این را کفر میدانند گ۲۳۷ب و آنها بصوفیان بدمیگویند و شهید در مکاسب
دروس تصفیه باطن را نارو ا دانست گ۲۰٦ب در اینجا یادی از امیرفضل‌الله استرابادی
شیعی پارسا میشود . نیز میگوید که آنها متعه و تحلیل امه را روا میدارند و من چون از
٥ متعه سخت بازمیداشتم قزلباش ریختند تا مرا بکشند و من با عبدالعالی بن علی درباره
متعه گفتگو کردم گ ۲۱۲الف و ابن عبدالعالی قبله شهرها را بر گرداند ۲۲٥ الف
(۱۹۹ب) در اینکتاب یاد میشود از: میرعلی شیرنوائی که ملانباتی شاعرشیعی براو
چیره بود ودوانی دربارهٔ نباتی گفته: «او ملاء شاعران و شاعر ملایان است» گ۲۱٥
الف و مصباح الشریعه صادق(ع) ۲۰۹الف و حیل شرعی محمدبن شجاع شاگرد محمد
۱۰ بن حسن ۲۱۳الف و حلیه ابوالمحاسن رویانی که اهل قبله را کافر نمیدانست ٥٤ ب
و مغیث الخلق فی تعیین المذهب الاحق ابوالمعالی جوینی ۹۳ب و مستظهریه و سر العالمین
غزالی ٥۱الف ۹۷ب و مقالات اشعری ٥٤الف و النقض عبدالجلیل رازی ۲۱۹ الف
در حاشیه و نامه های قطب‌الدین محیی شیرازی ٥۱ ب و نکت الادله انصاری
٥٤ب و تفسیر سیدمعین‌الدین اشعری شافعی ایجی ۲٤الف و روضة‌الاحباب بفارسی
۱٥ ۳۰ب و گزارش فارسی شقشقیه بدر شوشتری ٤۰ب و شرح منازل‌السائرین ابن قیم
حاشیه ۱٦٦ب و تنقیح‌القواعد سیوری حاشیه ۱٥٤ الف و گزارش کشف‌الحق و نهج

بقیه حاشیه صفحه قبل

آنجا درباره نواقض وش۱۰٦۰ درباره رسالهٔ حرمت متعه دوانی ــ مجله دانش ش۳سال
دوم دی۱۳۲۹خ ص ۲۱۰ ــ ترجمه دانشمند چهاردهی را نواده او دانشمند گرامی آقای مرتضی
۲۰ مدرسی چهاردهی درتهران بسال۱۳٦۹ بچاپ رساند و سرگذشت میرمخدوم از روضة
الصفویة گنابادی و عالم آرا و گفتار شهاب الـدین تبریزی و دیگران در آنجاهست ــ
شوشتری دردیباچهٔ همین نواصب اندکی ازسرگذشت میرمخدوم را آورد ومی نویسد
که اسماعیل دوم بر اثر افیون و زندانی بودن و ازترس دشمنان نیرنگی باخته بآئین
سنیان گرائید و بمیرمخدوم وزین‌العابدین کاشی دستور داد تااین کیش را میـان مردم
۲٥ رائج سازند وفرجام کاراین شد که برخی خواستند اورا ازشاهی بیاندازند یا بکشند.
او دریافت ودشمنان را بازداشت ومیرمخدوم نیزازآنها بوده وتامرگ شاه درزندان
بسر میبرد .

الصدق ازخواجه ملاصاعد سنی سپاهانی ٦٦ب و ٩٠ب و ٢١٥الف و تعلیقات شوشتری برشرح قاضی ایجی ١٩الف .

اینکتاب دارای ٨مقدمهٔ و ٦جند(١ آیات ٢احادیث ٣دلیلها در ١٥ صف ٤نکوهش ها در ٢٣طایفه ٥بدیها در ٧رایت ٦ گفتگوی دوفقیه حجازی وعراقی دربارهٔ مذهب)

٥ شوشتری در بسیاری ازجاها نثروشعر فارسی از خود ودیگران آورده است . میر مخدوم دررایت ٧جنده گ ١٤٣ب ازبیش از ١٥سال پیش ازاین که جوان بوده است یاد میکند که چله می نشست و نوشته‌های صوفیان میخواند ومیرساند که دراینهنگام بیش ازسی سال دارد ومیگوید کـه درتاریخ ٩٧٢در ٢٥ سالگی ازحج نخستین خود برگشته بشام رسیدم . ازاینجا برمیآید کـه او در ٩٤٧ زاده است . باری نواقض و

١٠ مصائب ازشاهکارهای جدال دینی است و نکته‌های تاریخی دربردارد مانند جشن «بابا شجاع الدین» در ٢٦ ذی‌حجه در کاشان گ ٢٤٠ ب و تعزیه‌خوانی در عاشورا که شوشتری میگوید کار نادانها است .

آغاز: بسمله وبه ثقتی. نحمدك یامن جعلنا من الفرقة الناجیة الامامیة الاثناعشریه ووفقنا لرفض سنن سنها بغاة الاموية وبغات العدوية .

١٥ **انجام** : والبراءة عن اعدائهم البغاة اللئام . فبـذلك فليعمل العاملون ... فمن ابتغى وراء ذلك فهو الغاون .. وفى طغيانهم يعمهون .

[٨٣٨]

٦٥١ این نسخه‌را محمد امین حسینی بنسخ با نشانه‌های شنگرف از روی نسخهٔ نوشته شدهٔ ازروی خط شوشتری نوشته وبـا آن برابر کرد (گ ١ الف) واین محمد

٢٠ امین از پدر بمیر بزرگ مرعشی و ازمادر بدست غیب میرسد ونیا کانش درمازندران بوده وخود او در فارس زاده ودر سپاهان میزیست. گ ٢٤٥ الف سفید است . در گ ٢٥٦ب دوحدیث بخط شکسته دارد که درشب شنبه دوم شوال و ٢١حمل سال ١٢٧٧در نماز خانهٔ ارك مرحوم وکیل نوشته‌شد. حاشیه‌هائی ازخود شوشتری دراین نسخه‌هست با «منه رحمه الله» درکنار گ ٦ب سخنی ازشوشتری دیده میشود که درآن کارهای

٢٥ نکوهیده پیروان سنت‌را یادمیکند .

در کنار گ ١٩٢ الف تا ٢٣٦ الف حاشیه هائی دارد که به « شاه م ح » و

«ملا» یا «مولانا شاه محمد دارابی» و گاهی با «دام افاداته» یا «دام‌ظله» یا «دام ظله السامی» پایان‌مییابد ودر گ ۲۳۵ب دارد «من افادات استادنا ومولانا شاه‌محمد دارابی دام‌ظله‌السامی» . ابن دارابی شاگردشیخ بهائی (۹۵۳-۱۰۳۰) واستاد قطب‌نیریزی (م۱۱۷۳) بوده است (ص۴۳۲ همین فهرست) .

در گ۱الف نام کتاب وشوشتری بنسخ نوشته شده ونام و مهردو دارنده نسخه آمده که پاك کردند و درست خوانده نمیشود . بسیاق دارد که بیتهای نسخه نزدیك ۷۵۰۰ است و نیز: «تخمین کتابت این نسخه چنانچه بنده با کاتب حساب‌نموده وباحتیاط وملاحظه طرف اوهفت هزاروپانصد بیت ـ عدد اوراق مکتوبه دویست وپنجاه ودو و نیم ورق» نیز «عده اوراق ۲۵۲» ونام «میر محمد امین» و بهای کتاب بسیاق ـ در ۲۵۶الف‌صورت خط شوشتری‌دارد: «قداتفق‌اتمام اصل‌المسودة بیدمؤلفه... نورالله‌بن شریف‌الحسینی‌الشوشتری ... فی‌سبعة عشر ایام بلیالیها من‌شهر رجب ... سنة خمس و تسعین وتسعمائة هجریه والحمدلله علی‌توفیق‌الاتمام والصلوة ... اکمل السلام» .

(۳۲۵۶ف) ـ کاغذ سپاهانی ـ جلد تیماج سرخ رنگ مقوائی باحاشیهٔ زرین

اندازه : ۱۱ × ۱۹ و۵ر۶×۵ر۶×۵ر۱۲ س۱۷

[۶۹۴] مصابیح‌الهدی (عربی)

ازدانشمند شریعتمدار حاج ملامحمد جعفر استرابادی (م۱۲۶۳) درکلام بروش شیعی که‌برای فتعلیشاه قاجار(۱۲۱۱-۱۲۵۰)دریك مقدمه وپنج‌باب نگاشته وبسال ۱۲۳۷ آنرا بپایان رساند .

آغاز: بسمله . الحمدلله‌الذی ینتهی‌الیه سلسلة‌الممکنات واوجدالعالم الذی لایخلو من‌الحرکات .

انجام: قدخرجت‌عن‌المیعادفی‌بعض‌الابواب لکونه‌مقام‌الاطناب ومزلل اقدام اولی‌الالباب ... وقد فرغت من‌تألیف هذه‌الرسالة ... فی‌السبع الثانی من‌العشر الثالث من‌الثلث‌الثانی من‌السدس الرابع من‌النصف‌الثانی من‌العشر العاشر من‌الثلث الثالث من‌العشر الثالث من‌الالف‌الثانی... فی‌سنة ۱۲۳۷(شمارهٔ ۷پاك شده ودرست‌خوانده نمی شود)

[٨٣٩]

۳۱۹ این نسخه شمارهٔ ۱ دفتر و بخط نسخ باعنوانها و نشانه‌های شنگرف ازمحمدحسن بسطامی مزجی خراسانی دردهه نخستین ماه دهم سال ۱۲٤٥ میباشد . گ ۱ب ۱۱۲الف . درپایان دارد : «وقد وقع لی الفراغ من تحریر هذه النسخة الشریفة فی العشر الاول من الشهر العاشر من السنة الخامسة من العشر الخامس من المائة الثالثة من الالف الثانی ... وانا ... محمدحسن البسطامی المزجی الخراسانی الهم اغفرلی ... یوم یقوم الحساب فی سنة ۱۲٤٥ .

(همهٔ دفتر ۱۳۱گ) - کاغذ فرنگی ـ جلد تیماج مقوائی سوخت ضربی
اندازه : ٥ر١٥×٢١ و٩×٥ر١٥ س ٢٠

[٦٩٥] ملل و نحل (عربی)

امام ابوالفتح محمدبن ابوالقاسم عبدالکریم بن ابوبکر احمدشارستانی (شهرستان ٤٧٩-٥٤٨) بسال ٥٢١ برای سیدمجدالدین ابوالقاسم علی بن جعفرموسوی نقیب ترمد ملل و نحل خویش را نوشته و در آن ازدین ایرانی و هندی و یهودی و ترسائی و تازی یاد کرد و سخنان فیلسوفان و متکلمان را آورده است . بگفته امام رازی نزدیك بسال ٥٨٢ درمناظرات (چاپ هند بسال ١٣٥٥ ص٥٢) او سرگذشت فیلسوفان را ازصوان الحکمه ابوسلیمان سگزی منطقی وسخنان کلامیان را از الفرق بین الفرق استاد ابی منصور بغدادی (م٤٢٩) که سخت متعصب بوده است و آئین تازیان را ازادیان العرب جاحظ گرفته است و کاریکه خود کرده است همان ترجمهٔ چهارفصل حسن صباح خراسانی (٤٨٣-٥١٨) میباشد که غزالی از آن بپارسی خرده گیری نمود - غزالی درفضایح الباطنیه (بند ١٢) نیز بسخنان حسن نگریسته است . پاره‌ای ازاین فصول در تبصرة العوام (ص ١٨٣) هم دیده میشود . آنچه شهرستانی درباره آئین هند گفته است با گفتار ابن ندیم درفن ۱ و ۲ مقاله ۹ فهرست و شرف الزمان طاهر مروزی پزشك در طبایع الحیوان نزدیك بسال ٥١٤ مانند میباشد (چاپ گزیده آن در لندن بسال ١٩٤٢) اینکتاب در تهران بی کم و کاست بسال ١٢٨٨ بخط نسخ کلبعلی قزوینی ودرهند درچاپخانه عثمانیه دردوجلد بسال ١٢٦٣ بچاپ سنگی رسید و امین مدنی حنفی نیز آنرا بسال ١٢٨٨ چاپ سنگی نمود و دوبار درمصر در کنار فصل ابن حزم یکی درمطبعه ادبیه بسال ٢١-١٣١٧ در ٥ جلد دیگری درمطبعه محمدعلی

صبیح نیز در ٥ جلد بسال ٨-١٣٤٧ و همچنین جداگانه در ٣ جلد در مطبعه حجازی قاهره $\frac{1368}{1948-9}$ بچاپ رسید .

ویلیام کورتن Curéton در لندن بسال ١٨٤٦ آنرا چاپ نمود و از روی همین دوباره در لایپتسیك بسال ١٩٢٣ چاپ شد- نسخه‌ای از آن گویا نوشته خود شهرستانی در اسکوریال بشماره ١٥٢٥ هست (دیباچه پارسی خجندی ص ٢٣) . ٥

خواجه خجندی سپاهانی (م ٨٥٠) در ٨٤٣ آنرا برای شاهرخ در سپاهان بنام تنقیح الادلة والعلل بپارسی کرد. خجندی گذشته از اینکه بر ترجمه خود افزوده و از مخالفان خرده گرفت چون گفتار ابن‌سینا در نسخه او نبود و نسخهٔ دیگری هم در دسترس نداشت آنرا بپارسی نکرد . این پارسی در تهران بسال ١٣٢١ خ بچاپ رسید . ١٠

بنوشتهٔ ریو (add٢٣/٥٣٦ ص ١٣٩) مصطفی بن شیخ خالق دادهاشمی عباسی ملل و نحل را بپارسی درآورد و آنرا در آگره در پنجمین سال شاهی جهانگیر بسال ١٠٢٠ آغاز و در رجب ١٠٢١ بپایان رساند و توضیح الملل نامید. او میگوید که گفتار ابن‌سینا در ترجمه خجندی نیامده و آن ترجمه هم دشوار است و هم سخن شهرستانی در آن دیگر گونه شده و از مخالفان نیز خرده گیری گشت این بود که جهانگیر آنرا نپسندید ١٥ ودستور دارد که من دوباره بپارسی آسانی درآورم . او نسخهٔ بدی در لاهور داشت و گفتار ابن‌سینا را هم بپارسی نکرد و خرده گیریهای خجندی را هم آورد .

ملل و نحل را نوح افندی پسر مصطفی م ١٠٧٠ بترکی و هاربروکر Haarbrucker در ١-١٨٥٠ بآلمانی درآوردند(١) .

در ملل و نحل از گفتار جیهانی در باره آئین زردشتی آمده که در نسخهٔ ماگ ٩٤ ٢٠ الف-٩٦ الف و در چاپ ایران ص ٢٠-١١٧ هست و خجندی هم آنرا ترجمه نمود ص ٩-٢٥٤ ولی در دو چاپ کنار فصل ابن حزم (ج ٢ ص ٨٠) و (ج ٢ ص ٦٥) و در چاپ ١٣٦٨ مصر

---

١ - نیز بنگرید به: معجم المطبوعات (شهرستانی)- کشف الظنون ج ٢ ص ٥١٧ دیباچه ترجمه خجندی ص ٢٣-٥٥-٥٨ و خود آن ص ٣-٤٧٢ که از گفته‌های ربو پاره‌ای در اینجاها دیده میشود - پارسی گزیده‌ای از شهرستانی دیده‌ام که در دکن بسال ١٠١٣ ٢٥ نوشته شده بود .

(ج۲ص۷۲) ندیده‌ام و بنوشتهٔ دیباچه نگارتنقیح ص۴_۲۳و۲۵۴ در چاپ لندن و آلمان هم نیست .

[۸۴۰]

۴۰۷ ٥ این نسخه بنسخ مجدول بلاجورد وشنگرف ازحبیب‌الله‌بن محمدشیرازی در ذی حجهٔ سال۹۶۲ میباشد آغاز آن پس از فهرست بخش یکم (بخط تعلیق درگ ۱ب) درگ ۲ الف چنین است : و غلط و انفرد عن اصحابه بخمس مسائل ـ الخیاطیة والکعبیه .

انجام: هذا ماوجدته من‌مقالات اهل‌العلم و نقلته علی‌ماوجدته فمن صادف فیه خللا فی‌النقل فاصلحه اصلح‌الله تعالی حاله وسدد اقواله و افعاله والله‌حسبنا وهوالمعین .

۱۰ (۳۲۳۵ف) ـ کاغذ سپاهانی آبی ـ جلد تیماج متوالی
اندازه : ۱۶×۲۷ و ص ۹ ، ۱۹س ۱۹

[۶۹۶] ملل و نحل (عربی)

درکتابهای دین‌شناسی وملل ونحل دوخبر ازپیامبرص یاد کردند . یکی آنکه پیروان من۷۳ گروه خواهند شد وهمه آنها گمراهند وبآتش دوزخ دچار خواهند ۱۵ گشت مگریکدسته که رستگار میباشند . دیگراینکه همهٔ آنها رستگارند مگر یکدسته که بدوزخ میروند . در برخی از روایتها آمده که آن یکدستهٔ رستگار پیروان سنت وجماعت هستند . نیز آمده که آن‌یکدستهٔ گمراه زندیقان‌میباشند . مقدسی دراحسن‌التقاسیم (چاپ بریل بسال۱۹۰۶ ص۳۹) هردو خبررا یاد نمود . امام رازی درمفاتیح‌الغیب (ج۶ص۱۹۳) نیزهردو راآورد ومانا میخواهد در آنها ۲۰ شك کند. ابن‌حزم اندلسی درفصل (ج۳ص۲۴۸)دومی وخبر «ان‌القدریةوالمرجئة مجوس هذه‌الامة» را آورده ونادرست دانست. بااینکه اودرابطال قیاس بچنین خبری تمسك نمود . متن این‌خبرها در شماره دسته‌ها واینکه رستگار یاگمراه کدامند اختلاف دارند . گذشته ازاینکه دانشمندان درسند اینها شك کرده‌اند متن آنها میرساند که اشعریان وپیروان سنت دربرابر اهل‌رأی وقیاس و معتزلیان و زندیقان

از این گونه خبرها ساختند(١).

دراین رسالهٔ مامذهبهای فلسفی وفرقه‌های دینی با جمال شمرده شده وصحت روایت نخستین روشن گردید. گویا ازدانشمند محمدجعفر استرابادی باشد. درآغاز دارد که پیش ازارسطو همهٔ فیلسوفان روش اشراقیان داشتند ومیزانی برای سنجش فکر دردست نبودتا اینکه اومنطق را آورد. ٥

آغاز: بسمله. روی عن النبی ص انه قال ستفرق امتی علی ثلث و سبعین فرقة، فرقة ناجية والباقون فی النار. بيان ذلك ان اولاد آدم.

انجام: وامة عيسى على اثنين وسبعين فرقة. هدانا الله الى سواء السبيل.. وآله الطاهرين (كتبه فی ١٢٤٥).

[٨٤١] ١٠

٣١٩ این نسخه شماره ٢ دفتراست وبهمان خط ونویسندهٔ شماره یکم بسال ١٢٤٥ میباشد. گ ١١٢ الف - ١١٦ ب.

[٦٩٧] **مناظرهٔ احسائی وهروی** (عربی)

دانشمند ابن ابی جمهور شمس الدین محمدبن زین الـدین ابوالحسن علی احسائی هجری (زنده در٨٣٨ تا ٩٠٤) صوفی وفیلسوف وکلامی وشیعی بوده‌است. ١٥ او درراللئالی العمادیه فی الاحادیث الفقهیه را در استراباد درروستای گلپان وسرو کلات بسال ٨٩٩ نگاشته ودر٩٠١ آنرا پاکنویس نمود. زادالمسافرین خـود را درمیان راه طوس پرداخته وبرای نقیب میرمحسن بن محمدرضوی قمی درطوس بسال ٨٧٨ برآن گزارشی بنام «کشف البراهین» نوشته‌است. اورا بجز شرح باب حـادی عشر وغوالی اللئالی و نثراللئالی، المجلی فی مرآت المنجی درکلام وعرفان وفلسفه ٢٠ است که درنجف درج ٢ سال ٨٩٥ بدرخواست شاگردان آنرا پرداخته ودرطوس بسال ٨٩٦ پاکنویس کرد وآن در١٣٢٩ بچاپ رسید. ایندانشمند درکرك نوح نزدیك

---

١ - بنگرید به: دیباچهٔ کوثری بر الفرق بین الفرق بغدادی والتبصیر فی الدین اسفرائینی - مختصر الفرق رسعنی ص ١٥ حاشیهٔ ١ - تاریخ بغدادخطیب ج ١٣ ص ٣٠٧ - اعتقادات فرق المسلمین رازی ص ٧٤ - تبصرة العوام ص ٢٨ - بیان الادیان ص ٢٣.

بسال ۸۷۷ شاگرد علی بن هلال جزائری عراقی (زنده ۹۰۹) شاگرد ابن فهد حلی عارف فقیه شیعی (۷۵۷-۸٤۱) شده بود. ازشرف الدین حسن بن عبدالکریم فتال غروی درعراق هم بهره برد(۱). اوروش اشراقی دارد. ابن ابی جمهور بادانشمندی سنی درخانهٔ همان سید میرمحسن بن محمد رضوی قمی که میزبان هردو بود و بدرخواست
۵ او درشهر طوس بسال ۸۷۸ درسه مجلس مناظره نمود و درباره امامت علی (ع) و ابوبکر با او گفتگو کرد. دومین درمدرسه سلطان شاهرخ در بود ملاغانم مدرس بوده است. ایندانشمند هروی ازمردم کیژ (کیش) ومکران بوده و نزدیك بشصت سال درهری میزیست وبادائی همان قمی ازهرات آمده بود تادرطوس احسائی را ببیند چون آوازه دانشش بدانجا رسیده بود. دراین گفتگو دانشمند هروی سرانجام خاموشی
۱۰ گزید و پاسخی نتوانست بگوید. احسائی درآن ازدانشمندان شیعی مانند مفید، و رضی و مرتضی وشیخ طوسی وطبرسی، وعلامه حلی وسیدشریف ورکن الدین گرگانی و نصیرالدین کاشی یاد میکند و نکته های تاریخی فراوانی درآن هست.

احسائی میگوید که من اکنون نزدیك بچهل سال دارم (ش ۹٤٤/۲ گ ۲ ب وش ۸۷۸/۷ گ ۹۰ الف) پس اونزدیك بسال ۸۳۸ زاده شد ومیدانیم که تا ۹۰٤ زنده بود.
۱۵ درباره نادرست بودن خلافت عمر سخن او وهروی تا بجائی کشید که شنونده ای حیدری که در آن انجمن بود گفت: «والله راست میگوید شیخ عرب. اگر مرد صحبت پیغمبر کرده بود بیست سال، واوبی ادب، خرمیشود» سپس خود احسائی آنرا چنین ترجمه کرد: «والله صدق الشیخ العربی. اذاکان رجل یصحب رسول الله ص، عشرین سنة، وهوبلاادب، یکون حمارا» (ش ۹٤٤/۲ گ ۱۵ ب وس ۸۷۸/۷ گ
۲۰ ۸۹ الف که تنها همان عبارت تازی را دارد) خود احسائی این سه گفتگو رابدرخواست

۱- بنگرید به: روضات الجنات ص ۲۰ و ۲۱ و ۳۸۹ و ۵۹۷ - مستدرك الوسائل ج ۳ ص ۳٦۱ - ذریعه ج ۸ ص ۱۳۳ - مجالس المؤمنین مجلس ۵ - فهرست طوس ج ۱ ش ۲۲٤ و ۲٤٦ خطی و ۵۲ چاپی ص ۱٦ وج ٤ ش ٤۰ و ۹۸۲ و ۱۰۳۷ - فهرست مجلس ش ٤٤ - در فردوس التواریخ نوروزعلی بسطامی چاپ تبریز بسال ۱۳۱۵ ص ۳۰۷ وپس ازآن
۲۵ پارسی همین مناظره آمده است.

کسی گرد آورده بساخت این رساله در آورد .

شوشتری در مجالس المومنین در سر گذشت همین احسائی پاره‌ای از این گفتگو را بپارسی آورد. جلال الدین محمد بن محمد کاشانی آنرا بپارسی کرد و در ۱۹ شعبان ۱۰۰۱ درهند آنرا بپایان رساند (فهرست کتابخانه بهار هندج۱ ش۱۱٤ ص۸۸) .

آغاز: الحمدلله حق حمده ... سالتنی اطال الله بقاك عما كان بينی و بين الهروی فی بلاد خراسان من المجادلات فی المذهب .

انجام: و نستغفر الله من الزيادة والنقصان والسهو والغلط والنسيان والحمدلله رب العالمين ... وحشرنا فی زمرتهم اجمعين .

[۸٤۲]

۸۷۸ این نسخه شماره۷ دفتر است و بخط تعلیق در جدول لاجوردی گ۷۸ب–۹۷ ب(۷×۱۳س۱۹) در آغاز آن چنین دارد: «بسمله. الحمدلله الذی اذهب عنا الحزن...هذه مناظرة الشيخ السعيد المغفور محمد بن جمهور اللحساوی والملاء الهروی فی بلدة خراسان فی المشهد الشريف الرضوی ... الحمدلله حق حمده» وپایانش اینست: «باتفاق الكل فعلم انهم المعنيين بالاية دون غيرهم» برابر با س۶ گ۶۱ب ش ۹٤٤/۲ و پاره‌ای از مجلس سوم را ندارد (باندازهٔ ده صفحه) .

[۸٤۳]

۹٤٤ این نسخه شماره۲ دفتر است و بخط تعلیق با عنوانهای شنگرف از محمد شریف بن ابوتراب داود در پایان ج۲ سال ۱۰۹۳ که از روی نسخه نادرستی نوشته است. گ۴۰ب – ۶۶الف. آغازش چنین است: «هذه مناظرة الشيخ ... محمد بن جمهور الاحساوی والملاء الهروی ... الحمدلله حق حمده» .

[۶۹۸] مناظره جباعی با دانشمند سنی (عربی)

دانشمند عزالدین حسین بن عبدالصمد جبعی عاملی (۹۱۸–۹۸٤) شاگرد شهید دوم و سید حسن بن جعفر کرکی و از شناختگان دربار تهماسب یکم صفوی (۹۳۰–۹۸٤) و شیخ الاسلام قزوین وهرات با دانشمندی سنی در حلب بسال ۹۵۱ در بارهٔ پیروی از ابوحنیفه یا امام صادق(ع) و امامت گفتگو نموده ومیگوید که درباره برخی مسئله‌های کلامی و فرعی مانند رؤیت و قضاوقدر و متعه ومسح نیز با او سخن گفتم

واو شیعی گشت. (فهرست طوس ج٤ ص٢٥٨ ش١٠٣٨).

آغاز: بسمله وبه نستعین. الحمدالله علی ماانعم فکفی ... فهذه صورة بحث وقع لهذاالفقیر.

انجام: و صارمن خـواص الشیعه. ولله الحمد اولا وآخرا ... ولعنةالله علی اعدائهم اجمعین.

[٨٤٤]

٩٩٤ این نسخه شماره٣ دفتراست وبخط تعلیق بـانشانه های شنگرف گ٣١ ب ـ ٣٧ ب.

[٦٩٩] مناظره رکن‌الدوله با صدوق (عربی)

رکن‌الدوله حسن‌بن بویه دیلمی (٣٢٢ـ٣٦٦) باابن بابویه صدوق (م٣٨١) در امامت گفتگوئی نموده وخودرا طرفدار سنیان نشان‌داد. اوابن بابویه راکه دررهبری شیعیان داشت وخراسانیان نیزبدو بازمیگشتند نزد خود خواست وبـا او دربارهٔ کسانیکه شیعیان برآنها دشنام میفرستند ودربـارهٔ امامت گفتگو کرد(١). شیخ جعفر دوریستی (درشتی رازی) شاگرد عفید ومرتضی وطوسی آن‌را دردفتری جداگانه گرد آورده وشوشتری درمجالس المؤمنین درسرگذشت ابن بابویه آنرا بپارسی کرد.

آغاز: مناظرةالملك رکن‌الدولة للصدوق‌بن بابویه. قال‌الملك ایهاالشیخ اختلف الحاضرون فی‌القوم‌الذین یطعن علیهم‌الشیعة.

انجام: وهذا یدل علی ان‌عثمان افضل من‌ابی‌بکر. فقدانتقضت روایتکم.

---

١ - ابن بابویـه درعیون اخبارالرضا ص٣٨١ میگوید که در ٣٥٢ ازرکن‌الدوله خواستم که بطوس روم وامام رضارا زیارت کنم. اوازمن درخواست تادرآنجا او را دعا نمایم. من‌رفتم وبرگشتم وبدو گفتم که درآنجا بیاد توبوده‌ام. ابن‌بابویه‌درشعبان همین سال درنیشابور میزیست (ص١١ و١١٦) ودر٣٥٤ درکوفه ودر رجب ٣٣٩ در قم بسرمیبرد (ص١٤٤و٣٩٣) ودر٣٥٥ ببغداد رفت.

[۸٤٥]

٩٤٤ این نسخه شماره ۳دفتراست و بخط تعلیق باعنوانهای شنگرف ازمحمدشریف بن ابوتراب داود در آغاز شعبان ۱۰۹۳ گ۶٦الف ـ ۷۱ب .

[۷۰۰] مناظرة مأمون (عربی)

مأمون عباسی (۱۹۸ـ ۲۱۸) امام رضا(ع) (۱٤۸ـ۲۰۳) را از مدینه بمرو برده درروز پنجشنبه ٥رمضان۲۰۱ ولایت‌عهد بدوسپرد و برای دلجوئی ازاوانجمن مناظره برپا میکرد ودر آن گاهی امام درمسئله های کلامی و گاهی خود او درباره خلافت علی(ع) بامخالفان گفتگو میکردند و آنان راملزم میساختند . ابن‌بابویه‌در عیون‌اخبارالرضا(۱) ص۳۱۲ و۱۰۶ میگوید که مأمون میخواست تاامام در برابر دانشمندان درماند وخود هم‌اگر گاهی درباره امامت سخن میگفت برای این‌بود که او را بفریبد ولی امام بیاران میفرمود که فریب مخورید همو است که‌مرا خواهد کشت .

دریکی ازاین انجمنها بود که دانشمند یحیی‌بن‌اکثم‌قاضی‌مروزی (م۲٤۲) بدستور مأمون نزدیك بچهل‌تن ازدانشمندان محدث‌ومتکلم راگرد آورد ومأمون خود با آنان درباره امامت علی(ع) سخن گفت وروشن ساخت که نخستین خلیفه اوست. آنها خاموش ماندند وپاسخی نتوانستند بگویند . اودر پایان بفضل پسر سهل سرخسی مجوسی نومسلمان (کشتهٔ در۲شعبان۲۰۲ درشصت سالگی) وزیر

---

۱ ـ ابن‌بابویه قمی (م۳۸۱) این کتابرا برای گنجینه صاحب عبادطالقانی(۳۲٦ ـ ۳۸۲) پس از۳٥٤ نوشته است (ص۱٤٤چاپ سنگی ایران۱۳۱۷) درآن چندمناظره دیده میشود : گفتگوی امام رضا درانجمنی بابود مامون با جاثلیق وراس‌الجالوت و سران صابئی وهیربدبزرگ وپیروان زردشت ونسطاس رومی ومتکلمانی مانندعمران صابی که فضل پسرسهل آنهارا درآنجا گرد کرد ـ گفتگوی همو با پیروان دینهای یهود ونصارا ومجوس‌وبا علی‌بن محمدبن‌الجهم درباره عصمت بابود مامون ـ گفتگوی او با فقیهان ومتکلمان درباره امامت ـ گفتگوی او با سلیمان‌مروزی متکلم خراسان‌درباره توحید بابود مأمون ـ گفتگوی او با مامون بابود همان ابن جهم در باره عصمت (ص۸۷ـ۱۰۰ و۱۰۷ـ۱۰۸ و۳۲٤ـ۳۲٥و۱۰۰ـ۱۰٦و۱۰۸ـ۱۱٤) .

وفرمانده خویش گفته که اینان همین‌اندازه میدانستند و بس. کسی مپندارد که‌شکوه من آنانرا از پاسخ دادن بمن بازداشت . این گفتگو درص۳۱۲ـ۳۲۳ عیون آمـده است و تاریخ آن باید ۲۰۱ یا۲۰۲ باشد شوشتری درمجالس‌المؤمنین درسر گذشت مأمون نوشته که چنین مناظره درطرائف‌ابن طاوس نیز آمده است .

۵ **آغاز**: باب ذکرمایتقرب به‌المامون الی‌الرضاع من‌مجادلة المخالفین فی‌الامامة والتفضیل . حدثنا ابن عبدالله‌بن تمیم‌القرشی .

انجام: قال فخرجنا متحیرین خجلین . ثم‌نظر المأمون الی‌الفضل بن‌سهل فقال‌هذا اقصی‌ما عندالقوم فلایظن ظان‌ان جلالتی منعتهم من‌النقض علی . والله‌اعلم .

ان [۸۴۶]

۱۰ **۱۰۸۰** این نسخه شماره ۱۰دفتر است وبخط نسخ‌گ۲۰۱ب ـ ۲۱۰ب.

[۷۰۱] منتخب نورالعیون (فارسی)

دانشمند محمدباقر شریف قمی «نورالعیون» را در کلام شیعی نوشته‌ودانشمند علی‌اکبربن عبدالعلی کرمانی آنرا گزین نموده دردوباب‌هریکی یك کتاب گذارد. نخستین آن۱۲ تنویر ودرنبوت وامامت ورجعت میباشد . اودرطریق دوم تنویر۱۲

۱۵ باب یکم که ازفضائل سادات گفتگو میکند ازصواعق‌محرقه ابن‌حجرعسقلانی‌چنین میآورد که مأمون هنگامیکه میخواست خلافت بدودمان علی(ع) واگذار نماید دستور داد که‌فاطمیان پوشاك سبز بپوشند وعباسیان‌سیاه ودیگران‌سفید در بر کنند. مأمون ازاین واگذاری خلافت بر گشت ولی‌این نشانه درخاندان علی بماندو آنها بهمین بس کردند که پارچهٔ سبزی در دستار بگذارند . سپس میگوید که در ۷۷۳

۲۰ پادشاه شیعیان فرمودتـا علویان دستارسبز برسربندند او درهمینجا ازنقابت سید مرتضی وابن طاوس وداد گاه خصوصی هاشمیان یادمیکند ومیگوید سزاوار است که دیگران‌زن‌علوی نگیرند یا آنکه گرامیشان‌بدارند وشایسته است باداشتن‌زنی علوی زن‌دیگری نه ازاینخاندان نگیرند. اگرهم گرفتند آنرا رهاکنند . اگرعلوی را رها ساختند آندیگریرا دوباره عقد کنند . گرفتن زن‌دوم‌علوی نیزشایسته‌نیست

وبهتراست آنرا هم رهاکنند (گ۱۰۱) درنسخهٔ ما ازباب دوم نشانی نیست ماانا آنرا ننگاشته است .

آغاز: منتخب کتاب نورالعیون من مؤلفات محمدباقرالحسینی الاصفهانی بسمله بعد ازحمد خـدا ودرود برپیغمبر راهنما وائمهٔ هدی . این منتخبی است از کتاب نورالعیون من مؤلفات مولینا محمد باقرالشریف الحسینی الاصفهانی ابن محمد تقی الشریف الرضوی القمی مشتمل بردو بـاب و هرباب یك کتاب ... تنویراول دربیان احتیاج کافهٔ انام درجمیع ایام بپیغمبر یاامام منصوب ازجانب حکیم علام .

انجام : وسنوح این مقدمه درمیان اهل آن امصار درغایت اشتهاراست میرزا قوام الدین محمد قزوینی گوید سلام علی خیرالانام وسیدی ـ شفیع ذنوب الخلق فی العرصات... سلام علیهم ماتکلم ناطق ـ وما رفع الاصوات فی العرفات . بحمدالله . . . که منتخب نورالعیون باتمام رسید و ذخیرهٔ یوم لاینفع مال ولابنون گردید علی ید مالکه وهو علی اکبربن عبدالعلی الکرمانی فی رابع والعشرین شهرجمادی الاخرمن شهود سنة ۱۲۶۸ فی دارالدوله کرمانشاهان .

[۸٤۷]

۸۸۹ این نسخه شماره ۲دفتر است و بخط شکسته تعلیق گزیننده ودارنده نسخه همان کرمانی در۲٤ج۲ سال۱۲۶۸ در کرمانشاهان گ۳۳ ب۱۱۳ ب. او سه شمارهٔ دیگراینه‌دفتررا نیز نوشته است: یکی آب حیات کبیر دیگری منتخب التماثیل که ریختهٔ خامهٔ اواست ودرآغاز آن میگوید که درسال۱۲۶۹ در کرمانشاهان باسختی و بیچارگی و بیکاری زندگی میکنم ناگزیر پس از نگارش و گزین نورالعیون بنگارش این کتاب پرداختم . اودر این کتاب داستانهائی آورد ودرپایان آن نامه‌ای راکه بیکخان امیرمعصوم بیك فرمانروای ورارود (ماوراءالنهر) بخانهای خراسان در شعبان ۱۲۰۲ نوشته ودرآن ازشیعیان نکوهش کرد ودشنام گفت آورد وپاره‌ای از پاسخی راکه آقا محمد رفیع بن عبدالواحد بدستور امیرمحمدخان بدوداده است ونسخه بپایان نمیرسد . جواهرالاخبار(شماره٤دفتر)هم بخامهٔ اواست که در۱۲٤۸ نگاشته است

[۷۰۲] منهاج الکرامة فی معرفة الامامة (عربی)

علامهٔ حلی (۶٤۸ـ۷۲۶) اینه‌دفتررا درامامت وبرای سلطان محمد خدابنده

اولجایتو پادشاه مغولی ایران (۶۸۰ ـ ۷۰۳ ـ۷۱۶) نگاشته و آن در شش فصل و بایستی میان سالهای ۷۰۳و۷۱۶ نوشته شده باشد . عبدالرحیم بن محمدتقی تبریزی ومیرزا محمدعلی مدرس درصفر ۱۲۹۶ آنرا بچاپ سنگی رساندند (خشتی ۹۱ص وبنام منهاج الکرامه فی اثبات الامامه) ودرمنهاج ابن تیمیه نیز آمده وبچاپ رسید .این کتاب برپیروان سنت بسیار گران آمده وبخرده گیری از آن پرداختند . نخستین بار دانشمند حنبلی ابن تیمیه حرانی (۶۶۱ ـ ۷۲۸) درخواست گروهی که کتابرا بدو بنمودند و گفتند که حلی آنرا برای خدابنده نوشت وازسنیان بدگفته است وشایسته است پاسخ داده شود پذیرفته دربرابر آن «منهاج السنة النبوية في نقض كلام الشيعة والقدرية» را در ٤ جلد نوشته است که در بولاق مصر بسال ۲ـ۱۳۲۱ بچاپ رسیده ودر کنار آن «بيان موافقة صريح المعقول لصحيح المنقول» او میباشد. ابن تیمیه در دیباچه آن میگوید که یکی ازرهبران رافضی روزگار ما این کتاب رابرای خواندن فرمانروایان بکیش خویش نوشته و باطنیان ملحد هم که در نهان روش فیلسوفان صابئی بیدین دارند بدو کمك نمودند . نیزمیگوید که او آنرا « منهاج الكرامة في معرفة الامامة » نامید خوب است که آنرا «منهاج الندامه» خوانند (ص۳منهاج الکرامه وص۵ ج ۱ منهاج السنه) . این دانشمند سلفی حنبلی که میگوید همه مردم جهان تاپایان روزگار بایستی ازرهبران گذشته اوپیروی کنند درآغاز بسیاری ازرفتارها واندیشه‌های شیعی را یاد ونکوهش میکند وپس ازیاد کردن مفید و کراجکی وموسوی و طوسی می گوید که شیعیان درمعقول سخت ناآگاه ودرمنقول بسیار دروغگو وپیرو معتزلیان و قدریان ومجسمان وجبریان میباشند وآنان ترکان دشمن اسلام وترسایان ویهودان را بکشور های مسلمانان راه دادند وآئین آنها باکیش یهود و ترسا مانند است و روش رفض وجهمی درالحاد میباشد. این نگارش او گذشته ازسخنان نادرست تاریخی وکلامی دشنامهای فراوان دارد (۱) .

---

۱ ـ حلی درفصل ۲ وجه ٤ ص ۲۲ چاپی گفتار ابن جوزی را گواه میآورد. ابن تیمیه در اینجا (ج۲ص۱۳۳) میگوید اگر از آن ابوالفرج عبدالرحمن(م۵۹۷) را میخواهد او

بقیه حاشیه درصفحه بعد

چلبی در کشف‌الظنون از نگارش حلی یکبار بپیروی از ابن کثیر بنام «منهاج الاستقامه فی اثبات الامامة» یاد نمود و گفت که ابن کثیر (اسمعیل قرشی م ٧٧٤) گوید اودر معقول ومنقول گمراه است وابن تیمیه آنرا پاسخ داد. بازمیگوید که «منهاج السلامه الی معراج الکرامه» ازحلی‌است وزین‌الدین سریحابن محمدملا لی در «سدالفتیق المظهر رصدالفسیق» بدو پاسخ گفت وازواژه «فسیق» ابن‌المطهررا می خواهد. درباره «منهاج‌السنة النبویة» میگوید که آنرا ابن‌تیمیه بروش «منهاج - الاستقامه» نوشته‌وتقی‌الدین سبکی(م٧٥٦)دربارهاش گوید که‌آنرا دیده‌ام وخوب از آن خرده گرفت. مگراینکه‌ابن تیمیه‌خوددر آن آشکاراگفته که‌حادثهارا آغازی نیست وآنها درذات‌خداوند هستند.(ج٢ص٩-٥٤٨- معجم‌المطبوعات درابن‌تیمیه)

منهاج‌ابن‌تیمیه‌رادانشمندی‌شیعی‌بنام«الانصاف والانتصاف‌لاهل‌الحق‌من‌الاسراف» بخوبی خرده‌گیری نمود وآن بروش «قوله - قولنا» دریك مقدمه (وصیت) و یك بحث (اعتقاد امامیان وسنیان) و١٧ مقام (خرده‌گیری وپاسخ) ویك خاتمه (حکم وقواعد)میباشد(ش٣٦٧ج٤طوس)نویسندهٔ نسخهٔدانشکده‌حقوق‌ازهمین «الانصاف» پنداشت که آن‌نگارش شیخ خلیل‌بن ظفربن خلیل کوفی اسدی میباشد. از ذریعه (ج٢ص٣٩٩)پیداست که‌اوچنین نگارشی دارد وبا سخهائی‌هم بزیدیان‌واسماعیلیان وقرمطیان داده است ولی پیش ازمنتجب‌الدین قمی (٥٠٤ - اندکی پس‌از ٥٨٥) میزیسته و گویا در روزگار شیخ طوسی بوده است. پس نمیتواند نگارندهٔ این «الانصاف» باشد.

بقیه حاشیه ازصفحه قبل

چنین نگفت واگر نوه او ابوالمظفر یوسف‌بن قزاوغلی (م٦٥٤) نگارندهٔ مرآت الزمان واعلام‌الخواص درباره دوازده امام رامیخواهد او گاهی بسود شیعیان وگاهی بسود حنفیان وبرای‌یکی ازفرمانروایان چیز نوشته‌وبسخنان اوتتوان گرائید. اوباندرز گران وواعظان میماند که بهرشهری روند بکیش آنجا درمیآیند وخود دینی ندارند نیزمیگوید که عبیدالله‌بن میمون قداح یهودی‌زاده وپرورده مجوس بوده است (نیزج٤ ص٢١٢) بازدر ج١ص١٣١ میگوید که‌مفید درمناسك مشاهد رواداشت بحج‌قبورمانند کعبه روند (برای سرگذشت حلی و ابن‌تیمیه بنگرید به البدایة و النهایة ابن کثیر ج ١٤ص١٢٥و١٣٢).

سید مهدی کاظمی فاضل قزوینی نگارشی بنام «منهاج الشریعه فی الردعلی ابن تیمیه» دارد دردوجلد که نخستین را در ۱۳۳۷/۲/۲ بپایان رساند وهردودرچاپخانه علوی نجف بسال ۷ـ ۱۳۴۶ بچاپ رسید .

[۸۴۸]

۸۷۹ ۵ این نسخه شماره ۱ دفتر است و بنسخ خوش با اعراب و با حاشیه های پارسی و تازی در میان سطرها از کمال الدین بن عبدالله بن سعید گرگانی در نیمه رجب ۸۷۸ گ ۲ب ـ ۱۰۴ب .

[۸۴۹]

۱۰۸۵ این نسخه شماره ۳ دفتر و بنسخ لطف الله بن شمس الدین مازندرانی نویسندهٔ شماره ۲ و با اعراب وهمانگونه حاشیه های پارسی و تازی ودر روز یکشنبه پایان ج۱ ۱۰ سال ۹۰۱ بانجام رسید. چنین است آغاز وانجام نگارش حلی : «الحمدلله القدیم الواحد الکریم الماجد المقدس بکماله عن الشریک ـ فهذا آخر مااوردنا اثباته فی هذه ـ المقدمه» گ ۵۳ب ـ ۱۲۴الف .

[۷۰۳]

نامهٔ طوسی ببحرانی (عربی)

طوسی دراینگفتار ببحرانی پاسخ میدهد و همانست که درص ۱۸۰ این فهرست ۱۵ شناسانده شده .

[۸۵۰]

۱۰۴۶ این نسخه شماره ۳ دفتر است و بخط شکسته تعلیق وعبارتهای قال واقول بنسخ درشت ازمحمد شریف پسرمحمد قائمی روزشنبه ۲ع۲ بسال ۱۰۵۹ گ ۲۵ب ـ ۳۶ب . وآغاز وانجام دراین نسخه چنین است : « بسمله حمدالك يامفيض الخير ۲۰ والجود والصلوة على صاحب مقام المحمود وآله خير المخلوقين فى دائرة الوجود . الاول فى قسمة العلم الى الاقسام التى ينبغى ان يكون ... (۲۴ مسئله رافهرست میدهد) فينبغى ان نتكلم فى هذه المسائل ليكون ذخرالى فى المعاد وحجة لى على العباد قال صاحب الرسالة اعلم ادام الله هدايتك ان المتكلمين اطلقوا القول بان العلم تابع للمعلوم ـ قال صاحب الرسالة فينبغى ان نتكلم فى هذ المسائل . اقول الذى هوممهد فى هذا الباب مستغن عن ايراد هذه ۲۵ المسائل . وانما اوردت هذه المسائل اقتفاء لكلام اهل البحث عند هذه المسائل . ولنختم الكلام هناوالله ولى التحقيق وبيده ازمة التحقيق» نامه ودیباچه ش ۳۸۹/۳ و ۱۰۲۲/۸ راندارد و نسخه ایست جداگانه .

[٧٠٤] **نفی الحیز والجهة (رسالة فی ...)** (فارسی)

امام فخرالدین رازی دراین گفتار از خداوند نفی حیز وجهت نموده است .

آغاز: رسالة فی نفی الحیز والجهة لفخرالدین الرازی ـ قوله تعالی لااله الاهو الحی القیوم . ویقرر ذلك ان الله تعالی هوالقیوم .

انجام : واین منافی آنست که فقرو احتیاج مخصوص بممکنات است . والله اعلم بحقائق ذاته وصفاته والصلوة علی خاتم الانبیاء وآله العظام الاصفیاء .تمت الرسالة. ٥

[٨٥١]

این نسخه شماره١ دفتر و بخط تعلیق میباشد . گ٢ب ـ ٣ب. پس از این در گ٣ب پاره‌ایست ازاداب المریدین شیخ ضیاءالدین ابی النجیب عبدالقاهر بن عبدالله سهروردی م٥٦٣ دراین که تهی‌دستی بهترازتوانگری است ودر گ ٤الف پاره‌ای ازفتوحات محیی‌الدین اندلسی وازشرح خطبه طوالع ازدوانی . ١٠

١٠٨٨

[٧٠٥] **نهج الحق و کشف الصدق** (عربی)

علامهٔ حلی این کتاب رادر ردبرسنیان درهشت مسئله (ادراك ـ نظر ـ صفات خدا ـ نبوت ـ امامت ـ معاد ـ مسئله‌های اصول فقه شیعی ـ مسئله‌های فقهی شیعی) نگاشته است. باشاروزبهان وخواجه صاعدبدین دفتر نگریستند (ص٥٤١و٦٢٠ اینفهرست) ١٥

آغاز: الحمدلله الذی غرقت فی معرفته افکار العلماء وتحیر فی ادراك ذاته انظار العقلاء... اما بعدفان الله تعالی حیث حرم فی کتابه .

انجام : وفیما اوردناه فی هذا الکتاب کفایة لمن له ادنی تحصیل و کیف من یستغنی عن کثیر التنبیه بالقلیل والله الموفق للصواب والله المرجع والمآب .

[٨٥٢] ٢٠

این نسخه شماره٢ دفتر است و بخط تعلیق وعنوانهای آن بنسخ درشت سیاه یاشنگرف ازاحمدبن عبادالله ساوی نجفی در کربلا درشام پنجشنبه ٣٠ ع ١ سال١٠١٧ گ٥٥ب ـ ١٢٠الف .

٥٠٣

[٧٠٦] **نهج المسترشدین فی اصول الدین** (عربی)

علامه حلی بدرخواست پسرخویش فخرالمحققین در این کتاب گزیده‌ای از ٢٥

همه مبحثهای کلام (امور عام ـ خدا ـ پیامبر ـ امام ـ رستاخیز) را آورده و آن در ۱۳فصل وهریك چندمبحث است . درمبحث۱فصل٤(۳الف) بکتابالاسرارخود بازگشت میدهد .

اینکتاب را او پیش از۷۰۲ بپایان رساند (ش٦٥٠١٠طوس) .

٥ نجمالدین خضربن شمسالدین محمدبن علیرازی حبلرودی پس ازاینکه از استاد خود (شمسالدین محمدبن سیدشریف گرگانی م۸۲۸) دور شده وازشیراز بنجف رسیده بود درهمانجاگاهیکه هنوز استاد زنده بود پرداخت باینکه گزارشیبرای اینکتاب بنویسد و آنرا بنـام تحقیقالمبین در مدرسه رتبیه درحله سیفیه نزدیك بپامداد یکشنبه سیم ذیقعده ۸۲۸ بپایان رساند (ش۳۹۷ج٤طوس ـ روضاتالجنات

١٠ ص ٢٦٤) .

آغاز: بسمله . الحمدلله المنقذ من الحيرة والضلال و المرشد الی سبيل الصواب فی المعاش والمال ... فهذا كتاب نهج المسترشد فی اصول الدين لخصت فيه مبادی ـ القواعدالكلامية ورؤس المسائل الاصولية ... اجابة لسئوالالولدالعزيزمحمد .

انجام : ومن ارادالتطويل فعليه بكتابنا الكبيرالمسمی بنهايةالمرام فی علم الكلام

١٥ ومن ارادالتوسط فعليه بكتاب منتهی الوصول والمناهج وغيرهما من كتبنا (المشهورة كنظم البراهين والمعارج ـ بخط ریزتر ومیـان دو سطر) والسلام ، والحمدلله علی بلوغ ماقصدناه وحصول مااردناه . والصلوة والسلام علی اشرف الانبياء وعترته الطيبين

[۸٥٣]

١٠٢٠ این نسخه شماره۱ دفتر وبخط شکسته تعلیق ریزوعنوانهـا بنسخ وشنگرف و برخی جاها سفید گذارده شده وحاشیههائی دارد شکسته تعلیق ازشرحسیوری

٢٠ (ارشادالطالبین) گ۲ب ـ ١٤ب . ١٤ شماره دیگراینددفتر درحدیث وفقهاست وبخط تعلیق ونسخ ونویسنده شماره١٦آن اسدالله حسینی رضوی درتاریخ ١٢٢٦می باشد ودر گ۲الف خط خطیب صدیق بسال١٢٣٠ دیده میشود .

همه دفتر۱۷٦گ) ـ کاغذ فرنگی ـ جلد تیماجسرخ ضربی

٢٥ اندازه : ٥ر١٥×٥ر٢١ و٥ر٩×١٦ س٢٤(بیاضی)

[۷۰۷] وجیزه (عربی)

دانشمند شبرعبدالله بن محمد رضای نجفی کاظمی (۱۱۸۸-۱۲۴۲) نگارندهٔ تفسیر که در تهران بسال ۱۳۵۲/۱۳۱۴ بچاپ رسید دراین رساله اندکی ازاصول وفروع دینی راآورده و آنرا درروز شنبه۲۲ذیقعده ۱۲۲۰ بپایان رساند.

آغاز: بسمله و به نستعین . الحمدلله الذی لامن شیء کان و لامن شیء ۵
کون ماقدکان...فیقول...عبدالله بن محمدرضاالحسینی ... هذه رسالة و جیزه ونخبة عزیزه قد تضمنت معرفة الحکمتین اللتین یحل بهماالفوز بالسعادتین .

انجام : وجعل مستقبل حالنا خیرامن ماضیه . تمت الرسالة فی یوم السبت بعد الزوال ثـانی و عشرین من ذی القعدة سنة ۱۲۲۹ و الحمدلله اولا ... وصلی الله علی محمد و آله .

۱۰

[۸۵٤]

۱۰٤۱۰ این نسخه بخط نسخ با عنوانهای شنگرف ازدرویش بن کاظم درشب ۱٤ذی حجه ۱۲۳۱ .

(۱۲۰گ) — کاغذ فرنگی — جلد تیماج سرخ ساده

اندازه : ۵ر۱۵×۵ر۲۱ و۹×۵ر۱۵س۱۵

۱۵

[۷۰۸] هادیة العوام (عربی)

این گفتار دراصول وفروع دین است بروش شیعی .

آغاز: بسمله . الحمدلله اللطیف بعباده ، العامر بنواله ، الآمر بسؤاله ... و بعد فهذه رسالة وجیزة موسومة بهادیة العوام مرتبة علی کلام ومقام وختام .

انجام : وقدامرتنابرد الودایع فردعلی عندحضور موتی ، برحمتك یا ارحم الراحمین . ۲۰

[۸۵۵]

۱۰۱۵ این نسخه شماره ٤۲ دفتر وبخط تعلیق میباشد . گ ۱۷۰ب - ۱۷۱الف .
دربرك۱۷۱ب تفسیر« سبحان الله والحمدلله ولااله الاالله والله اکبر» است از شمس الدین محمدبن مکی شهید یکم .

۲۵

[۷۰۹] **هداية الطالبين في معرفة الانبياء والائمة الهادين** (فارسی)

دانشمند حاج ملاهادی سبزواری (۱۲۱۲ـ۱۲۸۹) در این دفتر از پیامبری و امامت در دو باب گفتگو نموده و آنرا در ۸ رجب ۱۲۷٤ بپایان رساند. نسخه‌ای از آن در مجلس (ش ۷۸۸) هست.

آغاز: بسمله. سپاس ایزدیرا کـه آنجا که او موجود است هیچ موجودیـرا وجودی نیست.

انجام: هر یك از این ممکنات علاوه برقیام قائم بذاته بقول مطلق. فهو القیوم تعالی شأنه والقائم قـائم به ... وقد فرغت من تأليف الرسالة في اليوم الثامن من شهر رجب المرجب سنة اربعة وسبعين بعد المائتين والالف من الهجرة النبوية ۱۲۷٤.

[۸٥٦]

۲٦٥ این نسخه بخط تعلیق حسن تقدیسی تفرشی درمحرم سال ۱۳٦۱ میباشد.

(۹۱گ) ـ كاغذ فرنگی ـ جلد تیماج سرخ تازه

اندازه: ۱۱×۱۸ و ۸×۱۲ س ۱۳ تا ۱۵ در برگهای مختلف

گفتار پنجم

فلسفه عملی

آرایش خوی یا فرهنگ - کدخدائی یا خانه‌داری - کشورداری (تهذیب اخلاق یا حکمت خلقی - تدبیر منزل یا حکمت منزلی - سیاست مدن یا حکمت مدنی[1])

۱- برای این نامها بنگرید به: نگارشهای بابا افضل کاشانی ج۱ چاپ دانشگاه ص۹۵-۹۶- ۲۶۱ - اخلاق ناصری چاپ هندص۹ - اخلاق جلالی ص۱۸ - دیباچه آقای همائی بر اخلاق ناصری.

[۷۱۰] آئینه شاهی (فارسی)

فیض کاشانی «ضیاءالقلب» خویش را که در شناختن جان وپرودن آن است ازروی خرد وطبع وشرع وعرف وعادت بنـام «آئینه شاهی» برای شاه عباس دوم بسال۱۰۷٦ بپارسی کرد وآنرا دردوازده‌باب گذارد: «شناختن خرد، شرع، طبع، عادت، عرف، شناختن خود که فرمانبراین پنج‌است، مرتبه‌های همان‌پنج، چرا آنها برمردمی‌چیره‌اند، اگر آنها باهم‌نسازند کدام برتراست، اگر آنهابایکدیگر بیامیزند چگونه میتوان ازهم جداساخت، برخی از داده‌های خدا که دراینجا کمك خواهد بود، چگونه ازخدا یاری توان‌خواست» کاشانی خرد را برتر از شرع میداند آنهم خرد پیامبران وپیشوایان. این رساله بـا ترجمةالصلوة والفت نامهٔ اودر چاپخانه موسوی شیراز بسال ۱۳۲۰خ بچاپ رسید.

آغاز: سپاس شایسته وستایش بایسته‌سزاوار نثارپروردگاری که رسوم‌شرع را مطابق مقتضای عقل‌کامل گردانید.

انجام: چون در دلم محبت ایشان گرفته جا. تمت‌الرساله والحمد اولا و آخرا درتاریخ تصنیف برسم تعمیه گفته شد. آئینه‌جان برگیر ازمه‌کن غیب دل— کائینهٔ شاهی‌را تاریخ شودحاصل (۱۰۷٦).

[۸۵۷]

۳۱٤ این نسخه‌شمارهٔ دودفتر وبخط تعلیق میباشد گ۱٦ب - ۳٦الف.

[۷۱۱] اداب ارسطو (عربی)

برای نگارشهای ارسطوسه‌فهرست‌در دست‌هست‌یکی ازدیوگنوس‌لائرسیوس دوم‌ازکمنام گویا«هسوخیوس‌ملیتوسی»سوم ازقفطی وخزرجی که ازبطلیموس‌رومی گرفته‌اند. دربارهٔ این‌سه فهرست‌در Le systéme d'Aristote از Hamelin

ص۱۳ـ ۱۷ بررسی شده است. داستان نشر کتابهای ارسطو در جغرافیای ستر ابن (ج۳ص۵ـ۵۳) دیده میشود. در «زندگی مردمان نامور» پلوتارخوس داستان نگارش های ارسطو و نامه نگاری او با اسکندر درباره نشر کتابهای سماعی در میان تـودهٔ مردم آمده (ترجمه فرانسوی **Alexis Pierron** چاپ پاریس در ٤ جلد بسال ٤ـ
٥ ۱۸٤۳ ج۲ص ٦ـ٦۳٥ وج۳ص٤٤٦) ازین کتابها و همچنین فهرست ابن ندیم پیداست که پندهائی بارسطو نسبت داده‌اند و برخی از آنها بتازی در آمده است. در جاویدان خرد مشکویهٔ رازی ازاینگونه پندها و سخنان آمده است و نمیتوان باور کرد که ازارسطو باشد (دیباچه بدوی برجاویدان خرد ص۲ ٤۲).

این گفتار دردو بند درجاویدان خرد ص ۲۷۰ـ۲٦٦ بچاپ رسید و بسیار بآغاز ادب
۱۰ صغیر ابن مقفع که دررسائل البلغا ص٤ـ۳۷ بچاپ رسیده‌مانند میباشد (ش۱٦/٦۳٤ مجلس).

آغاز: بسمله هذا آداب ارسطوطالیس. کتبها فی صحیفة کان یعلمها اسکندر. لکل انسان حاجة والی کل حاجة سبیل ومن اصابه انجح ومن اخطاءه خاب وحاجة الانسان خیرالدنیا والاخرة والسبیل الی ادراکها العقل والعقل نوعان غریزی و مستفاد.
۱٥ **انجام**: غیرحاسد للاصحاب ولامخادع للاخیار ولامتحرس بالاشرار ولامشاغب المدارس ولاملاح السلطان ولامرج للولایة. تمت آداب ارسطوطالیس. والحمدلله واهب العقل.

[۸٥۸]

۲٥۳ این نسخه شماره ۱٥ دفتر و بخط تعلیق میباشد گ۹٥ب ـ ۹٦ب.

۲۰

[۸٥۹]

٤۰۲ این نسخه شماره ۳ دفتر و بخط تعلیق میباشد گ٥۲ب ـ ٥۳ب.

[۷۱۲] **اداب متعلم حکمت** (فارسی)

در تتمهٔ صوان الحکمه بیهقی ص ۲۰ گفتاری از فارابی درباره روشی که جویندهٔ

حکمت باید داشته باشد آمده واین نسخهٔ ما نیز مانند همان است و بپارسی و آغاز
آن ترجمهٔ گزیده‌ای است از آغاز همان متن تازی .
آغاز: حکما فرموده‌اند که هر که درعلم حکمت شروع نماید باید که شاب
وصحیح المزاج باشد .
٥ **انجام:** وهیچ سفری بهتر ازسفر عقل درملکوت نیست وفقنا الله وایاکم بحرمة
من لانبی بعده .

[٨٦٠]

٤٣١ این نسخه شماره ٤ دفتر است و بخط تعلیق محمدعلی درمحرم ١٣٠٢ گ ١١٧ ب
١٢٠ ب .

١٠ (فارسی) **ابواب الجنان** [٨١٤-٧١٣]

دانشمند ادیب شاه رفیع الدین محمد بن فتح الله واعظ قزوینی (م ١٠٨٩) شاگرد
ملا خلیل قزوینی میخواست ابواب الجنان خود را در پند واندرز وسخنرانی دینی و
درهشت باب هر یکی دریك جلد بنویسد . نخستین را در روزگار شاه عباس دوم
(١٠٥٢-١٠٧٧) ودومی را پس ازمرگش ودرروزگار شاه سلیمان یکم (١٠٧٧-
١٥ ١١٠٥) بسال ١٠٧٩ نگاشته است ودیگر ننوشت . پسرش محمد شفیع آنرا بپایان
رساند. این کتاب نمونه‌ایست از نثر شیوا ودشوار آن زمان . جلد یکم در تبریز بسال
١٢٦١ ودرتهران بسال ١٢٨١ (هردوجلد) ودرهند بچاپ رسید (ذریعه ج ١ ص ٧٦
فهرست طوس ج ٢ ش ١ اخلاق چاپی) درمجلس نسخه‌ای ازاین هست (ش ٧-٥٦٦) .

[٨٦١]

٢٠ این نسخه جلد یکم و بخط تعلیق خوش تاریخ ١٢٦٥ ودارای سرلوح بسیار
٥٢١ زیبا بشنگرف وزرولاجورد ورنك سبز میباشد. صفحه ١ حاشیه‌دارد با گل و
بوته ودیگر صفحه‌ها دردوجدول بزرولاجورد وشنگرف وعبارتهای تازی
بشنگرف است .

آغاز: بهترین زلال مقالی که سرخیل کاروان فنون محاورات تواند بود .
٢٥ **انجام:** برامزجه قلوب دردمندان سازگار و گوارا گردانیده توفیق را بروجه
صواب کرامت فرماید. بمنه و کرمه آمین یارب العالمین برحمتك یاارحم الراحمین.

امیر فیروز کوهی در۱۳۱٦ این نسخه را داشته و بهای آن را سی تومان دانست .
(۱۷۱گ) ـ کاغذ ترمهٔ سپاهانی ـ جلد روغنی گل و بوته دار دورو وضربی با پشهٔ تیماجی.
اندازه : ۲۱×۳۵ و ۱۳×۲۵ س۲۰

[۸٦۲]

۵ این نسخه جلددوم وبخط نسخ با نشانه ها وعنوانهای شنگرف ازعلیقلی فرزند
۵۲۰ کربلائی علی پسر کربلائی حسین در۳۰ رجب وروز خمسهٔ سال۱۱۲۸ میباشد
آغاز: زلال مقالی که از چشمه ساردل بجدول زبان جاری و بوستان جانفزای
دین وایمان بآن آبیاری تواندشد .
انجام: درفقیهٔ مرویست که درسجده آخرین این نماز گوید «یامن لبس العز والوقار
۱۰ اسئلك بمقاعدالعزة» .
(۱۳۲گ) ـ کاغذ فرنگی ـ جلد تیماج مشکی ضربی
اندازه : ۲۱×۵،۳۰ و۱۴×۲۲ س۲۰

[۷۱۵-۷۱٦] احیاء علوم الدین (عربی)

دانشمند محمد غزالی طوسی (۴۵۰-۵۰۵) درسال ٤٨٤ درمدرسهٔ نظامیهٔ بغداد
۱۵ بتدریس پرداخت ودر ذیقعده۸۸٤ برادرش احمد را جانشین خویش ساخته خود
بسوی مکه رهسپار گشت ودر۴۸۹ بدمشق رفته سپس باورشلیم آمدو باز بدمشق
بر گشت وده سال درشام مانده است. وی باسکندریه نیز رفته ومیخواست بدیدار
یوسف بن تاشفین پادشاه مرابطی مراکش (۴۸۰-۵۰۰) برسد که اومرد . غزالی دیری
بپارسائی وجهانگردی بپرداخت . در همین روزگار بود که احیاء العلوم می نوشت.
۲۰ ببغداد که بر گشت آنرا درپند واندرز ها که میداد میخواند (شرح زبیدی براحیاء
ج۱ص۷-۸) پس غزالی احیا را درروزگار پارسائی و گوشه گیری (۴۸۹ - ۴۹۹)
نگاشته است. چنانکه خود او درمنقذ میگوید ازرجب ٤٨٦ اندیشهٔ پارسائی و
کناره جوئی درسرش افتاد باندازه ایکه درخود توانائی ماندن بغداد ندید وبیمار
گشت وحج رابهانه ساخت وازآنجا بیرون رفت وبتصوف گرائید (تعریف الاحیاء
۲۵ بفضائل الاحیاء شیخ عبدالقادر درکنار شرح زبیدی ج۱ص ۳۷ وپس ازآن) (۱) .

۱ـ غزالی مانند اورلیوس او گوستینوس (Aurelius Augustinus) پاك
بقیه حاشیه درصفحه بعد

غزالی باحیاء بسیار ارج مینهادودر پاسخ خرده گیریها که مغربیان کرده‌اند «الاملاء فی اشکالات الاحیاء» نوشته‌است (زبیدی ج ۱ ص ۳۸) واز آن پیداست که بهمان سخنان وپرسشهای خراسانیان که پیش شاه بداوری رفته بودند نیزمینگرد (ص ۱۹۰ همین فهرست) وگویا آنرا نزدیك ۵۰۳ نوشته باشد.

غزالی خود درمقاصدالفلاسفه (آغازالهی) درباره سیاست میگوید: «وهذا علم اصله العلوم الشرعیه» ودرتهافت الفلاسفهٔ او که پس از آن نوشته ودرتاریخ ۱۱ محرم ۴۸۸ بپایانش رسانده ص ۳–۲۵۳ دارد: «وعلم الاخلاق طویل والشریعة بالغت فی تفصیلها ولاسبیل فی تهذیب الاخلاق الا بمراعات قانون الشرع فی العمل حتی لایتبع الانسان هواه» پس اوچنین میخواهد که گذشته ازویران ساختن بنیاد فلسفه یونانی علم عملی را نیز ازروی شرع بنویسد اینست که دراحیا شالوده دیگری برای اخلاق وسیاست وتدبیر منزل ریخته ورنك دین بدوداده است مگر اینکه او دراین کتاب روش عرفان پیش گرفت وازقوت القلوب ابوطالب مکی ورسالهٔ قشیری (زبیدی ج ۱ ص ۳۰) و ذریعه راغب بهره بردودر آوردن اخبار و آثارهم چندان پابند شرایط محدثان نبودواین بود که فقیهان ازاو خرده‌ها گرفتند و دانشمندان درباره اودو گروه شدند. سخنان دوست ودشمن رادردیباچه زبیدی می‌بینیم. ازنگریستن نگارشهای غزالی برمیآید

(۳۵۴–۴۳۰) وهیرونیموس (Eusebius Sophronius Hieronymus) یا جیروم Jérome پاك (۳۴۰–۴۲۰) که نخستین ازاندیشهٔ مانوی ونوپلاتونی ودومی از فلسفه سیسرون واندیشه‌های بت‌پرستان برگشته پارسا وترسا شدند او هم دراثر کشمکش ونبردهای فیلسوفان وباطنیان وعارفان باپیروان سنت خسته شده خواست زندگی بی آلایشی دورازمردم زمان پیش گیرد ومسائل دین‌را روی‌ذوق‌عرفانی‌دریابد غزالی مانند دکارت شك‌را پایهٔ یقین‌دانست (پایان میزان‌العمل که میگوید: اذالسلوك هی‌الموصلة الی‌الحق فمن‌لم‌یشك لم ینظرومن لم‌ینظرلم یبصرومن لم‌یبصر بقی‌فی‌العمی والضلال) سیدمرتضی نیز پیش‌ازاوچنین گفت(ص ۱۶۱۱ اینفهرست) اورا در گرایش بحس وبداهت مانند هیوم انگلیسی ودر ناتوان یافتن خردمانند کانت آلمانی پنداشتند.

(بنگرید به: ترجمه تازی تاریخ فلسفه اسلامی دبوئر ازابوریده ص ۲۱۸ — تاریخ فلسفه إسلام لطفی جمعه ص ۶–۷۵).

که اودرزندگی علمی چهاردوره راگذرانده : ۱از۴۷۸تا۴۸۴که وجیز را نوشت و فقیه بود۲از۴۸۴تا۴۸۸که مقاصد وتهافت‌واقتصاد ومستظهری نوشته نگاهبان‌سنت ودوستدار دربار عباسی بوده ونظام‌الملك راخوشنود میساخت وبـاپندار واندیشهٔ باطنیان فاطمی مصروصباحیان میجنگید۳از۴۹۲تا۴۹۵که باحیاء ومستصفی‌وکیمیا میپرداخت واندیشهٔ عرفانی دینی داشت۴از ۴۹۵تا ۵۰۰که سرانجام بطوس آمد و دراین زمان بود که بنگارش مانند جواهرالقرآن و مشكات‌الانوار پرداخته است (متون ماسینیون ص۹۳) وبگفته وات درروزنامهٔ آسیائی لندن ش۱و۲سال۱۹۵۲ ص۳۰و۴۴ دورهٔ پس ازاحیا هم دوبخش میشود دریکی همان عقل بکار میآمد و مانند الجام وفیصل وقسطاس نوشته شده ودر دومی که پایان زندگی او است ذوق هم درکاراست واباحیه ومنقذ ومشکات بنگارش درآمد. متن احیادرتهران بسال ۱۲۹۳ وبارها درمصر ودرلکناؤ بسال۱۲۸۲ بچاپ رسید .

[۸۶۳]

۳۹۰ این نسخه دارای نیمه نخستین احیاء است وبخط نسخ درجدول زرین‌ولاجوردی باعنوانهای شنگرف ودارای‌دوسرلوح زیبای‌زمینه گل وبوته لاجوردی واحمد بن احمدبن شرف‌الدین کازرونی درروز سه‌شنبه ۲۴ رمضان سال ۸۹۳ نوشتن آنرا بپایان رسانده .

درگ۱الف بخط تعلیق فیض کاشانی از« الریاض‌المونقة فی‌مرتبة اصحاب‌السنة » امام‌رازی‌آمده که اگرمعتزلیان بنوشته‌های‌فراوان جاحظ که بیشترش‌یاوه‌است‌می‌نازند شایسته است‌ما هم بنوشته‌های فراوان وبسیار پسندیدهٔ غزالی بنازیم.

نیز ازآغاز جلد ۵ کشکول که شیخ بهائی ازپدر خود ازیکی ازبزرگـان آورده است که خطا بیات غزالی از برهانیات ابوعلی دلنشین‌تر و جان بهتر آنرا می‌پذیرد . بازبخط همان مولی محسن فیض نوشته شده : کـه حکیم صدرالدین محمدبن ابراهیم شیرازی (اطال‌الله بقائه) بدوگفته بود که میرزا ابراهیم همدانی از شیخ احمد اردبیلی آورده است که«اگر همه کتابهای جهان ازمیان برود واحیاءالعلوم بماندچندان‌زیانی باسلام نخواهد رسید ولی اگراحیا ازمیان رود زیان بسیاری‌بدان خواهد رسید»فیض میگوید که این ازاردبیلی شگفت‌انگیزاست چه مبحث امامت که ازایمان است در احیا نیامده ولی درباره «المحجة‌البیضاء» ما که بـاآن احیا را کامل نمودیم چنین سخنی

درست خواهد بود ـ دربارهٔ میرزا ابراهیم‌همدانی ازاجازات بحاراز سیدعلیخان(سلافه ص٤٨٨) درهمین برگ چنین آمده : «شاه عباس روزی خواست شیخ بهائی را ببیند نزدش رفته هزارها کتاب درآنجا بدید . ازاو پرسید کسی در جهان هست که این همهٔ کتابهارا بیادسپرده باشد؟ بهائی پاسخداد نه. اگر باشد همان میرزا ابراهیم خواهد بود. این دانشمند در١٠٢٦درگذشت » همه اینها بخط‌کاشانی است . خط و مهر دارندگان نسخه(محمدابراهیم‌قزوینی ومحمد زکی در١١٤٢وحاج‌علی‌نجار وسعدان) دیده میشود (١الف ـ ٣٣٧الف) . ٥

(٣٣٧گ) ـ کاغذ سمرقندی ـ جلد تیماج سرخ مقوائی

اندازه : ١٧×٢٥ و١٣×٥ر١٧س٢٥

[٨٦٤] ١٠

٣٩١ این نسخه نیمه دوم احیاء است وبخط نسخ در جدول زرین و شنگرف و با عنوانهای شنگرف ویك سرلوح زرین که همان کازرونی درنیمهٔ روز آدینه ٢٣رمضان٨٩٤ نوشتن آنرا بانجام‌رسانده همان گفتار بهائی در کشکول نیز درگ١ الف بخطتعلیق آمده ومهروخط محمد ابراهیم قزوینی درگ١الف وب‌ودر ٤٢٩ الف وب دیده میشود . ١٥

(٤٢٩گ) ـ کاغذ سمرقندی ـ جلد مانند بالا

اندازه : ٥ر١٧×٢٥ و١٣×٥ر١٧س٢٥

[٧١٧] اخلاق (رسالة ...) (عربی)

شیخ رئیس دراین رساله کوتاه میخواهد بگوید که چگونه مردمی خوش خوی و نیکرفتار میگردد وچندین‌فضیلت خلقی‌رامیشناساند ودرآغاز آن از «کتب احصاءالعلوم» یادمیکند . این‌رساله مانند « تهذیب‌الاخلاق » یحیی‌بن عدی یعقوبی م٣٦٤ (چاپ شده دررسائل‌البلغاء) است وکوتاه‌تر از آن ودرآن بروشی علمی از اخلاق‌بررسی‌نشده‌است. ایندانشمندان در اینگونه نگارشها از ـ DeVirtutibus etVitiis یانکوئیها وبدیهای‌ارسطو بهره برده‌اند . ٢٠

قنواتی درش٦ ٤ ٢چندین نسخه ازاین رساله راشناساندکه درآغاز وانجام با هم یکی‌نیستند اینرساله درتسع رسائل مصر١٣٢٦ بچاپ رسیده وآمیختگی در آن هست چه درص١٥٢ تا١٥٤س٩کلمه١٤ اینچاپ بخشی ازاین رساله است واز آن‌پس‌تاص١٥٦ازرسالهٔ عهدشیخ‌رئیس که درکنارشرح هدایه شیرازی‌ص ٨ -٣٣٦ ٢٥

دیده میشود آمده و دنبالهٔ این رسالهٔ اخلاق در ص۱۴۳ س۲ کلمهٔ ۹ تا ص۱۵۱ اینچاپ هست که جزء رساله عهد دانسته شد. بگفته ناشر شرح هدایه ص۳۳۵ در چاپ مطبعة الجوائب نیز چنین آمیختگی دیده میشود. این رساله در مجموعة الرسائل بسال ۱۳۲۸ و در کنار شرح هدایه شیرازی ص۵-۳۳۴ و ۷-۳۵۱ نیز بچاپ رسید.

۵ **آغاز:** بسمله المعتنی بامره المحب لمعرفة الفضائل و کیفیة اقتنائها لتزکو بها نفسه.

انجام نسخهٔ ما: و لهذا الکلام ذکر فی موضعه - یعنی کتاب المبدء و المعاد. تم الکتاب فی الاخلاق و الحمدلله حق حمده. آنگاه دارد: «هیئة یصدر بها عن النفس افعال بسهولة عن غیر تقدم روية. جالینوس: الخلق حال للنفس داعیة الی ان یفعل الانسان افعاله بغیر روية ولا اختیار. و صلوته علی محمد و آله اجمعین» که نویسنده افزود.

۱۰ [۸۶۵]

۱۰۷۴ این نسخه شمارهٔ ۱۶ دفتر و بخط تعلیق ریز میباشد گ۲۲۱ الف - ۲۲۶ ب.

[۸۶۶]

۱۰۷۹ این نسخه شمارهٔ ۲۲ دفتر و بخط تعلیق میباشد ص۱۲۳-۱۲۹.

[۷۱۸] اخلاق (رسالة.) (فارسی)

۱۵ این رساله در اخلاق و با اخبار و آیات آمیخته است.

[۸۶۷]

۱۰۳۶ این نسخه شمارهٔ ۱۱ دفتر و بخط تعلیق میباشد گ۱۰۰ الف - ۱۳۸ ب. نسخه در آغاز و انجام و میانه کم دارد و برگها هم پس و پیش شده و چنین است: «درویش است که بدانچه دارد قناعت کند - و یکی از دلائل سوء خاتمت نفاق است».

۲۰ [۷۱۹] اخلاق (رسالة...) (عربی)

رساله‌ای است کوتاه و شیوا در چهار مقاله: اخلاق نظری - حفظ و اکتساب اخلاق - سیاست منزل - تدبیر مدن.

آغاز: بسمله و به نستعین الحمدلله علی نواله... و بعد فهذه مختصرة فی علم الاخلاق و رتبته علی اربع مقالات المقالة الاولی فی النظری منه. الخلق ملکة تصدر عنه الافعال

الانسانية بسهولة من غيررويه ويمكن تغيرها للتجربة ولورودالشرع بهواتفاق العقلاء

انجام : وقضاء حوائج الناس ولزوم العادات من التعازی والتهانی والعیادات و اظهارالفرح لفرحهم والغم لغمهم بحيث لايخرج الی حد النفاق .

[٨٦٨]

١٠٣٥ این نسخه شماره ٥ دفتراست وبخط تعلیق شکستهٔ ریز با نشانه‌ها وعنوانهای شنگرف گویا ازدیباجی نزدیك ١١٠٠ ص٩٥-٩٧ . ٥

[٧٢٠] اخلاق ناصری (فارسی)

خواجهٔ طوسی فیلسوف (٥٩٧-٦٧٢) این کتاب را درسه مقاله نوشت در نخستین آن که دراخلاق است تهذیب الاخلاق وطهارة الاعراق مشکویهٔ رازی را بپارسی کرد ودر دومی که ازتدبیر منزل بررسی میکند رساله تدبیر منزل شیخ رئیس را ١٠ بپارسی بر گرداند(١) ودرسومی ازاراء مدینه فاضله فارابی بهره برد ودرپایان آن پندیکه افلاطون بارسطو داده ودر جاویدان خرد مشکویه (ص٩-٢١٧) متن تازی آنرا می‌بینیم بپارسی آورده‌است. خواجه تدبیرمنزل بروسن(چاپ شده درمجموعه اربع رسائل نشریسوعی دربیروت بسال ١٩٢٣) رانیز دیده بود . طوسی آنرا بنام فرمانروای کهستان ناصرالدین ابوالفتح عبدالرحیم بن ابی‌منصور بسال ٦٣٣ نگاشته ١٥

١- مشکویه درطهارة الاعراق از قرآن وسخنان پیامبر وعلی و کلیه ودمنه و طب روحانی رازی پزشك ودفع الاحزان کندی ودیگر نوشته‌های اواخلاق نیقوماخوس وفضائل النفس ارسطو وجمهوری افلاطون واخلاق جالینوس (چاپ شده درمجلد ٥ جزء ١ مه ١٩٣٧ ازمجله کلیة الاداب جیزه) و « تعرف المرء عیوب نفسه » همو و کتاب بروسن (Bryson) بهره برده‌است (بنگرید به: ابن مسکویه، فلسفته الاخلاقية ومصادرها از ٢٠ دکتر عبدالعزیز عزت مصر ١٩٤٦) تدبیر المنزل یاالسیاسة شیخ رایسوعی درمجله مشرق بیروت بسال ١٩٠٦(٩) ودر«مقالات فلسفیة قدیمة» درهمانجا بسال ١٩١١ بچاپ رسانند (قنواتی ش٢٥٣) ومجله مرشد هم آنرا درمطبعة الفلاح بغداد بسال $\frac{١٣٤٧}{١٩٢٩}$ در ٤٧ص بغلی بنام «تدابیرالمنازل اوالسیاسات الاهلیه» چاپ نمود ودانشمند گرامی آقای محمد نجمی زنجانی همین را با بخش زناشوئی پایان شفا بپارسی کرد که در چاپخانه ایران تهران ٢٥ ١٣١٩خ بچاپ رسید .

و پس ازرهائی اززندان الموتیان (درروزیکشنبه یکم ذیقعده ٦٥٤) اوخطبهٔ دیگری در آغاز آن گذارده وسفارش کرد که خوانندگان خطبه نخستین را بردارند واین یکی را بجای آن بگذارند. نگارنده ذریعه (ج ١ ص ٣٨٠) نسخه‌ای را دیده که در ٦٧٦ نوشته شده وخطبه نخستین را درپایان آن گذارده بودند. طوسی درسال ٦٦٣ سی
٥ سال پس ازنگارش آن (ص ١٤٧ چاپ ساغر در بمبئی بسال ١٢٦٧) روی یادآوری امیر عبدالعزیز نیشابوری بخشی دربارهٔ نگاهداشت حقوق پدر ومادر دردنبال فصل ٤ مقاله ٢ افزود. پیداست که خواجه آنرا درروزگار علاءالدین محمدبن حسن (٦١٨ ـ٦٥٣) هفتمین جانشین حسن صباح وهنگامیکه درالموت بازداشته بودنگاشته است این استکه درفصل ١ مقاله ٣ (ص ١٥٧) ازاساس و ناطق یـاد کرد · سلطان العلما خلیفه
١٠ سلطان سید امیرعلاءالدین حسین حسینی آملی سپاهانی (م ١٠٦٤) داماد شاه‌عباس یکم ووزیر اووعباس دوم تاهنگامیکه درگذشت بدستور شاه‌صفی در ١٠٥١ اخلاق ناصری رابعبارت مأنوس‌تری در آورد وفاضل عبدالرحمن بن عبدالکریم برهانپوری برای عالمگیر شاه (اورنك زیب ١٠٦٩ـ١١١٨) گزارشی بر آن نوشت (ذریعه ج ٤ ص ٤٩١) این کتاب در بمبئی بسال ١٢٦٧ و در کلکته بسال ١٢٦٩ ودرلکنائو بسال
١٥ ١٢٨٦ ودرلاهور بسال ١٨٦٥ وگزیده آن با دیباچه آقـای همائی درتهران بسال ١٣٢٠ خ بچاپ رسید. درموزه بریتانیا نسخهٔ تاریخ ٦٨٠ آن هست (فهرست ریوج ٢ ص ٤٤٢ وص ٨٥٦ دربارهٔ نسخه‌ایکه هردو خطبه‌را دارد وج ٤ ص ١٤٧).

[٨٦٩]

این نسخه شماره ٢ دفتراست وبهمان گونه خط شماره یکم آن ازهمان کارر ازی
٨٩٤٫٢٠ در ١ ج ١ سال ١٠٧٣ گ ٩٩ب ـ ٢٢٦ الف . دراین نسخه همـان خطبه دوم آمده است .

[٨٢١] افراض السیاسة فی اعراض الریاسة (فارسی)

دانشمندان خاوری درنگارشهای اجتماعی خویش چندروش پیش گرفته‌اند گروهی مانند ابن مقفع وجاحظ دستورهاوپندها ورفتارهای خردمندان وفرمانروایان پیشین

را درنوشته‌های خودمیآوردند یااینکه بساخت افسانه وداستان خوهای نیك‌یا بدو دادگری یاستمکاری رانشان‌میدادند مانندکلیله ودمنه وسندبادنامه که بیشتر اینها ریشه ایرانی و هندی دارد. دسته‌ای از اندیشهٔ خردمندان یونانی پیروی نموده از روی نوشته‌های سیاسی واجتماعی افلاطون وارسطو بروش منطقی وعلمی کتاب‌می نوشتند.درمیان آنان نیز کسانی بودندکه درزندگی سیاسی آزمایشهائی‌اندوخته‌و بروشهای بزرگان آشنا بوده‌اند ایندسته مانند غزالی درنصیحةالملوك ونظام‌الملك طوسی درسیرالملوك یاسیاست‌نامه (بسال ٤٨٥) وعنصرالمعالی درقابوسنامه (بسال ٤٧٥) مسئلهٔ‌اجتماعی راپیش کشیده‌برای‌اثبات‌آن‌گواههائی ازسخنان بزرگان دینی و سیاسی میآوردند. این کتاب «اغراض‌السیاسة» نیزچنین‌است و بهاءالدین محمد بن‌علی‌بن محمدبن‌الحسن ظهیری‌نویسندهٔ‌سمرقندی صاحب دیوان رکن‌الدین الپ قتلغ‌تنکابلکا ابوالمظفر قلج طمغاج‌خاقان پسرجلال‌الدین قلج قراخان فرمانروای خانی ترکستان نزدیك‌٥٥٨ آنرا پس‌ازمرك سنجر(٥١١-٥٥٢) و بنام همان قلج طمغاج نوشته‌است‌این‌فرمانروا همانست که‌رضی‌الدین نیشابوری‌م‌٥٩٨اورامیستود.

سمرقندی سندباد نامه‌راکـه ابوالفوارس قناوزی در سال‌٣٣٩ بدستور نوح منصورسامانی‌ازپهلوی‌بپارسی‌ساده شیرین‌ترجمه کرده‌بود‌بنام‌همو‌وقلج‌طمغاج‌خاقان پسرمسعود بن‌الحسین‌نزدیك ٦٠٠ بپارسی‌ساختگی‌زمان‌خوددرآورد (چاپ‌احمد آتش دراستانبول‌بسال‌١٩٤٨ باترجمهٔ‌تازی) او کتاب‌دیگری داردبنام «سمع‌الظهیر فی‌جمع الظهیر».

سمرقندی دراغراض ازچندین فرمانروا ودانشمند مانند جمشید و فریدون ومنوچهر وپیشدادیان دیگرواسکندر و بطلیموس وافلاطون وارسطو و فورهندی وفغفور چین‌وخاقان خزروچند پادشاه‌ساسانی وچند امیرتازی ونصر احمدسامانی وسیف‌الدوله وعضدالدوله وعلاءالدوله ومحمود غزنوی والب‌ارسلان وسنجر پسر ملکشاه یادکرده وبستود ودستورها وروشهای آنانرا آورد. سبك نگارش او بس دشوار وشعرهای پارسی وتازی درآن دیده میشود. خودسمرقندی گزارشی برآن

نوشت(١) .

آغاز: حمد و ثنا مبدعی را که عدم خزانهٔ ابداع اوست و شکر و سپاس موجدی را که نیستی وسیلت اختراع اوست .

[٨٧٠]

١٠٧٢ این نسخه بخط تعلیق درجدول زرین ولاجوردی باعنوانها بزر ولاجورد و برخی عبارتهای تازی آن‌هم بهمان دو رنك وروی شعرهـا خط زرین کشیده شده و سرلوحی دارد بشنگرف ولاجورد وزر . نسخه بـا «عنوان سلطان سنجر بن ملکشاه پادشاهیکه مراکب او مناکب کواکب گردون بود ... » که آخرین عنوان فهرست است پس ازچهار برگ بدینجا پایـان مییابد : « وطشت زر بر گرفتند و آن مردمان ازجملهٔ منعمان» وچندان کم ندارد . سه برگ سفید و برگ ٤ نیست. علی‌محمد بن هادی حسینی سپاهانی دولت‌آبادی درشعبان ١٣١٧ نسخه را توسط یمین‌السلطان خرید .

(١٨٥گ) کاغذ فرنگی ــ جلد تیماج سرخ زرکوب دورو

اندازه : ١٥×٥ر٢٥ و٩×٢٠س١٧

[٧٢٢] پند داذبه (فارسی)

داذبه یا ابن مقفع(٢) دراین نامه بپسرخویش پندواندرز میدهد .

آغاز: از رسالهٔ ابن‌مقفع که درنصیحت پسر خود نوشته و آنرا رئیس المحققین

---

١ ــ نیز بنگریدبه : کشف‌الظنون ــ حاشیهٔ قزوینی برچهارمقاله ص١٧٦ـ فهرست موزهٔ بریتانیا ج٢ص٧٤٨ .

٢ ــ فرزانه ایرانی داذبه چون‌چندان بسفیان معاویه ارجی نمینهاد او هم کینهٔ ویرا دردل گرفت‌وسرانجام‌ویرا در٣٦سالگی بسال١٤٢ نامردانه بکشت. ایندانشمندراسخنان شیوا ودلربا بسیاراست . ادب کبیرا و درجواهرالحکما بـا بهجة المجالس ابن‌عبدالبر اندلسی درمصر بچاپ رسید ودررسائل‌البلغا ص٤٠ـ١٠٦ نیزدیده میشود. درجاویدان خردمشکویه ص٢٩٣ـ٣٢٧ بجزدوصفحهٔ دیباچهٔ آن آمـده وپارسی همین را نگارندهٔ کنوزالودیعه (ش٣٩٤ گ٢٣٩الف ـ ٢٥١الف) آورده‌است وهمهٔ آنرا محمدهادی بن محمدحسین‌قاینی بیرجندی باترجمه پارسی دردیماه١٣١٥خ درچاپخانه آفتاب‌تهران بچاپ رساند. ادب‌صغیر اودرمکتبه ومطبعة الطلبة قاهره چاپ شده ودررسائل البلغا ص٤ـ٣٧ (چاپ سوم) هم‌دیده میشود . سخنان واندرزهای دیگراوهم دراین رسائل هست .

نصیرالملة والدین الطوسی بفرمودهٔ ناصرالدین عبدالرحیم ترجمه نموده کلمهٔ چند انتخاب نموده از کتاب آداب پادشاهان بقلم آمد. ای پسر بدانکه اول حقی که حقتعالی برما واجب است(؟) آنستکه درادای شکراو شرط تعظیم رعایت کنیم .

انجام: هرکه شروع نمائی ازسرانصاف وبصیرت کن که اگرخلاف آن ظاهر شود مستحق نباشی که دلهای مردم . مم
٥

[٨٧١]

٢٨٣ این نسخه شماره٢ دفتراست وبخط نسخ باعنوانهای شنگرف تاریخ ١٢٨٦ گ٧٦ب ـ ٨٥ب .

[٧٢٣] پند فرزانه بفرزند (فارسی)

دراین گفتار فرزانه‌ای بفرزندخود اندرز میدهد وباید ازمتاخران باشد . ١٠

آغاز: این وصیت‌نامهٔ حکیمی است که پسرخودرا گفت: بدان ای‌فرزند که خالقی است که ترا وهمهٔ خلق‌را مرجع باواست .

انجام : مرگ‌را بیادآر ودرهرچه باشی خدایرا فرومگذار. تمت‌الوصیة. والحمدلله اولا وآخرا .

١٥ [٨٧٢]

این نسخه شماره١٧ دفترو بخط تعلیق میباشد ص١٦٣ .

١٠٣٥ دردنبال٥ بیت است ازفارابی :

نظرت بنورالعقل(الله)اول نظرة | فغبت عن‌الاکوان وارتفع‌اللبس
و ما زال قلبی لاتذا بجمالکم | وحضرتکم حتی فنت فیکم‌النفس
وزیتونة‌الفکرالصحیح اصولها | مبارکة اوراقها الصدق والقدس ٢٠
فروحی زیتی‌والخیال زجاجتی | وعقلی مصباحی ومشکاته الحس
فصاربکم لیلی نهارا وظلمتی | ضیاء ولاحت‌من‌جنابکم(خیامکم)الشمس

(بنگرید به: ص ١١٢ همین فهرست درباره سخن ابن‌سینا وص١٠ج٢ خزرجی درباره شعراودرتفسیرآیه‌نور. آملی درجامع‌الاسرار (ش١٣٤١ گ١٢٨ب و١٢٧٨الف) همهٔ این بیتها راآورد ونگفت ازکیست) . ٢٥

وشش بیت ازحسین منصور حلاج‌ره :

قل لاخوانی روانی میتا فرثونی و بکوالی حزنا
اتخالونی بانی میت لست ذاك المیت والله انا
انافی الصورة هذا بدنی كان لبسی وقمیصی زمنا
انا كنز وحجابی طلسم من تراب فتنحی للفنا
٥ انا عصفور وهذا قفصی كان سجنا فالفت السجنا
اشكر الله الذی سرحنی وبنی لی فی المعاد ولنا

وسه بیت ازشیخ رئیس ره :

لو كنت تعلم كلما علم الوری حقا لكنت صدیق كل العالم
لكن جهلت فصار عندك كل من یهوی خلاف هواك لیس بعالم
١٠ والعقل اضحی ضاحكا متعجبا مما تقول وانت شبه النائم

ودو بیت ازابی العباس لوكری كه دستورداده برسنگ آرامگاهش بنویسند :

الجسم یبلی اذاطال الزمان به والنفس تبقی وهذا غایة الناس
لاتیأسن عن النفس التی بقیت ان كنت عن جسمك البالی علی باس

ودو بیت ازعضدالدوله :

١٥ وقالوا افق عن لذة اللهو والصبی وقد لاح شیب فی دجاك عجیب
فقلت اخلائی ذرونی ولذتی فان الكری عند الصباح یطیب

و دوبیت ازگمنام : «لغیره فی هذا المعنی» .

و قائلة خل التصابی لاهله فان الصبا بعد المشیب جنون
فقلت لها كفی عن اللوم واقصری لذیذ الكری عند الصباح یكون

٢٠ [٧٢٤] پند نامه (فارسی)

در نسخهٔ ٨٨١/٢ اینكتابخانه پاره‌ایست از آخر یك كتاب كه درپند و اندرز و بپارسی وبندبند میباشد .

ازآغاز آنچه هست: آنست كه چون برعیب تواطلاع یابد دراظهار آن نكوشد.
انجام : بعیب بدگو مردپاك دامن معیوب نگردد .

٢٥ [٨٧٣]

٨٨١ این نسخه شمارهٔ ٢ دفتر وبنسخ میباشد ودرپایان دارد : «والله اعلم ... كتب فی مدرسة رزم‌سارية بدارالسلطنه قزوین یوم السبت تاسع عشرشهر جمیدالثانی سنة ١٠٠٤ اربع والف» گ٣الف ـ ٥ب .

[۷۲۵] پندنامه (فارسی)

این نامه درپند و اندرز است بفرمانروایان و گواه تاریخی در آن آمده و بدرخواست دوستی نگاشته شد .

آغاز: الحمدلله الکافی . حسب الخلاق وحده ... بعد ازحمد وثنای خداوند عالم ... درنصیحت ارباب ملك ومملکت شروع کنیم . ۵

انجام : بعافیت و دنیا و آخرت برمراد . والله رؤف بالعباد .

[۸۷٤]

۱۹۲ این نسخه بخط تعلیق خوش در جدول زرین ولاجورد تاریخ شب۱۸ شعبان ۱۲۸٤ میباشد وجای عنوانها سفید وسرلوحی دارد بزرولاجوردبسیارزیبا.

(۳۲ص) ــ کاغذ فرنگی آبی ــ جلد تیماج سبز وەقوائی ۱۰

اندازه : ۱۰×۵ر۱٦ و۵ر٦×۵ر۱۱س۱۰

[۷۲٦] تحصیل السعادة (عربی)

این کتاب که درص۸۹ اینفهرست شناسانده شده از فارابی است و در آن از فضیلت وسعادت بررسی نموده مدینه فاضله را نشان داد ودر اینجا است که امام و شاه وفیلسوف و آئین گذار رایکی میداند (ص۴۲و٤٦چاپ هند) این کتاب درنسخهٔ ما «فضائل الانسانیه» نام دارد . ۱۵

[۸۷۵]

۲٤۰ این نسخه مانند چاپ هند وشماره ۱۰ دفتر وبنسخ میباشد گ ٦۱ الف ــ ۷۳ الف .

[۷۲۷] التحصین فی صفات العارفین (عربی) ۲۰

دانشمند فقیه عارف ابن فهد ابی العباس احمدبن محمدحلی (۷۵۷ ــ ۸٤۱) اینکتاب را درسه قطب نوشته ازروی خبرهای شیعی روشن نمود که گوشه گزینی و مردم گریزی رواست . این کتاب در کنار طهارة الاعراق مشکویهٔ رازی با ترتیب ــ السعادات همو (ص۳۹۲ـ٤۲۱) ودر کنار مکارم الاخلاق طبرسی باهمان دو کتاب هردو درایران بسال۱۳۱٤ بچاپ رسید . ۲۵

[٨٧٦]

این نسخه شماره دفتر و بخط تعلیق رجبعلی بن جواد علی نزدیك ١٠٦٢ میباشد

١٠٤٦ گ١٣٨ب ـ ١٤٢الف . چنین است: «الحمدلله الذی تجلی لعباده فشغلهم عن الشهوات ـ ولیکن هذاما نعلقه فی هذه الاوراق ... وان الله بکم لرؤف رحیم و

٥ صلی الله علی اکرم المرسلین ... وسلم تسلیماً کثیراً کثیرا .

[٧٢٨] تحفة الملوك فی السیر والسلوك (فارسی)

ازسید جعفر بن سید ابی اسحاق موسوی علوی دارابی بروجردی کشفی م١٢٦٧ (نگارندهٔ «سناه» که در ١٢٦١ آنرا نوشته است) دارای سه طبق هریك درچند تحفه ویك خاتمه (حقیقت خرد ـ پیوستگی آن باهستیها ـ نشانهٔ خرد ـ حکم خرد

١٠ درباره سیاست و تدبیر) که بنام فتحعلیشاه قاجار و بدرخواست پسرش شاه زاده محمد تقی میرزا شهنشاه نوشته و در ١٢٣٥ آنرا بپایان رسانده و در تهران بسال ١٢٧٣ بچاپ رسید (ذریعه ج٣ ص٤٧١ ـ فهرست طوس ج٢ ش٧ اخلاق چاپی) .

[٨٧٧]

این نسخه بخط نسخ باعنوانهای شنگرف وشکلها ودائره‌ها برنك زرد و سیاه

١٥ ٤٢٠ ولاجورد و زرین وجدولها برنك سیاه و شنگرف تاریخ ١٢٣٥ که در ١٢٤٨ وقف گردید (گ١الف) .

(٥٧٠گ) ـ کاغذ فرنگی ـ جلد تیماج مشکی

اندازه : ١٧×٢٤ و٥ر١٠×٥ر١٥ س١٨

[٧٢٩] تحفة الوزراء (فارسی)

٢٠ رساله‌ای بنام «تحفة الوزراء» یا «تحفة السلاطین» یا «تحفة الملوك در نصیحت و بند و بست» ازخواجه عبدالله هروی عارف م٤٨١ وهمچنین ازچندربهان برهمن پتیالی یا لاهوری هست (فهرست دیوان هندج٢ص١٣٦) درکشف الظنون (ج١ص٢٤٧) از «تحفة الوزراء» نگارش ابی القاسم احمدبن عبیدالله بلخی م٣١٩ و از کتابی بدین نام درچهل باب هریك دارای چهاربند یادنموده ومیگوید که بپارسی است وکوتاه. در

٢٥ ذریعه (ج٣ص٤٨٠) از «تحفة الوزراء والسلاطین» یا «چهل باب» یاد میشود که آغاز آن چنین میباشد: «چهار چیز نگاهدار پادشاهی است. رعایت دین، وزیر با تمکین،

اعمال حزم، ابقاء عزم» و آن درایران بسال ۱۲۸۲ بچاپ رسیده و نگارش جلال‌ـ
الدین‌محمد اصفهانی است. درص ۴۷۰ آن‌بازاز« تحفة‌الملوك والوزراء» دیگری یادشده
و نوشته استکه آن‌هم بپارسی‌وجزاین است . این‌نسخهٔ ما نیز درچهل باب باید باشد
وهریك دارای چهاربند است که از نوشته‌های دانشمندان پیشین گزیده شده، وچنین
است آغاز آن پس ازنام‌خدا وستایش او: «اما بعد بدانکه حکما از کتب قدما اختیار   ٥
کرده‌اند ... باب اول چهار چیز پادشاهی وسلطنت را از آفت نگاهدارد» مانا از
نسخه‌ایکه ذریعه نشان‌میدهد گسترده‌تر است. چاپ عکسی زیبائی از آن درچاپخانه
مجلس تهران ازروی خط عماد حسنی بسال ۱۱۴۲ درتاریخ ۱۳۱۴ خ شده که با
نسخهٔ ما درپایان یکی‌است وچهل‌باب میباشد.

[۸۷۸]   ۱۰

۲۸۳ این نسخه شماره ٤ دفتر است وبنسخ تاریخ ۱۲۸۸ وتنها ۳۹ باب را دارد و بدینجا پایان میپابد: « چهارم رحم وشفقت برخلق خدای‌تعالی. تمت پند والنصایح من‌الکاتب بتاریخ چهارشنبه ماه صفرالمظفر ۱۲۸۸» ۸۹۰۴ر الف ـ ۹۴ الف.

(۴۸۹ر) ـ کاغذ سپاهانی ـ جلد تیماج سرخ متوالی
اندازه: ۱۴×۲۱/۵ و ۷/۵×۱۵ س ۱۸   ۱۵

(۷۳۰) ترجمهٔ مکارم‌الاخلاق (فارسی)

رضی‌الدین ابونصرحسن‌بن فضل‌طبرسی (تفرشی) ازدانشمندان شیعی‌سده
ششم‌وفرزند امین‌الاسلام ابوعلی‌مفسر نگارندهٔ مجمع‌البیان (م ۵۴۸) این کتاب‌را در
درزمان پدر دراخلاق در ۱۲ باب بروش محدثان شیعی نوشته[۱] و نسخهٔ ما ترجمهٔ
پارسی آنست که ترجمان آن دانسته نشد (ش ۴۳۵ ج ۵ فهرست طوس ـ ذریعه ج ٤   ۲۰
ص ۱۳۸) سبك زبان‌تازی دراین‌ترجمه آشکار میباشد.

---

۱ ـ ابوعلی طبرسی کتابی‌دارد بنام «الاداب‌الدینیة للخزانة‌المعینیة» درخوی ورفتار پیامبر ودودمان او که برای سلطان معین‌الدین ابونصر احمدبن‌فضل بن محمد نوشته است. پسرش رضی‌الدین مکارم‌الاخلاق را دردنبالهٔ همان نگاشته وپسر او ابوالفضل‌علی «مشکوة الانوار فی غررالاخبار» را دردنبالهٔ این یکی ساخته است. مکارم‌الاخلاق دوبار با کم وکاست در مصر و یکبار همهٔ آن درایران بسال ۱۳۱۴ بچاپ‌رسید (طوس ج ۲ ص ۳۴٤ وج ۵ ص ۳۲۰ و ۷۲٤)

آغاز: بسمله حمد وثنای بیحد قیومی را که عقول ذریات آدم ازادراك کنه ذات او قاصر است وشکر وسپاس بیعد آنقدیمی را که آثار قدرت او در تکوین مکونات ظاهر است.

انجام: دیگر مثل این سخنان مگوی بدرستی که دمیدهٔ شیطانست برزبان تو. ٥ والله اعلم بالصواب.. وقد وفینا بماشرطنا... وماتوفیقی الا بالله علیه توکلت والیه انیب وصلی الله علی محمد... وسلم تسلیماً کثیراً کثیرا.

[٨٧٩]

٨٩٤ این نسخه شماره ٣ دفتر است بهمانگونه خط کارزاری درشمارههای ١و٢ آن در دوشنبه ١٧ ذیحجهٔ ١٠٧٣ گ ٢٢٧ب-٣٧٦ الف.

١٠ [٧٣١] **التنبیه علی سبیل السعادة** (عربی)

این کتاب که در ص ٩٠ اینفهرست شناسانده شده از فارابی است که در آن از سعادت و شقاوت و کردار نیك وبد و هنر فلسفی گفتگو نمود نام آن درنسخه ما «التنبیه علی اسباب السعادة» میباشد.

[٨٨٠]

٢٤٠ این نسخه مانند چاپ هندو شماره ١١ دفتر وبخط نسخ نوشته شده است گ ٧٣ب ٨٠ب

[٧٣٢] **جواهر الاسرار** (فارسی)

دانشمند مولی حسین بن علی واعظ کاشفی بیهقی (م ٩١٠) این کتاب را که خود جواهر-الاسرار و اخلاق محسنی نامیده و در چهل باب است برای شاه سلطانحسین میرزا پسر میرزا ٢٠ منصور پسر میرزا بایقرای خراسانی پادشاه هرات (٨٧٣-٩١١) و پسر او محسن میرزا نگاشته و تاریخ انجام آن برابر با «اخلاق محسنی» وسال ٩٠٠ میباشد. دراین کتاب مسئله های اخلاق وسیاست و تدبیر منزل بهم آمیخته و گواههای دینی وتاریخی در آن آمده است.

این کتاب چندین بار بچاپ رسید (ذریعه ج ١ ص ٣٧٨ - فهرست ریو ج ٢ ص ٤٤٣)

٢٥ از آنهااست چاپهای سال ١٢٨٢ و ١٢٩٨ و ١٣١٣ (هند) و ١٣٢٩-٣١ تهران

[۸۸۱]

۴۱۹ این نسخه بخط تعلیق زیبا درجدول زرین وشنگرف ولاجورد دارای سرلوح
ازعلیقلی پسر احمدتبریزی بسال۱۰۰۸ (درنسخه۱۰۸) میباشد.
(۱۱۱ف۳) - کاغذفرنگی - جلد تازه شده
اندازه: ۱۸/۵×۲۸/۵ و۱۱×۱۹ س۱۹ ۵

[۸۸۲]

۸۶۲ این نسخه شماره ۳ دفتر است که یکم آن رساله ایست درنامه نگاری ودوم
مونس الاحباب یا دیوان شهاب‌الدین عبدالله م۹۲۲ و بخط تعلیق در جدول
زرین ولاجوردی باعنوانهای شنگرف میباشد. این نسخه تا قسم۲ باب۴۰ (شرط ۱۹
وزارت)رادارد وبرابراست باس۵ ص۳۲۴ چاپ تهران ونزدیك بشش صفحه در آن کم ۱۰
است. ازبرگ پایان آن اندکی پاره شده وکاغذ چسبانده‌اند- گ۳۱ب-۲۲۲ب
(همهٔ دفتر۲۲۲ف۳)-کاغذفرنگی-جلدتیماج قهوه‌ای ضربی زرکوب
اندازه: ۹/۵×۱۵ و۵/۵×۹/۵ س۱۴

[۷۳۳] **الحق المبین و حدیقة المتقین** (عربی)

۱۵ این نگارش درست مانند احیاء غزالی والمحجة البیضاء فیض وآمیخته‌ایست
ازعرفان واخلاق وفلسفه وخبرهای شیعی وسیدخلف بن عبداللطیف بن حبیب موسوی
مشعشعی آنرا بپرداخت.

[۸۸۳]

۵۷۴ این نسخه جلدآخرین وسوم وازکتاب ششم آغاز وبخط نسخ میباشد وروی
عنوانها خط کشیده شده وچنین است: «الکتاب السادس فی ذکر بیان صمتین ۲۰
ینبغی للسالك المحافظة علیها و هی التقوی والورع - وتبتنا مع اهل الخیر فی کتابك
وقطره من تیارعبابك وجدا مع متولهیك وطلابك. انتهی کلامه ادام الله بالسعادة والخیر
ایامه و رفع الله فی علیین درجته و مقامه ... بلغ مقابلة بنسخته الاصلیة ... من الارجاس
قدطهرا»
۲۵ درگ۱ الف (پشت کتاب) ظهیرالدین علی تفرشی در۱۰۷۲ چنین نوشته:
وجدناوالحمدلله تعالی بمعونة من لطیف التدبیرمکتوباعلی ظهرالصفحة الاولی من ذلك
الکتاب المستطاب التی اطبق علیها بهذا الورق الذی کتبنا علیه ذینك السطرین ماهذه صورته:
هذا الکتاب تصنیف السیدالسندخلاصة السادات والعلماء المتبحرین ونقاوة الفضلاء
المحققین السیدخلف ولدالسیدالکبیرالعریف السیدعبداللطیف بن حبیب الموسوی المشعشعی ۳۰
ایده الله تعالی ورزقه سعادة الدارین وقد ارسله الی علی سبیل الهبة الشرعیة و کتب الفقیر

الی الله الغنی الحسین بن حبیب الحسینی الکرکی العاملی عامله الله بلطفه الخفی.

ایضاً : هذا هو المجلد الثالث من کتاب حق المبین و حدیقة المتقین وهو آخر الکتاب من تصانیف سیدنا المشار الیه بعثه الی الفقیر علی سبیل الهبة والتملیك وانا الفقیر الی الله الغنی الحسین بن حبیب الحسینی الکرکی

و کتب ذلك العبد المفتقر الی رحمة ربه الغنی ابن.... (رویش کاغذچسبیده) التفرشی رحمه الله ظهیر الدین علی فی شهور سنة ۱۰۷۲

زیرا اینها بخط دیگری دارد : « و کتب المفتقر محمد بن حاجی صفر » پس چنین برمیآید که نسخه‌را نگارندهٔ آن سیدخلف بحسین بن حبیب کرکی بخشیده. و برای او فرستاده بود و کرکی بخط خود نام کتاب و نام اورا در آنجا نوشته سپس کاغذی روی آن خط چسبانیده شده وظهیر الدین علی تفرشی نوشتهٔ کرکی‌را دوباره در آنجا نوشت.

در گ۱ الف خط ومهر ابوجعفر محمد بن علی بسال۱۰۹۳ وخط ومهردارندهٔ نسخهٔ ابواسمعیل محمد بن علی تفرشی بسال۱۰۷۲ دیده میشود. مهر ابوجعفر در پایان هم هست ودرست خوانده نمیشود.

(۳۸۴گ) — کاغذ فرنگی — جلد تیماج مشکی ساده مقوائی
اندازه: ۴۰×۳۰ و۱۳×۲۴ س۲۳

[۷۳٤]

حقایق

(عربی)

فیض کاشانی (۱۰۰۷–۱۰۹۱) یکسال پیش از مرگ خویش در ۱۰۹۰ از محجة البیضاء خود گزین نموده و این کتـاب حقایق را بنگارش در آورد که در۱۲۹۹ بچاپ رسید در دیباچه آن میگوید: در اینجا رازهای نهفته دین‌را چنانکه از قرآن و گفتار پیامبر و پیشوایان دریافتم نوشتم واز نگارشهای دانشمندان دینی بویژه احیاء غزالی برای روشن کردن آن رازها آوردم.

[۸۸٤]

۳۹۲ این نسخه بنسخ باعنوانها و نشانه‌های شنگرف بتاریخ ۲۲ رجب ۱۰۹۱ میباشد و نورالدین محمد بن مرتضی درع ۲ سال۱۰۹۳ آنرا با نسخهٔ خط مصنف برابر نمود. فهرست در آغاز نسخه دیده میشود و سید محمد بن عبدالغفار رضوی درع۱ سال ۱۱۶۰ ومحمدرضا کاشانی ازدارندگان نسخه بوده‌اند ومهر آنها هست.

(۱۶۹گ) — کاغذ فرنگی — جلد تازه شده
اندازه: ۲۱×۱۳ و ۱۴×۷ س۲۰

[٧٣٥] دفع الغم من الموت (عربی)

رازی پزشك درطب روحانی (فصل۲) ازترس ازمرگ گفتگو نمود ومشکویهٔ رازی درطهارة الاعراق (ص۷۰-٤٦٦ چاپ ایران) نیز از آن سخن راند. درخطابه منطق شفا (فصل۲ مقاله۳) ازترس بررسی گردید وریشهٔ سخنان آنها گفتار ارسطو است درباره دلیری وترس درفصل٥ دفتر۲ خطابه وباب۷و۸ دفتر۳ اخلاق نیقوما- ٥
خوس وباب۱۹ دفتر۱ اخلاق بزرك وباب۱ دفتر۳ اخلاق اودموس.

این رسالهٔ ماکه مهرن آنرا بچاپ رسانده (جزء۳ رساله ج) بگفتهٔ قنواتی و گواهی نسخه‌ها ازشیخ الرئیس میباشد مگراینکه یسوعی آنرا در «مقالات لبعض مشاهیر فلاسفة العرب» دربیروت بسال۱۹۱۱ چاپ کرده وازمشکویه دانست وهمهٔ آنهم بجز چهارسطر پایان «والرجل الذی یتصدق عن اخیه المیت...شبیه‌شیئی واحد» ١٠
درهمان طهارة الاعراق آمده‌است. قنواتی باز از «دفع الغم والهم» یادمیکند وازشیخ رئیس میداند که جز این رسالهٔ ما میباشد (ش۲۲۳ و ۲۲٤) درفهرست طوس (ج٤ ش۵۹۰) از «رسالة فی ان لامخافة فی الموت» درص نامبرده شده وآغاز وانجام ونگارندهٔ آن یاد نگردید.

آغاز: بسمله الحمدلله رب العالمین .... لما کان اعظم مایلحق الانسان من - ١٥
الخوف هوالخوف من الموت

انجام: فلایفضل المتصدق ذلك الفصل الابمشاکلة تلك النفس وعلی هذا ایضا شبه بشئی واحد (والحمدلله رب العالمین)

[٨٨٥]

٨٦٣ این نسخه شماره۱۰ دفتر وبخط شکسته تعلیق با نشانه‌های شنگرف میباشد. گ ۱ب-۸ب.

[٨٨٦]

٨٧٦ این نسخه شماره ۸ دفتراست و بخط شکسته تعلیق تاریخ شب یکشنبه ع ۱ سال۱۳۰٦ گ ۷۰ب-۷٥الف.

[٨٨٧] ٢٥

١٣٠٨ این نسخه‌شماره۱۷ دفتر وبخط نسخ‌میباشد. گ۱٤۲ب-۱٤۳ب. درپایان‌دارد: «تمت الرسالة والحمدلله وحده بلغ مقابلة بعون‌الله وحسن توفیقه»

[٧٣٦]

دیوان مظالم

(فارسی)

ازدانشمند جلال‌الدین محمد دوانی (۸۳۰ـ۹۰۸) که درلار گاهیکه از مرز و بوم خویش دور شده بود برای نظام الدین ملك علاءالملك فرمانروای آن سامان نگاشته‌است (نیز مجالس‌المؤمنین) دراین نامه برای روشن کردن گفتار خویش

٥ نمونه‌هائی ازکردارخلفا آورده‌است.

آغاز: بسم‌الله‌وبه‌نستعین.وله‌الحمد علی‌افضاله‌العمیم... وبعداین بعض‌مسائل‌است متعلق بدیوان‌مظالم که از کتب معتبره مثل احکام سلطان که اقضی‌القضاةابوالحسن ماوردی که امام عصربود تصنیف کرده ... ودیگر کتب‌وقواعد استنباط‌می رود.

١٠ **انجام:** وبعض ائمهٔ کشف وتحقیق گفته‌اند که مهدی موعود مدار احکام بر آن خواهدنهاد. اللهم وفقه وسائر ولاةالاسلام لاجراءالاحکام ونظم مصالح‌الانام. تمت.

[٨٨٨]

١٠٢١ این نسخه شماره ٦ دفتر است وبخط تعلیق علی‌بن مسافر در تبریز بسال ٩٣٩ گ۱۳۸الف-۱٤۳ب.

[٧٣٧]

الذخیرة لاهل البصیرة

(عربی)

١٥ ازگفتارزبیدی دراتحاف (ج۱ص٤۱) وچلبی در کشف‌الظنون برمیآیدکه احیاء غزالی‌را برادرش ابوالفتوح احمد (م۵۲۰ درقزوین) بنام لباب‌الاحیاءگزین وکوتاه نمود وچلبی بازاز«الذخیرة فی علم البصیرة» گزیده همان ونگارش همو یادمیکند. پس‌ازاو ابی‌العباس‌احمدبن‌موسی‌موصلی(م٦۲۲) آنراگزین کرده وگزیدهٔ کوچکتر دیگری‌هم دارد سپس محمد بن سعید یمنی و ابی ذکریا یحیی‌بن ابی‌الخیر یمنی و

٢٠ محمدبن عمربن عثمان بلخی بنام «عین‌العلم» وعبدالوهاب‌بن علی خطیب‌مراغی بنام «لباب‌الاحیاء» ودربیت‌المقدس گزیده وکوتاهی ازآن‌ساختند که این‌یکی‌را زبیدی داشته بود. شمس محمدبن علی‌بن جعفر عجلونی بلالی(م۸۲۰) پیرخانگاه سعید-السعداء مصر وجلال‌سیوطی ودیگران‌هم احیاءرا گزیده وکوتاه ساختند (بغزالی نامه نیز بنگرید ص ۲۲۳)

[٨٨٩]

۳۹٦ این نسخه که «الذخیرة لاهل البصیرة» نامیده شده بخط نسخ باعنوانهای شنگرف حسین بن علی بن احمد عابد ینبوعی است که نیمه روز آدینه ششم ماه جمادی یکم سال ۸۷۲ آنرا بپایان رساند. ازآغاز کمی افتاده دارد وچنین است: « ان ووجدت من علماء الوقت من یتصدی لتصنیف کتاب یحذو فیه حذوه ویتلو فی استنباط غرائب المعانی تلوه » ازدیباچه واندکی ازآن افتاده است.

در کنارگ ۳ب ازتفسیر قشیری دیده میشود. نسخه بدلها و تصحیحات درهامش آمده است. پایان آن چنین است: « ویستعملنا فیما یقربنا الیه ویزلفنا لدیه. وهو حسبنا ونعم الوکیل وصلی الله علی سیدنا محمد وآله وسلم. وجدت ما هذا مثاله: تم المختصر ـ المرسوم بالذخیرة لاهل البصیرة فی شهر شعبان المبارك سنة تسع وتسعین وخمسمائة ـ وکان الفراغ من رقمه ظهر الجمعة سادس شهر جمادی الاولی احدی شهور سنة اثنین وسبعین وثمانمائه بخط... حسین بن علی بن احمد العابد الینبوعی... والحمدلله رب العالمین وسلم تسلیما». ازاینجا پیداستکه کتاب درماه شعبان سال ۵۹۹ بنگارش درآمد پس باید از همان ابی العباس احمد موصلی (م ٦۲۲) باشد. دردیباچه دارد که « کتابها بپرداختم واکنون سالم ازچهل گذشت. دراین نگارش علمهائی که امام ابوحامد در دفترهای خویش بپراکند گردآوردم ودر ٤ اصل گذاردم: ۱ خودشناسی ۲ خداشناسی ۳ گیتی شناسی ٤ رستاخیز» در پایان دیباچه کتاب را بنام بزرگی که نامش را نمی برد اختصاص میدهد ـ هرچهار اصل در نسخهٔ ماهست. برخی جاها حاشیه دارد یکی از ابوالحسن بن محمد رضوی در گ ۵ ب. در کنارگ ۳۷ الف باز ازتاریخ شعبان ۸۷۲ یاد میشود.

(۳۷ برگ) - کاغذ سمرقندی ـ جلد مقوای رنگ آمیزی شده فرسوده
اندازه: ۱۷/۵×۲۵/۵ و ۱۲×۲۱ س ۳۹

[۷۳۸] **الذریعة الی مکارم الشریعة** (عربی)

از دانشمند ادیب ابوالقاسم حسین بن محمد بن مفضل بن محمد سپاهانی که (م ۵۰۲) که براغب نامبردار است. فخررازی درتاسیس التقدیس اورا همانند غزالی و ازپیشوایان سنت بشمار آورده وشیخ حسن بن علی طبرسی دراسرار الامامه اورا از فرزانگان شیعی امامی پنداشت. اورا بجز مفردات تفسیر بزرگی است که بپایانش نرساند وبیضاوی درانوار التنزیل خویش ازآن بهره برد. گویند که غزالی ذریعهٔ او را بسی ارج مینهاده وهمیشه باخود میداشت (روضات ص ۲٤۸ ـ الکنی والالقاب

ج۲ ص۲٤٠ ـ اعلام زرکلی ج۱ ص۲۵۸) او در ذریعه بروش‌علمی آمیختهٔ با دین ازاخلاق و سیاست گفتگو نمود و پیداستکه غزالی دراحیاء ازاو گرفته‌است. این کتاب بارهٔدوم بسال ۱۳۰۸ درمصر بچاپ رسید.

[۸۹۰]

۳۹۵ این نسخه بخط نسخ با عنوانهای شنگرف از طهماسبقلی نیمه ع۲ سال ۱۰۵۰ میباشد که برای‌خود نوشته‌است و جلال‌الدین بن مؤیدالدوله در ۲٤رجب بسال ۱۲۸۷ دارندهٔ آن بود وخطاو در گ۱الف‌ومهرش درپایان دیده‌میشود نیز خط او در رویه برگ پیش‌از کتاب بتاریخ بامداد سه‌شنبه ۱ ع۲ سال ۱۲۸۸ هست.

(۱۴۱گ) - کاغذ سمرقندی - جلد تیماج قهوه‌ای کنار وته آن تیماج زرد و کهنه
اندازه: ۵ ,۱۳×۲۴ و ۵ ,۸×۱۵ س۱۹

[۷۳۹] الرسالة‌النصیریه (عربی)

خواجه طوسی دراینگفتار روشن میسازد که فیلسوف چندان بخوشی های تن نمی‌پردازد واینکه چه‌اندازه ازآنها درزندگی میباید.

آغاز: بسمله. ان کان‌الرجل‌الحکیم غیرحریص علی‌الذات‌البدنیة . وانمایلتمس منها بالمقدار الذی یضطرالیه فبالحری ان‌یبعد عن الاهتمام للریاسة اوللمال

انجام: ویکون لها لذات ضعیفة بحسب ادراکها لذاتها ولما لابد منه لها والله تعالی اعلم.

[۸۹۱]

۱۰٤٦ این نسخه شماره۱۳ دفتر وبخط تعلیق بانشانه‌های‌شنگرف وبرخی ازکلمات‌زیر خط‌سرخ میباشد. درپایان دارد: «تمت‌الرسالة‌النصیریة حشره‌الله‌تعالی مع خیر-البریة» گ ٦۱الف-٦۲الف

[۷٤٠] ساز و پیرایهٔ شاهان پرمایه (فارسی)

این گفتار درسیاست و کشورداری است واز باباافضل کاشانی که مبصرالسلطنه حسین‌بن محمود سپاهانی درکاشان بسال ۱۳۱۱ آنرا باسیب نامه وشرح حی‌بن یقظان جسته ودوتای نخستین را درچاپخانه خورشید تهران بچاپ‌رساند ودر۱۳۸ نشریه دانشگاه نیز چاپ‌شد ونسخه‌ای ازآن بهمین‌نام بشماره ۶۲۳/۲ وبنام‌پادشاه نامه بشماره۱٤ر۶۲۱ درمجلس هست ونسخه‌های‌ما یکسان نیستند.

[٨٩٢]

٤٠٢ این نسخه شماره ۱۰ دفتر است و بخط تعلیق تاریخ ۱۰۷۹ گ۹۷ب-۱۰۵ب و در کنار گ۹۷ب فرهادمیرزا بخط خود در تاریخ ۲۲ رجب ۱۲۸۱ چنین نوشت: افضل چو زدیده‌ها نهان خواهد شد- در دیده اهل دل عیان خواهد شد - گویند که کدخدای این خانه چه شد - چون کدبرود چه ماند آن خواهد شد . ٥

[٨٩٣]

٤٣١ این نسخه شماره ۱۹ دفتر است و بخط تعلیق محمدعلی بسال ۱۳۰۲ گ ۲٦٤ ب - ۲۸٦ب. واژه‌های تازی در این نسخه کمتر است .

[٨٩٤]

۱۰۳٦ این نسخه شماره ۱۰ دفتر است و بخط تعلیق ملامحمد علی رودباری سال ۱۱۰٤ گ۸۹ الف - ۹۷ب . ۱۰

[۷۰۱] السراج المنیر (فارسی)

این نگارش از محمد شریف بن شمس‌الدین محمد است که در ۱۲۰۲ (ج۲ ص ۳۵۱ فهرست طوس) یا ۱۰۳۲ (ج۲ ص۳۳۸ فهرست مجلس) آنرا بپایان رساند و در بمبئی بسال ۱۲٦٥ بچاپ سنگی رسید(۱) ۱٥

آغاز: ستایش کریمی راکه حلهٔ خلتش زیوریست زیبنده و رشحهٔ محبتش گوهریست ارزنده .

انجام: پس سلیمان گفت پسر از آن تست . متصرف شو که این زن دیگر کاذب است بیت :

شکر که این نامه بپایان رسید - بیشتر از عمر بپایان رسید (فیسنهٔ ۱۲۳۳) . ۲۰

---

۱ - ایندفتر در ۲۰ لمعه است : ۱- شرایط ادب ۲-حیا ۳-فوائد حلم ٤- مناقب عدل ٥- محامد احسان ٦-حلاوت صبر ۷- عذوبت عشق ۸- چاشنی محبت ۹- مکارم سخاوت ۱۰-محاسن شجاعت ۱۱-مراعات صحبت ۱۲-مرارت ادبار ۱۳- نتایج خاموشی ۱٤- قناعت ۱٥- ذل طمع ۱٦- ثمره فتوت ۱۷- حسن تدبیر ۱۸- شآمت ظلم ۱۹ - مذمت خدعه ۲۰ - ملامت حسد - چنانکه خود میگوید (گ ٦ ب) در پایان هریک داستانی درخور آن آورده است . ۲٥

[۸۹۵]

۱۲۶ این نسخه بخط تعلیق خوش‌تاریخ ۱۲۳۳ وآیتها بنسخ و درجدول زرین و لاجورد باعنوانهای شنگرف وسرلوح زیبا درآغاز .

(۱۱۰گ) ـ کاغذ سمرقندی ـ جلد تیماج متوالی ضربی زرکوب

۵ اندازه : ۹٫۵×۱۸ و۵٫۵×۱۲٫۵س۹

[۷٤۲] **السیاسات المدنیه** (عربی)

این کتاب که درص۹۷ اینفهرست یادشده از فارابی است ودرآن پس از آوردن بخشی ازجهانشناسی وبحث درباره جسم وعقل و نفس رشتهٔ سخن‌را بانسان‌وسعادت او ومدینه‌های فاضل وجاهل وفاسق وضال ونوابت میکشاند وبپیروی از ارسطو و ۱۰ افلاطون دولتهای گوناگون راشرح میدهد .

[۸۹٦]

۲٤۰ این نسخه شماره۹ دفتر وبنسخ میباشد گ٤۲الف ـ ٦۱ب. وچنین‌نامیده شده «مبادی‌الاجسام والاعراض» .

[۸۹۷]

۱۵ ۲۵۳ این نسخه شماره۲ دفتر وبخط تعلیق ریزحیدربن علی‌هاشمی عاملی بسالهای ٦ ـ۱۹۷۵میباشد. گ۱٤۷ب ـ ٤٤الف. درآغاز دارد: «قال‌الحکیم‌الفیلسوف‌ابو نصرمحمدبن محمدالفارابی» ودرپایان آن : «تمت‌الرسالة‌السیاسة‌المدینة الملقب بمبادی‌الموجودات تصنیف‌المعلم‌الثانی ابونصرمحمدبن محمدالفارابی» ـ این دو نسخه مانند چاپ هنداست .

۲۰ [۷٤۳] **شرایط‌الایمان (منتخب راه صواب)** (فارسی)

فیض کاشانی دراین گفتار آئین درست واستواررا شناساند و آنـرا بسال ۱۰٦۲ بپایان رساند.

آغاز: بسمله. منت خدایرا جل‌شأنه که مستعدان کمال ایمان‌را ازظلمات جهالت بیرون آورده... چنین‌گوید محمدبن مرتضی‌المدعو بمحسن ... این منتخبی‌است‌از ۲۵ کتابی که قبل از این نوشته بودیم مسمی براه صواب مشتمل بردوازده سؤال و جواب ازآن دوازده برپنج اقتصار شد وبشرایط‌الایمان موسوم گردید .

انجام : واکتساب اخلاق پسندیده ودر تضاعیف آن . والله المستعان وعلیه التکلان. والحمدلله رب العالمین والصلوة علی محمد واله الطاهرین کتب شرائط الایمان وصارهذاالکلام تاریخه بحذف المکرر والحمدلله اولاو آخرا .

[۸۹۸]

۳۱۴ این نسخه ٤دفتر وبخط تعلیق میباشد گ٥٧ب - ٧٠ب. ٥

[٧٤٤] شرح صدر (فارسی)

این گفتار درسرگذشت فیض کاشانی وداستان دانش ودانشمندان است در دومقاله و ریختهٔ خامهٔ خوداوست که درتاریخ ١٠٦٥ آنرا بانجام رساند و آن در ش٨سال١مجلهٔ جلوه ص٣٩٣-٤٠٩ دربهمن١٣٢٤خ ازروی نسخهٔ مابچاپ رسید.

١٠ [۸۹۹]

۳۱۴ این نسخه شماره٣دفترو بخط تعلیق میباشد گ ٣٧ب-٥٦ الف .

[٧٤٥] طریق تربیةالاولاد (عربی)

این نامه ازدانشمند دوانی (٨٣٠-٩٠٨) است که بدستور میرمیران در ٢١ محرم سال٩٠٤ آنرا بپرداخت ونشان داد که فرزند راچگونه بایدپرورد وچه کتابی آنها بخوانند و کدام دانش را فراگیرند اودر اینجا از کتابهای سنیان نام میبرد. در ١٥ آغاز از«لوامع الاشراق فی مکارم الاخلاق» یادمیکند ومیگوید که درآن ازپروردن فرزند بسزاگفتگو کردم . درپایان بفرزندان همو (ابوعلی حسین وابی عبدالله محمد وابی المعالی عطاءالله) اجازه روایت کتابها میدهد .

آغاز: بسمله وبه نستعین . الحمد لولی الحمد . والصلوة والسلام علی من له السبق فی مضمار الکمال .. فقداشار الی حضرةالسید.. الملقب بمیرمیران... قال محمد... ٢٠ انی اکتب فی هذه الوریقات طریق تربیةالاولاد واستدراجهم فی مدارج التعلیم والارشاد.

انجام : قال ذلك و کتبه ... ابوعبدالله محمدبن اسعدبن محمدالدوانی فی- الحادی والعشرین من الشهر الاول من السنةالرابعة من المائةالعاشرة من مائی سنی الهجریة

النبوية ... و آخر دعوانا ان الحمدلله رب العالمين .

[۹۰۰]

۱۰۱۵ این نسخه شماره ۲۳ دفتر و بخط تعلیق میباشد. گ ٥٤ الف ـ ٥٦ الف .

[۷٤٦] ظفرنامه (فارسی)

۵ گویند که ظفرنامه بزبان پهلوی بوده و در روزگار نوح پسر منصور سامانی (۳٦٦ ـ ۳۸۷) بپارسی کرده‌اند . در نسخه‌ها ابن‌سینارا ترجمان این پارسی پنداشتند و آن در پاورقی‌های تقویم سال ۱۳۰۷ میرزا محمد علیخان تربیت (ص ٤ ـ ۲۷) و گزیده‌های پارسی Chrestomathie persane شارل شفر Charles Scheffer ج ۱ سال ۱۸۸۳ ص ۲ ـ ۷ بچاپ رسید او در دیباچه میگوید که ظفرنامـه را دو ترجمه ترکی ۱۰ است یکی ازسده ۱۵ و ۱٦ کـه در کتابخانه ملی پاریس هست دیگری از سنان بیك دفتردار که برای بایزید پسر سلطان سلیمان ساخته است .

قنواتی درش ۲۸٦ نسخه‌های آنرا شناساند . در کشف الظنون (ج ۲ ص ۱۰٤) آمده که آن پرسش و پاسخ انوشیروان است و بزرگمهر، که شاه آنرا گرد آورد و ابن‌سینا وزیر نوح سامانی بدستور او آنرا از پهلوی بپارسی بر گرداند .

۱۵ اینگونه پندها جسته‌جسته در کتابهای پارسی و تـازی بسیار دیده میشود . گویا ایرانیان شعوبی برای اینکه در برابر تازیان نمایشی از فرهنگ نژادی خویش دهند و خوی و رفتار نکوهیده فرمانروایان روزگار خویش را هم بنمایانند این پندها را بتازی در آوردند و سپس بپارسی شده است (۱)

چنانکه در دیباچهٔ نسخهٔ ما آمده ظفرنامه پرسشهائی است از بزرگمهر و پاسخ ۲۰ های استادش و انوشیروان از بزرگمهر خواسته بود که سخنانی کوتاه و پرمغز و سودمند برای او فراهم آورد او پس از یکسال آنها را گرد کرده «ظفرنامه» نامید و بنوشیروان داد. او هم بفرمود که بآب زر آنها را بنویسند و همیشه باخود میداشت و میخواند.

۱ـ بنگرید به: دیباچهٔ بدوی بر جاویدان خرد ـ قابوسنامه چاپ آقای نفیسی ص ۲۳۵

آغاز: ظفرنامهٔ خواجه ابوذرجمهر بسمله وحمد. اما بعدروایت میکند که درعهد انوشیروان هیچ چیز ازحکمت عزیزتر نبود وحکمای آن‌عصر همه متقی و پرهیزکار بودند یك‌روز انوشیروان ابوذرجمهرحکیم راطلب فرمود.

انجام: گفت ظالم بر مظلومان. تمت کلمات حکمت امیر بعون الله الملك العزیز. م ٥

[٩٠١]

۲۸۳ این نسخه شماره۳ و بخط نسخ ۱۲۸٦ میباشد. گ۸٦الف ــ ۸۸ب.

[٧٤٧] **عدالت (رساله در...)** (فارسی)

فرزانه دانشمندجلال‌الدین‌دوانی (۸۳۰ـ۹۰۸) این‌نامه‌را درداد گری‌بروش علم اخلاق وعرفان دریك مقدمه وشش مقاله ویك خاتمه نگاشته است. شوشتری ١٠ درمجالس‌المؤمنین‌میگوید که‌دوانی انموذج‌العلوم رابنام‌سلطان‌محمود (یکم‌بایقرا) پادشاه گجرات (۸٦۳ـ۹۱۷) نوشته وبامیرشمس‌الدین محمدبن سید جعفربن سید امیرشمس‌الدین محمدبن سیدالمحققین شاگرد خود برای اوفرستاد. شاه در برابر هزار درهم برای دوانی فرستاده بود که بدریا ریخت وچیزی شایسته ازآن‌بدوانی نرسید. این بود که اودوباره «رساله درتحقیق عدالت»رابنام همو نگاشته وبرایش ١٥ فرستاد. دوانی‌دردیباچه آن بچگونگی آن درهمها اشارتی لطیف نمود. پادشاه نیزاین باره هزار درهم دیگر باارمغانهائی برای دوانی فرستاده بود. شوشتری باز میگوید که دوانی «رسالهٔ درعدالت» را بنـام یکی ازفروانروایان عراق نگاشته و همراه همان میرشمس‌الدین محمد بنزد اوفرستاد.

دردیباچهٔ نسخهٔ ما (گ۳٤ب) دارد که کتاب بنام سلطان ابوالمظفر ...بهادر ٢٠ خان میباشد. کتاب درپایان سالنامه پارس بسال ۱۳۲٤ خ بچاپ رسید.

آغاز: بسمله. سپاس بیقیاس مالك‌الملکی راکه پادشاه نفس ناطقه درسواد خط سویدای قلب صنوبری برعرش روح حیوانی استوا داده.

انجام: اگر بگوش‌هوش استماع‌رود. بیت: دهقان‌سالخورده چه‌خوش گفت

باپسر ... اللهم اهدنا الصراط المستقيم ... غیر ضالین ولا مضلین آمین بحق النبی وائمة ـ المعصومین . تمت الرسالة بحمدالله والمنة .

[۹۰۲]

۱۰۲۱ ه این نسخه شماره ۱ دفتر وبخط تعلیق با عنوانهـای شنگرف علی بن مسافر در تبریز نزدیك بسال ۹۳۹ میباشد . گ ۳۳ب-۳۷ب.

[۷٤۸] **کنوز الودیعه من رموز الذریعه** (فارسی)

فرزند شمس الدین حسن ظافر ذریعهٔ راغب سپاهانی را در روزگار ابوالفوارس شاه شجاع مظفری (۷٦۰-۷۸٦) بپارسی شیوا ودشواری گردانده ودر پایان آن سه نمط افزود .

۱۰ ۱ـ حکم تازیان (پندهای پیامبر وعلی وقس بن ساعده) .

۲ـ اندرز های فرزانگان یونانی مانند پند افلاطون بارسطو (ص ۲۱۷-۲۱۹ جاویدان خرد و پایان اخلاق ناصری) وسفارش ارسطو باسکندر (ص ۲۱۹ - ۲۲۵ جاویدان خرد) وترانهٔ زرین فوثاغورس .

۳ـ پندهای آذرباد فرزانه بهپسرخویش (برابر باص ۲٦-۲۸ جاویدان خرد) و

۱۵ سخن دیگر او (ص ٦۷ جاویدان خرد) واندرز او و گفتار ابن مقفع در «ادب کبیر» بجز دیباچهٔ آن ـ او در دیباچه از پادشاهان ایران وهفت آتشکده پارسیان یاد نمود ودر انجام از پدرخویش نامبرده واورا علامه عصرخواند .

آغاز: احسن کلامی که بذریعهٔ انوار معانی آن قلوب ارباب تحقیق منور شود ، واپن نظامی کـه بوسیلت فوائح فحاوی آن مشام عقول اصحاب توفیق معطر

۲۰ گردد .

انجام : درجوار بارگاه عرش مجید که مطاف نفوس مطهر انبیا و اولیـا ومقصد اقصی ارواح منور صدیقان وشهدا است سلوت وطمأنینت یابد انشاءالله العزیز . ربنا آتنا من لدنك رحمة وهیئی لنامن امرنا رشدا وصل اللهم علی من انزلت علیه ولا یشرك بعبادة ربه احدا وعلی آله الطیبین ... المنتجبین . تم الکتاب .

[۹۰۳]

۳۹٤ این نسخه بخط شکسته تعلیق باعنوانهای شنگرف میباشد ـ نسخه‌ای ازاین درموزه بریتانیا هست (فهرست ریوج٤ش ١٤٦ص٧ـ١٠٥).
(۳۲۵۴م)ـ کاغذ ترمه سپاهانی ـ جلد تیماج زرد تازه.
اندازه: ۱۶×۲۵ و ۹٫۵×۱۸ س۲۱

[۷٤۹] کیمیای سعادت (فارسی) ٥

دانشمند غزالی طوسی «احیاء علوم‌الدین» خویش‌را دراین نگارش پـارسی گزین نمود ومیان ٤۹۰و۵۰۰ وپیش ازمستصفی ومنقذ آنرا بپایان رساند ودرچهار عنوان آن خود وخدا وگیتی ورستاخیزرا شناساند ودرچهار رکن آن ازعبادات و معاملات ومهلکات ومنجیات سخن‌راند. غزالی‌راگزیده‌ایست ازهمین پارسی بهمین نام بزبان‌تازی که بچاپ‌رسید. این‌پارسی درلکناو بسال١٢٨٢(١٨٦٥م) ودربمبئی ١٠ بسال١٨٨٢م ودرایران بسال١٣١٩خ بچاپ رسید(١).

[۹۰٤]

۳۹۳ این نسخه بنسخ بـا عنوانهای شنگرف و لاجورد و دارای سرلوح زرین و لاجوردی میباشد وبدینجا : «پیدا کردن کفران هرنعمتی که باشد ویرا از ١٥ راه حکمت بگرداند» ازاصل۲رکن٤ پایان میبابد.
(۳۴۵ف)ـ۲کاغذ سمرقندی ـ جلد تیماج مشکی مقوائی
اندازه: ۱۷٫۵×۲۴٫۵ و ۱۱٫۵×۱۸٫۵ س۱۹

[۷۵۰] لوامع‌الاشراق فی‌مکارم‌الاخلاق (فارسی)

فیلسوف دانشمند دوانی (۸۳۰ـ۹۰۸) این کتاب راکه درسه‌لامع‌وهریك‌در چند لمعه است برای بهادرخان سلطان اوزون حسن‌بیك آق قوینلو(۸۷۱ ـ ۸۸۲) ٢٠ وسلطان خلیل پسراو (۸۸۲ـ۸۸۳) نوشته وسه بخش فلسفه عملی‌را درآن آورد وچنانکه خود میگوید آنرا ازروی اخلاق ناصری طوسی بپرداخت (ص٤١ـ٣٢١ چاپ١٢٨٣)ودربرخی‌جاها ازآن‌کاست مانند آئین میگساری وگاهی‌هم‌چیزهائی برآن افزوده است مانند پاره‌ای از سرالاسرار ارسطوکه در پایان آورد چنانکه

١ـ نیز بنگرید به: غزالی نامهٔ آقای همائی ص٢٢٨ ـ شرح‌احیاء زبیدی‌ج١ص٤٢.

سخنانی ازفارابی وابن‌سینا وسهروردی وغزالی نیزدر آن دیده میشود (ص۲۲۹ ـ ۴۱ـ۲۹ـ۶۷ـ۲۲۲) این کتاب را و.ف. تامپسن(W.F.Thomson) بانگلیسی درآورده و در لندن بنام Ptactical philcsophy of muhammedan people بسال۱۸۳۹ بچاپ رساند وخود آن در کلکته بسال ۱۸۱۰ و در چاپخانه ۵ منشی نولکیشور Navalkishor بسال۱۲۸۳ چاپ شد (فهرست ریو ج ۲ ص ۴۴۲) .

[۹۰۵]

۸۹۴ این نسخه شماره۱دفتر است وبخط تعلیق خوش درجدول زرین وشنگرف و لاجورد ازمحمد مظفربن محمد باقر الشریف کارزاری‌درذی‌حجه ۱۰۷۷ گ۱ب ۱۰ ـ ۹۸ الف .

(همهٔ دفتر۳۷۶گ) ـ کاغذ ترمهٔ سپاهانی ـ جلد تیماج‌سرخ‌ساده متوالی ، اندازه :۱۶×۳۰ و۹×۲۱س۱۹

[۷۵۱] ماهیة الحزن (عربی)

شیخ‌رئیس دراین‌نامه ازاندوه‌وپیدائی ودرمان آن گفتگو نمود. قنواتی(ش۲۱۷) ۱۵ ازگفتهٔ ارگین Ergine فهرست نگار ترك میآورد که آن بچاپ رسیده ومیگوید که‌من آنرانديده‌ام . مشکویه رازی‌درپایان طهارةالاعراق ازدرمان‌اندوه سخن‌راند وبندی از «دفع‌الاحزان» کندی بغدادی‌را آورده است. محمدزکریاء رازی درفصل ۱۲ طب‌روحانی اززدودن اندوه گفتگو کرد .

آغاز: بسمله وحمد وصلوه ـ نبین ماالحزن واسبابه لیکون اشفیته معلومـة . ۲۰ فنقول‌الحزن الم نفسانی یعرض لفقدالمحبوبات وفوت المطلوبات لایکادیعری احد من هذه‌الاسباب .

انجام : بل یرضی بکل‌حال یکون فیه‌لیسلم من‌الم‌الحزن انشاءالله تعالی .

[۹۰۶]

۱۳۰۸ ۲۵ این نسخه شماره۱۸دفتروبخط نسخ باشانه‌های شنگرف میباشد. گ۱۴۴ الف درپایان دارد: «تم.بلغ من‌اوله الی آخره بعون‌الله»

فارابی ایندفتررا دربغداد آغاز ودرپایان ۳۳۰ بشام برده ودر ۳۳۱ دردمشق بانجام رساند وپاکیزه ساخت سپس بازبدان نگریسته بخش بندی نمود پس ازاین کسی ازاو خواست که فصلهائی درآن گذارد تابدانند که ازچه درآن یادمیشود او درمصر بسال ۳۳۷ فصلهایشرا درست نمود و آن شش بخش میباشد (خزرجی ج۲ ص۹ ـ ۱۳۸) فهرست آن در۱۸ باب درآغاز نسخهٔما ودر۱۹ باب درآغازچاپ مصر دیده میشود .

اودر پایان آن ازکشورهای گوناگون: «مدینه‌فاضله، جاهله، فاسقه، ضروریه متبدله، ساقطه، مکارمه، جماعیه» مانند «السیاسات المدینه» خودیاد کرد ودر اینجا ازجمهوری پلاتون (بند ٤٤٥ پایان دفتر ٤ وبند ٥ـ٥٤٣ آغازدفتر۸) واخلاق نیقوماخوس (فصل ۱۰ دفتر۸) واخلاق اودموس (ف۹و ۱۰د۷) واخلاق کبیر (ف۳۱د۱) وسیاست (ف٤و٥د۳) وخطابه (ف٤و۸د۱) ارسطو بهره برد. درخطابه‌شفا (ف۱و۳م۲) و تلخیص خطابـه ابن رشد (ص۱۲۳ و ۱۵۹ ج۲ علم‌الادب، مقالات لمشاهیرالعرب یسوعی) نیزنامی از اینها برده شده.

هرودتس درتاریخ (دفتر۳ بنام تالیا بند۸۰ وپس ازآن) مینویسد که هفت تن ازبزرگان ایرانی پس ازکشته شدن‌مغ گردآمده ازمیان آنها اوتانس‌خواستار دموکراسی (فرمانروائی مـردم) ومگابوزوس خواستار اولیگارشی (فرمانروائی خاندانها) وداریوش دوستارپادشاهی شده هریك‌برای درستی اندیشهٔ خویش سخن راندند وچهارتن دیگرنیز دراین درباره سخنی بمیان‌آوردند(۱) پس ایرانیان نیز ازاین بحث بیگانه نبودند .

افلاطون دربند۵۲۱الف جمهوری میگوید که نیکوترین کشور آنست که نیازمندان درآن فرمانرانند نه توانگران دارندهٔ زر بلکه کسانیکه درنیکخوئی و

۱ـ بنگرید بترجمه‌های فرانسوی وانگلیسی این‌تاریخ و ترجمهٔ گزیده پارسی وحید مازندرانی چاپ تهران ۱۳۲٤خ ص۳ـ۱٦۰ .

خردمندی توانگر باشند و نه بی‌نوایان تهی‌دستی که برای جستن کام خویش آتش جنك خانگی را روشن سازند .

ارسطو درك۲ب۳ف۱۰سیاست میگوید : برخی از نگارندگان برترین دستور را آن میدانند که ریشه‌های دستورهای دیگر در آن باشد و ازدستورلاکدمونیا کـه آمیخته‌ای‌است‌ازالیگارشی‌وپادشاهی ودموکراسی میستایند(گویا از آن‌ارخوتاس را میخواهد که درروزگار او بوده‌وپاره ازسخنان اورا دیگران آورده‌اند ودرهمین زمینه است ـ ترجمهٔ‌احمدلطفی سید ص۱٤٥) .

هم‌و در کتاب٤ سیاست از بهترین کشوریا جمهوری فاضل گفتگو نمود و آنـرا حکومتی دانست که بهترین زندگی را برای افراد بیاورد و مردم در آن خوشبخت باشند .

فارابی در«مبادی اراء اهل‌المدینة‌الفاضلة» و «السیاسات المدنیة» بسخنان هردو فیلسوف مینگریست وجنبه‌شیوعی وبرابری زن‌ومرد «جمهوری»را نیاورد و بیشتر ازفرمانروائی شایستگان‌نه ازروی ارث که دربند۲۳٤جمهوری‌دیده میشود گفتگو نمود گرچه اینگونه فرمانروائی باحکومت استبدادی تازیـان سازگاری نداشت .

فارابی‌درست‌بروش پلاتونیها که‌نخست ازهستی وشناخت‌سخن‌رانده سپس‌بشناسائی طبیعت پرداخته آنگاه بخلق وسیاست رسیده سرانجام ازدین وهنر یاد میکردند، رفته نخست بود خدا را روشن ساخته سپس بجهان شناسی پرداخت آنگاه بروان شناسی رسیده ورشتهٔ سخن‌را بمرد برتر یاپیامبر وچگونگی وحی کشاند. درپایان ازشهرنشینی واجتماعی بودن مردم گفتگو کرده آشکارساخت که رهبر کشور باید چگونه باشد وسرانجام ازنیك وبدکشورهای گوناگونی که میتواند در روی زمین بنیادگردد سخن‌راند . او۱۲خصلت‌برای فرمانروا یادمیکند چنانکه دردفتر٦ بخش علوم ناموسی اخوان صفا (ج٤ص۱۸۲) آمده‌است. پس‌اودراین‌مورد بمشرب‌شیعی نزدیك است چنانکه شیخ‌رئیس درپایان شفا نیزبهمین روش رفته است .

فارابی رهبرکشوررا چنان وصف میکنند که با پیشوای معصوم شیعی سازگارتر

میباشد ازاین‌رو است که ابن‌رشد اندلسی در تلخیص خطابه میگوید: «... رئاسة الاخیار... وهذه تعرف بالامامیه ویقال انها کانت موجودة فی الفرس الاول فیما حکاه ابونصر» ازاین‌جا چنین برمیآید که فارابی گذشته ازنگارشهای افلاطون وارسطو از دستورهای سیاسی ایرانی نیز بهره برده و گفتار فرزانگان یونان ودانشمندان ایران را باروش شیعی سازگار ساخت واین‌هم دورنیست زیرا افلاطون دربند 576a کتاب ۹جمهوری از کشور جمهوری بنام پادشاهی یادنموده وبهترین کشور نزد او آنست که اریستوکراسی باشدودر آن سررشته کارهارا نیکان دردست گیرند وهمان‌است که فارابی ازآن بمدینه فاضله وشیخ رئیس بسیاسة الاخیار یاریاست شریف وابن رشد بریاسة الملك یاریاسة الاخیار (دوبخش سیاست جودت تسلط) تعبیر نموده‌اند. افلاطون درکتاب «سیاسی» بند ۳۹و۴۰و۴۱ (۳۰۰-۳۰۴) میان اریستوکراسی و پادشاهی جدائی نهاده ودرنامه هفتم بند 326d باز ازسه دولت تیرانی والیگارشی ودموکراسی ودولتی که برپایه دادگری وبرابری نهاده شده باشدیاد نمود باز در کتاب نوامیس بند ۷۱۰ ازدولتهای تیرانی ومنارشی و دموکراسی والیگارشی یاد کرده و گفت که حکومت کامل آنست که آئین‌گذار درستی در آن باشد ونیرومندان کشور باآن همکاری کنند.

[۹۰۷]

این نسخه شماره ۱۳ دفتروفهرست آن شماره ۱۲ آن وبنسخ روشن نوشته شده است. گ ۸۱ الف - ۱۰۶ الف. **۲۴۰**

آغاز چنین است: احصاء الابواب التی فی مختصر کتاب المدنی. الباب ۱ فی الشئی الذی ینبغی ان یعتقد فیه انه هو الله - الاراء التی فیها اراء الملل (منها ینبث الملل) الضالة (فهرست ۱۸ باب کتاب) هذا کتاب الفه ابو نصر الفارابی وهو محمد بن محمد فی مبادی اراء اهل المدینة الفاضلة. بسمله الموجود الاول هو السبب الاول لوجود سایر الموجودات - وانجام چنین: ولا یجعل شیئا محالا اصلا. تم الکتاب بعون رب الارباب ومسبب الاسباب - درباره چاپهای اینکتاب بنگرید به ص ۸۲ همین فهرست.

[۷۵۳] **محاسبهٔ نفس (رسالة ...)** (فارسی)

دراین رساله ازمحاسبه نفس بروش عرفانی گفتگوشده ودر آن ازشیخ عبدالله

خفیف (ابوعبدالله محمد بن خفیف بن اسفکشاذ دیلمی نیشابوری شیرازی عارف م ۳۷۱) یاد گردید.

آغاز: بسمله ... احمد واصلی واسلم. اعلم یا اخی وحبیبی ... اینکه از کلمات یکی از اکابر است که فرمود سرمایهٔ تودل است ووقت تو.

۵ **انجام**: که خوش گفت آنکه گفت: هر نکته مشکل که ترا در پیش است؛ از حق طلب، از کس نه، گرت تمکین است. کوشش مدارتا زجائی گوید؛ کانرا ره و رسم آشنائی اینست. وهو حسبنا ونعم الوکیل .. و وصلنا وایاکم الی ذروة الکمال انه لماشاء فعال.

[۹۰۸]

۱۰ ۴۳۱ این نسخه شماره ۲۳ دفتر وبخط تعلیق محمد علی بسال ۱۳۰۲ میباشد. گ ۳۹٦ ب - ٤۰۱ الف. این رساله در دنبال رساله های بابا افضل در ایندفتر نوشته شده است.

[۷٥٤] محاسبة النفس (عربی)

دانشمند علی بن طاوس حلی (٥٨٩-٦٦٤) این نامه را درچهار باب هریك درچند ۱۵ فصل در باره محاسبه نفس پارسایان از روی خبرهای شیعی نگاشته و در دیباچه می گوید گرچه در نگارشهایم این مطلب را گنجانده‌ام ولی شاید بدست نیازمندان نرسد این بود که جداگانه بدین نامه پرداختم. بجز کتابهای شیعی از تاریخ نیشابور حاکم نیز میآورد. این نامه بچاپ هم رسیده (طوس ج۲ ص۳٤٦).

آغاز: بسمله. یقول علی بن موسی بن جعفر بن محمد الطاوس العلوی الفاطمی ...
۲۰ احمدالله جل جلاله الذی ابتدانی بالجود والوعود و ربانی بظهور الاباء والجدود ... فانی رایت الایات والروایات شاهدة بماتقضی محاسبة الانسان لنفسه.

انجام: وهذا آخر ماأردناذکره فی هذه الابواب فیما یقتضی الاستظهار والسلامة من الغفلات والعتاب یوم الحساب فبشر عبادی الذین یستمعون القول ... هم اولوا الالباب والحمدلله رب العالمین وصلی الله علی محمد و آله الطاهرین.

[۹۰۹]

۸۸۱ این نسخه شماره۳دفتر و بخط نسخ باعنوانهای شنگرف نزدیك بسال ۱۰۰٤ گ۳ب-۱۱ الف. شماره چهارم دفتر تفسیری‌است ازشهیدیکم بر «سبحان‌الله والحمدلله ... والله اکبر» بهمان خط گ۱۱ب - ۱۲الف .

[۷۵۵-۷۵۷] المحجة البیضاء فی احیاء الاحیاء (عربی) ۵

دانشمند فرزانه‌شیعی فیض کاشانی (۱۰۰۷-۱۰۹۱) ازروی احیاء علوم‌الدین غزالی طوسی این کتاب‌را نوشته وبا انداختن داستانهای صوفیانه واخبار نادرست‌و آوردن خبرهای شیعی بجای روایتهای سنیان آنرا زنده نمود ودرست هم توانست ازعهده آن‌برآید. این‌نگارش مانند‌احیاء دارای چهار بخش‌است : «عبادات-عادات مهلکات- منجیات» هریك درده کتاب. اودر آغاز بخش نخستین میگوید:« که‌غزالی ۱۰ احیاء راهنگامی نوشت که هنوزشیعی نشده‌بود ومن آنرا دراین کتاب پاکیزه‌ساخته خبرهای شیعی در آن میآورم وچیزهائی هم بر آن میافزایم . غزالی چنانکه ازسر-العالمین او برمیآید درپایان زندگی‌بآئین شیعی گرائید وابن‌جوزی هم بدان گواهی داد » .

۱۵ [۹۱۰]

۱۰۵۳ این نسخه ربع عبادات وبخش یکم کتاب است وبخط نسخ پاکیزه بانشانه‌ها وعنوانهای شنگرف ازمحمد شفیع فیروزآبادی قاینی درپایان محرم۱۱۱٤ وچنین است : «بسمله وبه‌نستعین‌الحمدلله تعالی اولا حمدا کثیراً دائماً متوالیاً -هذا آخر الکلام‌فی کتاب‌ترتیب‌الاوراد ... وبتمامه تم‌ربع‌العبادات من‌المحجه‌البیضاءفی تهذیب‌الاحیاء ویتلوه ... فی‌ربع‌العادات کتاب اداب‌الاکل‌والحمدلله اولا وآخراً وظاهراً ۲۰ وباطناً» نسخه‌ای ازاین ربع‌بخط نسخ‌خوش پیش از۱۱۱۷ وازربع عـادات بخط نسخ تاریخ ۱۱۰۰ نزد دانشمند گرامی آقای‌حکمت آل آقا هست.

(۳۰۲گ) - کاغذ سپاهانی - جلد تیماج ضربی سرخ مقوائی فرسوده

اندازه : ۱۸×۱۴ و۳ ۱۱× س۱۷

۲۵ [۹۱۱]

۱۰۵٤ این نسخه ربع مهلکات وبخش سوم آن وبخط نسخ در جدول شنگرف و با عنوانهای شنگرف تاریخ ۱۲۸٦ میباشد وچنین است: «بسمله الحمدلله‌الذی

تتحیردون ادراك جلاله القلوب والخواطر ـ هذا آخر الکلام فی کتاب ذم الغرور بتمامه تم ربع المهلکات من المحجة البیضاء فی احیاء الاحیاء ویتلوه... فی ربع المنجیات کتاب التوبة والحمدلله... بمحمد واله ... الطاهرین» بخط تعلیق دارد «فی یوم الجمعه رابع وعشرین شهر ذی‌قعدة الحرام سنة ١٢٨٦... قلمی شد ... »

(٣٣٠گ) – کاغذ فرنگی – جلد تیماج زردضربی متوائی

اندازه: ٢١×٣١/٥ و١٤×٢٢س ٢٣

[٩١٢]

٣٩٧ این نسخه ربع منجیات وبخش چهارم آن وبخط نسخ درجدول و با عنوانهای شنگرف که درشوشتر بامداد روز یکشنبه ٢٩ رمضان سال ١٢٨٦ نوشته شده و چنین است : « بسمله الحمدلله الذی بتحمیده یستفتح کل کتاب وبذکره یصدر کل خطاب وان یتفضل علینا کما هواهله بمنه وسعة جوده ورحمته . اللهم عاملنا بعفوك ولا تعاملنا بعدلك وتم کتاب ذکر الموت ومابعده من المحجة البیضاء فی احیاء احیاء علوم الدین وهوالکتاب العاشر من الربع الرابع الـذی فی المنجیات وبتمامه تم کتاب المحجة بکتبه الاربعین جمیعا والحمدلله رب العالمین وصلی الله علی محمد وآله اجمعین» در پایان همان خط تعلیق ش ١٠٥٤ که تاریخ را میرساند دیده میشود واین دو نسخه بیك خطاست .

این بخش بازپسین را مهدی بن محمدابراهیم خوانساری درتهران چاپخانه آقامیرزا علی‌اصغر بسال ١٣٤١ ازروی خط سلمان بن ملا احمدطالقانی مرجانی تاریخ ١٣٢٦ بچاپ سنگی رساند .

(٣٤٧گ) – کاغذفرنگی – جلد تیماج ضربی متوائی

اندازه: ٢١/٥×٣١/٥ و١٤×٢٢س ٢٣

[٧٥٨] مرصادالعباد من المبدء الی المعاد (فارسی)

این نگارش درپنج باب ودرسلوك عرفانی واخلاق است که نجم‌الدین دایه ابوبکر عبدالله بن محمدبن شاهاور رازی برای سلطان علاءالدین کیقباد یکم (٦١٦ـ٦٣٤) فرزند کیخسرو پسر قلج ارسلان سوم از فرمانروایان سلجوقی آسیای کوچك نگاشته وآنرا دررمضان ٦١٨ درقیصریه آغاز ودرروز دوشنبه یکم رجب سال ٦٢٠ درسیواس بپایان رساند. این عارف درتهران زاده وشاگرد شیخ ابوسعید مجدالدین شرف بغدادی و پیرو شیخ نجم‌الدین کبری بوده وبسال ٦٥٤ در شونیزیه بغـداد درگذشت .

گزیده‌ای ازهمین کتاب بپارسی بنام« تلخیص مرصادالعبادفی کشف سرالایجاد» درتهران بسال ۱۳۰۱ باندازه بغلی چاپ سنگی شده ازآن نجم‌الدین کبری پنداشتند. دیباچه‌ای درسر گذشت همو نیز باآن هست. گزیده‌ای ازآن بتــازی نیز دربرلین هست (ش ۳۰۰۶ فهرست اهلورث)(۱).

[۹۱۳] ۵

۴۰۴ این نسخه بنسخ وچاپ سنگی سال ۱۳۱۲ تهران است باآغاز وانجام یاتذکره خواجه طوسی بسال ۱۳۱۴ وشمس‌العرفا حسین عارف پیروشاه نعمةالله بخط خود برآن حاشیه نوشته ونسخه را تصحیح نمود.

(۲۷۳+۱۴ص) ـ کاغذ فرنگی ـ جلد تیماج متوالی

اندازه: ۱۷×۲۳ ۱۰

[۷۵۹] مسکن‌الفؤاد عند فقدالاحبة والاولاد (عربی)

دانشمند پارسای شیعی زین‌الدین بن علی بن احمد عاملی جبعی (۹۱۱-۹۶۶) این نامه را دردلجوئی ازآسیب زدگان و داغ دیدگان دریك مقدمه و چهارباب و یك خاتمه نوشته ودلیلهای عقلی وحدیثها درآن آورده ودر نیمه روزآدینهٔ یکم رجب ۹۵۴ آنرا بپایان رساند. این نامه درتهران بسال ۱۳۱۰ با« اوزان‌المقادیر» ۱۵ مجلسی بچاپ رسید و میرزا اسماعیل خان مجدالادباء خراسانی آنرا بپارسی کرد که درطوس بسال ۱۳۲۱ بچاپ سنگی رسید (فهرست طوس ج۲ص ۳۴۶ و ۳۵۰)

[۹۱۴]

۱۰۱۷ این نسخه شماره ۲ دفتر بخط نسخ حسین بن مسلم بن حسین بن محمد شهیر باین ۲۰ شعیر عاملی نزدیك ۹۵۴ است. اوهمانست که ش۱ دفتر (منیةالمرید) را هم نوشته وشاگرد شهید میباشد. دراین نسخه ازمقدمه هست واندکی ازباب دوم وسوم وچهارم. باب۱ درآن نیست وبدینجا میانجامد: «عن السائب بن یزید ان النبی ص

۱ـ بنگرید به: مرصادالعباد چاپ سربی شمس‌العرفا درتهران بسال ۱۳۱۲/۱۳۵۲ فهرست طوس ج۲و۴ ـ فهرست مجلس ج۲ ـ فهرست ریوج ۱ ص۳۸ وج ۴ ش ۱۷ ـ نفحات‌الانس جامی. ۲۵

لامامات ابنه الطاهر ذرفت عينه ... فقال ص العين تذرف وان الدمع يغلب» در گ ۷۳ ب بخط دیگری دارد «تمت ۹۵٤» ـ گ ۵۹ ب ـ ۷۵ ب . در گ ٦۹ الف دارد : « تم بلغ قراءة وفقه الله تعالی» و بخط همان شهید است . علی بن محمد حسین موسوی شوشتری در ۱۵ ج ۲ سال ۱۲٦۸ (گ ۱ الف) وعلی بن حسین بن محمدعلی بن زین الدین موسوی و

۵ علی محمد موسوی (رویهٔ برگ پیش از آن) ازدارندگان نسخه بوده‌اند .

(همهٔ دفتر ۷۵) — کاغذ سمرقندی ـ جلد تیماج زرد تازه

اندازه: ۱۴×۵ر۱۸ و ۵ر۸×۱۳ س ۱۷

[۷٦۰] من لا یحضره الانیس (فارسی)

ازشیخ محمد بن حاج ملامؤمن هروی مدرس آستان طوس که در آن بفرزند

۱۰ خویش هدایةالله اندرزهائی میدهد خودمانی وخانگی وبسیار ساده و پندها جدا از هم و پیوستگی ندارد ودیباچه‌ای در آن هست. زندگی آن روزگار بخوبی از آن پیدا است .

آغاز: نورچشم از باب اینکه به بچه ها بگوئی کتاب من پشت کتابش هم حاشیه دارد و کتابهای شماندارد اسم این حاشیه‌را حاشیه پشت کتابی بگذار... بسمله. نور

۱۵ چشم هدایةالله بموافقت بعضی ازطلاب محض اینکه نگوئی چرا کتاب من پشت کتابی ندارد گوش نما (گ ۲ ب) .. بسمله الحمدلله الذی عرفنی نفسه ... نورچشم هدایةالله اولا خداوند عالم تورا عالم ربانی نموده بکمال عمرطبیعی رساند بمحمد ... و ثانیاً آگاه باش ... (گ ٤ ب) .

انجام : اطفاالسراج فقدطلع الصبح وتمت کلمة ربك صدقا وعدلا (۲۰ الف) .

۲۰ [۹۱۵]

۱۳٤ این نسخه بنسخ وعنوانهای «نورچشم» بشنگرف وحاشیه‌ها بتعلیق است نویسندهٔ آن ابوتراب موسوی گلپایگانی بسال ۱۳۲۱ میباشد . حاشیه‌هائی در آن هست بخط همو که پندهائی است بنام «نورچشم» ـ در پایان خط تعلیق نگارنده (هروی) دیده میشود : « هذا بعض مقالاتی فی اللیل الالیل وانا العبد الاقل خادم کشیك الاول فی

۲۵ آستان المقدس الرضوی الشیخ محمد بن جناب الحاج ملامؤمن الهروی اوتیا کتابهما بمینیا وحو سباحسابا یسیرا» .

(۳۵۳ب) ـ کاغذ فرنگی ـ جلد تیماج سبز یك لا و ضربی
اندازه: ۱۵×۲۲و۵ر۷×۵ر۱۳س۱۳

[۷٦۱] منهاج النجاة (عربی)

نگارش فیض کاشانی (۱۰۰۷ـ۱۰۹۱) که بدرخواست یاران و بروش غزالی نوشته و آنچه را که همگان می‌باید بدانند ومایهٔ رستگاری در رستاخیز است در آن گزارش داده ودر ۱۰٤۲ بپایانش رسانده (کشف الحجب ص٥٦٦).
ایندفتر کوچك دارای یك مقدمه ودو مقصد (اعتقادات کلامی ـ اعمال وعبادات فقهی وخلقی) هردو درپنج باب وهریك چند هدایه میباشد.
درهدایهٔ دوم باب طاعات قلب مقصددوم ازاعتقادات خواجه طوسی (ص٥٣١ اینفهرست) وشرح ارشاد اردبیلی یاد کرده ودرپایان همین باب به المحجة البیضاء فی تهذیب الاحیاء خویش بازگشت داد.
اینکتاب باخلاصة الاذکار و بشارة الشیعة ومرآة الاخره وضیاء القلب درتهران در ۱۳۱۱ بنسخ چاپ سنگی شد (ج٤ص٣٥٧طوس) نیز با علم الیقین وعین الیقین او (۱۳۰۳) وسرگذشت فیض از مسیح بن علی اکبر حسینی سمنانی (۱۳۱۲) ومرآة الاخرة او (۱۳۰۳) بکوشش آقا مشهدی عباس کتابفروش در تهران بسال ۱۳۱٤ بنسخ چاپ سنگی شد.
آغاز: الحمدلله الذی هدانا للدین القویم والنهج المستقیم ... فیقول... محمد بن المرتضی المدعو بمحسن ... هذا کتاب منهاج النجاة.
انجام: وایاك ثم ایاك ان تکون من الفریق الثالث فتهلك هلاکا لایرجی فلاحك ولاینتظر صلاحك (انتهی کلامه اعلی الله مقامه. هذا انتهاء منهاج النجاة).

[۹۱٦]

۱۰۹۲ این نسخه بنستعلیق باعنوانها ونشانه های شنگرف از محمد سنجر بن محمد کاظم در ۱۷ جمادی دوم سال ۱۰۷۱ میباشد وچهار جا حاشیه دارد که به «منه مدظله العالی ـ منه ـ منه دام ظله ـ منه مدظله» پایان میبابد گ۱ الف ـ ۱۲ الف ـ ۲۵ ب ـ ۲٦ الف» وشعر هائی بپارسی درکنار برگها دیده میشود. نزدیك بیك صفحه از

دیباچه‌را ندارد وچنین است آغاز آن : «والکف عن‌المعاصی الواضحة‌الفاضحة ...فهہنا مقصدان... المقصدالاول» .

(۳۶۲۰) کاغذ سمرقندی—جلد تیماج سرخ‌ضربی دریکسوی

اندازه : ۵ر۱۱×۵ر۱۸ و۵ر۶×۵ر۱۳س۱۸

۵ [۷۶۲] منیة‌المرید فی‌ادب‌المفید والمستفید (عربی)

این دفتر که روش آموزش وپرورش دانشمندان دینی را بخوبی نشان میدهد از دانشمند شیعی شهید دوم زین‌الدین‌بن علی‌بن احمد عاملی جبعی(۹۱۱-۹۶۶)می باشد که درنیمهٔ روزپنجشنبه ۲۰ع۱سال ۹۵۴آنرا بپایان رساند ودریك‌مقدمه و٤ باب ویك خاتمه میباشد . شهید در آن هر گونه دستوریکه دانشجویان از آغاز کار

۱۰ تاگاهیکه بپایگاه روایت ونگارش وتدریس یاقضاوت یا افتاء برسند باید بکاربندند آورد . این کتاب چنانکه شهید دردیباچه میگوید پاره‌ایست از«منار القاصدین فی اسرار معالم‌الدین» او که بنوشتن آن میپرداخت وبپایان‌نرسیده بود. شهیدچنانکه دردیباچه میگوید دراین نگارش از سخن خـدا وپیامبر وپیشوایان وفرزانگان و دانشمندان بهره برده است.

۱۵ منیة‌المرید رادردنبال روض‌الجنان همین شهید در شرح برارشاد الاذهان علامهٔ حلی، حاج‌شیخ‌محمدرضا تهرانی بسال۱۳۰۷ بخط نسخ بچاپ سنگی رساند وپیش از آن دربمبئی درمطبع حسینی بسال۱۳۰۱ بچاپ رسیده بود بازدرتهران کتابخانه بوذرجمهری آنرا بسال۱۳۶۸ بچاپ‌رساند که بانسخهٔ ماهم برابرشده و کلیشهٔ خط شهیدوخط نویسندهٔ نسخه‌ما درپایان آن دیده میشود. منیة‌المرید درمجله آموزش

۲۰ وپرورش درش۵سال۱تاریخ مراد ۱۳۰٤ ص۲۰-۳۲ شناسانده شده و گزیده‌ای از آن بپارسی در آن دیده میشود(۱) .

۱- درباره آموزش وپرورش اخوان‌صفاومشکویه‌درطهارة‌الاعراق‌وترتیب‌السعادات وابن سینا درسیاست وغزالی دراحیاء وجزآن وابن‌خلدون درمقدمه ودانشمندان‌دیگر سخن رانده‌اند . نویسندگان درایة‌الحدیث نیز بخشی ازآنرا آورده‌اند. مانند مقدمه

۲۵ یاکتاب علوم‌الحدیث ابن‌صلاح ابی‌عمر عثمان شهرزوری شافعی م ٦٤٣ دربـارهٔ اداب

بقیه حاشیه درصفحه بعد

[٩١٧]

١٠١٧ این نسخه شماره ١ دفتر است و بخط نسخ با عنوانها و نشانه‌های شنگرف از حسین بن مسلم بن حسین بن محمد شهیر با بن شعیر عاملی که ما ناشاگرد شهید است و در نیمهٔ روز پنجشنبه ٢٣ ج ١ سال ٩٥٤ درست دوماه وسه‌روز پس از نگارش شهید آنرا بپایان رسانده. در رویهٔ برگ نخستین شهید نام خود «زین الدین بن علی بن احمد شامی عاملی» و نام کتاب «منیة المرید فی ادب المفید والمستفید» را بخط خود نوشته و زیر آن تاریخ ٩٥٩ دیده میشود. در کنار صفحه‌ها چندجا بخط شهید دارد «بلغ سماعا وفقه الله تعالی» گ ٧ب ١٢ب ٢٥الف ٢٩الف ٣٢الف ٣٧الف ٤٣الف ودر کنار گ ٥٨ الف در پایان کتاب باز بخط هموداردکه این کتاب‌را او (همین نویسندهٔ نسخهٔ ما) درچند هنگام ازمن شنیده و نزد من آنرا درست نموده که بازپسین آنها تاریخ روز پنجشنبه ٢ ذی قعده سال ٩٥٤ میباشد. شهیددراینجا ازخود بمانند بالا یاد میکند. کلیشهٔ همین خط در پایان چاپ ١٣٦٨ آمده است. در گ ١٤ب و ١٥الف حاشیه‌هائی بخط تعلیق دارد که بنام «صالح‌ره» میانجامد:

نسخه ازآغاز داردتا امر ٨ قسم ٢ نوع ٣ باب ١ (برابر باس ٧ص ٤٣ چاپ ایران) آنگاه میرسد بامر ١٨ قسم ٣ نوع ٣ باب ١ (س ١٤ ص ٥١) تااندکی ازآغاز باب ٢ (س ٩ص ٥٣) سپس اندکی ازباب ٤ (میانه مسئله ١ تا میانه مسئله ٦ برابر باس ٢٥ص ٦٨ تاس ٢١ ص ٦٩) میآید آنگاه میرسد بمیانهٔ مطلب ١ خاتمه (س ٩ص ٧٨) تاپایان کتاب پس افتادگی نسخه بسیار است. گ ١ب ـ ٥٨الف.

بقیه حاشیه صفحه قبل

محدث وطالب حدیث (چاپ مطبعة السعادة مصر ١٣٢٦) والتقریب والتیسیر لمعرفة سنن البشیر النذیر ازمحیی الدین یحیی نووی دمشقی شافعی (٦٣١ـ٦٧٦) (چاپ‌شده درآغاز شرح کرمانی برصحیح بخاری).

صوفیان هم از پرورش مرید واداب آن یـاد کرده‌اند. در کتابهای فقهی جسته گریخته برخی از آن دیده میشود. گفتاری نیز درجاویدان خرد مشکویه (ص ٨ ـ ٢٧٠) بنام «وصیة افلاطون فی تادیب الاحداث» ترجمه اسحاق بن حنین آمده است.

پیش ازشهید درمیان شیعیان خواجه طوسی «اداب المتعلمین» نوشته و در میان سنیان بـویژه قاضی القضاة شیخ الاسلام بدرالدین محمدبن ابی اسحاق ابراهیم بن ابی الفضل سعدالله بن جماعه حموی شافعی پارسای محدث مفسر خطیب شاعر (حماة ع ٢ سال

بقیه‌حاشیه درصفحه بعد

نگارشی است در کشورداری آمیختهٔ باآیات واخبار ودرده باب: «دادگری - خلافت - پادشاهی وفرمانروائی - رفتار شاهان بامردم - رفتاروزیران ونوابان و نویسندگان ودیوانیان - رفتاردانشمندان ومفتیان واندرزگران و داوران - رفتار توانگران - رفتار دهگانان وسران وکشاورزان وروستائیان - رفتارسوداگران و بازرگانان - رفتارپیشه‌وران و هنرمندان.

بقیه حاشیه ازصفحه قبل

٦٣٩ - مصرج ١ سال٧٣٣) را میتوان نامبرد که «تذکرةالسامع والمتکلم فی آداب العالم والمتعلم» را در ٥ باب نگاشته ودر ١٤ ذی‌حجه سال٦٧٢ بپایانش رساند. شهید گویا این کتابرا دردست داشت وبسیاری ازجاها ازآن بهره برد (بنگریدبه: ص٢٥ و٣٢ و٣٣و٦٩و٧٤ منیهٔ چاپ ایران وص١٧و٣١و٣٤و١٦٤و١٩١ تذکره چاپ‌دائرة المعارف عثمانی دکن در١٣٥٣).

تذکره ومنیه ازرهگذر ترتیب منطقی وبخش‌بندی مطلبها بسیار پسندیده وسخنان خشك‌وظاهری قابسی وزرنوجی درآنها دیده نمیشودچنانکه زرنوجی میگوید: «وینبغی ان لایکون فی الکتاب شیئ من الحمرة فانها صنیع الفلاسفة لاصنیع السلف» (اهوانی ص٢٢٠ وحاشیه تذکره ص١٩٢) ولی درآندو دارد که شایسته است نشانه‌ها وعنوان های کتابرا بسرخی نوشت ومتن‌را باسرخی ازشرح جدانمود (ص١٩١ تذکره وص ٧٤ منیه).

ایندانشمندان نیزدربارهٔ آموزش وپرورش نگارش دارند که ازرهگذر تاریخ آن بسیار ارزنده است:

١- محمدبن سحنون مالکی مغربی قیروانی م٢٦٥ در«اداب‌المعلمین مما دون محمد بن‌سحنون عن‌ابیه» درنه بخش وبسیار کوچك که‌استادحسن‌حسنی عبدالوهاب درتونس بسال١٣٤٨ در٦٤ص با٣٨ص دیباچه خودبچاپ رساند. قابسی ازآن بهره برد.

٢- فقیه ابوالحسن علی‌بن محمدبن خلف قابسی قیروانی مالکی (٣٢٤-٤٠٣) در «الرسالةالمفصلة لاحوال‌المعلمین والمتعلمین» که احمد فؤاد اهوانی آنرا با دیباچه‌ای بنام «التعلیم فی‌رای القابسی» در قاهره مطبعة لجنةالتالیف والترجمه والنشر بسال

بقیه حاشیه درصفحه بعد

جعفربن اسحاق آنرا بنـام « میزان‌الملوك والطوائف وصراط المستقیم فی سلوك الخلائف» و بدرخواست حسام‌السلطنه محمد تقی‌میرزا نگاشته است.

آغاز: بسمله . الحمدلله رب‌العالمین بالربوبیة‌الظاهرة ... و بعد ... جعفربن ابیه اسحق بعرض اهل‌مودت‌ووفاق میرساند که این‌مختصری است ... دربیان‌میزان درمملکت‌داری‌ملوك واهل‌خلافت... که بطلب... شاهزاده... حسام‌الدین‌والسلطنة... محمدتقی میرزا ... بقلم دوزبان تحریر ... مییابد .

انجام : بی‌جمال یوسف و بی‌عشق‌یعقوب‌از گزاف- توتیائی‌نایدازهرپیرهن- الحمدلله‌رب‌العابدین .. واختم‌لنا ... خاتمة خلفائك ... آمین یارب‌العالمین .

بقیه حاشیه از صفحه قبل

در۲ — ۲۴۰و۲۴۲-۳۱۸ص بچاپ رسا ند این کتاب چنانکه از نامش پیدا است ۱۳٦٤/۱۹٤٥ درباره آموزش کودکان و کوچك است .

۳ - ابن عبدالبر جمال‌الدین یوسف‌بن عمر قرطبی نحوی محدث (۳٦۸-٤٦۳) در« جامع بیان‌العلم وفضله ومایبنغی فی‌روایته وحمله» ازاین مسئله یاد نمود (چاپ‌مصر بسال۱۹۲۸) .

٤ - برهان‌الدین زرنوجی ۵۹۱م کتاب کوچکی دارد بنام « تعلیم‌المتعلم طریق التعلیم» که چندان دقیق نیست‌وسخنان عامیانه وظاهری درآن‌هست ودرمطبعه‌رحمانیه بسال۱۹۳۱ در ۷۹ص‌بچاپ رسید و بلاتینی‌هم ترجمه گردید .

۵- ابن‌عدیم ابوحفص کمال‌الدین‌عمرفقیه محدث‌حلبی(۵۸٦-٦٦۰) در« الدراری فی‌ذکرالذراری» چاپ مطبعة‌الجوائب قسطنطنیه در۱۲۹۸ .

٦ - ابی‌الفرج‌زین‌الدین عبدالرحمن‌بن احمدبن‌رجب‌بغدادی دمشقی حنبلی(۷۰٦ - ۷۹۵) در«فضل‌السلف علی‌الخلف» چاپ مطبعه منیریه ازهر .

۷ - شیخ‌الاسلام ابی‌زکریا انصاری (۹۲٦م) در«اللؤلؤالنظیم فی‌روم‌التعلیم» که درآن ازغزالی بهره برد .

۸ - احمدبن حجرهیتمی (۹۷۳م) در« تحریرالمقال فی‌اداب واحکام‌مایحتاج‌الیه مؤدبوالاطفال» .

بقیه حاشیه درصفحه بعد

[۹۱۸]

۳۵۹ این نسخه بخط نسخ باعنوانها و نشانه‌های شنگرف درپنجشنبه۹ع۱ ودرروزگار نگارنده نوشته شده است ودرپایان دارد: «من تألیفات مولانا ... آقائی آقـا سید جعفر مدظله العالی».

۵ (۱۰۴گ) - کاغذ فرنگی- جلد تیماج سرخ پاکیزهٔ ضربی
اندازه: ۱۳×۲۱ و۷×۱۷س۱۷

[۷٦٤] نزهة الاحباب فی معاشرة الاصحاب (عربی)

این نامهٔ درزیبا شناسی ودستور زناشوئی وهمنشینی وخنیاگری و میگساری و خرید بردهودرمان بیماریهای جنسی‌مردانه و زنانه میباشد و در آن میان دوگونه

۱۰ عشق سنجش شده در گزارش هر مسئله‌ای از عقل و شعر و حدیث و گفتار دانشمندان گواه آورده شده ودرباره زیبائی برهان ریاضی نیزدیده میشود (جملهٔ ۷جزء۱ گ۱۸) شعرابی العلاء معری نیزدرآن آمده است. نامه دردوبخش است: ۱-علم‌در۱۲جمله(گ۱-۷۰)۲-عمل‌در۱۲جمله (۷۱-۱۰۴)که‌دراین‌بخش‌بهداشت جنسی ودرمان بیماریهای آن دیده میشود. جمله‌ها رویهم شصت‌باب‌دارند. نگارندهٔ

۱۵ آن ابونصر سموئل‌بن‌ابی‌البقا یحیی‌بن عباس مغربی اسرائیلی حاسب میباشد. اواز مردم مغرب ازپدری آشنای بفلسفه وروزگاری دربغداد بوده سپس بفارس آنگاه دردیار بکرو آذربایگان زیسته دردستگاه پهلوانیان کارکرده است. کیش یهودی

بقیه حاشیه ازصفحه قبل

۹ - برهان‌الدین اقصرائی در«رسالة فی التربیة والتسلیك».

۲۰ ۱۰- شمس‌الدین انبابی در«ریاضة الصبیان» که«رسالة تادیب الصبیان» راازمشکویه درآن آورد.

(بنگرید به: دیباچه اهوانی برقابسی - حواشی تذکرة السامع).

دانشمند عارف ابن‌الحاج ابوعبدالله محمدبن‌محمدبن‌محمدعبدری‌فاسی‌مالکی که‌بس ازهشتاد واندسال درقاهره در۷۳۷ درگذشت در«مدخل الشرع الشریف علی المذهب»

۲۵ کـه در۷۳۲ بپایانش رسانده از آموزش وپرورش وآموزگار ودبستان گفتگو نمود (چاپ دوم درمطبعه وطنیه اسکندریه۱۲۹۳ درسه‌جلد ص۵۲-۱۷۹و۳۱٦-۳۵۸ج۱و ص۲-۳۳ و۱۵۵-۱۷۹ ج۲).

داشت ودرذی‌حجه٥٥٨ بآئین‌اسلام گرائید وازیهودیان‌خرده گرفت وتحریف‌تورات را روشن نمود. بسیارزیرك بود ودرریاضی ازدانشمندان زمان‌خویش برتری یافت وهندسه میدانست ودرجبر ومقابله سرآمد شد ودراین هنرنامه‌ها بپرداخت و در آنها از همزمان خویش ابن‌خشاب عبدالله‌بن احمد بغدادی نحوی آشنای بریاضی (٥٦٧م) خرده گرفت. او پزشکی هم میدانست و بفلسفه دانا بود. سال مرگش را ٥٦٧و٥٧٠و٥٧٦و٥٩٨ نوشته‌اند (١). ولی ازسرگذشت‌اووتاریخ نگارشهایش‌پیدا است که از٥٥٨ تا٥٧٠ بنوشتن کتابهای علمی میپرداخت فرزندانش هم درمراغه پزشك بوده‌اند.

باری این‌دانشمند اسرائیلی درپایان این‌نامه که درپشت نسخهٔ ما بخط کهنی «نزهة‌الاحباب فی‌معاشرة‌الاصحاب» نامیده شده میگوید که درعلمهای عقلی نامه‌ها

---

١ ـ بروکلمن نام این‌نگارش را «نزهة‌الاصحاب فی‌معاشرة‌الاحباب» یادمیکند ومیگوید که نسخه‌ای ازآن درلایبتسیك ش٧٧٤ وبرلین٦٣٨١ وگوتا ٢٠٤٥وپاریس ٣٠٥٤ واسکوریال١/٨٣٠ وایاصوفیا٢١٢١ هست. اینست نگارشهای‌دیگراو: التبصیرفی علم‌الحساب ـ الاجوبة‌الفاخرة‌ردا‌عن‌الملة‌الکافرة ـ غایة‌المقصودفی‌الردعلی‌النصارا‌والیهود ـ افحام‌الیهود که‌درروزآدینهٔ سال٥٥٨ بپایانش رسانده (فهرست مجلس‌ج٢ش٥٩٣/٤ ـ قاهره ج٦ص ١١٣) ـ بذل المشهود فی‌اقناع‌الیهود ـ الباهرفی علم‌الحساب ـ المجیز المرضوی‌فی‌الحساب ـ فی کشف‌عوار‌المنجمین‌وغلطهم‌فی‌اکثر‌الاعمال‌والاغلاط که‌دراروپا واسلامبول‌وقاهره‌نسخه‌ای‌ازاینهاهست (تاریخ‌بروکلمن‌ج١ص٦٤٣وپیوست‌ج١ص٨٩٢)

خزرجی (ج٢ص٣٠) این‌نامه‌ها راازاو میداند : المفیدالاوسط در پزشکی که در٥٦٤ برای وزیر مؤیدالدین ابی‌اسماعیل حسین‌بن‌محمدنوشت ـ رسالة‌الی‌ابن خدود درمسئله‌های حساب وجبر ـ اعجاز‌المهندسین که درصفر ٥٧٠ برای نجم‌الدین ابی‌الفتح شاه غازی ملك‌شاه‌بن طغرلبك (گویا نجم‌الدین البی ارتقی فرمانروای ماردین٥٤٧ـ ٥٧٢) بپرداخت ـ الردعلی‌الیهود ـ القوامی درحساب هندی که‌در٥٦٢ نوشت ـ المثلث القائم‌الزاویة که بسیارخوب وبرای‌شریف‌حلبی نگاشته‌است ـ المنبر درمساحت جسمهای گوهر های آمیخته برای دریافت نادانستهٔ آن ـ کتاب فی‌الباه (نیزاعلام زرکلی ج ١ص٣٩٤) درتاریخ قفطی ص١٤٢ اورا سموئل‌بن یهوذا میخوانند ومیگوید که ماناازاندلس میباشد ونامه‌هائی درپزشکی دارد.

نوشتم مگر اینکه دیدم کسی خریدار آنها نیست ناگزیر مانند مردم شدم و بدین نامه پرداختم . درجمله۲ جزء۱ میگوید که پیری هشتادساله ازدربانان اتابك نصرةالدوله بنام حاجب ماهرو دردژ رویندز (روئیندژ) درشعبان ۵۶۲ بنزدمن آمد (گ ۵الف) نیزمیگوید که زیستن درشهرهای مکه ومدینه وبغداد برنیروی باه میافزاید وسفارش
۵ میکند که «اخبار النساء» ابن حاجب نعمان و «جوامع اللذة» ابی نصر کاتب را بخوانید درهمینجا شعری ازسعدالدین ابوعبدالله بن شبیب مشرف مخزن در بغداد میآورد که برای اوخوانده است (پایان جمله۱ جزء۲ گ ۷۲الف) .

بگفته چلبی سموئل این نامه را برای ابوالفتح نورالدین محمدبن فخرالدین قره ارسلان ازفرمانروایان ارتقی حصن کیفا (۵۷۰ - ۵۸۱) نوشته است (در نسخهٔ ما
۱۰ نامش دیده نمیشود) .

آغاز : بسمله . الحمدلله الذی جعل رحمته للمذنبین ملاذا . وخلق لعباده آلاما و ملاذا وفطرغرائز البشر علی الصبوة الی اتباع الشهوة تسخیر الضعیفهم وقویهم .

انجام : علی ان فصول هذا الکتاب الهزلیة ، غیرخالیة من فوائد جدیة ، ومواعظ خلابة ، للقلوب الصدیة ، ولامنفکة عن نصیحة نافعة ، وغیرة رادعة ، وتثقیف وادب .
۱۵ واستغفرالله مما یحبط العمل لدیه. واستوفقه لمایقرب الیه. تم الکتاب .

[۹۱۹]

۴۷۶ این نسخه بنسخ کهنه بااعراب وباعنوانهای شنگرف یابخط درشت ترمیباشد.در میان نسخه برخی جاها بخط نستعلیق تازه‌تر وپایان هم بدین خط است که دارای تاریخ پایان شوال سال ۱۰۲۲ میباشد . ونام نویسنده دراینجا خوانده نمیشود.خط
۲۰ صفحه۱ کهنه وفرسوده شده وبخوبی خوانده نمیشود.

پایان باب۳ جمله۹ جزء۱ (ادب المشاربة) ونیمهٔ نخستین باب۴ همین جمله (ادب السماع) ازنسخه افتاده است (میان گ ۳۵ و۳۶) همچنین دنبالهٔ باب۵ همین جمله(ادب المنادمة) وآغاز باب ۶ آن (ادب المضاجعه) نیست (میان گ ۳۷ و۳۸) نیزدنبال باب۷ این جمله (ادب المجامعة) وهمهٔ ۵ باب جمله دهم (خریداری برده) وباب۱ جملهٔ ۱۱ جزء۱ (خویهای
۲۵ پسندیدهٔ زن) وباب ۲(خویهای زشت او) وآغاز باب سوم (پندها بمردیکه میخواهد زن بگیرد) ازهمین جمله در میان برگهای ۳۸ و۳۹ افتاده است .

(۱۰۵گ) ـ کاغذ سمرقندی ـ جلد تیماج ضربی مقوائی
اندازه: ٥ر٧×٥ر١٢ و٥ر٥×٥ر١١ س١٨

[٧٦٥] وسیلة النجاة الموصلة الی سبیل الهداة (فارسی)

ازمحمدبن عبدالنبی بن نعمة‌الله بحرانی کرمانی که برای فرمانروای کرمان مرتضی قلیخان پسر محمد اسمعیل‌خان نوری نگاشته ودراصول وفروع‌دین واخلاق میباشد ومانند احیاء غزالی ونوشته‌های فیض کاشانی آمیختهٔ باآیتها وخبرهااست. ٥

آغاز: بسمله سپاس‌مبرا ازقیاس پروردگاریرا باید که‌انوار حقیقت‌را ازصبح ازل پرتوافکن ساخت .

انجام: برتوفیق این کتاب مستطاب درهر باب الحمدلله‌رب‌العالمین ...حاصل شد فراغ ازاین کتاب ... درروز پنجشنبه بیست ونهم‌شهرشعبان المعظم ازسنهٔ هزار ودویست ونود و پنج هجری بردست ... محمدبن عبدالنبی کرمانی از آل نعمة‌الله بحرانی ... حامدا مصلیا مستغفرا . تمت . ١٠

[٩٢٠]

این نسخه‌شماره۱و بنسخ دردوجدول که کوچکتر آن دو برنك سرخ‌ولاجورد وبزرگترلاجوردی تنهاوحاشیه‌ها میان آندواست ومتن درجدول کوچکتر . ١٥
نویسندهٔ آن ملاحسین معلم‌ماهانی میباشد که درروز گار کرمانی بسال١٢٩٦ آنرا نوشته ونامش درشماره۲ دیده میشود. گ۱ب ــ ۲۳۰الف وفهرست آن پیش از آن‌آمده است . شماره دوم دو مطلب است (ذکر ــ دعا) درچند فصل وخود کرمانی میگوید که آنراپس از«وسیلة‌النجاة» نوشته‌ام وپیوست آنست وچنین میباشد :«بسمله الحمدلله‌رب‌العالمین ... اما بعدچنین گوید بنده خاطی جانی محمدبن عبدالنبی بن نعمة‌الله البحرانی ـ ومسلمین همگی بگذشتند برطوائفی که غیرایشانند . الحمدلله‌الذی‌جعل‌ختام هذاالکتاب ... ولاحول ... العظیم» گ۲۳۱ب ـ ۲۳۹ب . ٢٠

٦٢٢

(۲۴۹گ) ـ کاغذفرنگی ـ جلدتیماج سرخ‌ضربی مقوائی
اندازه: ۲۱×۳۴ و٥ر۱۲×۲۴ س۲۷

پایان بخش یکم از جلد سوم

تااینجا گفتار پنجم از فهرست کتابهای فلسفی کتابخانه دانشگاه تهران که استاد دانشمند ارجمند جناب آقای سید محمد مشکوة بیرجندی بخشیده اند بپایان رسید و گفتار های دیگر نیز از این پس خواهد آمد .

گرد آورنده و نگارندهٔ این فهرست: محمد تقی دانش پژوه ـ از آمل تبرستان ـ تهران، یوسف آباد ، کوی کارمندان .

فروردین ماه ۱۳۳۲ خورشیدی .